





با آهن تافته در رفع خفقان و استسقا و ضعف جگر و معد و ریه قوی تر از آب تافته آن است و دروغ با آهن تافته  
 ال د موی و نطفه و استرخای معده و قوی تر است و چون براده آهن را در شراب بیکه زهر آلوده باشد  
 اند تمام زهرها را بخود جذب میکند و رفع سمیت آن میشود و شرب آن زیان نمیرساند و خیمه الحیدر  
 ان الحیدر انشاء الله تع من کور خواهد شد و براده آهن را چون بخورند درد شکم شدیدی و خشکی در من  
 آورد و ملاوای آن با شامیدن شیر تازه و روغن با بعضی از ادویه قویه است و بعد از آن مسکه و روغن  
 در روغن کل و سرکه بر سر بماند و مقداری در م مقناطیس بخورند و امراق دسمه و روغن گاو بنوشند و در  
 آن آورده اند که براده آهن اگر بر کسی بنزد که در خواب دندان بخاید و یکرنگی دهد دستور قتل آهن  
 طور اهل هند است که براده آهن ساده با فولاد از هر کدام که خواهند سه شبانه روز در بول کار  
 اند پس برآورده بر روی سنگ بآب هلیجیات بسایند پس قرص ساخته خشک نمایند و مجموع قرصها را در  
 غل کرده و سفالی دیگر بر بالای آن گذاشته در آن را بکل حکمت محکم سازند و تا یک هفته در میان سرکه  
 ای هر روز بکند و پس برآورند تا ده مرتبه مکرر بهمان طریق اجزای آهن یا فولاد را در آب هلیجیات  
 صبر تازه صلایه نموده خشک کرده در ظرف سفالی گذاشته هفت روز هر روز با آتش سرکه ای  
 و بعضی مردم در مرتبه آخر آهن را با صلایه نموده یک شبانه روز در میان ماست ترش میکنند و پس  
 با قندی نو شاد رسحق بلخ نموده هفت روز در میان آتش میکنند و بعد از آن رسحق نموده استعمال  
 و نوع دیگر آن است که براده آهن را در مرتبه با شیرو صبر تازه بر روی سنگ صلایه کنند و هر مرتبه در آتش سرکه  
 ای بکند و اند تا خوب سوخته شود و در بار دیگر بآب هلیجیات صلایه کرده در میان ظرف سفالی گذاشته و سفال  
 ن سرکه ای و هفت روز بکند و پس برآورند و بسایند و از پارچه خورنرم به پیمزد و قندی بر روی آب اندازند  
 و آب بماند و بنه آب سرد خوب کشته شد و اگر بنه آب به نشیند و بر روی آب بماند پس باید که چند بار دیگر  
 لجا ب صلایه نموده با آتش دهند تا وقتی که بر بالای آب قرار گیرد و بماند و در رته آب فرو نرود علامت کشته  
 بین است دستور قتل فولاد فولاد را براده کرده و در غیر محرق که بهندی سکنه نامند نو شاد در تنکار زهر بکند  
 همه را در پیازده پاس در آب برک صبر تو که بهندی که کوا رکوبند در ها و ن سکی رسحق نمایند و باز در وازند و  
 بود و عصاره ناک پهنی که کیا و هندی است رسحق نمایند و باز تا دوازده پاس دیگر در عصاره بسکه هر که که نیز کیا و  
 رسحق نمایند پس در پیاله شیشه بسیار ضخیم کرده سر آن را بسته در آفتاب بکند و عصاره از هر یک از اجل  
 لثوبری و سیتا گاندل و کنک تر یا تا سه سه روز هر یک را اجل او به تنهایی بر روی آن بریزند که از روی فولاد  
 بر گردد و تا چهل و نه روز به ترتیب مذکور این عمل نمایند و روزها در آفتاب بکند و سر کشاده و لیکن  
 نمایند که در و غبار در آن داخل نشود و شبها سر آنرا بپوشانند و بعد چهل و نه روز تا یک هفته در آید سر آنرا بپوشانند



ن جمیع انرا

نقار سیر و ر ۵ و اخیل و بول الد م دررم طحا

برک جامون

تا آن بگیرند مغل ارد و قوله یا هر قل ر که خواهند فولاد جوهر دار و براده نمایند و در  
 روز یکست و در اکثر بلاد هند و بنگاله و افراست برین قسم که برک تازه آنرا گرفته اند و غبار صاف نموده بگویند و آب آبی  
 افشرد و بگیرند و براده مسطور در آن ریخته در آفتاب بکندارند و از گرد و غبار محافظت نمایند بجوش آمد و بعد  
 اجزای آن فولاد مثل کف بالا جمع خواهد شد پس آنرا برهم زنند و روز دیگر در آفتاب بکندارند و باز برهم زنند و روز  
 یک ستور پس روز چهارم آنچه کف و آب صافی آن باشد بعد برهم زنند و زمانی گذاشتن در ظرف نمایند و قد رح آبی  
 خالص بر آن ریزند و در آفتاب و یا سایه نگاهدارند تا آب خالص بالا ماند و فولاد کشته در زیر پس آب صافی را از زیر  
 آن ریخته و نه نشین را خشک نموده بکار برند و بر درد اول بد ستور آب برک جامون تازه نیمه گرفته ریخته و تا سه روز  
 آفتاب بکندارند روز چهارم قد رح آب در آن ریخته برهم زنند و بعد از ساعتی صافی آن را در ظرف علیحد و بگیرند و بکندای  
 نه نشین شود آب بالای آنرا ریخته ته نشین آنرا خشک نمایند و با ته نشین اول یکجا نمایند و با غبار خامی  
 همچنین عمل آورند تا دیگر دردی و فولاد خام نماند و اگر بعد اتمام مرتبه دیگر مجموع ته نشین صافی ها را یکجا نموده آب  
 برک جامون تازه بر آن ریزند و سه چهار روز در آفتاب بکندارند پس بد ستور آب بر آن ریخته برهم زده صافی آنرا بگیرند  
 و بکندای نه نشین شود آب صافی آنرا ریخته ته نشین آنرا خشک نموده آن هنگام بکار برند و میکردا لطف و قوی و بدین نوع  
 قتل ثل چند آن در آن نیمه اند و مقدار شربت از آن نیمه برنج تا یک درج است و بدین دستوار آهن و مس نیز کشته میشود  
 دل بر تنقیه براده آهن چنان است که براده آهن را در میان سفال آب اندید و با آتش سرخ سازند و در روغن آفتاب نور  
 برزند پس برآورده سرخ نمایند و در سرکه اندازند پس برآورده در آتش سرخ نموده در بول کاواند از آن پس برآورده سرخ  
 نموده در روغن ما ست کاوترش اندازند پس برآورده شسته خشک نموده بسیار نرم سائید و بکار برند و دستوار یکمای هفت آن  
 است که تا اول فلزات را با این قسم تنقیه نکنند و صاف از جرم نسا زند بکار نمیبرند و مکش نمیسازند و تنقیه مس و نقره و غیرهم  
 نیز به همین دستوار است عمل زعفران السید است که آهن سوهان کرده در غایت ریزگی را باید چند بار با آب نسله  
 شست تا سیاهی او زایل گردد پس با آب صاف غسل داده خشک کنند و با ربع وزن آن نوشادر سحق نمایند و بر روی لته یا ظرف  
 سفالی پهن نموده در مکان نمناک دفن کنند تا دوازده روز بماند و با بل سحق گردد و قسم دیگر که معمول بعضی از علماء  
 صناعت است صنعت آن صل مثقال براده حل بد را بد ستور مل کور شسته در قرح مطین کرده مساوی آن نیز آب فاروقی اند که  
 اندک در آن ریزند و هرگاه دود از آن ظاهر گردد اندکی بول در آن بپکانند تا جوش آن فرو نشیند پس با بقیق برآورده  
 وصل کرده با آتش بسیار نرمی تقطیر نمایند و چون مجموع تیزاب مقطر گردد آتش را تند کنند تا دهه منفس و زعفرانی  
 رنگ گردد و در آن السید منقول از طب کیمیائی بر اکل سوس نافع است جمیع انواع اسهالات را معالجت و سعال  
 و اسهال کبدی و رعاف و نفث الدم و نفث اللم صنعت آن بگیرند براده آهن هر قل ر که خواست و چند مرتبه با سرکه  
 و نمک بشویند تا منقی و صاف گردد پس با آب خالص بشویند و در قرح نمایند و ماء الکبریت یک جزو و آب خالص در  
 جزو بر آن بریزند آنمقل ار که آنرا بموش و در جای گرم بکندارند تا منحل شود پس خشک نمایند با آتش ملایم پس  
 منحل نمایند و بگیرند صاف را رحل کنند حل رطوبت و بر دازند و در شیشه نگاهدارند و عند الحاجة بکار برند

معجون فولاد از معاجین هندیان است \* رخاوص بسیار دارد و فالج و لقوه و جرع و سگته و ریش و نسیان و عرق النساء و مفصل و جمیع امراض باغمی را نافع باشد و حفظ را زیاد کند و معد و راقوت ده و باده را برانکیزاند و سرعت انزال و سلس البول را دفع کند و پیران و امراض یارده را عوا نق باشد \* صنعت آن زعفران فلفل سیاه و سفید دار فلفل شجرف شسته با آب لیمو نرم صلایه کرده کبابه چینی مصطکی رومی انیسون ماهی سقنقر و سنبل الطیب بسباسبه قرنفل دارچینی بهمین هلیله سیاه که بریا مرجان مروارید ناسفته لسان الطیر تخم کرفس مغز بنیه دانه تخم نا قور و زهر گرفته بریان کرده جنطیانا رومی مایه شتر اعرابی زنجبیل مغز کنجشک مغز سرخ و من کنجک مقشربا بونه جوز بو آمله منقش قافله کبار پوست هلیله کابلی شیطرح هندی نا نخواه مغز نارنجیل هلیون سلیخه از هر یک ده مثقال اشتراغ مغز

چلغوزه حب النیل هندی خصیه القلعب مصری زرنباد تخم از یانه بلا در زهر گرفته بریان کرده انیسون شامی طویل زرا و فل کورد اسفیل مشوی شاهتره از هر یک پنج مثقال افیون مصری چهار مثقال عنبر اشهب خالص مشه خالص از هر یک یک مثقال طلا و نقره مخلو لین از هر یک پنجاه ورق فولاد مکاس ده یک همه ادویه قند سفید چهار ریا و عسل کف گرفته قند کفاف چنانکه رسم است معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی از یک

یک مثقال \* **باب الحاء المهملة مع الزاء المعجمة \*** حزم بفتح حاء می

سکون رای معجمه و میم در آخر و ای مرکبی است که در چشم استعمال کرده میشود جهت قلع بیاض و احسن در آن پوست بیضه مل بر است و اگر با شکر یا نبات تنها ممزوج نمایند میگردد مسمی بحزم صغیر و اگر با ادویه ترکیب نمایند بحزم کبیر و اگر وقت استعمال عسل نیز ممزوج نمایند حزم معسل و این در احوال بیاض غلیظ و قویه مستعمل است نه بیاض رقیق و ابل ان ضعیفه \* دستور آن بمر پوست بیضه آن است که قشر سخت بیضه با لعمام که شتر مرغ نامند گرفته در آب شیرین تخم ساندل و بکن آرند تا متعفن شود و قشر رقیق اندرون آرند و در بشویند و آن آب را تبدیل نمایند تا دیگر قشرازان جل آن گردد و آب متعفن نشود پس شسته خشک نمودند

استعمال نمایند \* طریق دیگر آن است که با آب و نمک و خاکستر بهمان قسم مل بر نمایند و آخر با آب شیرین خشک نمودند و سائید \* استعمال نمایند و برای این امر پوست بیضه بچه بر آوردند بهتر است \* حزم کبیر که

بیاض بغایت مؤثر است \* صنعت آن قشور بیضه مل بر مروارید ناسفته عسل نی کهنه خاکستر صدف سوخته لیمو بر اعصاب دمنه اقلیمیای فضی اقلیمیای ذهبی شاد نج مغسول بسد محرق مغسول رما د جناح نسوخته با قلا از هر یک یک جز و هر مس سوخته ربع جزوی شتر مرغ یعنی بول خفاش نصف جز و عکوفته لیمو بر بیضه در چشم کشند یا در زور نمایند و باید که در وقت در زور نمودن بر پشت خوابید باشد \* حزم معسل جیه

بیاض بغایت مؤثر است \* صنعت آن پوست بیضه مل بر گرفته از قافله کل را نید با صدف سوخته و بسد و سوکین خطاف و سرکین سوسمار و بورد ارمنی با السویه مخلوط نموده با زهره بزرگتنک سرشته شفاف

و عند الحاجة با عسل شهد رقیق صافی حل نموده استعمال نمایند و قبل از استعمال چشم را به اشجار

یا بونه و اکلیل الملك و سد اب و حایه بد آرند و در معالجات بقراطی مل کور است که پوست تخم مرغ را که

مغیر نمایند با سرکین کبوتر و سوسمار و خطاف از آن بیاض چشم که از آبله بهم رسیده باشد می نمایند و

معسل از آن قوی تر است \* حزم معسل دیگر نافع از رای قروح عین \* صنعت آن بمر آن لب پوست تخم شتر مرغ

چنانکه مل کور شد صدف سوخته مغسول شمع بسد سرکین خطاف بورد ارمنی صلایه کرده تسویه کنند

کوکس و زهره کلنگ و خشک کردن و سحق نمایند ثانياً و حل کنند در عسل رقيق صاف و در چشم کشند \* و حزم صغیر  
به نسخه حای صغیر که قروح چشم را نافع است ویر میگوید اندک خطر قونیة را \* صنعت آن پوست تخم مرغ مد بر شایم  
محرق شاد نج مغسول از هر يك جزوی گرفته بحریز بر بسته در چشم کشند \* حزم صغیر دیگر همین صنعت دارد و قروح  
همین را نافع و جراحات های چشم قریب العهد را پارسازد \* صنعت آن پوست تخم مرغ مد بر نبات بسیار و نرم سائید \*  
چشم کشند \* **باب الحاء مع السین المهملة** \* حاك بفارسي خار خشك نأمد بری و بستانی

بیا شد و بستانی بهتر است شبیه به نبات هند وانه و شاخهای آن منبسط بر روی زمین و برکش شبیه ببرک زیتون  
و شاخهای آن خاردار و در شمش صلب و سه بهلور از نخود کوچک تر و سفید و اطراف آن تند مرکب القوی و خشکی آن  
غالب و جالی و مدربول و مسکن درد مثانه و افزاینده منی و مفتت حصاة و منضج و رادع و ملین و رافع قولنج حار  
و بالشراب جهت ادویه سبیه و ضماد عصاره و طبخ آن جهت رادع ورم خار و منع حدوث آن و ریختن مواد با اعضا و بعمل  
جهت قلاع و عفونت دهان و ورم عضل حلقوم و در دلته و اکتحال عصاره آن مبرد و مجفف و رادع است و در مثقال  
عصاره حاك بری آن با شراب جهت سم افعی و پاشیدن آب طبخ آن جهت بر طرف شدن كيك بغایت مؤثر و چون نخود  
را در آب تازه آن مکرر برورد و کنند در تقویت باه بی عمل و قد رشر بتش تا بنجد روم و مضر سپرز و تاملش باد م  
و روغن کنجد است و تخم آن در افعال مثل عصاره آن است \* دستور مد بر نمودن حاك آن است که حاك اندک با شوره  
از دوشید و سه بار ریخته خشک کنند و این در تقویت باه بی عمل اندارد \* دهن الحاك تل همین با آن و سقنه نمودن  
آن و آشامیدن آن جهت تقویت باه و در مفاصل و نیکو کردن رنگ رخسار و در کمر و کرده و عسر بول چکانیدن و مالیدن  
آن در اخلیل و عانه و کمر جهت حصاة کرده و مثانه مؤثر و قد رشر بتش مفت مثقال است با میخچه یا با نیل و بعمل \* صنعت  
ن بکیرند آب برک حاك تازه هر قدر که خواهند و با نیم وزن آن روغن کنجد تازه و با آتش ملایم طبخ در دل تاروغن  
بماند و مزاج این روغن بماند و مزاج این روغن معتدل مائل بحرارت و خشکی است \* دهن الحاك المركب نافع  
ست از برای مفاصل و تحسین لون و تقویت باه و تجریص بر جماع و اصلاح حال کرده و مثانه و ظاهر چون بپاشانند از آن  
ماريك اوقیه با میخچه هر روز یا با نیل و استعمال کرده و موشود در حقه ها \* صنعت آن کنجد و شوره و شوره و شوره  
نیل و آب حاك تازه افشرد و از هر يك ده رطل فانیذ سفید پنج رطل زنجبیل پنج رطل و نیم و در نسخه قانون وزن  
بل در رطل و نیم است فانیذ و اکوبیل و حل سازند و مجموع را یکجا کرده در یک سفالی کرده با آتش ملایم بجوشانند  
و شیر خشک شود و روغن بماند پس از آتش بر گیرند و بجایایند و یک ستور مد کوریا شامدل که نافع است باذن الله  
عزوجل \* دهن الحاك المركب به نسخه یحیی بن عیسی بن جزله \* صنعت آن بکیرند روغن کنجد یک رطل و آب  
الص ربع رطل و خار خشک و دررم و زنجبیل چهار درم هر دو را نیم کوفته مجموع را در یک کرده و بجوشانند تا آب  
برود و روغن بماند پس بجایایند و در شیشه نکا و دارند و در وقت حاجت در قضیب بچکانند از برای عسر بول \*

**فصل در بیان انواع حسوها \*** بدانکه حسوء هموز بر وزن فعل ما یعی را گویند که در م  
بکشند و گاهی همزه را قلب بوا و کرده و او را اول بحجاست ضمه ما قبل مضموم ساخته و او را در وزن ادغام  
میکنند چون عد و آن را حسا نیز گویند و گویند جمع آن احسا است و بفارسی حریره نامند \* حسوا بر وزن فعل ما یعی را گویند  
و شیر زنان و منی مردان بیفزاید و رنگ را نیکو کرد اند \* صنعت آن نشاسته گندم سه مثقال و نیم در شیشه کوریه  
من قبریز که مفتاد وینچ مثقال صیرفی باشد حل کرده آب بستانان افزوده مثقال و نیم مغز شیرینجند و شیرینجند و شیرینجند

نمودن کشید و سر آنرا بود برونها و مطبوخ را بتورق بمعای مستقیم میکرد اندک و از برای حقنه در قبل نیز باین شکل  
میسا زدن لیکن کوچکتر و از اطبا بعضی حقنه را بشکل قمع میسا زدن لیکن آن سرا نموده قمع را که در داخل دبر میگرداند  
کچ میسا زدن باین شکل  و کسی را که حقنه میکنند بر پهلوی خوابانیده و سر کچ انبویه را بر آن نهاد و مقل از  
از مطبوخ که بیک نفعه بآن حقنه کرد و میشود در جرعه دان کرده از لوله جرعه دان اندک اندک مطبوخ را در حقنه  
میریزند که داخل شود در معای مستقیم و ریخ برای آنکه اگر همه آن را و یا بسیار آن را از آن و بیک نفعه در حقنه بریزند  
راحتی که در معای مستقیم است مانع داخل شدن مطبوخ نمیکرد و چون تمام مقل از مطبوخ که بیک نفعه بآن  
حقنه کرده میشود داخل معاش حقنه را از دبر برداشته صبر میکنند تا آنچه بد آن حقنه شد برگردد و پس اگر محتاج  
به نفعه ثانیه و ثالثه نیز میباشد بعد از برگشتن هر دفعه نفعه دیگر بدستور مذکور بعمل می آورند و باین طریق محمول  
ما ملان حقنه اهل فارس است و اهل عراق و خراسان پس ایشان حقنه را باین نحو میسا زدن که انبویه که بچشم خنصری باشد  
دولچه را از چرم خام بر سر آن نصب میکنند بنحویکه هیچ منفذ میان انبویه و دولچه نباشد و مقل از مطبوخ که بیک  
نفعه بآن حقنه باین نمود و در دولچه ریخته سردولچه را بهم آورده میفشازند تا تمام مطبوخ در معای مستقیم داخل شود  
و بعضی گفته اند که انبویه حقنه باید که بقل ریزک شهر باشد و اگر حقنه حاضر نباشد مثلاً کاهری را بقل ارجاج  
در آن نفخ دمید و بدست کوبید و بزرگ کرده بر سر آن انبویه بسته در آن مثانه دوا بگورده انبویه را بر مخرج غافلانه  
مثانه دوا را بفشارند تا تمام دوا بقل و مطلوب داخل معاش شود پس انبویه را بر آورند و مریض زمانه بطرف  
بخوابد پس چون تقاضای حاجت شود برخیزد و تقاضای حاجت نماید و اگر تقاضا نشود نیز برخیزد و دفع آرد  
و غیر آن نماید و این سهل و آسان است در جائیکه حقنه نباشد مانند بلاد هند و بنگاله که عمل حقنه معمور  
اما طریق حقنه کردن پس بر عامل حقنه لازم است که تا مل کند درین معنی که رجوع در کل ام موضع است پس  
باشد و جمع مائل بنا حیه پشت حقنه کند علیل را حال کونی که بوده باشد مستقیماً و این بهتر است از برای آن  
باشد آن را قولنج بمشاکت کرد و اگر رجوع بود و باشد مائل بنا حیه قل ام باید که حقنه کرد و شود علیل  
بوده باشد علیل بارک و بالجمله حقنه کردن حال کونی کسی را که حقنه میکنند بوده باشد بارک یعنی از نو بر زمین  
بلند و برداشته بهتر میرسد حقنه بمعای مستقیم و کاهی حقنه کرد و میشود حال کونی که خوابید و به پهلوی  
و بالجمله هر کس را که حقنه کنند بهتر آن است که بعد از آن که حقنه را از دبر آورند شستن به پشت بخوابد  
باید که سرا نموده را که بمقل و مینهند چوب نماید و بعضی مردم را صوب آن است که خنصر را بقیر و طی  
چند مرتبه درد بر او داخل کنند تا دبر او کشاده گردد و باند از انبویه گردد و بعضی نیستند محتاج باین عمل  
گفته که بهترین ارضای کسی که آن را حقنه میکنند آن است که به پشت بخوابد و پس آن است که بخوابد بپا  
سفر نه هفتم در ذکر ترکیب حقنه های مسهل و غیر آنها بد آنکه ترکیب حقنه های مسهله قریب است به ترکیب  
مسهل و آن اخته میشود در حقنه های سردار و همچنانکه در مطبوخات مسهل و لیکن باید دانست که مسهلات  
چون صبر و مالچیات در حقنه ها داخل نمیتوان نمود و چنانچه بعضی از ادویه حقنه ها را در مطبوخات داخل نمیتوان کرد  
چون زهره گار و بعضی گفته اند که داخل نمودن اقیقون و غار و قون و سقمونی و ریون چینی در حقنه ها خالی از فائده  
نیست و اما استعمال کرده اند و در اکثر نسخهای متفک مین و متاخورین داخل هستند و ششم حنظل در حقنه ها اگر چه  
همه اطبا داخل نموده اند و اما بهتر آن است که داخل نکنند و حکیم میرزا محمد مؤمن در تحفة المؤمنین گفته که آنچه

بعضی اطباء گفته اند مسهل بعصر را در حقنه ها جایز نیست که داخل نمایند اصلی ند ارد زیرا که عصر در فو هات مجاری و عروق ضیق است نه در انضیه جواب آن است که فضا مکان مملو از هوا را گیرند و این معنی بدیهی است که تا تیرد واد ر فضا نمیباشد مگر بواسطه عضوی که فضا در ان عضو است و تاثیر عواصر در عضو البته میباشد در فو هات و عروق ضیق آن پس نباید بر قول حکیم اعتماد نمود بدلیل باطل و لا طایل که آورد و مولا نانیس کرمانی در شرح اسباب مسهلات بعصر را چون صبر و هیلجیات در حقنه ها داخل کرده لیکن اتفاقی بعمل او نیز نباید کرد و اقسائی گفته که ترکیب حقنه قریب است به ترکیب مطبوخات الا آنکه داخل کرده نمی شود در حقنه ها مسهلات بعصر مانند هیلجیات و صبر چنانکه داخل کرده نمیشود در مطبوخات مشروب و ملقات و بسیاری از جالیات مانند املاح و بروقات و بسیاری از روغن ها محرر میگردید چون عمل حقنه اکثر به تلیین و تغذیه و اتساع امعاء و انضیه و اذا به و ترقیق و تزلیق فضول و اخلاط یا بسطه محتبسه علی طبعه مجتمع در امعاء و معده است و مقصود از استعمال آنها نیز همین امور و دفع آنها است فعل ادویه مسهله بعصر منافعی غرض مطلوب است با اعتبار قبض که لازم آنها است پس اگر داخل نکنند بهتر و اولی است و بدانکه حقنه های مسهله یا میباشند لینه که استعمال کرده میشوند در حمیات حار و وادرام حار و در احشا و بیوست ثقل و فرا گرفته میشود حقنه لینه از چیزهاییکه اسهال کنند به تلیین و از لاق و جلا چون کل بنفشه و خطمی و آرد جور و نخاله کندم و نیلوفر و عناب و سپستان و برک چغندر و برک کاسنی و خبازی و حنظل و عمل السوس و تخم کتان و زریب منقی و مانند اینها که حقنه کرده میشود بمطبوخ بعض اینها یا بکل بحسب حاجت اندج یا با سرد اروج چون فلوس خیبار شنبر و شکر سرخ و ترنجبین خراسانی و شیر خشک و باد هان بارد و رطبه و امه نبهلی رقیق و همین حکم دارد حقنه کردن باد هان بارد و رطبه چون روغن بنفشه و روغن کد و روغن نیلوفر و روغن بادام شیرین و روشن کل سرخ و کنجد و آب گرم با اندکی نمک طعام که بقوت جلا اعانت بر فعل باد هان و انضیه میاید و باید و باید که زیاده کرده شود در قولنج یا در تخم کلم و اکلیل الملك و بابونه و بورق ارمنی و با حقنه مسهله حاده است که استعمال کرده میشود در قولنج یا در و صرع و سبات و مانند اینها و حقنه حاده فرا گرفته میشود از ادویه ملطفه زاده که اسهال آنها به تدوین و تبخیر باشد مانند قهوه و ریحون و قیق و سد اب و برنج سف و فودنج و مشکطرا و مشیح و بسفایج و اکلیل الملك و بابونه و شبث و اسطوخودوس و بزرالقرطم و حلیه و صغیر و حرمل و شهان انه و تخم و زبیره و انیسون و مرزنجوش و مغز حب الخروع و برک کلم و تخم کلم و تخم را زبانه و برک انجیر و انجیر و مویر نه و مانند اینها از محلات قریبه که حقنه کرده میشود بمطبوخ بعض آنها یا بمطبوخ کل آنها و یا بمطبوخ امثال سادج یا با سرد اروج چون شحم حنظل و نمک هندی و نمک طعام و بورق ارمنی و محمود و رمل اوز و جاد و شحم لبینج و اشق و هسل و فانیذ و آبکامه و مانند اینها و نیز حقنه کرده میشود باد هان حار و مانند زیت و زندق و حیرس بادام تلخ و تخم کتان و ماء العسل و فانیذ و صری به تنهایی یا با سرد اروج مانند تربک و شحم حنظل و ملح هسل و سکبینه و قمل و اشق و خیار شنبر و مانند اینها و یا میباشد حقنه مسهل متوسطه و آن میباشد مرکب از بادام تلخ و لبینه و حقنه حاده و غیر حاده و بدانکه در هر قسم از اقسام ثلاثه رعایت مقدار حاجت و سهولت علت و سهولت آن ضعف شخص و قوت آن و اقتضای مزاج و وقت چنانچه در قوانین کلیه استفرغات و قوانین کلیه مرکبات ذکر گردید لازم و بدانکه هرگاه ترکیب کرده شود حقنه از برای اوجاع مفاصل و عرق النساء لازم است که زیاده کرده شود در اجزای آن اجزای ملطفه مانند عا قرقها و زنجبیل و حاشا و حب الغار و مرما هوز و باهل و بیه کبر و مسهلاتی که مخصوص میباشند

میباشند بمغاصل چون سورنجان و بوزیدان و ماهی زهره و امثال اینها و اگر از برای اخلاط سوداویه باشد باید که داخل گردد و شود در مطبوخ مسهلات سودا چون افیمون و اسطوخودوس و بسفایج و بادرنجبویه و مانند اینها و اگر از برای کرم امعا باشد ادویه قاتله دیدان مانند شحم حنظل و تربید و نمک مند و نظرون و آب برک شغلا ل و سلاقه بیج توت و قشور رمان و قطران به تنهایی و روغن زیت داخل نمایند و اگر از برای برودت رحم باید ادویه عطریه مخصوصه بود رحم و جسارت آن از ادویه ملطفه ملینه چون اشنه و نمام و سنبل الطیب و اظفار الطیب و مانند اینها و از دهان روغن ترکس و روغن حب الخروع و روغن حبه الخضر و روغن بزرکتان و زیت و روغن بادام تلخ و کردکان و روغن کا و امثال اینها باید که داخل گردد و شود همچنین میعه سائله و مقل ازرق و بد آنکه حقه که از برای رحم است هم قبل و هم در بر حقه کرده میشود و اگر از برای اورام باردگیه و مثانه باشد امثال همین ادویه که از برای برودت رحم ذکر شد با لعابات حاره چون لعاب حلبه و لعاب بزرکتان داخل گردد و میشود و نیز بد آنکه حقه کرده میشود در قولنج ریسی با دهان کاسره الریاح فقط مانند روغن سداب و روغن زنبق و ترکس و سوسن با چند بیت ستر و مانند آن و در سوء مزاج امعا و ضعف آن که از برودت باشد که میباشد با ادویه مبدله مزاج امعا و مقویه آنها مانند روغن کل سرخ و روغن بابونه مقداره درم تا بیست درم از مرد و و حقه کرده و با آن از برای تنقیه امعا که میباشد باید که حقه کرده میشود با آب برک چغندر و آبکامه و یا با آب نمک فقط و این ایست که استاد بقراط از فعل مرغی که ماهی بسیار خورده بود پس بمنقار خود آب دربار آورد و بر خود حقه از برای رفع امتلائی بطن که او را حادث از بسیاری خوردن ماهی شده بود تا دفع شد آنچه در بطن او بود و چنانچه ذکر یافت پس استاد بقراط استنباط کرده که حقه با آب بحر و یا آب نمک نافع است برای تنقیه امعا بطن و اگر از برای تسمین بدن و کلیه باشد باید که حقه کرده شود با مرقاد دهان لزجه و اگر از برای باه با میکنند و در مرقا مانند حنطه و رؤس و اگر ع بعضی حیوانات مناسبه و خصیه خروس و ادویه با هیبه و اضافی با آنها دهان حاره را و قتیکه ضعف با از برودت باشد و حقه میکنند با آن و اگر حقه از برای سحج و قروح امعا و نرف خون از امعا باشد حقه میکنند بطبیع حبوب قابضه مانند برنج و جاورس و عدس و جو و بریان نیم کوفته چهل درم از مطبوخ آنها با بعضی از ادویه قابضه چون آرد بلوط و عقیص و جلناریا با زرد تخم مرغ که در سه و در روغن کل حل کرده باشند و صمغ عربی و نشاسته که هر دو را بریان کرده باشند و کل ارمنی و اقاقیا و سه از بزرگا غل سوغته و امثال اینها که قوام آن فی الجملة غلیظ و نیم کرم باشند و مقل از این ادویه سه در یا نقل و حاجت و اگر با سحج و جمع شد بد باشد مقل ری چون اندکی افیون با مصلح آن اندکی زعفران داخل و اگر از برای نرف خون باشد با مطبوخ ادویه یا بسه قابضه زرد تخم مرغ مشوی در سو که یا در روغن کل و سه کمر و اسفند سوغته و دم الاخرین و در قاق کنر و طرائیف و عصاره انجبار و ورماد بردی که بزرنا منل بفارسی است و سیکینیل و مقل مه هشتم در ذکر قول کلی که شیخ دارد باعتقاد خود در حقه آورده و اکثر آنها موافق قوا و عقلیه و اقوال متقل مین نیست بل آنکه گفته که استعمال کرده میشود حقه هرگاه بود و باشد مرض در عضوی از اعضاء سفلی خواه آن مرض در آن عضو اسفل مستقر باشد مانند قولنج یا معود کرده بشرکت مرض عضوا سفلا با عضای عالییه و بقید لغیر داخل میشود مانند دوار و سردی بدن رستیکه دوار و سردی از امراض ماغی است و و ماغ از اعضای عالییه است و حقه میکنند در علاج آنها جهت آنکه انخره که بسبب دوار و سردی راست از کلیه و طحال است و کلیه و طحال از اعضای سفلیه



است پس در تحقیقت دوا و روسد در تحت امراض کلیه و طحال است میفرمایند که نیست این قول موافق عقل و اقوال اطباء است  
 نبودن آن موافق عقل پس باین جهت است که قول آن در انحصار استعمال حقنه در امراض اعضای سفلی بغیر دلیل است  
 و آنچه را عقل حاکم است آن است که حقنه ای مسهل و ملین را در فائده است یکی اسهال در بیم اماله و اگر چه این معنی  
 حق است که قوت اسهال حقنه بدفع مواد اعضای عالیه نه میرسد بلکه منحصر است اسهال آن بدفع مواد اعضای سفلی  
 ولیکن استعمال آن موجب اماله و جذب از اعضای عالیه میباشد چنانچه بی نیکوزیرا که هر چه نرم کرد اندک نفع امهارا  
 و باز لاق دفع کند و بقوت اسهال دفع فضول از اعضای سفلی نماید بضرورت محال بودن خلل و اتصال و طواریات بدن  
 بیکدیگر جذب کرده میشود مواد و فضول از عالی با سفلی و باین معنی تصریح کرده اند جمیع اطباء که حقنه جذب میکنند  
 میکنند از عالی با سافل و قی جناب میکنند از سافل با عالی و لهذا استناد بقراط امر کرده در اورام دماغی با استعمال حقنه  
 و منع کرده در امراض سوزا استعمال منقی مگر آنکه مرض سر و مشارکت معدنه باشد و باین معنی که حقنه جناب از عالی میکنند  
 اشاره در حدیث نبوی صلعم وارد شده که آن حضرت فرموده اند که حقنه درائی است ولیکن کلان میگرداند بطن را و  
 دلیل بر آنکه این حدیث اشاره است بآنکه حقنه جذب میکنند از عالی آن است که هرگاه حقنه منقی سافل باشد از غیر  
 جذب از عالی میباشد که مهزل بطن باشد ولیکن چون تنقیه فضول بطن میکنند و بدل آن از عالی جذب میکنند چنانکه  
 بطن از فضول پاک شده موجب عظم آن میگردد و آنچه شیخ داده و گفته که دوا و روسد مطلقا و کلیه از انخره کلیه و طحال  
 است غیر صحیح و توهمی باطل است زیرا که اگر چه این دو مرض گاهی بسبب انخره کلیه و طحال حادث میگرددند ولیکن  
 سبب کلیه بجهت آنکه اصل آن است که سبب آن هر دو در نفس دماغ باشد و بسا باشد که به مشارکت معدنه یا از اسباب  
 بر باشد غیر مشارکت انخره کلیه و طحال چنانچه در بحث اسباب دوا و روسد و مفصل مذکور است پس آنچه گفته که  
 طلق دوا و روسد بسبب انخره کلیه و طحال غیر صحیح است و نیز گفته که شرط است در استعمال حقنه که بود و باشد  
 اعضای رئیسه صحیح و قوی پس نمی باید که حقنه کرده شود در مرض و وضعف عضوی از اعضای رئیسه و این قول نیز غیر  
 صحیح است بدو وجه اول آنکه هرگاه بوده باشد صاحب مرض اعضای رئیسه و صاحب ضعف اعضای رئیسه محتاج به تنقیه  
 به نفی خلط بالضروره حقنه افضل است از استعمال مشروبات مسهله زیرا که نمیگردد حقنه ملاقی اعضای رئیسه و  
 سبب از سمیت ادویه مسهله و آنچه در حقنه بقلب و کبد بسیار چنانچه ملاقی میگردد ادویه مشروبات و میرسد الرسمیت  
 به مسهله و آنچه از مشروبات بقلب و کبد و با وجود آنکه نمیرسد ضرر ادویه حقنه بآنها جذب میکنند مواد آن اعضا  
 ماله مواد از آن اعضا میکنند و موجب صحت آن اعضا میگردد پس استعمال حقنه در امراض آن اعضا بهتر است  
 استعمال مسهلات و مقیئات مشروبه و وجه دوم آنکه حقنه جذب میکنند مواد و فضول عالی بدن چنانکه ذکر شد  
 در هرگاه مرضی در اعضای رئیسه عالیه باشد وضعف به سبب سوء مزاج مادی بالبدن به حقنه جذب میکنند ماده انرا  
 سافل و اماله ماده آن میکنند و ظاهر است که هرگاه جذب و اماله کرده شود ماده عضو مرضی وضعف دیگر موجب  
 زوال مرض وضعف آن میگردد بجهت ازاله سبب مرض وضعف که ماده فاسد است و چون از آن در زوال مرض وضعف  
 آن دور میگردد زیرا که زوال سبب سبب زوال مسبب است و شیخ رئیس در قانون تصریح باین نموده که اگر باین حقنه  
 جذب از اعضای رئیسه عالیه است مگر آنکه حقنه های حاده میباشد مضعف کبد و نیز شیخ داده و گفته که واجب است که  
 واقع شود حقنه در وقت اعتدال و نباید که حقنه کرده شود در گرمی روز و نه در سردی و این قول نیز صحیح نیست زیرا که  
 شیخ رئیس گفته که افضل وقت حقنه سردی هوا است و گفته که وقتها را ببرد آن یعنی وقت حقنه در وقت اعتدال است

از روز که صبح و شام باشد یا د و نصل بارد است از سنه که زمستان و خریف باشد تا نکرد که موجب کرب و اضطراب و غشی و نیز از شان حقه است جذب اخلاط محتقنه و در وقت سردی میباشند اخلاط محتقنه بخلاف وقت گرمی و وقت اعتدال که نیستند اخلاط محتقنه و از این جهت است که شیخ رئیس منع کرده از رفتن بحمام پیش از حقه و حقه کردن بعد از حمام زیرا که از شان حمام است که بحرکت در آوردن اخلاط و تغریق و تحریک اخلاط بظاهریدن و از شان حقه است جذب و اخراج اخلاط محتقنه و نیز گفته که خطر حقه بسیار است و واجب است تجرعه را جتها در آنها و این نیز توهمی باطل است چه موافق احادیث و اقوال اطباء حقه دوائی کثیرا لنفع و بی خطر است بخلاف ادویه مسهل مشروب و مقیئات که نیستند حالی از خطر زیرا که اثر سمیت و حلت ادویه مسهل و اقعه در حقه نمیرسد باعضای شریفه و ریسه مثل معد و قلب و دماغ بلکه نمیکنند از معا و میباشند معا از اعضای خسیسه ضعیفه الحس و نمیباشند در معا معدن قوتی ضروری پس نمیکردند متاثر و متاثر از آن ادویه تا تیری معتدل به بخلاف معد و قلب و دماغ که معد و عضو ذکی الحس شریف است و اعضای ریسه معدن قوتی ضروری میباشند پس از مرور ادویه مسهل مشروب و مقیئه بسیار متاثر و متاثر نمیکردند پس در مسهلات مشروب و مقیئات خطر است بخلاف حقه و نیز در احادیث نفع حقه و قلت خطر آن وارد است و نیز اقوال اطباء جمیع اهل است بر آنکه خطر حقه کمتر است از خطر مسهلات مشروب و مقیئات \*

حقه مسهل بارده قلمی فرموده اند که از قبیل دستورالع

### فصل فی ذکر بعض نسخ الحقن \*

از حضرت علامی رئیس الاطباء و والد ما جد فقیر میر محمد هادی علوی شیرازی خراسانی الاصل قدس سره مستعمل حاره \* صنعت آن آب برک کلم آب برک چغندر از هر یک یک سته سموس آرد جو یک کف کل بنفشه کل نیز الة حلب پر سیا و شان کل خطمی سفید تخم خیارین تخم خربزه تخم کاسنی تخم خبازی پوست بیج کاسنی بیج راز السوس از هر یک دو مثقال عذاب ده دانه سپستان بیست دانه مجموع را در یک من تبریز آب نجوشانند آن ثلاث آب بماء صافی نموده شیر خشک خراسانی ترنجبین از هر یک ده مثقال فلوس خیارشنبه پانزده مثقال کرده بپالایند و روغن بادام شیرین یک مثقال روغن کل سرخ روغن کدو آب کاه نمک تبی رقیق از هر یک ده طعام یک مثقال ریوند چینی یک رم سوده سردار و نموده اولایک مرتبه با آب نمک که نمک آن بسیار کم باشد حقه پس مطبوخ را چهار حصه نموده بچهار نعه حقه نمایند و هر مرتبه که حقه شود تا بر نکرده ده فعه دیگر حقه اگر مرتبه اول که حقه کرده شود ویر بر کرد داند کی نمک را بیفزایند و مطبوخ را اندک کمتر نمایند بر کرد داند قد ری نمک را کم کنند و گرمی آنرا مائل با اعتدال نمایند که دیر بر نمیکرد و باید که سه ساعت از شروع نمایند که ربع روز تمام شده باشد و بعد از مغرب شروع کنند که قویب به نصف شب با تمام رسد \*

لینه این نیز بطریق دستور العمل است \* صنعت آن سر بنفشه خبازی اگلیل الملك از هر یک ده مثقال و نیم عنب الثعلب مغز حب القرطم از هر یک پنج مثقال جوشانید صافی نموده خیارشنبه پنج مثقال ترنجبین ده از هر یک ده مثقال در آن حل کرده صافی نموده روغن بادام شیرین ده مثقال اضافه نموده و بار بار آن حقه نموده و شرط آن است که هر بار پنجاه مثقال تا شصت مثقال باشد و کمتر از پنجاه مثقال خوب نیست و هرگاه که حرارت مغز نباشد نمیکنی چهار مثقال کل با بونه خار خشک از هر یک ده مثقال اضافه مطبوخ نمایند و بپورده از منی سوده یک نیم بون با شیرین حقه نمایند و چون احتیاج بحقه شد باشد در بعضی امراض مانند صرع و سکنه و لیشر غس و معالجه هر صنفه و احتمال اینجا با این صنفه حاده حقه نمایند \* صنعت آن اسطوخودس تربل سفید جعد و مغز



حب الخروع قنطاریون دقیق شبت سورنجان از هر یک در مثقال سنا مکی چهار مثقال غاریقون سفید یک مثقال مغز حب القرطه سه مثقال عناب ده دانه سپستان بیست دانه بسقایچ فستقی سه مثقال جوشانید صافی نموده فلوس خیارشنبز یا نروده مثقال شکروسرخ پنج مثقال دران حل کرده باز صافی نموده روغن بادام شیرین ده مثقال اضافه نموده همگی آب را در حبه نمایند و در یک حبه مقل از رزق و در آنک بوره ارمی یک مثقال جاوشیر یکد آنک داخل کرده حقه نمایند و اگر قویتر خواهند شحم جاذل چند بیک سترا از هر یک یکد آنک اضافه نمایند و اگر حرارت در نهایت افراط باشد برا جزای حقه اول بعد از صافی نمودن یک پیاله لعاب بزر قطونا و روغن کد و اضافه نمایند و باید که اجزا را در سه صد مثقال آب یا تش ملائم به بزند تا بصل مثقال برسد بعد از آن صافی نموده در حبه نمایند هر حبه پنجاه مثقال و هرگاه آب حقه دیر بر گردد بعد از نصف آب اول باز باید ریخت تا آب اول را بیاورد و حقه مسهله یارده از حکم محمد فاضل قرشی نافع از خواص امراض حاره صنعت آن بزرگ چغندر یکد سته لطیف جو مقشر سنا مکی کل بنفشه تخم خطمی سفید تخم خبازی از هر یک یک کف اصل السوس یک مثقال سپستان سی وانه جوشانید صافی نموده پس فلوس خیارشنبز یا نروده درم شکروسرخ هفت درم دران حل کرده تا غسل خیارشنبز تمام حل شود پس بهالاینک و روغن بادام شیرین یک مثقال روغن کنجد هفت درم بوره ارمی یکد گرم سودا و روغن بادام کرم نبوده باشد همی قوی ربع درم سقمونیاد داخل نمایند و سزاوار آن است که بود و باشد مقد ار آن نصف رطلی و یاده بر آن نباشد مگر آنکی تا مزاجت با معای دقاق و معد و نوساند پس مورت غشی کرد و بود و باشد نیم مائیل بحرارت حقه مسهله یارده و یکوطبع یکشاید و همه بیماریهای کرم را سود مند باشد صنعت آن سنا مکی درم عناب سپستان از هر یک سی دانه جو مقشر نیم کوفته و درم کل خطمی سفید اکلیل الملک سبوس کند م آن نیم کوفته از هر یک یک کف کل بنفشه پنج درم انجیر زرد ده دانه همه را در سه رطل آب بجوشانند تا بیکوطبیل صافی نموده شکروسرخ روغن کد و روغن بنفشه آبکامه از هر یک ده درم اضافه نموده برهم زنند و نیم گرم بادام حقه نمایند حقه مسهله دیکر نافع در امراض مرکبه صنعت آن آب چغندر رشمت درم فلوس خیارشنبز ده درم شکروسرخ هفت درم دران حل کرده بهالاینک روغن کنجد هفت درم بوره ارمی یکد گرم سودا اضافه حقه نمایند و این استفراغ بلغم مخلوط بصفر اکند و ارجاع ظاهر بلغمی و ارجاع ظاهر مرکب از نیم درم صفر اکند حقه مسهله دیکر نافع از برای امراض یارده بلغمیه و ماغیه صنعت آن صغرفارسی اسطوخودوس یک پنجم مثقال سنا مکی چهار مثقال سبوس کند م کفی کل بنفشه ورق کل سرخ از هر یک دو مثقال و نیم بود و در آنک مویز منقی بیست دانه جوشانید صافی نموده شکروسرخ دو استار و روغن کل سرخ پنج سنا بوره سودا نیم درم داخل کرده بعمل نمایند حقه مسهله دیکر که همین نفع دارد صنعت آن آب بزرگ چغندر رچیل روغن کنجد آبکامه دقیق از هر یک بیست درم مزوج کرده حقه نمایند حقه مسهله حاده منقول از قرشی استفراغ بلغم کند و قولنج و ارجاع ظاهر بلغمی را نافع بود صنعت آن آب بزرگ چغندر یکصد درم جوشانید دران بسقایچ فستقی سنا مکی قنطاریون دقیق از هر یک شش درم سورنجان از هر یک در مثقال سنا مکی چهار مثقال غاریقون سفید یک مثقال مغز حب القرطه سه مثقال عناب ده دانه سپستان بیست دانه بسقایچ فستقی سه مثقال جوشانید صافی نموده فلوس خیارشنبز یا نروده درم غسل مصفی ده درم دران بمالند تا تمام غسل فلوس خیارشنبز حل شود و نیم گرم دیکر نیمه لاینک پس بوره ارمی یکد گرم از هر یک ربع درم سودا سردا و روغن کد و برهم زنند و با آن حقه نمایند حقه مسهله حاده منقول از قرشی حقه بادهای غلیظ را تحلیل دهد و فالج و لقوه و صرع و سکنه و امثال اینها را سودا و روغن مسهل از حاره یارده و از

از هر يك ده درم انجیر زرد ده دانه حب الخروع مقشر نیم كوفته بیست درم برك خروع می درم مغز حب القرطم ده درم سد اب هشت درم برك اسپست سی درم سبوس كندم بیست درم مغز بادام تلخ مقشر نیم كوفته پنجاه درم سپستان اصل السوس ریشه خطمی از هر يك نیم رطل همه را در ده رطل آب بجوشانند تا بسه رطل رسد پس بهای اینك و در هر رطلی از آن مقل ازرق و در درم سكببینیك يك مثقال جاوشیود و درم اشق يك مثقال حل کنند پس باز صافی نموده و روغن نازدین ده درم غسل مصفی يك اوقیه و نیم آبكامه و اوقیه و نیم اضافه نموده برهم زنند تا آمیخته شود پس نیم گرم بسه دفعه حقه نمایند \* حقه حاده دیکرا صاحب سکنه و صرع و فالج و قولنج بلغمی را سوده دارد \* صنعت آن شحم حنظل قنطور یون و قنق ناخواه شبت حله سد اب از هر يك کفی در يك من آب بجوشانند تا بنصف رسد یعنی یک رطل به ازل و بهای اینك پس سیمیکند و در درم زهره کاه و در درم دران حل کرده غسل مصفی ده درم روغن بادام تلخ يك اوقیه اضافه نموده بپوشد و درم سوده داخل نموده حقه نمایند \* حقه حاده قلمی فرموده اند که از تا لیف قله الاطباء والدواست و فقیر قل س سوده است نافع از برای جمیع امراض بلغمی چون صرع و سکنه و فالج و لقوه و سمبات و قولنج و وجع خاصه و بر در رحم و امثال اینها \* صنعت آن برك کلم برك چغندر و برك کرفس از هر يك ده سنته آب اینها را گرفته سبوس کندم اردجوا از هر يك کفی لسان الثور یا درنجبویه بسا ایتج فستقی اسطوخودوس قنطور یون و قنقور خشک تریون سفید درنجبیل اکلیل الملك اشق شحم حنظل عنب الثعلب پوسید و شان پوست بیخ کبریخ کوفس بیخ بادام السوس پوست بیخ کاسنی تخم خربزه حاشاک بنفشه کل خطمی تخم خبانی اذخرمکی افسنتین رومی کافیتاوس کاهله سورنجان از هر يك دو مثقال انجیر زرد عناب سرخ اسفهان از هر يك ده دانه مویز منقی سپستان بهست دانه سنابکي چهار مثقال مجموع را در يك من و نیم تهریزی آب بجوشانند تا نیم من یعنی سه صد مثقال آب بماند پس صافی نموده فلووس خیارشنبه یا نزد مثقال شیرخشت خراسانی درنجبین کل قنق آفتابی از مثقال دران حل کرده بهای اینك آبكامه رقیق روغن کل سرخ روغن بابونه از هر يك ده مثقال روغن نازدین حب الخروع روغن بادام تلخ از هر يك چهار مثقال ریوند چینی سوده يك رم بوره هندی نمک طعام سوده يك مثقال سوده ارونموده اول مرتبه يك دفعه با آب و نمک حقه نمایند پس چهار مرتبه با آب مطبوخ من کور تا هر دفعه برنگردد دفعه دیکر حقه نمایند \* حقه حاده دیکر که قولنج و اوجاع مفاصل بارده و آلام رحم و ماغي و عصبانی بارده را نافع است \* صنعت آن غنچه کل سرخ کل بنفشه بزرگتان حله شحم حنظل بابونه القرطم شبت برك کلم سورنجان جوشا نید و بهای اینك و فلووس خیارشنبه و کفن دران حل کرده باز بهای اینك پس ر الخروع داخل کرده بوره ارمني نمک مندی سوده سردار و نموده برهم زنند تا نیکو مخلوط شود پس حقه نمایند حاده دیکر درد پشت و سردی رحم و اعضای سفلی را سوده منک بود و رطوبان و حیض را فرود آورد \* ناخواه تخم بادیان تخم کرفس بزر سبوسا لیوس از هر يك در درم حله حسك بابونه شبت از هر يك هفت درم سه رطل آب بجوشانند تا به یک رطل برسد صافی نمایند پس بگیرند اشق مقل ازرق از هر يك پنجاه درم جاوشیود نیم كوفته در آب مطبوخ کرم حل نمایند پس چند بیل ستر بوره ارمني از هر يك يك درم سوده داخل کرده غسل مصفی يك اوقیه و نیم روغن کنجد روغن نازدین از هر يك ده درم داخل نموده حقه نمایند حکیم میر محمد مؤمن گفته که اگر این حقه را از برای برووت رحم و احتباس حیض استعمال نمایند باید که در قبل حقه نمایند و تا ممکن باشد اسهال ان کنند که در دفعه ثانی حقه حاده نافع از برای لیثرخس و امثال اینها از امراض بارده و ماغي \*

صنعت آن با بونه شبست مرزنجوش حرمل حب القرطم حله بزرگتان برک چغندر سبوس کندم شحم حنظل مغز حب  
الخروع قنطاریون دقیق اسطوخودوس ازهریک کفی انجیر زرد ده دانه جوشانید صافی نموده غسل مصفی هفت  
مثقال روغن زیتون آب گامه که آن را صرف کویند ازهریک هفت مثقال اضافه نموده حقنه نمایند \* حقنه حاده دیگر  
قلمی فرموده اند که از سید الحکما و استاد الرری والد ماجد فقیر است قدس سره العزیز نافع از برای امراض بارده  
بلغیمه کلیه و مثانه و زخم و استرخای اعضاء سفلی و استرخای قضیب و رحم و فضول رطبه فرود آورد و در ریحض نماید  
و اعضاء تناسل را گرم کرد اند \* صنعت آن برک کلم برک چغندر برک کرفس ازهریک یک سته آب اینها را گرفته سبوس  
کندم آمد حله ازهریک کفی لسان الثور و سغایج فستقی قنطاریون دقیق با درنجبویه اسطوخودوس هود الصلیب  
کافیتوس کاذریرس هود بلسان حاشا حما ما اذ خر مکی پوست پیچ را زیاده پیچ کرفس تخم خربزه قریباً شکر ازهریک  
دودرم سنا مکی چهار مثقال زنجبیل یک دیم مغز حب القرطم مغز استه آلبالو مغز استه شفتالوی تلخ ازهریک دو مثقال  
انجیر زرده دانه مویز منقی از حب دو مثقال برک سد اب یک مثقال مجموع را در یک من آب بنویز بجوشانند  
تا بنصف رسد پس بپالایند مر مکی سبب پیچ اشق جار و شیر مقل ازرق بارزد حلتیت ازهریک یک دیم هم گرفته در آب  
مطبوع مذکور حل کرده باز بپالایند پس فلوس خیار شیرجک اشود پس باز بپالایند پس بکیرنل بوره ارمنی نمک هندای چند یک ستر زهره  
ازهریک یک دیم سوده و بعسل مصفی چهار مثقال سرشته در آن حل نمایند آبکا مه دقیق روغن کل سرخ روغن  
نه ازهریک ده مثقال روغن نار دین روغن بادام تلخ روغن حب الخروع ازهریک چهار مثقال داخل گوده برهم  
برهمزدنی شد بد که نیکو مخلوط شود پنج حصه نموده به پنج دفعه بد ستر مقرر حقنه نمایند \* حقنه حاده که  
بعض امراض احتیاج بآن میشود خصوص سکنه و ناله و صرع و ایشرغس و در د مفاصل بارد مزمن \* صنعت آن  
اسطوخودوس تربل سفید برک چغندر مغز حب الخروع قنطاریون دقیق شبست سورنجان ازهریک دو مثقال غاریقون  
ش سفید یک مثقال سنا مکی چهار مثقال مغز حب القرطم پنج مثقال سغایج فستقی ده مثقال عناب سوسن ازهریک  
ده دانه جوشانید صافی نموده فلوس خیار شیرجک یا زرده مثقال شکر سرخ پنج مثقال در آن حل کرده بپالایند و  
حب الخروع ده مثقال روغن بادام شیرین یک مثقال اضافه نموده مکی آب را در حصه نمایند هر حصه را با  
رق دود انک بوره ارمنی یک مثقال جا و شیر یک انک حقنه نمایند و اگر اقوی خواهند یک انک شحم حنظل و یک  
چند بید ستر اضافه نمایند و اگر در مزاج حرارت مفرد باشد در حقنه این که اولاً مذکور شد بعد از صاف کردن  
لعاب بزرقطونا و روغن کل اضافه نمایند و باید که اجزای رسه صد مثقال آب بجوشانند تا صد مثقال آب  
بعد از آن صافی نموده و در حصه نمایند هر حصه پنجاه مثقال باشد و هرگاه آب حقنه دیگر کرد بقدر نصف آب اول باز  
را نخت تا آب اول را بپاورد \* حقنه معتدل نافع از برای امراض مرکب از صفرا و بلغم \* صنعت آن سنا مکی  
پنج دیم عنقه کل سرخ کل بنفشه کل نیلوفره و زبان ازهریک سه دیم اصل السوس در درم آلو سیاه بیست عد و عناب  
ده عد و سپستان سی عد و عناب الثعلب سه دیم برک چغندر برک خطمی ازهریک قبضه سبوس کندم کفی قنطاریون  
دقیق بسغایج فستقی ازهریک دودرم جمله را چنانچه مقرر است بجوشانند و صافی نموده فلوس خیار شیرجک یا زرده  
و شکر سرخ ازهریک ده مثقال در آن حل کرده بپالایند روغن بنفشه ده مثقال نمک طعام دودرم آیت الله دقیق و مثقال  
اضافه نموده حقنه نمایند \* حقنه معتدل له حکیم سید محمد مؤمن گفته که این حقنه را که اسرارش را فرستاده است

حب القرطم مقشرونیم کوفته جو مقشرونیم کوفته از هر يك ده مثقال عذاب سیستان از هر يك سی عدد كل بنفشه عذاب  
 الثلث از هر يك هفت مثقال تخم خباز معد و مثقال برگ چغندر ده عدد سبوس کند پنج مثقال مجموع را بدستور  
 جوشانید صافی نموده فلوس خیارشیر پنج مثقال ترنجبین خراسانی ده مثقال در آن حل کرده ببالایند روغن  
 بادام شیرین ده مثقال بوره ارمنی سوده يك مثقال اضافه نموده نیکو برهم زنند و بدستور مقرر حقه  
 نمایند \* حقه معتدل دیگر \* صنعت آن بزرگتان حلبه انجیر زرد عذاب سیستان كل بنفشه كل خطمی سفید با بونه  
 اكليل الملك حشاك شبت سبوس کند م از هر يك كفی بجوشانند چنانچه رسم است صافی نموده و فانیل ده درم بوره ارمنی  
 دودرم نمک هندی يك درم روغن کنجد هفت درم اضافه نموده حقه نمایند \* حقه لینه طبیب فاضل قرشی \* صنعت آن  
 آب برگ حقه رماء الشعیر از هر يك سی درم فلوس خیارشیر پانزده درم شکر سرخ هفت درم روغن کنجد هفت درم  
 بوره ارمنی اضافه نموده حقه نمایند و گاهی بدل آب برگ چغندر روماء الشعیر آب نیم کرم بایند نمود و گاهی بدل  
 فلوس خیارشیر برز آن خمیره بنفشه با شیر خشک خراسانی بایند نمود \* حقه لینه ابن جزله رفع بستیگی شکم در  
 بیماریهای کرم و حمیات حاره کند \* صنعت آن عذاب سیستان سر بنفشه خشک جو مقشرونیم کوفته كل خطمی سبوس  
 کند م اكليل الملك از هر يك كفی انجیر زرد پنج عدد در يك من و نیم آب بجوشانند تا نیم من بماند ببالایند و پنج درم شکر  
 سرخ و هفت درم روغن بنفشه و هفت درم روغن کنجد و ده درم آبکامه داخل کرده برهم زنند و نیم کرم حقه نماید  
 که با مرالله تعالی نافع است \* حقه لینه که همین صنعت دارد \* صنعت آن آب برگ چغندر تازه چهار روقیه  
 كل سرخ پانزده درم آبکامه يك اوقیه نیم کرم حقه نمایند \* حقه لینه که سرسام و امراض حاره دماغی را  
 باشد \* صنعت آن آرد جو مقشر سر بنفشه كل نیلوفر از هر يك يك استار عذاب پانزده دانه سیستان سی درم  
 پنج درم مجموع را در دمن آب بجوشانند تا به نصف رسد پس ببالایند و يك استار شکر سرخ و روغن  
 بقدر حاجت داخل کرده حقه نمایند \* حقه لینه دیگر از حقه قبل نرم تر \* صنعت آن کشکاب بیست درم  
 بزرقطوناده درم روغن كل و سفید تخم مرغ همه را یکجا کرده حقه نمایند \* حقه لینه بارده دیگر \* صافی  
 ماء الشعیر و روقیه روغن كل و روغن بنفشه بادام لعاب بزرقطون از هر يك يك اوقیه حقه نمایند \*  
 از املاى علاء الدین منصور از برای امراض حاره دماغی و سرسام و حمیات و سایر امراض حاره را مفر  
 و طبع را نرم کند \* صنعت آن سیستان كل بنفشه آرد جو سبوس کند م اكليل الملك از هر يك كفی انجیر زرد  
 در سه رطل آب بجوشانند تا بیکرطل رسد ببالایند و شکر سرخ پنج درم روغن بادام شیرین ده درم روه  
 آبکامه از هر يك پنج درم اضافه نموده حقه نمایند \* حقه لینه حکیم سدید کازرونی \* صنعت آن انجیر زرد  
 هفت دانه سبوس کند م برك خطمی سفید حشاك نیم کوفته از هر يك كفی برگ چغندر ده عدد اصل السوس نه  
 پنج درم سیستان سی دانه جو مقشرونیم کوفته ده درم كل بنفشه با بونه كل نیلوفر از هر يك كفی درشش رطل  
 بجوشانند تا در رطل بماند ببالایند و در نیم رطل ازان پانزده درم لعاب بزرقطوناده درم روغن کنجد ده درم  
 آبکامه رقیق دودرم بوره ارمنی و نیم درم نمک هندی داخل نموده نیم کرم حقه نمایند \* حقه لینه دیگر  
 که سرخ را از برای امراض حاره و نافع است \* صنعت آن انجیر زرد خشک ده دانه اصل السوس نیم کوفته در  
 درم سیستان سی دانه کشک جو كفی كل بنفشه كل نیلوفر از هر يك كفی با بونه كفی جمله را در سه من آب بجوشانند  
 تا بیکرطل رسد ببالایند و شکر سرخ بیست درم و آبکامه رقیق روغن بنفشه بادام

از هر يك ده درم بوره ارمني دو درم نمك هندی سوده نیم درم اضافه نموده شكر را در آن حل کرده جمله را سه دفعه حقه نماید \* حقه لینه حنین نافع از برای خمیات حاره و سوسام و جمیع امراض حاره و این حقه ملین طبع است \* صنعت آن عذاب خراسانی سپستان جسک نیم کوفته کل بنفشه جو مقشور نیم کوفته سبوس کند م کل خطمی سفید اکلیل الملك از هر يك کفی انجیر زرد پنجم در سه رطل آب بجوشانند تا بیکرطل رسد صافی نموده شکر سرخ پنجم در روغن کنجد روغن بنفشه با دام از هر يك ده درم آبکامه ده درم اضافه نموده نیم گرم حقه نماید \* حقه لینه بخد بن ذکر یا شکم را نرم کند و تپهای کرم و سوسام و امراض حاره را نیک باشد \* صنعت آن سبوس کند م کل بنفشه تخم خبازی تخم خطمی سفید جو مقشور نیم کوفته از هر يك کفی در یکم آب به بزند تا نیک باشد پس صافی نموده روغن بنفشه پنجم درم در آن داخل کرده حقه نماید \* حقه لینه دیگر کرمی به آن در روغن باشد و طبع را نرم کند و تشنگی و سوزش دل را تسکین دهد \* صنعت آن ماء الشعیر لعاب بز قطونا از هر يك ده درم روغن بادام روغن کل و از هر يك پنجم درم سفید تخم مرغ عدی جمله را یکجا کرده بر هم زنند بر روغن زردی سبوس کند م نیکو مخلوط شود حقه نماید \* حقه لینه تالیف آن قدس سره یعنی سید محمد هاشم الحاطب بحکم معتدل السلوک علوی بخان مستعمل در حمیات حاده و امراض طبع را نرم کند و صفرا را براند \* صنعت آن عذاب آلو بخارانی آلودی سیاه از هر يك ده دانه سپستان بیست دانه کل بنفشه کل نیلوفر عنب الثعلب اصل السوس تخم خیاری نیم کوفته تخم کاسنی نیم کوفته از هر يك دو مثقال مجموع را در یک من آب بجوشانند تا نیک باشد صافی نموده برک چغندر لعاب بز قطونا ماء الشعیر از هر يك بمست مثقال داخل کرده و فلوس خیاری شنبلیله شنبلیله سانی خمیره بنفشه از هر يك ده مثقال در آن حل کرده چنانچه عسل خیاری شنبلیله تمام از فلوس جدا شود پس لایند آبکامه روغن کل سرخ روغن کل و از هر يك ده مثقال روغن بادام شیرین یک مثقال نمک طعام سوده یک مثقال داخل کرده چند آن بر هم زنند که یکسان شود سه دفعه نیم گرم حقه نماید که بعون الله تعالی نافع است \* حقه لینه دیگر استعمال کرده میشود در امراض حاره چون طبیعت محتبس باشد \* صنعت آن عذاب سپستان از هر يك بیست عدد بنفشه چهار درم انجیر خشک ده عدد کل خطمی سفید سبوس کند م که هر دو را در رگنان بسته باشند از هر يك کفی در سه رطل آب بجوشانند تا بیکرطل رسد صافی نموده آب برک چغندر ربع بیکرطل روغن کنجد بیست درم آبکامه ده درم اضافه نموده بر هم زنند تا نیکو مخلوط شود نیم گرم سه دفعه یا چهار دفعه حقه نماید \* حقه لینه دیگر اض صفراوی و ذات الجنب و ذات الصل و سوسام و ذات الرئه و خناق را نافع است \* صنعت آن کل بنفشه سوزن از هر يك سه درم تخم خبازی تخم خطمی سفید از هر يك کفی جو مقشور نیم کوفته کفی مجموع را در آب بپزند که مقرر است و بیا لایند پس فلوس خیاری شنبلیله شنبلیله خراسانی شکر سفید از هر يك ده مثقال در آن نموده باز بیا لایند پس روغن بنفشه لعاب بز قطونا لعاب حب سفرجل از هر يك ده مثقال نمک طعام دو دانگ داخل کرده حقه نمایند \* حقه لینه شیخ داؤد که در تذکره الاولیاء ذکر کرده و گفته که نافع است از برای کسره حیات صفرا و دم چون بعد از فصل استعمال کرده شود مؤکد است که استعمال آن اگر در آن حال حمی و قبض طبیعت باشد \* صنعت آن جو مقشور نیم کوفته دو کف تخم کنان عذاب سپستان انجیر زرد ناخواه از هر يك یک کف یک حقه فلوس و روغن دقیق از هر يك قبضه کل خطمی سفید ده درم بجوشانند چنانکه مقرر است و بیا لایند بر روغن زردی سبوس کند م از عسل مصفی و روغن کنجد و دوا و قیه شکر و دو درم بوره ارمني و پنجم درم از هر يك از روغن بنفشه و روغن نیلوفر و عسل

نمایند میفرماید که ناخواره را درین هیچ دخلی نیست و اگر بجای ناخواره اصل الموم باشد نیکو است \* حقنه لینه  
 که در امراض حاره استعمال کرده میشود \* صنعت آن عذاب سپستان سر بنفشه جو مقشر کل خطمی سفید سبوس کند م  
 حشک اکلیل الملک انجیر زرد در سه صد مثقال آب بجوشانند تا نلث بماند پس چهل مثقال آن را با شکر سرخ و روغن  
 بادام شیرین حقنه نمایند و اگر تبرید زیاد و مطلوب باشد لعاب بزرقطونا و روغن کدو آب لبلاب اضافه نمایند \*  
حقنه دیگر تا لیف سید محمد مؤمن گفته که این حقنه اسهال صغرا میکند و گوانی که با تب و سده باشد دفع کند و از مجربات  
 خود شمرده این را \* صنعت این تخم خبازی دو مثقال کل بنفشه پنج مثقال کل نیلوفر سه مثقال جو مقشر کفی عذاب  
 سپستان از هر یک بدست عدد عنب الثعلب با نروده مثقال پوست هلیله زرد پنج مثقال مغز تخم کدو نیم کوفته پنج مثقال  
 در آب هوشنا بنیل صافی نموده شیر خشت خراسانی ده مثقال در آن حل کرده روغن کدو و هشت مثقال لعاب بزرقطونا  
 ده مثقال اسامه آورده حقنه نمایند و بعد از وصف این حقنه گفته اند که مسهلات بعصر را در حقه  
 نیست که داخل نمایند اصلی آن ارد زبرا که عصر در فوهای مجاری و عروق است نه در افضیه و گفته که مولا  
 در شرح اسباب در علاج سرسام صغرا وی هلیجات در حقنه که در علاج آن آورده داخل کرده میفرماید که دلیل  
 جو از داخل نمودن مسهلات بعصر در حقنها در مقل مہ هشتم این باب یعنی باب حقن ذکر نمودیم پس نیست  
 بتکرار ذکر آن و در لیلی که حکیم میر محمد مؤمن از برای جو از داخل نمودن مسهلات بعصر در حقنها ذکر کرده و بیان  
 که مغالطه است و خالی از معنی و اصل را آنچه گفته که شارح اسباب در حقنه سرسام صغرا وی هلیجات داده  
 اول آنکه بر وجه واقع شده مولا نا نفیس در حقنه سرسام سوداری هلیجات داخل نموده نه صغرا وی در  
 قول و فعل احادیثیکه مخالف قول و فعل جمهور باشد سخن نیست بلکه اگر قول آن معارض قول یکی از متقل مین باشد  
 در ارد تا چه رسد بدانکه مخالف عقل و قول و فعل جمهور متقل مین باشد و متاخرین نیز و نیز باید دانست که اطبا  
 از استعمال مسهلات بعصر را جائز داشته اند جمع کردن آنها را با مزلفات منع نموده اند و درین نسخه حکیم میر  
 جمع نموده میان هلیله که با تفیق عاصراست و میان لعاب بزرقطونا که با تفیق مزلق است و وزن هر دو را قریب  
 کامل از مقلد ار مستعمل از هر یک از آنها آورده و نیز در قوا مین ترکیب حقن ذکر نمودیم اما باید که ملین باشد  
 یا جالی یا مسهل و مغز تخم کدو و مسکن محض است و آنرا هیچ یک از قوتهای مذکور نیست پس نیست آنرا مدخلی  
 و بنظر نرسیده از احادیث از متقل مین و متاخرین که در حقنه مغز تخم کدو داخل کرده باشد و یک مرتبه این فقیه  
 لینه که بجهت قرآنیتش نوشته بود مغز تخم کدو داخل کرده چون بنظر حضرت استاد دیوالی ما جل قوس  
 منع فرمودند و فرمودند که مغز تخم کدو و مسکن محض است و نیست آنرا قوتی که بوده باشد به سبب آن آن در  
 در حقنه پس اگر بجای هلیله سقمونیا و بجای تخم کدو تخم کاسنی یا تخم خیارین کرده بود بجای بود \* حقنه لینه  
 در امراض حاره \* صنعت آن عذاب سپستان از هر یک بدست دانه کل بنفشه تخم خبازی اکلیل الملک از هر  
 مثقال و نیم عنب الثعلب تخم قرطم از هر یک پنج مثقال کل نیلوفر دو مثقال جو مقشر ده مثقال جوشانیده صا  
 و هلو و خیارشنبر پنج مثقال ترنجبین شیر خشت خراسانی از هر یک ده مثقال در آن حل کرده بهایا  
 بادام شیرین ده \* مثقال داخل نموده و در باربان حقنه نمایند و شرط آن است که هر بار پنجاه مثقال  
 شش مثقال باشد و اگر در نروده مثقال در غیر اطفال خوب نیست و هرگاه حرارت مغز نباشد سنا مکی  
 مثقال کل بابونه خار خشت از هر یک ده مثقال میتوان اضافه نمود و بوره ارمنی سوده سودا رو نماید \* حقنه

معروف بحقنه الادمان نافع از برای برودت احشا خصوصا برودت کرده و ممانه و آلات تناسل \* صنعت آن  
روغن مغزی بادام روغن مغز گردگان روغن مغز حب البطم از هر یک دو اوقیه روغن کوسغند یک اوقیه و نیم و  
در نسخه دیگر بجای روغن کوسغند زیت یک اوقیه داخل شده شمع داود گفته که برودت احشا اگر از اخلاط  
مرکبه باشد و کهنه شده باشد یا در کمر با وی باشد باید که یک اوقیه زیت اضافه ادویه مذکوره نمود و اگر  
برودت از بلغم باشد روغن بادام تلخ داخل نمایند و در مجموع روغنهای آب بوزن روغنهای داخل کنند و بجوشانند  
تا نصف آب بماند و در خیل و در برحقنه نمایند و اگر با برودت استرخاء یا تشنجی در احشا باشد این حقنه را با آب  
مورد بر روغن زیتون و روغن مرزنجوش و نمک و قنطورین از هر یک یک معلقه درین دستور ترتیب داده در در و در و قبل  
حقنه نمایند و گاهی اضافه ادویه مذکوره میشود یک درم قصب الذریوره \* حقنه الادمان به نسخه صاحب ذخیره  
خوارزم شاهي \* صنعت آن روغن مغزی بادام تلخ روغن جوزفا کولدر روغن حب الخضر از هر یک یک اوقیه  
روغن کافور و نیم اوقیه باده استار ماء الشعیر بیا میزنند و سه بار حقنه نمایند \* حقنه الادمان نافع از برای قولنج  
و امراض بارده رحم و در دیش و در سردی و عرق النساء و اوجاع مفاصل \* صنعت آن بزرگتان حله قنطورین  
دقیق شبت خشک از هر یک یک اوقیه مغز حب القرطه و اوقیه حسک یک اوقیه و نیم انجیر زرد و عدس بیوس کنند  
دو اوقیه بابونه یک اوقیه و نیم مغز تخم بید انجیر نیم کوفته یک اوقیه شحم حنظل مقل از رزق سکبب مغزی بادام تلخ  
نیم کوفته از هر یک پنجاه درم عناب سمستان از هر یک سی عدس یک گرم برگ چغندر از هر یک ده سته کوچک برگ سد اب  
شک دو اوقیه همه را در هفت رطل آب خالص به یزند تا در رطل بماند پس بیا لایند و در هفتاد درم ازین آب تا  
تعداد درم یک اوقیه آبکامه رد و درم بوره ارمنی و یک اوقیه غسل مصفی و یک اوقیه زیت یا روغن کنجد و نیم  
روغن پلان و یک درم زهره کاک و ترکیب کرده حقنه نمایند بل آنکه بعضی اطباء گفته اند که حقنه بهترین ادویه  
در اکثر امراض خصوصا در قولنج شخصی که طعام در معد و اش ترش شود و قی کند و از برای اقسام در مفاصل  
و سرسام و جمیع امراض دماغی و ذات الجنب و ذات الصد و تپهای مرکب و بهی و پیش اما در بعضی  
ادویه لینه معتدل باید و در بعضی ادویه تند و قوی و در هر مرض که با حرارت باشد لینه کنند حقنه مستعمل  
حیات حاده هرگاه طبیعت بدن باشد و بیوسست غالب بود زیرا که مسکن و مطفی حرارت است و اسهال بر فرق  
بکنند و مورث حرارت نیست و سرسام صفراوی را نافع است \* صنعت آن بیوس کنند در بارچه کنان بسته کل  
نه خشک تخم خطمی جو نیم کوفته از هر یک کفی عناب سمستان از هر یک بیست و نه کل نیلوفر چهار درم سنابل  
رم همه را در چهار رطل آب بجوشانند تا بیک رطل رسد صافی نموده حل کنند در آن ده درم شکر اضافه نمایند  
در آن ده درم روغن بنفشه حقنه نمایند \* حقنه ممسک سحج و امعاء و اسهال بطن و نافع بود \* صنعت آن برنج  
پارسی بیست درم عدس مقشوده درم جو مقشر پانزده درم کلنا را رسی پنجاه درم در یک من آب بجوشانند تا  
مهر شود صافی نموده بکیرنک از آن چهار اوقیه صمغ عربی طین طبرسی اسفیداج از آن شسته اقامادام الاخوان  
عصاره الحیه التیس کاغذ خطائی سوخته از هر یک یک درم زرد تخم مرغ بریان کرده و عدس ادویه را کوفته و شسته  
در روغن کل سرخ یک اوقیه و زرد تخم مرغ حل کنند و درهاون بمانند تا چون مرهم شود و در آب طبرج اول حل  
کرده استعمال نمایند نیم گرم و تا مقل و رعلیل باشد باید که صبر کنند و نگاه دارند \* حقنه لوزی و صمغ و زهره  
د بیل و امعاء و اسهال شکر را سود دارد \* صنعت آن کله سوخته زرد تخم مرغ و صمغ زنجبیل و زهره کاک و زهره کاک

از هر یک ده درم اقا قیا آرد بلوط صمغ عربی دم الاخوین از هر یک چهار درم ادویه راجد اجل اکوفته پیخته وزن  
 نموده درهم آمیزند و با آب مورد سرشته قرصها سازند و در مایه خشک کنند پس بکیرند برنج فارسی جوشانند و به بالا بپزند  
 و چهار وقتیه آب برنج و یک اوقیه روغن گل سرخ درهم آمیزند و یک قرص را در آن حل کرده حقنه نمایند \* حقنه الباه  
 این حقنه ضعف کرده و سستی را نافع بود و باه را قوت دهد \* صنعت آن حشک سبزینج شاخ برک چغندر و پنجه شاخ حلبه  
 یک کف پیله بز نحر ارم مغز خصیه کوسینک ریزه کرده همه را در یک کنند و یکمن و نیم شیر میش تا زده و شیده و یکمن و  
 نیم آب جوش بروی و مکرده با آتش نرم بپزند بختنی نیک و صافی کنند و هر روز بناشتانیم من آنرا حقنه کنند و چندان  
 نکاهل اول کند تا نکاهل اشد و سه روز متوالی این حقنه کنند \* حقنه الرمان در رمان مذکور میشود انشاء الله تع

### \* باب الحاء المهملة مع الهمزة \* فصل در ذکر نسخ حلواها \*

حلواهای از ادویه و یکسوم هم حلوا نیست که از قند و مغز بادام و پیخته و نخود و مقشر سازند و بعضی نخود قند و بادام  
 است و قندی را گویند که بر یکم ای مختلف ساخته باشند \* حلواهای آفرشته صاحب برهان قاطع گفته که با و او  
 سر و زنا ساز کوشه نام حلوا نیست \* و صنعت آن چنان باشد که آرد و روغن را با هم بپا میزند و بدست بمالند و  
 دانه شود انگار در با تیلی کنند و عسل در آن ریزند و بر سر آتش نهند تا نیک بپزند و پیخته شود و بعضی کوب  
 خوشی است در کیلان و آن چنان است که زرد تخم مرغ را در شیر خام بریزند و خوب برهم زنند و به بالا  
 صند تا شیرمانند دانه بسته شود بعد از آن شیرینی داخل آن سازند و نان در میان آن تریب کنند و باخته  
 دو صیان آن ریزند و با قاشق بخورند \* حلواهای بزرگ کرات جهت و جمع ظاهر نافع \* صنعت آن بزرگ کرات در  
 در ارچینی هشت مثقال هیل بوا چهار مثقال کناب پیچی و دو مثقال نخود سفید مقشر هفتاد مثقال با عسل بقل  
 بدستور طبع نموده شربت از ده مثقال تا بیست مثقال \* حلواهای سوهان کثیر الغذاء است و موافق مزاج  
 و موافق خون غلیظ است و در کمر را نافع باشد و اعصاب را قوت دهد و باه را بپزداید \* صنعت آن بکیرند  
 و در آب ترکند آن مقلد ارکه نم بردارد پس در کیسه کرده در آفتاب کد ارند و هر روز قند و آب بر آن افشانند  
 که در برستن همین که علامت برستن در کندم ظاهر شد آنرا در آفتاب خشک سازند و آرد نمایند و با آنکه شب  
 بکیرند آرد مید و نصف یا مساوی وزن آن بر قند بیکه کندم مذکور را آرد کرده باشند با آن مخلوط کرده آب  
 آورده اندک اندک آرد را داخل کرده برهم زنند و بجوشانند تا آرد طبع تمام یافته غلیظ شود و اگر شیر آرد  
 باشد بقل و نصف وزن کند می که شیر آرد را بر آورده اند آرد مید در آن کندم شیر کشیده داخل نموده با  
 و برهم زنند تا غلیظ شود پس قند روغن کا و تازه داغ نموده داخل کرده بجوشانند و برهم زنند تا روغن  
 نماید پس نبات سفید بقل ری مطلوب شیوینی کف آن را گرفته داخل نمایند و چندان بجوشانند که  
 به پس دادن روغنیکه جذب کرده پس مغز بادام شیرین مقشر مغز پیسته مقشر مغز گردان مقشر مغز قند ق  
 نارچیل مقشر نیم کوفته داخل نمایند و برهم زنند و بعد از لحه از آتش بر گرفته در ارچینی زنجبیل دا  
 جوایو آب سبزه قرنفل نانخوره از هر یک قند و یک ذائقه را خوش کنند کوفته داخل نمایند و قرصها سازند و  
 باشند که ملایم شود بجای آب شیر داخل کنند \* حلواهای سوهان دیگر که موافق مبرودین و کثیر الغذا  
 مولد خون غلیظ و جهت درد کمر و تقویت اعصاب و باه نافع است \* صنعت آن کندم را در آب حل و در  
 نشسته سازند و سبز نموده و خشک کرده آرد نمایند و با نصف یا مساوی آن آرد کندم مخلوط نمایند و آب را بجوش



آورده اند که اندک ریخته بر هم زنند و بجوشانند تا آرد طبع تمام یافته بسیار غلیظ گردد پس قدری روغن کاه تازه یا روغن کنجد تازه داخل کرده بعد از جذب روغن شیره شکر یاد و شاب انگوری بقدری شیرینی که معده باشد اضافه نموده چندان بجوشانند و بر هم زنند که روغنی را جذب کرده شروع به پس دادن نمایند بیلان مغز بسته مغز کردگان مغز نارجیل تازه د ارچینی زنجبیل هیل بوا جوز بوا قرنفل بسبب سه ازهر یک قدری اضافه کنند آنمکان از که موافق بلد آنقه باشد \* حلوای سوهان دیگر \* صنعت آن کنند ترکوده بر روی تخته پهن کرده روی آن بچا درمی که ملصق کنند باشد بپوشند در آفتاب کاندازند تا زما نیکه شروع برستن نماید و سر از بند دور برین ریشه آن را دور کرده نشاسته آن را بر آورند پس یکمن تبریز نشاسته آنرا در آب حل کرده به پزند پس به آب شیرین و قند سفید و عسل مصغی ازهر یک نیم من تبریز آب حل کرده بجوشانند و کف آن را بگیرند و داخل آن کنند و روغن من تبریز روغن تازه نیز داخل کرده به پزند و نیکو بر هم زنند تا بقوام آید پس مغز بسته مغز نارجیل صوفی مغز چغوزه مغز بادام شیرین مغز کردگان که مجموع را مقشر از قشر بالایی لب کرده باشند ازهر یک ربع کسین به پزند داخل کرده به پزند تا آنکه روغنی را که جذب کرده شروع به پس دادن نمایند پس د ارچینی قرنفل و زنجبیل جوز بوا بسبب سه صمغ عربی خولنجان لسان العصار شیرین شونیز شقایق مصری فلغل دار فلفل زرد چوبدانه جرجیر تخم پیا ز تخم اسپست تخم کز و تخم شلغم ازهر یک هفت مثقال زنجبیل ناختوا و انیسون را از این تخمها تودری کاگون تودری سفید ازهر یک بیست مثقال تخم شبت د و مثقال خصیه الثعلب مصری بانزده مثقال برفران و مثقال کوفته ریخته داخل نموده اقراص سازند میفرمایند که این حلوای از تصرفات کسی است که رباط بخرامه میزند که اجزا نسبت بحلوای بسیار است بلکه اجزا از اجزای معجون نیز زیاده است و قطع نظر ازین معنی اصل ترکیب نیست که خوش طعم و خوش رائحه باشد و این ترکیب بسیار بد بود بد طعم است که هرگز شخصی یک مثقال آب انیسون این شخص با اعتقاد خود حلوای ترکیب نموده که در نهایت نفع است از برای قوت باه \* حلوای سوهان دیگر \* اطباء رهند ترکیب نموده و قوا این ترکیب اطباء یونان و اطباء هند جمیعاً در آن نامورعی است و گویا این نسخه و نسخه قبل یک شخص باشد ولیکن این نسخه از نسخه قبل اندکی بصواب اقرب است \* صنعتان را کنند م ریشه بر آورده هفت سیر در آن سه سیر آرد میل و داخل کرده بطریق صمغی ریخته قند سفید عسل مصغی ازهر یک د و سیر روغن کاریک سیر مغز چغوزه مغز بادام شیرین مقشر مغز بسته مغز نارجیل مغز کردگان ازهر یک بوزیرة کرمانی د ارچینی دانه هیل بوا جوز بوا بسبب سه زنجبیل ناختوا و صمغ عربی بریان انیسون را زیاده اند با چهار توله خصیه الثعلب مصری هفت توله شونیز چهار توله تخم خشخاش هفت توله زعفران سه توله کوفته بآن سرشته مرتب نمایند \* حلوای سوهان به نسخه دیگر \* صنعت آن آرد سوهان یکمن و نیم آرد میل سه من د و شاب یا نبات هر کدام که خواسته باشند سه من عسل مصغی و کرانکبین ازهر یک نیم من روغن کاه و نیم من مغز بادام شیرین یک چهار یک جوز بوا بسبب سه د ارچینی ازهر یک یک اوقیه قرنفل عود الصایب عود هند و خولنجان نخود الوندی را زیاده زیرة کرمانی صغتر ناختوا و زرد چوبه فلغل دار فلفل ازهر یک نیم اوقیه بد ستود حلوای سازند \* حلوای سوهان دیگر کثیرا الفل است موافق مزاج مبرودین و مولک خون غلیظ است و در کمردار نافع باشد و اعصاب را قوت دهد و باه را بیفزاید \* صنعت آن بکیزند کنند م را و بد ستور رمز بر آنرا سبز نموده در آفتاب خشک سازند و آرد نمایند و یا آنکه شیوة آن را بگیرند و آرد میل و نصف وزن یا مساوی آن بر تفل بریکه کنند م مذکور را آرد کرده باشند بآن مخلوط کرده آب را





و مردم ضعیف و لاغر را مفید بود \* صنعت آن کعک کوفته یکم در روغن کاه و بریان کرده سه رطل عسل یک شیر کلاب یکم رم  
 زعفران یکم شیرکام و مجموع دریا تبلی کرده طبع نماید و در آخر خشخاش سفید مغز بادام مقشر مغز بسته مقشر مغز فندق  
 مقشر از هر یک یک شیر بران بریزند و در ستور با روغن طبع نموده بریان کنند \* حلوائی مسمن دیگر \* صنعت آن نخود  
 سفید کعک خشک از هر یک پنجاه درم در شیر تخمسانند و خشک سازند خشخاش مغز بادام مقشر از هر یک بیست درم کعب  
 الغزال صد درم مجموع را کوفته بپخته هر صباح بیست درم با یک پیاله شیر بنوشند \* حلوائی دیگر بدین را فربه کند  
 و قوت باه زیاده کند و مجامعت را یارم دهد \* صنعت آن بکیرند آرد نخود سفید آرد کنند م شسته از هر یک یک اوقیه  
 با روغن کاه و بقل رکاف بریان کنند و نیم من جلاب قند سفید و نیم من عسل در د یک بریزند و کفچه زنند و با آتش  
 طبع نماید و یک چهار یک مغز بادام سفید کرده و نیم کوفته و یک مثقال زعفران و یک انگ مشک و یک پیاله  
 آخرا ضافه کنند و بعد از آن مقدار یک سکر چه هر صباح بخورند \* حلوائی دیگر بدین را فربه کند و هم منی بیغزایک  
 باشد \* صنعت آن مغز بادام مقشر مغز کردگان مقشر مغز فندق مقشر مغز بسته مقشر کنجد \* شرشاهل انه مغز حبه  
 مغز نارجیل مقشر مغز چلغوزه مقشر از هر یک سه سیر کوفته و نرم نموده با یک رطل آرد یکد \* و یک رطل روغن  
 من قند بدستور طبع نماید و در آخر یک انگ مشک و یک مثقال زعفران و یک پیاله کلاب اضافه کنند و با آتش  
 با هستگی کفچه زنند تا حلوائی بر روغن برشته شود پس میل فرمایند \* حلوائی گز انگبین \* ماثل با عسل ال و لطیفه  
 حلوائیات و جهت سرفه و خشونت حلق و بیبوست طبع نافع و سوزش الانحل است \* صنعت آن سه جز و گز انگبین  
 و با یک جز و شکر خام بقل رم آب بجوشانند و کف سفید و تخم مرغ برا و زنند و چون با نتهای قوام رسد قند رمی از  
 بران زنند که تا خوب سفید شود بعد از قوام تام که چون اندکی از آن را سرد کرد و باشند با ندک حرکتی ش  
 در آن وقت مغز بسته بوداده و نارجیل و امثال آن بقل رحاجت اضافه نمایند و بقل رحاجت میل نمایند  
 مسمن بدین را فربه و باه را قوی کرد اند \* صنعت آن بکیرند یکصد مثقال نخود سفید و یک شبانر و زرد شیر  
 پس \* صنعت آن بکیرند آرد با قلا مقشر و آرد برنج سفید و آرد کنند م از هر یک پنجاه مثقال تخم کتان و  
 از هر یک ده مثقال خشخاش سفید بیست مثقال هر سه را نرم کوفته با نبات سفید نیم من روغن بادام  
 مثقال و کلاب دوصد مثقال و با بقل رحاجت بطریق مقرر حلوائی سازند و بقل رحاجت طبیعت تناول نمایند  
 مسمن دیگر \* صنعت آن بکیرند برنج سفید د و مثقال و یک شبانر و زرد شیرکام و تخمسانند پس خشک کرد  
 زنجبیل دارچینی خولجان از هر یک پنج مثقال زیره کرمانی سه مثقال کوفته از هر یک بپخته با قند سفید  
 و روغن بادام تازه صد مثقال طی الرسم مرتب نمایند و تناول کنند \* حلوائی اتوج و ارز و بزر خشخاش و بزر  
 و بلاد و زرد بیضه مرغ و تفاح و جزر و چوچینی و خصیه الثعلب و دارچینی و سقرجل و فادانیا و تخم ده  
 و بوک نیمب و هر یک در رسوم خود منگور شد ند و میشوند \* **باب الحاء المهملة مع المیم**  
**فصل در نکونسخ حملات \*** بد آنکه حمل بفتح حاء مهملة و ضم میم و سکون و اولام اد  
 که انسان در مقعد و فرج خود بردارد و جمع آن حملات مثل فعل و لغولات آمد و حمل که تسکین رجوع به  
 و صلابت و نرم رحم و رجوع آن را تسکین دهد \* صنعت آن موم پیمه بطا بونه افیون بالسویه از هر یک د  
 فیروطی ساخته بصرنه آلوده کرده در محل مؤلف حمل نمایند \* حمل که جهت زحیر مجرب است \* صنعت آن  
 زرد تخم مرغ با روغن گل آمیخته مرداسنک مغسول صمغ عربی سفید آب ارز و نرم سوخته بد آن آمیخته بپارچه آلوده

در مقلد حمل نمايند \* حمل ديگر كه قولنج ريحي را نافع است و رباح دفع كند \* صنعت آن برگ سداب تازه تر  
زيره كرماني تا نخواه نمك طعام بالسويه كوفته بيخته با عسل آميخته بخرقه آلوده در د بر حمل نمايند و ريسان  
بخرقه بسته بعد رفع حاجت بزودي برآورند \* حمل جهت مرض ملكوريه نسخه ديگر \* صنعت آن برگ سداب تر  
زيره كرماني از هريك يك كف بخور مريم عرطينا از هريك دو درم بوره يك درم ادويه نرم كوفته با عسل سرشته بطريق  
مسطور بردارند \* حمل ديگر كه رباح را دفع سازد \* صنعت آن سداب را بسايند و با ماء العسل بيا ميزند كه غليظ  
كرد پس زيره نصف وزن آن نظرون ربع وزن آن با آن آميخته بشكل بلوط بطول شش انگشت ساخته بردارند \* حمل  
ديگر كه همان نفع بخشد \* صنعت آن تخم سداب جنك بيل ستر بوره از هريك نيم مثقال با عسل و زهره كا و آميخته حمل  
نمايند \* حمل ديگر كه رباح بواسيري را دفع سازد و بواسير را سودمند بود \* صنعت آن سكبينج بوره مقل شحم حنظل خطمي اجزا  
مساوي كوفته بيخته بشكل بلوط ساخته استعمال نمايند \* حمل كه ديد ان صغار كه در معاي مستقيم متولد شده باشد  
دفع كند خصوصاً صبيان را \* صنعت آن آب نعناب برگ شفتالو صبر سقوطي سر كه از هريك قدری بخرقه آلوده حمل  
نمايند \* حمل ديگر كه همين <sup>يقول</sup> صنعت بخشد \* صنعت آن زهره كا و نفط سياه قطران از هريك قدری بپا رچه آلوده  
بردارند \* حمل كه خون بواسير را بكشيد هر كه منسل كرد و باعث زحمات و درد و الم شود \* صنعت آن مغز ساق  
گا و روغن كوهان شتر با قدری مقل و روغن تخم زرد آلو تلخ سرشته و با آن مقله را با آن طلا نمايند و لته يا پنبه را  
آن آلوده كرده بردارند پس عرطينا يك مثقال قنه شحم حنظل از هريك نيم مثقال با زهره كا و سرشته حمل نمايند  
هر كه بسمب تندى ادويه خروج مقله و وجع بهم رسد بروغن گل و صبر و زج و سر كين كبوتر و زهره كا و طلا نمايند \*  
حمل ديگر نافع جهت زحير \* صنعت آن زرده تخم مرغ باروغن گل آميخته پنبه را با آن تر ساخته حمل كنند \*  
حمل ديگر قوی از ان هر كه خون بسيار دفع كرد \* صنعت آن اقا قياكلنار ما زوى سود مرد استك سفيد آب شب  
نشا سته دم الا خوين صمغ عربي كل ارمي اجزا مساوي كوفته بيخته با زرده و سفيد تخم مرغ سرشته بخرقه  
رده بردارند \* حمل جهت ثللول و دانه های بواسير و غيره كه مترشح نباشد و در وجع كند <sup>نفسون</sup> <sup>نفسون</sup>  
پنيا زيا زهره كا و ممزوج نموده بصوفه آلوده بردارند و هريك بتنهائي نيز كافي است و باعث سيرك <sup>نفسون</sup> <sup>نفسون</sup>  
جمع آن ميكرد \* حمل ديگر كه رباح رحم را جذب كند و دفع سازد \* صنعت آن زيا نه برگ سداب انفسون تخم  
فس صعتر از هريك يك رم شهد خالص چهار درم ادويه كوفته بيخته با آن سرشته بپنبه كهنه آلوده حمل نمايند و با  
استخرا شفاها ساخته بردارند و اگر اين دوا بمقله بردارند رباح امعا را دفع سازد \* حمل كه حيض  
رود آورد و سيد اسمعيل جرجاني در مركبات ذخيره نوشته كه در كتب آورده اند و اين حمل را من آزموده ام  
يكسال نيکه مدت هفت سال حيض ايشان بسته بود و كشوده شده \* صنعت آن مركبي صافي بود نه كوهی از هريك  
چهار درم ابله هشت درم در برگ سداب خشك ده درم مویزدانه بپرون كرده بيست درم همه را كوفته بزهرة كا  
سرشته بكار برند \* حمل ديگر كه بهمين كار آيد \* صنعت آن انيسون بود نه قرد مانا تا نخواه زراوند از هريك يك  
استار بكونك و بروغن ناردين بسوشنك و بيشم پاره آلوده بردارند \* حمل ليكه انراط حيض باز دارد \* صنعت آن  
سرمه كلنا را زهريك يك استار كوفته بيخته مانند هرمه و بعصاره مورد سرشته بيشم پاره آلوده بردارند \* حمل ديگر كه  
امراض رحم را مفيد است \* صنعت آن خربق ابيض شحم حنظل لبني قنطوريون صمغ زيتون بری جا و شیر چند بيل سمر  
هلتيت سكبينج قرد مانا عصاره افسنتين از هريك قدری با عسل سرشته با رچه صوفی بردارند و فرييون را با پنبه برداشتن نيز

نیز سود مند است \* حمل دیگر که همان منفعت بخشد \* صنعت آن چند بیل ستر حفص مکی مشک ترکی اجزا مساوی کوفته باروغن بآن یا اقحوان سرشته بکل بلوطی ساخته بردارند ادر را رطمت نمایند \* و حمل عصاره شقایق و نسوین همین اثر دارد \* حمل دیگر که همین اثر دارد \* صنعت آن اشنان فارسی عاقر قرحا شونیز سداب رطب افریون نرم سوخته باقنه سرشته در میان صوف تر کرده بر روغن زیت درجوف بردارند \* حملیکه اخراج جنین میت کند \* صنعت آن مرمکی صافی خربق اسود جا و شیر زهره گارا جزا مساوی درهم سرشته و شباهها مانند بلوط ساخته در قبل بردارند \* حمل دیگر که بچه مرده و زنده فرود آورد و حیض بکشد و حکم رحم که بسبب خلط بورقی باشد دفع سازد \* صنعت آن اهل زراعت طویل تر مس نخم تره تیزک ازهریک و دو دم کوفته بیخته با سرکه سرشته شباهها سازند و بردارند \* حمل دیگر که افراط حیض را نافع است \* صنعت آن ما زو سوخته پوست مرغ سوخته سرمه دانه خرما سوخته کاغذ سوخته شاد نج سوخته کهریاد م الاخوین کل ارمنی کلنا را ازهریک جزوی کوفته بیخته با آب لسان الحمل سرشته بقل را نکشت وسطی و بردارند \* حملیکه حیض بسته را بکشد \* صنعت آن اهل اشنان ازهریک نیمدل سداب بری ازهریک ربع درم مشک ترکی پوست حنظل ازهریک حبه ادویه کوفته بیخته با زهره کا و سرشته استعمال نمایند \* حمل که فرج را تنگ سازد و تقویت عنق رحم و تسخین و تطهیب و اکثارا نزال زن و جذب مواد از قل مین کند و از جالینوس است \* صنعت آن سداب بسپاسه مرزنجوش صغیر بر سر کل سرخ پوست انا تر مس اجزا بالسویه بروغن بآن و امثال آن سرشته بلته آلوده کرده اول روز بردارند \* حمل دیگر که قریب النفع است بآن \* صنعت آن قرنفل سرمه ما زو استخوان سوخته شکر ازهریک سرشته بد ستورا استعمال نمایند \* حمل دیگر که سریع الاثر است \* صنعت آن هود هندی سعد را قرنفل ما زو ازهریک یک جز و مشک عشر جز و آب به یا آب مورد سرشته استعمال نمایند \* حملیکه کرد بد بحد یکله احدی رغبت مباشرت آن نماید \* صنعت آن پیاز عنصل بسپاسه چوب بقم نیم تخم باد روج زهره گفتار در روغن زیتون بالسویه یا زهره کا و سرشته شباهها ساخته خشک نمایند در روغن یبق یا زیتون حل نموده در ماهی یکبار استعمال نمایند \* حملیکه چون زن بردارد تا او متشنج و بد بو کرد اندک که با عفت تنفر مردان شود \* صنعت آن سلیخه قصب الذریر و فجاج اذخرش بوا قسط شیرین میعه سا ئله جا و شیراد و به کوفته بیخته با نطف سفید سرشته استعمال نمایند و حه هر یک در رسوم خود مذکور شد \* باب الحاء المهملة مع النون \* حنا بکسر حای مهمه و الف بقا رسی تخفیف نون مشهور است و بهندی میهنی نامند نباتی است ساقش بقدر یکد ربع بنکاله تا بقدر دو قناعت انسان دیده شده و اندک سرخ رنگ و برکش شبیه ببرک انا رومورد و از مو نرم ترود را کثر بلاد هند و بنکاله همیشه سبز میباش و خزان مطلقند ارد مگر آنکه در فصل بارش برسات و برشکال می نامند رعنا تر و نمو آن زیاده میباش و ببرک آن بیشتر و در آن فصل قلم کرده می نشانند بسیار متصل بهم تا بلند بقدر رذری رسد و سر آنها را مقراض میکنند که همه برابری باشند و گوشهای آن برجهها میسازند خوش و خوش منظر میباش و گلش که فاغیه نامند سرخ ما ئل به سه سالی دوبار گل میکند مرکب القوی ما ئل بصردی در د و نیم خشک و گویند در اول کرم مفتوح افوا ه عروق رسد و در مجفف بی لایع و محلل و در التهام قریب بد م الاخوین و با قوت قابضه و آشا میدان طبیع آن و نفیع برک آن با شکر جهت ابتدای

جند ام نافع و همچنین جهت رویانیدن ناخن اصلی بجای ناخن کج و متماثل و جهت یرقان و سهر زردسنگ کرده و مثانه و عصاره البول و اسقاط جنین و آشفامیدن جرم آن بقدر نیم مثقال با الخاصیت رافع قولنج و ارجاع رحم و شروسه و طاعون و جند ام و مضر رئه و خلق و مصلحتش کثیرا و رب السوس و لعاب بزرقطونا و کوبیدن زیاده از یک مثقال آن کشنده است و ضماد برک آن با آب نیم گرم برگ پاهای آبله دارد را بندان بر روز مایع ظهور دانه آبله است در چشم آن خصوص که با اندک عصاره زعفران آمیخته باشد و یا با آب نقوع آمیخته سرشته و همچنین ضماد برک آن به تنهایی و با قیر و طی جهت کسر عظام و رویانیدن ناخن متماثل و کج برآمده با تکرار عمل و مداومت و با شامتره و سنا و سرکه انکوری جهت قویا و جرب یا بس و رطب خصوصا در حمام مفید و نیز با برک خرفه باغی درشت برک با ساق بقدر نیم وزن آن جهت مبرود المزاج و التماس و عصاره بزرگ محروم المزاج جهت دفع بوق متفشیه که اکثر برگهاست و یا عارض میگرد و بهندی ابرس می نمایند نافع با تکرار عمل یکین چشم که هر روز مالیده و بعد سه چهار ساعت با آب نیم گرم بشویند مادام که زایل گردد و ایضا ضماد آن و یا سهر و هلیله و زکی جهت جرب و رطب و رفع قویا و قروح خبیثه مفید و طلاص آن با برک شامتره تازه و کل خطمی و لعاب بزرقطونا و بهلانه برگهاست و با جهت رفع سوزش و گرمی آن مفید و به تنهایی جهت ادرام حاره که زرد آب از آنها آید و با روغن جهت رفع جرب و با آب برک بید النجیر جهت شقاق مزمن و در زانو مجرب و بر جبهه و صلعین جهت منع ریختن مواد فزله چشم خصوصا که با آب کشنیز تازه سرشته باشد و با قطران و روغن زیتون جهت رویانیدن عی و سرو با کل حرف جهت فتق و قیله و یا زفت و روغن کل جهت قروح سرو با برک کردکان با المناصفه جهت بیضه و زده و شقیقه و صدام باغمی و ریخی مجرب و بد ستور با آب نمک بغایت مؤثر و نطول آب مطبوخ آن جهت حموه و سوختگی آتش را ادرام حاره و بلغمیه خفیه و ادرام اریبه و مضمضه آن جهت قروح دهن و قلاء اطفال مجرب و دروز آن جهت تجفیف قروح و بد ستور با کل سرخ و خضاب بورق آن زائل کنند و صدام و نورانی کرد اندک چشم کنند و قوت مجامعت چنانچه در حمل یث وارد است که آن سیدر یا حین دنیا است و با آب کنند ش سهر سدره نمودن رنگ و سهر بدن با عصاره زیاد تی رنگ و سهر است و روغن آن جهت درد اعضا و مفاصل و تمدد اعصاب و دراز کردن مومفید و تخم آنرا چون بقدر یک مثقال با عسل و کثیرا بخورند تقویت دماغ بخشد و زایل آن غایبه نامند معتدل جهت اوجاع عصب و فالج و تمدد و شرب یک مثقال آن با سه اوقیه آب و عسل جهت قطع سهر و اوجاع صدام و تجفیف رطوبات و طلاص آن جهت التیام قروح و رفع خناق و فالج و امراض دماغی و عصبانی و درد نما و با سرکه بر پیشانی جهت درد سرو یا موم و روغن کل سرخ جهت درد بهلو و کوفتگی اعضا و با دویه مخصوصه مت سهر زوروم و زرد آب و گل آشتن آن در میان لباس پشمینه مانع کرم زدن آن و برک خشک آن را نیز این بسته اند روغن کل آن دهن الفاغیه نامند محلل و مقوی موی و نیکو کنند رنگ و خسار است و از برای شکستگی بخوان مفید و بد لش روغن مرزنجوش و روغن برک حنا است \* حب حنا جهت قولنج و طاعون و اوجاع رحم نافع \* صنعت آن بکیرند برک حنا خشک پنجم گرم کثیرا و رب السوس از هر یک یک گرم کوفته بپخته با لعاب بزرقطونا سرشته حبوب سازند شربتیی از یک گرم تا یک و نیم گرم با آب گرم با طبع شبت فرو برند \* دهن الحنا جهت اوجاع مفاصل و تمدد متلائی و تقویت اعصاب و دراز کردن موم نافع \* صنعت آن بکیرند برک حنا و در سایه خشک نموده در شش وزن آن آب خالص شیرین یک شبانروز بخیسانند و بجوشانند تا ربع رسد پس صاف نموده با روغن کچیل تازه بوزن باقی مانده با آتش ملایم جوش دهند تا آب برود و روغن بماند و احتیاط نمایند که نسوزد و اگر رمقی از



از آب در آن بمالد بهتر از سوختن آن است \* در من کل حنا نیکو کنند رنگ رخسار و مقوی موی و جهت جبر کسر عظام  
 نافع \* صنعت آن بکیرند کل حنا هر قل که خواهند اگر تازه و تراست با هم وزن آن روغن کنجد تازه و با زیت در شیشه  
 کنند و در آفتاب کمال اند و هر هفته یک مرتبه صاف نموده تجید یک کل نمایند و تا سه مرتبه و هر چند زیاده کنند بهتر  
 است و اگر خشک است یک شب نروزد رخش وزن آن آب بخیسانند و بدستور مسطور در دهن ورق آن مرتب نمایند  
 و بکار برند \* در من حنا نوع دیگر از آن اقوی است \* صنعت آن بکیرند برگ حنا تازه هر قل که خواهند و پاک شسته  
 قل ری بسایند و آب آنرا بکیرند و با نیم وزن آن روغن کنجد تازه در قل مضاعف و با باتش ملایم بدستور طبع نماید  
 قاروغن بمالد استعمال نمایند \* مرهم حنا جهت قروح خبیثه و ناصور و زخم آتشک و زخمهای کهنه نافع و مجرب  
 است \* صنعت آن برگ حنا در سایه خشک نموده هوا جویده قنده پوست مغیلاں از هر یک نوزده مثقال ک

معروف به نیم است موم زرد غیر مستعمل از هر یک سی و هفت مثقال و نیم روغن کنجد سفید هفتاد و  
 در سه هزار مثقال آب بجوشانند تا ثلث آن یعنی هزار مثقال بمالد صافی نموده بعد از آن موم و قه  
 کرده با باتش ملایم بجوشانند تا آب رفته روغن بمالد چنانچه با خطائی بنفش مجرب یک مثقال سوده  
 هاون بسته بمالد تا یکسان شود و در ظرف چینی نگاهدارند و بکار برند \* مرهم حنا دیگر مشهور  
 همان منافع دارد \* صنعت آن برگ حنا در سایه خشک کرده کاف سفید از هر یک چهار درم فلغل سه  
 را نرم سوده روغن مسکه کاشان زده درم موم خالص در آن کاخته از آتش بر گرفته ادویه را بد آن  
 بچوب نینب برهم زنند تا مرهم شود و بکار برند \* مطبوخ حنا جهت ابتدای جذام که زایل نشود و قابل  
 و امراض سوداویه و قروح و جروح سوداویه و طاعون و در ایام و با آشامیدن آن مفید است \*  
 برگ حنا در سایه خشک نموده سی مثقال و در آب شب بخیسانند صبح با باتش ملایم در یکوطل آب جوش  
 بمالد صاف نموده هفت مثقال شکر سفید داخل کرده و بیاشامند و گفته اند که چون مدت یکماه و بی  
 جلد امی را که قابل علاج نباشد زایل کرد و اند و باید هر روز هفت مثقال و نیم آنرا در صد مثقال آب  
 و صبح بجوشانند تا یکس که بیست مثقال است برسد صافی نموده و بیاشامند \* نفوق برگ حنا نافع  
 مذکوره چون مدت بیست روز بیاشامند \* صنعت آن برگ حنا خشک را هر روز چهار ورقه یا یک  
 بخیسانند و صبح صاف نموده و بیاشامند و غل اکوشت بزغال و بوقه املک با چلا و تناول نمایند \*  
 رویانیدن ناخن کج و متاقل و اوجاع رحم و شوصه و یوقان و سموز و سنگ کرده و مثانه و عسر البول  
 چنین است \* صنعت آن بکیرند ده مثقال برگ حنا خشک را و شب در آب بخیسانند و صبح صاف نموده و  
 دیگر جهت امراض مذکوره \* صنعت آن بکیرند برگ حنا خشک ده مثقال شاهره پنج مثقال قه  
 مثقال افیمون هفت مثقال هلیله سیاه و زکی یک مثقال شب در آب گرم بخیسانند و صبح آب صاف آ  
 شکر سفید بیاشامند تا مدت بیست و یک روز و یا چهل و یک روز \* کتاب الخاء

\* باب الخاء مع الباء الموحدة \* خبث الحیدل بغارسی ریم آهن کوبند بهترین خبثها

از آن است که با سرکه سائیل و خشک کرده و بسیار مبالغه در سحق آن نموده باشند و در نیم گرم  
 و بغایت مجفف و مقوی معده و مانع نزف الدم وادرار حیض و حامله شدن است جهت سلس البول و استرخای  
 مقعد و معده و بواسیر و طحال و طبعه و دفع بطوبات باطنی و جهت قرحه امعاء و مثانه مجرب و با زرد قنچ مرغ بقل و یک



د آنک آن جهت باء مرطوبین که مایوس باشند نهایت مؤثر و باسکجین جهت ادویه قتاله و ضما د آن جهت اورام حاره و شیدو منعقد و آنک حال آن جهت خشونت پلک چشم و قطور آن جهت پاک کردن چرک گوش نافع و مضرش و صلاحش کنیز و عسل و قند و شربتش تا دود آنک و دود رهم او کشند است و چون آنرا بیست بار با آب و عسل بسایند و خشک کنند و بعد ازان بار روغن زیتون بقد ریکه سه انگشت بر بالای آن بر آید بجوشانند تا ثلث روغن بسوزد و با حرف بابلی و عسل لعوق سازند و هر روز یک و آنکشت ازان را تناول نمایند جهت صاف کردن آواز و تقویت بدن و نمکوفی رنگ رخسار و اخراج فضلات بدن بیعیل است و هرگاه با روغن زیتون بجوشانند و با عسل معجون کنند بدستور همین اثر دارد \* دستور دیگر خبث الحیدر چنان است که خبث الحیدر را گرفته بمخته مدت چهارده روز درخل خمر بخیسانند آنکه خشک نموده در روغن بادام بریان کنند و خوب بسایند چنانکه بر بالای آب با دست نشین نشود و در جوارشات و سفوفات و معاجین و غیرها استعمال نمایند نوع دیگر آن است که خبث الحیدر را نرم گرفته بمخته چهارده روز در سرکه بخیسانند پس برآورد و در آب کرات هفت روز بکنارند و هر روز آب کرات را تازه نمایند پس برآورد و خشک نموده نرم بسایند و در روغن بادام یا روغن مغز استخوان زرد آنرا با شفا الماریون کنند و این قسم تکابیر در تراکیم معالجات بواسیری اولی است نوع دیگر چنان است که خبث الحیدر را نرم سائند و بیست و یک روز در شراب ریحانی بخیسانند و هر روز آن شراب را تازه کنند پس از بیست و یک روز بریان شود و در چنین مخصوصه بضعف معد و داخل نمایند \* نوع دیگر آن است که خبث الحیدر را نرم بسایند و یک هفته درخل رکهند بخیسانند و هر روز سرکه را تازه کنند بعد ازان یک هفته دیگر در ماء العسل بخیسانند و یک هفته دیگر در آب ریکه شکر در آن انداخته باشند بکنارند و پس از بیست و یک روز ازین آبها برآورد و خشک سازند و در روغن بادام بریان کرده خوب سحق نموده بکار برند باذن الله تعالی نافع است \*

### فصل در بیان جوارشات خبث

بد و فنجوش \* جوارش خبث الحیدر نافع از برای اصحاب معد و سرد و بواسیر و ریح بارد و در کمر درد و اشتها طعم آورد و طعام را هضم کند \* صنعت آن به نسخه شیخ بوست هلیله کابلی بوست بنیله سنی بیخ سوسن زنجبیل عود قماری خام جوز بواسک اصلی غنچه کل سرخ منورع الاقماع سنبل الطیب از خرمکی مصطکی رومی از هریک ده درم مشک تبی یک درم براده خبث الحیدر منقوع در شراب ریحانی هفت روز پس بعد از آن روز بکیرند آن را سحق کنند نیکو در تابه آهنی بریان کنند و مخلوط سازند و با ادویه باقی که گفته شد بپزند و با بادام شیرین چرب کرده باشند مجموع را بعسل مصفی سرشته جوارش سازند \* جوارش خبث الحیدر منقول رجامع الادویه ریحانی که همین منافع دارد \* صنعت آن بوست هلیله کابلی بوست بنیله سنی بیخ سوسن زنجبیل عود قماری خام جوز بواسک اصلی کل سرخ سنبل الطیب از خرمکی مصطکی رومی از هریک ده درم خبث الحیدر سرخی که هفت شبها در سرکه خیسانید و باشند و بعد ازان خشک کرده و بوداده صلا نه کرده باشند مثل مجموع ادویه را گرفته بمخته بر روغن بادام شیرین چرب نموده بنبات سفید بقوام آورد و بسویش شربتی دود درم \* جوارش خبث الحیدر دیگر منقول از قویادین قلانسی که بجهت معد کرم موافق است \* صنعت آن بوست هلیله کابلی بوست بنیله سنی بیخ سوسن کل سرخ از خرمکی از هریک ده درم خبث الحیدر منقول بمثل مجموع ادویه شکر طبرزد آن مقل ارکه ادویه بآن سرشته شود شکو طبرزد را بکنارند و بقوام آورند و ادویه را بآن بهرشد شربتی دود درم یا شربت سیب و امثال آن \* جوارش خبث الحیدر مطبوخ نافع از برای ریح بارد و وجع ظهر و فساد عده و بواسیر و ریک

در اوصاف کرد اند و اشتهاى طعام آورد و در تقویت باه بی نظیر است و ریاخ بارد را از معد و ببرد و مقوی معد و  
 مثانه و رحم است \* صنعت آن تخم کرفس را زیاده انیسون و و قوطرا سالبون تخم جزر تخم کنک نا تخم پیا ز تخم شلغم  
 تخم ترب تخم اسپست ناخواه تخم انجیر و حبه الخضر انجدان تخم شبت فلفل بزرگنان زیره کرمانی کشنیز خشک ازهر يك  
 سه درم زرنبا در رونج عقربی بهمن سرخ بهمن سفید تود ری زرد تود ری سرخ جوز بوا بسبا سه درم چینی خولنجان  
 زنجبیل سعد کوفی سنبل الطیب سوسن امبرازهر يك چهار درم پوست هلیله کابلی پوست بلبله آمله منقی جفت بلوط پوست  
 بیج کرفس ازهر يك سه درم شیطرح هندى اشته اسارون شامی اغار الطیب قصب الد ریره لسان العصار فیرنا و مشلی  
 معتبر فارسی راسن قاقله خیر بوا صندل سفید قرنه هرنوه ازهر يك پنجدرم جوز چندم حرف یا بلی مصطکی رومی کل سرخ  
 مرما جوز قشور کنک رنناع خشک فود نج خشک ازهر يك هفت درم خبث الحیدل کرم کرده با تش پس در نیمیل ریحان  
 سرد کرده مرات بسیار بوزن مجموع ادویه ادویه را با نیمیل عصف بپزند تا غلیظ شود و از آتش بر  
 و بیا شا منک بمقل اریک اوقیه هر روز ناشتا و بایک که نیم کرم نموده بنوشند و میان روز غل اسف  
 بزرگ جوان باشد و بجای آب نیمیل صرف بپاشا منک و مدت یک هفته تا دو هفته باین جوارش مل او  
 جوارش خبث الحیدل مل مطبوخ به نسخه شیخ رئیس صالح از برای ضعف معد و حرارت مزاج آن \*  
 الحیدل مل بوبصری پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست بلبله آمله منقی کل سرخ کلنار فار  
 اجزا مساوی همه را در شراب ریحانی بجوشانند تا غلیظ شود پس ببالا بند و نکاهل از هر روز  
 اوقیه بپاشا منک \* فنجنوش بل آنکه فنجنوش از جوارشات است و معرب پنج نوش است و پنج در فار  
 است و نوش نیز فارسی است و بعضی گفته که نوش بمعنی کثیر المنافع است و آن تریاقی موافق جمیع اد  
 و شفا از برای جمیع اقسام امراض است چون عسل که از شهد مطلق مراد آن است و در قران مجید و  
 للناس محمود سنجری گفته که ترجمه فنجنوش هاضم خصسه است یعنی پنج در واحد هضم کنند و چو  
 مشتمل بر پنج دواى چینی است یعنی عسل و خبث الحیدل و سه میوه یعنی هلیله و بلبله و آمله  
 پنج نوش کوپند و بعضی گفته اند که نوش بمعنی عطیه الله است یعنی دواى آلهی که آن را اطباء و  
 نامند و بعضی اطباء از عم آن است که نوش در فارسی بمعنی کوارا و کوارنک است و چون این جوارش مش  
 چینی است لهذا این را جوارش فنجنوش نامید و اند و این قول اقرب بصواب است از اقول دیگر و  
 فنجنوش بفارسی اسم خبث الحیدل است ظاهر آنرا این عزیز هنکی مخترع است که این معنی را از ان فر  
 نموده و این جوارش را نسخ متغایر بسیار است و اکثر اطباء این مرکب را از جوارشات شمرده اند و بعضی  
 معاجین است و فی الحقیقه این جوارش و همچنین سایر ترکیب آن از شرابه و مطبوخات و معاجین از اد  
 لیکن چون جزوا عظم و غالب و اصل عموم در آن خبث الحیدل است و در خبث الحیدل ذکر مییابد \* جوارش  
 رئیس نافع از برای استرخای معد و و ریاخ بواسیر و فساد مزاج معد و فساد در تک رخسار و ریا ده کند  
 پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست بلبله آمله منقی فلفل دار فلفل زنجبیل سعد کوفی شیطرح هندى  
 ازهر يك سه درم تخم شبت تخم کنک نا ازهر يك چهار درم سلیخه سیاه در درم خبث الحیدل مل مستحق در سرد  
 دوازده روز که هر روز از نو خیسانید و خشک نموده بریان کرده با شن یک صل درم ادویه را گرفته پیخته بعسل سفید مصغی  
 سه وزن ادویه و روغن گاو بقل و حاجت بسر شدن و در سبوجه اخضر نکاهل از هر روز و بعد از ششماه استعمال نمایند شریقی

ازان از يك مثقال تا دودرم كاهي اضافه كرده شود درين فنجنوش مشك تبتي خالص دودرم و در نسخه ديكر اين جوارش مسطور است كه چهار روزه روز خبث الحل يک را در سرکه انگوري بخيما نند بعد ازان خشك كرده صلايه نموده چنانكه برروي آب يا بستك و بته فرو د پس باقي ادويه را بدين ستور مرتب نمايند در نسخه صاحب منهاج بجا ي روغن كا و روغن بادام شيرين است و مزاج اين جوارش گرم است در آخر درجه دويم و خشك است در او اسط درجه سيوم \* جوارش فنجنوش قاليف ابن ماسويه منقول از قرا با دين افندي صالح چلپي حكيم با شي ابراهيم سلطان قيصر روم مانع فساد اخلاط و معوي آلات غذا هست \* صنعت آن پوست هليله كاهلي پوست هليله زرد پوست بلبيله آمله منقي هليله سياه ازهر يك پنج درم جوز بوا حرف اسارون پودنه فلغل زيره كرماني نا نخواه كوتلك زنجبيل ثمر درخت ابلفن سنبل الطيب ايربغ مكى سعد كوفي ازهر يك چهار درم خبث الحل يک مل بر ييست درم هليلجات كوفته بيخته بروغن كا و چوب نموده باقي اجزاء كوفته بيخته بروغن بادام شيرين چوب نموده يك شب بكنارند و با سه وزن ادويه و با چهار وزن عسل مصفى همچون سازند \* جوارش فنجنوش به نسخه ديكر شيخ رئيس منقول از قانون \* صنعت آن پوست هليله زرد پوست هليله كاهلي هليله سياه آمله منقي پوست بلبيله فلغل دار فلغل شيطرج هندى زنجبيل قرنفل سعد كوفي تخم شيت تخم كند نا ازهر يك دو مثقال خبث الحل يک يكصد مثقال خبث الحل يک را چهارده شبا نروزد و سرکه بخيما نند پس در سايه خشك كود و بروغن بادام شيرين چوب نموده بريان نمايند و بعد ازان بر سنگ سماق كنداشته سحق نمايند و با سه وزن ادويه و با عسل سقيى " ام آورده بسرشدن و يك مثقال و نيم مشك اضافه نمايند و در ظرف چيني يا كيزه نگاهدارند و بعد از شش ماه استعمال يک شربت تبتي يك مثقال و با يك كه خبث الحل يک را مدت چهارده شبا نروزد و سرکه بخيما نند و در روز نيم من بود و نيزه روزه كه نه تا ده بران ريزند و دسه مرتبه بر هم زنند \* جوارش فنجنوش ديكر معده را سودمند بود و قوت عيانت دهد و كونه را صافى كند \* صنعت آن پوست هليله كاهلي هليله سياه آمله منقي پوست بلبيله فلغل سياه دار فلغل زنجبيل ج هندى سعد كوفي پوست زردا ترچ خبث الحل يک مل بر ازهر يك ده درم و در نسخه ديكر تو بال حل يک مل بود \* است و در نسخه ديكر كنجش مقشرد و درم داخل است ادويه را كوفته بيخته بروغن كا و چوب نموده و بعد بسرشدن شربت تبتي در روز اول يك درم و در روز دوم دو درم و در روز سوم سه درم تا هفت روز روز يك درم بمزاييند و بعد از هفت روز روز يك درم تناول نمايند و صاحب اختيار تبتي يعنى گفته كه از گفته نك را نند \* جوارش فنجنوش ديكر معده را قوت دهد و با راز ياده كند و سرعت انزال و بوا سير را نافع است \* صنعت آن پوست هليله زرد است هليله كاهلي قسط تلخ شيطرج هندى تخم كرفس خير بوا سليخه سياه قرنفل بسياه خولنجان سك المسك ازهر يك شش درم پوست بلبيله آمله منقي هليله سياه نا نخواه دار فلغل ازهر يك چهار درم نود درى سرخ نود درى زرد قويه الطيب سنبل الطيب جوز بوا فلغل مويه ازهر يك هشت درم سعد كوفي ده درم زعفران پنج درم مشك تبتي خالص سيم درم عنبر و شهاب يك درم خبث الحل يک مل بر بوزن تمام ادويه را كوفته بيخته بروغن كا و چوب نموده يك شب بكنارند و روز ديكر با سه چنل مجموع ادويه عسل مصفى سفيد بطريق مقرر مرتب نمايند و بعد از شش ماه استعمال كنند شربت تبتي از دودانك تا نيم مثقال با شيروكو سفند يا كاوميش بنوشند \* جوارش فنجنوش حكيم صالح خان مرحوم خال آن قل س سره \* صنعت آن خبث الحل يک در سرکه انگوري مل بر نموده و سحق بليغ مكر و موافق قاعده كود و يكصد مثقال پوست هليله كاهلي پوست بلبيله هليله سياه فلغل سياه دار فلغل شيطرج هندى زنجبيل سعد كوفي ازهر يك ده مثقال تخم بونجه تخم كند نا ازهر يك چهار مثقال ادويه كوفته بيخته بروغن بادام شيرين چوب نموده و بعد از هفت روز

سه وزن مجموع ادویه که بقوام آورده باشند بسرشد بعد ازان مشك تبتي يك مثقال بحق نموده دران داخل کرده  
 نیکو بسرشد و در ظرف چینی نکاه ازن و بعد از ششماه استعمال نمایند شربت دودرم \* جوارش فنجنوش دیگر  
 نافع از برای اسهال معده و بواسیر و تقویت باه و سرعت انزال \* صنعت آن پوست هلیله کابلی هلیله سیاه و بلیله  
 آمله منقعی شیطرج هندى سنبل الطیب فلغل دارفلل زنجبیل سعد کوفی ازهریک ده درم تخم شبت تخم کند نا ازهریک  
 چهار درم خبت الحل یک مل برعسل بوزن مجموع ادویه خبت الحل یک را چهار روز در سرکه بخیسانند و خشک کنند و  
 نرم بسایند چنانکه بر روی آب با یستد بدستور معجون سازند شربت دودرم و بعضی مشك ترکی دودرم اضافه میکنند \*  
 جوارش فنجنوش دیگر \* صنعت آن خبت الحل یک در سرکه انکوری مل برنموده بدستور مقرر صلایه کرده یکصد و سی

مثقال پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله منقعی در شیرگا و پرورده فلغل سیاه زنجبیل سعد کوفی شیطرج  
 الطیب ازهریک ده مثقال تخم شبت تخم کزرا ازهریک چهار مثقال مشك تبتي خالص دو مثقال ادویه  
 بروغن بادام پانزده مثقال چرب نموده بعسل مصفی سه وزن مجموع ادویه بسرشد \* جوارش  
 نافع از برای کمی شهوت طعام و غثیان و مفید از برای کسیکه طعام در معده او جای نگیرد و از برای ریح  
 و از برای مردانیکه قادر بر نکاح نباشند \* صنعت آن هلیله سیاه پوست بلیله آمله منقعی شیطرج ه  
 فلغل دارفلل سعد کوفی سنبل الطیب ازهریک ده درم حرف سفید خبت الحل یک که یک شهاب نرود در سر  
 مفت مرتبه آن را عسل داده پس خشک نموده ازهریک وزن بیست درم تخم شبت جوز بویا بسا  
 ازهریک دودرم مشك تبتي دودانک ادویه را کوفته بپخته بروغن بادام شیرین چرب نموده بعسل  
 بقوام آورده بسرشد شربت دودرم \* جوارش فنجنوش منقول از قرا بادین قلانسی نافع از برای  
 صنعت آن پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله منقعی اصل السوس مقشر کل سرخ منزع الاقماغ اخرا  
 دودرم خبت الحل یک مل بر مثل وزن مجموع ادویه نبات سفید بقدریکه ادویه را بآن بسرشد و  
 حل کرده بقوام آورده ادویه کوفته بپخته بروغن کارچوب نموده بآن بسرشد شربت دودرم با  
 امثال آن \* جوارش فنجنوش با مشك به نسخه شیخ رئیس مقوی و مسخن معده نافع است از برای بواسیر  
 باه و موجب است \* صنعت آن پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله منقعی فلغل دارفلل زنجبیل  
 مل بر تخم شبت کرفس تخم کند نا تخم جرجیر تخم شلغم تخم جزر فلنجه سلیحه سیاه کل سرخ سعد کوفی دا  
 جوز بوا ازهریک یک درم بسا سه هیل قافله سک المسک عود قماری مشك تبتي ازهریک دودرم حب ال  
 اوقیه خبت الحل یک مل بر بدستور مقرر بوزن مجموع ادویه را کوفته بپخته بروغن بادام شیرین  
 بعسل سفید مصفی بسرشد شربت دودرم و این جوارش کرم و خشك است در واسطه درجه سیوم \* ج  
 به نسخه دیگر از شیخ رئیس که با سم معجون فنجنوش ذکر کرده رگفته که این معجون نافع است از برای  
 و باد بواسیر و ساد مزاج و زبونی رنگ روی و زیاده کنند باه است و سرعت انزال را نافع است و امسأ  
 صنعت آن هلیله سیاه پوست بلیله آمله منقعی فلغل دارفلل زنجبیل سعد کوفی شیطرج هندى سن

ازهریک شش درم تخم شبت تخم کند نا ازهریک دودرم خبت الحل یک صلایه کرده در سرکه انکوری چهارده شهاب نرود  
 بخیسانند و در صلایه خشک کرده بویان نموده شصت درم مشك تبتي خالص یک درم عسل مصفی سه وزن مجموع  
 ادویه را کوفته بپخته بروغن بادام شیرین بیست درم چرب نموده بعسل مصفی سه وزن ادویه بدستور مقرر معجون

سازند شربتیکه مثقال بعد از ششماه استعمال نمایند و پیش از ششماه نباید استعمال نمود \* جوارش فنجنوش با مشك  
 به نسخه دیگر \* صنعت آن هلیله سیاه پوست بلیله آمه منقی شیطرح هند و زونب طالیسفر دانه هیل برا زربا در درونج عقربی  
 دارفلل ازهریک چهار مثقال دارچینی قره الطیب سنبل الطیب جوزیوا قسطالنج زنجبیل فلغلمویه ازهریک هشت مثقال  
 سعد کوفی ده مثقال سکا صلی شش مثقال خبث الحیدل مد بریکمن مشک تبتی خالص یکم دم در نسخه دیگر نیمم دم است  
 اجزارا کوفته پیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده بعسل سفید مصفی بسرشد \* جوارش فنجنوش که سمرقندی در  
 قرابادین خود ذکر کرده و گفته که این فنجنوش نافع است از برای برودت معد و اسهال و بواسیر و رنگ را نیکو گرداند \* صنعت آن  
 پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمه منقی زنجبیل شیطرح هند و سعد کوفی فلغل دارفلل سنبل الطیب ازهریک ده درم  
 تخم شبت تخم کندنا ازهریک چهار درم خبث الحیدل مد با مرکه بعد از آن بریان کرده باشند سی درم کوفته پیخته بروغن  
 کا و تازه چرب نموده بعسل سفید مصفی سه وزن ادویه بسرشد شربتیکه سه درم \* جوارش فنجنوش صمدک به نسخه  
 قلانسی معد و راقوت دهل و بواسیر را زایل کند و رنگ را صافی گرداند و باه را زیاده کند و قوت دهل \* صنعت آن پوست  
 هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله چینی پوست هلیله سیاه پوست بلیله آمه منقی ازهریک ده درم فلغل سیاه دارفلل  
 زبره کرمانی مد بر زنجبیل تخم شبت تخم کرفس تخم کندنا تخم کهوک یعنی جر جیر تخم شلغم تخم جزردارچینی سلیمه  
 سیاه قرنفل جوزیوا ازهریک یکم بسپاسه قافله عود قماری خام مشك تبتی ازهریک دو درم حب ارشد ابیض  
 اوقیه خبث الحیدل مد بر مثل مجموع ادویه ادویه را کوفته پیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده بعسل  
 بیل مصفی بسرشد شربتیکه دو درم بعد از ششماه استعمال نمایند و در نسخه دیگر فرنجمشك کل سرخ ازهریک دو  
 درم داخل است \* جوارش فنجنوش قابض جهت اسهال بواسیری مجرب \* صنعت آن هلیله سیاه آمه منقی سیخ  
 نجبار شامی ازهریک ده مثقال پوست هلیله حب الاس تخم حماض این هر سه را بوداده ازهریک ده مثقال خبث  
 بل مد بر با عسل مصفی و رب به شیرین با لمانا صغه ازهریک پوست و چهار مثقال و در نسخه دیگر این هر دو و باهم  
 ادویه است بدستور معجون سازند شربتیکه و مثقال و جالینوس گفته باید که کو بیب شود ادویه اطریقات  
 و رشات کو بیب نی که نبوده باشد بسیار نرم بلکه جریش باشد از برای تخشین سطح معد و طول مقام آن ادویه  
 در معد و گاهی مربع میگرداند هلیله کابلی و بلیله و آمه را بکمز مازج از برای تقویت قوت آن سه و خمس میگرداند  
 اجزارا بخبث الحیدل مد خیسایند و بسرکه بریان نموده چند مرتبه از برای تقویت فعل آن ادویه و باید بود و باشد  
 زن کز مازج مثل یکی از آن سه وزن خبث الحیدل را بر هر چهار بسبب کثرت منفعت و شرف آن در غرض و این  
 جوارش خبث الحیدل نافع است از برای استرخای معد و اسهال قلییم و بواسیر و گاهی اضافه نمود و میشود  
 یا این پنج جزو ادویه حاره قابضه اما ادویه حاره پس از برای تعدیل این پنج جزو وارد و تسخین معد و تفتیح معد  
 اما قابضه پس بسبب آنکه میباشند آنها مطلوب اول و آن ادویه مثل قشار کند و سعد کوفی و سنبل الطیب و ادویه مکی  
 و نانخواه مد بر بسرکه بسبب نسبتی که کمتر از آن پنج جزو اصل باشد همه مساوی بجهت مشارکت بعضی آنها بعضی دیگر  
 را در آنچه مراد است و گاهی اضافه کرده میشود در آن سکا صلی و کل سوخ از برای زیاده تبتی و از برای آنکه  
 قریب با اعتدال باشد و این جوارش را اطریفل خبث الحیدل مد و معجون خبث الحیدل مد و فنجنوش نامند و فنجنوش  
 معرب پنج نوش فارسی است بجهت آنکه این پنج جزو در آن اصل و عود اند چنانچه ذکر یافت \* حب خبث الحیدل مد  
 بواسیر و سردی کرده و بسیاری ادرار بول و هرعت انزال منی و صاحب جذام را سود دارد و رفع آرزوی کل خوردن کند

کند و طعام بکوارد و رنگ روی را نیکو کرد اندک و لاغر را فربه سازد و قوت باه دهد و معدة ضعیف را نافع باشد و بادها بشکند  
و همدس خون بواسیر کند و پیشش و زحیر که بسبب بواسیر باشد بر طرف سازد \* صنعت آن به نسخه میرزا ابوالهیم در  
قرا با دین موسوم بمنهاج خبث الحبل یک را هفت روز با آب کند تا بخیر اندک و هر روز آب کند تا کهنه را دور نمود تازه  
داخل کنند بعد از آن خشک سازند و در تابه آهنی بر آن کرده و سحق بلیغ نمایند و تخم سمنان سفید از هر یک جزوی  
تخم جرجیر تخم کرفس تخم ترب تخم کند نا تخم کز تخم پیا از حله از هر یک ربع جزوی کوفته پیخته با آب کند تا سرشته  
حبها سازند هر حبی بقدر نخودی شربت بیست و یک حب هفت یکبار یا دو بار \* صنعت این حب به نسخه صاحب ذخیره  
خبث الحبل یک مد برد را آب کنند تا هفت روز که هر روز آب کنند تا تازه کنند و بعد از آن خشک کنند یکصد مثقال حب  
الرشاد و لیست و رم تخم کرات تخم جرجیر تخم کرفس تخم کز تخم ترب تخم حله تخم پیا از قله از  
و پنجد رم هر یک را کوفته و پیخته با آب کند تا سرشته حب سازند شربت بیست و یک حب هفت یکبار یا دو بار \* صنعت این  
د دیگر خبث الحبل یک که مکرر با آب کند تا مد پور کرده باشند یکصد و رم حب الرشاد و لیست مثقال  
جرجیر تخم کرفس تخم کز حله از هر یک بیست و رم کند و مصطکی از هر یک و درم صمغ عربی  
مد بر از هر یک پنجد رم کوفته پیخته بدستور حب سازند \* صنعت این حب به نسخه دیگر خبث  
مکرر با آب آورده باشند پنجاه و رم تخم کند نا تخم کرفس تخم جرجیر از حله تخم ترب  
از هر یک ده و درم هلیله سیاه که در روغن زیتون بریان کرده باشند پنجد رم مجموع را کوفته پیخته  
حب سازند و هر روز و درم بخورند \* رائب خبث الحبل یک نافع است از برای ضعف معدة و هزال بدن  
بکیونند ناخواه شود نیز کاشم زیره کرمانی حله از هر یک کفی سد اب تر کرفس تازه نعناع تازه از  
خبث الحبل یک مد بر مسحق بوزن مجموع آدویه پس بپزند از آن هفت رطل آب و در شبانروز  
یک رطل آن را صاف نمایند و صبح بیاشامند و بعد از چهار ساعت طعامی چید بخورند و پوهیز از  
و بقول و غل اهای شور نمایند و بیاشامند از رائب مذکور هرگاه تشنه شوند اندک اندک بیاشامند  
پس بد رستیکه نافع است باذن الله تع \* سفوف خبث الحبل یک جهت کسبیکه بسبب حرارت بول  
حکیم میر محمد زمان \* صنعت آن خبث الحبل یک بیست و درم کوفته بحر پیخته و هفت روز در سرکه  
از آن بیرون آورده با تش خشک کنند و بار دیگر کوفته مخلوط سازند با و قشور کنند ریکه یکشبانروز در  
و خشک کرده باشند پنجد رم طباشیر چهار درم کشنیز خشک سه درم شربت بیست و یک مثقال با میبه ساد  
و شام میل نمایند \* شراب خبث الحبل یک معدة را گرم کند و بدن را فربه سازد خصوص در مزجه بار  
نیکو گرداند و باه را قوی کند \* صنعت آن انیسون رازیانه ناخواه تخم کرفس انجدان کشنیز خشک  
کز تخم جرجیر تخم پیا از هر یک یک مثقال خبث الحبل یک مد برد و مثقال همه را در سه من آب بجوش  
رسد پس بیاشامند و در شیشه نکاهند و هر روز سی درم آن را تا چهل درم بیاشامند \* شراب  
سید اسمعیل و در ذخیره در سوء مزاج بارد معدة ذکر کرده و گفته این شراب مقوی معدة است و بسبب  
کند و باه را بپزاید \* صنعت آن تخم کرفس تخم رازیانه انیسون زیره کرمانی ناخواه صغیر انجدان کاشم کرویا  
کشنیز خشک فلفل دار فلفل ارچینی کند و سنبل الطیب قرنفل جوزیو از نجبیل سعد کوفی از هر یک یک مثقال خبث  
الحبل یک مد برد و مثقال همه را در دو من شراب انکوری بپزند تا بنصف رسد پس بیاشامند و هر روز سی درم آن را

بیا شامند تا سه هفته و از زمینهای تو ترشها پرهیز کنند \* طبع خبث الحیدل استرخای معده و بواسیر و ترهل را  
 سودمند است و رنگ رو را نیکو گرداند و هضم طعام کند و اشتهاى طعام آورد و باه را زیاده کند \* صنعت آن تخم کرفس  
 را زیاده انیسون ابله سپند آن خوش تخم سبب تخم ترب تخم جرجیر تخم شبت زیره کرمانی تخم پیاز مصطکی رومی  
 لبان ذکر از هر يك چهار مثقال قسط سلیخته عود هندى هیل بوا معترفا ایسی فو لجه شک قافله جو زجنل م سعل کوفى شده  
 قرفة الطیب تخم اسپست تخم انجره بهمن سرخ بهمن سفید تودرى سرخ تودرى سفید شیطر ج هندی هلیله سیاه پوست  
 هلیله کابلی پوست هلیله زرد پوست بلیله آمله منقى از هر يك يكه مثقال خبث الحیدل يك مد بر كوفته بخته صل مثقال جمله  
 را در بانزده رطل شراب یا مثلث تبین عسل بپزند تا بر بع رسد صافی نمایند و هر صبح ربع رطلی از آن با روغن بادام  
 شیرین بخورند \* فبروز نوش د و نسخه آن در اهلیج ذکر یافت \* معجون خبث الحیدل بسیارى بول که از سردى بود  
 باز دارد و این معجون را معجون کاورانى نیز نامند \* صنعت آن خبث الحیدل يك مد بر بیست درم قشور کند و که  
 در سه که خیسانید و با شدن يك شما نر ز پس خشك کرده کوفته بخته پنج درم طباشیر چهار درم کشمش خشك سه درم  
 شوکران دودرم هلیله سیاه ادویه کوفته بخته با سه وزن کل عسل مصفى مقوم بسروشند شربتى با مداد سه درم  
 و شبانكا سه درم با شراب میبه \* معجون خبث الحیدل بجهت بواسیر و ریاخ آن و نیکو کردن کوفته و تقویت احشا  
 و هاضمه نافع است و اورا فنجنوش نیز نامند \* صنعت آن اهلیج سیاه اهلیج کابلی آملج بلبل فلفل دار فلفل زنجبیل  
 کوفى شیطر ج هندی سنبل الطیب از هر يك دو مثقال تخم شبت تخم کند نا از هر يك چهار مثقال خبث الحیدل مد بر بیست  
 روغن بادام شیرین جو شافیه دهه مثقال با سه وزن ادویه عسل بسروشند و کویک مثقال نا دو مثقال مشك داخل  
 کنند بهتر است \* معجون خبث الحیدل مقوى معده و ناشف رطوبات فضله غریبه و قاطع اسهال و دم بواسیر و  
 حیض و اداری بول و نیکو کنند \* رنگ رخسار و مصفى آواز و مقوى هاضمه و جمیع قوی طبعیه است \* صنعت آن هلیله  
 و پوست هلیله کابلی پوست بلیله شیر آمله منقى از هر يك پانزده درم سنبل الطیب از هر يكى سعل کوفى زنجبیل فلفل  
 انخواه کند از هر يك پنج درم خبث الحیدل مد برد درم ادویه را کوفته بخته عسل منزع روغن و مقوم  
 چهار وزن ادویه سرشته معجون سازند شربتى يك مثقال تا دو مثقال \* معجون خبث الحیدل منقول از خلاصه  
 التجارب گفته که از مخترعات اهل هند است \* صنعت آن خبث الحیدل مد بود و جز و هلیله بلیله آمله از هر يك  
 ده جز و بهمن سفید مقشور زنجبیل فلفل جوز بوا قرنفل از هر يك يك جز و مصطکی مرکی تخم خشخاش از هر يك چهار  
 جز و جیبال بخته پاک کرده عشر وزن تا توره نصف مجموع ادویه کوفته بخته عسل مقوم نیکو بسروشند و در ظروف  
 چینی با زجاجی نگاه دارند شربتى د و مثقال ناشتا بخورند و کوبند قوت حیوانى و سماه موی را نکند و بول آورد  
 احقر گوید اگر از این نوع ترا کب حد الملق و را جتناب نمایند بهتر است و عند الحاجة با احتیاط تمام از مقلد  
 کمی شروع نمایند و جزء ت نکنند اولی است \* نفع خبث الحیدل جهت قوت هاضمه و نیکوئی استموای طعام  
 و تقویت قلب و دماغ و کبد نافع \* صنعت آن خبث الحیدل يك کهنه که بسیار بسیار ناید و باشد تود و ناشف نقل صوفى  
 که ندر آثار هندی باشد پوست هلیله پوست بلیله آمله منقى کرم ازج خورد و کلان از هر يك چهل و هشت مثقال که با و تار  
 هندی باشد ادویه را کوفته بخته در خم پیکوئى کرده در زمینی که همیشه آفتاب بران بتابد مد فون کنند و پوست  
 آثار بوزن هند آب را جوش دهند که سه آثار آب بخشک تنه را کرم بپزد آن ادویه بوزن در خم را قایل  
 بپوشند و تا بیست روز نگاه دارند و بعد از آن سر آن را با ز کرده و خم همان قسم مد فون باشد قوی نسک و

زنان ری نمک سیاه که بنا شده موافق باشد داخل کرده یکروز بگذارند تا مزاج کیود بعد ازان بعد از طعام بغاصه  
یک دوساعت بعد ریک پیاله چاه خوری بخورند و بعد از خواب نیز همین مقدار نافع باد \*

باب الحناء مع الصاد المهملة \* خصیة الثعلب بغاری مصری نامند و آن بیخی است سفید

و از سورنجان کوچکتر و طعم شیرین و بالزوجهت و اندک تندید و در شبیه بیوی منی مثل د و بیضه کوچکی که با هم  
ملاصق باشند و از هر بیضه ریشه باریکی دراز رسته و در آخر هر یک دانه کوچکی موجود که هر چند آن دانه بزرگ  
شود بیضه او کوچک گردد و ازین جهت قاتل اخیه نامند مستعمل اصل بیضه است نه حب مل کور و بیکش بقدر

انگشتی و از بزرگ پیاز اندک عریضتر و پهن بروی زمین و نرم و ساق آن بقدر شبری و بر بالای آن د و  
رنک و در وسط کل چیزی سیاه و منبتش جبال و اماکن نمناک و بی تخم است و در آخر اول کرم و تروم  
عصب و جهت کزاز و تشنج یا بس و تولید منی و تقویت نعوظ و طای آن با روغن کل مقوی موی و منبت  
مقوی آن و قد رشربتش و متقال و مضر فم معده و مصلح آن شکر و بدش تخم رطبه و تخم زردک است که  
ازان را کلی است که دران چیزی شبیه بمکس میباشد و بیخ اود رتقویت باه ضعیف تراست و نوعی دیگر  
ساقش سرخ و بر سر آن د و عد د کل بسیار کوچک و درون آن تخم سیاهی و در تابستان میرود و د و سال  
د و نیم کرم و ترو و کوبند جهت امراض سوداوی مجرب است و هر که اوراق کلد دست آن شخص بی حس  
گردد و چون آنرا بسوزانند و با موم و روغن زیتون یا با سرکه تد هین کنند رفع آن شود و نوع چهارم  
مده عد د و مائل بطرف زمین و شبیه ببرک سوسن سفید و ازان کوچک تر و رنکش سرخ و ساقش باریک و  
و گش مثل سوسن آزاد که زنبق است و بیخش مد و در بقدر جوزی و سرخ و در رویش سفید و بالزوجه

در د و نیم کرم و ترو و بغایت مبهی \* نوع پنجم را نبات و بیخ مثل نوع چهارم و تخم آن شبیه بتخم کتان و  
و براق و صلب و در سیوم کرم و با رطوبت فضلیه و در تحریک باه قوی تر از انواع دیگر و جهت فالج و لقوه و تد  
و ریزانیدن حصاة نافع و حمل آن با زعفران و اندک مشك موجب حمل در همان ساعت و مجرب د  
و تخم آن با شراب بغایت موجب نعوظ و مکد و حواس و مضر محرورین و مصلح آن سکنجبین و قد رشربت ا  
یک عد د و از تخم آن تا یک هم است \* حریره خصیة الثعلب \* سینه را نرم گرداند و مقوی قلب و دماغ و  
صنعت آن صمغ عربی کا و زیان د ارجینی از هر یک یکرم در کلاب و عرق شاهتره و نیلو فراز هر یک بیست متقال  
تا بنصف رسد پس بمالند و صاف نمایند شیوه مغز با دام مقشرش متقال شیوه مغز پسته مقشر مغز  
که دکان از هر یک یکرم دران ریخته بر آتش کد ارنند و قد ری بجوشانند و نبات بقدر یکه طعم آن را شیر  
دران اند ارنند و ثعلب مصری کوفته ریخته یک درم تا یک متقال اندک اندک بران پاشیده برهم زنند تا  
ویک حبه عنبر اشهب را با قد ری نبات سوده بران بپاشند و برهم زنند که عنبر کد اخته گردد پس زعفر  
تا سه حبه سائید و دران ریخته برهم زنند پس فرود آورده نیم درم تخم بالنکو و نیم درم تخم فرنجیه شک بر

برهم زده بطریق قهوه بنوشند و اگر تا چهل روز بدین مدت نمایند که هر روز صبح ناشتا بنوشند تقویت بدن و  
ارواح و باه کنند و بدن را فربه نمایند و اگر بهمین و شقاقل و بوزیدن از هر یک نیم درم کوفته ریخته اضافه ادویه  
نمایند و تود رییس از هر یک نیم درم نیز اضافه نمایند و در تقویت باه میگردد اقوی و چون مقدار ادویه بسیار است  
اگر برداشت نشود نصف یا ثلث یا ربع داخل نمایند \* حشو خصیة الثعلب منی زیاده کند و قوت باه را بیفزاید



تخم مارچوبه تخم زردک خولنجان زرنبا د سنبل الطیب بهمنین ازهریک پنج مثقال مایه شتو اهرابی تضییع کار  
 کوهی مغز سرکنجشک کنجد مقشر ازهریک سه درم زنجبیل دارفلل کبابه چینی بوزیدن آن تخم هلیون نود ریبن  
 ازهریک دو مثقال جوزبوا بسپاسنه زعفران مصطکی ازهریک سه مثقال مشک عنبر اشهب ازهریک یکدرم اجزا کوفته  
 با مثلث که از عصیر انکور یا مویز بخته باشند بسرشدن و مقد ارشربتی در مثقال هر صبح با یک پیاله ماء اللحم یا شیر  
 کار و یا ماء الحمص میل کنند \* **باب الحاء مع الضاد المعجمة** \* **فصل در ذکر خضابات** \*

بد آنکه اطباء در باب ادهان خضابیه اختلاف نموده اند اکثر را اعتقاد آن است که دهنیت مانع ایصال قوت صابغه  
 است و بعضی را اعتقاد آن است که خضابا تیکه در فعل او بقا و اثری چند ماه باقی باشد امکان ندارد و برخی  
 تصریح نموده که بحدی ثبات دارد که در هیچ وقتی زایل نمیکرد و آنچه به تحقیق اقرب است آن است که چون تگون  
 موی از بخار خالی غایط است هرگاه قوت نافذ و قوت صابغه خضاب بحدی باشد که تمام در رطوبت تحت جلد  
 که ماده بخار خانی و تگون موی است نفوذ نماید و انفاذ بیاض آن گردد و امکان دارد که بعد از سفید شدن باز موی  
 سیاه تگون نماید و الا فلا و این خود محال مینماید و چون خضاب جلد را سیاه کند مالیدن روغنهای نیم گرم رفع  
 آن مینماید خصوصاً ادهان حاره \* خضاب که موی را سیاه کند \* صنعت آن مازو یکرطل کتیواروی سوخته شب یمانی  
 ازهریک پنجدرم نوشادر چهاردرم نمک اندرانی درم مازوراد در روغن زیت بچوشا فند تا منقش شود و با ادویه  
 دیگر بکوبند و بمالند و بعد از آن با آب گرم بشویند \* خضاب دیگر \* صنعت آن و سه جوز قره با یک یکویدامیرند  
 ماب کنند و بعد از آن موی را با روغن شونیز و روغن قسط چرب کنند \* خضاب دیگر \* صنعت آن و سه چهل  
 م حنا پنجدرم کوفته بخته استعمال نمایند و بعد از آن موی را بر روغن گل چوب سازند و با آب گرم بشویند \* خضاب  
 دیگر \* صنعت آن برگ کل شقایق ده درم آمله مقشر پوست باقلای قره ازهریک پنجدرم کوفته بخته بسرشدن  
 است و روز در آفتاب بکند و چون سوکه کم شود اضافه نمایند و بعد از آن استعمال کنند \* خضاب دیگر \* صنعت  
 جوزالسر و مازوی سبز ازهریک بیست درم در سرکه و روغن زیت بخته تا تخم سوخته گردد و مس سوخته پوست  
 ردگان تر ازهریک ده درم پرسیاوشان شب یمانی افاقیه آمله ازهریک شش درم قرنفل ده درم کوفته بخته  
 آب گرم بسرشدن و خضاب کنند و بعد از سه ساعت بشویند \* خضاب دیگر \* صنعت آن پوست گردان ترش شب یمانی  
 انار مس سوخته لادن مساوی کوفته بخته با آب گرم بسرشدن \* خضاب دیگر \* صنعت آن حنا چهاردرم و سه هشت  
 درم روی سوخته شب یمانی نمک اندرانی مازوی سبز بریان کرده در روغن زیت خست ابلد ازهریک ده  
 درم کوفته بخته با آب گرم بسرشدن و استعمال نمایند \* خضاب دیگر \* صنعت آن شکوفه کدو گل و مقل با روغن زیت  
 صلایه کنند و استعمال نمایند و بعد از شش ساعت با آب گرم بشویند \* خضاب بیکه موعدا سیاه کند و مجرب است \* صنعت  
 آن مازویک و نیم پا و که بیست و چهار توله باشد فی توله سه مثقال مثقالی چهار ماهه سنک راسخ و توله قرنفل بخته  
 عد و نوشادر ده ماهه هلیله زرد یک پا و که شانزده توله باشد زاج سفید ده ماهه روغن کنجد یک پا و اول هلیله  
 را جوکوب نموده شب در آب خیسانیده صبح مازوراد در روغن بریان کرده از ثبات که پارچه کوباسی باشد و در  
 پارچه خشن زبرد یکر روغن آن را خوب کوفته که مطلق روغن در آن نمافد پس مازوراد کوبیده اجزای دیگر  
 نیز نرم نمایند و با آب هلیله مجموع را حب بسته خشک نموده نگاهدارند و وقت حاجت چند حب را در ظرف آهویی  
 بادسته آهنی با آب هلیله محقق بلیغ نموده تا یک ساعت کامل پس بر مومالین و بالای آن برگ بید انجیر بماند

ناد و ساعت کامل نگاه دارند پس بشویند و اگر خشکی در مو ظاهر شود بر روغن یا سهین چرب نماید اما باینکه در بودادن ما زو احتیاط نمایند که نسوزد و خام نیز نمایند و نیز در گرفتن روغن از ما زو سعی بلیغ نمایند هم قبل از هم بستن و هم بعد از آن و از پارچه کرباسی روغن آن را تمام بگیرند \* خضاب دیگر موی را سیاه کند \* صنعت آن ما زو را در روغن زیت بریان کنند تا آنکه سیاه شود و نسوزد و بشکافد چهل درم روغن کثیرا شب یمانی از هر یک پنجاه درم ملج اند رانی دود درهم مجموع را مثل سرمه سحق نمایند و با آب خمیر کنند و چهار ساعت بکند دارند پس موی را بشویند و خشک کنند و خضاب نمایند و پنج شش ساعت بکند دارند و بعد از آن با آب نیم گرم بشویند \* خضابیکه موی سیاه را سفید و سفید را سیاه کرد اند \* صنعت آن زهره پرستوک را در خون ادرل کنند و بر موی ریش که سفید شده باشد بمالند سیاه کنند و دندان را نیز سیاه کند و اگر زهره کاویا میزند و بر موی سیاه طلا کنند بی هنگام سفید شود \* خضاب دیگر \* صنعت آن ما زو سبزی مثقال در شش مثقال روغن کنجد بریان کنند در ظرف آهنی بدین

قسم که روغن را با نش ملایم گرم نمایند تا کف برآورد پس ما زو را در آن انداخته بریان نمایند پس سرد کرد و بسایند و با براده مس سائید و در کال نرمی که براقی مس مطلقا در آن نمالند و با شعله هلیله سیاه و زنگی سی مثقال نوشادر زاج از هر یک دود درم گرفته بمیخته با یکدیگر در آن شش مثقال آمله یا شعله خمیر کرده در روغن مسطور حل نموده بر روی آتش ملایم بکند دارند تا منعقل کرد و وقابل آن کرد درست پس حبها بسته در سایه خشک نمایند و عند الحاجة بقدر کفایت از آن گرفته گرفته با آب آمله یا در سسته آهنی خوب حل نمایند تا مانند مسکه شود موافق ضابطه خضاب نمایند و بعد رنگ شدن با آب بعد از آن با آب گرم یا سرد و در ابتدا اگر در اول مرتبه از هر یک نوبت رنگ نشود مکرر عمل نمایند یکمرتبه کافی خواهد بود \* ایضا خضاب منقول از حکمای هند و درست جوک و ترجمه با هر تصریح شده که میکویند در سن پیری موی میر و یا ند \* صنعت آن سیصد و پنجاه مثقال سرکه انگوری و مثل آن شیرکا و تا قریب با نعل در سن پس بکند دارند تا سرد شود پوست آن را آمله مقشر هلیله سیاه از هر یک سی مثقال اضافه نمایند و در شیشه کرده تا سه ماه در سرکین اسپد فن کنند پس موی را با آب لیمو شسته خضاب دیگر ایضا منقول از حکمای هند و مدعی آنکه تا هفت سال اثر آن باقی میماند و کذب محض است \* با دلیجان یعنی قمع آن یک عدد در شیشه درخت انار پنج جزو و توبال النحاس سه جزو هلیله سیاه یک عدد نخود سیاه هفت عدد داروهارا کو بیک و بمیخته با سه قاشق سرکه و روغن کنجد سیاه سرشته در ظرف روز در نه آب دفن کنند پس برآورده استعمال نمایند \* خضاب دیگر منقول از حکمای هند که تا شش

آن باقی میماند و نیز کذب محض است \* صنعت آن نارجیل را سوراخ کرده مغز آنرا بیرون آورده و هر هم با دود درهم در ده آهن و یک درم بودا ارمی نرم کو بیک و در میان نارجیل کنند و سوراخ آنرا بهمان پاره که از بر داشته بودند مسال و نموده بکل حکمت گرفته یک ساعت در تنور بکند دارند بیکه بسوختن نرسد پس روغن که در آن جمع شده باشد استعمال نمایند \* خضاب دیگر منقول از حاکم و تصریح نموده که تا شش ماه اثرش باقی میماند و مجرب داشته \* صنعت آن و ستمه تازه بسیار رنگین را نرم سائید و از حر بر پیخته با زعفران و مس مثقال ملج اند رانی و یک مثقال زاج سیاه داخل کرده با سرکه خمیر نموده در آفتاب بکند دارند پس بربع او خطمی وقت استعمال اضافه نموده با آب سرشته خضاب کنند و ساعتی در حمام مکتب کنند و بشویند \* خضاب دیگر بدستور منقول از حاکم

کبیر که عجیب تر دانسته اند \* صنعت آن برگ حنا برگ و سکه را جل اجل آید و آب بخیسانند و در آفتاب بکند ارنه  
 پس صاف نموده تا سه بار تجلید نمایند تا آبها بسیار رنگین شود پس براده آهن را در سرکه ریخته در آفتاب بکند ارنه  
 تا بغایت سیاه گردد و مازوی سبز را سائید \* در آب خیسانید \* مکرر در آفتاب بکند ارنه تا غلیظ شود و مرد استنک  
 و آهک را با المناصفه نرم سائید \* در آفتاب بکند ارنه بعد بکه چون پر مرغ سفید را در آن فرو برند موی آن را  
 سیاه کند پس بگیرند از آب حنا و سکه و آب آهک از هر یک جزوی و از آب مازو و سرکه که در آن آهن  
 خیسانید \* از هر یک ربع جزوی مجموع را مخلوط نموده بوزن در آورند با زای هر زطلی که نمود مثقال باشد  
 را سخت پنج مثقال زاج سیاه پنج مثقال ملج اندرانی دو مثقال پوسه کردگان تازه دو مثقال نرم سائید \*  
 اضافه نمایند و یک ماه در آفتاب بکند ارنه و به پشم سفید آلوده \* امتحان رنگ آن کنند \* نگاه موی را با آب  
 خطمی شسته با پر مرغ یا بمسواک بمالند چه انگشت را سیاه میکند و اگر خواهند بجوشانند تا غلیظ گردد و وجهها  
 بسازند و در وقت احتیاج با آب حل کرده با پر مرغ طلا کنند بر مثبت موی نیز خوب است \* خضاب دیگر ایضا  
 از حوامی کبیر که تا یک ماه اثرش را باقی دانسته اند \* صنعت آن برگ سدر تازه آمله خبث الجید و سکه دانند  
 مغرمای سوخته زاج سیاه پوست انار را سخت نوشا در هلیله سیاه از هر یک پنج مثقال در یک رطل سوکه و مثل آن روغن  
 زیتون بجوشانند تا سرکه سوخته روغن بماند و روغن نیز قریب به نصف رسد پس صاف نموده استعمال نمایند و  
 بر صاف نیز مؤثر است \* خضاب دیگر ایضا منقول از حوامی کبیر و متفق علیه مجربین است \* صنعت آن هلیله سیاه  
 الجید آمله زاج زرد مازوی سبز یا سوه یکماه در سرکه بخیسانند پس بجوشانند تا غلیظ گردد و وجهها ساخته  
 این الحاجت با آب سائید \* استعمال نمایند \* خضاب منقول از محمد بن زکریا تصریح نموده که در غایت قوت است  
 حتی آنکه هرگاه در حمام خصیه را در آن کد ارنه و سرکه را در دهان کنند که دندان را سیاه نکند باعث تمویذ موی و  
 تخینه میگردد و تاد سال اثرش را باقی دانسته اند \* صنعت آن خون بزغاله سیاه که کمتر از یکماه باشد و پروری کام  
 بوده بکند ارنه تا منعقل گردد پس از که جل آکنند و دو مثقال آن را با پنج مثقال را سخت و پنج مثقال زاج سیاه و  
 مثقال ملج اندرانی نرم سائید \* از حریر پیخته با آن خون مخلوط کرده در شیشه کنند و شیشه را تا کبود رسد که گفته  
 اند چهل روز بکند ارنه اگر زود تر خواهند سه روز در سرکه کین اسپ تازه باید گذاشت پس بکند ارنه \* خضاب منقول  
 را بن هیل بتجربه رسید \* است \* صنعت آن مرد استنک و آهک را با شش وزن آن آب بخیسانند و سه روز در آفتاب  
 بکند ارنه و پیشم سفید امتحان کنند هرگاه که سیاه نکند صاف نموده بارد یکوب ستر و مد کوبیدن رسد پس اضافه نموده  
 تا با امتحان رسد پس صاف نموده و جزو حنا یک جزو و سکه را با او خمیر نموده و قوی قوتی اضافه نمایند و قوصها  
 ساخته عند الحاجت با آب سائید \* استعمال نمایند و مجربین اطباء اجتماع نموده اند که چون مرطوب قوی بنید یک  
 درم از زاج سبز بلخی بنوشند موی سفید ساقط گردید \* سیاه میروید و چون زاج مزبور سم است و مضرتش بر طیبش  
 لازم است \* خضاب دیگر منقول از یاقوتی و جامع الادویه و کتب معتبره دیگر و تقویت و تمویذ موی بی حد است \*  
 صنعت آن پنجاه درم آب مورد تازه صد و پنجاه مثقال آب صاف در هم بجوشانند تا بنصف رسد پس صاف نموده و پنجاه  
 درم خطمی و پنجاه درم و سکه و مثل آن حنا و بیست عد مازوی بریان کرده که بر روغن زیتون آلوده باشند و پنجاه درم  
 صمغ عربی رده درم زاج سیاه بجوشانند تا منعقل گردد بمشک و قونفل معطر ساخته استعمال نمایند از اهل قیصر که مکرر  
 تصریح یافته و معتقل مین نیز متفق اند که چون موی را هر روز بر روغن زیتون صحرانی تل همین نماید سفید نمیکرد و

رنگ هتور چون هر روز یکعل دهلیله سیاه تناول نماید و همیشه هلیله سیاه در دهان نگاهداری با صفت دوا موهود  
 موی است و آنچه سفید باشد بعد از مدت یک سال شروع بسیاه شدن می کند و این از مجربات است \*  
 خضاب دیگر از امین الدوله گفته که جلد را سیاه نمی کند و موی سر و لویه را بغایت سیاه میکند و مجرب دانسته اند \*  
 صنعت آن برک نام را شسته با آب بقلر آنکه یک بند انگشت او را بجوشانند بجوشانند تا بپخته شود و قطره از آن  
 بروی کار یا صفحه آهن صیقلی بریزند چون آهن را سیاه کنند آنکه صاف نماید و ما دام که سیاه نکند باید که بجوشانند  
 پس صاف کرده آب صاف آن را بجوشانند تا قریب با نفعاد رسد و جرم تمام را همراه پخته بر سر صاف نمایند و آب  
 منعقل را با آب گرم حل نموده بر اصول شعر بمانند و روز دیگر بشویند اما در حمام تا شش ساعت مکث کنند \* خضابیکه  
 چون موی سفید را قلع نموده در حال بران ضاماد کنند سیاه برویاند و از مجربات است \* صنعت آن زهره خطاف  
 دو مثقال و از خور آن و نوشاد و هر یک یک دانک سائیده طلا نمایند و قدر یک حبه از زهره اوسعوط کنند  
 خضابیکه امین الدوله مجرب دانسته و مبالغه در تاثیر آن نموده و از عجایب اسرار شمرده است \* صنعت آن  
 که سیاه زهره غراب سیاه زهره بوه سیاه زهره مرغ سیاه باله سویه یا روغن مخلوط نموده بر سر و لویه بمانند \*  
 دیگر \* صنعت آن علق را با سرکه در شیشه کرده چهل روز در سرکین اسپد دفن کنند پس برآورده موی را قلع نما  
 موضع موی مقلوع بمانند و یکوموی سفید بر نیاید \* خضاب دیگر حجار البقر را با شراب بر موضع موی برص و  
 که کند و باشند با شراب بمانند بجای موی سفید سیاه بر می آید و مجرب است \* خضاب دیگر منقول از امین  
 زمانی طویل سیاهی او می ماند \* صنعت آن روغن نارچیل که نه پنج مثقال هلیله سیاه نیم مثقال نوشاد و  
 سائیل و خضاب نمایند اما ادویه خضابیه از قبیل و سمه و براده مس و سرب و آهن و را سخت و خست الحاد  
 پوست با قلا و آب پوست گردکان و آب برک مورد و تخم آن و آب برک چغندر و لادن و مرداسنگ و آهک و آما  
 و پوست نار و زاج سیاه و شقایق و قرنفل و حفص است و محمد بن زکریا حنا و قرنفل را باله سویه از خضابات قویه شده  
 و همچنین سم سوخته الاغ سیاه را با روغن مورد بلیغ الاثر بیان فرموده اند و بتجربه رسید که قطره مس و سمه  
 بحنا اولاً و بعد از آن زایل میکند \* باب الخاء مع الطاء المهملة \* فصل در ذکر نسج خطاط  
 خطاط بفتح خاء معجمه و دو طاء مهمله اول مفتوح در میان الف اسم صمغی است که اکثر زنان در زینت خو  
 دارند و آن انواع است از آن جمله آب مطبوخ و سمه است بدین نحو که با تیلچه بسیار کوچک که تخمیناً پانز  
 مثقال آب یا کمتر در آن بکنجد خواه او نقره باشد یا مس قلعی دارمقدار نیم درم و سمه داخل کرده قدر  
 و پخته بر آتش ملایم طبع می نمایند پس صاف نموده بر سر میلی یا رنگ پارچه بسیار نازکی پیچید و بآن رنگ  
 بر بروی خود می مالند مکرر تا آنکه رنگین و خوش نما گردد و بعضی برای تصفیه آن بشکل آن پاتیل پاتیل دیگر  
 ساخته بعد طبع و رنگین شدن آب آن در آن گذاشته فشرده آنچه آب صاف از شبکه های آن بر آید با میل مسطور برداشته  
 بکار می برند و بدانکه و سمه هندی نیکو است و زرد رنگین می گرداند و رنگ آن بسیار رطاب و سی می باشد و سمه کرمانیه  
 دیرتر رنگین میگرداند و طاب و سیست آن کمتر است و دوا رنگ این زیاده را گردانک قرنفل از برای رفع غالیه و سمه  
 بادماغ داخل نمایند خوب است \* باب الخاء مع اللام \* خل مسهل از کناس الطنبوس \*  
 صنعت آن سقمونیا نیم اوقیه خل خمر پنج اوقیه قسط سقمونیا را در کیسه از خرقة کتان بسته بیاویزند و سرکه پنچ روز پس  
 بنوشند از آن سرکه یک ملحقه پس بد رستیکه میرانند صفرا را و اگر بجای سقمونیا ماهودانه باشد مقلد از یک اوقیه ها لکونیکه

بوده یا شد ما هودانه مسحوق اخراج بلغم می کند و اگر بگرداند مکان آن افتیمون سه اوقیه اسهال خلط سوداوی  
 میکند و انواع خل و فواید و منافع آنها انشاء الله تعالی در حرف العین در عنب مذکور خواهد شد \* خلوق بل آنکه بفتح  
 خاء معجمه و ضم لام و سکون و اووقاف اسم زعفران است و با اصطلاح اطباء مرکب متخذ از زعفران و غیر آن از انواع طیبوت  
 است که غالب بر آن صفت یا حمیت باشد در رحم و صلابت و اختناق آن را چون برد از اند سودا در دودل را قوت  
 دهد و عصب را نرم گرداند \* صنعت آن زعفران سه درم قرنفل قره الطیب از هر یک یک درم قصب الی دره پنجم درم  
 اشنه دودرم کوفته بخته بکلاب و روغن کل سرخ سرشته بکار دارند \* **باب الخاء المعجمه مع المیم \***

**فصل در بیان نسج خمیرها \*** **بل** آنکه خمیره از تراکیب جدید است و بین معجون و شربت است زیرا که  
 در معجون جرم ادویه را بسیار نرم کوفته بخته داخل مینمایند و در شربت جرم ادویه اکثران است که مطلقا داخل  
 نیست بلکه جرم آنرا جوش داده صافی آن را کوفته با نبات یا غیر آن بقوام انگشت پیچ می آورند در خمیره هم جزو لطیف  
 مطبوخ آن و هم جرم آن داخل است و قوام آن نیز مانند خمیر است بین معجون و شربت یعنی نه بسیار سخت مثل  
 معجون و نه بسیار نرم مثل شربت خمیرها را بریشم و خشخاش در آب ریشم و انیسون و بنفشه و کل تفاح هر یک در رسم خود  
 ذکر یافت و خمیرها صندل و عنبر و عود و کل پنجه و لسان الثور و کل آن و مر و ارید و ورد و باقوت هر یک نیز از انشاء  
 الله تعالی در رسم خودها ذکر خواهند یافت و بعضی که مذکور نشد بود اینجا ذکر می یابد \* خمیره مختصر که در شط و مسکو  
 است \* صنعت آن چهل مثقال شکر سفید را قدری آب داخل کرده بر آتش نهند و بجوش آورند تا کف دو سه آورد پس  
 بل ری سفید تخم مرغ بر آن ریزند تا کف آن جمع شود کف آن را تمام گرفته پس صافی نموده باز در یک کنند و بیست  
 مثقال کلاب خوشبو داخل کرده بقوام خمیره آورند پس از آتش فرود آورده تخم خشخاش مغز بادام شیرین مقشور از هر یک  
 د و مثقال در آنها پست نرمی سائید داخل کنند پس چوب خالص یک مثقال و قهوه مشک خالص و عنبر اشهب از هر یک  
 چهار دانگ سوخته داخل نمایند و به تیر معجون سازی آنقدر ریخته اند که دیگر مخلوط شود و خمیره گردد پس نگاهدارند  
 شربت یک مثقال با کلاب \* خمیره مطیب که مقوی معده و وقایع و دماغ است و بوی دهان خوش کند و نفوح آورد \*  
 صنعت آن شکر سفید یک من آن را یک ستور مصفی نموده در با تیل حلوائی کرده کلاب بکرتلی داخل نموده بقوام آورند  
 و از آتش فرود آورده تیر زنده تا سفید شود بنها پست سفیدی پس بکیردن نوزل دکنی و جوز بو و بسماسه دانه هیل و انیسون و  
 قرنفل از هر یک دو مثقال و همه را نیم کوفته عنبر اشهب نیم مثقال اول مرتبه عنبر اشهب را در آن حل کرده پس باقی ادویه  
 بآن پسر شدند شربت سه مثقال \* **باب الخاء المعجمه مع النون \*** **فصل در ذکر نسج خند یقون \***

**بل** آنکه خند یقون که خند یقون نیز می نامند لغت فارسی است از تراکیب حکمای فرعون است و مکان نام صاحب آن  
 معلوم نیست و حکمای یونان نوسیک و لیتن اذکوان در کتب ایشان بیست و نیز نام مسکو متخذ از ادویه است و  
 از سطون نیز شبیه باین است و مکر آنکه غلیظ تر و شیرین تر است و بهترین آن آنست که از شراب ساخته باشد و قوت  
 آن تا هفت سال باقی میماند و شربت آن هجده درم است و کوم در دویم و فردر سوم است موال خون جگر صالح و صالح  
 هضم و مفتوح شک معده و کبد و طحال و مقوی آنها و دیگر کنند رنگ و خسار و سرخ کنند آن و مزیل تپه ربع و آن آن  
 فربه کنند بل و زائل کنند \* امراض عسرة البرء است \* خند یقون به دست شیخ رئیس نافع از برای برونه و قصور  
 هضم و ضعف کبد از برودت و از برای تب ریع و پیران و بلغمی مزاجان را موافق است \* صنعت آن شراب را نعلانی گفته  
 پنج رطل عسل صافی یک رطل و نیم زنجبیل پنجم درم قافله هیل بوا از هر یک نیم درم قرنفل زعفران از هر یک یک دانگ و نیم درم

ادویه را نیم کوفته سوای مشک و زعفران در کیسه کتانی کرده با زعفران در شراب و عسل انداخته به پزند و کیسه را داغ  
 بمالند تا قوت بازدهد و شراب بقوام آید پیش از آنکه از آتش برگرفته باشند کیسه را برآورده بمالند و بمشازند و شراب  
 شسته آن شراب را داخل کنند و مشک را سوده در آن حل سازند و از آتش برگرفته سرد کنند و در ظرف چینی نگاهدارند \*  
 صنعت این خنل یقون به نسخه قلانسی شراب کهنه پنج رطل بغدا دی عسل مصفی نیم رطل زنجبیل پنج رطل و نیم قاقله  
 هیل بوا از هر یک نصف درهمی قرنفل زعفران از هر یک سدس درهمی مشک فلغل از هر یک ربع درهمی دارچینی یک دانگ  
 و در نسخه کفایه الطب افادیه ضعف این وزن است شراب را یک جوش داده کف آن را بگیرند پس عسل را در آن داخل  
 کرده هر دو را بجوشانند تا بنصف رسد پس افادیه مذکور را سوای مشک و زعفران در پارچه کتانی بسته در آن اندازند  
 و بقوام آورند و به نسخه کیسه را بمالند تا قوت بازدهد و بعد از رسیدن بقوام مشک زعفران را بکباب سوده در آن اندازند  
 و برهم زنند و کیسه را برآورده بمشازند و دور کنند و شراب را فرود آورده سرد کرده نگاهدارند \* خنل یقون دیگر  
 رئیس در قانون ذکر کرده \* صنعت آن قرنفل سنبل الطیب قاقله عود قماری خام از هر یک دو مثقال زعفران  
 دارچینی زنجبیل فلغل از هر یک سه مثقال و در نسخه دیگر از هر یک یک مثقال است و اول صمغ است  
 مشک ربع مثقالی ادویه را سوای سبک و مشک نیم کوفته در پارچه کتانی بسته در دوازده رطل شراب  
 در شبها نروزیکن از آن که در آب بخیسند در پاتیل سنگی یا مس تازه قلعی کرده نموده عسل مصفا  
 رطل در آن اندازند و بجوشانند تا بقوام آید پس از آتش برگرفته شک و مشک را سوده در آن  
 خنل یقون دیگر بدین را قوت دهد و پیران را مفید باشد \* صنعت آن شراب کهنه ده رطل عسل مصفی سه  
 ده درم قاقله هیل بوا جوز بوا زعفران از هر یک یک مثقال قرنفل مشک خالص از هر یک نیم درم ادویه را  
 زعفران نیم کوفته در کیسه کتانی کنند چنانچه نیمه باشد از افادیه و سر کیسه را بسته در شراب  
 بجوشانند و کیسه را به نسخه بمالند تا عسل و شراب بقوام آید پس کیسه را برآورده زعفران و مشک  
 فرود آورند و سرد کرده نگاهدارند \* خنل یقون به نسخه جیش بن الحسن مذکور در کفایه الطب \*  
 سه من مثلث ریحانی دو من و نیم آهسته در ظرف آبکینه نموده زنجبیل قاقله کبار و صغارا از هر یک  
 دارچینی نیم درم زعفران یک درم دارفلل یک دانگ و نیم نیم کوفته مجموع را در آن اندازند  
 و هر روز آن را برهم زنند و روز چهارم آن را بپالایند و یک دانگ و نیم مشک سوده در آن حل  
 به نسخه حکیم میر محمد مؤمن که در تحفه المؤمنین ذکر کرده \* صنعت آن عسل مصفی سه درم  
 جمهری ده رطل زنجبیل پنج رطل قاقله کبار قاقله صغارا از هر یک نیم درم قرنفل یک دانگ دارچینی  
 یک درم دارفلل یک دانگ و نیم غیر زعفران باقی ادویه را نیم کوفته با زعفران در شراب و عسل اند  
 روز در آفتاب کاندازند و هر روز حرکت دهند و روز چهارم صافی نموده یک دانگ و نیم مشک خالص در آن حل  
 نگاهدارند \* خنل یقون به نسخه دیگر \* صنعت آن سنبل الطیب عود هندی قاقله قرنفل از هر یک سه درم زنجبیل  
 دارچینی از هر یک پنج رطل مشک تبی نیم درم زعفران پنج رطل سبک یک درم و نیم ادویه را سوای مشک و سبک  
 زعفران نیم کوفته در کیسه کرده هشت من شراب را در قزاقه کرده کیسه را در آن اندازند و یک شب نروزیکن از آن  
 و روز دیگر دو من انکبین صافی و قند سفید داخل کرده بقوام آورند و هر نسخه کیسه را بمالند و چون بقوام آید کیسه  
 را نیکو بمالند و بمشازند و دور کنند پس مشک و سبک و زعفران را سوده در آن حل نمایند و برهم زنند و در ظرف چینی یا

زجاجی نگاهل ارنل \* خنل یقون به نسخه صاحب ذخیره سیل اسمعیل \* صنعت آن بکیرونک عصرانکو و شیرین بجل کال  
 ده ذ ورق با آتش ملایم بجوشانند و کف آن را بکیرونک و در من و سه استوار عسل مصفی داخل آن کنند و باز بجوشانند  
 و کف آن را بکیرونک تا به نیمه آید نخست بکیرونک سنبل الطیب قاقله قرنفل دار فلفل زهریک یک گرم همه را نیم کوفته در صر  
 کتانی بسته درد یک اند ارنل و شراب را بجوشانند و هر لجه صره را بمالند تا قوت آن در شراب برآید پس آن صره را  
 برآورند و بداند و بفشارند و دور کنند پس سه درم زعفران و یک گرم مشک تبیی خالص سوده در وی حل کنند و از آنش  
 بو گرفته سرد کنند و در قرا به نموده سرش را استوار نمایند و اگر دانه که رقتی دارد چنک روز در آفتاب کلاه ارنل پس آنرا از آفتاب  
 برداشته نگاهل ارنل و هر چنک که نه تر شود بهتر است و بدانکه این را شیخ الرئيس در قانون با سم رسا طون ذکر کرده \* خنل یقون  
 به نسخه این جزله گفته که این مرکب اصلاح سردی معده می کند و نگذارد که در هضم طعام نقصی واقع شود و ضعف جگر  
 را که از سردی باشد و تب و یخ را نافع بود و دیگران را سود دارد \* صنعت آن شراب کهنه در من و نیم عسل سفید مصفی  
 نیم من زنجبیل پنجهل رم قاقله هیل بوا از هریک نیم گرم قرنفل دار چینی از هریک یک انگ و نیم زعفران یک انگ فلفل  
 سیاه و مشک تبیی از هریک یک انگ و نیم کوفته و بخته در هم آمیزند و در پارچه کتانی بسته در شراب مل کوراند ارنل  
 و بجوشانند تا بقوام آید پس کیسه ادریه را نیکو بمالند و بفشارند و دور کنند و مشک را در آن اند ارنل و فرود آورده  
 بکن ارنل تا سود شود و در شیشه یا ظرف چینی نگاهل ارنل \* خنکاب یزدی قسمی از بوزه ارنل است \* صنعت آن بکیرونک  
 ارنل ده سیر و کوفته بجوشانند تا مثل پالوده شود پس سرد کرده در خمی کرده بکن ارنل تا بجوش آید پس برک کل مرغ  
 کل سفید معروف بود چینی از هریک د و سیر و نار مشک نیم سیر داخل کرده و بعد از سه روز صافی نموده مشک خالص  
 بمال و بعضی زعفران نیز یک مثقال سوده داخل می نمایند و استعمال میکنند و تا هفت روز فاسد نمیشود و بکار  
 توان برد و بعد از آن فاسد می گردد \* **باب الحاء مع الراوی** \* **خولنجان یغنی خاء معجمه**  
 سکون و او و کسر لاف و سکون نون و فتح جیم و الف و نون نام یخی است سرخ تیره و رنگ بعضی گفته بیخ کل رای عونه است  
 نبات آن بقل رذعی و برکش شبیه ببرک سوسن و گلش کوچکتر و ریزه تر از کل سوسن زرد رنگ با خالهای سرخ و نه  
 بین است و آنچه حکیم میر محمد مؤمن و دیگران نوشته اند نیز اصلی ندارد بلکه آنچه به تحقیق پیوسته بیخ نامبول است  
 لیکن آنچه از نوع برک ضخیم سبز تند حار آن که در بنگاله مشهور است به بنگاله اخل می نمایند خولنجان و بهند می کنند  
 و کلنجان نامند و آنچه از نوع دیگر اخل نمایند بیخ خوانند و بختمل که خولنجان معرب کلنجان باشد و بیخ پر که آن را خولنجان  
 قصبی نامند و بی کره باریک صلب و اعقاری و قسم اخیر بهتر است و قوتش تا هفت سال باقی میماند گرم و خشک است  
 در آخورد ویم مقوی معده و امعاء و مضمه است و باه و ماسک البول و بنهایت که سرریاح جهت قولنج و آروغ نوش و  
 برو دت کرده و درد کمر و تقویت اعضاء باطنی و دفع بد بوئی دهان و خنازیر و سرطان و درد های بارده بلغمی را نافع است  
 و نگاهل اشن آنک از آن در زیر زبان و دهان موجب شدت نعوظ و جهت دفع لکنت و سرعت تکلم اطفال و رفع سرفه بارده  
 مفید و یک گرم سائید و آن بایک اوقیه شیو میخ چون ناشتا بنوشند در تحریک باه مجرب است و مضروب قلب و حجاب منه  
 و مصلع محرر رین و مصلح آن صندل سفید و طباشیر و شور بای مرغ فربه و انیسون است و حابس بول است مصلحش  
 کتیرا و قد و شربتش تا یک مثقال و نیم و بلش دار چینی و کبابه چینی است \* جوارش خولنجان طعام هضم نمائند و استمال  
 ریاح کنند و حال معده را نیکو گردانند و معده را قوت دهد و بوی دهان خوش کند و از برای شدت ببردت کبابه است  
 سود مند باشد \* صنعت آن خولنجان قرقه الطیب فلفل سفید از هریک د و درم دانه هیل بود از چینی نار مشک از هریک سه

سه درم دارفلل شش درم زنجبیل هشت درم تخم کرفس انیسون زیره کرمانی مد برکرو یا طالیسفر اهریک یک درم فانیل و  
شکر اهریک سه وزن مجموع ادویه بدستور جوارش سازند شربتیی یک درم \* جوارش خولنجان دیگر منقول از قرا بادین  
افندی صالح چلیپی که بترکی نوشته محلل ریاح غلیظه و مقوی معدیه و هاضمه است \* صنعت آن خولنجان عود هندیی از  
هریک شش درم قرنفل بسباسه کرویا اهریک دو درم قلقل دارفلل زنجبیل و ج ترکی دارچینی اهریک یک درم و نیم  
صعتر فارسی نعناع خشک قاقله رازبانه سنبل الطیب و عرق آن انیسون تخم کرفس اهریک یک درم شکر سفید یک ص درم عسل  
مصفی بقدر کفایت بدستور مقرر جوارش سازند شربتیی یک درم \* **باب الخاء مع الیاء المثناة البختانیة \***

خیارشنبر معرب از خیار چنبر فارسی است و بهندی املتاس نامند ثمر درختی است بقدر گان و از آن کوچکتر و برکش  
کوچکتر و اطراف برک تند و گلش زرد بشکل یا سمین و مایل بسفیدی و خوشه دار و خوش منظر و ثمرش دوازده بار یک قریب  
بد رعی و در جوف آن پرد های خشبی و بران رطوبت سیاه منجمد و تخمی زرد رنگ پهن صوبوری شکل دران میباشند و پرد های  
آنرا فلوس و رطوبت آنرا عسل خیارشنبر نامند و مستعمل عسل آن است و شیرین بد مزه میباشند در اول گرم و ثمر و محلا

و ملین با ادویه مناسبه هر خلطی مسهل آن و مسکن حالت خون و منقی عصب و ملین سینه و موافق زنان حامله  
برفق و بطی العمل و جهت تحلیل او را مظاهر و باطنی نافع و با تمرندی مسهل صفراوی سوخته و با تربید مسهل  
با بسفای آب کاسنی و برک بید و آب شاه تره مسهل سودا و جهت تهتیه سد و جگر و درد آن و یوقان و تپه های  
سد و امعاء و زحیر و مغص مفید و غرغره آن با آب کشنیز ترادع خناق صعب و محلول آن با شیر تازه و شیده و نیز بد  
با آب انجیر و شیر منجبر و محلا آن در انتهای و طلاء آن با عصاره مناسبه جهت درد مفاصل و نفوس و تلپین صلابه  
و مضر معدیه و معثی و مصلح آن مصطکی و انیسون و مورث پیش به سبب چسبیدن آن با معا و مصلح آن روغن  
و قل و شربتیش از پنج مثقال تاییمت مثقال و بد لش سه وزن آن مویز بیدانه و نیم وزن آن ترنجبین است و جوشا  
عسل آن با عرق قوت آن و شدت التزاق بروده می شود و استعمال تازه آن که یکسال بوان نکل شته باشد مو  
الدم و دانه آن از پنج عد تا هفت عد که کوبید و باشند مقوی قوی است و کلنگبین کل آن که بدستور کل  
کل بنفشه با قند یا شکر سرشته باشد ملین طبع است و چون برکهای نازک آن را یا کل آنرا بپخته با قند و روغن  
بریان کوده بخورند ملین طبع است و خوردن مسحوق سیاه آن با زعفران و شکر و کلاب جهت عسر و ولادت  
مشیمه مجرب دانسته اند \* حب خیارشنبر قلمی فرموده اند که از اقتراح فقیر محمد حاشم العلوی است در اسهال  
بی نظیر است \* صنعت آن مغز فلوس خیارشنبر بیست مثقال سقمونیای مشوی یک مثقال کتیرا دو مثقال پیوست

رست هلیله کابلی هلیله سیاه سنامکی زرشک منقی کل بنفشه اهریک چهار مثقال کوفته بپخته بروغن بادام شیرین  
قال چرب نموده با عسل خیارشنبر سرشته حبها سازند هر حبیی بقدر نخودی بورق نقره بپچید و نگاهدارند  
یا از دودرم تاد و مثقال \* شراب خیارشنبر طبع را نرم دارد و جگر را قوت دهد و قولنج بکشد \* صنعت آن فلوس  
سیارشنبر مویز بیدانه اهریک دو واقیه در آب برک کاسنی مالیده صاف نموده  
با ترنجبین صاف نموده و قند سفید اهریک پنجاه درم بقوام آورند شربتیی دو واقیه \* شراب خیارشنبر دیگر سینه  
و انرم کنگ و سرفه و تنگی نفس را سود دارد \* صنعت آن عذاب سی عد و انجیر زرد و عد و سپستان چهل دانه پر  
سیاوشان برک کازبان اهریک پنج درم اصل السوس مقشور مروض ده درم همه را در آب صاف طبع نموده صاف کنند  
و بیست درم فلوس خیارشنبر دران حل کرده با صاف نموده با ده درم روغن بادام شیرین و یک رطل فانیل بقوام



آورند شربت بی دوا و قیه با قند و آب کرم بپاشا منک \* لعوقات خیارشنبه \* لعوق خیارشنبه ملین طبع است و جهت سرفه  
 نافع \* صنعت آن بکیرند خیارشنبه و آب کرم حل کرده بپالایند و با آتش بسیار ملایم بپزند تا بقوام آید و اگر در آن  
 قند و ترنجبین داخل نمایند صواب است و اگر در آن نیز بنفشه کوبیده داخل نمایند می باشد تلخین آن زیاده \*  
 لعوق خیارشنبه دیگر که ذات الجنب و ذات الرثه و اورام خلق و بحة الصوت را نافع است \* صنعت آن قلوس  
 خیارشنبه پنجاه مثقال در آب حل کرده بپالایند پس کثیرا و صمغ بادام و در تحفه المؤمنین صمغ فارسی که صمغ آلبوست  
 مسطور است و آرد با قلا از هریک پنج گرم مغز بادام شیرین معشومات سفید از هریک ده گرم نرم کوبیده بآن بسروشند  
 و مقدار پنج مثقال روغن بادام شیرین در آن بچکانند و برهم زنند شربت بی یک اوقیه \* لعوق خیارشنبه منقول از  
 قرابادین معصومی طبع را نرم دارد و اخلاط از سینه و شش پاک کند و ذات الجنب و ضیق النفس را سودمند است \*  
 صنعت آن بنفشه پنجمین رم عذاب بیست دانه سیستان پنجاه دانه مویز بیدانه طایغی سه دانه بیخ میخ توأخین \*  
 ده گرم تخم خشخاش کوفته بیست مثقال زوفا خشک کثیرا و آریانه ایوسا از هریک سه مثقال صمغ آلوی سیاه و درم  
 پیوسیا و شان پنج مثقال انجیر سفید بیست عدد آنچه باید کوفت نیم کوب کنند و مجموع را در آب صافی بخیسانند و  
 بجوشانند و از دست مالیک صاف کنند و قلوس خیارشنبه بیست مثقال در آن حل کرده و نیم من قند اضافه کرده و مکور  
 صاف کنند و بقوام آورند و در آخر مغز بادام معشوم مغز تخم خیارین از هریک پنج گرم مغز دانه آبی سه گرم با قند  
 سفید کرده ده مثقال مغز تخم کل و تخم خطمی سفید حلیه از هریک سه گرم مجموع را نرم کوفته در آن بسروشند و بیست  
 مثقال روغن بادام شیرین در آن اضافه نموده و لعوق کنند \* لعوق خیارشنبه منسوب به انجبین بن ماسویه و درم حلق  
 و تب و تشنگی و خشونت زبان را نافع باشد \* صنعت آن عذاب بیست دانه سیستان یکصد عدد تخم خطمی ده گرم و درم  
 منقی بیست و پنج گرم بنفشه اصل السوس نیم کوفته از هریک پانزده گرم کثیرا شافرد و درم نیز قطونا بیست و درم  
 مجموع را در هفت رطل آب بجوشانند تا بثلث آید صاف کنند و درم خیارشنبه و درم مالیک و دیگر را صاف کنند  
 و یک درم میخختم و سی درم فانیل داخل کنند و بجوشانند تا غلیظ شود و بر روغن بنفشه بادام چوب کوبیده بپاشند \*  
 لعوق خیارشنبه که حکیم سلید کازرونی در شرح مؤجز قوشی آورده و گفته که مسهل صغیرا و بفر است خصوص از انجبین  
 صل و حلق و رثه \* صنعت آن قلوس خیارشنبه کلقتن آفتابی از هریک پانزده گرم خمیره بنفشه درم خیارشنبه بیست  
 خراسانی پانزده مثقال این همه را در آب کرم حل کرده بپالایند و لیکن باید که باشد که بعد از معافی نمودن بقوام لعوق  
 باشد پس ریوند چینی نیم مثقال سوده داخل کرده روغن بادام شیرین یک گرم اضافه نموده و بکار برون در آن مجموع  
 یک شربت کامل است و این لعوق خیارشنبه سا ده است و گاهی تقویت کرده می شود بسمو قه و عسل و درم سفید  
 مل بر و غاریقون شش سفید بسبب مقتضای حال از هریک آن مقل از یکدای طبیب اقتضا کند \* لعوق خیارشنبه  
 که سید اسمعیل در ذخیره در ورم بارده کایه ذکر کرده \* صنعت آن عسل خیارشنبه سه جز و عسل انجیر یک جز و  
 با هم آمیخته با آتش بسیار ملایم بقوام آورند شربت بی یک کفیه \* لعوق خیارشنبه همین صنعت دارد و طبع را نرم کند  
 و نضج درم نماید و تحلیل دهد \* صنعت آن بکیرند انجیر و در آب بجوشانند و بپالایند و با قند و آب انجبین معصومی  
 بجوشانند تا بقوام لعوق آید عسل خیارشنبه اضافه کنند و بکار برون \* لعوق خیارشنبه و بنوع دیگر صمغ و بنوع دیگر  
 قلیم را سود دارد \* صنعت آن خیارشنبه آن قدر که خواهند در آب بخیسانند یک شیار نور و داخل شود و بعد  
 بمالند و بپالایند و فاسش را بیرون کنند و در یک ستمی کرده با هم چند آن روغن بادام و همچنین آن نبات سفید با

با آتش ملایم بجوشانند تا بقوام آید و در ظرف آبکینه کنند و استعمال نمایند \*

**فصل در بیان نقوعات** **خیار شنبدر \*** نقوع خیار شنبدر نافع جهت زحیر و مغص که از سده باشد \* صنعت آن مغز فلوس خیار شنبدر

پا نروده و مثقال بروغن بادام چوب نموده در کلاب کرم کرده اگر سرفه نباشد والا در آب کرم شب بخیسانند و باید که کلاب با آب آنقل باشد که از روی آن برگردد و توانند آشامید بسیار کرم و زیاد نباشد و بمالند و سر آنرا پوشید و جای کرم بکند ازند و نیز بهدانه ریشه خطمی و بزرقطونا ازهر یک یک مثقال در ظرف دیگر نیز بخیسانند و صبح آب زلال فلوس را بدون مالیدن بکیرند و لعاب آنها را نیز گرفته صاف نمایند و روغن بادام در مثقال بران ریخته شیر کرم نموده بنوشند و اگر با تخرخون نیز باشد مقداری یک در و مثقال آب برگ بارتنگ اضافه نمایند این یک شربت کامل است از برای اطفال نصف یا ثلث یا ربع بحسب سن کافی است \* نقوع خیار شنبدر یکرا مرض حاره را مفید است و اسهال بیغایله کند \* صنعت آن مغز خیار شنبدر ازده مثقال تا بیست و ناسی مثقال برگ سنمکی ازده و مثقال تاشش مثقال ورق کل سرخ از یک گرم تا دوزم شب در کلاب و آب کرم یا عرق کاسنی یا عرق صلب و قد و کلاب و عرق کازبان و امثال آن از عرقهای مناسبه بسیار کرم نموده بخیسانند آن مقداری که از روی آن برگردد و توانند آشامید و بمالند و سر آنرا پوشید و جای کرم بکند ازند و صبح آب زلال آنرا بدون مالیدن گرفته شیر خشک یا ترنجبین ازهر یک ام که مناسب

ازشش مثقال تا پا نروده و مثقال یا ازهر دوا بمناصفه همان مقدار دران حل کرده صاف نموده اگر فصل زم شیر کرم والا همان قسم سرد بنوشند و بعد از هر مجلس اگر عطش غالب شود آب کرم و یا یکی از عرقهای نموده بنوشند والا بعد از هر مجلس یا سه مجلس و در امراض صفراویه تمر هند یا زرشک منقی یا آلونج بنفشه ازهر یک بقدر احتیاج یا از کل اضافه نمایند و همچنین بحسب غلبه هر خلط و هر مرض ترکیب آن مناسبه آن نمایند و اگر تنقیه دماغ نیز مطلوب باشد اسطوخودوس و بسفایج و یا هلیجیات نیز از یک ازهر یک اضافه نمایند و یک و مثقال روغن بادام بران چکانید و بنوشند \* نقوع خیار شنبدر امراض صفراویه و دمویه را مفید بود \* صنعت آن مغز فلوس خیار شنبدر تمر هند یا ازهر یک دوا زده مثقال آلونج یا زده دانه عناب جرجانی دانه سپستان بیست دانه همه را شب در عرق کاسنی کرم کرده خیسانید یا زلال آنرا گرفته ترنجبین و شیر خشک ازهر یک ده مثقال دران حل نموده باز صاف کرده روغن بادام سه

چکانید و شیر کرم نموده بنوشند و اگر صفرا غالب و یا یرقان اصفر باشد مقداری بیست مثقال تا چهل مثقال آب کاسنی تازه اضافه نمایند و این نقوع را هنگامی که سرفه نباشد استعمال نمایند \* نقوع خیار شنبدر یکرا که نافع جهت ذات الجنب و امراض حاره دماغیه \* صنعت آن مغز فلوس خیار شنبدر ازده مثقال تا پا نروده و مثقال و سی مثقال کل بنفشه کل نیلوفر تخم خبازی تخم خطمی ازهر یک دو مثقال عناب ده دانه سپستان بیست دانه شب در آب هند وانه رسیده خوب شیرین بخیسانند و بدین قسم که هند وانه اگر بزرگ باشد از میان دو نصفه نموده مغز میان هر دو را بر آورده آب صاف آنرا گرفته سفال آن را در و نموده آب را در یک نصف پوست مسطور نسوده و دریه را دران بخیسانند و یا رچه کریاس یا کیزه یا لای آن بسته تخت السماء بکند ازند و صبح آب صاف آنرا گرفته شیر خشک از هفت مثقال تا دوا زده مثقال دران حل نموده باز صاف کرده روغن بادام شیرین در و مثقال بران چکانید و بنوشند و اگر هند وانه کوچک باشد سر آن را برید و مغز آن را بر آورده آب صاف آنرا گرفته بهمان دستور در دویه را دران بخیسانند \* مطبوخ خیار شنبدر جهت اخراج اخلاط حاره و مقول از کمال الصناعه \* صنعت آن پوست هلیله زرد

ده مثقال آلوف بخارائی عناب از هر يك بیست و دانه مویز بیدانه تمر هندی از هر يك پانزده مثقال کل سرخ کل  
 نیلوفر از هر يك سه مثقال بنفشه چهار مثقال در سه رطل آب بنجیسانند و صبح بخوشانند تا یک رطل آب بماند  
 پس صاف نموده مغز فلوس خیارشیر از ده مثقال تا پانزده مثقال و بیست مثقال در آن حل کرده با صاف نموده  
 روغن بادام شیرین ده مثقال اضافه کرده بنوشند \* معجون خیارشیر منقول از اصول التراکیم نجیب الدین  
 سمرقندی جهت قولنج حار و علل صغراویه و بلغمیه در احشای نافع \* صنعت آن بنفشه اصفهانی تربید مبر از هر يك  
 چهارم نمک هندی هفت و نیم درم تخم رازیانه انیسون مصطکی از هر يك پنج درم رب السوس و واسطار سقمونیا  
 مشوی پنج درم فلوس خیارشیر که عسل آن است یکصد درم کوفته بپخته وزن نموده با فانیل و عسل مصفی از هر يك  
 یکصد درم علی الرهم سرشته معجون سازند شربت از پنج درم تاده درم و نوشته که در مقدار شربت تمام این معجون  
 از تربید و بنفشه از هر يك یک درم و از سقمونیا و دانه کربک طسوج می باید و آن تمام مقدار است \* آن است و این  
 از برای شدت احتیاج حاجت بسوی اسهال آن ست و کم کرده شد مقدار ملح و نقصان کرده شد از حاجت دیگر در اوزان  
 آنها از مقدار که در معجون است دیگر است برای حدت و حرارت آنها \* معجون خیارشیر که سمرقندی ذکر کرده جهت  
 قولنج حار و بارد و درد و زکام و نزله و درد سینه نافع و مضر معده و سر بجهت دیگر کنند شستن آن و مصالح استعمال  
 آن است با آب طبیع رازیانه و خطمی و شبمت و کازبان و قورنش تا دو سال باقی است و قد شربت از پنج مثقال تا هفت مثقال \*  
 صنعت آن فلوس خیارشیر ص مثقال را با ص مثقال عسل بقوام آورد بنفشه تربید از هر يك بیست مثقال سقمونیا  
 زده مثقال رب السوس در زده مثقال ملح هندی هفت مثقال و نیم انیسون مصطکی رازیانه از هر يك پنج مثقال  
 دویه را با سی مثقال روغن بادام شیرین چرب کرده و بر شستن و چون جو شیدن فلوس با عسل غلظت و ضعف عمل  
 آن میشود باید بعد از قوام عسل با آن مخلوط کرده ادویه با آن سرشته معجون سازند \* معجون خیارشیر  
 نسخه دیگر اقوی از اول \* صنعت آن تربید سفید تراشید و بر روغن بادام شیرین چرب نموده بنفشه خشک از هر يك چهار  
 رب السوس نه درم نمک هندی هفت درم مصطکی و رومی رازیانه انیسون از هر يك پنج درم سقمونیا مشوی پانزده  
 درم روغن بادام شیرین بیست مثقال فانیل و عسل خیارشیر از هر يك صد درم ادویه کوفته بپخته بروغن بادام چرب  
 نموده یک ستور متعارف با عسل خیارشیر و فانیل بر شستن شربت از سه درم تا پنج درم \* معجون خیارشیر سهیل  
 صغراوی بلغم بود و قولنج بکشاید حکیم معصوم گفته که این نسخه مستعمل من است \* صنعت آن تربید سفید تراشید و بروغن  
 بادام چرب نموده چهل درم بنفشه خشک بیست درم نمک هندی رب السوس از هر يك هفت درم رازیانه انیسون  
 مصطکی از هر يك پنج درم سقمونیا ده درم سقمونیا را با بنفشه سحق نموده باقی اجزا را کوفته بپخته با چهل درم  
 روغن بادام چرب کرده صد درم عسل خیارشیر و صد درم قند را بقوام آورد و با عسل خیارشیر و باقی ادویه را  
 درهم سرشته با آن مزوج نمایند مقدار شربت از شربت پنج درم با آب کرم میل نمایند چند مجلس بغرغرت عمل نمایند \*  
 کتاب حرف الدال المهملة \* باب الدال مع الالف \* دار صینی معرب دار چینی

فارسی است و بیونانی اقیمنون و سریانانی مرسلون نامند پوست شاخهای درختی است که منبت آن جزیره سیلان  
 و شمالی آن است و قبل ازین آن مکان بدست راهبهای آنجا بود و با لعل یکصد سال و کسوف میشود که و لند بزرگه قومی از  
 نصاری است بدست آورده و او نمیکند ارده که دیگری از آنجا برآورد و تا کید بلغم درین امر دارد و مستحقظین بسیار بر آن  
 نشانیل و احیاناً اگر کسی برآورد و مطلع شود از آن کنایه کار بسیار میکند و خود با طراف و بناد و میسر و و فروشد و

ولیکن به تحقیق پیوسته که آنچه در اصل سیلان میشود بسیار خوب و تند بو و تند طعم و قلمهای آن نازک و بلند است  
 خصوص آنچه از شاخهای نورسته آن جدا شده باشد و از سیلان گذاشته دست بدست ضخیم و کم طعم و قلمهای آن  
 کوچک میشود و تا کلیج و انجن و بند و کوچی آنچه میشود آن را در چینی مینامند لیکن بدان خوبی نیست و از کوچی  
 گذاشته باز بند ریج ضخیم تر و کم بو تر و لعابی میشود نازک آنرا قرفه و ضخیم آنرا سلیخه و بھندی تچ نامند از کوچی  
 انطرف بهم نمیرسد و مسافت اهل اماکن تخمیناً واصل پنجاه فرسنگ کسری کم و زیاده خواهد بود \* و طریقه اخذ  
 آن است که هر سال شاخهای درخت آنرا قلم میکنند یعنی میبرند در حوالی نوروز و چون شاخهای نورسته آن  
 بلند شد بر بالای آن از جانب طول و خط میکشند که پوست آن شکافته شود به سبب تابش آفتاب پوست های آن در هم  
 پیچیده جدا میگردد آنرا اخذ مینمایند و بعد از آن در بند زکوه و ملاخه چیزی سیاه رنگ و ضخیم بد طعم کوبیده را با  
 اندک تند قر \* میسازند که بغارسی سرخاک و شب کز و بھندی که تمایل نا مند بهم میروند و از بعضی ثقه شنید \* شد \*  
 که در جزائر شهر ناوکه در عرض جنوبی خط استوا قریب سه و چند درجه واقع است در چینی خوب بهم میروند و لیکن  
 برفور و کثرت سیلان نیست و در سائر بلاد هیچ جای دیگر بهم نمیروند و درخت آن بقدر و نیم قامت انسان میشود مثلاً  
 درختهای جنگلی و کوهی که چاج در هم ریختن بر زمین افتاده فی الجمله شباهتی بد درخت کزکوهی جنگلی دارد و برک  
 شبیه ببرک سادج هندی و کل و ثمر آن فی الجمله شبیه بحب بلسان و کبابه چینی و با اندک چربی درته آن ده  
 آن قریب بطعم و رائحه در چینی است در آخرد و م کرم و خشک و قوتش تا پانزده سال باقی میماند و بھنا  
 و ملربول و حیض و مسقط جنین و محلل ریا ح و مواد بارده و مفتح و ملین و مفرح و منضج عفونت اخلا  
 حیوانی و نباتی و معدنی و حافظ قوت های نفسانی و حیوانی و طبیعی و جالی با صره و جهت نزلات و سرفه رط  
 القنیه و استسقا و خفقان و وحشت و وسواس و جنون و تقویت اعضا و رئیس و سله جگر و سپرز و فو هاد  
 در کرد و در عربول و بد بوئی دهان و تقویت باه و تقویف رطوبات دماغی و تصفیة صوت که ا  
 باشد و دفع رطوبات لزجة قصبه رئه و حنجره و اقسام فتق و عفونت زخمها و امراض بارده دماغی  
 و مطبوخ آن با سرکه و مصطکی جهت فواق نافع و اکتحال آن جهت قوت با صره و رسانیدن اثر ادویه بطبقات  
 موضوع آن بر حشفه جهت التل از جماع و ضاماد آن جهت جوشش لبنیه و کلف و رفع لرزتهای بلغمی و سودا  
 رعشه بھنایت مفید است و مضعف بواسیر و مسکن آن و طلائی آن بر پلك چشم جهت اختلاج آن نافع و بر پیشانی جهت  
 دفع صاع با رد مجرب است مصدع محرورین و مضر مثانه و مصلح آن کثیرا و اسارون قد شر بتش ازد و درم تا پنچ ر م  
 و بد لش در تحلیل و تلطیف و تقویت اعضا مثل وزن آن ا بهل و کبابه و در اصلاح ادویه سلیخه و در باه خولنجان است  
 و عرق آن سریع الاثر ترا ز جرم آن است و جهت یرقان و ریاح رحم و مقعد و قطور آن جهت کرانی سامعه بسیار مؤثر  
 است و دهن و عطر آن را بر پیشانی و صد غین مالین جهت اقسام صاع بارد نافع و مجرب است \* جو ارشد در چینی  
 مرکب ضعف معد و کبد و مثانه را نافع باشد و باد های غلیظ را بشکند و معد و رافع دهن و اخلاط غلیظه را دفع کند و کسانیدا  
 که طعم در معد ایشان ترش میشود و هضم نمیشود سود مند باشد و معد را بحال می آورد و بر هضم طعام یاری میدهند \*  
 صنعت آن در چینی عود هندی را سن ازهر یک شش درم قرنفل فلغل سیاه دار فلفل سنبل الطیب اسارون شامی  
 ازهر یک پنچ ر م زنجبیل ده درم نعنای خشک هشت درم هیل بوا قرفه الطیب ازهر یک د و درم انیسون مصطکی  
 بزدر از یانچ سلیخه سیاه ازهر یک سه درم کوفته بپخته بعسل مصفی سفید سه وزن مجموع ادویه بسرشتن و در ظرف چینی

نکاهل ارنل شربتى يك مثقال و اگر بجای قرفه کبابه کنند بهتر است \* جوارش د ارچيني نالیف حکیم عبد الملك هندى  
منقول از خط حکیم محمد طاهر ولد حکیم صالح خان خال نواب مرحوم مقوى معده و هاضم طعام و مفتخ سل هاى کبد است و اشتهای  
طعام آورد و بنهايت مقوى باه است و سوء القنیه و استسقا را نافع است \* صنعت آن زنجبیل فلفل سیاه و دار فلفل  
بسیار سه جوز بواقرنفل زعفران از هر يك سه درم د ارچيني هفتاد و پنج درم مشک خطاى يك درم و نیم عسل سفید  
مصفى نبات سفید از هر يك يك درم ادویه را کوفته بیخته عسل و نبات را بقوام آورد و ادویه را با آن بپزد و با قوام  
سازند هر يك يك مثقال شربتى يك قرص \* جوارش د ارچيني منقول از قرا بادین افندى صالح چلبی که بتوکی نوشنه  
قرصه نمود و شد این جوارش معین بر هضم و مزیل رطوبات فاسد است \* صنعت آن د ارچيني پانزده درم زبده  
گوجهانى مد بر پنج اند از هر يك سه درم زعفران يك درم مشک تبتي دو درم و ثلث درمى قند سفید چهل درم عسل  
سفید مصفى بقل رکفایت بد ستور مقرر جوارش سازند \* جوارش د ارچيني معتدل جهت تقویست و هضم طعام و  
قطع بوی دهان و بادهاى مخالف و زیادتى باه بسیار نیکو و مجرب است \* صنعت آن د ارچيني جوز بواقرنفل عسل  
خولنجان فلفل سیاه و دار فلفل زعفران سادج هندى سنبل بهمن سفید از هر يك يك مثقال مشک خالص يك انگ و  
نیم رازیانه تخم کرفس کا و زبان مصطكى از هر يك نیم مثقال پوست ترنج و و مثقال قند سفید بیست مثقال عسل سه وزن  
ادویه معجون سازند شربتى يك مثقال و نیم \* جوارش د ارچيني سادج و کبد و کوفته و راقوت و دلت و اشتهای  
طعام آورد \* صنعت آن د ارچيني سه مثقال نرم کوفته بیخته یکمن قند سفید با کلاب بقوام آورند و تیر بزنند و فرود  
رند و چون اندک گرمی آن کم شود د ارچيني را با آن بپا میزند و بر روی سنگ یاسینی نقره یا مس تازه قلعی کرده  
با تخنه پاکیزه پهن نمایند و بطریق لوزیه بزنند و تناول نمایند بغل رحاجت \* حب د ارچيني جهت تقویت معده  
و کبد و دفع رطوبات و اشتهای طعام نافع \* صنعت آن د ارچيني عود هندى از هر يك پنج درم و سن قونفل قند صغار  
قاله کباب رفل و دار فلفل سنبل الطیب اسارون شامى از هر يك سه درم زنجبیل نعنای خشک انیسون مصطكى رازیانه  
از هر يك سه درم قرفه سلیمه از هر يك دو درم ادویه کوفته بیخته با عرق د ارچيني سرشته محبوب سازند شربتى از  
يك درم تاد و درم و اگر ده درم نبات سفید کوفته اضافه نمایند بهتر است \* حسود د ارچيني امراض بارد و رطبه  
صد ریه عال بارد رطب را سود مند بود \* صنعت آن د ارچيني نیم درم رب السوس يك درم فلفل سیاه و ربع درمى مغز  
بادام شیرین شش درم اجزا را نرم بگویند و نخاله کنند و رادشموک و جوشانند و بپا لایند پس اجزا را با نبات ده درم  
داخل کرده به پزند تا بقوام حسو آید وقت خواب بخورند \* حلوای د ارچيني مستعمل در امراض قلب \* صنعت آن  
آرد میوه نیمه رطل بروغن کا و نیم رطل بریان کرده نبات سفید بکلاب و عرق بید مشک و عرق کا و زبان در آن حل  
کرده با آتش ملایم به پزند تا چون تو حلو شود د ارچيني شش مثقال زعفران يك مثقال و نیم مشک خالص يك انگ  
و نیم منبر اشهب يك انگ بد ستور داخل کرده به پزند تا زمانیکه شروع به پس دادن روغن نمایند فرود آورند و در  
طبق چینی پهن کرده قدری نبات سوده بر آن پاشند و بطریق لوزیات به بزنند و شربت مستعمل یک اوقیه \*  
حلوای د ارچيني از مرحوم میرزا محمد باقر حکیم باشی \* صنعت آن آرد میوه بیست و پنج من بوزن شاه شاهانه  
ده آرد سوهان ده بروغن داغ کرده یکمن بریان نمایند تا آرد سوخ شود و نسوزد بعد از آن یکس بوزن شاه  
آب داخل کرده با آتش ملایم طبع نمایند تا آب سوخته شروع به پس دادن روغن نمایند پس هفتاد و پنج مثقال  
د ارچيني سیلانی بسیار خوب را نرم گویند و در یکمن شاه و شیر و شکر سفید صاف کرده و شیر و کشمش و حل نموده و داخل آنجا

نمایند و با زیتش ملایم طبع نمایند تا بروغن آید پس قد ری روغن ازان گرفته بر روی سنگ یا تخته یا سینی نقره یا مس نازده  
 قلعی کرده با طبق چینی بهن نموده بطریق لوزیه بوزند و بقدر مطلوب عند الحاجت تناول نمایند \* دواء ال ارچینی \*

جهت تقویت معده و هضم طعام نیکو است \* صنعت آن دارچینی مصطکی قرنفل قاقلتین ساذج هندوی را زیاده اجزا  
 مساوی نبات سفید مساوی هرسه جزو شربتیی یکلرم بعد از طعام \* دواء ال ارچینی نافع از برای کسیکه قادر بر ازاله  
 بکارت نباشد \* صنعت آن دارچینی زنجبیل خضبة الثعلب مصری شقاقل بوزید ان جوز بوا بسباسه لسان العصفیر  
 مصطکی رومی زعفران دارفل کل سرخ منزع الا قماع بهمن سرخ بهمن سفید تخم ملیون تخم خر بزه ازهر یک در  
 مثقال مشک خالص عنبر اشهب ازهر یک یک مثقال حب القلقل سه درم بزرالبنج دو مثقال کوفته بیخته بعسل مصفی  
 یکصد و هشتاد و پنج مثقال بقوام آورده معجون سازند و قد رشربت ازان مقل ار مغز بادام و معتاد را هر قل بر برداشت  
 باشد \* دهن ال ارچینی منقول از طب کمیائی براگاسوس نافع جهت تقویت اعضاء رئیسه معین بر هضم و نیست  
 چیزی بهتر ازان برای عسر و لاد و دفع عفونات و مقوی اعضاء است \* صنعت آن بکیرند دارچینی سیلانی هر  
 قل که خواهند و جو کوب نمایند و در کلاب چهارده شبانه روز بخیسانند و بقرع و انبیق تقطیر نمایند و جدا کنند دهن  
 را از آب و استعمال نمایند \* دهن دارچینی در جمیع افعال مانند دارچینی است بلکه ازان قه بتر وجهه عرشه و  
 فالج و کزیدن عقرب و زنبیل و رفع قشعر بزه و تجمعی دایره نافع و قد رشربتش تا دو مثقال \* صنعت آن بکیرند دارچینی  
 سیلانی تند بو نازک باریک قلم و بکوبند و در هر سه صد مثقال روغن زیتون یا روغن کنجد و پنجاه مثقال ازان د  
 نمایند و در آفتاب کن ازل اقلاده روز و هر روز بر هم زنند و استعمال نمایند \* سفوف دارچینی جهت تق  
 و دفع رطوبات و اشتها بر طعام و کواریدن آن و دفع اسهال رطوبی و ادرار بول که از سردی باشد \*

دارچینی دو جزو مصطکی قرنفل دانه میل بوا قاقله کبار را زیاده زیره کرمانی مد بر ازهر یک نیم جزو  
 وزن کل ادویه کوفته بیخته سفوف سازند شربتیی از یکلرم تا دو درم با مرالله تع نافع است \* سفوف ما  
 از خلاصة التخارب در خواص قریب بسفوف مزبور است \* صنعت آن دارچینی سیلانی مصطکی رود  
 اجزا مساوی کوفته بیخته با هم وزن کل اجزا نبات مصری سوده مزوج نموده نگاهدارند عند الحاجر  
 و برای تقویت هاضمه بعد از غلاد و سه مقل را پنجه بسه انگشت برداشته شود تناول نمایند \* عرق دارچ  
 ریاح و مقوی معده و کبد است \* صنعت آن بکیرند دارچینی سیلانی اعلی را وریزه کنند و سه شبانه روز در  
 آن آب خالص شیرین بخیسانند پس در قرع و انبیق عرق کشند بطور متعارف و سر آنرا بپوشند و بکل ازل تا سرد  
 و عطر بالای آنرا بردارند و جل انگاه ازل و عرق و در شیشه کنند و سر آنرا بسته نگاهدارند و وقت حاجت از ششم مثقال  
 تا دو وزده مثقال استعمال نمایند و اگر سنگین تر خواهند آب آنرا کمتر نمایند و اگر سبکتر زیاده و ولند بزرع و عطر  
 آن را در جزیره سلان کشید و در شیشه های مربع طولانی که بهندی چوبیل نامند و عطرا در شیشه های کوچک کرده  
 اکثر بنا در سیاه رمی آورند و میغروشدن و داخل کردن قل رقیل ازان در مطعومات رایحه و طعم دارچینی بیخشند \*

عطر دارچینی مالیدن آن بر پیشانی و صل غین جهت رفع صداع بارد نافع و صنعت آن در عرق آن ذکر یافت \*

**فصل در بیان داروها \*** داروئی که موی را بر ویاند و دوا زوسیه کند \* صنعت آن برنجاسف بک مورد  
 شو نیز بریان کرده مساوی کوفته بیخته بروغن زیت سرشته استعمال نمایند \* داروئی که کف بغل و پا به برد \* صنعت  
 آن شب یمانی را در آب حل کنند و پا را بلان بشویند و چون پای را با آب برک سوسن یا برک مورد بشویند نافع

باشد \* داروئی که چون بر آتش نهند از دود آن جانوران بگریزند \* صنعت آن وقت رومی گوگرد زرد شاخ کوزن باد  
 آورد مساوی کوفته پیخته زفت را بکنند و در اوها بآن بسروشند و استعمال نمایند \* داروئی که حبس عروق کند \*  
 صنعت آن برگ مورد ورق کل سرخ مال و صندل با کلاف بچوشانند و جامه را بد آن تر کنند و بپوشند \* داروئی که  
 نافع است از جهت گرمی که در گوش باشد \* صنعت آن شراب دو درم عسل سه درم روغن گل یک درم سفید  
 تخم مرغ دو بیضه مجموع را با هم مخلوط سازند و بشم باره را بد آن تر کنند و گرم کرده در گوش بزنند و با آنجا  
 تکه کنند یک ساعت و بعد از آن یک بار آن پشم باره را بیرون کشند گرم بیرون آید \* داروئی که از جهت  
 گزیدن عقرب و حیه بالخاصیت نافع است \* صنعت آن آهک بزرگ توت کوفته بروغن دنبه بسروشند و بر محل  
 زخم نهند و اگر آهک وزرده تخم با هم آمیخته بر زخم نهند درد را ساکن گردانند و اگر با قلا کوفته بد و شاب  
 بسروشند و بر موضع گزیدن کی مالند فی الحال درد ساکن کند اگر گرم را در روغن بچوشانند و بهالایند کسی را که گرم  
 گزیده باشد آن روغن بر موضع گزیدن کی مالند و در ساکن گردد و اگر بوسل آن روغن را بیامیزند چون کودک از مادر  
 بزداید نیم درم از آن یکم کودک بمالند اگر دهمه عمر گردد او را بکزد و در نکند و اگر چوک گوش خنجر بیاورد و موضع  
 گزیدن کی عقرب بمالند و در ساکن شود و اگر سریشم را بر سر که حل نمایند و بر زخم گرم بمالند همین عمل کنند و اگر  
 گرم کسی را گزیده باشد آن را بکینند و نمک سوخته در روغن چراغ گرم کنند و بر زخم گرم نهند همین عمل کنند  
 و اگر بزرگ تاک را بکینند و بر موضع لسع نهند فی الحال درد ساکن شود و اگر مغز جوز و انجیر و سیر کوفته بر زخم آن مالند  
 نافع باشد \* داروئی که همین منفعت دارد \* صنعت آن فلفل عاقر قرحا مویز زنجبیل از هر یک جزوی بود ارمنی  
 یک جزو نیم کوفته پیخته بوسل بسروشند و استعمال نمایند \* داروئی که درد دندان سوراخ دار و نافع باشد \*  
 صنعت آن فلفل عاقر قرحا بارزد مساوی فلفل عاقر قرحا را بکوبند و بیارزد بسروشند و در سوراخ دندان آن نهند \* داروئی که  
 از جهت زنا نیکه حائله نشود مفید است \* صنعت آن زعفران حماما سنبل اکلیل الملک از هر یک سه درم ساج هندی  
 دو درم قرد مانه مفت درم پیه بط و مرغ موم سفید از هر یک دو درم بارزد با تخم مرغ مخلوط ساخته بمال نمایند \*  
 داروئی که لثه را محکم کند و گوشت رفته را بر و باند \* صنعت آن کند و زراوند مدح درم الاخوین کوسه بخ سوسن  
 مساوی کوفته پیخته بکنجبین عنابی بسروشند و استعمال نمایند \* داروئی که درد دندان و ساکن گرداند \* صنعت  
 آن عاقر قرحا مویز از هر یک سه درم تخم مریک درم آب کشمیر تازه بیست مثقال باد و مثقال شکر و جوشانند و  
 حب سازند و بردند آن نهند و اگر سداب تازه یا مویز سیاه بکوبند و بودند آن نهند همین عمل کنند \* داروئی که  
 اخراج حلق از کلو کند \* صنعت آن خردل دو درم بوره ارمنی چهار درم کوفته پیخته با نموده و بکوبند و بکوبند \* داروئی که  
 همین منفعت دارد و اقوی \* صنعت آن شیخ افسنتین رومی شونیز قسط تلخ بونک کابلی تومس اجزا مساوی  
 نته پیخته بزرگه انکوری ممزوج گردد بخورند و بعد از آن نیز قلری سرکه بنوشند \* داروئی که نافع است جهت ذبحه  
 که از صر زدم باشد و درم لوز آبن باشد و جمیع امراض خاق را \* صنعت آن ورق کل سرخ طبا شریف سفید نشامه  
 بزرالورد زعفران از هر یک دو درم تخم خرقه مقش سه درم مازوی سبز ساق تا قاه از هر یک نیم درم نبات سفید بوزن  
 مجموع ادویه کوبیده پیخته بکوبند و بکوبند \* صنعت آن مازوی سبز را در آتش دندان از دندان تا  
 خوب سوخته گردد پس بر آورده در سرکه افکنند پس از سرکه بر آورند و بکوبند و دو درم از آن بکوبند و با زاج  
 سفید و شب یمانی از هر یک چهار درم کافور قیصوری یکجه کوفته پیخته و لثه کتانی را سوزین الاغ بکوبند و با آن آلوده کرد



گوده در بینی نهند \* **باب الدال المهملة مع الراء المهملة** درع الصفة تالیف میر محمد

با قردا مادر معجون مبارک است بنهایت فایده حرارت غریزی را محافظت کند و حفظ بیفزاید و باه را قوت دهد و در اعضا بر طرف کند و ضیق النفس را فایده دهد و مضرت سموم را از بدن باز دارد و کزیدن حشرات سمیه و سگ دیوانه را سودمند بود و مال بخولیا و امراض باغمی و سوداوی را نافع باشد و بول و حیض براند و سست کرده و مثانه را قرد آورده سده جگر و ورم معده و سده احشای نافع باشد و وجع نفوس و بهق و بصر ابیض و اسود را سود دهد و درد کمر کرده و رحم را بر طرف سازد و تب باغمی کهنه و تب ربع را زایل کند \* صنعت آن جد را خطائی مجرب معنقور مصطکی رومی میعه سا ثله فطرا سالیون تخم کرفس اذخر مکي جاوشیروزعفران روغن بلسان اقراص افاعی بزرا البنج خصیة الثعلب مصری لسان الثور لسان العاصییر عود هندی چوب چینی اعلی پوست بیرون بسته از هر یک ده درم مومیائی دارا بجردی کما فیطوس قصب الذریعة ناخواء اقراص اندر و خورون درق کل سرخ عود بلسان درونج عقربی چینی از هر یک هفت درم مر مکی صافی اسطوخودوس علك البطم خردل سفید از هر یک هشت درم سلیخه سودا انیسون جوزبوا از هر یک نه درم اسقیل سوزنجان مصری قسط تلخ ساذج هندی فجاج اذخر جنطیانا رومی دار فلفل مشک طرامشع حب بلسان طباشیر سفید زراوند طویل شیطرج هندی دارشیشعان کتیرا را تینج زراوند مل حرج از هر یک شش درم چند بید ستر در ارچینی شقاق حب الآس سد اب دو قوا : هر یک پنج مثقال غاریقون سفید اسارون سعد کوفی قرد ما ناخولنجان تخم هلیون عاقر قرحا آمله منقح ازه چهار مثقال بزرسیمالیوس ناردین زوفای خشک زرنب زنجبیل حب الغار بهمن سفید حما ما از هر یک نوره الصبغ فراسیون رازبانه مویزج حسک مربا ورق مخلصه ورق نقره محلول عنبر اشهب از هر یک دو طلا محلول یک درم مشک خالص نیم درم صمغ را در عرق دارچینی خیسانیده بپا لایند و باقی ادویه بپخته بروغن بلسان و میعه سا ثله چوب نمایند غسل مصفی سه وزن ادویه بطریق تریاق فاروا سازند و در ظرف چینی کرده چهل روز در میان جوگدازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شرا نیم درم تا یک درم و مدت بقای قوت این معجون تا سه سال بود و زیاده هم گفته اند \* درع الصفة به نسخ شده که این معجون قایم مقام تریاق فاروق است برای ضیق النفس و سرفه و تپهای کهنه و تب سوداوی \*

جد و ار خطائی بنفش مجرب سره سقنقور مصطکی رومی میعه سا ثله فطرا سالیون تخم کرفس اذخر مکي موفج زعفران روغن بلسان قرص افعی بزرا البنج خصیة الثعلب لسان العاصییر چوب چینی پوست بیرون بسته از هر یک ده درم مومیائی دارا بجردی کما فیطوس قصب الذریعة ناخواء قرص اندر و خورون کل سرخ درونج عقربی از هر یک پنج درم مر مکی صافی اسطوخودوس علك البطم خردل سفید از هر یک هفت درم انیسون سلیخه میاه جوزبوا از هر یک نه درم قسط تلخ سوزنجان مصری اسقیل ساذج هندی فجاج اذخر جنطیانا دار فلفل مشک طرامشع حب بلسان طباشیر سفید زراوند طویل شیطرج هندی دارشیشعان کتیرا را تینج زراوند مل حرج شش درم چند بید ستر در ارچینی شقاق مصری حب الآس سد اب دو قوا از هر یک پنج مثقال غاریقون هشت سفید اسارون سعد کوفی قرد ما ناخولنجان تخم هلیون زوفای خشک زرنب زنجبیل حب الغار ورق نقره بهمن سفید حما ما از هر یک سه درم نوره الصبغ فراسیون رازبانه مویزج مر ما حوز ورق مخلصه ورق طلا عنبر اشهب از هر یک دو درم مشک تبی پنج درم اجزا را کوفته بپخته بروغن بلسان و میعه چرب کرده و جمیع ادویه را در عرق دارچینی ترک کرده غسل مصفی سه وزن



ادویه بقوام آورده بدستور مقرر معجون سازند و در ظرف چینی نگاهدارند و بعد از چهل روز استعمال نمایند و  
 قوت این دوا تازه سال باقی میماند شربت بنی بقدر قوت مزاج \* درع المشیب این دوا را قدوة علما میر محمد باقر علیه  
 الرحمة والغفران در برابر آنقره یا کیبیر تالیف نموده و در افعال و خواص اقوت ازان میدانند \* صنعت آن به نسخه که  
 پیش قطب شاه والی خیل را باد فرستاده بودند و صاحب میزان الطبايع از روی خط معزالیه نقل برداشته در میزان  
 الطبايع ذکر کرده بکیروند هلیله سیاه آمله منقی پوست بلیله ازهریک شصت و پنج مثقال فلفل سیاه فلفل سفید ازهریک  
 ده مثقال زنجبیل چینی دار فلفل مرکبی صافی ازهریک پانزده مثقال زرغای خشک کند رذکر دار چینی قونفل زرنباد  
 شیرین ریوند چینی حب الغار ازهریک دوازده مثقال سعد کوفی و ج توکی اسارون شیطرح هند را زیاده شونیز  
 پوست هلمه زرد ازهریک ده مثقال زعفران مصطکی رومی ازهریک بیست مثقال لاجورد مغسول مشک تبتي خالص  
 عنبر شهب زر شک منقی ازهریک پنج مثقال روغن بلسان میعه سائله ازهریک دوازده مثقال عسل بلادرد دوازده مثقال  
 ونیم روغن مغز گردکان روغن بادام شیرین روغن مغز بادام تلخ آملقار که جمیع ادویه را بآن چرب نمایند پس  
 بکیروند عسل مصفی چهار وزن مجموع ادویه و بقوام آورند و مجموع ادویه را کوفته بپخته بروغنهای چرب نمایند و اول  
 مرتبه عسل بلادرد را بآن ادویه بسرشد پس مجموع را بعسل بقوام آورده بسرشد و به آبر حلوئی برهم زنند تا رنگو  
 مخلوط شود و در ظرف چینی نگاهدارند و بعد از شش ماه استعمال نمایند این معجون سی و یک جزو است و وزن اجزا  
 چهار صد و چهل و هفت مثقال و نیم صاحب میزان الطبايع گفته که مزاج این معجون گرم است در رنگ رجه ونیم و خشک  
 است در دوز درجه و سدس درجه \* **باب الدال مع النون \*** دند بفارسی بین النجیر خطائی

مند و مشهور بحب السلاطین است و بهندی جیها بکرت و جمال کورته نامند و جیها بلغت ایشان بمعنی سلطان  
 کورته بمعنی حب است و گیاه آن بقدر سه ذرع و ازان بزرگتر و برکش مثل برگ بادانجان و ازان رقیق تر و گشادتر  
 نموش و دانه آن در غلافی رقیق مایل بسبزی و قوتش تا سه سال باقی است و سه قسم میباشد چینی و شعری و هندی و قسم  
 چینی آن بزرگ دانه شبیه به پسته و قسم شعری شبیه بدانه بید النجیر غیر منقط رسیده کوچک و عطای العمل و مورث منصف  
 و قسم هندی متوسط الملقن اروا غیر مائل بزرگی و منقط بسیا می میباشد و بهترین اقسام آن چینی سفید مائل بزرگی و بعد  
 ازان هندی است در اول چهارم گرم و خشک و بغایت تند و در حروف معز آن در سه بیت مثل بیش است و در سحر  
 پوست او را با یک جل کرد و هر چه بی پوست مدتی ماند باشد بدستور رسوم قدانه و اقسام آن سهول باغم رسود و جاذب  
 رطوبات خام از مفاصل و مفتوح جهت استسقا و یوقن و سنگ کرده و مثانه و نفوس و در کمر و در کین و ساق و نافع و طلای آن  
 حافظ سیاه می و مورث قرحه و نقش رطل و چون بر لب رسد سوزی آنرا از آن کند و نکوار آن موجب برص و ضامان آن  
 با ما است جهت شقاق و برص حیوانات و با ادویه مناسبه جهت جمیع اوزام بزرگ و وجاع مغیل و وقت شربش در قوی  
 الا بل آن یکعل دود غیر آن نصف عد است که با مصلحات باشد و مضر محدودین و یکرم آن کشند و با سعال مدوط و قطع  
 امعاء و مغس \* مصلحتش بعد از جدا کردن پردۀ درون آن کثیرا و نشاسته و کل سرخ و یک شب در آب نیموکل نشستن است و  
 معین فعل آن تربید و عصارۀ غاف و هلیله کابلی و انیسون و بیاض عنصل و زعفران و سفایج است و بعد ازان خوردن آب  
 سرد و شیر تازه و آب دوغ و ربوب حامضه و مشوی مل بر آنرا مضرت کمتر و در هوای بسیار گرم و بلاد حار یا پس از حدیف  
 الا بل آن را استعمال آن جائز نیست و اهل بنگاله با غلال شیر خواره جهت ام الصبیان و مرضیکه در پهلوی آنها میشود که اصطلاح  
 خرد د به میباشد مند که بآن تب و جستن طفل از خراب و حرکت پهلوی جستن آن و بدقراعه و گویه لازم است و در طرف

د مت چپ آن میشود ظاهر اریخ و نفخه طحال است و آن از امراض سینه است مرا طحال را مقلد از نیم دانه تا یک دانه حب السلاطین مقشور یا قدری آب زنجبیل تر که بهند یا در یک نامک سائیده بشیر مرصعه اگر شیر خواره باشد و الا با شیر بز یا کاتازه و شیده یا آن میخورانند یا خالی یا آب اد رک اگر حب السلاطین مدبر باشد بهتواست و اکثر نفع میبخشد \* دستور تشویه دند که حب السلاطین است یک دین دستور است که بعد از مقشور کردن و بر آوردن آن کل سرخ و کتیرا با السوبه مقلد اربع دند اضافه نموده در لته قری بسته لته را در خمیر بگیرند و یک دستور و آتش تشویه نمایند و بغیرا ز کتیرا استعمال نباید کرد و بعضی گفته اند که تدبیر حب السلاطین بعد از مقشور کردن و جل نمودن پرده میان آن با کل سرخ و کتیرا یک شب در میان آب لیمو کند آشتن است \* نوع دیگر بگیرند حب السلاطین را و مقشور کرده زیاده میان آنرا در یک کیمسه یا رجه صغیری کرده پس بگیرند قدری سرکین کاتازه و در آب جل کرده در پاتیل کیده بر سر آتش کنند و آن کیمسه را بجو بی بسته چوب را بر سر پاتیل کنند و کیمسه را در میان پاتیل بیاورند و بقسمی که در ته پاتیل نرسد و در آب سرکین مسطور غرق باشد و بجوشانند و چون چند جوش خوب بخورد بیرون آورده مغزها را بر آورده و نیکو بشویند و استعمال نمایند \* نوع دیگر که دستور صاحب خلاصه التجارب است آن است که بگیرند حب السلاطین تازه و سفید که زرد و سیاه نشد و باشد و مقشور نمایند چنانکه مغز آن درست بر آید و یک شب در آب خالص بخیسانند پس در کیمسه کریاس صغیری نموده کیمسه را تر کرده در میان زبل کاتازه بگیرند آن مقلد هر طرف آن سه انگشت زبل باشد پس بمقلد آن کودی بکنند و کیمسه را با زبل در آن کنند و بالای آن خاک و بالای خاکستر سرکین و گچنکی خشک برافروزند تا آتش در آن کیود قدری آزان سرکین بسوزد و پس بگیرد آنند و همین قسم تا جمیع اطواف آن اندکی بسوزد پس کیمسه را بر آورده و آنها حب السلاطین را بر آورده با آب پاک بشویند و از طول چنانچه منصف است شق نموده در حوضه نمایند و پرده میانه آن است بر آورده و در کنند و باز شسته استعمال نمایند و اگر اول آنرا دو پاره نموده پرده آنرا بر آورند پس بهتر است \* نوع دیگر آنست که دند را مقشور کرده زیاده آنرا بر آورده در پاره بسته در شیوگا و بجوشانند پس شسته خشک نموده با نمک بریان نمایند و با قدری کتیرا و مصطکی و انیسون ناسه روز با آب لیمو سحق نمایند \* حب دند یعنی حب بیل انجیر خطائی منقول از اطباء هند که جیپال و جمال کوته کویند بزبان است بحسب السلاطین مسهل اخلاط غلیظ است از اعماق بدن و بجهت گرم و معافید است و گرم ها را کشته اخراج می صنعت آن دند مقشور پاک کرده از زبانی که در وسط در حوضه او میباشند و آنرا مدبر نموده باشند در مثقال تربل مدبر در حوضه ترکی ربونل چیننی از هر یک یک مثقال کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده حبوب سازند هر حبیبی بقدر فلفلی شربتیی از سه حب تا پنج حب و غل انخود آب بخورند و اگر زیاده تلپین کند قدری کلاب یا دوغ کاوسرد کرده بنوشند \* حب دند دیگر معروف بحسب جیپال کوته این نیز منقول از اطباء هند است اخراج بلغم خامه را بحی و جمیع رطوبات غلیظه و قدری سود از عمق بدن میکند و صرع و استرخا و عرق النساء و وجع و رک و مفاصل بارده را نافع است و فعلش بقی و اسهال هردو میباشند \* صنعت آن حب السلاطین مدبر هلیله سیاه از هر یک یک جزو آرد برنج و جزو کوفته با آب لیمو یا آب غوره سحق بلیغ نموده حب بزند هر حبیبی بقدر رفتنی یک حب را کویند و باد و شاد یا شیر شکر حل کرده بر روی شور یا چربی یا نخود آب پاشیده بپاشانند \* حب دند دیگر اخراج اخلاط غلیظه از اعماق بدن با سهال و قوی کند \* صنعت آن حب السلاطین مقشور مدبر نموده پرده جوف آنرا بیرون آورده و دود هلیله سیاه نیز در

عد ذکر نموده و مسامی هرد و آرد برنج داخل کرده بآب حب سازند جمله یک شربت است بآب سرد فروزنند \* حب دند دیگر  
 بگیرند حب السلاطین مقشر نموده پرده میان آنرا در ور کرده مد بر نموده هفت عد در سرینفشه مغز تخم خیار بن مغز تخم کدو  
 از هر یک دو مثقال کل نیلوفر یک مثقال مغز تخم هند وانه سه مثقال تخم خرفه مقشر پنج مثقال کل سرخ طباشیر  
 سفید کتیرا از هر یک دو مثقال نشاسته سه مثقال کوفته بمخته حب سازند شربت از نیم مثقال تانیک مثقال با شیرها  
 و لعاب های مناسب \* حب دند دیگر نافع از برای فالج و لقوه و ارجاع ظهور رکه و هر رجمی که سبب آن بلفم غلیظ  
 باشد نافع و از برای ریح غلیظ نیز \* صنعت آن دند چینی مقشر پرده وسط آن را در ور کرده مد بر نموده و حب  
 ال بقی المقشور حب ال بقی مویزج است رب السوس غاریقون سفید مصطکی حشیش غانت انستین رومی  
 صبر سقوطی کوفته بپخته بآب کرفس سرشته حب سازند هر حبی بقدر فلفلی و کسی که این حب را میسازد  
 باید که دست خود را بر رغن بلسان چرب نماید شربت ما بین یک درم تا دو درم و کسی که این حب را  
 خورد باید که غذایش زیر باج باشد \* حب دند دیگر بگیرند حب السلاطین مد بر بطریقه سیوم دو عد دو قلوه  
 هلیله سیاه دران داخل کرده همه را بکوبند و بیست و پنج حب بندند مجموع پنج خوراک است هر خوراک پنج عد  
 که دران دو عد حب السلاطین است و در نسخه دیگر بعد هرد آنه حب السلاطین یک آنه هلیله سیاه و بیه دانه که  
 مشهور بمویزک است و آرد برنج صاف کرده مسامی هرد و کوفته بآب غوره سحق بامغ نموده حبوب بندند هر حبی  
 مقل از نخود کا بلی شربت یک حب تا هفت حب و بد آنکه حب دند را بصاحب انقلاب معدن نباید داد که مضرات  
 بن حب الملوك جهت امراض بلغمیه مزمنه و مواد غلیظه بارد و رطبه نافع و بسیار قوی است و مقل از شربت آن  
 در قلیلی تا پنج حب به تنهایی یعنی مغرد استعمال آن جائز نیست بلکه با کافور و یا شربت های و یا معاجین مسهل مناسبه  
 مزوج نموده باید که استعمال نمایند \* صنعت آن بگیرند حب الملوك که دند چینی است و مقشور نموده پرده میان  
 آنرا در ور کرده در آب پاک بخیسانند و در قورع و انبیق بدستور متعارف مقطر نمایند و یا آنکه بدستور دین النابوب  
 البزور داخل نموده در شیشه نگاه دارند و عند الحاجة استعمال نمایند \* **باب الدال مع الراء**

**فصل در ذکر نسخ درواها \*** **دواء البلغم منقول از طب الائمة از حضرت ابی عبد الله عم \* صنعت آن**

فرموده اند که بکیر علك رومی که مصطکی باشد و صغیر و ناخواره و شونیز از هر یک یک جزو برابر و یکوب بسیار نرم هر یک  
 را جد اجل آرد به پیزد و رم نمایا عسل کف کرفته بقوام آورد و سرش و هر روز و هر شب مقل از دند که وقت خواب و  
 ناشتا بخورد نافع است انشا الله تع \* دواء الجامعة مولا نایب باقر مجلسی رح نقل نموده که صاحب کتاب طب الائمة  
 گفته که گفت احمد بن مفضل که او را روایت کرده از برادر خود عبد الله بن عباس که گفته که از برادر عقرب و در  
 کزین ن کو یانیش آن رسید به بطن من از شدت ضربتی که رسید بمن و بود حضرت ابوالحسن عسکری عم  
 در هم \* پس رفتم پیش آنحضرت عم پس گفت پس من بار حضرت که پس من عبد الله را عقرب بگزید و مرا خوف  
 هلاک او است پس آنحضرت عم فرمودند که بیا شما نید او را از دوائی جامع پس بد رستیکه دوائی جامع دوائی حضرت  
 امام رضا عم است در کتاب حلیه المتقین از کتاب طب الائمة نقل کرده که شخصی نزد حضرت امام علی نقی عم  
 عرض کرد که در همسایگی ما شخصی را عقرب کزید و است مرا و را بیم هلاک است فرمود که او را بخور و بعد از آن جامع  
 که از حضرت امام رضا عم بیا رسید پس گفتم که آن کدام دوائی است آن حضرت فرمودند که آن دوائی معروف است گفتم  
 ای مولای من من آن را نمیدانم آن حضرت فرمود که بکیر سنبل الطیب و زعفران و قاقله و عاقور حوا و خربق ایمن و

و بنزرا بنج سفید و فلفل سفید اجزا مساوی از فیون د و جز و اجزا را علیحد و علیحد و نرم گویند و بر هر یو پیخته  
 باد و چند جمیع اجزا غسل منزع الرغوة سرشته معجون سازند و باید که آشامانید و شود ازان از برای کزیدن  
 عقرب و مار مقل اریك حبه با آب حلتیت یعنی آبیکه در آن حلتیت حل کرده باشند پس بد رستیکه در ساعت شغامی یابند  
 و نیز در بحار الانوار از کتاب طب الاثمه نقل کرده که روایت کرده از ابراهیم بن محمد بن ابراهیم از مفضل بن میمون  
 از مردی از ابی جعفر بن علی بن موسی الرضا عم که گفت گفتیم ای فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله و صحابه که من  
 ازین مرض شوصه درمی یابم و جعی شد بد پس گفت آنحضرت عم بمن که فرا گیریک حبه از دوائی حضرت رضاعم با اندکی  
 از زعفران و طلاکن آن را حول شوصه پس گفتیم بآن حضرت عم که کد ام است دوائی بد را آنحضرت عم گفت که آن دوائی  
 جامع است و آن معروف است نزد فلان و فلان پس دوائی گوید که پیش یکی ازان د و کس که آنحضرت فرموده بود ند رفتم

و گویند از مقل اریحه و طلاکردم آن را بر حول شوصه با نیچه آن حضرت فرموده بود از آب زعفران پس عاذ  
 ازان و جمع توضیح جالبینوس گفته که شوصه روم حجاب اضلاع است یعنی حجابیکه مستبطن اضلاع است و صاه  
 گفته که شوصه جمع بطن است یا ریخی است در باطن اضلاع یا ورمی است در حجاب داخل اضلاع و اخه  
 و نیز نقل کرده از طب الاثمه که روایت کرده احمد بن مستنیر و در نخته دیگر احمد بن مستعین از  
 عبد الرحمن که گفت شکوه نمودم بحضرت امام رضاعم از بیماری اهل خود که آن را فالج و لقوه است پس آن حضور  
 چرا استعمال نمی کنی از دوائی بد من گفتیم آن کد ام است فرمود که آن دوائی جامع است بگیر ازان و  
 حبه و حل سازد را آب مرزنجوش و بد و با و تا سعوطن نماید پس بد رستیکه عافیت می یابد باذن الله تع و نیز  
 از طب الاثمه که روایت نموده محمد بن علی بن رنجویه مطیب از عبد الله بن عثمان که شکوه نمودم بحضرت ا  
 محمد بن علی بن موسی عم از سردی معد و خفقان در قلب پس آن حضرت فرموده که چرا فرا نمی گیری از د  
 من و آن دوائی جامع است گفتیم ای فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله کد ام است آن فرمود ند که معروف است نزد  
 گفتیم ای سید من و مولای من پس بد رستیکه من نیز از ایشان ام پس عطا فرما بمن صفت آن را تا علاج  
 مرض خود را و عطا نمایم مردم را پس عطا فرمود بمن صفت آن را پس فرمود که باید که آشامانید و شود ازان  
 خفقان را یک حبه و از برای معد و یک حبه ازان با بیکه زیره در آن جوشانید و باشند پس بد رستیکه موجب

میکرد باذن الله تع و نیز نقل نموده از کتاب طب الاثمه که روایت نموده از عبد الرحمن بن سهیل بن مجلد از بد ر خود  
 که گفت رسیدم بخندمت امام علی بن موسی الرضا عم پس شکوه کردم بآن حضرت از وجع طحال خود که شب ها از بیداری  
 روز میگذرم و روزها میبایسم در گوشه خزید و از شدت وجع آن گفت که کجائی تو از دوائی جامع یعنی چرا استعمال نمی کنی آنرا  
 پس فرمود که فرا گیر ازان یک حبه با آب سود و کفی از سرکه پس بجا آوردم آنچه آنحضرت فرمود بمن پس ساکن شد و جعی که  
 بود بحمد الله تع و نیز از طب الاثمه نقل نموده که روایت کرد از محمد بن کثیر مروزی از محمد بن سلیمان و بوده محمد  
 که فرا گرفته علم اهل بیت از حضرت امام رضاعم که گفت شکوه کردم بحضرت علی بن موسی الرضا عم از وجع پهلو راست و  
 پهلو چپ پس آنحضرت فرمود که چرا غافل از دوائی جامع پس بد رستیکه آنمشهور است و گفت آن حضرت اما از برای  
 درد پهلو چپ پس بگیر آن را با آبی که جوشانید و باشی در آن اصول کرفس را را و گوید که پس گفتیم با آنحضرت  
 که یا بن رسول الله عم بگیرم ازان یک مثقال تا د و مثقال پس آن حضرت فرمود بلکه یک حبه پس بد رستیکه عافیت  
 می یابی باذن الله تع و نیز صاحب طب الاثمه گفته که روایت کرده محمد بن عبد الله کاتب از احمد بن اسحق که او

گفت که بودم من که بسیار حاضر میکردیدم در مجلس حضرت امام رضا عم پس گفتم بآن حضرت که یا بن رسول الله صلعم  
 پدر مرا از سه شب اسهال شکم است که قبضه شکم خورد نمیتواند کرد پس آن حضرت فرمود که چرا اغافل از دوائی جامع گفتم  
 که مرا معرفت بآن نیست آن حضرت فرمود که آن نزد احمد بن ابراهیم تمام موجود است پس بکمر از مقلد اربك  
 حبه و بیاضمان پل رخورد را با آبیکه در آن مورد را جوشانیده باشی پس بدرستی که در ساعت مرض او زایل میگردد  
 و دوائی کوید که رفتم پیش احمد بن ابراهیم و گفتم از مقلد اربك بسیار و آشامانیدم مقلد اربك حبه از آن به پی  
 خود پس تسکین یافت مرض او در ساعت و نیز صاحب طب الاثمه روایت کرده از محمد بن حکام و از محمد بن نصیر  
 مؤدب پسرای جعفر محمد بن علی بن موسی عم که شکوه نمودم بحضرت از آنچه میبافتم از آلهم بسبب حصاة پس آن  
 حضرت عم فرمودند که ریحك چرا غافل از دوائی جامع دوائی پدر من عم پس گفتم ای سید و مولای من عطا کن بمن صفت  
 آن را پس آن حضرت فرمود که این دوا نزد ما موجود است ای کنیزك بیرون آور و بوجه سبز و دوائی کوید که بیرون  
 آورد کنیزك سهوچه را و آن حضرت بر آورد از آن سهوچه مقلد اربك از دوائی جامع را پس فرمود که بیا شام این را با آب  
 هنداب یا با آب ترب پس بدرستی که عافیت می یابی از مرض پس دوائی کوید که آشامیدم آن را با آب هنداب پس  
 بخدا قسم تا امروز احساس بوجع حصاة نکردم و نیز میگوید که روایت کرده جعفر بن محمد ابراهیم که گفت ما را احمد بن  
 بشارة که حج کردم و آمدم بمن پینه طینه پس داخل مسجد رسول الله صلعم شدم پس ناگاه ابراهیم عم نشسته بود  
 پهلوی من پس نزد يك آن حضرت آمدم سرودست های مبارک آن حضرت را بوسیدم و سلام کردم بر آن حضرت پس  
 جواب سلام مرا داد فرمود که چگونه می باشی تو از مرضی که ترا است پس گفتم می باشم شاکي و بود مرا اصل پس گفت مرا که  
 بکمر این دوا را خاکو نیکه می باشی بمن پینه طینه پیش از آنکه بیرون روی بسوی مکه معظمه پس بدرستی که خواهی  
 یافت این دوا را در مینه و تحقیق که این دوا موجب عافیت تو است باذن الله عزوجل پس بر آورد و رات  
 و کاغذ نوشت از برای من نسخه آنرا یعنی نسخه دوائی جامع که پیش ازین وصف آنرا نمودم الا آنکه درین حل است وزن  
 غسل را مقرر فرموده اند پس فرمود که باید که بیا شام ازین دوا صاحب سل مثل يك نخود و وقت خواب بآب نیمگرم  
 و تو بخوابی آشامید این دوا را مکرر شب که باذن الله تعالی عافیت خواهی یافت از مرض سل پس بجا آوردم آنچه آن  
 حضرت فرموده بود پس دفع شد از من آن مرض و عافیت یافتم باذن الله تعالی و نیز روایت کرده از صاحب بن صالح که او گفت  
 که حل یافت کرد و مرا محمد بن عبد السلام و گفت که داخل شدم با جمع از اهل خراسان بخش حضرت علی بن موسی  
 الرضا عم پس کردیم بران حضرت سلام و آن حضرت جواب سلام ما را داد و سؤال نمود ازین حضرت هر يك ازین جماعات  
 حاجتی را پس قضای حاجت آنها را نمود پس بکا و کرد بجا نب من گفت هوا که تو نیز سؤال از حاجت خود کن گفتم  
 من که یا بن رسول الله شکایت میکنم بتو از سرفه شد يك پس آن حضرت فرمود که ای سرفه تو تازه است یا سعال عقیق  
 اسر گفتم یا حضرت هر دو میباشد گفت مرا که بکمر این دوا را و وصف کرد محقق دوائی جامع را که ذکر کردیم ما آنرا  
 الا آنکه در اینجا وزن غسل منزوع الرغوه و وزن مجموع ادویه آورد و اند و فرمود که فرا گیر ازین دوا از هر سرفه که نه  
 و سرفه تازه و وزن يك حبه با آب را در خانه وقت خواب و باید که بود و باشد آبیکه می آشامی نیم گرم و سرد میباشد که دفع  
 میکنند سعال را از بیخ و بنیاد صاحب طب الاثمه روایت کرده از عبد الله و حمید بن یسار آن این دستور که آن هر دو که مثل که  
 نوشت از برای احمد بن رباح متطیب این ادویه را و ذکر کرد او که غرض شد این ادویه سهوچه سبز با اسام و يك نسخه است  
 که در ضیعا پس یعنی موافق بعضی آن حضرت عم آمد آنرا و در نسخه دیگر است که فرغها یعنی پس است از آن حضرت این ادویه را

را به پیغمبران که بخوبی با آنها رسید و این نسخه اصح است \* دواهای اول دوائی است نافع از برای مره صفرا و سودا و  
 بلغم و از برای وجع معده و قوی و از برای حمی و برسام شقاق دست ها و پاها و از برای اسهال یعنی احتباس بول و از برای  
 درد شکم و وجع کبد و از برای خراش درد سر و سوزا و از آن است که کسیکه این دوا را بیاشامد پرهیز کند از خوردن ماهی و سرکه  
 و از بقول یعنی سبزیها و در اکثر نسخهها است ولیکن طعام من یشر به زیر با جبهه بدن السمسم و در بعضی نسخ است ولیکن  
 طعام من یشر به اما حبه بدن السمسم و بنا بر نسخه اکثر معنی آن است که باید که بوده باشد غذای کسیکه می آشامد  
 این دوا را زیر بار وغن کنجد و بنا بر بعضی نسخ معنی آن است که باید که بوده باشد غذای کسیکه می آشامد این دوا را  
 آماج یعنی اگر بار وغن کنجد آن مرحوم میفرماید که آنچه در اکثر نسخ است اصح است و زیر باج شور بائی است که فرا  
 گرفته شود از سرکه و میوه های خشک که مطیب باشد بزعفران و داخل کرده شود در آن زیوه طعام یعنی زیر ~~با~~  
 آماج یعنی اگر شور بائی است معمول از خمیر و باید که آشامیده شود این دوا سه روز هر روز و در مثقال  
 بن رباح که بودم که می آشامیدم این دوا را هر روز یک مثقال پس گفت کاظم هم در مثقال و ذکر فر  
 این دوا را بعضی انبیا را است علی نبینا و آله هم نسخه آن باید که گرفته شود مغز فلوس خیار شنبلیله منق  
 یک رطل و تخم سناوند در یک رطل از آب خالص یک شبانه روز پس آن را با پیالیند و بکینند صافی آن  
 نفل آن را داخل کنند در صافی آن یک رطل غسل مصفی و در رطل از آب افشوده به و چهل مثقال از  
 پس به پزند آنرا با آتش ملایم تا آنکه غلیظ شود و بقوام معجون آید پس فرود آورده بکند و آرد تا سرد شود  
 داخل کنند در آن فلفل و قرفة و قرفة و زنجبیل و دارچینی و جوزیوا از هر یک سه مثقال بعد از  
 باشند و چون ادویه را در آن داخل کنند بسوزند بعضی آن را با بعضی سرشتنی نیکو و بگردانند آنرا در گره  
 زجاجی و شربتیی ازین دوا و در مثقال صبح ناشسته نافع است باذن الله عزوجل و همین نسخه بعینه از  
 علم مروی است و آنحضرت فرمودند که شربتیی ازین دوا و در مثقال است صبح ناشتا یکمربنه پس بد رست  
 میکرد از آن معده را و مضطرب طعام میکند و اخراج رباح از جمیع مفاصل میکند باذن الله عزوجل \* دوا  
 از برای یرقان و تب سخت شدن یل که با آن خوف برسام باشد و از برای وجع مثانه و احلیل \* نسخه  
 با درنگ پوست آن جل اکن پس بجوشان پوست آنرا با آب با پوست پیچ کاسنی پس آنرا با لاد داخل کن در ار  
 و بیاشام از آن صبح ناشتا سه روز مقدار یک رطل پس بد رستیکه این دوا جید و مجرب است و روایت کرده حماد بن  
 بلخی گفت که بودیم ما که آمد و رفت میکردیم بخد مت حضرت اما م رضاعم در خراسان پس شکوه نمودم بحضرت آن  
 جوانی از ما از یرقان پس آن حضرت فرمود که بکیر خیار با درنگ و پوست آن را جل اکن پس پوست آنرا به پزند در آب  
 و بیاشام سه روز از آن صبح ناشتا هر روز مقدار یک رطل پس خبر دما را از جوان بعد از آن یک و آنیکه آن حضرت بمن  
 فرمودند دادم صاحب یرقان را دو مرتبه پس دوشد مرض و باذن الله تع \* دوا سیوم دوا است نافع از برای خفقان  
 و نفیس عالی و وجع معده و خاصره و مقوی معده است و زائل میکند سماجه رنگ و زردی و یرقان و زردی رنگ را \* نسخه  
 آن باید که گرفته شود زنجبیل خشک هفتاد و دو مثقال در فلفل چهل مثقال اشنه و ساذج هند و فلفل و هلیله سیاه و قاقله  
 و جوز لطیف و زانخواه و زانارده شیرین و شونیز و زیره کرمانی از هر یک چهار مثقال ادویه را جدا جدا جل گرفته و بخته  
 وزن نموده پس بکینند فانیل سنجریش ص مثقال پس آنرا در پاتیل پاکیزه نموده قوی آب بر روی ری کرده بر  
 آتش ملایم بجوش آورند تا فانیل کل آخته شود و بقوام آید از آتش فرا گرفته ادویه را داخل کرده به مسوط برهم زنند تا

نیکو مخلوط شود پس در ظرف چینی یا زجاجی کرده نگاهدارند شربت پی بمقدار جوزی پس بد رستیکه مخالفت نمیکند در  
 منافع \* دوائی چهارم گفته که این دوائی عجیب است نافع است باذن الله تع از برای ورم بطن و وجع معده و قطع بلغم  
 میکند و میکند از دستک کرده و مثانه را و اخراج میکند آنچه راجع شده باشد در مثانه و نافع است از برای وجع خاصه \* نسخه  
 آن باید که بکیری هلیله سیاه و بلبله و آمله منقی و کمون کرمانی و فلفل و دار فلفل و دار چینی و شقایق و زنجبیل و اسارون  
 و خولجان اجزا مساوی ادویه را جدا جدا گرفته بپخته وزن کرده بروغن کاه و تازه چرب نموده مجموع را باد و وزن  
 مجموع ادویه غسل کف گرفته بقوام آورده با فانیل جید سنجری بقوام آورده معجون سازد شربت پی از آن مثل بند پی یا  
 مثل مازوئی صبح ناشتا و روایت کرده خضر بن محمد که حل یث کرد ما را جوائی که گفت رسیدم بخند مت یکی از ائمه هدی  
 عم پس سلام کردم بر او حضرت عم و در خواست نمودم که دعا کنند بجناب الله تع از برای برادری که مرا میباید و مبطلا  
 است بحصه و خواب نمیکند از آن پس آن حضرت فرمود که بکیرا زین که وصف میکنم از برای تو و وصف نموده و اینکه سبق  
 ذکر یافت یعنی دوائی چهارم \* دوائی پنجم از برای کثرت جماع و غیر آن گفته که این دوائی عجیب است گرم میکند مرد و کرده را  
 و کثیر الجماع میکند اند کسی را که بخورد این را و میریزد سردی را از مفاصل و این دوائی نافع است از برای درد خاصه  
 و درد شکم و ریاح بطن و ریاح مفاصل و ضربان مفاصل و از برای کسیکه بول او بد شود و آید از برای کسیکه عقل و روش  
 نباشد حبس بول و از برای ضربان فؤاد و نفیس عالی و نفخه مرق و تخمه و گرم بطن و این دوائی جلا مملد فؤاد را و  
 اشتها را طعام می آورد و ساکن میکند اند درد سینه را و نافع است از برای زردی چشم و زردی رنگ و یرقان و بسیاری  
 عطش و از برای کسیکه شکوه از درد چشم داشته باشد و از برای وجع سرو و نقصان دماغ و از برای تب سرما و از برای هر  
 مرض قل بی و حل یث جید مجرب است و مخالفت نمیکند اصلا و شربت پی از آن و مثقال است و بود شربت پی از آن نزد  
 هایك مثقال پس تغیر داد آنرا امام و گفت بلکه د و مثقال نسخه آن بکیری هلیله سیاه و هلیله زرد و سقمونیای مشرقی از هر يك  
 شش مثقال فلفل و دار فلفل و ناختوا و زنجبیل خشک و خشخاش سرخ و نمک هند و از هر يك چهار مثقال زنجبیل و  
 فلفل و سنبل هند و شقایق و عود بلسان و سلیخته مقشور و علك رومی و عا قرق و حار و حب بلسان و دار چینی از هر يك  
 و مثقال ادویه را جدا جدا گرفته بپخته وزن نموده سرا و سقمونیای که نباید آنرا بپختن بلکه همین گویند ن کافی است  
 پس همه را یکجا کرده پس بکیری هشتاد و پنج مثقال فانیل سنجری جید و در پانیل با آتش ملایم کاخته ادویه را  
 با آن پسر شدن پس آنرا با غسل کف گرفته معجون سازد و در ظرف زجاجی یا غوری نگاهدارد و در وقت حاجت د و مثقال  
 آنرا ناشتا با هر شرابی که خواسته باشد بخورد و وقت خواب نیز مثل آن بخورد که باذن الله تع نافع است \* دوائی ششم  
 گفته که دوائی است نافع از برای وجع خاصه و اسهال بطن کند و اخراج هرد واء نماید \* نسخه آن بکیری چهار مثقال  
 فلفل و مثل آن زنجبیل و مثل آن دار فلفل و از برای کبلی مقشور و بسباسه و دار چینی از هر يك مثقال از برای جزریعی  
 چهار و مثقال و از مسکه کار صانی جید و پنچ مثقال و از شرک سفید چهل و شش مثقال اجزا را جدا جدا گرفته و با راجه  
 صفیقی یا منخل مرئی صفیق بپخته وزن نموده بغسل منزوع النرغوه و وزن مجموع ادویه سرشته معجون سازد  
 پس هر کس که بیاشامد از این دوائی وجع خاصه پس باید که بیاشامد از این دوائی و از این سه مثقال و کسی که بیاشامد  
 از برای مشی یعنی اسهال پس باید که بیاشامد وزن هفت مثقال یا وزن هشت مثقال یا آب نیم گرم پس بد رستیکه اخراج  
 هر مرض میکند باذن الله عز وجل و نمیکرد محتاج بسوی غیر این دوائی پس بد رستیکه این دوائی مجرب است و مستغنی  
 میکرد دشمن از سائر ادویه و هرگاه آشامیده شود از برای اسهال و منقطع شود اسهال آن پس باید که آشامیده شود



بوسل پس بد رسته نیکو و محبوب است \* دوائی هفتم گفته که این دوائی است نافع \* نسخه آن بکیر لبنی یا بس یعنی میوه یا بسه و بجم انجدان از هر يك ده مثقال افتیمون مصری و مثقال ادویه واحد اجل اکوفته سواى افتیمون باقی را پیخته پیارچه صغیق یعنی سفت و افتیمون احتیاج به بختنند ارد بلکه باید نرم کوبید آنرا و همه را وزن نموده بوسل کف گرفته معجون سازند شربتى و مثقال وقتیکه بجهت آرام بخوابگاه رود \* دوائی که جبرئیل امین عم بواى حضرت پیغمبر صلم از نزد حضرت رب العالمین عزوجل آورده این دوا نافع است از برای جمیع دردها مثل درد پشت و درد دست و درد پا و درد معده و درد کمر و سر و دل و شقیقه و گوش و بینی و قولنج و بوی دهان و بوی بغل و سنگ مثانه و درد دندان و سستی تمام اعضا اگر دوائی یکم گفته این معجون را بخورند این شخص را احتیاج به هیچ طبیب نشود و بهیچ درد مبتلا نگردد و اگر ده زن داشته باشد همه را خوشنود کرد اند \* صنعت آن خولنجان زنجبیل کبابه چینی عاقر قرحا هود خام قرنفل نخود سیاه بسباسه پوست خشخاش نانخو و پوست هلیله کابلی سپستان از هر يك دودرم همه را کوفته پیخته شکو سفید عسل صغیق شیرک و از هر يك بقدر حاجت این هرسه را درهم کرده بقوام آورند و سائر ادویه را کوفته پیخته بسروشند شربتى یک مثقال \* دوائی عصمت که ذکر کرده معلم اول ارسطاطالیس حکیم در رساله که از برای اسکندر تالیف نموده در آن رساله گفته که باید که بدانی ای سکندر که وصف کرده ایم مادر کتابی که نوشته ایم در میان ادویه مرگنه و آشوبه مؤلفه و ادهان و مراهم بر مله روم و هند و فرس و یونان و آنچه استنباط نموده ایم از روی تجربه و علم آنچه مستغنی کرد انیل و مارا از اماره آنجا مگر آنکه چون عقیده من آن است که افشاندن این بجناب شما هر چیزیکه آموخته ام آنرا و پوشید و نثارم از شما دوائی معروف بعصمت را و این دوا کنج پنهان حکما است و منکه ارسطو ام واقف نیستم بر اول کسیکه این دوا را تالیف کرده و ترکیب نموده طائفه اخبار نموده اند که از حضرت آدم عم است که رحی نموده الله تع بسوی او و بزعم طائفه آن است که از هشت حکیم است که اسقلانوس و ناسیورس و هرمس اوسط بریق مالی و واسطیوس و ابلق و ربورس و فاطر باشند و جمله ایشان مطلع بر علوم مخفی و اسرار مخلوقات و مابعد طبیعت بوده اند از خلا و ملائک نهایت اتفاق نموده اند بر ترکیب این دوائی جلیل القدر و تقسیم نموده اند آن را بر هشت قسمت و زعم طائفه آن است که اخنوخ استعمال نموده این دوا را بوحی الهی و اخنوخ هرمس اکبر است که اهل روم او را ابنجل نامند و منسوب است باو جمیع علوم حکمت و علوم علومه و ما در اینجا بتدائیم کنیم بدگر این دوا به برکت الله تع پس میگوئیم صفت عسل مد بریکه این دوا را ترکیب باید نمود بآن آن است که بکیر برکت الله تع عزوجل و بعون او آب معصور از انار شیرین بیست و پنج رطل و از آب افشوده انار ترش ده رطل و از آب افشوده سفرجل و از آب افشوده سیب ترش و از آب افشوده سیب شیرین فتمی از هر يك ده رطل و آب عنب صافی شیرین یک قسط و از شکر طبرزد ده رطل مجموع را در پاتیل پاکیزه نموده طبع نموده بمدا با آتش نرم غیر مل فیه یعنی غیر پنهان آهسته و بکیرند آنچه بر سر او می آید از کف و بیند از آنکه برسل بقوام عسل غلیظ پس این عسل مد بری است که استعمال کرده میشود و را آنچه ذکر میکنیم ما از برای توانا نشاء الله تع \* دوائی اول نسخه آن باید که گرفته شود برکت الله تع و بتوفیق او کل سرخ خشک کرده یک رطل کل بنفشه پاک کرده از خشب و سبزی و خشک نموده ربع رطلی و هردو را خیسا نند در ده رطل آب عنب بعد از آنکه اضافه نموده باشند بآن آب با درنجبویه نیم رطل و آب نعناع تازه نیم رطل و آب مرزنجوش تازه ربع رطلی و آب کافور بآن تازه یک رطل حاکو نیکه خیسایند باشند این در مجموع آبها آمله منقی و واقیه و قرنفل یک اوقیه و کن داشته باشد یک شبانروز تا آنکه قوت این هردو با آنها باز داده شد باشد پس طبع نمایند با آتش ملایم تا آنکه دو ثلث آنها رفته یک



ثلث بمالت پس از آتش فرو بردن و زده بمالت و بمالایند و اضافه آن نمایند از غسل مد بر من و طل و بیزند با آتش  
 ملایم تا آنکه غلیظ و منعقد شود و بقوام غسل معجون آید پس آنرا مقوره سازند بیک درهم و نیم مشک قهقهی خالص و  
 بیک درهم عنبر شهب و سه درهم عود هندی طیب سوده و در ظرف چینی غوری نکاهند از آن پس این دوا اولی است و  
 خاصیت آن تقویت معده و قلب و دماغ است باذن الله تع \* در ای دوم نسخه آن باید که گرفته شود هایلکه کابلی  
 منقنی از آسته یکرطل و فلوس خیارشنبو یکرطل و ترنجبین خراسانی منقنی از خاک و تخم ربع رطلی و اصل السوس تراشیده  
 اعلی زرد رنگ معتدل در غلظت و باریکی در اوقیه و حب الاس رسیده بحد نصف تمام دوا و قیه و آنچه را باید نیم کوب  
 نمود نیم کوفته و مجموع را بخیسانند و در ده سیر آب عذب یکشبا نروزی بکند از آن پس بجوشانند بماء ارا تا نصف آب  
 برود پس بمالت و بمالایند و اضافه صافی آن نمایند از غسل مد بر من کورد و طل و منعقد کرد و آنرا  
 بطبع تا غلیظ شود پس اضافه آن نمایند مصطکی مسحوق یک اوقیه طماشیر و سید سوده ربع اوقیه و بمسواط بر من و زدن  
 و در ظرف چینی غوری نکاهند از آن دوا دوم است و خاصیت آن تقویت معده و عصر معده است و اخراج صفوت  
 از معده از غیرا کره و از غیر مشقت بر طبیعت و تقویت عصب می کند و تقویت سینه و دماغ بعون الله تع \* دوا سوم  
 نسخه آن باید که گرفته شود ببرکت الله تعالی و بعون او از آمله منقنی یک رطل و نیم و از هایلکه هندی سیاه یک رطل و نیم  
 در چینی و خولجان جوز بوا از هر یک یک اوقیه و مجموع را نیم کوفته و در ده رطل آب عذب یکشبا نروزی بخیسانند  
 پس با آتش ملایم بجوشانند با هستکی و من ارا تا نصف آب برود پس بمالت و بمالایند و اضافه صاف آن نمایند از غسل  
 مد بر من کورده و طل بقوام آوردن تا غلیظ شود پس این دوا سوم است و خاصیت آن تقویت جمیع اعضاء با طینه  
 است خصوص اعضاء رئیس بعون الله تع \* دوا چهارم نسخه آن باید که گرفته شود ببرکت الله تعالی از عوسج تازه و در رطل  
 و از آب ترهای نازک علیقی در رطل و از آب زرشک منقنی در رطل و آب کرفس تازه و از آب کشمش تازه و آب کرات تازه و از آب  
 زهر بیک یکرطل و در نسخه دیگر آب کرفس نیم رطل و آب کاسنی تازه یکرطل آب بسباس که عصی الراعی است بچهار آب کرات  
 یکرطل است مجموع را یکجا کرده بخیسانند در آن افتیمون رومی ربع رطلی زردی رطب و قیه از هر یک ربع رطلی  
 و بکند از آن یکشبا نروزی پس آنرا بمالایند و اضافه آن نمایند از غسل مد بر من کورد و طل و در نسخه دیگر رطل است  
 پس بیزند با آتش ملایم تا بقوام آید پس این دوا چهارم است و خاصیت آن تقویت سینه و دماغ است و از برای آلات جن  
 و ریه بسبب آنچه و دیعت کاشته در آن الله تع از خواص \* دوا پنجم نسخه آن باید که گرفته شود اسطوخودوس نیم  
 رطل زرشک منقنی مثل آن نقاح از خرسه اوقیه و مجموع را در در و زده رطل آب بخیسانند و اضافه آن نمایند انیسون سه  
 اوقیه و بکند از آن یکشبا نروزی پس بجوشانند با آتش ملایم تا نصف آب برود و بمالت و بمالایند و اضافه صافی آن  
 نمایند از غسل مد بر من کورچه رطل و بقوام آوردن تا غلیظ شود پس این دوا پنجم است و خاصیت آن اخراج  
 سود و بلغم است بماء ارا و نفع از برای مالبخولیا با صلاح معده و تقویت سینه و نفس و ریح باموشانی حقیقی نفع و نقد من \*  
 در ای ششم نسخه آن باید که گرفته شود ببرکت الله تع از لعاب بز و قطونا نیم رطل و از لعاب حب سقر جل نیم رطل و از  
 کتیرا در اوقیه و صمغ عربی سه اوقیه صمغ را در کلاب حل کرده پس اضافه مجموع نمایند از غسل مد بر من کورچه  
 رطل بقوام آوردن تا غلیظ شود پس این دوا ششم است و خاصیت این تلپین صاف است و نفع از برای داء المریه  
 و اصلاح آلات نفس تمام آنها با اسکان نصف و نفع از برای سحج و تغریبه امعاء \* دوا هفتم نسخه آن باید که گرفته  
 شود از سنبل هندی یک اوقیه و از ارچینی و قرفه و کبابه چینی سه اوقیه از هر یک ثلث مساوی و از زرد و زرد طویلی

وزیراوند مد حرج از هر يك نصف اوقیه سیطربین پس مجموع را نیمکوفته در پنج رطل آب عذب بخیسانند و بکندارند تا قوت این ادویه بآب باز داده شود پس بمالند و بفشارند و بیالایند و اضافه صافی آن نمایند و از غسل مد بر من کور سه رطل بقوام آورند با تش ملایم تا غلیظ شود و این دواى هفتم است و خاصیت آن کرم کردن معد است و طرد ریاح باذن الله تع \* دواى هشتم نسخه آن با یک که گرفته شود ریوند چینی سه اوقیه و درون چینی یک اوقیه و لك منقی مغسول يك اوقیه و از اصناف ثلثه صندل یعنی ابیض و احمر و اصفر يك و نیم اوقیه و اثلثا یعنی هر يك نیم اوقیه مجموع را نیمکوفته بر اینها آب عذب ده رطل ریخته و بخیسانند در آن تا آب استفاده قوت آنها را نماید پس مجموع را مالید و مالیدنی یلیخ پس بیالایند و اضافه صافی آن نمایند از غسل مد بر من کور سه رطل و با تش ملایم بپزند تا غلیظ شود پس این دواى هشتم است و خاصیت آن اصلاح کبد و قلب و تقویت اعضاء باطنیه تمام آنها است پس باید که جمع کرده شود میان هر هشت دواى مذکور و اضافه آن نماید مثل وزن مجموع آنها تمر مندی منقی از استه و لیف کوبیده و بحد یک گرم مثل مغز شود و اگر ممکن نباشد این بسبب سختی تمر پس باید که تمر را با آب بخیسانند و اخراج قوت آنرا نموده و همچنانکه بجا آورده میشود بپا قی آنچه ذکر کرده شد پس مجموع را در تغاری جمع کرده و کلاب بروی آن کرده و دست ارشش رطل مجموع را به هم و آهستکی طبع نمایند تا توهم این بهم رسد که **بقوام لا تق آمده و ترب** بانعقاد او را حاصل شد و پس از آنش فرود آورده بکندارند که حرارت آن شکسته فا ترکردد پس چون فائز شود بگیرند از برای آن يك اوقیه روغن بلسان و بکندارند در آن عنبر و شهاب سه درم و داخل کنند در آن مشک از فرطیب چهار درم اضافه نمایند معجون مرکب از معجون نمایند پس اضافه نمایند بآن مر و ارید ناهفته نیم اوقیه یا قوت سرخ و زرد و ازرق صلایه کرده شش درم اثلثا زمره سه درم و زرق ذهب محلول هشت درم و مجموع را نیکو بر هم زنند بمسواط صندل و در ظرف ذهبی که بعود مندی تبخیر کرده خوشبو نموده باشند شبها در زیر آسمان کد ارند که فرود آید بسوی آن قوتهای ستارگان و روحانیه يك هفته و باید که در فرد ستارگان نکند ارند شبی که بوده باشد قمر در آن شب منحوس یا رفته باشد نور آن یا بوده باشد تحت الشعاع پس هرگاه کرد بد کامل و حاصل شد آنرا قوت روحانیه و این صفت پس بتحقیق که بتورسید و کنجی از کنجهای دنیا پس بگیر از آن بر طعام و مثقال و ناشتا و مثقال پس بد رستیکه این دوا نهایت است منتهای نهایت و نفع از برای اذ هاب سودا و هضم طعام و تعدیل مزاج و تلطیف کیموس و ساکن کردن انیدن صدا ع و جلاى بصر و تصفیة صوت و تسکین جمیع آلام ظاهره و باطنه و تفتیح سده و در کردن ریاح و دفع صفرا و بلغم و تسخین هرد و کرده و در کردن بواسیر و منع تعفین و اخراج اثقال و در اربول و در کردن سرفه و سخت کردن اعصاب و نفع از برای خفقان از هر سببی که باشد و بر هر وجه که بوده باشد و از برای تفریح قلب و تولید سرور و غیر اینها اگر چه موجب طول کلام است و موجب بسیاری شرح آن میشود و مرا این دوا را است خاصیتی شاذ در تولید عقل و نمود ماغ است و الله اعلم \* دواى اطوار طیس نافع است از برای رمد عتیق و جرب چشم و از برای کوشی که سیلان کند از آن قیح و قروحي که دشوار باشد اندام آن و از برای اكله دهان \* صنعت آن نحاس محرق و مثقال فلغل سه مثقال مرکبی صافی يك مثقال زاج محرق و مثقال زعفران نیم مثقال شراب نه اوقیه عقیق عنب چهار اوقیه و نیم ادویه را کوفته بپخته بوسنگ صلایه انداخته سحق نمایند و در وقت سحق شراب بر آن بمالند پس چون خشك شود شراب عقیق عنب را در آن داخل کرده بآن سحق نمایند پس در ظرف مس کرده با تش بپزند تا چون غسل سطر شود و در ظرف مس نکندارند \* دواى نافع جهت ام الصبیان و مرضیکه در پهلوی اطفال میشود و اهل هند او را دبه نامند \* صنعت آن نانخواه ده دانه قرنفل نیم دانه و ج ترکی عقل که در زهره کور

بهم می رسد که بهنگامی که و در وین کوبنک فضل کنجشک ادراج که دانه ایست که هنوز آن را سوراخ کرده در کوبدن می اندازند و تسبیح می سازند سوهن بنده از هر یک مقل اریک حبه بیر بهوتی ربع دانه کرم کوچکی که در میان خاک رو به می باشد که بهنگامی که بوی سوره نیز کوبن یکدل د اجزا را با شیر مرصعه طفل ساقیده اگر شیر خواره باشد والا با شیر بزرگرم نموده بخورانیل و قند روی بر پهلوی آن بمالند و اگر از خورانیل یک دفعه تخفیف یافت دفعه دیگر نیز بخورانیل چنانچه شبانه نوزی و دفعه دواء الحارمل نافع است از برای اوجاع حلق و اورام و خناق و اوجاع مافوق شراسیف و ورم سینه و شش که از رطوبات باشد و صاحب ذخیره دواء الحارمل را در علاج خناق سوداوی آورد \* صنعت آن بزوال الحارمل تخم ترب حلتیت مرکی صافی بوره ارمنی نوشا در مساوی کوفته بپخته استعمال نمایند و در وقت حاجت در خناق و اورام حلق بلغمی بغزغره نمودن مقل اریک درم ازان که در ماء العسل یا طبیخ غنچه کل سرخ و عدس و اصل السوس و در اوجاع مافوق شراسیف و ورم سینه و شش از رطوبات بطلا نمودن آن برین اعضا با آنچه مناسب است آن مرض باشد \* دواء الحلتیت از تواریک جالینوس است نافذ حمیات بلغمی و سوداوی را بعد از نضج نافع است و قومی را عقید ه آن است که پس از روزی حمیات سوداوی نکلد استعمال این دوا نماید کرد و نیز و نافع است از برای ضرر کردن جانورانی سمی خصوصاً عقوب و غیره مانند این و در دق و لنگ را مفید است و باد های مخالف و اوجاع ظهر و جنب و سرفه بلغمی و ضیق النفس و مقل و سینه را نافع است و بعضی گفته اند که این دوا با شراب معادل است با نریاق فاروق و استعمال کرده میشود در تپها یا سکنجبین و از جهت کوبن جانوران با شراب و از برای ازاله ربو و سعال بلغمی مزمن و عسر النفس و از برای تفتیت حصاة کلیه و مثانه بآب کونس شیخ داود گفته اند من تجربی کرده ام این دوا را نافع است از برای بیهوشی از یاس ازان و در قطع آنچه سیلان کند از قصب و از برای قروح اعضای منی و از برای مفصل و عرق النساء و از برای بیرون آمدن مقل و استرخای آن خواه بخورند یا طلا کنند و مد و حیض است و نافع است از برای فالج و اهل هند و همیشه را رغبتی تمام است با استعمال این دوا و مزاجش گرم و خشک است و در بجهت ناله تجتیشوع گفته که این دوا مضر است بکلیه و مصالح آن کشور است و شربتی از آن بکم ثقل \* صنعت آن به نسخه شریف بن قریه مرکی صافی برک سداب قسط تلخ بود نه فلغل عاقر قرحا قرد ما نازراوند طویل اجزا مساوی حلتیت مثل مجموع ادویه کوفته بپخته بعمل مصفی سه وزن ادویه بسروشند و در ظرف گشتی نکلان ازین شربتی نیم درم بهر نوبتی بکار یارند و قوت این تا سه سال میماند و در نسخه فلاسی درین دواء الحلتیت زراوند داخل اند ارد و مقل از حلتیت ربع مجموع ادویه است و گفته که شربتی ازین دوا مقل اریک بند که است تابک جوز \* صنعت آن دواء الحلتیت به نسخه شریف بن قریه حلتیت فلغل سیاه مرصافی برک سداب اجزا مساوی کوفته بپخته بعمل مصفی بسروشند شربتی یک درم و در اندع حلتیت سمی با شراب و در حمیات پیش از وقت نوبت یک ساعت و بعضی گفته که شربتی از آن مقل اریک جوز است و در نسخه شریف داود بر اجزاء نسخه شریف رئیس کل مختوم و سعل کوفی و حب الغار و جنطیان از هر یک نصف جوی میزود و است و فلاسی این نسخه را باسم معجون حلتیت ذکر کرده و نسخه آن موافق دواء الحلتیت به نسخه شریف رئیس است الا آنکه فلغل داخل اند و گفته که شربتی ازین معجون یک درم است و در اندع عقرب با شراب و در حمیات پیش از وقت نوبت یک ساعت با سکنجبین \* دواء الحلتیت که سید اسمعیل در ذخیره در نسخه الصوت بلغمی ذکر کرده \* صنعت آن حلتیت خردل زعفران اجزا مساوی کوفته بپخته بعمل مصفی سه وزن ادویه بسروشند شربتی بقدر بند که باب کرم استعمال نماید \* دواء الخطاطب کبیر نافع از برای اوجاع حلق و اورام آن و از برای خناق و اوجاع مافوق شراسیف و ورم سینه و شش که از رطوبات

باشد \* صنعت آن به نسخه شیخ رئیس انیسون تخم کرفس نانخو و افق اذ خراصل هوسن آسمانچونی دارچینی حماما  
 زراوند طویل شب یمانی بزرحمل مرکی صافی اصل السوس سلیخته سیاه زعفران ازهر یک یک اوقیه اقراص اقرقومعما زرورد  
 غنچه کل سرخ ازهر یک دو اوقیه قسط تلخ رماد خطاطیف تازه ازهر یک سه اوقیه نشاسته کندم سنبل الطیب ازهر یک نیم  
 اوقیه مازومتوسط العقل ارهشت عد داویه را کوفته بپخته بعسل مصفی سرشته نگاه دارند در وقت حاجت مقل از  
 عصفه ازان در ماء العسل یا ماء الشعیر یا بطبیخ کل سرخ و عدس و اصل السوس حل کرده غرغره نمایند و استعمال کنند  
 نیز بطل کردن سه چهار مرتبه در روزی و این نسخه نسخه صهاربخت است بعینه و نسخه شاپورین سهل نیز موافق است  
 الا آنکه نسخه شاپور حماما داخل نکند و نسخه صاحب ذخیره نیز موافق است با نسخه شیخ رئیس الا آنکه بجاء اصل السوس  
 رب السوس است و یک اوقیه دارفل در نسخه صاحب ذخیره داخل است \* صنعت آن اقراص اقرقومعما مستعمل درین دوا  
 زعفران دارچینی ازهر یک دو درم کل سرخ خشک حماما قسط ازهر یک یک درم مرکی صافی چهار درم اصل السوس ساذج  
 هندی ازهر یک دو درم و نیم کوفته بپخته بشراب سرشته اقراص سازند و در سایه خشک نمایند و نگاه دارند در  
 وقت حاجت بکار بندند \* دواء الخطاطیف صغیر که نافع است از برای آب دراء الخطاطیف کبیر \*  
 صنعت آن به نسخه سیل اسمعیل در ذخیره تخم کرفس انیسون نانخو و افق اذ خراصل هوسن آسمانچونی دارچینی مرکی صافی زراوند طویل از  
 هر یک یک اوقیه کل سرخ خشک دو اوقیه قسط تلخ رماد الخطاطیف ازهر یک سه اوقیه زعفران یک اوقیه نشاسته کندم  
 سنبل الطیب ازهر یک نیم اوقیه مازومتوسط العقل کوفته بپخته در میپختج حل کرده غرغره کنند \* دواء الخطاطیف اکبر  
 به نسخه یحیی بن عیسی بن جزله سود مند بود در کرده و خناق و اورام سینه و شش را که از طوبت باشد \* صنعت آن  
 انیسون نانخو و تخم کرفس از هر مرکی بیخ سوسن اسما نکونی اسپند سوختنی شب یمانی اصل السوس خراشیل و دارچینی  
 سیلانی مرکی صافی زراوند طویل ازهر یک یک اوقیه کل سرخ پاک کرده دو اوقیه قسط خاکستر خفاف ازهر یک  
 سه اوقیه زعفران یک اوقیه نشاسته سنبل الطیب ازهر یک یک اوقیه مازومتوسط العقل کوفته بپخته با سه وزن  
 ادویه عسل سفید مصفی معجون سازند و بوقت حاجت قدریک مازوبکار بندند و ماء العسل و ماء الشعیر در آب  
 مطبوخ عدس معشکل سرخ همین دوا را بر پر مرغ مالید و در کلوپلا کنند سه چهار بار در روزی و غرغره هم کنند درین آب  
 روزی دوسه مرتبه که با مو الله تعالی نافع است \* دوائی نافع جهت سرطان \* صنعت آن برک کنار را با دونهیم برک نیم  
 با آب ساپیل و بر موضع سرطان بکند \* دوائی نافع و مجرب است جهت قلاع دهان و جوششهای زبان که بهندی  
 چهار و نمانند \* صنعت آن زاج سفید هفت ماشه مردا سنک کات هندی ازهر یک دو ماشه طباشیر سفید سه ماشه اجزا  
 نرم سوخته قدری بر زبان بمالند و زبان را از دهان بر آورند آب و رطوبات لزج بسیار از آن دفع گردد پس دهن را بشویند  
 و قدری کات سفید را نرم سوخته بر آن بپاشند جهت تسکین سوزش و رفع بد مزگی آن در چند مرتبه که چنین کنند شفا یابند  
 بعون الله تع \* دوائی غیر معجون شیخ رئیس در قرا بادین قانن ذکر کرده و گفته که نافع است از برای ضعف کبد و رژی و  
 نفق اللم \* صنعت آن کلنا رافارسی دم الاخوین برک اصف شب یمانی اجزای مساوی کوفته با آب صلیه نمایند و یک  
 مثقال آنرا بعل از آنکه خشک کرده باشند با آب نیم گرم بنوشند و یا به بزند آنرا در آب پس بپا لایند و نیم گرم بنوشند پس  
 بد رستیکه بسیار نافع است \* دوا جهت تپهای مرکب که بلغم و سودا بران غالب باشد و تپهای بلغمی و سوداوی و استسقا  
 و سوء القنیه را نافع است \* صنعت آن قرص زرشک چار یک مثقال چند بید سترجد و ارخطائی ازهر یک نیم قیرا ط کوفته  
 بکلاب سرشته حب ساخته فرو برند و بعل ازان را زبانه انیسون ازهر یک یک مثقال عود هندی نیم درم آمله منقی یک

درم بکلاب بدست و پنج مثقال جو شائیکه و سنگنجبین و زورق معتدل پنج مثقال داخل کرده بنوشند \* دوا بجهت مرضه  
 که شیر آن کم باشد \* صنعت آن نمک سنگ زیره سفید بادیان مساوی گرفته بپخته بروغن کارورده به بزرگ و بخورند  
 شیر بیفزایند \* ایضا زیره سفید آرد برنج با شیر کارورده به بزرگ و هفت روز مداوم بخورند چندان شیر بیفزاید بحدی که  
 سه بچه را تواند شیر داد \* ایضا تخم مکها نابادیان کوبیده بر شیر کار و پاشیده چند روزه توالی بخورد شیر بسیار شود  
 و گفته اند که چون حیض خروکوش دشتی را زنیکه آبستن بود بخورد بداد یعنی در فرج خود در آن نوبت تولد کند \*  
 دوا نیکه و قنیکه زن از حیض پاک شود چها درم کز مازج را با شیر کار و بخورد هرگز حیض نبیند \* دوا نیکه برای زن مستحاضه  
 یعنی زنی را که دائم حیض روان باشد \* صنعت آن بیاورد بیخ سوسن و با شیر کار و بخورد نیکو شود \* دوا نیکه منع اسهال  
 چنین کند و قنیکه از رطوبت رحم باشد \* صنعت آن درونج عقری زرباد چند بیل ستر خلعت مشک تبیی دانه میل  
 مازوی سبز طباشیر سفید ازهر یک دو مثقال زنجبیل ده درم گرفته بپخته هر روز مقدار یک گرم با آب سرد بنوشند \* ادویه  
 صبیضه سوری که چون موی را بکوکرد بخور نموده بسرکه ملا کنند سفید گردانند \* ایضا سرکین خطاف ماس پوست ترب  
 خشک کرده بیخ راسن کولرد مجموع یا بعض ازان را بر موی که سرشته طلا کنند و بدستور سرکین خطاف با زهره کار موی  
 را سفید کند و بدستور صفی ع را بروغن در شیشه کرده چهل روز در سرکین اسپ کند و آنرا استعمال نمایند و اگر موی را  
 با کلاب و کارورده بکوکرد مسخوق بیا لایند و بد و کوکرد بد آن بعد ازان چند ساعت بسرکه شسته با زاده عمل کنند  
 در چند روز موی را سفید کند \* دوا دیگر که از سراسر عجبیه است چه ضاماد آن موی را سفید میکند و چون با نوبت  
 بشویند باز سیاه میشود \* طلق محلول را با آب شکر سرشته طلا نمایند \* ادویه محموره که موی را سرخ گردانند \* صنعت آن  
 صلاء الحیدر را با آب زاج چون طلا کنند موی را رنگ مثل حنا دهد و بدستور موصاف شوره یا لوسیه با آب خمیر کورد پاک  
 شما نوزده بیل و بدستور زرد چوبه را د و اوقیه با سه اوقیه ترمس و نیم رطل مازود و اوقیه سماق در آب خیسانند  
 تا ده روز برهم زنند پس با آب ارمود را ترکند و چون خشک شد دیگران نمایند تا ده یا نوزده مرتبه آنکه با آب صابون  
 بشویند \* ادویه که موی را بر ویند \* صنعت آن شونیز را سوخته با آب طلا کنند و بدستور صفا دغیر سور و با و با لختاصیت  
 عجیب الفعل است و بدستور سر مکس و نیم سوخته پو کلاغ سیاه و نیم سوخته سم الاغ مفرد و سه و عا با روغن زیتون  
 استعمال نمایند و مؤلف حاوی کبیر و حل اق اطباء معتقد مین را اعتقاد آن است که چون کدس را با روغن تخم  
 مرغ ضاماد نمایند موی میر و یا ند حتی در پشت دست و بدستور چون ده عد دگردان را با پوست و دانه خرمای یک مثقال  
 بسوزانند به مرتبه که توان سائید نه آنکه بسیار بسوزد و با روغن زیتون و یا کل سرخ و یا نوزده عد د داخل نمایند و در  
 رو یا نین موی پر و غیره عدیلند و بدستور با دام تلخ و قند را در قنیه بسوزانند و با روغن زیتون استعمال نمایند  
 و در باب ضامادات بعضی از ادویه مجرب درین باب مذکور خواهد شد انشاء الله تع و هرگاه از مالیدن ادویه جراحت  
 و آبله حادث شود به هم اسفیداج و موم روغنهای معالجه کنند و بدستور چون بودی ارمی و نوشا دریا سوزانند و با سرکه  
 که نه طلا کنند در سه روز بشرط تکرار در هر سه ساعت یکبار موی میر و یا ند و آزموده است \* ادویه که منع ریش موی کند  
 از آنچه این نسخه آزموده است موافق جامع مختار و غیر آن \* صنعت آن لادن سه جز و مازود یک عد د صاف یک  
 جز و مصطکی یک جز و قردمانا دو جز و با روغن کل سرخ ضاماد نمایند \* ادویه دیگره و افق مختار و زنجبیرات است و  
 مانع ریشتن موی و باعث روئیدن نیز میگردد \* صنعت آن آمله برک شافوق بوک مورد پوسجا و شان سفید الطایب  
 بوک سور پوست گردان تر تخم چغندر تخم کرفس مرکی صاف با لوسیه ازهر یک دو درم خاکستر و شافوق با قنیه معطانی را

دانه خرما سوخته از هر یک یک گرم با یک رطل روغن خیمو و مثال آن در سه رطل آب بجوشانند تا آب سوخته روغن  
 بماند پس صاف نموده چهار مثقال لادن دروخل کنند و استعمال نمایند \* دوائی دیگر که بغایت قوی است جهت دراز  
 کردن موی و سیاه نمودن آن و منع تشعق و ساقط شدن بسیار مؤثر است \* صنعت آن آمله سی عسل دما زوده عسل دپوست  
 هلیله ده جز و تخم مودده جز و در هشت رطل شراب بعد از نیم کوب کردن و خیسایندن بجوشانند تا سه رطل رسد پس  
 او را صاف نموده بر روی این ادویه بریزند برک مودده جز و تخم چغندر و جز و حناده جز و پرسیاوشان ده جز و سعد پنج  
 جز و کندر پنج جز و تخم کتان ده جز و بوداده پس سه شنبه نر و زکند ارنک و بعد از آن بجوشانند تا ثلث بسوزد آنکا صاف  
 نموده با صمغ مثقال روغن کنجد با تش ملایم بجوشانند تا روغن بماند \* نسخه دیگر که موی را بر روی اند و دراز کنند و از ریختن  
 نکاهل ارد \* صنعت آن بطون ارنک قضیبک و نر خشک کرده هر دو را بسوزانند سه سوخته الاغ شاخک و میش محرق بالسویه  
 با پیله خرس صما دنمایند و اگر پیله خرس بهم نرسد با روغن کنجد استعمال نمایند و هرگاه مجموع اجزا معتدل باشد بعض  
 نیز کافی است \* ادویه که منع روئیدن موی کند از آن جمله طلا کردن پنبه تازه افعی است که تخلف نمیکند و بدستور ما لبل  
 مغز سرکوسغند و آهک موی را ساقط میکنند و دیگر نمیر و یاند و بدستور اگر موی را قلع کرده بمانند و طلا کردن تخم مورچه  
 و بزرا لبنج و بزرقطونا و شب یمانی و افیون با سرکه مصعد بعد از زکندن موی و بدستور از یعل فتف موی آهک و در سرکه  
 طبع نموده بمانند و بدستور خون سنگ پشت و قلدید و زاغ و خون زلوی که در ظرف قلعی خشک نموده باشند و همچنین چون  
 زبل البحر را با ترشی ترنج بعد از قلع موی بمانند و نوشا در محلول بزهره کا و و برک توت خشک با خون و طوطا بغایت مؤثر  
 است و خون خفاش و مغز سر و جگر و آ زوده است و قلدما تصریح کرده اند که چند مسحوق با عسل در منع روئیدن موی  
 بعد از قلع آن مجرب است و چون صمغ عربی را با روغن زیتون بعد از قلع موی بمانند اصلا موی نروید و مجرب دانسته اند  
 و اما آنچه موی را مجع و پیچید کند صما د برک چغندر با ما زواست و بدستور آب حلبه و بزرا لبنج و مرداسنگ و سدر  
 و آهک را همین اثراست و بدستور عصاره و کرمازج و برک سر و حباب او و مرداسنگ و کثیرا و آمله و کل سرخ و آهک آب  
 ندیده از هر یک نیم جزو با آب برک چغندر استعمال نمایند اما آنچه جعودت و پیچیدگی موی را زایل کند تن هین او است  
 و روغن بنفشه و روغن کنجد مزوج با آب شستن آن بلعاب و طبیح برک کنجد و طبیح ریشه توت سیاه و سفید \* ادویه که  
 موی را بستر و بعضی از آن در باب ادهان مذکور است و این دوا قوی الاثراست \* صنعت آن آهک تازه در شش مثل آن  
 آب تا سه روز گذاشته صاف نموده و تجلید آهک سه بار کنند پس در آب صاف کرده بقدر ثلث آن آهک زرنیخ اضافه نموده در  
 آفتاب کاندازند تا بحد یکه چون پورغ باورسد بستر و پس استعمال نمایند و هرگاه بکند از آن تا منعقد و خشک گردد و در حین  
 احتیاج قلدی از آن را در آب و مثال آن مانند آب برنج و شیر و آرد جو حل نموده طلا کنند و هرگاه خواهند موی را رقیق کنند  
 از نوره خاکستر چوب رز سازند و چون صبرا اضافه کنند باعث سرعت فعل آن میگردد و چون خواهند که بد بوی آن کم شود زعفران  
 و سعد مخلوط نمایند و جهت رفع بد بوی بعد از تنویر با لخاصیه برک شفتالو عجیب الاثراست و بدستور کل خوشبو و برک  
 زرد و شاه سفرم مسحوق و حنا و کل سرخ و سعد و ذخرموثر است و چون یک کف بید را کوبید و داخل نوره کنند منع  
 بردن موی مینماید \* دوائی نافع جهت اكله و قروح خبیثه و چون فتیله نموده در مجرای بول کاندازند سوزاک و قرحه  
 مثانه و مجرای بول را زایل کند \* صنعت آن صبر زرد نیم مثقال توتیا کرمانی مغسول یک مثقال و دودانک و سفید آب  
 قلعی یک مثقال کلنا را رسمی کل ارمی توتیا هندی سوخته پوست کدوی سوخته کند از هر یک نیم مثقال کوفته بحریر  
 سوخته استعمال نمایند و اگر از برای سوزاک خواهند یکد آنک افیون اضافه نمایند و با سفید تخم مرغ خمیر کرده و فتیله

سازند و اگر آله در حلق باشد دویه را سوده در نی کرده در حلق نفوخ کنند و غرغره با آب بارنگ قبل از آن نمایند و اگر تلخی صبر  
 آزادند صبردا خل نکنند و آب دهان را بینند از آن \* دواء لنا را لافرنجیه یعنی آتشک را مفید است \* صنعت آن طفل سوده  
 ده درم مرد استک یکم رم عروق الصباغین یکم رم اجزای کوفته بپخته بعسل مصفی معقم سه وزن ادویه سرشته معجون سازند  
 و دوا ده حبب بشارت و یک حبب را بینند از آن و یازده حبب را روزی یک حبب بیا شامند و اگر فائده حاصل نشود در رجه دیگر  
 میل نمایند \* دواء نافع برای بهی و برص و قوبا و خیلان و امثال آن \* صنعت آن بگیرند و دانی که بهندی آنرا با بیجی کوبند  
 یک استارطین مغرور ربع استار و هردو را با آب معصور زنجبیل ترکیب آنرا بهندی ادرک نامند و کور کرد زرد صافی که بهندی  
 آمله ساز کوبند یک توله دوز و زسحق بلیغ نمایند و خوب بسته در سایه خشک نمایند و عند الحاجة با آب مسطر سائید و طلا  
 کنند و مکرر نمایند باذن الله تعالی حاصل است و اگر علت قوی و فصل زمستان باشد پس سزاوار آن است که هفت روز هر روز  
 ده دانگ از بیجی را خرد و بپزند و اگر خاک کثیف شود در موی سر سفید سزاوار آن است که بکوبند با بیجی را بسیار نرم و حل نمایند  
 بر روغن یا سیمن که بهندی چنبیلی کوبند یا بروغن رای بیل چرب نمایند با آن سوز \* دوا نافع جهت کپه ارمی  
 که همراه اول حدوت آن نفع بخش و بسیا را تغاق افتاد که در اوائل حدوت در یک هفته به شد و از خواص این در  
 این است که بعد از حصول عافیت اثری و دانی از جراحت باقی نماند و در آخر آزارد بر ترسعت حاصل میشود  
 کما باشد که تا بیست روز ممتد شود \* صنعت آن بول ابل را بقل رجاحت در ظرف مس تازه قلعی کرده که رطوبت و  
 کثافتی نداشته باشد نموده بر آتش بسیمای ملایم مانند چراغ بجوشانند تا بنصف رسد و پس از آنش برداشته در  
 ظرف زجاجی غلیظ نمایند و بکار برون و اگر خواهند اقلیمیای قوی پنج مثقال سفید آب قلعی و در مثقال و دوی اول را  
 که بول ابل مطبوخ است یکصد گرم در یک تازه قلعی بجوشانند تا بنصف رسد و دوی دوم را نیم سائید و دوی  
 سیوم را با آب برگ کشنیز تازه نرم صلا به نموده همه اجزای یک یک بکوبه و زوج کرده در ظرف زجاجی مضبوط نامند  
 نهایت بتجربه رسید که حاجت با جزای دیگر نیست و اگر دوی اول را بکفایتی که مذکور شد بجوشانند و استعمال  
 نمایند نافع و قوی است و طریقه استعمال آنکه فاد زهر معدنی را با آب کشنیز تازه سائید و بکوبه طلا نمایند و یکشنبه  
 روز یکل از آن و روز دیگر دوی مذکور را طلا نمایند و بکوبه سبزی مانند بکوبه استغناج یا عسقه و با آنکه تا زکی بوی آن کدوین  
 که چرک کند و شبان روزی در سه دفعه طلا را بنجید نمایند و طلای فاد زهر در همان دفعه اول ضرور است و در دوم و سوم  
 دیگر احتیاج نیست مگر آنکه رجوع و سوزش شد پس باید که طلای مذکور در هر سه دفعه که طلای اصل را استعمال نمایند  
 یکمرتبه استعمال کنند اگر دوی مذکور و ظرفی که هست خشک شود با آب کشنیز سبز آنرا نرم نمایند که معین بدست آید  
 که آب قراح در هیچ حال استعمال نمایند و اگر آثار غلبه دم ظهور داشته باشد فصل و با احتیاجت و با ارسال علق هر یک را  
 مناسب که دانند در بین بعمل آورند و این نسخه از اسرار مکتومه و ادویه مجرب است جناب نتیجه الا فاضل آقا  
 محمد صادق خلف علامه دهر شیخ محمد جعفر شیخ الاسلام سابق اسفهان بدان مطلع شد و خلق کثیری را بآن معالجه  
 نموده \* دوا نیکه قطع رعاف نمایند \* صنعت آن نشا شعله کل ارمی کوفته بپخته با سرکه همزج کرده و سوزانند و  
 یاها را در آب سرد بکند از آن و نیز نشا سسته و کچ را بر سوزانند و باها را در سماں پیچ نمایند و مسکن و ملین انسان و کثوفین  
 موی زریغل نیز مفید است \* دوا نیکه ناخوش آید خمر بوشارب آن \* صنعت آن نان کد م بقی خلص را در یک وعده  
 تریب کرده چهار روز یکل از آن و ناشتا بوشارب خمر بخوراند تا خوش و کوبه و منغص آید بر خمر \* و ایضا چوبین مقل  
 یک دانگ ذباب خشک در سایه و سحق نموده داخل شارب او نمایند و بخوراند و در منغص مقل از شارب \*



دوائیکه را نفع گریه دهان را زایل کرد و دل و خوشبو سازد \* بکیرند کشنیز خشک و سحر و زرباد و رازیانه و دارچینی  
هر یک اینها بتنهائی یا مجموع و بخارند نیکو و آب آنرا فرو بزنند \* دوائیکه بوی دهان خوش کرد و دل و بخار را زایل  
سازد و فی الحقیقه این حب النکله است \* صنعت آن بکیرند سلیخه دارچینی نارمشک هال نقاح اذخر بیخ سوسن  
آسمان چونی یعنی ابرسا کبابه چینی اشنه از هر یک یک گرم و بکوبند و بپزند و با کلاب بمرشند و محبوب سازند مانند فلغلی  
و ناشتا در زیر زبان بکند و آن را فرو بزنند \* دوائیکه بوی دهان را بسیار گریه کرد و دل بکند یک کسی نزد یک او  
نقوانک نشست \* صنعت آن بکیرند بیخ البیق قماء اللحم و تخم سرمق طالیسفر و نخود سیاه حب القطن زرباد استه سنجید  
چوب محروک یعنی بیخ انجیل ان بیخ نبق خشک که کنا راست از هر یک یک مثقال نرم کوفته بپخته با آب سرشته اقراص  
سازند و یک مثقال آن را در دهان نگاه دارند \* دوائیکه چون عاشق استعمال نماید دل او خوش شود و عشق  
از او زایل گردد \* صنعت آن باد رنجبویه گاوزبان مروارید ناسته ما میران مرما حوز مرزنجوش صعفر فارسی  
چوب نی بسله از هر یک یک مثقال نرم کوفته بپخته با آب سیب شامی سرشته ناشتا یک مثقال بخورند \* دوائیکه  
چون استعمال نماید کسی که در دل او عشق نباشد در دل او ایرات عشق و حزن می نماید و او را عاشق می  
سازد \* صنعت آن طالیسفرستان افروز زرباد نام بزرگشوت بهمن سرخ تخم فنجنگشت فرا سیون فارا دنیا قیصر  
کنس از هر یک یک مثقال نرم کوفته و بحریر بپخته با آب برگ خبازی تازه سرشته اقراص سازند و در سایه خشک  
نمایند و نیم مثقال آن را سائید و بنوشند \* دوائیکه چون استعمال نماید مرد نزد مجامعت زن نتواند صبر  
نماید بدون آن و خوش دارد معاودت آنرا \* صنعت آن سکبینج مقل البهود شب محرق شیخ محرق رازیانه  
محرق کعب خنزیر محرق از هر یک یک مثقال نرم کوفته با آب رازیانه نرم سرشته بنحویکه اندک رقیق باشد  
و با حلل بمالد و بکند ارد تا خشک شود و مجامعت نماید هر ماه یکمرتبه چنین کند و مالیدن شیرو زنجبیل مریانیز  
این اثر دارد \* دوائیکه چون زن استعمال نماید مرد از آن ناخوش گردد چه جای مجامعت \* صنعت آن اسفیل اج رصاص  
مامیران دندان تمر محرق یعنی پلند زهره خرس خشک فضل کبوتر اشنان سبز محرق مجموعی یا هر یک از این ادویه که  
خواهد نرم سوخته بخود بردارد \* دوائی نافع از بوی بوا سیرد امیه که از دانه های آن چرک جاری باشد \* صنعت آن لسان  
العصا فیوتلخ مرکبی از هر یک یک مثقال کوفته بپخته با دغ و بیبا شامند و غل نیز دروغ یا چلاوی نمک و بی روغن باشد و  
گوشت زنان بی نمک و روغن مضایقه نیست و زیاده و کم نمودن مقل ارد و امنوط برای طمیب است و اگر مرصص صغیر  
و یا ضعیف المزاج باشد بحسب آن وزن دوا را کم نمایند و اگر کبیر و قوی المزاج باشد وزن آن را زیاده نمایند یا زن الله  
تبع نافع است \* دواء الاسقیل و دواء المسیت و دواء المسکن و جمع اذن و دواء قرص انبر باربس و دواء الانزروت  
و دواء الانفحه و دواء المسباسه و دواء البصل و دواء البنفسج و دواء التریب و دواء الترنجبین و دواء التمر و دواء الجنطیانا  
و دواء الدارچینی و دواء الرمان و دواء الکرکرم و دواء الزیبق و دواء السنه و دواء السورنجان و دواء الفا و انیا و دواء القرطه و  
دواء القسط و دواء القنبیل و دواء الکادی الافرنجی و دواء الکبریت و دواء الکمون و دواء اللک و دواء المازریون هر یک در رسم  
خود مذکور شد و میشود انشاء الله تع \* **باب الدال مع الهاء \* فصل در بیان ادهان مفرده و مرکبه \***  
بدانکه شیخ دوا و انطاکی گفته که ادهان از تراکیب قلیحه است و بعضی گفته اند که ادهان از استخراج ابقراط است و دید  
شد آنچه دلالت دارد بر آنکه استخراج ادهان قبل از ابقراط بوده بصحت آنکه در جامع توکید آورده که فیثاغورس فرا گرفته  
از فستق روغن و بازو کنگک آمیخته با آن سعوط نموده و گاهی تل همین روغن فستقی می نمود در وقت ریاضت و بعضی گفته اند

که اول کسیکه استخراج دهن نمود و سقراط است میفرمایند که آنچه از بعضی اتحاد یک توضیح میپسوند آن است که استخراج ادهان قبل از بنها همه شد و چه سقراط و فیثاغورس و ایقراط از شاگردان بواسطه حضرت داور و سلیمان علی نبینا و هم میباشند و در حدیث است که حضرت ابراهیم علی نبینا عم چون بامر الهی حضرت اسمعیل عم و مادرش هاجر را نزد بیت الله الحرام آورد و هر دو را آنجا گذاشته خود بشام رفت و بعد از مدت مدیدی که حضرت اسمعیل عم زنی را به نکاح خود در آورده بود حضرت ابراهیم عم از برای زیارت بیت الله الحرام و دیدن فرزند خود بمکه آمد اتفاقاً در آنوقت حضرت اسمعیل عم بشکار رفته بود از زمین حرم بیرون حضرت ابراهیم عم از منکوحه آن پرسید که کجا است اسمعیل جواب داد که نمیدانم پس حضرت ابراهیم عم بمنکوحه می گفتند که هرگاه اسمعیل بیاید خواهی باو گفت که آستانه خانه تو کجاست آن را بدی خواهی کرد و خود مراجعت بشام نمودند چون حضرت اسمعیل عم مراجعت بخانه نمودند از زوجه خود پرسیدند که عجائب رانچه بشام من میرسد کسی اینجا آمد بود زوجه اش گفت مرد پیری آمد بود و سوال و وصیت به بدل کردن آستانه خانه را باوی گفت آنحضرت عم زوجه خود را مطلقه ساخت و اختیار زوجه دیگر نمود باز بعد از مدتی حضرت ابراهیم عم از ساره زن خود رخصت شد که بز زیارت بیت الله الحرام روند ساره رخصت داد بشرط آنکه در مکه از مرکب غرود نیابند و بمرکب زیارت کرده مراجعت نمایند چون آنحضرت بمکه معظمه رسیدند و همراهمجا آوردند و محل کرد بدی از منکوحه حضرت اسمعیل عم پرسیدند که کجا هست شوهر تو گفت بشکار رفته و نزد یک است آمدن می پس آنحضرت را تکلیف بغرود آمدن نمود گفتند که من رخصت کرده ام از مرکب پیاده نشوم پس زوجه حضرت اسمعیل عم رفته از کوهی که متصل بمکه معظمه است سنگی آورد و با ابراهیم عم گفت که یک پارا برین سنگ گذارند و یکی بمرکب باشد تا من موفی مبارک را شانه کنم پس رفته آمد را خمیر کرد و شانه و روغن خوشبو آورد و کیسور محاسن مبارک را شانه کرد و روغنی مالید پس رفته بزودی نان را پخته آورد از برای ضیافت آنحضرت پس آنحضرت نان را گرفتند و بمنکوحه حضرت اسمعیل عم گفتند که چون اسمعیل آید بگو که آستانه خانه تو خوب است محافظت آن نمائی و سنگی که آورده بود و حضرت ابراهیم عم پای مبارک بران نهادند اثر پای مبارک بران ماند و آنمقام ابراهیم است که زیارت کرده میشود و چون حضرت اسمعیل عم مراجعت نمودند زوجه ایشان آنچه گذاشته بود نقل کرد آنحضرت بزوجه خود گفتند او بدی ریزد کوار من است و پیغمبر عظیم الشان است و وصیت نموده مرا محافظت تو پس از آن زن جل حضرت سید ماحمد مصطفی صلعم متوال شدند پس از این حدیث رسید که رسم استخراج روغن مقدس از یقراط و فیثاغورس و سقراط است و بالجمله ادهان میباشند کثیر المنافع بعضی از آنها محال و بعضی جالی آثار و ملحم و بعضی مقوی اعضا و غیر اینها از خواص کثیره که به تفصیل هر یک در جاهای خود ذکر یافت و میباید انشاء الله تعالی و خواص آنها اقوی و النطف از اصل آنها است و آنچه جمعی از اطبا گفته اند که نیست ما را از معاجین چیزیکه زیاد کرد نفع آن چون زیاد ماند سوای ادهان و حد آن تا شصت سال است شاید این سخن کلبه نباشد بلکه مخصوص باشد به بعضی ادهان مانند دهن حب البیان و کفوری که غلاف شکوفه خرما است که دیوانه میکردند و ادهان را که از بنها ترتیب دهند ویر فامد و متکرج میکردند و اما ادهان بزرور حبوب و حبوب خود بزودی فاسد و متکرج میکردند و این خود ظاهر است \* اما دستور آنجا ادهان مفرد پس \* بد آنکه سزاوار آن است که آنچه بزرور است آنها را گویند و قدری آب کرم بران پاشید و بفشارند و شراب قوی تا دهن آن مستخرج کرد و ولیکن باید که بسیار نرم نگویند و بسیار آب هم بران نیاشند و آنچه از اوراق و اعصاب و ازها خشک باشد باید که پاک و صاف نموده پس یک شبانه روز در آب خالص بشویند آن بخیمه سازند پس با آتش ملایم بجوشانند تا بر ربع رسد ولیکن در حسن طبع احتیاطات

نمایند که بخار آن بیرون نرود و بعد سرد شدن و رفع انحراف سردی که باز کرده نیکو بهمانند و فشرده صافی کرده با هم وزن آب صافی کرده آن روغن کنجد تازه یا زیت یا هر روغنی که خواهد بود داخل کرده با آتش ملایم بجوشانند تا آب رفته روغن بماند لیکن احتیاط نمایند که نسوزد و رمقی مانند آن از آب در آن بهتر است از سوختن آن و آنچه از گلهای تازه و مانده آن گیرند بهتر است که کوبیده و آب آنرا گرفته با هم وزن آن روغن مناسب بدستور بجوشانند تا روغن بماند و یا آنکه گلهای را در روغن انداخته در آفتاب کن ارنده هفته یکمرتبه صاف نموده گلهای تازه نمایند تا سه هفته و هر چند زیاده تجید نماید اقوی میگردد و این را دهن خام مینامند و در خواص ضعیف تر از اول میباشد و طریق استخراج روغن کندم و نخود و اسپند و انجیر و امثال آنها آن است که خیسانید و در قرع معکوس استخراج نمایند و طریق استخراج دهن ماکنکی و امثال آن آنست که کوبیده و در یکی تا نصفه آب کرده پارچه کرباسی بر سر آن بسته آنرا بران بپاشند و بالای آن سرپوش کن ارنده و در زیر یک آتش کنند بعد از دوسه ساعت سرد یک را باز نموده آنرا با پارچه بغشانند تا دهن آن مستخرج گردد و روغن دیگر که در ستور رنگ و اهل صنعت بیشتر آنست که آنچه خواهد بود که دهن ازان داخل نمایند در شراب یا آب و اندک نمک یک شبانه روز خیسانید و پس بقوع و انبیق دهن ازان استخراج نموده پس مائیت را از دهن جدا نموده بکار میبرند و اگر خواهد بود ملوحت را نیز شسته آنرا جل امین نمایند و دستور اخل اکثر ادهان در ذیل ادویه مفرد و آنها با خواص و منافع ذکر یافت و میباید انشاء الله تعالی که روغن ازانها اخل مینمایند چید و تازه و خالص باشند و کهنه و فاسد و متکرج و مغشوش و مشوب نباشند و چون خواهد بود هائیکه سیاه رنگ بود و بوی بد و د و غیره داشته باشند سفید کنند آن است که حکیم میر محمد مؤمن رح در تحفه نوشته اند که بدستور سفید نمودن روغنهای بجهت طیب و نمود آنست که در هر طلی ازان روغن مثل آن آب و یک اوقیه مغز گردکان و نیم اوقیه نمک که با هم سائید و باشند اضافه نموده بجوشانند تا آب بنصفه رسد پس سرد کرده روغن را از آب جدا کنند و همچنین با زبجوشانند و صاف نمایند تا سفید گردد \*

### فصل در بیان نسخه ادهان مفرد \*

دهن الاقحوان از روغن بابونه کرم تراست و استخراج و قالج و لقوه را مفید و محلل اورام صلبه و مل و بول و حیض بود \* صنعت آن کل الاقحوان هر قدر که خواهد در شیشه کنند و بوزن آن روغن کنجد تازه بران ریزند و در آفتاب کن ارنده تا چهل روز و هفته یکمرتبه فشرده تجید بدکل نمایند و یا آنکه کوبیده آب آنرا گرفته بوزن آن روغن کنجد داخل کرده با آتش ملایم طبع دهند تا آب رفته روغن بماند لیکن ملاحظه نمایند که نسوزد و اگر کل تازه نباشد یک وزن خشک آنرا با پنج وزن آب یک شبانه روز بخیسانند پس با آتش ملایم طبع دهند تا ربع بماند پس مالیده صاف نموده بوزن آن روغن کنجد داخل کرده با آتش ملایم طبع دهند تا روغن بماند \* دهن زهر البابونج کرم و خشک و محلل بلا جالب اورام و ریاح باره و امراض باره را مفید و مسکن اوجاع و مجفف است \* صنعت آن بگیری کل بابونه تازه و بدستور دهن الاقحوان ترتیب دهند هر قسم که خواهد و در بعض افعال خام اقوی است و در بعض مطبوخ \* دهن البابونج صغیر به نسخه حکیم صالح خان خال مرحوم مغفور \* صنعت آن بگیری کل بابونه تازه سبز سه رطل و نرم بکوبند و در ده رطل آب بجوشانند تا در رطل بماند پس مالیده بغشانند و صافی نموده و شش رطل روغن کنجد تازه داخل نموده با آتش ملایم طبع دهند تا روغن بماند و از گیاه الاقحوان تازه سبز نیز بدین قسم ترتیب میدهند و اگر تازه نباشد از خشک بابونه یا اقحوان نیز ترتیب دهند \* دهن البابونج که بهندی بیکن کوبید و روغن آنرا بیکن کاتیل جهت رفع درد کوش و بواسیر بیعتیل است \* صنعت آن بگیری کل باد نجان زرد رسیده پخته زرد شد و در درخت و جوفش را خالی نموده روغن تخم کل و دران پر کرده و سوس را بسته بکل حکمت گرفته در تنور کرم یا فون یا اجاغ کرم بپزیرد و کستر پخته پس بر آورد \*

روغن را ازان استخراج نمایند و نیم کرم در گوش چکانند و چون اقماع و گلش را سودا اضافه نمایند جهت بواسیر و بیض بل  
است \* دهن البادنجان بنوعی یکر کوبند تد هین با آن برص را در مدت یکسال بر تنگ بدن میدارد و تألیل را محو  
است خصوصاً چون شب ثفل آنرا بران بندند و روزید آن تد هین نمایند \* صنعت آن بکیرند بادنجان را و بکوبند و آب آنرا  
فشرده با وزن آن روغن کنجد با آتش ملایم یا در قل و مضاعف طبخ دهند تا روغن بماند و اگر بجای روغن زیت روغن  
بزرگتان کنند جهت شقاق و ورم صلب و دفع فساد اطراف یعنی دست و پا که از بردن مارض شده باشد بغایت  
موثر است \* دهن الباشق جهت عرق النساء و مفاصل و اعیا و تعب نافع \* صنعت آن بکیرند باشق جوان که بفارسی باشد  
نامند و با پر و جمیع اجزا زنده در آب جوشان بیند ازند و بپزند تا مهورا شود پس صاف نموده با هم وزن آن روغن  
زیت با آتش ملایم بجوشانند تا روغن بماند پس بدان تد هین نمایند و این دهن نافع است فالج و لقوه استوخارا \*  
دهن البادروج که لغت نبطی است و عربی جرک و بفارسی ریجان کوهی و بهندی با بری و بلغتی ناسی جنگلی نامند کرم  
خشک و تندن و جالی و تد هین بدان جهت مواد یارده و تحلیل رطوبات و تقویت اعصاب و آشامیدن نیم اوقیه ازان  
با آب کرم جهت اخراج کرم معدا نافع \* صنعت آن بکیرند آب برگ تازه آن و هم وزن آن روغن زیتون بدستور  
موتب نمایند \* دهن بزر الحلبه کرم و خشک و تندن و محال و ملین صلابات و ملطاف و منضج د ببله جهت رفع الخالصة روی  
و موی قرحه رخساره و با موم جهت شقاق و با ادویه کلف جهت جلای بصر موثر \* صنعت آن بکیرند بزر آنرا هرقه که خواهند  
و جرکوب نموده با پنچ وزن آب با آتش ملایم طبخ دهند تا ربع رسد صاف نموده با هم وزن آن روغن کنجد موتب  
نمایند \* دهن بزر الخیار سرد و قراست جهت امراض حار و خشکی و ماغ نافع \* صنعت آن بکیرند بزر خیار و هرقه  
که خواهند و مقشر نموده کوفته اندک آب کرم بزان پاشیده فشار داده دهن ازان استخراج نمایند \* دهن بزر  
شلجم جهت دفع ریاح و رفع اعیا و تقویت آلات تناسل شربا و تندن هینا مفید \* صنعت آن مانند دهن بزر الحلبه است \*  
دهن بزر نکتان که بفارسی بزرک و بهندی السی نامند کرم و تر جهت قوبا و جراحات اعضاء ظاهری و باطنی و قروح  
امعا و تسکین اوجاع فواد تد هینا و حقنة مفید و چون با سرکه طبخ دهند جهت قولنج انسان و دواب نافع و مضغ  
پا و باصره و مصلحش سکنجبین است \* صنعت آن بکوبند آنرا و آب کرم بران پاشیده فشرده دهن را ازان اخذ نمایند \*  
دهن بزر الانجیر جهت تقویت باه و اوجاع مفاصل و عرق النساء و وجع و رک و نفوس بلغمی تد هینا و شراب نافع و کرم  
و خشک است در سیوم \* صنعت آن بکیرند تخم انجیر هرقه که خواهند و نیم کوفته در اندک آب خیسایند و در قروح  
مطمین بطریق تنکیمس مقطر نمایند و یا اندک نمک داخل کرده به قرح و انبیه مقطر نمایند پس ملوحت و ماثمت  
ازان جدا نمایند و بکار برند و این هود و قسم بسیار قوی است و یا آنکه کوبیده در پنچ وزن آب طبخ دهند تا ربع  
رسد پس مالیده صاف نموده با نیم وزن آن یا برابر روغن کنجد تازه بجوشانند تا روغن بماند \* دهن البهرا مع  
که خلاف بلخی و بفارسی بید مشک نامند سرد و تره مقوی قلب و دماغ و حار است و صاع کرم و امفیل \* صنعت آن مانند  
دهن بنفشه بادام است که با دام مقشر را با کل بید مشک مکرر برورد و کوبیده اندک آب کرم بران پاشیده فشرده  
استخراج نمایند و تازه بتازه این بسیار خوشبو است \* نوع دیگر بکیرند عطر صندل تازه را و در اندک روغن کاسه ناکه  
بماند زکاسه را بروی بید مشک معکوس بکند ازند بطوریکه دوده از چراغ میگیرند که قد و معده بید مشک در آن کاسه  
باشد و همچنین هور و زنجیل بد نمایند تا آنکه عطر صندل آلوده بماند روغن کاسه بروی بید مشک را خوب داخل نمایند و  
بسیار خوشبو گردد پس آن عطر را جمع نموده در شیشه محفوظ نگاه دارند و باز در اندک روغن کاسه عطر صندل بماند

و بدستور عمل نمایند تا قلد ری معتدل جمع گردد و اگر بسیار خواهند درگاهای معتدل نمایند و این فی الحقیقه عطر آن است و عند الحاجة استعمال نمایند و نیز از بادام پرورده در بید مشک نقل و لوز و با قلا مرتب مینمایند و از پسته پرورده بید مشک نیز بدستور **دهن ثمره التناج غلیظ و خوشبو و معتدل و مقوی بدن و جهت دراز کردن موی بغایت مفید** \* صنعت آن مانند بزر حله است \* **دهن الجوز** که عبارت از دهن مغز گردگان است کرم و خشک در دوزیم با رطوبت فضلیه جهت رفع تشنج بارد یا بس و قویای اطفال و غانغریا و نمله و التواء عصب و داء الثعلب و ورم پستان و تحلیل اورام و تسکین درد اعضا و اكله و نواصیر و تشنج امتلائی و اوجاع بارده و فالج و لقوه و رفع قمل و تدهینا و آشامیدن سه درهم آن تا یک هفته جهت درد و رک و امزجه بارده و سقوط آن جهت لقوه و رعشه و فالج و تشنج امتلائی و بدل آن دهن السداب است و بهترین مصححات بلاد راست \* صنعت آن مانند دهن بزر الحیا راست و دهن اللوز کوبند چون در فصل خزان مازر را در روغن زیتون بجوشانند بحدیکه سیاه گردد و صاف نموده در شیشه کرده پای درخت گردگان را حفر نموده ریشه قوی از ریشهای آن را برید و طرف متصل به درخت را در آن شیشه کنند بحدی که بنه شیشه نرسد و در روغن باشد پس اطراف دهن آن را خوب بپند نمایند و بخاک بپوشند و نگاه دارند تا زمانی که آن درخت بشمار آید پس شیشه را بر آورند در آن چیزی سیاه شبیه بمرکب خواهد بود و آن خصا بی بسیار نیکو است و مدتها اثر آن میماند و احتیاج بمالیدن بر مونیست بلکه محض ترک کردن شانه بدان و بر مو کشیدن سیاه میگرداند و چون قبل از بر آمدن مود و حمام بر آن نشیمن بمالند مانع روئیدن مو گردد و گوشتی مجرب دانسته \* **دهن حب البان** که بهندی بکاین نامند جالی و محال و جهت درد کوش و دهن وطنین و رفع تاگیل و شقاق مزمن که از سردی عارض شد و باشد و نرم کردن عصب و درد دندان و اوجاع بارده و فالج و امثال آن و تحلیل ورم جگر و سپر زوبان و سهر و با مصطکی جهت قی بلغمی و با عنبر جهت نزلات بارده و سردی دماغ و جرب و حكه و تقشیر جلد و قلع آثار قروح و آشامیدن يك مثقال آن با آب و غسل مهیج قی و مسهل و با آب و سرکه جهت تنقیه جگر و سپر زوبان و پنجد رم آن مسهل رطوبات رقیقه و مضر معده و مصلحش انیسون است و چون داخل طبوب کنند متکرج نمیشود \* صنعت آن مانند بزر الحیا راست \* **دهن حب الخروع** بفا رسی بید انجیر و بهندی دارند نامند مسهل بلغم و اخلاط غلیظه و فحجه نیه و اعصاب را از رطوبات پاک کند و تقویت بخشش شرابا با شیر تازه و رویشید یا ادویه مناسبه دیگر از مطبوخات و غیرها و مقلد ارشربت آن از یک رم تا چهار رم و تند هین بدن جهت امراض عصابی و دماغی و اوجاع مفاصل نافع و این کرم و خشک در سیوم است \* صنعت آن بکیرند تخم بید انجیر را اندک بریان نموده مقشر نمایند و کوبید و در آب طبخ دهند تا اینکه دهنیت آن تمام در آب آید و کف بر سواورد و آن کف را لحظه بلحظه برداشته در ظرف نگاه دارند تا دیگر کف نیاید و در پس آن کف را در قد رمضا عغ یا با تش بسیار ملایم بجوشانند تا مائیت آن رفته روغن بمالند که دهن این همان است و اگر در شیشه کرده در آفتاب گذارند تا آنکه مائیت و بوی آن زائل گردد بهتر است و حکیم میر محمد مؤمن فرموده که دهن آن کرم تر و لطیف تر است از زیتون و مقوی و دو مثقال آن جهت تسکین و جمع الغواذ بارده و باماء الاصول محلل بلغم لزج از اعضای بعید و شدید النفوذ و طلائی آن جهت تلین صلابات و تشنج و انضمام فم رحم و انقلاب آن و جرب متقروح و قروح رطبه سر و ورم معده و رفع آثار کبودی جلد و درد کوش و باز بید البحر جهت داء الثعلب و بآب کنند نا جهت براس بر شراب و طلاء و جوشانید و آن با سلح الحیه و خردل و تند هین با آن جهت داء الحیه و اقسام توبا و کز از و کف بی عدیل این ذکر یا گفته هرگاه در علتی روغن بید انجیر خوراندند بایده که بر تارک سر و روغن بنفشه با دام

بما لنک تا سورا ورا تود ارد و منع بخارات از آن نماید و بدل آن دهن الفجل است \* دهن حب الحجاب کزاز و فالج و  
 رعشه و اوجاع مفاصل و ضربه و سقطه و جبر کسر و ارام شرابا و تن هینا و طلاء مفید و کرم و خشک درد و بیم است \* صنعت آن  
 مانند حب الیان است و مرکب آن با سبک اب و مصطکی و قسط که بد ستور کوبید \* د آب شش وزن آن بخمیسانند پس  
 بجوشانند تا بر ربع رسد صاف نموده بوزن آن روغن کنجد تازه داخل نموده مرتب نمایند و بکار برند \* دهن الحمرمل  
 ثقل سامعه و دوی و طنین و تفتیح سده دماغی و فالج و لقوه و مصرع و رعشه و ریاح اعصاب و عرق النساء و درد کمر و برودت  
 کرده و سستی آلات تناسل و تحریک باه قطورا و شرابا و تن هینا و حقنه نافع و آن کرم در سیوم و درد و بیم خشک است \*  
 صنعت آن بکیرند بزر حمرمل هر قل رکه خواهند و بکوبند و با شش وزن آب بخمیسانند و با دوزن آن آب برگ ترب  
 بجوشانند تا بر ربع رسد ما لید صاف نموده با هموزن آن روغن کنجد تازه مرتب نمایند و اگر در قوع مطین بدین  
 قسم که اندک خمیسانید \* در قوع نموده بطریق تنکس مقطر نمایند میگردد اقوی \* دهن الحمص این دهن را از سورا و  
 حکتومه شمرده اند و در تقویت باه بی نظیر است در سوم کرم و خشک و تن و با قوت غذا و چون با غسل و ارماع جین  
 با هیه طبع دهند منافع آن را تحلید نتوان کرد و چون با شون نیز استخراج نمایند در جمیع اوجاع بارده و بنهایت مؤثر  
 و اخراج روغن آن با انواع است و بهترین آنها در قوع مطین بطریق تنکس است \* دهن الحنطه جهت قوی با خصوصاً  
 قوی با جین اطفال و غیر اطفال و سعه و حرار و کلف نافع \* صنعت آن مانند دهن الحمص است \* دهن الحنظل کرم  
 در چهارم و خشک در سیوم مسهل قوی و قطور آن جهت در کوش و مالیدن آن بردن آن جهت آسانی کردن آن  
 سعط آن مفتوح سده دماغی و طلای آن جهت رفع آثار برقان و نیکو کردن رنگ و خسار مفید \* صنعت آن بکیرند شکر هرقه و که  
 خواهند و با شش وزن آن آب بخمیسانند و بجوشانند تا بر ربع رسد ما لید صاف نموده با هموزن آن روغن زیتون مرتب  
 نمایند و در شیشه نکاهل اشته عین الحاحی بکار برند \* دهن الخراطین که در هندی کیچو نامند کرم در دهم و تر  
 در اول جهت اکثر امراض عصبانی و دماغی مانند فالج و لقوه و استخراج و ارجاع مفاصل و زرق و عرق النساء و قوس  
 و سستی آلات تناسل و ضعف باه طلاء و تن هینا و شرابا مفید \* صنعت آن بکیرند خراطین هر قل رکه خواهند و پاک  
 شسته در روغن کنجد تازه یا زیت دوزن آن انداخته با نش ملایم طبع دهند تا سوخته و سیاه گردد پس صاف  
 نموده بکار برند \* دهن الخراطین نوعی یکره که بواسیر را نافع است \* صنعت آن بکیرند پنجاه عدد خراطین را و  
 در روغن کنجد بد ستور در بیان نمایند پس صاف نموده روغن را با قوی موم خالص بکاف و درم دنباله با دانهان  
 نرم کوبید \* بد آن بیامیزند و بر مقع و طلا نمایند و جهت قطع خون آن با اندک ما زو کوبید \* استعمال نمایند \*  
 دهن الخراطین نوعی یکره از آن هر دو اقوی \* صنعت آن بکیرند خراطین را و پاک کرده و مقداری یکصد درم و در روغن  
 زیتون یکصد درم و شراب کشمش پنجاه مثقال بر آن ریخته در یک سبکی کرده و با نش ملایم بجوشانند تا شراب برود  
 و با اعتقاد اعی اگر بدل شراب عرق مخلصه یا عرق اذخر یا عرق با بونه کنند نافع است و از برای اوجاع مفاصل و  
 ضرب رسید و نیز مفید است بدین قسم که آن عضورا بدین روغن چرب نمایند و پوست بر که تازه کنند و باشند بر روغن  
 مذکور چرب کرده کوما کرم بر آن به بدنند و از هوا اجتناب نمایند و اگر این روغن را با روغن جوز یا روغن انیسون  
 هر یک دو مثقال مزوج کرده بما لنک نافع است \* دهن الخردل که بدین رانی نامند بغایت لطیف و سحر و طلای آن جهت  
 درد دندان و اختناق رحم و قهقهای مزمن و تحلیل ارام کوش و سائو ارام صلبه و تفتیح سده عصب و اسهال و فالج و سوراخ  
 درد زخم و بار و ثقل سامعه طلاء و شرابا و قطورا نافع و در سیوم کرم و خشک \* صنعت آن بکیرند تخم خردل هر قل رکه بخور دهند و

و بکوبند و آب کرم اندک بر آن بپاشند و فشرده دهن آنرا اخل نمایند \* دهن الخس جهت تطویب دماغ و تنویم ر  
ما لیخولیا و مصرع بیسی و تحلیل صلابات و منع مستی مغیله و بار در طب و مصلحت است \* صنعت آن ما نند دهن الحسك  
است \* و دهن بزران ازان اقوی \* و صنعت آن ما نند یزرا لخیار است \* دهن الخفاش عرق النساء و در مفاصل و فالج  
و اعشه و لقوه و درد که روزا نو و نقرس را بغایت نافع و قطور اندک آن در اخلیل کشا یند \* احتباس بول است کرم و خشک در  
سیوم و خشکی آن بر حرارت غالب \* صنعت آن بکیرند یک عد دغفاش بزرک فربه را و در روغن زنبق یا خیری بجوشانند  
تا مہر شود پس صاف نموده در شیشه نگاه دارند و عند الحاجة بکار برند \* دهن الخیری کرم خشک و بغایت محلل و  
مل رحیض و مخرج جنین و جهت تفتیح سد \* دماغی و وجع مفاصل و ورم رحم شرابا و قطور و اطلاق و حمل و مغیله و با  
عاقور و قرحا و تخم انجیر جهت تقویت با \* بر کمر مالیدن نافع \* صنعت آن آنست که کل آن را گرفته باروغن کنجد  
به ترتیب مل کورد در روغن با بونه مرتب نمایند \* دهن دارشیشعان کرم و خشک در آخرد ویم و سیمار و شو و خوردن  
نیم ارقیه ازان با شراب زردک یا میبه جهت تقویت فم معد و رفع اسهال و حقه آن با ادویه حابسه جهت دفع اسهال  
طوبی و طلای آن جهت نقرس و فالج و لقوه و شقیقه و سد \* دماغی و تقویت پردہای دماغ و سائر امراض دماغ و عصبانی  
و تحلیل او را و تقویت و تحریک با \* مغیله \* صنعت آن بکیرند شکوفه دارشیشعان را و با مغز بادام مقشرد و ستور و بنفشه  
با دام پیورده و روغن بکیرند \* دهن ال فلی که بغارسی خرزهره و بھند یکنیرند و منل کرم و خشک در آخر سیوم جهت فوطه که  
مقل مکچلی است و جرب و حکه و برص نافع و از مجربات شمرده اند و یکدھم آن کشنده است بخناق و مصلح آن عسل است \*  
صنعت آن بکیرند برک و کل آن را و کل نوع سفید آن اقوی از سرخ است و با آب پخته بد ستور روغن کنجد داخل کرده  
مرتب نمایند و یاد روغن کنجد انداخته در آفتاب گذارند تا چهل یوم \* دهن الرازقی کرم ترا از روغن زنبق و سوسن  
است درد اعصاب و استرخا نافع است \* صنعت آن آن است که بکیرند کل آن را در روغن در شیشه مکرر پیورده  
استعمال نمایند \* نوع دیگر آنکه کنجد مقشر سفید را در کل آن پیورده نمایند آن مقل ارکه رنگ کنجد سبز تیره  
کرد پس ازان دهن اخل نمایند و کوبند و رازی را بیل است و بھندی موی تیه نیز نامند \* دهن الرخمه منقول  
از ارسطاطالیس جل ام را نافع و مجرب است \* صنعت آن بکیرند رخمه که مردار خوار است و خفه کرده با آب به پزند  
تا مہر اگر د پس صاف نموده چهار قسط روغن زیتون بر آن ریخته با آتش ملایم بجوشانند تا روغن بمالد پس در  
شیشه نگاه دارند عند الحاجة بکار برند \* دهن الریحان فالج و لقوه و استرخا و تشنج امتلائی و ارجاع مفاصل  
و درد زانور نافع است \* صنعت آن بکیرند از آب برک تازه آن در جزو تا چهار جزو و با یک جزو روغن کنجد مرتب  
نمایند بدین نوع که اندک اندک برک ریخان را در روغن بریزند و طبع دهند تا تمام آب ریخان برود و روغن  
بماند و نسوزد و با آنکه برک آن را در آب بجوشانند تا قوت آن تمام در آب برآید پس بمالدند و بشارند و صاف کنند  
و با هم وزن آن روغن کنجد مرتب نمایند و با آنکه در روغن کنجد تازه اندازند و در آفتاب گذارند تا چهل روز  
و در بین سه مرتبه تجید نمایند \* دهن الزرنیخ جرب و قوبا و قروح خبیثه را طلاء مغیله و در نهایت کرمی و  
خشکی است \* صنعت آن زرنیخ زرد و رقی یک جزو و روغن کنجد تازه در یک سفالی بجوشانند بدین قسم که اول روغن  
را با آتش ملایم بجوشانند تا سرخ کرد پس زرنیخ را نرم سوده اندک اندک بر آن ریزند و با کفچه چوبی برهم  
زنند تا رنگ آن طاقوسی گردد و آتش در روغن درگیرد پس بزودی سردیک را بجوشند تا آتش خاموش گردد پس  
سر آن را باز نمایند تا با آتش در آن درگیرد و همچنین تا چهار مرتبه پس صاف نموده در شیشه نگاه دارند



و عند الحاجة بر جوب وقوبا و برص و بهق مالید ه آن عضو را ساعتی در آفتاب بد آرند پس بشویند و همچنین  
بد فعات چند مرتبه تازا نل کرد \* دهن الزیتیک درد ویم کرم و در اول خشک و ملطف و مقوی اعضا و پنجول رم آن  
مسهل خلط مواری و مدبول و تمرین بد آن جهت رفع قشعریره و سردی دماغ و اعصاب و اعضای تناسل نافع و  
بدل آن در همه افعال روغن ایرسا است و در غیر اسهال روغن نرکس \* صنعت آن مانند دهن و رد است که کل آن  
را تا چهل روز با روغن کنجد در آفتاب ترتیب دهند و تبدیل نمایند \* دهن الزیت که زیت عذب نیز نامند و بغاری  
روغن زیتون و آن روغن است که از زیتون رسیده گیرند مغشوش و غیر مغشوش میباید شد علامت غیر مغشوش آن  
آن است که سریع الانتشار بر سطح بدن باشد و اجزای آن از یکدیگر منقطع نکردد بخلاف مغشوش و این در ویم  
کرم و با بومست و قبض و قول بر طوبیت آن اصلی اند اردو مغسول آن در آب کرم که بگیرند زیت را با آب کرم بسیار و دریم زیت  
و صاف کنند و بکن آرند تا سرد گردد پس دهنیت را از آن جدا نمایند بی لذع و الطیف و چهارده مثقال آن با یکدرطل  
آب کرم و ماء الشعیر مسهل قوی جهت دردا اعضا و عرق النساء و با شراب و آب کرم جهت مغص و اخراج کرم معد و وقتی کردن  
بد آن جهت دفع سمیت ادویه و حقه بد آن جهت رفع قولنج و رمی و سردی و درد مفاصل و عرق النساء و دود کمر و با موهما جهت  
التیام و اصلاح زخمها و تد هین بدن جهت ارجاع باره و مغی و چون شش سال از ساختن آن بگذرد آفتاب زیت عذب  
نامند کرم تر از غیر عتیق آن مجلل و ملین طبع و بشوره و مصالح ادویه و مضاعف قوت آنها و مانع جمود اعضا و دفع ضرر سرما  
و اکتحال بدن مقوی بصر و رافع بیاض رقیق و جرب و سلاق و در نزل آب قائم مقام قدح و مالیدن کرم کرد ه آن مسکن الم  
عقرب کزیده و چون زیت تازه را بجوشانند تا به نصف رسد بدل عتیق میگرد و مقدار شربت از زیت تا هفت مثقال  
است و آنچه از هفت سال بگذرد بهتر از روغن بلسان دانسته اند و از اسرار عجیبه شمرده اند و آنچه از زیتون نارسیده  
گیرند زیت انفاق نامند معتدل و قابض و کوبند در آخر اول سرد و در اول خشک مسمن بدن و مدرو مغتت حصا و  
موافق معد و مقوی لثه و دندان و اعضا صاف کنند ه اخلاط و مفتوح سد و قاطع عفونت و مانع ادرا عرق و مغسول آن  
موافق درد اعصاب و مواد حاره و نیکو کنند ه رنگ رخسار است و کوبند چون بیست و دود ویم آنرا با مثل آن غسل و نالت آن  
کنند و روغن شونیز با الما صغه در حمام سه روز بیا شامند و در آن روز آب سرد بیا شامند از جمیع دود های باره و رخله و  
فالیه و امثال آنها نجات یابند و پیران صد ساله را باعث هجیان شهوت شود و مجرب دانسته اند \* و روغنی که از زیتون مدون  
گیرند مولد خلط فاسد و بسیار مخرو و مولد حكه و مصالح آن شربت بنفشه است \* و دهن زیتون بری قائم مقام روغن کل  
سرخ و رادع مبرد و مانع عرق حافظ سیاهی موی و انتشار آن و مقوی دندان متحرک و سیلان بطوبات لها و قاطع خون  
لثه است و جمعی مطلق روغن زیتون را در افعال مذکوره نافع میدانند و مخصوص بنوعی دهن نوعی دانسته اند \* و زیت  
و گابی زیت الانفاق است و اهل عراق آنرا زیت و گابی نامند جهت آنکه رکیبان شترها بر شترها حمل نموده از مصر می آورند و  
آنرا زیت فلسطین نیز گویند و غلط کرده شخصی که آنرا زیت مغسول دانسته \* صنعت آن بگیرند زیتون را و در آفتاب  
اندازند و با در تنور کرم نهند در ظرفی کرده تا آنکه برشمرده و نرم گردد پس کوبیده و بشود و روغن آنرا بگیرند و با آنکه در آب  
بجوشانند و مالیده صاف کرده و با زجوش دهند تا روغن بماند و ثقل آن را زیتار نامند \* دهن سام ابرص که وزغه و بغاری  
چنپاسه و بهندی و بهنگلی و بهنگلی نکتنکی نامند در سیوم کرم و خشک خنار بر و به تخمیل بود و بغایت مؤثر است و چون  
بر سر نلی و با بوداء الغلب مالند موی بر و باند \* صنعت آن سام ابرص سه عدد در نیم من روغن کنجد تازه و زیت و طبع  
نه سال تا مضر شود و مضحیل گردد پس نه مثقال خاکستر شاخ کاه و مواد در آن ریخته بر هم زده و چند جوش داد و فوری آورند \*

\* صنعت آن به نمحه دیگر آنکه بد آن قسم در روغن کنجد طبع نموده سه درم خاکستوسمک و ماده و از برای داء الثعلب لادن  
 در آن بکن ارنه و در شیشه نگاه دارند و عند الحاجة بکار برند \* دهن سداب برودت کرده و مثانه و رحم و استرخای اعضا و  
 درد کمر و اوجاع بارده و نفخ ها و ریج ها را نافع و سنگ کرده و مثانه بریزند و ادرار بول و حیض نمایند و ریشه و فالج و لرز در حمیات  
 را نافع و قولنج خلطی و ریجی و مغص را مفید شربا و حقنه در سیم کرم و خشک اگر از خشک آن اخذ نمایند و الا خشکی آن  
 کمتر \* صنعت آن بکیرند آب برک سداب تازه و باد و وزن آن روغن کنجد تازه یا زیت بد ستور طبع نمایند و اگر تازه نباشد  
 خشک آن یک جزو با چهار جزو آب خالص و ده جزو روغن زیت بد ستور متعارف مرتب نمایند \* دهن السرجین جهت  
 جرب و قوبا و اکثر جروح و قروح و شقاق بین انگشتان و پاشنه پا نافع \* صنعت آن بکیرند سرکین الاغ هر قدر که خواهند و کودی  
 در زمین کنده در آن پر کنند و یاد در ظرف کبی بزرگی کنند و بالای آن سینی مسی و یا ظرفیکه اطراف آن در سه انگشت بلند باشد  
 کل ارنه که کنارهای ظرف بالا باشد و در آن آب سرد کنند و بالای آن کودال یا ظرف سرکین کلا ارنه و در آن سرکین آنش کنند که  
 دود برآورد و مشتعل نکردد باید که فاصله میان ظرفی که در آب است و کودال بر سرکین سه چهار انگشت باشد تا دود در آن  
 محقق و خاموش نکردد و بعد از زمانیکه دود بسیار در رتبه سینی منجمد گردد یک برد ارنه و آنها را پاک کرده در ظرفی  
 نگاه دارند و با زمرته دیگر کل ارنه و بعد از جمع شدن گرفته در همان ظرف نگاه دارند و همچنین تا دودها تمام گردد  
 و بکار برند و دهن عبارت از همین دودهای مجتمع است و آن را بهندی چوه سرکین نیز نامند و از سرکین کار و فضله انسان  
 نیز بدین قسم روغن اخذ مینمایند و از فضله انسان بسیار قوی است و جهت تقویت باه و موی و اعصاب مسترخیه  
 نافع \* دهن السرنج جهت رویانیدن گوشت زخما و بردن گوشت زائد و مرده و تنقیه چرک آنها و تحلیل اورام و رفع بد بوئی  
 زخم و سوختگی آتش و سیلان خون طلاء و حقنه با آب برک باریتک جهت ترخه امعا مفید و آن سرد در اول دریم خشک  
 در آخر سیوم است \* صنعت آن بکیرند سرنج را و نرم سوده با روغن کل سرخ و زیتون چهار وزن آن مزوج نموده استعمال  
 نمایند \* دهن السرو جهت فتنق و التیام جراحت و تحلیل اورام و رافع اعیا و تقویت اعضا و معده و دراز کردن موی و حفظ آن  
 از سقوط و قطع نرف الدم مؤثر \* صنعت آن بکیرند برک و ثمر آن را و با آمله و سرکه و آب طبع نمایند تا مهرا شود صاف نموده با  
 وزن آن روغن کنجد بجوشانند تا روغن بماند ثقل آنرا بر موی ضامد نمایند و روغن آنرا بماند \* صنعت آن بنوع  
 دیگر بکیرند چوب آنرا هر قدر که خواهند و کوبید و در آب بجوشانند تا دهنیت و خامیت آن در آب باز داده شود پس  
 با نیم وزن آن روغن کنجد تازه با آتش ملایم بجوشانند تا روغن بماند و این در سواى تسوید موی بکار نیاید \* دهن  
 السعل جهت تقویت معده بارد شربا و تد هینا مفید خصوصا با مصطکی \* صنعت آن سعل کوفی یک اوقیه بکیرند و  
 جو کوب نموده میختم آنمقل ارکه او را بجوشد و روغن زیت یا کنجد نیم رطل بر آن ریزند و د و شبانروز در جای گرم و با  
 بخار کستر گرم نهند و مکرر برهم می زده باشند پس با آتش ملایم طبع دهند تا روغن بماند و این دهن درد و بیم کرم خشک  
 است \* دهن السلحفاة که بغارسی کشف و سنگ پشت و بهندی کچوه با کاف عجمی و خفای ها نامند شقاق دست و پا را  
 نافع و نقرس را مفید درد و بیم کرم و در اول تر و با پیله آن جهت تشنج و کزاز مفید \* صنعت آن بکیرند گوشت لاک پشت  
 یک رطل و با یک رطل روغن کنجد تازه بجوشانند با آتش ملایم چند آنکه مهرا شود پس صاف نموده در شیشه نگاه دارند  
 و عند الحاجة بکار برند و اگر قرقی آب جهت آنکه نسوزد داخل نمایند بهتر است \* دهن سلح الحیه درد و بیم کرم و در  
 سیوم خشک جهت جرب و دمه را استرخای جفن و سلاق و انتشار و تقویت با صره اکتحالا و طلاء و جهت درد گوش و  
 رفع سیلان مواد از آن قطورا و جهت شقاق مقعد طلاء مفید \* صنعت آن بکیرند سلح الحیه که پوست ما را ست و سالی

بکمرته می اندازد و در روغن کنجد جوش دهند و بکار برند \* دهن سنبل هندی که سنبل الطیب نامند و بهندی  
 چنما ماسی درد و بیم کرم و خشک و ملطف و محلل جمیع امراض بارده اعضا ظاهر و باطنی شربا و طلاء مفید و مقل  
 شربتش تا یک اوقیه است \* صنعت آن بکیرند یک وزن آنرا با چهار وزن آب یکش با نوزده بخیسانند پس با نش ملایم  
 جوش دهند تا بر بع رسد پس مالیده صاف نموده با هم وزن آن روغن کنجد تازه یا زیت یاروغن کل علی الروس مرطب  
 نمایند \* دهن السنبل روس که معروف بدهن الصوابی است کرم درد و بیم و خشک در سیوم جهت قویا و رفع آثار از جان  
 و التیام جراحت و تحلیل اورام مقعد و نوا صیرغاً و جرب کهنه بی عذیل است \* صنعت آن بکیرند سنبل روس را  
 و نرم سائیده با روغن زیتون یا روغن تخم کتان یک و نیم وزن آن با آتش ملایم تا مدتی طبع نمایند پس بکار برند و باید  
 که بوی آن به شام زنان حامل نرسد که مضروب باعث اسهال جنین است \* صنعت آن بنوعیکه معمول اهل هند است  
 آن است که سنبل روس را ریزه ریزه مانند دانه نخود و با طلا نموده در دیک سفالی خشک بر آتش بکند از دانه آنچه بوی  
 نقاشی است با یک و نیم وزن روغن بزرکتان خالص تازه مزوج نموده طبع نمایند و آنچه برای موم جامه است با  
 یک و نیم وزن آن از روغن مذکور نیز بخته ترتیب دهند ولیکن در طبع این آتش را باید که ملایم نمایند و احتیاطاً کنند  
 که آتش در آن درنگی ندارد ایم بچوبی برهم می زده باشند زیرا که با اندک بی احتیاطی آتش در میگیرد و طایم آنرا  
 اذیت میرساند اگر غافل باشد \* دهن الشاه سفرم فالج و لقوه و درد مفاصل و زانورامفید و در مفاصل و ساکنان  
 قریب بدهن الریحان است \* صنعت آن نیز چنان است \* دهن الشبیت ملطف و مسخن و محلل و جهت وجع مفاصل  
 و تهیج اطراف و وجع اعصاب و قشعریه و لرزد رحمیات و سستی اعضا که از برودت باشد و تحلیل ریح و تسکین اوجاع  
 بارده و تنویم شربا و طلاء نافع درد و بیم کرم و در اول خشک است \* صنعت آن بکیرند بزرگ و تخم شبت را در شیشه کسند و  
 روغن کنجد بر آن ریزند و بدستور روغن با بونه مرتب نمایند و با آنکه در آب جوشانده و بدستور مقل و دهن  
 الشرح جهت تقویت باد و مایوسین نافع \* صنعت آن بکیرند موی سر انسان هر قدر که خواهند و با صابون پاک بشویند  
 و در شیشه مطین کرده بطریق تنکیس مقل و نمایند و با بقرع و انبهق و بکار برند \* دهن الشقاقی تحلیل و شش و سینه  
 کنند \* موی کرم کنند \* مقله بارد طلاء و تل هینا و درد و بیم کرم و خشک است \* صنعت آن مایل کل با بونه است که با روغن  
 مورد ترتیب دهند \* صنعت آن بنوعی یکو بکیرند بزرگ کل شقاقی و خشک کرده و بکمرند و در یک اوقیه آن به وسطی روغن  
 مورد یا روغن حنار بخته در آفتاب کدایند تا چهل روز بکار برند \* دهن الشرح جهت تهیج اطراف و قشعریه و تسکین اوجاع  
 صنعت آن بکیرند بزرگ و اصل درق کرده آن را و در چهار وزن آن آب طبع نمایند تا بر بع رسد صاف نموده با هم وزن  
 آن روغن کنجد تازه یا زیت یاروغن کل علی الروس مرتب نمایند و این درد و بیم کرم و در اول روغن و در دهن تخم آن جهت  
 رفع اعصاب و تقویت آلات تناسل شربا و تل هینا مفید و حوالت این از آن زیاد است \* صنعت آن بکیرند  
 تخم آنرا هر قدر که خواهند و بکوبند و با شش وزن آن آب طبع دهند تا بر بع رسد و روغن کنجد تازه یا زیت یاروغن کل  
 کرده مرتب نمایند \* دهن الشرفی که بفارسی سیاه دانه و بهندی کلونجی نامند جهت فالج و لقوه و شش و سینه و اوجاع  
 مفاصل بارده و سستی آلات تناسل و رفع سستی اعصاب و اعصاب و در کمر و جهت تقویت باد و اعصاب و تسکین اوجاع  
 کرم و خشک است \* صنعت آن بکیرند شونیز و سستی درم و در پنج وزن روغن بادام تلخ کوبیده آب کرم آنرا کدایند  
 یا شیل و و فشرده روغن آنرا بکیرند و با آنکه بطریق قزع معکوس و با قزع و انبهق و با آب جوشانده و با روغن  
 کنجد تازه مرتب نمایند \* دهن الشیم که بفارسی درمنه نامند در سیوم کرم و خشک جهت امراض بارده و زانورامفید

ورم معدة و لرز حميات نافع \* صنعت آن مانند روغن با بونه است \* دهن الشيلم که در خواص قريب بل هن حنطه  
 است و ازان کرم تر و لطيف تر \* صنعت آن نیز مانند دهن الحنطه است \* دهن الظيان که یا سمین پری است و با سمین  
 سفید عبارت ازان است جهت رفع علل بارده و بر وضیق النفس است و سعال مزمن بارد و فالج و لقوه و استرخا  
 ا مثال اینها نافع \* صنعت آن بکیرند کل آنرا هر قل که خواهند و با مغز بادام مقشر و یا کنجد سفید مقشر مکرو پرورده  
 بل ستور بنفشه بادام کوفته روغن بکیرند \* دهن بیج آن یعنی بیج طیایان امراض بارده عصیانمانند فالج و لقوه و استرخا  
 و اوجاع مفاصل را نافع \* صنعت آن بکیرند بیج و شاخ آنرا هر قل که خواهند و جو کوب نموده درشش وزن آن آب طبع  
 نمایند تا بر یک رسد ما لید صاف نموده بوزن آن روغن کنجد داخل نموده مرتب نمایند و روغن کل آن درد ویم  
 کرم و خشک است و این در سیوم \* دهن العاقر قرحا در سیوم کرم و خشک محلل و مد ر عرق و رافع تپهای بارده و صرع  
 و سکنه و درد سر و شقیقه و مقوی باه است شربا و تد هینا و سعو ط \* صنعت آن بکیرند عصاره تازه آن را و با هموزن آن روغن  
 زیت مرتب نمایند و اگر تازه آن نباشد یک اوقیه از خشک آن را کوبید و با یکرطل آب با تش ملایم جوش دهند تا دو  
 اوقیه بماند پس صاف نموده با هموزن آن روغن زیت مرتب نمایند \* دهن الفجل در سیوم کرم و درد ویم خشک و  
 قائم مقام زیت کهنه و روغن بلسان دانسته اند و لطیف و کرم تر از روغن بید انجیر و محلل قوی و فاد زهر کزین ن ه قرب  
 و رافع شپش که بعد از امراض بهم میروند و فالج و لقوه و استرخا و تشنج امتلائی و استسقا و طحال و وجع مفاصل و عرق اندھا  
 و وجع و رک و اذن و ریاح آن و دوی و طنین و اد را ربول و تفتیت سنگ کرده و مثانه را شربا و تد هینا و طلاء و قطور را  
 نافع \* صنعت آن بکیرند آب برک ترب و تخم نیمرس آن سه جز و با یک جز روغن کنجد یا زیت اگر کهنه باشد بهتر و اولی  
 است و با تش ملایم بجوشانند یا در قل مضاعف تا روغن بماند و چون این روغن را بر حوالی کرده و تهیگه و پشت  
 زهار بماند اد را ربول نمایند و سنگ کرده و مثانه بریزند \* دهن الفراسیون درد ویم کرم و خشک کرانی سامعه و  
 و درد گوش مزمن و اوجاع بارده و ریاح را نافع قطور و تد هینا \* صنعت آن بکیرند کیه آن را اگر تازه باشد و کوبید و  
 آب آنرا گرفته با روغن کنجد مرتب نمایند و اگر خشک باشد یک اوقیه آنرا در یکرطل آب جوش دهند تا دو اوقیه بماند  
 ما لید صاف نموده با وزن آن روغن کنجد بجوشانند تا روغن بماند \* دهن الفرنج مشک در فعال قوی تر از روغن  
 موزنجوش و شونیز و ریکان است \* صنعت آن مانند دهن الریکان است که از برک آن مرتب نمایند \* دهن الفستق  
 که بفارسی پسته نامند درد ویم کرم و در اول خشک مقوی غالیه ها و خوشبو کنند اطعمه و با لخاصیت مضر معده و سعو ط آن  
 با اندک مشک جهت لقوه و تقویت حافظه و تنقیه دماغ مجرب و با عنبر جهت لقوه و تقویت اعضای مسترخیه نافع \* صنعت آن  
 بکیرند مغز آنرا و کوبید و اندک آب کرم بران پاشید و فشرده روغن آنرا داخل نمایند و این دهن بسبب کال لطافت بزودی  
 متکرج میگردد و باید که تازه استخراج نموده بکار برند \* دهن قثاء الحما که بهندی موافق اقوال بعضی کربله  
 و بعضی بلول جنکلی نامند کرم و خشک در سیوم محلل قوی و مد برو حیض و مخرج جنین و رافع کلف و بشور و کرم گوش و  
 ثقل سامعه و ریاح آن و با تخم کتان محقق بوا سیور شربا و تد هینا و قطور و تد ریخا و مقدار شربت ازان تا یکد رمه است \*  
 صنعت آن بکیرند آب تازه آن را و با وزن آن روغن زیتون یا تش ملایم بجوشانند تا روغن بماند و یا آنکه ربزه ربزه  
 کرده با وزن آن روغن زیتون در شیشه نموده چهل روز در آفتاب گذارند و بکار برند \* دهن القثد در خواص رافع  
 قریب دهن الخیا و وضعیف ترا زک است \* صنعت آن نیز بد ستور است \* دهن القثب که بفارسی شاهد اندنا منی  
 سرد و خشک در سیوم جهت درد اعصاب و صلابت رحم و درد گوش و رفع اورام صلبه نافع طلاء و غر زجه و قطور و شرب

آن قاطع باد است \* صنعت آن مانند دهن اللوز است \* دهن القيصوم که برنج سفید و بفا رسی بوماد و آن مانند کرم و خشک  
در سیوم محلل صلابات و مد و حیض و مسخن رحم و باعث انضمام فم آن و رافع لرزد و رحمیات و امراض بارده عصبانی  
است \* صنعت آن بگیریند برک کل تازه آنرا و بارزن آن روغن کنجد یا زیت مرتب نمایند \* دهن انگاشم در سیوم کرم  
و خشک قریب بد من کون است در افعال \* صنعت آن نیز بد ستور آن است و انشاء الله تع خواهد آمد \* دهن انگزم  
قائم مقام دهن ورد است و قابض و رادع و حابس عرق و جهت قروح ساعیه و جوشش دهن نافع \* صنعت آن بگیریند  
شکوفه آنرا و باروغن زیتون در شیشه کرده در آفتاب کل آرند و هر سه روز یک مرتبه تجدید نمایند تا پنج مرتبه یا هفت  
مرتبه \* دهن الکواک در سیوم کرم و در درویم خشک جهت درد گوش و ریاح آن و دوی و طنین نافع بطور اوجیهت بواسیر  
قمریخا \* صنعت آن بگیریند برک تازه آنرا و با هموزن آن روغن کل و نیم وزن سرکه انگور کهنه با آتش ملایم طبع نمایند  
تا روغن بمالد و بکار برند \* دهن اللوز المحلوم معتدل مائل با برودت و رطوبت بسیار است جهت رفع یبوست و صاغ و صاغ  
و سرهام و تشنج یبسی و سهر و ضربان گوش و عسر یول و حصاة و مثانه و رحم و اختناق آن و سعال مزمن و ربو و ذات الجنب  
و قولنج و زحیر و کزیدن سک دیوانه و خشونت خلق قمریخا و سعوطا و قطورا و شربا نافع و مضربا حشام ضعیفه و مصلح آن  
مضطکی است و چرب نمودن ادویه مسهله مانند تربد و هلیجات و مغز فلوس خیارشنبه و امثال اینها با آن  
گاسر حلت و مانع تشنج آنها است بامعا \* صنعت آن بگیریند مغز بادام شیرین تازه هر قدر که خواهند و نیم کوزه  
قد را آب کرم بران بپاشند و بزور بشارند و تمام روغن آنرا بگیریند و باید که تازه بتازه برآورند و بکار برند و اگر قبل از کوبیدن  
پنج شش ساعت در آب بخیسانند پس بهمان دستورا استخراج نمایند و اگر در ظرف مس قلعی در بر روی آتش بمالند که  
کرم گردد و بپاشانند و اگر قلیلی نبات نیز داخل نمایند روغن بهتر و بیشتر برمی آید \* دهن المرزنجوش کرم درد و  
خشک در اول جهت فالج و لقوه و استرخاء و کزاز و درد سر بار و شقیقه و تحلیل و ریاح و تفتیح سدد و کوانی ساعده نافع \* صنعت آن  
بگیریند آب مرزنجوش تازه را و با هموزن آن روغن کنجد با آتش ملایم بجوشانند تا روغن بمالد و اگر تازه نباشد خشک آنرا  
در شش وزن آن آب جوش دهند تا سدس بمالد و بوزن آن روغن زیتون ترتیب دهند \* دهن الفار در بین حار و مسخن  
و ملطف است و جهت اوجاع معده و کبد و قولنج و برودت باطنی شربا و ضماد اوجیهت صاغ و شقیقه سعوطا و درد گوش و قطورا  
و استرخای مثانه زرقادر قضیب و جهت برودت اعضاء باطنی تحقیقا \* صنعت آن بگیریند ناردین را با کل سرخ و آب و روغن  
الآش علی الرسم با آب طبع دهند و با زیت الانفاق مرتب نمایند و قومی بجای آب بشاراب طبع میدهند و مقل اوشش است آن  
تایک اوقیه است و زیاده برین نجو نیز نکرده اند \* دهن النرجس در سیوم کرم و خشک محلل و ملطف و مسکن درد سر و سردی  
و ریخی و مفتح سده های فم رحم و رافع درد های آن و موافق امراض اعصاب و مقوی باد و استشمام آن محرور المزاج را مضر  
و مصلح آن روغن نیلوفر است \* صنعت آن بگیریند کل آنرا و بد ستور کل شقایق مکور با روغن کنجد تازه یا زیت پرورده نمایند \*  
دهن النسرین که بفارسی کل مشکین و بهندی سیموتی نامند مقوی دماغ و منقی فضلات آن است بسبب تنقیه آن و کفایت  
بسبب کیفیت آن و بالخاصیت رافع ذات الجنب بلغمی و سوداوی و آشامیدن آن با حشو محلل و ملطف و مفتح سده های دماغ  
و کبد و زائل کننده درد گوش و طنین شربا و ناردین و قطورا و مقل اوشش است آن تایک اوقیه و مسخن با اعتدال است \* صنعت آن  
مانند دهن النرجس است \* دهن النعام که بفارسی سس نمبر و سوسیمو نامند کرم درد و نیم و خشک در اول جهت باد  
دماغ و منخربین و تحلیل مواد و نقویات اعضاء و خوشبو کردن موی سر و نقویات آن و تسکین و صاغ و مصلح و تحلیل و نیم  
نافع \* صنعت آن مانند دهن النرجس است و با بپاشانند آن آب نجو شش وزن آن آب بپاشانند پس با وزن آن روغن کنجد

مترتب نمایند و بعضی بجای روغن کنجد روغن گل نوشته اند \* دهن النمل که بفارسی مورچه و بهندی چبوتنی نامند طلا  
آن بر قضیب و حوال بغایت محرک باه مایوسین و رافع عنین و باعث صلابت و کبر آن است \* صنعت آن بکیرند یکصد عدد  
مورچه مقابله را در دهن و نیم اوقیه روغن رازی یا روغن زنبق در شیشه انداخته سه هفته در آفتاب گذارند و بکار برند \* دهن  
الورد الابيض که بفارسی نسترن نامند در خواص مانند دهن نسرين است و از آن اقوی \* صنعت آن نیز بستر آن است \*  
دهن الورد الاصفر که بفارسی گل زرد نامند در افعال قریب بدهن نسترن است و از آن کرم تر \* صنعت آن نیز همچنان  
است \* دهن الورد در سوم کرم و خشک قائم مقام دهن سقنقور است و رافع آثار جلد و کچلی و حکه و داء الثعلب و قوبا است \*  
صنعت آن بکیرند آنرا با روغن زیتون و اندک آب با آتش ملایم طبع دهند تا مهرا کرد در آب نماند و چون با پیه آن آمیخته  
در قضیب و حوال آن طلا نمایند باعث تقویت و ستبری آن است \* دهن الیاسمین که بهندی چنبیلی نامند قریب با اعتدال  
است مفتوح و ملطف و طویات و محلل ریح و جرب یابس و کلف و صداع و رافع است \* صنعت آن بکیرند کل آنرا هر یک که خواهند  
و با کنجد سفید معشوم کرده برورده روغن ازان بکیرند اگر اکثر گله را بدین دستور با مغزیاد ام یا کنجد پرورده  
روغن ازان اخذ نمایند خوشبو و نیکو است و لیکن به نسبت طرق مذکوره ضعیف العمل است و بسیار نیمه ماند و زود فاسد  
میکردد بدانکه اکثر ادهان مفرده مانند دهن الآجر و دهن الآس و دهن ابوخلسا که هوجویه است و دهن الابهل و دهن  
حب الاترج و دهن الذخرو و دهن الارنب و دهن الاسقیل و دهن اسود سالج و دهن افسنتین و دهن الافامی و دهن الکلیل الملك  
و دهن الاملج و دهن الانجدان و دهن الانزروت و دهن الانیسون و دهن الایرسا و دهن الککلانج و در اهللیج و دهن البسباسه  
و دهن البط و دهن البلاد و دهن البیض و دهن الزهر التفاح و دهن الثوم و دهن الحجد و در دهن چوپچینی و دهن جوزبوا  
و دهن جوز مائل و دهن الحنا و دهن دارچینی و دهن الذب و دهن الرمان و دهن الزعفران و دهن السفرجل و دهن  
السنبل الطیب و دهن السوسن و دهن الشاهترج و دهن الصابون و دهن الصندل که معروف بعطر صندل است و دهن  
الغارانیا و دهن الغلغل و دهن الفودنج و دهن القرع و دهن حب القرطم و دهن القرنفل و دهن القسط و دهن القنه و دهن قفر الیهود  
و دهن القنبیل و دهن القیقهر المعروف بدهن الرال و دهن الکادی و دهن الکافور و دهن الکبریت و دهن الکتیم و دهن  
الکمون و دهن الکندر و دهن الکهر با و دهن اللؤلؤ و دهن المازریون و دهن المصطکی و دهن المقل و دهن الملیح و دهن  
الموم و دهن النارنج و دهن النانخواه و دهن النیم و دهن الوج و دهن الورد هر یک در رسوم و حروف و فصول خود  
ذکر یافتند و می یابند انشاء الله تع \* و اما ادهان مرکبه پس بدانکه بد رستیکه ترکیب بعض ادریه با بعضی یا برای  
تقویت قوی و کیفیت های آنها را یا برای احداث مزاج تا نوعی مطلوب با خاصیت تازه مانند اجتماع و تراکیب  
مأثر ادریه مرکبه است و گاه ترکیب کرده میشود ادهان را از قوای ادریه باینکه جوش داده شود در شش وزن  
آن آب صافی عذب تا اینکه اخذ نمایند آب قوت آنهارا و ربع وزن آب بماند پس صاف کرده با هر روغنی که خواهند  
بغل و آب صافی با آتش ملایم یا در رق و مضاعف اگر اجزای آنها بسیار لطیف باشند بجوشانند تا آنکه آب رفته  
روغن بماند و با از قوای ادریه بواسطه هوایا آنکه انداخته میشوند گلهها رشکوفهای تازه را در روغن و با آفتاب  
پرورش داده میشوند چنانچه دستور اخذ بعض ادهان مفرده است و گاه ترکیب کرده میشود از اجرام ادریه و غرض  
از ترکیب بقای کیفیات آنها را بداع قوای آنها است در حال لطیف المحمل بطریق التحلیل مانند در مسام و خال و  
فوج ملایم مزاج جلد بدن و اعصاب و دماغ تا اینکه اثر کنند در آنها بطول ملاقات و مکث زمان بسیار اثر نیکو و  
ترکیب و اجتماع قوی و منافع ادریه در مجمع و مرکب واحد یا از جنس واحد و کیفیت اند مانند بنفسج و نیلوفر

و بید سیه و بید مشک و امثال اینها و بادام شیرین مقشر و کنجد مقشر و خشخاش سفید و تخم خرفه و گامور و خیاری و بن  
 کن و امثال اینها از زهار و بزور یا رده رطبه برای زیادتی تبرید و دهن نرجس و سوسن و یا سمین در مرما حوز و خمری  
 زرد و خشک و دهن بلسان و زیت و بادام تلخ و بید انجیر و قوطم و خردل و شاهدانه و استق زرد آل و حبه الخضرا و گردان  
 و شیم و افسنتین و غار و سد اب و قیصوم و بابونج و مانند اینها از ادهان حار و محلكه ماطفه مجففه برای زیادتی آسختن  
 و تحلیل و تلطیف و تحقیق و روغن گل سرخ و سفیر جل و حنا و مورد برای تقویت و اما مرکبه از هر سه نوع مانند ترکیب  
 حار یا بارد و یا هر دو با مقوی بحسب حاجت از زیادتی و کمی و تساو و مانند دهن لبوب سبعة برای رجوع راس و اذن  
 حادث از مره سودا و جن ام و ما لبحولیا و اما ادهان مرکبه از قوای ادویه حار و نافع اند مرا مرض بارده را مانند قسط  
 و ناردین و ساذج راسن و زج و ازخرا بهل و اشنه و سلخا و سارون و زنجبیل و عاقر قرحا و مرما حوز و سنبل الطیب  
 و سبع و قودمانا و مرزنجوش و سنبل رومی و مرمرکی و قرنفل و جوز و زو و صیغه و زعفران و مانند اینها و گاه نگار و گوده میشود  
 مقل از ادویه را بر مقل ارواحل از روغن برای زیادتی و اجتماع تقویت و گاه بالعکس برای تضعیف و قات حاجت و  
 ادویه را بعل از آنکه جوشانیده و صاف نموده باشند تا نیا برای استقصا و استخراج قوای آنها در آب طبع مبد و صاف  
 کرده اضافه آب اول می نمایند و یا آنکه جوشانده می شود با ادویه قابضه مانع از عرق مانند مورد و گل سرخ و بهر  
 گل نار و مانند اینها و یا آنکه با ادویه مقویه حار و بارده مانند برگ مورد و آمله و گل شاهنق و بهر سیه و شان و  
 سنبل الطیب و سبع و تخم چغندر و ما زرو و هلیلک کابلی و برگ کنار و مانند اینها و گاه حل کرده میشود اجرام بعضی ادویه  
 حار و در ادهان مرکبه که اجرام ادویه در آنها داخل است مانند جنید ستر و فریمون و زعفران و مرمرکی و زنجبیل و  
 عاقر قرحا و فلفل و مانند اینها و تمریح کرده میشود با آنها از برای فالج و استرخا و شخوص و ساقرا و علل بارده و مانند  
 عنبر و مشک و زعفران و عود هند و قرنفل و دارچینی و مصطکی و جوز و زو و غار و طیمه که حل کرده میشود در ادهان  
 طیبه برای علل بارده اعضای ریه و آلات تناسل و رحم اما دستور طبع آنها آن است که ادویه مفیده آنها را در  
 جل اجید تازه خالص صافی بیغش گرفته آنچه کوپید نی است نیم کوفته و زن کرده درهم نموده مجموع را در آب گرم آنقدر  
 که دوا نکشت بالای آن آید اگر چهار روزن کل ادویه باشد بهتر است یک شیا نور و زنجبیل و ساقرا و ساقرا و ساقرا و ساقرا  
 تا به ثلث رسد و بدست ادویه را نیکو بمالند و بفشارند و با لایند و با وزن آب فالوده و در روغنیکه مناسب در آب  
 با زنجوشا نند تا آب رفته روغن بمالند و آنچه از ادویه که جرم آنها کثیف باشد باید که مباحثه کرده شود در طبع آنها باید  
 طریق که ساعت ساعت اندک اندک آب گرم در آن داخل نمایند تا تمام نضج پس از آنش بر کوفته و با لایند و در دست  
 نمایند و آنچه اجزای آنها بسیار لطیف باشد در ظرف چینی یا شیشه ضخیم بدستور یک شیا نور و زنجبیل و ساقرا و ساقرا  
 را در قل و مضاعف یعنی در یکی که تا نیمه آن آب باشد بکن از آن زنجوشا نند با آتش زغال و هممه بسیار خشک کرده و  
 نداشتن باشد با نیت بمالیم تا به ثلث رسد پس مالند و صاف کرده روغن داخل نموده در شیشه و با ظرف دیگر کرده و در دست  
 در همان قل زنجوشا نند تا روغن بمالند و علامت افندی آب آن است که دیگر جوش نخورد و غلیظان نکند و مضی کف  
 که امتحان روغنیکه در آن عقارب و غیرها طبع مبد است که خلای را در آن فرو برد و آتش آن را در آن  
 روغن که بر خلل است جوش خود هنوز آب دارد و الا بزودی فرو آید و زغال که سوخته نگردد و در شیشه محفوظ نگه دارد  
 و با آنکه اکثر ادهان مرکبه مانند دهن الاسب و بهل و ساقیل و اشنه و ادویه و افسنتین و فریمون و زور و گامور و  
 سلیخ و بلادر و زور و جسطی و زور و چینی و زعفران که دهن الخلق نامند و سوسن و قسط و روغن هر یک در یک و دوم و سوم



ذکر یافت و می آید انشاء الله تعالی

فصل در بیان ادهان مرکبه \*

دهن البان المركب خواص و منافع آن در دفع زهر و از دهن البان الساذج است مقوی دماغ و قلب است و ملین صلابات عصب و نافع است از بواسیر و بواسیرها و لقوه و در عیاشه و در روع قبض و جلانمی باشد و نافع است از بواسیر و نمش و بهق و کلف و آثار قروح و شقاق و قیحه در زخم و از اثر سردی هوا حادث شود و در بسیاری از امراض که از برودت و رطوبت حادث شده باشد مستعمل است و ملین را خورشید بکنند \* صنعت آن بگیریند روغن بان ساده ده رطل و در نسخه دیگرده من است و این نسخه است و در یک سنگی کنند و ده رطل کل سرخ تازه منزوع الاقماع را بگویند و در آن روغن اندازند و بجوشانند آن را با آتش ملایم و سر آنرا بپوشند و سه روز آنرا واکندارند پس بپالایند آن را بخرقه کنایی و با زرد یک کنند و ثقل آن را نکاهند و پس بگیریند بسباسبه چهار رطل و نیم کوفته در آن روغن بریزند و بجوشانند و سر آنرا بگیریند و سه روز دیگر نکاهند و پس بپالایند و روغن را با زرد یک کنند و قرقه چهار رطل و نیم کوفته در آن اندازند و بدستور مذکور طبع نموده سرش را پوشید و سه روز دیگر نکاهند و پس بپالایند و روغن را در یک کوفته و ثقلش را نکاهند و بدستور مذکور سه رطل قرنفل نیم کوفته در آن کنند و بدستور مذکور و بعد از طبع و پالودن و ثقلش نکاهند و شستن نیم رطل کبابه چینی بهمان عمل سابق داخل روغن کنند و بعد از طبع و کناشتن سه روز و پالودن روغن را در یک کوفته در هر یک من نیم رطل صندل سفید مغاصری سوده داخل کنند و بعد از طبع و سه روز کناشتن و پالودن و عود دهند و نیم کوفته داخل کرده طبع نمایند و یک هفته بگذرانند پس بپالایند و حل کنند در آن روغن عنبر شهب بیست مثقال و صافی نموده پس حل کنند در آن مشک تبیی خالص و با زیبا لایند و بعضی بعد از این ده مثقال عطر کلاب و زهر یک عطر صندل و عطر عود دهند و عطر حصی لبان و عطر فتنه پنج مثقال داخل میکنند و جمیع افعال را که نکاهند شده اند قدیمی عنبر و مشک و عطرها می مذکور داخل کرده عمل کنند و نکاهند و روغن را عمل کنند و در شیشه های خرد و سر آنرا محکم بندند و در وقت حاجت بکار برند و افعال را غالبه و روغن را دهن را غالبه نامند \*

دهن البان المركب المطیب به نسخه دیگر \* صنعت آن بگیریند روغن بان که استخراج کرده باشند از لب آن چنانچه استخراج کرده میشود روغن مغز بادام هرق که خواسته باشند پس بگیریند قرنفل جوزیو زرد سنبل المطیب و همه را نیم کوفته بخیسانند در کلاب آن مقدار که از روی دواها برگردد و بگذرانند و دو شب آنرا و پس با آتش ملایم بجوشانند تا آنکه قوت ادویه با آب باز داده شود و اضافه نمایند با آن عرق فالوذج و آن را حل الحام است و معروف است بساق الحام و آن قسمی از هو حیوه است آنمقل ار که رنگین کند آن را پس بپالایند آن را و مخلوط کنند بروغن بان مذکور و بر آتش اخگر ملایم بگذرانند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند پس بپالایند و در شیشه نکاهند و روغن را بصورت دیگر مرتب میسازند و آن آنست که حواجر را نیم کوفته در روغن مذکور داخل کرده چهار روز آفتاب میکنند و آن \*

دهن البان بونج به نسخه دیگری بن جزله گفته که این روغن کرم است با عتال و خشک است و در دهها ساکن کند و تشنج اعضا را نافع است و موضعی که بهم کشیده مرخی آن است و با دها را طرد کند \* صنعت آن روغن کنجد بیست اوقیه حالبه یا بونه شسته و خشک کرده آنرا دوا و اوقیه در شیشه کرده چهل شب آنرا و زرد آفتاب پس استعمال نمایند \*

دهن البان و رطب است برای مداع حار و سرسام و خشکی دماغ نافع \* صنعت آن تخم کدو تخم خیارین مغز بادام شیرین کنجد همه معشر تخم که هو تخم خشخاش سفید اجزا کوفته علی الرسم استخراج نموده استعمال نمایند

سقوطا و مژوا و مقل از سقوط آن نیمه رم است منقول از اصول التریب بحسب الدان سمرقندی \* دهن البزور  
در تبرید و تنویم و ترتیب دماغ و ازاله بیوست آن بلیغ النفع است \* **صنعت بن مغز تخم کبد و مغز تخم خیارین مغز بادام**  
**شیرین مقشور تخم خشخاش سفید کنجد مقشور تخم کاهو مقشور اجزای مساوی کوفته اب گویا خشک و فشرود و روغن آفرای آورده**  
بوسر بماند و مقل از نیمه درم آنرا سقوط نماید و قدری در گوش بچکانند **فی البوق و نفع** آن را بس میگرد \* دهن الباطین جهت  
روئیدن موی در هر موضعی که خواهند \* **صنعت آن** جوز خربزه را خالی کنند و مسکین در آن درازند و تخم مرغ و مقل  
براده فولاد و شش مثقال روغن زیت در آن کنند و سر آنرا بند نموده **بکل حکمت** که در آن آتش نهند تا بپخته شود  
و بعد از آن برآورده استعمال نمایند \* دهن الحار مل اعیای دست و پا را سودمند باشد **البیور و عشه و نشیخ و نافع**  
**صنعت آن** سپندان سوختنی بکریل زنجبیل ربع رطلی در روغن کنجد چهار رطل اسپند و زنجبیل را نیم کوفته در آن یک  
آب تر کرده تمام شب در شبنم بگذارند و صبح در روغن بریان نمایند و چون سوخته شود روغن را با آن چه صافی نمایند  
و بعد از آن بیست عدد جوز الطیب را نرم کوفته در آن داخل نمایند و در وقت حاجت صبح و شام بمالند و یک ساعت  
نجومی دلك نمایند و از آب هوای سرد احتراز لازم دانند \* دهن الخراطین جهت بواسیر چون از آن موم روغن  
ساخته بردانه بواسیر بمالند زائل میگرداند آن را بوی غاذه است \* **صنعت آن** پنجاه عدد خراطین را در روغن کنجد  
برشته کرده از روغن بیرون آورده باده درم دنباله بادنجان بسایند و روغن را موم روغن ساخته بآن بمالند و  
کوگرد و زرنیج را با لغاصه سائیده تسقیه نمایند و روغن کنجد محل یک جاذب کند آنرا و بقوع و البقیق نقطه نمایند و در  
حین تسقیه باید که بر روی آتش نرم باشد \* دهن الخروع الکبیر نافع از برای استرخا و فالج و تنفیس سدهای کبد و طحال  
و واقع میشود در حقنها از برای قولنج \* **صنعت آن** به نسخه شیخ رئیس ناخواه و صفت نارس مومکی صافی بود اندکوهی  
مر ما حوز تخم کرفس تخم زبانه انیسون تخم خند قوئی مصطکی رومی اسارون حابه از هر یک پنج درم سکنجبین شقی  
جا و شیوا از هر یک سه درم بیج کرفس پوست بیج بادیان از هر یکی اصل السوس راس خشک حدف از هر یک ده درم هزار  
چشان شش بندان از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی قونفل قاقه کبابا زخیر بوا کبابه چینی قونفل دار فلفل جوز بوا بساده  
شو نیز قسط تلخ رونا مس کرویا از هر یک چهار درم زرنیج در روغن چینی عقری از هر یک پنج درم بیج کرفس آن  
مقل از آب بروی آن کنند که از روی آن برگردد و یکشب بخیماسانند و روز دیگر در آب یک کرده و با آتش ملایم بجوشانند تا  
مهر شود پس بمالایند و روغن حب الخروع هفت رطل در آن داخل کنند و با آنرا بخورشانند تا آب برود و روغن بمالند  
پس نگاهدارند و وقت حاجت دو مثقال از آن قاسه مثقال با ماء الاصول بشویند \* دهن الخروع الکبیر و صفت سدهای  
مظفر الدین شفا \* **صنعت آن** ناخواه فودنج جملی تخم کرفس انیسون مصطکی اسارون شامی از هر یک هفت درم  
بیج کرفس بیج بادیان بیج سوسن آسمانجونی راس از هر یک ده درم شیطانج مندی مقل ازرق از هر یک پنج درم بیج کرفس  
زرنیج در روغن عقری از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی دار فلفل قاقه کبابا زخیر بوا جوز بوا بساده قسط تلخ رونا کربیا  
از هر یک چهار درم جمله را نیم کوفته یکشب در آب بخیماسانند و روز دیگر در آب یک کرده و با آتش ملایم بجوشانند تا  
بها لایند و یکصل و پنجاه درم روغن بیل الجوه ساده داخل کرده بجوشانند تا آب برود و روغن بمالند شریک ده درم  
ماء الاصول \* دهن الخروع که سید اسمعیل در ذخیره خود در دریه معین بر حسل ذکر کرده \* **صنعت آن** روغن حب الخروع  
یکم از زبانه انیسون تخم کرفس از هر یک کفی ادویه و نیم کوفته در آب بخیماسانند یکشب و روز بخورشانند و در وقت  
و روغن داخل کرده با آتش ملایم بجوشانند تا آب بپزد و روغن بمالند در غایت که در دهن الخروع و فلفل

نکته ای هر مس نافع است بجهت بشوریکه در اصول شعور و مسام بهم میرسد و بجهت جمع مواد غلیظه تحت جلد  
و جز از وجرب و حكه مفید است \* صنعت آن روغن کل سرخ بیست مثقال سرکه انگوری که نه نود مثقال روغن را با  
سرکه بجوشانند تا سرکه برود و روغن بماند فرغیون شیطان هند ی کهر بای شمعی را تینج از هر یک دانکی کاغذ  
سوخته مل اد چینی دانه بون سوخته دانه سوخته روخته از هر یک نیم مثقال در آن داخل کرده در هاون  
بل سته بمالند تا نیکو مخلوط شود استعمال آن \* دهن دار ملک جهت جراحات مجرب است \* صنعت آن  
زرد چوبه دار حال و درد چه \* حکم صان اصل السوس دیو دار از هر یک نیم سیر مجموع را نیم کوفته در بیست و پنج سیر آب  
خالص نجیسانند پس بجوشانند تا بنصف رسد صافی نموده روغن کنجد پنج سیر داخل کرده باز بجوشانند تا آب  
برود و روغن بماند در حظه نمایند که نسوزد \* دهن دار شیشعان سود مند بود در اسهال شکم وضعف جگر و معده  
و احشا \* صنعت آن دار شیشعان شش اوقیه سلیمه قسط تلخ از هر یک چهار اوقیه قصب الذریره دو اوقیه ادویه نیم  
کوفته در آب و روغن کنجد از هر یک هفت و نیم رطل علی الرسم بپزند و صاف نموده بکار برند \* دهن دیو در بنسخته  
حکیم علی کیلا فی گفته که این روغن از برای روئیدن کوشش بوجراحات نظیر نل ارد و نمی کن ارد که زخم فروجه شود  
و چرک کند و زود بهم می آورد و رنگ جراحات و نواحی آنرا نیکو میکرداند و این روغن است که بنهايت مبارک است خاصه در  
جراحات تازه و بسیار شد که جراحی عظیم و محتاج بل وختن بوده و این روغن را که ریخته و بستم آنچنان بهم آورد که  
حاجت بل وختن نل و زود نیک شد \* صنعت آن بکیر نل دیو در چوب دار ملک دود یک بر سقف دکان کسی که نخود  
بریان میکند نشیند از هر یک دو مثقال آنچه کوفته باشد بگویند و مجموع را در هم کنند و روغن کنجد دو ص مثقال و سه رطل  
آب داخل کرده بجوشانند تا آب بنصف رسد فرود آورده بل ست بمالند و صافی نموده باز درد یک کرده چنل آن بجوشانند  
که آب ریخته روغن بماند و درین وقت احتیاط کنند که نسوزد یعنی آتش بسیار ملایم باشد و اگر بعد از تمام شدن آب آتش  
بخورد بسوزد پس اولی چنان بود که قطره چند هنوز آب باقی باشد که فرود آورند و قطرات آب که در آن مانده باشد بجوشانند  
دو کیند و قیر و طی سازند بهتر است \* دهن دهمون لغت فارسی است و گفته اند که تعبیر آن عشرة الاجزاء است و در بنسخته  
دیگر مرسوم است که آنرا برومی دهمون گویند یعنی ذو عشرة الاخلاط و بالجملة این روغن نافع است از برای درد معده و  
عصب و معوی اعضا است \* صنعت آن فلفل سیاه یک اوقیه سادج هندی سنبل الطیب از هر یک چهار اوقیه فرغیون سه  
اوقیه دار چینی شش اوقیه جمله را کوفته بنسخته مبعده سائده چهار اوقیه مصطکی رومی دوازده اوقیه موم سفید دوازده اوقیه  
هر سه را در روغن بان چهل و هشت اوقیه روغن بلسان دوازده اوقیه کاخته ادویه خشک را داخل کرده در هاون سنگی  
بل سته بمالند تا یکسان شود و در شیشه نگاه دارند و دهن الراحت تألیف جالینوس است و فوائد این دهن شریف زیاده  
از آن است که درین مختصر کنجد و افضل المتأخرین حکیم عماد الدین محمود شیرازی آورده که در هیچد و این مقل را اثر  
طهر نشن مرا که ازین روغن مبارک خصوص در انواع مرض معروف با تشک و انواع مفاصل و جدام و انواع قروح و ناصور  
و قرح و وجرب و شقاق دست و پا و داء الثعلب و داء الحیه و درد کوش و صداع بارد و از برای جمیع امراض مذکور آمده  
است و بنهايت مفید است \* صنعت آن جل و از غطائی آزوده زینباد زراوند طویل زراوند مد حرج حب الغار جنطیانا سر مکي  
صافی صبر سقوطی چاوشیر حلتیت سکبینه کنده مصطکی رومی تخم حنا برک حنا چنل بید ستر عاقور و خامقل ازرق از هر یک  
دو مثقال سورنجان مصری چهار مثقال فرغیون یک مثقال صابون عراقی ده مثقال موم زرد ده مثقال پیه کرک پیه شیر پیه  
روماه پیه شغال پیه خروکوش از هر یک پنج مثقال زیت که نه روغن کل سرخ روغن بابونه روغن نرگس روغن خیریا روغن

باسمین روغن زیتون روغن رازی روغن هندا روغن ریحان روغن سورجیان روغن قسطروغن نرغون ازهر یک يك  
استار زیتون چهار مثقال زیتون را در آب برکشنا بکشند و با سائرا دریه بدن سوزانند و نسخه بعد ازین ذکر کرده میشود مرتب  
نمایند \* دهن راحت به نسخه حکیم عماد الدین محمود \* صنعت آن چل و احوطای زینباد کند و ذکر زراوند طویل مرصافی  
صبر و سقوطی جاوشیر حلتیت عاقر قرحا سورجیان جوز بواجند بیل ستر شجرف مرصافی زینباد کند و ذکر زراوند طویل مرصافی  
پنج مثقال سکبینج یک مثقال صابون رقی نیم قالب آب لیمو پنج مثقال بیه بو بستر مثقال روغن سورجیان روغن کل سورج  
روغن بابونه روغن قسطروغن سداب روغن زیتون موم زرد ازهر یک ده مثقال بدن ستر مقرر مرتب نمایند و در نسخه که  
نواب غفران مآب حکیم میرزا محمد باقر موسوی حکیم باشی از حکیم عماد الدین محمود شیرازی نقل کرده در کتاب مجربات  
خود درین دهن زراوند مد حرج مقل ازرق سکبینج زفت رومی ازهر یک دو مثقال بیک هندی مثقال داخل است و وزن  
موم بازده مثقال و وزن زیتون چهار مثقال است و گفته اگر روغنهای که درین نسخه ذکر شد نباشند بعضی هر یک که باشد  
روغن کنجد داخل نمایند \* دهن راحت منقول از خط حکیم محمد باقر بن حکیم عماد الدین محمود اعتماد برین نسخه  
بیشتر است \* صنعت آن چل و احوطای مجرب زینباد چل بیل ستر مصطکی رومی کل زراوند مد حرج حب الغار عاقر قرحا  
مغاث بغلادی زفت رومی را تیتج جاوشیر بارزد حلتیت مقل اشق سکبینج مرکی صافی ازهر یک و مثقال سورجیان قسط  
بحدی برک هندا ازهر یک سه مثقال سیماب چهار مثقال صابون عراقی روغن بابونه روغن کل سورج زیت کهنه روغن زیتون  
روغن نرکس روغن خیمو موم زرد پخته کرده بز ازهر یک ده مثقال آب لیمو آن مقل ارکه سیماب را با آن بکشند و اگر مرض  
قوی و مزمن باشد و مریض قدرت و توانائی داشته باشد مقل ارکه سیماب را تا ششم مثقال میتوان آورد و تصوفات درین  
نسخه جالینوس کرده مقل آنکه دوقروح آتشک توتیای هندی مرصافی شجرف ازهر یک دو مثقال داخل کرده و آن را بعضی  
دواها را مثل حلتیت عاقر قرحا و حب الغار و چند بیل ستر بر طرف کرده و اگر کتبای روغن کل سورج و زیت کهنه و آنکه در مرض  
داء الثعلب روغن مورد و دهن لادن اضافه نموده و امثال این تصوفات و افاق مزاج و قوت و مرض بحسب حال و طبیعت  
واقع میشود \* اما طریق ساختن این روغن آنست که مبالغه تمام در کشتن سیماب بعمل آورند و بعضی در کشتن آن  
مبالغه نمایند که اثری از آن نمازد و باید که قدری سرکه کهنه یا آب در ظرف سفالی نریخته و سیماب را در آن انداخته و آنرا  
دو روز بماند که ریزه شود پس حنا گرفته و کوفته نرم بپخته داخل سازند و با انگشت بمانند و تا سه روز همچنان بمانند  
باشد تا خوب کشته شود پس صمغها را آنمقل ارکه ممکن باشد در همان نرم کنند و در سرکه بخیب انداخته و حل کرده و ببالند  
و باقی اجزا را نرم بگویند و هر یک را جل اجل ایخته وزن نمایند و در آن را بر روی سنگ با کلاب بسایند و صابون را  
بکارند تراشید و ریه و موم را که ایخته ببالند و مجموع روغنهای را یکجا نموده در پاتیل کرده و بجوشانند و اول سرکه  
شجرف و مرصافی را داخل کرده بعد از آن صمغها را پس از آتش بر کوفته سود کنند پس جل و از زیتون مقبول را داخل  
نمایند و بعد از آن تمام ادویه را داخل کرده در همان بزرگ چل این بسایند که بمل ها سائید و شود و در هم آمیخته کرده  
در ظرف چینی یا شیشه کرده از کرد و غبار محافظت نمایند و هنگام استعمال کنند \* اما طریق استعمال آن  
آنست که سه بخش کنند و هر نوبت يك بخش را ببالند و از آن میان دو برابر بعضی چهار انگشت تا چوب گردن  
مهرهای پشت بمانند پس باز و هارا برفق بمانند و همچنین استخوانهای سینه را ملا بهم بمانند و روغن بنفشه را بر ببالند  
خود را از سرما و هوا و اعراض نفسانی و حرکت هضم و جماع و غیره نگاه دارند و حصه دویم را روز پنجم بهسان طریق  
بمانند و در روز یازدهم بخش سوم را بکار برند و روز سیزدهم بهتمام روند و اگر در این اول و دوم از صحت ظاهر شود

شود احتیاج بتکرار ثالث نیست و درین ایام غذا نخورد آب باشد و ملاحظه آنرا که غداها واجب دانست و احتیاج تا آنکه  
 دهان جوشش کند تخم بوستان افروز تخم ریحان و کشنیز خشک کوفته در دهان بپاشند و بجواب بر رطوبت مضمضه کنند و  
 وقت خواب مثقالی نقره در دهان نگاه دارند نواب میرزا محمد باقر موسوی حکیم باشتی گفته که می باید که مقل شخصت مثقال  
 در سه نوبت در عرض بانزد و یوم مالیده شود هر پنج روز یک نوبت چنانکه روز اول و ششم و دهم تمام شود و ایند  
 از سر نماید از عقب سرو کوه های کردن و هرد و دست و پاها بعض چهار انگشت بمالند و بر روی دل و جگر زیر بغل  
 نباید مالید \* درین راحت نافع بجهت مفاصل و در اعضا \* صنعت آن جد و اخطائی مقل ازرق جا و شیر کند ربارزد  
 اشق حلتیت چند بید ستر زرباد جوزیو ابرک مورد از هر یک سه مثقال قسط تلخ برک حنا سعد کوفی عا قرقرها از هر یک  
 پنج مثقال حب الغار سورنجان از هر یک دو مثقال صابون رقی یک قالب روغن گل سرخ روغن زیتون روغن بابونه از  
 هر یک ده مثقال پیله بزمفتاد مثقال آب لیمو بیست مثقال زبیق مقتول شصت مثقال موم زرد بیست مثقال علی الرسم  
 موم روغن ساخته در وقت حاجت استعمال نمایند \* درین راحت به نسخه حکیم صالح خان \* صنعت آن جد و اخطائی  
 مجرب کند زرباد زراوند مد حرج زراوند طویل مرکی صبر سقوطی مقل ازرق سکبینج جا و شیر حلتیت عا قرقرها  
 سورنجان مصری جوزیو چند بید ستر حنا شجرف مرد اسنگ زفت رومی از هر یک دو مثقال زبیق پنج مثقال صابون  
 رقی سه مثقال آب لیمو روغن گل سرخ روغن زیتون روغن سد اب روغن قسط روغن حنا روغن بابونه روغن کنجد از  
 هر یک چهل مثقال پیله کرده بزیکصد و پانزده مثقال موم زرد غیر مغسول هفت مثقال و نیم ادویه را کوفته بپخته زبیدی  
 را در قندری آب لیمو و آب برک حنا حل کرده مر و صبر و سکبینج و جا و شیر و حلتیت را در آب لیمو بپسایند و صافی نموده  
 بعد از آن روغنهای را یکجا کرده بخورشانند و در عین جوش موم و پیله بزدران انداخته بکند از آن تا همه کل اخته شود  
 صافی نموده صغها را زفت را داخل کرده برهم زنند و بعد از آن سرد نموده ادویه را در آن ریزند و از کفچه برهم  
 زنند بعد از آنکه چون موم روغن گردد پس در ظرف چینی یا زجاجی نگاه دارند و بوقت حاجت بکار برند \* درین راحت  
 به نسخه دیگر \* صنعت آن زبیق مقتول لیمو یا صابون یا بششم بز چهار مثقال برک حنا سه مثقال سورنج سفید اب قلعی  
 از هر یک دو مثقال صابون یک قالب زیت و از ده مثقال ادویه خشک را کوفته بپخته با صابون و زیت در دهان بدسته  
 بمالند تا چون مرهم شود پس در قسمت کرده یک حصه را بد و دست از مرقین تا انگشتان و بر پاها از رگبه تا انگشتان  
 بمالند و حصه دوم را در روز دهم بمالند و رجائی باشد تمام روز که باد با و نرسد و روغن را تا روز هفتم نشویند و  
 غذا نخورد آب کوشش مرغ باشد و از حموضات و لبنیاب و آب سرد پرهیز کنند مجرب است از برای آتشک و ناهور و بواسیر  
 و جمیع قروح عشرة البرء العلاج \* درین راحت به نسخه دیگر \* صنعت آن جد و اخطائی مجرب زرباد چند بید ستر  
 زراوند طویل مرکی صبر سقوطی مقل ازرق سکبینج جا و شیر حلتیت عا قرقرها سورنجان مصری جوزیو چند بید ستر  
 شجرف زفت رومی مرد اسنگ از هر یک دو مثقال برک کرفس زبیق از هر یک پنج مثقال آب لیمو پنج مثقال صابون  
 عراقی نیم قالب پیله کرده بز بیست مثقال روغن سوسن روغن گل سرخ روغن بابونه روغن قسط روغن سد اب زیت  
 کهنه موم زرد از هر یک ده مثقال بید ستور مقرر قبل مرتب نمایند \* درین راحت از برای فالج و لقوه و  
 نقوس و رعشه و اجاع مفاصل و اجاع ظهر و از برای ناهور و بواسیر و قولنج و جمیع اجاع بارده را مفید است  
 و امثال ریح و مواد غلیظ باشد و مقوی اعصاب است و اگر نیم مثقال تا یک مثقال ازین روغن را بخورند مغص  
 قولنج را سود مند باشد و مسهل بلغم است و اعصاب را از رطوبات پاک کند و داء الغیل را مفید باشد \* صنعت آن

مقل از روی ده درم اشتقاق سکنج حب و شیر حب بلسان افیون بسفایح فستقی خریق سفید زرفب فلنجه شیطرح هندی  
صنوبر با حام تلخ از هر یک شش درم قوتفل جوز بوا از پنجدیل خولنجان دارچینی لادن چند بیک ستور از هر یک سه درم  
کنجد بود الفنج بروسینا لیوس لبنان ذکرشونیز بزر را لجر جیو بزر را لکرات نا نخود و قسط تلخ از هر یک پنجد درم بزر  
الحرم مل مغز حب الحرمع میوه فخرش مورد مغز حبه الخضر از هر یک چهار درم ورق غافل افستین رومی از هر یک  
پنجد درم و در نسخه دیگر بجای افستین اشنه است و در نسخه دیگر بجای ورق غافل افستین فرامون سورنجان  
از هر یک ده درم است ادویه را نیم کوفته در دیک کرده آب برک کلم شش رطل بر روی آن کرده با آتش ملایم بجوشانند  
تا در رطل بماند از آتش بر گرفته بمالند و بفشارند و بیالایند پس ثفل را نیکو بفشارند تا باقی ماند چیزی از  
قوت در دران ثفل و باز آب مطبوخ را در دیک کرده زیت کهنه شش رطل روغن کادروغن زازقی روغن حب الخروع روغن  
حب الفار مطبوخ با فادیه که از مصر می آورند از هر یک دو درم مغز بادام تلخ معشر کوبیده دو درم حب الفار معشر کوبیده  
حب الصنوبر معشر کوبیده از هر یک شش درم روغن سوسن جرجیر از هر یک پنجد درم روغن حبه الخضر ده درم  
روغن کنجد که جوشانیده باشند دران سداب سه درم و اشنه سه درم روغن هنام پنجد درم غسل بلاد در سه درم  
و در اندکی از آب مطبوخ که اول ذکر شد سنجر نیا بوزن ده درم حل کرده و عصاره را نکجا کنند و با آتش ملایم روغن  
به پزند تا آنکه آب مطبوخ اول بقدر یک سکرچه باقی ماند از آتش فرود آورده از پارچه صفیقی بیالایند و باز در دیک  
کرده بریزند بران بارزد شش درم غسل ده درم بر اخگر افروخته نهند تا حل شود از آتش فرود آورده مخلوط کنند با آن  
میعه ساکنه سفید نبط سفید روغن بلسان از هر یک ده درم و در شیشه کرده سر آنرا محکم بندند و شربش از این دهن  
ما بین ربع درمی تا یک مثقال با نخود آب بی گوشت مصغی و بعضی طریق طبع این روغن را چنین ذکر کرده اند که در ده  
یابس را بکوبند و با آب کلم بدستور مل کوبند و بیالایند پس صمغ و آنچه حل کوفته اند دران آب حل کرده و روغن  
را داخل کرده در دیک با آتش ملایم بجوشانند تا آنکه تمام آب برود و روغن بماند از آتش بر گرفته و بیالایند  
کر یا س بیالایند و در شیشه نگاه دارند و طریق اول صواب است و دهن اساطع این دهن را رغوی است و بعد از آن  
لشانه سلیمانیه کوبند و این دهن نافع است از برای معده و جگر و فاع و لقوه و دماغ و قوت دهن و اسهال و خفقان و  
و جمیع امراض با ده را نافع است و صنعت آن روغن کل سرخ و روغن نرگس و روغن زریق از هر یک یک رطل در شیشه ریخته  
چینی کرده آنرا بعد قماری و در کنند هر روز تا یکماه و بعضی بن عیمی گفته اند تا یکماه و هر روز بعد قماری و در قماری  
دود دهند بعد از آن فرا گیرند جوز بوا بسما سه از هر یک ربع اوقیه و قندهار فلنجه و عرو قندهار الطیب که با قندهار  
قرنفل سنبل الطیب غنچه کل سرخ منزوع الاقمار صندل سفید از هر یک نیم اوقیه و سلخته سودا نیم اوقیه و عود نیم اوقیه  
خام و سمک و غالیه از هر یک ده مثقال بکوبند و تخم کنند دران ریزند و بکوبند و یکماه و دودش بعد قماری و در قماری  
بیالایند و ثفلش را عسل و در شیشه نگاه دارند و روغن آنرا گرفته در اوقیه عود قماری و عسل و عسل و عسل و عسل  
مثقال عنبر اشهب و سه مثقال مشک خالص و دو مثقال عطر کلاب و دو مثقال کافور و قندهار اول و عسل و عسل و عسل و عسل  
و بعد از آن باقی ادویه را کوفته بکوبند و بیخته با آن روغن خلط نمالند و در شیشه کرده سر آنرا محکم بندند و شربش از این دهن  
سام ابرص نافع جهت خناری چون بران طلا کنند اگر تا بیست و سه رسد و باشد دفع گردد و صنعت آن بکوبند و با عسل  
سه درم و آنرا بعرابی و نغده و پیاز سی چلیا سه درم و در روغن کنجد نیم من انداخته بجوشانند تا غلیظ شود پس جگر  
شاخ کاه و ده نه مثقال دران داخل کرده برهم زنند و چند جوش داده فرود آورند و بکوبند و دهن و دهن و دهن و دهن

به نسخه شیخ داود مجرب در جمیع افعال اقوی از سد اب و روغن ساده آن و میا مثل نافع از برای جمیع اوجاع ظفر و  
 و رگ و مثانه و کرده و ساق و در او تحلیل ریا ح و اجاع اذن و مغیلاست از برای صبح و عصر و تنهین بان و شامیدن  
 آن و قطور کردن بان و حقه نمودن بان \* صنعت آن بکیرن سد اب ترسه اوقیه تخم خرد \* حب الرشاد و اقور ح و از برای سد اب  
 ادریه و انیم گرفته در نیم رطل آب بجوشانند تا ثلث آب بماند پس بپالایند و سه اوقیه زیت کهنه \* روغن کنجد داخل  
 کرده چند آن بجوشانند که آب برود و روغن بماند و در شیشه کنند و سر آن را بسته نگاه دارند \* دهن سد اب به نسخه  
 سید اسمعیل که در ذخیره در فالج ذکر کرده و این روغن در نهایت نفع است از برای امراض و اجاع بارده و بجهت فالج  
 و لقوه و استرخا و از برای برودت رحم و مثانه \* صنعت آن آب سد اب تازه دو من روغن سوسن نیم من درهم آمیخته با تش  
 ملایم بجوشانند تا روغن بماند از آن تش فرود آورده چند بید ستورا قور ح و قسط تلخ از هر یک ده درم فریون پنجاه گرم همه را  
 گرفته پیخته داخل کرده در هاون سنگی بدسته بمالند تا نیکو مخلوط گردد و اگر بیست درم روغن بلسان داخل نمایند  
 بهتر است و الا بدل آن روغن ترب کنند \* دهن \* نسخه تالیف ثابت بن قریه است سردی معده و جگر را سود دارد و اعضا را  
 قوی گرداند \* صنعت آن سلیخته قسط تلخ مصطکی حب بلسان زعفران از هر یک ده درم قرنفل قرقه الطیب از هر یک پنجاه گرم  
 همه را نیم گرفته در شیشه کنند و بکوبند و نیم روغن کنجد تازه بر روی وی کنند و سی عد کل سوسن سفید که دنباله و زردیهای  
 میان کله را بکنند و باشند در آن داخل کرده و روزگاری آن را بکند آنکه اجزای آن نرم شود و روغن قوت ادویه را بخود  
 کشد آنکه بپالایند و نگاه دارند در اکثر کتب قانون و غیر آن این دهن را با سم دهن سوسن ذکر کرده اند و گفته اند که چهل  
 روز بکند آنکه در سایه و بعد از آن بکاردند و در نسخه دیگر این دهن زعفران و قرقه و قرنفل داخل نیست \* دهن \* نسخه دیگر  
 ضعف معده را سود دارد و ملین و آرام صلب باشد و معده را گرم کند \* صنعت آن سلیخته قسط تلخ حب بلسان مصطکی زعفران  
 از هر یک یک اوقیه قرنفل قرقه از هر یک نیم اوقیه چنانچه رسم است نیم کوبیده کرده در شیشه کنند و روغن بر آن ریزند و در  
 آفتاب کند آنکه دهن شود نیز از تراکیب جالینوس است که بجهت ملک روم تالیف کرده موی را در موضع صاع و مواضع  
 اند مال قروح میور و یاند و مزیل سعه و قروح است و بهترین ادویه است از برای رستن موی بر موضع داء الثعلب  
 و داء الحید و کلف را زایل کند و همچنین بهق را و برص را و مانع تا کل استخوان است و دهن را تیز سی کرد اند آشا میدان یک  
 صد روز چون بپاشند از آن هر روز و درم و در نسخه دیگر هر روز یک درم است و چون باین دستور بپاشند مثل مانع شیب  
 است و موی سفید را سیاه می کند و این روغن ملک حیض است و شهوت باه را زایل شده را اعاده میکند تا نحو یک عین را  
 نیز نافع است و قضیب را سخت میگرداند و محال صلابت طحال است \* صنعت آن شونیز آس کرده یکصد درم و در نسخه  
 دیگر یکصد درم است حلتیت ده درم شکر پنجاه گرم نوشادر یک درم مغز بادام تلخ ده عد دمه را در قرقه معکوس  
 بطریق چوره روغن بر آورد و بعضی بقرع و انبیق روغن بر می آورند و اول اولی است و روغن را در شیشه نگاه دارند \*  
 دهن شونیز \* نسخه دیگر بکیرن مغز بادام تلخ و شونیز بالسویه پس هر یک را عسل که گرفته هردو را یک جا کرده بمالند  
 و بفشارند و روغن آنرا بکیرند \* دهن شیخ صنعان از مشایخ هند است و این روغن تالیف است و ست هر نوع زخمی که از کار  
 و دشنه و شمشیر و تیر باشد با تلک زمانی با صلاح آورد و کوشش بر جراحت بر رویاند و زخمها را زرد به سازد \*  
 صنعت آن زرد چوبه پیرست درخت کز از هر یک یک استار یک حتما دود و مرکب ساز می پوست درخت مغیلان شطرج  
 هندی پیرست درخت نیمب از هر یک ده استار و با زرد گندمی تراشیده بلغا سنبیل الطیب جوز بوا مراد سنگ شترچرف  
 اشق زاج سفید و جویوه قنبیل از هر یک یک استار چوب صنوبر چوب آبنوس چوب بقم اصل السوسن از هر یک ده



استاد در صورت سفید و مالا حورن زهر يك يك استار سفید اب ارزیشسته نیم استار و مومیا فی معدنی پنج مثقال  
جلد و ارخطائی پنج مثقال <sup>و فانی</sup> استار کند رزراوند مدحرج ازهر يك پنج استار و موم سفید و استار و روغن کنجد  
پنج من آنچه کوفته می شود <sup>نیم</sup> در ده من آب خالص یکشنبه نوز و بخیسانند بعد از آن با آتش ملایم بجوشانند آنقدر  
که نصف آب بماند از آتش فرود آورده و سرد کرده دست بمالند و ببالا بیاورند و دوباره در قدر آب صافی ثقل را مگردانند  
دست بمالند و ببالا بیاورند و این آب را با آب اول یکجا کرده پس اشق و بارزد و از زردت را در یکمن آب برک نینب حل  
کرده ببالا بیاورند و با آب اول يك جا کرده باروغن کنجد با آتش ملایم بجوشانند تا آنکه آب یکمن رسد و اسنک تراشیده  
بلغارشینجرف دم الا خورین مومیا فی زاج سفید اب قنبیل همه را نرم صلیبه نموده وقت فرو گرفتن از آتش داخل کنند  
و با کچکه از چوبهای مذکور تراشیده باشند برهم زنند و در مرتبه آخر با هستکی بجوشانند تا آنکه هیچ آب باقی نماند  
و مجموع آنها سوخته شود پس موم کافوری داخل کنند و از آتش فرو گیرند و بهمان کچکه برهم زنند تا آنکه سرد شود  
و از پارچه کنانی ببالا بیاورند و در شیشه نگاه دارند و وقت حاجت محل زخم را با آن روغن چوب کنند که مجرب است \*  
دهن شیخ صنعان به نسخه دیگر \* صنعت آن زرد چوبه پوست بیخ زرشک چوب صنوبر اصل السوس برک حنا پوست  
درخت مغیلان دوده چهر حصان چوب ابنوس چوب کز هو جیره ازهر يك يك چهار یکمن قنه يك اوقیه جوز بوا  
شش مثقال شینجرف شسته کات هند می زرنیج سرخ فوغل مردا اسنک تراشیده بلغارا زهر يك نه مثقال مومیا فی دارا بورد  
جلد و ارخطائی مجرب ازهر يك سه مثقال آب برک نینب که مشهور نیم است یکمن روغن کنجد آب تا نبول يك چهار يك  
من باید که نه جز و اول را در ده من آب داخل کنند و با آتش ملایم آنقدر بجوشانند تا کف کند و آب مذکور  
بر ربع رسد پس آب برک نینب و باقی ادویه را باروغن کنجد داخل کنند و با آتش ملایم مرتبه دیگر بجوشانند تا آنها  
تمام بزدند و روغن بماند و از پارچه کنانی ببالا بیاورند و سرد کرده در شیشه نگاه دارند \* دهن شیخ صنعان به نسخه دیگر \*  
صنعت آن زرد چوبه دود و اصل و بیست و پنج مثقال دار هلد دود و دود چهره و جیره برک حنا ازهر يك هفتاد و پنج  
مثقال اصل السوس یکصد و پنجاه مثقال جلد و ارخطائی مجرب یکم مثقال قنه بیست و پنج مثقال زل یا زرد و مثقال چوب  
آبنوس چوب کز ازهر يك بیست و پنج مثقال پوست درخت مغیلان ده مثقال تراشیده بلغارا چوب زبوا شینجرف کات هند  
ازهر يك سه مثقال آب برک نینب سه صد و هفتاد و پنج مثقال برک پان سی مثقال روغن کنجد يك هزار با اصل و مثقال  
یک ستور مرتب نمایند \* دهن شیخ صنعان به نسخه دیگر \* صنعت آن زرد چوبه پوست بیخ زرشک  
پوست درخت صنوبر چوب آبنوس اصل السوس برک حنا پوست درخت مغیلان چوب کز جوز بوا ازهر يك يك اوقیه  
تبریز کات هند می بزرگتان قنه برک تا نبول فوغل ازهر يك نیم اوقیه تبریز شینجرف جلد و ارخطائی را نیم از زردت سبز  
ازهر يك ده مثقال صیرفی مردا اسنک پنجاه مثقال صمغ عربی چهل مثقال زفت رومی اشق پوست بلبله ازهر يك هفت  
درم صبر سقراطی صمغ زرد آلوصغ سفرجل صمغ سنبل صمغ آلوصغ بادام تلخ ازهر يك يك مثقال عسل ازرق صمغ  
سماق پوست هلیله کابلی مومیا فی معدنی ازهر يك بیست مثقال بلغارا تراشیده سی مثقال فانی فارسی چهل مثقال  
آب برک نینب يك چهار يك من تبریز روغن کنجد يك من و نیم تبریز یک ستور مرتب نمایند و صافی نمودن در شیشه  
سربسته نگاه دارند \* دهن شیخ صنعان منقول از نسخه هندی \* صنعت آن بکیریک زرد چوبه سه ستور زفت و زرد  
دوده چهر برک حنا ازهر يك يك سیرا اصل السوس دوسیرجل و ارخطائی مجرب يك اوقیه قنه بیست و پنج مثقال درخت  
يك سیرا ال یا زرد و توله چوب آبنوس بیست و پنج توله برک پوست درخت مغیلان ده توله چوب کز پوست درخت توله

توله مرد اسنگ شش توله تراشیده بلغار سه توله شجری جوز بوا کات هندی توله نینب سی توله آب برک نینب  
 پنج سیر و روغن کنجد بیست سیر به دستور صورت نمایند و در شیشه سر بسته نگاه دارند \* دهن شیخ صنعان به نسخه حکیم  
 میر محمد مؤمن که در نسخه المؤمنین ذکر کرده و گفته که این نسخه را از نسخه هندی نقل نمودم محال اودام با زده و مقوی  
 اعضا است و بجهت التهام زخمها مجرب است \* صنعت آن زرد چوبه چوب زرشک و تفهیر کرد و گفته که آنرا بهندی  
 دار هک کو بند و این غلط و سهواست زیرا که دار هک درائی است غیر چوب زرشک و معروف است در هند دیود ارکه چوب  
 صنوبر هندی است و این نیز غلط است زیرا که دیودار ا بهل و هندی ا بهل درخت عودراست نه درخت صنوبر و اصل  
 السوس که آنرا بفارسی بیخ مهک کو بند و بهندی ملهتی و چوب کز و پوست درخت مغیلان و آب برک نینب و چوب  
 آبنوس از هر یک سی مثقال برک حنا و جویمو دود چهار که سنبل الطیب است این غلط عمل است حکیم مؤمن را که دود  
 چهار را تفسیر به سنبل الطیب کرده بالجمله از هر یک ده مثقال قند و در مثقال و نیم جوز بوا مرد اسنگ شجری کات هندی  
 بلغار تراشیده از هر یک پانزده مثقال موم کا فوری چهار دانه یک چل و ا رخطائی دو دانه یک روغن کنجد دو مثقال  
 ادویه کوفته را کوفته در نهصل مثقال آب بخمیسایند و بجوشانند تا بثلث رسد پس بپالایند و باقی ادویه را سائند و  
 را آب نینب و آب مطبوخ او بجوشانند تا آب بسوزد انگاه بپالایند و نگاه دارند \* دهن شیخ صنعان به نسخه دیگر \*  
 صنعت آن زرد چوبه پوست بیخ زرشک چوب صنوبر اصل السوس برک حنا پوست درخت مغیلان دود چهار چوب  
 آبنوس چوب کز و جویمو از هر یک یک سیر شاه جهانی قند جوز بوا شجری شسته کات هندی مرد اسنگ رال اشق  
 قنبیل مین سل که در نیم سرخ است تراشیده ادیم بلغاری از هر یک سه دانه پخته مومیا ئی دارا جردی یک دانه جل و ا  
 خطائی بنفش مجرب یک دانه آب برک نینب که مشهور به نیم است پنج سیر آب برک پان یک سیر شاه جهانی جمیع  
 چهار بپالایم کوفته در بیست سیر آب و شب و روز بخمیسایند پس بجوشانند آنمقداری که نصف آب بماند ادویه  
 دیگر را نرم کوپند و پخته آب اجزا را و آب برک نینب و روغن را یک جا کرده در یک بزرگ با آتش ملایم بپزند  
 تا آب برود و روغن بماند هر جویمو را علیحد و نرم کوفته پخته بپزند و مکرر جوش دهند که رنگ روغن سرخ شود بعد  
 از آن صافی نموده در شیشه نگاه دارند برای علاج زخم شمشیر و خنجر و غیره که تازه باشد کار فرمایند \* دهن شیخ صنعان  
 به نسخه دیگر \* صنعت آن زرد چوبه دار هک دیودار برک حنا ا بهل از هر یک پانزده سیر و نیم پانزده سیر و نیم  
 مرد اسنگ قنبیل از هر یک ده دانه پخته جوز بوا پانزده و ماشه توتیای هندی نیم دانه یک زعفران پنج ماشه سنگ بصری پانزده  
 ماشه مصطکی نیم دانه چوب کز نیم سیر چوب آبنوس بلغار برک پان دود چهار از هر یک پانزده سیر و روغن کنجد هشت سیر  
 آب خالص پانزده سیر رال پوست مین ا بهل از هر یک پانزده ماشه اشق سه دانه پخته فوفل نیم پانزده سیر و روغن پانزده  
 یک ستوره معمول روغن سائند \* دهن شیخ صنعان به نسخه دیگر \* صنعت آن جوز بوا مرد اسنگ کت تراشیده بلغار موم سفید  
 از هر یک شش توله شجری چهار توله جل و ا رخطائی دو توله چوب کز چوب آبنوس زرد چوبه اصل السوس ا بهل دود  
 چهار پوست مغیلان برک حنا برک نیم از هر یک نیم سیر دار فلفل یک سیر و نیم دیودار یک سیر و نیم جویمو یک سیر روغن  
 کنجد ده سیر و نیم یک توله کثیر ادود در رال و درم اشق پنجد درم دار فلفل اصل السوس زرد چوبه برک نینب برک حنا  
 دود چهار پوست مغیلان آبنوس چوب کز و جویمو رال از هر یک من آب بخمیسایند تا یک شبانه روز پس بجوشانند تا برنج  
 رسد صافی نموده باقی اجزا را با روغن کنجد در آن آمیخته بجوشانند آنمقدار که آب برود و روغن بماند پس در شیشه  
 نگاه دارند \* دهن شیخ صنعان قلیل الاجزا حکیم میر محمد مؤمن گفته که این نسخه بهتر از نسخه قبل است از برای التهام

زخمهای تازه \* صنعت آن اصل السوس پوست درخت صنوبر هو حیوة پوست درخت مغیله و زردچوبه اجزاء مساوی از  
مجموع مقلد ارچه اصل مقلد کوبید ما روغن که از مرکب کتان و بنه دانه گرفته باشند مقدور شستن است و اگر از زرد  
آب خالص با آتش نرم بجوشانند تا بحال یکدیگر کف نکنند و آب تمام بسوزد پس انرا با لایند و در شیشه کرده و سرانجام محکم بکند  
و نکاه دارند \* دهن شیخ صنعتان منقول از خط میرزا معزالدين محمد که معزالیه از مجربات حکیم احمد موسوی نقل نموده \*  
صنعت آن زردچوبه سه صد مثقال پوست زرشک دو بیست مثقال چوب صنوبر یکصد مثقال چوب گردو بیست مثقال چوب آبوس  
هو حیوة اصل السوس پوست درخت مغیله چوب بقره یک حنا از هر یک دو بیست مثقال قند پنج و هشتاد مثقال شکر چوب  
مردا سنک کات هندی لك مغسول قنبیل تراشه بلغاراشق از هر یک پانزده مثقال موم میانی جد و از خطائی از هر یک پنج مثقال  
آب برک نیم سه صد مثقال روغن دوهزار و چهار صد مثقال نه جز را ول را یک هزار و دو بیست مثقال آب با آتش ملایم  
بپزند تا آب برود و روغن بماند صافی نموده استعمال نمایند \* دهن العلقم ترجمه دهن قنار الحما و صابون بعضی ترجمه  
کرده اند آن را بدهن الحنظل و این روغن مانند روغن ناردين است در اعمال مانند تقویت باه و اشتها و طعام و برودت  
معد و درد مفاصل و غرق النساء بلکه انفع و اعجب فعلا از دهن ناردين است \* صنعت آن عصاره قنار الحما و روغن  
زیت پانزده و طبل میعه سائله و او قیه که پانزده مثقال است قنطاریون دقیق شحم حنظل زیر او یک مد صرح زرد و باغی حنظل  
پودنه نه روی بود نه بر روی بود نه جلی سبکینج برک دفلی ایوسا از هر یک یک او قیه و نیم عاقور حایک او قیه آب خالص و این  
زیت بطریق مقرر مرتب نمایند و شراب درین روغن نیست و بعضی از اطباء گفته اند این روغن از سایر روغن ها بهتر است  
و حقنه کرده میشود باین روغن از برای تهیه شهوت باه و برودت پشت و مفاصل و الله اعلم \* دهن فلغلان حکیم علی دینار  
قانون این دهن را بدهن فیغلان ذکر کرده و گفته که فیغلانغت هندیست و وجه تسمیه این دهن باین اسم وقوع در فلفل است  
درین دهن چه بلبل در هندی بمعنی دار فلفل است و فلفل معرب آن است و لفظ او در هندی بمعنی قول است و هندی  
اصل و عمود دران دار فلفل است و بالجمله این روغن تألیف از حکمای هندی است و نافع است از برای امراض عصبیه  
فالج و لقوه و سایر امراض بارد و ماغی و عصبی \* صنعت آن سنبل الطیب تربل شیطرج هندی و زعفران دار فلفل چوب  
بیخ سوسن آسمانچونی را زبانه قسط تلخ زرنیاد درونج عقوبی از هر یک ده درم مجموع را نیم کوفته در یک کاسه آب و آن  
روغن کنجد از هر یک دو صد مثقال بر روی آن کنند و در قلع عصاره به بزد ما آب برود و روغن ساق صافی نموده در آن  
نکاه دارند \* دهن فلغلان از مرکبات اطباء هندی است و ای صالح است از برای اوجاع مفاصل و در شیخ و سایر امراض عصبیه  
قولنج و لقوه و فالج و ریاح بارد و غلیظه عارضه در عصب و جمیع اوجاع عارضه در اعصاب و نافع \* صنعت آن دار فلفل چوب  
رئیس در قبادین قانون شل بل فل و ج ترکی شیطرج هندی راسن از هر یک پنج درم دار فلفل چوب لقی بیخ سوسن آسمانچونی  
تخم ازبانه قسط تلخ مومکی صافی دیود از زرنیاد درونج عقوبی از هر یک یک درم و نیم کوفته در یک کاسه آب و آن  
روغن کنجد و شیر تازه و رشیده و آب خالص از هر یک دو من بجوشانند در یک کاسه آب و شیر بریزد و در روغن ساق  
پس با لایند و نکاه دارند \* دهن فلغلان دیگر که شیخ رئیس در قبادین قانون ذکر کرده نافع از برای اوجاع عصبیه و  
و از برای عرق النساء و سردی هر دو کرده و استوخای اعضا و قولنج و لقوه و فالج و از برای ریاح بارد و غلیظه عارضه در اعصاب  
و از برای درد پشت و از برای هر وجهی که از سردی بود و اخلاط غلیظه و این دهن نیز از برای کسب اطباء هندی است \* صنعت آن  
شل بل فل و ج ترکی شیطرج هندی و بیخ سوسن آسمانچونی شق دار فلفل چوب لقی چوب لسی و چوب لسی و چوب لسی  
تخم ازبانه دیود درونج عقوبی از هر یک ده درم مجموع را نیم کوفته در یک کاسه آب و آن

خاص از هر يك ده رطل دروغن پنج رطل بر روی وی كودوده در يك مضاعف به بونق است آب و شیر برود و روغن بماند  
 بیالایند و نگاه دارند بعد دهن فاوندی تالیف آن موصوم از برای فالج و امثال آن از امراض بلغمی حادث در اعصاب \*  
 صنعت آن قرنفل پنچ رمل سنبل الطیب ساذج هندی بیخ سوسن آسمانچونی قوفه الطیب قسط تلخ از هر يك ده درم راسن  
 سلیخته عود بلسان عود الصلیب از هر يك پنچ رمل مرمکی صافی سه درم همه را نیم كوفته در ده رطل آب یکشبان روز بخیسانند  
 پس روغن زیتون در رطل داخل كود و چند آن بخورشانند که آب رفته روغن بماند صافی نموده بیه قاوندی شانزد و درم  
 مومبائی چهار درم در آن كذاخته چند بید سترد و درم سوده اضافه نموده خوب برهم زنند و در شیشه نگاه دارند \*  
 القسط در قسط انشاء الله تع خواهد آمد \*  
 دهن القنبیل نافع است جرب و قوبا را \*  
 صنعت آن قنبیل که بهندی که میله نامند  
 شش مثقال مرد اسنک شنجرف کو کرد اعلی توتیا هندی بریان زریق مین سل که زرنیخ احمر است از هر يك نیم مثقال  
 روغن گوبیست و چهار مثقال ادویه را سحق بلیغ نموده روغن را بیکصد و یک آب شسته ادویه را با آن سرشته بکار  
 برند \*  
 دهن قنبیل دیگر که جهت خارش و قوبا و قروح خمیثه و غیرها مجرب است \*  
 صنعت آن قنبیل که بهندی که میله  
 گویند پنج توله و سونج که بهندی سیند و رگویند هفت ماشه فلغل سیاه هفت ماشه فلغل دراز پنچ آنه روغن  
 تلخ شانزده توله و اگر قیق خواهند بیست توله نمایند اول روغن را در ظرف آهنی جوش دهند و فلغل دراز در آن  
 اندازند تا سوخته شود بعد از آن فلغل را در آورده و در آن اندازند پس سونج را داخل نمایند تا خوب پخته شود بعد  
 از آن فلغل سیاه و داخل نمایند و از آتش برگیرند آنگاه قنبیل را داخل نمایند و خوب حل کنند و اجزا را بایک که بسیار  
 نرم سائیل و و بسته باشند و هر چند نرم تر باشد بهتر است \*  
 دهن قنبیل دیگر که انواع جرب رطب و زخم آتشک را  
 بسیار نافع است \*  
 صنعت آن قنبیل شش مثقال صیفری که دوتوله بوزن بنگاله است سیماب کو کرد زرد خالص صاف  
 که بهندی که آملیها رگویند و کو کرد احمر که بهندی سنبل عی نامند مرد اسنک توتیا اخضر هندی شنجرف سونج که  
 بهندی سیند و نمایند از هر يك نیم مثقال صیفری که دو ماشه بوزن بنگاله می شود سیماب را با کو کرد بسایند بعد یک  
 اجزای سیماب مسوس نکود و سائر اجزا را نیز با هم بسیار نرم بسایند که مثل غبار گردد و در پنجاه مثقال روغن  
 کافور تازه که بیکصد و یک آب شسته باشند خوب مزوج نموده بر موضع جرب یا آتشک بمانند و یک روز در میان  
 با آب گرم بشویند یا هر روز با صله پنج شش ساعت نجو می از مالیدن آن \*  
 دهن قنبیل دیگر جهت قروح و جروح خمیثه  
 آتشک و جرب رطب خمیثه \*  
 صنعت آن بکیروند قنبیل که بهندی که میله نامند دوازده درم فلغل سیاه یک رمل توتیا  
 اخضر هندی که بهندی نیله تهوتها نامند نیم درم همه را سحق نموده با روغن یا سمین چهل مثقال مزوج نموده  
 بکند از آن تا نه نشین شود صافی آنرا بر جراثیمها بمانند و چون دهن صافی آن تمام شود باز دهن یا سمین خالص که  
 بهندی چنبیلی نامند داخل نمایند \*  
 دهن اگر اث نافع جهت رجع اذن و ثقل سامعه که از برودت ریه باشد \*  
 صنعت آن مرزنجوش افسنتین رومی از هر يك سه مثقال یک شبان روز در آب بخیسانند پس جوشانند و مالیدن صاف کرده  
 آب برک کند تا از پنج مثقال در روغن کنبیل بیست و چهار مثقال داخل کرد و با آتش ملایم طبع دهند تا آب رفته روغن  
 بماند و احتیاط نمایند که رمقی آب در آن باقی باشد و عند الحاجة نیم گرم نموده شبان روزی دوسه قطره در گوش  
 بچکانند \*  
 دهن القنبوب السبعه منقول از قرا بادین عیسی بن ماسویه مرطب و نافع است از برای هر مرض یا پس و  
 مزبل علتها می سودای است خصوصاً حمل اعوجاج ام و مالینخولیا مالیدن و آشامیدن و سقوط نمودن بآن و آنچه  
 شبیه باشد با اینها ممکن است معالجه امراض حادثه از سائر اخلاط باین نیز مثل آنکه در نزد غلبه حرارت و امراض

حادثه از صغیرا اضافه کنند بآن مثل روغن بیهضه و روغن نیلوفر و زرد بودت و باج و بدل مغز تخم گل و مغز تخم هندوانه  
 لغت و مغز حب الخروع کنند در اینحال آنرا می کنند در مثل فالج و لقوه و رعشه و سوزش و کوفته و روغن که فرا می گیرند از  
 لبوب سبعة هرگاه استعمال کند آنرا صاحب صداع بارد یا بس در بینی و گوش و بر سوزناغ است آنرا نهایت نفع \* صنعت آن  
 مغز فندق مغز پسته مغز بادام شیرین مغز چلغوزه و کچال مغز تخم کد و مغز تخم هندوانه اجزاء مساوی کوفته بطریق  
 استخراج روغن بادام روغن ازان برآورند و در نسخه دیگر بجای تخم هندوانه مغز گردان است \* دهن دهان و  
 رومیان است معنیش برومی ده دوا بود معده سرد را نافع باشد و اعضا را محکم کند و بهر دردی که از سردی باشد نفع  
 دهد \* صنعت آن مصطکی دوازه اوقیه در چینی شش اوقیه روغن بان یا روغن زیت هرکدام که موجود باشد چهل  
 و هشت اوقیه بر روغن بلسان و موم سفید از هر یک دوازه اوقیه چنانکه رسم است طبع دهند \* دهن مبارک منقول از  
 شفاء الاسقام این دهن را شیخ داود در تذکره باسم دهن اللقوه ذکر کرده نافع است از برای لقوه و فالج و کوفته و عرق  
 النساء و والی و نفرس و تحلیل ریاخ کند و مهبه باه است و شهوت جماع و قطور آن در گوش جهت گرمی و گرمی گوش رسیده  
 صماخ در یک روز موثر است و فرجه آن جهت جمیع امراض رحم سفید \* صنعت آن حله شونیز یا سوریکه کوبیده و سقیه  
 بزیت بطریق تحميص بروی آتش نماید تا سه وزن روغن را جلب نماید پس تقطیر دهن بقوع معکوس و بقوع و  
 انبیق نمایند و اول بهتر است \* دهن مجرب بجهت خن رو عشه و فالج و استخراج مفاصل دارد و عروق النساء منقول از  
 خط استاد الاطباء میرزا سلیمان طبیب شیرازی غفر الله له \* صنعت آن قصب الذریر و بود قسطان از هر یک سه مثقال از خردلی  
 سورنجان مصری کبابه چینی ناردین اسارون از هر یک دو مثقال زردباد در شیشمان عاقر قرحا مغز بغل آدمی پورقین  
 از هر یک یک مثقال مجموع را نیم کوفته با سه پیاله آب بجوشانند آن مقل از یک پیاله آب بمالد پس شیره آن را برآورند و  
 روغن کل سرخ روغن یا سهمین روغن زنبق روغن یا بونه از هر یک دو مثقال داخل کرده بجوشانند چنانکه آب  
 برود و روغن بمالد پس جل و اریخته آنرا نموده چند بیل ستر فروزون از هر یک سه مثقال جوز برنج بیل از هر یک  
 دو مثقال مقل ازرق یک مثقال کوفته و بجزیر بپخته در هاون سنگی کنند و روغن را اندک اندک بر آن چکانند  
 و بک سته بمالد تا تمام روغن بآن مخلوط شود بعد ازان موم میانی معال فی دود آنک در آن حل کنند و در سینه  
 نکاهند از آن \* دهن المسمى بجموعه استعمال کرده می شود در جمیع علل دارد و در آنرا عسل انداخته \*  
 صنعت آن روغن خیری روغن یا سهمین روغن قسط روغن سوسن روغن بید از هر یک سه مثقال روغن اسفند روغن  
 حب الغار جملة مساوی قدری چند بیل ستر و اندکی مشک سرده با آتش ملایم با آتش ملایم روغن نموده و با شش مثقال سالیف  
 ز این روغن احد اث بیس نمی نماید در اعضا منقول از اصول التراکیب طبیب اندین سوزش و کوفته و دهن منقول  
 قالیف والد حکیم میر محمد مؤمن میر محمد زمان تنکا بنی رحمه الله تعالی مقوی معده است و منحل در ج آن روغن است  
 از برای جگر \* صنعت آن مقل ازرق سه مثقال سنبل الطیب معطکی علك البطر از هر یک یک مثقال شاق اسارون سوسن  
 قصب الذریر از هر یک از هر یک دو مثقال ادویه را کوفته و روغن یا بونه و روغن کل سرخ از هر یک یک مثقال از هر یک  
 در شیشه کوده روغنها را بر روی آن کرده در آفتاب بکشد از آن اگر تا بیستادین باشد هر روز بر هم زنند و اگر بیستادین باشد در هر یک  
 گرم کل از آن تاده روز پس استعمال نماید که بعون الله تعالی نافع است \* دهن سوزش و کوفته و دهن منقول از اصول  
 جراحات را و ملحم آنهاست و داخل کرده میشود در معاجین کبار و روقه مقام دهن بلسان است \* صنعت آن بکسور و سوزش  
 جلیل شش اوقیه و تخم ساندل بعد سحقی بصاغل شارب خانی از مایه مقل ازرق و زرد و روغن کدو در سوزش و سبب شش

شش روز پس تقطیر نمایند در حمام ماریه تا آنکه صعود نمایند عرق سطرگردد و باقی ماندن صافی در ته قرع و قوت این دهن مثل قوت دهن بلسان است در منع عفونات و غیرها \* دهن مرجان نیز منقول از طب براکسوس نافع است از برای جمیع امراض سیلانیة جاریه مثل سیلان رحم و قروح خبیثه و مسکن وجع عین و مصغف سیلان رطوبات از دماغ است و طلای آن مقوی دماغ است و نافع است مانند غشی و خفقان را \* صنعت آن بگیریند مرجان هر قل رکه خواهند و سحق نمایند و بریزند بران سرکه مقطر آنقل رکه و آنکشت بر بالای آن بایستد و بکند ارند در جای گرم تا آنکه منحل گردد پس رطوبت را از آن برانند در حمام ماریه تا خشک گردد پس بچکانند بران آب خالص چند مرتبه تا اینکه برود ترشی آن پس بکند ارند در مکان نمناک بد رستیکه میکردد روغن شربتی از آن یک قیراط است با بعضی از میاه مناسبه \* دهن المسمن از اختراعات صاحب خلاصه التجارب است گفته که بر هر عضو که بمالند و گرم نگاه دارند فربه کند و ممل اومت بران نمایند و اگر بر تمام بدن بمالند همچنین و در مه های خبیثه و ریاح را دفع نماید \* صنعت آن بگیریند خراطین و علق از هر یک یکمن و نبات انجرو نیم کوفته و من و درده من آب بپزند تا نرم گردد و مهرا شود و آب بثلث آید پس آن را بمالایند و پیا ز نرکس نیم کوفته ده سیر تخم انجرو تخم خروع نیم کوفته پنج سیر کونب یک سیر زفت سه سیر شیوخر نیم من در آن افکنند و با تش ملایم بجوشانند تا یکمن آب بمالند آنرا صاف نمایند و سه سیر روغن بلاد ریخته و هفت سیر روغن کنجد تازه در آن بریزند و با تش ملایم بجوشانند تا آب برود و روغن بمالند در طرفی نگاه دارند و عند الحاجة بکار برند \* دهن المفاصل جهت وجع مفاصل مزمن منقول از طب فرنکی \* صنعت آن روغن صمغ درخت پسته روغن بابونه از هر یک شش مثقال روغن دریا و روغن سنبل از هر یک سه مثقال میعه سائده و رازده مثقال مرهم خطمی سی و شش مثقال درهم نموده بریدن مواضع موجهه بمالند \* نسخه مرهم خطمی این است ریشه خطمی شمی و شش مثقال بزرگتان حله پیا ز غنصل از هر یک بیست و چهار مثقال کوبیده در سه چهار یک آب با تش ملایم یکشما نروز بجوشانند تا ما لنند مرهم شود پس از پالایش بکند و بکشد و پنجاه درم زیت داخل کرد و با تش ملایم بجوشانند تا روغن از ثفل جل آگردد پس صافی نموده استعمال نمایند \* دهن ناریکیرا از تراکیب اطباء هند است نافع است از برای ریاح غلیظه و از برای اوجاع رحم بارده \* صنعت آن به نسخه شیخ رئیس در قانن سکینینج بارزد سهک هندی خردل سفید از هر یک پانزده درم علك الانباط هشت درم جاوشیرچهار درم قرفة الطیب قسطزار وند طویل زراوند مل حرج از هر یک دو درم و ج ترکی اشق خیارشمبر که آنرا ناریکیرا گویند و درای مشهور است فل عاقر قرحا از هر یک دو درم و نیم زرنبا و درونج عقری چند بیل ستر حسا سد اب صحرائی سد اب جبلی قيصوم اصل السوس آرد شیران موکرنب مرزنجوش قرنفل پستانبی از هر یک نیم درم مرصافی حلتیت طیب حلتیت منتن انجل ان از هر یک ربع درمی زیت نه رطل آب هجد و رطل ادویه را نیم کوفته زیت و آب را داخل کرده چند آن بجوشانند که آب برود و روغن بمالند پس فرود آورده بمالایند و در شیشه کرده سوش را بسته نگاه دارند شوبتی از نیم درم تاد و درم با آب سرد \* دهن ناردین یعنی روغن سنبل رومی منافع این روغن بسیار است و این دهن اشرف ادهان است نافع است از برای هر وجعی که بوده باشد از برودت در باطن و جمیع امراض بارده چون فالج و لقوه و عشه و استرخای اعصاب و اوجاع مفاصل و عرق النساء و ریاح باطنی و مسکن اوجاع اذن بارده است و زایل میکند اوجاع آن را و مزیل صواع و شقیقه است و سعوط کردن بآن و تسکین دنگ میکند در زایل میکند قولنج و مغص و زحیرا و نافع است از برای اوجاع مغص و زحیر و تسکین اوجاع کبد و بطن میوه و تسکین رجم میکند و بمزرقه می چکانند در احلیل پس نفع می دهد از برای کوبه و مثانه و استرخای مثانه و زیاده میکند نعوظ را

و نافع است از برای ضعف معده و جگر و کلیه و اثبات سمع و درد در رحم و احتباس حیض و درد اعضا و اعصاب شربا و ضماد از  
احتقانها \* صنعت آن به نسخه شیخ رئیس بد آنکه این روغن را سه طبخه است \* صنعت طبخه اولی بکیرند قصب  
الذریه و سعل کوفی برک غارعود بلسان ساج هند ی را سن اذان الفار از خرمکی ابهل برک مورد قود ما نا مورف جوش  
ازهریک د و اوقیه اجزا را نیم کوفته در یک کنند و بشواب و آب خالص بخمسانند و بعضی بجای شراب نیبیل زریب و  
و عسل گفته اند می فو مایند که هرگاه من این روغن را ساخته ام بجای شراب و نیبیل عرق فرجه مشک کرده و مرضی از آن  
زیاده از آنچه روغن نارد ینی که شراب یا نیبیل داشته منتفع گردید و اند با یک بود و باشد آب و شراب یا آب و عرق  
فرجه مشک آنمقل ارکه از روی ادویه در نکشت بر کرد پس ببندد زدن روغن کنجد تازه پنج قسط و با آتش ملایم  
در یک مضاعف شش ساعت آنرا بپزند و هر لحظه آن را حرکت دهند پس از آتش برگیرند و بکند آردن تا سرد شود و  
بپالایند و بعضی بجای پنج قسط روغن کنجد پنجم گفته اند و در نسخه یحیی بن عیسی بن جزله وزن روغن کنجد هفت  
رطل و نیم است و بعضی گفته اند که بعد از آن که در آب و شراب خیسانید و باشند اجزا در یک مضاعف بجوشانند و در  
بلحه برهم زنند تا آب و شراب برود و روغن بماند پس بپالایند و بکند آردن تا سرد شود و در نسخه که حکیم مؤمن در  
تحفه المؤمنین ذکر کرده بر اجزای طبخه اولی که ذکر شد قسط تلخ ناردین ازهریک د و اوقیه افزوده و گفته که اجزا  
را نیم کوفته در شش صد مثقال شراب کهنه یا جهوری یا نیبیل زریب و عسل و در هزار و یک صد و پنجاه مثقال آب  
تا شش ساعت بجوشانند بعد از آنکه یک شبانه روز خیسانید و باشند \* صنعت طبخه ثانیه بکیرند قصبه  
کل سرخ منزوع الاقماق و عصاره مورد تر سلیخه سیاه مرمکی صافی ازهریک د و اوقیه و نیم کوفته داخل کنند در آن آب مزوج  
یا شراب آن مقل ارکه تر سا زدا دویه را در روغن مطبوخ را که در آن جوشانند نسوزد و با آتش ملایم در فل مضاعف سه ساعت  
بجوشانند و سرد کرده بپالایند و بعضی این اجزا مذکوره در طبخه ثانیه را ازهریک پنج استار و در چینی و حما ما ازهریک  
سه استار آورده و گفته که همه را نیم کوفته بشواب مزوج با آب یا نیبیل عسل و زریب مزوج با آب یا جهوری و در نکشت  
آن مقل ارکه در نکشت از سرد و با بکند و آن روغن صافی نموده از طبخه اولی را با وی بپالایند و با آتش ملایم در یک  
مضاعف سه ساعت بجوشانند تا آب و شراب برود و روغن بماند پس بپالایند و سرد کنند و حکیم مؤمن اجزاء طبخه  
ثانیه را با این موجب ذکر کرده کل سرخ دارچینی حما ما آب برک مورد قود و اگر بپالایند و الا برک مورد خشک کنند و در  
و مرصافی ازهریک بیست و سه مثقال و گفته که تا سه ساعت ثانیه بجوشانند که بنصف رسد و بپالایند و در نسخه یحیی بن عیسی  
بن جزله اجزاء طبخه ثانیه کل سرخ و آب مورد ازهریک سه اوقیه و حما ما د و اوقیه است \* صنعت آن طبخه ثانیه را با این  
یعنی سنبل رومی قرنفل و میعه سا نله ازهریک سه اوقیه جوز و پنجاه اوقیه روغن بلسان شش اوقیه و در آن آب  
داخل کنند و بر آتش نهند و چون کرم شود داخل کنند در آن روغن مطبوخ مذکور و روغن بلسان و میعه سا نله را و در یک  
دهند تا نیکو مخلوط شود و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند پس بپالایند و سرد کرده و در شیشه کنند و در آنرا محکم بپند  
و در وقت حاجت بقدر حاجت بر آورده با ز سر آن را محکم بندند که هوا کسوفت آن نکند و بعضی گفته اند که در این طبخه  
سنبل رومی قرنفل و میعه سا نله ازهریک ربع رطل جوز و پنجاه اوقیه روغن بلسان نیم رطل است و در نسخه که  
کوفته بشواب مزوج با آب آنمقل ارکه در نکشت از سرد و بر آتش ملایم در فل مضاعف بجوشانند و چون سرد  
آید روغن مطبوخ را داخل کنند و بجوشانند تا آب و شراب برود و روغن بماند پس برود و آید و در شیشه بپند و در آن  
با رو در یک کنند و روغن بلسان و میعه سا نله را داخل کنند و حرکت دهند آنرا تا داخل شود پس از آتش بر آورده و در



کرده در شیشه نگاه دارند و سر آن را محکم بندند و حکیم میر محمد مؤمن جزء طبخه ثالثه را با این موجب ذکر کرده سنبل  
 رومی سنبل الطیب قرنفل میعه سائله بروغن بلسان و اگر نباشد روغن زیتون کهنه از هر يك بیست و سه مثقال روغن  
 کنجد شش صد مثقال با آتش ملایم با آب بجوشانند تا آب رفته روغن بماند نگاه بدارند و استعمال نمایند و بر  
 نسخه حکیم میر محمد مؤمن اعتماد نیست \* دهن ناردین به نسخه بحی بن عیسی بن جزله سودمند بود بجهت درد  
 معد و جگر و قولنج و سردی اعضا چون اعضا را با این روغن چرب نمایند و سردی اندرون چون بیا شامند و یا طلا کنند و  
 از برای درد رحم چون زن استعمال کند چون در کوش اندازند درد کوش را ساکن کند و چون در بینی اندازند درد سرد  
 نیم سر را ساکن کند و چون چند قطره در سوراخ احلیل چکانند سستی مثانه را زایل گرداند \* صنعت آن قصاب ال ریره  
 سعل کوفی برک غارعود بلسان سازج هندی را سن ا بهل اذخرمکی برک مورد قرد ما نا اذان الفارمرزنجوش از هر يك دو  
 اوقیه نیم کوفته درد یک آهني کنند و شراب یا نبیند و بجز چند آنکه از سر آن بکند رو آب نیز پاره اضافه آن کنند و هفت رطل  
 و نیم روغن کنجد در یک مضاعف آن را به پزند با آتش ملایم و هر لحظه بمالند تا شش ساعت پس از سر آتش بردارند و صافی  
 نمایند و روغن و آب را از هم جدا گردانند و بستانند کلی سرخ و آب مورد نیز از هر يك سه اوقیه حماما دو اوقیه نیم کوفته در یک  
 کنند و شراب یا نبیند و بجز و غسل و آب چندان بر سر آن ریزند که اجزای پدید شود و روغن که بخته کرد از آن جدا کرده  
 در آن کنند و در یک مضاعف با آتش ملایم سه ساعت به پزند پس سرد کنند و روغن از جدا گردانند و صافی نموده پس  
 بگیرند سنبل الطیب قرنفل میعه سائله از هر يك سه اوقیه جوز بوا پنج اوقیه روغن بلسان شش اوقیه ادویه را نیم کوفته  
 با آب عذب چند آن بر سر آن کنند که اجزای پدید شود با آتش ملایم بجوشانند پس روغن بلسان و میعه سائله در آن اندازند  
 و بخیسانند و روغنی که صافی کرده بودند در آن اندازند و دیگر باره بجوشانند تا آب تمام شود و روغن خالص بماند بردارند  
 و صافی نموده در شیشه کنند و سر آنرا محکم کرده نگاه دارند و در وقت حاجت بکار دارند \* دهن ناردین منقول از منصوری  
 محمد بن ذکریا صاحب منهاج الی کان گفته که نقل کردم من این نسخه را از خط قاضی فتح الدین \* صنعت آن روغن بان  
 یکوطل سنبل رومی شش درم سعل کوفی قصاب ال ریره مصطکی رومی اذخرمکی از هر يك يك مثقال اجزای نرم کوبیده  
 در روغن بان داخل کرده بیست روز در آفتاب گذارند و هر روز و مرتبه بر هم زنند پس بجا لایند و نگاه دارند \* دهن  
 ناردین به نسخه دیگر \* صنعت آن ناردین رومی قصاب ال ریره حب الغار سعل کوفی عود بلسان لك مغسول برک مورد  
 سازج هندی اذخرمکی ا بهل برک راسن قرد ما نا مرزنجوش کبابه مخلصه سنبل الطیب از هر يك ده مثقال کوفته  
 در هفت صد و پنجاه مثقال آب بخیسانند يك شب و صبح آن را بجوشانند آنقدر که ثلث آب بماند پس بمالند و  
 بفشارند و صافی نموده روغن کنجد چهار صد و پنجاه مثقال داخل نموده چند آن بجوشانند که آب رفته روغن بماند  
 صافی نموده در شیشه نگاه دارند و در نسخه دیگر آورده که بعد از آن که سه خمس آب بر دصافی نموده روغن کنجد بمقدار  
 مذکور داخل کرده چند آن بجوشانند که آب رفته روغن بماند صافی نموده روغن را علیحدله در شیشه نگاه دارند \*  
 دهن النبیاح تالیف حکیم میر محمد مؤمن نافع از برای اختلاج و ریاح و تشنج و فالج و امراض بارده اعضا عصبانی و  
 از برای تقویت اعصاب و تفتیح اوجاع بارده و تحلیل مواد غلیظه و مجرب است \* صنعت آن حصی لبان مقل ازرق میعه  
 سائله از هر يك ده درم اشق فرقیون حب بلسان خریق سفید زرنب کبابه چیننی شیطان هندی ماهی زهرج قرنفل از  
 هر يك شش درم جوز بوا از نیمیل بلاد از هر يك پنج درم کنند رین رسیدا لیوس تخم کندها شونیز تخم تره نیوک نانخواه قسطا  
 تلخ شبت از هر يك چهار درم سعل کوفی مرزنجوش حله اسپند مغز نجوک که باد ام تلخ کوهی است مغز و حب الغار

اشنه از هر يك نه قيراط يك هفته در هزار مثقال عرق بهار نارنج و امثال آن بخيسانند و بجوشانند تا به نصف رسد  
بپالایند و با يكصد و پنجاه مثقال روغن بید انجیر بجوشانند تا آب برود و روغن بماند پس سکنجبین چار شیر فرغون  
مومیا نئی مبعده سا ئله قنه ملك البطم از هر يك سه مثقال دران حل کرده پس بگیرند سنبل الطیب سر مکی صافی زعفران  
قصب الذريرة قرنفل از هر يك سه مثقال دارچینی سیلان پنج مثقال چند بید ستر فلغل دار فلغل از هر يك دو مثقال  
کوفته و بشخته داخل روغن مذکور کرده و در ماهون سنگی و اگر سنگ سماق باشد بهتر است يك سته بماند تا نیکو مخلوط  
شود و در شیشه نگاه دارند \* دهن النوشا در سبات و در کند و سهر مفرط آورد چون قدری از آن بر آید تهرنج  
نمایند \* صنعت آن نوشا در نمك نفتی تخم سپندان تخم جرجير فلغل سیاه زنجبیل کاکچ اجزا مساوی نیم کوفته در آب  
بجوشانند تا مهر اشود پس صاف نموده با هموزن آن روغن بید انجیر با آتش ملایم بجوشانند تا روغن بماند \* دهن  
النوره چون بوی آن بماند موی را زایل کند \* صنعت آن آهك بیست دوم روغن يكصد درم همه را با هم بپا میزند  
دسه روز در آفتاب و سه شب در ماهتاب گذارند و همیشه بر هم زنند و بعد از آن بر ماهیتابه دهند تا روغن از وی جدا  
شود روغن را بدستور نوره بمانند موی را به برد \* دهن هندی معروف نزد اطباءى هندی به کها و تیل با خفای ها  
و ترجمه آن دهن العظیم القروح است بجهت آنکه کها و بمعنی قرعه است این دهن بجهت ازخم شمشیر و تیور و خنجر و کوب  
و زخم تفنگ و نیزه و از برای قروح آتشك و جل ام و نا صور و هر قسم زخمی که در بدن انسان و حیوان باشد بپاشند  
نافع است و مجرب و گفته اند که هر قسم د بلی و زخمی و جراحتی که باشد بر پنبه کهنه کرده و بزخم گذارند انشاء الله تعالی  
در سه چهار روز بهتر میشود \* صنعت آن روغن کنجد ششصد و هفتاد و پنج مثقال آب برك نیب هفتاد و پنج مثقال  
آب برك کنار آب برك حنا از هر يك هفتاد مثقال قسط شو نیز و زنجبیل رال سنگ ریزه سنگ تیلبه و مورد استك جوارحت  
کاغذ سوخته استخوان بزبوسین که در دیوارها میباشند که آنرا سوزانید و با شند از هر يك سه مثقال انجیری هندی  
دیکه مالی از هر يك يكه مثقال و طریق ساختن آن آنکه اول مرتبه روغن را در تیل کرد و بجوشانند و قهنگه بجوش آن  
د و بعد در بلاد در میان روغن اندازند تا چند جوش زند اگر در همان جوش زند با روغن بلاد در میان جوش  
بشود و الا آنها را بر آورد و پاتیل را فرود آورد و ساعتی بگذارند و آب برك نیب و آب برك کنار را داخل کنند و باز  
پاتیل را بر آتش گذارند تا خوب بجوش آید بعد از آن قسط و شونیز و زنجبیل و دیکه مالی و انجیری هندی را کوفته و يك سته درسی  
رعه مثقال آب بخيسانند و روزی در روغن مذکور داخل کرده آنقدر بجوشانند که آب بر طرف شود و روغن بماند  
بعد از آن روغن را بپالایند و رال و سنگ تیلبه و سنگ ریزه و سنگ جوارحت و مورد استك و کاغذ سوخته و استخوان  
بزبوسین سوخته و کوفته و بشخته داخل کنند و بجهت زخمها با پنبه کهنه بر روی آن زخم گذارند و اگر بر آب استك  
باشد و مثقال موم سفید و هفتاد و پنج مثقال مسکه کا و ورقه ری پیه کرده و بزداغ کرده و چهار دانگ زاج اخضر و مسک  
بتو تیاى هندی که آنرا بهندی مورتو تیا گویند داخل کنند و در قروح و جراحتهای دیگر و زخمها استعمال نمایند  
نیست \* صنعت این دهن به نسخه دیگر روغن کنجد و سیر شامیانی آب برك نیب و سیر آب برك کنار و سیر  
و نیم پیه کرده و بز نیم سیر موم کاغذی و توله بلاد رسه عد قسط و توله خولنجان و توله و زنجبیل و دیکه مالی که  
مالی مورد استك تو تیاى هندی سنگ جوارحت سنگ تیلبه سنگ ریزه کاغذ سوخته زبان سگ سوخته استخوان نیم و  
کهنه که در دیوارها باشد سوخته و طریق ساختن این روغن این است که پاتیل بزنجی را بر آتش نهاد و روغن کنجد  
در آن داخل کرده و بلادها را شکسته در آن اندازند و آنقدر بجوشانند که بلادها سوخته شود پس بلادها را سوخته در آن

برآورد و بیه و موم و آب برک نینب در آن داخل کرده بعد از سه چهار رجوش پاتیل را بر زمین گذاشته آب برک کوکنار  
 و روج و انبی هندی و دیکه مالی کوفته و پیخته یک شب نروزد و رسته با واسطه آب خیسسانیل داخل کرده بر آتش نهان و آنقدر  
 بجوشانند که آبها تمام بسوزد و روغن بماند بعد ازان از پارچه پمالا بند که تمام روغن برآید پس ادویه سوخته را در آن  
 روغن داخل نمایند بعد ازان مردا سنگ توتیا هندی سنگها سودا استخوان سوخته زبان سگ سوخته گازل سوخته  
 که مجموع را مثل غبار پیخته با شستن در آن داخل کرده برهم زنند و در شیشه نگاه دارند \* دهن له قلس سره نافع  
 از برای جراحات که با اندک زمان بلکه در یکروز با صلاح می آورد \* صنعت آن ثلاثین تراشید و برک نینب بیخ انجبار پوست  
 درخت مغیلان از هر یک پنج مثقال در سه رطل آب بجوشانند تا ثلث آن بماند پس بمالند و پمالا بند پس بگیرند یک  
 رطل روغن کنجد تازه و در مطبوخ داخل کرده چند آن بجوشانند که آب برود و روغن بماند پس بگیرند موم میانی  
 و ارا بجدی قفر الیهود مصطکی رومی از هر یک چهار دانگ و در آن روغن کد اخته پس بگیرند میل و بگری که آنرا مغاث هندی  
 گویند زاج سفید سنگ سرمه سفید گازل مصری سوخته سنگ جراحی کات هندی زرد چوبه از هر یک یک مثقال کوفته  
 بعد بر پیخته داخل کرده و پیاز سفید روغن کنجد بریان کرده صلایه نموده که چون سرمه کرد در آن داخل کرده در هاون  
 سنگی بل سته بمالند تا یکسان شود در شیشه کرده یک هفته در آفتاب کاند و هر روز مرتبه بمرتبه بزد پس برداشته  
 نگاه دارند و بکار برند \* دهنی که قلمی فرموده اند که از قلع و حکما سید سندن و استاد و والد این فقیر سید محمد هادی العلوی  
 قلس سره است مقوی شعر است و موی پروراند و از افتادن نگاه دارد و نکند ارد که سفید شود و دراز کرد اند \* صنعت آن  
 برک حنا برک مورد ورق النیل پر سیا و شان صندل سفید سنبل الطیب ساج هندی عا شنه چوب چیننی پوست هلیله  
 کابلی پوست هلیله سیاه پوست هلیله آمله منقی از هر یک دو مثقال سعد کوفی حب الاس قر نفل عود هندی خام  
 عود الصیب از هر یک یک مثقال جوز بوا بسباسه از هر یک نیم مثقال اجزای نیم کوفته یکشب در کلاب و آب برک چغندر و آب  
 اسفناخ و آب آمله تازه از هر یک بیست مثقال بخیسانند و اگر آمله تازه نباشد پنج مثقال آمله خشک در آبهای مل کور  
 یکشب بخیسانند پس پمالا بند پس ادویه نیم کوفته یکشب در آن بخیسانند بوزن آب نقوع آب هندی آن داخل کرده  
 بجوشانند با آتش ملایم تا به نصف رسد پس بمالند و پمالا بند و روغن کل سرخ روغن مورد زیت طیب از هر یک بیست  
 مثقال روغن بنفشه بادام هشت مثقال روغن مغز بن بانزده مثقال روغن یاسمین ده مثقال داخل کرده در قلع رمضا علف  
 بجوشانند تا آب برود و روغن بماند لا دن عنبر اشهب زفت رومی عطر صندل حصی لبان عطر عود هندی از هر یک دو  
 دانگ داخل کرده در شیشه نگاه دارند \* دهنی که جمیع زخمها را نافع باشد و در سه روز زخمیکه باشد با صلاح آورد  
 و درین باب بهتر از روغن شیخ صنعان است \* صنعت آن بگیرند مرغ سیاه که آنرا بهندی کرکنا تی گویند و پرها را  
 تمام دور کرده و همچنین درست درست در شیشه کرده پنج استار شاه جهانی روغن کنجد بر روی ویا کرده و احتیاط  
 کنند که بغیر از چیزی دیگر از اجزای آن در نشود و تا چهل روز در آفتاب کاند و بعد ازان هر جراحی که یا بند  
 بکن دارند تا سه روز بهم آید \* دهن منقول از خط سید الاطبا میرزا محمد رحیم که قلمی فرموده اند که عالیقدری و مقرب الحضرت  
 محمد آقا چراغی مسجل جامع مشهور مقدس بتجربه رسا نیک و به جهت زخم تازه و جرب رطب و درد اعضا خصوص وجهیکه  
 از ضربه و سقوطه بهر سید و باشد و شقاق دست و پا حتی شقاق اسب و کوبه ارمنی و عضویکه سرما خورده باشد مالیدن  
 بی علیل است \* صنعت آن موم کافوری سقز از هر یک چهار یک تیریز روغن کافشه برابر مجموع درهم کد اخته بطریق معمول  
 مرتب نموده استعمال نمایند \* دهن منقول از مجربات نواب غفران مآب حکیم میرزا محمد باقر موسوی حکیم باشی قلمی

فرموده اند که این دهن از حکیم علی مشهور است که بواسطه جراحت خصوص برای التحام نفع تمام داشته \* صنعت آن آنچه ظاهر شد اصل السوس بوده که پاک مینمود و عرسته و آب میجو شانیله و شیر میکر فته با روغن کنجد میجو شانیله و تا روغن بمالد و در مرام نیز بعضی اوقات داخل مینموده و اگر زخم تازه بوده تنهائی بکار میبرد و بعضی اوقات چون پنهان میل داشته بواسطه آن که کسی نداند بهر جیره رنگ مینمودند که سرخ بنماید و قلمی فرموده اند که آنچه بخاطر کمترین میسر است اگر بعضی صمغ که کوشش میرواند و گوشت فاسد را بر طرف میکند داخل نمایند انفع خواهد بود اگر چه تجربه نشد اما سند روس نیز اگر داخل نمایند بواسطه التصاق و التحام بد نخواهد بود \* میفرمایند که کهر با بسیار بهر است از سند روس درین موضع و نیز گفته که اگر قدری شب یمانی نیز داخل نمایند بواسطه نشف و تحفیف و طویات نیز خوب خواهد بود و مر مکی صافی بسیار خوب است \* دهن القسط که بجهت فالج و رعشه و تشنج و خدر و امثال آن نافع است باید که منابت اعصاب و اعصاب در دناک را کیسه درشت شب بمالند تا سرخ شود و قد همین نموده بخوابند \* صنعت آن قسط تلخ سنبه الطیب از هر یک بیست و دو مثقال کوبیده و یک و یک روغن زیتون و یک و یک روغن بجزو شاند تا روغن بمالد پس صاف نموده تا سه مرتبه با ادویه مذکوره بجزو شاند و صاف کنند و اگر بجای آب هر مرتبه عرق را زبانه یا عرق بهار کنند بهتر است بعد از آن چند بیل ستر فل فل فرمبون میعه ساکنه از هر یک دو مثقال در آن حل کنند \* دهنی که موی پرویاند و بغایت قوی الاثر است \* صنعت آن زرا ریح را که بالغت تنکابین در ایام و بالغت اصفهانی سین نامند بال و سرا و را قطع کرده سه درم را ساکنه با یک اوقیه روغن بان بجزو شاند تا آنکه غلیظ شود و با مشک و عنبر خوشبو کرده بمالند تا موضع آبله کند و بر موضع آبله موی بر آید \* دهنی که موی را سیاه کند و از ریختن نکاهل آرد \* صنعت آن عفش هلیله کابلی برک مورد از هر یک یک جزو شراب ریحانی بختنه نامیده شود و در آن صاف کنند و یک و یک روغن کنگر اضافه نموده لادن درم داخل کرده با کش ملایم بجزو شاند تا شراب سرد و روغن بمالد و مر شرب استعمال نمایند و صبح با آب شوری بشویند \* دهنیکه موی را سیاه کند و از ریختن نکاهل آرد \* صنعت آن عفش هلیله کابلی آس اجزا مساری با شراب ریحانی بجزو شاند تا مهران شود بعد از آن صاف نموده و روغن استه زرد آلو بوزن شراب اضافه نموده چند آن بجزو شاند که آب برود و روغن بمالد پس آن روغن را بر موی بمالند \* دهنیکه موی را سیاه کند و از ریختن نکاهل آرد \* صنعت آن هلیله کابلی مازو ریخانی بیخ سوسن مورد خشک سادج هلد هفص مکی پوست بیرون کردگان از هر یک دو مثقال برک حنا یک چهار یک حصا ما پنچ مثقال آماله سلق بیخ مشک درشت و یک و یک کوفته یک شب تا روز و روز دیگر آب خالص دومن آب برک مورد یک چهار یک آب و یک و یک روغن پنچ مثقال اضافه نموده در یک آمی کرد و بجزو شاند تا ثلثان آبها رفته ثلث بمالد از آنش بر و کورک و بدست یک و یک بمالد تا اجزا قوت خود بتمامه واپس دهند پس صاف کنند بعد از آن روغن زیتون کنگر روغن دانه تازه اضافه نموده باز در یک آمی بجزو شاند تا آب برود و روغن بمالد بعد از آن لادن کوفته در آن ریختن تا حل شود و موی کورک \* دهنیکه ورم معد باور را نافع باشد \* صنعت آن بابونه اکلیل الملك از هر یک جزوی و آب بجزو شاند تا آنکه بعد از آن روغن باد ام شیرین اضافه کرده باز بجزو شاند تا آب برود و روغن بمالد و در وقت حاجت بکد و بر سر آرد طلا کنند \* دهنیکه بواسطه نافع است \* صنعت آن میعه ساکنه یک و یک روغن مقل ازرق دو درم در روغن استعمال شود و آنرا تلخ حل نموده استعمال نمایند \* دهنیکه تقویت با و کند \* صنعت آن زولباده قسط تلخ زرا و ان مل حرج خود استعمال از هر یک شش ماشه زعفران چهار ماشه کل بابونه مرزنجوش از هر یک یک و یک دهنه کوسه تلخ را برقی کرده ادویه درین را

پاشیل و شب بکند از اند و روز دیگر در آب برک ریختن بجوشانند تا دنبه مهر شود صافی نمود و روغن رای بیل ده توله  
داخل نمود و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند آن روغن را شبها بر قفص بمالند و صبح با آب نیم گرم بشویند \* **دمنیکه**  
جهت رجوع مفاصل منفعت دارد \* صنعت آن مغز قلم کا و پیه بز روغن کل سرخ کنجد بزرگ سملیزا مجموع را باد دنبه  
نرم صلابه کرده بعد از آن با روغنهای دیگر در هم بکند از اند و قدری صبر سقوطی زراوند طویل بیخ فرقیون بنفشه کوفته  
ببخشد بر آن پاشیل و بهم بر آورند و نیم گرم بمالند در بعضی جاها قدری مویزد داخل کرده اند \* **دمن** نافع جهت  
بواسیر و حرقت مقعد \* **صنعت** آن مغز تخم هند وانه شیر و جو مقشر شیر و مغز تخم کن و شیر و تخم خیار بین شیر و سرطان  
آب لسان الحمل آب گل خطمی لعاب ریشه خطمی آب برک با رتیک لعاب بنکوب زراوند آب برک غلبه آب برک  
کند تا آب برک اسفناج کوفته با روغن کل سرخ و روغن کد و آن مقدار بجوشانند که آب رفته روغن بماند سفید آب نشاسته  
صوم کافوری کافور صندل کد اخسته شیاف ایدص کافوری شیر د خنر سفید تخم مرغ اضافه نموده در هاون قلعی بمالند  
تا یکسان شود و استعمال نمایند \* **دمن** که جهت نفخ طحال مجرب است \* صنعت آن اسقرو لوند ریون سه مثقال  
پنج انگشت سه مثقال بیخ کبر سه مثقال زراوند طویل سه مثقال خیسانید صاف نموده با روغن خروع سه برابر چندان  
بجوشانند که آب رفته روغن بماند استعمال کنند \* **دمن** هندی جهت فالج و لقره و درد مفاصل و زخم کهر کهر که از  
قروح خبیثه است و تب کهنه مجرب است \* **صنعت** آن اگر یعنی عود هندی حصی لبان ازهر یک چهار توله زرنبا د قرنفل  
دارچینی بسباسه ازهر یک یک و نیم توله زعفران لچه پات قاقله صغار سعد کوفی سنبل الطیب سکند بالاسکند و تتری  
اشنه عین الی یک ساذج هندی شنجرف ازهر یک یک توله سلیخه دار شیشهان حب الفار جوز بواجوب مید و لکری  
ازهر یک دو توله کلاب نیم آن را روغن کنجد دو آثارد ستور مقرر در اهارا کوبید و در آب بخیسانند پس جوش داده  
صاف کرده کلاب و روغن کنجد اضافه نموده جوش دهند تا آب سوخته روغن بماند \* **دمن** مومیائی مسمی بلهون  
الحیوة \* **صنعت** آن مومیائی انیون زعفران فریون باد آورد عصاره غاف خولنجان را سن کل ارمنی میعه هائله  
ازهر یک دو مثقال صبر سقوطی مقل ازرق عا قرقح قسط تلخ ورق کل سرخ زراوند طویل مغاث شیاف  
ما صیثا برک مورد سد اب کندر با بونه ملک البطم ورق حنا بارزد ازهر یک سه مثقال سورنجان زرد چوبه  
دار فلل ازهر یک چهار مثقال زنجبیل فلل ازهر یک یک مثقال دواهارا آنچه صمغ اسف نیم کوفته در سرکه و  
کلاب بخیسانند و تهمه اجزا را آنچه نیم کوب بایند نمود بکنند و در نیم من سرکه و نیم من کلاب و شبان روز بخیسانند  
و بعد از آن بجوشانند تا ثلث آب بماند و صمغ را در آب گرم بخیسانند تا حل شود صاف نموده و آب دواهای مذکور  
سوا صمغ بعد از آنکه صاف کرده باشند با صمغها ممزوج نموده بروغن زیت یا روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و  
روغن بماند \* **دمن** السرطان که بیوسه تمام بدن خصوص بیوسه سر و دماغ را نافع است \* **صنعت** آن لعاب بزرقطونا  
لعاب بهل انه لعاب گل خطمی سفید شیر و سرطان نهری آب میب شیرین شیر و خرفه مقشر همه را با روغن تخم کدوی  
شیرین و روغن بنفشه با دام و روغن دنبه بره املاک پیه بزغاله آن مقدار بجوشانند که لعابها و آبها سوخته روغن بماند  
مغز قلم که ساله و شیر و خترا اضافه نموده در هاون بدسته بمالند تا یک سان شود بر اعضا یا بسه و بر یا فوخ بمالند \*  
**باب الدال مع الیاء المثناة التختانیة** \*  
دیک بردیک از تراکیب

اطباء فارس است و استعمال کرده نمی شود از داخل جهت آنکه اگر است شیخ داود گفته که از تراکیب نجاشعه است  
از برای خلقای عباسی با صلاح می آورد اگله دهان را و نیز نافع است از برای اگله و ناصور جمیع اعضا و قروح فاسد را

با صلاح می آورد و لحم زائد را میخورد و منفعتی نیک میکند و آزموده است و قطع خون آمدن از اعضای ظاهری میکند  
و قتیکه بپاشند بر آن موضع و تحفیف و طویات سر آن موزا که باشد چون طلا کنند و قلع آثار از زهر موضع میکند چون با عمل  
بر آن موضع طلا نمایند \* صنعت آن به نسخه ملایینی زرنیچ زرد و زرنیچ سرخ از هر یک شش درم مرصافی دو درم آمک  
آب نل یک و پنج درم و در نسخه دیگر با زده درم است زنگار یک درم مجموع را کوفته بپخته بسرکه نیم سوسن و قرحها  
سازند و خشک کنند و بوقت حاجت بسایند و بر موضع علت چند بار با پر مرغی بمالند و قوت این دوا تا شش سال قوت  
میباشد \* دیگر به نسخه سید مظهر الدین شفا می \* صنعت آن زرنیچ سرخ زرنیچ زرد از هر یک شش درم مرصافی دو درم  
آمک آب نل یک و پنج درم زنگار یک درم کوفته بپخته با سرکه انکور کهنه سرشته اقراص سازند و استعمال نمایند \*  
دیگر برد یک دیگر که اسقاط دانه بواسیر میکند و بر هر گوشه زائد که باشند نیست میکند و از برای بشورات مزاجه خصوص دانه  
که آنرا دانه سال گویند و بعضی که از منی نیز نامند و انواع ثلیل و مسما را و نا هورات واکله ها بغیر از کله دهان مؤثر  
است و لیکن در کله دهان چون سم اعی است نباید استعمال نموده \* صنعت آن به نسخه سید اسماعیل دوفیض و دوفیض  
بواسیر زرنیچ زرد سوخته یک درم نیم شخا و یک درم آب نل یک و پنج درم زنگار از هر یک نیم درم و عسل و آب ریح و آب  
انکور بسایند تا سیماب کشته شود پس خشک کنند و مرتبه دیگر با آب سرد بسایند و آنرا مصلع کنند و کاهل ازین وقت  
وقت حاجت بر موضع مقصود بپاشند و محمد بن زکریا گوید که این دوا رو هر دایره تیز بونا صورتی که یک درم و یک از  
واکر میل اند که هنوز چیزی بر می آید یک روز دیگر آسایش کنند و روز دیگر باز یک ازین پس برک اگر آب را به زرد  
روغن کاه و مرهم کرده بر آن بنند \* دیگر برد یک به نسخه آن مرحوم مستعمل در امراض مذکور و سوا ای کله دهان \*  
صنعت آن شواکه آن زرنیچ زرد مصلع است یک جز و نوره غیر مطلقا نیم جز و زنگار ربع جز و کوفته بپخته بر آن موضع بپاشند  
و بزرگ چغندر بر آن بنند نهایت تا سه روز چون قلع نا صورتها بپاشند و خیمه و اجوم زائد فاسد و شک بر آن استه تصدیق  
مغشک کوفته بشیرک و بپخته بر موضع زخم ضامنمایند زخم به شود و گوشت نو برون آید \*  
کتاب حرف الذال

### باب الذال مع الراء المهملة \* فصل در بیان ذرورات \*

بل آنکه ذرور بفتح ذال معجمه و ضم راء مهمله ادویه را گویند که درم سائید و خشک بوضع غسل بپاشند \* در ذرور بکسر ذال  
و مقول مة نزول آب را باز در چشم را روشن کند و بیدان را موافق باشد \* صنعت آن شاد دین علی سی مغسول سوسن  
اصفهان اقلیمهای ذمبی ساذج هندی سرطان محرق تو تیا ای کرمانی مغسول مس سوخته صبر زرد تو بال اصفهان  
زعفران از هر یک دو درم فلغل دا فلغل نو شاد از هر یک یک درم کوفته بپخته بپاشند \* صنعت آن شاد دین علی سی مغسول سوسن  
در وقت حاجت بکار برون \* ذرور یک دمعه و ظلمت بصروا بتلای نزول آب و خیالات و حکم چشم بر سمع است \* صنعت آن  
آب را زبانه تازه پنجه درم زهره کلنگ زهره کبک از هر یک سه درم عسک کافور از هر یک نیم درم شغال اخو بد را سائید و در آب  
را زبانه تازه پرورده در سایه خشک کنند و بکار برون \* ذرور را غیر جرب و قروح چشم و یا دسبل را سودمند بود \* صنعت آن  
به نسخه حار و صغیر محمد بن الیاس بکیرند عصاره را زبانه تازه و بک ازین تا خشک شود و مرتبه دیگر ازین خشک و بکیرند  
گوده بکار برون \* ذرور ما میوان سبل و جرب ردمعه را نافع باشد \* صنعت آن ما میوان چینی یک درم تو بالی کرمانی  
پرورده شیم سوخته پرورده تو بال مس مغسول سوسن اصفهان پرورده از هر یک دو درم کوفته بپخته استعمال نمایند \*  
ذرور کافوری که نافع است از برای حورات چشم و رمل \* صنعت آن صدف سوخته مور را بک تا سائید و زهره یک درم  
نماسته یک درم کافور با حی یک آنک ملایه نموده ذرور نمایند \* ذرور یک قرحه و مور سوج را نافع است \*  
صنعت آن

آن سرمه اصفهانی پرورده شادنج علی سی مغسول صلابه کرده ذرور نمایند و گوشه دنج مغسول تنهارا ذرور نمایند همین  
 نفع دارد \* ذرورد بکرا زبوی بیاض \* صنعت آن زنکارا شق سرط \* نهروی ازهر یک پنچل رم شخم حنظل دودرم ونیم  
 زهره کابورده ارمی ازهر یک دودرم ملج درانی سه دودرم فلفل سفید بیست دودرم زبد البحر چهار دودرم پوست تخم مرغ  
 که بچه بیرون آورده باشد سه دودرم \* ذرور رمادی حمیرت عین و رجوع آنرا که از غلبه خون باشد وسیلان وطوبات و فضلات  
 و انا نفع باشد \* صنعت آن نشاسته کثیرا صمغ آلو ازهر یک دو مثقال صمغ عربی شیاف ما میثا کوفته بیخته استعمال نمایند \*  
 ذرورد بکرا منقول ازبوحنا بجهت بیاض غلیظ با یک که استعمال کرده شود بعد از آنکه پیوسته بحمام رود یا سرور را بخار  
 آب گرم بدارد پس این ذرور را بکار دارد که عظیم فائده دهد \* صنعت آن کف دریا زجاج فرعونى انزروت سفید نبات  
 ازهر یک سه دودرم همه را چون سرمه سحقی نموده در چشم بپاشند \* ذرورد بکرا زبوی بیاض قوی \* صنعت آن بورد نان نمک  
 اند رانی مسحقونیا اجزای کوفته بیخته سحقی نموده ذرور نمایند \* ذرورد بکرا سحقی گفته که ما آرموده ایم چون  
 هر روز چشم را به بخار آب گرم بدارد آنکه این ذرور را در چشم بپاشند بیاض غلیظ را به برد \* صنعت آن توبال النحاس  
 نمک اند رانی زجاج فرعونى توتیای هندى ازهر یک جزوی کوفته بیخته در چشم ذرور نمایند \* ذرورد بکرا بجهت بیاض  
 چشم \* صنعت آن شادنج علی سی پنچل رم دو سخته یک رم توبال نحاس ما میران چینی ازهر یک یک دودرم سرمه اصفهانی  
 یازده دودرم توتیای مغسول چهار مثقال صدف سوخته یک انگ کوفته بیخته استعمال نمایند \* ذرورد بکرا که بیاض چشم  
 را ببرد \* صنعت آن مسحقونیا ده دودرم زبد البحر چهار دودرم زنکار یک دودرم ونیم سکه پنج اشقا ازهر یک یک دودرم صلابه کرده ذرور  
 نمایند \* ذرورد بکرا زبوی بیاض در چشم \* صنعت آن زبد البحر یک دودرم شکر طبرزد دودرم کوفته بیخته در چشمی که  
 بیاض است بپاشند \* ذرورد بکرا که بجهت بیاض عین بسیار نافع است \* صنعت آن کف دریا اقلیمای ذهبی سرکین  
 سوسمار زبد القواریر مرجان سرخ سرطان بحری ما میران چینی اثم اصفهانی توتیای هندى ازهر یک دودرم زنکار  
 نو شاد دریا و فلفل قرنفل سنبل الطیب پوست تخم شتر مرغ سوخته ازهر یک یک انگ ونیم مرقشیشا نمک هندى ازهر یک  
 یک انگ مروراید ناسفته شادنج مغسول ازهر یک نیم مثقال یک ستور ذرور سازند \* ذرور را سود نافع بجهت کوشش پای  
 و آن که کم شده باشد و کوشش میروید و کوشش فاسد را قلع میکند و خون رفتن را باز میدارد \* صنعت آن فوفل  
 کلنا و فارسی ازهر یک دو مثقال شاخ بزکوهی سوخته سه مثقال کاغذ خطائی سوخته یک مثقال نمک سوده بعسل سرشته  
 و سوخته سماق سعد کوفی ازهر یک دو مثقال جو مقشر سوخته کف دریا دارچینی بیخ نی درمنه ترکی سوخته طباشیر سفید  
 غنچه کل سرخ ازهر یک یک مثقال نمک درانی عا قورق حاشب یمانی ازهر یک نیم مثقال کزما زج استخوان هلیله زرد  
 انجبا رعود قمارى خام سوخته صندل سفید سک اصلی را مک پوست زردا توج قرنفل بوک مورد تخم مورد شاخ کوزن  
 سوخته ازهر یک یک مثقال و دم الاخوین کند را اخر مکى ازهر یک نیم مثقال اجزا را کوفته بحریر بیخته بود ها و پای  
 دند آنها بپاشند \* ذرور بیض لثه را محکم کند و قطع خون آمدن و تقویت دندان نماید و بوی دهان خوش کند و کند  
 دهان را ببرد و دندانها را از افتادن و تالک و کند شدن نگاهدارد و منع انصباب مواد بسوی عمورا همان نماید \* صنعت آن  
 عا قورق حاشب ترکی کزما زج سعد کوفی ازهر یک شش دودرم قشور رمان ما زوی سبز قشاکند رگنار فارسی غنچه کل سرخ  
 منزوع الاتماع ازهر یک سه دودرم زبد البحر نمک طباشیر و شب یمانی صدف سوخته ازهر یک یک دودرم ونیم فلفل سفید مصطکی  
 رومی عود بلسان ازهر یک یک دودرم مروراید ناسفته بسک سفال چینی سفید ازهر یک سه دودرم فیلکوش سوخته پنچل رم را اگر  
 بهم نرسد بل آن اصل السوس چهار دودرم کنند شاخ کوزن دندان فیل استه هلیله طباشیر تخم خرثه مقشر نشاسته کثیرا



گشیز خشک سوخته آرد مل من از هر يك هفت درم كوفته بيخته كافور قيصوري نیم مثقال داخل کنند و بردند آنها و لقه  
بپاشند و بعضی اوقات با سرکه مضمضه کنند  
ی اوقات با زیت و روغن نطفه سفید سرشته بردند آنها کل از دل  
بجهت دفع حرکت اماد نرم کوبیدن ادویه نهایت سعی نمایند \* در ورز قویون جراحات مزمنه را به بکله  
و دود فیه التهام دهند و بر سلعه و غل دا نچنان یا بعضی بغیر آب بندند بسرعت زائل سازد \* صنعت آن کنند و مثقال  
موصافی يك مثقال و نیم کلنا فارسی سه مثقال جفت بلوط يك مثقال کل ارمني کل سرخ از هر يك دو نعلت مثقالی کوفته  
از حریر بیخته استعمال نمایند \* در ورز نافع جهت قروح طریقه مزمنه خصوص از برای قروح قضیب را نمیدین و عجان  
و مقعل \* صنعت آن صبر سقو طری مرد اسنگ اقلیمیای مغسول با شراب بعد از آن خشک کرده و توتیای کرمائی  
معد را کوفته بیخته در ورز نمایند \* در ورزی دیگر قریب النفع بل در ورز قبل \* صنعت آن مردار بن ناسفته پوست کد و  
سوخته کوفته و بیخته در ورز نمایند \* در ورز دیگر که همین منفعت دارد و عجیب الفعل است و قروح را در زمان با صلاح  
می آورد \* صنعت آن شب یمانی سوخته توتیای کرمائی مغسول کوفته و بیخته در ورز نمایند \* در ورز سبف تا لیف جالینوس  
بجهت جمیع قروح رطبه خصوص قروح ذکر و فرج و خصیه و در بر ویج را و قتیکه ورم نباشد \* صنعت آن پوست کد و سوخته  
قو طاس مصری سوخته شب یمانی محرق کوفته بیخته بپاشند \* در ورزی از قل و حکم اسید السند و الک عاجل آن می جرم  
قل من سرکه که سبف جمیع قروح خبیثه رطبه است و مجرب است \* صنعت آن سفید اب ارزیشسته شنبلیله شسته و روغن  
شسته و سوخته شسته دم الاخوان مرد اسنگ توتیای کرمائی کلنا فارسی پوست کد و سوخته طین قيصولیا طین شاه موس  
جضض هندی توتیای هندی بریان قنبدیل طین مغره از هر يك جزوی کوفته بیخته اول مرتبه موضع را بشویند که برگ  
حناء و جع و در آن جو شانیله صاف نموده باشند شسته پس در ورز بپاشند \* در ورز اعظم جهت اكله و قروح ساجده مان  
و کلو و قضیب و سایر اعضا مجرب است و از اسوا راست و در قطع خون جراحات و در ریاضت آن گوشت تازه و منع ورم قروح و  
انصباب مواد آرمود است \* صنعت آن موی سر آدمی سوخته کلنا فارسی شاخ کوزن سوخته برگ عناب خشک کرده و اب  
ارمني از هر يك دو جزو کنند و سفید اب قلعی شسته توتیای کرمائی شسته از هر يك يك جزو کوفته و سوخته استعمال  
نمایند و هرگاه در غیر حلق و دهان استعمال نمایند صبر سقو طری مرد اسنگ مکرر با نش سرخ کرده در سرکه سرد کرده مغسول نموده  
از هر يك دو جزو داخل نمایند و اگر خواسته باشند قتیله ساخته در حلیل در سو زک استعمال نمایند نظیر این است \*  
در ورزی که جهت اكله و قروح ساعیه و بواسیر و بواسیر مجرب است \* صنعت آن اسفندیان و صبر سوخته و صبر زرد مسوده  
در ورز نمایند و همچنین در ورز برگ عناب خشک بی نظیر است \* در ورز مصلع از اطباء قدیم است و از عجز یافت شش و است  
مبغف و دافع اكله و قروح ساعیه و گوشت فاسد را ببرد و مسقطه انه بواسیر است و در اسقاط بواسیر نائب مصلع است  
است \* صنعت آن زرنیج سرخ زرنیج زرد از هر يك دو جزو و آهك آب ند يك و زاج سفید از هر يك يك جزو و زاج سرخ  
از هر يك ربع جزوی با سرکه سرشته بیست و چهار روز در میان جو کد اشته پس تصعیل کنند هر چه مصلع آن است جهت  
اذل مال جراحات و اكله و هر چه رسوب آن است جهت اسقاط بواسیر و بردن گوشت زائل استعمال نمایند بهر از برای  
و بی غائله نراست و اطباء فونک شرب آنرا نیز در بعضی امور دافع است و البته اهل اما خلاف واقع است و نباید \* در ورز جهت  
بال شدن خون جراحات و ختنه اطفال و غیره از هر موضعی که باشد و جهت خشک نمودن آن \* صنعت آن کد مسوده  
پیشانی یا پرتیه نامند مرد اسنگ پوست حلیله گابیلی پوست بلبله مرصافی صبر سقو طری برگ مسوده اجزاء مساوی  
کوفته و سوخته یکجا نموده با صلابه کرده بر جراحات بی فغانند و با بخور فیه کینه و با حلیل و بر جراحات و مثقال حلیله

به پيچند و بعد از سه روز زانند که اغلب جراحت خشك شده به خواهل بود \* و ذروراسفیداج واقليميا و از نرروت  
و تشميزج و توتياء هر يك در رسوم خود ها مذكور شد \* ذرور که آنرا **ویند بوی بدن را خوش کند و منع عرق کند**  
دل و دماغ و اوقوت ده چون بر بدن بپاشند \* صنعت آن صندل سفید با گلاب بسایند هر قل که خواسته باشند پس  
در سایه خشك کنند پس در آن مشك خالص عنبر اشهب هر قل که خواسته باشند سائید \* داخل کنند و بر بدن بپاشند  
و اگر بعرض آن عود قماري خام و سنك المسك سوده داخل کنند روا باشد و اکثر نسخ عیبر در حرف العین مذكور خواهد شد  
انشاء الله تعالی \* **باب الذال المعجمة مع الهاء \* ذهب بفتح ذال وها و بالغت عربي است**

و نیز **سچ بفتح سین و سکون سین مهملتین و ضم جیم و دال مهمله و عقیان بکسر عین مهمله و سکون قاف و فتح یای مثناة**  
**تثانیة و الف و نون آمل و بفارسی زرکوبند و درین اوان معروف بطلا است و بترکی النون و قزل نیز کوبند و بهندی سونا**  
**و کنچین نامند و آن معروف است و معدن آن اکثر صحراهای رملی و کوهها و احجار رخوه است از بلاد تحت خط استوا**  
**و بلاد جنوبیه و شمالیه تا اقلیم چهارم بحسب ماهیت و طبیعت معتدل مائل بحرارت و مقوی قلب و دماغ و مقوی**  
**حرارت و رطوبت غریزیه و مفرح و نافع از بوی خفقان و وسواس و جنون و جذام و انواع بواسیر و امراض سرد اویزه و**  
**سفر اویزه و برقان و صلابت طحال و ضعف کرده و سنك مثانه و رفع هموم و میل سرمه که از ذهب سازند جهت تقویت بصر و منع**  
**زرد و درد چشم و ذرور آن جهت آكله و سنون آن جهت درد دندان و مساك آن در دهان جهت دفع بد بوئی آن مفید**  
**است و تعلیق خالص آن جهت رفع فزع اطفال و لیثارس این خاصیت را مخصوص دانند حریف بقدر خورد لی که در نهایت**  
**صلابت میباشند و یا طلائی معدنی متکون میکردند و دانسته اند و لعب با طلا و بدین آن مورث دفع هموم و باعث سرور و**  
**تقویت قلب است و چون کوش را به وزن طلا سوراخ کنند هیچ وقت آن سوراخ بسته نکرد و کوبند مضر مثانه و مصلحش**  
**عسل و مشک است و اکثر را اعتقاد آن است که اصلا ضرری در وی نیست و قدرش برتش از يك قیرا و نیم تا يك انگ**  
**و بدین اش یا قوت و چون از ذهب بشکل هلیله ساخته در خواب و بیداری صاحب توخس مزمن و خفقان و حالات سرداری**  
**در دهان نگاه دارند رفع جمیع اعراض مذكوره از وی می شود و اگر از ذهب خالص انگشتری ساخته در انگشت کنند**  
**جهت داخس و ام الصبیان و مفاصل به نهایت نافع و آب طلا قاب مقوی قلب و حرارت غریزی و کبد و معدن است \***  
**تکلیس ذهب که در مفرحات و معاجین و حبوب و غیرها داخل کرده می شود \* صنعت آن بکیرند ذهب را و در بوطه**  
**که باطن آن را مرداسنك سوده مالید و باشند و اگر آن مرداسنك را بسركه مقطر سائید و باشند بهتر است و مکرر**  
**در آن بوطه بک ازند و بسركه مقطر که در آن مرداسنك سوده حل کرده صافی نموده باشند سرد نمایند و هر مرتبه بوطه را**  
**تا زو بان مرداسنك آلوده باشند و بسركه مذكور را تازه نمایند تا آنکه قابل سحق شود پس آن را سحق نموده بکار برند**  
**بد ستور و بگرد ذهب مسکوک را در بوطه ملطح بمرداسنك کرم نمایند چنانچه سرخ گردد و کد اخته نشود پس آنرا بسركه**  
**مقطر مخلوط بمرداسنك محق که آن سرکه را صافی نموده باشند سرد نمایند و مکرر این عمل کنند تا زمانیکه ذهب**  
**مسکوک قابل سحق شود پس آنرا سحق نموده بکار برند \* تکلیس ذهب بنوع دیگر آنست که ذهب را بک ازند در بوطه**  
**و آب صبر سرد کنند و این عمل را مکرر کنند تا بگرد ذهب مانند خاکستر \* قسمی دیگر که از اسرار است و آن آنست که**  
**مکس نمایند و این را که باقی ماند در آن صورت دیناری دینار سوراخ کرده ابریشمی یا آن بک را بند و کرده اند**  
**کره می محکم پس بکیرند بوطه و در باطن مرداسنك سوده بمالند و دینار را در آن بوطه کد ازند و بوطه را بر آتش کد داشته**  
**بد مند تا دینار سرخ شود و کد اخته نشود پس از بوطه بر آورند تا سرد گردد و مکرر این عمل کنند و مرآت بسیار تا آنکه**

هرگاه آنرا محقق نمایند بگوید مانند و هر مرتبه باطن بر ته مرد استگ تازه بمالند \* نگلیس ذهاب بک ستمور حکما  
هند که جهت خوردن مگس می کنند \* صنعت \* ن چند مرتبه سرب را کداخته در آب نوشاد و ریخته صافی نمایند پس  
ذهب خالص را چند مرتبه کداخته در آن آب بریزند پس صفحهای نازک کرده بزاج سیاه و سرکه آلوده کرده در آتش  
بکندارند و با نمک آب بشویند و باربع آن سرب سوهان کرده در پخته بمرد استگ سوده آلوده بکندارند پس با نل آن  
زیبک در ظرف چینی یا زجاجی بسیار سائید و بروی آتش کدارند و برهم زنند تا زیبک از آن مفارقت کند انگاه بروی  
سنگ سماق بسایند که چون اندکی از آن را بروی آب ریزند مدتی در زیر آب نرود و حد نگلیس جمع فلزات را چهار  
برای تناول نمودن همین مرتبه است و کمترین مرتبه جائز نیست چه نفعی که مقصود است نخواهد داد بلکه ضرر  
میوساند \* نگلیس ذهاب که از سایر طرق بهتر است و بعد از غسل چیزی با آن نمی ماند که نتوان تناول نمود \* صنعت آن  
آب نوره آب قلی و آب ملح طعام را بجز علقه صافی نموده هریک را علقه و بجوشانند تا منعقد گردد پس در جزو از معقود  
آهک و نیم جزو از معقود ملح و نیم جزو از معقود قلی و یک جزو براده ذهاب را با یک یک بکوبند و باید که در ظرف مزج  
بر روی آتش سرخ کنند و بعد از آنکه خوب کرم شد و رسحق یافته باشد و سه روز در جای نمناک بکندارند تا قدری نرم  
بودارد پس بدستور تشویه رسحق نمایند و باز بجای نمناک اعاده کنند تا سه چهار مرتبه انگاه در پخته کد  
آتش دهند که پخته شود پس بعد از سرد شدن بسایند و با آب مکرر بجوشانند و بشویند تا سایر اجزا از شمس  
زائل شود و درین وقت خشک کرده سحق نموده استعمال نمایند و گفته اند که اگر در همین تشویه رسحق تسبیح کوبند  
و آبهای تنک کنند سریع الاثر است و گفته اند که چون طلا را با این رسحق نمایند خوردن آن باعث طول عمر و رفع جمیع  
امراض سوداویه و حفظ صحت است و درین مورد چیزی عذیل این نیست و وقت رشوبتش از یک قیراط و نیم تا یک انگ  
و بل لش یا قوت محلول است \* احراق ذهاب بک ستمور مسعود بن مسعود سنجوری \* صنعت آن بکوار ذهاب و سوهان  
نمایند تا بکود شبیه بخاک ولیکن چیزی قلیل از سرب بران بپاشند پس در کفچه آهنی کوده بران آب نمک بریزند  
و بجوشانند تا آب برود و ذهب و سرب بمالند پس آنرا صلیه کرده استعمال نمایند \* صنعت آن به آشته و بکوار کوبند و ذهب  
سوهان کوده صقل از یک مثقال و قدری سرب سوهان کوده در کفچه آهنی کوده آب و نمک داخل کرد و جهت آن بجوشانند  
که آب برود پس بکوبند تا چون خاک شود و استعمال نمایند و بعضی در اول مرتبه طلا را با قلی رسوب کد  
براده میکنند و بعد از آن با آب و نمک میجوشانند \* حل ذهاب چون طلا را با کلاب و بیل و شک خاص بدون چیزی  
خصوصا از ادویه سمیه حل نمایند و بمقدار رشوبت آن بپاشانند باعث طول عمر و حفظ صحت و رفع جمیع امراض سوداویه  
است و اگر هاون و دسته هرد و طلا خالص باشد بهتر است \* حل ذهاب با مزوار و ورق طلا را با آب سریش محلول حل کرده  
حظی بلیغ و مرور از طلا صلیه رسحق نموده چنانچه چون بر آب ریزند و غامی معتد بروی آب استاده و به رشوبت  
نشود پس این هرد و را در شیشه کده آب تونج بروی آن ریزند چنانچه چهار انگشت از روی روی برگردد و سه روز و نیم  
ماویه کد آتش بد هند پس بتدریج محلول آنرا صافی نموده با آب قریح بران ریزند تا همه حل شود از سریش  
بکندارند و بعضی از فضلی اهل صناعت گفته اند که سوکه انکوری مقلود بروی می کنند آنقدر که چهار انگشت از روی  
و بکودد و سه روز و نیم محلول آن را صافی نموده با سوکه انکوری بران ریزند تا همه محلول  
گردد و از حریر بیک و اند و بروی قدری دهن طوطی و ریزند تا خلاصه آن نه نشین شود و این محلول عقوی قلب و مدین  
آن زیاد کند و ارواح و نافع است از برای صرع و دوار و سردی و سردی و تشویه و تشویه و تشویه و تشویه

گردن منی وها نظ چنین است فرموده اند با اعتقاد این فقیر اگر بجای آب ترنج یا سرکه مقطر عرق کبریت یا عرق نمک بران ریزند بزودی آنرا محلول میکردند \* صنعت حمام ماریه بکیرند و یکی که اطراف آن بلند باشد مانند یک کله بزی و عدس بزی و در تنور کاندانند و نصف آنرا در آب کوده چوبی بر سر آن کف داشته آنچه خواهند در شیشه کردن خمی کرده و بر سر آن شیشه رسی بسته رسن را بآن مضبوط بندند چنانچه شیشه بآب نرسد و در زیر آن دیک آتش کنند و بهتر آن است که در تنور کاندانند چون آتش تنور را نطفه یابد با آتش کنند تا مدتی که آن چیز در حمام ماریه باید که باشد پس بر آورند \* و صنعت دهن طوطیان است که طوطی سفید را بمقدار پانصد درم محق نموده غسل نمایند و با شیشه مائل الرقبه یعنی کج تقطیر نمایند و روغنی که بر روی مقطور بایستند گرفته ضبط نمایند و طوطی در دهن خمر است \* محلول ذهب بانوشادر فقط جهت اخراج سم مجرب طلای آن محلول اورام و جهت داء الثعلب و داء الحیه و برص و بهق مفید و اگر کتال آن جهت غلط اجدان و بیاض و غشاه و کمنه و انباشتن آن در ثقبه غرب جهت رفع آن مجرب است \* دستور حمل ذهب که بکار نقاشی و جلد و نوشتن آید آنست که بکیرند ورق طلا بسیار نازک هر مقداری که خواهند و در ظرف چینی یا سفال لعابدار که اندک خشن باشد و با آب سریش صاف مطبوخ باد و آنکشت دست خوب حل نمایند پس شسته نرم مخلوط بآب آن را در ظرفی علیحد بکیرند و در رد را باز بدستور بسایند و نرم آنرا همان قسم بکیرند و بکنارند تا ته نشین شود آب آنرا در زموده استعمال نمایند و بهمین دستور بآب صمغ عربی و یا شیر نبات حل نمایند برای تراکیم ماکوله \* تکرار برای کتاب و نقاشی و غیرها آنست که اول دست ها را بآب صابون پاک بشویند اگر ناخنها بلند باشد بکیرند و با لقمه در شستن دست ها نمایند پس آب صمغ محلول یا کند و محلول بر کف دست بمالند و ورق طلا را بران افکنند و نیکو بدست بمالند تا متلاشی گردد و برق آن زایل شود و خشک گردد پس قدری آب صمغ دیگر بکف دست بمالند و چند ورق دیگر بدستور در آن حل نمایند و همچونین تا هر مقداری که خواهند پس دست ها را در کاسه چینی بآب بشویند که تمام زهرهای محلول در آب آید و در دست نمالند و آب را بکنارند تا ته نشین شود آب بالای آن را ریخته قدری صمغ محلول داخل کرده خوب بندند و خشک نموده نگاه دارند و عند الحاجة بآب صمغ در صد فله حل کرده بنویسند و بعد خشک شدن نوشته با مهره یشم یا عقیق مهره نمایند بسیار براق گردد \* حب ذهب مکمل ما لیخولیا را نافع و مقوی اعضای رئیس و باه است \* صنعت آن طلای مکمل باد زهر معدنی خطائی جد و از خطائی از هریک يك مثقال جوزبوا مصطکی رومی زعفران از هریک چهار دانگ و ارچینی قرنفل از هریک نیم مثقال صمغ عربی کثیرا از هریک دودانگ کوفته پیخته به کلاب سرشته خوب سازند هر حبی بمقدار نخودی صبح يك حب و شام يك حب با کلاب ده مثقال فرو برند \* طریق جلا دادن و رنگین نمودن اشرافی و ظریف طلای غیر خالص که رنگین شود آن است که بکیرند و تیای هند و شاخ جاموس و نمک سبک هرسه را سائید و بران بمالند و در آتش سرخ نمایند و رنگین و براق گردد \* نوع دیگر زاج سفید و وزن نمک طعام شوره از هریک يك وزن سائید و اشرافی یا ظرف طلا را بآتش سرخ نموده سرد نمایند پس ادویه را بآب خمیر کرده بر تمام آن بمالند و بر آتش لحه بکنارند که گرم شود و ادویه بآن بچسپد پس بر آورده کوده کند و خاکستر زغال را بآب نم کرده بالای آن بیندازند و لحه بکنارند پس بر آورده بآب بشویند و اگر رنگ یافت باشد بهتر و الا مکرر عمل نمایند تا رنگین گردد و جلا یابد و آرموده است \* دستور گرفتن دهن ذهب تیزاب نمک سوخته گرم گرم صفوف نموده در آن تیزاب داخل کنند تا آثارد و در روز نگاه دارند و بعد از د و روز بکتوله ورق طلا در رواند از ن طلا آب خواهد شد و تیزاب زرد خواهد گشت يك روز نگاه دارند بعد از آن در پیاله چینی کلان ضخیم کنده انداخته بر روی آن ظرف

سفالی بکنند و آنش ملائم کنند چنانچه آبی که در ظرف سفالی است بزیر پیاله نرسد تا تیزاب همه خشک شود پیاله را بردارند و در شبنم بکنند و رنگ شب و دوشب تا این که همه آب شود باز همان نحواول آنش کنند و باز در شبنم بکنند و رنگ تا سه بار بعد از آن هر چه خواهد ماند در پیاله همه روغن است \* دهن ذهب نافع از برای جمیع زخمها که فاسد زشت باشد بهر عضو که مانند چشم و غیر آن \* صنعت آن بکمرنگ و سفید مثقال طلای خالص را ورقهای تنگ نموده با تیزاب در شیشه کنند و شیشه را در یکی که در آن بهنگ او کردند شیشه آب باشد کند و رنگ را بر آنش ملائم که آب گرم شود تا خل گردد و اگر خل نکرد نیم توله سیماب بسوزد داخل کنند و به همان طریق در آب بکنند و رنگ تا خل شود بعد از آن در شیشه و دهن کشادی کرده بر آنش کند از آن تا آب تمام بسوزد و روغن بماند پس استعمال نمایند \* نوع دیگر بگیریند طلای خالص را زده مثقال ورقهای بسیار و تنگ سنازند و در مقدار مصعق که مکرر آن را تصعیل نموده باشند تا نفقت مرتبه چهار توله و سیماب دو توله و در هم کنند و در آب اندازند و بکنند از آن تا طلای خالص شود و بعد از آن در شیشه نموده بطریق منکور در آب بکنند و رنگ تا آب بسوزد و روغن از آن برای استعمال نمایند \* نوع دیگر که طریقه حکما فرتک است \* صنعت آن تیزاب با زده توله نمک صحرایی توله و سه ربع توله نمک رادرتیزاب انداخته در قارور که کنند و سرفارور را بموم بند کرده در سایه چهار روز بگذارند از آن پس ورق طلای خالص سه توله و سه ربع توله هموزن نمک در آن داخل کرده یک ستور سر شیشه را بند کنند و چهار روز دیگر در سایه بکنند و رنگهای طلای خالص شود و خواص بود پس از قارور برداشته در کاسه چینی کنند و کاسه را در یک کاسه که پر از آب باشد به فندک آن قسم که یک انگشت نه گاه در آب فرو برد پس بر سر یک سرپوش از سفال کاندازند و اطراف آنرا بخمیر بپزند و خشک کنند پس بر آنش فندک تا تیزاب تمام خشک شود و طلای محلول بماند که عبارت از روغن طلا است فاصول زخمهای تازه و کهنه را عجیب القفل است و طریقی استعمال آن آنست که بگویند زخم از سر و خلال ازین روغن خطی بکشند زخم را ملتحم و ملتئم سازد و باید که احتیاط نمایند که این روغن اولی درون زخم انداخته با دهن ورم میگرد و عضو متورم میشود \* صنعت تیزاب مستعمل درین دهن شوره آفتاب و دهن جگر و کوفت در شیشه کردن کچ کرده تقطیر نمایند و طریقه احراق نمک آن است که نمک را در ظرف سفالی کرده بر آنش بگذارند و زیر آنش کنند و بر هم زنند تا آواز او بنیاید و تا آواز کند خام باشد \* دهن ذهب بنوع دیگر بگیریند و رنگ طلای خالص و بیاض میزند در شش رم روغن مصطکی که از قوع و انبیق کشید و یا شعله در قارور کرده در کاسی است و دهن کنند تا چهل روز پس روغن را از بالای آن جل اندامند و نه نشین آن را در قوع و انبیق بطریق شراب نه آتش بکنند خاصیت این دهن بسیار است و قوای حیوانی و نفسانی و طبیعی را مایه افزایش و رنگ و اوصاف و بگرداند و مبین و ششبی است و خوردن آنرا مضرت نه و از انواع سابق هیچ یک را نمی توان خورد \* و طریقی شراب نه آتش آن است که ساقه ذکر یافت که ظرفی را پر از آب کنند و قوع را در آن کاندازند و انبیق بر آن وصل نموده بوقایله وصل کنند و در زیر یک آتش ملایم بر افروزند تا تقطیر شود \* سفوف ذهب مشهور و سفوف جعفر خانی \* صنعت آن مشک دو زده توله و ورق طلای محلول چهار زده توله عنبر را شش پنج توله موزارید ناسفته یا زده توله طباشیر و زده توله بطریق معمول سفوف نمایند و از بکری شروع نمایند تا دو ماهه باین طریق که تا سه روز روزی یک رتی و بعد از آن یک رتی زیاده نمایند و سه روز دیگر سه رتی نمایند و یا از بکری اضافه نمایند و سه روزی یک رتی و چهار روزی میل کنند همین قسم تا دوسه ماهه و به دهن قوای بسیار و یا با این را با شربت به یا شربت سیمین یا کلاب میل نمایند و در ایام سرما خوردن آن به خواص و معجزات و در علاج

را مضروب و باردا مزاج رطب را مفید جهت تقویت اعضاء رئیس و معده و کرده و مثانه و باه ایشان نافع و بواسیر و ریاخ و لینت  
طبع را زایل سازند \* **فصل در بیان نسخ معاجین ذهب \*** معجون ذهب جهت تقویت دل و قوت  
مزاج \* صنعت آن عنبر اشهب یک مثقال و ورق طلا یک مثقال مشک یک گرم شربت فواکه شیرین بیست مثقال نبات  
سفید عسل مصفی بالمناصفه از هر یک چهل مثقال علی الرسم معجون سازند \* معجون ذهب دیگر قوی از اول \* صنعت آن  
ورق طلا یک توله عنبر اشهب یک توله مشک خطائی زعفران از هر یک یک مثقال مروارید ناسفته سه مثقال عطر کلاب نیم  
مثقال عرق بید مشک پنجاه مثقال کلاب نیم سیر عسل مصفی قند سفید بالمناصفه از هر یک پنجاه مثقال شربت سیب  
شیرین سی مثقال علی الرسم معجون سازند \* معجون ذهب نوع دیگر \* صنعت آن تخم خشخاش دو توله تخم فوج مشک  
کاوزبان کل کاوزبان خولنجان از هر یک یک توله تخم کاسنی لسان العصفور بهمن سرخ از هر یک دو توله زعفران صمغ عربی  
ورق طلا محلول از هر یک نیم مثقال رب انا رشیرین ده توله انیسون یک مثقال رب سیب شیرین سه توله اجزا را نیم  
کوفته در دو آثان آب زردک یک شبانه روز بخیسانند و بجوشانند و صاف نموده با در چند آن قند بقوام آورند پس عنبر  
ورق نقره محلول از هر یک یک توله مشک ششماشه اضافه نموده موافق مزاج استعمال نمایند و این فی الحقیقت  
شربت است \* معجون ذهب قسم دیگر \* صنعت آن ورق طلا یک توله عسل سفید مصفی هفت توله رب فواکه شیرین  
چهار توله رب سیب شیرین چهار توله عسل را با رب در یک کوزه بقوام آورند و ورق طلا را ریزه کوزه در آن انداخته  
تیر یکبار از چوب صندل سفید باشد ضرب بزنند یکبار دیگر ورق طلا در آن مضمحل شود پس اگر قرص عنبر باشد  
کوبیده در آن بپاشند بهتر و الا عنبر یک توله و ربع جل نموده در آن داخل نمایند و معجون سازند شربت نه ماشه  
و این معجون بسیار مبرود المزاج را نافع و مقرر المزاج را مضروب و این نیز حکم شربت دارد نه معجون \* معجون ذهب  
حکیم علی کیلانی \* صنعت آن نبات هفتاد مثقال عسل سفید مصفی بیست و پنج مثقال آب سیب شیرین پانزده مثقال  
بقوام آورده ورق طلا محلول دو مثقال و نیم عنبر اشهب مشک تبشی از هر یک یک مثقال و یکد انگ و نیم داخل کوزه برهم زنند  
که خوب مخلوط شود یکبار بزنند \* به نسخه دیگر ورق طلا یک گرم و نیم عنبر اشهب یک گرم و یکد انگ و نیم مشک تبشی  
دو د انگ نبات سفید بیست گرم عسل مصفی هفت گرم آب سیب شیرین چهل گرم کلاب سی و پنج گرم بدستور مقرر  
معجون سازند شربت دو مثقال \* معجون ذهب حکیم الملک اردستانی که بجهت حضرت ظل الهی پادشاه غازی محمد اوردنک زرب  
عالم کبر ترتیب داد \* صنعت آن یا قوت رمانی لعل بد خشبی مروارید ناسفته بزرگ دانه غلطان آبد از از هر یک  
چهار مثقال و نیم مشک ترکی خالص یک مثقال عنبر اشهب دو مثقال و نیم زعفران دو مثقال ورق طلا محلول پنج مثقال  
و شربت فواکه شیرین آب انار شیرین آب سیب شیرین آب به شیرین از هر یک چهار رطل عسل مصفی بیست و پنج مثقال  
نبات سفید دو رطل عرق بید مشک دو رطل کلاب سه رطل عرق کل کاوزبان را که در کلاب و عرق بید مشک کشیده باشند وزن  
کل کاوزبان بیست و پنج مثقال بدستور مقرر معجون سازند \* معجون ذهب ترکیب حکیم عماد الدین محمود \* صنعت آن  
سنبل الطیب سعل کوفی از هر یک دو اذنه مثقال عود هند سه مثقال عنبر اشهب دو مثقال مشک ترکی یک مثقال ورق  
طلا ورق نقره از هر یک سی عدد قند سفید یا نبات سفید هر یک ام که باشد سه وزن مجموع ادویه بدستور مقرر معجون  
سازند شربت دو گرم بعل ارد و ماه که مزاج گرفته باشد استعمال نمایند \* معجون ذهب تالیف حکیم الملک سید  
طی فقی خان قدس سره تقویت قلب و دماغ نمایند و باه را بیفزایند \* صنعت آن یا قوت رمانی لعل بد خشبی مروارید ناسفته  
مرجان قرمز کهریبا شمع از هر یک یک گرم ورق طلا چهار گرم ورق نقره عنبر اشهب زعفران از هر یک دو گرم شربت

فواکه شصت و چهار مثقال نبات سفید سی و دو مثقال ورق طلا و ورق نقره و در میان شربت فواکه خوب حل نمایند بعد از آن نبات و عسل را بقوام آورد و بسرشد و معجون سازند شربت می از نیم مثقال تا یک مثقال

کتاب الرء المهملة باب الراء مع الالف \* راح المؤمنین مشهي وهاضم غذا و مقوی احتشار

مفرح و نشاط آورند و مقوی اعضای رئیس است و در امر باه بی نظیر است و بواسطه اکثر امزجه سفید و در آخر درجه

اول گرم است \* صنعت آن جوز بواشش مثقال با کل بنفشه نرم بگویند زنجبیل کوبیده و بروغن بادام شیرین چوب نموده

دارچینی اسارون لسان العصاره از هر یک در مثقال عود تماری خام قر نخل خولنجان بهمن سرخ بهمن سفید انیسون

از هر یک یک مثقال شقاقل مصری و اگر مر بای آن باشد بهتر است بیست مثقال خضیة الثعلب و از د و مثقال بیج لغاح

کثیر از هر یک در مثقال با عسل و د و شاپ زردک معجون سازند و اگر د و شاپ زردک نباشد با عسل مصفی یکصد و د

مثقال معجون سازند و اگر عسل شقاقل مر بای باشد بهتر است \* راح المؤمنین به نسخه دیگر و تراکیب خشخاشیه ذکر

یافت با سم معجون راح المؤمنین \* رامک از ادویه مرکبه است و آن قرصی است که در قلیم از عصاره بلغم میساخته اند

و درین زمان از مازود و شاپ خرما ترتیب میدهند و نسخ و دستور صنعت آن مسطور میگردد و آن بارد و ریاس است

ربعضی آن را گرم میدهند و بالجمله قابض و لطیف و مانع انصباب مواد با عضاء مسکن حرارت و مقوی معد و کبد است

هروگاه آشا مید و شود با مورد و مقداری که آشا مید و میشود از آن یک گرم است و شکم می بندد و نافع است از برای ضوب

ضما کردن آن بر شکم و بعضی گویند مضر است بمثانه و مصلح آن عمل است و بهترین آن آنست که بسرخی زند \* صنعت آن

بگیرند یکمن مازوی سبز که سوراخ نداشته باشد و یکمن پوست انار و نرم بگویند و در پائیل آهنی حلوازی کرده و آنرا

آب داخل کنند و به پزند تا بکورد مثل خمیر آرد بونج که چهار جوش خورد و باشد و باید که متصل با ساطم آهنی آنرا برهم زنند

و اورا سه شبانه روز در همان ظرف بکند و آتش در زیر آن بنهایت ملاصقت بسوزانند و همیشه برهم زنند که هیچ

صبح و شام در برهم زن آن قصور را نیاید و بعد از سه روز بگیرند ربع رطلی زاج سیاه که شکوکان و آن را در شیشه تو کنند

و بگیرند نیم رطل صمغ فارسی یعنی صمغ بادام کوهی و نرم بگویند و بگیرند سه رطل د و شاپ یا عسل مصفی یا صمغ

پس زاج را بومار و قشور آلرمان افکنند پس بیفکنند بر آن صمغ را بعد از آن زاج پس بیفکنند بر آن د و شاپ با عسل

میپخته را بعد از همه و بر آفر و زند در زیر آن آتش نیکو تا سطر گردد پس بهن کنند بر بور بای می و بکند از آن با خشک شود

و به پزند قطعه های کوچک و نگاه دارند و کسیکه اراد خوشبو کردن آن داشته باشد بگیرند تمام و بسرشد بروغن بان

مرکب و مخلوط کنند با آن رامک را و بعد از آنکه رامک را سحق کرده و باشند بروغن و مشک خالص پس بمالند بر آن

روغن بان مرکب مذکور را و نگاه دارند \* رامک به نسخه ابن جزله در منهاج بکیرند علف سبز و مشقوب د و رطل

و پوست انار یک رطل و هر د و را نرم بگویند و خمیر کنند با اندکی آب و سرکه تا بکورد مثل عجین ارقیق لا جو ر د و رنگ

چهار ساعت بکند از آن پس آنرا چهار جوش داده فرد آورند از آتش و با ساطم حرکت دهند آنرا در صمغ و شام و آن

د و طبعی آهنی باشد تا سه روز و سه شب پس بگیرند سه اوقیه زاج طیب خشک و نیم رطل صمغ عربی زاج را در ظرف

زجاجی تو کنند تا حل شود و صمغ را نیز حل سازند و همه را با علف و پوست انار و مل کوبیده با کرده پس سه رطل د و شاپ

یا عسل در آن داخل کرده با آتش ملایم به پزند تا غلیظ شود پس طرح نمایند او را بر آتش و در شیشه حلوازی که بهن

کرده باشند آنرا بر بور بای که بر آن بور یا روغن بادام یا روغن بان مالند و باشند نا خشک شود و سبکی که دیگر د و

شد و برسم الکتابه این است \* رامک به نسخه دیگر \* صنعت آن مازوی سبز پوست انار شیرینی زاج سیاه صمغ عربی که



گرفته بختنه باب برگ موند سرشته قراض سازند \* رامک به نسخه دیگر قوی ازان \* صنعت آن آمله منقی چهل مثقال  
 مازنی سینه زیست مثقال غوره خرما خارک پوست اذرا زهریک ده مثقال مجموع را نرم کوبید سه روز در آب بخیسانند  
 پس آجوشانند و برهم زنند برهم زدن نیکو تا یکسان شود پس پنجد رم زاج سفید و بوزن آن صمغ عربی در آن حل کنند  
 و شصت مثقال عسل مصفی بقوام بسیار غلیظ آورده بآن سرشند و اقراض سازند و خشک نموده استعمال نمایند \*  
 و آنکه مسهل صالح است و از برای کرم مزاجان که متنفرباشد نفوس ایشان ازاد و به مسهل کوبیده \* صنعت آن بکیرند  
 و باب بقوی عقل اردو و قبه و حل کنند در آن مقلار یک انگ سقمونیای انطاکی مشوی و با شامند و ریاب باخبت الحیل بد  
 در خبت الحیل بد ذکر یافت \* راسن لغت عربی است و باند لسی جناح و بیونا نیانیون نامند و آن بیخ نباتی است خشبی  
 و رنگش ما بین یاقوتی و سبزی سا قش شعبه دار و برکش عریض و دراز بند آدی گفته نبات آن در برگ شبیه است بقلو مس که  
 اذنان الب است و ازان بهتر و طولانی تر ساق آن برکهای چسبیده و بیخ آن قوی و خوشبو و یاقوتی رنگ با تندی  
 و همانست آن کوهستان و مواضع با اشجار است و بیخ آن رادرتا بستان بر می آورند و قسمی برگ او شبیه بمرک  
 عدس و درشت و انبوه و از ساق آن روئیده و بر روی یک یک و گلش ماثل بکبودی و دانه مانند قوطم و با آنک پهن طعمش  
 با تندی و خوشبوئی و کوبند بخش زرد بسطبری انگشت خنصر است و پوست آن سیاه و رقیق و مطبوعی بالای آن بیشتر  
 از اسفل است و مستعمل بیخ آن است و بعضی کوبند که آن بیخ سوسن کوهی است در اول سیوم کرم و خشک و با  
 رطوبت فضلیه و جالی و سرخ کنند و جلک و مقوی آن و معد و مثانه و مقروح و مفتح سله جگر و سپرز و با قوت تریا قیمت  
 و محتل جمع اورام و مسکن اوجاع بارده و همچنان ریاح و نفخ و عرق النساء و جمع مفاصل شرابا و ضمادا و شرب یکدم آن  
 جهت قطع اخلاط غلیظه سینه و شش و نفث نعوقا با عسل و سایر نعوقات منقی سینه و تقطیرا لبول رطوبی و مالبخولیا ی مرا قی  
 و تر حش و درد مفاصل و کمز و تقویت هاضمه و باد و نفم معد و ازاله اختلاج آن وادرار بول و حیض و تسلیل و تقویت شرابا و بطول  
 مطبوخ آن بشراب جهت شقیقه و صرع و امراض بلغمی و تسلیل ریاح و عرق النساء و نهش هوام بارده مفید همچنین مطبوخ  
 برگ آن و قطور آن در گوش جهت دروی و طنین و بخور آن جهت کشودن حیض و ضماد برگ آن جهت شکاف عضل و تسلیل  
 اورام و بیخ برگ آن جهت عرق النساء و اوجاع بارده و نافع و مضر محرر رین و مصلح و اکثرش مغسل خون و قاطع  
 باه و مصلحش سرکه و ربوب حامض و خمیره بنفشه و مکیدن انار ترش و قد رشربتش دودرم و بدلش بوزن آن ابرسا  
 و کوبند قسط شیرین است و کوبند که چون یکدل دانه را سن را بلع نمایند رفع سرعت انزال نمایند و مجرب دانسته اند  
 و بخور آن جهت تقویت دندان و دفع کرم آن و طلا ی آن جهت نیکوئی رنگ رخسار و با عسل جهت رفع آثار موثر  
 است و قسمی از راسن که برکش شبیه بمرک عدس است و زرد رنگ و شاخها و برگ او منبسط بر روی زمین و بسیار  
 و طولانی است و برگ و بیخ آن که چک زرد رنگ و منبت آن جا های نمناک و سواحل دریا است خوردن آن جهت  
 رفع الم کزیدن هوام و تسکین آن در ساعت موثر یافته اند و این قسم آنک تلخی دارد گفته اند اگر بیکان را بصاف  
 آن آب داده بر حیوانی زنند زود میکشد آنرا و شرابیکه از راسن ترتیب دهند معروف است بشراب ملکیه با اعتقاد  
 جالبینوس در جمیع افعال مذکوره بهتر است ازان و چون راسن خشک را در آب جوشانید و از آب جوشانیده آنرا تناول  
 شما نور و در آب سرد بکند ازل و بعد ازان دبطا که قسمی از خمر است بیست روز بخیسانند و هر روز دو مثقال آنرا تناول  
 نمایند جهت تقویت محله و فساد هضم و برانگشتن اشتها بی علیل است \* مرای راسن می باشد آنرا منافع راسن  
 که ذکر شد در تقویت معد و دل و مثانه و تر با قیمت و نفع از برای مالبخولیا و تقویت باه بی نظیر است و در مسا تر منافع

راسن مویا مثل منافع راسن غیو مویا است \* صنعت آن بکندن بیخ راسن خشک را و اندکی بجوشانند پس در آب  
 بخیدسانند تا نرم شود پس ازان بیرون آورند و بر روی پارچه کریاس پهن نمایند تا نشف و طریقت آن شود پس بکوبند و نبات  
 سفید و یا قند سفید و یا شکو سفید هر یک که خواهند بقل را احتیاج و با آب یک ازند و کف آن بکوبند و صاف نمایند که اندک  
 رقیق باشد و راسن ها را در آن بجوشانند و استعمال نمایند \* قرص راسن فی و هیضه با زرد و خواب آورده \* صنعت آن  
 قرص نقل ده درم سگ راسن ازهر یک دو درم مصطکی افیون پوست بیخ لاج ازهر یک درمی کوفته بدخته قرص سا ازند شربت  
 یکد آنک با آب زیره یک هند \* معجون راسن درم صلب کبد و معد و رانایع باشد \* صنعت آن ریوند چینی ازجیمیل راسن  
 اشترا را ازهر یک یک جز و تخم کرفس را زیاده انیسون را نخو ازهر یک نیم جز و کوفته بدخته بعمل سه وزن آورده  
 پس شش شربت مغایل یک فنجان و در نسخه قرص راسن افیونی در افیون ذکر یافت \* راوند بغاریسی ریوند تا منق  
 و آن بیخ ریواس است و بهتر بن آن چینی است که سرخ مائل بزردی ثقیل الرائحة و بشکل سم اسب و ثقیل الوزن و مستوی  
 الاجزا و جوهر در اصل و قطعه های آن بزرگ باشد و خود مختلف الاجزا نباشد و بعد ازان قسم ترکی خطائی و نمینی و مغزانی  
 کمرنگ کم بود و بعد ازان خورسانی و بعد ازان مندی و زبون ترین آن زنجی سیاه بواق صلب است و ریوند در آب حبشی  
 کثیف می باشد و بیخ ریواس آنچه قریب بظاهر زمین است باریک و سیاه و غیر مشابه ریوند است و چون بقل در دوسه ذرع  
 حفیر نمایند در آخر آن ریوند ظاهر می شود یعنی بوسر بنشیند و ریشه های آن چیزی شبیه بشلغم و در شکل می باشد و آن راوند  
 است و آورده قطعات نموده و یا ورق کرده خشک می نمایند و اکثر چوپانان در کوهستانهایی که بهم میرسد یادند و آورده  
 سوراخ کرده بواهی سهولت بار برداری و خشک شدن آن بکردن کوسند آن می آورند و لعل اکثر قطعات آن سوراخ  
 دار می باشد مرکب القوی در اول دویم کرم و خشک و مسهل بعضی است مرا خلاط غلیظه و رقیقه و خام را با قوت قابضه  
 و مقوی قوت جاذبه جگر و باد زهر سموم باورده و مجفف و محال و ملطف و جالی و مد ریوند و حص و مقصم و مقطع و غیر  
 سده جگر و سپرز و معا و مبر و بالعرض به سبب شدت تحلیل نفی آن و انواع استسقا و تخمه و حص و زرم بارده است  
 و برقان سدی و رفع اسهال که از سده ما ساریقا باشد و با کل سرخ و قرا بض جهت اسهال د موی و با تخم صیده دافع آفت  
 و حرارت غریبه و جهت درد کرد و و مثانه و رحم و خفقان و قرحه امعاء و اسهال و بواسیر و آب ریح دافع و با جوش شیرین مطبوع  
 زبیب و مسقایح فستقی جهت قولنج ثقیل و بلغمی و با آب پرسیاوشان جهت سبک مثانه و با آب لسان الحبل جهت دفع  
 نزف الدم و با هلیله کابلی و غاریقون و صبر جهت تنقیه دماغ و انواع صواع بارد و مغزوی و شقیقه و فالج و در اوکرا از جود  
 و نزلات و با شواب و یحان جهت فسخ هزل و سستی آن و با طبیخ اسارون و قنطور یون جهت عرق النساء و بیضیه و نفی  
 و ضعف مفاصل و درد آن و باز رشک و صندل جهت ورم حار مزمن اعضای باطنی و قوی آن و با اسون جهت نفق  
 آروغ ترش و تملد تهیکه و فتق و درد منداشتن و آب آن را فروردین جهت نفق آن م و سده و ورم سینه و زرد  
 بهر و طلائی آن جهت ضربه و سقطه و ضیاد آن با سرکه جهت کف و قرا با و آتار ضربه و با لایع جهت ورم حار مزمن و با قوراض  
 جهت استحکام استخوان مخلوع و طلائی آن بین الکتنین جهت دفع خوف قلبی دافع و مغز سفلی و مصلحش صانع  
 کوبند مضر مزاج اطفال و ضعفا است و شربتش تا در دهر و بدلش در امراض معد و جگر یک وزن و نیم آن قلی سرخ  
 خمس آن سبیل است و عصاره آن که آب ریوند را جو شانیل و باشند تا غلیظ شد و باشد دغرض یکسال قوی تر است  
 و ریوند بهتر از عصاره او است \* حب راوند تا ایف این ماسویه اخلاط غلیظه را جگر با اسهال دفع کنند و عصاره  
 مرکبه و ذائبه و سده و درد جگر و سوء القیبه و نافع بود \* صنعت آن راوند چینی سده درم ریواس سوس عصاره انیسون

مصطکی از هر يك يك گرم پوست هلیله زرد سه گرم و نیم را زبانه و تخم کرفس از هر يك يك گرم قرص الورد سه گرم و نیم  
ایارچ فیقراده درم کوفته بیخته با آب را زبانه تازه سرشته حب سازند و با ماء الجبن استعمال نمایند شربت می دودرم \*  
حب راوند دیکر از این ماسویه سد های کبد و طحال را بکشاید و سوء القویه و استسقا را علاجی کامل است \* صنعت آن  
راوند چینی شش درم اشق سکبینج مقل از هر يك سه گرم لك جا و شیرما زربون صمغ عربی از هر يك چهار درم تربل  
سفید مل برد درم هلیله زرد منزوع النوى درم سنبل الطیب جعله صبر سقوطی از هر يك پنج درم مصطکی  
درم همه را کوفته با آب افسنتین خیسایید و حب سازند هر حبی بقدر نخودی شربت می از یک گرم تا دودرم با ماء  
الجبن \* حب راوند جهت استسقای زقی که با حرارت باشد مفید است \* صنعت آن راوند چینی عصاره غایت تخم  
کاسنی از هر يك سه مثقال غار بقون شش سفید ما زربون از هر يك يك گرم کوفته بیخته حبوب سازند شربت می نیم درم  
با آب کرم \* رب راوند \* صنعت آن بگیرند راوند چینی را و بگویند و در آب کرم خیسایید و سه روز در آفتاب بگذرانند  
پس بفشارند و آب آن را صافی نموده در ظرفی مثل طبق چینی کنند و بگذرانند تا خشک شود و اگر در جرم ثقل آن طعمی  
از راوند باشد باز در آب کرم بخیسایند و بعد از سه چهار روز صافی نموده در طبق چینی یا صدف خشک نمایند و هم چنین  
تا در ثقل آن طعم ریونل باشد این عمل کنند و این را رب ریونل نامند و قوی العمل است \* سفوف راوندی تا لیف شیخ  
المحققین و رئیس العارفین ابوعلی بن سینا اجود سفوفات و انفع از جمیع آنها است نافع است از برای خفقان و صرع و  
صلع و غشی و ضعف بصر و فساد هضم و یوقان و سد ها و ضعف بدن و ضعف اعضاء و ریسه و طحال و از برای بواسیر و قوت  
آن تا دو سال باقی میماند و مقل از شربتش در و مثقال است با آب سرد \* صنعت آن عود قماری خام مصطکی رومی دارچینی  
پوست انیسون از هر يك چهار درم تربل سفید قسط هندى اسارون کشنیز خشک طباشیر سفید غنچه کل سرخ منزوع  
الاقماع سفوفیای مشوی پوست هلیله کابلی از هر يك سه گرم کل مختوم تخم ریحان تخم کاسنی تخم کرفس لا جورد فافله کثیرا از  
هر يك دودرم ریونل چینی پنج درم قند سفید مثل مجموع ادویه کوفته بیخته سفوف سازند پس اگر در آن حال مرض سردای  
باشد باید که اضافه کرده شود درین سفوف مر واریل ناسفته مرجان قرمز عکبر یا شمعی ابویشم مقرض از هر يك دودرم و  
هرگاه بود و باشد فسادى در دماغ پس اسطوخودوس مر زنجوش هلیله آمله از هر يك سه گرم اضافه باید نمود و اگر  
بود و باشد ریاح بسیار پس خولنجان بدل کشنیز خشک و کاسنی باید نمود شیخ داود گفته که در دماغ ریاح سیل  
اسمعیل که این نسخه را از شیخ رئیس نقل کرده و در آن یا قوت رمانی یک درم و مشک تبی و عنبر شهب از هر يك نیم درم  
داخل داشت و باکی نیست بل اخل کردن اینها \* سفوف راوند زعفرانی سد و بکشاید و امراض کبد و یوقان سد را  
نافع باشد \* صنعت آن ریونل چینی افسنتین رومی از هر يك يك گرم و نیم زعفران چهار درم طباشیر سفید هشت درم  
کا فور قیصوی یک انگ کوفته بیخته سفوف سازند \*  
سکنجبین راوندی در دسر و یوقان و سرسام و تب محرقه را سود دارد \* صنعت آن ریونل چینی سی درم بگویند و در  
خریطه بزرگی کنند بنحویکه نصف خریطه خالی باشد و در من آب به پزند تا آب بنصف رسد و هر ساعت خریطه را بمالند  
تا قوت در آب دهل و شیر و اش بر آید بعد از آن خریطه را نیکو بمالند و بفشارند و به کلاب شسته آن کلاب را در مطبوخ  
داخل نمایند و خریطه را در و کنند و آب را با بیست استارخل خمر و یکمن شکر سفید صافی بچوشانند و بقوام آورند شربت می  
درم و اگر اول مرتبه تخم کشوت در کتان بسته شاهتره غنچه کل سرخ منزوع الاقماع از هر يك سه گرم در سه من  
آب بچوشانند تا بل و من رسد پس خریطه تخم کشوت را نیکو بمالند و شیر و اش بکشند و مطبوخ را مصفی نموده از آن

آب مطبوخ بدستور مذکور سنگنجبین ریوندی مرتب نمایند در عمل اقوی میباشد \* سنگنجبین را وند ی به نسخه دگر  
صاحب درد جگر را نافع است زانند و تهیهای محرکه و سرسام سودمند است \* صنعت آن تخم کاسنی بیست درم را وند  
چینی سی درم تخم کاسنی نیم کوفته ریوند چینی را علیحد و کوفته در کیسه کنانی کنند و هود و راد در و من آب به یزد  
تا بنصف رسد هرساعت کیسه ریوند را بمالند تا قوت آن در آب باز آید پس کیسه را بر آرد و آب را صافی نماید و باقی  
استراخل خمر و یکمن شکوطبرزد بقوام آورند شربتیه ده درم و اگر بجای تخم کاسنی تخم کشوت کنند سود بلکه بهتر است  
لیکن باید که تخم کشوت را در کیسه کنانی سوا کیسه را وند کنند و بجوشانند بدستور مذکور و ریوند را بمالند و کیسه  
کشوت را نمالند و چون ربع آب برود صافی کنند و سنگنجبین سازند \* سنگنجبین را وند ی به نسخه سیل مضمون  
مفتح سلها است و نافع است از برای یزقان سدی و خمیات مرکبه و درد جگر که از کرمی باشد \* صنعت آن تخم کاسنی  
نیم کوفته بیست درم شاه تره تخم کشوت از هر یک ده درم ریوند چینی پنجاه درم ریوند را کوفته در کیسه کنانی کنند و با  
ادویه دیگر در و من آب بجوشانند و زمان بزمان کیسه ریوند را به پشت کفچه یا بدست بمالند تا شربت به اورد و بعد  
از آن صافی نمایند و یکمن قند سفید یا عسل هر کدام که خواسته باشند و چهل مثقال سوه که داخل نمایند و بجوشانند  
تا بقوام آید شربتیه یا نروده درم با پنجاه درم کلاب بنوشند \* سنگنجبین را وند ی به نسخه سیل مضمون  
است \* صنعت آن ریوند چینی غاریقون پوست بیخ کبر پوست درخت بیل کومار ج افیمون کل عافیت تخم کشوت تخم  
از هر یک ده درم در یک چهار یک سرکه و آب خمسانند و بجوشانند و باید که من قند بقوام آورند \* سنگنجبین را وند ی  
لذا یعنی که قند سه سره مفتح سل های کبد و مسکن حوائت کبد و معده و قلب است و نافع است از برای خمیات مرکبه  
حمی محرکه و التهاب و کرب معده و زائل کنند و معده را قوت دهد و اشتهاهای طعام آورد و آب را بکوبد و نافع است از  
وادرابول نماید \* صنعت آن مغز تخم خیار من بیست و چهار درم مغز تخم خربزه و وازده درم تخم کاسنی پوست سیل مضمون  
از هر یک پا نروده درم باد یان پوست بیخ باد یان انیسون از هر یک سه درم و زوال خطائی بیست مثقال قند سفید یا عسل  
بدستور مرتب نمایند \* سنگنجبین را وند ی به نسخه محمود بن ابیاس شیروزی نافع از برای صنعت از حوائت کبد و غلغلی  
سلها و تلخیم طبیعت \* صنعت آن را وند چینی چهل درم از برای سفوف غاریقون هشت مثقال سوه و سیل مضمون  
از هر یک بیست درم زنجبیل سه درم مجموع را نیم کوفته در و من آب بجوشانند تا نافع آن برود پس شربتیه را  
و سرکه که نه بکوبد داخل کرده بجوشانند تا بقوام آید فرود آورده سرد کرده و در شیشه نگاه دارد \* سنگنجبین را وند ی  
دیگر مفتح سلها و مسهل است و نافع است از برای صلابت طحال \* صنعت آن را وند ی به نسخه سیل مضمون  
پوست بیخ کبر چنطیانای رومی کومار ج افیمون اقربطی عافیت تخم کشوت تخم کاسنی از هر یک ده درم و درم  
در و من آب و چهار من سرکه انگوری چیل تخمسانند و بجوشانند تا نافع آن برود پس صافی نمایند و در و من  
قند سفید بقوام آورند و اگر بجای سرکه خالص سرکه عسل کنند بهتر است \* سنگنجبین را وند ی به نسخه سیل مضمون  
کبد و خمیات بلغمی و مفتح سلها وادرابول کند \* صنعت آن تخم کوفت را زبانه پوست بریزند و در و من آب  
از خور از هر یک ده درم تخم کاسنی بیست مثقال از هر یک ده درم تخم خربزه و وازده درم تخم کاسنی پوست سیل مضمون  
را وند چینی بیست درم قند سفید یا عسل هر کدام که انگوری و طرب از هر یک کوبد بدستور مذکور و ریوند چینی را وند ی  
نمایند و سرکه و صوابجات هر کس که نافع باشد مضمون سیل مضمون سیل مضمون سیل مضمون  
سیل مضمون از هر یک ده درم بیخ کومار پوست بیخ باد یان از هر یک ده درم بیخ کاسنی دو درم و درم مغز تخم خربزه و وازده درم

مغز تخم خربزه از هر يك هفت مثقال همه را نیم كوفته در سه من آب و بکرطل كلاب و بکرطل سرکه شب بخیسانند و سي درم ریوند چینی سوده در کیسه کنانی بسته در مطبوخ انداخته بجوشانند و دم بدم آنرا بمالند تا قوت جمله در آب آید و چون یکمن آب بمالند صافی نموده و با یکمن قند سفید بقوام آورند \* سکنجبین را وندی بارد نافع از برای ضعف کبد و حمیات خارجه و قفتیح سد ها و ادرا و ادرا بول نماید \* صنعت آن مغز تخم خیارین بیست و چهار درم مغز تخم خربزه و دوازده درم تخم کاسنی پوست بجم کاسنی از هر يك پانزده درم بادیان پوست بیخ بادیان انیسون از هر يك سه درم ریوند چینی خطائی بیست مثقال قند سفید یکمن بل ستور مرتب نمایند \*

### فصل در بیان اشر به را وندی مسمی

شراب دیناری از صناعت بختیشوع است و گفته اند که سبب تسمیه این شراب باین اسم آن است که بهر کس که شربت از این شراب میداد یک دینار میکرد و بعضی را کمان آنست که درین شراب چون ذهب محلول از برای تفتیح داخل میکرد آنرا شراب دیناری نامند و قومی دیگر گفته اند که چون درنگ دینار است آنرا شراب دیناری نامید و یعنی شراب دیناری اللون و فوکه را عقید و آن است که نزد اطباء دینار اسم تخم کشت است و چون اصل و نمود درین شراب تخم کشت است آنرا باین اسم خوانند و بعضی گفته اند که تخم کشت را باین اعتبار دینار نامید و اند که دینار را همیشه در کیسه میکنند و تخم کشت را نیز لازم است که در جمیع مطبوخات و شرابه در کیسه کرده طبع مینمایند باین اسم مسمی شد و به همین سبب آنرا در فارسی تخم کیسه نامند و این هیل در کتاب مختار گفته شراب دیناری که باین اسم موسوم شد بجهت آنست که منسوب باین دینار که طبیب متوکل عباس بود و بالجهله این شرابی است نافع از برای حمیات عفنی و از برای جمیع عفونات و سد ها و از برای آنچه در اعماق بدن باشد از اخلاط فاسد و از برای ضعف معده و کبد و امراض رحم و مثانه \* صنعت آن به نسخه شیم داود انطاکی زرشک منقی تخم کاسنی از هر يك ده درم اصل السوس چهار درم تخم کشت غنچه کل سرخ منزوع الاقماع قنطوریون د فیق مصطکی زعفران د ارچینی بود نه خشک از هر يك سه درم این ادویه نیم كوفته در آب پنجرطل مطبوخ تخم کاسنی و رازباده و تخم شبت و گاوزبان و مویزج اجزاء مساوی هر يك پنجررم که بعد از طبع پالوده باشند سه شبانروز بخیسانند پس بجوشانند تا ثلث آب برود پس ببالا یند آن را و در هر رطلی از آن آب یک مثقال ریوند چینی و نیم مثقال اسارون سوده بعد از آنکه آب را با نبات سفید و رطل بقوام آورده و از آتش بر گرفته باشند آن هرد و را داخل نموده برهم زنند و در ظرف چینی یا زجاجی نگاه دارند \* شراب دیناری بنسخه حکیم میر محمد مؤمن حرار تش از نسخه شیم داود کمتر است بلکه بارد است و گفته که این شراب حرارت جگر را دفع کنند و حمیات و عفونات اخلاط را نافع است \* صنعت آن تخم کاسنی ده مثقال زرشک منقی هفت مثقال صندل سفید چهار مثقال لك مغسول دو مثقال اصل السوس کل سرخ منزوع الاقماع از هر يك چهار مثقال تخم کشت سه مثقال اجزاء را نیم كوفته در عرق کاسنی یا آب کاسنی تازه بخیسانند پس بجوشانند و ببالا یند و با شکر سفید مصفی نود مثقال بقوام آورند و اگر ریوند اضافه کنند قویتر میشود \* شراب دیناری به نسخه قلاسی این شراب مفتح و مقوی کبد و ملین طبع است \* صنعت آن تخم کاسنی پوست بیخ کاسنی زرشک منقی غنچه کل سرخ منزوع الاقماع از هر يك پنجررم ریوند چینی سه درم قند سفید یک رطل بل ستور ازین ادویه شربت مرتب نمایند \*

شراب دیناری به نسخه ابن هیل در کتاب مختار گفته این شراب مقوی کبد و ملین طبع است \* صنعت آن بکیرند آب کشت تازه در رطل آب انار ترش آب زرشک آب سیب مزجینی ترش و شیرین آب لیصو تازه از هر يك نیم رطل و بر آتش نهاده چند جوشی بدهند و کف آن را بگیرند پس داخل کنند در آن شکر طبرزد سه رطل و به پزند تا بقوام

شراب آید \* شراب دیناری دیگر معمول مهره اطبا نافع است از برای قلب و کبد کرم و مقوی قلب و کبد و مسکن عطش و مطفی حرارت غریبه و مسکن غلیان خون و مفتوح سد ها است \* صنعت آن تخم گاسنی پانزده درم تخم کشوت پوست بیدار گاسنی کل نیلوفر غنچه کل سرخ منزوع الاقماع کاوزبان زرشک منقعی ازهریک ده درم راوند چینی نیم کوفته سه مثقال و نیم ادویه را سوا ریوند در پنج رطل آب بجوشانند و ریوند را در پارچه کتان پیسته در اول طبع در آن اندازند و دانه صره را در آن می مالید و باشند و شیرۀ آن را میکوفته باشند تا آب همه رطل رسد پس صره را مالید و فشرده و ورکنند و ادویه را مالید و بپالایند پالیدنی نیکو و صافی مطبوخ را باز در پالید کرده شکر سفید یکم داخل کرده با آتش ملایم به پزند تا بقوام جلاب آید از آتش برکوفته سود کرد و نکاهل آید \* شراب دیناری معمول متأخرین خصوص اطباء اصفهان تپهای مرکبه را نافع و از برای امراض جکروسه و مخصوص سد ها ماریقا سود مند و قریب با اعتدال است \* صنعت آن تخم گاسنی و بیدار گاسنی ازهریک سی مثقال غنچه کل سرخ منزوع الاقماع پانزده مثقال تخم کشوت پنج مثقال مجموع را یک شبانه روز بخیسانند پس بجوشانند و بپالایند و باد و رطل شکر سفید مصفی بقوام آورند پس از آتش برکوفته ریوند چینی چهار مثقال کوفته پیخته داخل نمایند و برهم زانند تا غلیظ شود و در ظرف چینی نکاهل آید \* شراب دیناری بنسخه سید مظفر الدین شافعی این نسخه معمول اطباء فارس است طبع را نرم کند و عفونات کند و سد ها بکشد و سد و القویه و استسقا و ذات الحجاب را نافع باشد و شکمی بنشانند و در جکروسه و شکم و مثانه را ساکن گرداند و در ریبول نماید \* صنعت آن تخم گاسنی غنچه کل سرخ منزوع الاقماع ازهریک بنیست درم پوست بیدار گاسنی چهل درم کل نیلوفر کاوزبان ازهریک ده درم تخم کشوت دراز کتان کرده سی درم مجموع را در آب بجوشانند تا مهر شود و بپالایند ریوند سفید بقوام آورند پس از آتش فرود آورده مقل آرد و مثقال ریوند چینی سوده داخل کرده به تیر معجون سازی برهم زنند تا نیکو مخلوط شود \* شراب دیناری تصرف یکی از اطباء متأخرین \* صنعت آن صندل سفید سوده و لك معمول اصل السوس ازهریک چهار مثقال تخم کشوت و مثقال کل سرخ منزوع الاقماع سه مثقال ریوند چینی پنج مثقال با شکر سفید سه مثقال بن مسعود و مقوی مرتب نمایند \* شراب دیناری به نسخه حکیم سلید کازرونی گفته که این شراب دیناری مشهور و معمول اطباء مصر و شام و تبریز است و این شراب را منافع بسیار است و قریب با اعتدال نافع است از برای سد های ماسار و بکبد و عظام و نافع است از برای کبد و احشا و رحم و مد ریبول و ملین طبع است و نافع است از برای بوق و حرارت کبد و معد و چون باشیرۀ تخم خیارین بپاشا مند و خصوص هر که اضافه کنند بآن سکه چوبین سکری و یا شراب عناب نافع است از برای جلد ری و حصه و حمیات دموی و صفرا و ید \* صنعت آن تخم گاسنی نیم کوفته بیست مثقال پوست بیدار گاسنی سی درم غنچه کل سرخ منزوع الاقماع پانزده درم ریوند چینی چهار مثقال ریوند و نیم کوفته در کتان از برای کسب و آب سانس با آتش ملایم بجوشانند و بپالایند و نبات سفید و رطل داخل کرده بقوام شراب آورند و گاهی یک مثقال ریوند چینی را کوفته پیخته بعد از آنکه شراب بقوام آمده باشد بپاشند و بنیر معجون سازی برهم زنند تا نیکو مخلوط شود و مستوی گردد پس این در فعل اقوی است و شربت واحد از این شراب ده درم است و مثقال و در دیناری ده درم و بعد از این نسخه نسخه شراب دیناری که ابن هیل در کتاب مختار ذکر کرده و عایش آنرا ذکر کرده و آنرا ذکر کرده و آنرا ذکر کرده و نافع شراب دیناری ابن هیل تقویت احشا و قبض است و اکثر منافع این نسخه معمول اطباء مصر و قسطنطنیه و در این طبع است پس آنرا بدین و بنحاطر نکاهل آید \* شراب دیناری صغیر نافع جهت جمیع امراض کبدی و امراضی که در کتب است

کبد باشد خصوص صداع بشوکت کبد بسبب صعود البخار از کبد بسرچون اسهال طبیعت یان کرده شود بعد از فصل از  
 حبل اللذراع دست راست \* صنعت آن پوست بیخ کاسنی نیم کوفته بیست درم ورق کل سرخ کل نیلوفر ازهر یک ده درم  
 کا وزبان پنج درم تخم کشوت سه درم مجموع را در یکوطل آب و نیم رطل کلاب خوشبو یکشب بخیسند و صبح جوشانند  
 چون بیکوطل رسد صافی نموده بیکوطل قند سفید داخل کرده بقوام آردند پس فرود آورده ریوند خطائی بیست درم  
 سوده داخل نموده نیکو برهم زنند شربت یان ازده تا بیست درم \* شراب دیناری کبیر نافع از برای جمیع امراض کبد  
 و از برای مالینخولیای مزاجی تنقیه با این شراب بعد از فصل و نضج ماده بماء الاصول \* صنعت آن تخم کاسنی مقشر ده درم  
 را زیانه پنج درم بیخ کاسنی پانزده درم پوست بیخ بادیان هفت درم و نیم کل سرخ منزوع الاقماغ پانزده درم کل نیلوفر  
 سر بنفشه کا وزبان افتیمون اسطوخودوس ازهر یک چهار درم بسفایج فستقی تربل مد برازهر یک بیست درم سنا مکی  
 حبب النیل ازهر یک هفت مثقال تخم کشوت پنج مثقال بد ستور شراب دیناری صغیرا جزا را در نه رطل آب شب بخیسند  
 و صبح بجوشانند چون سه رطل آب بماند ببالایند و بایکمن قند سفید بقوام آردند پس چهل درم ریوند خطائی درین داخل  
 نمایند و بعضی پانزده درم شاهتره و چهل دانگ عناب نیز داخل کرده اند مقد ار شربتی از آن ازده درم تاشانزده درم  
 با آب نیم گرم بپاشند \* شراب دیناری دیگر \* صنعت آن تخم کشوت چهار مثقال افسنتین رومی کا وزبان کل سرخ  
 انیسون را زیانه تخم خربزه تخم خیاردین پوست بیخ کرفس بیخ ازخرا ازهر یک ده مثقال عذاب سپستان ازهر یک یکصد مد  
 تخم کاسنی ریوند چینی مویز منقی ازهر یک پانزده مثقال پوست بیخ کاسنی پوست بیخ را زیانه ازهر یک سی مثقال نانخواه  
 سعد کوفی سنبه الطیب ازهر یک هفت مثقال قسط تلخ قسط شیرین ازهر یک پنج مثقال کل قند آفتابی یکصد مثقال سرکه  
 انکوری و قند سفید ازهر یک یکصد و پنجاه مثقال بد ستور مرتب نمایند شربت یان ازده مثقال تا پانزده مثقال \* شراب  
 دیناری مستعمل زمین الین عطار که در اختیار است بل یعنی آورده \* صنعت آن تخم کاسنی ورق کل سرخ ازهر یک بیست  
 درم پوست بیخ کاسنی سی درم کا وزبان کل نیلوفر ازهر یک ده درم تخم کشوت در کتان بسته پنج درم ریوند چینی  
 پنج درم را که پنج مثقال کنند میباشد اقوی ادویه را بغیر از ریوند در آب بجوشانند و ببالایند و قند سفید بقوام آردند  
 پس ریوند را کوفته و در یکوطل آب شیر کشند و در آن داخل کنند و نیکو برهم زنند و فرود آورده نکا هارند \* شراب  
 دیناری منقول از خط میرزا ئی میرزا محمد رحیم قلمی فرموده اند که این شراب معمول ما است \* صنعت آن تخم کاسنی  
 نیم کوفته ورق کل سرخ ازهر یک بیست درم پوست بیخ کاسنی چهل درم کل نیلوفر کل کا وزبان ازهر یک ده درم تخم  
 کشوت سه درم تخم کشوت را در کتان بسته باقی ادویه را بجوشانند تا مهرباشد در آخر صره تخم کشوت را داخل کرده در  
 جوش دیگر داده صافی نموده با یکصد و هشتاد مثقال قند سفید بقوام آردند پس ریوند چینی سوده ده مثقال در آن  
 داخل نموده در ظرف چینی نکا هارند میرزا محمد رحیم فرموده اند که من درازده مثقال ریوند چینی داخل میکنم \*  
 شراب دیناری دیگر به نسخه زمین الین که در اختیار است بل یعنی آورده و گفته که این نسخه مستعمل اطباء تبریز  
 است و ترکیب مولانا صدرا الین عطاء الله است که معجون عطائی از ترکیب آن است \* صنعت آن تخم کاسنی پانزده  
 درم پوست بیخ کاسنی بیست درم کا وزبان زرشک منقی غنچه کل سرخ کل نیلوفر ازهر یک ده درم ریوند چینی سه مثقال  
 قند سفید یک من بد ستور مرتب سازند شربت یان ازده درم تاده مثقال \* شراب دیناری به نسخه حکیم معصوم \* صنعت آن  
 تخم کاسنی نیم کوفته ورق کل سرخ ازهر یک بیست درم تخم کشوت پنج درم کل نیلوفر کل کا وزبان ازهر یک ده درم افتیمون  
 در کتان بسته سه درم در آب بجوشانند و ببالایند و با قند سفید بقوام آردند پس از آتش برگرفته ریوند چینی ده درم



گرفته بعد بر بختنه و با آن مزوج نموده به تیر معجون سازی بر هم زنند تا نیکو مخلوط شود \* شراب دیناری دیگر از حکیم  
معصوم سده بکشا یک و برقان و حرارت کبد را مفید بود و در از بول کند و طبع را نرم دارد \* صنعت آن بادیان تخم کاسنی  
از هر یک با نروده درم پوست بیه کاسنی پوست بیه بادیان بیه کرفس از هر یک پنجم رم کا و زیان ورق کل سرخ از هر یک  
ده درم مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین از هر یک با نروده درم تخم کشوت پنجم رم اجزا نیم گرفته در آب صاف بخیسند و  
بخوشانند و بمالند و صاف نمایند و بایک من قند بقوام آورند \* شراب دیناری قلمی فرموده اند که این تا لیف کلب  
آستان امیرالمومنین سپید محمد هاشم مخاطب بحکیم معتمد الملوک ملو بخان است نافع از برای تفتیح سد ها و امراض  
بارده کبد چون سوء القنیه و استسقا و امراض بارده طحال چون صلابت آن و از برای حمیات بارده بالغیه و حمیات  
مرکبه \* صنعت آن پوست بیه کبر پوست بیه کرفس پوست بیه کاسنی از هر یک بیست درم پوست بیه بادیان اصل السوس  
از هر یک سی درم فجاج از هر غنچه کل سرخ تخم کشوت اقلیمون اقربطی از هر یک ده درم راز یا نه اقلیمون تخم کرفس از هر یک  
چهار درم ریوند چینی پنجم رم زعفران دو درم اقلیمون و تخم کشوت را علجل و علجل و دریا و چکنان تا کی بندند  
و تخم کشوت را با باقی ادویه سوای ریوند و زعفران یک شب در کلاب و مرق با درنجوبه و عرق افسنتین از هر یک یک طول  
و نیم بخیسند و صبح بخوشانند و در آخر صرغ اقلیمون را دران اند از نروده چون دو ثلث عوقها بود و بعضی فرود آورده  
کیسه اقلیمون را مالیده دور کنند و مطبوخ را بیالایند پس غسل مصفی یک طول و قند سفید یک طول داخل نمایند و شوام  
آورند و در آخر ریوند چینی و زعفران را بکلاب سوده داخل نمایند و نیکو بوم زنند تا مشاوط شود و فرود آورده سرد کرده  
در ظرف چینی یا زجاجی نگاه دارند شربت آرده درم تا بیست درم \* شراب دیناری به نسخه دیگر \* صنعت آن تخم  
کاسنی بیست مثقال پوست بیه کاسنی سی درم غنچه کل سرخ مزوج الاقماح با نروده درم تخم کشوت پنجم رم و نروده چینی  
ده مثقال قند سفید دور طل ادویه را نیم کوفته ریوند و در کیسه کتان پی کرده چنانکه ثلث کیسه خالی باشد و همه را بکشا یک و  
در آب بخیسند و روز دیگر بخوشانند و صافی نموده با قند بقوام آورند \* شراب دیناری که قواب در آن است  
حکیم باشی در رساله مجربات خود آورده اند \* صنعت آن تخم کاسنی بیست درم پوست بیه کاسنی سی درم غنچه کل  
کا و زیان از هر یک ده درم ورق کل سرخ بیست درم تخم کشوت در کتان بسته پنجم رم ادویه در آن من آب به بول و نروده  
بمالند مالیده صافی نمایند و ریوند چینی پنج مثقال اضافه نموده با یکمن قند سفید بقوام آورند و به نیکو بوم زنند  
و در ظرف چینی نگاه دارند \* شراب راوند صاف امراض کبد و طحال را فائده دهد و دل و کشا یک و طبع را نرم دارد \* صنعت آن  
راوند چینی ده درم تربل سفید مصغ تخم کاسنی بیه غار بقون عش سفید از هر یک پنجم رم زنجبیل یک رم اجزا  
نیم گرفته یک شب در آب گرم بخیسند و خوشانند و صاف نموده با یکمن قند بقوام آورند و در نسخه دیگر وزن از بول سده  
درم و در نسخه قلا نسی دو ثلث درمی و بعضی ریوند را بوزن مجموع ادویه آورده و قلا نسی گفته به یکصد درم شکریست  
بقوام آورند و اگر خواهند یک رم سقمونیای مشوی یا یک رم محطکی دروی حل کنند صواب باشد شربت آرده درم  
ماء الاصول و بعضی گفته اند شربت آری بیست درم نامی درم با کلاب بیا شامند و قلا نسی گفته که شربت آری در آب  
بقول رجاحت است \* شراب راوندی به نسخه دیگر سده بکشا یک و برقان و حرارت کبد را نافع باشد و در بول کند و صاف  
نرم دارد \* صنعت آن رازیانه تخم کاسنی از هر یک با نروده درم پوست بیه کاسنی پوست بیه بادیان بیه کرفس از هر یک  
پنجم رم کا و زیان ورق کل سرخ از هر یک ده درم سه تخم یعنی تخم خیارین و تخم خربزه از هر یک با نروده درم تخم کشوت  
پنجم رم مجموع را نیم کوفته بخوشانند و بیالایند و با یکمن قند سفید بقوام آورند و در آخر خود درم و نروده درم و نروده درم

گرفته بختنه داخل کنند و به تیر معجون سازی مشروط نمایند پس آن سرد کرده در شیشه یا ظرف چینی نگاه دارند \*

عصاره ریوند آنچه به تحقیق پیوسته غیر عصاره ریوند است بلکه در او نیست براسه که از بلاد چین و مغرب می آورند و غرت غنبا و قوتنا قنبا بقاف و الف نیز مینامند و بعضی میگویند مغرب کو تا کنیا لغت فرنگی است و بعضی گفته عصاره علفی است و در چندستان که جزیره ایست از جزائر شهرنا و وقریب به بند چین است و آن در او را فر فیران نیز نامند و آن درائی است زرد تیره و مائل بسرخ شبنم بصبر سقراطی و از آن زرد تر و نیست آنرا طعم و رائحه قوی و طبیعت آن بر قول مجربین گرم و خشک در اول است لیکن به تجربه در آخر دویم بلکه اوائل سیوم یافته شد و مخرج اخلاط مختلفه است باسانی در غیر غنبا و هر خلط فاسد را که یا بد در معد و وکیل و سایر اعضا بقوی و اسهال دفع نماید و بسیار مفید است استسقا و هیضه معتدله و یرقان و اواز خواص و آن است که بسیار مکنت نمی کند در معد و مانند مسهلات دیگر بلکه بزودی و آسانی فعل و اثر خود را نموده با خلط فاسد و میکرو دبی در معده بسیار و نیز نافع است اکثر امراض بارده رطبه و دماغیه صریحه را مانند فالج و لقوه و استرخا و تشنج امتلائی و ضیق النفس و سرفه حادث از یلغم رقیق و غلیظ و ریزش نزلات و نیز نافع است نزول آب در چشم و بیضه را و مفتوح سد قی ما ساریقا و مل ربول و حیض و رجاع مفاصل و ثقل سامعه و دوی و طنین و خفقان و انواع جنون و ما لیخولیا و نافع با جمله درائی است شریف اکثر امراض قلیمه و جلدین و رمفید و استعمال کرده میشود در بعضی اطفال و حوامل و مرضعات نیز به سبب عذم غائله و ضرر آن و مقلد ارشربت آن در امزجه لطیفه از دوحبه تا چهار حبه و در اقویا از چهار حبه تا دوازده حبه و آنچه در اشخاص متوسطین اهل بنکاله تجربه نموده از هفت رتی تا دوازده رتی بمو تب و اسنان و اشخاص و غیره عمل و اثری قوی یافته و کمتر از شش رتی در جوانان طبیعت ایشان را برهم میزند و عملی چند آن نمیکند و اکثر استعمال آن با گل قند است که سوده با گل قند سرشته محبوب ساخته با خلط نیم گرم فرو بزند اگر سرفه نباشد و الا با عرقهای مناسب دیگر و چون در عمل قصوری نماید آب نیم گرم بیاشامند و در استسقا با مطبوخ متخل از دویه معتدله مدیه مخصوصه بآن و همچنین در امراض دیگر از یرقان و حبس اول و حیض و نزول ماء در کس و رجاع مفاصل و نفوس و عرق النساء و رک و غیره با ادویه مخصوصه بآنها و همچنین در امراض صلبه و با جمله در هر علت اگر با ادویه مناسبه بآن بیاشامند میکردا قوی در عمل و اگر در بعضی امزجه قویه و امراض مرکبه قلری سنامکی نیز بر اجزای مطبوخ افزوده در عمل اقوی یافته و باقی منوط برای طبیب حاذق است و اگر عمل بسیار نماید و خوف ضعف باشد کلاب با قند و یا کلاب خالص بیاشامند مکرر و نظر بشهرت این در

بلین اسم بهمین نام ذکر یافت \* دواء عصاره ریوندی \* صنعت آن عصاره ریوند هر مقدار که خواهند با دوزن آن برگ کل سرخ کوفته بختنه و با دوزن کل شیر خشک یا شیر تر نجبین یا از هر دو با المناصفه سرشته شربتی اطفال را بحسب مراقب از نیم گرم تا یک گرم و متوسط را از دوزن یک تا سه گرم و اقویا را از چهار گرم تا شش گرم \* درای دیگر از اقویان \* صنعت آن عصاره ریوند تربل سفید مد بر اهر یک یک گرم کل سرخ چهار گرم زنجبیل مصطکی اهر یک نیم گرم شیر خشک تر نجبین اهر یک شش گرم شربتی از یک گرم تا سه گرم با آنچه مناسب باشد و این اطفال ضعیفان را مناسب نیست \*

فصل در ذکر اقراص راوندی \* قرص ریوند به نسخه که شیخ رئیس در قرابادین قانون آورده نافع است از برای تیجهای کهنه و صلابت کبد و جساءه و اورام آن و از برای ضرر ضربه که بر اعضا حشا رسد \* صنعت آن ریوند چینی هشت گرم فوة الصبغ عود لك اهر یک چهار گرم تخم کرفس غافقانیسون اهر یک سه گرم کوفته بختنه اقراص سازند هر قرصی یکمقال شربتی یک قرص با سکنجبین و در نسخه میزان اطباء نافع ایجا عود لك

لك مغسول است و گفته با ترنجبین محلول در آب صافی نموده سرشته اقراص سازند و این نسخه شش جزو است و مؤثر است  
 کرم است در یک رجه و ثلث در رجه و خشک را آخر درجه سیوم \* صنعت این قرص به نسخه دیگر ریونل چینی فو  
 الصبغ لك مغسول از هر يك سه درم تخم کرفس انیسون عصاره غافث از هر يك دو درم کوفته بپخته با آب سرشته اقراص  
 سازند شربت ریونل از یک رجه تا یک مثقال و قوتش بعد از ششماه ضعیف میگرد و باید دانست که ریونل چینی در ادویه امراض  
 کبد خصوص در اقراص بکند همچون کل سرخ است در امراض معد و در رفع وکل سرخ همچون فنجک است است در امراض  
 طحال \* صنعت این به نسخه دیگر ریونل چینی فو الصبغ لك مغسول از هر يك سه درم تخم کرفس انیسون عصاره  
 غافث از هر يك يك درم کوفته بپخته بعرق کاسنی تازه سرشته اقراص سازند و در سایه خشک نموده بکار بران \* صنعت این  
 قرص بنسخه حکیم میر محمد باقر حسینی که در بیاض مجربات خورد بخط خود آورده و نوشته که این قرص نافع است از برای  
 تبهای کهنه و صلابت جگر و سپرز و زرام جگر و سپرز و زرام جگر واقع شود \* صنعت آن ریونل چینی  
 شش درم فو الصبغ لك منقح تخم کرفس انیسون عصاره غافث از هر يك دو درم کوفته بپخته با آب سرشته اقراص سازند  
 شربت ریونل از یک رجه تا یک مثقال و قوتش تا ششماه و باقی میماند و گفته که این جزو در زمان حاج الادویه و وزن فو الصبغ  
 لك مغسول از هر يك چهار درم و وزن ریونل همان شش درم است و سه دوا می دیگر از هر يك يك درم است و گفته که  
 اخلاط این قرص به نسخه ایضاح این است ریونل چینی دو درم سنبل الطیب مصطکی رومی بادیان عصاره غافث انیسون  
 از هر يك سه درم بدستور قرص سازند شربت ریونل دو درم و گفته که اخلاط این قرص به نسخه شعی و انیسون که از برای  
 در اقراص کبد ذکر کرده این است ریونل چینی دو درم سنبل الطیب مصطکی رومی عصاره غافث انیسون رومی در  
 انیسون از هر يك دو درم و نیم کوفته بپخته با آب را از پانه سرشته اقراص سازند شربت ریونل که یک مثقال باشد  
 قرص را و ند منسوب بشیخ الرئيس قليل المقل اکثر المنافع عجرب جهت یوقان و در د سرد سرد سینه و معد و جگر  
 و سپرز و با ها و تبهای مزمنه و عسر بول و سوء هضم و سوء و در اکثر منافع مثل قرص کوکب است و از برای  
 است و قوتش تا چهار سال باقی است \* صنعت آن ریونل شش مثقال و انیسون يك مغسول از هر يك چهل تخم کرفس  
 انیسون عصاره غافث افسنتین از هر يك سه مثقال و اگر مریض را در د سرد کهنه باشد و مصطکی و کوکب و انیسون  
 عوض قسطا مدیله کابلی و اگر نصاب بخار باشد کشتن خشک بجای تربل و اگر با نپ و قبض طریعت باشد مثل انیسون  
 کل سرخ طباشیر بنفشه از هر يك سه مثقال و اگر عطش باشد بدل اصل انیسون آخر خورق کنند و در شش کمال \* قرص  
 را و ندی ذوسنطار یا کبلی را سود دارد \* صنعت آن ریونل چینی زرشک بدل انیسون کاسنی کل انیسون صابغ عربی  
 طباشیر سفید کل مختوم از هر يك دو درم کوفته بپخته با آب لسان الحمل سرخ و اقراص سازند شربت ریونل يك  
 با آب لسان الحمل \* قرص را و ند که شیخ الرئيس در سوء مزاج حار کبد آورده \* صنعت آن ریونل چینی خطایی از یک  
 منقح تخم کاسنی اجزا مساوی کوفته بپخته با آب لسان الحمل سرشته اقراص سازند هر قرص يك مثقال در سایه خشک  
 نموده نگاه دارند شربت ریونل يك مثقال با آب بزرگ بزرگ و در نسخه دیگر صابغ عربی و انیسون انیسون است \* قرص ریونل  
 دیگر نافع از برای امراض و طبع کبد و حمیات مرکبه و قویکه بشر غالب باشد \* صنعت آن ریونل چینی دو درم  
 افسنتین رومی کل سرخ از هر يك شش درم سنبل الطیب انیسون عصاره غافث انیسون رومی در  
 لك مغسول عصاره غافث از هر يك دو درم \* قرص را و ند دیگر کتیف انیسون انیسون رومی در  
 و کل بار د کبد و شش و دلون بیاض و توهل جلد و اخلاق بطن و انداخ اجفان حاد و انجمات و زنده \* صنعت آن ریونل چینی

رومی سنبل الطیب عصاره افسنتین رازیانه انیسون ازهر یک ده درم ریونک چینی ده درم کوفته پیخته با آب اقراص سازند شربت ی یک مثقال با سکنجبین ساده \* قرص را وند دیگر  
 ریونک چینی لك مغسول ازهر يك سه درم طبا شیر سفید كل سرخ منزع الا قمع ازهر يك چهار درم تخم حماض  
 پیچ درم زعفران یک درم کوفته پیخته اقراص سازند شربت ی دودرم و در نسخه دیگر نیم درم است \* قرص را وند  
 به نسخه محمد بن زکریا رازی که سید اسمعیل در ذخیره در سوء مزاج یارد جگر ذکر کرده \* صنعت آن سنبل الطیب  
 مصطکی رومی عصاره غافک افسنتین رومی رازیانه انیسون ازهر یک دودرم ریونک چینی ده درم کوفته پیخته اقراص  
 سازند و در سایه خشک کرده نگاه دارند شربت ی د و مثقال با سکنجبین عسلی \* معجون را وند ی امراض کبد و طحال  
 را نافع بود و سده بکشاید \* صنعت آن ریونک چینی زنجبیل شهلانچ و ج بیج انجدان ازهر یک یک اوقیه تخم کرفس رازیانه  
 نانخواه انیسون ازهر یک نیم اوقیه مجموع را کوفته پیخته با سه چند ان عسل کف گرفته بسرشتند و در بعضی نسخه ها  
 در اسن عوض شهلانچ آمده \* معجون را وند دیگر ورم معده و جگر را که بسبب ضربه باشد نافع بود \* صنعت آن را وند  
 چینی زنجبیل شهلانچ اجزا مساوی با سه چند ان عسل بسرشتند شربت ی از یک درم تا دودرم \*

**باب الراء مع الباء الموحدة \* فصل در بیان ربوب \*** بد آنکه با صطلاح رب آب معصور از فواکه را نامند  
 که با آتش ملایم در ظرف سنگی یا مس تازه قلعی کرده جوشانیده بقوام آورد باشند مانند اجاص و خشخاش و انبر باریس و  
 ساح و ثروت شامی و حب الاس و حصرم و حماض و رمان و ریباس و سفرجل و سماق و کشری و لیون و نارنج و امثال اینها و  
 چون اکثر اینها بسبب لطافت و رقت زود مستغرق میگردند لابد قدری دوشاب انگری یا شکر سفید یا عسل مصفی داخل باید  
 نمود و آن هر دو اولی از عسل اند و این هنگام میگردد شبیه بشارب الا آنکه در اشرافه حامضه خلوت و حموضت آنها متساوی  
 است در اکثر امور و بر اینها حموضت غالب است بسبب کمی مقل از شیرینی و اکثر ربوب اشیا ی مذکوره در ماکن خود  
 ذکر یافت و میباید انشاء الله تع \* رب قشر جوز خنای و بشورد هان و خون آمدن ازین دن ان و سستی آن و اورام لثه را  
 مفید است \* صنعت آن بکیرند آب پوست سبز گردکان و با دوشاب انگری و یا شکر و یا عسل با آتش ملایم بقوام آورند  
 و فی الجملة طریق صنعت ربوب یا شربه است و ذکر خواهل یافت انشاء الله تع \*

**باب الراء مع السین**  
**المهملتین \*** رسا طون شرابی است که از خمر و عسل و ادویه حاره ترتیب دهند گرم تر و قوی تر از شراب  
 اسطون و در مزجه بارده نافع است و فرا گرفته میشود در زمستان از برای پیران \* صنعت آن بکیرند عصیر عنب جیل  
 السور و دره زورق و زورقی چهار رطل و نیم است و با آتش ملایم بجوشانند و کف آنرا بکیرند پس داخل کنند در ان عسل  
 صافی جیل متین چهار رطل و بجوشانند با آتش ملایم و کف آنرا بکیرند تا آنکه بنصف رسد پس بکیرند هیل بواقا قله قرفه  
 الطیب قرفل د او قفل ازهر يك یک درم و یکوبند کوبیدنی لطیف و در پارچه کتان پیسته بیند از ان در وقت طبع  
 بهل از کوفتن کف آن پس چون به نصف رسد دیگر آنرا نباید که بجوشانند و صبر کنند که گرمی آن کم شود بعد یکم ممکن  
 باشد که دست در ان توان کرد بمالند کیسه را بدست مالیدنی شد یل تا بداید آنچه در ان کیسه است از قوت ادویه و  
 سه درم زعفران در ان نیز داخل کنند و در شیشه ها نمایند و سرشیشه را محکم بندند پس اگر رقیق باشد آفتاب دهند  
 آنرا پس از آفتاب بردارند و نگاه دارند و هر چند کهنه شود بهتر است و در نسخه فلا نسی وزن عسل ربع رطلی است و نسخه  
 شیخ رئیس اصح است حکیم میوه من گفته که از اقسام خمواست این شراب مزجه بارده را نهایت نافع است و مقوی  
 هوائ غریزه است و باید که بعد از طبع چهل روز از آفتاب کنارند پس از آفتاب بردارند میفرمایند که بهتر آن است

که آن مقل از چو شانند که دو ثلث عصیر غلب برود و یک ثلث بماند و درین حالت میگوید حلال و نیز نمی باشد **محتاج**  
 بکل اشتن در آفتاب \* و سکپور از رسائن اطباء است و از مجربات ایشان از برای جلد ری و افزاینده و جرب خبیث که  
 آنرا آن تشک کویند و جوشش سر که آنرا نار فارسیه نامند و از برای سعه خبیثه که آنرا کپایی گویند و از برای اقسام قروح  
 کلیه و مثانه و مجاری بول که مزمن گردیده باشد و از برای ریشهای کهنه و ناصور و انف و از برای خفا زبور سنگ کرده و مثانه  
 و از برای سرعت انزال و ضعف باه با غسل تناول نمایند شربت از یک سرخ تاد و سرخ \* صنعت آن سیما بکل از برای  
 زاج سفید و در نسخه دیگر بجای زاج سفید زاج اخضر دهند که آنرا بهندی نیله تموتها گویند داخل است و نسخه اول  
 بهتر است و نمک سنگ از هر یک نه تا یک مجموع را با آب صلیه کرده و اقراض سازند و بعد از خشک شدن در گاه سفید  
 لعاب ابر که در نه آن نمک کرده باشند بکنارند و کاسه دیگر مثل آن که بخاکستر و شیوه جوزمانل که آنرا بهندی ده سوره  
 گویند اندوده باشند بر بالای آن کک اویند و هر دو را بطین حکمت مطین کنند و سه شبانه روز بر بالای اطراف آن پا چک دشتی  
 یعنی سر کین کا و صحرائی که در صحرای خشک شده باشد چیده آتش دهند و بعد از آن که سرد شود بر آورده و آنچه که  
 ظرف و اطراف آن چسبیده باشد بر آورند که رسکپور آن است و از برای قوت باه نه شبانه روز آتش دهند \* و رسکپور  
 نوع دیگر که نواب حکیم الممالک سید علویخان ثانی علی نقی خان قدس سره جمیع اوراق از حکیم فرکی نقل نموده  
 از برای مرض آن تشک و سائر قروح خبیثه و قلمی فرموده اند که بجمعی کشیدند دم و جرب باقیم در امراض مزمنه است آن  
 رسکپور آن است که بکیرند سیما بکل بیست مثقال و نیم و زاج سفید هفتاد و پنج مثقال و باقی جمع کرده در هاون سنگی  
 خوب بسایند و در شبیه کنند و سریشده را محکم بسته به کل حکمتی که از کل سرخ و پنجه و نمک و خاکستر و پوست برنج و گندم  
 باشد کوفته خشک نموده پس در آن آتش شدیل نمایند که تا سه ربح روز در میان آتش باشد و آنرا آتش و کون  
 صحرائی باشد بهتر است بعد از آن از آتش بر کوفته بر آورده بکنارند تا سرد شود اجزا را از شبیه بر آورند و در روی سنگ  
 سماقی بآب لیمود و بر اجزا صلیه نمایند تا منجمد گردد پس ببارد دیگر در شبیه کنند و بول مستور و سریشده را بر آن  
 محکم نموده بکل حکمت مل کو رکوفته بکنارند تا خشک شود در یک سفالی که نصف آنرا ریگ کرده باشد آتش آوند و  
 اطراف و بالای آن را ریگ پر نمایند که در وسطا ریگ پنهان شود پس در زیر آن آتش شدیل نماید تا یک سوره سرخ آوند  
 پس بر آورند و بکنارند تا سرد شود نگاه از اندرون شبیه بر آورند و در ظرف چینی یا شیشه بگذاهند و از آن و عسل و نبات  
 بکار برند و همین عبارت از رسکپور و شجره سفید است \* صنعت حساب آن چنان است که در امراض متوسطه در آن سه که  
 بسیار سوزش نکاشته باشد بکیرند یک مثقال و ربعی از آن رسکپور مزبور و بیست و یک مثقال و نیم و عسل و نبات  
 سیاه و نرم کوفته بآب خالص خوب سازند هفت عدد در روز اول یک عدد و صبح و یک عدد و عصر و مرض فرو برد و در صبح  
 روزها صبح یک عدد و فرو برد کافی است و اگر مرض بسیار خفیف باشد ربع مثقال از رسکپور و سیما بکل و کک بماند  
 نسبت یعنی خمس از قرنفل و قنفل نیز کم نمایند بهتر است و اگر مرض بسیار باشد یک ربع مثقال و قنفل و کک بماند  
 نیم مثقال شود و اگر مرض کم و مزمن و مستحکم شده باشد حب مل کو رکور بآب عسل و مغز بهرین عدد و اگر مرض است  
 زخمی و جرقنی در مثانه و مجاری بول و قضیب نموده باشد بآب ریون چینی یک عدد و آب ریون چنان است که در  
 دیشم ریون چینی را در نیم من آب قنبری صاف آنمقل از چو شانند که ربع بماند صافی نموده و صفت از صفت از صفت  
 نصف را شام بیداشا من و اگر مرض در سوره حوالی آن باشد و جوشهای بسیار که چرک از اجزای بود در آن آب مل کو  
 کور و در آنجا ام شیل و قروح و جروح خبیثه و جرب لطیف و باقی نیز با آب عسل مل کو رکور و در آنجا بماند و آن

آن است که در ایام شرب دوا و چند روز بعد آن از نمک و ترشی و ماست و بقول و امثال اینها اجتناب نمایند و بغیر از آن  
 کنند م و روغن کاه و گوشت بره املک تناول نمایند و اگر بسبب جوشش دهن از خوردن نان عاجز باشند از آرد کنند م و  
 مرغ بچه و روغن کاه و بره بدست و بخته میل نمایند و اگر چینی و قرنفل داخل میتوان نمود و اما پیا زور سیر و بقولات  
 داخل نباید نمود و اجتناب اولی است از اینها و اگر جوشش دهن زیاد باشد با شیر بز و پوست مغیلان و گات هندی  
 مضمضه نمایند و بشویند دهن را بد آن و اگر جوشش دهن بسیار زیاد باشد مرغی را کشته آلات اندرون آنرا آورده  
 و با بر در یک کرده با آب بجوشانند تا بپخته شود و آب آنرا با کرباس سفیدی صاف نموده با آن مضمضه نمایند و بعد از  
 فراغ از خوردن دوا و چاق شدن زخمها و جوشش دهن باید که این مسهل را میل نمایند تا اثر نگذرد و سیماب از بدن  
 خوب دور شود \* صنعت آن مسهل سنا مکی هلیله سیاه کل سرخ اجزا متساوی نرم سوده صبح مقادیر و مثقال و نیم آنرا  
 با عسل سرشته میل نمایند و غدا قیمة شور با و تا یک اربعین پرهیز نمایند خصوص از جماع و آثاریکه از خوردن این  
 دوا ظاهر میگردد آنست که دهن جوشش بسیار می کند بمقدار شدت و قوت مرض و تب شدن وضع بسیار بهم میرسد  
 اما خوفی ندارد و زیاده از هفت یوم نمی ماند و بعد از هفتم اثری از مرض باقی نمی ماند و با رها تجربیه نموده شد مثل  
 ندارد \* **باب الرأ مع المیم \*** رمان بفارسی انا کرکیند و اقسام میباشد شیرین بیدانه را که املیسی  
 می نامند لطیف تر از سایر اقسام سربا اعتدال در اول تریا قوت قابضه و قلیل الغذاء و مواد خلط صالح و نفاخ و ازین جهت  
 باعث نعوظ و درین است و مد ربول و جالی و مقتم و ملین طبع و مورت تشنگی و خوردن آن بعد از طعام سبب انحلال  
 آن و جهت تصفیه روح کبدی و تقویت جگر و استسقای لکمی و زقی و سوء القبه و یرقان و سوز و خفقان و آلم سینه و سرفه  
 حار و صاف کردن آواز و فربه کردن بدن و نفوذ فرمودن غذا و رفع جرب و حکه و نیکو کردن رنگ رخسار و نافع و اکثر آن  
 عسل غل و مرغی معده و مصلحتش مصطکی است و چون سرانا و شیرین را سوراخ کرده و بدفعات بقدریکه کنجاایش  
 داشته باشد روغن بادام شیرین در آن ریخته بر روی آتش کند آنرا تا روغن را جذب کند بعدی رسد که دیگر جذب  
 نتواند کرد مکیلن آن جهت درد سینه و سرفه از مجربات است و بدستور آشامیدن آب آن با شکر و نشاسته و صمغ عربی  
 و روغن بادام که نیم گرم باشد همین اثر دارد \* و انا رترش و شیرین که بعربی مز و بفارسی مشخوش نامند در سردی و تری  
 مائل با اعتدال است \* و انا رترش در دویم سرد و خشک و قابض و مد ربول و مسکن هرات معده و غلبان خون و مانع  
 سیلان مواد بمعده و جهت رفع خمار و قی و خفقان حار و منع صعود بخار غذا و رفع د خائیت آن نافع و اکثر آن مورت  
 قرحه امعا و سحج آنها و مضرمبرود و مضعف جاذبه جگر و قوت باه و مصلحتش انا و شیرین و زنجبیل پرورده و امثال آن و  
 آب آنرا این که با پیه آن فشرده باشند از نیم رطل تا یک رطل و بیست درم شکر خام مسهل صفرار مقوی معده و جهت  
 تهیه صفرای و یرقان و جرب و حکه نافع و ضاد مطبوخ مهرای آن با پوست و تخم جهت جرب و حکه صفرای مجرب و  
 طلای مطبوخ آن در شراب جهت تحلیل اورام بی علیل است و مضمضه آب آن جهت قروح خبیثه و قلاع و اکتحالش  
 جهت ناخن و سیل نافع و ضاد عصا را آن که در طبع غلیظ شده باشد با قدری عسل جهت قروح خبیثه و قرحه بینی و  
 گوشت زیاده و زخمها و درد کوش مفید است و سویق آن قابض و جهت رفع خواش خوردن کل و امثال آن زنان  
 حامله را مؤثر است و در افعال قوی تر از آب آنست و چون آب انارین را در ظرف مس بقوام آورند جهت  
 سلاق و جرب و تقویت با صره و جراحات مزمنه و خبیثه نافع و چون جوف انار را خالی کرده روغن کل سرخ در آن ریخته  
 بر آتش ملایم کمال شده در گوش بچکانند جهت درد آن بغایت مؤثر است و پوست انار بسیار قابض و بغایت بارد و مضعف است

رسفوف آن با غصص مسهل بعضو اخلاط سوخته و جهت رفع آتشك بغایت مفید و جلوس در آب طبعی آن جهت رفع سیلان حوض  
و خروج مقعد و وضاد آن با غسل جهت رفع آثار آبله و طلاعی سوخته آن با غسل بر سینه و معده جهت منع نزفالد م و قی آن م  
و نفع الد م و حقنه با آب او که با برنج و جو مقشر بوده جو شاییده باشند جهت رفع اسهال و سحج و مضه با آب طبعی آن جهت  
تقویت لثه و آشامیدن آن جهت سلس البول و شستن مقعد و با آن جهت قطع خون بواسیر و امراض مقعد و آشامیدن  
و سائید آن بقدر یک گرم با آب گرم در رفع کرم معده بی عمل و طبعی بیخ انار درین باب از مجربات است و جهت تولد حار و  
و درد دند ان مضه با آن بی عمل است و چون پوست انار ترش را با مازو بالسویه سائیده در سرکه انار و شالیان یا سرکه  
و منعقل کرد و در بقدر نفلی حبه ترتیب داده و با نروده عد و زباده ازان نیز جهت رفع اسهال مزمن و سحج و سحر  
و قرحة امعاء و مقعد مجرب است و آب انار بی درد و بیم سرد در اول خشك و قابض و جهت التیاب و تشکی  
مفیط تپهای تند و قی و خما و رفع فساد خواش حوامل و فساد رنگ رخسار و دفع غم نافع و انار در آب قابض از  
رب هر یک است و در افعال قویتر و کوبید و ترش آن با مویز یا لسویه و خمس آن زبده کرمانی جهت رفع قی و تقویت  
معده مجرب است و مضر سحج و سرفه و مصلحش مویز و گردگان و بدلش سماق است و کل انار در افعال مثل هله و قی و  
است جهت قطع خون بین دندان و التیام جراحت و فتق و قلاع وضاد آن با برگ زبرقم معده جهت قی و مفرط و مضار  
آن با کلاب جهت ریختن مواد چشم و رفع ورم آن و با آب بارتنگ جهت قرحة احلیل و با آب جهت التیام و التیام  
و خراش پاکه از موزه و کفش شده باشد و با سرکه جهت باد سرخ نافع و مضار و پوست و پیه آن قائم مقام کل آن است  
و خوردن هفت عد ازان که هنوز با ز نشد و باشد بنهجی که بدست نگرفته گله را ناشتا باغ کنند جهت قطع هر زردمل  
در مد تایل سال آزموده است و دانه های زرد بکه در اقام انار میباید شد شبیه بزور و در و جمیع افعال مثل تخم آن  
است و گفته اند که پوست ریشه آنرا اگر از طرف بالا رویا بین بتراشند خوردن آن اسهال می آورد و اگر از طرف  
پایین رو ببالا بتراشند مقوی است \* آتش و مان \* صنعت آن مثل صنعت آشها و چاشنی دارد بکراست مانند آتش  
النبر باریس و تمهیدی و غیرهما که ذکر یافتند \* افشورج و مان که از آب انار ترش و قند با انار بی مسال و در افعال  
و خواص مانند آب انار چاشنی دار است \* برودا لرمائین که آنرا کجل اللمائین و برودا النفاشین نیز میگویند و تلیف  
چالینوس است بنهایت مقوی با صوره است و حافظ صحت چشم و قاطع دمع و مریض بیاض و حکه و جرب مزمن و تحلیل  
ورم چشم است \* صنعت آن تو تیا کرمانی سازج هند ما حاس محرق از هر یک يك جز و صبر مقوی نقل در رنفل  
شاد نیج عد سی مغسول و اگر نباشد حجر مقناطیس محرق مغسول از هر یک نیم جز و مضار با مضه هضم سوز چاشنی و ج  
مقشر از زروت سفید مل بر زبل البجر از هر یک ربع جز و صلایه کرده با آب و مانین بر و در آب نیم مویز و در آب و مان  
کل ارنه پس در شیشه نگاه دارند و پنجم کشند با مر الله تع نافع است \* جوارش و مان ساد و جهت تقویت قلب  
و جگر نافع است \* صنعت آن بکیرند آب انار بی هرقه ار که خواهند و یا هم و زان آن با کرمی یا زبده عد و زبده و زبده  
سفید بقوام آورد و بر روی سنگ صاف یا سینی نقره یا مس نازق قلعی یا تخنه صافی که نو و غنی باشد با دم و یک کرب  
نموده باشند و نخته بطریق مقرر بر روی و عند الحاجة تا بیست مثقال و زباده هم میتوان در اول انار و اگر در اول کی  
نفران و منبر و مشاف را در آخرا ضافه نمایند نیکو است و اگر از آب انار و شیرین صوف و یا آب انار ترش صاف با ششوش  
خواهند ازان ترتیب نمایند \* جوارش و مان مرکب تالیف حکیم المالك عرف حکیم عرب الله کشمور \* صنعت آن  
آب انار و شیرین آب انار ترش قند سفید از هر یک بکند و با شیشه درم آب نافع نازقی و هفت درم پوست برون پسته



بسته پوست زرد اترج مصطکی سنبل الطیب هیل بوا قاقله کبارطبا شیوسغید زورورد کشنیز خشک ازهریک نیمدرم  
 عود قماری خام و ج ترکی ازهریک نیمدرم انک بدستور جوارش سازند شربت از دودرم تا دوشمال \* جوارش رمان  
 دیگر مقوم معده و کبد حار است \* صنعت آن آب انارین هر مقل ارکه خواهد درد یک سنگی با آتش ملایم بجوشانند  
 تا بر ربع رسد پس بوزن آن قند سفید اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید پس فرود آورده تیر بزندانند تا سرد گردد و بر روی  
 سنگ بریزند و بپزند و اگر برای زیادتی تقویت زرشک منقی و کرد سماق و آمله منقی ازهریک یک مثقال و از برای  
 مبرودین و تقویت هاضمه مصطکی رومی قرنفل عود قاقله کبار سنبل الطیب ازهریک یکدرم یا زیاده اضافه نمایند  
 شاید \* حقه مغید از برای اسهال و سحج \* صنعت آن بکیرند پوست انار برنج فارسی و جومعشوب داده و بجوشانند  
 نامهر شود و صافی نموده و آب آن حقه نمایند \* حب قشرا ارمان نافع اسهال مزمن و سحج مخوف  
 و قرحه مقعده \* صنعت آن بکیرند پوست انار ترش مازوی سبز متساوی و نرم بسایند و در سرکه بجوشانند تا ماهر شود  
 و منعقل گردد و حبها سازند بقدر فلفلی پانزده و زیاده از آن را بخورند و مجرب است \* حریره رمان جهت سرفه  
 حار و خشونت صوت نافع است \* صنعت آن بکیرند دودرم نشاسته و آرد برنج چهار درم و سه درم نبات در آب انار  
 شیرین و آب انار میخوش بحسب حاجت آن مقل ارکه طبع نمایند حل نموده صافی نمایند و با آتش ملایم طبع دهند  
 تا بقوام آید پس فرود آورده روغن بادام قدی بوان ریخته تناول نمایند \* خشاب رمان حامض که قریب در خواص  
 و منافع بشواب آن زالطف از شراب رمان حامض و میخوش است \* صنعت آن بکیرند قند سفید در آب حل کرده  
 بجوشانند و کف آنرا بکیرند پس انار ترش شاداب بزرگانه را دانه کرده شسته در آن ویزند و بجوشانند تا بقوام  
 شراب آید فرود آورده صافی نموده نگاه دارند و بوقت حاجت در آب حل کرده بپاشانند \* دواء الرمان جهت اسهال  
 مزمن اطفال خصوصا در حین برآوردن دندان و غیر آن و از برای غیر اطفال نیز نافع \* صنعت آن بکیرند غنچه انار کوچک  
 ناشکفته از برای اطفال از یک تا دودوم دوازی برای بزرگان تا پنج عدد و از زیره سفید از مقدار نیم ماشه تا یکماشه از برای اطفال  
 و از برای دیگران تا سه ماشه و از برای بزرگها تا یک انارک نورسته مغیلان نیز مقدار نیم ماشه تا دوماشه با قدری آب بر سنگ صلایه نرم سوده  
 صافی نموده با هفت پارچه خرف هفت مرتبه سنگ تاب نموده نیم گرم بپاشانند \* دهن الرمان املیسی که سر آنرا برداشته  
 بر آتش گل ازند و بد فعات روغن بادام شیرین بپکانند بقدریکه کنجایش داشته باشد آن بر آتش ملایم باشد تا آنکه دیگر  
 جذب روغن نمایند پس بمکن آنرا جهت درد سینه و سرفه از مجربات است \* رمانیه آشی است متخل از آب انار  
 ترش با قند یا آب انار شیرین مسکن معده و حمیات صفراویه و غلیان خون و مانع انصباب مواد است بمعده و نافع است  
 از برای قی صفراوی و خفقان حار و دفع خمار و صعود بخار غل اسرود خا نیم غل \* صنعت آن بکیرند برنج سفید و  
 در آب به پزند و چون نیم پخته شود آب انار ترش با اندکی قند یا آب انار شیرین و قدری آب شیرین داخل کرده با قدری  
 روغن بادام شیرین یا شیرو مغز بادام شیرین مطیب نموده چند جوش دیگر داده که چاشنی در برنج جذب شود  
 و در وقت بخشن مصالحه مانند نعناع تازه هیل دارچینی داخل نمایند و اگر تقویت قوه ضرور باشد کوشش مرغ بپچه  
 یا بزغاله یا بروه املک داخل نمایند باین نحو که کوشش را قطعات نموده با اندک پیاز در آب به پزند و کف آنرا بکیرند پس  
 به پزند چون قریب بمهر شدن رسد برنج را در آن داخل کرده بدستور مزبور به پزند و بخورند و اگر تب نباشد بعد  
 از کف گرفتن کوشش با پیاز و روغن کاسر و خ کرده پس بدستور مزبور پخته بخورند \* رب رمان هلود را فعال اقوی از  
 آب انار شیرین است ولیکن مرخی معده و مصلحش مصطکی است \* صنعت آن بکیرند رمان املیسی بیکانه و آب آنرا

گرفته قلری به شیرین رسیده را پوست بهله انه و ثفل جل کرده داخل نمود و به پزند تا بقوام آید و اگر بجای  
به قلری نبات سفید جهت قوام آمدن داخل نمایند شایسته است \* رب انار ترش در افعال اقوی از آب آن است \*  
صنعت آن بکیرند آب انار ترش و در یک سنگی یا گلی تازه قلعی نمود و در هر ده من از آب انار ترش یکمن  
به شیرین را پوست جل کرده بهله انه و ثفل آن را بر آورده و بهی را پنج شش قطعه نمود و در آن انداخته بهی شادان  
بانش ملایم تا بقوام آید پس فرود آورده در مرتبان اخضر نگاه دارند و بعضی به راد اخل نمیکند و بجای آن در  
هر ده من آب یکمن قند سفید یا دو شاد اخل کرده به پزند و بعضی بی شیرینی و به تنهایی بقوام می آورند \* رب انار  
ترش و شیرین که آب این هر دو را در یک مس بغیر قلعی کرده به پزند تا بقوام آید جهت جوارحات مزمنه و خیمه صائیدن  
آن نافع است و کشیدن آن بچشم مقوی باصره و حافظه است آن است جهت سلاق و جرب چشم مجرب است \* رب رمان  
که بطریق رب رمان حامض پخته باشند چنانکه ذکر یافت درد ویم سرد و راول خشک و قابض است و جهت التهاب

و تشنگی مفروط و قهای حاره و قی و خمار و دفع فساد خواش حوامل و فساد رنگ رخسار و دفع غیر نافع است \*

**فصل در ذکر سفوفات قشر و حب رمان \*** سفوف رمان مسهل بعضی است و اخلاط و مویضه را و

جهت دفع آتشک به نهایت مفید است \* صنعت آن پوست رمانین و مازوی سبز مساوی کوفته پخته و مشغال آن

با آب سرد بخورند \* سفوف حب رمان حامض دافع قی و مقوی معد است \* صنعت آن انار دانه ترش پنج سفوف

زیوه کرمانی یکم مثقال کوفته پخته با مویز سرخ پنج مثقال کوبید و سرشته بخورند \* سفوف حب الرمان سهال را که

سفوف و رفیق باشد و با ثفل آمیخته باز دارد و معده را سوزد دارد \* صنعت آن حب الرمان بریان کرد و یکصد گرم

صلف سوخته کرویای مد بمقلوا زهر یک بیست گرم خربوب نبطی پنج مثقال سماق منقی از حب ده مثقال کوبیده

پخته سفوف سازند شربتی دود رم با آب به شیرین \* سفوف حب الرمان به نسخه دیگر \* صنعت آن انار دانه بریان

نموده درم آرد کنار آرد بلوط از هر یک پنج مثقال کشنیز خشک بوداده مقشور سماق بوداده منقی کلان فارسی

عرد هند ی از هر یک چهار درم مصطکی رومی دودرم نشاسته بوداده صمغ عربی بوداده طیار شیر سفید حب الآس

مازوی سبز بوداده نانخواه هیل زرنباد کل ارمی از هر یک سه درم کوفته پخته سفوف سازند \* سفوف حب الرمان

ضعیف معد و امعاء و سهال موارعی را نافع است و علامت این قسم اسهال است که بعد از تهیه ای خفیه و غلبه صفی و

خوردن شراب کهنه و عمل حادث شود و زردی مد فوع و سوزش مخرج دال است بران \* صنعت آن انار دانه بریان

کرده آرد بلوط سماق منقی زیوه کرمانی مد بر آرد سنجل کشنیز خشک بریان کرد و خربوب نبطی آرد کنار از هر یک

پنج درم هود هند ی نیم درم آملک منقی یک مثقال کوفته پخته شربتی از یکم مثقال نادر و درم با آب به شیرین به دست است \*

سفوف حب الرمان به نسخه صاحب ذخیره که در اسهال موارعی ذکر کرد \* صنعت آن انار دانه بریان کرد و یکصد گرم

کشنیز خشک مد بر پنجا درم سماق منقی کلان فارسی از هر یک پانزده درم کرم مارچ خربوب نبطی از هر یک ده درم

کوفته پخته شربتی از دودرم تاسه درم با آب به شیرین به دست است \* سفوف حب الرمان دیگر که اسهال سوز رومی

را باز دارد \* صنعت آن حب الرمان ده درم بهمن سرخ زرنباد جنبل رمان تخم سیل اب تخم شاه و سفوف از هر یک

یک درم کوفته پخته سفوف سازند و جنبل رمان غنی ناشکفته آن است \* سفوف حب الرمان به نسخه دیگر که \* صنعت آن

انار دانه بریان نمود و پنچ درم حب الآس آرد بلوط سماق منقی از حب زیوه کرمانی سوکه اکبری نو کرده بریان

نموده آرد کنار آرد سنجل کشنیز خشک بریان نمود و مقشور خربوب نبطی خربوب شامی از هر یک دودرم و مسک صبی

و اما مك عود قمارى خام از هر يك يك گرم گرفته بخته يك گرم نرم نباشد و استعمال نمایند \*

فصل در بيان سنگچينان رمانى \*

سنگچين رمانى به نسخه قلا نسي مسكن عطش است و نافع است از براى

حميات حاد و معرقه و نافع است از براى خمار و مقوى معده و كبد حار است \* صنعت آن بگيرند آب انار ترش و شيرين

يكرطل و سرکه خمر جيد سه استار آب زرشك منقى نيمرطل كلاب يكرطل شكر سفيد يكمن و نيم تبريزى ستور مقربى به پزند

تا بقوام آيد شربتى بيست درم \* سنگچين رمانى به نسخه مسيح چهارم را سود دارد و تشنگى به نشادن و معده و جگر

كرم را قوى كند و دفع خمار نمايد \* صنعت آن آب انار ترش آب انار شيرين از هر يك يكرطل و بد ستور يكه در سنگچين

نفا حى ذكر شد آنرا صافى نمايند پس در وطل نبات سفيد باوى بيا ميزند و در يك سنگى بچوشانند و كف آنرا بگيرند و

چون ديكر كف بر سر نياورد باز صافى نموده شش استار سرکه خمر جيد و يك اوقيه كلاب داخل كرد و بچوشانند با آب

سياه و ملايم تا بقوام آيد پس فرود آورده و سرد کرده در ظرف چيني يا زجاجى نگاه دارند شربتى دوا وقيه \* سنگچين

رمانى به نسخه محمود بن الياس شيرازى نافع از براى حميات حاره و عطش و از براى كبد و معده حاره \* صنعت آن آب

انار و پنج رطل آب زرشك يكرطل و اگر خواسته باشد آب غوره يكرطل نيز داخل كنند كلاب خشبده درم پس در هر رطل

از اينها يكرطل قند سفيد داخل نمايند و در يك سنگى با تش ملايم بچوشانند و كف آنرا بگيرند و چون كف بر نياورده

فرود آورده و بكن دارند تا سرد شود صافى نموده پس بازي از هر يك رطل شكر سه استار سرکه خمر جيد داخل كرد و بچوشانند

تا بقوام آيد و كسى كه خواسته باشد كه سنگچين رمانى ترتيب دهد بايد كه اقتصار كنند بر آب انار و شكر و سرکه صادق

الحوضه \* سنگچين رمانى به نسخه سيد مظفر الدين \* صنعت آن آب انار ترش آب انار شيرين از هر يك يكرطل بچوشانند

و كف آنرا بگيرند پس فرود آورده و بكن دارند تا در آن ته نشين كرد و آب صافى آنرا گرفته در هر رطل از آن قدرى آب

زرشك منقى و ربع يكرطل سرکه انكورى و يكرطل قند سفيد داخل کرده بچوشانند و كف آنرا بگيرند تا بقوام آيد و اگر

بعوض آب زرشك و قتيكه طبع قبض باشد آب تمر دهند مى كنند بهتر است و چون بقوام آيد فرود آورده سرد کرده نگاه دارند \*

سنگچين رمانى به نسخه سيد اسمعيل \* صنعت آن آب انار ترش آب انار شيرين از هر يك نيمرطل سرکه انكورى پنج استار

آب زرشك منقى و استار كلاب يكرطل شكر طبرزد سه رطل بد ستور طبع نموده بقوام سنگچين آورند شربتى بيست درم \*

سنگچين رمانى ديگر \* صنعت آن آب انار ترش آب انار شيرين سرکه انكورى كلاب از هر يك يكرطل در يك من قند سفيد

بقوام آورند و استعمال دوازده درم با عرق بيد مشك و عرق كاسنى بنوشند \* سنگچين رمانى به نسخه يحيى

بن عيسى بن جزله چهارم حاره و تشنگى و حرارت معده و جگر را سرد دارد \* صنعت آن آب انار ترش صافى نموده

پنج من قند سفيد پنج من درهم کرده به پزند تا بقوام آيد قوامى معتدل پس سرد کرده در شيشه نگاه دارند و در وقت

حاجت تناول نمايند \* سويق رمان انار دانه خشك را كوبيد و سويق سازند و بقل حاجت تناول نمايند قابض و

هابس اسهال صفرا و بيست وجه دفع خواش خوردن كل و امثال آن زنان حامله را نافع است و معرب \*

فصل در بيان اشربه رمان \* شراب رمان به نسخه شيخ رئيس مقوى معده است و نافع است از براى شربه

و سرفه \* صنعت آن آب انار شيرين بيدانه چهار رطل آب سيب شامى يكرطل با نبات سفيد يا فانييل سنجرى يكرطل بقوام

آورند شربتى دوا وقيه \* شراب رمان منقول از خط ميرزا معزالدين موسوى از اولاد ميرزا سليمان قلمي نموده كه اين معمول

صاحبى ام ميرزا محمد باقر حكيم باشى شاه سليمان بود مقوى قلب و معده و جگر است و نافع است از براى قي و غشيان \*

صنعت آن بگيرند حب الرمان خامض نيمرطل سماق ربع رطل هر دو در چهار رطل آب بچوشانند تا بد و رطل رسيد صافى

نموده پس بکیزد بک اترج ده ورق نعناع تازه ده طاقه قریفل سه عدد در نیکی دیگر دو درم سست سست اصلی یک مثقال  
کنن پنچل رم پوست بیرون بسته سه درم کوفته بخته دران اند آرد و بیاشامه دران در برای غشمان شنیل و اگر مرک  
اترج یافت نشود پوست زرد اترج خشک نعناع خشک از هر یک دو درم بل ل آن هر دو داخل کنند و اگر عوض آب کلاب  
داخل نمایند بهتر است \* شراب رمان حامض قی باز دارد و قمع صفرا کند و قاب و معده را قوت دهد \* صنعت آن  
آب انار ترش درمن درد یک سنگی کرد و و شاخ نعناع تازه عود قماری خام آمله منقی انور یک دو درم پوست بیرون بسته  
پنچل رم کوفته دران داخل کرد و بجوشانند تا به نصف رسد صافی نمود و قند سفید یکمن داخل کرد و بقوام آورد پس  
از آتش فرود آورده مصطکی سود و و درم دران داخل کرد و نیکو بزم زنند که خوب مخلوط شود و در ظروف چینی  
نگاه دارند \* شراب رمانین منعنع قواق بنشانند و قی باز دارد و معده و جگر و دل را قوت دهد \* صنعت آن آب انار  
شیرین آب انار ترش که هر دو معصور یا شخم باشد و رهن بایکمن قند سفید و یک اوقیه آب نعناع تازه بقوام آورد پس  
و اوقیه \* شراب رمانین منعنع تهوع و تقاب نفس و قی و اسهال و اسود دارد و معده را قوت دهد \* صنعت آن آب  
انار ترش آب انار شیرین هر دو را بکجوش داد و فرود آورد و یک شب بکند از آن قند بزد آن نه نشین شود صافی آنرا کوفته  
با آتش ملایم به بزنند تا بنصف رسد پس بکیزد آب نعناع تازه و صافی نمود و در هر یک رطل از آب دریا پس که رقی سال  
یک رطل شکو سفید و نیم رطل آب نعناع داخل کرد و بقوام آورد پس آنرا از آتش بکوفته سود کرد و در شیشه نازک بطرف چینی  
نگاه دارند \* شراب رمان مسهل بنسخه قلا نسی طبع را نرم دارد و صفرا براند و حمیات صفراوی و امراض صفراوی را که  
با آنها سرفه نباشد بر طرف کرد اند \* صنعت آن آب انار ترش آب انار شیرین که هر دو معصور یا شخم باشد از هر یک یک من  
تربل سفید مد برد و اوقیه قوی را کوفته و یکسه کنان کشادی کرد و در آب انار افکند و بجوشانند و یکسه را یکسه را یکسه  
بمالند و بفشانند تا شیر آن بر آید پس کیسه را نیکو به الک و بفشانند و در آن یک من شکو سفید و معنی یکمن داخل کرده  
ببزنند و کف آنرا بکیزد و پنچل رم سقمونیای مشوی انطاکی نرم سالیل و در یکسه کنان کشادی کرد و و یک من زعفران را  
بکلاب سود و در یکسه کنان دیگر کرد و در آن افکند و در آن هر دو کیسه را بمالند تا هر دو کیسه خالی شوند و شراب بقوام  
پس آن هر دو صره را بر آورده و بفشانند تا چیزی در آن کیسه ها نماند و شراب را فرود آورده و سود کرد و بکلاب از آن در نیکی  
از یک اوقیه تا دو اوقیه و در نسخه دیگر نیم یک درم را وند داخل است \* شراب رمان حامض ساد و بکیزد آب انار ترش  
هر قل که خواهند و مقل اوثلث آن قند سفید باد و شتاب بکوزی یا عمل داخل کرد و در یک سنگی با آتش ملایم بجوشانند  
و کف آنرا بکیزد پس صافی نمود و بقوام آورد پس بعضی شربتی این شراب مرثه از قند باد و در آب را عمل که باشد نصف دران  
آب انار میکنند و چون بقوام آید فرود آورده و سود کرد و بکلاب از آن در وقت حاجت شربتی و اوقیه بپوشد \* شراب  
رمان حلوسا و از آب انار شیرین انفع است \* صنعت آن بکیزد آب انار ملایمی به رطل و در آن قند سفید سه رطل داخل  
کرده و در یک سنگی با آتش ملایم بجوشانند و کف آنرا بکیزد و صافی نمود و بقوام آورد و در هر رطلی این شراب که اول  
مصطکی رومی سود و داخل کرد و سود نماید بعد از آنکه از آتش فرود آورده باشد و در ظروف چینی نازک نگاه دارند  
شربتی تا دو اوقیه \* طلاق رمان حامض و نموی فرود و در آنکه از حضرت اسحاق علیه السلام روایت شده که هر یک از این سه رطل  
این کتب آستان اعلیٰ مؤمنین علیه السلام است از برای خارش تمام بدن مخصوص طبعه و رطوبت و اسهال و شل  
است و مکرر تجربیه شد \* صنعت آن آب انار ترش یک عدد در ظروف مس سرج بغیر رقی یا سکه که بکوزی به بزنند تا هر دو  
شود پس در این انداخته بکیزد و پوست ملایم فرود آورده و صافی نمود و بقوام آورد و در هر رطلی این شراب

بوداده مغز تخم کدو بوداده سنگ سبزه یا کله افرا بهندی تخم پنوار و چکوند فامند پوست کدو سوخته حفص مکی از هر يك يك مثقال کوفته بهخته در آن داخل کرده لابل بسته بمالند پس روغن کل سرخ بقل حاجت داخل کرده نیکو بر هم زنند تا چون مرهم شود در حمام بعد از کیمسه مالی بر موضع جرب و حكه بمالند نافع باد \* عصا را رمان جهت قروح خبیثه و قرحه بینی و گوش از باد و در زخمها و در گوش مفید است \* صنعت آن بکیرند آب انار را با پیه و شحم آن و قند ری عسل داخل کرده بپزند تا غلیظ شود و در ظرف چینی نکاهند از آن و عند الحاجة بکار برند \* لعوق رمان نزلات و ماغی و سعال را که از حرارت باشد نافع بود \* صنعت آن انار شیرین چند آنکه خواهند بفشارند و در یک سنگی جوش دهند چند آنکه نصف بمالند پس نصف آن شکر طبرزدی اضافه کرده با آتش ملایم جوش دهند تا لعوق گردد \* قلیه آب افشرد رمان \* صنعت آن مثل صنعت قلیای دیگر است \* ماء الرمانین المعصورین با شحم چون نیمرطل آنرا تا یکرطل بیست مثقال شکر خام داخل کرده بنوشند اسهال صغرا کند و مقوی معده است و جهت تپهای صغرا و ریوقان و حكه و جرب نافع است \* صنعت آن بکیرند انار ترش و انار شیرین متساوی و همان قسم درست بدست و انگشت و انهای آن را فشرده نرم نمایند پس سر آن را بپزند و آب آن را بقوت تمام بفشارند پس صافی نموده وزن کرده نیمرطل آن را تا یکرطل بحسب حاجت شکر سفید خام بیست مثقال داخل کرده بکند از آن تا شکر حل شود صافی نموده بنوشند \* ماء الرمان حلوا الملیسی نافع است از برای درد سینه و سرفه \* صنعت آن بکیرند آب انار الملیسی و داخل نمایند در آن شکر سفید و نشاسته و صمغ عربی سوده روغن بادام شیرین نیم کرم نموده بپاشا منند \* معجون رمانی لی یعنی آن قدس سره مقوی معده و کبد و هاضم طعام و مشهی است \* صنعت آن آب انار ترش قند سفید آب نعناع تازه از هر يك يك درم مصطکی رومی سنبل الطیب قانتین از هر يك دو درم کوفته بهخته بآن سرشته معجون سازند \* معجون رمان دیگر ایضا قدس سره که از آن اقوی است \* صنعت آن آب انار ترش آب انار شیرین از هر يك يك آنرا آب به شیرین آب به ترش از هر يك نیم آنرا و قند سفید عسل مصفی از هر يك يك آنرا مجموع را با آتش ملایم بقوام آورده کف آنرا گرفته پس بکیرند بسپاسه جوز بوا قرنفل دارچینی از هر يك يك درم مصطکی رومی سنبل الطیب طبا شیر سفید از هر يك يك و نیم درم عود هند و غرقی خام پوست پیرون بسته پوست زردا ترج قانتین از هر يك دو درم ادویه کوفته بهخته بآن سرشته علی الرسیم معجون سازند \* روا صبر بفتح را و و ا و ا و الف و کسر صا د مهمله و سکون یای مثناة تحتانیه و رای مهمله در آخر بقارسی بر رانی نامند و آنرا از بقول قان که در آب طبع دهند و باروغن بریان کنند و ترشیها مانند سوکه و یا آب غوره و یا آب سماق و یا سبب ترش یا ربها من و یا امثال اینها و یا ماست و یا کشک سائید و داخل کنند و تناول نمایند و بعضی ادویه حار را مناسبه بقل حاجت اضافه سینمایند \* طبیعت آن بحسب بقول و ترشیها و غیرها مختلف میباشد در برودت و رطوبت و میل بحرارت و تمامی آنها ملطف و مبرد مطفی حرارت و تشنگی و صغرا و خون و مناسبه امزجه محرورین و زمان و اوقات کرم متخذ از بقول

### باب الراء مع الواو \*

همه وضات ملینه ملین طبع و از قابضه قابض و مهیج امراض رحم \* روشنائی بل آنکه اصل روشنائی در سینائی بوده برای مهمله و واو و وسین مهمله و یای مثناة تحتانیه و نون و الف و همزه و یا که بشین معجمه و نون و الف و همزه و یا شهرت یافته \* روشنائی ظفرو و جرب و سبیل و دمعه و تاریکی چشم را مفید باشد و بعد از بپزیدن ظفرو سبیل بجهت تحلیل بقیه ماده و قبل از بپزیدن اگر قویق باشد سود دهد \* صنعت آن شادنج عا سی مغسول مس سوخته اقلیمیای نقره نمک هند ی بوره ارمنی زنگار دا رفلعل از هر يك چهار درم فلفل سفید فلفل سیاه کف دریا از هر يك هفت درم صبر سقوطی سنبل هند و قرنفل از هر يك چهار درم آمله منقی زنجبیل از هر يك دو درم

زعفران قوشا در ازهر يك يك درم و نیم کوفته بحریر بخته هر يك را وزن اسوده مخلوط کرده بکار برند عددا در به هفت است \* روشنائی دیگر جرب و انتشار و وسعت ثقبه و نزول آب را مفید است \* صنعت آن توتیای هند می دودرم اقلیمیای ذهبی سه درم سوره اصفهانی ساذج هند می ازهر يك يك درم زعفران مرورید ناسفته ازهر يك دودرم کا نور قیصر و مشک تبخی خالص ازهر يك يك دانگ بدستور کحل سازند \* روشنائی اصغر چندین کوبید که تاریکی چشم را سود دارد و بیاض بپودرمعه را باز دارد \* صنعت آن شیاف مامیثا ما میران چیننی لفل ساذج هند می ازهر يك يك مثقال دار فلفل مرصافی زعفران افیون درمنه ترکی زنجبیل ازهر يك نیم مثقال شادنج عدسی مغسول ده درم مجموع کوفته بحریر بخته بوقت حاجت در چشم کشند \* **باب الزاء مع الباء المثناة التحتانیة \*** ریاس معروف و مشهور است

بهترین آن ساقهای قوی بالید \* بی ریشه شاداب نازک است بیخ آن ریوند است چنانچه ذکر یافت در دویم سرد و خشک و لطیف و با قوت قابضه معد \* و احشا و جگر حار را نافع و مفرج و قاطع قی و تشنگی و غمیان و مسکن حلات صفرا و خون و جهت رفع مستی و خمار و بواسیر و ورم و خفقان و ورم و اسهال حار و برقان و زهمهای حار و تحریک اشتها و منع برزدمل و اکحال با آن جهت تقویت با صره و بیاض و با آرد جو جهت حمزه و باد سرد و نمل نافع و مضور سینه و باه و مجفف اعضاء و مروت قولنج در مبرودین و مصالح شربت مردوا نیسرون و عسل و قد رشرب از آب آن قاشی در هم وید لش ترشی ترنج و آب غوره است و رب ریاس قوی تر از آب آن است و شرابش جهت وحشت و جنون و اختلالات و احتراقات نافع است \* رب ریاس \* صنعت آن مثل صنعت رب رمان است و من کورش \* شراب ریاس مقوی معد \* و قلبه است و صفرا بشکند و دفع خمار کند و حمیات صفراوی را نافع باشد و اشتها می طعم آورد و تشنگی به نشاند و فی و اسهال صفراوی باز دارد \* صنعت آن بکیوند ریاس قلم رسید \* بالغ و بکار چوبی سرود نمال آنرا جدا کنند و در میان سنگی بسفته سنگی بکوبند و آب آنرا بکیوند و بکرپاس صافی نموده در دیک سنگی کرده چند جوش بد هند و کف آنرا بکیوند پس فرود آورده بکندارند تا ته نشین شود پس صافی آنرا بکیوند چنانکه در دوا خل نشود و در هر یکمن از آن آب یکمن قند سفید داخل کرده در دیک سنگی با تش ملائم به پزند تا بقوام آید نگاهدارند و اولی آن است که در هر سه من از آب ریاس یکمن قند سفید داخل کرده بقوام آورند بلکه سزاوار آن است که همچنین باشد و شراب را سرد کرده در شیشه نگاهدارند و بعد از غل ابدسه ساعت دوم مثقال آنرا چهل مثقال آب داخل کرده بپاشا مانند هم بعد از غل ای چاشت هم بعد از غل ای شب که بعون الله تع نافع است \* **کتاب الزاء المعجمة \*** **باب الزاء مع الباء المرحدة \***

زیاد بدانکه زیاده نوعی از عطریات سیاه مائل بسرخ سافل است که از بلاد حبشه و اقصای هند از نوعی حیوانی خاص کپورند \* مشهور و زیاده و بغار سی کوبه زیاده نامند و آن حیوان قریب بجثه سک با خطوط سیاه و چون حرکت بسمازیدهند آنرا از مابین دوران آن از عضوی شبیه به پستان آبی بر می آید در غایت خوشبوی در سیوم گرم و در ریوست معدل منشف و مقوی دل و بسیار مفرج و مقوی حواس و جهت تسهیل ولادت نیمدرم آن بقدری زعفران و مرق کوشت مرغ قریه مجرب دانسته اند و جهت غشی و خفقان و توحش و جنون و در دهم معدل نیز و طلا می آن جهت بضع دمل و انجمام قرحه و با روغن بادام تلخ جهت حفظ صحت سامعه و تقویت آن قطره مفید و بوییدن آن جهت زکام و سوزش بوییدن آن موزش بل خلقی و ضیق النفس و مصلح محو و زور و مصالح صندل و کافور و غل یه بارده است و در ریخ آن بوقصص حبس است \* صنعت مانع حمل وید ل آن غالیه است \* زیبب بقرسی مویز کوبند و بهترین آن بکوشت گدانه بزرگ مقدار و در آن بپزند و در اول تو و منضج خلط غلیظ و کحل با عدل و رجالی معدل و با مغز و جگر باه

با مبرودین و موافق قصبه ریه و سمن و مقوی جگر و جهت سرفه بلغمی را مواضع کرده و مثانه و قرحه معا و با کل کا و زبان  
و خرما و سبز جهت خفقان مجرب دانسته اند و با حسن لبان جهت رفع نسیان و با سرکه جهت یرقان بد ستور مجرب  
و چون بجای دانه در موعده فلغلی جای داده و مدت نمایند جهت سردی کرده و تقطیر بول و سنگ کرده و مثانه بیعدیل  
و چون با انیسون بخفته و مهرا کرده و آب آن را با روغن بادام بنوشند جهت سرفه مجرب و ضمادش با پیه حیوانات جهت  
اورام و کشودن دمل و قلع ناخن منخلع و با آرد با قلا و زیره جهت ورم انثیان و با شراب جهت قروح شهیدیه و جدوی  
و عفونت مفاصل و جوشها و سرطان و غاغزا یا که مفسد عضو است مفید و با جوش شیر جهت نقرس مفید و مظهر محررین  
و مصلحش سکنجبین و میوه های ترش و خشکاش و مضر کرده و مصلحش عناب و قد و شربتش تاسی درم و نوعی را که بیدانه  
است کشمش نامند بهترین آن سبز و زبون ترین آن سیاه است و همه آن لطیف تر از داروی مبهی و با قوت مسهل و آب نقیع  
و آب مطبوخ آن که با فانیل بقوام آورده باشد جهت سرفه و مواد سینه نافع و منقعی صوت است و ضماد آن با زعفران و  
زرد تخم مرغ و عصاره جهت کشودن دمل و تحلیل صلابات بی نظیر و کوبیده آن با صبر جهت کچلی سر مجرب است و در  
جمیع افعال دیکر مثل مویز دانه بیرون کرده و اکثاران محرق خون و مصلحش مذکور شد صاحب کافی از حضرت ابی  
عبدالله عم از حضرت امیر المؤمنین عم احادیث متعدده روایت میکنند که فرموده اند هر که ناشتا بیست و یکدانه زیب  
سرخ بخورد امان مییابد از جمیع امراض مکر و مرض موت \*

### فصل در بیان اشربه زیبیه \*

شراب زیبیه موسوم بشراب حلال منقول از هبیه جناب حضرت امام رضا علیه و علی آباءه و اولاده الثنا و السلام جهت  
حفظ صحت و امان از اوجاع بارده و غیرها به تفصیلی که خواهد آمد \* صنعت آن فرموده اند بکیر از زیب منقیده  
رطل بشو و بخیسان در آب صافی آن مقداری که بر روی آن آید چهار انگشت و در زمستان سه روز در دقا بستن یک روز  
و یک شب نکاهد اریس در یک پاکیزه کن و باید که آبی که در آن می خیسانی آب باران باشد اگر میسر بود و لا آب شیرین  
که سرچشمه آن از جانب شمال باشد و آن آب براق سفید سبک باشد و چنین آبی قابل سرعت قبول گرمی و سردی است  
و این دلالت می کند بر خفت آب و طبع ده تا زیب بخیسد و بخفته و منتفع شود پس بمال و صاف نماید آب آن را و سرد کن  
پس ثانیاً در یک بریز و بکیر مقدار آن را بخوبی و بهمان مقدار از هیزم که ن را طبع دادی طبع نماید با آتش ملایم تا آنکه  
در ثلث آن برود و یک ثلث بماند پس بکیر از عسل نحل مصفی یک رطل و بریز بر آن و انداز ده زیب دتی آن را در یک  
بکیر و در دقا طونکاهد اریس و بکیر پا رجه صغیری و در آن زنجبیل و زعفران از هر یک یک گرم و قرنفل و دارچینی و سنبل  
الطیب و سنبل رومی و مصطکی و تخم کاسنی از هر یک نیم گرم جدا جدا نیم کوفته در آن پا رجه انداز و سر آنرا  
محکم به بند و در آن دیک انداز و با آتش ملایم طبع ده و پا رجه را از پشت کفچه بمال متصل تا آنکه قوای ادویه بالتام  
در آن باز داده شود و مقدار عسل برود و ثلث مقدار زیب مطبوخ بماند پس بردار از آتش سرد کرده کیسه ادویه را  
پا ز خوب بمال تا بقیه قوت آن بر آید و دور کن و شراب را در ظرفی محفوظ مدت سه ماه نکاهد و در آن آنکه اجزای دوا  
متداخل یکدیگر کردند و امتزاج یا بند پس آن هنگام استعمال کن و باید که مقدار آنچه آشامید می شود از آن  
یک اوقیه یا دو اوقیه آب خالص باشد و در نسخه دیکر مقدار شربت آن ده مثقال با چهل مثقال آب حل کرده است پس  
هرگاه خوردی مقدار را که وصف نمودیم برای تو از طعام پس بیا شام ازین شراب سه قاشق بعد از طعام پس هرگاه  
چنین کردی پس به تحقیق ایمن میگردی باذن الله تعالی در آن روز و شب از اوجاع بارده مزمنه مانند نقرس و مفاصل و  
ریاح و غیر آن از اوجاع عصب و دماغ و معده و بعضی اوجاع کبد و طحال را معا و اخشا و زیب دتی بلغم و رطوبات پس اگر بعد



از آشامیدن آن خواش آب بهمرسانی خواهش صادق پس باید که بهاشامی نصف مقدار را بچهار اول آشامید و بومی پس  
 یک رستیکه این طریق اصلاح آن است برای حفظ بدن مؤمن و زیاده کند است برای قوت مجامعت آن باشد است برای  
 ضبط و حفظ آن و یک رستیکه صلاح بدن و قوام آن بطعام و شراب است و فساد و بفساد آن هر دو اگر موافق مصلحت خودی  
 و آشامیدی و آن با هم موافقت نمودن صحیح و سالم میماند بدن و اگر فاسد ساختی آن هر دو را فاسد می شود بدن و  
 از عبارت کلام جناب معصوم صلعم مستفاد میگردد که خرقة ادویه را مقارن انداختن غسل در طبع و صافی زیبای با آنک  
 زمانی بعد از آن باید انداختن و الله اعلم \* شراب زیبای خاصه که آن مرحوم جهت نادرش و تزیین داد و اند \* صنعت آن  
 هودندلی آمله منقی چای خطائی از هر یک ده درم پوست بیرون پسته مصطکی رومی از هر یک سه درم دانه قبل قله که از  
 در ارچینی از هر یک د و درم کل سرخ چهار درم نیم کوفته در پارچه کتان بسته بگیرند و بوی طایفی منقی از حب د و رطل  
 و آن را بشویند و یک شبانروز در آب باران یا آب چشمه جین بخیسانند و باید آن مقدار آب باشد که چهار انگشت در  
 رومی و بزرگردد پس آنرا در یک سنگی یا نقره کرده بجوشانند آنقدر که ثلث آب بماند بمالند و بهالایک و غسل مصون  
 نیم رطل و نبات سفید یک رطل کلاب یک رطل داخل کرده کیسه ادویه را در آن انداخته بجوشانند و در آن کیسه را بمالند  
 تا قریب بقوام رسد پس آب آنرا شیرین رب به شیرین از هر یک نیم رطل داخل کرده بقوام آوردی و کیسه را بمالند و  
 بهشاردن و در گرد اند \* شراب زیبای دیگر میزان و سرد مزاجان را موافق باشد معده و کرده و او عینه مایه برآورد و در  
 و حافظه را قوت دهد و باده را برانگیزاند و نسیم را در ظرف کنند و اشتهای طعام بدن آورد و رنگ را سرخ کرد اند \* صنعت آن  
 زیبای سیاه فربه د و رطل بآب صاف پاکیزه د و درم من آب بخیسانند و یک شب و یکروز بیک از آن آخیسور و شود و در  
 پنج من آب صاف اضافه نمایند و در باتیل بآتش ملایم جوش دهند تا بهر شود پس آنکه از کرباس پاکیزه صاف کنند  
 و بیک از آن که نه نشین شود و مکرر از کرباس بیک رانند که خوب صاف شود و باز در د یک کنند و بآتش نرم جوش دهند و  
 کف آن را بگیرند پس قونفل سنبل الطیب دارچینی کبابه چینی جوز بوا سیاه کدلی مصطکی از هر یک سه درم نیم کوفته  
 در رصه بندند و در د یک افکنند و یک ستور طبع نمایند و در آخر یک گرم مشک سود و در آن مزوج سود و شب و وقت  
 خواب در خلط معده بنوشند \* عرق زیبای مفرح و مسکرو مقوی باد و مشهوی و منعظ و دل و دماغ و کرد و معده را تقویت  
 بخشد و اشتهای طعام آورد \* صنعت آن بگیرند دارچینی فلفل دار فلفل قله که از درون عرق بی از هر یک پنج رطل  
 مصطکی یک مثقال و یک انگ و نیم بهمن سفید جل و از خطائی چوب خولنجان از هر یک پانزده مثقال سنبل الطیب قونفل  
 از هر یک د و مثقال کل کا و زبان شقاقل با درنجبویه خار خشک خضیه الشعلب مصری از هر یک سی مثقال جزار سیاه کوفته  
 در د و میدا کلاب و آب بقدر حاجت صبح بخیسانند و شام د و صل مثقال مویز سرخ دانه بیرون کرده در آن داخل نمایند  
 و شب بیک از آن و صبح کوشش بره جوان از چربی را استخوان جدا نموده و یکمن و یک چهارم از آن بوی و زردک رسد و  
 پاک کرده استخوان وسط آنرا در و نموده ریزه کرده هشت من مثقال داخل کرده عرق کشند و اگر بخواهد از یک کباب  
 ریزه کنند از برای تقویت دل بهتر است \* محلل زیبای جهت سپردن نافع چون ناشناخته صاحب مختار چنانچه در ساقی و  
 سرکه آنرا بالای آن بنوشند \* صنعت آن زیبای جید بالیل و بزرگ دانه و کوفته چوبهای آنرا در و رسد و صاف کرده  
 در سرکه آنکری بیند از آن و یک تا برسد و استعمال نمایند و باید که سرکه آنقدر که چوبها بکشد و از آن آب  
 آید را کرده رسد که قندی پوست بپنج کبر نیم زان از آن بهتر است \* معجون زیبای مقوی و نافع است \* صنعت آن پوست  
 دلیله کا بلی پوست هلیله زرد پوست بلهله آمله مقش و اسطوخودوس از هر یک ده درم هودنصیب پانچ درم در و رسد

سه درم مویز منقی یکرطل ادویه را کوفته بپخته مویز را نرم سوده با آن سرشته معجون سازند شربت پی بنجید نرم و سه نسخه معجون زیبب در اهللیج در اطر یفلات ذکر یافت \*

### باب الزاء مع الراء المهملة \*

فصل در بیان نسخ زرافات \* بد آنکه زرافه بفتح زاء معجمه و تشدید راء مهمله و الف و قاف و ما

انبویه صغیری را نامند مجوف که در یک سر آن سوراخ تنگی باشد و از طرف دیگر بمقل ارجوف آن چوبی در آن داخل نمایند جهت آنکه چون در آن انبویه آب خالص یا دوائی مائع رقیقی داخل نمایند و بفشارند از سوراخ تنگ آن چسبته بر آید و آنرا بفارسی آب درک و بهندی بچکاری نامند و مراد اینجاد دوائی مایعی است که برای جروح و قروح مجرای احلیل و مثانه و فروج و رحم استعمال نمایند بدین نحو که در انبویه و یا در مثانه کوسقند و یا در چینه دان مرغ خالی نموده و بر سر آن بگیرند محل مجوف باریک امس بسماز نرمی بمقل آنکه در جوف احلیل رود و یا پوزازی که مقل ار مجوف آن را برید و سر آن را سوراخ انبویه و یا بردهن مثانه یا چینه دان محکم بندند و در ممر احلیل نمایند و آن انبویه و یا مثانه را بفشارند تا داخل احلیل گردد چون قدر معتنی از داخل احلیل کردید و احساس نمایند که بافتهای آن رسیده آن زمان انبویه را بر آورند و سر حشفه را با نکشت بگیرند زمانی تا دوا در آن مکث نماید و اثر خود بخشد پس دست بردارند تا دوا خارج گردد و همچنین دفعه دیگر بگیرند در شبها نروزی سه چهار دفعه هر دفعه در مرتبه استعمال نمایند و اگر بعد از هر مرتبه که بول میکنند بگیرند بهتر است و بد آنکه نفع این نسبت بدوائی مشروب بلیغ و سریع است زیرا که درین دوا بجنسه میوسل و در آن به سبب بعد بسیار کم وضعیف کمالا یشتفی \*

زرافه جهت قروح مجرای تضییع بهر نوع که حادث شده باشد که بفارسی سوزنک و بهندی سوزاک نامند نافع \*

صنعت آن مردا سنگ دودرم تو تپای اخضر هندی یکدرم هر دو را بسیار نرم سوده با سه پا و آثار هندی که تخمینا یک چهار یک من تپیزی می شود ماست کاهوی که فی الجمله رقیق باشد بدون آنکه آب در آن داخل کرده باشند خوب محزوج نموده در پارچه کرپاس صغیری انداخته آب صاف آن را که خود بخود از آن بچک بدون عصر و فشار در ظرف چینی یا شیشه یا سفالی کوفته در انبویه یا مسانه یا چینه دان مرغ مسطور کرد و بدستور تزریق نمایند و این دوا تا سه چهار روز میماند یک روز که میسازند تا سه چهار روز کافی است و باید که هر روز سه چهار دفعه استعمال نمایند مرتبه بعد از بول چنانچه ذکر یافت و اگر در سه چهار روز زائل نکشت تو تپای را اندک بویان نمایند و در آب ماست صافی مقل اریک حبه کافور حل نموده سه چهار روز دیگر استعمال نمایند و همچنین از بوائی قروح و جروح فوج نیز \* زرافه دیگر نافع از برای امراض مذکوره \* صنعت آن پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله منقی هلیله سیاه و کبابه چینی طین مغره که بهندی کپور و نامند از هر یک یکدرم تو تپای اخضر که بهندی نیله تھوتها نامند نیمدرم کپور و تو تپای را سحق بلیغ کرده سائاد و به را جوکوب نموده در ظرف چینی یا شیشه یا سفالی شب با مقل از نیم آن آب بخیسانند و بارچه بر سر آن بسته شب تحت السما گذاشته صبح آب صافی زلال آنرا کوفته صافی کرده بدستور استعمال نمایند تمام روز و شب چند دفعه و از برای هر روز باید که تجلید نمایند و در نسخه دیگر برنگ کابلی کشنیر خشک از هر یک یکدرم نیز داخل است \* زرافه دیگر که نیز جهت امراض مسطور و نافع است \* صنعت آن پوست هلیله زرد پوست بلیله آمله منقی هلیله سیاه و از برای کشنیر خشک عاقر قرحا مازوی سبز حوض هندی که پوست نامند طین مغره که کپور و است از هر یک یک جزو که یکدرم باشد تو تپای اخضر هندی نیم جزو را بدستور مزبور در آب بخیسانند و بطریق مقرر تزریق نمایند و تزریق حوض هندی و مازوی سبز شب در آب خیسانید و همچنین در آب رسوب خیسانید \*

با لعاب بز و قطونا نیز مفید است \* زراقه دیگر که همان فاند و بخشد \* صنعت آن کل ارمنی انیون توتیای هندی ازهریک  
 يك جزو سفید اب قلعي د و جزو نرم سائید و آب مزوج کرده \* علي الرسم استعمال نمایند \* زراقه دیگر قریب المنفع  
 بن آن \* صنعت آن حفص هندی د و درم توتیای هندی نیم درم هرد و و نرم سود \* با نیم آثار ما است که قلی روی آب داخل  
 نموده باشند بد ستور نسخه صد رآب صاف آن را گرفته استعمال نمایند \* زراقه دیگر نیز جهت امراض من کوره \* صنعت  
 آن پوست هلیله زرد پوست بلبله آمله منقی ازهریک جزوی برک نیم برک بکاین ازهریک د و جزو سفید اب قلعي رسوب  
 ازهریک نیم جزو توتیای هندی ربع جزو رسوب و سفید اب و توتیا را نرم سود \* و باقی ادویه را جو کوب نموده شب  
 در آب مقلد آنیم آثار بخیم مانند بد ستور مسطور و صبح آب صاف آنرا گرفته استعمال نمایند \* زراقه دیگر که همان منده  
 دارد \* صنعت آن توتیای هندی شوره قلعي هرد و مساوی با هم سحق بلیغ نموده و در شیشه کرده آب بر آن ریخته خوب  
 مزوج نموده استعمال نمایند و اگر حبه کافور نیز بد آن مزوج نمایند بهتر است \* زراقه دیگر که همان منده  
 بخشد \* صنعت آن سرمه خام توتیای هندی ازهریک یکتوله یا هر مقلد ار که خوا همد مساوی بسیار نرم بسایند و پنج آثار  
 آب هندی مزوج نمایند و اگر مقلد ارد و اگر کمتر بکنند مقلد آراب را نیز کمتر نمایند بهمان نسبت انحصار باید که  
 مقلد آراب درد و توله ازد و اینچ آثار باشد بد ستور متعارف استعمال نمایند و آخرین دوانا یک هفته باقی میماند و فاسد  
 نمیکرد و درین ایام دوسه روز قبل ازان مقلد آنیم درم زاج سفید خام که بهندی بهتکری نامند با هم وزن آن است  
 سفید سود و هفت حصه نموده هر روز يك حصه را بخورند و بالای آن مقلد آراب و آثار نیم آثار شوخام که هم وزن آن  
 آب داخل نموده باشند بسیار مفید و از ترشی و بادی پرهیز نمایند \* زراقه دیگر جهت امراض من کوره \* صنعت  
 آن دم الاخرین کل ارمنی حیر الیهود اجزا مساوی ازهریک ثلث درم ثانیم درم باشی و تخم کدو و یا خیارین با هم وانه  
 یا شیر الاغ یا شیر زن استعمال نمایند و شیر بهتر است \* زراقه دیگر جهت اکثر قروح و جروح مجاری بول که از  
 سبب آتشک و غیر آن حادث شده باشد مفید است \* صنعت آن چوبچینی اعلی براده کرده طباشیر سفید زاج ازهریک یکتوله  
 هلیله کابلی بلبله آمله منقی ازهریک د و توله و چهارماد هلیله زکی د و توله زبوره کرمانی پنج ماشه توتیای هندی کافور  
 قیصوری ازهریک چهار رتی توتیا و زاج و کافور و طباشیر را نرم سود و سا و ادویه را جو کوب نموده در یک آثار آب شب  
 بخیم مانند و صبح آب صافی آنرا در رمز رقه کرده استعمال نمایند روزی دوسه مرتبه دوسه چهار روزی بخون آشفته شفا حاصل  
 خواهد شد و نیز شیر خشک یا شیر الاغ یا شیر زن نیز مفید است بل آنکه صفت در معالجه این امراض تسکین حدت و  
 حرارت خون و تصفیه منی است پس باید که ملاحظه نمایند اگر خون غالب باشد و علامت غلبه آن ظاهر شود فصل  
 باسلیق یا صاف نمایند و کسرات حدت خون و منی مانند ماء ثقرع و ماء الشعیر و شوره بعض بز و زاده و منی شیر خارونه  
 و خیارین و کدو و هندی وانه و تخم خربزه و کاسنی و خار خشک و حب انقراط و لعاب بهدانه و بز و قطونا و ادویه را جو کوب  
 من و انت و مفتحات با مغزیات و من ملات مانند کتیرا و دم الاخرین و حیر الیهود سائید و بحسب احتیاج و ضرورت باشد  
 شربت بنفشه یا نیلوفر یا انجبار یا حب الآس یا عناب و نزد شدت وجع یا بعض مخدرات مانند شیوة تخم کدو و تخم  
 یا شراب خشخاش و یا حب ککنج و خوردن شیوة تخم خرفه و قشر چهل پنج مثقال یا روغن چینی مثقال نرم مثقال یا یک مثقال  
 چهار پنج روز همچنین آشا میدن شیوة حب انقراط مقلد ارد دوسه مثقال یا خار خشک مقلد ار که مقلد در نصفه منی مجرب  
 است و باید که زراقه را بزور و شدت تمام بفشارند و بسیار هم در مقلد آن بکوبند که آفت حیر الیهود و انت و اگر حدت  
 گردد آشا میدن شیوة ناز و در شیشه خام مزوج با سه چند آن آب انجای آب مفید است و احتیاج آب از هم و ضایع و

فصل در بیان نسخ زرغونی \* بد آنکه زرغونی بفتح زای معجمه

وسكون راى مهموله وضم عين اسم معجونی است كه آنرا خواص بسيار اسم از انجمله باه را تقويت بخشد و مني بيشوايد و

FA

شقاقل خولنجان تخم باد روج تخم فرنجمشك تخم باد رنجبویه ازهر يك د و مثقال خصية الثعلب مغز چلغوزه مغز نارچیل  
حب الخضر ازهر يك پنج مثقال عود قماري يك مثقال عنبر اشهب ورق نقره ازهر يك چهار دك مثقال تبتی نیم مثقال  
ورق طلا مایه شتر اعرابی ازهر يك يك دك و نیم نبات سفید عمل سفید مصلی ازهر يك نود مثقال بد ستور مقرر  
معجون سازند \* زر عونی جهت قوت كرد و جگرو با و معده و زردی رنگ و رخسار و ریختن و یک مثانه نافع است  
و بادها بشكند \* صنعت آن تخم کرفس را زیاده تخم کز تخم اسپست تخم تره تیزك نا نخوا و تخم خربزه تخم خیار این بیخ کرفس  
ازهر يك پنج مثقال عا قر قحازعفران قرفه مصطكي عود هندی خام غرقه ازهر يك د و مثقال بسباسه قرنفل فلفل سوه  
کبابه ازهر يك سه مثقال عنبر اشهب نیم مثقال بعسل معجون سازند شربت و د و مثقال بعد از دو ماه استعمال نمایند \*  
زر عونی حاره صنعت آن تخم جزر تخم شلغم تخم پیاز تخم تره تیزك تخم ملیون مغز چلغوزه حب القلقل حب الزلم بهمن سرخ بهمن  
سفید شقاقل مصری لسان العصار فیروزیدان ازهر يك د و درم حلتیم طیب خردل سفید فلفل سیاه ازهر يك پنج درم  
روغن مغز نارچیل مسكه كا و آنمقدار كه ادویه را بآن چرب نمایند عمل مصلی سه وزن ادویه بد ستور مرتب نمایند شربت  
از دو درم تا چهار درم و باید كه این جوارش را با بیست درم قند سفید كه در شیر کا و تازه در شید و نیم طول داخل کرده باشند  
بیا شامند و غل انخود آب و کباب و قلیه كه پیاز و زردك و ادویه حار و داخل کرده باشند بخورند كه مقصود حاصل آید \*  
زر عونی دیگر منقول از قربا دین شفا ئی كه پشت و کرده را محكم كند و با و را قوت دهد و منی بدهد و معده را قوی كند و  
و باغم دفع كند و بوی دهان را نیکو كند و آب رفتن از دهان باز دارد و بادها بشكند و رنگ گردانند \* صنعت آن  
تخم کرفس تخم کز تخم شلغم تخم شبت مغز تخم خربزه نا نخوا و از زیاده بیخ کرفس مغز تخم خیار و مغز تخم باد رنگه مغز حب  
القلقل مغز حب الزلم مغز نارچیل تازه مقشر مغز چلغوزه ازهر يك پنج مثقال بسباسه قرنفل فلفل سیاه کبابه چینی عا قر قحاز  
رنجبیل تخم پیاز تخم جرجیر حب الرشاد بوزانچره تخم كند نا خولنجان مصری جوز بوا تخم اسپست و از فلفل كل قرفه  
ازهر يك سه درم قرفه الطیب زعفران كند و عود هندی مصطكي شقاقل مصری ازهر يك چهار درم تخم ملیون فیروزیدان  
بهمن سرخ بهمن سفید لسان العصار فیروز ازهر يك پنج درم بصل عنصل مشوی يك درم خصية الثعلب مصری قضیب  
كا و خشك کرده سوهان نموده مغز سر كنجشك نر خشك کرده حاك مر با كشن خورما ازهر يك د و مثقال عنبر اشهب دو  
مثقال مثقال تبتی خالص نیم مثقال قند سفید بوزن مجموع ادویه عمل منزع و لوعود و وزن مجموع ادویه  
بطریق مقرر مرتب نمایند شربت از برای گرم مزاجان د و مثقال بادوا ستار شمر كا و تازه در شید و دو درم قند سفید  
در عقب آن و سرد مزاجان را پنج درم بایك كاسه ماء العسل تناول نمایند \* زر عونی دیگر نهایت لغوی باد است و  
نعوظ آورد و دل و دماغ و جگر را قوت دهد \* صنعت آن تخم کرفس تخم پیاز تخم جزر تخم اسپست را زیاده مغز تخم خیار و  
مغز تخم خیار این بیخ کرفس ازهر يك پنج مثقال بسباسه قرنفل بود نه گوهی کبابه چینی عا قر قحازهر يك سه  
درم قرفه زعفران كند و مصطكي رومی عود قماری ازهر يك چهار درم تخم ملیون شقاقل مصری فیروزیدان بهمن سفید  
بهمن سرخ لسان العصار فیروز و می زرد تودری سفید تودری سرخ ازهر يك پنج درم زنجبیل تخم شلغم تخم جزر  
تخم تره تیزك تخم پیاز حب الرشاد تخم كند نا كرسنه خولنجان جوز بوا تخم خرفه مقشر و از فلفل ازهر يك سه  
پیاز و عنصل مشوی يك درم و نیم نار مشك حب القلقل مغز حب الزلم مغز چلغوزه مغز نارچیل ازهر يك پنج مثقال  
الاعلب مصری قضیب كا و سوده مغز سر كنجشك نر كه در وقت همجان گرفته خشك کرده باشند حاك مر با كشن خورما  
ازهر يك د و مثقال عنبر اشهب دو درم مشك خالص يك درم مجموع را كوفته بختنه بعسل مشوی و فلفل سیاه و زردی

بوزن يك و نیم مجموع ادویه بقوام آورده باشند بمرشدن شربتى دودرم گرم مزاج پیش از آنکه این معجون تناول نمایند ده درم شکر سفید با يك كاسه شیر گاو تازه و وشید و بیا شامند رسود مزاج اول معجون را تناول کنند و بعد از آن ماء العسل بنوشند \* زرعوئى دیگر پشت و کرده و معد و را قوت دهد و بلغم دفع کند و بوى دهان خوش کند و آب از دهان آمدن باز دارد و بادها بشکند و ریک از کرده و مثانه پاک کند و منی بیفزاید و شهوت جماع پدید آورد و پشمه و کمر را محکم سازد \* صنعت آن جنطیانا سلیخه دار فلفل تخم کرفس ازهر یک پنجم رم عاقر قرحا زعفران مصطکی عود هندی ازهر یک سه درم بسباسه قرنفل کبابه چینی ازهر یک دودرم عنبر اشهب یک درم مشک دافکی عسل سه چند آن ادویه معجون سازند \* زرعوئى دیگر کرده و پشت و معد و را قوت دهد و بلغم را دفع کند و بوى دهان خوش کند و بادها بشکند و مثانه را از ریک پاک سازد و نا کواری طعام را زائل کند و آب پشت بیفزاید و جگر و کرده و دماغ را پاک کند و قوی گردد اندا بقراط گفته هر که در سالی سه روز این معجون را بخورد بهیچ طیب محتاج نشود \* صنعت آن تخم کرفس تخم زردک تخم اسپست نا نخوابه بادیان مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین پوست بهیچ کرفس ازهر یک پنج مثقال عاقر قرحا بسباسه قرنفل فلفل و به کبابه چینی ازهر یک سه درم قرفة الطیب مصطکی رومی عود قمارى خام ازهر یک دودرم عنبر اشهب يك درم اجزا را کوفته بیخته با سه چند ادویه عسل مصفی سرشته استعمال نمایند شربتى از دودرم تاد و مثقال \* زرعوئى دیگر که باه را زیاده کند و نعوظ تمام آورد \* صنعت آن تخم هلیون تخم پیا ز تخم کد نا تخم اسپست تخم جر جیر حب الرشاد کرسنه حبه الخضر لسان العصار کچل مقشر تخم تره تیزک مغز چلغوزه ازهر یک سه درم زنجبیل شقال خولنجان مصرى دار فلفل ازهر یک پنجم رم جوز الطیب دارچینی ازهر یک سه درم بهمن سرخ بهمن سفید ازهر یک دودرم سره سقنقره خصیه الغلب مصرى ذرک و خشک کرده ازهر یک ده درم مجموع را کوفته بیخته با سه چند ادویه عسل مصفی معجون سازند شربتى ازوى دودرم با مثلث یا با شیر تازه و وشید و یا با ماء العسل و این جوارش معد و جگر را نیز سود دارد \* زرعوئى جهت تقویت اعضای تناسل مجرب است \* صنعت آن مایه شتر اعرابی خصیه الغلب مصرى خولنجان زرنباد بهمن ازهر یک چهار مثقال تود ریبن ازهر یک پنج مثقال شقال صقال مصرى تخم هلیون نخود مقشر تخم جزر تخم شلغم مغز کچلک نرا ازهر یک سه مثقال لسان العصار قنطاریه کبار و عناع خشک با قلاص مقشر تخم ترب تخم پیا ز تخم انجوره تخم اسپست تخم کد نا تخم تره تیزک تخم کرفس مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین مغز پنجه دانه مغز چلغوزه مغز حب الفلفل کچل مقشر تخم خشخاش سفید دارچینی قرفة مصطکی بسباسه کند ریوزید آن دار فلفل کشن خرماعاقر قرحا قرنفل خشک مربا مغز نارچیل مقشر کبابه چینی تخم کنکرا خیبه خروس جنکى خشک کرده عود هندی غرقى خام جوز بواکرو با ورق زهره محلول ازهر یک د و مثقال کنیر اصمغ عربى ورق طلا محلول ازهر یک یک مثقال ادویه کوفته بیخته با سه وزن کل عسل مصفی مقوم بمرشدن شربتى از یک درم تاد و درم \*

### باب الزاء المعجمة مع العین المهملة \*

ان بفتح زای معجمه و سکون عین مهمله و فتح فا و رای مهمله و الف و نون بسریانی کر کم و جاورى به تشدید یا و کو کیما س و بهندی کیسر نامند تا رهای کلی است خوشبو و زرد تیره گفته اند که اول کل آن از زمین میروید کلی سه چهار تار می باشد و باقی زعفران نیست و بعد از آن برک و گیاه آن بقدر یک و نیم شبر می باشد بهترین هر جا که باشد خواص مازند ران و کیلان و اسطه بانات و شام و کشمیر و غیر اینها آن است که بروغن زیتون و غیر آن چرب نگردد باشند و بسیار خوشبو و قند طعم و خوش رنگ باشند که چون در دست بگیرند و بفشارند دست را رنگین

نمایند و چون اندکی ازان را در آب اندازند بل و ن سائیدن و مالیدن باندک زمانی آب را رنگین نمایند و مغشوش بگل  
 معصوم و غیر آن مینمایند و فرق میان خالص و مغشوش آن است که آب منقوع یا سائیدن آن خوش رنگ و صاف و خوشبو است  
 و مغشوش آن تیره رنگ و کم بود رسیم کرم و در ویم خشک و شیخ الرئیس و غیر آن درد ویم کرم و در اول خشک گفته اند  
 و این اصح است مفرح قوی و مقوی حواس و مفتوح و مغری و منضج و محلل و مصلح عفونت خلط بلغمی و مانع و حافظ آن  
 از تغییر و فساد و مد ربول و با قوت قابضه و تغریه و محرک باه و مقوی جوهر روح حیوانی و جگر و احشا و آلات تنفس و مورت  
 نشاط و ضحك و منقی کرده و مثانه و بشوه و رسانند قوت ادویه بقلب و بوییدن آن جهت برسام و شرمه نافع و منوم  
 و جهت سد جگر و سپرز و رسانیدن قوت ادویه با اعضا و بک مثقال آن جهت عسر ولادت و مجرب و آشا میدان هر روز  
 در قیراط آن جهت ازاله سپرز و با میبختیم جهت خمار و با ادویه مناسبه جهت درد رحم و مقعد و با غسل جهت ریزیدن  
 حصاة و فسادش جهت منع سیلان رطوبات نوازل چشم و تسکین حمرة و ورم حار گوش و درد سر یا در رفع احتیاجی  
 و حمل آن جهت درد رحم و مقعد و احتیاجش جهت جلای بصر و در غشاء و در رفع زرقه چشم عارض از امراض و  
 سلاق و جرب و قرحه و در ورن آن جهت قطع نزف الدم و طلای آن با فرفیون جهت نفوس و مفاصل و تطول آن جهت  
 بیخوابی و صداع شدید نافع و مصلح و بخور و مضغ اشتها و کرده و مغشی و با شراب مسکون و مدامت آن ملک و حواس  
 و مضرا عصاب و مصلحش انیسون و سکنجبین و قد رشوبش تا در دم و گفته اند که سه درهم تالش در هم آن کشنده و بهر راج  
 مفرط است و اصلی ندارد و مصلح و دافع ضرر آن اشیای قابضه است مرر روح را و کاشتن یک تار آن را در حلیل مد ربول  
 بند شده است و بک لاش مثل آن قسط و مثل آن دانه ترنج و ربع آن سنبل و سدس آن سلیخته است و چون در در هم  
 آن را با آب سرشته مثل گردان مل و رساخته تعلیق نمایند جهت عسر ولادت و اخراج مشیمه زنان و مادیان بالخصیمت  
 مجرب و روغن آن که پنجاه مثقال آن را در سه رطل و نیم روغن کنجد و با روغن زیتون و پنجه و زخمیابانیک و هر روز  
 بر هم زده صاف کرده باشند در سیوم کرم و خشک و ملین عصب و صلابت رحم و مسخن و منوم و محلل و نیک بین بینی  
 و سهوط آن جهت ذات الجنب و طلای آن جهت تنقیه قروح رحم و اعضا و قروح خبیثه و حمل آن با موم و سفیر  
 استخوان جهت قرحه خبیثه رحم نافع و برگ کیه و آن جهت التیام جراحات تازه و منع ریختن مواد با اعضا سفید  
 و ثقل آن را بیهوانی قرقومعاً نامند و آشا میدان بیه آن با طلا که نوعی از شراب است مد ربول است و چون اندرون  
 سیب را خالی کرده زعفران بر کرده بویکنند جهت خنثی و ذات الجنب و خفقان بی عدیل است و گفته اند که جوش  
 دادن زعفران موجب تضعیف عمل آن است پس آن را جوش نمایند و اگر قرقومعاً اسم بیهوانی ثقل روغن زعفران  
 است در سوم کرم و خشک و منضج و مسخن و مد ربول و محلل صلابت و مقوی اعصاب و احتیاج آن جانی بصر و مقوی  
 روح با صرا است نباتی است برکش مثل برگ کندم و تخم شبیه بجا و رس و بغایت تند و کوبند چون مرد وزن  
 چهل روز قد ری ازان ناشتا تناول نمایند بعد ازان مباشرت واقع شود پس رجا مکه گردد و جوارش زعفران از  
 تالیف اطباء هند است و این جوارش را مجرب شمرده اند در تقویت باه و امساک منی و در تقویت قلب و آوردن  
 نشاط و سرور و صنعت آن زعفران عود هندی قرنفل و سباسبه عاقر قرحا خونچکان و ارچیخی زعفران و اندک بل مصدق  
 رومی از هر یک شش رم مغز بادام شیرین چهار درم نبات سی و پنجد رم نبات را بقوام آورده و آن ادویه را برشته  
 فصل در بیان نسج دواء الکرکیم \* دواء الکرکیم اکبر این دوا را معجون جاری و دواء الکرکیم اکبر  
 نامند بجهت آنکه کرکیم نام زعفران است و آن را جاری نیز نامند از صنعت جالبینوس است و حکمای فرس عظیم میدانند که این



این دوا را نافع است باذن الله عزوجل از برای اوجاع عتیقه که در کبد و در طحال باشد از یزید و از غلظت و تفتیمه سد های  
عارض در جمیع آلات غذا کند و بر اند رباح غلیظه را از آلات غذا اود را بر بول کند و نافع است از برای جمیع اوجاع  
کلیه و مثانه و رحم که عارض از مواد غلیظه باشد و از برای صلابت عارض درین اعضا و از برای استسقا \* صنعت آن زعفران  
در اورد و درم سنبل الطیب شش درم انیسون و قوفو مواد سارون و یونید چینی فطر اسالیون از هر یک چهار درم قسط تلخ  
فقاح از خر سلیخه سیاه و حب بلسان از هر یک یک درم قوه الصباغین در درم رب السوس غاف جعد و اسقو لو قند ریون  
از هر یک سه درم روغن بلسان نیم اوقیه مر مکی صافی چهار درم و در نسخه دیگر بجای حب بلسان حب البان یک درم  
است و بدل اسقو لو قند ریون کبر رومی سه درم آورد و اجزا را کوفته بیخته بر روغن بلسان چرب نموده بعسل محل مصفی  
سه وزن ادویه بسر شدن شربت یک درم با شراب عسل و مزاج این دوا گرم است در درجه و ثلث درجه و خشک در  
درجه ثانیه و این دوا مجرب و نافع است و اجزای نسخه دواء الکرکم اکبر به نسخه که صاحب ذخیره در سوء مزاج  
بارد کبد آورد و موافق اصل این نسخه است الا آنکه بجای اسقو لو قند ریون کبر رومی سه درم آورد و در آن روغن  
بلسان یک درم است و بعوض حب بلسان حب البان آورد و یک درم \* دواء الکرکم اصغر نافع است از برای ضعف کبد و  
طحال و معده و صلابت این اعضا و از برای ابتلائی استسقا و منع نکون استسقا میکند و رنگ رو را نیکو میگرداند و  
نافع است از برای اکثر امراض ماده \* صنعت آن مر مکی صافی سنبل الطیب سلیخه سیاه قسط تلخ فقاح از خرد چینی  
قلبی زعفران اجزا مساوی مر را یک شبانه روز در شراب انکوری یا مثلث بخیسانند و حل سازند و باقی ادویه را کوفته بیخته  
مجموع را با عسل مصفی سه وزن ادویه بسر شدن و در ظرف چینی نکاهد از نند شربت یک درم تا یک مثقال و در نسخه  
و دیگر بجای سنبل الطیب ناردین داخل است و بعضی گفته اند که اگر طبع قبض باشد یک مثقال ریون چینی درین دواء  
الکرکم داخل کنند \* دواء الکرکم صغیر نافع از برای اوجاع و ضعف کبد و معده و طحال و سد های بکشاید و نفخ کبد را سود مند  
بود \* صنعت آن زعفران سنبل الطیب سلیخه از هر یک درم و جزود ارچینی مر مکی قسط بحری فقاح از خر از هر یک یک جزو  
همه را کوفته یک شبانه روز در شراب انکوری بخیسانند پس بر آورد و خشک نموده باز کوفته بیخته با دو وزن مجموع  
ادویه عسل مصفی معجون سازند و قی شربت یک درم و مثقال با عرق بادیان یا با شربت افسنتین بپاشانند \* دواء الکرکم  
بارد قلمی فرموده اند که تالیف قوه الحکما السید السنل والد ماجد فقیرا است و نافع از برای آنچه نافع است از برای  
آن دواء الکرکم صغیر و قتیکه بود و باشد در مزاج مریض گرمی \* صنعت آن زعفران سلیخه سود سنبل الطیب فنجی کل سرخ  
منزوع الا قمع طباشیر سفید زرشک منقی پوست بیه زرشک قسط تلخ مر مکی صافی فقاح از خر از هر یک درم و در چینی  
یک درم پوست بیه گامی چهار درم مر را یک شبانه روز در سرکه انکوری بخیسانند پس حل کرده باقی ادویه را کوفته بیخته  
همه را با عسل مصفی سه وزن ادویه بسر شدن شربت یک درم \* دواء الکرکم به نسخه یحیی بن عیسی بن جزله گفته  
که معنی آن دواء الزعفران است زیرا که کرکم بمعنی زعفران است \* صنعت آن سنبل الطیب زعفران از هر یک دو درم  
در چینی مر صافی قسط تلخ فقاح از خر از هر یک یک درم کوفته بحری بیخته با سه وزن ادویه عسل مصفی بسر شدن و قوت  
این معجون یکسال و نیم باقی میماند \* دواء الکرکم به نسخه قلاسی \* صنعت آن سنبل الطیب سلیخه سیاه زعفران از  
هر یک دو درم در چینی قسط تلخ فقاح از خر از هر یک یک مثقال کوفته بحری بیخته با سه وزن ادویه عسل مصفی بسر شدن  
شربت یک درم \* دواء الکرکم به نسخه محمد بن ذکریا که سید اسمعیل در ذخیره در سوء مزاج با رد آنرا نقل کرده \*  
صنعت آن را زیاده تخم کرفس ابل سلیخه از خر از هر یک یک اوقیه سنبل الطیب قسط بحری قوه الصبح جعد و عصا

غافق اسقو لو قند ریبون رب السوس از هر يك نیم اوقیه ریوند چینی ربع اوقیه مومکی صافی سد من اوقیه زعفران يك اوقیه  
و نیم ادویه را کوفته بپخته بعسل مصفی سه وزن ادویه بسرشدن شربتیی یکمقال با ماء الاصول \* دواء الکرام اکبریه نسخه  
حکیم صالح خان خال آن مرحوم غفر الله له \* صنعت آن زعفران دوازده درم قسط بحرف سلیخته سیاه فقا ح از خر  
حب با مان از هر يك يك درم معتبل الطیب شش درم ریوند چینی فطراسا لیون موفومر مکی صافی از هر يك چهار  
درم فوة الصبغ و درم رب السوس عصاره غافق جعله سیر دشتی پوست بیخ کبر از هر يك سه درم کوفته بپخته  
باروغن بلسان پنج درم چرب نموده با سه وزن مجموع ادویه عمل مصفی بقوام آورده معجون سازند و نسخه  
یحیی بن هبسی بن جزله موافق است باین نسخه الا آنکه سلیخته داخل ندارد \* دهن الزعفران الصفرد در سیوم کرم  
و خشک و ملین عصب و صلابت رحم و مسخن و منوم و محلل است تمر بخاوند هینا و سعوطا و جهت ذات الجنب و تنقیه  
قروح رحم و قروح خبیثه اعضای دیگر تمر بخا و فرزجه و حمل آن با موم و مغر استخوان جهت قروح خبیثه رحم مفید \*  
صنعت آن بکیرنک پنجاه مقال زعفران و دورطل و نیم روغن کنجد باروغن زیتون داخل کرده پیچ روزی یک نافع  
روز و آفتاب کند ازند و هر روز بوهم میزد با شند پس صاف نموده بکار برند \* دهن الزعفران که آنرا دهن الخلق نیز  
نامند بعد بن ذکر یا رازی گوید که کرم و تراست و ماین عصب است و تشنج را از ل کند و نافع است از بوی رحم و از جاع  
رحم و صلابت و از جاع معد و رفع یشخوابی کند و از برای تنقیه قروح و جروح رحم مفید است و رنگ را نیکو کند \*  
صنعت آن به نسخه شیخ رئیس زعفران شش درم قصب الی ربوه پنج درم مومکی صافی نیم درم و در نسخه دیگر آنکه درم  
اسفرد ما فاشش درم اجزا را سوای موم نیم کوفته و مر را عمل کنند و نیم کوفته ادویه را سوای قودما نا در سرکه انکوری خیسند و  
پنج روز بکنند و روز هشتم قودما نا را نیز بر سرکه انکوری بخیسانند و یکروز دیگر بکنند ازند و روز هفتم روغن کنجد باروغن  
و دیگر که مناسب باشد مقداری پنج است و داخل کنند و در منهاج الدکان بجای روغن کنجد زیت صافی است پس با شش  
ملایم بجوشانند تا سرکه رفته روغن بماند پس بپالایند و روغن را عمل کنند و نگاهل ازند و همیشه سرشته و بغل آنرا عمل کنند  
نگاهل ازند و بپالایند و روغن بماند و در کثردواها مستعمل است و بعضی گفته اند که ادویه را سوای قودما نا  
هفت روز بر سرکه بخیسانند و روز هشتم قودما نا را نیز بر سرکه انکوری بخیسانند و روز نهم با پنج است و روغن کنجد در  
قل و مضاعف طبع نمایند تا سرکه بود و روغن بماند و بعضی گفته اند که ادویه را سوای زعفران کوفته و با زعفران را در شراب  
انکوری بخیسانند تا هشت روز پس روغن داخل کرده در شیشه نموده چهار روز آفتاب کند ازند و پس با پالایند و روغن  
را عمل کنند و و ثقل را عمل کنند و آنرا قرقومعا گویند و ظاهرا نیست که قرقومعا نقل دهن زعفران ساده است که در زعفران سل کوب  
شد \* قرص زعفران ساده اکثر خواص زعفران دارد \* صنعت آن بکیرنک زعفران یکمقال و با کلاب اندک که مشک آرد و  
در چهل مقال نبات سفید بقوام آورده داخل کرده و بر روی سنگی یا تخته یاسینی بقوی یا عس تازه قلعی کرده و زخمه بشکن  
لو زبرد و تنازل نمایند بقل حاجت و اگر فلغل و عود دهند و در چینی و مصطکی و قرغل و دانه هیل و با و سناک و عود  
جهت تقویت داخل نمایند میگردد اقوی و آن زمان جوارش یا خمیره خواص بود نه قرص \* قرص زعفران مرکب که  
نافع است از برای بل بوئی دهان که سبب آن بلغم متعفن در سطح دندان و لثه باشد بعد از آنکه و تنقیه بدن از آن بلغم نافع  
است \* صنعت آن زعفران بیخ سوسن راج سوخته از هر يك يك جز و کوفته بپخته بعسل سرشته اقرص سازند و در روغن  
حاجت یکقرص آنرا بر سرکه انکوری یا آبیکه در آن اهل جوشانند و صافی نموده باشند حل کرده بعد خائیدن پوست است و در  
و قرغل و سناک و ساذج هیل و مصطکی و عود خام و کبابه و جوز بوا و سباده و قاقله و فرامشک و زیتون و کلاب

اگر ماده غلیظ باشد بعد از خائیدن مویزج و مالیدن برین دندان آن دهان صبر و مرصافی بآن مضمضه نمایند \* مرهم زعفران و جع مقعد و سوزش آنرا نافع است \* صنعت آن زعفران خالص شش مثقال مغز ساق کاه و نه مثقال زرد \* تخم مرغ یک عدد علی الرسم در هاون بدسته نیکو بمالند و استعمال نمایند باذن الله تعالی نافع است \* زنجفر بفتح زای معجمه و نون ساکنه و فتح جیم و سکون فارای مهمله بقا و سی شکر کوفیند این بیطار روغن ادری و انطاکی گفته اند که آن در صنف می باشد یکی مخلوق معدنی و دیگری مصنوع از کبریت و زیبق مخلوق معدنی را بیونانی مسنون و آن حجر زیبق است و مصنوع را قلیسایاری و آن فیترا است و معدنی آن مانند عروق است سرخ اسونجی رنگ با کثافت در معدن مس و زیبق و طلا بهم می رسد و بعضی آنرا کبریت احمدی انسته اند و بهترین مصنوع آن حکامی هند سرخ بسیار نیر است که بوی کبریت از آن نیاید و بقول شیخ رئیس و اکثری کرم و خشک درد و بیم است و بعضی خشک در سیوم دانسته اند و قوت قبض آنرا زیاده از قبض آن گفته اند و بعضی بالعکس و قابض تر از شادنج است و در وران قاطع نرف الدم و جهت تا کلی دندان و اندام جراحات و خشک نمودن رطوبت آنها و از آله حکه و جرب و حصص و نمش و شمش و سوختگی آتش نافع و موم و روغن آن جهت سوختگی آتش و بشور و شقاق معدی و اندام جراحات و زویرانی که کوشه چینی مرهم آن مفید و در آن باعث خشکی قروح خبیثه و اندام مال آنها است و ولیکن باید که چشم و گوش و دهان را از آن نگاهدارند عند الاستعمال آب در دهان پرنمایند و در مثقال آن کشند است و از علامات خوردن آن کرب و خفقان و جهود و علاج آن قی فرمودن بروغن کاه و آشامیدن مرقه های چرب و تحقین نمودن با دهان و اشیای دسمه است و لهذا جائز نیست استعمال آن شراب و بدل آن سرد است که است \* صنعت آن بانجای بسیار است از انجمله دوسه طور ایراد می یابد شکرکرف اعلی است منقول از فسطا شیخ بهاء الدین محمد عاملی رح \* صنعت آن سیماب خالص بیست مثقال کبریت زرد و وزده مثقال زر نیم اعلی و مثقال زر نیم و کبریت را نیکو با سیماب در هاون سنگی بسایند تا همه چون غبار شود و در کاسه کرده در تنوری تافته که آتش آن بیرون آورده باشند و یک عدد خشک بخته در میان تنور نهند و کاسه را بر سر وی نهند و سر تنور را محکم به گیرند و در روز دیگر سر تنور را بکشایند و کاسه را بر گیرند شکوفی باشد در نهایت سوخی و خوش رنگی اگر در شیشه کنند دود در آن پانچید سیاه شود و عودی معلوم میشود \* عمل زنجفر منقول از دستورات تحفة المؤمنین زیبق پاک هفت جز و کوگرد و جز و با هم سائید در شیشه مطین بطین الحکمة که سه مرتبه مطین نموده خشک کرده باشند بقره که نصف شیشه را مملو کنند باید کرد و دهن شیشه را بصاروج الحکمة دوسه مرتبه مسدود نموده بعد از آن بکل حکمت نیز بگیرند و در یک ریک یا خاکستر قان کردن پنهان نموده آتش تند می بقره در شبانروز زیاده از آن یا پنچر و در تحت دیک برافروزد و بعد از سرد شدن دیک و کوره شیشه بیرون آورند و این را شنجوف مصری خوانند \* صنعت آن زنجفر هند با سیماب و کوگرد مساوی است \* زنجفر رومی سیماب دوازده جز و کوگرد هشت جز و با هم بسایند و پنچ جز و زر نیم سرخ اضافه نمایند و بدستوریکه مذکور شد معمول دارند \* مرهم زنجفر انشاء الله تعالی در مراهم خواهد آمد \* زنجبیل بعضی است معروف و گیاه او شبیه بکیا و شقاق و از آن بسیار کوچک تربی کل و بی ثمر و برگهای آن طولانی بقدر ذرع دستی و بزرگتر نیز و عریض بزرگ و بهندی سونته و سندی نیز و تازه آن را در ک نامند و در اکثر بلاد هند و فور دارد و بی ریشه ملایم آن را ستوه نامند و در ما زندان نیز پیدا میشود در سیوم کرم و در اول خشک و بارطوبت فضلیه عقوی ها ضمه و علین طبع و مفتاح سد \* جگر و مبهی و محال ریح غلیظه معدی و امعا و مجفف رطوبات و تشنگی بلغمی و مقوی معدی و جگر و قوت حافظه و جهت سموم حیوانی و اخراج خلط غلیظ و رطوبات دماغی و حلق و رفع برودت مواد قالدی و کرم



و تلخ مزه در د ویم کرم و در آخر آن خشک و کوهی آن قویتر از بستانی و ملطف و مسهل بلغم و مخرج ریاح غلیظه و کرم معد و خون جامد و محلل ا ورام و جهت سرفه مزمن و ریو ورم شش و نزله و عسر نفس و درد سینه و معد و جگر و قولنج و کزیدن جانوران و فالج و داء الثعلب و داء الحیه و سحج و با عسل جهت رفع تگون کرم معد و طبیح آن با سنگجبین مسهل خلط غلیظ و با قرد مانا و ابرسا اسهال آن قویتر و جهت نیکوئی رنگ رخسار و با شراب جهت استسقا و با طبیح انجیر جهت خناق امثالنی و ضمادش با آب جهت ورم حار و با شراب جهت بارد و رفع خون مرده که در پلك چشم باشد و جهت نزول آب و با بوره و انجیر جهت ورم سپر زرخار مطبوخ آن جهت ریاح کوش و مضغه آن که در سر که بخته باشند جهت درد دند ان نافع و مضر جگر و مصلحش صمغ عربی و انار قرش و قد رشر بتش در مطبوخ پنجد رم و بد لش صعتراست \* جوارش زوفای یا بس منقول از قرا با دین افتد ی صالح چلیپی حکیم باشی ابراهیم سلطان قیصر و رم که مشارالیه از طب کیمیا ئی برا کلسوس انتخاب نموده نافع است جهت نزلات و تنقیه دماغ و معد و جهت سرفه و هاضمه \* صنعت آن زوفای خشک حاشایین بنفشه فلغل از هر یک سی درم بود نه صعترا سی زیره کرمانی سد اب از هر یک بیست درم انجیر زرد کتیرا اصل السوس خرمای هیرونی منقی از نوئی و پوست مویز منقی رازیانه از هر یک ده درم زنجبیل انیسون کر و یاد و قوا از هر یک در درم کوفته بپخته با شکر سفید بقا رکفایت بقوام آورده بد ستور مقرر ترکیب نمایند \*

### فصل در ذکر اشریه

زوفائی \* شراب زوفایه نسخه شیخ او د نافع از برای اوجاع صدر و سعال مزمن و نزلات و عسر نفس و صلابت معد و تنقیه سد ها \* صنعت آن مویز سرخ دانه بیرون کرده سی درم عناب سیستان انجیر زرد خشک اصل السوس ابرسا از هر یک بیست درم بجم رازیانه بیخ کرفس پرسیا و شان زوفای خشک از هر یک ده درم بهدانه انیسون رازیانه از هر یک پنجد رم جو مقشر مغز خیار باد رنگ مغز تخم کد و مغز تخم خربزه مغز فستق مغز حب صنوبر سنبل الطیب از خرمکی مغز تخم خطمی سفید تخم کتان از هر یک سه درم نیم کوفته با آب بجوشانند و بهالایند و با چهار رطل شکر صافی بقوام آورند و بعضی گفته اند که لبوب را صواب آن است که نرم گویند و بعد از آنکه شراب را بقوام آورده باشند در آن حل کنند و اگر لبوب را شیر کشید در آخر داخل کنند بهتر است \* شراب زوفایا نافع از برای صدر بارد و زکام و نزلات و سعال بارد و ضیق النفس و ربو \* صنعت آن به نسخه سید اسمعیل انجیر خشک زرد پا نزه عد و مویز منقی از دانه بیست عد و حله تخم کرفس رازیانه سربنفشه پرسیا و شان زوفای یا بس از هر یک پنجد رم اصل السوس ده درم جوشانید و بهالایند و هر صبح چهل درم آنرا با دو مثقال معجون زوفای هند و بعضی درین شراب سه درم زراوند مد حرج و پنجد رم فرا سیون می افزایند و در نسخه قلانسی مویز منقی پا نزه درم است و باقی موافق نسخه اصل سید اسمعیل است و گفته مجموع ادویه را در د و من آب بجوشانند تا بثلث برسد پس بهالایند و سرد کرده در شیشه نگاه دارند و هر روز سه اوقیه آن را بپاشا مند \* شراب زوفاء دیگر که سید اسمعیل در ذخیره در سعال بارد سازج آورده \* صنعت آن انجیر زرد خشک پا نزه عد و مویز منقی بیست دانه اصل السوس ده درم پرسیا و شان پنجد رم زوفای یا بس ده درم ابرسا درم جوشانید و صاف نموده سه اوقیه آن را با مثرودیطوس یا سنجر نیابند هند \* شراب زوفای خط میرزا معزال دین موسوی \* صنعت آن عناب سی دانه سیستان شصت دانه مویز منقی بیست مثقال انجیر زرد دوازده دانه کل بنفشه دو مثقال و د و د انک پرسیا و شان چهار مثقال و پنجد انک تخم خطمی تخم خبازی از هر یک سه مثقال و چهار انک اصل السوس مقشر چهار مثقال و پنجد انک زوفای خشک چهار مثقال و پنجد انک تخم خشخاش سفید چهار مثقال معزال دین اجزای این نسخه را از خطاب رخود میرزا مهدی رضا موسوی نقل کرده و معزالیه نوشته که کمترین

در شربت زرفا متعارف تصوف نمود و بحسب تجربه مفید آمد \* شراب زرفاء دیگر به نسخه سیل اسمعیل که در  
سعال مادی و قتیکه حار باشد ماده آن و غلیظ باشد مستعمل است \* صنعت آن عذاب بیست دانه سپستان پنجا و  
دانه مویز منقی ده درم انجیر زرد خشک ده دانه اصل السوس ده درم جو مقشربك عشت تخم خشخاش سفید  
هفت درم تخم خطمی کثیرا بهانه ازهر يك پنج درم درد و من آب بجز يك تا نصف بماند پس بجای ایند و سرد کرد و  
در شیشه کندی و هر صبح مقدس از چهل درم آنرا با پنج درم خمیره بنفشه اصل بد من و اکوسه درم روغن بنفشه اضافه  
کنند بهتر است \* شراب زرفا منقول از قرا بادین برادرزن حکیم اشرف قمی \* صنعت آن عذاب خراسانی بزرگ  
دانه سی عد سپستان پنجاه عد دانه انجیر زرد بیست مثقال کل بنفشه فراسیون ازهر يك چهار مثقال برسیا و شان اصل  
السوس زرفای خشک ازهر يك هفت مثقال تخم خطمی تخم خبازی ازهر يك پنج مثقال جوشانید و صافی نمود و با شکر سفید  
مقدس از یکم بد ستور معروف بقوام آورند شربت يك اوقیه و در بعضی نسخه ها مویز بدین دانه بیست درم اسفیل مشوی  
زراوند مل حوج مصطکی ازهر يك دو درم داخل است \* شراب زرفاء دیگر نافع است از برای سرفه کهنه و بقره و سگی  
نفس و ربو \* صنعت آن بسپاسه چهار مثقال عذاب سی عد دکل نیلوفر چهار درم سپستان مویز منقی ازهر يك پنجاه  
عد دانه انجیر زرد بیست عد دکا و زیان تخم خطمی ازهر يك پنجاه و مثقال سر بنفشه چهار مثقال برسیا و شان هفت مثقال  
تخم خبازین پنج درم اصل السوس پنج درم زرفای خشک ده درم بد ستور جوشانید و صافی نمود و با شکر سفید شربت  
سازند شربت يك اوقیه \* شراب زرفا به نسخه حکیم محمد رضا \* صنعت آن انجیر زرد چهل دانه مویز منقی یکصد دانه  
کل بنفشه هفت درم و دو ثلث درمی برسیا و شان دوازده درم تخم خطمی سفید ده درم زرفای خشک چهار درم جو مقشربك  
در سه رطل آب انجیرا نند پس بجوشانند تا به نصف رسد صافی نموده یکم قند سفید داخل کرد و بقوام آورند شربت  
يك اوقیه \* شراب زرفا به نسخه حکیم صالح خان موحوم \* صنعت آن زرفای خشک سی درم برسیا بیست و چهار درم  
کل بنفشه برسیا و شان ازهر يك سی درم عذاب یکصد دانه سپستان دوازده اصل السوس خراسانی و دوازده درم  
انجیر زرد سی دانه کل خطمی سفید دوازده درم تخم خطمی پانزده درم تخم کتان سی درم مویز منقی در مل عذاب بیست  
خشخاش دوازده عد دانه لاثق کو بهین پاشد نیم کوفته يك شب در پیانده رطل آب انجیرا نند و صندلش بجوشانند  
تا به نصف رسد ترنجبین خطائی يك رطل نبات سفید چهار من طمی داخل کرد و نیم شب در مل و کف آن را بکوبند و صافی  
نموده باز در دیک کرده بجوشانند تا بقوام آید شربت يك چهار مثقال \* شراب زرفاء دیگر تنگی نفس و سرفه کهنه را سوز  
ارد و اخلاط غلیظه و رطوبت سینه و شش رفع سازد و طبع را نرم دارد \* صنعت آن عذاب جرحانی مویز بدین دانه  
يك بیست دانه سپستان سی دانه تخم خطمی خبازی ابرسا فراسیون زراوند ازهر يك سه درم اصل السوس  
برسیا و شان بیست و پنج کوکس ازهر يك پنج درم کبرحا شاز زرفا ازهر يك چهار درم انجیر پانزده درم بنفشه  
سه درم برسیا و شان هفت درم بد ستور معروف درد و من آب خیسایند و جوشانید و تا یکم صافی بماند پس با شکر  
صافی نموده یکم قند اضافه نمایند و بقوام آورند شربت يك از پنج درم پاد درم قند و آب کوکس و صندل و کافور  
سرفه گرم را سود دارد و طبع را نرم سازد \* صنعت آن زرفای خشک پانزده درم عذاب بیست دانه سپستان پنجاه  
انجیر سفید ده دانه اصل السوس مویز بدین دانه ازهر يك دو درم کثیرا تخم خطمی بهانه ازهر يك پنج درم تخم خشخاش  
هفت درم جو مقشربك \* صنعت آن برسیا و شان آب انجیرا نند تا نصف بماند و در رطل قند بقوام آورند شربت  
درم با آب گرم بنوشند \* شراب زرفاء دیگر تنگی نفس را سود دارد \* صنعت آن زرفای خشک پانزده درم انجیر پانزده درم

خرمای بیدانه ازهر يك پانزده دانه بپنج سوسن صحرانی ده درم حلبة پنج درم سما و شان هفت درم بپنج کرفس پنچل رم  
بپنج رازیانه تخم انجوره رازیانه فراسیون ازهر يك پنچل رم مجموع را در چهار رطل آب بجوشانند تا نصف بماند  
کنند و بقوام آورند \* شراب زوفا به نسخه محمد امین \* صنعت آن عذاب آسته بیرون کرده پانزده توله انجیر را در ربع  
یک سیر شاه جهانی کل بنفشه شش توله ونیم پرسیاوشان دوازده توله تخم خطمی سفید تخم خبازی اصل السوس زوفا  
خشک ازهر يك پنچل رم اجزا را در هشت سیر شاه جهانی آب بخیسانند و روز دیگر بجوشانند تا به نصف رسد صافی نموده  
مقال از چهار سیر ونیم قند سفید داخل کرده بقوام آورند شربت از سه مثقال تا چهار مثقال \* شراب زوفا دیگر منقول از  
خطا غفران پناه میرزا علی نقی حکیم باشی که مشا را لیه از شرح سلیدین نقل کرده اند قلمی نموده که مجرب است از برای  
ریو وضیق النفس و امراض صد و بلغمی \* صنعت آن رازیانه تخم کرفس ازهر يك پنچل رم زوفا یا بس هفت درم انجیر زرد  
بیست دانه مویز آسته بیرون آورده سی درم حلبة چهار درم تخم خطمی اصل السوس بپنج سوسن آسمان کونی ازهر يك سه  
درم پرسیاوشان هفت درم عذاب بیست عدس بیست عدس سیون سه درم جوشانده صافی نمود شکو سفید  
در رطل جلنجبین یک رطل داخل کرده قدری بجوشانند و بماند و صافی نموده بقوام آورند شربت از ده درم تا پانزده درم با  
یکل رم روغن بادام تلخ و گاهی ازین شراب کم کرده میشود بعضی ادویه و زیاد کرده میشود مثل کل نیلوفر و تخم خشخاش زرد  
و سدر است مزاج درین حالت باید که بگردانند بدل جلنجبین ترنجبین یا خمیره بنفشه \* لعوق و فالتکی نفس و سرفه کهنه  
و ریو نافع باشد و اخلاط غایظه لزج را از سیننه و شش پاک کند \* صنعت آن زوفا خشک بپنج سوسن صحرانی ازهر يك بیست  
درم بپنج سوسن را نیم کوب نموده با زوفا در سه رطل آب یک شب خیسانند و بجوشانند و بماند و صافی کنند و با یک رطل قند بقوام  
آورند \* مطبوخ زوفا که جهت ریو وضیق النفس و سرفه نافع است \* صنعت آن عذاب ده دانه سپستان بیست دانه مویز  
بیدانه پانزده دانه انجیر زرد پانزده دانه اصل السوس محکوک چهار مثقال پرسیاوشان سه مثقال تخم خطمی تخم خبازی زوفا  
خشک بپنج سوسن حلبة ازهر يك دو مثقال در چهار رطل آب بجوشانند تا ربع رسد پس صاف نموده هر روز سی مثقال او را با بنفشه  
صافی یا با لعوق خشخاش یا معجون منقی با ضافه روغن بادام بنوشند \* معجون زوفا جهت نفخ مواد محتبسه در سیننه مجرب تا لیف  
میر محمد زمان \* صنعت آن زوفا خشک پرسیاوشان ازهر يك ده مثقال قرد مانا فلغل ازهر يك یک مثقال مغز بادام تلخ زراوند  
مد حرج تخم انجوره ازهر يك پنج مثقال عسل سه وزن ادویه بسر شند و هر روز و مثقال آن را با این مطبوخ بنوشند \*  
صنعت آن انجیر زرد ده عدس تمر هندی مویز بیدانه ازهر يك ده مثقال حلبة تخم کرفس رازیانه پرسیاوشان اصل السوس  
زوفا خشک فراسیون ازهر يك پنج مثقال در چهار رطل آب بجوشانند تا ربع رسد پس صاف نموده سه حصه نمایند و  
هر روز یک حصه را با دو مثقال معجون مذکور بخورند و چون مطبوخ آخر شود به همین دستور با زرتیب دهند و هر ماه دو  
روز متعاقب یک یک یقوی نمایند با این دواها \* صنعت آن اصل السوس خردل سرخ تخم ترب تخم شبت ازهر يك سه مثقال  
جوشانند و صاف کرده با سکنجبین عسلی بنوشند در وقتیکه معدی خالی نباشد \* معجون زوفا دیگر \* صنعت آن رب السوس  
پرسیاوشان زوفا ازهر يك ده درم قرد مانا فلغل سیاه ازهر يك سه درم مغز بادام تلخ معشور زراوند مد حرج کرسنه  
ازهر يك پنچل رم کوفته بختنه با سه وزن ادویه عسل مصفی بقوام آورده علی الرسم بسر شند \* معجون زوفا دیگر  
که ضیق النفس و ریو و سرفه را سود مند بود \* صنعت آن زوفا خشک رب السوس پرسیاوشان ازهر يك ده درم مغز  
بادام تلخ مغز چغندر ازهر يك پنچل رم حلبة صمغ عربی انجوره ازهر يك سه درم زراوند کرد و درم اجزا را کوفته بختنه  
با عسل سرشته معجون سازند شربت دود رم با آب کرم

\* باب الرأ مع الیاء المشاة التجمانیة \*

زیر باج از اغذیه ملطف اصحا و مسکرمه و مزاجات اخلاط و مفرح و مقطع بلغم و مغتغ سله و موافق صاحبان حکو حار و  
 نهایی ناکبه و شطوط الغب مضرا مزجه بارده است \* صنعت آن به نسخه صاحب شفاء الاسقام بکیردن گوشت نریه جوان  
 مقل از یک رطل و ریزه کنند و اگر مرغ باشد یا طمور و بکر که مناسب باشد از بند ها جل اکرده باد ارچینی و نخود مقشر  
 و روغن کنجد بجوشانند تا بپخته گردد پس نیم رطل سرکه و ربع رطل جلاب باشکر سفید و یک اوقیه بادام مقشر در  
 کلاب شیر و کوفته و آب برگ کشنیز خشک و عود و سد اب یک دم و قلیلی زعفران سوده داخل کرده تناول نمایند \* زیر باج  
 به نسخه ملانفیس شارح اسباب و علامات \* صنعت آن بکیردن پیاز را و حلقه نموده در روغن بادام اندک بریان نمایند  
 و با کشنیز تازه و آب طبع دهند تا بپخته گردد پس اندکی سرکه و شکر سفید و قلیلی مرص داخل نمایند و به کشنیز خشک و  
 اندکی زیره کرمانی خوشبو نموده تناول نمایند و در نسخه دیگر کربا نیز داخل است و گفته که نمک نباید داخل نمود  
 و ذکر بار روغن بریان نمودن در نسخه اصل نیست و بریان نمودن آن منافی نیست و در نسخه شفاء الاسقام اگر بجای  
 روغن کنجد روغن بادام یا کافور تازه کنند شاید بد نباشد \* زیر باج به نسخه دیگر منقول از کثیر القوال داخل است \*  
 صنعت آن بکیردن گوشت را و ریزه ریزه نمایند و در یک کنند و آب بران ریزند تا اینکه آنرا بجوشد پس در ارچینی  
 و نخود مقشر و اندکی نمک داخل کرده طبع نمایند و کف آنرا بکیرند تا بپخته گردد پس روغن کنجد تازه و خل خمر بخل  
 کفایت با ربع وزن سرکه شکر سفید و شیر بادام مقشر در کلاب و کشنیز خشک و فلفل و مصطکی و زعفران سوده بران  
 بپاشند و برهم زده و در جوش داده فرود آورند و بادام را مقشر کرده و در بشه برین و بران بپاشند و تناول نمایند  
 و اگر بجای روغن کنجد روغن بادام یا روغن کافور تازه نمایند بهتر است و اگر از مرغ یا طمور و بکر تو سبب دهند بدستور  
 مسطور از مفصلا جدا نمایند \* زیر باج بکسر زای معجمه و سکون یای مثقاله تحتانیه و فتح یای موحده و رقاقه بغارسی  
 سیماب و جیوت و به هند و پاره و بشرنگی سلواسون نامند از جملہ فلزات معدنیه است شبیه به نقره کل اخذه مشحوک  
 و اکثر از بلاد چین می آورند و معدن آن آنجا است و آن معدن مانند چاه مست عمیق و طریقه آخذ آن آنچه از معینان  
 ثقه که اکثر بنان سمت تردد داشتند شنید شد و آن است که شخص جوانی سرخ و سفید رنگ خواهر زن خواهر مرد  
 لیکن اگر مرد است امرد بی ریش یا ریش را بالکل تراشیده و بر اسب بسیار چال چاکلی سوار شده و لباسهای زیورهای  
 طلائی بسیار بر ارق بر خود و اسب خود می آراید که جائی خالی نباشد و اطراف آن چاه را با اجناس و بطرفی که آن  
 جوان میگززد خند قها و کود الها میکنند و راهی از برای آمدن و شد آن جوان میکل ازین طریق انحراف و پیچایش  
 و آن جوان در وقت ظهر که آفتاب در وسط السما باشد و شعاع آفتاب در چاه افتاده باشد سواره بر سر چاه می آید و  
 همان قسم سواره خم شده در چاه می نهد سیماب به سبب تعشقی که با طلا دارد و مائل و جاذب آن است از قعر چاه  
 بجوش در می آید و آنا فنا بلند میشود و میل بسوی آن جوان و اسب او مینماید به سبب لباسها و زیورهای طلائی و  
 آن جوان آنمقل ارض بر مینماید که مقل ارد و سه ذرع از زمین بر سر چاه بماند پس چون سیماب از چاه بر آمد و در  
 بی آن میدود و باید که آن جوان بزود می در رود که سیماب با نورسل والا و اوراق ملاک میسازد و چون آن را نمایت باز  
 میگردد بسوی چاه و معدن خود حفر کوه الها و خند قها برای آن است که در وقت بالا آمدن آن از چاه و در بی آن جوان  
 رفتن و در وقت برگشتن در آنها ریخته جمع گردد پس اشخاص دیگر ای لباس و زیور طلا و نقره سیمابهای صانع را در  
 ظریفها می چوبی کرده و سوار آنها را مستحکم بسته باطراف میبندند و نموشنید شد و لیکن بران اعتقاد میچند که نیست  
 که در شهر نارد و در آنها گوشت ماهی کنند و در سائر لجم کنند و در یک مخصوص گوشت بک پر کرده و سوار آنها را مستحکم



پخته در زیر زمین دفن مینمایند و بمیعاد معین که نزد خود مقرر دارند پس آن وقت بر می آورند و سر آن را با زخموده  
 در آن سیماب میبایند و اگر از میعاد مقرر معین بگذرد و فرا موش کنند و بر نیاورند بعد از آنکه بر آورند خالی میبایند  
 و نیز شنیدن و شده که در معدن طلق نگون میبایند و از میان ورقها و تخته های بسیار ضخیم آن نیز میبایند ولیکن چیز  
 بسیار کمی و از خواص آنست که فلزات دیگر را همه فانی و مضمحل میسازد و لهذا آن را در شیشه و ظرف چوبی اکثر  
 نگاه میدارند و از چنین در ظرفهای چوبی که با اصطلاح فرنگ پیپ مینامند می آورند و در ویم سرد و در سیوم نرگفته اند  
 و بعضی گرم نودانسته اند با حلات و قبض و استنشاق کرد و در آن مولد فالج و بطلان قوت سامعه و زردی رخسار  
 و موجب نضاد قوتهای دماغی و گریزانند و هوام و مالیدن اندکی از آن بر کف هر دو دست جهت رفع جرب و حکه  
 و دانه های آتشک مجرب دانسته اند و طلاهای اندک از آن که با آب برگ تانبول و یا آب بهنگره و یا آب دهان که آنقدر  
 بمالند که سیماب کشته گردد یعنی اجزای آن ناپدید شود جهت رفع سردی و رطوبت دماغ و مرضیکه در بنگاله مشهور  
 با هوای است مجرب دانسته اند بدین قسم که در آخر هر ماه در تحت الشعاع بر تارک سر تیغهای بسیار سبک خفی زده  
 سه چهار بار نهایت تا هفت عدد و از سیماب محلول با آب برگ مسطورین آنجا بمالند تا مدت که منجلب و خشک گردد  
 و چون زیبق را کشته بویسمانی مالید و برگردن بدنند مانع نگون قتل کرد و ضماد غیر مقتول آن نیز جهت خشک  
 کردن دانه آتشک و قروح مجرب است و خاک زیبق که در ظرف آن بهم میرسد در جمیع آثار مثل مقتول آن است و  
 در سمیت مانند آن و طلاهای کشته آن با تخم خربزه و بادام تلخ جهت جرب و حکه و رفع جمیع آثار واکله و سعه رطبه و قروح  
 سابعیه و سائله و دفع قمل و پاک کردن رو را تیانچ و موم و روغن زیتون جهت دانه های آتشک از مجربات است و بدستور  
 در آن همین اثر دارد بشرطیکه بکوش بینی و حلق نوس و در یک هفته سه بار بخور کنند و غذای غیر لطیف و نمک ارنخورند  
 و بعد از تنقیه بدن با شکر و آشامیدن غیر مقتول آن بی سمیت و سرعت از اعاذ معادن میگردید با مغص و درد قوی و چون  
 از دانه کشته آن در هر سالی چند روز هر روز بقل رجه تا یکدانه بگوشند و بتدریج زیاده کنند و آب کوشش بعد از آن بنوشند  
 باعث مغص نمی شود و جهت حفظ صحت و تقویت باه و هاضمه و قوت بنیه بی عمل است ولیکن این هم خالی از اغائله و  
 مضرتی نیست مخصوص کرم مزاجان را و قد رشوبت از غیر مقتول آن تا دود رهم و بدنش رصاص محلول است و مصلد آن  
 بسیار گرم و با حلات و از سموم قتاله و محرق خلط و محلل قوتها و مقطع است و چون غیر مقتول او با نقره خالص حل  
 کرده بر مس بمالند و با آتش بوند مس را مفضض کرد اندک دستور تصفیة زیبق که معمول اهل صناعت یعنی کیمیا است  
 آن است که زیبق را در ظرف مسی بی قلعی صاف بی چرک و کدورت کرده بر آتش کدازند و بقا صله اندکی ظرف  
 مسطح را پر آب بسیار سرد کرده بالای آن بدازند آنچه زیبق خالص صافی است صعود کرده بر سطح زیرین آن ظرف  
 پر آب سرد مجتمع میگردد آن را جمع نموده بکار بوند و اما بطریق متعارف این است که زیبق را در هاون سنگ یاد و  
 ظرف شیشه یا لعاب یا آب بیک انجیر بسایند تا جرم و سیاهی آن زایل گردد پس با آب عنب الشعلب بدستور سبق  
 نمایند و مرتبه سیوم با آب نقیع هلیله بسایند بعد از آن شسته هفتاد مثقال آنرا با سی مثقال آب خالص درد یک سنگی  
 با آتش ملایم بجوشانند و هر چند آب به تحلیل رود اندک اندک آب تا یکوطل نیز داخل نمایند تا تمام خشک گردد پس  
 زیبق را برداشته در شیشه نگاه دارند و این مسمی است با بوی الارواح با صطلاح اهل صناعت و معنی است  
 بخور زیبق آتشک را خشک کند و صنعت آن زیبق و مثقال شکر و مثقال کدو رشوبت مثقال اول زیبق را در  
 بوتکه کنند و بر آتش نهند و مریض را این بداند چنانکه بخار آن را استنشاق کند و اگر در کتب دیگر

که بخار نیز بیرون نرود و بعد از آن شجره و کند بریزند و سه مرتبه چیدن کنند که خشک می شود و دیگر مجروح نشود \* حب زبیق جهت انواع آتشک و قروح خبیثه نافع \* صنعت آن مقل ازرق کثیرا صغ عربی نشاسته و بوند چینی تربل مد بر غاریقون مصطکی خیارشیر جا و شیریند سکبینه از روت ازهر یک پنجاه گرم چند بید ستر سه درم زبیق مقتول محموده ازهر یک در درم زعفران یک درم جمله را کوفته بپخته زبیق کشته را با یکد یکد مخلوط نموده حب ها سازند و قبل از دادن دوا سه روز بهر فرمایند از میوه ها و حب ها و تا هفت روز بعد از آن بحسب مزاج و این حب مناسب است جهت آنکه زبیق در آن کم است و ادویه مسهله زود اخراج آن کند \* حب زبیق دیگر جهت خلل و باد آتشک و باد آن و خنازیر و جراحات و قروح خبیثه \* صنعت آن عاقر قرحا چند بید ستر مصطکی کوکورد صفر کند زبیق اجزا مساوی کوکورد را با زبیق بکشند و دواها را کوفته بپخته با جزوی از آرد کنند و سرکه و اندکی سنگ سلیمانی داخل کنند و زبیق را بسرکه بکشند و با سنگ سلیمانی و کوکورد مخلوط ساخته سحق و صلایه بلیغ نمایند تا خوب کشته شود و داخل آن کنند و در بست حب بسازند هر حبی بقدر نخودی و هر صباح پنجعل در و شب پنجعل در بخورند تا وقتی که دهن جوشش پدید آید بعد از آن ترک کنند و گاه باشد که از دویست عد کمتر خورند که دهن بجوشد بعد از آن به علاج دهن مشغول شوند بمثل آب کشنیز و آب لیمو و سماق و غرغره و مضمه کنند و با اعتقاد فقیر بدادن این در اجزای نمی توان نمود خصوصا با سنگ سلیمانی که سمی عظیم است \* حب زبیق مسمی بکورا جولی بری صاحب خلاصه التجارب نوشته که این حب از مختصرات اهل هند است و حکیمی که این را ترکیب کرده کورا جولی نام داشته و بوی و بوی ایشان حب را کوکورد چون سخن ایشان اکثر و از گونه لفظ بوی را موخر داشته و اجزای آن را بزبان خود بنظم آورده بدین وجه نقل \*  
رس بس کند هک اور هرتار \* تربلا ترکنا تنکنکار \* جیمال بهنگرا بند هون بوی \* چوسیت و ا روک کا هومری \* کورا جولی  
بری رس زبیق را کوکورد و رس سچاک را و کند هک کوکورد را کوکورد و اور یعنی دیگر و هرتار زبیق را کوکورد و تربلا یعنی  
اطور بفل صغیر که آن مجموع هلیله و آمله و بلبله است و ترکنا در روی آس بود که آن مجموع فلفل و زنجبیل و زردچوبه  
است تنکنکار یعنی تنکار و جیمال دند است مگر خواهد شد بهنگرا گیاهی است هندی و بند هون بوی یعنی بچندم حب  
چوسیت یعنی شصت و چهار عبارت و ا روک گونه و روک یعنی خط کا هومری یعنی می میورد \* اجزای ترکیب آن بکسوف از  
مغرد هرد و ایک جزوالا بهنگرا که عصا آن باید آنمقل او باشد که جمله ادویه بآن سرشته کرد و پس سمعاب را بهر بار  
و کند هک سحق و سلایه و تشویه کنند چند آنکه تمام خاکستر شود آنکه پس در با توکما سحق و داخل کنند آنکه و جیمال را  
بپخته و میان آن را پاک کرده با آنها سحق نمایند آنکه باقی اجزا را کوفته بپخته مجموع و با هم سحق و داخل تنکو کنند پس  
با آب بهنگرا نیکو بسوزشند و حب ها سازند هر یک مقل از نخودی میانه و بوقت حاجت اصحاب بر بالای طعام چوب و مرصی  
با هر چه مناسب باشد خورند و به تنهایی نیز توان خورد و حافظ صحت را با این پوهیز چنان باید کرد که با جیمال و  
زردچوبه مقرر شده و اگر خواهند اسهال کمتر کنند جیمال را کمتر کنند و اگر بهنگرا یافت نشود عوض آن آب بزرگ کرچک که در  
این حب انواع آتشک که آبله و رنگ نامند و اکثر قروح جروح خبیثه و امراض یارده طبعه مزمنه و حمیات عصبیه و جل ام  
یروض را مفید است بشرط استعمال بدستور لائق و الله اعلم \* دواء الزبیق مقتول از حکمای دوک جهت آتشک و قروح  
جروح خبیثه \* صنعت آن غاریقون انیسون رومی زراوند مل حوج زعفران چند بید ستر و سوزن چوب و سوزن چوب  
بوند چینی موکمی عاقر قرحا کند و ورق سد اب صغیر و بویه ارمی بیک حذا محموده ازهر یک سه درم جاورتاس و زرد  
زردت و فریون ازراوند طویل زبیق ازهر یک در درم قططیرین و زبیق یک درم مغز بسته مغز بادام که کش میروند

از هریک پنجاه گرم آذوقه را جل ابله آبگوشت و فلفل کنند و بوزن اذوقه غسل مصفی بشویند شربت می نیم مثقال غل ا  
 بلا و چوب و عمل درین حب کشتن زیبق است باید که خوب کشته شود \* دوائ ابله فرنگ از مختصرات حکمای فرنگ و  
 مجربات ایشان منقول از خلاصه التجارب \* صنعت آن بگیریند زیبق خالص مصطکی تربد از هریک سی درم کند مرده استک  
 توتیای هند ی سفید اج ارزین صمغ آلو از هریک بیست درم زاج سفید پوست نارنج شوره نشادر صمغ مر و از هریک  
 ده درم حنا پنجاه درم زیبق را بجا خاک کنند و اجزای دیگر جمله را کوفته بپخته با آن نیکو خلط کرده بروغن کل  
 و روغن پیه خوک و روغن زیت و روغن دنبه بشویند بقوام قیروطی چنانکه زیبق زنده نشود و بکار داری \* دوائ  
 دیگر از مجربات اهل عراق و خراسان و آذربایجان منقول از خلاصه التجارب \* صنعت آن بگیریند سیماب چهل درم  
 مصطکی سی درم کند ریست درم مرده استک ده درم حنا پنجاه درم صمغ سر و پنجاه درم صمغ عربی پانزده درم جمله  
 را بهمان دستور در روغنهای مسطور بشویند و نکاهل ارنه و عدل الحاحت بکار بوند و صاحب خلاصه التجارب نوشته  
 که من بجای روغن دنبه روغن مغز زرد آلو تلخ کردم بمزاجت انفع یافتیم و گاهی جهت ریشهای خبیثه زنگار با توتیای  
 هند ی یا هرد و بعضی اضافه مینمایند \* دواء الزیبق که آتشک را سود دارد \* صنعت آن زیبق مقتول هشت مثقال  
 حنا لادن مصطکی سورنجان از هریک دودرم تربد سفید بیخ بنفشه از هریک سه درم روغن کل ده درم روغن زیت  
 پانزده درم آب لیمو پنچ مثقال پیه بز سی درم و اگر جراحت کهنه باشد توتیای هند ی سفید آب مرده استک از هریک  
 دودرم زنگار نیم درم اضافه نمایند و بطریق مهم ترتیب نموده بدستور متعارف شب بمالند \* دهن الزیبق جهت  
 جرب و طبع و آتشک و قروح عتیقه نافع \* صنعت آن بگیریند و توله زیبق را و در پارچه بسته دردیکی که دران چهار  
 آثار هندی شیر تازه و وشیک و باشند معلق بیا ویزند و سر آنرا بسته در زیر آن آتش ملایم نمایند تا شیر منجمد مثل  
 چربه شود و با بسیمای غلیظ کرد پس فرود آورده بکار بوند و اگر بجای شیر آب نارچیل تازه کنند نیز خوب است و  
 اگر نباشد روغن نارچیل تازه یک آثار کنند و سه چهار آثار آب دران ریخته بجوشانند تا آب ببرد و روغن بمالند  
 و نسخ دهن را راحت دراد هان ذکر یافت \* وضاد زیبق دراضمه خواهد آمد

### فصل در ذکر نسخ طلای زیبقی

طلای زیبقی نافع جهت آتشک و قروح خبیثه \* صنعت آن کند مصطکی  
 زیبق از هریک ده درم پیه بز بقدر کفایت درهم نیکو سرشته طلا نمایند \* طلای دیگر که همین نفع دارد \* صنعت آن زیبق  
 یک درم فوفیون انزروت بارزد جاوشیو کند مصطکی کتیرا مرصاف از هریک پنجاه درم پیه بز پیه خوک بالمنا صغه بقدر کفایت \*  
 طلای دیگر که همین خاصیت دارد \* صنعت آن زنجار سه درم برک حناد و درم بوره ارمنی سه درم بادام تلخ سوخته یک  
 درم زیبق سه درم روغن کل سرخ سی درم \* طلای دیگر سورنجان مصری عروق خطمی صندل سفید مرصافی مقل ازرق  
 از هریک دودرم حنا پنجاه درم زیبق یک درم روغن زیت روغن کل روغن قسط روغن ما زوی سبز از هریک ده درم \* طلای  
 دیگر صنعت آن زیبق یک درم فوفیون انزروت بارزد جاوشیو کند مصطکی مقل ازرق از هریک سه درم مرصافی میعه  
 سا ائله توتیای کرمانی مرده استک مغسول سورنجان مصری از هریک دودرم روغن کل سرخ روغن زیت و روغن قسط از  
 هریک ده درم پیه کرده بز بقدر کفایت \* طلای دیگر زیبق یک درم جاوشیو سه درم مرصافی مقل ازرق هریک ده درم  
 حنا پنجاه درم مصطکی سه درم سورنجان مصری یک درم روغن کل ده درم پیه کرده بز بقدر کفایت \* طلای دیگر زیبق  
 آب لیمو صابون از هریک هشت مثقال انزروت یک مثقال صبر سقوطی مرده استک از هریک پنچ مثقال زاج محرق ماه فرزین  
 خطائی از هریک سه مثقال کند ریک مثقال مصطکی شش مثقال چند بیل ستر سه مثقال روغن فوفیون ده مثقال پیه

که بخار نیز بیرون نرود و بعد از آن شنجرف و کند زیر بزند و سه مرتبه چندین کنند که خشک می شود و دیگر مجروح نشود \* حب زیبق جهت انواع آتشک و قروح خبیثه نافع \* صنعت آن مقل ازرق کثیرا صمغ عربی نشاسته ریونک چینی تربل مد بر غاریقون مصطکی خیبار شنبدر جاشیر قند سبکینج از رویت از هر یک پنجاه رم جنک بید ستر سه درم زیبق مفتول محمود از هر یک دو درم زعفران یک درم جمله را کوفته بپخته زیبق کشته را با یکد یکد مخلوط نموده حب هاسا زرد و قبل از دادن دوا سه روز یوهیز فرمایند از میوه ها و حب ها و تا هفت روز بید همدل بحسب مزاج و این حب مناسب است جهت آنکه زیبق در آن کم است و ادویه مسهله زود اخراج آن کند \* حب زیبق دیگر جهت خلد اوند باد آتشک و باد آن و خنازیر و جراحت و قروح خبیثه \* صنعت آن عاقر قرحا جنک بید ستر مصطکی کوکود اصفر کند زیبق اجزا مساوی کوکود را با زیبق بکشند و دواها را کوفته بپخته با جزوی آن آرد کنند و سرکه و اندکی سنگ سلیمانی داخل کنند و زیبق را بسرکه بکشند و با سنگ سلیمانی را کوکود مخلوط ساخته سحقی و صلایه بلیغ نمایند تا خوب کشته شود و داخل آن کنند و دو بیست حب بسا زرد هر حبی بعد از خوردی و هر صبح پنج عدد بخورند تا وقتیکه دهن جوشش پدید آید بعد از آن ترک کنند و گاه باشد که ازد و بیست عدد کمتر خورند که دهن جوشد بعد از آن به علاج دهن مشغول شوند بمثل آب کشنیز و آب لیمو و سماق و غرغره و مضمضه کنند و با اعتقاد فقیر بدادن این دوا جرأت نمی توان نمود خصوصا با سنگ سلیمانی که سمی عظیم است \* حب زیبق مسمی بکود اجولی بری صاحب خلاصه التجارب نوشته که این حب از مختصرات اهل هند است و حکیمی که این را ترکیب کرده کور اجولی نام داشته و بری و برابلیت ایشان حب را کوشند و چون سخن ایشان اکثر و از گونه لفظ بری را موخورد داشته و اجزای آن را بویان خود بنظم آورده بدین وجه \* نظم \*  
رس پس کند هک اورد هرتار \* تر بهلا ترکنا تنکنکار \* جیپال بهنگرا بند هون بری \* چوست و اروک کا هوری \* کهور اجولی  
بری رس زیبق را کو بند و پس سحاک را و کند هک کوکود را کو بند و اورد یعنی دیگر و هرتار و زرنج را کو بند و تر بهلا یعنی  
اطر بفل صغیر که آن مجموع هلیله و آمله و بلبله است و ترکنا د اروی آس بود که آن مجموع فلفل و زرنج و اورد  
است تنکنکار یعنی تنکار و جیپال دند است مذکور خواهد شد بهنگرا گیاهی است فندی و بند هون بری یعنی بهندم حب  
چوست یعنی شصت و چهار عبارت و اروک و رونه و روک یعنی خلط کا هوری یعنی می میرد \* اجزای ترکیب آن بکلمات از  
مفرد هرد و ایک جزو الا بهنگرا که عصاره آن بایک آنمقل ارباش که جمله ادویه بآن سرشته کوکود پس سیماب و انا هورار  
و کند هک سحقی و صلایه و تشویه کنند چند آنکه تمام خاکستر شود آنکه بسا را با ترکتا سحقی و داخل کنند آنکه حاصل را  
بپخته و میان آن را پاک کرده با آنها سحقی نمایند آنکه باقی اجزا را کوفته بپخته مجموع و با هم سحقی و داخل نمیکند پس  
با آب بهنگرا نیکو بسو شند و حب ها سا زرد هر یک مقل از خود می میان نه و بوقت حاجت اصحاب بر بالای طعام چرب و مرطوب  
یا هر چه مناسب باشد خورند و به تنهایی نیز توان خورد و حافظ صحت را با این پوهیز چنان باید کردن که با سیماب و  
زرنج مقر رشتد و اگر خواهند اسهال کمتر کنند جیپال را کمتر کنند و اگر بهنگرا یافت نشود عوض آن آب بزرگ کرچک کنند  
و این حب انواع آتشک که آبله و رنگ نامند و اکثر قروح و جروح خبیثه و امراض بارده و طبعه و غده و حسیات و جفیه و جدام  
و برص را مفید است بشرط استعمال پس دستور لائق دانه اعلم \* دواء از زیبق مفتول از حکامای ترک جهت آتشک و قروح  
و جروح خبیثه \* صنعت آن غاریقون انیسون رومی زرد و فند مد حرج زعفران جنک بید ستر و سوزنجان غرغره  
ریونک چینی مومکی عاقر قرحا کند و رزق سد اب صغیر بوره از منی بزرگ جدا محمود از هر یک سه درم جاشیر یا زرد  
زرد و سوزنجان زرد و رزق سد اب صغیر بوره از منی بزرگ جدا محمود از هر یک سه درم جاشیر یا زرد

از هر يك پنجاه گرم آذوقه راجد اجل ابكوبند و نخل كنند و بوزن اذوقه غسل مصفى بسرشد شربتى نيم مثقال غذا  
 بلا وجوب و عمل درين حب كشتن زييق است بايد كه خوب كشته شود \* دواى ابله فرك از مختصرات حكماى فرك و  
 مجربات ايشان منقول از خلاصه التجارب \* صنعت آن بگيرند زييق خالص مصطكى تربد از هر يك سي درم كند مرد استك  
 توتباى هندی اسفند اج ارز صمغ آلو از هر يك بيست درم زاج سفيد پوست نارنج شوره نشاء صمغ سرو از هر يك  
 ده درم حنا پنجاه درم زييق را حنا خاك كنند و اجزاي ديگر جمله را كوفته بيخته با آن نيكو خلط كرده بروغن كل  
 و روغن پيه خوك و روغن زيت و روغن دنبه بمرشد بقوام قير و طي چنانكه زييق زنده نشود و بگارد ارند \* دواى  
 ديگر از مجربات اهل عراق و خراسان و آذربايجان منقول از خلاصه التجارب \* صنعت آن بگيرند سيماب چهل درم  
 مصطكى سي درم كند ريست درم مرد اسنك ده درم حنا پنجاه درم صمغ سرو پنجاه درم صمغ عربي پانزده درم جمله  
 را بهمان دستور در روغنهای مسطور بسرشد و نكاهل ارند و عند الحاجة بكار بوند و صاحب خلاصه التجارب نوشته  
 كه من بجاي روغن دنبه روغن مغز زرد آلود تلخ كردم بمراتب انفع يافتم و كاهي جهت ريشههاى خبيث زنگاريا توتباى  
 هندی يا هر دو بعضى اضافه مينمايند \* دواء الزبيق كه آتشك را سود دارد \* صنعت آن زييق مقتول هشت مثقال  
 حنا لادن مصطكى سورنجان از هر يك دود درم تربد سفيد بيج بنفشه از هر يك سه درم روغن كل ده درم روغن زيت  
 پانزده درم آب ليمو پنج مثقال پيه بزي سي درم و اگر جراحت كهنه باشد توتباى هندی سفيد آب مرد اسنك از هر يك  
 دود درم زنگار نيم درم اضافه نمايند و بطريق مرهم ترتيب نموده بدستور متعارف شب بمالند \* دهن الزبيق جهت  
 جرب رطب و آتشك و قروح عتيقه نافع \* صنعت آن بگيرند دونه زييق را در پارچه بسته در ديكي كه در آن چهار  
 آثار هندی شير تازه و وشيله باشند معلق بيا و بزند و سر آنرا بسته در زير آن آتش ملايم نمايند تا شير منجمد مثل  
 چوبه شود و با بسيار غليظ كرد پس فرود آورده بكار بوند و اگر بجاي شير آب نارجيل تازه كنند نيز خوب است و  
 اگر نباشد روغن نارجيل تازه يك آثار كنند و سه چهار آثار آب در آن ريخته بچوشانند تا آب بزود و روغن بمالند  
 و نسخ دهن را راحت در ادهان ذكر يافت \* و ضماد زييق در اضمه و خراشه آمد

### فصل در ذكر نسخ طلاى زييقى

طلاى زييقى نافع جهت آتشك و قروح خبيثه \* صنعت آن كند مصطكى  
 زييق از هر يك ده درم پيه بز بقل ركفايت درهم نيكو سرشته طلا نمايند \* طلاى ديگر كه همين نفع دارد \* صنعت آن زييق  
 يك درم فرفيون انزروت بارزد جاوشير كند مصطكى كتيرا مرصافا از هر يك پنجاه درم پيه بز پيه خوك بالما صغه بقل ركفايت \*  
 طلاى ديگر كه همين خاصيت دارد \* صنعت آن زنجار سه درم بر كحنا دود درم بوره ارمنى سه درم بادام تلخ سوخته يك  
 درم زييق سه درم روغن كل سرخ سي درم \* طلاى ديگر سورنجان مصرى عروق خطمي صندل سفيد مرصافى مقل ازرق  
 از هر يك دود درم حنا پنجاه درم زييق يك درم روغن زيت روغن كل روغن قسط روغن مازوى سبز از هر يك ده درم \* طلاى  
 ديگر صنعت آن زييق يك درم فرفيون انزروت بارزد جاوشير كند مصطكى مقل ازرق از هر يك سه درم مرصافى ميعه  
 سايله توتباى كرماني مرد اسنك مغسول سورنجان مصرى از هر يك دود درم روغن كل سرخ روغن زيت و روغن قسط از  
 هر يك ده درم پيه كرده بز بقل ركفايت \* طلاى ديگر زييق يك درم جاوشيره درم مرصافى مقل ازرق از هر يك ده درم  
 حنا پنجاه درم مصطكى سه درم سورنجان مصرى يك درم روغن كل ده درم پيه كرده بز بقل ركفايت \* طلاى ديگر زييق  
 آب ليمو صابون از هر يك هشت مثقال انزروت يك مثقال صبر سقوطى مرد اسنك از هر يك پنج مثقال زاج محرق ماه فرفيون  
 خطاى از هر يك سه مثقال كند يك مثقال مصطكى شش مثقال جند بيد ستر سه مثقال روغن فرفيون ده مثقال پيه

کرده بزچهل مثقال زبیق را بصایون و آب لیمو بکشند و ادویه را نرم بگویند و همزوج سازند و درهاون بسایند تا  
 سفید گردد \* طلای دیگر جهت باد این مرض \* صنعت آن اصل السوس مردا سنگ ازهر یک یکدم زبیق يك مثقال  
 روغن زیت پنج مثقال و نیم \* طلای دیگر که مکرر به تجربه رسیده و در جمیع امراض کثیرا لنفع است و عظیم الفوائد \*  
 صنعت آن جد را خطائی در مثقال کند و مصطکی ازهر یک دو مثقال صایون يك اوقیه و نیم آب برک حنا سه مثقال آب  
 لیمو بقل راجت سورنجان قسط مغاث بغدادی زراوند مدحرج و طویل حب الغار مرصافی مقل سکبینه چاوشیور زرباد  
 ازهر یک دو مثقال زبیق چهار مثقال عاقر قرحا دو مثقال روغن خیوی روغن بابونه ازهر یک يك مثقال روغن سوسن  
 پنج مثقال روغن زیت کهنه پانزده مثقال روغن کل سرخ ده مثقال موم زرد يك مثقال پیه کرده بزبیت مثقال روغنهای  
 را با موم بکند ازند و بنشیند را بکلاب بسایند و صغها را با سرکه حل کنند و زبیق را با پیه بکشند و مجموع را قرا کعب کنند  
 و سعی در کشتن زبیق بیشتر نمایند و در وقتیکه داخل کنند باید که سرد شد و باشد و درهاون نیک بسایند بعد از آن  
 چند روز بکند ازند که مزاج تمام یا بد بعد از آن سه حصه کنند و هر حصه را که میماند از میان دوا بروایتند اکند و تا  
 پس کردن مقل ارچهار انگشت پهنایند و تمام مهرهای پشت را بمانند و سرودش و مرق و رسغ و بندهای انگشت  
 را بمانند و درک وزانو و مفصل قدم را بمانند و از قرقوه یعنی چنیر کردن و استخوان فس تا سر مقل و چرب کنند و میان  
 ناف نیز چرب نمایند و بر قلب و دماغ و بیضتین نمالند که بد است و رخوت پنبه دار و پیر شدن و از طعامها مثل ماش  
 مقشرو برنج دارچینی و اسفناخ بخورند و از میوهها سرد و ترشیها و لیموهای و شرابها احتراز نمایند و نبات و عرق کاوزان  
 و کلاب و تخم شربتی بنوشند و یا رجه نقره در دهان نگاه دارند و بسوکه و کلاب و آب کشنیز مضغه کنند و ناسه روزی عمل  
 کنند که اگر عرق بسیار آمد و دانههای تمام ریخته شد و در پایا بنگیله بر طرف شد سه روز دیگر عمل کنند و بعد از آن  
 بحمام روند و اگر نه باقی روغن را بمانند و بعد از سه روز بحمام روند و بدن را با آب بنفشه و خطمی و سوسن بشویند  
 بعد از آنکه بصایون شسته باشند و این طلای مرض را با انگیله زائل میکند و هر چند کهنه شد و باشد و اگر سوزا قوی باشد و  
 مدتی مایل کف شسته باشد شاید بتکرار طلا حاجت افتد و اگر مکرر کنند چنان کنند که همان در طلا فاصله زیاد و از یک  
 ماه نگردد و اگر جائی از اعضا در دکنند ازین موهوم بمانند زود بر طرف شود و اگر مرض بسیار قوی باشد مقل ارش را  
 زیاد و میتوان کرد تا شش مثقال رسانند و طلا را نزد اعضای ریشه نمایند برد \* طلای دیگر مجرب \* صنعت آن کف  
 شش مثقال مصطکی صبر سیاه حلبه اقلیه یا شوره ازهر یک سه مثقال حنا دو مثقال زبیق است مثقال زنگار و مثقال  
 روغن نفط روغن گاو ازهر دو چهار سیمرغی الرسم موهوم سازند \* طلای دیگر \* صنعت آن مامیران چینی و دریم موم سابی  
 معنی میعه ساذه ازهر یک سه درم کند و درم توتیای کومانی ورق حنا ازهر یک پنج درم زبیق هفت و نیم درم پیه  
 سیاه و دریم بیه بنفشه پوست نارنج ازهر یک دو درم روغن کل سرخ بیست و یک درم مغز قله کاه و روغن زیت ازهر یک دو  
 درم موم کافوری یک درم آب لیمو بقل رکاف \* طلای دیگر که جرب را بسیار نافع و مجرب است \* صنعت آن کف شش اقلیه  
 عروق درخت انار عروق غلب الثعلب عروق حماض بوی هلیله سوخته تخم رساس برک خور زهره یا خاکستر زهره  
 زبیق مقتول زبیره یا خاکستر جویا روغن اقلیه میای فسی میعه یا بیه نوشاد رجنه عاقر قرحا پنج انگشت آن هر دو را سوخته  
 دویه کوفته بنفشه یا زبیق مقتول يك جا کرده با قطران هم رفته و ظرفی بلند عمیق دار کنند و طبعی و رسال بوسان  
 نهصد و یک شب تمام دو تنور گرم بکند ازند و صبح بر آورند و بکند ازند تا سرد شود پس ادویه را بپورون آورند اگر مایل  
 در حال شد و باشد بهتر و لا تکرار عمل نمایند پس \* حق نموده با ربع آن نمک بپا میزند و مجموع را بر روغن کل چرب

چرب کنند و بزرگ عضوطلا نمایند و بکند ارنه تا خشک شود پس بوضود یگر و همچنین تا تمام شود و هر چند صبر کنند و یکبار بمالند بهتر است و چند نسخه دیگر را طبله مذکور خواهد شد انشاء الله تع \* عقد زیبق جهت امساک و تقویت یا قوی الاثر است \* صنعت آن بکیرند مقلد ارهشت مثقال زیبق را و با قلد ری سرکه کهنه که درهاون آهنی خوب بمالند که مضحک شود پس سه مثقال نمک هندی کوفته در آن داخل نمایند و خوب بمالند انگاه در ظرف آهنی که از سرکه انکوری خوب تند پر کرده باشند ریخته بر آتش کد ارنه و سه مثقال رو سخته صلایه کرده اندک اندک بخورد سیماب دهند و بدسته آهن درهم بسایند تا بسته شود پس از آتش فرو گیرند و با آب سرد بشویند تا چرک اوزا نل شود و از پارچه سفید مشقابی محکم بپوشوند انگاه کوله سازند و در وسط آن سوراخی کنند و زیمانی از آن سوراخ بکند و یکشب در میان آب لیمو بکند ارنه تا محکم شود و متعجب گردد پس آنرا در میان روغن تا توله که بهندی د هتوره نامند بجوشانند و تا یک سال گاهی در میان شیر و گاهی در میان روغن و گاهی در یک طعام و گاهی در میان آب برک گیاهی از گیاهای مناسبه بیندازند و همیشه در دست میمالند یا شند چند آنکه متجلی و همچون آینه کرد و در شفاف نماید و مطلق کد و رت در جسم آن نمالند انگاه جهت امساک منی است هنگام مقاربت در دهن نگاه ارنه بی مثل است \* قیرو طی زیبق سلیمانی که در ازاله ارجاع مفاصل خصوص وجع و کبه و خصوص آنچه از باد آتشک باشد و مزمن گردد و درین امر بی عمل است و همچنین جهت جراحات و قروح عسره الا نند مال و نواصیر مزمن و جهت قروح آتشک در اول حدوث و دفع و مانع امتداد آن در اواخر موجب سرعت برء و اند مال است \* صنعت آن صابون رقی بیست مثقال نرم کوفته در ظرف چینی کرده آب گرم اندک بران ریزند و با نکشت بمالند تا نیکو حل شود پس یک مثقال زیبق را با یک مثقال سنگ سلیمانی مسحوق در ظرف چینی با آب دهان بسایند تا زیبق ناپدید گردد داخل صابون محلول کرده بسیار برهم زنند و طلا کنند و باید که نکل ارنه که این قیرو طی کهنه شود بلکه اندک اندک بقدر ضرورت ساخته استعمال نمایند و بعضی گفته اند که سنگ سلیمانی حجار منی است و آنچه مشهور است آن در اشکنه سفید است و نیز نسخ قیرو طی زیبق دارد قیرو طیات انشاء الله تع مذکور خواهد شد \* کحل الزیبق جهت غشاه و بیاض و رفع کد و رت حادث از رطوبت و برودت چشم و امثال اینها نافع و مجرب است \* صنعت آن بکیرند زیبق صافی و سرب ازهر یک یک توله و سرب را بگویند و ورق های تنک بسپارنازک مانند برک کل سازند و هر دو را بر سنگ سماق با چهار عدل د ارنفل و آب چو نلای خارد ار سحق بلیغ نمایند که مانند هوا گردد و زیبق ناپدید و کشته شود پس در ظرف چینی و یا شیشه کرده سر آن را بند نمایند و عند الحاجة قلد یک حبه در چشم بپاشند اگر علت قوی باشد و الا بمیل در چشم کشند \* فصل در ذکر نسخ مراهم زیبق

مرهم زیبق جهت جراحات خبیثه و ناصور عدیل ندارد \* صنعت آن سیماب خالص چهار ده و ماشه رال ده دام مر داسنک چهار دام تخم کرفس یک دانه هیل بوانیم دام موسلی سیاه یک دام و نیم موسلی سفید یک دام بیش تیلایه که سیاه باشد پاودام فوفل دودانه مغزنا رچیل یک دام و نیم کل و جاغ سوخته پاودام و الا همه ادویه را جدا جدا نرم کوفته ریخته با روغن کاونیکو سحق نمایند و هر چند زیاده سحق نمایند و مبالغه در آن کنند بهتر است \* مرهم زیبق به نسخه حکیم های کبلانی که در میریات خود ذکر کرده و گفته این مرهم بنهایت نافع است از برای جراحات قضیب و فوج و بواسیر چه از باد فونک باشد و چه از غیو آن \* صنعت آن با زرد ده مثقال در آب بخیسانند و درهاون بدسته بمالند تا هموار شود پس بکیرند زیبق خالص زنده پنچ دیم و یک دیم تو تیای هندی سوده با آن سرشته درهاون بدسته آنمقلد ارنه که زیبق کشته شود و اجزا نیکو مخلوط شوند و بکار روند \* مرهم زیبق نافع جهت آتشک و قروح خبیثه \* صنعت آن سیماب موم سفید کافوری پیه

صاف کرده از هر يك سه مثقال روغن چنبیلی يك مثقال پیه و موم روغن را در ظرف آهنی بر آتش بکند از آن آتش برگرفته در ظرف چینی یا شیشه کرده بکشد مدت مدت یکپاس با سیماب مذکور بمالد تا مثل مرهم گردد برنگ سرمه شود و صاحب آتشك مقداری از آن گرفته وقت خواب بر کف هردو دست نیکو بمالد تا منجذب گردد و تا دو سه ساعت این عمل نمایند پس بخوابد و صبح هردو دست با آب گرم بشوید و با یک که آب سرد استعمال نمایند تا مدت یک هفته باذن الله تعالی صحت یابد و بدین اگر دهن او جوشش کند یک چنبیلی را جوشانیده با آب آن غرغره نمایند \* مرهم زیبق دیگر آتشك و نافع است \*

صنعت آن سیماب صافی توتیای هندی از هر يك دو درم فلفل هشت درم موم کافوری چهار درم روغن کار هشت درم فلفل و توتیا را سوخته نرم بسایند و موم را در روغن کداخته از آتش فرود آورده چون گرمی آن قدری کم گردد فلفل و سیماب و توتیا را در آن اندازند و نیکو بمالد تا سیماب نامعلوم گردد و بکار برند و باید که توتیا یک پارچه باشد و ریزه نباشد و در نسخه دیگر زاج سوخته نیز بوزن توتیا داخل است اصح و نیکو است \* مرهم زیبق دیگر جهت قروح خبیثه \*

صنعت آن سیماب یک توله قنطاری خشك نیم توله روغن کار سه توله کودی سوخته یک عدد همه را با چوب نیب علی الرسم حل نمایند تا مائل بسیمایی گردد و استعمال نمایند و اگر احتیاج بد و ز کردن گوشت فاسد باشد قدری توتیای هندی اضافه نمایند \* مرهم زیبق دیگر جهت آتشك که در یکشب و یک روز دانه های زخمها را خشك میکند و از اسرار شمرده اند \* صنعت آن زیبق خالص صافی نیم مثقال شنجرف ده مثقال توتیای هندی و در مثقال کود چوب چینی نیم مثقال اول زیبق را از پارچه کویا سی چند دفعه بکند و آن را تا بعد یک که زیبق را کویا سی تمام بخود جذب نماید و اثری از زیبق نماند و ناپدید گردد و بعد از آن کویا سی را بسوزانند و از خاکستر سوخته کویا سی يك مثقال سائید و وسائر اجزاء را نیز نرم سوده با آن ممزوج نمایند و با زرد قهقهه تخم مرغ نیم پخته که در زیر خاکستر گرم پخته باشد سرشته مرهم سازند و از مرهم مذکور قدری بر پارچه نازکی مالید و بر زخم بکند از آن که انشاء الله تعالی در یکشب و یک روز زخم آتشك را خشك میکند و از پارچه را بعد از دو سه روز اگر خود بخود جذب نشود با آب مطبوخ چوب چینی تکرار کرده جذب نمایند \* مرهم زیبق دیگر جهت آتشك نوعیکه بهندی تانکی می نامند \* صنعت آن زیبق غیر مقتول مصطکی رومی توتیای هندی اخضر خرمصره سوخته که بهندی کودی نامند از هر يك دو درم را ل که قیقهر است هشت درم روغن کار هشت و چهار درم موم چهار درم موم را در روغن بکند از آن و ادویه را نرم سوده بدستور بیان بیامیزند و استعمال نمایند \* مرهم زیبق

ایضا جهت زخم آتشك \* صنعت آن موم کافوری پیه کرده بزر روغن چنبیلی از هر يك چهار مثقال بر آتش درم بکند از آن و از آتش برگرفته يك مثقال سیماب در آن اندازند و بکشد مدت بمالد تا یکسان شود \* معجون زیبق جهت آتشك و باد آن و قروح خبیثه و امثال آنها نافع \* صنعت آن بکیردن زیبق خالص ده درم سفوف مقوی پنجاه گرم برک حنا خشك فلفل رنجبیل از هر يك دو درم ادویه را گرفته بپخته با زیبق صلایه نمایند تا نامعلوم گردد پس با چهار وزن ادویه غسل ماب لیمو بقوام آورده بسروشند و عند الحاجة مقداری از خودی با آب لیمو فرو برند \* سفوف مقوی در در چینی ذکر یافت \* تل بیکر که زیبق خورده باشد و به سبب آن در اجزای بدن آن شقاق و جراحت بهم رسیده باشد آن است که بکیردن شیر حب القطن مقداری یک آثار و بر یک سکه کاغذی که کبابی است هندی در آن مالید و صاف کرده سه روز بیاشامند و میکوبند که این دو اخراج مینمایند سیماب را از موم بول و همچنین شستن دست و پای او را با آب عطو و حومت درخت پیپل که پنج آثار را در آورده آثار آب بجوشانند تا به نصف رسد و گفته اند که این تل بیکر جهت باد فو تک نیز نافع است \*

کتاب السین المهملة \* باب السین مع الالف \* سارو معجون بد آنکه سارو



معجون مقوی مغزی است که بجهت نواب اشرف علی همایون شاه عباس حسینی صغری جنت مکانی ساخته شده و چون بسیار از آن منتفع گردیده اند آنرا سارو معجون نامیده اند یعنی سردار معاجین دل را قوت دهد و خفقان را زایل کند و جگر را نافع باشد و وسواس و ما لیخولیا را نفع دهد و مقوی بدن است و نا تهین از امراض خارجه را مفید \*  
 صنعت آن یا قوت رمانی مرورید ناسفته از هر یک سه مثقال کهربای شمع بشب سبز بسط طین مختوم را کر نیا شد طین داغستانی زعفران تخم خرفه مقشر تخم کاهو مقشر تخم کاسنی مقشر تخم خشخاش از هر یک دو مثقال ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب از هر یک یک مثقال مشک تبی خالص نیم مثقال ورق کل سرخ ششم مثقال مغز تخم خیاری پنج مثقال زرشک منقی نیلوفر از هر یک سه مثقال کل کار زبان دو مثقال کوفته و بخته بشراب فوا که سه وزن ادویه ترکیب نمایند شربت یک مثقال سارو معجون منقول از خط میرزا محمد باقر حکیم با شی نواب اشرف علی شاه سلیمان \* صنعت آن ورق کل سرخ طباشیر سفید تخم خرفه مقشر تخم خشخاش سفید زرشک منقی بشب سبز مرورید ناسفته ابریشم مقرض کهربا بسط کل مختوم از هر یک سه مثقال تخم کاسنی آمله منقی کل کار زبان برک کار زبان کل نیلوفر از هر یک دو مثقال ورق طلا یک مثقال ورق نقره یک مثقال و نیم عنبر اشهب دو مثقال رنیم زعفران یک مثقال شربت فوا که سه وزن ادویه \* صنعت آن به نسخه دیگر کل سرخ زرشک منقی کل نیلوفر مرورید ناسفته یا قوت رمانی از هر یک سه مثقال طباشیر سفید تخم خرفه مقشر تخم کاسنی تخم کاهو مقشر کار زبان بشب سبز کهربا بسط کل مختوم از هر یک دو مثقال مغز تخم خیاری پنج مثقال تخم خشخاش سفید ده مثقال ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب زعفران از هر یک یک مثقال بشراب فوا که سه وزن ادویه بدستور معجون سازند شربت یک مثقال \*  
 باب السین مع الدال المهملتین \* سدر بفارسی کنار کوبند و بهندی بیرو مراد از این اسم برک سائید آن است \* و بری آن پر خار و آنرا مال نامند بضاد معجمه و بستانی آن کم خار و ثمرش بزرگتر و لذیذ است و ثمرش شبیه به سنج و خوشبو و شیرین و باندک ترشی و زرد و سرخ میباشد و در هند خصوص شاهجهان آباد ثمر آن بسیار بالیده و بزرگ و شیرین و خوشبو میشود و بانواع و اشکال مختلفه مدور و بشکل سیب کوچک و بوزن ده مثقال تا بیست مثقال و طولانی و باشکال مختلفه همه خوب و شیرین و خوشبو و نازک و شاداب و کوچک بمقدار سنج که نازک بدن نامند بسیار نازک و شیرین از همه انواع بهتر و نازکتر چوب آن در آخر اول سرد و در آخر دویم خشک و تروتازه آن شاید رطب باشد و خشک آن بابس و قطع نرفد اما در دفع قرحه امعا و اسهالیکه از ضعف معده باشد و دفع استسقا و سپرز و حنقه آن بدستور جهت جراحت امعا و ذرورش جهت زخمهای حار مثل آبله و غیره و قدر شربتش تا هفت درم است و برک آن جهت زخمها و تنقیه چرک بدن تقویت موی و منع سقوط آن و تقویت اعصاب و طرد هوا و مضماد آن با شراب جهت نضح و رملهای حار و تحلیل آن مفید و بدستور طبیع تازه و خشک آن نیز همین اثر دارد و ثمرش در اول سرد و در دویم خشک بعضی در اول گرم دانسته اند و نارسید ترش آن قابض و لزج و رسید آن قلیل الغلظت و در هر ضم و صالح الکیمو و نیم رطل آب آن سهل صغرا از معده و امعا و مطفی حرارت غریبه و خوردن ترش آن مانع صعود بخارات بد ماغ و دفع صفرا و تشنگی را ب شعیب ارمفتح سد و اکشن کرم معده و امعا و مضر مجرودین و مصلحش کل قند و در مزاج مجرورین سکنجبین و ثمر خشک آن قوی القیض و آرد آنرا سوبق النبق نامند جهت اسهال مراری و قرحه امعا نافع و ضمادش کوفته آن در حمام جهت رفع شری مجرب و مطبوخ دانه آن بغایت قابض و ضماد کوبیده آن جهت شکستگی اعضا و تقویت آن مجرب و طلائی مطبوخ آن بحدیکه غلیظ گردد جهت سستی اعضا و تقویت آن و عضلات و سرعت حرکت اطفال موثر و کفته اند که چون دانه نبق را بکباب اغشته زرع نمایند از بزرگ و باریک آن بوی کباب آید و چون بعسل آلوده باشند ثمرش شیرین شود و اصلی نداد \* سوبق کنار

نافع از اینها حرارت مزاج و امراض حاره و حمیات حاده و حبس اسهال خار و صفراوی \* صنعت آن بکیرند کذا رقیق و خشک نموده است آنرا در کرده آرد نماید و بقل رحاجت با آب ممزوج نموده پیشورینی یا با قلیلی از یکی شربت‌های مناسبه یا نبات یا قند تناول نمایند \* **باب السین مع الراء المهملتین \* سرطان نهري بفارسی خرچنگ و بهندی کیکره و بلغت فركك كاسه كويند در دریم سرد و قرر با جذب و تحلیل و بهترین آن قسم ماده آن است و علامتش آنکه چون سوزنی بر پشت آن فرو برند آب سفیدی ظاهر گردد و مبهی محرورین و کثیرا نغلاء و بطبی الهضم و سه اوقیه از آب طمیع آن با کرفس و رازیانه مغت حصاره و مل رحیم و فضلات و مسحوق آن با باد روج جهت سم عقرب و با شراب جهت عسریول و با شیرا لاغ جهت کزیدن رتیل و عقرب و غرقه شیر کوبید و آن بقدر یک سکرچه جهت خنق و در درون رتین سربع الاثور ضامد تازه کوبید و آن جهت جذب سموم و تسکین الم کزیده عقرب را خراج پیکان و خارا را عضو تحلیل و در ام حاره نافع و تعلیق چشم‌های آن جهت تب غب و تعلیق پایهای آن بر درخت میوه و در جهت حفظ سقوط آن مطبوخ در سه عدد که اطراف آنرا قطع کرده جو ف آنرا با آب و خا کستر تا ک و نمک شسته و با آب صاف تطهیر نموده باشد با جو مقشر طبع داده بنوشند جهت سل و دق و بیوست اعضا و هزال مغرط حار مجرب و بد ستور محرق آن با صمغ عربی و دریده مناسب همین اثر دارد و بجهت بواسیر بغایت نافع و ضامد محرق آن جهت سرطان پستان آرموده است و چون چند عدد آنرا زدن و در دیک مس بی قلی بسوزانند تا خاکستر شود و هر روز یک ملقه آنرا با نه اوقیه آب بنوشند جهت رفع سم سک و دیوانه کزید و مجرب است و با یل که بر موضع زخم مرهمی از روغن زیتون و سرکه و جاشمش و کلدان و اکومل قی و کزیدن سک دیوانه کشته باشد بقدر دو ملقه هر روز بنهند و کوبید شرا حراق آن بجهت این امر وقتی است که آفتاب در آید باشد و با مقابله قمر نماید و شعرا میمانی نموده باشد و بد ستور هرگاه با یک جزو محرق مذکور نیم جزو جنطیا نا و عشر جزو کند را ضافه نموده سه روز و زیاد و بران هر روز سه مثقال با آب سرد بنوشند دفع اذیت سک دیوانه کزید و می نماید بد ستور چون سه مثقال خاکستر مذکور را با یک مثقال و نیم جنطیا نا با شراب بنوشند همین اثر دارد و ضامد خاکستر آن با غسل که با هم طبع داده باشد جهت شقاق یا و مقعد و شقاقیکه از سرما بهم رسیده باشد و شقاق ماده سوطانی نافع و کوبیدن مضر مثانه است و مصلحش کل قبرسی و کل مختوم و قد رشربتش از سوخته آن سه مثقال و زخام و بخته آن پنج مثقال است \* دستورا حراق سرطان بکیرند از سرطان نهري چند آنکه خواهند در یا می که آفتاب در آید باشد و با های آنرا بیندازند و شکمش را شکافته بخاکستر چوب رز و نمک بشویند و در کوزه سفال آب بند بد و کرده بکلی که از بسوس و خطمی و نمک خمیر کرده باشند بپالایند و کوزه را بهمان کل محکم سازند و در میان تنور یک از چوب و زکرم کرده باشند کلدان و سو تنور بپوشند مثلا اگر شب کلدان شده باشد صبح بر آورند و اگر صبح کلدان شده باشد شام بر آورند و سائید و با در در \* سفوف سرطان مسلول را بغایت نافع باشد \* صنعت آن سرطان نهري محرق و درم طین قبرسی صمغ عربی خشخاش سفید و سیاه مغز تخم خربزه و از هریک پنج گرم و در نسخه دیگر سرطان نیز پنج گرم است کوفته و بخته نربتی یک مثقال با شراب خشخاش یا انا رشیرین و در نسخه قرا بادین تحفة المؤمنین وزن سرطان ده درم است کثیرا سه درم نیز داخل است \* سفوف سرطان که مدقوق و مسلول و قروح سینه و شش و نفث مل و ران نافع است \* صنعت آن صمغ عربی مغز بهل آنه خشخاش سفید و سیاه تخم کاه و تخم خطمی از هریک شش درم صندل سفید شکوفه لعل باشد بر از هریک سه درم ورق کل سرخ تخم خبازی مغز تخم کد و عصا ر لسان الحمل کل از مینی کل مختوم کل قبرسی از هریک یا درم زعفران یک گرم اجزا کوفته و بخته شربتی درم با نیم دانک کافور و دانه کرماد سرطان با شراب خشخاش یا**

یا شیرو تخم خرفه بنوشند \* سفوف سرطان دیگر \* صنعت آن سرطان بریان کرده زیره سفید بریان کرده آرد بلوط  
طبا شیر سفید کل ارمني حب الاس مغل کهر یا شعی ازهریک دو مثقال تخم کند تا مصطکی رومی سنبل الطیب دانه  
هیل ازهریک یک مثقال ونیم کهر یا اصلایه کرده باقی ادویه را کوفته بیخته سفوف سازند شربتتی یک مثقال \* سفوف  
سرطان که سک دیوانه کزیده و نافه باشد قبل از آنکه از دیدن آب بترسد \* صنعت آن سرطان نهی محرق جنطیانای  
رومی ازهریک پنجم رم کند ریک رم ونیم بود نه خشک سه درم کل مختوم دود رم کوفته بیخته شربتتی سه درم با آب  
سرد بنوشند \* **فصل در بیان اقراص سرطانی \*** قرص سرطان طبا شیری دق و ذبول و سل

رانافع است \* صنعت آن طبا شیر سفید غنچه کل سرخ منزع الا قمع ازهریک پنجم رم تونجبین منقی ده درم  
کثیرا صمغ عربی ازهریک یک رم ونیم تخم خرفه مقشر تخم خیاریا در تک مغز تخم کدوی شیرین ازهریک سه درم تخم  
کاهو تخم کاسنی ازهریک چهار درم صندل سفید سه درم سرطان نهی رب السوس یک رم زعفران کافور  
قیصوری ازهریک نیم درم کوفته بیخته بلعاب بزرقطونا یا لعاب بهل اند سرشته اقراص سازند و بعضی اطبا عود خام  
و سنبل درین نسخه بوزن کافور داخل کرده اند \* قرص سرطان جهت مسلولین \* صنعت آن طین ارمني طین مختوم  
طین رومی نشاسته کل سرخ ازهریک شش درم سرطان محرق ده درم کثیرا طبا شیر شادنج علسی مغسول ازهریک  
پنجم رم خشخاش سفید سه مثقال زعفران یک مثقال رب السوس سه درم با آب لسان الحمل اقراص سازند شربتتی دو  
درم با شربتتی انا شیرین بنوشند و بعضی بدل شادنج پوست بیخ انجیر آرد و بعضی شاخ کاکوهی سوخته حکیم میرمحمد  
موئن گفته این قرص را فقیر تجربه نمود و ام \* قرص سرطان مشهور بقصر رما دی نفت الم و قی الم رانافع است  
و با لجمه حبس آمدن خون از اعضای باطنی هر عضو که باشد نماید \* صنعت آن به نسخه نجیب الدین سهروردی که  
در رساله دوائیه ذکر کرده کهر با بسد کند ازهریک سه درم رما دقشر بیض مصطکی رومی کشمیز خشک رمان رما دشاخ  
کوزن رما دسرطان نهی ازهریک دودرم دم الاخوین کلنار فارسی ازهریک پنجم رم کوفته بیخته بلعاب بهل اند سرشته اقراص  
سازند و اگر برای تمهید و تخن یوگا فوریز را لنبی افیون تخم کاهو ازهریک یک رم اضافه کنند به تر است \* قرص سرطان به نسخه  
دارالشفا شیرازی \* صنعت آن شادنج علسی مغسول پنجم رم رب السوس سه درم طین مختوم طین ارمني ازهریک  
چهار درم طبا شیر سفید سرطان محرق ازهریک دودرم نشاسته کثیرا ازهریک یک رم کوفته بیخته بلعاب بزرقطونا  
سوشته اقراص سازند شربتتی از آن یک مثقال و بعضی گفته اند بجلاب سرشته اقراص سازند \*

**باب السین مع العین المهملتین \*** **فصل در ذکر سعوطات \*** بدانکه سعوط در اصل از  
اختراع جالینوس است از برای کسیکه عاق از استعمال ادویه مشروب باشد پس توسیع شده در آن نافع است از  
برای امراض سرورعین و اذن و نف و چون آنرا رقیق مانعه ساخته در بینی کشند آنرا سعوط نامند و اگر در عمل و انزال  
مانع بود که در بینی کشند آنرا نشوق نامند و اگر چیزی خشک را کویده در بینی دهند آنرا نفوخ کویند و اگر دوا را در آب  
ریخته سر به بخار آن بدارند آنرا انکباب نامند و اگر بر عضو زائد آنرا نطول کویند و اگر بر آتش نهاده استنشاق دود  
آن کنند آنرا بخور کویند و جمیع اینها مخصوص با اعضای سراسر است \* سعوطی که منقول از نصایح است از برای صلاح کهنه  
و دمه و ضعف بصر و ضعف دماغ هرگاه ابتداء مرض باشد خصوص در جوانان و بلاد حاره \* صنعت آن کندش یک رم لادن  
نصف درمی زعفران دود آنک مشک تبنتی یک قیرا ط کافور قیصوری نیم قیرا ط و روغن زیتون حل کرده و غسل سرشته حبها  
مانند دانه جاورسی سازند و نزد حاجت یکانه آنرا با شیر دختران حل کرده سعوط نمایند \* سعوط دیگر از برای قطع دمه

و حموت چشم و فساد قوت شامه وصل اع حادث از حرارت و وقت استعمال آن نزد برخاستن از خواب است و بعد از آن  
ببینی را با آب گرم بشویند \* صنعت آن زهره کرک و زهره رخمه از هر يك يك گرم آب چغندر يك اوقیه و كاهى داخل میکنند  
درین سعطو اگر اشك ادا داشته باشد بموسست روغن بنفشه نیم اوقیه و اگر بوده باشد مرض بارد داخل مینماید در آن  
جند بیل ستر مقلد رابع درمی \* سعطو دیگر نافع از برای رمل و صرع طویل \* صنعت آن شونیز يك جزو و صافیه ثناء الحمار  
نوشادر از هر يك نیم جزو از زردت سفید كندش زعفران بوره سرخ افیون صبر سقراطى مشك تیتى خالص از هر يك ربع  
جزوی كوفته بپخته روغن سوسن داخل كوده با آب مرزنجوش و آب چغندر سعطو نماید \* سعطو دیگر كه جمیع امراض بارد  
و رطبه را كه در سر و چشم باشد ببرد \* صنعت آن حصص مكى مرصافى از هر يك ده درم مل من مقشر صنعت فارسی  
از هر يك پنجاه درم صمغ عربى سد اب زهره گلنگ جا و شیر جند بیل ستر شونیز از هر يك سه درم نبات سفید زعفران از هر يك دو  
درم صبر سقراطى فرقیون از هر يك پنجاه درم كوفته بپخته با آب خالص قرصها سازند هر يك بمقلد اعلی سی و در وقت حاجت  
يكی از آنها را با آب مرزنجوش و روغن بنفشه با دایم سائید و در بینی چكاند \* سعطو دیگر كه تنقیه سر كند و سد ها بكشاید  
و دیقان را نافع باشد \* صنعت آن مویزج جبلی سوسن از هر يك يك گرم كوفته نرم صلابه كرده غسل مصفى يك گرم و نیم داخل  
نموده همه را با آب چغندر حل كوده سعطو نماید \* سعطو دیگر از برای صدام و شقیقه حار را از برای درد كوش كه از حرارت  
باشد \* صنعت آن افیون كافور قیصرى بر ك بنج اجزا مساوی كوفته بپخته با آب خالص سرشته حبها سازند هر حبى  
مثل دانه عدسی و در وقت حاجت يك حب آن را یاد و حب دو روغن بنفشه حل كوده در بینی و كوش بچكاند \* سعطو  
دیگر بجهت قوت حافظه و كویند كه من از مت آن موی سر و ریش را سیاه میگرداند \* صنعت آن مغز سر گلنگ و زهره آن  
از هر يك قیرا طى نرم سائید و باروغن زیتون سعطو نمایند و ساعتی بپشت بخوابند كه بعون الله تع نافع است \*  
سعطو دیگر منقول از كامل الصناعات نافع از برای فالج و لقوه و صرع و درد سر كه از بلغم باشد \* صنعت آن خربق سفید  
چهار درم صبر سقراطى شونیز فرقیون جاوشیوار از هر يك يك گرم مرصافى سه درم اشق و كندش بوره از منی از هر يك دو درم  
جند بیل ستر زعفران از هر يك يك گرم و نیم كوفته بپخته با آب چغندر و سرشته حبها سازند هر حبى بمقلد رابع و حبها با سه  
حبه در وقت حاجت يك حب آنرا بر روغن خیرى حل كوده سعطو نماید \* سعطو دیگر نافع از برای درد سر بلغمی و صرع  
و سكته و فالج و امثال این امراض \* صنعت آن جند بیل ستر فرقیون مر كى صافى زعفران اسطوخودوس فاوانا و بنفشه  
اجزا مساوی همه را كوفته بپخته با آب حب سازند هر حبى بمقلد اعلی سی و در وقت حاجت يك حب را بر روغن بادام حل كوده  
سعطو نمایند \* سعطو دیگر نافع از برای فالج و لقوه و صرع و سكته امراض بارد \* سر \* صنعت آن جند بیل ستر يك گرم  
كندش و بنفشه جابلنگ شحم خنزیر بوره سرخ فرقیون زهره تور خشك نموده از هر يك سه درم كوفته بپخته در  
شیشه كاهند و در وقت حاجت آن كی از آن كوفته با آب مرزنجوش یا آب اذان الفار داخل كوده و امونما بیل صلیل را كه  
سعطو نمایند \* سعطو دیگر نافع از برای صرع و سكته و درد سر بلغمی و فالج و لقوه و امثال این امراض \* صنعت آن كندش  
عاقرقا مساوی كوفته بپخته با آب حبها سازند هر حبى مثل عدسی و در وقت حاجت يك حب بر روغن بادام  
شویین حل كوده سعطو نماید \* سعطو دیگر نافع از برای قروح سرونار فارسى و آتشك و خنا زبیر و باد های سخت كه  
در سر باشد \* صنعت آن از زردت مرصافى زعفران كندش از هر يك پنجاه درم جلا جلا كوفته بپخته پس وزن كوده درهم  
دیبا میزنند و با آب مرزنجوش سرشته حبها سازند هر حبى مانند عدسی و يك حب را سوده و روغن بنفشه با دایم داخل  
كوده در بینی كشند \* سعطو دیگر نافع از برای سكته و لقوه و صرع و فالج \* صنعت آن زهره گلنگ با آب مرزنجوش تازه با

یا با آب سد اب تازه حل کرده در بینی چکانند \* سعوط دیگر که همین منفعت دارد \* صنعت آن چند بید ستر سوده  
 در ماء العسل حل کرده سعوط نمایند \* سعوط دیگر که همین منفعت دارد \* صنعت آن بخور مریم سه اوقیه عصاره ورق  
 لبلا بیک اوقیه و نیم الرین یک مثقال عصاره قثاء الحمار سندس مثقالی اجزاء را حل اکرفته بیخته وزن  
 کرده در هم آمیزند و در شیشه یا ظرف چینی نگاه دارند و وقت حاجت قلوی از آن را گرفته باشند ختران حل کرده  
 بآن سعوط نمایند \* سعوط نافع از برای بیض دماغ که از حرارت باشد و از جهت افراط سهر \* صنعت آن بکیرند آب  
 برک که هو تازه و روغن شونیز روغن بنفشه روغن کن و و شیرد ختران اجزاء مساوی در هم کرده خوب بر هم زنند و در بینی  
 چکانند \* سعوط بیکه یلغم از بینی فرود آورد و تجفیف و طوبات فضلیه از دماغ کند \* صنعت آن صابون دودرم پیه بز  
 یکوطل موم سه رطل زفت یا بس چهار اوقیه میعه سه اوقیه مجموع را در هم کد اخته سه قطره آنرا در بینی کشند \* سعوط دیگر  
 نافع از برای درد سر حادث از ورودت و از برای فالج و لقوه و صرع و سکنه \* صنعت آن چند بید ستر چا و شیرد عفران زهره  
 کلنگ اجزاء مساوی کوفته در آب چغندر حل کرده سعوط نمایند با آب شابانج و شابانج درختیست که در احوال بسیار  
 می باشد \* سعوط دیگر که درد سر و فالج و لقوه را سود دارد \* صنعت آن مرکبی صافی حوض مکی از هر یک دودرم و  
 نیم ملح صغتر فارسی از هر یک یک دودرم و دودانک شونیز چهار دودرم و نیم افیون صمغ سد اب زهره کلنگ چا و شیر  
 چند بید ستر از هر یک نیم دودرم صغتر و صغتر فریون از هر یک دانی کوفته بیخته با آب سرشته حبها سازند بمثال  
 نخود و در وقت حاجت با آب موزنجوش یا روغن بنفشه بادام مکرر در بینی چکانند نافع آید \* سعوط دیگر که خلل اند  
 سکنه و فالج و لقوه و صرع را سود دارد \* صنعت آن زهره کلنگ چند بید ستر بشیرد ختر آبیخته در قطره در بینی  
 بچکانند و بدانکه سعوط نمودن بزهره باشق و زهره کرک و زهره شیوط بلکه مجموع مراعات همین فوائد دارند \* سعوط دیگر که  
 صرع و سکنه و فالج و لقوه را نافع است و تنقیه دماغ از یلغم کند \* صنعت آن سببینه هزار اسپند فلفل دار فلفل رفته اشق  
 چند بید ستر فریون اجزاء مساوی کوفته بیخته با بول شتر یا سورکه انکوروی یک شب بخیسانند و روز دیگر به بالا بند  
 و یک قطره در بینی بچکانند و نفس بالا کشند \* سعوط دیگر که تنقیه سر کنند و نافع است از برای کسیکه مبتلا باشد  
 برمد طریل یا کسیکه آن را صرع باشد و منحل سازد از سر و طوبت بسیار \* صنعت آن شونیز و مثقال نوشا در یک  
 مثقال عصاره قثاء الحمار یک مثقال سحق کنند آن را سحق بلیغ و بر سرشند آنرا بصمغ که آن را سفر کوبند یا بدمن چوب  
 یا روغن سوسن یا هر روغن حنا یا کروزو بطریق موم کد اخته در روغن که رقیق باشد و آنرا در ظرفی کرده نگاه دارند و در  
 وقت حاجت استعمال نمایند باین طریق که طلا کنند آنرا بر هود و منخر و مرکبند علیل را با بنفشه شاق هوای آن \* سعوطی  
 که درد چشم و ورود یتیم اطفال را نافع باشد \* صنعت آن کندش حوض مکی از هر یک یک دودرم صغتر و عفران مرکب از هر یک  
 نیم دودرم کوفته بیخته حبها سازند و وقت حاجت باشند بختران و روغن بنفشه بادام بسایند و در بینی چکانند \*  
 سعوطی که صداع بلغمی را یا ریجی و دوار را نافع باشد \* صنعت آن صغتر مکی کند و حوض چند بید ستر و عفران  
 صغتر و ار فلفل فلفل سفید از هر یک یک دودرم مشک خالص نیم دودرم کوفته بیخته حبها سازند و وقت حاجت  
 با آب موزنجوش بسایند و در بینی بچکانند \* سعوطیکه سرسام و صداع خارا نافع باشد \* صنعت آن آب مورد عرق  
 صنل کافور در یک یکار مزوج ساخته در بینی بچکانند \* سعوطیکه فالج و لقوه را سود دارد \* صنعت آن صغتر و صغتر  
 شونیز بوره ارمنی مساوی کوفته در آب چغندر حل کرده در بینی بچکانند \* سعوطیکه خنایر را نافع باشد \* صنعت آن  
 بسبب سه کا و زبان از هر یک یک دودرم زهره خار بشت کا فور از هر یک یک دودرم و نیم زعفران نیم دودرم کندش دودرم با سورکه

و روغن کل در بینی بچکانند \* سعوطیکه همین خاصیت دارد \* صنعت آن در ارفل فل ما میران شیطرح هند ی از هر يك  
 يك رم مشك طرا مشيع تخم فرنج مشك از هر يك سه درم با سرکه و روغن کل در بینی بچکانند \* سعوطیکه رعا ف را باز  
 دارد \* صنعت آن کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقا قیا ما زوی سبز در سرکه انداخته و سوخته پوست انار ترش  
 کند رص ف سوخته شاد نج مغسول کافور از هر يك قدری با آب با در روغن در بینی بچکانند \* سعوطیکه درد سر را که از  
 گرمی باشد سود دهد \* صنعت آن طباشیر و درم نشاسته کافور از هر يك نیم درم زعفران یک آنک و نیم همه را  
 نرم سائید و قدری از وی با روغن در بینی بچکانند \* سعوطیکه صداع بارد را سود دارد \* صنعت آن مومبائی چند بیدستر  
 فرقیون از هر يك قدری بر آب بر روغن زیتون حل کنند و سه قطره در بینی بچکانند و نفس بالا کشند \* سعوطی دیگر  
 که صداع بارد را تسکین دهد \* صنعت آن بخور مریم اصل السوس از هر يك درم بود و سرخ یک رم گرفته  
 و نرم بپخته با شیر زنان آمیخته در بینی بچکانند و نفس بالا کشند \* سعوطی که رعا ف را باز دارد \* صنعت آن کاغذ  
 سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقا قیا کند و مرمری شاد نج مغسول کافور از هر يك قدری نرم گرفته با عصا را با در روغن سحق  
 کنند و در بینی بالا کشند \* سعوطی دیگر که همین فائد و دهد و رساعت خون را بند کند \* صنعت آن کلنا رشب  
 یمانی عصا را لحيه التيس از هر يك یک رم کل مختوم نیم درم کافور فیون از هر يك حبه \* و روغن را گرفته با آب عصی الراعی  
 و لسان الحمل خوب سحق کنند و قطره قطره در بینی بچکانند و نفس بالا کشند \* سعوطی دیگر که همان فائد و دهد عصا را  
 بیخ حنظل اقا قیا از هر يك سه درم کافور حبه در آن حل نمود و در بینی افکنند و به نفس بالا کشند \* سعوطی دیگر  
 سوسام کرم را نافع باشد \* صنعت آن آب برک کاهو عرق بید صندل سفید از هر يك قدری در هم ممزوج کرده در بینی  
 افکنند و به نفس بالا کشند \* سعوطی دیگر که درد سر را که از سبب مواد غایض باشد نافع بود \* صنعت آن ایارج فیکورا  
 جا و شیر چند بیدستر فرقیون از هر يك د آنکی مشك حبه نرم گرفته با شیر زنان ممزوج کرده در بینی افکنند و به نفس  
 بالا کشند \* سعوطی که فالج و لقوه و استرخای اعصاب و جنبیدن سر و برودتیکه در اعصاب باشد نافع بود \* صنعت آن  
 عصا را چغندر عصا را بیخ حنظل تازه از هر يك یک ملعه شود و نیز تخم حرمل از هر يك درم گرفته بپخته با عصا را مذکور  
 سحق کنند و هنگام مقتا در آنکی با شیر زنان در بینی افکنند و نفس بالا کشند \* سعوطیکه صداع عیبه از سبب  
 عفونت هوا و دودهای بد باشد نافع بود \* صنعت آن مومبائی جوز بو اعنبر اشهب مشك از هر يك نیم درم نرم سائید و  
 قدری با کلاب آمیخته در بینی افکنند و چنانکه رسم است نفس بالا کشند باذن الله تع نافع است \*

باب السین المهملة مع الفاء \*  
 سقر جل بفارسی به رأبی و بترکی میخوانند و معروف است شیرین  
 آن در سردت قریب ال اعتدال است و در آخر اول ترم و بول و مقوی دل و دماغ و مفرح و مسرر افزای روح حیوانی  
 و نفسانی و طلای آب آن گرم کرده چون استعمال نمایند جهت رفع تهیج اطراف و سوء القنیه مجرب است و نوش آن در اول  
 سرد و در ویم خشك و در تقویت معد و قوی تر از شیرین و جرم هرد و قابض را کثا ر آن مسهل بعصر و خصوصاً بعد از  
 غل او حابس طبع حارا مزاج در خلای معد و بوییدن اقسام آن مفرح و مقوی قوتها و روح حیوانی و نفسانی و خوردن  
 آن جهت تفریح و رفع سواس و کسالت و خفقان و حفظ جنین از اسقاط و برانگیختن اشتها و ضعف جگر و معد و نرم آن  
 و جهت بوقان و درد سر مزمن و نزلات و منع صعود بخارات بل دماغ و دل و انصباب مواد و رفع خواش کل خوردن و  
 امثال آن اسهال و تشنگی و التهاب و رفع مستی و حرقة البرل و غشمان و قوی و درد غم معد و که از ریختن مواد مستحرقه  
 باشد و از رائه بل بونی عرق نافع و آب آن رفع جهت نفث اندام مفید و جرم آن مسدود و در مضرتها قوی تر از آب آن و مصلحتش مر

مر با کردن آن است با غسل و قطور آب آن در ا حلیل و فرج جهت حرقة البول و جراحات مجاری بول بغایت مفید و بریان کرده آن در آتش بقدریکه رنگش تیره شود جهت قطع اسهال مزمن مجرب است خصوص چون جوف آنرا خالی کرده و جزئیوار بزه نموده در آن جایلهاده پخته باشند و مضرا حشای ضعیفه و مخشن قصبه رنه و مورت ریشه و سرفه و قولنج خصوصاً جرم غیر مر بای آن و مصلحتش عسل و انیسون و امثال آن و قلر شربت از آب آن و در تند اوی تاسی درهم است و رب به ترش در آخر اول سرد و خشک و قابض و قاطع قی و اسهال مراری و مانع صعود بخارات و مسکن تشنگی و حرارت و در معده و امعائی که از خلط موجود باشد و مسهل بعصر و مضرا صاحب اسهال است و رب به شیرین قریب الاعتدال و بیبوست در آن غالب و قبض آن کمتر از قسم ترش و در جمیع افعال مثل آن و در حشای ضعیفه انسب ازان است و قرشی گفته که اکثر خوردن مز آن یعنی میخوش آن مورت فواق و قلر رشوبت هر يك ازان تا بیست درهم است و شکوفه تازه به معتدل و با قوت قابضه و مسکن درد سر و غلیان حرارت و مقوی دماغ و دل و معده و مر بای آن جهت تفویض ا حشاور دل و سینه و خفقان حار و منع صعود بخارات موثر و ضمناً د جرم به و شکوفه آن بدستور و برکش جهت حبس فضلات از انصباب با اعضا و اورام حار و چشم و سایر اعضا و تضمین برک آن جهت تجفیف زخمها نافع است و پیرزی که بر روی به میباشند که زغب و خمل گویند بسیار قابض و بغایت مضر حلق و صوت است و در ورش جهت نزف الدم جراحات مفید خاکستر شاخهای نازک در رخت به و یا بر کهای تازه روئیده آن در همه افعال بهتر از تو تیا است و جهت سلاق و حکه و سبل و دمع و جرب نافع است و روغن به که آب مطبوخ مهرای آن را با نصف آن روغن زیتون چوشانید و باشند تا روغن خالص باقی ماند سرد و قابض جهت جرب رطب و سبوسه سر و نمله و قروح دهان و در و اروپن و مانند کی و حرقة رحم و بول و منع ادرار و عرق مفید آشامیدن آن جهت نفث الدم و صداع حار و زرم جگر و اسهال مزمن و زحیر حار و قرحه ا معا و رفع سم ذرا ریح و در خشب الصنوبر نافع و حقه آن نیز همین آثر دارد و روغنیکه از شکوفه بطریق روغن بلی سرخ ترتیب دهند در افعال ضعیف تر است \* بهل انه در دویم سرد و تر و باندک قوت قابضه و لعاب آن جهت خشونت حلقوم و سرفه حار و یا بسه و تسکین حرارت معده و تپها و سوزش زبان و دهان و بیبوست آن مفید و طلای آن جهت سوختگی آتش و رفع ضرر حرارت آفتاب بغایت نافع و مضغ دانه آن جهت رفع کندی دند ان مفید و مغز دانه به مبهی معروزمین و موافق اعضا تنفس و جهت سل و قرحه ا معا و سعال و گرفتگی ازان نافع و قلر رشوبتش و و مثقال و از لعاب آن تاده مثقال و مضغ و مرخی معده و مصلحتش در معروزمین شکر و در مبرودین رازیانه و بولش بزر قطونا است \* جلینبین سفر جلی تقویت معده و دل و دماغ حار کند و از مفرحات است و اسهال صفراوی را سود مند \* صنعت آن برک شکوفه به هر قلر که خواهند بکیرند باد و چند ان قند سفید سرشته چهل روز در آفتاب گذارند چون خوب مزوج شود عمل الحاحت بکار برند \*

### فصل در بیان نسخ جوارشات سفر جلی \*

جوارش سفر جلی بارد آن را سفر جلی تابستانی گویند که اکثر مستعمل حضرت استاد الوری قدس سره بودند و مسهل صفرا است و معده را از صفرا فضول حار پاک سازد و حمیات را نافع است و بجهت اصحاب مزجه حار مناسب است و در فصل کرمان داد و ازین جهت محمد بن ذکریا این جوارش را سفر جلی تابستانی نام نهاد \* صنعت آن سقمونیای مشری و در رم تربید سفید مل برده و درم مغز تخم کد و مغز تخم خیارین از هر يك پنجد رم کل سرخ طباشیر سفید از هر يك دو درم و نیم ترنجبین خراسانی پاک کرده و آب سفرجل از هر يك نمود و درم ترنجبین را در آب سفرجل کداخته و جوش داده کف آن را گرفته بهالایند و باز در پاتیل کرده بقوام آورند پس ادویه را کوفته بهشخته با آن



بسرشند و جمله ده شربت است \* جوارش سفرجل محمومین و نافع است و اشتهاهای ایشان را برانگیزانند \*  
 صنعت آن سفرجل و تفاح پاک کرده از پوست و تخم از هر یک یک گول در آب بجوشانند تا مهر شوند پس نرم بگویند و از  
 پالایش بیرون کنند و سه وزن عسل مصفی و قند سفید با المناصفه در آب بیکه سفرجل و تفاح را در آن جوشانند و اند  
 و کلاب نیم رطل حل کرده در آن سفرجل و تفاح پالوده داخل کرده بقوام آورند و از آتش فرود آورده عود هندی خام  
 نیم اوقیه مصطکی رومی طباشیر سفید از هر یک یک اوقیه کوفته پیخته با آن بسرشند و در نسخه دیگر چنین است که سفرجل  
 و تفاح را در کلاب و عرق بید مشک و سرکه انکوری از هر یک یک گول بجوشانند تا مهر شود \* جوارش سفرجل فرموده اند  
 که از تالیف بند آثم عهد ها ششم مخاطب بحکیم معتمد الملوک سید علو بخان است نافع است از برای معده و کبد و  
 اشتهاهای طعام و اسهال صفراوی و قی صفراوی را باز دارد و تحفیف رطوبات باله معده و احشای نامید و محمومین و  
 نافعین از امراض حار را نافع است \* صنعت آن بگیری سفرجل حامض و بکارد چوبی پوست و دانه و آنچه در میان  
 آن میباشد پاک کرده قطعات صغیر نموده یک رطل آمله منقی پانزده مثقال زرشک منقی سماق منقی حب الاس انار دانه ترش  
 از هر یک هفت مثقال و نیم همه را یک شب در کلاب و سرکه انکوری از هر یک یک گول با تخم و ریزد یکربا آتش ملایم در یک  
 سنگی یا نقره بجوشانند تا فوکه من کور مهر شوند پس فرود آورده بمالند و از پالایشی که سوراخهای تنگ داشته باشد  
 بکند راند و ثقلی که باقی ماند دور کنند پس نبات یک رطل کز انگبین عسل مصفی رب به شیوین رب سیب شیوین رب امرو در رب  
 زنجبیل رب انار شیوین از هر یک دو زده مثقال داخل کرده بقوام آورند پس بگیرند طباشیر سفید پوست بیرون بسته  
 کشنیز خشک صندل سرخ صندل سفید ابریشم مقرض غنچه کل سرخ از هر یک پنج مثقال دانه هیل عود هندی پوست انار  
 از هر یک دو مثقال زعفران مروارید ناسته کهر با ورق نقره از هر یک یک مثقال و نیم ورق طلا و عنبر اشهب مشک ترکی از هر یک  
 نیم مثقال بدستور با سفرجل و نبات و غیره بقوام آورده بدستور مقر و مرتب نمایند شربت یک مثقال \* جوارش سفرجل  
 مقوی معده و هاضم طعام است \* صنعت آن بگیرند سفرجل شیوین و پوست و دانه آنرا حل کرده بگویند و آب آنرا بگیرند  
 و بوزن آن عسل مصفی و قند سفید داخل کرده بقوام آورند پس زنجبیل پنج رطل فلفل سیاه فلفل سفید و فلفل عود  
 غرقی خام از هر یک سه رطل در ارچینی و درم کوفته پیخته با آن بسرشند شربت از یک مثقال تاد و مثقال \* جوارش سفرجل  
 معمول از عصاره سفرجل مقوی معده است و نافع است از برای بطلان شهوت و طعام و از برای کسیکه طعام در معده او هضم  
 نشود و از برای کسیکه بوده باشد کبد او ضعیف \* صنعت آن به نسخه شیخ رئیس بگیرند سفرجل بزرگ رسیده و پوست  
 دانه آنرا پاک کرده بگویند و بفشارند و بیالایند و بگویند از آب آن دو قسط رومی و مخلوط کنند با آن مثل وزن آن  
 عسل مصفی سفید و یک قسط و نیم سرکه انکوری و با آتش ملایم بجوشانند و کف آنرا بگیرند پس زنجبیل سه اوقیه فلفل  
 سفید و اوقیه کوفته پیخته در آن داخل نمایند و بپزند تا بقوام لعوق آید و در ظرف چینی نگاه دارند و در وقت  
 حاجت استعمال نمایند و سزاوار آنست که فرا گرفته شود پیش از طعام بد و ساعت و نه میروساند ضروری اگر بعد از طعام فرا گرفته  
 شود و باید دانست که اگر این جوارش ساخته شود از برای کسیکه در معده او حرارت باشد یا در معده او مره صفرا باید که  
 ترک کرد و شود زنجبیل و فلفل را و اکثفا کرده شود با آب سفرجل و عسل و سرکه و یا از سفرجل حامض ترتیب دهند و اگر  
 متوسط باشد که نه غلبه بلغم باشد نه غلبه صفرا و زنجبیل و فلفل را نصف وزن مذکور کنند یعنی زنجبیل را یک اوقیه و  
 کنند و فلفل را یک اوقیه و اگر برودت و بلغم در معده باشد ولیکن نه بعد افراط زنجبیل و فلفل را بوزن مزبور کنند و اگر بعد  
 افراط باشد آن سرد و راضع و وزن مسطور کنند یعنی زنجبیل را شش اوقیه و فلفل را چهار اوقیه \* جوارش سفرجل دیگر نسخه



خلفه را که سبب آن تخمه باشد نافع است چون استعمال کرده شود بعد از تغذیل غل و هوس استمراء را از اهل کند و اشتهاى  
طعام آورد و ضعف و کبد را نافع است و دفع ریا کند \* صنعت آن آب سفرجل اصفهانی يك من سرکه انكوری نیم من سفرجل  
از پوست و دانه پاک کرده سه عدد بگویند و عسل مصفى بیست مثقال و در نسخه دیگر وزن آن عسل مصفى است داخل  
کرده بپزند تا مهران شود و بقوام آید پس فلفل نانخواه سنبل الطیب قونفل قرفه قاقله مصطكى رومی از هر يك سه مثقال  
پوست زرد انترج چهار مثقال کنند يك مثقال و نیم کوفته بپخته بآن سرشته جوارش سازند و نکاهند ازند شربتى يك  
مثقال \* جوارش سفرجل قابض به نسخه حکیم صالح خان غفر الله له \* صنعت آن بکیرند سفرجل پاک کرده يك من و در  
سرکه انكوری يكمن و يك چهار يك بپزند تا مهران شود پس بهالایند از پالایش پس زنجبیل دار فلفل سیاه از هر يك چهار  
درم تخم کرفس نانخواه زعفران از هر يك دودرم و در نسخه دیگر از هر يك يك درم است همه را کوفته بپخته پالوده سفرجل  
من کور را با عسل مصفى د و من و نیم بقوام آورده ادویه را بآن بسرشد و در ظرف چینی نگاهدارند \* جوارش سفرجل  
ممسك حبس طبیعت و قی کند و آمدن شکم باز دارد و نافع است از برای ضعف معد و سوء استمراء و اشتهاى طعام  
آورد و لون بشرة را نیکو گرداند \* صنعت آن به نسخه شیخ رئیس بکیرند سفرجل جید اصفهانی و پوست آنرا پاک کرده بکارد  
چوبی و بهد آنرا بر آورده و عسل مصفى از هر يك د و رطل فلفل دار فلفل زنجبیل از هر يك پنج درم هیل دوا هشت درم  
قاقله قونفل سنبل الطیب دار چینی زعفران از هر يك د و درم سفرجل راد سرکه انكوری بپزند بختنی جید که سفرجل  
مهران شود و از اطباء بعض سفرجل را با شراب ریحانی میپزند و این اصل است پس آن را از آتش فرود آورده سفرجل را  
از سرکه یا شراب بر آورده بکند از زمانیکه رطوبتیکه در آن باشد سیلان کند پس بگویند آن را کوبیدنی نیکو و بکیرند  
عسل مصفى را و با آتش ملایم به پزند و اندک اندک حرکت دهند تا نزدیک بانعقاد رسد پس در آن سفرجل را بپزند و  
حرکت دهند تا مستوی کرد با عسل و مائیت سفرجل برود پس از آتش فرود آورده ادویه را کوفته بپخته بآن بسرشد  
و برهم زنند تا خوب مخلوط شود و بر روی سنگی یا در میان خوان مسی یا لنگری چینی مستوی که بر روغن بادام  
شیرین چرب نموده باشند پهن کرده د و سه روز بکند از آن تا خشك شود و صلب گردد یا کارد به بوند آن را قطعه‌ای  
مربع بشکل لوزیات هر قطعه وزن چهار مثقال و در برک انترج بسته در ظرف نگاهدارند و در وقت حاجت يك قطعه آنرا  
استعمال نمایند و بعد از اطباء دودرم مسك تبتی درین جوارش داخل میکنند و این جوارش گرم است در او خرد درجه  
اولی و خشك است در او خرد درجه ثانیه \* صنعت جوارش سفرجل ممسك به نسخه سید مظفر الدین شفا ئی بکیرند  
سفرجل اصفهانی و از پوست و زخم پاک کنند مقدارد و رطل و بکارد چوبی پاره پاره کنند و يك شب در سرکه انكوری  
بخیسانند و روزش با آتش ملایم درد يك سنگی به پزند تا نرم شود پس در هاون سنگی بگویند و از غربال موئی بهالایند  
و با بکرطل عسل مصفى بقوام آورند پس زنجبیل فلفل دار فلفل از هر يك چهار درم نانخواه تخم کرفس از هر يك دودرم  
زعفران يك درم کوفته بپخته بآن بسرشد و در ظرف چینی نگاهدارند شربتى از دودرم تا چهار درم و در نسخه حاروی  
صغیر زعفران دودرم است و تخم کرفس و نانخواه از هر يك يك درم و گفته که ازین جوارش شربتى يك مثقال است \*  
جوارش سفرجل ممسك دیگر به نسخه میر محمد مومن حکیم شکم به بند دوا ضمه را قوت دهد و بجهت تقویت معد و  
احشا و دماغ نافع است \* صنعت آن بکیرند سفرجل اصفهانی و پوست دانه آنرا پاک کرده بکارد و با شراب ریحانی  
بخوشانند تا مهران شود و از پرویزن موئی بهالایند و با نیم رطل نبات سفید و نیم رطل عسل مصفى به پزند تا بقوام آید  
پس فلفل دار فلفل قونفل از هر يك دو مثقال زنجبیل چهار مثقال زعفران نیم مثقال عود هندی پنج مثقال کوفته بپخته

بآن بسرشد شربتى يك مثقال \* جوارش سفرجل مسهل معده باشد و قولنج بکشاید و بادها بشکند و اشتهای  
 طعام آورد \* صنعت آن بکیرند سفرجل شیرین رسیده و بکارد چوبی پاک کنند و بعد آنکه او را برون آورند و درطل  
 آنرا در دوسم سرکه انکوری یا شراب ریحانی جید یا آب خالص شیرین بجوشانند تا مهرا شود بعد از آن بکوبند و بفشارند  
 و بیا لایند و باد درطل عسل مصفى بقوام آورند پس بکیرند زنجبیل دارچینی دارفلل از هر يك دو درم مصطکی پنج درم  
 سقمونیا ده درم تربل سفید سی درم کوفته پیخته در آن داخل نمایند و به تیر معجون سازى برهم زنند تا نیکو مخلوط  
 شود پس در ظرف چینی نگاه دارند شربتى از پنج مثقال تا هفت مثقال با آب گرم جهت رفع قولنج \* جوارش سفرجل  
 مسهل دیگر قولنج بکشاید \* صنعت آن بکیرند سفرجل شیرین و در خمیر کوفته در زیر آتش ملایم بپزند تا بریان شود پس  
 برآورده با زای هر چهار درم از جرم سفرجل یک درم سقمونیا مشوی نیم درم زنجبیل و نیم درم فلل سیاه سوخته داخل  
 کرده همه را در هم بکوبند تا چون موم شود عسل مصفى بقدر کفایت بسرشد شربتى یک درم تا دو درم \* جوارش سفرجل  
 مسهل که حکیم عماد الدین محمود در کتاب معالجات آورده نافع است از برای قولنج هرگاه اشتهاد داشته باشد و یا  
 اوقی صغراوى باشد \* صنعت آن تربل سفید مجوف مصمغ مد برسی درم سقمونیا مشوی ده درم مصطکی رومی  
 قرنفل سک فلل زنجبیل دارفلل جد و ار خطائی قرفه از هر يك ده درم آب به ترش عسل مصفى از هر يك ده درم اول  
 مرتبه آب به و عسل را بجوشانند و کف آنرا بکیرند و بقوام آورند ادویه را کوفته پیخته بآن بسرشد و در ظرف چینی  
 نگاه دارند شربتى سه درم \* جوارش سفرجل مسهل به نسخه ابن جزله بوی دهن را خوش کند و معده را قوت دهد و  
 اشتهای طعام آورد و قولنج را نافع بود و فساد معده را از آنل کند \* صنعت آن به شیرین رسیده را از پوست و دانه پاک  
 کرده بکار چوبی خرد کنند و در مثلث بخیسانند پس به پزند تا مهرا شود و بغریال موئی بیا لایند و یکم عسل سفید مصفى  
 در آن داخل کنند و دیگر بار با آتش ملایم به پزند تا بقوام آید بعد از آن این ادویه را کوفته پیخته بآن بسرشد زنجبیل  
 دارچینی دارفلل از هر يك دو درم هیل بوا قافله کبار زعفران از هر يك سه درم مصطکی رومی پنج درم معده مشوی  
 ده درم تربل سفید مجوف مصمغ خراشید و بورغن بادام شیرین چوب نموده سی درم جمله را جل اجل اکوفته پیخته  
 وزن نموده در هم زنند و بآن بسرشد و در سینی مس یا بر روی سنگ پهن کنند و چون خشک شود بکوبند و به بوند چنانچه  
 هر قطعه آن چهار مثقال باشد و در میان برک نارنج نگاه دارند و بوقت حاجت یک قطعه آنرا بخورند \* جوارش سفرجل  
 مسهل به نسخه حکیم صالح خان خال آن مرهم \* صنعت آن بکیرند سفرجل پاک کرده از پوست و دانه بکار چوبی دو  
 من و در آب بجوشانند تا مهرا شود و از پشت غریال بکند و عسل مصفى چهار من در آن داخل کرده بقوام آورند پس  
 بکیرند زنجبیل دارفلل قافله کبار قافله صغارا دارچینی زعفران از هر يك دو مثقال و نیم مصطکی پنج مثقال تربل سفید  
 مدو برسیست و پنج مثقال سقمونیا مشوی هفت مثقال و نیم کوفته پیخته بآن بسرشد شربتى دو مثقال باذن الله تع  
 نافع است \* خلواى سفرجل \* صنعت آن مثل صنعت خلواى تفاح است \* رب سفرجل نیز صنعت آن مثل صنعت  
 رب تفاح است \* روغن سفرجل معده را قوت دهد و حبس عرق کند و اگر بر روی کشک آب بپزند و بخورند اسهال باز  
 دارد \* صنعت آن آب به دو جزو آب برک مودیک جزو روغن کل یک جزو و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند پس  
 در شیشه کرده نگاه دارند و بوقت حاجت بکار بوند \*

### فصل در بیان نسج سکنجبینات سفرجل

سکنجبین سفرجل به نسخه ما سرخریه معده و جگر را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و طعام را هضم کند و سگ و جگر بکشاید و  
 کسانی را که از بیماری در خاسته بودند سود مند است \* صنعت آن بکیرند آبی صغرهائی رسیده و خوشموی و آب آنرا بکیرند و

و هموزن آب آن نبات سفید و ربع وزن آن سرکه باوقی بیامیزند و با تش ملایم بجوشانند تا بقوام عسل آید و اگر خواسته باشند بجای نبات انگبین مصغی کنند و بقوام آورند و فرود آورد و سرد نمود و نگاه دارند و بوقت حاجت در اوقیه آن را تناول نمایند \* سنگجبین سفرجلی به نسخه دیگر بکیرند آب به رسید و خوشبو و قند سفید از هر یک یکمن و سرکه انگوری نیم من و با هم دیگر بجوشانند و نیم من کلاب فائق خوشبوی داخل کرد و بقوام آورند پس فرود آورد و سرد کرد و نگاه دارند شربت در اوقیه \* سنگجبین سفرجلی به نسخه دیگر صنعت آن بکیرند آب به رسید و خوشبو و قند سفید هر یک یکمن و سرکه انگوری نیم من و با هم دیگر بجوشانند و نیم من کلاب فائق خوشبوی داخل کرد و بقوام آورند پس فرود آورد و سرد کرد و نگاه دارند شربت در اوقیه و سنگجبین سفرجلی به نسخه دیگر صنعت آن بکیرند به اصفهانی رسید و پوست و دانه آنرا بکارد چوبی در کرده در هاون سنگی آب آن را بکیرند پس فرا گیرند از آب آن یکمن و یک من قند سفید داخل کرده و ربع من سرکه انگوری در آن انداخته بقوام آورند و اگر خواهند که سنگجبین لیموئی سازند بعوض سرکه آب لیمو کنند \* سنگجبین سفرجلی به نسخه فلانسی نافع از برای سوء استمرار و مقوی شهوت طعام و مقطع بلغم و قاطع صفرا و مقوی اعضا و قوی خصوص از برای ناقهین \* صنعت آن مثل نسخه ما سرچوبه است و اولاً ذکر یافت \* سنگجبین سفرجلی به نسخه حکیم میل محمد مؤمن مقوی معده و حار و زائل کنند غشیان و قوی و اسهال صفراوی و قاطع عرق است \* صنعت آن آب به شیرین آب به ترش با لیسو به در جز و سرکه انگوری قند سفید از هر یک یک جز و یک ستور بقوام آورند و اگر از آب به شیرین به تنهائی ترتیب دهند قبضش کمتر است و اگر از آب به ترش به تنهائی ترتیب دهند قبضش زیاد است \* سنگجبین سفرجلی لیموئی که آنرا بفارسی سنگجبین به لیموئی گویند معده و جگر و دل را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و قوی و غشیان ساکن گرداند و سده جگر بکشد و طعام هضم کند و اشتهای طعام آورد \* صنعت آن به نسخه میل مظفر الدین شفا بی بکیرند آب به شیرین پنجاه مثقال سرکه انگوری کهنه صافی و کلاب و آب لیمو از هر یک سی مثقال قند سفید یکمن بد ستور بقوام آورند و سرد نمود و در شیشه نگاه دارند \* سنگجبین سفرجلی لیموئی به نسخه دیگر صنعت آن آب به شیرین اصفهانی یکمن قند سفید نیم من سرکه انگوری و آب لیمو هر دو با هم نیم من هم را با هم بجوشانند و کف آنرا بکیرند و صافی نمایند پس کلاب نیم من داخل کنند و بقوام عسل آورند و نگاه دارند \* سنگجبین سفرجلی لیموئی که قند من سره مقوی قلب و معده و مفتوح شک و مقوی جگر و تریاق سموم و مذهب و هاضم طعام است و غشیان و قوی باز دارد \* صنعت آن بکیرند لیموئی رسیده هر قدر که خواسته باشند و بخلال چوبی در آن سوراخها غیر غائر کنند و در آب نمک بگذارند تا تلخی پوست آن در شود پس بشویند تا شوری آن زایل شود پس آنرا بگذارند تا رطوبت آن از آن زایل گردد پس بکیرند سرکه انگوری کهنه جید و بر روی او کنند در مرتبان چینی و باید آن مقلد سرکه باشد که از روی لیمو ها بر گردد و چهل روز بگذارند پس بکیرند آب به شیرین یکمن و بجوشانند و کف آنرا بکیرند پس فرود آورد و بکند از آن تا ته نشین شود و آب صافی آن را بکیرند چنانکه در داخل آن نشود پس در هر رطلی از آن آب یک رطل قند سفید داخل کنند و بجوشانند و کف آنرا بکیرند و چون دیگر کف نیامد صافی نمایند و باز ای هر رطل از قند نیم رطل از آن سرکه لیموئی مخلل داخل کنند و بقوام آورند و سرد کرد و در شیشه نگاه دارند شربت از یک اوقیه تا دو اوقیه و اگر خواسته باشند از آن ترنج یا نارنج یا نارنگی به همین ترتیب مرتب نمایند و اگر در مزاج مستعمل این سنگجبین نبود و باشد ملتهب و با حرارت بسیار مقوی سازند باین افاربه مصطکی رومی در چینی قرنفل دانه هیل فاقه کبار در هر رطلی از قند سفید یک مثقال بسا سه نیم مثقال زنجبیل تا بجوای معتد شود نیز از هر یک دو درم کشمش خشک نعناع خشک چهار درم ادویه را سوای نانخواه و معتد شود نیز

نمناغ خشك و كشنيز خشك ليكم گرفته همه را در پارچه كتاني بسته چنانكه مثل آن آدويه چاد رآن بسته باقي باشد و اگر قند از بکرطل زياده باشد به همین نسبت آفابويه را زياده کنند و در وقت جوش در آن اند از نند ساعت بساعت پارچه را بدست يا پشت كفچه بمالند كه جميع قوت آفابويه بسكنجبین باز داده شود و چون بقوام آيد پارچه را بر آورد و خوب بمالند و بفشارند و كلاب در اوقيه بشويند و باز بفشارند و آن كلاب را در آن داخل کرده كيسه آفابويه را در وركند و بسكنجبین را يك جوش ديگردد كه رطوبت كلاب آنرا فاسد نكرد آن پس فرود آورد و سرد کرده در شيشه يا ظرف چيني نگاهدارند شربت يك اوقيه و اگر خواسته باشند بجای قند عسل مصفى يا دوشاب يا مېختم كنند با سيلان رطاب هر كدام كه خواهند بوزن قند داخل كنند \* **سكنجبین سفرجلي با آفابويه به نسخه فلا نسي گفته كه مستعمل است اين سکنجبین هرگاه نبوده باشد مزاج مستعمل آن با التهاب و حرارت بسيار \* صنعت آن بکيرن آب به شیرين و نبات سفيد از هر يك بکرطل و سرکه انگورى چيد ربع رطل و همه را بدستور به پزند با تش ملايم و در وقت طبع صره كتاني كه در آن مصطكي رومي قرنفل سنبيل الطيب از هر يك يك درهم نيم كوفته بسته باشند انداخته ساعت بساعت آنرا بمالند و چون بقوام عسل آيد صره را نيمو بمالند و بفشارند و در وركند و اگر بجای نبات عسل مصفى كنند سزد \* **سكنجبین سفرجلي رماني نافع از براهى تهوع و غثيان و قيى صفراوى و تقويت جگر و معده حاره و دفع تشنگى و از براهى حميات حاره حاده و محرقه \* صنعت آن آب به شیرين اصفهاني رسيد يكمن آب انار شيرين آب انار قرش از هر يك نيم من كلاب فائق خوشبو سرکه انگورى چيد از هر يك نيم من قند سفيد صافى نموده يكمن و نيم بدستور سکنجبین از اينها مرتب نمايند و چون بقوام آيد سرد کرده نگاهدارند \*****

### فصل در ذكر نسخ اشربه سفرجل \*

شراب سفرجل ساده مقوفى معده و قلب حار است و اشتهاى طعام آورد و اسهال و قيى صفراوى و غثيان باز دارد و نافع است از براهى خفقان حار خصوص وقتيكه بمشاركت معده و مراق باشد \* صنعت آن بکيرن آب به شیرين و به توش و بكارد چوبى پوست آنرا جل کرده بهل آنه و غلاف آنرا دور کنند پس در هاون سنگي بکوبند و آب آنها را بکيروزند و در ديك سنگي كرده بجوشانند چون چند جوشى بخورد و فرود آورده بک از نند تانه نشين شود پس آب صافى آنرا كه در وردد داخل نشود كوفته و از بکرط صافى نموده در ديك سنگي كنند و در هر پنجمن از آن آب يكمن قند سفيد داخل کرده بجوشانند و كف آنرا بکيروزند و بقوام آورند \* **شراب سفرجل رماني از ترا كيب حكيم جلال الدين كازروني است هيفه و غثيان و قيى صفراوى و اسهال صفراوى را نافع است و معده و جگر را قوت دهد و تشنگي بنشانند و حرارت جگر را دفع كند و قيى صفراوى و محرقه را نافع است \* صنعت آن بکيروزن آب به شیرين اصفهاني خوشبوى تازه و از پوست و دانه به نجو يكه كشت پاک سازند و يكمن آب آنرا بکيروزند و يكمن آب انار شيرين و آب انار توش پوست بيوون بسته پوست اترج حب الاس زرشك بيد آنه از هر يك قل رى اين همه را نيم كوفته در كيه كشنيد در آن هرسه آب اند از نند و بجوش آورند و زمان زمان كيسه را بمالند و چندان بجوشانند كه آبها بنصف رسد بعد از آن با يكمن شكر سفيد صافى بقوام آورند پس فرود آورد و سرد کرده در شيشه نگاهدارند \* **شراب سفرجل رماني ديگر تو كيب حكيم مل كور تقويت جگر و معده كند و قيى و غثيان بلغمي را مفيد باشد و سردى كبد و معده را زائل كند و اشتهاى طعام آورد و بلغمي مزاج را موافق باشد \* صنعت آن آب به شیرين رسيد و خوشبوى اصفهاني بدستور يكه در شراب سفرجل ساذج ذكر شد يكمن و آب انار توش و شیرين يكمن مصطكي رومي عود هندى سنبيل الطيب پوست بيوون بسته اترج زرشك بيد آنه هيل بوا قافله كبا رسك اصلي از هر يك قل ريكه راى طيب بر آن اقتضا كند و مجموع را نيم كوفته در سرکه كتاني كنند چنانكه قل رى از كيسه خالى ماند و سر كيه بسته در آبها اند از نند و بجوشانند و زمان زمان كيسه را بمالند و شيريه آدويه****

را بکشند و بفشارند تا آنکه آبها بنصف رسد پس کیسه را تکیو بمالند و بفشارند و یکم قند سفید داخل کرده بجوشانند تا بقوام آید پس فرود آورده سرد کرده نگاهدارند \* شراب سفرجل ممسک اسهال د موی وضعف معد و رانافع باشد \*  
 \* صنعت آن آب به شیرین مطبوخ بد ستور یارب به شیرین هرکدام که باشد سی مثقال کزما زج آمله منقی کلنا رفا رسی خوزوب شامی ازهر یک دو مثقال ادویه را یکشبار و زرد آب صاف بخیسانند پس بجوشانند و صاف نمایند و آب به یارب به من کور بقوام آورند شربتین یک مثقال نافع باد \* عرق سفرجل مقوی قلب و معد و مفرح است \* صنعت آن بکیرند آب به شیرین خوشبو هر قل که خواهند سنبل الطیب کل کاو زبان با درنجویه عود قماری خام زیره کرمانی صندل سفید اشنه بسیار سه اجزا مساوی نیم گرفته بالکلاب عرق کشند و بعضی بیخ لجاج نیز داخل میکنند و اگر خواهند قد روی عنبر و مشک بد ها ن آنچه بختند شربتین بقدر احتیاج نافع باد \* قرص سفرجل \* صنعت آن بکیرند آب سفرجل هر قل که خواهند نبات یا قند یا شکورا بقدر احتیاج بقوام آورده دران داخل کنند و طبع دهند تا بقوام آید و اگر خواسته باشند قد روی زعفران یا کلاب سائیل و در آخر اضافه نمایند و اگر مطیب خواهند قد روی مشک سوده نیز اضافه نمایند و بر روی سنگ یا نخته یا سینی نقره یا مس تازه قلعی نموده که بروغن بادام چرب نموده باشند پیون کرده بکند ازند تا سرد شود پس برید و تناول نمایند و اگر سفرجل را پاک کرده تخم و آنچه در جوف آنست در نموده طبع دهند و با نبات یا قند بقوام آورند نیز خوب است \* مریای سفرجل معد و را قوت دهد و شکم را قبض نماید \* صنعت آن مثل صنعت مریای تفاح است و بعضی سفرجل بسیار گلان را در نیمه نموده مریا ترتیب میدهند \* معجون سفرجل قابض مقوی معد و \* صنعت آن به پاک کرده یکم عسل مصفی یک من به را پیخته از پالایش گل را نید و با عسل بقوام آورند پس فرود آورده فلغل دار فلغل زنجبیل ازهر یک پنج مثقال هیل براق قلعه کما رقرنفل دارچینی سنبل الطیب زعفران ازهر یک هفت مثقال کونند پیخته بآن سرشته معجون سازند \* معجون سفرجل مسهل جهت امراض معد و وضعف معد و که از برودت باشد رجعت تهوع و غشیان و انقباض طبیعت نافع و مقوی فم معد و و مانع صعود بخارات بد ماغ و قد شربتین تا پنج مثقال \* صنعت آن به شیرین که پاک کرده باشند از پوست و تخم یکرطل درد و رطل مثلث بجوشانند تا مهورا شود پس بگویند و از منخل بکشانند و یکرطل عسل اضافه نموده بقوام آورند و این ادویه داخل نمایند زنجبیل و دارچینی ازهر یک دو مثقال هیل قاقله کبار زعفران ازهر یک سه مثقال مصطکی پنج مثقال سقمونیا ده درم تربید بروغن بادام چرب کرده سی درم شربتین پنج مثقال تا هفت مثقال بآب گرم و در نسخه دیگر زنجبیل و دار فلغل چهار درم است نافع باد \*  
**فصل در بیان**  
 نسخ صملا ن \* صملا ن مقوی قلب و معد و و کبد است و شکم بیند و وقیق و فواق بار در باز دارد و خفقان را سود دارد و اشتها ی طعام آورد و باه را قوت دهد و در جگر نافع است \* صنعت آن بکیرند سفرجل شیرین رسیده بر آب بزرگ اصفهانی یکصد عد و پوست و دانه آن را پاک سازند و شراب انگوری آنقدر که از روی آن بگذرد بکشد و از یک وجب بروی آن کنند و در یک سنگی یا دیک نقره یا مس پاکیزه تازه قلعی نموده کنند و با آتش ملا یم بپزند تا مضمحل شود پس در هاون سنگی یا چوبی بگویند و تنعمه شیریه که در دیک مانده داخل کنند و عسل صافی یک من تربید دران داخل کرده با آتش ملا یم بپزند تا بقوام آید فلغل دار فلغل زنجبیل ازهر یک پنج درم بهمن سفید دارچینی سنبل الطیب زعفران قاقله کبار ازهر یک دو درم هیل بوا هفت درم جوز بوا بسیار سه ازهر یک یککرم و نیم کوبیده و پیخته مروارید ناسفته کهر بای شمعی صلا یم کرده ازهر یک سه درم عنبر اشهب محلول ورق طلا محلول مشک ترکی ازهر یک یککرم ورق نقره یک مثقال دران حل کرده در ظرف چینی نگاهدارند و اگر بجای شراب انگوری سرکه انگوری فائق

با کلاب کنند و روا باشد \* مملان به نسخه میرزا احمد حکیم بجهت تقویت معد و قلب \* صنعت آن بکیرند سفرجل شیرین  
 بزرگ رسیده بیست عد و بیست آنرا در کرد و بهل آنرا بیرون آورد و هر سفرجلی را پنج شش قطعه نموده بگارد  
 چوبی و دریا تیل نقره یا مس تازه قلعی کرده سرکه خمیر کلاب یا خمیر عنبی بر روی و می کرده با تش ملایم بهزند تا مضمحل  
 شود پس بر گرفته در هم بمالند و از پا رجه استری بکنار کنند یا از پیشه غریال موئی و نبات سفید و عمل مصفی اضافه  
 نموده با تش ملایم بهزند تا بقوام آید از تش بر گرفته جوز برا خولنجان زرباد عود قماری خام دانه میل بودا رچینی بسباسبه  
 قرنفل مصطکی زعفران از هر یک یک مثقال کوبیده و بختنه عنبی اشهب و مثقال مشک خالص نیم مثقال ورق طلا  
 محلول بیست عد و ورق نقره محلول پنجاه عد داخل کرده در ظرف چینی نگاه دارند شربت و مثقال \* مملان  
 به نسخه دیگر \* صنعت آن سفرجل یک صد عد در شراب انکوری یا سرکه خمیر کلاب طبع نماید تا مضمحل گردد از  
 آتش بر گرفته در زنبیلی کرده بکنار آید تا آن تمام بر آید در هاون سنگی یا چوبی کرده بکوبند و عمل مصفی را  
 بقوام آورند و در آن داخل کرده باز بهزند تا بقوام آید فلغل دار فلغل زنجبیل از هر یک پنج درم بهمن سفید دار چینی  
 سنبل الطیب زعفران از هر یک دو درم جوز بوا قافله کبار از هر یک سه درم میل بوا هفت درم کوبیده و بختنه مروارید  
 ناسفته کهر یا شمع از هر یک سه درم هر دو را صلایه کرده عنبی اشهب نیم مثقال مشک ترکی خالص ورق طلا از  
 هر یک دو دانگ ورق نقره یک مثقال همه را داخل کرده مجموع را با آن بسروشند و در ظرف چینی نگاه دارند \* مملان به نسخه  
 دیگر \* صنعت آن سفرجل یک صد عد از پوست و دانه پاک سازند و با شراب انکوری یا سرکه انکوری بهزند تا مضمحل گردد از  
 آتش بر گرفته در زنبیل خوص کرده بکنار آید تا تمام آب آن بچک پس آن سفرجل را بعد پس دادن آب و سرد شدن نرم بکوبند  
 در هاون چوبی یا سنگی پس بکیرند عمل مصفی در آب همان سفرجل حل کرده بجوشانند و کف آنرا بکیرند و بقوام آورند  
 پس سفرجل کوبیده را در آن داخل نمایند و بقوام لائی آورند پس از آتش بر گرفته فلغل سیاه دار فلغل از هر یک  
 پنج درم بهمن سفید بهمن سرخ از هر یک دو درم دانه میل بوا هفت درم مروارید ناسفته سنبل الطیب  
 از هر یک سه درم دار چینی زعفران از هر یک دو درم جوز بوا قافله کبار کهر یا شمع از هر یک سه درم عنبی اشهب ورق طلا  
 محلول ورق نقره محلول از هر یک یک درم بدستور مقرر با آن بسروشند و در ظرف چینی نگاه دارند شربت و دو درم \*  
 مملان به نسخه حکیم احمد \* صنعت آن به شیرین از پوست و دانه جد آکرده یک من با کلاب بهزند تا مضمحل شود و از  
 پالایش بکنار آید و قند سفید یک من داخل کرده بقوام آورند پس مصطکی دانه میل بوا از هر یک سه مثقال زعفران  
 پنج مثقال ورق نقره دو مثقال ورق طلا پنجاه عد و مشک ترکی عنبی اشهب از هر یک یک مثقال عود قماری خام دو مثقال  
 بدستور مقرر با آن بسروشند و در ظرف چینی نگاه دارند شربت و دو درم \* صنعت آن به شیرین از پوست و دانه جد آکرده یک من با کلاب بهزند تا مضمحل شود و از  
 فصل  
 در ذکر تسبیح میبه \* بد آنکه میبه اسم فارسی شربت به اسمت که با شراب انکوری یا آب انکوری یا در شراب انکوری  
 ترتیب میدهند \* میبه ساده به نسخه شیخ رئیس مقوی معد و حاسب طبیعت رقی و غشیان و نافع وجع کبد و رجوع  
 امعاء و کلیتین و فوای است \* صنعت آن بکیرند آب سفرجل حاضی و طل شراب انکوری طبیب بیست و پنج رطل با تش  
 طبع نماید تا به نصف رسد کف آنرا بکیرند و صاف نموده بکنار آید تا دو در آن ته نشین شود مرتبه دیگر صاف کرده و در  
 دیگر کنند و بریزند بر آن عمل صاف منزع الرغوه و بهزند با تش ملایم تا بقوام آید پس در ظرف چینی یا شیشه  
 نگاه دارند \* میبه مفروح به نسخه شیخ رئیس \* صنعت آن بهمان ترتیب میبه ساده آب سفرجل و شراب و عمل را  
 طبع نماید و عمل الطیب زنجبیل مصطکی از هر یک دو درم قافله کبار و صغاردار چینی دانه میل از هر یک چهار درم قرنفل سه

روم زعفران غیر مستحق چهار درم ادویه راجوکوب نموده در پارچه کتان بسته در آن اندازند و بجوشانند با آتش  
 ملایم و ساعت بساعت از پشت کفچه بمالند تا غلیظ گردد و بقوام آید پس از آتش فرود آورده بگیرند مشک خالص نیم  
 درم و حل کنند در شراب کهنه و در آن ریزند و به تیر معجون سازی مزوج نمایند و در ظرف چینی یا نقره نگاهدارند و  
 عند الحاجة استعمال نمایند و اگر زعفران را با مشک بسایند بهتر است زیرا که جوش مبطل فعل زعفران است \*  
 مینبه به نسخه نواب حکیم الممالک سید علویخان ثانی علی نقیخان مرحوم عم جامع اوراق نافع جهت سرفه و ضیق النفس  
 وضعف معد \* صنعت آن آب به شیرین صاف نموده سه آنرا شراب انگوری پنج آنرا داخل کرده چند آن بجوشانند تا  
 بنصف رسد بعد از آن زنجبیل مصطکی رومی و دهنده غرقه از هر یک یک مثقال رب السوس صمغ عربی از هر یک یک مثقال  
 و ربع مثقالی زعفران یک درم قاقله کباردانه هیل از هر یک یک مثقال و نیم زوفا خشک سه مثقال مجموع را در کیسه داخل  
 مینبه شود و بقوام آید صاف کرده و در شیشه نگاهدارند \* مینبه که معد را قوت دهد و قی و غشیان و هیضه و فواق و درد  
 جگر و نافع باشد \* صنعت آن به نسخه سید مظفر الدین شهابی آب به ترش چهار من شراب ریحانی هشت من عسل مصفی  
 در من مجموع را در یک بویزند و زنجبیل مصطکی قاقله کبار و صغیر از چینی کبابه چینی قرنفل از هر یک هفت درم زعفران سه  
 درم همه را نیم کوفته سوای زعفران در کیسه ریزند و در آن اندازند و بجوشانند و زمان زمان کیسه را بمالند تا شیر و تمام باز  
 ده زعفران را سائید و اضافه نمایند و بقوام آورند \* مینبه از جامع امین الدوله که حکیم مؤمن بشراب مینبه ذکر  
 کرده تقویت معد و نماید و اسهال مزمن و درد جگر و قی و غشیان و فواق و تشنگی را نافع است و با نسخه قانون برابر است الا  
 آنکه بجای درم مثقال است \* صنعت آن آب به ترش و ورطل آب سیب ترش یک رطل در هم بجوشانند تا بنصف رسد و  
 با یک رطل عسل و یک رطل شراب انگوری کهنه بجوشانند تا غلیظ شود و کف آنرا می گرفته باشند و دهنده و مثقال  
 زعفران مصطکی از هر یک یک مثقال بسپاسه یک و نیم درم سنبل الطیب قرنفل جوز بودا دانه هیل قاقله کبار و در چینی  
 از هر یک نیم مثقال زنجبیل و دهنده و مثقال و دهنده و دیکر زنجبیل نیم مثقال است مشک و دانه یک سکه یک درم ادویه سوای  
 مشک و سکه جوکوب نموده در خرقة کتان بسته نزد طبخ در آن اندازند و ساعت بساعت خرقة را از پشت کفچه بمالند  
 تا قوت ادویه تمام باز داده شود و مطبوخ بقوام آید و غلیظ گردد فرود آورده مشک و سکه را سائید و در ظرف چینی  
 یا شیشه نگاهدارند \* و از سفرجل انواع و الوان اطعمه ترتیب میدهند مثل آش و قلیه و غیر آن \* صنعت آنها و قسم  
 است یکی آنکه آب آن را گرفته چاشنی بآن نمایند و نیم آنکه جرم آن را پارچه پارچه نموده در طبخ داخل نمایند و  
 هرگاه ترش آن باشد و چاشنی درخواهند بقدر احتیاج شیرینی داخل نمایند \* فصل در ذکر سفوفات \*  
 بد آنکه سفوف اقدم ترا کیم است بنا بر آنچه دیده شده در قرا با دیانات یونانی و دیادر یوس گفته که بقراط ادویه  
 را کوبید و امر میکرد با استعمال آنها پس بعد از آن اراده کرد و حفظ و بقای آنها را بر قوتی که دارند پس رای او بر آن قرار  
 یافت که عسل بهترین چیزها است از برای این امر بجهت آنکه نحل آن را فرامیکرد از جمیع گیاهها و ثمرات آنها پس  
 میباشند قوت گیاهها و ثمرات در آن و نیز نگاه میدارد قوت ادویه را چنانکه اگر گوشت حیوانی یا ثمره از اثمار را در عسل  
 اندازند مدت مدیدی بر قوت خود باقیماند و فاسد نمیکرد و شیخ داود بر قول دیادر یوس بحث کرده که اندر روم اخس  
 ثانی که مقام است بر بقراط ترکیب کرده اجزای تریاق فاروق را عسل و بعضی جواب داده اند بحث شیخ داود را  
 بدیادر یوس که می تواند بود که مرادش بقراط شاگرد اسقلمیوس باشد پس میباشد کلام آن درست میفرمایند  
 که ترکیب معاجین با عسل اقدم است بر اسقلمیوس و شاگردان او زیرا که اطریفل که حضرت موسی عم نازل گردید



نسخه آن مرکب است اجزای آن بغسل و نیز معجون مسمی بشیافیه که حضرت جبرئیل عم از برای موسی عم آورد و  
 اجزای آن مرکب است بغسل و حضرت موسی عم بسیار اقلیم است از اسقلیم و اسقلیمه و س از تلامه بواسطه حضرت  
 سلیمان بن داود عم است و حضرت موسی اقلیم است از حضرت سلیمان نعم آنچه درین باب میتوان گفت آن است که اگرچه  
 این تراکیب سماوی که ذکر شد که اجزای آنها بغسل معجون ساخته اند ولیکن در میان اطباء این امر را اول بقراط شائع  
 کرد پس کویاتوکیب معجون اقتراح اوست و آنچه مقرر کرده شد که ترکیب سفوف از صنایع سنگین از حکماست و نزد بعضی  
 مقرر است که از طبایع پونا است نیز غلط است زیرا که حضرت آدم عم امر کرد و اولاد خود را که روز اول تحویل آفتاب ببرج حمل تا  
 سه ماه تمام هر روز یک رم از رازانه و یک گرم شکو طبرزدرا کوبید و سفوف خود صبح استعمال نمایند که موجب حفظ صحت تمام انسان  
 است و باید دانست که قوت سفوفات بسیار باقی نمیمانند چنانچه بعضی گفته قوت آن تا چهل روز بعضی گفته تا دو ماه باقی میماند  
 و سفوفات بهترین ادویه است از برای معده و امعاء بهترین ادویه مستعمله در ضعف کبد و طحال و کلیه است و سزاوار است  
 که فرا گرفته شود سفوف از ادویه و عقاقیر باین جهت آنکه عقاقیر سفوف می باشند مما شرفعلی ذاتها از غیر اعانت و واسطه  
 چیزی دیگر و گفته که سفوفات ضلای شربه اند و تجویز سفوف مسهل در ضعف معده و شش است امتلا نکرده اند مگر آنکه خالی از  
 کرب باشد مانند بسفایج و از چیزی که مستحیل بغضا دشود و نموده باشد در آن چیزی که بسبب شش لطافت خود در وی  
 نفوذ کند در کبد مانند غاریقون و نیز نموده باشد که چیزی بزرگی منحل شود از معده مانند سقمونیاه و جالینوس گفته که  
 جمیع سفوفات قوت آن زیاد از دوا نموده پس بعد از آن قوت و فعل شان ضعیف میگردد و بد آنکه دستور یا ختم  
 سفوف آنست که آنچه جهت قبض و سحج و زحیر ترکیب کنند باینکه خرب و بزوریکه در آن داخل است چون حب الرشاد  
 و مقلیا و بزرقطونا و تخم ریحان و مانند آن بعد از آنکه بربان کرده باشند با سائر ادویه ناکوفته بیا میزنند خصوص بزرقطونا که  
 المیته آنرا ناکوفته داخل نمایند و بهتر آنست که تخم ریحان و حب الرشاد و بارتنگ و امثال آنها را نیز ناکوفته بعد از آنکه  
 سائر ادویه کوفته را درهم نموده و مزوج نمایند و نیز بهتر آن است که اجزای سفوف بسیار نرم نکوبند بلکه مانند اجزای  
 جوارش اندک درشت و ریزه باشند تا از معده زود نکند و اگر غرض قبض باشد و خواهند که نفع آن بیشتر بمعده ظاهر شود و  
 الانرم کوفته بپخته استعمال نمایند و نیز باینکه ادویه اوتازه و نر باشد و کهنه و بوسید و نباشد و بد آنکه سفوف حب الاس  
 و ابریشم و ابله و افتیمون و سفوف مسکن و جع افیونی و خشخاش و آملج و انبر باریس و انجبار و افقحه و ابرون و اهلایج  
 و بسفایج و تربک و تشمیزج و تیواج و جلنار و جنطیانا و چوب چینی و حیرا لیهود و خبث الحدید و در چینی و ذهب و  
 و اوند و سرتان و سماق و صندل و طباشیر و عود هند و کبر و کمون و کندر و کهر یا لاجورد و لوگو و مازردون و زنج و هند با  
 هر یک در رسوم خود ما ذکر یافتند و می یابند و آنچه مذکور نشد اینجا ذکر می یابند و از خاک و خاشاک و اشای غریبه  
 پاکه مرصاف کرده باشند قبل از کوبیدن و بعد از کوبیدن وزن نموده درهم نمایند \* سفوف از سطا طالیس معلم اول که  
 سفوف اسکندر و نامند صاحب جامع التراکیب حکایت کرده که اسکندر نوشت با سطا طالیس شکوه از سوء هضم و طلب  
 کرد از دواهای جامع غالب برا کثراد و به که نافع باشد از برای اکثر امراض پس او این سفوف را تألیف نموده فرستاد نسخه  
 آنرا بجهت او و شیخ داود گفته که من دیدم رساله در تلیم ریاست که معلم اول نوشته پیش اسکندر فرستاد باینکه  
 صورت آن این است \* که فرستاد بسوی تو سفوفی که ذکر کرده ام نسخه آن را در مقابله سابعه پس بگوید آن این سفوف را  
 طبیب حاضر \* و مستغنی کرد باین سفوف از طبایع این سفوف نافع است از برای سوء هضم و ضعف معده و ضعف شهوت طعام و  
 ذریع و ریاح غلبه و از برای وسواس و قطع بخار و هرق فاسد و ریه خفیه از تمام بدن میگذرد و زردی و یک در مبرد و ببرد



دهان را خوش میکنند و دل را قوت میدهند و فرح می آرد و نسیان را دور میکنند و بهیچان در می آرد شهوت طعام و شهوت  
 به راه را دفع سوزش و حرقت فم معده میکنند و قوت این سفوف ناسه سال باقی میماند و عقل از شربت ازان تاد و مثقال است \*  
 صنعت آن به نسخه شیخ رئیس قرقه الطیب سازج هند ی هیل بوا عود قماری خام اسارون شامی مصطکی و رمی هلیله گابلی  
 منزوع النوى اکیل الملک فرنج مشک نار مشک نار قیصر زبره کرمانی دارچینی اشده فلغل دارفلغل زنجبیل قرنفل حب  
 الرمان جوز بوا قافله ازهر یک و جوز و مشک تبتي عنبر اشهب کافور قیصری ازهر یک یک جز و نبات سفید ششوزن مجموعه  
 ادویه ادویه را کوفته بپخته سفوف سازند شربتی ازان وزن یک گرم ناسه درم بآب سرد ناشتا بعد از طعام عظیم النفع  
 است در آنچه ذکر کرده شد میفرمایند آنچه به تحقیق رسید و نزد فقیر نار قیصر خشخاش شقائق النعمان است و این نسخه  
 با نبات نیست و پنج جز است و در نسخه یحیی بن عیسی بن جزله اکیل الملک داخل نیست و باقی مساوی نسخه شیخ  
 رئیس است و در نسخه صاحب میزان الطبائع عود قماری اکیل الملک و نار قیصر داخل نیست و در نسخه مظفرالدین شغائی  
 اکیل الملک و نار قیصر داخل نیست و کافور قیصر و نیز دوجوی بر اجزای نسخه شیخ رئیس افزوده و نبات بوزن مجموع  
 ادویه است و گفته که نقل کرده صاحب جامع التواریک این نسخه را وارد کرده صاحب منهاج این نسخه را از غیر تصرفی و  
 این نسخه اصل است که من دیده ام در نزد بیرونیاست بیونانی و با آن تصحیح کرده ام این را استاد ابوالفرح گفته که جالینوس  
 درین سفوف عوض نار مشک و نار قیصر بونل چینی عود هند ی آورده ازهر یک دوجوز و داخل نکرده و نقل را و گفته که این  
 صحیح است و لا ذی باین ترکیب است و گفته با اعتقاد من آن است که این سفوف منزل باشد بر امزجه بارد و رطب شیخ د ارد  
 گفته که اگر تصرفی درین سفوف توان کرد آن است که اگر استعمال نمایند بدل جوز بوا طباشیر و بدل مشک افیون و بدل  
 فرنج مشک کشنیز خشک کنند و گفته نشود که کافور کافی است و رقیق بجهت آنکه معتبر در مغایله کافور است و گفته  
 که باقی نیست بل اخل کردن بنفشه در امزجه صغراویه و افیون در امزجه سوداویه و تربل در امزجه بلغمیه و صندل اگر  
 در کبد ضعیفی باشد و طین ارمنی و طین مختوم بدل قرنفل بر نسخه اصل و بدل هلیله زرد مطلقا اگر خفقان از حرارت  
 باشد و نبات در هر یک ازین نسخه ها مساوی تمام ادویه باید که باشد و نسخه این سفوف را که حکیم میر محمد مؤمن که در  
 قزوین نسخه المومنین ذکر کرده مساوی نسخه شیخ رئیس است سوا آنکه کافور دوجوز است و نار مشک داخل ندارد  
 و گفته که نار قیصر معرب ناکیمر است که لغت هند یست و آن دوا ی ردیست قسیمی از هیوفایقون است و بر کسیکه فی الجمله  
 عامی بر تحقیق ادویه داشته باشد حیرت از کلام این فاضل دست میل هد که کلام غلط آن را درست کند بعضی از متاخرین  
 بجای نار قیصر نار دانه آورده اند محض غلط است و تصرفا نیکیه درین سفوف شیخ د ارد کرده همه بی جایی موقوف است \*  
 سفوف این ماسویه نافع از برای زحیر و سحج و مجرب است \* صنعت آن تخم خطمی سفید مقشر بریان کرده نیم حسابی  
 مقشر بریان ازهر یک پنجاه گرم نشاسته بوداده سه مثقال صمغ عربی بوداده کل ارمنی ازهر یک نود مثقال کوفته  
 سه درم آنرا صمغ و شام با بیکه دران طباشیر سفید و صمغ عربی و کل ارمنی خیسانیکه و صافی نموده باشند بنوشند \*  
 سفوف عنبری ارسطو نافع از برای ضعیف معده و ذریب و وسواس و قطع بخار \* صنعت آن طباشیر سفید دودرم بوزن البنج سفید  
 ههراق منقی از حب تخم خشخاش سفید هلیله سیاه مغز سفرجل هند ی که آنرا بهند ی بیل کویند و ازان مویا سازند ازهر یک  
 سه درم کلنا رانی دم الاخوان صمغ عربی قافله صغارا قافیا تخم حماض مقل ازرق کل مختوم کل ارمنی مغز بلوط پوست  
 کوهکدرا نار دانه مرجان قوی کهریا شمعی سماق ازهر یک دودرم و روغن کاه و صفت درم نبات سفید چهار درم مشک خالص  
 در دانه عنبر اشهب یک دانه کوفته بپخته سفوف سازند \* سفوف اطفال منقول از خلاصه التیجاریه گفته که این سفوف

از اختراعات اهل ری است مقوی معد و رافع اسهال اطفال است \* صنعت آن پوست هلیله زرد مصطکی پوست بیرون  
 پسته از هر یک یک جز و رازیانه پوست نارنج پوست انار شیرین از هر یک نیم جز و جمله را کوفته و نرم بپخته نگاه دارند  
 گاهی بی آب یا آب عذب خالص یا آب بعضی از میوه های مناسب بخوراند و اگر جهت اطفال نصف مجرعه  
 ادویه قند سفید اضافه نمایند و قد رخوراک موقوف برای طبیب کاشته \* سفوف دیگر نیز منقول از خلاصه  
 التجارب \* صنعت آن مردا سنک قنده بادیان از هر یک دودانک سائید و با آب خیاریا درنگ و سیب ترش بدهند و گفته  
 که این یک شربت است \* سفوف بزر قطونا \* صنعت آن بزر قطونا تخم ریحان بارتنگ تخم تیره تیزک این هر چهار را بویان  
 نموده و کوفته تخم حماض تخم خرفه زروردن شاسته تخم مرو صمغ عربی کل ارمنی تخم خشخاش سفید این همه را کوفته بپخته  
 یکجا کرده سفوف سازند شربتی در مثقال \* سفوف جهت اسهال بلغمی قالیف حکیم میر محمد زمان \* صنعت آن ناخواه  
 کدو کلدا از هر یک یک جز و دانه مرویز و جوز و یا میوه ممسک استعمال نمایند \* سفوف جهت اسهال اطفال از مجربات  
 حکیم میر محمد زمان روح و غیرا اطفال را نیز نافع است \* صنعت آن حب الرومان بوداده بسیار و نرم صلیبه کرده طباشیر سفید  
 صمغ عربی کثیرا مصطکی سفید تخم مورد کل سرخ کل ارمنی اجزا مساوی سفوف کنند و با اطفال نیم مثقال صباح و نیم  
 مثقال شب با شربت به یا شربت سیب ترش بدهند \* سفوف دیگر جهت اسهال مواروی مزمن و بواسیری و بواسیری  
 حار را بغایت مجرب است \* صنعت آن کل ارمنی انار دانه بوداده دانه انکور که از سرکه بیرون آورده با شند بوداده  
 از هر یک پنج مثقال سماق بیدانه کل سرخ صمغ عربی بوداده از هر یک سه مثقال طباشیر کل مختوم یاداغستانی از هر یک  
 دو مثقال عود قماری مصطکی از هر یک یک مثقال قد و شربت دو مثقال بار بوب مناسبه \* سفوف الاسهال منقول از  
 حنین جهت ضعف معد که با اسهال باشد و تب ربع و اشتهای طعام آورد \* صنعت آن زیره کرمانی کمون نبطی که یک  
 شبانه و زهر دورا در سرکه خیسایند و خشک کرده و بوداده با شند هر یک سه درم حب الاسهال پنجد روم کشنیز خشک بوداده  
 در درم آردنبق آرد سنبل آردا ناردانه از هر یک بیست درم قرطاطیث از هر یک ده درم سک سه درم عود دهنی سه درم  
 کوفته به پر ویزن و سیب ثقیه بپخته شربتی سه درم با میوه سادج صبح و شام \* سفوفیکه انواع اسهال که با سبج  
 و مغص و حرارت باشد نافع است \* صنعت آن تخم خطمی تخم خیاری از هر یک پنجد روم شاسته صمغ عربی از هر یک  
 یک درم کوبیده اندک بوداده دو مثقال با اشربه مناسبه بنوشند \* سفوف جهت اسهال خون و بلغم \* صنعت آن  
 طباشیر و شاسته صمغ عربی کل نار کل سرخ از هر یک پنج مثقال ورناس دو مثقال زعفران یک مثقال شربتی یک مثقال  
 بارب به بنوشند و اگر قوص کنند بهتر است \* سفوف دیگر نافع از برای جمیع اقسام دیکان و ضعف معد \* صنعت آن  
 پوست هلیله زرد برنگ گابی مقشور از هر یک جزوی تریس سفید محکوک ملتوت بوزغون بادام شیرین مثل وزن هر دو  
 فانیل شنبلیله مثل وزن مجموع ادویه شویتری ده درم \* سفوف بزر خطمی \* صنعت آن بزر خطمی سفید تخم خیاری  
 از هر یک دو مثقال شاسته کل ارمنی صمغ عربی از هر یک چهار مثقال کوفته بپخته سفوف سازند \* سفوف بزروری نافع  
 است از برای جمیع ریاح و نفخ \* صنعت آن کرویانیسون زیره کرمانی قاقله ناخواه تخم کرفس از هر یک دو درم قرنفل  
 یک و نیم درم زنجبیل دار فلفل از هر یک دودانک شکر بیست مثقال کوفته بپخته در هم آمیزند شربتی دو درم \* سفوف  
 خرنوب اسهال و استرخای معد را سود دارد \* صنعت آن خرنوب صحرائی منقش از حب زیره کرمانی کل بر سماق  
 منقش از حب تخم مورد آرد کدو کلدا بوط کشنیز خشک بریان مصطکی رومی اجزا مساوی کوفته بپخته سفوف سازند  
 و عند الحاجة بکار دارند \* سفوف خمسه تنقیه فم معد و بدن از بلغم نماید \* صنعت آن تریس سفید مل بوسا مکی ز

زنجبیل برنگ کابی بوسه هلیله کابی اجزا مساوی کوفته پیخته سفوف سازند شربت از آن چهار درم تا شش درم بآب  
 گرم \* سفوف درونج خفکان سودا سودا در \* صنعت آن درونج عقری لسان الثور ازهر یک شش درم زنیاد دودرم کوفته  
 پیخته شربت یک مثقال یا یک چهاریک شراب کهنه یا ماء العسل \* سفوف سبعة تنقیه تمام بدن از سودا کنک و نافع است  
 از برای مالیدن و لیا و تنبیه سودا در تمام بدن باشد \* صنعت آن بوسه هلیله کابی هلیله سیاه ا قتیمون اقریطی ازهر یک  
 دودرم بسفای حب النیل سنا مکی ازهر یک سه درم ترب سفید نصف مجموع ادویه کوفته پیخته قدر مستعمل از آن از  
 چهار درم تا چهار مثقال \* سفوف سقراط حکیم جمیع امراض بارده و خصوص امراض بارده دماغیه و خصوص نسیمان  
 و رعوت و حمق را به نهایت نافع است \* صنعت آن کند روح ترکی زنجبیل ازهر یک پا نژده درم سعد کوفی ساذج هندی  
 دارچینی قرنفل ازهر یک هفت درم نبات سفید بوزن مجموع ادویه همه را کوفته پیخته سفوف سازند شربت سه  
 درم \* سفوف سکبینه نافع است از برای قولنج و ریاح در بطن و از برای استسقا \* صنعت آن سکبینه بوسه هلیله زرد از  
 هر یک یک جز و حب الرشد تخم کرفس ازهر یک نیم جز و کوفته پیخته در شیشه نکاهند ازند شربت دودرم با آب نیم گرم \*  
 سفوف طرب المجلس تغریج و نشاط آوردم مقوی اعضاء رئیس است و در تقویت باه و مساک منی و دفع سرعت انزال  
 بی نظیر است \* صنعت آن بسباسه و عفران دانق هیل بوا قرنفل دارچینی بهمن سفید بهمن سرخ شقایق مصری خولنجان  
 ازهر یک یک مثقال مشک خالص عنبر اشهب ورق طلا ازهر یک یک انگ چرس خالص سه مثقال نبات سفید پنج مثقال  
 کوفته پیخته نکاهند ازند شربت از یک انگ و نیم \* سفوف طین و آن را سفوف بسباسه نیز گویند بجهت زهر رسچ و اسهال  
 دمی و اسهال مراری نافع است \* صنعت آن بزرقطونا بارتنگ تخم ریحان تخم حماض تخم خرفه نشاسته صمغ عربی  
 کل ارمنی طباشیر سفید ازهر یک یک جز و بزر در اربعه را بریان کرده درست بکنند ازند سائر ادویه را نیز بریان کرده کوفته  
 پیخته همه را در هم بیا میزند و سفوف سازند و نکاهند ازند شربت دودرم باروغن بادام شیرین یا بردغن کل چرب  
 کرده بدهند \* سفوف طین دیگر که در اسهال کبدی و اسهال معوی بکار آید \* صنعت آن کل ارمنی مغسول طباشیر سفید  
 صمغ عربی بریان حب الاس ازهر یک ده درم دم الا خویین کند ازهر یک دودرم و نیم کوفته پیخته نکاهند ازند و در وقت  
 حاجت شربت یک مثقال با آب مورد بدهند \* سفوف طین دیگر که آنرا سفوف نشاسته گویند \* صنعت آن بزرقطونا  
 تخم ریحان نشاسته صمغ عربی کل ارمنی اجزا مساوی بریان کرده نشاسته صمغ عربی و کل ارمنی را کوبیده و با  
 ادویه دیگر درست داخل کرده سفوف سازند شربت دو مثقال \* سفوف طین نافع از برای زلق امعا \* صنعت آن  
 کل ارمنی مغسول کل مختوم طباشیر سفید کهر بای شمعی غنچه کل سرخ منزوع الا قماع اجزا مساوی همه را کوفته  
 پیخته نکاهند ازند و در وقت حاجت شربت سه درم بخورند \* سفوف طین بزوری خون آمدن از هر عضو زهر را نافع  
 است \* صنعت آن طین مختوم طین ارمنی ازهر یک هفت درم کهر با پوست بیخ انجبار کنا رفا سی اقا قبا ازهر یک سه  
 درم و نیم صمغ عربی بریان تخم خرفه کشنیز خشک نشاسته تخم حماض جمله بریان ازهر یک یک مثقال کوفته پیخته بوزن  
 همه اجزا بزرقطونا نصف آن تخم مر و برابش تخم ریحان و سه تخم را درست غیر مسحوق داخل نمایند و سفوف  
 سازند شربت از آن چهار درم بالغاب ریشه خطمی و آب برک بارتنگ بیا شامند \* سفوف طین ارمنی نافع از برای  
 زحیر منقول از طب الایمه عم \* صنعت آن بکیرند طین ارمنی و بریان نمایند با آتش ملایم و خریق ابهض و بزرقطونا  
 و صمغ عربی ازهر یک جز و مساوی کوفته پیخته مساوی بزرقطونا استعمال نمایند \* سفوف عود لك نافع است از برای  
 هزال کبد و ضعف آن و رخاوت معده و رطوبت و برودت آن \* صنعت آن عود لك حب الاس آرد بلوط نبات سفید

مصطکی پوست افارما زوی سبز از هر یک یک جزو لبان زنجبیل از هر یک ربع جزوی گرفته بیخته نگاهداری و روز صبح و شب وقت خواب از یک مثقال تا در مثقال یک هفته بخورند و گوشت نخورند این نسخه را شیخ در قانون ذکر کرده و موافق است با نسخه صاحب جامع التواکلب و در نسخه دیگر شکر طبرزد بوزن مجموع ادویه است و شفا فی الجای عود لك مغسول آورده و قلاتسی گفته که با این سفوف گوشت نخورند که غلیظ است \* سفوف عد جهت ورم کلر که بهندی که بیکه کوبند \* صنعت آن عد د کاومیش نرو آن کلر له ایست که در کلوی آن میباشد خشک نموده و بسیار قوافل جزو بادارچینی از هر یک یک جزو مساوی نرم کوفته بیخته زنجبیل خشک قعم اول که بهندی سونقیه و ستونا نامند بر این مریخ جزو نرم سائیده ممزوج نموده در شیشه نگاهداری و شربت سی ماهه وقت صبح ناشتا بخورند یک هفته یاد هفته تارتیکه شفا فی کلی حاصل شود و در ایام خوردن از ترشی و شیرینی و بادی و گوشت پرهیز نمایند \* سفوف الفواق جهت فواق تشنجی که از متلاخا دفت شده باشد صنعت آن تخم کرفس جبلی سعد زیور کرمانی بالسویه سفوف ساخته نگاهداری و شربت یک مثقال باب نام \* سفوف قابض حکیم میوه محمد مؤمن در تحفه نوشته که این سفوف مکرر در تجویز آمده جهت اسهال مراری و مغص و اسهال د موی و بهترین ادویه است \* صنعت آن صمغ عربی را هر روز سه مثقال سائید و بنوشند تا سه روز زیاد در آن و اگر با سهال سه نباشد آشامیدن پوست خشخاش که مثل غبار سائید و باشد از یک مثقال تا در مثقال از مجرب است و اگر با صمغ مزوج کنند بدستور \* سفوف قوافل معد سرد و تپه از اسود دارد \* صنعت آن قوافل کبابه از هر یک پنج رم سنبلی مصطکی از هر یک سه درم عود خام بیست درم شکر طبرزد بوزن آن همه شربت یک مثقال با ده درم کلقل \* سفوف لقطع دم البواسیر مجرب است منقول از معالجات بقراطی عجیب الفعل است \* صنعت آن جوز محرق یک جزو زرد تخم مرغ سوخته یک جزو کنجد بوداده سه جزو مجموع را سائید و دو مثقال با شربت سیب یا آس یا ریماس بنا شده استعمال نمایند \* سفوف قنب جهت اسهالات فائد و عظیم دارد \* صنعت آن ورق القنب بریان کرده و زنجبیل نیم بوخته و ارففل از هر یک نیم مثقال مصطکی و رومی ندارد اند بریان کشید خشک بریان از هر یک چهار درم صمغ عربی یک انگ پوست خشخاش بوداده یک مثقال و یک انگ کوفته بیخته هر روز یک رم آنرا بخورند با آب سرد \* سفوف دیگر از تالیف اطباء هند از برای انواع اسهالات \* صنعت آن بکاویند ورق القنب نو پاکیزه از ورقهای سرخشیش آن جائیکه کل می دهد و آن را بروغن بنفشه با دام چرب نمایند و قلیلی از شیر و عسل که آن را بهندی خوب کوبند و قلیلی از شیر و نانخواه و ممزوج کرده بدست بر ورق القنب بمالند و در سفال آب نلیده بریان نمایند برفق پس فرود آورده بعد از سرد شدن همین عمل نمایند تا هفت مرتبه این سرد و شمره را در آن نلید انداخته بدست مالید و بوخته نمایند پس بکوبند از آن ورق القنب مل بر چهار مثقال مصطکی و رومی زنجبیل بوخته از هر یک یک مثقال و همه را کوفته بیخته وقت حاجت یک رم آن را با آب سرد تناول نمایند و بهر آن است که زیاده بر یک د انگ خورده نشود \* سفوف مرجان جهت سهر و بسیار شافع \* صنعت آن مرجان صمغ که موجان را ریزه ریزه کرده در کوزه نموده سر آن را حکم نموده و کوزه را بگل کوفته در آتش گرم یا تون حمام کل از آن سوخته گردد و سفید شود پس بر آورده بسایند و هموزن آن زاج بریان و صبر جملة را مساوی کنند و کوفته بیخته با مثل آن شکر سرخ ممزوج نموده سفوف نمایند شربت از یک حبه تانیم درم موافق بود است مزاج و سن \* سفوف مسک گفته اند که این سفوف مفرح و منشط و مشهی و ممسک انزال است \* صنعت آن مغز بادام شیرین معشبو داده و عر بسته معشبو داده مغز انجک بوداده مغز جوز کبریتی خصیة الشعاب مصروی دارچینی خوانچان بسیار بهمن سوج بهمن سفید شفا قل ص

مصری ایندیشم مقرض از هر يك يك مثقال دانه هیل بوا نیم مثقال زعفران یکد آنک و نیم مشک خالص عنبر اشهب ورق  
 طلا از هر يك یکد آنک چوس خالص اعلی دو مثقال نبات سفید پنج مثقال کوفته بیخته شربتتی او نیم دانه یکد و نیم آنک  
 عادت \* سفوف مسکود یکد که همین منافع دارد \* صنعت آن مغز بسته بوداده مغز بادام شیرین معشوب بوداده دارچینی  
 سیلان نبات سفید از هر يك دوازده درم چوس اعلی یکد و نیم کوفته بیخته سفوف سازند شربتتی یکد و نیم \* سفوف مسکود  
 که همین منافع دارد و مقوی معده و هاضم طعام است \* صنعت آن دارچینی دانه هیل بوا مصطکی رومی نعناع خشک  
 از هر يك هفت درم پوست انارچ نانخواه را زیاده زنجبیل غولنجان زیاده کرمانی مد برگاشم بسماسه از هر يك سه درم چوس  
 خالص اعلی یکد و نیم کوفته بیخته شربتتی یکد و نیم باکلاب ده مثقال تناول نمایند \* سفوف مسکود یکد که همین منافع  
 دارد \* صنعت آن نانخواه مد برگ و آب لیمو سه درم بادیان خطائی زنجبیل بوداده از هر يك دوازده درم دارچینی  
 قرنفل دانه هیل از هر يك هفت درم چوس خالص اعلی یکد و نیم کوفته بیخته سفوف سازند شربتتی یکد و نیم \*  
 سفوف مسکود یکد که بسیار مستی آورد و تقویت اعضای رئیس ممکن و فوائد بسیار است \* صنعت آن عنبر  
 اشهب یکد و نیم بنفشه خشک دو جز و کتیرا نیم جز و مجموع را در یکروز سه مرتبه تناول نمایند بسیار نافع و مجرب  
 است \* سفوفات مسهل هر يك در رسم خود ذکر یافتند مثل سفوف افیمون و اهلیج و بسفایج و تربک و غیره \* سفوف  
 سفید زحیر و استسقا را نافع باشد \* صنعت آن ریوند چینی مغز تخم خیار بن تخم کرفس بریان انیسون بریان  
 هلیله سیاه در زیت بریان نموده اجزا مساوی کوفته بیخته سفوف سازند مقدار مستعمل از آن در درم تا چهار  
 درم چهار تخم باید درست باشد \* سفوف مقلباتا که سرد مزاجان را مفید است و نافع است از برای اسهال کهنده  
 و زحیر و ضعف معده از برودت و مغص و بواسیر و محلل ریاخ است \* صنعت آن حرف بریان کرده یکد رطل و نیم  
 زیاده کرمانی بسره که خیسانید و یکشما نرو و زو خشک نموده و اندکی بوداده نیم رطل تخم کتان تخم کند نا بیطی  
 هلیله سیاه در زیت بریان کرده یکد رطل زیاده کرمانی ربع رطل مصطکی رومی یکد اوقیه و نیم کوفته بیخته در شیشه  
 نگاه دارند شربتتی یک مثقال \* سفوف مقلباتا بارد \* صنعت آن بزرقطونا بیست مثقال تخم ریحان تخم بارتنگ  
 تخم خشخاش سفید از هر يك ده درم تخم خرفه تخم حماض نشاسته از هر يك هفت درم صمغ عربی ده درم کل  
 ارمنی پانزده درم تخمها را بریان کرده همه را سوای چهار تخم اول کوفته بیخته یکجا کرده سفوف سازند شربتتی یک مثقال  
 تاد و مثقال و نسخه این سفوف که نواب میرزا محمد باقر موسوی حکیم باشی در رساله مجربات خود ذکر کرده و قلمی نموده  
 که این بزور است که معروف کردید و بمقلباتا چنین است بزرقطونا بیست درم تخم مرو تخم ریحان بارتنگ نشاسته  
 تخم خشخاش از هر يك ده درم تخم خرفه تخم حماض معشوک سرخ از هر يك هفت درم صمغ عربی بیست درم طین  
 ارمنی سی درم بل ستر و سفوف سازند و در نسخه قلانسی صمغ عربی و طین ارمنی از هر يك ده درم است و در نسخه دیگر  
 از هر يك پانزده درم است \* سفوف مقلباتا که سید اسمعیل در ذخیره در اسهال معده ذکر کرده \* صنعت آن هلیله سیاه  
 بلبله آمله منقح همه را در زیت خالص بریان کنند از هر يك پنجم زیاده کرمانی مد بر تخم کند نا بریان حب الرشاد  
 بریان از هر يك هفت درم تخم کرفس مد بر انیسون مد بر از هر يك چهار درم مصطکی رومی سنبل هندی فاقله قرنفل  
 عود هندی قشای خام از هر يك دو درم سعد کوفی سه درم اجزا سوای حب الرشاد کوفته بیخته همه را یکجا کرده نگاه دارند  
 شربتتی صبح سه درم و شام سه درم بخورند \* سفوف مقلباتا بارد نافع از برای زحیر و سحج و اسهال صغروی \* صنعت آن  
 بزرقطونا بوداده بیست درم کل ارمنی سی درم صمغ عربی ده درم تخم خشخاش سفید بریان ده درم نشاسته سه

درم طباشیر سفید پنچرم بدستور مغرر سفوف سازند شربت سی درم باریب سفرجل يك اوقیه و در نسخه دیگر وزن  
 نشاسته پنچرم است \* سفوف مقلیاناد بیکر \* صنعت آن بزرقطونا تخم ریحان بارتنگ تخم تیره تیزک این هر چهار را بریان  
 کرده ناکوفته تخم حماض تخم خرفه زرد نشاسته تخم مرو صمغ عربی کل ارمنی تخم خشخاش سفید این همه را کوفته  
 بخته همه را یکجا کرده سفوف سازند شربت سی درم و مثقال \* سفوف مقلیاناد که نافع است از برای زحیر و استسقا \* صنعت آن  
 زبده کرمانی مک بر پنج مثقال بز رکتان تخم کند نا هلیله سیاه در روغن بریان نموده از هر يك در و مثقال مصطکی رومی  
 یک مثقال جمل را کوفته بخته پس بیست درم حب الرشاد و در سدران بینا میزند و سفوف سازند مقلد ار مستعمل  
 چهار درم با ماء الاصول \* سفوف مقلیاناد که سید اسمعیل در سطح امعای علیا آورد \* صنعت آن تخم مرو بزرقطونا  
 بارتنگ تخم حماض شاه سفوف تخم خرفه مقشر مغز تخم کل یعنی زرد تخم خطمی سفید از هر يك دو مثقال همه را بریان  
 کنند طباشیر سفید طین قیولیبا نشاسته بریان صمغ عربی بریان از هر يك چهار مثقال کل ارمنی در و مثقال کهر با چهار  
 مثقال اجزا را سواي بزرقطونا کوفته بخته همه را یکجا کرده شربت سی درم تا پنچرم با شراب مورد و سائر شربه  
 مناسبه بنوشند و بعضی بزرقطونا تخم مرو تخم حماض تخم شاه سفوف همه را بریان کرده و روغن کل بادام چرب کرده داخل  
 میکنند و يك آنکه سید اسمعیل این سفوف را با سم سفوف مقلیاناد ذکر کرده و حال آنکه مقلیاناد نام حب الرشاد است و حب  
 الرشاد درین نسخه داخل نیست \* سفوف مقلیاناد که سید اسمعیل در زخیره در زخیریکه بسبب بلغم باشد آورد \*  
 صنعت آن هلیله کابلی هلیله آمله از هر يك يك اوقیه همه را در آب سفرجل بجوشانند و خشک نمایند در سایه و بریان  
 کنند و روغن کا و بکوبند و وزن کنند تخم کنان بریان تخم کنان بریان حب الرشاد بریان مصطکی رومی از هر يك نیم  
 اوقیه کل ارمنی يك اوقیه اجزا را سواي حب الرشاد کوفته بخته همه را یکجا کرده در شیشه نگاه دارند شربت سی  
 بوقت حاجت سه درم \* سفوف مقلیاناد بیکر که سید اسمعیل درین موضع آورد \* صنعت آن هلیله کابلی منقح از نور  
 بیست درم در شراب قابض يك شبانه و زنجیرسانند و رسایه خشک کنند تخم کنان بریان تخم مرو بریان از هر يك سه درم  
 حب الرشاد بریان پنچرم کوفته بخته با ماء العسل بسروشند و اقراص سازند و خشک کنند و مرقبه دیگر بریان کنند  
 بنحویکه سوخته نکرد و بوقت حاجت سوده شربت سی درم تا سه درم \* سفوف مقوی معده و کبد و احشاء \* صنعت آن  
 قاقله کبار قاقله صغار از هر يك در و مثقال سعد کوفی سازند ج هندی سنبل الطیب طباشیر سفید قرنفل از هر يك شش مثقال  
 خولنجان بیخ بنفشه قاقیا زرشک منقح دارچینی از هر يك پنج مثقال نبات سفید بیست مثقال کوفته بخته سفوف سازند \*  
 سفوف منقول از مجربات نواب حکیم احمد و بی نظیر است \* صنعت آن کشمیز خشک بوداده تخم خشخاش سفید  
 بوداده تخم کاهوی مقشرا از هر يك در و مثقال و نیم نبات سفید دوا زده مثقال کوفته بخته سفوف سازند شربت سی  
 در و مثقال \* سفوف نافع از بواسطه کبد و معده و اسهال د موی و مکرر به تجربه رسید \* است \* صنعت آن طباشیر  
 سفید حب الاتس کلنار فارسی کثیرا صمغ عربی تخم خرفه سماق منقح پوست بیرون پسته کل ارمنی پوست بیخ انجیر  
 صندل سفید بکلاب سوده کهر باي شمع از هر يك نیم مثقال طرائث شیرین در و درم کوفته و با شراب حب الاتس یا  
 شراب انجیر یا شراب سفرجل یا شراب فواکه سرشته تناول نمایند \* سفوف نشاسته شکم بند و اسهال را نافع باشد \*  
 صنعت آن بزرقطونا بوداده تخم مرو بوداده تخم ریحان بوداده نشاسته صمغ عربی بریان کل ارمنی از هر يك  
 در و مثقال کوفته بخته بکار دارند \* سفوف هندی تپهای خفی و سعال مزمن و ناقهین را نافع باشد و بوقت معده و دل  
 را شتهای عام آورد \* صنعت آن نبات سفید سی و درج و طباشیر سفید شانزده جز و دارچینی هشت جز و دواقل چهار

چهار جز و قرنفل و جوز و همه را کوفته بپخته سفوف سازند و قد مستعمل از یک گرم تا دودرم باشد و بعضی قاقله کینار و صغار از هر يك دو جز و نیز از فزاینده \* سفوف هندی این سفوف را ما مر از کتب اطباء هند ترجمه نمود و نافع است از برای اوجاع ظهر و سستی آلات تناسل و از برای سرعت انزال و مقوی انعطاف است \* صنعت آن فوکل هندی هفت هفت مثقال و نیم در سفال آب ندیل و بوداده در چینی هفت مثقال و نیم بد ستور کوفته بپخته بر روی آتش نرم کد اشته با چهار عدل زرد تخم مرغ بقدر آنکه معجون شود مغز پسته و و مثقال و نیم نبات سفید هشتاد و دودرم کوفته با آن مخلوط کرده مجموع یک و نیم خوردن میفرمایند این مقدار در چینی را در يك روز خوردن البته ضرر میسرساند \* سفوف نافع از برای زنان حامله و طرد ریاح و تقویت کبد و معده \* صنعت آن مروارید ناسفته عاقر قرحا از هر يك یک گرم زنجبیل مصطکی از هر يك چهار درم زرنیا در درون چینی تخم کرفس و جگر کی خربوا جوز بوا فلغل در چینی از هر يك و مثقال تودی هرخ تخم را زیاده از هر يك یک مثقال شکر بوزن تمام ادویه شربتیکه مثقال \* سفوف نافع از برای حرارت بدن و از برای حمی و حموره و شری و عطش و انشقاق لسان و برسام چون بوزن آن مشک دودانک یک نصف از هر يك یک گرم کافور و بصوری یک گرم و دودانک قاقله قرنفل جوز بوا از هر يك چهار درم کل سرخ کلها فارسی طباشیر سفید از هر يك شش مثقال نبات سفید شصت درم ادویه را کوفته بپخته مخلوط سازند و اگر حرارت بر مزاج غالب باشد بر آورند از اجزای این سفوف جوز بوا را شربتیکه ازین سفوف از برای مردم بزرگ نیم مثقال و از برای اطفال ما بین دو حبه تا یک قیراط بعضی درین سفوف اصل السوس چهار درم افزوده اند \* سفوف نافع از برای طحال و رداءت هضم و لون \* صنعت آن بکیرند حرف سفید ربع کیلچه پس آنرا در پاتیل آهنی حلوائی کرده روغن کنجد تازه آنمقدار که از روی آن بر گردد در آن انداخته با آتش ملایم بجوشانند تا سرخ شود پس بکیرند مغاث بغلادی هفتاد و یک گرم زرد کرمانی چهار درم نانخواه دودرم کوبیده در آن داخل نمایند و هر صبح کفی از آن را با آب سرد بخورند و از سرکه و ماهی تازه و لبنیات و بقول را نفوا که رطبه پرمیز نمایند \* سفوف نافع از برای علتضای کبد مانند ورم و بوقان و سوء القنیه و استسقا و از برای علتضای امعاء مانند قولنج و کرم امعاء و این سفوف کرم است زرد رجه ثانیه و خشک در اوائل درجه ثالثه و فائده عظیمه میوه هرگاه بوده باشد مرض از برودت \* صنعت آن شبرم سکبینه افسنتین رومی از هر يك جزوی را زیاده از خرمکی و آب انجبین و همچنین هلیله زرد و قتیکه حرارت اشتداد داشته باشد و اگر با امراض مذکوره ریاح غلیظه بود زیاد کرده میشود بر اجزای این سفوف اسارون و سلیخه از هر يك دو جز و گاهی زیاد کرده میشود و بر اجزای این سفوف هرگاه اراده زیاد تری اسهال باشد سقمونیای مشوی بوزن يك جز و از اوائل و گاه زیاد کرده میشود و راستسقا انیسون و کل بنفشه تخم کاسنی لحاس محرق را تبینج از هر يك مانند تربد یعنی دو جز و و فرفیون مانند سقمونیای یعنی يك جز و و اگر نمرده باشد در آن حال حرارتی و اگر حرارت باشد و احداث عطش کبد تا التهاب داخل کنند در آن تخم خرفه مقشور مغز تخم خیار از هر يك جزوی مکرر در آن خرد و در وقتیکه برودت باشد این هر دو را حذف کرده میشود بدلیل این هر دو زنجبیل و قسط تلخ داخل میکنند و گاهی حذف کرده میشود ازین سفوف مسهلات را و قتیکه حاجتی با آنها نبوده باشد پس بدلیل کرده میشود تربد زنجبیل و شبرم مصطکی و بنفشه بکل سرخ بوزن آنها و این سفوف از شیخ داود است \* سفوف که نافع است از برای قولنج و ریاح در بطن و از برای استسقا \* صنعت آن سکبینه و پوست هلیله زرد از هر يك یک جز و حب الرشاد تخم کرفس از هر يك نیم جز و کوفته بپخته در شیشه نکاهل ارند شربتیکه دودرم با آب نیم گرم \* سفوف دیگر در افضلات نماید و اخراج بلغم کند و تنقیه مثانه و کلیه نماید از حصاة و غیرها مفید است از برای امراض رحم از برودت \* صنعت آن



مرمکی صافی سعد کوفی اذ خر مکی دار چینی بلوط حب بلسان اجزا مساری زعفران نصف یک جزو پس اگر بود  
باشد از حرارت باید که بدل سعد کوفی بزرگ طونا و بدل اذ خر تخم خرفه مقشر کرده شود و اگر درین حال خونی  
نامد شد و منعقل کردین باشد در کلیه و مثانه و مجاری بول یا بوده باشد فرجه و شدت حرقت در بول اضافه باید  
کرد برای این سفوف از مجلی که مشهور کرده باشند در آن تخم شلغم بوزن مروت تخم کرفس و حجر اسفید و حجر  
الیهود از هر یک بوزن زعفران و زاج محرق بوزن نصف زعفران و هرگاه برای بول معد یا بوده باشد  
در مثانه عفونی حذف کرده می شود مروت سعد و عوغی این هر دو تخم خربزه میکند هرگاه حرارت قوی باشد پس  
اگر حرارت قوی باشد با تخم خربزه محلب و پوست بجم کبر از هر یک بوزن اوائل داخل باید کرد و گاهی اضافه کرده  
میشود برین سفوف مغز بادام شیرین مغز بادام تلخ حسلک از هر یک بوزن زعفران و این وقتی است که بوده باشد  
در بول تقاطر قلیلی و خروج این بر نهج طبیعی نباشد و بوده باشد از برودت و گاهی اضافه کرده میشود بران درین  
حال قوه الصبغ و حب الغار ربع وزن زعفران و هرگاه با آن نفع در نواحی بطن بحیار باشد باید که حذف کرده  
شود ازان بزرور را حالیکه حرارت نباشد و زیاده کنند سنبل هندی سلیخه انیسون ابول از هر یک بوزن زعفران و با حرارت  
بزرور را بحال کناشته زیاده کنند برا جزای آن تخم خیار و تخم قنا از هر یک بوزن یکی از مذکور است و گاهی اقتصار کرده  
میشود در علاج حصاة کلیه و مثانه بر مادی عقارب و حجر الیهود و حجر اسفید بخاصیتی که در آنها میباشد از برای تغذیت  
حصاة چون بیا شامند ازان تا بوزن یک مثقال با غسل میفرمایند که مرا اعتقاد آن است که زیاده کرد و شود در آن  
صمغ اجاص که ناکاها این ادویه موجب تقریح کردند و اگر حرارت زیاده بود کثیرا نیز داخل کنند و ظن من آن است که اگر  
آبکینه محرق و حب القلب از هر یک بوزن یکی از اجزا داخل نمایند می باشد در نهایت نفع و همه اجزا را بدین اژدها مان  
مناسبه باید چرب نمود \* سفوفیکه حرارت جگر نباشد و غما دفع کند و اسهال صفراوی باز دارد و غلبه خون را ساکن  
کند و کسی را که آثار جلدی و حصیه ظاهر شد و یا شد سودده \* صنعت آن غنچه کل سرخ منزوع الاقماع درم  
طبا شیر سفید بیست درم سماق منقی تخم حماض عدس مقشر زرشک منقی تخم خرفه مقشر تخم کا هو مقشر تخم خشخاش  
سفید از هر یک پنجم درم صندل سفید دودرم و نیم کا فور قیصوری یک درم کوفته و پیخته شربت سی درم با شراب حماض  
یا شراب رمان یا شراب حصرم بخورند \* صنعت آن سفوف به نسخه قلا نسی غنچه کل سرخ منزوع الاقماع چهل  
مثقال طبا شیر سفید بیست مثقال سماق منقی از حب پنجم مثقال تخم حماض عدس مقشر زرشک منقی تخم خرفه  
مقشر تخم کا هو مقشر تخم خشخاش سفید از هر یک یک مثقال صندل سفید دودرم کوفته و پیخته شربت سی درم با شراب  
حماض یا شراب ریاس یا شراب حصوم بخورند \* سفوفیکه سد جگر و سد طحال را نافع باشد \* صنعت آن طبا شیر  
سفید ریوند چینی پوست بجم کبر از هر یک دودرم عصاره غافگ یک درم زرشک منقی سی درم ایرو سا یک درم کوفته  
پیخته شربت سی درم با سنگجبین بزروری \* سفوف دیگر قلمی فرموده اند که از اقتراح وائل ماجد فقیر است قدس سره  
از برای اصحاب نفث الدم و سل \* صنعت آن پوست بجم انجماردم الاخوین مر و ایدل ناسفته که ریای شمعی غری السمک  
عودا نصیب رب السوس انیسون سرطان محرق نشاسته بریان شادنج عدسی مغسول کل ارمنی صمغ عربی کثیر  
مغز بادام شیرین از هر یک یک مثقال افیون زعفران از هر یک شش قیصوری نیم مثقال کوفته پیخته مجموع  
را چهارده حصه نموده هر روز صبح یک حصه را با شیر و یا شیر بزرگ با رتنک داخل کرده باشند بنوشند و شام حصه  
دویم را با آب برک با رتنک ده درم بیا شامند \* سفوف دیگر از تالیف اطباء هند نافع از برای تپهای مری که مزمن و



و هر فیه مزمن را این سفوف معده را قوت دهد و اشتها ی طعام آورد و نافعین را نافع باشد \* صنعت آن طبایع شیر سفید  
 شانزده درم دارچینی هشت درم دارفلج چهار درم قرنفل دودرم نبات سفید سی و دودرم کوفته پیخته سفوف  
 سازند و در شیشه نگاه دارند شربت بی د و مثقال ناشتا تناول نمایند \* سفوفیکه دل و دماغ بارد را قوت دهد و نافع  
 است از برای خفقان بارد \* صنعت آن کهوای شمعی چند بید ستر از هر یک یک درم پوست زردا تریخ تخم فرنجیه شک  
 از هر یک نیم درم کوفته پیخته شربت بی یک درم \* سفوفیکه معده را قوت دهد و اشتها ی طعام آورد و انواع اسهال و بواسیر  
 و زحیر را نافع است و منافع بسیار دارد \* صنعت آن کهوای شمعی دارچینی قرنفل جوز بو ا دارفلج سنبل الطیب  
 صندل سفید مغز تخم کنول اخضر مکی اسارون عود هند ی طبایع شیر زنجبیل فلفل زعفران از هر یک یک مثقال نبات سفید  
 بوزن مجموع ادویه کوفته پیخته شربت بی یک مثقال تادودرم \* سفوف دیگر که دل و دماغ و معده را بارد را قوت دهد و جهت  
 خفقان بارد بنها یست \* صنعت آن ذغناغ خشک کهوای شمعی از هر یک پنج درم بید محرق دانه هیل بوا  
 از هر یک سه درم قرنفل دودرم کوفته پیخته شربت بی دودرم با شربت سیمب شیرین با شراب انکوری یا با میبه مطیب  
 بد هند \* سفوف نافع از برای دفع اسهالهای کهنه و سوء القنیه که بالینت طبع باشد منقول از خط میرزا محمد حسین  
 طبیب \* صنعت آن ریوند چینی عصاره غاف از هر یک نیم مثقال لك مغسول یک مثقال از زبانه بزر سر مرق از هر یک یک  
 مثقال و نیم افسنتین رومی د و مثقال تخم کاسنی پنج درم تخم کشوف چهار درم تخم کرفس دودرم کوفته پیخته سفوف  
 سازند شربت بی یک مثقال بایک اوقیه سکنجبین بزوری بیا شامند \* سفوف نافع از برای کوفتگی جگر و سپرز و معده و  
 احشا که بسبب ضربه و سقطه و صلحه باشد مفید است \* صنعت آن کل مختوم طین ارمنی از هر یک سه درم اکلیل  
 الملك چهار درم لك مغسول ریوند چینی از هر یک سه درم زعفران دودرم قصب الن ریوه سه درم قسط تلخ دودرم کوفته  
 پیخته سفوف سازند شربت بی دودرم با آب عنب الثعلب که خیارشنبه دران حل کرده صافی نموده روغن بادام شیرین  
 بران چکانند و باشد و در نسخه دیگر بجای زعفران غاریقون سفید بوزن زعفران داخل است و این نسخه بهتر است \*  
 سفوف دیگر نافع از برای حرارت کبد و یرقان و سد ها و نفثا لک م \* صنعت آن بهلا نه مقشر نشاسته مغز تخم خیارین از هر یک  
 چهار درم کل ارمنی مغسول غنچه کل سرخ منزع الاقماص سنبل الطیب رب السوس از هر یک یک طبایع شیر سفید نیم درم  
 مصطکی رومی دودرم کوفته پیخته شربت بی یک درم تا دودرم با آب سرد بیا شامند \* سفوف نافع که اسهال بازگردد و  
 مغص بدشان و روده و کوده و ضعف آنها و تب را سود دارد و بیماریهای کهنه را باصلاح آورد \* صنعت آن بزرقطونا بارتنگ  
 خشخاش سفید از هر یک پنج درم تخم حماض بهستانی تخم باد روج تخم شاه سفوم تخم مرو تخم حماض بری مقشر تخم صنوبر  
 از هر یک دودرم صمغ عربی خرنوب نبطی از هر یک یک درم و نیم کل ارمنی پنج درم طبایع شیر سفید آرد بلوط طرا ثیف از هر یک  
 یک درم تخمها را بریان کرده سوای بزرقطونا و بارتنگ و تخم حماض بهستانی و تخم باد روج و شاه سفوم و تخم مرو و باقی  
 ادویه را کوفته پیخته همه را یکجا کرده شربت بی از دودرم تا سه درم \* سفوف قلمی فرموده اند که این سفوف از قوه  
 الحکما و استاد الوری السید السند و آلک ماجل فقیر است قل س سه مقوی معده و قلب است و مد رطمت \* صنعت آن  
 مصطکی رومی طبایع شیر سفید کشنیز خشک آمله منقی سماق منقی کلانوارسی پوست بیرون پسته پوست اترج ابریشم  
 مقرض سنبل الطیب سعد کوفی سک المسک را مک زیره کرمانی مد بزیره سبز مد برساذج هندی شو نیز دارچینی  
 خولنجان قرنفل مروارید ناسفته کهوای شمعی صندل سفید کما فیطوس کما ذریوس خار خشک مربا قوه الصمغ تخم کرفس  
 از هر یک یک مثقال ورق نقره نیم مثقال عنبر اشهب مشک تبی زعفران از هر یک شش قیرا نبات سفید بیست مثقال

کوفته پیخته هر روز صبح و شام يك مثقال آنرا با ده درم کلاب بپاشامند \* سفوف دیگر از مغز البه دفع رطوبات نماید  
وصفوی معده رطب و ماضم طعام است \* صنعت آن دارچینی سفید کوفته عود قماری خام ناخته با دیان خطائی قلقل  
سیاه دارقل دانده میل بواسعتر فارسی را زیاده انیسون کشتیز خشک معشور زبره کرمانی مل برزیره سفید مل برزنجبیل  
مصطکی رومی کوفته پیخته شربتیکم مثقال با عرق بادرنجبویه بپاشامند \* سفوف دیگر از مغز البه که همین صنعت دارد \*  
صنعت آن دارچینی سیلانی مصطکی رومی قرنفل بادیان خطائی زبره کرمانی مل برزیره سبز مل برزیره از هر يك جزوی نبات  
سفید بوزن مجموع ادویه کوفته پیخته شربتیکم مثقال \* سفوف از تالیف اطباء هند از برای کثرت سیلان رطوبات از  
ازحام و فروج زنان و از برای کثرت و ذی و منی و سیلان منی و این سفوف از مجربات شمرده اند \* صنعت آن کل انبه کل  
فلفل کل پیسته را کوفته یافت نشود کل پیسته پوست بیرون پیسته صمغ دهاک از هر يك سه ماشه شکو سفید یک توله کوفته پیخته  
با شیر و بخورند \* سفوفیکه نافع است از برای دماغ و ریه و سینه و ملین طبیعت \* صنعت آن مغز بادام شیرین معشور  
فالین سنجری غنچه کل سرخ از هر يك پنج درم کل پیسته خشک یک درم کشتیز خشک معشور نیم درم کوفته شب رقت خواب  
پنج درم آنرا بخورند \* سفوفیکه دفع خمار نماید و حرارت جگر بنشانند و قی و اسهال صفرار نافع باشد و غلبان  
خون را ساکن گرداند \* صنعت آن تخم کاسنی معشور کشتیز خشک معشور تخم کرنب زرشک منقی سماق منقی علس معشور  
غنچه کل سرخ منزع الاقماع طباشیر سفید اجزا مساری کوفته پیخته شربتیکه سه درم با یک طسوج کافور قیصریه با  
شرابی آنرا بخورند \* سفوفیکه حرارت مزاج قلب و جگر و معد و ریه نشانند و خفقان و ضعف قلب بسبب حرارت را نافع  
باشد \* صنعت آن غنچه کل سرخ منزع الاقماع طباشیر سفید از هر يك یک درم کشتیز خشک معشور و درم کافور ریاحی  
قیم در آنک کوفته پیخته در شیشه نکاهد از یک شربتیکم مثقال با آب سیب شیرین یا آب انار شیرین یا آب به شیرین \*  
سفوف دیگر نافع از برای مال بخورلیا و صاحب و سوا من سوداوی و خفقان حادث از سودا \* صنعت آن پوست هلیله  
کابلی هلیله سیاه آمله منقی تخم فرنج مشک تخم بالنگرا سطوخود و سکار زبان افتیمون اقريطی کل از منی عود هند  
سعد کوفی قرنفل کشتیز خشک معشور از هر يك سه درم مروارید ناسفته کوبای شمعی ابریشم معروض حرار منی سودا  
مغسول از هر يك یک درم و نیم تخم خرنه معشور مغز تخم کدوی شیرین از هر يك چهار درم کوفته پیخته شربتیکم مثقال  
با عرق بادرنجبویه یا شراب سیب شیرین \* سفوفیکه خون از رحم و از مقعد بازدارد \* صنعت آن کشتیز خشک معشور  
بریان سماق منقی از هر يك ده درم مازوی سبزی سوراخ بلوط بریان قرنفل کلنا و فارسی از هر يك پنج درم چند بیدستر  
صدف سوخته کوبای شمعی بسد معرق از هر يك ده درم کوفته پیخته شربتیکه دو درم با آب سرد بپاشامند \* سفوفیکه  
زنان آبستن را سود دارد و باد رحم را بپراکند و کند و معد و جگر را قوت دهد \* صنعت آن مروارید ناسفته عاقر قرحا  
از هر يك دو درم زنجبیل مصطکی از هر يك پنج مثقال زرنبا درون عرقی تخم کرفس جوز بودا و رافل دارچینی خرد و  
از هر يك سه مثقال بود نه تخم بادیان از هر يك یک درم و نیم نبات سفید بوزن مجموع ادویه کوفته پیخته شربتیکه از درم  
ناسه درم \* سفوف نافع از برای امراض ریخی چون استعمال کرده شود بعد از تنقیه ماده ریخ خصوص از برای صناع  
بلغمی ریخی و دوار و سد روکا بوس و دوی و طنین و امثال اینها \* صنعت آن سد اب یا بس انیسون و زیاده فواید کمون  
کرمانی مل برزیره یک جز و پوست هلیله زرد پیوسته هلیله آمله منقی از هر يك دو جز و نبات سفید بوزن مجموع ادویه  
کوفته پیخته مقلد ار مستعمل از آن در درم \* سفوفیکه ادرار بول بقوت تمام نماید و چون با سکنهچین بزرور بارند  
یا جاریا معتدل بنوشند استسقای زقی را مفید باشد \* صنعت آن مغز تخم خربزه مغز تخم خیارد از مغز تخم خیارد و یک از

از هر يك پنجدرم تخم كشت تخم كاسنی از هر يك سه درم تخم كرفس بزره ملون را زیاده رب السوس قوه الصبغ از هر يك  
 دودرم زرشك منعی چهار درم ریوند خطائی يك مثقال لك مغسول چهار داتك زعفران سنبل الطیب مصطكى رومی  
 افسنتين رومی از هر يك يك درم کافور قیصوری دوداتك بد ستور سفوف سازند قد مستعمل از ان يك درم \* سفوفيكه  
 نافع است از برای باد های معدی و سپرز را معارضه را قوت دهد و اشتها آورد و مجرب است \* صنعت آن ناخواه تخم  
 كرفس صبر سقو طری اجزا مساوی شكر طبرزد كوفته بپخته سفوف نمایند شربتیک مثقال \* سفوف منقول از خط سیند  
 الا طبایر زامد رحیم قلمی فرموده اند که این سفوف مخترع غالباً صاحبی ام یعنی میرزا محمد باقر حکیم باشی شاه  
 سلطان حسین که برای بیبوست دماغ و سهرو و فزوع مرکب فرموده اند و بی نظیر است \* صنعت آن کشنیز خشک بوداده  
 تخم خشخاش سفید بریان تخم کاهو از هر يك د و مثقال و نیم و باد و ازده مثقال نبات سفید كوفته بپخته سفوف سازند  
 شربتیک و مثقال \* سفوف قلمی فرموده اند که تالیف حضرت علامی قدوه حکما و استاد طبایر میرزا محمد هادی قدس سره  
 والد ماجد فقیر است و همین خاصیت دارد \* صنعت آن کشنیز خشک بریان تخم خشخاش بریان از هر يك پنج مثقال  
 تخم مرو بریان سه مثقال دانه هیل د و مثقال نبات سفید پانزد و مثقال كوفته بپخته شربتیک سه مثقال و اگر در معدی  
 ضعف باشد بجای نبات سفید خاړك چهار میکنند \* سفوفيكه تقویت معدی و دماغ کند \* صنعت آن دانه هیل صندل  
 سفید قرنفل د ارچینی جوزبوا از هر يك د و مثقال زعفران پنج مثقال قند سفید يك ص مثقال اجزا كوفته بپخته سفوف  
 سازند خوراكي يك مثقال و نیم تاد و مثقال \* سفوفيكه مقوی معدی است و اسهال خون را باز دارد \* صنعت آن طباشیر  
 سفید حب الاس کلنا رنارسی صمغ عربی کثیرا از هر يك نیم مثقال طرائیف دوداتك و نیم تخم خرفه مقشر سماق پرست  
 بیرون پسته کل ارمني بیخ انجبار خیسانید و کهر با از هر يك نیم مثقال كوفته بپخته سفوف سازند با شراب مورد یا  
 شراب سفرجل یا شراب انجبار یا شراب فواکه \* سفوف جهت رفع اشتها و دیه در وقت حمل و جهت تقویت معدی  
 و اشتهاى طعام و نیکو کردن رنگ رخسار \* صنعت آن زرنباد تخم كرفس از هر يك دودرم ناخواه كند از هر يك سه درم  
 چند بید ستر نیم درم زیره کرمانی دودرم سفوف سازند \* سفوف الحفظ جهت تقویت دماغ و تنقیه اواز و طو بات  
 فاسله و زیاده تی حرات غریزی و زائل کردن نسیان \* صنعت آن کندرم مصطكى رومی د ارچینی د ارقلل هود لسان  
 الثور یا درنجبویه مساوی الوزن ککنج یازده دانه شكر سفید مثل همه قد ری شربت دودرم تاد و مثقال بآب گرم در  
 تابستان يك روز میل نمایند و بکروزنه \* سفوف جهت قطع سیلان منی و مدی و روزی \* صنعت تخم کاهو تخم سداب  
 تخم پنجه گشت از هر يك سه درم سعد شهد انج از هر يك دودرم کلنا رنارسی يك درم شربتیک سه درم با آب سرد \* سفوف  
 جهت قطع شهوت جماع از زنان و مردان \* صنعت آن بزرالبنج تخم خرفه تخم کاهو تخم شبت از هر يك يك جز و نهلو نر  
 د و جز و شربتیک سه درم با آب تخم خرفه \* سفوف که جهت سپرز مجرب است و تا یک هفته زائل میکند و منقول از تلک کوه \*  
 صنعت آن مویجان سوخته يك درم کتیرا دوداتك بنوشند و بد ستور و شکر سوخ یک جز و عرق بهار چهارده جز و مویجان  
 دوداتك تا یک هفته مدت نماید مجرب است \* سفوف مجرب جهت حرقة البول و وجع حین بول \* صنعت آن  
 مغز تخم خربزه مغز تخم خیار و مغز تخم کد و تخم خرفه خشخاش سفید نشاسته کتیرا و رب السوس بزرالبنج سفید قند مساوی  
 همه د و مثقال را با جلاب ساد یا شربت بنفشه بنوشند \* سفوف نفوس منقول از محمد بن ذکریا میفرماید که مجرب  
 است جهت رفع نفوس بارد و دودرم مفاصل بارد و بالکلیه قلع میکند \* صنعت آن ناخواه اسبل ورق سداب خشک تخم  
 كرفس را زیاده دوقوا از هر يك يك جز و قوه بادام تلخ سنبل قسط حلوز را وند مد حرج از هر يك نیم جز و هر روز يك درم استعمال

نمایند و ابتدا از زمستان نموده تا وسط بهار و بعد از استعمال این سفوف تا چهار ساعت چیزی میل نکنند از ماکول و مشروب و بعد از تنقیه بدن استعمال نمایند \* سفوف جهت درد پشت و درد شکم و زبول و منی و تقویت الطاف و سستی آلات تناسل و مجرب است از حکمای هند و ستان از ترجمه ما منقول شده \* صنعت آن فوکل هفت مثقال و نیم صلابه نموده در سفال پاک اندک بود هفت روز او چینی هفت و نیم درم را بدستور گرفته بپخته صاف نمایند و بروی آتش نرم کنند داشته با چهار پنج عدد زرد تخم مرغ بقد آن که معجون شود آهسته مغز پسته و و مثقال و نیم نبات دو مثقال و نیم کوبیده یوان نثار کرده مجموع آن را در یک روز تناول نمایند مجرب النفع \*

سفوف برای وجع اذن \* صنعت آن میل بوانا نخو و فلفل سیاه هر سه مساوی نرم گرفته بپخته قدری در گوش بریزند و قطور شیر \* این هانیز معین است \* سفوف تالیف میر محمد مؤمن صاحب تحفة المؤمنین جهت تب دق و سل و سرفه که با تب باشد و جهت لینت طبع و منع نزلات حارة مجرب قن شربتش دو مثقال است \* صنعت آن با قلا هفت مثقال کثیرا نشاسته صمغ عربی تخم خطمی مغز تخم کد و مغز تخم هند وانه رب السوس مغز دانه به طباشیر سفید مغز تخم خیار الحبة التیس کل از منی از هر یک چهار جز و خشخاش سفید سرطان محرق از هر یک ده جز و مغز بادام آقا قیالکنار از هر یک دو جز و سفوف سازند \* سفوف جهت درد سحر که با حرارت باشد از حکیم میر محمد زمان مرحوم \* صنعت آن کل سرخ باز کبر از هر یک سه جز و که یک شبانه روز در سرکه خیسانیده و خشک کرده باشند زرشک بیکانه بوداده سه جز و بوره از منی اسقو لو قند ریون از هر یک دو جز و اگر نما شد بدل آن بیخ کبر تخم کرفس از هر یک دو جز و با نوره الطوفان و غار بختون از هر یک یک جز و کنند شربت می از یک مثقال و نیم تا دو مثقال با شیر شتر یا ماء الحین یا آب چوب کز یا سنگچین بنوشند \*

**باب السین مع القاف \*** سقمونیا بضم سین مهمله و فتح آن نیز آمده و سکون قاف و آن را بر عری محموده نامند عصاره نبات پر شیر است که شاخهای بسیار از یک بیخ میروید بقل رسیده چهار ذرع و بر روی زمین پهن میشود و در بعضی مکانگاه باشد که راست ایستد و ظاهر آن بازطوبت چسبنده و برکش مثل برگ لبلاب و نرم تر و سبز تر و یار یکتر از آن و گلش سفید مستند بر زمین تپه و ثقیل المرائحه بیخش سفید بقل زردک عظیم حجم و کوتاه و بد بویر از رطوبت و چون ابتدا بیخ او را قطع کرده اطرافش از خاک خالی نموده در یکجا فروش کنند رطوبتی لبی آن در یکجا جمع شده بردارند و بهترین آن صاف سبک وزن پوسوداخ شبیه با سفنج است که زود و زود شود و مانند بزرگی و کمودی و سفیدی باشد و محلول آن در آب سفید شود و زبون ترین آن چو مغانی است که از بلاد چرمقان میخورد و سیاه آن قتال است هر چه بصفات مذکوره نباشد مصنوع از شیر بتقواعت خواهل بود و قوت غیر مشوی آن تا سی سال باقی است و بعد از آن قوت مسئله آن زائل گردید و مد رمی شود و مشوی آن تا نامة سال قوت باقی است و شوط است که در میان سبب و به خمیر تشویه کنند و با مثل این مصالحت استعمال نمایند مصطکی عود و اکثرا در زنجبیل و بنفشه و صبر و روض بادام و این قلمین سنا مکی و انیسون را بهترین مصالحت دانسته اند و در معده و زبون با عصاره کل سرخ در به استعمال نمایند و باید مبالغه در سائیدن او نکنند که باعث ضعف فعل آن است و اگر در محرومین ضعیف القلب و اطفال ضعیف الاضداد و رهای بسیار سرد و بسیار گرم استعمال آن نکنند اولی است در سیوم گرم و در اخر دریم خشک مسهل صفرا و از وجات مخلوط با آن و جاذب از اقصای بدن و مقوی فعل در مسهل و بغایت سریع العمل و قاتل جنین و گرم معده و رجالی و محال و منضج و من رفلاط و جهت کزیدن مغز شتر یا وضاد با نافع و با مثل آن تربید چون با شیر بنوشند جهت اخراج اقسام گرم معده و امعا مجرب و بالا جود جهت امراض سرد و

و با زنجبیل و تربک جهت مواد بلغمی نافع زیاد و آن مضر دل و معده و امعاء و مویث نشکنی و کرب و غم و رافع اشتها و زیاد  
از نیم درم آن کشند و است و ضماد آن جهت برص و بهق و با روغن بادام جهت دزدن و با روغن زیتون جهت خراجات  
و با عسل جهت عرق النسا و با سرکه جهت قوبا و صداع ضربانی و با زهره کاور و ترمش مطبوخ چون بر خوالی ناف طلا کنند  
جهت اسهال نمودن اطفال و ضعیف الاحشا موثر و بدیع آن محرق و محلل و ضماد آن جهت برص و دزد مقاض و تحلیل اوزام  
نافع و ضماد و برک آن در افعال ضعیف تر از نیم آن و فرجه جمیع اجزا و آن مخرج خلین و قائل آن و قدرش بتش از نیم آنک  
تا د و دانک و از برکش تا یکد رم وید لش یکوزن و نیم آن صبر و دو نیم وزن آن هلیله زرد و کوبند لاغیه بدل آن است و  
چون سقمونیا را با کلاب و آب سماق و به سائیک و قرص کنند بهمه جهت بیغائله است و خوردن در مثقال از بهی که در آن  
محمود و را مشوی کرده با شنک با قدری بنفشه جهت جمیع امراض صفراوی و رفع تپها مضیق است و بی ضرورت است \*

دستور مشوی نمودن سقمونیا آن است که میان سیب یا بهی را خالی نمایند و سقمونیا آنقدر ار که در میان آن سیب یا بهی کتخل  
پرو کنند و در پارچه کتانی بسته در خمیر گیرند و در میان تنور بیکه بکرمی معتدل باشد بکند آنرا که خمیر پخته گردد برشته  
شود پس بر آورند و خمیر را از سیب یا بهی جدا کنند و سقمونیا از میان آن بیرون آورند و در سایه خشک سازند و  
بعد از آن استعمال نمایند و اگر به یا سیب نباشد در پوست تخم مرغ که سرتخم را سوراخ کرده آنچه در آن ریزن آن است  
بر آورده پاک شسته سقمونیا را در آن گذاشته آب به یا سیب یا هرد و بر بالای آن ریخته سرتخم را بتک کرد و تخمیر گرفته  
تشرویه نمایند و خمیر تنها نیز تجویز نمود و اند و حکیم ارزانی گفته که اگر به و سیب بهم نرسد با بنفشه سائیک استعمال  
نمایند حقیر گوید در این صورت اگر اولاد و پوست تخم یا در خمیر گرفته تشرویه کنند بعد از آن با بنفشه سائیک استعمال  
نمایند بهتر است \*

**فصل در بیان نسخ جوارشات سقمونیا \*** جوارش سقمونیا مشهور بجوارش اسقف  
خفغان و باد بواسیر و اوجاع خاسره و خالبدین و قولنج و اسهال منک بود و یادها که در معده باشند بکشاید \* صنعت آن سقمونیا  
مشوی تربک سفید تراشیده و بروغن بادام چرب کرد و از هر یک پنج مثقال فلفل قاقله از هر یک سه مثقال زنجبیل و ارچینی  
آمله بسپاسه قرنفل جوز و از هر یک در نیم مثقال مرکی دو مثقال شکر طبرزد پنج رطل عسل کف گرفته در چند ادویه اجزا  
کوفته پیخته معجون سازند و بعد از ششماه استعمال نمایند شربت می اژد و مثقال ناچهار مثقال و در نسخه دیگر مرکی داخل  
نیست و در نسخه دیگر اقریطی یک مثقال و نیم داخل است ادویه کوفته یک رطل شکر طبرزد را کوفته با آن مخلوط  
کرد و مجموع را با عسل بسروشند شربت می تام ازان چهار مثقال و در نسخه دیگر وزن شکر طبرزد درین جوارش نیم رطل است  
که رطلی یکصد و بیست و هشت درم و نیم است و در قوبا دین فلانسی مسطور است که شربت می ازین جوارش جهت هضم  
دو درم است جهت اسهال شش درم مزاجش گرم و خشک در اول درجه سیوم \* جوارش سقمونیا مشهور بجوارش هندی  
اوجاع مفاصل و نقرس و وجع ظهر و قولنج را نافع بود \* صنعت آن سقمونیا مشوی و درم جوز و قاقله کبار دارچینی  
زنجبیل قوفه نارمشک فلفل از هر یک پنج رطل و تربک سفید تراشیده و مضمع بیست درم تربک را بروغن بادام چرب نموده  
اجزا کوفته بعد از آن سه وزن ادویه بسروشند \* جوارش سقمونیا دیگر از چند بن ذکر یا قولنج ثقلی و ریخی را نافع باشد \* صنعت آن  
سقمونیا مشوی یکد آنک تربک سفید یکد رم مصطکی یکد آنک زنجبیل و ارچینی فلفل از هر یک نیم آنک با قند بسروشند  
عجوج یک شربت باشد \* جوارش سقمونیا برای وجع مفاصل و خاصه بی نظیر است \* صنعت آن سقمونیا مشوی  
تربک سفید مل بر از هر یک هفت و نیم درم دارچینی آمله منقی بسپاسه مصطکی رومی قرنفل جوز و از هر یک چهار  
درم و نیم فلفل سیاه زنجبیل از هر یک چهار درم ادویه کوفته پیخته با سه چندان عسل بسروشند شربت می جهت هضم طعام در

درم و از برای اسهال شش درم \* جوارش سقمونیا مشهور بجوارش قیض قولنج و نقرص را نافع باشد و اخلاط غلیظه لزجه را دفع کند و بلغم بکشد از \* صنعت آن سقمونیا دارفلعل زنجبیل هلیله زرد تربل سفید ازهریک دوازده درم قند سفید شانه درم تخم کرفس نا نخواست عا قرقرها نمک طبرزد ازهریک شش درم کوفته بیخته بعسل بسرشد \* جوارش سقمونیا شکم را نرم کند و با دها بشکند و بلغم خام را دفع کند و درد تهیگاه رین را ن و قولنج را نافع باشد و باد بواسیر و رکت و برودت و طوبیت آن را به برد \* صنعت آن تربل سفید مجوف مصغ مد بر پنجه رم سقمونیا عا نطاکی مشوی فلعل قاقله از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی آمله منقی بسباسه قرنفل جوزبوا ازهریک یک درم قند سفید یکصد درم اجزا کوفته بیخته با عسل بقدر کفایت بسرشد شربت بی چهار مثقال \* حب سقمونیا مسهل صغراست \* صنعت آن به نسخه حکیم محمد صالح خان سقمونیا مشوی کل بنفشه ازهریک دو مثقال صغ عربی نیم مثقال صغ را با آب حل کرده ادویه را کوفته بیخته با آن سرشته حبها سازند شربت بی یک درم تا یک مثقال \* دواء السقمونیا مشهور یک واء البلم جنس بلغمهای لزج و بلغم مخلوط بصغرا و طوبات فاسده را از تن فرود آورد مجرب است \* صنعت آن سقمونیا مشوی نمک مندی دارچینی ازهریک دو درم قاقله انیسون ازهریک دو درم و نیم دارفلعل یکد انگ و نیم شکر سفید چهار درم مجموع را کوفته بیخته شربت بی چهار درم با آب گرم و قوت این دوا تا دو سال باقی میماند \* سنگنجبین سقمونیا مسهل صغرا قالیف شیخ رئیس \* صنعت آن بکیرند عسل مصفی و با شکر و سرکه انگوری کهنه چنانچه در سنگنجبین سادج جالینوسی و سنگنجبین سادج شیخ رئیس ذکر کرده شد و به پزند چنانچه وصف کرده شد و در حین طبع بگیرند عصاره قثاء الحما و سقمونیا انطاکی ازهریک یک اوقیه و یا زیاده و یا کمتر بمقدار حاجتی که اراده شده و بپایند و رگیده کرده چنانچه نصف کیسه خالی باشد و سرکیسه را محکم بندند و کیسه را در یک اند از یک و ساعت بساعت کیسه را بمالند و به فشارند و شیوه آن را بکشند تا تمام کاخته شود و چیزی در کیسه نماند و چون بقوام آید از آتش بر گرفته سرد کرده در شیشه نگاهدارند و اگر بجای سقمونیا و عصاره قثاء الحما بریزند در آن اصل سقمونیا یا بیخ کرفس و بیخ بادیان در طبع اول روا باشد و سید اسمعیل گفته که در صورت اول مثلاً در یکمن شکر یا عسل ازهریک از سقمونیا و قثاء الحما چهار درم باشد و این دو جز را در خرقه کنانی بسته در یک اند از یک و خرقه را بمالند تا تهی شود و در صورت ثانی بیخ بادیان ده درم و بیخ کرفس یک درم و سقمونیا قریب دانه و عصاره قثاء الحما دانه در هر شربت بی که یک اوقیه است باید که افتد و اگر عصاره قثاء الحما ریافت نشود دهنش رب هلیله کنند یا رب تربل و صغ این هر دو رب در باب هلیله ذکر شد و شربت بی ازین سنگنجبین یک اوقیه با کلاب یا جلاب سکری دهند میفرمایند که مرا معلوم نیست که این فاضل از کلام شیخ چه فهمید که تفهیم متن را با این عبارت نموده و بر صاحب فهم ظاهر است که این تفسیر کلام شیخ نیست و صورت ثانی که پیش خود فرود آورده آنرا هیچ نسبتی بقسم ثانی که شیخ قرار داده نیست \* معجون سقمونیا بی صغرا و بلغم براند و کسانیرا که از خوردن مسهلات کراهیت کنند موافق بود \* صنعت آن سقمونیا مشوی مغز بادام مغشور مغز حب القرطم کنجد مقشور ازهریک سه درم مومکی شکر طبرزد ازهریک بیست درم شربت بی دو درم با کلاب کرم \* معجون سقمونیا بی محور را مزاج را نافع باشد و در فصل تابستان موافق بود و شکم را نرم دارد و صلا ع صغرا وی را سود دهد و بدن را از اخلاط پاک سازد \* صنعت آن سقمونیا مشوی بنفشه سنابک پیوست هلیله زرد کل نیلوفر کل سرخ ازهریک دو درم اجزا کوفته بیخته بروغن بنفشه بادام یا بادام صرف چرب کنند و با سه چند آن قند و عسل بسرشد شربت بی سه درم با کلاب بنوشند \* معجون سقمونیا مشوی معجون راحت قولنج بکشاید و با دهن کند و نافع است از برای درد پشت \* صنعت آن به نسخه حاوی صغیر سقمونیا مشوی قرنفل زنجبیل مه

مصطكي فلفل دار فلفل از هر يك دو درم گرفته بيخته بچلاب بحر شند شربتني يك مثقال \* معجون راحت به نسخه شفا ئي \*  
 صنعت آن سقمونيا يك رم فلفل دار فلفل زير كرماني سداب خولجان قرفه از هر يك ده درم عسل صاف يك ص و چهل درم  
 بد ستور مقرر معجون سازند شربتني يك مثقال \* معجون راحت قولنج را در ساعت بكشاييد \* صنعت آن سقمونيا هفتاد  
 درم فلفل دار فلفل زنجبيل زير كرماني سداب خولجان قرفه از هر يك ده درم عسل مصفى ص و چهل درم شربتني يك  
 مثقال \* معجون سقمونيا يك صغرا و بلغم دفع كند \* صنعت آن سقمونيا منزه مغز بادام از هر يك ده درم زعفران يك رم  
 نبات سفيد بيست و پنج درم در كلاب بكن ازند و داروها را كوفته بيخته بد آن بسر شند شربتني يك مثقال \*

**باب السنين مع الكاف \*** **فصل در ذكر نسخ سك \*** سك اصلي بد آنكه ابن جزله در منهاج گفته  
 كه سك اصلي بضم سين مهمله وكاف مشد ده متخذ از عصاره آمله و طب اسفند آنرا سك چيني نيز كويند و چون درين بلاد  
 بسبب آنكه آمله طب بهم نميرسد و ممكن نيست اتخا ذآن عوض نموده شد و بعضى و آب غوره خرما كه بلغم نامند و كاه  
 اضافه كرده ميشود بسوى رى مشك وغير آن بحسب هوايى و آن زمان ميكردد سك المسك و حكيم مؤمن در تحفه گفته كه آن  
 نوعي است از ارمك در دريم سرد و خشك و حا بس قي و طبع و مقوى ما سكه اعضا و قاطع عرق و رائحه نوره و بل بوئي بدن  
 و قد رشر بشتش تا د و مثقال و بل لش را مك است \* سك المسك \* صنعت آن سنبل الطيب و نچم شك قز نفل كبا به چيني  
 سازج هندى از هر يك دو مثقال قرفه الطيب بسيا سه از هر يك سه مثقال نار مشك يك مثقال فوفل خولجان سعل كوفى  
 فافره صندل سفيد صمغ عربي از هر يك پنج مثقال عفش سبز غير مشقوب هفت مثقال كوفته بيخته اقراص سازند و رايك  
 قل فلفل قي و در سايه خشك نمايند و اگر سك المسك خواسته باشند يك مثقال مشك تبتى خالص اضافه نمايند \* صنعت آن  
 فلك المسك به نسخه استا ديكيونند آب بلغم يعنى غوره خرما قابض كه مائل بسفيدى شد و باشد ده رطل و بجوشانند و كف  
 آنرا بكيونند پس داخل كنند در آن سه رطل عفش سبز كه سوراخ دار نما شد كه آنرا نرم سقى نموده بيخته با شند و با تش  
 نرم در ديك سنكي به پزند تا آنكه منعقل شود پس از آتش بر گرفته بكيونند زرور د فارسي يكر رطل سنبل عصفور لسان العصار  
 بسيا سه جوز برا قز نفل هيل بوا قافله عود هندى از هر يك ربع يكمن طيبى دار چيني سه اوقيه صندل سفيد نيم رطل  
 زعفران پنج درم صمغ عربي يكر رطل همه را كوفته بيخته با آن آب بلغم و عفش مطبوخ و آن را قرص سازند و  
 بكن ازند و گفته ويللا ط بدن اللوز و در نسخه ديكر و يد هن بدن البان است و آن اقراص را خشك سازند پس بازان  
 اقراص را طحن نموده داخل نمايند در آن ده مثقال مشك تبتى سود و به ميچستخ خمير كنند و ده روز عجين رار  
 بكن ازند تا متخمير كردد پس خشك نموده با ز بسايند و به ميچستخ سرشته اقراص سازند و ركفه ميزان و در سايه  
 خشك نمايند كه بعون الله تع نافع است و گفته اند آب بلغم مطبوخ يا عفش را هر كه بكيونند و اقراص سازند و خشك  
 نمايند آن را اسك نامند و چون اضافه نمايند با آب ادويه مسك آنرا سك المسك كويند \* سكباج بكسر سين مهمله و  
 سكون كاف و فتح باى موحد و الف و جيم معرب سر كه با ست رآن غل ائي است كه با سر كه تركيب ميد هند ملطف و  
 معقطع و مبدود و قاطع صفرا و مسكن غليان خون و مضر لحياف البدن و عليل عصباني و سوداوى و سرفه و سحج و ضعف معده  
 و مثانه و ريح و قولنج و دردمفاصل و مضر بشارب و در مسهلات است و مصلحتش حلويات و پالوده است \* و طريق ترتيب  
 او آنست كه كوشش را نند و سطر ريزه كرده اگر مرغ باشد از بند ها جدا كنند و نيم بيخته بسايند و پيا زور زدك و كند تا  
 چنان جوش داد كه لزوجت آنرا كوفته با آب سرد بشويند و با كوشش و سر كه و ادويه خوشبو مهرا پخته با عسل و شكر چاشني  
 داده قل رى زعفران اضافه كنند \*



## فصل در ذکر سنگجبینات و اقسام نسخ مختلفه آن \*

بل آنکه سنگجبین معرب سک انکبین است چه سک بلغم فارسی بمعنی سرکه است چنانکه میگویند سک آهن یعنی آهن  
مهلول بسرکه شیخ داود گفته که سنگجبین معرب سرکه انکبین است یعنی مرکب از سرکه و انکبین و انکبین در فارسی اسم  
عسل است و این اشتباه است از شیخ داود و دریه سبب عدم معرفت باینکه سک در فارسی بمعنی سرکه آمده چه اگر معرب  
سرکه انکبین بود بایستی که معرب آن سرکه انجبین بودی اگر چه معرب را قاعده مقرری نیست باید دانست که سنگجبین  
از جمله آشوبه است و آن شرابی معروف و مشهور است و آنرا اقسام است و بد آنکه سنگجبین از تراکیب قدیمه است بعضی  
اصحاب قرا بادین گفته که اول شرابی که تالیف شد ماء العسل بود و آنرا فیثاغورس ترکیب کرده آنرا بیرونانی اردر  
مالی گویند و بعضی گفته که ماء القراطین همان است و بقراط اختیار کرد شرابی مرکب از خلوص حامض و آنرا سنگجبین  
نامند و جالینوس اختیار کرد از برای آن سک و انکبین یعنی خل عسل را که معرب آن سنگجبین است و این در  
حقیقت شراب سرکه است و اختیار کرده از جمیع شربت ها عسل را به سبب برودت هوای یونان و تر یا قیت عسل و  
زیادتی فوائد آن بر جمیع شربت ها و اختیار کرده شیخ رئیس شکر را به سبب آنکه مقاومت کند بطوبت شکر با بیوست  
سرکه تا اعتدال حاصل آید و بد آنکه سنگجبین متنوع می شود بحسب زمان و مکان و مزاج و قبض و طلاق تبرید و  
تقطیع اخلاط و حفظ صحت و ازاله امراض بسوی انواع بجهت آنکه یا آنرا گرفته می شود از برای حفظ صحت و یا از برای  
ازاله امراض و هر یک از این دو لابد است که بوده باشد در یکی از ازمینه و در یکی از بلاد و بهر حال لابد است که فصل کرده شود  
بآن اصلاح نوعی از انواع مزاج و هر یک از اینها یا ساخته می شود بواصل آنچه قرار داده اند یعنی سرکه یا آنچه نایب مناسب  
آن باشد چون تمرهندی و نارنج و آب التریج و لیمو و تفاح حامض و سفرجل حامض و جمیع اینها یا با عسل است که  
اصل است یا با شکر و و شاد و مثلث و میخچه پس ظاهر باد ترا که اقسام سنگجبین بحسب ماده آن و زمان و مکان و کیسه  
استعمال می کنند آنرا و غیر آنها که وارد وصل و شست قسم است پس اقسام سنگجبین زیاد از اقسام شراب است زیرا که  
اقسام شراب را منحصر میدهند در شش صفت و بد آنکه سنگجبین را مسائل مندرج است که متصل به جمیع آنها  
گردید و شیخ رئیس و محمد بن ذکریا رازی و امام فخر رازی و غیر ایشان رباعی آنکه از برای احکام آن رسائل مندرج  
تالیف شده جلالت قدر و بزرگی شان آنست و رسائل احکام آن مشتمل است بر جمیع احکام ذاتی و عرضی آن و ما  
درین کتاب جمله از احکام ضروری آنرا ذکر میکنیم آنچنان احکامی که کفایت حاصل میشود طایب را از معرفت این احکام  
سنگجبین تالیف شد و پس بد آنکه سنگجبین بنا بر آنچه جمیع محققین ذکر کرده اند ممکن است استغنا بآن از جمیع دواهای  
حفظ صحت و ازاله امراض سرکه حاصل باشد آنرا معرفت به تنهایی اقسام آن که ذکر شد و بسوی امزجه و نیست شکی که  
نیست اجود آن مخصوص بقسمی از آن چنانکه بعضی ذکر کرده اند بلکه صحیح نزد من آنست که هر قسمی اجود است  
بحسب نسبت خاص یا مزاجی و زمانی و مکانی خاص بجهت آنکه هرگاه دانست که شکر حار و رطب است در درجه دوم  
و سرکه بارد و یا بس در درجه دوم مثلاً پس اجود آن از برای حفظ صحت معتدل لیکن آن است که سرکه و شکر هر دو در آن  
ببر باشد بجهت آنکه اعتدال آن مشروط است مسامی این هر دو جزو را گرفته شود که سرکه بارد و یا بس است دریا شده  
مشروط است در تعلیل که کم کرده شود سرکه از شکر مقداریکه آنچه باقی ماند و مقاومت تواند کرد یا شکر که اعتدال حاصل آید  
و همچنین است حکم عسل در امزجه خارج از اعتدال بجانب رطوبت و از برای هر مزاجی اجود آنست که ترکیب شده  
باشد بنحویکه بوده باشد در آن حرارت یا برودت یا رطوبت یا بیوست بحق اریکه بوده باشد مقابل و مضاد آن شود



هواء مزاج و غیر این تغاوت واقع در آن به مزاج ساختن آن با آب یا با ما ئی مبرد و یا مرطوب یا بمخلوط کردن بدان چیزی یا بس مجفف حار یا مجففي يابس بارد و عدم مزاج آن و مرطوب نمودن آن از غیر سرکه که از باقی حموضات بر اختلاف درجات آنها و اصل در استعمال آنها آنست که استعمال کرده شود و قتیکه نبوده باشد و جعی رسینه و هرگاه مزاج و زمان سرد باشد باید که ترشی ربع شربت باشد و کر نه کرم باشد نه سرد پس ترشی راد و ثلث یا نصف ثلث شربت باید کرد و در غسل آن آب داخل نکنند مگر آنکه در تابستان ساخته شود و رای بعضی آنست که داخل کنند در غسل آن آب مطلقا و هرگاه مرضی در سینه باشد و نبوده باشد چاره از استعمال آن چنانکه در سینه باید که مزاج نموده شود بد رای مغری چون صمغ عربی و کنیر استعمال کرده میشود سنگنجبین سا دج از برای تسکین عطش و تفتیح سد ها و سد اع حار و تقویت معد و کبد پس اگر از سوکه و غسل باشد بالمساوات کرم است یا اعتدال و جهت امراض بلغمی و تفتیح سد ها و تقویت جگر و معد و تپهای مرکبه نافع است و اگر از سرکه و قند باشد و هر دو مساوی باشد ما ئل است پسر دی و به تفتیح سد ها و دفع تشنگی و قاطع صفراست و حمیات امراض طحال و کبد و معد و رامفید است و اگر سرد و ترخواهند سرکه را زیاده کنند و اگر معتدل خواهند قند راد و چند آن سرکه کنند و اگر سرکه و د و شاب انگوری باشد یا میخنج مسامی باشند معتدل است و استعمال کرده شود سنگنجبین سکری در فصل گرما و بلاد حاره و عسلی در سرما و میخنجی و د و شابی در اعتدال و از برای جودت هضم لیمو و از برای قبض سفر جلی و از برای خفقان و قتیکه نبوده باشد به سبب ریاخ نفاخی که نبوده باشد با آن ریاس و در مثل جدی از حماض و در امراض طحال از سوکه خالص و یا از سرکه عنصل جمیع اینها بشروط مذکوره و گاهی ترکیب کرده میشود سنگنجبین با بزور از برای زیاد تی تفتیح آن مر سده ها را اما از برای نفع در حمیات حاره پس با بزور یا رده و اما از برای نفع در حمیات مزمنه پس با بزور حاره و گاهی ترکیب کرده میشود میان بزور یا رده و بزور حاره همچنانکه در حمیات مرکبه مثلا اگر فرا گرفته شود از برای حمیات حاره و اخلاط صفرا و به باید که فرا گرفته شود از تخم کاسنی و تخم خیاری و تخم خربزه و پوست بیخ کاسنی و باید که تخم خیاری و تخم خربزه را بحسب مقدار زیاد کرده شود به سبب ضعف قوت آنها که بعد مسلك آنها که اطراف عروق است و از پوست بیخ کاسنی مقدار ای اقل داخل باید کرد بسبب آنکه آن شریک بزور است و نفع از برای حمیات حاره و قاصراست نفع آن از بزور و مقدار تخم کاسنی را از بیخ کاسنی زیاد کنند بسبب بسیاری منفعت آن در حمیات حاره لیکن از تخم خیاری و تخم خربزه کمتر باید کرد بسبب آنکه تخم کاسنی در قوت اقوی از تخم خیاری و تخم خربزه است و از قوی باید که مقدار اقل از ضعیف داخل مرکب نمود و اما در حمیاتیکه بوده باشد ماد و آنها بارد پس باید که فرا گرفته شود از تخم کرفس و انیسون و تخم کاسنی و جهت آنکه تخم کاسنی مرکب القوی است و مشترک است نفع آن در حمیات حاره و یا رده و از اصول این بزور و لیکن باید که اصول را زیاده از بزور کنند به سبب ضعف اصول نسبت به بزور پس باید که داخل کرد مثلا از اصول پنچل رم و از بزور سه درم و گاهی داخل کرده میشود اصول و بزور مستاری المقداره به سبب تعارض و سبب مثلا اصول از حیثیت آنکه قوت آنها ضعیف است مقتضی آن است که زیاده داخل شوند و از ضعیف از حیثیت آنکه مشارک اند با بزور در فعل و نیستند اصل و عمود در آن مقتضی تقلیل اند و گاهی اضافه کرده میشود با آنها و درم از حشیش غاف یعنی کمتر از اصول نیز به سبب قوت آن و بسیاری مراد است آن و اگر سنگنجبین فرا گرفته شود از برای صلابت طحال پس باید که اصل و عمود در آن تخم فنجنگشت و پوست بیخ کبر باشد به سبب قرب این هر دو در کثرت نفع از برای امراض طحال و اگر فرا گرفته باشند از برای صلابت کبد پس باید بگرداند اصل و عمود در آن بدل تخم فنجنگشت و پوست کبر و ریوند چینی و لك مغسول و اگر فرا گرفته شود

از برای ادراک طمط بگرداند اصل و عمود در آن مشکطرا مشیم و فطر اسالیون و کاهی اضافه کرده می شود در سنگنجبین  
افتمون در امراض سوداویه و بد آنکه استعمال کرده میشود از برای یرقان و خفقان و سوء هضم و صداع مزمن و صلابت  
طحال و کبد و ضعف کرده و حرقت بول سنگنجبین بزوری و اصولی و بزور آن را زبانه تخم کرفس و تخم کاسنی و امثال این بزور  
باشد و اصول آن اصول بزور مل کوره و انیسون اگر بلغم غالب باشد و ناخوها اگر ریاخ بسیار بود و اسازرن اگر سده  
غالب باشد و تخم شبت و خولنجان در قوائج و تخم خطمی در ضعف کرده و تخم تربد در حرقت بول و جمیع اینها اگر بوده  
باشند جمیع این امراض و ترک باید کرد از آنها آنچه خالی باشد بدن از موجب آن و این ادویه را در حلو و جامض بشروط  
مل کوره بقوام باید آورد باین دستور که ادویه را نیم کوفته در سرکه و آب یکشب یا یک شبانه روز بخیسانند و صبح بزور  
در یکربا تش ملایم بخوشانند تا به نصف رسد و بعضی گفته اند که ادویه را اولاً باید که در آن مقل از سرکه و آب بخیسانند  
که یکک و انگشت بالای آن آید پس با سه وزن آن آب صافی با تش ملایم طبع در هند تا ثلث رسد و بهترین ظرف از برای  
طبع در یک سنگی یا نقره یا مس تازه قلعی کرده است و اجتناب را جب و لازم است در طبع اشیای حامضه از مس و  
قلعی و برنج که باعث سمیت آنها میگردند و نیز نکاهل اشتن درین ظرف و ظرف روح تو قیما نیز یک است پس بهالاین و  
یا غسل مصفی یا شکر مصفی یا دوشاب انکوری یا شیر سیلان خرما یا میخچ بقیام آوردند پس اگر با آنچه مل کور شد  
اراده اسهال نیز باشد ریون چینی در ضعف اعضای رئیس و صداع و لا جورد و حیرار منی در مالغولیا و جنون و  
و توبل و جوز الفی در بلغمی داخل کنند و اگر بوده باشد ضعف هضم و دماغ و صد رومعه مصطکی و عود الصلیب و  
اصل السوس و عود هندی داخل کنند و در صلابت طحال اسقو لوقن ریون و در حمی طبا نشیر سفید و در قی الام و  
اسهال دم الاخوین و اقا قیاسه درم در هر یکرطل سنگنجبین داخل نمایند و نزد افراط صفر امقل از یک مثقال مقصورینا  
در یکرطل سنگنجبین سادج باید داخل نمود باین طریق که سقمونیا را سوده و صره کتان که نصف آن صره خالی باشد  
از سقمونیا پر کرده سر صره را محکم بسته در وقت طبع در آن سنگنجبین اندازند جائینوس گفته که آن صره را از میان آن  
سنگنجبین هرگز نباید برآورد و شمع رئیس را اعتقاد آن است که وقتیکه آن سنگنجبین بقوام آید صره را از یکوب ست بمالند  
و بفشارند تا جمیع قوت آن در سنگنجبین باز داده شود البته آن صره را در و باید کرد شیخ دارد گفته که این اصح است  
بجست آنکه مانند آن در آن سنگنجبین بعد از آن که شیر آن را برآورده باشند و ثقل بی فائد و در صره مانند باشد  
عبث و لغو است بلکه آن صره شیر را باز بخود جذب میکند ولیکن آن را اگر بدست بمالند و بفشارند چنانکه رای  
جالینوس است باید که صره را در آن و اکندارند تا آنکه بقل ریج بوما فیوما اجزای لطیفه مسیله آن که اخته مغلوبان  
سنگنجبین شود پس اگر در بتل اکیس را بردارند البته ناقص میماند فعل آن این بود تفصیل قول در بیان اقسام سنگنجبین  
و منافع آنها و اما از برای سهولت امر بر معلم طالب احتمال این کلام و محصل این مراد را بعبارتی و چیز ذکر می کنم  
اگر چه تکرار مقال است ولیکن خالی از فائده نیست پس میگویم که سنگنجبین ساده سکری شرابی است کثیرا منافع جامع  
النفع از برای حفظ صحت و اکثر امراض مادیة ساده بلکه از برای جمیع آنها لاسیما از برای حمیات و تسکین حرارت  
و منع عقون و تفتیح سد ها و تقطیع مواد می باشد مختلف مزاج آن با اختلاف ترکیب بحسب مقل از سرکه و مقل از  
شکر پس سنگنجبین فرا گرفته از سرکه صادق الحموضت و شکر سفید شد بد الیماش که در مقل سوکه باشد و قوام آن رقیق  
باشد در حین نوشیدن می باشد بارد و طب و نافع از برای حمیات که در نهایت حدت و حرارت باشد چون مقدره  
و غلب لازم و سنگنجبین فرا گرفته از سوکه انکوری کهنه و شکر سرخ مقل سوکه و غلیظ باشد قوام آن مائل است به حرارت و

و نافع است از برای حمیات مرکبه از صفرا و بلغم و سنگنجبین عسلی مستعمل است از برای حمیات مرکبه و حمیات بارده و گاهی فرا گرفته میشود از سرکه عنصل و آن مستعمل است در امراض بارده و این قسم سنگنجبین حار است و جالی و ملطف و سنگنجبین بزوری فائده آن زیاده است در تفتیح سینه ها پس اگر در حمیات مرکبه حرارت و صفرا غالب باشد بزور آن بزور بارده باید که بوده باشد اما در امراض بارده و حمیات بارده پس باید که بوده باشد بزور آن بزور حاره اما بزور بارده و اصول بارده مثل تخم کاسنی و تخم خیاری و تخم خربزه و پوست بیه کاسنی و اصل السوس است اما بزور حاره پس مثل تخم کرفس و انیسون و رازیانه و تخم کاسنی است از هر یک سه درم و بیه کاسنی و بیه کرفس و بیه بادیان از هر یک پنج درم و بزور کشوت نیز سه درم و غاف و ریوند چینی از هر یک در درم و در هر یک این دو نسخه شکر یکریطل و سرکه یکصد و بیست و هشت درم است و اما در حمیات مرکبه پس باید که جمع نمایند بزور بارده و بزور حاره را بحسب غلبه خلط حار و خلط بارده در حمیات و اما در غیر حمیات مثلاً اگر بسازند بجهت صلابت طحال پس بگردانند اصل حمود در آن بزور فنجنگشت و پوست کبر مقادیری اکثر تخم کاسنی و تخم بادیان و پوست بیه بادیان از هر یک مقدار اقل و انیسون مقدار متوسط بجهت کثرت منفعت انیسون در درازبول و از تخم خیاری و تخم خربزه و تخم خرفه هنگام حاجت بسوی تعویذ و مضاده آن مرخلط سوداوی را و بسیار گردانند مقدار آن را بسبب ضعف آن در دراز را و اما اگر فرا گرفته شود از برای کبد پس زیاده کرده شود بر روی ریوند چینی لك مغسول اخزمکی و مناسب نیست داخل کردن بزور فنجنگشت بحسب علم مناسب است آن در امراض کبد و اگر فرا گرفته شود از برای ادرار طمف داخل کرده شود در آن مشکطرا و مشیم و راشنه و سداب و گاهی داخل کرده میشود در آن افتمون و مانند آن در امراض سوداوی و گاهی داخل کرده میشود در آن از برای اسهال ادویه مسهله چون ریوند و سنا و تربید و جوزالقی و حجرار منی و لاجورد و سقمونیا چون معلوم شد که اصل در سنگنجبین ساذج است و اصل در آن سنگنجبین عسلی است که تالیف جالینوس است پس اول مرتبه ذکر میکنیم اقسام سنگنجبین ساده پس ذکر میکنیم اقسام دیگر سنگنجبین \* سنگنجبین ساذج تالیف جالینوس \* صنعت آن عمل چوب خوشبو و یک آن را با برآختر ملایم و کف آن را بگیرند و سرکه انکوری چیل بر آن ریزند و باید که آن سرکه بسیار ترش نباشد و ضعیف نیز نباشد بلکه متوسط باشد پس آنرا با آتش ملایم اندک اندک بجوشانند تا مخلوط شود انکوری و سرکه خام نمائند پس از آتش فرود آورده در ظرف چینی یا شیشه نگاه دارند پس هرگاه اراده کرده شود استعمال آن پس باید مزوج کرد آن را با آب مثل شراب و استعمال نمود اگر بوده باشد سنگنجبین مکروه طبع کسیکه می آشد آنرا بسبب حموضت و یا خلالت آن و کسیکه اراده این داشته باشد که ترش آن ظاهر باشد پس باید که سرکه آنرا زیاده کنند و این بسبب آن است که نیست محمود استعمال آن با مقدار واحدی از آب شیمخ رئیس گفته که رای من آن است که این شبهه است با آنچه بجای آورند بعضی ناس که امر میکنند جمعی از کسانیکه خمر می آشامند نگاه مزوج میکنند خمر را با آب از غیر علم یا آنکه در آنجا کسی است که معتقد است یا آشامیدن خمر یکه کثیرا لمزاج و تفته اطعم باشد پس اگر بیمار باشد خمر صرف غیر مزوج متالم میگردد سر آن در ساعت و در مردمان کسی است که معتقد است یا آشامیدن خمر قوی پس اگر بیمار باشد خمر کثیرا لمزاج تهوع و غشیا عارض میگردد آنرا پس هرگاه مثل این عارض شود از شرب خمر و حال آنکه آنها دلت مردم است که همیشه از آن بسیار یا آشامیدن پس چگونه عارض نشود از شرب سنگنجبین زیاده و حال آنکه عادت مردم یا آشامیدن سنگنجبین اقل است از آشامیدن خمر بسیار و سنگنجبین از خمر اقوی است پس سزاوار آن است که بگردانند اعتدال را حاکم بحسب کسی که می آشامد نه بحسب انسان معتدل و واجب است که بدانی که اوفق از

برای کسیکه می آشامد آنرا آن است که بوده باشد اند نزد و ازین جهت می باشد نفع آن از برای او کمتر کسیکه منادعه  
 میشود از آن کسی است که نفس آن عاق باشد از خوردن آن و خوش نیاید او را خوردن آن و اعتدال انواع سنگنجبین  
 آن است که ساخته شد و باشد از اجزائی که موافق اکثر مردم باشد و آن این است که داخل نمایند یک جز و سرکه انگوری  
 را در درج و عسل کف گرفته و با آتش ملایم به پزند تا مخلوط شود طعم سرکه با طعم عسل و همچنین طعم عسل با طعم سرکه و  
 نیز نمایند سرکه خام و با یک که بجوشانند سنگنجبین را با آب در اول طبع آن و ازین جهت است که واجب است که در هر  
 جزوی از عسل چهار رجز آب صافی داخل نمایند پس با آتش ملایم به پزند تا آنکه کف آن بالا آید و عسل و دی کف بسیاری  
 بالامی آورد پس ازین جهت محتاج این است به طبعی زیاده و مقداری اکثر از آب بآن مقلد اریاک میکرد و چون  
 آنمقلد از آب که مزوج بآن نموده باشد در صورت ثانی نصف آن بوده باشد پس داخل کنند در آن سرکه مثل نصف  
 وزن عسل و باز بجوشانند آنرا تا بکورد سرکه مخلوط بعسل خلطی نیکو و باقی نمایند سرکه خام و گاهی ساخته میشود  
 این سنگنجبین بدل بدستور که از مرتبه انواع ثلثه یعنی عسل و آب و سرکه که سرکه یک جز و عسل درج و آب چهار  
 جز و اول مرتبه همه را یکجا کرده بجوشانند و کف آنرا بگیرند تا بر بع رسد و بقوام آید و بعضی گفته اند که تا بخمس رسد  
 یعنی یک خمس آن باقی ماند و اگر خواسته باشد که اقوی کرد بگردانند سرکه را مثل عسل در وزن و بپاشانند و آشامید  
 میشود و دهم مزوج با آب و هر روز نیا شامند بلکه یک روز نیا شامید و یک روز نیا شامند که مبادا ضرر رسد بکم و پس  
 بد رستیکه این سنگنجبین غوص میکند در مغاقل و منحل و میسازد کیموس را از امعای سفای و محلل و طو بات است از  
 بدن و بعضی مردم آنرا بدن آب میاشامند و آن کسی است که اراده داشته باشد که جلاد و در طوبت را از فراموشی و منحل  
 سازد بسوی اسفل و کسیکه صبح بپاشاند آنرا یا میان روز باید که بران صبر کند پس استعمال کنند گوشت جوان مرغ و زرباج  
 این است نسخه سنگنجبین جالینوس مشهور به نزد جمهور \* سنگنجبین ساده جالینوس به نسخه جیش بن الحسن در  
 کفایة الطب \* صنعت آن سرکه می کهن و در طول آنکین جید صافی پنج رطل و آب چند آنکه ضروری باشد جمله را در یک  
 سنگی به پزند و کف آنرا بگیرند تا بقوام آید و بکار دارند و در نسخه دیگر وزن سرکه ده رطل است و نسخه اول صحیح است \*  
 سنگنجبین شاذج سکری تالیف شیخ رئیس \* صنعت آن بگیرند شکر سفید غائق و در یک سنگی کنند و سطح آنرا مستوی  
 نمایند پس بر پزند بران سرکه خمر تمدن که نه آنمقلد ارکه برنگ آن غالب آید و بجوشانند روی آن شکر را و اگر خواسته باشند  
 که بسیار ترش نکرد در سرکه را ازین مقدار کمتر کنند پس در یک را بر آتش اخگر کنند و آرد یا بر آتش شعله ضعیف تا شکر  
 گل اخته شود و کف آن را بته طاس بگیرند و بپارچه صافی که طاس را پاک کنند و در آن چمن کنند تا بیکر کف بر سر نیامد  
 و باید دانست که این وضع گرفتن شکر که شیخ رئیس در اینجا آورد و غیر وضع معروف است و بسیار خوب است پس چون دیگر  
 کف بر سر نیا و در آن را بپارچه صافی نمایند که در ورمی که در ته آن باشد حل اکورد پس آب صافی بران در پزند  
 که رقیق شود به پزند تا بقوام آید و بعضی گفته اند که در هر یک من شکر هفت اوقیه کلاب داخل نمایند و بعضی در وقت  
 طبع دوسه طاقه تعناع نازه در آن فرو برند یک و جوش داده و تعناع را بر آورده و در میکنند و سنگنجبین را سرد کرده  
 در شیشه نگاه میدارند \* سنگنجبین سازج سکری تالیف محمد بن ذکریا گفته که این سنگنجبین حفظ صحت کند و موافق  
 جمیع امزجه است و صفرا زایل کند و جمله بیماریها را که از گرمی باشد سرد دارد و هفتج سد ما و مزیل باغب از معد  
 است اما باه را نقصان دارد چون بسیار خورند و سرفه را زیان دارد و اصلاحش آن بود که بعد از وی جلاب خورند \*  
 صنعت آن سرکه می کهن و در طول بدستانند و آب در آن داخل کنند آنمقلد ار که حل است سرکه را بشکند پس در هر طبعی از

از سرکه یکمن نبات سفید بیا میزند و درد یک سنگی با آتش نرم بجوشانند و کف آنرا بگیرند تا بقوام آید نگاه از آتش برگرفته سرد نموده در ظرف چینی یا شیشه نگاه دارند و بکار برند و بعضی گفته که قند سفید مصفی بگیرند و سرکه بقل رکفاست بر سر آن ریزند و قند ری کلاب داخل کرده بجوشانند تا بقوام آید و سرکه خام نماند پس نگاه داشته استعمال نمایند \*

سکنجبین سازج سگری محمد بن ذکر یابه نسخه قلانسی بگیرند خل خمر یک جز و رو آب شیرین د و جز و شکر طبرزد سه جز و همه را یکجا کرده بجوشانند و بقوام آورند بسا باشد که بخیسانند در سرکه آن تخم کاسنی و پوست پیچ کاسنی پس میگردد تبرید و تفتیح آن زیاده \* سکنجبین سازج سگری به نسخه محمد بن الیاس شیرازی گفته که این سکنجبین حافظ صحت محرورین و مبر و کبد و مد و بول و فضول و قاع صفرا است و نافع است از برای حمیات حاده و عطش و سدها و جلای معد و از صفرای رقیق و بلغم موافق جمیع امزجه است و مفید است از برای جمیع امراض حادث از صفرای رقیق و بلغم و موافق جمیع امزجه است و مفید است از برای جمیع امراض حادث از صفرا هرگاه با آنها سرفه نباشد \*

صنعت آن سرکه انگوری که نه پنج من آب شیرین صافی قند ریکه خموضت سرکه را بشکنند پس ذره نیم رطل سرکه یکمن شکر سفید داخل کرده با آتش ملایم بجوشانند و کف آنرا بگیرند تا بقوام آید و از آتش برگرفته بکند اول تا سرد شود و در ظرف چینی یا شیشه نگاه دارند \* سکنجبین سازج به نسخه سیل مظفرالدین شغائی قند سفید یا عمل مصفی هرکدام که باشد یکمن درد یک سنگی یا کلهی کرده یکپهار یک سرکه انگوری بر روی ری کنند و بجوشانند تا بقوام آید و یک اوقیه کلاب در آن ریخته و جوش دیگر داده فرود آورند \* سکنجبین سازج دوشابی و سیلان خرما و سکنجبین ساده میبختجی \* صنعت آن هر سه آن است که بگیرند سرکه و دوشاب یا سیلان خرما یا میبختجی هر دو و مساوی و مساوی هر دو آب بکنند و آن مقدار بجوشانند که ثلث بماند و کف آن را دائم بگیرند تا دیگر کف بر سر نیاورد پس قند ری کلاب در آن داخل کنند و جوش دیگر داده فرود آورند و بکند از آن تا سرد شود و نگاه دارند و باید دانست که بر زعم قومی سرکه اصل و عمود است در سکنجبین و آن را درین مرکب بدل ترشی دیگر نمی تواند نمود ولیکن زعم فربه آن است که می تواند در سکنجبین بدل سرکه ترشی دیگر داخل نمود و بنا بر زعم این فریق سکنجبین را از میاه فوا که حامضه بغیر سرکه می تواند ساختن پس باید که بنا بر زعم این فریق طریق اتخاذ آنرا ازینها بیان نمایم پس بد آنکه طریق اتخاذ سکنجبین ساده از آب اترج و آب نارنج و آب لیمو و آب ربیاس آن است که قند سفید یا شکر سلیمانی یا عمل یا دوشاب یا سیلان رطب یا میبختجی هر کدام را که خواسته باشند بقوام آورند و کف آن را بگیرند پس بآتش اخگر نهاده در یک سنگی اندک اندک یکی از میاه مذکوره هر کدام را که خواسته باشند بر آن ریزند تا برسد طعم آن و خلالت و خموضت باعتدال و لذت از برای شخصی که از برای او ساخته میشود و چون باین حد و بقوام لائق آید فرود آورده سرد کرده نگاه دارند در شیشه و اگر از تغاح حامض یا آب سفرجل حامض یا آب زعفران و سا زند آب تازه آنها را گرفته در یک سنگی کرده چند جوشی داده از آتش فرود آورده بکند از آن تا ته نشین گردد پس از آب زلال صافی هر یک از آنها را گرفته با مساوی آنها قند یا شکر سفید یا خلالت دیگر مثل عمل و دوشاب و سیلان خرما و میبختجی هر کدام که باشد مساوی وزن آن آب داخل کرده بجوشانند و کف آنرا بگیرند و بقوام آورند پس فرود آورده سرد کرده در شیشه نگاه دارند و اگر از انبر یا ریس یا تمر هندی یا اجاص سازند پس بگیرند خشک آنرا و نیم رطل آنرا در یک رطل آب بخیسانند و آب صافی هر کدام که باشد بگیرند و با یک رطل قند سفید یا شکر سلیمانی یا سائر خلالات مذکوره بقوام آورند و فرود آورده سرد کرده در شیشه نگاه دارند \* سکنجبین ساده متخذ از خل کبر مخلل مستعمل در امراض طحال باید که بجای سرکه خالص سرکه که در آن

کل کبریا اثر با اغصان تازه کبروا ز همه بهتر آنکه پوست بیخ کبراد را ن سرکه مد پخته و ده باشد و چون چهل روز گذشت باشد  
 با شکر یا عسل یا د و شاب یا میوه خنجش یک ستور سکنجبین ساده مرتب نمایند \* سکنجبین بزوری حار به نسخه محمد بن الیاس  
 شیرازی جهت سد کبد و معد و طحال و اذرا ربول و تنقیه فضول بلغمیه از معد و جهت استسقا و تهیج و سوء القتیبه  
 و همیات بارد و تسکین عطش گاذب نافع \* صنعت آن بکیروند تخم کرفس و ازبانه انیسون ازهریک پنج درم بیخ رازیانه و  
 کبر و کرفس ازهریک هفت درم تخم کاسنی تخم کشوت ازهریک پنج درم عصاره غایت ربوند چینی ازهریک سه درم و در  
 نسخه دیگر این دوا را اخیر ازهریک ده درم است و در نسخه دیگر ازهریک دو درم است و نسخه اول اصح است و نسخه  
 دوم قریب بصحت و نسخه ثالث بعید از صحت ادویه را جریش کو بید و یکشمانه روزد و یکرطل سرکه شراب کهنه و ده  
 وطل آب صاف بخیسانند پس بریزند درد یک مس پا کیزه قلعی کرده یا سکی یا نقره و جوش دهند با آتش ملایم تا ربع آن  
 برود پس از آتش فرود آورده زمانی بگذارد تا سرد شود و نیمکو بمالند و بفشارند و یکم قند سفید داخل کرده با آتش  
 ملایم بجوشانند و کف آنرا گرفته بقوام آورند شربتیک اوقیه \* سکنجبین بزوری حار به نسخه سید مظفرالدین شافعی \*  
 صنعت آن تخم کاسنی تخم کشوت تخم کرفس تخم رازیانه انیسون ازهریک پنج درم نیم کوفته در یک چهار یکم سرکه انگوری کهنه  
 و قند وی آب یکشمانه روز بخیسانند پس بجوشانند تا ربع آن برود و بیالایند و یا یکم عسل مصفی یا قند سفید هر کدام  
 خواسته باشند بقوام آورند \* سکنجبین بزوری حار نافع از برای جمیع امراض بارده کبد و امراضی که بمشارکت امراض  
 بارده کبد باشد چون صناع حادث بمشارکت امراض بارده کبد به سبب صعود ریح و اخلاط بسوی دماغ چون استعمال  
 کنند بعد از تنقیه اخلاط بمثل شراب دیناری \* صنعت آن رازیانه تخم کرفس ازهریک هفت درم پوست بیخ رازیانه  
 بیخ کرفس انیسون ازهریک ده درم مجموع را نیم کوفته در سه رطل آب و نیم رطل سرکه انگوری بخیسانند و صبح  
 بجوشانند تا ثلث بماند و بیالایند و یکرطل قند سفید داخل کرده بقوام آورند شربتیک ازده درم تا شانزده درم و اگر  
 سرفه باشد سرکه داخل نکنند و از همین اجزا شراب بزوری حار مرتب نمایند و اگر سکنجبین بزوری حار سرفه جایی خواهد  
 درین نسخه بجای قند بوزن آن رب به شیرین داخل نمایند \* سکنجبین بزوری بارد به نسخه سید اسمعیل در ذخیره  
 مفتوح سد ها است و مد ربول و مفید است از برای حمی غب چون بعد از مسهل در نوبت پنجم و ششم استعمال نمایند \*  
 صنعت آن بکیروند مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه ازهریک بیست درم و شیوه این هود و راد آب برآوردند و تخم کاسنی ده  
 درم و آن را در سرکه انگوری و آب خالص ازهریک سی درم آنمقدار بجوشانند که به نصف رسد پس بیالایند و شیر و ده  
 را در آن داخل نمایند و سی استار قند سفید درین داخل کرده بجوشانند و کف آنرا بکیروند و بقوام آورند \* سکنجبین  
 بزوری بارد به نسخه محمد بن الیاس مفتوح سد ها است و نافع است از برای استسقا و سوء القتیبه و مد ربول و مسکن و  
 نافع است از برای حمیات حار \* صنعت آن تخم کاسنی تخم خیارین تخم خربزه ازهریک پنج درم پوست بیخ کاسنی ده درم  
 پوست بیخ بادیان سه درم همه را نیم کوفته در سه رطل آب و ربع یکم سرکه انگوری کهنه یکشمانه روز بخیسانند پس در  
 یک سکی کرده بجوشانند تا ربع آن برود پس از آتش فرود آورده بمالند و بیالایند و داخل کنند در آن شکر سفید  
 یکم و با آتش ملایم بجوشانند تا بقوام آید پس داخل کنند در آن گلاب یک اوقیه و یک وجهش در یکرطل ازده درم و در  
 و سرد کرده در ظرف چینی یا زجاجی نگاهدارند و اگر بعضی شکر عسل کنند روا باشد \* سکنجبین بزوری بارد به نسخه  
 فلاسی مد ربول است و نافع است از برای حمیات حار و مرکبه و از برای استسقای حار \* صنعت آن تخم خیارین تخم خربزه  
 تخم کاسنی مجموع نیم کوفته ازهریک دوا اوقیه تخم کرفس نیم اوقیه مجموع را در سرکه خموی یکرطل یک شب بخیسانند و

وروزد یگر بجوشانند و بپالایند پس به یزند با مثل آن شکر سفید مصفی داخل کنند در آن هر رطبی از آن یک اوقیه آب  
خیار تازه و باز بجوشانند تا تمام شود طبع آن و نگاهد دارند \* سکنجبین بزوری بارد نافع است از برای جمیع امراض حارّه  
کبد و امراضیکه بمشاکت امراض حارّه کبد باشد چون صداع بمشاکت کبد به سبب صعود بخار خلط از کبد بسر هرگاه  
استعمال گردد شود بعد از فصد اکحل و تنقیه بمثل شراب دیناری صغیر \* صنعت آن تخم کاسنی تخم خیارین از هر یک  
هفت درم را زیاده پوست بیخ را زیاده از هر یک سه درم پوست بیخ کاسنی پا نده درم اجزا را نیم کوفته در سه رطل سرکه  
انگوری یک شب بخیسانند و صبح بجوشانند تا ثلث بماند صافی نموده و بیکرطل قند سفید داخل نموده بقوام آورند شربت  
ازدرا زده درم تاشان زده درم و اگر سرفه باشد سرکه داخل نکنند و از همین اجزا شراب بزوری بارد مرتب سازند \*  
سکنجبین بزوری معتدل به نسخه محمود بن الیاس سد های کبد و طحال بکشاید و مد ربول بود و نافع است از برای حمیات  
مرکبه و سوء القنیه و استسقا \* صنعت آن تخم کاسنی تخم را زیاده تخم کرفس از هر یک سه درم تخم خیارین و تخم خیار رنگ  
تخم خربزه از هر یک پنجم ریم پوست بیخ کاسنی پوست بیخ را زیاده از هر یک پنجم ریم و نیم کوفته در سه رطل آب و ربع یک  
من سرکه انگوری کهنه یک شب از روز بخیسانند پس با آتش ملایم بجوشانند تا یکرطل بماند صافی نموده یکمن قند سفید  
داخل کرده بجوشانند تا بقوام آید از آتش بر گرفته سرد کرده در ظرف چینی نگاه دارند \* سکنجبین بزوری معتدل به نسخه  
حکیم میر محمد مؤمن نافع جهت تپهای کهنه و تپهای مرکبه و ضعف جگر و مره مخی و استسقای حار \* صنعت آن تخم کشوت تخم  
را زیاده پوست بیخ کاسنی از هر یک سه درم انیسون غنچه کل سرخ تخم کاسنی تخم خربزه تخم خیارین تخم کرفس بیخ را زیاده  
پوست بیخ کبراصل السوس از هر یک دو درم عناب بیست دانه مجموع را در یکرطل سرکه انگوری و در رطل آب یکشبهانه  
روز بخیسانند پس بجوشانند تا بنصف رسد بپالایند و یکرطل و نیم شکر سفید داخل کرده با آتش ملایم بجوشانند و کف  
آنها بگیرند پس با ز صافی نموده بقوام آورند \* سکنجبین بزوری معتدل به نسخه سید اسمعیل نافع از برای حمیات و  
استسقای حار و سدّه حل به کبد که علامت آن رقت و بیاض و قلت بول و ثقل کبد است و علم حمی \* صنعت آن پوست  
بیخ کاسنی تخم کاسنی تخم حماض تخم خیار را جزا مساوی نیم کوفته در سرکه و کلاب بجوشانند و بپالایند و از آن سرکه بانبات  
و عمل سکنجبین سازند و کشوت نیز کرم نیست و صفتش است و فعل آن قریب ببولند است اگر داخل کنند خوبتر میشود \*  
سکنجبین بزوری معتدل دیگر نافع از برای جمیع امراض کبد و امراضیکه بمشاکت امراض کبد باشد مانند صداع حادث  
بمشاکت کبد بسبب صعود بخار و اختلاط از کبد بسوی سر \* صنعت آن تخم کاسنی بادیان انیسون تخم کرفس تخم خیارین  
از هر یک پنجم ریم پوست بیخ بادیان پوست بیخ کرفس پوست بیخ کز از هر یک ده درم بیخ کاسنی بیست درم مجموع را نیم  
کوفته در چهار رطل و نیم آب و یکرطل سرکه بخیسانند یکشب و صبح بجوشانند تا ثلث بماند و بپالایند و بیکرطل قند سفید  
و در نسخه دیگر یکمن است بقوام آورند شربت ازده درم تاشان زده درم و اگر سرفه باشد سرکه داخل نکنند و از همین  
اجزا شراب بزوری معتدل مرتب نمایند و اگر سکنجبین بزوری سفر جلی خواهند درین سکنجبین بزوری بجای قند  
آب به بوزن قند داخل کنند \* سکنجبین بزوری معتدل که همین نفع دارد \* صنعت آن تخم کرفس تخم را زیاده تخم کاسنی  
از هر یک سه درم پوست بیخ کاسنی ده درم مجموع را نیم کوفته با سه رطل آب و ربع یکمن سرکه انگوری و یکمن قند چنان  
که مل کورشد بقوام آورند و در شیشه یا ظرف چینی نگاه دارند \* سکنجبین بزوری معتدل به نسخه حکیم صالح خان خال  
آن مودوم \* صنعت آن بیخ یادیان مغز تخم خیارین پوست بیخ کاسنی از هر یک چهار مثقال تخم کاسنی را زیاده تخم کرفس  
مغز تخم خربزه از هر یک ده مثقال نیم کوفته یک شب از روز در آب خالص و نود مثقال سوکه انگوری و نود مثقال کلاب بخیسانند

پس بجوشانند و صافی نموده نبات سفید یکصد و پنجاه مثقال داخل کرده بقوام آورند شربتني يك اوقيه \* سنگچين  
 بزوري معتدل به نسخه يحيى بن عيسى بن جزله لطيف كنند و كشانند و قطع كنند \* است و تحايل بادها كنند و بول را  
 برانند وليكن سينه و اعضاء تنفس را زيان دارد و مصلحت شراب خشخاش است \* صنعت آن بگيرند سرکه انگوري  
 كهنه جيد ده رطل و با آب خوش طعام كنند يعني حلت آن را بگشند و پوست بپنج كرفس و پوست بپنج رازيانه ازهر يك  
 شش اوقيه و در نسخه ديكر كه بنام بزوري سكري ذكر نموده سه رطل است تخم كرفس را زيانه انيسون ازهر يك در  
 اوقيه در سرکه مذكور بخيسانند يك شب و روز پس با آتش ملايم بپزند چون نيك پخته شود و از آتش فرود آورند و  
 صافي نمايند و بيست رطل شكر سفيد داخل کرده بجوشانند و كف آن را بگيرند و بقوام آورند و اگر عسلي خواهند  
 در هر دو رطل پنجر رطل عسل مصفى داخل کرده بقوام آورند \* سنگچين بزوري معتدل به نسخه حكيم محمد امين \*  
 صنعت آن قوره الصبح كه آن را بفارسي روناس نامند پوست بپنج كبري پوست بپنج رازيانه انيسون تخم كا سني كل كا سني  
 كل غاف زرفاى خشك افسنتين رومي ازهر يك ده مثقال تخم كرفس جيد و سنبل الطيب اسارون ازهر يك هفت مثقال  
 مجموع را نيم گرفته يك شامه نرود و آب خالص سفيد هفتاد و پنج مثقال سرکه انگوري يكصد و دوازده مثقال بخيسانند  
 پس بجوشانند تا بنصف رسد صافي نموده قند سفيد چهار صد و سي مثقال داخل کرده بقوام آورند و بعضى  
 اجزا را با آب خالص خيسانيد و سرکه را بعد از آنكه بقوام آيد داخل ميكنند \* سنگچين شبنم نافع است از بول و عور  
 البول كه سبب بستن خون در مژانه باشد \* صنعت آن بگيرند شب يمانى و درم و در سرکه انگوري يك شامه و پنج سانند  
 پس صاف كنند و از آن سرکه با عسل سنگچين سازند \* سنگچين عسلي مسمى با كسو مالى \* صنعت آن خل عسلي پنج  
 قوطولي كه هر قوطولي هفت اوقيه باشد نمك در باد و من عسل جيد صافي ده قوطولي بر آتش بلكه ارند و ده جوشي داده  
 نرود آورند و در ظرف شيشه يا چيني نمايند و عند الحاجة بكار برند \* سنگچين عذابي جميع اعراض د موى و ماشرى  
 را نافع باشد \* صنعت آن عذاب جرجاني بزرگ دانه پنجاه دانه اختيمون ششك زم همه را در سه رطل آب شب بخيسانند  
 و صبح بجوشانند چون يكر رطل آب بماند بپالائند و نيم رطل سرکه انگوري كهنه و ربع رطل كلاب و يكر رطل قند سفيد داخل  
 نموده بقوام آورند \* سنگچين فواكهى كه امراض صفراوى و موى را نافع بود در خناق كرم و طاعون را سودا دارد \*  
 صنعت آن خل خمر يكمن و نيم آب غوره آب انار ترش آب انار شيرين آب به شيرين آب حماض آب انار آب رجماس آب  
 توت شامى نقيع سماق نقيع زرشك ازهر يك نيم من عصاره كوكتار و ترخون ازهر يك ده استار همه را بپايزند و چهار من  
 قند سفيد داخل کرده بقوام آورند پس ده درم كافور قيصرى سوده و باقلا رى ازين سنگچين درهاون سنگى بد سته  
 بمالند تا نيكو صلايه شود و آن را در باقى شراب بپايزند و با نيم معجون سازى برهم زنند تا نيكو آميخته شود و در ظرف  
 چيني يا زجاجي يا كاشي نگاه دارند شربتني يك اوقيه با كلاب بنوشند \* سنگچين مسهل بلغم \* صنعت آن عسل مصفى  
 سرکه انگوري كهنه ازهر يك يك قسط به پزند تا بقوام آيد پس بگيرند مغز حب القرطم يك اوقيه و نيم بگيرند و در آن  
 داخل نمايند و به نيم معجون سازى برهم زنند تا نيكو مخلوط شود و در ظرف چيني كنند و پنجر و نگاه دارند پس  
 استعمال نمايند \* سنگچين مسهل بلغم به نسخه ديكر \* صنعت آن بگيرند يك من شكر سفيد و در يك سنگى كرده و  
 سطح آنرا مستوى سازند و سه ست پس بر پزند بر آن سرکه غصص كه بسطح شكر رسد و از روى شكر بركند و بلكه مسون  
 شكر مكشوف باشد و ديد شود پس با آتش ملايم برفق به پزند و كف آنرا بگيرند و چون ديكر كف بر سرنيا ورد صافي  
 شود پس داخل كنند در آن پنج استار و مغز حب القرطم نرم كوبيد و نيكو برهم زنند و بگيرند بيست درم قند سفيد و صمغ



مصغ و نرم کوبید : در پارچه کنند که آن پارچه متخاضل النسج باشد و آن پارچه از تربید پر نباشد و سر آن را محکم به بند نعل و لجه بلمحه پارچه را بمالند و بفشارند تا باقی نماند در آن صره چیزی از تربید و بقوام سکنجبین آید پس فرود آورد : سرد کرده در شیشه یا ظرف چینی نگاه دارند شربتی از ده درم تا پانزده درم \* سکنجبین مسهل سودا \* صنعت آن بکیرند عسل مصفی و سرکه انکوری از هر یک یک قسط و درهم کرده به پزند و بقوام سکنجبین آورند افتیمون اقريطی یک اوقیه سودا در آن داخل کرده به تیر معجون سازی برهم زنند تا نیکو مخلوط شود پس در ظرفی کرده پنج روز بگذرانند و بعد از آن استعمال نمایند \* سکنجبین مسهل صفرا از کناش اطمینوس \* صنعت آن بکیرند عسل مصفی و سرکه انکوری که نه تند از هر یک یک قسط و به پزند تا بقوام آید پس داخل کنند سقمونیای مسحوق بقدر نیم اوقیه و نگاه دارند در شیشه یا ظرف چینی و بلیسند ازین سکنجبین پیدش از غلای یک ملعقه پس بد رستیکه اسهال صفرا میکند \* سکنجبین مسهل مراره از معدن از کناش اطمینوس \* صنعت آن بکیرند تخم کاسنی پوست بیخ کاسنی تخم کشوت تخم شاه تره غنچه کل سرخ منزوع الاقماع از هر یک ده درم و بخیسانند در سرکه انکوری که نه پنج رطل و آب خالص دو رطل و نیم پس بجوشانند تا ثلث آن برود پس ببالایند و داخل نمایند در آن شکر سفید سه من و بجوشانند و کف آن را بکیرند و بقوام آورند پس از آنش فرود آورد سه اوقیه صبر سقوی سودا داخل کرده به تیر معجون سازی برهم زنند تا نیکو مخلوط شود شربتی ده درم با کلاب \* سکنجبین وردی منقول از قرابادین سید مظفرالدین شفائی حرارت خمار را به نشاند و اسهال صفراوی باز دارد کسی را که جلد ری و حصه ظاهر شده باشد نافع است \* صنعت آن سرکه انکوری جید کلاب جید خوشبو از هر یک یکمن غنچه کل سرخ یکصد درم گله ارفارسی بیست درم هردو در سرکه و کلاب سه شبانه روز بخیسانند پس بجوشانند و ببالایند و با یکمن قند بقوام آورند شربتی یک اوقیه \* سکنجبین وردی به نسخه قلانسی نافع از برای معدن حار \* صنعت آن بکیرند کل قند شکر و بکلاب کرم حل نموده و بفشارند و ببالایند و داخل کنند در آن سرکه بقدر کفایت و بقانون مقرر طبع نمایند تا بقوام آید فرود آورد سه درم کرده نگاه دارند شربتی یک اوقیه \* سکنجبین هند باقی منقول از قرابادین کوتوالی تپ و گرمی جگر را سود دارد و سد های جگر و طحال را بکشد و بخار درد سر را زایل گرداند \* صنعت آن بکیرند آب کاسنی تازه و بجوشانند و کف آنرا بکیرند و از آنش فرود آورد و بگذرانند تا درد آن ته نشین شود پس بکیرند از آن سی استارد ریک من قند سفید صافی نموده داخل کنند و بجوشانند و کفیکه بر سر آورد بکیرند تا قریب بقوام پس پنج استارد سرکه انکوری جید در آن داخل کرده بقوام آورند و از آنش بر گرفته سرد کرده در شیشه یا ظرف چینی نگاه دارند و در وقت حاجت در اوقیه آن را بکار برند و سکنجبین اترجی و اجاصی و اسقیلی و خل اشترغاری و افتیمون و انبرباریسی و انجلانی و تغاحی و قمر هندی و راوندی و رمانی و مازنی و هر یک در رسوم خودها ذکر یافتند \*

**باب السین مع اللام \*** فصل در ذکر سلاقات \* بد آنکه سلاقه بضم سین مهمله و فتح لام و الف و فتح قاف و هاء آبی است که از دویه بعد از جوشانیدن گرفته باشند \* سلاقه که ورم لثه و استرخای آنرا نافع است \* صنعت آن طراثیم قرط شب یمانی پوست انار ترش سماق اجزای مساوی و آب بجوشانند و با آب آن مضمضه نمایند \* سلاقه قند ما دیگر که همین منفعت بخشد \* صنعت آن برگ السروجوزالسر و کلنارمازو و کزمازج اجزای مساوی در آب به پزند و سرکه داخل نموده مضمضه کنند \*

### باب السین مع المیم \*

سماق بضم و فتح سین مهمله و فتح میم و الف و قاف درخت آن قریب بد ریخت انار و برگش زغب دار و درند آنه در مثل آره و اندک سرخ رنگ و دانه های مثل عدس و خوشه آن مثل خوشه حبه الخضراء و طعمش ترش باقبض و مستعمل پوست

دانه آن است که مسمی بکود آن است و قوتش تا سه سال باقی است و بهترین آن سرخ بسیار ترش تا زنده بزرگ است  
 در دویم سرد و خشک و جبلی آن در سیوم و برودت برکش کمتر از دانه آن و رادع و دایخ معد و مقوی احشای حار و قابض و  
 رافع صفرا و جهت قوی و غشیان صفراوی و نفث الدم و نزف و ذرب و اسهال مزمن و منع یختن صفرا به معد و امعاء و قوت بول  
 نافع و نیمکوب آن بازیره جهت دفع قوی عیاف مجرب و مهجج اشتها و بازردۀ تخم مرغ و کشنیزقا طبع اسهال را حرمی که با آن  
 یخته شود بک ستر و قابض و سائیدۀ آن با آب سرد قاطع سیلان خون از فوق و تحت و سفوف کردیکه بر روی آن است  
 جهت قطع سیلان رحم و سنون آن جهت تقویت لثه و قلاع خبیثه و دند دند ان کرم خوردۀ و قطور و خیسای نیدۀ آن در کلاب  
 و آب خصوصاً با قد و کمتری جهت جرب و دمه و سلاق و کله و منع بروز آبله در چشم و سیلان چرک گوش و با آب جهت ابتلای  
 رمد و نطول آب طبع آن مانع ورم ضربه و زنی و ضما دآن با آب جهت منع ورم تحف و سائر اعضا و با زغال چوب بلوط جهت  
 بواسیر مفید و چون آنرا با برک و چوب و شاخها در آب بجوشانند تا بقوام عسل رسد در جمیع افعال مثل حضض و جهت  
 تحلیل اوام و نملة و قروح و طبعه و نزف رحم و فساد لثه و قروح شعله یه و کلف و داخس و ورم چشم و امراض جفن نافع و طبع  
 برک آن مسود موی و حنقه بطبیع آن جهت قرحة امعاء مفید و چون برک آنرا مهورا کنند و آب آنرا منعقد سازند و در دغ  
 و تبریک و قبض مثل اقا قیا است و طلای محلول آن با آب بارتنگ جهت قروح خبیثه و سلس البول و استرخای اعضا نافع  
 و ضما دبرک آن بر معدۀ اطفال رافع اسهال و مقوی احشا است و مضر معدۀ و جگر باد و مصلحش مصطکی و انیسون شویزش  
 پنچم رمد و بد لش سرکه است و صمغ درخت سماق شدیل الیمس و با اجزای حار و بازردۀ رادع و محال است جهت  
 التماسق جوارح و حالت بصر و تسکین درد دندان و امراض جفن مفید و ذرورش رافع بواسیر است \* سماق ال باغبین  
 کوریند نوعی از مازوی ریزه کوهی است و جمعی گویند که برک سماق است که دباغان جلود رقیقه را با آن دباغ می کنند  
 و در جمیع افعال مثل سماق و قبض از بیشتر است \* جوارش سماق اسهال صفراوی باز دارد \* صنعت آن سماق بیست  
 درم حب الاسده درم خرنوب شامی سی درم صمغ عربی کلنا را فاردانۀ بوداده از هر یک پنج درم گرفته یخته با صوب  
 منقی دیکر باره بگویند شربت سی درم \* جوارش سماق دیکر اسهال باز دارد و احشا را قوت دهد \* صنعت آن سماق  
 دودرم حب الاس یک درم افاردانۀ ترش و شیوین از هر یک یک درم خرنوب نبطی سه درم صمغ عربی کلنا را فارسی از هر یک  
 نیم درم گرفته یخته بر آب به شیرین سه وزن ادویه بسرشدن و اگر خواسته باشند ادویه را بغیر آب بعنوان سفوف  
 بکنان زنل و اگر خواهند استه حصر و سوویق کنان را بر اجزای مذکوره زیاده نمایند \* حب سماق نافع از برای رطوبت معد  
 با حرارت و از برای سیلان لعاب ازدهان خواهه در بیداری خواهه در خواب مرا که به سبب رطوبت حار باشد و تا راه تنای  
 خون ظاهر باشد \* صنعت آن کرد سماق طباطبائی شیر سفید حب الاس زروردن شاسته اجزاء مساوی سوده حب سازند شربت یک مثقال  
 و از برای سیلان لعاب ازدهان با آب صمغ عربی سرشته حب ها مثل دانه با قلا سخته در دهان گیرند و لعاب آنرا فرو بزنند \*  
 سفوف سماق حرارت معد و کبد و تشنگی به نشاند و اسهال باز دارد \* صنعت آن طرا ثیم شیرین حب الاس کل از برای  
 کوریای بریان کرده پوست بیرون پسته طباطبائی شیر سفید سماق بریان کلنا را فارسی صمغ عربی بریان از هر یک یک مثقال  
 و نیم این اجزا را گرفته یخته تخم مرو بریان بزرگ قطونا بریان تخم بریان بریان کرده از هر یک یک مثقال و نیم با برنگ بریان  
 یک مثقال دران داخل نموده مخلوط سازند و هر روز و مثقال و نیم آنرا با آب به شیرین تناول نمایند \* سفوف سماق  
 تشنگی به نشاند و اسهال معدی را نافع باشد \* صنعت آن سماق ده درم حب الاس افاردانۀ بریان از هر یک پنج درم  
 خرنوب باز دارد درم صمغ عربی کلنا را فارسی از هر یک یک درم خرنوب سخته سفوف سازند شربت یک مثقال \* شیا ف سماق

جرب و خارش و سوزش و همچو عین رافع بود \* صنعت آن سماق سی مثقال یا آب باران به نریختن و با زنجبوشانند تا غلیظ شود و بکند از آن تا سرد شود و ده درم سفید آب از ریز بریان بسرشند و شیاف سازند و بعضی آب سماق را میجو شانند تا غلیظ میشود و کرد سماق را بآن سرشته شیاف میسازند \* شیاف سماق دیگر سفید آب شسته یک جزو و کثیرا فیون از هر یک یک جزو و در بعضی نسخ سفید آب شسته سه جزو واقع شد \* یا آب سماق مذکور شیاف سازند و بعضی در آب سماق مذکور با سماق را بسیار نرم صلا یه کرده و نرم بپخته داخل می کنند و شیاف سازند \* سمسیم بکسر و در سبزه مهمله و مسکون میم و وسط و آخر و بغار سی بفتح سین اول نیز آمده و بغار سی کنج کویند و بلغت حبشه جلیلان نامند و قوتش تا دو سال باقی است در اول کرم و تر و منفع و مصلح آواز و خشونت حلق و مواد سوداوی و اخلاط سوخته و صالح الغذاء و قلیل التعلیه و ملین معا و مقعد و مسموم و محلل اورام خوردن آن با شراب جهت کزیدن عقر و رافعی و با مثل آن شکر و خشخاش عشان بیض و نصف آن با دام که هر روز از مجموع آن یک اوقیه استعمال نمایند جهت فربه کردن بدن مجرب و مولد پیه کرده و شیره کوبیده آن با نبات جهت رفع سوزش معده و مری و ترش شدن رطوبت معده سوداوی و حرقة و از عاده ادویه مشروب مجرب و خوردن دودرم آن با یک درهم گردکان سوخته جهت قطع خون بواسیر مجرب و ضماد آن محلل اورام و رافع آثار سیاهی و رسم اخضر و سطرپی عصب و سوختگی آتش و منع آبله و قولنج معای قولون و طول با آب برک آن با عصاره درازی موی و سیاهی آن و رفع جوشش سوداوی و سر و ضامه و مطبوخ آب با شراب جهت تحلیل ورم چشم و ضربان آن نافع و آب طبع کنج با نخود و دمن و حیض و مسقط جنین و دوا و قیه آب طبع آن با آب نعناع و مویز و یک اوقیه و نیم روغن کنج و نصف اوقیه انیسون که ناشتا بنوشند جهت رفع خارش بدن و درشتی جلد و شقاق مجرب دانسته اند و بطی الهضم و مریخی اعضا و صورت بد بوی دهان و صلاح مصلحش غسل و دادن آن قد و شربتش پنجم ورم و بدش تخم گمان است و روغن آنرا قوت تا هفت سال باقی است درد و ریم کرم تر و در تفتیح و تسمین و ترطیب و رفع احتراقات خلط و حرقة لبون مثل اصل آن و در رفع ضیق النفس و سعال یابس و تشنج یابس و حرقة ریه و قویتر از کنج و درم زردی و مریض بهترا از اکثر دهان و مل اورمت خوردن آن جهت حرقة شش و رفع هزال مجرب و طلای آن با سفید تخم مرغ محلل صلابات و اورام و باروغن زیتون و زردی تخم مرغ رافع ورم چشم و با لعاب بز و قطونا جهت خشونت و خارش بدن و سوختگی آتش و جراحاتی که از نوره بهم رسد مجرب و جوشانیده آن با فلفل سفید و مصطکی جهت کشودن سده گوش سفید و بطی الهضم و مریخی معده و مضر سوداوی و مفسد دماغ ضعیف و قریب الاستحاله بصفر و مصلحش جوشانیدن آن است با نلک خمیر خوردن آب لیمو و آب کاه و امثال آن بعد از آن و قد و شربتش تاده درم و بدش روغن بادام شیرین است \* جوارش سمسیم معده را قوت دهد و شهوت ریه زنا حامله را دفع کند و رنگ را نیکو گرداند و اشتهاى طعام آورد \* صنعت آن زرباد تخم کرفس زردی کرمانی فانیخواه از هر یک دودرم کنج مقشرد درم کند و زنجبیل فلفل دار فلفل فلفل دار و زنجبیل از هر یک سه درم شکر طبرزدنود مثقال کوفته بپخته بکلاب بسرشند \* حلوائی سمسیم که بغار سی حلوائی کنج و بهندی ریوی نامند \* صنعت آن بکیرند شکر سفید و صاف نموده بقوام آورند و بسنکی یا چوبی بزنند تا قاریند و سفید می و شکنند گی بهمرساند پس قرصهای نازک ساخته و کنج مقشرا باز در ظرف کرده بر آتش اخگر کنند تا کنج کرم شود بعد از آن قرصها را درواند از آن تا از کرمی نم بردارد و مبد حرکت داده باشند تا کنج از هر طرف بپسید و اگر خوشبو خواهد شد قد رجا کلاب در قوام او داخل کنند کثیرا الغلای بطی الهضم و دخی الکیموس است \* صنعت آن بنوع دیگر مقشرد و را نرم بسایند و شکر را بقوام آورند و لها نه ساخته بدان بسرشند و اگر شکنبا شد از دوشاب هم می توان ساخت \* سفوف سمسیم این را

سغوف زنان آنست که ایند عصبانیت ایشان را نافع است و شهوتهای بد که ایشان را بهم میرسد دفع کند و عمل و را قوه  
دهل و اشتهاهای طعام آورد و در یک روز را بیکو گرداند و بدن را فربه سازد \* صنعت آن ز قناد تخم کوفس ناخواه زیره کرمانی  
مد برا زهر یک دورم کند و ز کرسه درم کنجد معشوره درم زنجبیل فلفل دار فلفل هیل بوا قاقله کبارد ارچینی از هر یک  
سه درم قند سفید نیم من کوفته پیخته در شیشه نکاهل دارند و بوقت حاجت بقدر حاجت تناول نمایند \*

**باب السین مع النون \*** سنا مکی \* سنا بخت سین و نون و لغت کیا هی است در بعضی رسا قش باریک

شبهه بکیا ه حنا و بوکش از آن بزرگتر و ضخیم تر مائل یکبودی و دانه آن پهن و کوچک صنوبری شکل مائل بد را زی  
و در غلافی شبهه بیاقلا و سیم که در هند و بنگاله میشود و بیاره دار ولیکن از آن بسیار نازک تر و پهن تر و حجازی آن را  
برک بزرگتر و ضخیم تر و قوی العمل تر از عظیم آبادی آن و مستعمل برک تازه ضخیم آن است و قوتش تا هفت سال باقی و در  
آخر دویم کرم و در اول خشک و مسهل بلغم و سودا و صفرا و خلط سوخته و منقی دماغ و شدید الغوص بعقی بدن و قوی  
آن و جانی جلد و جهت مفاصل و امراض بلغمی و سودای و جنون و صرع و درد شقیقه و درد پهلو و شرب مطبوخ آن در چهار  
مثل آن روغن زیتون که به نصف رسد جهت درد که در ورور کین و بواسیر مفید و ضماد مطبوخ آن در سرکه بحد یک  
قوام بهم رساند جهت جرب و حکه و کلف و بهق و اندمال زخم کهنه و منع ریختن موی با حنا جهت سیاه کردن آن موثر  
و همچنین طلای آن با سرکه جهت جرب و حکه و قروح خبیثه و اندمال جراحت مفید و با هم وزن آن برک حنا و سرکه  
نیز مخصوص در حمام و تکرار عمل و آب مطبوخ آن بهتر از جرم آن و یک مثقال از مسحوق آن با غسل که از سه روز تا یک  
هفته هر روز بپاشا مندر جهت رجع مفاصل و امثال آن مجرب است و مورث کرب و مغص و غمیان و مضاجش پاک کردن  
از چوب و شاخ و آلودن بروغن بادام و هلیله زرد و گل سرخ و انیسون و بنفشه و آب میوه استعمال نمودن و با لیمو  
بن زن گل سرخ جا نرند آشته اند و قدر شربتش از جرم آن از دو درم تا سه درم و از مطبوخ آن تا ده درم و بد نش  
مثل آن تربل و نصف آن هلیله زرد و ربع آن بنفشه است و شیخ الرئیس در قانون معترض ذکر آن نشده اند نه در  
مفردات نه در مرکبات \* حب سنا مکی منقول است از حضرت رسالت پناه صلی الله و عم که این حب امان می بخشد از زهر  
و بیسی و بهق و دیوانگی و فالج و لقوه و اگر مردم بد اند که در سنا چه منفعت ها است هر اینه قیمت مثقالی از آن در  
مثقال ذهب میشود \* صنعت آن سنا مکی پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه و یوز بنقی از حب اجزاء مساوی  
جلا بخل اکوفته پیخته سنا و هلیله را بروغن بادام شیرین چوب نموده بمو ز سوخته حبوب سنا زنک و هر روز ناشتا سه  
درم آن را فرو برند و هنگام شب نیز همین مقدار آب گرم بر بالای آن بنوشند جمع فواید مل کوره را بخشد و بهترین  
درائی است و اگر شش درم تا هشت درم آن را شب با عرق اسطوخودوس و کافور یا ن نیم کرم فرو برند و صبح پوست  
مثقال کلندر آفتابی و یک مثقال برک کافور یا ن و همین مقدار اسطوخودوس در عرق حبب الثعلب و شاه تره بپاشا  
و مالیک و صاف کرده نیم کرم بپاشا مندر پنج و شش مجلس بفراغت اجابت میخوابد و خفقان و قوحش و اگر امراض  
در مثاقله را مفید و مجرب است \* حب سنا به نسخه حکیم صالح خان رحمه الله تعالی \* صنعت آن سنا مکی غنچه گل سرخ  
از هر یک پنج مثقال تربل سفید مک برسور و لجان مصری از هر یک دو مثقال و نیم شیر خشک خراسانی دره مثقال شیره حبث  
را بکلاف حل کرده باقی ادویه کوفته با آن سرشته حبوب سنا زنک شربتی دو مثقال \* حب سنا جهت امراض دماغی  
و ضیق النفس و سرخه یازد و رطب نافع \* صنعت آن سنا مکی شش درم پوست هلیله زرد و هلیله از هر یک یک درم کوفته  
در روغن بادام چوب نموده با غسل یا شکر یا شیره نر لیمو سرشته حبوب سنا زنک شربتی از یک مثقال

تاسه مثقال بآب نیم گرم فرو برند و اگر یک درم ورق کل سرخ اضافه نمایند جهت اصلاح سنا بد نیست. سفوف سنا در نفع اقوی از حب آنست و تنقیه بدن از سودا کند و قتیکه سودا عام در جمیع بدن باشد و صابون را نیز مغیبل بود. صنعت آن سنا مکی بسفایم فستقی حب النیل از هر یک سه درم پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه افتمون ورق کل سرخ تربید سفید مد برا زهر یک درم درم ادویه کوفته پیخته بروغن بادام چرب نموده شربت چهار درم تا چهار مثقال بآب شیر کرم یا ادویه مناسبه بنوشند و اگر تربید را نصف مجموع ادویه کنند آن زمان سفوف تربید نامند. سفوف سنا مکی جهت عرق النساء نافع از قد ما است. صنعت آن سنا مکی ده درم سورنجان پنچ درم شیطرح هند درم درم زعفران نیم درم کوفته پیخته با مثل آن شکر سفید ممزوج نموده سفوف نمایند شربت از سه درم تاده درم سفوف دیگر که اسهال برفق کند. صنعت آن سنا مکی پنج مثقال تربید مد بر یک مثقال برک کل سرخ یک مثقال و ربع مثقال زنجبیل مصطکی از هر یک نیم مثقال کوفته پیخته بآب کرم یا اشره مناسبه کف نمایند و اگر سنا قندهار مقل ارسه مثقال تا شش مثقال جوشانید و صاف نموده و با مقل ارد و مثقال کل قند آفتابی حل کرده صافی نموده با شند داخل نموده یا بران یا شید شیر کرم نموده بنوشند اسهال برفق کند و کرده درازده مثقال شیر خشک نیز دران حل نمایند میگردد اقوی. سفوف سنا نافع جهت امراض بلغمیه و رافع قبض و دافع بلغم از رطوبات است. صنعت آن سنا مکی پوست هلیله کابلی زنجبیل سفید هر سه جزو مساوی کوفته پیخته شربت یک درم آن یک مجلس و دو درم آن دو سه مجلس و سه درم آن زیاد موافق قوت و ضعف مزاج و اگر شب وقت خواب میل نموده اندک آب گرمی بران بیاشامند صبح زود و موافق آن یک و دو سه و زیاده بغراغت و آسانی اجابت مینماید و بی غائله است. ضما د سنا جهت جرب و حکه مجرب است. صنعت آن سنا مکی هلیله زرد مردا سنک سفید اب قلعي بالسویه سوده باروغن کل بنفشه ضما د نمایند.

### فصل در ذکر نسخ مطبوخات سنامکی

مطبوخ سنا مکی مسهل بلغم و صفراوی و سودای سوخته

است و امراض دماغی را نافع. صنعت آن کل نیلوفر کل سرخ پرسیاوشان عنب الثعلب برک کاوزبان اصل السوس مقشور باد زنجبویه از هر یک درم اسطوخودوس بسفایم فستقی پوست تراشید پوست بیج کاسنی از هر یک درم و نیم افتمون اقوی شاه تیره پوست هلیله از هر یک سه درم و نیم سنامکی شش درم تاهشت درم تخم کاسنی نیم کوفته را زیاده از هر یک درم کل کاوزبان یک درم عنب آلوئی بخارا ئی از هر یک دودانه انجیر زرد هفت دانه مویزه خقی بیست دانه سیستان سی دانه ادویه آنچه کو بیدنی است جو کوب نموده شب در عرق کاسنی و رازیانه و عنب الثعلب از هر یک پنج و مثقال بخیه ساندل و صبح بآتش ملایم طبع دهند تا به نصف یا آنمقل ار که توانند خورد آب بماند و باید که در حین طبع سر ظرف را بسته دارند که بخار و قوت را بیرون نرود پس فرود آورده سرد یک را بعد از آنکه بخار و حرارت آن کم شد و باشد باز نمایند و قدری مالید و صاف نمایند و بسیار نمالند که جرم و بسیار بر این و غلیظ کرد پس مغز فلوس خیار شنبه شیر خشک ترنجبین تمهید از هر یک دوازده مثقال تا پانزده مثقال و بیست مثقال دران حل نموده صاف کرد و روغن بادام و مثقال بران چکانید کرم نموده بنوشند و اگر صفرا و تب و حرارت کرمی در مزاج بسیار باشد آب برک کاسنی تازه مقل اریست مثقال اضافه نمایند و اگر طبیعت عاصی باشد از برای اعانت بر عمل تنقیه مواد دماغی باد و مثقال ایارج فیکرا یا حب ایارج یا باد و مثقال نفوع صبر سقوطری زرد بنوشند و از برای اخراج صفرا با سقمونیا مقل اریک مثقال و یا مقل اریک و مثقال تربید سفید خراشید و محجوف در طبع داخل نمایند زیرا که جرم تربید را هرگاه سفوف نموده و بروغن بادام چرب کرده باز زنجبیل و مصطکی بخورند اسهال بلغم می نمایند به تعطیل

و اذاله و چون در مطبوخ اذن ازین و صبرش دهند اسهال صغرا می کنند و برای اخراج بلغم بتقویت یک مثقال تا یک و نیم  
مثقال تربید سفید مجوف مضغ محکوک بروغن بادام چرب کرده کوبید که مبالغه در کوبیدن آن نکرده باشند و ترجیبیل  
نیم درم با کل قند سرشته یا با حب جیپال و دانه تا پنج دانه که در دندان مل کور شد و برای تنقیه سودا با حب لا جورد  
سفوف آن بخورند بدین قسم که هر یکی از اینها و غیره را شب وقت خواب یا یکد ساعت بیشتر از صبح بخورند بعد از آن  
مطبوخ را بنوشند و یا آنکه حبوب را در آغوش غر و برند و صبح مطبوخ را بنوشند و اگر حبوب بسیار خشک شد  
با شد در عرق بادیان خمیسانه فرو برند یا با کل قند یا مویز منقی سرشته و در آن مل حمامات هلیجات داخل نمایند  
و اگر سرفه باشد بیخ کاسنی و آب برگ کاسنی را اسقاط نمایند و بعد آنکه یک درم تخم خبازی تخم خطمی از هر یک یک مثقال  
اضافه نمایند و در امراض کبدی ریون چینی و شکامی و باد آورد از هر یک بقدر مناسب اضافه نمایند و صوریات ند دهند  
و از برای امراض حار و کبد زرشک یا عصا آن داخل نمایند و ازاد ریه حاره کم نمایند باقی منوط برای طبیب است \*

مطبوخ سنا حیات حاره را نافع باشد و صغرا را دفع کند \* صنعت آن سنامکی هفت درم بنفشه عنب الثعلب کل نیلوفر  
از هر یک سه درم عنب سپستان آلوی سیاه از هر یک بیست عد کل سرخ چهار درم همه را در سه رطل آب بجوشانند  
تا نصف بماند پس فرو گیرند و ببالایند تمهید شیر خشت \* سیریک ده درم ترجیبیل بیست درم در آن مالیده حل  
نموده مک و صاف کنند و بنوشند \* مطبوخ سنامکی فواکمی مسهل صغرا بود از مزج حاره و تپهای صغرا و اسود ده درم \*

صنعت آن سنامکی پنج درم کل بنفشه کل نیلوفر سرخ پوست هلیله زرد از هر یک چهار درم افسنتین روسی تخم خبازی  
تخم کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک سه درم عنب بیست دانه سپستان سی دانه آلوی بخار آلوی سیاه  
شمش از هر یک ده دانه تمر هندی زرشک منقی مویز طائفی از هر یک ده مثقال جوشانیده صاف نموده ترجیبیل پانزده  
درم شیر خشت فلوس خیارشنبز از هر یک ده درم در آن حل کرده و بیاشامند و اگر قوی تر خواهند بود آنک ریون چینی  
و یک و نیم درم تربید اضافه کرده نوش فرمایند \* مطبوخ سناد یکر صا حب ذات الجنب و نفث الکرم و حوی مرقه را  
سود ده درم \* صنعت آن سنامکی پنج درم کل بنفشه کل نیلوفر از هر یک چهار درم عنب سپستان از هر یک بیست عد و  
تخم کاسنی خبازی از هر یک سه درم شیر خشت ترجیبیل از هر یک پانزده درم در آن حل کرده و بیاشامند \* مطبوخ سنا  
د یکر سوسام و صناع کرم و تپ مطبقه را سود دارد \* صنعت آن سنامکی پنج درم بنفشه نیلوفر از هر یک چهار درم تخم  
کاسنی سه درم آلوی بخار آبی عنب سپستان از هر یک بیست عد و علی الرسم طبع نمایند فلوس خیارشنبز ترجیبیل  
از هر یک ده درم در آن حل نموده بنوشند \* مطبوخ سناد یکر که صغرا و بلغم و سودای سوخته دفع کند و امراض سودای  
را نافع باشد \* صنعت آن سنامکی هفت درم کل سرخ چهار درم پوست هلیله زرد هلیله سیاه از هر یک پنج درم سهاج  
فستقی اصل السوس تراشیده و رازیانه از هر یک دو درم اسطوخودوس پرسیاوشان شاه تره و کازبان بادرنجبویه بنفشه  
افتمون نیلوفر از هر یک سه درم مویز منقی سپستان از هر یک سی دانه مجموع را در سه رطل آب بجوشانند تا نصف آن  
بماند افتمون را در لته کتان بسته در آخر بیند اذن و از آتش فرو گیرند و ببالایند کل قند آفتابی ده درم فلوس خیارشنبز که  
بروغن بادام چرب نموده باشند و ترجیبیل از هر یک پانزده درم در آن بمانند و مکرر صاف نمایند و بیاشامند \* معجون  
سنامکی مسهل صغرا و بلغم بود و صناع و درد شقیقه را نافع باشد و کرمی و خارش را سود ده درم \* صنعت آن سنامکی پنج درم  
درم ترجیبیل سی درم بنفشه نیلوفر کل سرخ تربید سفید تراشیده و بروغن بادام چرب نموده از هر یک ده درم کشمش  
کوفته و نرم مالیده و غسل صاف از هر یک نیم رطل ترجیبیل را بکلاب صاف کنند و با غسل بقوام آورند و دانه کوفته بپخته بر

بروغن بادام شیرین پانزده مثقال چوب سازند و بآن بسرشدن شربتیی از دو درم تا سه درم \* معجون سنامکی به نسخه  
دیگر مسهل صفرا و بلغم بود و صلاح و شقیقه را نافع و سرفه و ضیق النفس را سودمند بود \* صنعت آن سنامکی پنجاه  
درم تریک سفید تراشیده کازبان ورق کل سرخ ازهر یک پنج درم مویزیدانه بنفشه خشک نیلوفر ازهر یک ده درم ترنجبین  
سه درم و در نسخه دیگر شیرخشت بیست درم قند سفید و عسل صاف ازهر یک پنجاه درم است تریک را بروغن بادام  
چرب کنند و ادویه را کوفته و نرم بیخته و ترنجبین و قند را بکلاب صاف کنند و با عسل بقوام آورند چنانکه رسم است  
بسرشدن شربتیی سه درم با آب نیم گرم \* معجون سنامکی مسهل صفرا است مزاجا سودا و بلغم بالطبع \* صنعت آن سنامکی  
پنجاه درم ترنجبین مویز منقح ازهر یک یکدرم مصری شیرخشت سی درم کل بنفشه کل نیلوفر ورق کل سرخ ازهر یک  
دو درم بروغن بادام تازه پانزده درم ترنجبین و شیرخشت را در آب خیسانند و بقوام آورند و ادویه کوفته بیخته  
بآن بسرشدن و اگر سه وزن کل ادویه عسل مصفی بقوام آورند و بسرشدن بهتر است \* معجون سنامکی از تالیف  
حکیم میر محمد مؤمن امراض حار و مواد سوداویه را بعد از نضح و قولنج را نافع است و شربت آن تا پنج مثقال است \*  
صنعت آن سنامکی کل بنفشه ازهر یک سی مثقال کل سرخ بسفایج ازهر یک پنج مثقال مغز تخم کافور بیست مثقال  
شاشسته محمود مشوی رب السوس ازهر یک پنج مثقال هلیله سیاه پوست هلیله کابلی بروغن بادام ازهر یک  
بیست مثقال عسل مصفی دو وزن ادویه عسل را با بیکه در آن سنامکی کل سرخ بنفشه هلیله سیاه ازهر یک ده  
مثقال هلیله کابلی بیست مثقال جوشانید و باشند بقوام آورند و ادویه را کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده بدان  
بسرشدن \* نفع سنامکی قریب العمل است به مطبوخ آن و در حرارت از آن کمتر و در امراض و حمیات حار نافع \*  
صنعت آن برک سنامکی شش مثقال کل بنفشه کل سرخ ازهر یک سه مثقال پوست هلیله کابلی چهار مثقال بیخ کاسنی مرضوض  
تخم کاسنی نیم کوفته ازهر یک دو مثقال انیسون یک مثقال بسفایج برک کازبان با درنجبویه ازهر یک یک و نیم مثقال مغز  
فلوس خیارشهر هفت مثقال شیرخشت ترنجبین ازهر یک هفت مثقال ادویه را در شب در آب بسیار گرم جوشان مقدر  
یکدرم و یک ربع بنشینانند صبح اندک مالیده صاف نموده بروغن بادام دو مثقال بر آن چکانید و گرم نموده بنوشند  
و اگر صفرا غالب باشد و دانه آلوی بخارانی و شش مثقال تمرهندی بیفزایند و هشت مثقال آب برک کاسنی نیز و اگر  
حاضر نباشد بجای آب در عرق کاسنی بنخساقند و اگر سرفه باشد پوست هلیله و آلوی تمرهندی و بیخ کاسنی را حذف نمایند  
بجای آنها بهل آنه اصل السوس معشر مرضوض ازهر یک یک مثقال تخم خطمی تخم خبازی ازهر یک یک مثقال و نیم بیفزایند  
و همچنین جهت خلط سودا و ادویه مختصه بآن و در امراض رآس ادویه مختصه رآس و در رکب ادویه مختصه بکبد  
و علی هذا القیاس در اوزان او بمقدار آب نیز برای اقویا بحسب حاجت بیفزایند و از برای ضعفا و اطفال بکاهند \*  
نوع دیگر جهت حمیات و بعضی امراض بارده بلغمیه \* صنعت آن بکیرند برک سنامکی دوازده ماشه تخم وازبانه  
نیم کوفته چهار ماشه نبات سفید و توله و وقت صبح نیم آثار آب جوش دهند تا ربع آن برود پس ادویه را در آن  
ریخته مالیده سر آن را پوشیده تمام روز بکنارند شب وقت خواب باز مالیده صاف کرده نیم گرم نموده بنوشند  
تا صبح چند دست بفرغت اجابت می کند \* سنبوسه بفتح سین و سکون نون و ضم بائی موحده و سکون و او ففتح  
سین و ها بیونانی بر ما ورد و بهندی پوری نامند از اغلیه معروفه است طبیعت آن گرم و تر و مقوی اعصاب و مسمن  
بدن و مصلح اشتها و کثیر الغل و لیکن ثقیل و مسدد و مولد ریاح خصوص در معده ضعیفه مصلح آن سکنجبین در  
صفراوی مزاجان و جوارشات حار مانند کمونی و فلاسفه و فلاغلی و امثال اینها در مزجه بارده بلغمیه \* صنعت آن

آن است که بکیرن آرد مید کند و با شیرو روغن داغ کرده خمیر کرده و پهن کنند و گوشت را قیقه کنند و بار روغن  
و پیاز بریان نمایند و با نخود معشر به بزند و فلفل و زعفران و قترنفل و دارچینی و هیل بر او از هر یک قدری که آنرا  
خوشبو کرد اند داخل کرده و در جوف آن کنند یعنی در آن پیچید و بهوشگی که خواهند ساخته در روغن بریان نمایند  
و یاد رتنور و یاد رفرن کد ارنف تا برشته گردد تناول نمایند \* صنعت آن بنوع دیگر آن است که بکیرن آرد کند م  
را بد ستور خمیر کرده پهن کنند نازک بهر مقدار که خواهند و در ماهی تابه و یا ظرف دیگر که دیوار آن چهار انگشت  
بلند باشد و قدری روغن در آن ریخته آن را در آن پهن کنند و بر بالای آن قیقه بخته بد ستور منگور فرس کنند و  
بالای آن یک لنان اندازند و باز قیقه فرس کنند و تا همچنین بضمامت و رو یا سه انگشت کرد پس سو آن را پوشید و  
در تنور و یا فرن بکند ارنف تا برشته گردد و و یا آنکه بر سه پایه آهنی و غیر آن گذاشته در زیر آن و بالای آن آتش آخرو  
کنند تا برشته گردد و ملاحظه مینموده باشند که نسوزد پس بر دشته بطویق لوز برید و بعد سرد شدن و یا نیم گرم تناول  
نمایند بسیار دل باشد \* سنبل بضم سین همزه و سکون نون و ضم بای موحد و و لام بمعنی خوشه است و معروف اطباء شامل  
سنبل هندی و سنبل رومی و سنبل جبلی است و بیونانی ناردین نامند و از مطلق آن مراد سنبل هندی است که بهندی چهار  
و بلغتی چا ماسی و بفرنگی ناروس نامند و آن گیاهی است بی ثمر و بی گل شبیه بدنباله سمور و دانه ازان باریکتر و بی رازی  
انگشتی و زیاده بران و سیاه مائل بزردی و خوشه و بیخش صلب و از دندان خیزد و قوتش تا سه سال باقی است در دیم  
گرم و خشک مفتوح و مقوی فم معد و رگها بارد و مل دیول و حیض و مجفف رطوبات معد و سینه و فصول دماغی و مانع  
انصباب ماده با معار معد و دافع لذت آن و مفتت حصا و رحا بس طبع و جهت یوقان و بواسیر و سوز و درد سپرز  
سینه و تحلیل نفخ و استسقا و ورام باطنی و با افسنتین و صندل بغایت مشتهی است و مقوی معد و با آب سرد جهت  
غشمان و خفقان و ضما دش قاطع عرق و باعث خوشبوئی بدن و اکحال با آب کشنیز جهت حمرا چشم و تقویت باصره  
و رویانیدن مزگان و با عفس جهت دمه مجرب و فروزجه و جلوس در طبیع آن جهت تنقیه و کشودن حیض و درور  
آن جهت التیام جراحات و طلای مطبوخ در خمیر جهت سیاه کردن و دراز کردن موموئو و مضر کرده و صلیبش کثیرا  
و شربتش تا یک مثقال و بد لش از خراب آن که رطبی را در دیا ندره و طل آب انکور بجز شاندک تا بنصف و سه هفته  
در آفتاب بکند ارنف در جمیع افعال مذکور و اثرش قویتر است \* سنبل رومی بیخ و ساقی است کل از خوشبو و با صلابت  
و در شکل و شباهتی به سنبل الطیب ندارد و حرارتش زیاده ازان و قبض آن و در افعال کمتر و ضعیف تر است و  
و مل دیول و با تریاقیت و محلل نفخ معد و ورم سپرز و جگر و رافع درد مثانه و کرده و شراب آن که نیم رطل آن را در سی  
و طل آب انکور انداخته بعد از دو ماه صاف کنند و روزی بمست مثقال ازان با شصت مثقال آب بنوشند جهت  
جمیع امراض بارد و کرده و معد و جگر و یوقان و عسر البول بغایت مفید است و روغنی که از سنبل و سنبل رومی  
ترتیب دهند مسهی بدن ناردین و سنبل هندی قویتر از سنبل افلیطی است و ساذج او را بطریق ساذج ادهان  
میسازند و آن ملطاف و محلل جهت جمیع امراض بارده اعضای ظاهری و باطنی نافع و دل و شربتش تا یک و قیقه است \*  
سنبل جبلی که بغارسی ریشه و الا کویند و مولف تذکره گوید که آن مو است و بغل ادهان غیر ادهان است و کویند یک  
دبالت و شبیه بقصرعنه و شاخهای آن مثل شاخ آن و ازان کوچکی و بیخ و ساق بیخش زیاده برد و عد و درازو  
بمرون مائل بسیاهی و اذن و رون سفید و خوشبو و بی ثمر و بی گل است قریب انقوت و مقوی اعضا مخصوص معد و  
و جگر و مقوی قوت ماسکه و محلل ریاخ و نفخ و رافع استسقا و قی باغمی و شراب آن در منافع مثل شراب سنبل است و



**وقد رشتن بنفشه** است \* سنبل فارسی شامل پرسیارشان است و قهقهه از ریاحین است که با نوکس میروید و در  
 غایت خوشبوئی و برکش و بیازش قریب بیرک و بیاز نوکس و گلش بنفش و بعضی سفید نیز میباشد و بشکل یا سه‌پن  
 و در هر ساقی چندین حلقه در بالای یک یک در فعال قریب به نوکس و بیاز از وضعی تر از بیاز نوکس است \* سنبل اقلیطی  
 سنبل رومی است \* جوارش سنبل الطیب منقول از قزاقیادین افندی صالح چلیپی حکیم باشی ابوالهیم سلطان قیصر  
 روم مقوی اعضای رئیس است و محلل ریاح و معین بروهض غذا \* صنعت آن سنبل الطیب دودرم کل سرخ نیم درم  
 کبابه چینی عود هند و مصطکی رومی دارچینی سادج هند انیسون پوست خربزه قرص کل سرخ غالیه ازهر یک  
 یک درم و دو ثلث درمی حب الصنوبر کبار فستق شامی مغز بادام شیرین مقشور ازهر یک پنج درم مشک ترکی ثلث درمی  
 صمغ عربی کثیر ازهر یک دو درم شکر سفید بقوام آورده بقول و کفایت بدستور مقور مرتب نماید شربت یک مثقال \*  
 در سنبل در سنبل رومی ذکر یافت \* شراب سنبل الطیب به نسخه معصومی درد معد و درد جگر و درد سپرز  
 و تهیهای کهنه را نافع باشد \* صنعت آن سنبل الطیب چهل درم و در نسخه دیگر بیست درم است در سه من آب  
 صاف بخیسانند و بجوشانند تا دوحصه بماند آنکه صاف نمایند و با دومن قند مکرر جوشانند و بقوام آورند شربت  
 ده درم \* شراب سنبل دیگر سوء مزاج باردیغمی معد را مفید است و تهیهای مزمن را سود دارد \* صنعت آن سنبل هند و  
 خوشبو بیست درم در دومن آب بجوشانند تا نیم من بماند بپالایند و با دومن عسل مصفی یا شکر سفید بقوام آورند  
 شربت ده درم \* قرص سنبل الطیب آماس صلب را که در معد و سپرز جگر باشد سود دارد \* صنعت آن سنبل الطیب  
 فجاج از خر سلیخه سودا کل سرخ منزع الا قماع ریوند چینی قصب الذریره ازهر یک سه درم زعفران مرکی صافی  
 انیسون قسط سفید تلخ فلفل ازهر یک یک درم مقل ازرق مصطکی رومی ازهر یک دو درم اشق نیم درم اشق را به ثلث  
 حل کرده باقی ادویه را کوفته بپخته اقراص سازند قرصی دو درم شربت یک قرص از بهر آماس معد و با ثلث بنوشند  
 را از جهت آماس کبد با سکنجبین و از برای صلابت سپرز با سکنجبین عنصلی سید اسمعیل گفته که این قرص در درم  
 صلب معد و بعد از خوردن شیر شتر با ماء العسل یا روغن بید انجیر که مغز خیارش بر دران حل نهوده باشند یا ماء  
 الاصول یا روغن بید انجیر و روغن بادام تلخ و روغن سوسن یا یلکه که یک قرص را که یک مثقال باشد هر روز با  
 میوه پخته بپاشانند و در نسخه که او ذکر کرده مقل ازرق و مصطکی و اشق و ثلث داخل ندارد \* قرص سنبل  
 به نسخه دیگر \* صنعت آن سنبل الطیب قصب الذریره و سلیخه ریوند چینی ازهر یک سه مثقال مقل ازرق مصطکی رومی  
 ازهر یک دو مثقال مرکی صافی قسط تلخ فلفل انیسون زعفران ازهر یک یک مثقال اشق پنج مثقال مقل و اشق را در  
 مثالث با آب گرم حل کنند و باقی ادویه را کوفته بپخته با آن سرشته اقراص سازند شربت دو درم برای ورم جگر با سکنجبین  
 و برای ورم معد و با ثلث \* معجون سنبل الطیب معد و جگر را نافع باشد \* صنعت آن سنبل الطیب فجاج از خر قصب  
 الذریره ازهر یک چهار درم مویز منقی سلیخه مرکی انیسون زعفران ازهر یک پنج درم فلفل سیاه مقل ازهر یک یک  
 درم مقل و مویز را در مثالث حل کنند و داروها کوفته بپخته دران بپامیزند و با عسل معجون سازند و در نسخه دیگر  
 سنبل الطیب و فجاج از خر ازهر یک دو درم است \* معجون سنبل دیگر که همین نفع دارد \* صنعت آن سنبل الطیب  
 قسط تلخ فجاج از خر قصب الذریره مویز منقی ازهر یک چهار درم سلیخه سیاه پنج درم مقل ازرق دو درم مرکی صافی  
 زعفران انیسون فلفل سیاه ازهر یک یک درم مقل را در مثالث خیسانند و حل نموده ادویه کوفته بپخته با سه وزن آن  
 عسل بسروشند \*

### فصل در ذکر نسخ انواع سنوبات \*

بد آنکه سنون بضم سین

مهمان و نون و سکون را و و نون در آخر از ادویه مخصوصه با مراض دندان است اعم از آنکه سائیده بر آن بپاشند و یا  
بچیزی بسازند و یا قرص سازند و مؤلف تذکره گوید که سنون مثل شیاف است و آنکه آنرا معجون کرده در سایه خشک  
کنند لیکن این مخصوص باد ویه فم است پس اگر استعمال کرده شود در غیر فم نادر است و نیست سنون از تراکیب  
قدیمه و بعضی گفته از مخترعات جرجیس و لدختیشوع است و او اول طبیبی است که تذکره طب به نیشا پور کرد و  
نقل کرده طب را از یونانی با سرائیلی و طبیب خلفای عباسی بود و در استعمال سنون باید که معده و محتلی نباشد و  
قبل از استعمال آن دهن را با آب مطبوخ و یا معصوره و به مناسبه بشویند و بمسواک پاک کنند بد آنکه استعمال  
سنونات عموماً وقتی جائز است که علت عام باشد مرجع اسنان و عموماً آنها را و الا هنگامی که مخصوص  
بدن آن واحد باشد استعمال آن بجمیع دندان ها در آن حین جائز نیست بلکه باید که خاص بهمان دندان باشد  
زیرا که اکثر آن است که در چندین حالات باعث ترقیق و تحریک و میل مواد با سنان و بکرمیکردن کمالاً یخفی و حکیم  
مؤمن گوید که این کلام یعنی بودن آن از مخترعات جرجیس اصلی ندارد و ظهور آن است که از قدماى اطباء است و  
این نیز اصلی ندارد چنانچه در طب الایمه از عبد الله بن مسعود روح از طبرانی از خالد قماط گفت املا کرد بر من علی  
بن موسی الرضا علیه التحیه و الثناء این ادویه را برای بلغم فرمودند بکیر اهلیمج اصفر عا قرقرها از هر یک یک مثقال خردل  
و مثقال و بسیا زرم کوفته بپخته بردن آن بمال بد و ستمیکه و در میکردند بلغم را و دهان را خوشبو میکنند و مستحکم می  
کردند دندانها را و صاحب کافیه روایت میکند از ابن محبوب از ابی ولاد که گفت دیدم من ابوالحسن اول را عم و  
شنیدم من ازان حضرت که در دندانش پس گرفتیم من سعد را و مالیدم بدندان پس نفع بخشید و سائید کرد اند  
و جمع آنرا و بپزند روایت دیگر منقول است که مالیدن سعد بردندان دهن را خوشبو میکند و قوت باه را زیاده میکردند \*

سنون ابیض منقول از معالجات بقراطی جهت مستحکم نمودن دندان و کوشش بن دندانها و رافع خون آمدن و منع  
گرم خوردن و ریختن مواد از دماغ به بن دندان بغایت مفید است و رفع بد بوئی دهان میکند و جلای دندان میداند  
و چون با روغن زیتون یا قطران سرشته بردن آن در دناک گذارند در حال رفع ألم آن ممکن و چون با سرکه مخلوط  
کرده مضمضه نمایند دندان متحرک را مستحکم میکردند و بهترین سنونات است \* صنعت آن عا قرقرها سازج  
هندی کز مازج سعد کوفی از هر یک شش مثقال پوست بیخ انار مازوی سبز کند و کلنا و فارسی کل سرخ مر و ارید ناسفته  
بسبب سفال چینی از هر یک سه مثقال بیخ سوسن کبود چهار مثقال شاخ کاکوهی سوخته دندان فیل دار فلفل طبا شیر  
سفید قشقرقه نشاسته کتیرا کشنیز خشک بریان عدس از هر یک هفت مثقال زبد البحر نمک سرخخته حارون سوخته  
شب بمانی از هر یک یک مثقال و نیم فلفل سفید مصطکی عود بلسان از هر یک یک مثقال کوفته بپخته و د آنک کافور اضافه  
نموده سنون نمایند \* سنون دیگر از تألیف میر محمد زمان جهت رویا فیلدن کوشش بن دندان و دفع بد بوئی دهان  
محبوب است و بنهایت فافع است \* صنعت آن دم الا خورین کز مازج انزروت سفید جوز السرو کند و بیخ نی سوخته  
طبا شیر سفید اقا قماط کل سرخ کلنا و فارسی جفت بلوط پوست انار ترش از هر یک یک جزو قصب اند و به نیم جزو  
کوفته بپخته وقت خواب استعمال نمایند \* سنون دیگر از تألیف میر محمد مؤمن جرجانی صاحب نسخه گوید موافق  
اکثر مزاج است و در تسکین ألم و رافع آمدن خون از دهان و ریشه و رویا فیلدن کوشش و قروح فم و منع ریختن  
مواد از موده است \* صنعت آن سعد کوفی طبا شیر سفید کل سرخ حب الاس کلنا و فارسی فلفل کات هند کز مازج  
اقا قید از هر یک جزوی ساق سه جزو کوفته بپخته استعمال نمایند \* سنون دیگر که همین منفعت دارد \* صنعت آن طبا

طباشیر سفید فوفل مرجان قرمزی مرجان سفید مورارینک ناسفته صدف سوخته کشنیز خشک شاخ کوزن سوخته پوست تخم مرغ سوخته کوفته بیخته سنون نمایند \* سنون دیگر قلمی فرموده اند که از تالیف حضرت علامی میر محمد هادی والد حقیر محمد هاشم مخاطب بعلو بخان است بجهت قلاع و قروح فم و لثه و عمور و اورام لثه و اصلاح فساد اسنان و ضعف اسنان و آمدن خون از دهان و لثه و عمور و در جمیع آنچه مذکور شد عمل یلند ارد \* صنعت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست هلیله آمله منقی ازهریک قندری بآب لیمو و کلاب بقل ریکه از روی دواها برگردد بخیسانند پس بگیرند توتیای هند و معروف بزاج اخضر و نرم بسایند و درهریک جزو از آن نه جزو طین اخمر یزدی داخل کنند و گاهی که از برای قروح خبیثه و فساد اسنان و کرم دند آنها باشد بدل طین اخمر یزدی قنبیل کنند و هردو را نرم سائند و یکجا کنند پس انکشت را بآب لیمو و کلاب مزبور تر کرده بر روی ستون مذکور نهاده برگام و دهان و اسنان و بن دندانها بمالد نیکو پس دهان را بآب لیمو و کلاب مذکور بدین این سنون بشویند که اثر این سنون در دهان نمائند پس بگیرند سحاق طباشیر کشنیز خشک دم الاخوین اقا قیالکات هندی فوفل ساذج هندی سعد کوفی سنبل الطیب سک مسک رامک پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه سلیخه دار شیشعان زرورد کرمازج عاقر قرحا اجزاء مساوی کوفته بیخته سنون نمایند و به سبب امراض بعضی ادویه مخصوصه آن امراض را زیاده بایند کرد و این ادویه مذکوره بحسب رای طبیب کم میتوان نمود چنانکه اگر حرارت غالب باشد جائز است که قندری کا فوراً ضافه این ستون نمایند و اگر از برای رستن لثه باشد زراوند مد حرج رابرسا و امثال آن داخل کنند و در علاج لثه درمنه عقیص شب یمانی کلنار فارسی و مانند آنها داخل کنند و در قروح خبیثه فشار کنند و مرصافی حضض مکی و امثال اینها اضافه نمایند و در جلای اسنان و اصلاح فساد آنها زبد البحر بسد مخرق شاخ کوزن سوخته غیر مغسول و امثال اینها داخل کنند و طی هذا القیاس در سایر امراض فم و لثه و اسنان آنچه مناسب دانند بر آن سنون افزایند و آنچه کم کردن باشد کم نمایند \* سنون حارون الرشید منقول از تلک که در زمان حارون رشید تالیف یافته جهت استحکام لثه و دندانها و خوشبو کردن دهان و قطع رائحه کریه آن و تحلیل اورام و دفع سیلان آب از دهان مفید است \* صنعت آن نمک سوخته ده جزو نان سوخته هفت جزو و دهنکی شش جزو رسک سه جزو و کرمازج فلقل در افلفل زنجبیل زبد البحر قاقله ازهریک و جزو کوفته بیخته با شراب قرص سائند و در سایه خشک کنند صاحب تلک کوی که با سرکه بسرشتن این به تر است و بختیشوع از برای حارون الرشید شیخ ارمینی و زراوند مد حرج ازهریک هفت جزو اضافه نموده و زجبرئیل ولد او عاقر قرحا و ازخرا ازهریک و جزو الحاق کرده و با شراب سوسق و با عسل سرشته و بعضی این ادویه را اضافه نموده و صندل سفید سعد کوفی کل سرخ فوفل خاکستر شاخ کاو کوهی ازهریک سه جزو و بوره ارمینی و جزو و در نسخه کلنار فارسی عقیص سک اقا قیاء عصا ره لکیمه التیس ازهریک یک درم داخل و آورده که بعسل سرشته استعمال نمایند و یا خشک بپاشند حکیم میر محمد مؤمن کوی که اطبا پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه داخل کردند و بهترین چیزها از برای سرشتن ادویه دندان سرکه است که در آن زیوره کرمانی خیسانند و بپاشند و همچنین مضمضه با آن بهترین اشیا است \* سنون که جهت امراض حاره عظیم النفع است مذکور در کامل و شامل و حاوی کبیر و تلک و جهت رویانیدن کوشش لثه و اصلاح تعفن و قلاع واکله فم و حرکت دندان و مجرب است فوئد آن \* صنعت آن طباشیر سفید کل سرخ ازهریک سه درم مورارینک کل ارمینی برشته دم الاخوین ازهریک دو درم مرجان سوخته صندل سرخ مرصاف حب العروس کرمازج مامیران ازهریک دو درم کوفته بیخته سنون سائند \* سنون حار ریکه جهت امراض بارده عظیم النفع است \* صنعت آن عاقر قرحا فلغل شیطرج هند صخر دل زنجبیل بوره ارمینی اجزا

مساوی با قطران یا طیمخ زیره بسوزند \* سنونی که دندان را محکم کند و خون رفتن از لثه باز دارد و بوی دهان خوش  
 کند \* صنعت آن پوست هلیله زرد پوست بلبله آمله منقی کل سرخ شب یمانی اقا قیما کلنار فارسی قسط طبا شیر سفید  
 عاقر قرحا مساوی کوفته پیخته سنون سازند \* سنونی دیگر که همین خواص دارد \* صنعت آن پوست هلیله زرد  
 کل سرخ شاخ کوزن سوخته نمک اند ارانی سوخته از هر یک ده درم کلنار فارسی یک رم کوفته پیخته بر لثه دندان  
 افشانند \* سنونی که قلاع را نافع بود و بوی دهان خوش کند و دندان را محکم گرداند \* صنعت آن شفاف ما میثا  
 طبا شیر سفید کلنار فارسی زرور کزماذج عصا راسان الحمل پوست هلیله زرد زیتون شب یمانی مساوی کوفته پیخته  
 استعمال نمایند \* سنونیکه در نهایت جلا است و تحلیل او را م لثه و دهان میل هل و منقول از تصرف \* صنعت آن  
 خاکستر پوست کب و تلخ بیست جز و نمک اند رانی مویز جبلی از هر یک هفت جز و کوفته پیخته سنون نمایند و گاهی  
 داخل گردد می شود درین سنون خاکستر سبوس کند م و گاهی سرشته می شود اجزای آن را بقطران \* سنون بارد  
 بجهت امراض حاره \* صنعت آن کل سرخ مازوی سبز کزماذج سماق از هر یک جزوی عاقر قرحا فیون از هر یک نیم جز و کوفته پیخته  
 طبع بلوط و پوست خیارد و مورد سرشته اقراص سازند و در وقت حاجت کوفته سنون نمایند \* سنون مجرب از برای  
 آمدن خون از دندان و درد و حرکت آنها \* صنعت آن زید البحر اقا قیما کلنار فارسی پوست انار از هر یک دو مثقال مازوی  
 سبز سه مثقال نمک طعام یک مثقال کوفته پیخته سنون نمایند و بعد از آن با سماق که در کلاب خیمه نیک و باشند مضغه  
 نمایند \* سنون مجرب \* صنعت آن فوفل کات هندی از هر یک سه مثقال کزماذج عاقر قرحا اقا قیما از هر یک دو مثقال کوفته  
 پیخته سنون نمایند \* سنونیکه از برای جلائی اسنان در نهایت دفع و درد دندان را میبرد و ساکن می گرداند و سود مند  
 بود از برای سقوط لپات و مقوی لثه است \* صنعت آن شاخ کوزن سوخته هشت مثقال سعد کوفی فلفل از هر یک هشت مثقال  
 مرصافی یک مثقال شب یمانی نوشادر زید البحر را مک نمک مکلس قنطاریون مازوی سبز کلنار فارسی طبا شیر سفید سنبل  
 الطیب عود هندی از هر یک یک رم کوفته پیخته سنون نمایند \* سنونیکه دندان را جلا دهد و محکم سازد و گوشت بن دندان  
 بر و یاند \* صنعت آن پوست هلیله زرد نمک هندی بریان کرد و از هر یک پنچ رم قوفه پانزد و درم دارچینی سعد کوفی  
 از هر یک سه درم شب یمانی سماق از هر یک دو درم عاقر قرحا هفت درم نوشادر ارفلفل آمله زعفران از هر یک درمی  
 کزماذج قاقله کلنار فارسی از هر یک چهار درم زرنیاد شش درم کوفته پیخته سنون سازند \* سنون که دندان را  
 جلا دهد و لثه را محکم کند و بوی دهان خوش نماید \* صنعت آن شب یمانی شیم سوخته از هر یک ده درم عاقر قرحا  
 چهار درم کوفته پیخته سنون سازند \* سنون دیگر که دندان را محکم کند و گوشت بن دندان بر و یاند و بوی دهان خوش کند \*  
 صنعت آن توتیای هندی دو درم کات هندی چهار درم فلفل ارفلفل زنجبیل نمک هندی از هر یک یک رم کوفته پیخته  
 با نکشت در بیخ دندان بمالند \* سنون که خون آمدن بیخ دندان را بر طرف سازد و بوی دهان خوش کند و لثه را محکم  
 نمایند \* صنعت آن شب یمانی پود نه کوهی کل کز آمله از هر یک سه درم عصا راسان الحبه التیس کل مخشوم بهل از هر یک  
 درمی دارچینی نیم درم کلنار فارسی کل سرخ سعد کوفی سماق مرجان از هر یک یک رم کوفته پیخته سنون سازند \* سنون  
 دیگر که اکثر امراض اسنان و لثه و فم را نافع است و زردی دندانها و چرک و کرم و حرکت آنرا دفع است \* صنعت آن  
 فوفل سوخته جو سوخته بیخ شبت کل سرخ سماق زرشک کلنار فارسی کل ارغنی دم الاخوین کشنیز خشک طبا شیر سفید  
 گریبازر قاطونا کوفته پیخته سنون سازند \* سنونیکه اسنان مسترخیه را قوت دهد و لثه را سخت کند و بوی دهان خوش گرداند  
 و لون دندان را صاف کند و پاک سازد \* صنعت آن نخم مرو و عود کزماذج بودا ارغنی آبکینه شامی حنا مرکبی زید البحر اجزا

اجزاء مساوی گرفته **ببخته** سنون نمایند \* سنونیکه دندان را سفید کند و از چرک پاک نماید و بوی دهان خوش کند و منع اكله نماید \* صنعت آن بورد ارمني پوست انار زید البحر مرصافی شونیز از هر يك جزوی گرفته **ببخته** سنون نمایند \* سنون منقول از ذخیره بوی دهان را ببرد و خوش کند و بیخ دندان محکم کند و خون آمدن باز دارد و گوشت بین دندان را جلاد هل \* صنعت آن کل سرخ کلنار فارسی کز مازج شب یمانی سماق منقی عدس سرخ از هر يك سه درم طباشیر سفید فوفل هندی کف دریا از هر يك دو درم گرفته **ببخته** در بیخ دندان بپاشند و يك ساعت نگاه دارند و بمالند و بعد از ساعتی در کنند و پیش ازین سنون سرکه که کز مازج دران جوشانیده باشند مضمضه نمایند و اگر خواهند که گوشت بربانند و بیخ دندان محکم کنند سه درم آرد کز سنه در عسل و سرکه بریان کرده و سحق نموده دران زیاده کنند و بمالند \* سنونیکه گوشت بربانند و همان خاصیت دارد \* صنعت آن سماق منقی کلنار فارسی شب یمانی از هر يك چهار درم طباشیر سفید فوفل زید البحر پوست هلیله زرد از هر يك دو درم سماق هندی سعد کوفی از هر يك یک درم گرفته **ببخته** اول سرکه و نمک در دهان نگاه دارند پس بشویند و بعد از شستن بکلا بیکه کز مازج دران جوشانیده باشند مضمضه نمایند \* سنون مجرب از برای قلاع و اكله دهان و تا کل اسنان و وجع آن و عفونت آمدن از دهان و اکثر امراض اسنان و دهان \* صنعت آن تخم مرو خلبه از هر يك دو درم کثیرا تخم ریحان از هر يك یک درم زرنیخ قلی از هر يك نیم درم گرفته **ببخته** به سفید تخم مرغ سرشته قرص سازند و بخمیر گرفته بویان نمایند پس خمیر را از آن جدا کرده و مرتبه دیگر نرم کوبید استعمال نمایند \* سنون منقول از جزو ثانی از قرابادین قانون که تنقیه دندان کنند و لثه را محکم گردانند و بوی دهان را خوش کند و قروح لثه را سود دهد \* صنعت آن بکیرند نمک اندرانی گرفته و عسل بسوزشند و در کاغذی پیچید و بر آتش نهند تا بکردد مثل اخگر از آتش بر آرد و بقطران خاموش کنند آنرا یا بشو آب ریختنی یا بمی سوسن و بکنارند تا سرد شود و بکوبند و بکیرند از آن يك جزو را از زید البحر جزوی و بگردانند با این هردو ارچینی جزوی مرصافی جزوی و ماد شیم سعد از هر يك جزوی فقاح سدس جزوی و عود قماری نصف جزوی نبات سفید سه جزو و کافور و عرعر جزو گرفته مخلوط سازند و هر صبح با آن سنون نمایند \* سنون نافع از برای لثه و دندانها \* صنعت آن مازوی سبز در آتش انداخته چون بویان شود در سرکه آنرا سرد کرده خشک نموده با طباشیر سفید گرفته **ببخته** بزرقطونا داخل کرده بر پای دندانها بپاشند \* سنونیکه حاجی ابراهیم از مصر نسخه آن را آورده \* صنعت آن پوست هلیله زرد پنج مثقال غنچه کل سرخ کل خطمی با دهر معدنی آرد کز سنه کشنیز خشک از هر يك دو مثقال گرفته **ببخته** سنون نمایند \* سنون نافع از برای اكله دهان و لثه \* صنعت آن تخم پیاز سوخته تخم ریحان از هر يك دو مثقال طباشیر سفید عاقر قرحا کافور قیصری از هر يك يك مثقال گرفته **ببخته** وقت خواب در دهان بپاشند \* سنون احمر قلمی فرموده اند که از قوه الحکما ولد ماجل و استاذ فقیر اسفندس سرکه که از برای جمع جوششها و قروح دهان و زبان و حلق و حنجره و مری و از برای اكله و جوشش جلدی افرنجی در دهان و حلق و قلاع فم هر قسم که باشد خصوص قلاع خبیثه از برای فساد اسنان و تا کل آنها مجرب است \* صنعت آن طین مغره نه جزو و توتیای هندی يك جزو پس اگر جوششها و قروح تازه باشد توتیای هندی را بربان کنند و الا غیر بویان هردو را نرم کوبید و **ببخته** نگاه دارند پس طریق استعمال این سنون در جوششهای حلیف فم آنکه بکیرند پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست هلیله آمله منقی از هر يك یک مثقال و بکلاب و آب لیمو تخم سانند پس بپالایند و بکیرند اندکی از آن در پیاله قهوه خوری و انگشت را با آن تر کرده بر روی سنون احمر من کورکن داشته و بر موضع قروح و

بمورد دهان و زبان بمالند و سه مرتبه این فعل را مکرر کنند و زمانی صبر کنند که آب از دهان آید پس دهان را با آب  
 لیمو و کلاب که هلیجیات را در آن خیسانید و اند بشویند تا اثر سنون احمر زایل شود پس بکیرنگ سماق منقی طباشیر  
 سفید کا و زبان محرق کشنیز خشک دم الاخوین کات هند ی فوفل زرد و کلنا فارسی سک را مک از هر یک یکد انگ گرفته  
 بپخته بپاشند و اگر زمان آنها باشد و حلت ماده فرو نشسته باشد ساذج هند ی سلیخته سیاه و ارشیشعان سعد کوفی  
 دارچینی درین سنون اخمردا خل نمایند و اگر قروح و بشور آتشک در دهان باشد در نقوع هلیجیات چوب چینی یک  
 مثقال داخل نمایند و بعد از شستن دهان از سنون احمر یکی از سنونیکه در مرض آتشک ذکر کرده میشود برد دهان  
 بپاشند و اگر کله و قروح خبیثه و قلاع خبیث در دهان باشد در نقوع هلیله هابوک حنا قرقح دارچینی مرکبی جعله  
 کرم مزاج از هر یک یک مثقال جل و ار خطائی نمک طبرزد از هر یک د و د انگ اضافه نمایند و باقی آب لیمو سوخته انکوری  
 و توتیای هند ی در سنون احمر خام باشد و بعد از شستن دهان از سنون احمر یکی از سنونفات عنا سبه که در کله و قروح  
 خبیثه هم و قلاع خبیث ذکر کرده میشود بپاشند و اگر فساد و تا کل در اسنان باشد ها قرقح کرم مزاج سعد کوفی از هر یک یک  
 مثقال نمک طبرزد در د انگ در نقوع هلیجیات داخل نمایند و بعد از شستن دندانها از سنون احمر به نقوع من کور  
 یکی از سنونفات نافع از برای فساد تا کل اسنان بپاشند و اگر جوشش و قروح در حنجره و حلق باشد و تازه باشد کشته خشک  
 حل س معشر پوست خشخاش کرم مزاج برک حنا پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست هلیله آمله منقی  
 حفص مکی از هر یک یک مثقال در کلاب و آب لیمو جوشانید و صافی نموده بقدر نیم درم سنون احمر داخل کرده غرغره نمایند  
 و اگر با جوشش حنجره و حلق و مری و قروح این اعضا سوزنده باشد ادویه را با آب جوشانید و دندانها را با آب جوشانید  
 کرده غرغره نمایند بعد از آن زرد ریکه مناسب باشد بپاشند و اگر قروح بشور آتشک در حلق و مری و حنجره باشد کرم مزاج  
 ها قرقح ساذج هند ی سلیخته سیاه و ارشیشعان برک حنا چوب چینی پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه  
 پوست هلیله آمله منقی زرد چوب صنوبر ذکر کلنا از هر یک یک مثقال جوشانید و صافی نموده در د و د انگ از سنون  
 احمر من کور داخل کرده غرغره نمایند که بعون الله تعالی نفع است و اگر د قروح عتیقه و خبیثه اعضای دیگر سوزانده  
 و زبان و حنجره و حلق و مری استعمال کرده شود این سنون نیز نافع است باین نحو که بخیسانند در شراب پوست هلیله  
 جعله و برک حنا از هر یک یک مثقال پس یک قهوه خوری از آن را گرفته پر مرغی را با آن ترکوده بر روی سنون احمر گذاشته  
 بر زخم بمالند و صبر کنند پس زخم را با شراب بشویند که اثر سنون احمر نماید پس مرغی که مناسب باشد بر آن زخم  
 گذارند \* سنونیکه دندانها محکم کند و فساد و زردی رنگ دندانها را به بود \* صنعت آن صندل سفید سوخته تخم ترب  
 تخم اسپند ان مساوی کوفته بپخته بردند آنها بمالند \* سنونیکه برای درد دندان موجب است \* صنعت آن فوفل سفید  
 چکی مکینی نباتی بود ده کرم مزاج کلان و خورد کات هند ی سفید ما فرم صطکی زاج سفید بویان زاج زرد که به هند ی کسمیس  
 با صندل از هر یک یک توله توتیای هند ی بریان بحد یک خضرت آن نمالند شش ماشه اجزا را کوفته بپخته سنون سا زند  
 و در صبح بود دندان فاسد بپاشند \* سنونیکه ضعف اسنان را نافع است \* صنعت آن قرقرش سعد کوفی کرم مزاج پوست  
 هلیله زرد صندل سفید مساوی کوفته بپخته سنون سا زند \* سنونیکه همین خاصیت دارد \* صنعت آن پوست هلیله  
 زرد نمک هند ی از هر یک د درم ها قرقح هفت درم نو شاد را رافل آمله منقی زعفران از هر یک یک درم کل کوسنه یک مثقال  
 قاقله کلنا فارسی از هر یک چهار درم زرنیا دشا نوده درم کوفته بپخته سنون سا زند \* سنونیکه دندان را از چرک پاک  
 کند \* صنعت آن ملح زلف وانی جو سوخته زبل البکر سماق مساوی یکد گرفته بپخته سنون سا زند \* سنونیکه دندان متحرک

منحرک را محکم کرد اند \* صنعت آن کلنا رشب یما نی آمله خشك اقا قیا مساوی کوفته بیخته سنون سازند \* سنونیکه همین  
خاصیت دارد \* صنعت آن شب یما نی کلنا فارسی کزما زج مساوی کوفته بیخته بسوکه بسرشند و در سایه خشك کنند و دیگر  
بار ه بکوبند و سنون نما یند \* سنونیکه نافع است از برای دردند ان که سبب آن ورم لثه باشد \* صنعت آن تخم خرفه  
کشیز خشك سماق عدس مقشر صندل سفید عاقرقرا حاکا فور مساوی کوفته بیخته بر لثه و دندان بپاشند و بعد از آن کلاب  
و سرکه یک ساعت در دهان نکاهد اند \* سنونیکه بیخ دندان را سخت کند و خون باز دارد \* صنعت آن شاخ کوزن سوخته  
نمک اند را نی سوخته پوست هلیله زرد کل سرخ زهریک دودرم کلنا و یکدرم کوفته بیخته بر لثه افشانند \* سنونیکه دندان  
را محکم کند و خون آمدن را باز دارد و بوی دهان را خوش کند \* صنعت آن هلیله زرد و بلیله آمله مقشر کل سرخ کلنا را قاقیا  
شب یما نی طبا شیر عاقرقرا مساوی کوفته بیخته سنون سازند \* سنونیکه رفتن خون را از بیخ دندان باز دارد \*  
صنعت آن شب یما نی سوخته یکدرم نمک بریان دودرم سماق سوخته سه دودرم کوفته بیخته سنون سازند \* سنونیکه آنرا  
سنون الملوک کویند درد دندان را نافع باشد و بوی دهان را خوش کند \* صنعت آن مرمکی اهل چوزال سرو عاقرقرا  
مساوی یک یک کوفته بیخته استعمال نمایند \* سنونیکه ناسور دندان را با صلاح آورد \* صنعت آن بیخ سوسن عاقرقرا  
ازهریک یکدرم شب یما نی کلنا را زو سماق ازهریک دودرم کوفته بیخته سنون سازند \* سنونیکه زردی و سیاهی را از  
دندان به برد و بوی دهان خوش کند \* صنعت آن کزما زج زنجبیل زبد البدر ارفلقل قاقله ازهریک دودرم نمک  
بریان کرده درم جو سوخته هفت درم کوفته بیخته سنون سازند \* سنونیکه خون رفتن از لثه باز دارد و بوی دهان  
خوش کند \* صنعت آن شب یما نی پنجدرم پودنه کوهی ده درم کوفته بیخته سنون سازند \* سنونیکه نافع از برای  
درد دندان که سبب آن رطوبت باشد \* صنعت آن فلفل دار فلفل مرمکی ازهریک ده درم پودنه ارمني یکدرم و نیم  
عاقرقرا زنجبیل مویزج ازهریک یکدرم کوفته بیخته استعمال نمایند \* سنونیکه لثه را محکم کند و بوی دهان خوش  
نماید \* صنعت آن سعل کوفی کل سرخ ازهریک پنجدرم کلنا فارسی کزما زج فوغل ازهریک سه درم دم الاخوین کنند  
فلقل ملج اند را نی مصطکی پودنه سوخته ازهریک دودرم عود خام یکدرم کوفته بیخته استعمال نمایند \* سنونیکه  
دندان را محکم و سخت کند و خون رفتن باز دارد \* صنعت آن پوست انار ترش ده درم شب یما نی هشت درم عاقرقرا  
کل سرخ کزما زج ازهریک چهار درم ملج هند ی پوست هلیله زرد سماق ازهریک دودرم کوفته بیخته سنون سازند \*  
سنونیکه خون رفتن ازین دندان باز دارد \* صنعت آن کات هند کلنا و فوغل کل سرخ سماق دم الاخوین مساوی  
کوفته بیخته شب بردند ان بپاشند و صبح بکلاب و آب سماق مضمضه کنند \* سنونیکه دندان سیاه را سفید کند \*  
صنعت آن پوست هلیله زرد ده درم فلفل چهار درم حما ما سه درم سا زج هند ی دودرم مازوی سوخته هشت درم  
کوفته بیخته بردند ان بمالند \* سنونیکه لثه را محکم کند و نشف و رطوبت نماید \* صنعت آن کلنا رده درم نوشا درد  
درم مویزج سه درم مازوی یکدرم پودنه سوخته ده درم نمک بعسل سرشته سوخته ده درم کوفته بیخته استعمال نمایند \*  
سنونیکه دندان را جلادهد و لثه را محکم کرد اند و بوی دهان را خوش کند \* صنعت آن شب یما نی سوخته ملج اند را نی  
زبد البدر شیخ جو سوخته چوب تاک سوخته ازهریک ده درم عاقرقرا کبابه چینی کل کزما زهریک چهار درم ملج هند ی  
پوست هلیله زرد ازهریک دودرم کوفته بیخته سنون سازند \* سنونیکه خون رفتن از دندان باز دارد و لثه را محکم کند \*  
صنعت آن کل کزما آمله خشك ازهریک سه درم عصا ره لحيه التیس کل مختوم اهل ازهریک یکدرم دارچینی نیم درم کوفته  
بیخته استعمال نمایند \* سنونیکه دندان را سفید کرد اند و بوی دهان خوش کند \* صنعت آن زبد البدر نیم درم کوفته



بیخته استعمال نمایند \* سنونیکه دندان را سفید گرداند \* صنعت آن نمک بریان در درم عود سوخته جو سوخته سفال  
 چینی کزما زج کلنار عا قرقرها قرنفل قرد ماناسک ساج کل سرخ سماع ازهر یک نیم درم زراوند طویل حب الآس  
 ازهر یک سه درم گرفته بیخته بر دندان بمالند \* سنونیکه چون در محل دا روی تشک بردند آن و دهان و بیخ دندان را نشانند  
 جوشش که از آن داروها بهم رسد منع کنند و اگر جوشید باشد استعمال نمایند با صلاح آورد \* صنعت آن زراوند  
 مد حرج بزرگ مورد کند رسد کوفی کلنار بیخ سوسن دم الاخوین مازو مسامی گرفته بیخته استعمال نمایند \* سنونیکه قلاح  
 را نافع باشد ربوی دهان را خوش کند و بیخ دندان را محکم گرداند \* صنعت آن شیف ما پیشا طباشیر سفید تخم کل لسان  
 الحمل پوست هلیله زرد کلنار بزرگ زیتون کزما زج شب یمانی مسامی گرفته بیخته استعمال نمایند \* سنونیکه کله و نا صور  
 بیخ دندان را نافع باشد و دندان را محکم کند و خون رفتن یازد آرد \* صنعت آن مر نوشاد و بیخ سوسن زرنیخ سرخ  
 عا قرقرها ازهر یک یک درم شب یمانی کلنار فارسی سماع مازو ازهر یک درم کوفته بیخته سنونیکه \* سنونیکه  
 دندان متحرک را محکم کند \* صنعت آن مر نوشاد در شب یمانی نشاسته کل سرخ سماع پوست انار ترش استخوان  
 هلیله زرد سبک کلنار فارسی مازو کزما زج اجزا مسامی گرفته بیخته برین دندان افشانند \* سنونیکه دندان را از چرک  
 پاک کند و دندان متحرک را سخت کند و ربوی دهان خوش نماید و خون رفتن یازد آرد \* صنعت آن ریشی نی سوخته زرد البحر  
 کزما زج نمک سوخته جو سوخته سک چو هند صدف سوخته کلنار عا قرقرها قرنفل ساج کل سرخ سماع  
 سماع اجزا مسامی گرفته بیخته سنونیکه سازند \* سنونیکه استرخای لثه و سقوط اسنان را نافع است \* صنعت آن پوست انار  
 سی درم کلنار مازو سبز شب یمانی عروق الصباغین ازهر یک دو درم سماع با نرود درم نمک هند ی پنج درم اجزا گرفته بیخته  
 بر پای دندان بپاشند \* سنونیکه نا صور لثه را با صلاح آورد \* صنعت آن اصل السوس عا قرقرها ازهر یک یکه شقال شب یمانی  
 کلنار عا فص ازهر یک دو مثقال سماع سه مثقال کوفته بیخته سنونیکه سازند \* سنونیکه لثه را محکم کند \* صنعت آن کلنار  
 فارسی بلوط سماع پوست انار کل سرخ حب الآس مازو سبز عروق الصباغین اجزا مسامی گرفته بیخته سنونیکه  
 سازند \* سنونیکه لثه اطفال را محکم کند \* صنعت آن کلنار و زرد حب الآس سماع حنا عا فص عدس سندان سفید فوفل  
 اجزا مسامی گرفته بیخته سنونیکه سازند \* سنونیکه جهت خون آمدن و چرک آمدن و عفون و حرکت دندان و درم پای دندان  
 نافع است \* صنعت آن رما د چوب ز فوفل سماع کلنار مرجان سود مازو سبز سوخته نشاسته کهر یا مروارید سود کل  
 ارمنی بزرگ درخت کوش شب یمانی پوست درخت توت سفید کافور ازهر یک دود انگ کوفته بیخته سنونیکه سازند \* سنونیکه  
 دندان متحرک را محکم سازد \* صنعت آن بزرگ درخت سرو را سوخته بر پای دندان بپاشند و با آب بزرگ و زرد ضربه کنند \*  
 سنونیکه دندان را از چرک پاک سازد \* صنعت آن زرد لثه نمک سوخته شمع سوخته صدف سوخته خاک کستر بیخ  
 نی نمک اندرانی زراوند مد حرج اجزا مسامی گرفته بیخته سنونیکه سازند \* سنونیکه نافع است دندان را و در  
 که سبب آن رطوبت باشد \* صنعت آن سعد کوفی سافل الطایب نمک اندرانی کزما زج شاخ سوخته اجزا مسامی گرفته  
 بیخته بر پای دندان بپاشند و اکوموی سر آرد می را بسوزند و با روغن کل مجز سازند نافع است دندان را و در  
 کوش را \* سنونیکه بوی دهان خوش کند و برین دندان سخت کرد اند و خون بوطرف سازد و گوشت بر روی دندان و خاروش برین  
 دندان را بوطرف سازد \* صنعت آن کزما زج کلنار تخم کل فوفل سعد کوفی ورق مورد مروارید طباشیر سفید ازهر یک  
 یک مثقال دم الاخوین کند و ازهر یک نیم مثقال صندل سفید صندل سرخ ازهر یک دو مثقال کوفته بیخته شب سنونیکه سازند  
 و بیخ دهن را با آب بزرگ مورد بشویند \* سنونیکه دندان را جلا دهد و دهان را خوش بگرداند \* صنعت آن سبک کزما زج



دارفل قاقله صغار زنجبیل ازهریک دو مثقال ملیح نان ده مثقال عود محرق پنج مثقال زبد البحر چها و مثقال شعیر محرق  
 هفت مثقال اجزا کوفته بیخته سنون سازند \* سنونیکه نافع است در وقتیکه بسبب جوشش و قلاع کوشش بن دندان کم شود \*  
 صنعت آن دم الاخرین آرد کرسنه بیخ سوسن مساوی کوفته بسرکه عنصل و عسل مصفی بهرشدن و بموضع علت طلا کنند  
 و اگر علت مذکور محکم شود باین نسخه عمل نمایند نوشا در فلغل قلع یس قلع طارنمک سوخته ازهریک یکد رم شب  
 یمانی و در دم ما زورامک بسرکه سرشته ازهریک و در دم و نیم زعفران سوخته یک مثقال کند ریک مثقال کاغذ سوخته  
 دو مثقال اجزا نرم کوفته با سرکه سوخته اقراص سازند و در سایه خشک ساخته در وقت حاجت سوده بردند ان بمانند  
 و بعد از ان بآب غوره و آب سماق دهن را بشویند و مضغه کنند و اگر سوزش و بی تابی کند بر وزن کل سرخ نیم کرم  
 مضغه کنند و یک ساعت در دهن نگاه دارند و باین دستور عمل کنند که اگر از ان موضع خون بیاید بعد از ان باین  
 نسخه مضغه کنند تا کوشش موضع محکم شود و جراحت برود برک مورد فود نیچ دشتی کلنا رکزمازج عاقر قرحا در آب  
 جوشانید و صافی نموده مضغه کنند \* سنون که جهت استحکام دندان متحرک مجرب است \* صنعت آن کند ر  
 زراوند مل حرج پرسیا و شان بیخ بنفشه مرجان سرخ ازهریک پنج مثقال صندل سفید دو مثقال کوفته بیخته سنون  
 سازند \* سنون که قلاع را نافع بود و بوی دهان خوش کند و بیخ دندان را محکم کرد اند \* صنعت آن شیا ف ما میثاقخم  
 کل لسان الحمل پوست هلبله زرد کلنا زرد سی برک زیتون کزمازج شب یمانی مساوی کوفته بیخته استعمال نمایند \*  
 سنونیکه دندان متحرک را محکم سازد \* صنعت آن مرکبی تو تپای هندی شب یمانی نشاسته کل سرخ سماق پوست انار  
 ترش استخوان هلبله زرد سک کلنا زرد کزمازج مساوی کوفته بیخته سنون سازند \* سنون که همین خاصیت دارد \*  
 صنعت آن بیخ سوسن عاقر قرحا ازهریک یکد رم شب یمانی و در دم کلنا زرد سماق ازهریک دو مثقال کوفته بیخته سنون  
 سازند \* سنونیکه استرخار و رم لثه را نافع باشد و دندان را از چرک پاک کند \* صنعت آن پوست انار کلنا زرد چوبه  
 سماق شب یمانی ما زورامک یکد رم کوفته بیخته استعمال نمایند \* سنونیکه اکل و فاسد بیخ دندان را نافع باشد  
 و خون رفتن باز دارد \* صنعت آن مرنوشاد زر نیخ سوسن اجزا مساوی کوفته بیخته استعمال نمایند \* سنونیکه دندان  
 متحرک را محکم کند \* صنعت آن شاخ گاو کوهی نمک سوخته ازهریک ده درم زعفران مرکبی سنبل الطیب مصطکی  
 سا اب ازهریک و در دم سماق کلنا رفوفل طباشیر ازهریک یکد رم کوفته بیخته سنون سازند \* سنون که جهت  
 سستی و جنبیدن دندان ها بسیار نافع است \* صنعت آن طباشیر سفید کشنیز خشک کلنا و سماق شب یمانی  
 دم الاخرین قشار کنند رسا زج هندی سعد کوفی عاقر قرحا سوده بعد از مضغه دهان بسرکه و کلاب سنون نمایند \*  
 سنونی که قلاع را نافع است \* صنعت آن سماق نشسته تخم خرفه عدس مقشر صندل سفید طباشیر حنا کشنیز  
 خشک ازهریک هشت درم کافور نیم درم کوفته بیخته بردهان بمانند \* سنون نافع جهت آسان کردن دندان \*  
 صنعت آن عاقر قرحا یک مثقال نوشاد رسه مثقال مغز تخم شفتا لوسه مثقال کوفته بیخته در بن دندان کند دارند  
 آسان کند \* سنون نافع جهت درد و استحکام دندان \* صنعت آن فلغل سیاه فلغل دراز فلغل مویه کشنیز  
 خشک برنگ کابلی ما زوریره ناخواه ازهریک یک مثقال نمک سیند هه نمک سیاه سعد ازهریک دو مثقال کوفته بیخته سنون  
 سازند \* سنون مجرب برای تقویت دندان و رویانیدن کوشش بیخ دندان و حبس خون و تحریک \* صنعت آن مصطکی  
 رومی کل فوفل که بهندی مورچرس نامند دم الاخرین ما زور خشک کلنا پوست هلبله سیاه پوست هلبله زرد آمله منقش  
 برک حنا کات سفید خالص کشنیز خشک ازهریک یکجز و نمک لا هوری نیم جز و ادویه کوفته بیخته استعمال نمایند \*

سنون نافع جهت درد دند ان از هر قسم که باشد \* صنعت آن زاج بریان عود سوخته کلنا سماق سفید کوفی اجزا مساوی  
 کوفته پیخته استعمال نمایند \* سنون مجرب جهت قرحه و جوشش دهان \* صنعت آن کت شسته زاج سفید محرق از  
 هر يك چهار دانگ تریای هندی محرق سه دانگ قاقله کبار پنج دانگ اجزا را نرم کوفته پیخته سنون سازند \* سنونیکه چرک  
 ازین دند انها پاک سازد \* صنعت آن نمک درانی سوخته زید البحر سوخته استه غلیظه زرد شود و پوست بلبله از  
 هر يك نیم مثقال کوفته پیخته شب بر پای دند انها که چرک داشته باشد بپاشند و صبح با آب آریه بشویند و آریه مرزنجوش  
 است \* سنون نافع از برای لثه مسترخیه و دامیه و اسنان متحرک \* صنعت آن جو سوخته سماق سوخته برک درخت  
 کر محرق کلنا فارسی از هر يك نیم مثقال مرجان سفید محرق مرصاف زاج محرق طباشیر سفید از هر يك دو مثقال قصب  
 فارسی رماد چوب وزدم الاخرین از هر يك يك مثقال عاقر قرحا کافور قیصری از هر يك پنج دانگ کوفته پیخته بر روی سنگ  
 صلايه چند ان بسایند که ملایم و نرم شوند و در پای دند ان بپاشند و بعد از يك ساعت با بیکه این ادویه را دران جوشانید و  
 باشند بشویند \* ادویه این است فلفل یک مثقال سماق جهت بلوط برک نیم برک درخت کزبوست درخت توت از هر يك  
 دو مثقال طباشیر سفید بیخ بغشه کلنا فارسی غناب الشعلب طرا ثیت از هر يك نیم مثقال شب یمانی یک مثقال مجموع  
 را در نیم من کلاب و ده مثقال سرکه یا آب غوره چند ان بجوشانند که نصف بماند بعد از ان صافی نمود و مضمضه نمایند \*  
 سنونیکه کوشش بن دند ان را محکم کند \* صنعت آن مرجان سفید طباشیر سفید کشنیز خشک از هر يك نیم مثقال  
 استخوان تمر هندی سماق منقش از هر يك یک مثقال کهر بای شمعی فلفل از هر يك یک دانگ کات هندی دو دانگ کوفته پیخته  
 دهان را با آب کشنیز تازه شسته بپاشند \* سنون دیگر جهت تالک دند ان و بد بوئی دهان و چرک آمدن ازین دند انها \*  
 صنعت آن عازوی سبز غیر مشقوب و جزو مرصاف یک جزو باروغن کل سرخ بماند و با سرکه غنصل مضمضه نمایند \*  
 سنونیکه جهت قلاع سماء سرد اوی نافع است \* صنعت آن مویز بید انه انیسون هر دو مساوی سرشته بر زبان و دهان  
 بمانند صاحب حاوی صغیر این سنون را در مضمضه ذکر کرد \* \* سنون دیگر نافع جهت قلاع \* صنعت آن برک زیتون  
 برک عوسج اقا قیا از هر يك یک جزو قلقطار صندل شب یمانی زاج سفید از هر يك خمس جزوی بیخ سوسن ثلث جزوی زعفران  
 ربع جزوی کوفته پیخته سنون نمایند \* سنون دیگر نافع جهت جمیع اقسام قلاع \* صنعت آن شت یمانی عفس مساوی  
 سائید \* سنون کنند \* سنون دیگر نافع از برای اکله و قروح خبیثه در دهان و درم و سقوط دند انها و را ثله خبیثه دهان \*  
 صنعت آن اقا قیا سه جزو زرنیخ سرخ زرنیخ زرد نور آّب ندید و شب یمانی از هر يك نیم جزو مرصاف کتیرا صغ عربی  
 از هر يك یک جزو کوفته پیخته سرکه سرشته اقراص سازند و نگاه دارند \* سنون نافع جهت قلاع \* صنعت آن  
 زرد زرد نشاسته طباشیر سفید عسل مقشر تخم خرفه کشنیز خشکی حنا موکی اجزا مساوی کافور اندکی کوفته پیخته بر دهان  
 بمانند و نگاه دارند دران قدری \* سنون دیگر جهت جوشیدن دهان نافع است \* صنعت آن فلفل اقا قیا سماق  
 منقش طباشیر سفید کلنا فارسی ورق کل سرخ جو نیم سوخته مجموع مساوی کوفته پیخته اول سرکه و دو چندان کلاب  
 دهان بشویند و بعد از ان سنون نمایند \* سنون که جوشیدن بن دند ان و اکله را نافع است \* صنعت آن پوست انار  
 ترش ده درم کرما زاج نمک هندی از هر يك چهار درم کوفته پیخته سنون نمایند \* سنون منقول از ختیار انت این هیل  
 جهت بردن کوشش متعفن و اکله را نافع باشد و سیلان خون لثه را به نهایت بی عا یل \* صنعت آن زرنیخ سرخ زرد  
 آشک آب ندید و زاج سفید عازوی سبز متساوی کوفته پیخته سرکه سرشته اقراص سازند و دانگی از ان بر لثه بمانند  
 و دهان را ساقی بشویند \* سنون نافع جهت قلاع ابیض \* صنعت آن نمک کوفته بعسل سرشته بر دهان بمانند و سکنجبین در

در دهان نگاه دارند \* سنون که دهان را خوشبو کند \* صنعت آن سنبل الطیب سعد کوفی ساذج هندی پوست اترج  
سک قرنفل حماما کل سرخ عود هندی سوهان کرده مصطکی نمک محرق بعسل مساوی کوفته سنون سا زنگ \* صنعت  
احراقی ملح بایل که نمک را بکوبند و بعسل خمیر کرده در خرقه کنانی بسته بگل گرفته در تنور تا بیکه نهنگ پس از سرد  
شدن تنور بر آورند و کل را از آن دور کنند و نرم سائید \* استعمال نمایند \* سنون که چون بردند آنها بمالند گوشت  
پندند آن را سخت کند و بوی دهان را خوش کند و دندان را سفید سازد \* صنعت آن سفال چینی کف دریا مسح و قونیا  
شنجار ملح درانی از هر یک یک گرم جو سوخته مورد سوخته سنبل الطیب کرم مزاج حب الاس شب یمانی سوخته در سرکه  
انداخته از هر یک دو گرم عاقر قرحا پنج گرم اگر مزاج دهان کرم باشد صندل فلفل از هر یک دو گرم کافور یک انگ اضافه  
نمایند و اگر معتدل باشد اینها اضافه نکنند و اگر سرد باشد قرنفل خیر بر آب کبابه از هر یک دو گرم مشک تبخی و ودانک  
اضافه نمایند \* سنونیکه صحت اسنان کند \* صنعت آن شاخ کوزن سوخته استخوان هلیله سوخته کرم مزاج کل سرخ سعد کوفی  
سنبل الطیب اجزا مساوی نمک اند را نی ربع جزوی کوفته بیخته بآن سنون نمایند \* سنونیکه بصفت دود دندان بار  
مناسب است \* صنعت آن عاقر قرحا خردل شیطان بود فلفل زنجبیل کوفته بیخته بعسل از مضطه بسو که که در آن عاقر قرحا  
و صندل و دانه جو سائید \* باشند بر پای دندان بپاشند یا کاد کنند بکافور و یا بکوبند فلفل را و بعسل سرشته  
بر پای دندان بمالند \* سنونی نافع از برای جلای اسنان و پاک کردن دندانها از چرک و آنچه بر آنها بسته شود که  
آن را بفارسی کجک کوبند \* صنعت آن سفال چینی نمک طعام زرد البکر کوفته بیخته بردند آنها بمالند \* سنونیکه نافع  
است ضعف اسنان را \* صنعت آن صندل سرخ کبابه فلفل از هر یک پنج گرم بقم چهار گرم درم در چینی دو گرم اجزا  
کوفته بیخته با نشاسته کد م سرشته سنون سا زنگ \* سنونیکه دندان را محکم کند و از افتادن نگاهدارد \* صنعت آن  
سعد کوفی سه درم پوست هلیله زرد نمک از هر یک پنج گرم قرفة الطیب در چینی از هر یک پانزده درم سماق زعفران  
شب یمانی از هر یک دو گرم عاقر قرحا صفت درم نوشا درم فلفل سک از هر یک یک گرم کلنار فارسی کرم مزاج فافله از هر یک  
چهار گرم زرفا د شانزده درم کوفته بیخته بردند آنها بمالند \* سنون که وجع دندان کرم خورد و غیر آن را سود مند و  
نافع است \* صنعت آن مصطکی زاج که بهندی کسب نامند تخم جوزا لقی که بهندی میین پهل نامند زنجبیل بریان  
سنگ جراحات زاج بریان سنگ سوره نمک سیاه که بهندی نمک سینه ها نامند فلفل سیاه بریان کرده کشمش خشک  
کست سفید سعد هندی که بهندی نا کرموتیه نامند اجزا مساوی زیره کرمانی بریان کرده بر ابر جمیع ادویه اجزا  
کوفته بیخته بسو محواک بردند آن بمالند و بعد از آن بغافل یک ساعت با آب سرد مضطه نمایند \* سنونیکه جلای  
دندان دهان و تغییر رنگ آنرا زایل کند هرگاه بسبب زیادتی رطوبت باشد چون بعد از استفراغ استعمال نمایند \*  
صنعت آن کف دریا نمک بعسل سوخته نمک درانی صدف سوخته زراوند مدحرج خاکستر بیخ نی جو سوخته سفال  
چینی سائید \* بردند آنها بمالند \* سنون دیکر که همین منفعت دارد \* صنعت آن آبکینه سوخته مسح و قونیا  
شنبادج انکشت خصوص انکشت پوست بادام سائید \* بردند آنها بمالند \* سنون که زردی و دیکر رنگهای قوی شد  
و از دندان به برد \* صنعت آن زنگار با عسل بسو شند و دندانها بمالند و اگر مسح و قونیا و آبکینه را نرم کوبید بآن  
بیا مژند قوی تر کرد \* سنون که ماده موجب تغییر لون دندان باشد تحلیل دهد \* صنعت آن سعد کوفی پنج گرم  
سنبل الطیب یک گرم فلفل شش گرم قسطراوند مدحرج حلتیت از هر یک سه گرم کف دریا مسح و قونیا شنبادج  
از هر یک دو گرم کوفته بیخته بمالند \* سنون زرنیخ نافع از برای دندان متاثر و کرم خورد \* صنعت آن زرنیخ

قلی متساوی هردو را سحق بلیغ نموده به سفید تخم مرغ سوخته پس در میان پوست تخم مرغ پرنکنند و آن تخم مرغ را بخمیر گرفته در زیر آتش سرکین کاو کنند تا خمیر سوخته شود پس از زیر آتش بر آورند و خمیر آنرا دور کرده آنچه در جوف بیضه است نگاه دارند و بکند از آن درامقل از نیم نخود بر روی دندان می که کرم دارد \* سنون جهت دندان متحرک بسبب رطوبت مسترخیه و حفظ صحت آن و تحریک اسنان را نافع است \* صنعت آن سعد کوفی و در احمر سنبل الطیب ملخ اند را نی قرن ایل محرق کز مازج اجزا مساوی کوفته بیخته بود دندان بماند اگر بسبب نقصان کوشش لثه باشد \* صنعت آن بکیرند شب بمانی عود هند می محرق سعد کوفی سماق چلندر کوفته بیخته سنون نمایند نقل از بیاض میرزا محمد نقی حکیم باشی که مجربات خود را بخط خود در اینجا املا نموده اند نموده شد \* سنون فلیقون \* صنعت آن بوره ارمنی شنباز شب بمانی مرصافی اقا قیما از هر یک هفت درم کوفته بیخته بسره سوخته قرص سازند و در بعضی کتب قلی داخل کرده اند \* سنونیکه قویتر و سریع الاثر تر از آن است \* صنعت آن نمک سوخته صدف سوخته زراوند مل حرج بیخ نی سوخته جو سوخته سفال چینی اجزا مساوی کوفته بیخته سنون نمایند \* سنون که هرگاه زردی رنگ اسنان و یا رنگهای دیگر آن بسیار قوی باشد و در جوف دندان آنها نفوذ کرده باشد نافع است \* صنعت آن زنگار را صلایه کرده بود دندانها بماند و اگر قویتر خواهند مسح و قویا اضافه نمایند \* سنون منقول از ایلانی که بجهت رفع سیاهی دندانها مجرب است \* صنعت آن قنبیل ده درم فلفل سیاه چهار درم حماما سه درم سازج هند می محرق از هر یک دو درم کوفته بیخته سنون سازند \* سنونیکه بجهت کندن دندان نایب مناسب کلبن است و کار آن می کند منقول از کافیه \* صنعت آن عاقر قرحا پوست حنظل پوست بیخ کبرج حنظل زرد پوست چوب توت شهرم مازریون اجزا مساوی مجموع را سائید و سه روز در سرکه بنجی ساند و حلتیت را با نصف آن مقل از زرق اول در سرکه حل نموده و ادویه را بآن بسوزند و در وقت استعمال احتیاط نمایند که دندان آن صمغ نرسد بلکه دندان مجاور در ناک را بخمیر و موم غلاف کنند \* سنونیکه ناصور لثه را با صلاح آورد \* صنعت آن زرنیخ بیخ سوسن عاقر قرحا از هر یک یک درم شب بمانی کلندر فارسی ما زوی سبز سماق از هر یک دو درم کوفته بیخته سنون نمایند \* سنونیکه دیگر که اگله و ناصور بیخ دندان را نافع باشد و خون رفتن باز دارد \* صنعت آن مرصافی نو شاد در زرنیخ سرخ بیخ عاقر قرحا مساوی کوفته بیخته سنون نمایند \* سنون دیگر بجهت اگله این دوا بهترین ادویه اگله است \* صنعت آن برگ سد اب خشک دو درم سماق آهک آب زردی زرنیخ از هر یک یک درم جمله را سوده در سرکه دندان بنجی ساند در کوزه نو کرده در کل کیرند و سوسن را محکم بندند و در آتش نهند تا سرخ گردد و اخلاط در روی بیخته شود پس بر آورند و مقل از آنکی قادود انگ از آن براگله بپاشند و باره حاجت نشود \* سنونیکه اگله و سبزه دندان را از دل کنند \* صنعت آن بوق زرنیخ احمر کبریت از هر یک یک بخور جو کوب نموده در پارچه بسته پارچه به نطف سفید تر کرده بسوزانند پس بسایند و دندان آن متاقل و سبز شد \* بماند \* سنون التکله دهان را خوشبو کند \* صنعت آن سازج هند می و در احمر عود هند می خام مرصافی پوست اقح اجزا نرم سائید و بیخته بدندان بماند و بعد از آن مضمضه نمایند محل اتصال و اگر اول مضمضه نمایند و بعد از آن سنون کنند بهتر است \* سنونیکه فالج و آملن خون از لثه را نافع است و بوی دهان را نیکو گرداند \* صنعت آن خرف چینی زرد البستر ملخ اند را نی قلی مسح و قویا از هر یک سه درم سنبل الطیب عود هند می محرق اصل السوس محرق شعیر محرق سعد حب الا من کز مازج شب بمانی محرق مصفی در سرکه کل سرخ از هر یک دو درم عاقر قرحا چهار درم اجزا کوفته بیخته سنون نمایند و گاهی زیاده کرده میشود بوی محروم درین بوی صند

صنبل سفید و فلفل و قلیلی کا فوروز یا ده کرده می شود برای مرطوبین قرنفل و کبابه و جوز بوا \* سنون نافع جهت لثه  
 دامیه و تحریک اسنان \* صنعت آن زرد لبحر شب یمانی اقا قبا کلنا رفا رسی سماق منقی مازوی سبز پوست انار نمک  
 اند را نی اجزا کوفته بیخته سنون نمایند و بعد از آن مضمضه کنند بکلا بیکه در آن سماق خیسایند یا شند \* سنون  
 سورنجان در سورنجان مذکور می شود \* بیان ادویه که دندان اطفال را با سانی برویا ند \* صنعت آن روغن مسکه  
 و شحوم حیوانات را مخاخ مانند مغز سگ و وساقی آن و مغز سرخرگوش پخته برفک آن بمالند و نیز مالیدن شیر سگ مفید  
 است و هرگاه در آثای روئیدن درد و وجع بسیا رکنند عصاره برگ عنب الثعلب با روغن گل مزوج کرده نیم گرم انگشت  
 را بل آن آلوده کرده بمالایمت برفک آن بمالند و چون دندان بر و زکند سرو کردن و بنا کوش و فک آن را بموم روغن  
 چرب نمایند و اگر قطره از روغنهای مناسب در گوش آن چکانند بسیار فیکو است و طفل را از مضغ و خائیدن اشیا باز  
 دارند که آن را به تحلیل برد \* **باب السین مع الواو \* فصل در ذکر نسخ سواک و سورنجان \***  
 سواک انسا منقول از منهاج الدکان فرج را تنک و گرم کرد اند و نشف و طوبات آن نماید \* صنعت آن راسن مال که  
 هیل بوا است قرنفل کبابش جوز الطیب دار فلفل اقا قبا صغار را مک البلیج ادویه کوفته بیخته مانند سرمه وزن کرده بعد  
 تغسیل و تنظیف و خوشبو کردن با کلا بیکه قرنفل و عود در آن خیسایند و مشک در آن حل نموده یا شند استیاک نمایند  
 و نوشته که سواک جلیل القدر است \* سواک اخرنیز از منهاج الدکان قریب النفع بدان \* صنعت آن گرویا پوست  
 نخود هر دو را نرم نمایند و سرمه بسایند و بیل ستور بعد تغسیل و تنظیف و تطیب مکان بمالند \* سورنجان بدانکه  
 سورنجان لغت یونانی است و بعضی سنون را باین اسم مسمی نموده اند \* سورنجان مستحکم میکند لثه مستوخیه را  
 استحکامی بسیار هرگاه سنون کرده شود بآن و نافع است از برای ورم حلق و درد بیکه عارض حلق شده باشد به سبب ورم  
 هرگاه نفوخ کرده شود در حلق \* صنعت آن زرد چوبه د و زده درم شب یمانی کلنا رفا رسی ازهر یک شش درم عقص  
 پوست انار ازهر یک دودرم سماق سه درم کوفته بیخته در شیشه نکاهد ازین و بوقت حاجت بگردانند \* سورنجان دیگر  
 که محمد بن ذکریا رازی در فرائز ابن فراقیون نقل کرده \* صنعت آن پوست انار سی درم کلنا رفا رسی مازوی سبز شب یمانی  
 عا قرقرها ازهر یک ده درم سماق منقی پانزده درم نمک هندی پنج درم کوفته بیخته بسرکه که حب الاس در آن  
 جوشانید یا شند سرشته اقراص سازند و در سایه خشک نموده در وقت حاجت کوفته استعمال نمایند \* سورنجان دیگر  
 اکله دهن و لثه را نافع است \* صنعت آن پوست انار ترش استخوان هلیله زرد چوبه پوست انار شیرین ازهر یک سی درم  
 سماق پانزده درم نمک هندی نوشا در ازهر یک پنج درم کوفته بیخته بسرکه بسرشد و کولها سازند و در سایه خشک کنند و  
 در وقت حاجت دیگر باره بگویند و استعمال نمایند \* سورنجان اکله دهن و لثه را نافع است \* صنعت آن پوست انار ترش  
 و شیرین ازهر یک سی درم مازو کلنا رشب یمانی کاغذ سوخته عا قرقرها ازهر یک ده درم سماق پانزده درم نمک هندی  
 نوشا در ازهر یک پنج درم کوفته بیخته بسرکه سرشته کولها سازند و در سایه خشک کنند و در وقت احتیاج دیگر باره  
 بگویند و استعمال نمایند \* سورنجان که دندان متحرک را محکم کند \* صنعت آن مرکبی تو قیا شب یمانی نشاسته  
 کل سرخ سماق پوست انار ترش استخوان هلیله سک کلنا رماز و کزمازج مساوی کوفته بیخته بردند ان فشارند \*  
 سورنجان دیگر استرخا و ورم لثه را نافع است و دندان را از چرک پاک کند \* صنعت آن پوست انار ترش و ورم کلنا  
 زرد چوبه سماق شب یمانی مازو ازهر یک یک درم کوفته بیخته استعمال نمایند \* سورنجان بضم سین مهمله و سکون  
 و او کسورای مهمله و سکون نون و فتح جیم و الف و نون بیخی است شبیه بسیر صحرایی صنوبی شکل باندک پهنی و

پوست آن سفید مائل بسرخ و بهترین آن آنست که اندرون آن سفید و شیرین طعام و بسیار رطوبت باشد و بد بو نباشد و خشک آن باندک صلابت و قسم باطن سرخ آن از سمومات مهلك است بخناق و درکش قریب ببرک کراث و از آن قویتر و شاخش بقل و شبیری و گلش زرد و بقارسی شلینک نامند شبیه بزئبق کوچکی و سیاه آن را گلش سرخ میباید شد و منبت آن کوهها در سیوم کرم و در دیم خشک با رطوبت فضیله و بعضی کمان برده اند که در سفید آن حرارت معتدله است و قوتش تا سه سال باقی میباید سهل اقسام بلغم از اعضای بعید و اقاوی بدن و با قوت قابضه و قاطع آن خصوصاً از مفاصل و مفتوح سد و جاذب اخلاط لزجه از عروق بدن و رافع یرقان و سپروز و با صیرجهت عروق النساء و نفوس مجرب دانسته اند و با زنجبیل و فلفل بغایت مبهی و جهت مفاصل بسیار مفید و ضداد آن با زعفران و تخم مرغ در تسکین درد استخوان و تحلیل اورام صلبه و با شراب جهت اوجاع مفاصل و با سرکه و آب حی العالم نیز مجرب و حمل آن با روغن کهنه کوسنک جهت اسقاط دانه بواسیر و در آن مجرب و در ورن آن جفجف و زخمهای کهنه خوردن نیم درهم آن با زنجبیل و فودنج و زیره و همچنین با شیر تازه و فانیل تا سه روز بغایت محرک باه است قویای جمیع مفاصل است خصوصاً در وقت ریزش نوازل و سورنجان بسیار مرخی معد و مورث مغص و مضعف معد و جگر و مصلحش کتیرا و شکر و زعفران و قدر شربت از مقدار آن با زعفران یک گرم و با دربه نیم درهم تا نیم مثقال و بدش مستعجله است و سزاوار است استعمال آن از برای اوجاع مفاصل با وزن آن زنجبیل و فلفل که مقوی فعل اویند در اوجاع مفاصل بدل آن بوزن آن حنا و نصف وزن آن مقل و بوئیدن کل آن مفتوح سد و دماغ و محلل ریاخ و در سردی با ردا است و رافع اندک منبت سیاه و سرخ آن اگر کسی خورده باشد قی فرمودن بشیرک و قاز و دوشیده و خوراندن فادزهرات است \* حب سورنجان که نفوس را نفع بخشد و در راد ساعت تسکین دهد \* صنعت آن سورنجان مصری سفید بیست درم انیسون زیره کرمانی فلفل سفید دار فلفل مغز حب القوطم از هر یک چهار درم مصطکی شش درم اجزا کوفته بپخته با آب و از بانه سرشته حب سازند شربت از یک گرم تا سه درم با آب مطبوخ زیره \* حب سورنجان معمول با حنا سهل بلغم و سودا و صفرا و امراض حادث ازینها را دافع و مفید است \* صنعت آن سورنجان مصری سفید بوزن کل اجزا که ذکر میباید هلیله سیاه و درم پوست هلیله آمله منقش شیطان هند از فلفل نمک هند از هر یک سه درم صبر سقوطی سبی درم صغتر فارسی پوست بیخ کبرمقل ازرق بوک حنا خشک از هر یک و درم ادویه کوفته بپخته در شراب دیساناید و سرشته خمیر کوه حب سازند حب های کوچک با آنچه مناسب دانند فرو برند \* حب سورنجان نافع جهت نفوس و وجع و رگین و مفاصل \* صنعت آن سورنجان مصری سفید فاشرا که معروف به زارچشان است از هر یک یک گرم زیره کرمانی دارچینی صغتر فارسی زراوند مل حرج زنجبیل بوک کبر و ما د الخطا طیف از هر یک یک گرم ادویه کوفته بپخته با شراب سرشته حب سازند حب صغتر شربتی از درم تا یک مثقال با ماء الشبث فرو برند و اگر خواهد بپزند با ماء الحسل که شب در آن جوشانید و باشند دو ملعقه و زیت یک ملعقه بپاشانند \* حب سورنجان دیگر سهل اخلاط است از مفاصل \* صنعت آن بنسخته حکیم صالح خان رح سورنجان مصری سفید انیسون پوست هلیله زرد و پوست هلیله کلبی بوزن آن از هر یک چهار مثقال صبر سقوطی تربل سفید مل بر از هر یک شانزده مثقال سقونیای مشرقی مقل ازرق از هر یک دو مثقال مقل و آب کند نا حل کرده باقی ادویه را کوفته بپخته با آن سرشته حب سازند شربت یک گرم \* حب سورنجان بنسخته این جزایه که در منافع قریب با آن است \* صنعت آن سورنجان مصری یک مل درم خطای برون د قیق بپزند و تربل سفید مل بوهفت درم سکبینه چهار درم عاقور حاد و درم صبر سقوطی شش درم شحم حنظل

حنظل غار يقون مش سفید فوة الصبغ ازهر يك سه درم كوفته بيخته با آب گرنب سرشته حبوب سا زند هر حبی بقدر  
فلغلی شوبتی ازدودرم تا سه درم \* حب سورنجان اوجاع مفاصل ونقرس وعرق النساء باغایت نفع دارد و در ربن و  
علت توان داد \* صنعت آن سورنجان سفید پوست هلیله زرد ازهر يك بیست درم صبر سقوطی چهل درم ادویه كوفته بیخته  
بعصاره برک عنب الثعلب سوخته حبوب سا زند شربت درم ونیم \* حب سورنجان دیگر مسمی بحب سورنجان  
کبیر امراض بارده مذکوره خصوصاً نقرس را مفید است \* صنعت آن سورنجان ماهی زهرج بوزید آن ازهر يك پنجاه درم  
ایار ج فیقرا ترب سفید مد برا زهر يك ده درم شحم حنظل قنطور یون دقیق ازهر يك پنجاه درم افریمون دودرم شیطرح  
زنجبیل فاغل خردل چند بید سترا زهر يك یک درم ادویه كوفته بیخته حبوب سا زند هر حبی بقدر فلغلی شربت ازهر يك  
درم تا دودرم و این حب را مقیم الزمن نیز نامند و گاهی سقمونیا و حلتیت و جاوشیر و قنه نیز ازهر يك یک درم زیاده  
میکنند جهت زیادتی تقویت \* حب سورنجان جهت نقرس باردودفع در درک نافع \* صنعت آن سورنجان بوزید آن  
ماهی زهرج قنطور یون دقیق ازهر يك یک درم مقل شحم حنظل ازهر يك ثلث درم افریمون چند بید سترا جاوشیر حلتیت  
قنه ازهر يك ربع درم سقمونیا زنجبیل خردل شیطرح هندی فلغل ازهر يك دانکی ایار ج فیقرا ترب سفید مد برا زهر يك  
یک درم ادویه كوفته بیخته حبوب سا زند جمله اقویار ایک شربت کامل و متوسط را در و شربت و صغارا سه یا چهار است \*  
حب سورنجان دیگر نقرس باردرا نافع است \* صنعت آن سورنجان صبر ازهر يك یک درم سقمونیا مشوی ربع درم تخم  
گرس نیم درم كوفته بیخته حبوب سا زند جمله يك شربت کامل است \* حب سورنجان دیگر جهت علت مذکوره نافع \*  
صنعت آن سورنجان صبر سقوطی ازهر يك یک درم سقمونیا ربع درم کل سرخ یک انگ كوفته بیخته حبوب سا زند جمله  
يك شربت کامل است مرا قویارا \* حب سورنجان مفاصل وعرق النساء ونقرس و رجع و رک را نافع است \* صنعت آن  
سورنجان پنجاه درم قنطور یون دقیق سکبینج ازهر يك د و مثقال ترب سفید مد بر چهار درم عاقر قرحا يك مثقال صبر سقوطی  
سه درم شحم حنظل فوة غار يقون مش سفید ازهر يك یک درم ونیم كوفته بیخته حبوب سا زند بقدر فلغلی شربت  
ازدودرم تا سه درم \* حب سورنجان جهت امراض مذکوره نافع \* صنعت آن سورنجان سفید پوست هلیله زرد  
صبر سقوطی اجزا مساوی كوفته بیخته حبوب صغارا زند شربت ازهر يك یک درم تا سه درم \* حب سورنجان مسمی بحب  
الغافیه جهت امراض مذکوره و صل اع و شقیقه و ثقل سر و رجع عین نافع \* صنعت آن سورنجان پوست هلیله زرد ازهر يك  
یک درم ترب مد بردودرم کل سرخ بنفشه افریمون ملح هندی انیسون سقمونیا مشوی بوزید آن مقل غار يقون سکبینج  
ازهر يك دو ثلث درم اجزا كوفته بیخته حبوب صغارا زند بد آنکه حبوبیکه جهت اوجاع مفاصل ونقرس و غیرها است سا زند  
باید که بسیار کوچک باشد تا زود منحل گشته با عماق اعضاء برسد بخلاف حبوبیکه از برای امراض راس است چنانچه  
به تفصیل در صفت حبوب ذکر یافت \* دواء السورنجانا نافع \* دواء السورنجانا از برای اوجاع مفاصل وعرق النساء  
ونقرس و غیرها \* صنعت آن به نسخه شیخ رئیس رح در معالجات قانن در اوجاع مفاصل بکیرنک سورنجان زیاده کرمانی  
زنجبیل ازهر يك یک درم صبر سقوطی دودرم ونیم كوفته بیخته با طبع شربت بیاشامند جمله يك شربت کامل است اقویارا  
و در وقت درد را ساکن میگرداند \* دواء السورنجانا دیگر منسوب به حبیبی بن خالک باغایت نیکو اثر و محبوب است از  
برای اوجاع مفاصل ونقرس و رجع و رک \* صنعت آن سورنجان مصوی سفید ده درم سنا مکی پنجاه درم زنجبیل زیاده  
کرمانی دار فلغل ازهر يك دودرم كوفته بیخته بغسل سرشته شربت در مثقال با آب نیم کرم و اگر بر سبیل سدوف یا حبوب  
خوردن شوبتی يك مثقال آنچه مناسب باشد کافی است \* دواء السورنجانا که جهت امراض مذکوره نافع است \* صنعت آن

سورنجان مصری دوا زده درم حبث نهوی سه درم فلفل زیره کرمانی ازهریک چهار درم ادویه را کوفته بپخته یک درم تا یک مثقال آنرا با ماء العسل بیاشا منق \* دواء السورنجان که نزد شدت وجع چون استعمال نمایند تخفیف و تسکین بخشد \* صنعت آن سورنجان سفید نبات هرد و مساری کوفته بپخته شربت سه درم بآب سرد بیاشا منق واکر زنجبیل و فلفل بپفزایند برای تقویت عمل نیکو است \* دواء السورنجان که همین فائد و بخشد \* صنعت آن سورنجان سفید یک درم شیطرج هند و دوا نک شکر سفید یک درم و نیم جمله یک شربت است بآب نیم گرم \* دواء السورنجان دیگر \* صنعت آن سورنجان سفید ازهریک ده مثقال کوفته بپخته با روغن جوز و طبع شربت ازهریک یک اوقیه آمیخته بیاشا منق \*

فصل در بیان نسخ سفوف سورنجان \* سفوف سورنجان تألیف حکیم غیاث الدین

مقدرج \* صنعت آن سورنجان مصری ده مثقال سنابک هفت مثقال پوست هلیله زرد سه مثقال مغز بادام شیرین مقشر شش مثقال محمود و مشوی یک مثقال زعفران نیم مثقال قند سفید سی مثقال سفوف سازند شربت و دو مثقال بآب سرد \* سفوف سورنجان دیگر \* صنعت آن سورنجان پوست هلیله زرد ازهریک هفت درم بوزیدن ورق کل سرخ ازهریک هفت مثقال سنابک ده مثقال پوست بپنج کبر مغز بادام شیرین ازهریک سه مثقال و زرد حنا سه درم زعفران یک درم سقمونیای مشوی یک مثقال قند سفید هفت درم کوفته بپخته سفوف سازند شربت و دو مثقال \* سفوف سورنجان از اقتراح آن مرحوم نافع است از برای جمیع اقسام مفاصل و نقرس و اوجاع ظهور و عرق النساء و تشنج از مواد غلیظه و این سفوف را منافع بسیار است و مجرب است \* صنعت آن سورنجان مصری سفید هفت مثقال غنچه کل سرخ متوزع الا قمع سنابک ازهریک پنج مثقال پوست هلیله زرد تربل سفید مجوف تراشید و بر روغن بادام شیرین چرب نموده مغز بادام شیرین ازهریک چهار مثقال سقمونیای مشوی لا چورد مغسول حیر ازمنی مغسول ازهریک یک مثقال بوزیدن این بسفایج فستقی پوست تراشید و مصطکی رب السوس ازهریک ده مثقال زعفران دوا نک قند سفید ده مثقال کوفته بپخته در شیشه نگاه دارند شربت و دو درم بآب سرد \* سفوف سورنجان معد و جگر و اوجاع مفاصل و همه بیماریها که از ماد سودا بود سود دارد \* صنعت آن سورنجان مصری سنابک ازهریک پنج درم یک حنا و درم مغز بادام شیرین مقشر چهار درم رب السوس یک مثقال زعفران یک انا کوفته بپخته سفوف سازند \* سفوف سورنجان منقول از خط میرزا ابراهیم نبی نافع از برای نقرس و اوجاع مفاصل و وجع ظهور و عرق النساء و اوجاع و رک \* صنعت آن سورنجان مصری ده مثقال سنابک هفت مثقال کوبید و بپخته سفوف سازند و اگر ماده بلغمی باشد تربل سفید مل بر پنج مثقال اضافه نمایند نصف وزن سقمونیا را کم کنند \* سفوف سورنجان دیگر به نسخه سین مظفر الدین شغائی اوجاع مفاصل و نافع است \* صنعت آن سورنجان هفت درم زیره کرمانی بریان کرده بود نه ازهریک ده درم فلفل یک درم تربل سفید دو درم سنابک پنج درم کوفته بپخته سفوف سازند شربت سه درم \* سفوف سورنجان نافع جهت درد مفاصل و عرق النساء و نقرس \* صنعت آن سورنجان مصری یک درم دارچینی سیلان طباشیر سفید کشنیز خشک ده مثقال عسل بر او دواصلیب ازهریک نیم درم اجزا کوفته بپخته سفوف سازند جمله یک شربت و از عقب آن شیوه تخم کاسنی و شیوه تخم خربوزه و از اینها و شربت فواکه و کلاب بنوشند \* سفوف سورنجان دیگر اوجاع مفاصل و نقرس و درد اعضا نافع باشد و مسهل اخلاط غلیظه بود \* صنعت آن سورنجان مصری یک درم سنابک پنج درم تربل سفید مجوف تراشید و بر روغن بادام چرب کرده سه درم بوزیدن آن پوست هلیله زرد ازهریک ده درم مغز بادام مقشر پنج درم سقمونیای پوست بپنج کبر سلطوخ و وس غاریقون ازهریک سه درم شحم حنظل یک درم سقمونیای نیم درم کوفته بپخته بد ستور مقهور سفوف سازند شربت



شربت دودرم با آب کرم \* سنون سورنجان ضعیف اسنان را نافع باشد \* صنعت آن سورنجان قرنفلی سعد کوفی کز ما راج  
 زررزد پوست هلیله زرد صندل سفید مسامی کوفته پیخته سنون سازند \* مطبوخ سورنجان ارجاع نقرس و  
 مفاصل را سود دارد \* صنعت آن سنامکی هفت درم رازیانه انیسون قنطاریون دقیق ازهریک دودرم کل سرخ  
 پوست هلیله زرد کابلی ازهریک چهار درم سورنجان مصری پوسیاوشان کازریان با درنجبیه ازهریک سه درم  
 جوشانید صاف کرده کلقتل ده درم ترنجبین بیست درم دران حل کرده بنوشند \* مطبوخ سورنجان اخلاط  
 معده و بلغم لزج دفع کند و مفاصل و نقرس کرم نافع باشد و مزاجهای کرم را سود دارد و در زمان کرم نیز میتوان داد \*  
 صنعت آن سنامکی هفت درم اصل السوس تراشید \* سورنجان مصری صنب الثعلب ازهریک پنجاه درم تربل تراشید \*  
 رازیانه ازهریک یک درم زنجبیل نیم درم تخم کاسنی بنفشه ازهریک سه درم انجیر عذاب ازهریک ده دانه سپستان بیست  
 دانه اجزا جوشانید \* ترنجبین و غیره دران حل کرده صاف نموده بنوشند \* فصل در ذکر نسخه معجون سورنجان \*  
 معجون سورنجان مسهل بلغم و صفرا باشد و مخصوص بمفاصل و نقرس و عرق النساء است \* صنعت آن به نسخه سموندی  
 در اصول التراکیم سورنجان شش مثقال ماهی زهره زیوه کرمانی پوست تخم کبر و در نسخه دیگر بیه کبر است شیطرح  
 هند یوزید ان ازهریک دودرم پوست هلیله زرد هفت درم تخم کرفس نمک هند یوزید ان ازهریک یک مثقال سفید  
 رازیانه صغیر ازهریک یک مثقال کل سرخ زنجبیل سقمونیا کشنیز خشک ازهریک سه درم تربل سفید پانزده درم  
 روغن بادام چهار درم و نیم عسل صاف صد و پنجاه درم شربت پنچ مثقال تا هفت مثقال \* معجون سورنجان  
 به نسخه دیگر جهت درد مفاصل و مالینولیا نافع \* صنعت آن سورنجان مصری محمود ده انطاکی مشوی ازهریک  
 شش مثقال زنجبیل زیوه کرمانی یک برقرنفل قسط تلخ ازهریک سه مثقال کوفته پیخته با سه چنگ ان ادویه عسل مصفی  
 مقوم سرشته معجون سازند شربت دودرم تاسه درم \* معجون سورنجان دیگر که ارجاع مفاصل را نافع باشد \* صنعت آن  
 سورنجان ده درم سنامکی پنجاه درم تربل سفید مل بر سه درم اسارون زنجبیل زیوه کرمانی دارفلل ازهریک دودرم  
 کوفته پیخته بعسل بسوشند مصری سی مثقال فلفل ورق حنا ازهریک دو مثقال زیوه کرمانی شیطرح هند یوزید  
 هر یک دودرم پوست بیه کبر دو مثقال و نیم زبد البحر نمک هند یوزید ان ازهریک دو مثقال تربل سفید تراشید \*  
 روغن بادام چرب نموده چهل درم زنجبیل هفت درم یوزید ان پنجاه درم سقمونیا سه درم پوست هلیله زرد  
 پنج مثقال کوفته پیخته با سه چنگ ان عسل کف کرفته بسوشند شربت هفت مثقال است \* سوسن بسکون  
 و او میان دوسین مصله اول مضموم و ثانیه مفتوح و فون در آخر معروف از سوسانا سریانی است و بری و بستانی و هر یک  
 از ان سفید و کبود میباشد و بیخ اقسام آن منعقد و باتل او ویر و طولانی و سفید و خوشبو شبیه بیه بنفشه و لهان آنرا عوام  
 بیخ بنفشه نامند و کل سوسن سفید یا عطریه قوی و غیر سوسن آزاد است چه آن اسم فارسی زنبق است و اشتباه جماعت  
 از هم فرقی اقسام آن است و ایسا بیخ قسمی از سوسن کبود بری و جبلی است کاش بسیار کوچک تر از سوسن کبود بستانی  
 و بیخش یک عد دودرا زو پر کرده و قوت اقسام سوسن کبود مرکب از حرارت محله و اوضیه لطیفه و قوت مجففه و قابضه است  
 و من ریح و در جمیع افعال مثل امراض رحم و اندمال زخمها و رفع چرک آن و بوسیر درد جگر و امراض شش و سپوزو  
 حنا زیرضعیف تر از ایرسا است و ضما آن با سرکه و آرد جو جهت ورم حار را نشین ورا کحل آن محل را بیاغی و محرک  
 شهوت زیان و در تفریح قریب بزعفران و عصاره آن که با خوس آن سرکه و عسل در ظرف مس تا بحد انعقاد جوشانید باشد  
 جالی و مجفف ای لایع و جهت جراحت اطراف عضل نافع و روغن آن مثل روغن ایرسا است در جمیع افعال و خوردن

آن جهت قولنج ایلاوس صفراوی و جهت امراض رحم و درد عصب شرابا وضاد امفید و خائیدن بیخ آن جهت رفع بوی  
 خمر و وضاد بوی آن و خوردن تخم آن جهت کزیدن هوام نافع و قد شریت از جرم آن تا دو مثقال و از مطبوخ و روغن آن  
 تا یک اوقیه است و قسمی از سوسن که در تحت درختان میروید و گلش زرد و کوچک و بیخش بساتروی انگشتی و خوشبو و تا  
 بمحلی است قویتر از سوسن کبود و سفید ضعیف تر از یوسا و گلش کرم تر از همه و وضاد مطبوخ بیخ آن با شراب محلل و آرام  
 بلغمی و جهت درد دندان نافع است و بغلادی گوید که این قسم عدس المراس است در حرف الالف مع الیا ذکر یافت \*  
 جوارش سوسن این جوارش از تالیف اطباء روم است ضعف معد و کبد و ابتداء استسقا را نافع است \* صنعت آن  
 انجمن سیاه یکوطل را زیاده نخواست تخم کرفس از هر یک چهار اوقیه بیخ سوسن آسمان کونی نیم رطل فلفل سیاه و اوقیه  
 کوفته بختنه با سه وزن ادویه غسل مصفی بسروشند شربت می دودرم تا دو مثقال طبی \* صنعت دهن سوسن تازه بکوبند  
 سوسن ابیض منقعی دواوقیه روغن کنجد تازه هزده اوقیه در شیشه کرده در آفتاب بکند از آن تا روغن قوت آنرا چوب کند \*  
 دهن السوسن المركب یحیی بن عیسی بن جزله گوید که این دهن یا بس است در درجه ثانی ملطف و ملین و مقوی اعضا است  
 نافع است از برای اعیا موافق است پیران را و مغفیل است از برای امراض عصب حادثه از سردی و قروح سردی و طنین  
 گوش را و تریاق پنج و کشنیز تو و فطراست و نافع است از برای دردهای رحم و مرکا و ثفل آنرا بچشم کشند تحلیل میابد آب  
 نازل در چشم را \* صنعت آن به نسخه این جزله حب بلسان سلیخه قسط تلخ مصطکی رومی زعفران از هر یک یک اوقیه و فلفل  
 قرقه الطیب از هر یک نیم اوقیه و سی عد دل سفید سوسن که نه کل و زردی میان کل را دور کرده باشند در یکوطل و نیم روغن  
 کنجد داخل کرده در شیشه نموده در سایه بکند از آن در موضع معتدل تا فواکیر و قوت دواها را روغن کنجد پس بهای لایند و ثفل  
 آنرا علیحد و در شیشه نگاه دارند و روغن آنرا علیحد و در شیشه دیگر و سر آنرا محکم بندند \* در نسخه منهای الی کان ممکن قرقه  
 جوزیوا است و در نسخه دیگر مکان روغن کنجد زیت طیب است \* دهن سوسن به نسخه سید اسمعیل که در ذریه و در موضع فالح  
 ذکر کرده \* صنعت آن سلیخه قسط تلخ حب بلسان زعفران مصطکی از هر یک یک اوقیه قرقه الطیب از هر یک نیم  
 اوقیه ادویه را سوسن زعفران نرم کوفته همه را در شیشه نگاه دارند یکم زیت بر روی آن کرده سی عد دل سوسن سفید  
 پاک کرده اضافه نموده چهل روز در آفتاب کف دارند \* دهن سوسن به نسخه شفا فی برودت معد و اختناق و جرم اسود دارد  
 و کرده و مثانه سرد را گرم کرد آن \* صنعت آن سلیخه حب بلسان قسط تلخ از هر یک یک و درم قرقه قرقه مصطکی از هر یک  
 پنج رمل کل سوسن سی عد زعفران ده درم زردی از سوسن برآوردند و با یکوطل و نیم رطل روغن کنجد در شیشه کنند و  
 دواها کوفته بر روی آن کنند و نزد یک آفتاب در سایه چهل روز بکند از آن پس بیرون آورند و روغن را در ظرف علیحد  
 نگاه دارند \* شراب سوسن این شراب و امی سوسن می نامند نافع است از برای ضعف معد و کبد و از برای غشی حادث  
 از استفراغ مفرط و از برای خلفه و خروج خون و از برای ضعف قلب \* صنعت آن کل سوسن آزاد چهار صد عد دق مع و زردی  
 میان آنها دور کنند و بیخ کنند بر چادر پی پاکیزه تا خشک شود پس بکوبند قسط مثلی قرقه قصب الی در از هر یک در  
 اوقیه عجمو ع را نیم کوفته پس بکوبند ظرف زجاجی و یک صف از کل سوسن در آن بیخ کنند و صف دیگر آنرا ادویه و همچنین  
 تا تمام شود و یک شمای نروزی بکند از آن پس بریزند از مثالت جید شانه زده رطل پس بکوبند زعفران نیم اوقیه و مثالت تبی  
 دو مثقال و بقای مثالت حل ساوند و داخل نماید در ادویه پس بپزند از آن بران میعد سا که چهار اوقیه و روغن بلسان  
 یک اوقیه و سر ظرف را یک ساعت واکند از آن بران کاغذی پاکیزه و بر بالای کاغذ پارچه کنانی بندند و بر بالای آن کل بکوبند  
 طبعی هر که بسوسن جو خمر کرده باشند و در سایه در موضع شمالی ششما و بکند از آن پس بکوبند در نسخه حکیم معصوم اچا

بجای مشک هنبر بوزن مشک داخل است \* صنعت آن شراب سوهن مسمی بمی سوسن به نسخه محمود بن الهاس که در  
 حاوی صغیر ذکر نموده بکیرند کل سوسن آسمان نجونی چهار صد عد دوا قماع کاه و زردی میان آنها را نام دور کرده بر پارچه  
 بهن نمایند و در سایه بکنارند تا کاه خشک شود پس بکیرند قسط تلخ قصب الک ریزه قونفل حما ما سنبل الطیب مصطکی  
 از هر یک ده درم ملج اند را نی سلیخه از هر یک سی درم عود بلسان کوبید و سی درم پس در شیشه یا در ظرف چینی ته بالا کل داده  
 را بکنند و یک شبانه روز بکنارند که کاه سرخ گردد و زردیم شراب با نگروری شانه زده رطل بر روی وی کنند پس بکیرند زعفران  
 پنچول رم مشک تبی جید در مثقال و در اندک شرابی حل کنند و در آن داخل نمایند و آن شیشه را در سایه بکنارند در جا نیکه  
 اطراف شیشه باز باشد و باد شمال بآن برسد و سر شیشه را بکاغذ پاکی یک یک ته بکیرند پس بر بالای آن کنانی به بندند  
 و همچنان را کنند تا شش ماه پس استعمال نمایند و گفته که این شراب مسکرو حرام نیست زیرا که نمک جزو این شراب  
 است و شراب را منتقل بمرکه میسازد \* سویق اسم عربی از جمیع ماکولات است که بهندی ستونا مند و بعرف اطباء مواد  
 از بودا ده آن است و شرط است در آن که بعد از بودا دن حبوبات را یکبار با آب سرد بشویند و خشک نموده نگاهدارند و  
 سویق کنند و سویق جو و کند م جهت تسکین التهاب و تشنگی و تبهای حاره و امراض اطفال و سویق جو در تیرید و تحفیف  
 و تسکین حرارت و سویق کند م در ترطیب اقوی است و سویق از زریب و سویق شعیرا است و سویق مضر مشایخ و مبرودین  
 و مولد نفخ و مصلحش فانیل و عسل و زایانه و امثال آن و روغن گردک است و سویق شغیر با آب انار بن جهت قی صفراوی  
 وصل اعینکه از بخار و احتراق رطوبت معده باشد و یا شراب و زرد و روغن پیمه کرده جهت سحج عظیم و تقاضا بسیار بی اطلاق و قی  
 و اسهال اطفال و تقویت بدن ایشان بغایت موثر است و سویق میوه های خشک کرده بودا ده سحج نموده جهت رفع اسهال  
 و حرارت و غلیان خون و آردکنار و نار و سیب ترش و به ترش و زعفران و امثال اینها با بس طبع مبرود و مسکن حرارت اند \*  
 دست و غسل سویق آرد کنند و جو و امثال آن که خواهند در معده ترش نکرد و نفخ زایل شود آن است که آب کرم جوشان  
 بر آن ریزند و بکنارند تا بر آید پس آب سرد بر آن ریخته بودارند و اگر بریزند بر آن آب جوشانید و دو مرتبه میباشد  
 بهتر و اگر نافع نباشد از خوردن شربت آبی سرد و شکر با نبات یا قند بقدر حاجت در آن داخل نمایند و بیاض منحل \*  
 سوبقیه مؤلف تذکره کوید شرابی است که از حبوب و غیرها سازند در سوبیم کرم و خشک و قاطع بلغم خام از سینه و شش و مفتح  
 سله و بکرم و سوز و مبهی و هاضم و جهت یرقان و استسقا و عسر بول نافع و مصلح و غ و مخرو و معمول از ذرق محرق اخلاط و مسکن  
 حرارت و تشنگی و سوزش معده و از کنند م مولد قولنج و مصلحش سکنجبین است \* صنعت آن بکیرند برنج را کوفته بچخته  
 بجوشانند تا بسپا و غلیظ شود و با شیر مویز یا عسل یا شکر اندکی آب آنرا روان سازند و در چینی و قونفل و بسپا سه اضافه  
 نمود و در روز تا پنج روز در ظرف کرده مکرر برهم زنند و استعمال نمایند و از جو و کند م و نان خشک نیز ترتیب میدهند و  
 بهترین همه از برنج و عسلی است \*  
 کتاب الشین المعجمه \* باب الشین مع الالف \*

شادنج معرب از شادنه فارسی است و عربی حجرالد م نامند جهت قطع کردن سیلان خون بدانکه در رنگ شبیه بخون  
 باشد و آن سنگی است در شکل شبیه بعل س و زرد شکن و بالوان مختلفه مشاهد شد و تیره ما دل بسپا هی را هند و کوبند  
 و سرخ را مصری و آن بهترین اقسام است و بعد از آن زرد و ابلق و سفید و زرد و تیره همه خاکستری رنگ تیره رنگ آن  
 است حکیم میر محمد مؤمن گفته حقیر نوع سفید را در فیروزه کوه و سرخ و زرد را بلق را در حوالی جوارری و قسم هند را در  
 جبال قزوین مشاهده و تجربیه نمودم و قسمی که مصنوع از مقناطیس محرق است سیاه و زرد شکن تراز معنی میباشند  
 در جمیع افعال مثل معنی است بخلاف مصنوع از حجر الخمار محرق که غبر و ثقیل الوزن است و شادنج غیر مغسول

در اول سودود را خورد و نیم خشک و مغسول در آغوا و سرد و درد و نیم خشک و مغسول آن مستعمل و قوتش تا بیست سال باقی است مجفف و قابض بی لایع و را دع و خاتم و مقوی عصب و عضل و قوت با صوة و حامی سیلان خون اعضای باطنی و ظاهری و خوردن آن با آب انارین و امثال آن جهت نفث الدم و با شراب جهت عسر البول و حیض دائم و در روزی و با ادویه مناسبه جهت اسهال دموی و قرحة معا و زحیر و سل و طلای آن با سفید تخم مرغ و امثال آن جهت ورم حار چشم و ساثره اعضا و با دسرخ و سوختگی آتش و احتیال آن با شیر دختران و امثال آن جهت رمد و مدعه و سوزش بلك چشم و سلاق و جرب و حكه و قرحة و با آب حلبه جهت امراض بلغمی چشم و زردی آن جهت رفع کوشش زیاد جراحت و رویا نیدن کوشش مجرب است و با آب کشنیز و مانند آن جهت بشور و قروح حاره و مزمنه و جراحت مقعده و رحم و قضیب و اعضای عصبانی بی عمل است و قد رشیت آن از یک انگ تا نیم مثقال مضر مثانه و مصالحش کثیر و اولش مقناطیس سوخته است و در ادویه عین حفص و در غیر آن دم الا خویین \* طریق غسل شادنج آن است که شادنج را بسیار نرم سائید و درها و آن را در آب ریخته بر هم زنند تا با آب مخلوط گردد و با هستگی در ظرف دیگر ریخته و در آن را باز سائید و در ستور آب داخل کرده در ظرف دیگر ریخته تا مجموع مثل غبار گشته با آب مخلوط شده در ظرف دیگر رود و بعد از آن روی ظرف را بپوشانند تا غباری داخل نشود و نه نشین گردد پس ته نشین را خشک کرده استعمال نمایند \*

### \* فصل در بیان اقراص شادنجی \*

قرص شادنج منقول از مجربات میرزا محمد  
با قر حکیم باشی ولد حکیم محمد الدین محمود جسینی شیرازی نافع از برای سل و دق و قطع سیلان خون از اعضای باطنی و نافع از برای اسهال مراری و ذوبانی و تپهای دموی و سرفه و از برای جمیع افعال مذکوره مجرب است \* صنعت آن شادنج عسل سی مغسول تخم خرفه مقشر کشنیز خشک تخم خشخاش سفید کل سرخ منزوع الا قماع طباشیر سفید کل ارمنی مغسول طین رومی از هر يك پنج مثقال کوفته پیخته بلعاب بزر قطن و ناسرشته اقراص سائید شربتیک مثقال با شیوة تخم خرفه \* قرص شادنج منقول از تذکره که بهتراز قرص کهر با است جهت تپهای مرکبه و اسهال و قطع خون از جمیع اعضا و تحجیف قروح و بقایای آتشک بغایت مفید است \* صنعت آن کشنیز خشک بوداده خشخاش سفید از هر يك شش درم کهر بامرجان تخم خرفه از هر يك پنجم درم کل مختوم اگر نباشد کل ارمنی شاخ کاکوهی سوخته پوست تخم مرغ سوخته کثیرا صمغ عربی از هر يك سه درم و دق محرق بزر البنج شادنج از هر يك یک درم و در نسخه دیگر یک شادنج مقناطیس محرق مغسول است و قد رشیتش يك مثقال \* قرص شادنج تالیف حکیم میر محمد مؤمن صاحب تحفة المؤمنین جهت تپ دق و سل و قطع سیلان خون و عضو باطنی و اسهال مراری و ذوبانی و تپهای دموی و سرفه حار مجرب است \* صنعت آن تخم خرفه کشنیز خشک خشخاش سفید نشاسته کل سرخ طین ارمنی مغسول طباشیر طین رومی از هر يك پنج مثقال سرطان سوخته ده مثقال کثیرا رب السوم صمغ عربی شادنج مغسول انجبار شاخ کاکوهی سوخته از هر يك سه مثقال بزر البنج افیون زعفران از هر يك يك مثقال بلعاب بزر قطن و ناسرشته اقراص سائید شربتیک مثقال \* مرهم شادنج بواسیر و شقاق مقعده را نافع است \* صنعت آن شادنج عسل سی مغسول کل ارمنی عصاره الحیة التیس از هر يك سه درم افیون نیم مثقال سفید اب و درم زعفران يك درم روغن بنفشه بادام روغن کل از هر يك ده درم موم سفید پنجم درم بد ستور و محقر مرهم سائید و در نسخه معصومی طین قبرسی بوزن کل ارمنی نیز داخل است و قید روغن کل بادام است و اصل نسخه از شفا فی است \* شاه تروج معرب از شاه توره و بهندیکه پاپره و پت پاپره کویند و نوع میباش یک را برک بسیار کوچک و شبیه بکشنیز و گلش بنفشه و یکی را برک عربی و گلش سفید و هر دو قسم را طعم تلخ و باندک تند و قابض و برک آن

آن بهتر از سایر اجزای آنست مرکب القوی و در حرارت معتدل و در دویم خشک و کویند در دم گرم است و شیخ رئیس در اول سرد دانسته مفتوح سد و جگر و مقوی معده و مد ریول و مرار و مسهل اخلاط ثلاثه خصوصاً سوداء و مرة مخترقه و صاف کنند خون و باعث اشتها و خشک آن در تقویت معده قوی تر و جهت امراض جود اوی و بلغم شور و تپهای کهنه و با سرکه جهت قی صفراوی و غشیان بلغمی و آب تازه آن با تمر هندی جهت تنقیه معده و را معاً و رفع قوبا و یرقان و جرب حکم و واکتال عصا و آن جهت تقویت با صره و با صمغ جهت منع روئیدن شعر منقلب که کند و باشند مضمضه آن جهت جراحت کام و زبان و حرارت و تنقیه لثه و ضماد خشک آن با حنا که در حمام استعمال نمایند جهت جرب و حکه مجرب و شستن سر آب منقوع آن جهت رفع قمل و صیبان که رشک باشد و ابریه نافع و ابن ماسویه ضماد تازه آن را جهت کزیدن زنبور بسیار مؤثر دانسته اند و تخمش معتدل الحرارة و در افعال معد بن احمد جالینوس قویتر از سایر اجزای دانسته اند و کویند مضرش است و مصلحش کاسنی و قد رشربتش از جرم سه درم تا پنج درم از آب آن از سی مثقال تا شصت مثقال و در مطبوخ تاده درم و رب لث نصف وزن آن سناود و ثلث هلیله زرد است و قسمی از گیاه شبیه بشاهتره است و ازان تیره رنگ و برگش باریک تر و شبیه با فسنتین و کل آن مائل بسیمای و بیضه و باندک بد بوئی و قاتل کاه است و را غیر شاهتره و غیر مستعمل است \* حب شاهتره نافع از برای جرب و قوبا و حکه و سغه \* صنعت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه از هر یک ربع مثقالی صبر سقونی ثلث مثقالی سقونی صندل س مثقالی سوده بآب شاهتره حب سا زند بعد ازان که سقونی را با آب شاهتره و مرتبه محق نموده خشک کرده باشند شربت از یک مثقال تاد و درم و در نسخه شفائی وزن هلیجات از هر یک پنج درم و صبر هفت درم و سقونی در و نیم درم است \* در شاهتره آب شاهتره تازه را گرفته با مثل آن روغن کنجد تازه بچوشانند که آب رفته روغن بماند لیکن احتیاط نمایند که نسوزد و آتش ملایم باشد و اگر شاهتره تازه نباشد خشک آنرا نیم من درد و من آب یک شبانه روز بچسبانند پس جوشانده صاف نمایند و با نیم من روغن کنجد تازه با آتش ملایم جوش دهند تا آب رفته روغن بماند \* شراب شاهتره از ابن ماسویه معده و کبد را نافع است \* صنعت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی از هر یک شانزده درم و در نسخه دیگر پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی من کل واحد عشره درم و ارم کا و زبان بری و یستانی کیلانی و بنفشه مجتبی افسنتین کشوت از هر یک شانزده درم عرق السوس کل فودیس از هر یک چهار درم افیمون بسفایج از هر یک هشت درم \* شراب شاهتره بنسخه ابن جزله معده را قوت دهد و امعاء را نیک بود و قطع قی کند و صفراب نشاند و زنان آبستن را چون قی کنند نیک بود \* صنعت آن بکیرند صغریل سیمب امرود انار ترش سماق از هر یک یک جزو و بگویند و آب آنها را بکیرند و با آتش ملایم به پزند پس فرود آورده بکن ارنه تا ته نشین شود و صافی بالای آنرا گرفته باز صافی نموده در آن را دور کنند و صافی را باز در یک کرده بچوشانند تا بقوام آید پس فرود آورده بکن ارنه تا سرد شود در ظرف چینی یا زجاجی نکاهند ارنه \* عرق شاهتره جهت امراض صفراوی و سوداوی نافع \* صنعت آن بکیرند شاهتره تر را صاف نموده در یکمن آن چهار من آب شیرین داخل نموده بطریق متعارف عرق کشند و اگر شاهتره تازه نباشد در یکمن شاهتره خشک پنج شش من آب داخل کرده عرق کشند و اگر شاهتره خشک را یک شبانه روز در آب بکن ارنه و بعد ازان عرق کشند بهتر است \* دستور آشنا میل ن آب شاهتره آنست که جهت مواد سوداوی با سکنجبین افیمونی و حبوب موافقه آن بنوشند و جهت تغذیه سد و تصفیه خون با سکنجبین بزروری ساده و شربت عناب و امثال آن استعمال کنند و ترنجبین و شیر خشک و فلوس خیار شنبه و کلقدن آفتابی و مربای بنفشه بحسب حاجت در هر صورتی اضافه کنند و شاهتره را باید که کویند و آب آنرا صاف نمایند و با قدری پوست هلیله

زرد جلوت رفع ضرر سپوز یکشنب کف داشته روزی یک صاف آنرا بقدر رسی مثقال تا شصت و پنج مثقال با ادویه مذکوره بنوشند و محبوب مسهله را قبل از بیک و شاعت میل کنند و اگر خواهند اجزای مسهله را مثل هلیجات و افتمیون و تربل و غاریقون و امثال آنرا شب در آب آن خیسایند و صاف نموده بنوشند غل الخود آب و آتش جو با شکر یا تمر بحسب حاجت تناول نمایند باذن الله تع نافع است \* مطبوخ شاهتره خل اوند کز خارش را سود دهد \* صنعت آن پوست هلیله زرد درم سنا مکي شاهتره ازهر يك پنچل درم تخم کاسني سه درم عناب سپستان ازهر يك بیست دانه کل سرخ افتمیون بسفایق قسقی ازهر يك ده درم بنفشه سه درم چنانچه رسم است جوشانید و صاف نموده در پنجین پانزده درم دران حل کرده و بیاشا منک \* مطبوخ شاهتره دیگر سوء المزاج کرم کبل و سپر زرا سود دهد \* صنعت آن پوست هلیله زرد درم شاهتره هفت درم تمر هندی ده درم هلیله سیاه بیخ باد بیان و بیخ کبر را زیانه ازهر يك پنچل درم بیخ کاسني تخم کاسني ازهر يك چهار درم کلغند ده درم چنانچه رسم است طبع نموده بنوشند \* مطبوخ شاهتره دیگر سوء المزاج جگر و سپر زرا سود دهد و رسد و بکشاید و برقان را نافع باشد \* صنعت آن پوست هلیله زرد شاهتره تخم کاسني بیخ کاسني سنا مکي ازهر يك پنچل درم کل سرخ ده درم عناب الثعلب پنچل درم آلفی بخارائی پانزده درم تمر هندی ده درم تراجمین پانزده درم چنانکه رسم است در یکرطل آب طبع نمایند تا نصف بماند صاف کرده در پنجین دران حل نموده بنوشند نافع باد \*

**باب الشين مع الرء النهملة \*** **فصل در ذکر اشر به \*** بد آنکه اشر به از تراکيب قدیمه

معتبره اند و با اعتقاد جمعی اول کسیکه تالیف شراب نموده فیما غرض است و با اعتقاد او اشر به در تلطیف و تفتیح سده ها و امراض حار و اقوی و اولی از ادویه مرکبه دیگر است و در نفس را اعتقاد آن است که اشر به زرد درین فاسد میگردد و وسیع الاستحاله میباشد و قول هر دو بحسب اختلاف امزجه و امراض مختلفه و طریق استعمال آنها حق است و شیخ الرئیس گفته که اعتقاد من آن است که اصل اشر به از حکمای فرین است که بمونانیین رسید و بعضی اشر به مانند شراب حب الآس و انس النفس و ابراهیم و الترح و تمر اثل و اجاص و ذخروزه را رجوان و اسطوخودوس و اسقیل و القاقیه و افتمیون و افسنتمین و خشخاش در ذیل افیون و آمله و انیس و انیس باریس و انجمار و اهللیج و باد رنجبویه و بنفشه و تراجمین و تفاح و تمر هندی و تربل شامی و تین و جزر و جنطیانا و جوب چیني و خیار شنبه و دینار و رمان و زوفای یابس و سفرجل و سنبل الطیب و سوسن و شاهترج و صندل و عسل و عنبر و عود و عذی و کبر که مسلمی بشراب مفامیل است و کشوف و لسان الثور و لیج و نارنج و فانیخ و وورد هر یک موکبا و مغرداد و رسم خود مذکور شد و میشود انشا الله تع و در اینجا طریق طبع بعضی اشر به مفرد و مرکبه و بعد از آن نسخ آنها بافعال و فوائد و خواص ذکر میاید بن آنکه قانون در طبع اشر به مفرد آن است که بکیرند آب میوه یا نمکه شراب آنها را میخواهند مرتب نماید بن آنچه اصل باشد مانند تفاح و سفرجل و پوست آنها را حل نموده و تخم آنها را در کرده کوبید و آب آنها را بگیرند و با در مثل آب آن بچشانند تا آنکه ثلث یا نصف باقیماند پس مساوی باقی شکر مصفی داخل کرده بقوام آورند و اماد اشر به مرکبه باید که حشایشی که در اشر به باشد بکرو و پیش از طبع یا پیشتر در آب بخیسانند پس بجوشانند و صافی نموده با شکر یا عسل مصفی یا میوه فواکهی که خواهند بقوام آورند و هر چه از برک و شاخها و کل تازه باشد کوبید و آب آنها را گرفته با عسل مصفی یا شکر مصفی باد و شاد یا مغش و با آب میوه و امثال اینها بقل ریکه مقصود باشد بقوام آورند و در شرابهای فواکهی ثلث آب میوه باشد و قل ما گفته اند که چون مریض را قوتها تغییر یافته و باطباع جگر آن مشتاق شربتی و جاذب آن است پس اگر شکر و امثال آن را در اشر به زرا دو کنند بیشتر جالب میکنند و اگر کمتر کنند جالب آنرا حسب الواقع نمیکند و شکر و عسل و امثال اینها

اینها از شربت‌ها که در اشریه میکنند باید که درجه مزاج آن را با آنچه شربت از آن میسازند ملا حظ نمود و موافق فصل مخلوط سازند و هرگاه المی در اعضای تنفس باشد و یا مریض را سعال باشد استعمال اشریه حاضمه جایز نیست و اگر ناچار باشند از استعمال آنها باید که صمغ عربی و کنیرا و غیره اینها از مغریات بآن اشریه حاضمه استعمال نمایند و باید دانست که عمر اکثر اشریه زیاد از یک سال نیست و بعد از یک سال استعمال نباید نمود به سبب سرعت فساد آنها بخلاف شربت به که مدت‌ها می ماند چنانچه در مقلده در فصل نهم ذکر یافت و گاهی در اشریه سکری اندکی عسل در آخر داخل میکنند تا منع تحجر آنها کند و از اشریه آنچه مطلب باشد مثل عنبر و مشک باید که آنها را اضافه آن شراب نکنند مگر بعد از آنکه از آتش فرود آورده باشند و گرمی آن کم شده باشد و اولی آن است که استعمال کرده شوند اشریه حاکنونی که حل کرده باشند در مائعی و گاهی اشریه را رقیق و گاهی بعنوان لعوق میسازند به سبب مانعی از استعمال محلول آنها در مائعی دیگر چنانچه در ضیق و در امراض رطوبی صد رواج جمله اشریه سکنجبینات است بعضی از آنها نیز در ذیل ادویه مفردة که اصل و عمود اند در آنها باشد شراب حب الاس و انس النفس و ابریشم و حماض اتروج و اذخر و اسارون و اسطوخودوس و اسقیل و افاریه و افندیون و انسنین و خشخاش و اعلیج و النبیج و انبر باریس و انجبار و اهللیج و بادرنجبویه و بسفایج و بطبیج و بنفسج و تفاح و تمر هندی و توت شامی و جزر و جنطیانا و چوب چین و خیارشمر و دیناری و رمان و ریاس و زریب و زوف و سفرجل و سنبل الطیب و سوسن و شاهتره و صندل و عسل و ریحان و عناب و عنبر و عود و هند و فودنج و قرنفل و زهر القطن و کبر و کشت و لثان الثور و لیص و نازنج و نعناع و نیلوفر و ورد احمد و هر یک در رسوم خود ذکر یافت و میباید انشاء الله تع و تتمه در حرف السین موهله مع الکاف و از اشریه آنچه مسمی باسمى خاص بود چون پخته جوش و خمن یقون و میبه و میبختج و مملات و امثال آنها هر یک در باب و حروف خود نیز ذکر یافت \* اشریه اربعه که اطباء هند بجهت خان دوران ترتیب داده اند مسکر بسیار قوی است \* صنعت آن بوز سه پارسه و شاه جهانی عرق سه آتشه در سیرشاهی آب چکید که کوکنار به نسخه که ذکر یافت نیم سیرشاهی بنکاب سه سیرشاهی همه را یکجا کرده و هوس بقدر طاقت و عادت بخورد خرامش یا دو کو را \* صنعت چکید که کوکنار بکیرنل پوست کوکنار تیغ نزد و بیست و د و توله جوز بوا پنج توله بسباسه سه توله قرنفل پنج توله در چینی دو توله نانخواه بادیان ازهر یک سه توله بطریق متعارف بچکانند \* شراب اصل که حکیم سدید در شرح موجز قوشی ذکر کرده منضج مواد غلیظه و مفتوحه ها و مدرفضلات و کاسه ریاح و سوء القنیه و استسقا نافع است \* صنعت آن پوست بیخ را زیانه بیخ کوفس بیخ گاسنی ازهر یک سی درم پوست بیخ کبر پانزده درم تخم را زیانه تخم کرفس تخم گاسنی ازهر یک ده درم در نسخه دیگر ازهر یک بیست درم است انجیر زرد بیست عدل مویز منقعی چهل انه فقاح ازخرد درم مجموع را در آب بخیسانند پس بجوشانند و بهالایند و چهار رطل عسل مصفی داخل کرده بقوام شربت آورند شربت پانزده درم تا بیست درم و گاهی زیاده کرده میشود درین شراب سنبل الطیب و اسارون و سلینخه ازهر یک ده درم و اگر بجای عسل قند کفک شایک \* شراب اصول به نسخه شفا ئی مواد غلیظه را نصف دهل و سه که جگر را بکشاید و بادها بشکند و سوء القنیه و استسقا و جمیع امراض بارده را در رسا زد و جگر و معدی را قوت دهد \* صنعت آن پوست بیخ کرفس بیخ را زیانه کرفس پوست بیخ گاسنی ازهر یک سی درم را زیانه تخم کرفس ازهر یک پانزده درم تخم گاسنی بیست درم انجیر زرد و سفید ازهر یک بیست دانه مویز منقعی چهل دانه فقاح ازخرد سنبل الطیب اسارون سلینخه ازهر یک ده درم قند سفید یکمن علی الرسم ترتیب دهند \* شراب اصول به نسخه معصومی سده بکشاید و تپهای مرکب و مزمن را سود دهد و سوء القنیه را نافع باشد \* صنعت آن



پوست بیخ کوفس پوست بیک کبر از یانه انیسون سنبل الطیب کشوت گازیان پرسیم و شان از هر يك سه درم از بون  
چینی سلیخه تربد تراشیده از هر يك دو درم زنجبیل یک درم مریم قلی ده درم اجزا کوفته پیخته بخیسانند  
و بجوشانند و بطریق معمول بعمل بقوام آورند \* شراب اصول به نسخه دیگر مواد غلیظه را نصف ده و سه و یکشاید  
رسوء القنیه و استسقا و جمیع امراض بارده را که در معده و جگر و سوز باشد نافع بود \* صنعت آن پوست بیک کبر پوست  
بیخ رازیانه پوست بیک کرفس پوست بیک کاسنی از هر يك چهار درم مویز بیدانه بیست درم انجیر زرد بیست  
دانه بسفایج نقاح از خرسنبل الطیب اسارون سلیخه از هر يك ده درم مجموع را نیم کوفته يك شب در آب خیسانید و  
جوش داده صاف نموده بایک من عسل بقوام آورند \* شراب اصول منقول از خط نواب میرزا محمد باقر موسوی قلمی  
فرموده اند که این نسخه از خط جمال الدین حسین نقل شد \* صنعت آن بسفایج فستقی پوست بیک رازیانه از هر يك  
سی درم پوست بیک کبر را سن اصل السوس قرد ما نا از هر يك پانزده درم بیخ سوسن آسمانچونی انیسون از هر يك  
هفت درم بزرسیسالیوس عاقر قرحا از هر يك پنج درم از چینی اسارون از هر يك شش درم مجموع را نیم کوفته  
يك شب در آب بخیسانند و صافی نموده با قند بقوام آورند \* شراب اعجاز از مولفات حکیم از زانی منقول از قرا بادین  
قادر آن جهت اقسام سرفه تر و خشک و حمی دق نافع \* صنعت آن عناب جرجانی دانه کلان بیست دانه سیستان بالیل  
کلان شصت دانه اصل السوس مقشر تخم خطمی خباز می کل نیلوفر کل بنفشه از هر يك هفت درم بهل دانه پنج درم  
کتیرا صمغ عربی از هر يك سه درم برک اروسه یکرطل قند سفید و ورطل ادویه را سوای صمغ و کتیرا بجوشانند و صاف  
نموده بقوام آورند پس کتیرا و صمغ عربی را کوفته پیخته داخل نمایند و اروسه عمارت از یانه است که کل آن سفید  
می باشد و مشهور و کتیرا موجود است در بلاد هند \* شراب امرورد مقوی معده باشد \* صنعت آن امرورد کوفی رسیل و  
آب آنرا بکیرند و با قند بقوام آورند \* شراب برنجاسف تالیف بنقولاس منقول از قرا بادین اندک صالح چلبی حکیم  
ابراهیم سلطان قیصر روم که بتوکی نوشته عجايب النفع است از برای امراض رحم و رحم را گرم کرد اند و ریح بارده  
رحم را تحلیل دهد و سه رحم و حیض بسته بکشاید و نافع است از برای زنانی که حامله نشوند و معین بر حمل است و  
هر علت که سبب عقر باشد زائل کند \* صنعت آن برنجاسف دوسه قبضه و فود نیچ بادرنجیویه مشکطرا مشیخ کاکنج اهل  
مرزنجوش کماذریوس هیوناریقون کما فیطوس اقتوان قنطوریون دقیق سداب نظرون لسان الثور رازیانه کوفس  
بیخ هلیون آس بری سعد کوفی مزل پودنه بیخ بنفشه نا و انیا از هر يك کفی حبب عشر کرو یا مقل و نس انیسون جودک  
اذ بی کبابه قسط اسارون عاقر قرحا سلیخه و ج قاقله از هر يك پنج مثقال شکر بقدر کفایت بدستور مقروض و شراب سازند شربت  
پنج مثقال \* شراب بزوری به نسخه شفائی معده و جگر را نافع باشد و بادها دفع کند و مفاصل را سود دهد \* صنعت آن  
پوست بیک کاسنی سی درم پوست بیک رازیانه تخم کاسنی از هر يك بیست درم رازیانه تخم کرفس پوست بیک کوفس از  
هر يك ده درم تخم کشوت در کتان بسته پنج درم اجزا يك شب در آب بخیسانند پس بجوشانند و بهالایند و بایک و  
نیم من قند سفید بقوام آورند و در نسخه دیگر وزن پوست بیک کاسنی بیست درم است و پوست کبر ده درم نیز داخل  
است و در نسخه دیگر تخم کاسنی داخل نیست \* شراب بزوری به نسخه صاحب اختیارات بدیع مفتاح مدها است  
و معده و جگر را نافع است و استسقا را بنهایت سود مند و حمیات مزمنه و طحال را نافع است \* صنعت آن پوست بیک  
کاسنی سی درم تخم کاسنی پوست بیک رازیانه از هر يك پنج درم بجوشانند و بهالایند و با قند سفید معفی یک من  
و نیم بقوام شربت آورند \* شراب بزوری به نسخه معصومی ادرا بول کند و حیض بکشاید و سنگ کرده و مثانه را بر



تبریزاند و برقان و سد و کبد و طحال را نافع است و تپه‌های کهنه را زائل کند \* صنعت آن تخم کاسنی را زیانه تخم خربزه  
تخم خیارین تخم کد و حب القرطم از هر یک پنج مثقال پوست بیخ کاسنی کل غایت تخم خطمی اصل السوس سنبل الطیب  
انیسون بنفشه کا و زبان از هر یک سه مثقال آنچه بایست کوفت نیم کوفته و مجموع را در پنجرطل آب یکروز و یک شب بخیسانند  
و بیست درم مویز بیدانه در آن بیندازند و بجوشانند تا در رطل باقی ماند صاف کنند و یکمن قند در آن اضافه نموده  
بقوام آورند \* شراب بزوری منقول از خط میرزائی میرزا محمد رحیم قلمی فرموده اند که این شراب معمول حکیم اشرف  
است بجهت اکثر حمیات خصوص صفراوی \* صنعت آن پوست بیخ کاسنی هفت مثقال تخم خیار تخم خیارین در یک تخم خربزه  
کرمک از هر یک پنج مثقال نیم کوفته در یکمن آب و یک چهاریک سرکه انکوری خیسانید پس جوشانید و صاف نموده  
با قند سفید نود مثقال بقوام آورند شربت یک اوقیه \* شراب بزوری بارد \* صنعت آن تخم کاسنی تخم خیارین از هر یک  
هفت درم را زیانه سه درم بیخ کاسنی یا نرگه درم در سه رطل آب بخیسانند پس بجوشانند تا یک رطل رسد بپالایند  
و با یکمن قند سفید بقوام آورند مقلد ار مستعمل از آن ده درم تا شانزده درم است و اگر شراب بزوری بارد سفر جلی  
خواهند بجای قند رب به شیرین بوزن قند داخل نمایند \* شراب بزوری حار \* صنعت آن تخم را زیانه تخم کرفس  
از هر یک هفت درم پوست بیخ کبر پوست بیخ بادیان بیخ کرفس انیسون از هر یک ده درم همه را نیم کوفته در سه رطل  
آب بجوشانند چون یک رطل رسد بپالایند و با یک رطل قند سفید بقوام آورند مقلد ار مستعمل مثل شراب بزوری بارد  
و اگر شراب بزوری حار سفر جلی خواهند بجای قند سفید بوزن رب به شیرین داخل نمایند \* شراب بزوری معتدل \*  
صنعت آن تخم کاسنی را زیانه انیسون تخم کرفس تخم خیارین از هر یک پنج درم پوست بیخ بادیان پوست بیخ کبر بیخ  
کرفس از هر یک ده درم بیخ کاسنی بیست درم همه را نیم کوفته در چهار رطل و نیم آب بجوشانند تا ثلث بماند بپالایند  
و یک رطل قند سفید داخل کرده بقوام آورند شربت یک اوقیه تا یک اوقیه و نیم \* و اگر شراب بزوری معتدل سفر جلی خواهند  
بجای قند سفید بوزن آن رب به شیرین داخل نمایند \* شراب بزوری ملین تالیف حکیم سلیمان موسوی از برای  
رفع قبض \* صنعت آن سنا مکی هفت مثقال ورق کل سرخ پوسیا و شان از هر یک ده مثقال کا و زبان را زیانه تخم کاسنی  
تخم کشوت از هر یک پنج مثقال بسفایج فستقی پوست بیخ کاسنی تخم خیارین از هر یک سه مثقال تخم کشوت در کتان بسته  
باقی ادویه را آنچه کوفتنی است نیم کوفته اجزا را در سه پیاله آب شب بخیسانند و صبح بجوشانند و صافی نموده قند  
یک چهاریک داخل کرده بقوام آورند و پنج مثقال ریوند چینی سوده داخل نمایند و تیر بزندان تا مخلوط شود شربت از سه  
مثقال تا پنج مثقال \* شراب تریاقی که باد زهر سموم و کزیدن افعی است و جهت کرب و خفقان و غثیان و برا نکینختن اشتها  
مجبور است منقول از تذکره \* صنعت آن آب زرشک آب سیب شیرین از هر یک سه صد مثقال آب ترنج یکصد و پنجاه  
مثقال یا ثلث آن شکر بقوام آورند و مروارید یک با آب ترنج حل نموده با شند شش مثقال اضافه کنند و گفته که در امراض  
قائم مقام تریاق فاروق است \* شراب جعد \* تالیف حکیم مؤمن که ادرار بول کند و حیض براند و از برای عفونت اخلاط  
و دفع ریا و تفتیح سها مجرب است \* صنعت آن جعد مشک طرا مشیع حرمل قسط تلخ ریوند چینی تخم کشوت تخم خیارین  
تخم خربزه از هر یک دو مثقال مویز منقی انجیر زرد از هر یک دو مثقال مجموع را در یکمن تبریز آب بخیسانند پس بجوشانند  
تا برع رسد و بپالایند و با یکصد و پنجاه مثقال صیرفی شکر بقوام آورند و هر روز ده مثقال آنرا با مل رات بول و حیض بنوشند  
و هرگاه طبع یا بس باشد با طبیخ کل سرخ که در آن غار بقون و سقمونیا داخل کرده با شند بنوشند \* چهار شربت صاحب  
خلاصه التجارب نوشته این شربت مستعمل اهل خراسان است ملین بی غا ئله است \* صنعت آن آلو بخارا سه سیب

[illegible]

جبل آن مقلد ابر روی آن کنند که چهار انگشت از روی ادویه برگردد و سر شیشه را محکم بسته بعد از شش ماه استعمال نمایند و در نسخه دیگر غسل سفید خوشبوی مصفی یک ذررق درین شراب داخل است و سیک اسمعیل در ذخیره گفته که این شراب را بعد از چهل روز بکار دارند و در نسخه دیگر گفته که یکوطل غسل با آن بیامیزند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و حکیم میر محمد مؤمن گفته که این شراب را به نسخه شیخ رئیس ساخته در شیشه کرده سر آنرا بکچ بکیرند و در آفتاب بکند و بعد از چهل روز پیش از غل او بعد از غل بنوشند \* شراب ذی مقرطیس مسکر به نسخه قلا نسی \* صنعت آن ابرسانه قیراط و زبانه فلفل سفید از هر یک یک گرم سلیخه چهار درم همه ادویه را در ظرف چینی یا زجاجی کرده شراب انکوری جبل الجواهر هفت رطل و نیم بر روی و مکرده و سر ظرف را بکچ گرفته چهل روز بکند و پس استعمال نمایند پیش از غل او بعد از غل او و در نسخه حکیم مؤمن وزن شراب سه صد و شصت مثقال است \* شراب بیکه زکام و سرفه را سود دارد و سیننه را نرم کند \* صنعت آن عذاب بیست دانه سپستان پنجاه دانه مویزیدانه پانزده درم کشک جو پنچدرم به دانه سه درم کتیرا یک گرم اصل السوس پانزده درم پوست خشخاش بنفشه خشک از هر یک پنچدرم انجیر سفید ده دانه زرفای خشک پرسیا و شان از هر یک سه درم پوست بید ازبانه چهار درم چنانکه رسم است در آب صاف یک شب بخیسانند و صبح طبع نمایند و بپا لایند و با قند بقوام آورند شربتیک اوقیه با قند ری آب نیم گرم بدهند \* شراب سعد مسکر از هندیان است بواسیر را سود دهد و معده را قوت بخشد و بوی دهان را خوش کند \* صنعت آن سعد کوفی بیست درم آمله منققی ده درم قند کهنه یک چهار یک سعد و آمله نیم گرفته بایکمن آب و قند در ظرف چینی کرده یک هفته در زمین دفن کنند بعد از آن بر آورده صاف نمایند و بقوام آورند شربتیک ده درم \* شراب سعد سرفه کهنه را بغایت مفید و سیننه را از خلط پاک کند و در وضیق النفس را نافع باشد \* صنعت آن انجیر زردش اوقیه پیا زعنه صل یک اوقیه انیسون نیم اوقیه در قند ری خلط و آب بخیسانند سه روز پس بجوشانند تا به ثلث رسد پس صاف کنند و باد و رطل قند سفید بقوام آورند \* شراب سعد دیگر سرفه کهنه و وضیق النفس و ربور نافع است \* صنعت آن عذاب جرجانی سپستان از هر یک پنجاه دانه انجیر زرد بیست دانه تخم خطمی تخم خیازی برک کار زبان از هر یک پنج مثقال تخم حلبه زرفای خشک ازبانه از هر یک سه مثقال پرسیا و شان اصل السوس مقشر مرضوض کل بنفشه کل نیلوفر کل خطمی از هر یک هفت مثقال به دانه صمغ عربی کتیرا از هر یک چهار مثقال شکر تیغان بیست مثقال ترنجبین صاف کرده سی مثقال طی الرسم با هم چنان ادویه نبات سفید بقوام آورند و کتیرا و صمغ عربی را گرفته بپخته در آخر بعد تیاری با آن بسروشند شربتیک مثقال تا سه مثقال با آب گرم و اگر حرارت در مزاج غالب باشد تخم حلبه و زرفا و ازبانه داخل نمایند و نشاسته و مغز تخم کد و مغز تخم خربزه از هر یک هفت مثقال نرم کوفته داخل نمایند و با بعضی از شیرها و لعابهای مناسب بنوشند \* شراب مسکوتالیف مسیح طبیب به نسخه جیش ابن الحسن در کفایه الطب اصحاب مزجه بارده رطله را بنه یس سود مند است و بلغم و طوبتهای فاسد را از معده پاک کند \* صنعت آن زنجبیل و ارچینی از هر یک پنچدرم دانه هیل بوا قله کبار از هر یک دو درم قرنفل یک گرم همه را نیم کوفته در دیک سنگی کنند و هفت رطل آب بر روی آن کنند و بجوشانند تا دو ثلث آب برود و ثلث بماند پس بپا رچه کتان آن را بپا لایند و پنج رطل شکر طبرزد در آن انداخته با آتش ملایم به پزند تا بقوام آید فرود آورده سرد کرده در شیشه نگاه دارند و بوقت حاجت شربتیک اوقیه و محمود بن الیاس این شراب را در حاوی صغیر ذکر کرده و گفته که در مطبوخ ادویه پنج من شکر سفید داخل کرده بجوشانند و کف آن را بکیرند و نیم در هم زعفران داخل نمایند و بقوام آورند و چون بقوام آید بپا لایند و سرد کرده در شیشه نگاه دارند شربتیک پنچدرم را این نسخه موافق نسخه قلا نسی است الا آنکه قلا نسی گفته که بعد از

صافی کردن آب مطبوخ شکر را داخل نمایند و چون بقوام آید زعفران را داخل کرده فرود آورده سرد کرده نگاه دارند \* شراب ساموریه از تالیف قل ما است مقوی معده و مشهوی و نافع است از برای خفقان \* صنعت آن پوست زرد اترج مرصا حوز یک یک اوقیه قرنفل دو مثقال عود دهند خام یک مثقال همه را نیم کوفته پنجر طل شراب انگوری چید بر روی آن کنند و سه روز بکند از آن پس سه رطل نبات سفید و یک مثقال مصطکی رومی و نیم درم زعفران و یک انگ مشک تبیی خالص در آن اندازند و بجوشانند با آتش ملایم پس سرد کرده در شیشه کنند و استعمال نمایند با جلاب \* شراب سلیمه در ارحیض و کسر ریاح غلیظه کند و قولنج بکشاید و مقوی معده \* بارد رطب باشد و در بین افعال بی نظیر است \* صنعت آن سلیمه سیاه بیست و پنج مثقال و در نسخه دیگر بیست مثقال است تخم کرفس سی مثقال افسنتین رومی پنجاه مثقال در چهار رطل آب بجوشانند تا ثلث بماند صافی نموده با دو رطل قند سفید بقوام آورند شربتیی از ده درم تا پانزده درم \* شراب شفا ذات الجنب و حمیات صفراوی و دموی و ذات الرئه و درد سینۀ و ریور نافع است \* صنعت آن کل نملوفور سیستان عناب جرجانی مساوی در آب بجوشانند و بیالایند و با سه وزن ادویه قند سفید شربت به پزند شربتیی یک اوقیه \* شراب شفا ثقی جهت حمیات و بائیۀ و جلوی و حصه نافع است \* صنعت آن کل شفا ثقی بیست مثقال در آب بجوشانند و صافی نموده چهل مثقال قند سفید داخل کرده بقوام شربت آورند شربتیی از برای اطفال نیم مثقال و برای مرصه دو مثقال \* شراب صغیر تهیای بلغمی و قولنج ریسی و جشای حامض و نافع باشد \* صنعت آن به نسخه سهل استعمال صغیر نا آشوا زنجبیل کل سرخ بود نه کشنیز خشک از هر یک سه درم مویز منقح بیست دانه مجموع را در دو صل درم آب بجوشانند تا ثلث بماند پس بیالایند و در وقت حاجت سی درم آنرا گرم کرده بنوشند \* شراب صغیر دیگر به نسخه حکیم معصوم \* صنعت آن صغیر فارسی ناخواه زنجبیل کل سرخ کشنیز خشک از هر یک سی درم مویز طائفی فربه منقح از حب در صل عد مجموع را در پانزده رطل آب بجوشانند تا پنج رطل بماند پس بیالایند و با غسل مصفی پنج رطل بقوام آورند شربتیی پانزده درم با ماء الاصول \* شراب فواکه شیرین جهت نا قهین و تقویت احشاء و صاحبان لینت طبع و اصحاب سعال را نافع است \* صنعت آن بکیزند آب انگور شیرین رسید و هرقه و یک خوراسنه باشند درد یک کرده بجوشانند تا دو ثلث آن برود و یک ثلث باقی ماند پس بوزن آن از هر یک از آب انار شیرین آب سفوفل شیرین آب امرو و سیوم حصه مجموع شکر سفید داخل کرده با آتش ملایم بجوشانند و کف آنرا بکیزند پس بقوام آورده بود اول و بعضی یک جزو قند سفید نیز داخل میکنند \* شراب فواکه مزین قرش و شیرین معمول متاخرین مقوی قوتها و اعصاب و بجهت نا قهین و ضعف احشاء نافع است \* صنعت آن آب انار قرش و شیرین آب سفوفل قرش و شیرین آب سیب قرش و شیرین آب امرو قرش و شیرین از هر یک یک جزو آب زرشک از هر یک نیم جزو با ثلث مجموع آنها شکر سفید بقوام آورند بعضی یک جزو آب انگور نیم جزو آب غوره داخل میکنند و این انساب است و باید که اول مرتبه آب انگور و آب غوره را بجوشانند مقل آنکه دو ثلث آنها برود و ثلث بماند پس با آبهای دیگر شکر سفید بقوام آورده نگاه دارند و بعضی درین شراب به نسخه اصل آب سماق و آب غوره از هر یک نیم جزو داخل کرده اند و اگر شربت فواکه قرش خواهند از آب میوه های قرش من کور ترتیب دهند و هر یک ازین اشربه اربعه من کوره را موافق مزاج هر شخصی تقویت باد و به مناسبه میتوان نمود که اندر یک مناسبه را گرفته در پارچه بسته در آن بجوشانند \* شراب فواکه شیرین دیگر سله بکشاید و ضعف جگر و معده را نافع باشد و قوت دهی و قی باز دارد و در حیات صفرا بشکند و دل و احشاء را سفید باشد \* صنعت آن آب سفوفل آب سوس آب سماق آب زرشک آب انار زعفران مساوی یک یک بکوبد و با آب حماضی آب نیمو از هر یک نیم جزو مجموع را در یک سبکی کور

کرد و با آتش ملایم بجوشانند تا ثلث آن بماند پس قل ری قند سفید که کفایست کند اجافه نموده بقوام آورند و از آتش  
 بر گرفته سرد کرده نگاه دارند و بعضی گفته اند که آبها را بجوشانند تا به نصف رسد بیکم از آب منصف یکم  
 قند سفید داخل کنند و اگر نیم من قند را داخل نمازند بهتر است \* شراب فواکه به نسخه چینی بن عیشی بن جزله  
 مقوی معده و احشاست و قاطع قی و اسهال و نافع از برای زنان حامله که بسیار قی کنند \* صنعت آن بکیزند سفرجل  
 و کهتری انار ترش و شیرین سماق زعفران زهر یک یک جز و بکوبند و بغشارند و بپالایند و با آتش ملایم به بزند  
 تا غلیظ شود و اگر خواهند که شربتی داخل کنند پس باید که مثل آنها شکر طبرزد داخل کرده بجوشانند و کف آن را  
 بکیزند پس هرگاه که بقوام جلاب رسد از آتش بر گرفته سرد کرده در ظرف چینی یا زجاجی نگاه دارند \* شراب فواکه  
 به نسخه صاحب اختیارات بل یعنی مقوی معده و دل و جگر است و دفع قی کند و صغرا بشکند و زنان آبستن را سودمند  
 باشد \* صنعت آن آب سفرجل آب کیل مساری یکدگر اگر آب غوره و آب لیمو و آب اترج قل ری داخل کنند شاید آبها را  
 بجوشانند تا به نصف رسد پس بهر یک من از آن منصف یکم قند سفید داخل کرده بقوام آورده سرد کرده نگاه دارند  
 و اگر خواهند با شند آنها را بغير قند بقوام آورده نگاه دارند \* صنعت آن شراب به نسخه قلانسی سفرجل سیب  
 ترش کهتری انار ترش سماق ثمر کنار زعفران زهر یک جز و درهاون سنگی کوفته آب آن را بکیزند و در یک  
 سنگی بجوشانند تا به نصف رسد پس از آتش فرود آورده بکند دارند تا سرد شود صافی نموده باز در یک سنگی کنند  
 و داخل نمایند در آن بوزن آن شکر طبرزد و بجوشانند تا بقوام جلاب آید پس از آتش بر گرفته بکند دارند تا سود شود و در ظرف  
 چینی یا زجاجی نگاه دارند \* شراب فواکه دیکر قطع اسهال کند و صغرا با زنشاند و معده و دل و جگر را قوت دهد و قی  
 و غثیان را نافع باشد \* صنعت آن بکیزند حماض اترج زرشک ریاس ازهر یک یکرطل کیل انار دانه سماق ازهر یک سه  
 رطل سفرجل حلوه و حامض سیب انار امرو و ازهر یک چهار رطل مجموع میوهها را در آب بخیسانند و شبانه روز پس  
 بجوشانند تا بقوام آید و بردارند \* شراب فواکه دیکر به نسخه قلانسی نافع از برای اسهال و مقوی معده و کبد \* صنعت آن  
 امرو و خشک سیب مقو و حب الاس حب الرمان زرشک منقی خشک همه را نیم کوفته در آب انار ترش چهار مثل جمع  
 میوهها بجوشانند تا آنکه ثلث آن باقی باشد پس بپالایند و به بزند با هستکی تا بقوام آید پس فرود آورده نگاه دارند \*  
 شراب فواکه به نسخه دیکرها صمه را قوت دهد و قی باز دارد و طعام هضم کند و اشتها بیاورد \* صنعت آن آب سیب آب  
 به آب انار شیرین و ترش آب امرو و آب زرشک آب غوره کلاب ازهر یک یکرطل نعنای تازه یک قبضه را زیاده پوست بیرون  
 پسته ازهر یک ده درم عود هند سنبل الطیب قاقله ازهر یک پنجاه رم قند و من اجزانیم کوفته در صره پاکي به بندند  
 و در آب میوهها بیندازند و با آتش ملایم در یک سنگی جوشند هند و هر لحظه دواها را بمانند و بغشارند که بقوام  
 آید صره دواها را بر آورند و بغشارند و بعد از آنکه بقوام آمده باشد سرد نموده بیست درم مصطکی رومی نرم سود و  
 در آن بپامیزند و در ظرف چینی نگاه دارند شربتی ده درم \* شراب فواکه که به نسخه دیکر نافع قی است و اشتها طعام  
 آورد و تقویت معده و کبد گرم کند \* صنعت آن سفرجل سیب ترش حماض اترج کهتری غوره انار آب این مجموع را بکیزند  
 و بخیسانند در آن جز و از سماق و سنبل و کیل خشک و حب الاس و ثمر کنار و خشک زرشک منقی که اینها را ریزه ریزه  
 کرده باشند و یکشبها نروزی بکند دارند پس روز دیکر بمانند و بغشارند و بپالایند و با آتش ملایم در یک سنگی بجوشانند  
 تا بقوام آید \* شراب فواکه ملین طبع را نرم دارد و مزاجهای گرم را نافع بود و قولنج سفلی را سود دارد \* صنعت آن  
 انجیر زرد بیست دانه مویز بیست دانه سیاه یکچهاریک آلوی سیاه عناب ازهر یک پانزده دانه کشمش ده درم سمستان

پنجاه دانه شفتالوی خشک ده دانه مجموع را یک شب در آب بخیسانند و جوشانده صاف کنند و با یک چهار یک شکر بقوام  
 آورند و در رم بنفشه خشک در خرقة بسته و در خرقة دیگر سقمونی نیم درم بسته در یک اندازند و لحظه بلخظه بدست  
 بمالند تا بقوام آید و در آخر پارچه را بر آورند شربتی ده درم \* شراب فواکه ملین طبع نافع از برای قولنج سفلی \* صنعت  
 آن مشمش مقد و مویز طاقی منقی از دانه از هر یک یک رطل سرمش اصغهان عنب آلوی سیاه آلوی بخارانی از هر یک نیم  
 رطل انجیر سفید مویز سیاه منقی از دانه انیسون عنجد از هر یک پنج استار سستان بیست عدد در آب آن مقدار که از  
 روی میوه ها در انکشت بر کرد یک شبانه روز بخیسانند و روز دهم بجوشانند و بمالایند پس شکر سفید یک رطل داخل کرده  
 بجوشانند و کف آنرا بگیرند پس بگیرند کل بنفشه پنج درم و در کیسه کتان پی کرده در از دانه از دانه و بجوشانند تا بقوام آید  
 پس فرود آورده نگاه دارند \* شرابی که منقول از خط میرزا ابراهیم قمی قلمی فرموده اند که این شراب تالیف میرزا محمد حسین  
 قمی است مسکن حرارت مزاج و سوء مزاج حار است و نافع است از برای حمیات دقیه و حمیات خلطیه بعد از تنقیه \* صنعت  
 آن زرشک منقی پنج مثقال جو مقشر کشنیو خشک از هر یک کفی کل مختوم طباشیر سفید از هر یک پنج مثقال تخم کاسنی سه  
 مثقال زرشک جو کشنیو را در آب باران در ظرف چینی سه شبانه روز بخیسانند بعد از آن بدست آنرا بمالند و صافی نموده  
 در یک سنگی با قدر سفید بقوام آورند پس باقی ادویه را نرم کوبیده با آن مخلوط نموده استعمال نمایند شربتی یک اوقیه \*  
 شراب مرزنجوش که در قهقه های بلغمی در زمانیکه لوزه سخت قوی باشد بکار آید \* صنعت آن مرزنجوش اخضر مکی بابونه فودنج  
 از هر یک پنج درم نیم کوفته مویز منقی از دانه سی عدد جمله را در دود درم آب بپزند تا ثلث بمالند پس بمالایند و  
 پیش از وقت نوبت یک ساعت مقداری درم گرم کرده بخورند و در نسخه معصومی عاقر قرحا نیز داخل است \* شراب مسهل  
 تالیف ابن ماسویه بلغم و سودا از جمیع بدن فرود آورد و معده را قوی کرد اند \* صنعت آن کل سرخ تازع منزوع الاقماع  
 در رطل چهار رطل آب خالص یک شبانه روز بخیسانند پس بجوشانند تا بنصف رسد پس یک اوقیه افتیمون در روی افکنند  
 و یک جوش دیگر دانه از آتش فرگیرند و نیکو بمالند و بفشارند و بمالایند و یک رطل و نیم فانیل جید داخل کنند و  
 بجوشانند و کف آنرا بگیرند پس بگیرند سقمونیای انطاکی پیخته در کیسه کتان کنند و در آن اندازند و لوله بلعه  
 کیسه را بمالند تا کیسه خالی شود پس عود هندی سبک اصلی بسپارند از هر یک دانه یک کوفته پیخته در روی افکنند و  
 به پزند تا بقوام عمل آید پس بوداشته نگاه دارند و استعمال نمایند \* شراب مسهل دیکو تالیف حکیم میرزا محمد مؤمن گفته  
 این شراب جهت امراض بارده و ضعف معده و دماغ و تنگی سدها و امراض سوداوی بنهایت نافع است و بهترین  
 مسهل است \* صنعت آن کل سرخ منزوع الاقماع سداب از هر یک ده مثقال کل بنفشه بیست مثقال ترب سفید  
 میخرفا ریخون هشت سفید افسنتین رومی از هر یک پنج مثقال تخم کشوت اسطوخودوس مصطکی رومی از هر یک سه  
 مثقال سنبل الطیب ده مثقال عنب سستان از هر یک سی دانه در هشت صد مثقال آب خالص یک شبانه روز بخیسانند  
 پس بجوشانند تا ربع رسد و باد و صل و پنجاه مثقال ترنجبین خالص پاک کرده و شکر بالمناصفه بقوام آورند و فرود  
 آورده سرد کرده در شیشه نگاه دارند شربتی از پنج مثقال تاده مثقال \* شراب مسهل دیگر که مسهل بلغم و سودا  
 و مقوی معده است و قوی است شراب مسهل ابن ماسویه \* صنعت آن به نسخه قلاسی بگیرند کل سرخ منزوع  
 الاقماع وزن در رطل و یک شبانه روز در چهار رطل آب گرم بخیسانند پس بگیرند ترب سفید محکوک موضوع در پارچه  
 کتان پی بسته در روی افکنند و بجوشانند تا به نصف رسد پس بگیرند افتیمون یک اوقیه و در خرقة کتان پی بسته در روی  
 افکنند و بجوشانند و دوجوش دیگر دانه فرود آورند از آتش و بکند از دانه تا سرد شود و بمالند هر دو صوره را مالیدنی قوی

و بفشارند و دور کنند هر دو را پس بمالند کل سرخ را مالیدن قوی و بفشارند فشردنی نیکو و بیالیند و باز درد یک کرده  
داخل کنند در آن یکرطل و نیم فانیند و بجوشانند و کف آنرا بیکیم ند پس سقمونیای انطاکی وزن دودرم و در قمار ری خام  
قرنفل سکه اصلی بسپاسه ازهر یک وزن یک انگ و کوفته کوفتنی در شفت و در صره کتان کوفته سر آنرا بسته بیند ازین  
در آن و به پزند و دانه صره را بمالند تا بقوام جلاب رسد پس از آتش بر گرفته صره را نیکو بمالند و بفشارند تا برایین  
جمیع قوت آن و صره را در و رکوده شراب را سرد کرده در شیشه یا ظرف چینی نگاه دارند و بقل رحا جت در وقت احتیاج  
بکار برند \* شراب مسهل بلغم منقول از کناش اطینوس \* صنعت آن ماهودانه منقی از قشر یک اوقیه سنبل الطیب سه  
گرمه شراب پنچ قسط ادویه را کوفته در کیسه کتان کشا دی کرده بسته چنانکه قری از آن خالی باشد و در شراب اند ازین که  
بخشید و پنچ روز بگذارد پس صره را بر آورده بمالند و بفشارند فشردنی قوی و بیالیند ازین شراب پیش از طعام یک مرتبه بآب  
کرم \* شراب مسهل صفرا منقول از کناش مذکور \* صنعت آن بکیرند سلیخه سیاه یک اوقیه سقمونیای انطاکی نیم اوقیه کوفته  
بمخته در کیسه کتان کشا دی کرده سر آن را بسته چنانچه قری از صره خالی باشد و در پنچ قسط شراب جید پنچ روز بخشایند  
پس بر آورده بمالند و بفشارند و صره را در و رکوده بیالیند ازین شراب پیش از طعام یک مرتبه بآب کرم پس بد رستیکه اسهال  
صفرا میکند \* شراب هلیون باه از زیاد کند و مثانه و کرده را پاک کند از خلط غلیظ و رمل و حصا و حبس بول را نافع است \*  
صنعت آن تخم هلیون سی مثقال درده رطل آب بجوشانند تا به ثلث رسد پس بمالند و صافی نموده در یکمن قند سفید  
داخل کرده بقوام آورند و بعضی نیم من قند گفته اند شربتیی ازده درم تاده مثقال \* شراب هلیون از قرا بادین معصومی  
بدن را فربه کند و قوت باه زیاده گرداند و نعوظ آورد و پیوان را موافق بود \* صنعت آن تخم هلیون مغز بادام مغز حب  
القرطمشقا قل بهمین تخم زرشک قرفه زنجبیل قرنفل جوز بوا بسپاسه دارچینی ازهر یک ده درم اجزا نیم کوفته درد و  
رطل آب بجوشانند و صاف سازند و با یکرطل مثقال بقوام آورند و در آخر مشک سوده زعفران ازهر یک نیم درم داخل  
کنند دوا و قیه یا ماء اللحم در خاوی معده کم کم بنوشند \* شرابی که شیخ داود از نصائح نقل کرده نافع است از برای برودت  
معده و کبد و ضعف کرده و ضعف بدن و فساد هضم و تب ربع و از برای عقر \* صنعت آن بکیرند طلا که عبارت از شراب غلیظ  
است سه قسط عسل مصفی یک قسط زنجبیل پنج درم زعفران دودرم هیل بوا قافله کبار ازهر یک دود انگ و نیم مشک  
تبتی فلفل دار فلفل ازهر یک یک انگ و نیم اجزا را کوفته بمخته شراب و عسل مذکور بپاشند و در آفتاب بگذارد ازین تا  
غلظت شود و بقوام آید شربتیی یک ملعه با آب سرد \* شرابی که تسکین حرارت و عطش و التهاب دهد و خفقان حار را نافع  
است \* صنعت آن آب انا رترش آب آلوی بخا رائی آب آلوی سیاه آب هند و نه آب غوره آب اترج اجزا مساوی قند  
سفید بقل و مجموع ادویه بقوام آورند \* شراب مسکرا از طبای هند که آنرا بهندی ثابت مد که کویند و با اعتقاد ایشان  
این شراب جمیع امراض مزمنه را زایل میکند و از اسرار حکمای هند است که آنرا از غیر پنهان میدارند و جوکیان  
هند با این شراب مل اوی مراضی میکنند و خود نیز با آن مل اومت دارند \* صنعت آن قند سیاه که نه یکمن کل دهانگی ده  
سیر پوست مغیلان که آنرا بهندی کیکرنا منل پنچ سیر همه را در خم کرده بقل سه مشک آب بر روی آن بکنند و بکنند ازین تا  
بجوش آید و از جوش فرو نشیند پس بپالایند و باز در خم کرده یک عدد مار سیاه که آن را سرد مد و رکوده پوست و  
احشا و مرا رة آنرا نیز در و رکوده باشند در آن اند ازین پس جوز مائل پنچ سیر بهنکره و مندی ازهر یک ده سیر شیطر ج  
سیاه پنچ شکشت ازهر یک یک سیر کوفته داخل نمایند و بعضی ناخواه انیسون و شونیز و زیره سیاه دارچینی ازهر یک  
ده سیر داخل میکنند و بعضی از برای قوت باه گوشت کبوتر و مرغ جوان که از چربی را استخوان جدا کرده باشند از



هر يك بقل رجا جفت داخل ميکنند پس بر روی آن موم كد اخته يا پيه كد اخته بقل ردوا نكشت و بخته سرخم محكم نموده  
يكسال ميكند اول و بعد از يك سال استعمال ميكنند \* شرابي ملين كه رفع قبض نمايد و صفرا بواند و حرارت را ساكن  
گرداند \* صنعت آن كل كا و زبان كل بنفشه شاهره از هر يك ده مثقال تيره نند چهل مثقال زرشك منقعي چهل مثقال آلوی  
بخارا ئي آلوی سپاه از هر يك يك صاع دهه را در ورطل آب يك شب بخيسا نند و صبح بخورشانند تا به نصف رسد  
و بهالایند و شیر خشت خراساني يك صاع مثقال تورنجبين خراساني يك صاع و پنجاه مثقال دران داخل كرده يك و جوشانده  
با زصافي نموده بخوشا نند تا بقوام شراب آيد مجموع ده شربت است هفته يك روز شربت ازین شراب را بکلاب حل كرده  
بنوشند \* شرابي مسكر كه معده و دل را قوت دهد و امراض بلغمي و سودا و عوارض نافع بود \* صنعت آن آب سيب شيرين سه  
رطل آب به شيرين در رطل در يك ستنكي كنند و قزقرنل يك روم و نیم عود دهند و درم كا و زبان با درنجبويه و رقی كل سرخ از  
هر يك سه درم كوفته در كيسه بسته در يك اندا زنك و بخوشا نند تا آب سيب و به نصف رسد و در خم و زنك و شراب و زصافي  
در من بربالای آن بر زنك و قزقرنل سفيد يك رطل و نیم اضافه نموده سرخم را بكمز نند و بیست روز را قناب كل اول و بعد از آن  
صافي نموده استعمال نمايند \* شراب بیکه از جهت مالمخولها و امراض سودا و عوارض نافع است \* صنعت آن تخم كاسني تخم  
فرنجمشك تخم بادرنجبويه از هر يك هفت درم و نیم ايرساده درم در شش وزن ادویه كلاب و درم اول در به آب سيب شيرين  
بخوشا نند تا به ثلثي آيد و با يكمن قند شربت به زنك \* شراب بیکه امراض سودا و عوارض مالمخولها را نافع باشد و بوق اسهال  
سودا كند \* صنعت آن تخم كاسني فرنجمشك تخم بادرنجبويه از هر يك ده درم كا و زبان سه درم بادرنجبويه هفت درم و نیم  
ايرساده درم اصل السوس پنج درم رازيانه بسفایم فستقي از هر يك سه درم ادویه نیم كوفته در آب صاف خيسا نند و  
بخوشا نند و بهالایند و كلاب و آب سيب شيرين از هر يك نیم رطل اضافه نمايند و با يكمن قند بقوام آورند و نیم مثقال  
زعفران و دودانك و يك روم خرويق سپاه و يك روم محمود سا ئيد و اضافه نمايند \* شراب بیکه تپها كرم و جوانات و ممرور  
المزاجان را فائده دهد و پيران را و مزاجها سودا را نقصان كند \* صنعت آن شیر خشت تورنجبين از هر يك ده درم آب  
سيب شيرين بیست درم آب كشنمیزده درم مجموع را در قند و آب جوش داده صاف نموده با قش ملايم بقوام آورند و  
در آخر يك روم سقمونیا سوده يكدا نك كافور دران حل كنند شربت پنبی پنچ درم \* شراب بیکه معده را قوت دهد و مسهل بلغم  
غلیظ بود و معده را از رطوبت پاک كند \* صنعت آن قزقرنل سليخه سنبیل الطيب عود دهند و از هر يك پنچ درم و رقی كل سرخ  
هفت درم افسنتين سه درم تربل سفيد پنچ درم اسارون دودرم را زيانه چهار درم مجموع را نیم كوفته چنانكه در سیم است بکشد  
بخيسا نند و جوشانده صاف نمايند و با نیم من قند بقوام آورند و در آخر يك روم سقمونیا و دودانك نیم درم غار بقون يك روم سوده  
دران معزوج كنند \* شراب بیکه صاحب آبله را سودمند است و زرد آبله را بر روز فرمايد \* صنعت آن ورق كل سرخ عدس  
مقشرا از هر يك هفت درم انجیر زرد و سيم و ده عد دكتيرا سه درم مویز منقعي ده درم لك مغسول سه درم رازيانه تخم كوفس  
از هر يك چهار درم آنچه را با يك كوفت نیم كوفته و مجموع را در يك و نیم من آب طبع نمايند و صاف نموده بقوام آورند و  
يك ا نك زعفران سوده دران پياميزند و این جمله را سه دفعه در يك روز بنند \* شراب بیکه سنگ و ريك كرده و ممانه را  
بريزاند \* صنعت آن حب قلت يا نزده درم پرسیا و شان اسقو لوقنل و بون از هر يك هفت درم در قنطر آب نیم و از هر يك  
چهار درم حسله ده درم انجیر زرد ده عد دبل ستر و طبع نمايند و با قند بقوام آورند شربت بیست درم معرور المزاج رندا  
شیر و تخم خیارین و مبرودا المزاج با ماء البزور بنوشند \* شراب بیکه در ارجح كند و آنچه مرده بيندازد \* صنعت آن فودنه  
دشتي دارچيني افسنتين رومي ابله سليخه اسارون ميعه يا سه ايرسا مشكطرا مشيع انيسون از هر يك ده درم آنچه با



بايد كوفت نيم كوفته مجموع را يكشب ويكر و زنجبیر نند پس بجوشانند و صاف كنند و با قند و عسل بقوام آورند شربت بنمي پانزده  
درم با آب نيمكرم \* **باب الشين المعجمة مع الميم** \* **فصل در ذكر نسخ شما مه و شوموات** \*  
شما مه كه مغز دماغ بارد و امراض بارده دماغه را نافع و بجهت خفقان وضعف قلب بارد و بي نظير است قلمي فرموده اند  
كه تا ليف احقر محمد هاشم مخاطب بحكيم معتدل الملوك علويخان است \* صنعت آن عود قماري خام پنج مثقال قرنفل سنبل  
الطيب زعفران اطفا را الطيب قافله صغار بسبا سه پوست زردا ترچ ازهر يك يك مثقال و يك انك و نيم عنبر اشهب و در  
مثقال و نيم مشك تبتي بهار نارنج ازهر يك يك مثقال علقه هندی كه آن را بهندی ماح كويند حصي لبان ازهر يك دو مثقال  
و نيم اجزا كوفته درها و ن سكي بكلا ب بسا يند و عطر عود دهند و عطر عنبر عطرنا كيسرا ازهر يك نيم مثقال روغن تركس  
روغن يا سمين كه آن را بهندی چنييلي كويند ازهر يك يك مثقال داخل كرده درها و ن چند ان بماند كه قابل بستن  
شود پس آن را بشكل سيمي بسته در سايه خشك نموده دائم به بويند \* شما مه ديكر كه همين منفعت دارد \* صنعت آن  
عود دهند و چهار مثقال سنبل الطيب قرنفل بهار نارنج حب الملح مرزنجوش ازهر يك دو درم پوست زردا ترچ  
در مثقال عنبر اشهب يك مثقال لادن ميعه سا نله ازهر يك يك مثقال و نيم اجزا را بعرق نارنج صلايه كرده و عطر حصي  
لبان و عطر عنبر عود دهند و ازهر يك يك انك داخل كرده بشكل سيمي بسا يند و در سايه خشك كرده دائم به بويند \*  
شما مه ديكر كه همين منافع دارد \* صنعت آن عود دهند و چهار مثقال كبا به چيني قافله صغار قرنفل بسبا سه حب  
الملح ازهر يك يك مثقال عنبر اشهب مشك تبتي ازهر يك دو انك لادن زعفران ازهر يك چهار انك كوفته  
بعرق بهار نارنج صلايه كرده روغن زنبق دو مثقال عطر عود دهند و دو انك داخل كرده شما مه بنديك \* صنعت  
اين شما مه به نسخه ديكر عود دهند و چهار مثقال عود الصليب سنبل الطيب قرنفل زعفران هيل بوا بسبا سه پوست  
زردا ترچ ازهر يك يك مثقال عنبر اشهب دو مثقال مشك تبتي نيم مثقال بهار نارنج دو مثقال حصي لبان دو مثقال  
كوفته بكلا ب صلايه نموده عطر عود قماري عطر عنبر عطرنا كيسرا ازهر يك يك مثقال روغن تركس روغن زنبق از  
هر يك دو مثقال مجموع را بعرق بهار نارنج سرشته شما مه بسا يند \* شما مه ديكر كه نافع از براي سد خيشوم و زكام  
و سد هاي دماغ را بكشايد \* صنعت آن بكيرند شو نيزود رسكه با شراب بحسب حاجت بخيسا نند پس در سايه خشك  
كرده آن را بود دهند و در پارچه كتان نيلي بسته دائم ببويند \* شومو ميكه سرسام كرم را سود دهد \* صنعت آن آب سيب  
آب به آب آس تركلا ب صندل سفيد سوده جملها بهم بيا ميزند و كا فوردانكي داخل كرده ببويند و شمش بغيشه و نيلوفريد ستور  
صل اع كرم و سرسام را نافع است \* شومو ميكه دوار را كه از سوء مزاج بارد رطب بود سود دهد \* صنعت آن مشك سا ذج  
نما مرزنجوش سد اب ببويند تنها و مركب \* شومو ميكه صلا ع ياردونسيان را نفع دهد \* صنعت آن جوز بوا شمع قرنفل  
مرزنجوش ازهر يك يك جز و بسبا سه چهار جز و كوفته بيخته با آب سيب آميخته ببويند \* شومو ميكه مصر و ع را سود دهد \*  
صنعت آن سد اب شبت مرزنجوش جمع كرده دائم ببويند \* شومو ميكه خواب آورد \* صنعت آن مرزنجوش باربخان  
بكلا ب مرشوش نموده ببويند از دور \* شومو ميكه مسعى است بغاليه و معتدل است و جهت تقويت دماغ مفيد \* صنعت  
آن عنبر اشهب يك گرم عود دهند و دو درم صندل مقاصري سه درم عنبر را بكلا ب كرم بكنارند و عود صندل نرم سا نيل  
دران بيا ميزند و ببويند \* شومو ميكه امراض بارده دماغي را سود دارد و اين را غاليه نيز كويند \* صنعت آن عنبر  
اشهب بارزد و دو درم مشك يك گرم روغن با ن بكنارند و ببويند \* شومو ميكه مصر و ع را سود دهد اضا مختار حنين است \*  
صنعت آن آرد جو بسر كه انكوري سرشته خمير كنند و شما مه بسا يند و در حال صرع و برون صرع ببويند \* شومو ميكه صلا ع

سرد و نوا موشی را نافع بود \* صنعت آن جوز و ادرمنه ترکی مرزنجوش قرنفل از هر یک یکک رم بسپاسه بودند جبلی از هر یک  
دو درم همه را کوفته پیخته بآب سیب بسوشند و بپویند \* شوم میکه هم صلاح سرد را فائده دهد و هم دماغ را گرم کند  
و بسیاری خواب نا طبیعی را زایل نماید \* صنعت آن لادن قیصوم مرزنجوش از هر یک یکک رم زعفران نیم درم  
عنبر اشهب و دالک فقاح اذخر دو درم کوفته پیخته در صره کرده بپویند \* شوم دیگر مصروع را مسود دارد \*  
صنعت آن سد آب مرزنجوش شبت بود نه جبلی از هر یک جزوی در هم کرد و بپویند \* شوم دیگر مصروع و ام البصیان را  
فائده دهد \* صنعت آن عود هندی و فواریا چند بید ستور از هر یک دو دالک بآب مرزنجوش حل کرده بپویند \* شوم میکه  
خواب آورد و قوت دماغ بخشد \* صنعت آن کل شاهسفرم بیخ لقاح زعفران شبت از هر یک یکک رم افیون نیم درم اجزا کوفته  
بآب مرزنجوش آمیخته بپویند \* شوم دیگر دماغهای یابس را نافع بود و تقویت و رطوبت بخشد \* صنعت آن آب خیار  
باد رنگ آب کشنیر سبز آب سیب کلاب آب کامر کل نیلو فرکل خبازی بیخ لقاح از هر یک قدری در هم آمیخته بپویند \* شوم  
دیگر دماغ را قوت دهد و خواب آورد \* صنعت آن تخم خشخاش تخم کاهو کشنیر خشک تخم شبت از هر یک جزوی همه بوداده  
کوفته در صره بسته بپویند \* شوم دیگر که سده دماغ را بکشاید و زکام گرفته را واکند \* صنعت آن شونیز بوداده  
چند بید ستور عود فواریا عود هندی کوفته در صره بسته بپویند \* بل آنکه بوئیدن عافقر حار اسوده اگر مصروع را عطسه  
آورد امید باشد که ازان خلاصی یابد \* شما مه عنبر جهت تقویت دماغ بارد بی عمل است و در عنبر مل کوخوها و شل  
انشا الله تعالی و شوم و مات را در تعلیل مزاج دماغ اثر قوی است بحسب حاجت در سوء مزاج بارد چیزهای خوشبو گرم چون  
یاسمین و نرجس و سرو سن و نام و عنبر و مشک و عود هندی و چیزهای مفتوح مجاری دماغ چون شونیز و صندل و جمل باد ستر  
و امثال اینها در سوء مزاج حار اشیای عطری سرد چون ورد و بنفشه و نیلوفر و کلاب و فواکه بارده و انوار از هر آنها و  
صندل و کافور و مانند اینها استعمال باید کرد بر سهیل و دام \* شمس المعاجین این معجون یکی از اخوان عصر است از  
برای تقویت باه بی نظیر است و مقوی اعضای رئیس و تقریب آورد \* صنعت آن مغز فندق مغز پسته مغز چغندر مغز بادام  
شیرین مقشش تخم خشخاش کنجد مقشش از هر یک چهار مثقال لسان العصار فیروخو لنجان بوزیدن از هر یک نه مثقال مغز تخم  
خیار دین هفت مثقال بهمن سوخ بهمن سفید و ارچینی و زعفران از هر یک دو مثقال شقارل چهار مثقال زنجبیل تخم هلیون  
جوزبوا عنبر اشهب خصیة الثعلب مصری از هر یک یک مثقال رب سیب شیرین شربت فواکه شیرین از هر یک سی  
مثقال فانیل سنجر عسل مصفی از هر یک یکصد و پنجاه مثقال نور حشیشة الفقرا بیست مثقال بن سنور مقرر و صوب  
نمایند \*

### باب الشین مع الہاء \* شهنشاهی مفرح مقوی اعضای رئیس و مفرح

قلب و دماغ و مشہی و منعظ است و فوائده بسیار دارد \* صنعت آن حلیمه مر با منقی از نوری پنجاه مثقال آملة مر با منقی  
از نوری یکصد مثقال با قوت روانی مروزیدل ناسفته بسفایج فستقی از هر یک سه مثقال کهر بای شمععی لعل بل خشبی شش  
سبز کل دانه تالی زعفران از هر یک دو مثقال تخم خرفه مقشش پنج مثقال ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب مشک تینی مصطکی  
در می کنند و آنکه هیل از شمش مقشش از هر یک یک مثقال ورق کل سوخ یا در نجبویه کل کا و زبان زرشک منقی از هر یک ده  
مثقال کل نیلوفر پنج مثقال شربت زرشک شربت سیب شیرین شربت سیب ترش شربت آبلو شربت انورج شربت لیمو  
شربت بنفشه از هر یک سی مثقال نبات سفید یکصد و پنجاه مثقال شیر خشک خراسانی بیست مثقال اول مرتبه هلیله  
و آملة و زرشک و ادکلاب و عرق کا و زبان و عرق شاهتوت و نیلوفر از هر یک نیم من به پزند تا مبرا شود پس از یاد لایش بکند و آنند  
و نبات سفید شیر خشک خراسانی بآب حل کرده بجوشانند و کف آنرا بگیرند و با شربت های مذکور در هلیله و آملة داخل نمود

نموده بقوام آورند و با ساژاده و بید ستور مقرر مرتب نمایند شربت و مثقال \* **باب الشين مع الياء المثناة**

**التحتانية \*** **فصل در بیان شیافات و نسخ آنها \*** بدانکه شیاف جمع شافه است و آن برد و

نوع می باشد یا از برای امراض عین انف یا از برای امراض امعاء و رحم و غیر آن و اما آنچه از برای امراض عین و انف است پس آن عبارت از ادویه مناسبه چنانکه است که بسیار نرم سائید با آب یا به بعضی اعضا و غیر آن سرشته یا زسائید و نیکو نرم و معزوج و مخلوط گردانند پس کوچک طولانی با شکل مختلفه برای علامت و تفرقه ساخته در سایه خشک نموده

عند الحاجة با آب خالص یا به بعضی اعضا و مناسبه سائید و در چشم بچکانند و یا از بیرون به در چشم بمالند و هم در چشم بچکانند و هم در در و چشم بمالند و گاهی در بینی نیز بکند و آنرا با آنکه چون چشم عضو است بسیار شریف پس باید که در تحصیل ادویه آنکه جیه تازه و صافی و خالص غیر مغشوش و مبدل باشد کمال احتیاط نمایند و آنچه قابل احراق و تحصیل است مبالغه تمام در آنها نمایند و از گرد و غبار محفوظ دارند \* و دستور احراق و تصویل اکثر ادویه ما نند

آبار و اتمد و سفید اج و اقلیمیا و تنه و بیرون و زرد و توتیا و شادنج و شیاف افیون و زرد \* شیاف انفع برای جراحت پلکها و سرخی چشم و آماس سر \* صنعت آن حضض مکی زاک زرد چوبه افیون با آب سائید و شیاف سازند و عند الحاجة سائید و بالای چشم بمالند \* شیاف برای منادان زرد و سفید بشیر و خربزه و در چشم میزک مقشور از هریک یک مثقال صبر سقوطی زرد نیم مثقال نبات سفید یک مثقال کوبیک و بحریو پیخته بلعاب کل خطمی یا آب کل و سرشته شیاف سازند \*

شیاف که منقول است از خط سیاه و پناه میرزا محمد رحیم حکیم یا شی قلمی فرموده اند که نسخه این شیاف از حکمت پناه میرزا ابراهیم پسر میرزا ابوطالب گرفته تعریف می نمودند که از برای درد چشم بسیار نافع است \* صنعت آن آب غوره بی نمک دو من و نیم وزن شاه توتیا قلمی چشم میزک کثیرا سه صد مثقال مغز بادام شیرین هفتاد مثقال نبات سفید سه صد مثقال کثیرا را در آب غوره بخیسانند و چشم میزک را مقشور کرده با توتیا نرم بکوبند و از تافته بیرون کرده بر آن

بمالند و هر صبح و شام دست بزنند تا با نزد روز و در روز با نزد هم نیم من شاه آب کشنیز ترد اخل نمایند و مغز بادام مقشور نرم کوبید و با نبات سفید اخل کنند و روز چهارم دنبه را که اخته روغن آنرا اخل کنند و هر روز اجزا را صبح و شام دست بزنند تا غلیظ شود بعد از آن شیاف سازند \* شیاف احمد را در نسخه شفائی سنبل و ظفیره و سلاق و بیاض رانافع بود \* صنعت آن شادنج مغسول شش درم صمغ عربی پنجم درم مس سوخته زاج سوخته از هریک دو درم صبر سقوطی

افیون از هریک پنجم درم زعفران مر از هریک یک آنک و نیم زنکار دو درم و نیم کوفته بحریو پیخته شیاف سازند و استعمال نمایند و در نسخه دیگر زاج محرق و درم اضافه شد و وزن زنکار یک درم و در نسخه دیگر زنکار سه درم است و افیون و مرصاف از هریک یک درم و زعفران نیم درم و درم قلع طار محرق اضافه شد \* شیاف احمد و دیگر سلاق و غلظ افغان که در آخر میل بهر رسد نافع بود \* صنعت آن شادنج مد سی مغسول ده درم مس سوخته هشت درم صمغ عربی کثیرا مر

صاف از هریک دو درم پس مروارید ناسفته سافج هند یا از هریک چهار درم دم الاغ وین زعفران از هریک یک درم صلابه کرده شیاف سازند \* شیاف اخضر جرب و سنبل و بیاض رانافع بود \* صنعت آن زنکار سه درم اقلیمای نقره اشق صمغ عربی سفید اب از زیر از هریک دو درم صمغ عربی و اشق را در آب سد اخل کنند و دوی دیگر کوفته بحریو پیخته بد آن بسوزند و شیاف سازند \* شیاف اسود از برای حرارت چشم نافع است و نشف دمعه بکنند و در و سوزش چشم و

سبیلی را که با حرارت باشد نفع دهد \* صنعت آن صمغ عربی مرصاف از هریک یک درم سفید اب قلعی شسته چهار درم اقا قیا پنجم درم سنبل الطیب افیون از هریک چهار دانگ با آب شیاف سازند \* شیاف اسود دیگر مر قرحه عین و درم

و سبیل را که با از حرارت بود نافع باشد \* صنعت آن اقلیمیا طلا سفید اب ارزیز صمغ عربی افیون ازهر یک چهار درم مس  
سوخته سنبل الطیب نشاسته ازهر یک یک درم و نیم اقا قیا شسته بیست و چهار درم کوفته بیخته بعضی را در آب سرد کوده  
با آب عنب الثعلب شیاف سازند \* شیاف اصفرا نافع است جهت بادها که در چشم و جفن بود کشیدن و طلا کردن \*  
صنعت آن مس سوخته افیون ازهر یک سه درم زعفران شیاف مامیثا ازهر یک نیم درم مروارید ناسفته بسد ازهر یک یک درم  
اقا قیا پنجد درم کوفته بیخته با آب باران بسرشند و شیاف سازند \* شیاف اصفر بنوع دیگر \* صنعت آن هلیله زرد توتیای  
هندی ازهر یک پنجد درم فلفل سفید صمغ عربی ازهر یک سه درم زعفران یک درم با آب رازیانه نازده سوخته شیاف سازند \*  
شیافیکه ثقل سمع و طنین و دوی که سبب آن ریج غلیظ باشد و رجوع باغمی گوش و طرشی که سبب آن اخلاط غلیظ باشد زائل  
گرداند \* صنعت آن شحم حنظل یک درم بوره ارمنی سه درم چند بید ستر نیم درم زراوند مل حرج عصاره افسنتین  
قسط ازهر یک دانکی و نیم فریون دانکی کوفته بیخته بزهره کا و بسرشند و شیاف سازند و در وقت حاجت یکی از آن را بروغن  
بادام تلخ حل کرده در گوش بچکانند \* شیافیکه جرب و سبیل و تخم زائد را نافع باشد \* صنعت آن ساذج هندی شش درم  
صمغ عربی زنگار سه درم مس سوخته قلع طار سوخته ازهر یک دو درم و مرافیون ازهر یک یک درم زعفران نیم درم کوفته  
بیخته با آب سداب سوخته شیاف سازند \* شیاف دیگر که همین خاصیت دارد \* صنعت آن زنگار سه درم سفید اب  
ارزیز اقلیمیای نقره صمغ عربی اشق را در آب سداب حل کنند و دیگر داروها کوفته بیخته با آن بسرشند و شیاف سازند \*  
شیاف ورد احمر و ریشها و بشور و مورسرج را نافع و تفتیح چشم نماید و بقایای رمد را به تحلیل برد و حفرها که در سطح  
قرنیه بهم رسیده باشد از قروح بر سازد \* صنعت آن برگ گل سرخ تازه هفتاد و درم ثقال اقلیمیای محرق مغسول سوه  
اصفهانی تو بال مس سوخته شسته شادنج مغسول سفید اب شسته ازهر یک شش درم صمغ عربی بیست و چهار درم  
صمغ را نرم بکوبند که مانده مرهم گردد و تتمه ادویه را نرم کوفته بیخته با آن سرشته نیم کویله نمود و شیاف سازند \*  
شیاف حماطشقون کمنه و جوب و سبیل و سلاق و استرخای جفن و ریج سبیل را نافع باشد \* صنعت آن شادنج مغسول درازده درم  
صمغ عربی ده درم قلع طار سوخته پنجد درم مس سوخته چهار درم افیون زعفران ازهر یک یک درم کوفته بیخته با آب  
رازیانه تازه بسرشند و شیاف سازند \* شیاف حلتیت خیالات و بتدای آب را نافع باشد \* صنعت آن حلتیت خربق سفید  
ازهر یک ده درم سکبینج سه درم بعسل بسرشند نافع باشد \* شیاف صوفی بادها را بر آید کند و آماس ملتحمه بنشانند \*  
صنعت آن مس سوخته سه درم اقا قیاد و درم کنیرا صمغ عربی سنبل زعفران ازهر یک یک درم با آب باران شیاف سازند \*  
شیاف اد برنج از برای سلاق و سبیل و جرب کهنه و بیاض را نافع بود و سوختن چشم را باز دارد و نفخ و بیعت شعیره بیشتر  
اختصاص دارد \* صنعت آن صمغ عربی کنیرا اقلیمیای مغسول سفید اب مومکی صبر زرد زنگار و نیم سرخ قلع طار محرق و استخ  
دا و فلفل فلفل سیاه فلفل سفید زرد چوبه نشاسته شکر العشر تو بال مس سوخته ازهر یک ده درم دم الاخوین یک درم و نیم اقا قیا  
یک درم و نیم انزروت سه درم توتیا حوض سنبل مازوی سوخته ازهر یک یک درم قنه در آب حماض اتوج حل کرده ادویه را  
با آن بسرشند و سوختن مازویا با تش بود یا باروغن زیت اولی آن بود که بر روی آتش برشته کنند و در شراب یا سوکه  
بمهند از آن و بیرون آورد و خشک کنند \* شیاف دینار کون از برای رمد یا بس نافع \* صنعت آن سفید اب شسته اقلیمیای  
نشسته ازهر یک ده درم افیون نشاسته ازهر یک یک درم کنیرا یک درم و نیم کوفته بیخته شیاف سازند \* شیاف حلای  
سبیل و غشوه و جرب را نافع است و چشم را جلاد دل \* صنعت آن اقلیمیای طلا سفید اب ارزیز ازهر یک ده درم کنیرا مر  
مرات پنجد درم مروارید ناسفته بسد دم الاخوین ازهر یک چهار درم زنگار نیم سرخ اقا قیا ازهر یک چهار درم افیون هشتاد

قرم زعفران بسبا سه روی سوخته از هر یک دودرم کوفته بپخته شیاف سازند \* شیاف زم که رمل بارده را نافع است \*  
 صنعت آن حضض هندی که رسوت نامند زرد چوبه باریک شبیه بما میران بآب را زیاده کوفته بپخته شیاف سازند \*  
 شیاف زرنیخ ظفره را نافع باشد \* صنعت آن کند زعفران از هر یک یکرم زرنیخ سرخ نیمک رمل شیاف سازند و بآب  
 کشنیز تازه در چشم کشند \* شیاف زنجار حکه و جرب و سلاق و ظلمه و دمعه و سبل و ظفره و خشونت اجغان را نافع باشد \*  
 صنعت آن توتیا کرمانی شش درم ما میران حنا شیاف ما میثا از هر یک پنج درم دارفلل زنجبیل زرد البحر حضض  
 مکی پوست هلیله زرد شادنج مغسول سازد \* هندی از هر یک سه درم زعفران دودرم کتیرا صمغ عربی از هر یک دو مثقال  
 کوفته بپخته بآب غوره پرورده شیاف سازند \* شیاف زنجار دیکر که از برای جرب و سبل نافع بود \* صنعت آن سفید اب  
 قلعی چهار درم زنجار پنج درم اشق صمغ عربی از هر یک چهار درم نشاسته سه درم ادویه کوفته و نرم بپخته اشق  
 را بآب سد اب حل نمایند و با ادویه بسرشدن و شیاف سازند \* شیاف زنجار دیکر زنجار یکرم پوست هلیله زرد نیم  
 درم تو بال مس سوخته چهار درم مکی نیم درم زعفران دانکی نشاسته صمغ عربی از هر یک یکرم کتیرا یکرم  
 دارفلل دودانک شیاف سازند \* شیاف زنجاری جوب و با دسبل را نافع بود \* صنعت آن صمغ عربی سفید اب ارژیز  
 زنگار مساوی بآب سد اب شیاف سازند \* شیاف طرفه را زائل کند \* صنعت آن ما دنج سه درم حجر را سخت دودرم بسند  
 مردار یک از هر یک یکرم و نیم صمغ عربی کتیرا از هر یک دو درم و نیم فلفل چهار درم زرنیخ سرخ دم الاخوین زعفران  
 کهر با از هر یک نیم درم اجزانرم صلا به نموده بخون چوزه مرغ خانکی شیاف سازند و با شیر زنان در چشم بچکانند \*  
 شیاف علائی به نسخه دیکر \* صنعت آن توتیا کرمانی شش مثقال پوست هلیله زرد پنج مثقال صمغ عربی زرد چوبه از  
 هر یک پنج مثقال نمک هندی زعفران نوشادر از هر یک هشت مثقال دارفلل ما میران چینی از هر یک دو مثقال حضض مکی  
 سه مثقال کتیرا پنج مثقال اجزا کوفته و بپخته بآب غوره پرورش داده خشک کنند و نیک صلا به کنند و بآب غوره سرشته  
 شیاف سازند شیاف که چون بر چشم مالند خواب آورد \* صنعت آن شادنج مغسول افیون از هر یک یک مثقال صمغ عربی  
 کتیرا از هر یک ثلث مثقال کوفته بپخته بآب باران سرشته شیاف اندک بزرگ سازند و در سایه خشک نمایند هندی الحاح  
 بآب کشنیز تازه با سفید تخم مرغ حل کرده بر چشم طلا نمایند \* شیاف فریون که خون از بینی بیارد \* صنعت آن کند ش  
 مویزج فریون از هر یک هشت مثقال اجزا کوفته بزهره کاسرشته شیاف سازند و در بینی کاندانند \* شیاف قنه که همین  
 عمل دارد \* صنعت آن بنفشه قنه زهره سوسمار زهره کرک حب القطن عاقر قرحا مساوی کوفته بپخته بر رخن سنبل  
 شیاف سازند \* شیاف خربق که ابدن ای نزل آب را نافع باشد \* صنعت آن خربق سفید یک اوقیه فلفل نیم اوقیه اشق  
 یکرم بآب ترب شیاف سازد \* شیاف قبض که ظفره و لحم زائد را نافع باشد \* صنعت آن شادنج مغسول دوازده درم  
 صمغ عربی مس سوخته از هر یک شش درم قلطار سوخته زنگار از هر یک دو درم بآب را زیاده سرشته شیاف سازند \*  
 شیاف ما میثا امراض عین را نافع است \* صنعت آن کل ما میثا یک اوقیه کل ارمنی صبر سقوطی از هر یک ده درم انزروت  
 مل بر صمغ عربی از هر یک پنج درم زعفران یکرم علی الرسم بآب کشنیز تازه شیاف سازند \* شیاف که آنرا کوکب الدین  
 لا یغلب گویند از برای دردهای سخت و بشور و قروح و مورسج و مرضهای کهنه و ریشهای متأکل نافع بود و آثار قروح  
 را به برد \* صنعت آن اقلیمیا مغسول سفید اب قلعی که مس را میک ازند بهم میسند و درم سرب سوخته شسته کل  
 شاموس از هر یک هشت مثقال مر افیون کتیرا از هر یک دو مثقال بآب باران شیاف سازند \* شیاف معروف بمولف به نسخه  
 دیکر \* صنعت آن اقا قیا کند را فیون از هر یک یکرم عصاره ما میثا چهار درم مجموع کوفته و بحریر بپخته بآب برک

مورد و بآب کشنیز تازه سرشته شیا ف سازند و د رسایه خشک کنند \* شیا ف مامیقا ساز ج از جالینوس نافع بود از بوی  
درد های سخت و امراض عین در انتها \* صنعت آن اقلیمیا ی مغسول شانزده مثقال اقا قیا چهل مثقال نحاس محرق چهار  
مثقال ساز ج هند ی زعفران سنبل الطیب صیور زرد جنک بید ستر از هر يك دو مثقال مر چها ر مثقال سفید اب قلعی  
هرمه شسته از هر يك دو مثقال صمغ عربی چهل مثقال بآب شیا ف سازند \* شیا ف مر اسحق کو بید که این شیا ف سرخی  
چشم را و ورم آن را سود دارد \* صنعت آن مر صافی زریع سرخ کند و از هر يك جزو همه را بگو بند و بآب کشنیز تازه  
بسرشند و شیا ف سازند و در وقت حاجت در چشم کشند \* شیا ف مر ارات انتشار و ابتلای نزول را نافع باشد \*  
صنعت آن زهره کلنگ زهره کبک زهره شبوط زهره بزکوهی زهره عقاب مجموع خشک کرده باد و درم ششم حنظل سکبینج  
فر فچون از هر يك یک رم کوفته پیخته بآب رازیانه سرشته شیا ف سازند \* شیا ف مر ارات به نسخه دیگر ضعف بصرو ابتلای  
نزول آب را نافع بود \* صنعت آن زهره باشد زهره عقاب زهره خروس زهره روباه زهره شبوط خشک کرده مساوی یک یک  
بآب رازیانه تازه سرشته شیا ف سازند \* شیا ف مر ارات بنوعید دیگر \* صنعت آن زهره کلنگ زهره کبک زهره کوک زهره  
بزکوهی زهره باشق زهره کور خور زهره کبوتر زهره شیر زهره لک لک زهره خوک زهره روباه زهره خرکوش زهره آه زهره  
ماهی از هر يك یک درم خشک کرده سکبینج بآب باران حل کرده و داروها کوفته پیخته بآن سرشته شیا ف سازند \* شیا ف  
مر ارات دیگر زهره باشد زهره خروس زهره روباه زهره کبوتر زهره کلنگ زهره لک لک زهره خرس خشک کرده کو بید \* سکبینج  
فر فچون بآب باد یان تازه حل کرده زهرها را در آن بسرشند و شیا ف سازند \* شیا ف مر ارات اکبر ابتلای نزول آب را  
و انتشار و شکوری و طامت بصرو غلیظ شدن رطوبات را نافع است و رسد \* بکشاید \* صنعت آن زهره باشد زهره عقاب  
زهره کلنگ زهره کبک ماده و نوز زهره لعلی زهره کبوتر زهره د راج زهره شبوط زهره آه زهره بزکوهی زهره کور خور زهره  
رو باه زهره کرک زهره شیر زهره خوک زهره گفتار زهره پلنگ زهره یوز زهره شغال زهره خرکوش زهره پیل زهره کار  
زهره کر به زهره سلیمات بحری زهره نرد و زهره بط زهره قاض زهره خار پشت زهره سومار زهره بوزینه زهره خور زهره  
تیهور زهره هما زهره غلیراج زهره طوطک زهره طوطی زهره شاهین زهره مرغ زهره کنجشک زهره شتر زهره خاراند از  
زهره زاغ سیا و زاغ پیسه زهره زاغ سرخ منقار زهره عقیق زهره بوم بزرگ و کوچک زهره فاخته زهره موسیچه  
زهره حمور زهره طاروس زهره اسوز زهره چغل زهره تیس زهره هزار دستان زهره شنعار زهره زرشک زهره کنجشک کوهی  
زهره موش زهره ابا بیل زهره کنجشک زرد زهره کنجشک مکس زهره سار زهره صغره زهره کنجشک که دم میچنبان زهره چکا وک  
زهره بوتیمار زهره حواصل زهره دله زهره قاقم زهره حسک از این زهره ها آنچه از حیوان که بر الجثه است مقدار سه درم و آنچه  
میان نه بود دو درم و از کوچک یک درم و از آن خرد تر نیم درم و از آن کم تر دانکی و نیز در کیفیت نظر کنند آنچه بسیار گرم باشد  
کمتر کنند و آنچه غیر آن بود زیاد کنند و نرم بسایند و سکبینج را حل کنند و آب باد یان چند آنکه کفایت باشد چون  
شیا ف خوا هشد کرد چند قطره روغن بلسان بر آن بچکانند و باید که این همه زهره ها را د رسایه خشک کرده باشند  
و شیا ف را همه کس نمی تواند ساخت مگر به شاهان و وزکا رد و از نقل من قرا بادین حکیم عماد الدین محمود و کان  
من تالیفه \* شیا ف دیگر که قائم مقام اشیا ف مر ارات است \* صنعت آن زهره بزکوهی در ظرف مسی خشک کرده ششم حنظل  
نیم درم سکبینج دو درم افر بیون نو شاد را زهره يك یک رم کوفته پیخته بآب لسان الحمل سرشته شیا ف سازند \* شیا ف دیگر  
که همین خاصیت دارد \* صنعت آن عصا و الحیه التیس اقا قیا جفت بلوط دم الاخوین از هر يك یک درم مر مکی صافی سفید اب  
صاف سوخته از هر يك نیم درم کوفته بآب لسان الحمل سرشته شیا ف سازند \* و اما شیا فات مستعمله در امراض معار

و تلخیص بطن و قولنج و امراض ارحام پس طریق صنعت آنها در حدت ولین ما فندک نسبت حقنها است بسوی مسهلانها  
 حبوب مسهل و مطبوخات است در ترکیب ادویه و مقل ارطول آنها بقدر اصبع و کمتر و زیاد است تا اینکه بمعای مستقیم  
 برسد و اثر آن بقولون اگر از برای قولنج و تلخیص بطن استعمال نمایند و اما اگر از برای اوجاع و رک و عرق النساء پس باید که  
 بغریها بردارند تا آبیکه بسبب طول مکث و مقام در موضع قریب بعلت اثر آن زیاده ظاهر گردد \* و اما شیافات مستعمله در  
 حمیات پس لین ترین و سرد ترین و بهترین آنها شیاف است که از مائیت لبن از معقود پس از نطف متخذ از شکر سرخ که قلیلی  
 نمک بر آن باشد و با شند و بعد از آن آنچه از سرکین موش و نطف و اندکی بوره ارمنی ترتیب داده باشند که زیاده کرده میشود  
 بر آنها بحسب حاجت کل خطمی و بنفشه و نزدیوس است اما عاوشکی ثعل و کاهی شیاف متخذ از روغن منجمد بانلیخ اقوی است  
 از جمیع شیافات دیگر و کاهی ساخته میشود شیاف از چند بیک ستر و افیون متساوی نزد شدت و جمع قولنج برای تسکین آن و کاهی  
 شیافات حاره متخذ از برای قولنج تسخین از برای کرده از خرما و فانی و لبوب حاره و بزر سخته آنها میسازند و کاهی شیافات قابضه  
 پس بعضی از آنها استعمال کرده میشود برای تقویت معده و معای مستقیم برای امساک ثعل مانند شیاف متخذ از بلوط  
 و کلنار و اقاقیا کزما زج و ذرت و برنج و صمغ عربی و بعضی از برای سحج و زحیر مانند شیاف متخذ از اسفیداج و صمغ عربی  
 و دم الاخوین و زعفران و کنک و صرمکی و حضض و کاهی داخل کرده میشود در آن نزد شدت و جمع اندک افیونی و بهتر  
 آنست که ریسمانی در وسط آن قرار دهند که نزد تسکین و جمع بزودی بر آورند و نباید دانست که شیافات متخذ از افیونیه را  
 حتی المقل و استعمال نباید نمود جهت مضرت آنها بقوت باه و نزد شدت حاجت بسیار دیر نکند و اما شیافات  
 مل و مفتحه افواه عروق پس آنها بمانند شیاف متخذ از مرطنیثا و خر بق ابیض و فریون و فوتنج جلی و سکببنج  
 و امثال اینها است اجزا متساوی برای تشا به و تساوی قوت آنها در حدت و منفعت در آنچه مطلوب است از آن ها و آب  
 پیا زیاید سرشته شیاف سازند و بردارند و اما شیافات ماسکه و قابضه افواه عروق و تسدیل آنها پس آنها مانند شیافات  
 متخذ از کحل و عقیص و شب و اقاقیا و تنکا و روجلنا و کنک را اجزا متساوی الوزن است مگر کنک که بسبب گرمی آن را کمتر  
 باید نماید کوفته بخته با صمغ عربی سرشته شیافهای کوچک سازند بمقل را استه سنج و هچنین شیافات متخذ  
 از برای قبل و فراراج معینه بر حمل ازا فایده و طیب و صمغ و غیر اینها و کاهی ساخته میشود شیافات از برای دفع کرمهای  
 شکم از شحم حنظل و قنبیل و حب النیل و شحم و افسنتین و مغز استه زرد آلود تلخ با آب برگ شفتا لوکه صبر سقو طری در آن  
 حل کرده باشند سرشته شیاف سازند \* و اما شیافات بنفشه نافع جهت حمیات و اکثر امراض معدی و معای پس صنعت  
 آنها بدین نهج است مثلاً بنفشه شکر سرخ و چین از هر یک پنج رمل سقمونیای تربل بوره از هر یک سه درم و این سه جزو  
 آخر است سه جزو اول اقوی آید در فعل و کیفیت لهن ادر مقل ار کمتر باید نمود و آنها را زیاده مقل ار نمک از همه کمتر  
 برای شدت قوت اسهال ادویه آن شکر و چین را حل کرده و سائر ادویه را کوفته بخته با آن شیاف سازند و اما شیافات  
 حار محتاجه در قولنج بارد و تسخین ظهر و اسهال بلغم از نواحی آن پس حاد ترین و اسرع ترین آنها در آن اسهال صابون  
 است خصوصاً رقی آن که از آن شافه تراشید و بردارند به تنهایی و یا با فانی و عسل بر آتش کد اخته و نمک و بوره و تربل  
 و زنجبیل و شحم حنظل و سقمونیای و مانند اینها از ادویه مسهل اگر اقوی خواهند و از ادویه محله ریا ح مانند شو نیز  
 و کمون و چند بیک ستر و مانند اینها که سرشته با صمغ حاره مانند جاشیر و سکببنج و شق و مقل بحسب حاجت و  
 نسبت متوا فقه و موا فقه و قوانین تراکیب \* و اما شیافات حاده که قولنج را تحلیل دهد پس صنعت آنها بدین نهج است  
 که بکیرنل جاشیر مقل اشق ملح هندی شحم حنظل بوره سقمونیای حب النیل اجزا مساوی جهت تسای قوت و منفعت آنها



صمغ را در آب سنگ ارب حل نماید و سادویه کوفته پیخته بآن سرشته شیاف سازند و گاهی زیاده کرده میشود و بر آن  
 الخروع معشروفا نیک نیز و گاهی سرشته میشود با زهره کا و نر بر او زیاده ای احتیاج بسوی تقویت وحدت و زیاده کرده میشود  
 در وجع و رک ماهی زهرج و تربک و انزروت و زنجبیل و عرطنیثا و بارزد و سورنجان و یوزید آن و چند بید ستر و امثال  
 اینها بقل و احتیاج و ضرورت از تن ادا دویه و قلت و اکثارا و زان آنها \* شیاف فلوس خیا و شنبور قونج بکشاید و طبع را  
 نرم دارد \* صنعت آن بنفشه دودرم خطمی سه درم سنا پنجم رم نمک هندی یک رم عدل خیا و شنبور شکر و زهر یک دو  
 درم علی الرسم شیاف سازند \* شیافیکه قونج بکشاید و باغم و صفرا دفع کند و درد پشت را نافع بود \* صنعت آن سکنبین مقل  
 جا و شیرا شق نمک هندی شحم حنظل بوره ارمنی سقمونیا حب النیل مساوی یک یک کوفته پیخته صمغ را در آب سد اب حل  
 کنند و دار و هارا کوفته پیخته بی آن پسرشدن و شیاف سازند و هر یک دودرم \* شیافیکه درد پشت را سرد دارد \* صنعت آن  
 زنجبیل سکنبین جا و شیر مقل ازرق اشق انزروت سورنجان شقاق شحم حنظل نمک هندی و چند بید ستر مقل تر زیاده قسط  
 تلخ ماهی زهرج برک سد اب انیسون بوره ارمنی میعه سا فله جبهنگ اجنا مساوی یا زهر یک بقل و احتیاج کوفته  
 پیخته شیاف سازند \* شیافیکه قطع طبع نماید و دم بواسیر را نیز \* صنعت آن کند و کلنا را قاقیا کحل ماز را جزا مساوی  
 کوفته پیخته با آب کند و سرشته شیاف سازند \* شیافیکه حبس خون بواسیر نماید و دانه آن را خشک سازد \* صنعت آن  
 عود قماری حسن لبان مساوی سوخته و کوفته پیخته چوب کتان را پوست کند و کوبید و فتیله سازند و در درون کتان  
 کلا رند و ادویه را بران پاشید و بردارند \* شیافیکه درد پشت و جمع مفاصل که سبب آن بلغم و سردی بود نافع است \*  
 صنعت آن سکنبین جا و شیر مقل ازرق اشق نمک هندی بوره ارمنی سورنجان مصری شقاق شحم حنظل تخم کرفس  
 و ازبانه انیسون انزروت چند بید ستر زرفبا و قسط ماهی زهرج سعد کوفی سد اب خشک نمک هندی مساوی کوفته  
 پیخته با آب سد اب تازه سرشته شیافها سازند درد پشت و ارجاع مفاصل و بواسیر را نافع است \* شیاف دیگر سکنبین  
 جا و شیر مقل ازرق بارزد شحم حنظل بید انجیر ماهی زهره یوزید آن زهر یک یک رم بزرگ البینج یک رم و زهر سورنجان  
 تربک زهر یک سه درم چند بید ستر نیم رم با آب کند و سرشته شیاف سازند \* شیافیکه مقوی باد است \* صنعت  
 آن حلتیت فریون زهر یک یک رم مشک خالص نیم درم کوفته پیخته شیاف سازند \* شیافیکه جهت قطع طبع  
 و دم بواسیر نافع است \* صنعت آن کند و کلنا را قاقیا ماز و کحل زهر یک هشت مثقال کوفته پیخته با آب کند و سرشته  
 شیاف سازند و بکار برون \* شیافیکه شکم به بند \* صنعت آن اقا قیا صمغ عربی کرم مازج بلوط برنج بریان کرد و مساوی  
 کوفته پیخته با آب مورد سرشته شیاف سازند \* شیافیکه نافع از جهت زحیر و اسهال دم \* صنعت آن صمغ عربی اقا قیا  
 افیون ماز و بزرگ البینج کند و کل ارمنی بونج بریان بوداده کوفته پیخته با آب مورد آب کشنیز تازه سرشته شیاف سازند \*  
 شیاف که از جهت کرم کوچک که در معای سفلی اطفال باشد سود دارد \* صنعت آن شحم حنظل قنطور یون د قیق نمک  
 هندی مغز استخوان زرد آلو کوفته پیخته شیاف سازند \* شیاف که سوزش بول و سوزاک را نافع است \* صنعت آن است  
 آلو با لوم مغز کپاس مغز هند وانه شیر خشت دم الا خورین صمغ عربی کثیرا انزروت کل ارمنی کوفته پیخته با آب شیاف  
 سازند و هر شیافی مثل سوزنی باریک و را حلیم کن از نافع باد \* شیاف بی جهت رحم \* صنعت آن بزرگ الخطمی بزر  
 استخوانی بزرگ کتان کوفته پیخته با آب شملیز سرشته شیاف سازند و جلوس درین با آب نیز نافع است \* صنعت آن بزرگ الخطمی  
 حاکمه بزرگ البینج بزرگ کتان برک خطمی عدس واکر ورم شدیدی و حرارت بسیار باشد باین نسخه عمل نمایند و غلب  
 و غلبه است و درون کل سوره زردیه تخم مرغ و عدس و کل از ن \* شیاف زحیر \* صنعت آن زعفران حضض مکی مومکی افیون کند



جزا مساوی کوفته بیخته شیاف سازند \* شیاف عذیبه با قاقیا آمله کلنا و صمغ عربی کوفته بیخته با آب مورد سرشته  
 پیش از مجامعت استعمال نمایند \* شیاف که بجهت دفع بلغم مجرب است خصوص در ریواسیور \* صنعت آن شحم حنظل  
 بوره ارمنی نمک طعام با شکر سرخ مقوم شیاف سازند \* شیاف لینه این شیاف را چون استعمال کنند طبیعت را نرم کند \*  
 صنعت آن کل خطمی سفید بوره ارمنی از هر یک یک گرم کوفته بیخته شکسوخ تازه بر آتش نرم کرده ادویه را با آن بسرشد  
 و شاف سازند و در بیماریهای کرم و تپها استعمال نمایند و اگر خواهند که از این قویتر باشد قدری شحم حنظل اضافه  
 کنند تا اسهال بیشتر نماید و اگر خواهند که نرم تر و ملین تر بود نمک و خطمی با آب بسرشد و شیافها ساخته خشک کرده  
 استعمال نمایند \* شیاف که شکر به بند د این شافه سرد منب بود آنکس را که اسهال داشته باشد و خون بنشیند و زحیر و  
 و پیش و ری را زحمت دهد \* صنعت آن قاقیا صمغ صنوبرا فیون ما زوی سبز کند رد کرطین قیو لیا برنج فارسی بریان  
 کرده از هر یک یک گرم کوفته بیخته در هم آمیخته با آب مورد تریا آب کشنیز تازه با آب سماق بسرشد و شیافها سازند  
 و هر یک را باره در میان نهند \* شیافیکه اطلاق طبیعت کند منقول از مجرب است حکیم عا دالک بن و بخط معزالبه \*  
 صنعت آن بوره نان ده درم شحم حنظل مقل ارزق سکینچ سقمونیا از هر یک پنج درم اجزای خشک را کوبید و صمغها  
 را حل کرده در هم سرشته شیاف سازند \* شیافیکه چون در روغن حل کرده در گوش چکانند کرانی گوش و در وطنین را  
 که از ریج غلظت یا از بلغم و اخلاط غلیظه باشد زایل کند در دبر بردارند \* شیافیکه طبع را نرم گرداند و قولنج بکشاید و در  
 صغار که در معای مستقیم باشد و سبب خارش مقعد شود بکشد \* صنعت آن شحم حنظل یک گرم بوره ارمنی سه درم حنظل پیل ستر  
 زرا و زرد مد حرج عصاره افسنتین از هر یک نیم درم قسط تلخ یک انگ و نیم فنیون یک انگ کوفته بیخته بزهره کار  
 سرشته شیافها سازند \* شیافیکه در عقب مسهل استعمال کرده می شود هرگاه که در فعل مسهل تقصیری واقع شود \*  
 صنعت آن صابون رقی که مشهور بصابون عراقی است کل خطمی نمک طعام از هر یک درم شکسوخ ترنجبین از هر یک  
 پنج درم مجموع را در هم سرشته شیاف سازند \* شیافیکه حیض و زحیر را نافع باشد \* صنعت آن مرکبی زعفران کند  
 افیون از هر یک هشت مثقال کوفته بیخته با آب کشنیز تازه سرشته بر سرخیطه ابریشمی تعبیه کرده در سایه خشک  
 کنند و در وقت حاجت استعمال نمایند و چون خواهند بیرون آورند ابریشم را گرفته بیرون کشند \*

### کتاب الصاد المهمله \* باب الصاد مع الالف \* فصل در بیان نسخ صابون \*

بدانکه آن دواي حاد محرق است و چون شیاف از آن ساخته در دبر گیرند قولنج بکشاید و اسهال بلغم خام کند و جلا  
 دهد و خوردن آن مفرح و معفن و شرب آن قاتل است هرگاه آشامید شود و احوال قریب بنوره \* و مد اوای و باقی  
 با آب کرم است و روغن کنجد پس با شامیدن شوربای مرغ با روغن بادام و گویند از خواص آن است که اگر زن مقدر  
 یک با قلا از آن بلع کند یکسال آبستن نشود و چون مقدر ارد و با قلا که دوپارچه باشد دو سال و چون زاج را سوخته  
 قرم سائید با صابون مزوج نموده بر قوبای تازه سرخونک طلا نماید میل آن است با تکرار عمل \* صنعت آن  
 بکیرند با زای هر یک صد رطل از روغن ده مکال از قلی جید اشنانی بریها و پنچ مکال از نوره جید غیر مطافه پس مخلوط  
 کنند قلی کوبیده و نوره و پاشند بر آنها آب و مخلوط کنند هر دو را خلطی جید پس چون مخلوط شد بریزند در خمی بزرگ یا  
 در حوضی که قیر زده باشند آنرا ولیکن باید که بود باشد از برای آن حوض ممری و برکه که آب از آن ترشح کند و در آن برکه  
 آید و همچنین از برای خم نیز ممری و برکه باشد و چون ریختند در آن و قرا گرفت آب از آن نوره و قلی حدت را آن آب  
 را علیحد و نگاه دارند و بریزند بر آن آبی دیگر و همین عمل کنند و مرتبه سیوم و چهارم نیز همین عمل کنند و برین

دستور وقتی چون آب را بچشند یا نت نشود در آن حدت پس ترک کنند زیرا که باقی نماند؛ در آن چیزی که محتاج  
 باشد با آن پس بگیرند آبی را که در آخر همه برآمده و حدت آن از همه کمتر است و با روغن دررد یک کنند و اگر روغن  
 بت باشد از همه روغنها بهتر است و با تش معتدل بجوشانند و حرکت دهند تا مختلط شود با آب و اکثر آن آب برود پس  
 داخل کنند در آن آبی که قبل ازین گرفته اند یا مغرغه در ظرفیکه بجانب قل باشد بریزند و مخلوط کنند با آن آب بسیار  
 و بکند ازین تا سرد شود پس بچاشند بر آن آب قلی و نوره معتدل در حدت که از آب اول نباشد بلکه از آب ثالث و رابع باشد  
 حرکت دهند آن را تا آب ته نشین شود و روغن بالا آید پس واکند ممر بر آن تغار را که در آن روغن سرد کرده اند  
 در آن دو مرتبه یا سه مرتبه و بجا آورند با آن آنچه بفعل آورده اند در دفع اولی و سرد کنند همچنانکه در دفع اولی سرد  
 کرده اند و آب آن را بگیرند و همین فعل را مرتبه سیوم و چهارم و پنجم بعمل آورند و لیکن در دفعه پنجم بریزند بر آن آب  
 نوره و قلی که احد و قند ترین می باشد است و آن آبی که گرفته شده از قلی و نوره اول مرتبه و درین دفعه پنجم نیست احتیاج  
 باشد که آن را در ظرف دیگر کنند و با آنکه بریزند بر آن ماء قلی که صافی نموده اند و لیکن آن روغن میکردند مانند خمیر  
 نرم پس اگر خواهند که بغیر نمک و نشاسته صابون به بزنند بر او فروزنند در زیر آن آتش کمی که نشف و طوبیت آن کند  
 پس آن را با مغرغه بریزند یا قلی بریزند و بکند ازین تا خشک شود و اگر اراده انتخاب صابون باندک باشد پس مخلوط کنند  
 با آن نصف مکرکی نمک بسیار نرم کوبیده بر روی آتش خطی نیکو پس پهن کنند آن را بر بوریاها و اگر اراده کنند که  
 آن صابون را با نشاسته بسازند تاریخ آن زیاده باشد باید که فرا گرفته شود نشاسته بقدریکه خواسته باشند اکثریت  
 قلت از وقت رطل تا سه رطل و آن را با آب حل کنند و داخل نمایند در آن نمک نرم کوبیده و یک مکرک و نیم و بریزند  
 بر آن صابون دردی یکی که بر آتش باشد و حرکت دهند آن را نیکو و تسقیه آن کنند از آب بقدر احتمال آن اندیشی که  
 بکند در مثل حسود و بریزند که در آن بوریا پیخته ریخته باشند و واکند ازین تا نشف و طوبیت آن نشود پس آنرا  
 به بریزند بقطعات و نگه دارند \* صابون به نسخه دیگر \* صنعت آن بگیرند از قلی یک جز و نوره نیم جز و پس هر دو  
 را نیکو و سحق نموده در حوضی کنند که پایین تر از آن متصل با آن حوضی باشد و بریزند بر آنها آب پنج برابر آن هر دو  
 به قل و دو ساعت برهم زنند و باید که بوده باشد از بوی آن حوض را می بسته پس هرگاه ساکن شود آب از حرکت و  
 ته نشین کرد قلی و نوره آن را واکند تا بیاید آب صافی آن در حوض خردی که متصل با آن هموار است پس هرگاه  
 فرود آید آب صافی آن را در مسدود کنند و بریزند بر آن نوره و قلی آب تازه دیگر و حرکت دهند دستور عمل کور  
 و آن را بگیرند همچنین استبدال نمایند تا باقی نماند در آب طعام آهک و قلی و آبها را چنانکه در این پس بگیرند  
 از زیت خالص ده برابر آب اول دررد یک کرده بر آتش کاندازند و چون بجوش آید تسقیه آن نمایند از آب آخر  
 اندک اندک پس تسقیه آن کنند از آبی که قبل آن گرفته اند و همچنین تا در آخر تسقیه آن کنند آبی را که اول مرتبه گرفته اند  
 و در این حالت میکردند مثل خمیر پس پهن کنند آن را بر بوریا یا بر حصیر و بکند ازین تا خشک شود پس به بریزند قطعات  
 و بر بوریا پهن کنند و این صابون خالص است و نیست این را احتیاج که به بریزند و غسل دهند با آب سرد در این  
 طبع و بعضی با نوره قلی و نمک بسیار نرم سود و نصف وزن نوره داخل میکنند و بعضی داخل میکنند در آن نود قرب  
 از طبع آن جزوی از نشاسته و بعضی قند و زیت بغیر آن ازاد همان مثل روغن قوتم و روغن بزر و بعضی روغن بید انگور  
 روغن کنجد و شکر و می کنند و جید خالص اول است \* صابون مسمی بمقیاح و آن صابونی است که بمش و رانیه است در  
 حدت که با آن بگیرند زیت بوزن آن آب داخل کرده به بزنند تا ثالث آن برود پس داخل کنند در آن با بوزن آن

آن آب بجوشانند و همچنین تاسه بار و باید که آبیکه داخل آن کرده میشود در غیر اول کرم باشد پس چون سه مرتبه تمام شود بغیر آب آن را بجوشانند تا ثلث آن برود پس بگیرند از نوره کرم غیر مطلقا نمک قلی و نظرون بسیار سرخ اجزا مساوی و همه را بکند ارنند در سه مثل آنها آب و بجز علقه آب صافی آنرا بگیرند و اعاده کنند بر آنها سه مثل آنها آب تازه و در هم زنند و دو ساعت بکند ارنند تا ته نشین شود پس بجز علقه آب صافی آنرا بگیرند و همچنین تا بیست مرتبه پس بجوشانند زیت من کور را و تسقیه آن کنند آب مذکور تا آنکه قلع شود شعله و دخان او فرو نشیند از آتش بردارند و این صابون مشارالیه در کیمیا است \* صابون بدن شوئی که زک کوید و آرد ترمس آرد با قلا یا سمین خشک و فقا ح اذخر کل صغیر خشک برک کنار آرد نخود آرد جو بهار نارنج کرسنه کل سرخ خشک صمغ اکرم کف دریا تخم خربزه تخم حبیب دانه تخم حماض تخم خطمی کتیرای سفید صندل سفید لادن عنبر شهاب کوفته ریخته در کلاب جوشانید صابون رقی بقدر حاجت داخل کرده بجوشانند تا بقوام آید قرصها ساخته در سایه خشک نمایند \* صابون به نسخه ابن جزله \* صنعت آن پنجاه من روغن کنجد شنبلیله را شنائی نیک ده کیل و رامک نیک پنج کیل در هم بیا میزنند و بخمیر رسانند چنانچه ذکر یافت و مرتب نمایند \* نسخه صابون سرشوئی بپنج بنفشه لادن حنا از هر یک یکد رم قطونا بهار نارنج هلیله سیاه سکر العشر و واله بسباسه کل ختمی کل مشکین بزرگ مقشر صغیر بزرگ و بهار سنجید آمله مقشر از هر یک سه درم کف دریا نارنجک از هر یک دو درم سنبل کتیرا کند و انزروت تخم مرو تخم ریحان عنبر الثعلب از هر یک پنج درم قلیه یا پیه بزرگ صابون بپزند و اجزا کوفته همزج سازند \* صابون جهت آتشک و جن ام و جرب مفاصل و درد کمر و زانو و اکثر امراض که از باد آتشک بهم رسیده باشد \* صنعت آن سیماب دارا شکته از هر یک یک مثقال صابون حلیمی یک قالب که از روغن زیت ساخته باشند صابون و اکوید و سیماب را در کاسه کرده اندک اندک دارا شکته ریخته قطره آب لیمو و قطره قطره آب کرم بران چکانید و بمیار ما لند تا آنکه دارا شکته تمام صرف گردد و کف بسیار بر آورد هر چند بیشتر بمالند بهتر است پس قرصها ساخته نگاهدارند و عند الحاجة یکقرص از آن را با آب لیمو سائید و که کف بر آورد اگر بر بدن زخم باشد بر آن زخم بمالند و بوا سطه باد آتشک بر استخوان ها و کمرگاه و زانو و دست و پا و جمیع مفاصل سوای سر و شکم و پهلو و بیضه بمالند و سه نوبت بدین طریق عمل نمایند و شب بمالند و صبح بمالند و اگر هوا سرد باشد از هوا احتیاط نمایند و از ترشی و باد و لبتیات پرهیز نمایند و اگر در بدن شقاق باشد بران بمالند سوای سر \* صابون دیگر که همان فائده دارد \* صنعت آن صابون عراقی آمله منقش کنول که درای هند است کلاب خالص از هر یک یک سیر صمغ عربی صندل سفید از هر یک نیم آنرا چوره اگر یک یکتوله مشک خالص نیم توله روغن یا سمین که چنبیلی است پنجم ام اول صابون را در آب اندازند و بجوشانند و صاف نمایند و آمله نیز یک ستور و صمغ را در آن حل نمایند و هر دو را با کلاب در ظرف کلي طبع نمایند تا غلیظ گردد و سائر ادویه داخل کرده یک و جوش داده که قابل انعقاد گردد پس فرود آورده حبها ساخته نگاهدارند و عند الحاجة بکار برند و این صابون بسیار معطر و خوشبو و کثیر الفائد است \*  
**فصل در نسخ مراهم صابون \*** مراهم صابون زخم را  
از سرخ پاک سازد \* صنعت آن صابون مرمری صافی صبر سقوطی مر داسنک قند سفید از هر یک یک جزو و انزروت نیم جزو همه را سحق بلیغ نموده باموم غیر مستعمل هم چند مجموع ادویه و روغن کل سرخ دو چند ادویه یک ستور مرهم سازند \*  
مرهم صابون دیگر بابت جولانا فرنگی \* صنعت آن صابون نیم پاوموم چهار توله کند بهر روز یعنی بارزد سفید روغن بیدالنجیر پاو آنرا در یک ستور مرهم سازند \* مرهم صابون دیگر جهت انشجار و مامیل و تحلیل صلابات و جرب رطب متقرح \* صنعت آن روغن کنجد تازه پاو آنرا بر آتش کند ارنند تا کرم گردد صابون و سرنج نرم سوده و شنجرف نرم سائید و از هر یک نیم پاو در آن

اند ازند و از چوب نیم بگرداند تا تک اخته شود و نیکو مزوج گردد پس فرود آورند و عند الحاجة بگارد آرند و اگر رقیق خواهند قدر روغن را زیاده نمایند \* مرهم صابون دیگر از مجربات حکیم ابو الفتح جهت ناصور و زخم آتشک و سایر زخمهای دیگر \* صنعت آن صابون سه مثقال روغن کنجد دوازده مثقال در ظرف مس یا آهن بر آتش بکند آورند و بچوب نیم برهم زنند تا بسوزد و غلیظ مثل مرهم شود فرود آورده عند الحاجة بکار برند نافع باد \* صابون حکمت حکیم میر محمد مؤمن نوشته که بجهت شد وصل و غیره بغایت مستحکم است و مؤلف کتاب هیکل که حاکم بالیسریا شد مستحکم ترین چیزها دانسته \* صنعت آن خبث الکحل یک و کچ را با المنا صفة با خون کوسند سرشته استعمال نمایند و حقیر بجای خون کوسند سفید ی تخم مرغ و گاهی سریش و گاهی شیر کرده بغایت مستحکم مشاهده نموده و در رشد وصل قل حین و قرغ و انبیهق نمک مسحوق با سفید ی تخم مرغ و کچ آب ندید و بپخته با آب سریش که سریشم است سرشته و بد ستور با سفید ی تخم مرغ فقط بسپا را آزموده است و بد ستور آنک آب ندید و باز در تخم مرغ مستحکم ترین اشیا است خصوصاً چون آهنک را با قل ی پنبه کوبیده باشند و عوض سفید ی تخم مرغ و زرده و شیرد و جمیع مکورات بدل میشود و سریشم در اتصال چینی و شکسته و غیره از مکسورات اخیار و شیشه بصورتیه ایست که هرگاه وصل مه با آن چیز برسد موضع دیگر شکسته مکان موصول شکسته و جل اندام گردد و در رشد وصل اخشاب غری الحار و مقرر است و در عاج که دندان فیل است و در شبر ماهی و شاخها و امثال اینها سریشم ماهی و پنیر و خمیر کندم که آرد خالص را خمیر سخت نموده با آب بسپا ریشند تا آنکه بسپا و لزج چسبند و گردد پس با اندکی سفید اب سرشته استعمال نمایند \*

**باب الصاد مع الباء الموحدة \*** صبر بفتح صاد مهمله و کسری بای موحده و سکون رای مهمله عصاره نباتی است که آن را بر یک ضخیم بسپا رطولانی خاود ارشیه ببرک گادن و از آن ضخیم تر و بیج نبات صبر بقل و شلغم و از هر یک بیج ده یازده برک می روید و برک آن در طول قریب بد و زرع و پرا ز رطوبت در نهایت تلخی میباشند و چون مدتی بکند رد از وسط برکها ساقی می روید قریب بد را می و پرا ز رطوبت عسلی باند کی خلا و کبی کریمه الرائحه و نموش مثل غوره خرما است و در آخروسرخ میشود و آنچه از جزیره سقوط طری و بمن می آورند زرد مائل به سخی و زرد شکن و براق و خوشبو و بهترین اقسام است علامت بهترین و خوبی آن آنست که آب محلول آن مانند زعفران و رائحه آن مانند مرخشک آن زرد شکن و زرد صافی باشد و قسم هند آن که در اکثر بلاد هند و بنکاله و غیرها از عصاره برک آن که کیه کوار و عصاره معفود آن را مصبر و بول وایلوا نامند گویند بهترین اقسام است بعد از آن مجفف بی ذرع و در او قبض کمی است و از قلت لذع آن است که لذع نمیکند چرا حات رده را و قسم عربی آن که از جزیره عرب آورند صلب تر و لزج تر از آن و زردی و درخشندگی آن کمتر است و عالی بن عینی آورده که صبر سقوط طری خوردن را شاید اختلاف صبر عربی که در طلبکار آید و قسم سجانی که آن را صبر فارسی نیز گویند بد بود مائل بسپاهی و بی درخشندگی و زیون ترا ز همه اقسام است و مطابق آن مزکی عقل و مقوی و مصفی نواد است و محمد بن احمد دینوری گوید که نوع دیگر که مختصر می مشهور است میباشند بعد از سقوط طری بهتر از عربی است و از فارسی و هر چه از آنخا آن هفت سال کن داشته باشد بلکه از چهار سال ضعیف العمل است استعمال نباید کرد و آنچه بد بسپاه رنگ و بی درخشندگی و دیر شکن و صلب باشد استعمال آن جایز نیست و باید که در سائیدن صبر میالغه ندما یند و اجتناب فرمایند از استعمال آن جوانان و معتدیان و صاحب ضعف احشا خصوصاً صاحبان ضعف جکروا معا و سل و ما ساریقا و بواسیر و علل مقع و در هوا بسیار سرد و هوا بسیار گرم استعمال نباید کرده صبر در درجه دوم گرم و خشک در اول و گویند در سیوم خشک است و در دوم نیز خشک گفته

گفته اند مسهل قوی است هر مودی را که جمع و مهیا باشد مردق را وضعیف الاثر است و رانچه مهیا نشد و باشد از برای دفع و مخرج سود او بلغم غلیظ و مائی و صفرا و ما ئیت مفتوح سد دشوای شد و جگر و محل ریاخ و حشا و منوم و مجفف بی اند ع خصوص شسته آن و با مصطکی منقی دماغ و بجهت مفاصل مفید است و با غار یقون جهت زبور تنقیه شینه و با کل سرخ و مصطکی جهت امراض معد و با آب سرد جهت نفث الدم شینه و با ادویه مناسبه جهت یقون و جمیع امراض سوداوی و اخراج اقسام و امراض طحال و کبد و رفع تشنگی که از صفرا مخلوط به بلغم باشد و با لخاصیه مضر جگر و معد است و کثاران موجب اسهال دموی و کهنه و انواع زبون آن که باشد که تا دوسه روز در معد و بماند و مورت کرب گردد و مصلح آن مقل ازرق و مصطکی و پوست هلیله زرد و کثیرا و زعفران و قسنتین است و حکیم علی در شرح قانون در بحث شری نوشته استعمال حموضات با تناول صبر بسیارند است از برای شغل و قل شربتش یک مثقال است و بلش در اورام و جراحت در چند آن حفص مکی و در اسهال نیم وزن آن تربک سفید مد برقت ری سفونیا و طلائی آن حافظ جسد میت از فساد و با غسل جهت ضربه و سقطه و اورام و جراحت و رفع آثار و نزلات و صداع و نمله و حمزه و کله و قروح خبیثه و داخس و با آب کشنیز و سرکه جهت با دسرخ و شری و با مغز تخم کدوی شیرین جهت جراحت بینی و با مورد و شراب جهت سیاه کردن موی و دفع قمل و رویا لیدن موی که از کچلی ریخته باشد مجرب و با شراب یا غسل جهت اورام و کوفتگی و بومد اکبر خصوص اورام و کوفتگی عضلی که دو طرف زبان است و نیکو است از برای قروح عسره الا اند مال خصوصا که بود بومد اکبر و ناف باشد و بوا سیر و اجاع ظهر و مغاضل را و با روغن گل بر جبهه جهت تنقیه فصول صفراوی از دماغ و صداع مفید و جهت قروح چشم و جرب و اجاع که از جانب ماق باشد و مجفف رطوبات آن است و با شراب حلو جهت دانه های بوا سیر و در مکی آن و شقاق مقعد و قطع خون سائل از ان و شرب آن مسهل صفرا و نافع است مال بخولیا را و منقی فصول صفراویه و بلغمیه مجتمعه است که در معد و سر و مفاصل باشد و نیز مسهل سودا و مقوی با صره و سائلر هوا است مقول اردو ملحقه آن با آب سرد یا فاتر و برگرداند و اشتها ی باطل باشد و فاسد کشته و مصلح احتراق و التهاب کائن در لها تا از حرا و صفراوی معد و گاه است که تناول کرده میشود صبح و شام مقل از چند خبه از ان مخلوط با مصلحات پس اسهال بطن می نماید و فاسد نمیکرد اند طعام را و بسیار است که نفع مینبخشد و اجاع معد و رادریک روز با آب گرم و مقل از یک و نیم درخمی از ان مسهل است و سه درخمی از ان اخلاط فاسد و مقل از معتدل از ان دودر خمی است و با ماء العمل مسهل بلغم و صفرا است و چون با ادویه مسهله داخل کرده سود دفع ضرر آنها است از معد و گفته اند که غسل مقوی فعل آنست چون افادیه خلط نماید قوی میکرد فعل آن و اصلح ادویه مسهله است و معد و را و زائل کنند و یرقان است با سهال خود و مفتوح سد و لیکن مضر با آن است و غسل آن با سرکه جهت حزاز و سعه ردا و التهاب مفید و اکثر حال آن مقوی با صره و جهت سلاق و جرب و حکه و مطبوخ آن با آب کند و ناول سلج الحیه جهت سقوط دانه بوا سیر و امراض مقعد و بیتظیر و ذرور آن مجفف زخمها و التیام دهند و آنها و جهت قروح قضیب و فرج و اعضای عصبانی بنهایت نافع و با استخوان بوسیل و بالسویه رافع نوا صیر و کله و قروح خبیثه مجرب است و چون قطعه از هر یک آن شق نموده بران زرد چوبه وافیون قدری نرم سوده بپاشند و بر آتش گرم کرده بر خیارک یعنی وزم کنج ران کرما گرم بندند تحلیل دهد آن را بد آنکه صبر مغسول اسهالش از صبر غیر مغسول بسیار کمتر است شیخ الرئیس گفته صبر مغسول اسهال آن کمتر است ولیکن نفع آن از برای معد و بیشتر است و از خواص صبر است که چون پیش از بر آمدن عرق من نی که بفارسی پیرو بهندی تار و نامند که چند روز سه روز متعاقب بپاشا مند بدین طریق که روز اول نصف درم روز دوم یک درم روز سوم یک و نیم درم و

قد روی بر موضع عربی مدنی کند ارنه آنرا باطل میکند و بر نمی آید و اگر بیرون آمده باشد آنرا بمیلی از اسرب که وزن آن یکد رم باشد پیچید و بمک ارا بکشند تا تمام آن بیرون آید و احتراز نمایند که کسیخته و پارونگردد و هرگاه کسیخته گردد و موضع آن متورم گردد باید که سم استوسوخته را با ماست سرشته تناول نمایند و چند روز بدین مد اومت کنند \*

دستور غسل صبر آن است که بکیرند صبر را و درهاون به و اری را هستکی بکیرند و بجزیر بیزند پس بکیرند افسستین و روی یکرطل مصطکی حب بلسان دارچینی هود بلسان سلیخه سنبل الطیب اسارون ازهریک سه درم در آب جو شانید و صافی نموده صبر کو بید و ریخته درهاون اند ارنه و بیزند بران ازان مطبوخ و بد سته حرکت دهند و آنچه مخلوط بآن شود درگاه بیزند و آنچه باقی ماند درهاون باز سحق کنند و دران آب بر روی آن بیزند و برهم زنند و آب مخلوط را درگاه کنند و همین عمل کنند تا زمانیکه درهاون غیر مرص و حجاره چیزی از صبر نماند پس بکند ارنه تا صبر نه نشین شود و بجزر علقه آب آنرا بکیرند و بیا بیزند بران زعفران سائید و در طبق چینی پهن کرد و بکند ارنه تا خشک شود پس بردارند و نگاه دارند و وقت حاجت استعمال نمایند و صبر و مغسول قوتش بزودی ضعیف میگردد \* دستور غسل صبر نوع دیگر بکیرند سنبل الطیب قصب الی ریوه هود بلسان دارچینی اسارون مصطکی حب بلسان سلیخه بسپا سه فلاح اذخر جو زبوا ازهریک سه مثقال همه را نیم کوفته و در طبل صبر را نرم سائید و آب من بور مخلوط کرد و در پارچه بکند ارنه و اهل آنرا دور کرد و آب را بکند ارنه تا نه نشین شود و آبش را بجزر علقه بکشند و نه نشین را خشک ساخته بکار برند و بعضی افسستین و روی بقل ربع صبر اضافه ادویه من بوره مینمایند و کوبند که چون صبر را مکرر بدستور اقلیمها بشویند و رفع حرارت آن با الکلیه میشود \* صنعت اتخاذ صبر آنست که بکیرند برک صبر ترازی را و بشارند و صافی نموده در طبقهها کنند و بکند ارنه تا خشک شود و هر روز و مرتبه برهم زنند که فاسد نشود و زود خشک گردد

\* فصل در ذکر ادویه مرکبه که اصل و عمود دران ها صبر است و ازان جمله ایارجات است \*

بدانکه ایارج یکسره و زه و قلع یای مثقاله تختانی و الف و رای مهمله و جیم معرب ایاره است و ایاره بافت یونانی بمعنی دوی الهی است یعنی دوائی که تاثیر آن از عالم امراست از غیر آنکه منسوب باشد بقوتهای محسوسه آن و وجه تسمیه مسهلات با یارجات آنست که تاثیر آنها بخاصیتی است که حق سبحانه جلشانه و عظم برهاند با موقوفت دران ادویه و دجعت نهاد و نیست آن فعل منسوب بقوتهای طبیعه محسوسه آن شیخ الرئیس گفته که ایارج اسم مسهل مصلح است و این تاویل انساب است از تفسیر آن بد و رای الهی یا د و رای شریف و وجه آنکه مسهل را د و رای الهی نامید و اند آنست که عمل مسهلات از عالم امراست نه از قوتهای جسمانی و بعضی گفته اند که اول مسهلی از مسهلات معروفه با یارج روئیس است و قد مای اطبا اسم مسهل را بران استعمال میگردد اند و پس پس نام نهاد و شد بران و بر غیر آن از مسهلات که اصلاح کرده شود با یارج و وجه آنکه قد ما اطبا اختیار کرد و اند استعمال ایارجات را یعنی مسهلات اصلاح کرده شد و آنست که اطباء قدیم حل نمیکرد و اند از استعمال مسهلات صرفه مانند خربق و شحم حنظل و صبر و غیر آنها از خوف ضرر و غائله آنها و چون بقصر و رتی اراده استعمال آنها می کرده اند مخلوط می کرد اند و اند آنها را ببل رقه ها و و احکات و فاد و فرائد و تا حاصل می کرد بد ایشان را جرأت بر استعمال آنها و اطباء متاخرین از ایشان باعتبار آنکه بل آنها و طبایع با استعمال مسهلات انسی بهم رسانید و بودند و از استعمال آنها چند ان معتصر و نه میکرد بد آن جرأت بهم رسانیدند با استعمال آنها پس فر اگر فتنند از آنها مطبوخات بجهت آنکه ضرر و غائله مطبوخات کمتر است از جریم وجود آنها و چون بل آنها و طبایع با استعمال مطبوخات مسهله خوب بل و شد ند و از استعمال آنها چند ان معتصر و نه می شد بل اطباء

اطبا بعد از ایشان دلیر کردید بر استعمال آنها یعنی آن مسهلات واقع در مطبوخات دلیوری تمام پس فرا گرفتند جرم آنها را در حبوب و سفوفات داخل کردند و متعارف شد میان ایشان استعمال حبوب و سفوفات مسهله پس کسیکه ما هر است در طب میل اند که ایاریجات اسلم می باشند از مطبوخات و مطبوخات از حبوب و سفوفات مسهله و آنکه درین عصر متروک است استعمال اکثر ایاریجات نزد اطبا آن است که ضرر ایاریجات زیاده است از مطبوخات و حبوبات و سفوفات مسهله چنانکه بعضی اطبا کمان کرده اند که بلکه از راه استغناست از آنها به سبب خوی ابدان و طبائع بدن مضار و غائله مسهلات صرفه چه هرگاه خو کنند بدنی و طبیعت شخصی بد وای مضر و مضر نمی کرد آن بدن و آن شخص از آن ضرری متعلیه و دفع ضرر و غائله آن را طبیعت از آن شخص می کند چنانچه شخصی که خود عادت کرد بنوشیدن افیون از مقدار کثیر صرف خالی از مصلحات و تریاقات آن بدن از مضر و مضر نمی کرد از آن مقدار که مضر می کرد از آن شخصی که عادت و خوی با شامیدن آن انداشته باشد بلکه مضر می کرد اگر چه عشر وزن آن را با مصلحات و تریاقات استعمال کند و با وجود این معنی نیست اطبا این عصر را استغنا تمام از استعمال ایاریجات بجهت آنکه مطبوخات و حبوب و سفوف مسهله نمی توانند که جناب مواد غلیظه از اعماق بدن و مواضع بعید و نمایند چنانکه ایاریجات جناب میکنند و چون این معنی معلوم شد پس بد آنکه شریقی از ایاریجات چهار مرتبه استعمال است که سه مثقال صیفی باشد و وقتیکه اراده سرعت خروج ایاریجات از معدیه باشد که مبادا به سبب طول مکث مضرتی برساند باینکه بآن ایاریجات نیم گرم نمک طعام سوده با آب نیم گرم بیا شامند تا آن را زود از معدیه اخراج نمایند و بد آن نیز که بد رقه که با ایاریجات بایده استعمال کرده شود شیخ الرئیس گفته که وفق چیزها نیکه با ایاریجات می آید مانند مطبوخ افیتیمون و زبیب است خصوص به نسخه که از قلم ما منقول است \* صنعت آن افیتیمون اقلیطی چهار گرم مویز سرخ منقعی ده گرم هلیله سیاه هشت گرم اسطوخودوس سه گرم آب سه رطل ادویه و آب بچوشانند تا به نیم رطل رسد پس بپالایند و ایاریجات را بپاشند بیا شامند \* مطبوخ دیگر که بعضی اطبا ایاریجات را بآن می دهند \* صنعت آن شاهنره چهار گرم غاریقون سفید یک گرم مویز منقعی از حب ده گرم افیتیمون اقلیطی چهار گرم هلیله سیاه هشت گرم کما فیطوس اسطوخودوس بسفایج فستقی لسان الثور از هر یک سه گرم در سه رطل آب بچوشانند تا بنیم رطل رسد صافی نموده نمک لاهوری نیم گرم سوده داخل کرده بعد از ایاریجات بپاشند و اگر ایاریجات دیر عمل کنند و قلق و اضطراب پیدا شود از عقب آن این مطبوخ را بنوشند \* صنعت آن تخم خبازی نیم گرم تخم خطمی یک گرم در آب بچوشانند و بپالایند و مقدار یک گرم تا یک مثقال روغن بادام شیرین و مقدار نمک طعام داخل کرده بنوشند و تا سه روز بعد از استعمال از ایاریجات از طعام هازیر باج بخورند و شراب مزوج بپاشند و بد آنکه بایده که حرارت آتش با ایاریجات نرسد هرگاه آنها را بعسل معجون بایده کرد چنانچه در رسائل معاجین بلکه بهتو آن است که عسل خام مصفی باشد از غیر آنکه آتش بآن رسیده باشد و ادویه را بآن بسروشند و اگر از برای قوام در هوا کرم و یا هوای بارطوبت محتاج باشند بقوام آوردن بآتش پس بایده که بعد از قوام آوردن از آتش برگیرند و بکنارند تا خوب سرد شود پس ادویه را بآن بسروشند و در ظرف چینی یا زجاجی یا نقره نگاهدارند و پیش از آن که شش ماه از ساختن ایاریجات کبار نگذارند استعمال نکنند و زیاده بر چهار مثقال طبی از ایاریجات نخورند و بد آنکه اصل ایاریجات شش است یکی صغیر که ایاریجات فیهرا است که از تراکیب ابقراط است و پنجم کبیر است که ایاریجات روفس و ایاریجات ارکاغانیس و ایاریجات اندروماخس ایاریجات لوغانیا و ایاریجات جالینوس است و آنچه بر این شش افزوده اند بمنزله فرع اند و این شش

ایارج را که بعضی از آنها فروغ ایارج صغیر است و بعضی مرایا رجات کبار را \* ایارج فیقرا بن آنکه فیقرا بلغت یونانی بمعنی مر است پس معنی ایارج فیقرا دوی مسهل اصلاح کرده شده تلخ است و چون عمود و اصل درین ایارج صبر است و آن تلخ است آنرا ایارج فیقرا نامیدند و اند و بعضی گفته فیقرا بمعنی صبر است یعنی ایارج صبر را این ایارج اصل ایارجات صغیر است و از استنباط استاد ایقراط و نافع است از برای امراض سر خصوص امراضیکه از اخضر باشد و تنقیه معده میکند و اعضای غل را پاک میسازد و فضول از سرفرومی آورد و استیصال بلغم می کند و اسهال آن اندک است و دیر می باشد که روز و نیم اسهال کند و مواد از اعلی و اعماق بدن جذب می کند و خل او نیکو و کراتی کوش و زیان و استو خای مشابه و سایر بدن را نافع و اوجاع معاصر و قولنج را سرد مند و قوتش تا د و سال باقی است و بعضی گفته که قوتش تا چهار سال باقی میماند شربتینی از آن به نسخه که غسل نکند و درم است اسحق گفته که ایارج فیقرا مضراست بکلیه و مصلح آن عذاب است و بعضی گفته که مزاجش گرم است و رآخورد و نیم \* صنعت آن به نسخه شیخ رئیس که در قرابا دین قانون ذکر کرده مصطکی رومی دارچینی زعفران اسارون سنبل الطیب عود بلسان حب بلسان سلیمه از هریک یک جز و صبر سقوطری دو و چند مجموع ادویه کوفته اجزا را جدا جدا کوفته بخته وزن کرده همه را یکجا نموده در شیشه نگاه دارند شربتینی دو درم با غسل و آب نیم گرم یا با یکی از د و مطبوخ افتمون که ذکرش بیما شامند و این نسخه نه جز و است و مزاجش گرم و خشک و رآخورد نه د و نیم واصل و عمود در آن صبر است و داخل کرده شده و دارچینی بسبب لطافت تا بد رفته آن باشد و بمرغی که دارچینی را بمعد و و امعا و احشاها است دفع مضرت صبر از امعا و احشا و معد و کند و مصطکی نیز باین سبب داخل کرده و نیز بسبب آنکه حفظ قوت کند و سلیمه نیز چنین است و زعفران از برای انضاج مواد و تقویت قلب و بسا باشد که حادث گردد از زعفران صداع پس از برای چنان کسی زعفران را کمتر باید کرد و یا مطلق حذف باید نمود و صاحب ذخیره خوارزم شاهي گفته که خل او نیکو آن صداع حار را زعفران کمتر کنند و یا بعوض آن ورق کل سرخ کنند و همچنین از برای خل او نیکو آن غشيان و قي زعفران نباید کرد و بعوض آن ورق کل سرخ کنند و داخل کرده شده اسارون از برای اعانت بر اسهال و جذب رطوبات و تقویت احشا و بسا باشد که بعوض اسارون کبابه چینی کنند و آن لطیف است مقوی احشا و داخل کرده شده و حب بلسان و عود بلسان از برای تقویت معد و تحلیل و فاد زهریت بعضی و از اطبا افزوده اند بر اجزای این ایارج فجاج اذخر از برای منع از سببی که متوقع است از صبر و کل سرخ از برای دفع ضرر حرارت آن بمعد و دماغ و بعضی اطباء چون میکنند اجزای آنرا بد و مثل اجزا غسل مصفی و بعضی بغیر از آنکه معجون کنند خشک در شیشه نگاه میدارند و در وقت حاجت استعمال مینمایند شیخ رئیس گفته که من قرص کرده ام ادویه مخوفه این ایارج را با آب مقل ازرق و در سایه خشک کرده و باستعمال در آوردم یافتیم این را در دفع ابلغ و میباید که وزن مقل مثل یک جز و از اجزای مصلحات این ایارج باشد و بعضی از قد مای اطبا اختلاف کرده اند در مقل از مصلحات بعضی زیاده کرده اند چنانچه بعضی وزن ادویه را شش وزن صبر کرده اند و بعضی هشت وزن آن و بعضی کم کرده تا بحدی که بوا بر صبر بلکه نصف وزن آن کرده اند و گاهی فرا گرفته میشود این ایارج از صبر مغسول و آن در اسهال ضعیف تر است و از آنچه از صبر غیر مغسول فرا گرفته باشد موافق تر است از برای صبر و این صاحب حمی و باید که نشود و اند این ایارج را بهر صبر و می بلکه بهر صبر و می بخورند آنکه تب او ملایم باشد و اکثر قد ما فرا میخورند این ایارج را از صبر غیر مغسول و این در اسهال اقوی است ولیکن ضررش از برای اصحاب حمی زیاد است و شیخ رئیس گفته که من این ایارج را وقتیکه از غیر مغسول فرا گرفته بودم خورافتم بم بقومی از اصحاب حمی ضرری به ایشان نرسید و نیز گفته این ایارج زود اسهال نمیکند بلکه اسهال این برفق و اندک است بعد از زمانی دیو و بسا باشد که در روز



روز در نیم فعل آن بظهور آید نیست فعل آن جذب از بعید بلکه اسهال خلطی که ملاقی آن باشد و مخلوط با آن باشد از معد و اما معاً و بعد حد و جذب آن از ناحیه کبد است درون از عروق و بعضی را عقیدۀ آن است که اجزای لطیفه صعود بد ماغ کرده جذب اخلاط از د ماغ و اجزای آن مثل چشم و گوش و آلات شمع میکنند و نیز شیخ رئیس گفته که این ایارج نافع است از برای امراض متولد در معد و اما معاً و سررازی برای اوجاع مفاصل و قولنج و شیخ د اورد انطاکی گفته که در نسخه اصل ایارج فیکرا که از بقراط است عود بلسان داخل ندارد و شیخ ابوعلی عود بلسان را بران افزوده و محمد بن ذکر یا مقل ازرق را داخل کرده این وقتی نافع است که بواسیر باشد والا احتیاج بمقل نیست و گفته که این ایارج نافع است از برای سر خصوص انحرۀ آن و تنقیۀ آن میکند و استیصال بلغم میکند پس گفته که نزد من این منافع در حبوب آن است و نیز گفته که میباید که صبر درین ایارج مثل مجموع ادویه آن باشد و بعضی صبر را در وزن مجموع ادویه میکنند و در نسخه مسیح درین ایارج یک جزو کل سرخ داخل است عود بلسان داخل نیست والله اعلم \* ایارج فیکرا بنسخه دیگر معد را از کیموس غلیظه پاک سازد و هر که در معد یا کبد یا طحال سده باشد باید که این ایارج را بعد طعام بخورد یا با طعام بیامیزد و باوی باز برود و منفعت آن ظاهر گردد \* صنعت آن عصارۀ غافۀ دارچینی فجاج اذخر اسارون شامی بیخ اذخر جوز بوا قرنفل مصطکی رومی سلیخه عود بلسان حب بلسان سنبل الطیب بسباسه ازهر یک سه درم زعفران دودرم صبر سقوطری سی درم و در نسخه دیگر شصت درم کوفته بیخته بعسل مصفی سرشته معجون سازند و نگاهدارند \* ایارج فیکرا بنسخه دیگر \* صنعت آن بیخ اذخر مکی فجاج اذخر اسارون شامی عصارۀ غافۀ عود بلسان دارچینی سلیخه سودا سنبل الطیب قرنفل بسباسه جوز بوا اسطوخودوس ازهر یک سه درم زعفران دودرم صبر سقوطری وزن مجموع ادویه را این نسخه قبل است با اندک ثفا و تنی و در نسخه دیگر این ایارج بعوض قرنفل کبابۀ چینی داخل است و بعضی صبر سقوطری را در وزن مجموع ادویه میکنند و بعضی وزن صبر را شش درم آورده اند \* ایارج فیکرا بنسخه دیگر تپهای کهنه زائل کند و تنقیۀ جگر و سپرزما بد \* صنعت آن اسطوخودوس پنجاه درم مصطکی رومی سه درم فجاج اذخر عصارۀ غافۀ ازهر یک دودرم و نیم جلد سه درم سنبل الطیب دارچینی اسارون سلیخه عود بلسان حب بلسان زعفران ازهر یک دودرم صبر سقوطری بوزن مجموع ادویه و این نسخه چهارده جزو است و مزاجش گرم و خشک است در اوسط درجه و نیم و با اعتقاد بعضی در آخر درجه و نیم \* ایارج ابقر طرطوبت معد و سررازی دافع است و صداع بخاری را ساکن کرد اند و دار را نافع است و سررازی اخلاط فاسد پاک کرد اند \* صنعت آن جنطیا ناسنبل الطیب سلیخه زراوند مدحرج دارچینی کما ذریوس اسطوخودوس حب الغار زعفران ازهر یک یک مثقال فطراسالیمون فودنج جبلی مصطکی ازهر یک دو مثقال مرصافی چهار مثقال صبر سقوطری هر ده مثقال شحم حنظل شش مثقال کوفته بیخته بعسل سفید مصفی سرشته معجون سازند و بعد از ششماه استعمال نمایند شربت بنی نادر و مثقال \* ایارج ابقر طرطوبت معد و نافع است از برای جنون و وسواس و دوار و صداع شدید و تشنج و شقاق و وجع مفاصل و اخلاط عقل و فساد ذهن و انتشار و ابتدای نزول آب در چشم و از برای جدام و قوبا و لقوه \* صنعت آن عصارۀ قنأء الحما و فلفل سیاه فلفل سفید دار فلفل کاذر بوس ازهر یک پنج مثقال زعفران مرکی صافی سقمونیای مشوی ازهر یک دودرم ا شق یک درم عسل مصفی بقدر کفایت بدستور مقرر معجون سازند شربت نیمه و قیه با آب گرم و این ایارج نه جزو است و مزاجش گرم است در درجه و سه ربع درجه و خشک در درجه و نیم \* ایارج ارکا غانیس حکیم \* صنعت آن صاحب طبقات که حضرت سلیمان بن داود عم تعلیم داد این ایارج را از روی وحی و با ارکا غانیس حکیم برادرزاده خود و غلط کرده ابن اسحق که نسبت داده این ایارج را بسلاطینس ملک

مقاله و این ایا راج نافع از برای هر مرضیکه متولد باشد از بلغم فنج و نفخ ریاح و سودا و از برای ارجاع حادث از بلغم  
و سودا و از برای ابتداء نزول آب در چشم و بوجه الصوت از رطوبت و ارجاع خلق و تنگی نفس و تشنج و جراحات از  
مواذغلیظه و رفع ماء اصفر و جرب است و آشامیده میشود از برای ارجاع معدة و بطن و رحم با طبع سداب و گاهی در آن  
جوشانیده سداب اندکی چند بیل سترو تا سه قیراط داخل کرده میشود و از برای وجع طهر و کلیتین و انشیمین با طبع  
گرفس و از برای وجع عرق النساء با آب طبع قنطورین و دقیق و بسا باشد که مخلوط کرده شود با آب مطبوخ قنطورین  
عصاره قنار الحمار یا شحم حنظل مقدار چهار قیراط و از برای کسیکه اوراسک دیوانه گزیده باشد چون این ایا راج را  
با آب مطبوخ قیصوم بر نهند ایمن گردد از خوف آب خصوص و قتیکه را را بخوراند این ایا راج با مقدار یک و نیم سرطان  
فهری محرق و یا آب طبع شاه تره سودمند باشد جرب و قوبازا \* صنعت آن به نسخه جهور در بکر شحم حنظل بیست و در  
درم فرا سیون اسطوخودوس خربق سفید خربق سیاه کاذر یوس سقمونیا مشوی فلفل سفید دا و فلفل ازهر یک دو اوقیه  
پیا زعنصل مشوی فریون صبر سقوطری زعفران جنطیانا جاوشیرا شق فطراسا لیون ازهر یک یک اوقیه و در نسخه دیگر  
ازهر یک دو درم و نیم است جعه دارچینی سکببینج مرکی صافی سنبل الطیب انخرمکی فودنج کوهی زراوند مل حرج از  
هر یک دو درم غسل مصفی بقدر کفایت بن ستور معجون سازند شربتی چهار مثقال با طبع اقیهون و زبیب منزوع النوی  
که مذکور شد و این نسخه بیست و چهار رجز است سوا غسل و مواجش کرم و خشک است در وسط درجه سیوم و نسخه  
صهاربخت با این نسخه موافق است مگر آنکه کاذر یوس داخلند اردو در نسخه دا و دانطا کی وزن شحم حنظل یک اوقیه و وزن  
فرا سیون تا اسطوخودوس و خربق و سقمونیا و فلفل و دا و فلفل ازهر یک چهار اوقیه و کاذر یوس داخلند اردو باقی مطابق  
نسخه جهور است و اعتماد بر نسخه اول بیشتر است هر چند نسخه دا و دانطا کی میان اطباء شهر است و در نسخه محمد  
بن زکریا شحم حنظل ده درم است و ادویه که در نسخه جهور دو اوقیه است در نسخه او بیست درم است که مطابق نسخه  
جهور باشد و ادویه که در نسخه جهور یک اوقیه است در نسخه او بیست درم است که نیم اوقیه باشد و ادویه که در نسخه  
جهور دو درم است در نسخه او یک درم است و بعضی گفته اند که دستور ساختن این ایا راج آن است که صمغ را در شراب  
ریحانی یا در خل عنصل بنحیسانند پس درها و ن سبکی بد سته بمالند تا حل شود پس سه وزن مجموع ادویه غسل را بقوام  
آورده از آتش فرود آورده بکند ازند تا سرد شود ادویه را با آن سرشته معجون سازند شربتی از چهار مثقال تا شش مثقال از آن  
همب کرده با آب گرم و غسل فرورزند بعد از آنکه شش ما و از ساختن آن کمال شده باشد و این ایا راج را فرو برند و بعد از آن  
شربتی اسطوخودوس مرکب بقدر حاجت در آب گرم حل کرده بنوشند \* ایا راج ارکا غانیس به نسخه قویس \* صنعت آن  
فرا سیون کاذر یوس غاریقون شش سفید شحم حنظل اسطوخودوس ازهر یک بیست مثقال جاوشیرا سکببینج و فطراسا لیون  
زراوند مل حرج فلفل سفید ازهر یک پنج مثقال دارچینی سنبل الطیب جعه و زعفران ازهر یک چهار مثقال ادویه خشک  
را کوفته بشخته و صمغ را نیم کوفته در غسل مصفی سه وزن ادویه حل کرده ادویه خشک را با آن سرشته معجون سازند شربتی  
چهار مثقال با ماء العسل که یک درم نمک طعام در آن داخل کرده باشند \* ایا راج ارکا غانیس به نسخه دیگر \* صنعت آن  
شحم حنظل سی و دو مثقال فرا سیون اسطوخودوس خربق اسود کاذر یوس سقمونیا مشوی فلفل سفید دا و فلفل ازهر یک  
چهار اوقیه پیا زعنصل مشوی فریون صبر سقوطری زعفران جنطیانا فطراسا لیون اشق جاوشیرا ازهر یک یک اوقیه جعه  
سلبه دارچینی سکببینج مرکی صافی سنبل الطیب فقا ح انخر فودنج فهری زراوند طویل ازهر یک دو درم با غسل مصفی سه  
وزن ادویه بن ستور معجون سازند شربتی کا مل از آن چهار مثقال و این نسخه سوا غسل بیست و پنج رجز است و مواجش کرم

قریب است به مزاج ایارج ارکا غا فیس به نسخه جهور\* ایارج اند رو خود من نافع است از برای احتباس طبع و از  
 برای جن ام و فزع و ما لیخولیا\* صنعت آن اسطوخودوس کا فیطوس غاریقون هس سفید خریق سیاه فلفل سیاه فلفل سفید  
 ما زریون سقمونیا پیداز عنصل مشوی ازهر یک هجده درم زعفران فرنیون اشق ازهر یک هشت درم مرمری چهار درم  
 عصاره الحمارسه درم غسل مصفی پنج رطل بد ستور معجون سازند شربت می دودرم با آب نیم گرم و غسل را ندکی نمک  
 طعام در نسخه دیگر ما زریون داخل اند\* ایارج اند رو ماخس طیب نافع از برای اوجاع معدة و یطون\* صنعت آن  
 دارچینی سلیخه سود اقصب اندریزه عود بلسان فجاج ازخهر قلس ازهر یک سه اوقیه و نیم ادویه را نیم کوفته درد یک  
 سقال نو کوفته شش زورق آب باران بران ریزند و بجوشانند تا به نصف رسد و پیا لایند پس بگیرند صبرا ازهر یک  
 رطل و داخل کنند دران آب باران بقدر کفایت و سحق کنند نیم روز پس غسل دهند آن را تا دردی که داشته باشد  
 دور شود پس داخل کنند دران آب افادیه مذکوره سحق کنند و آفتاب تا خشک شود پس بگیرند زعفران مرمری  
 مصطکی رومی ازهر یک یک اوقیه و نیم و در نسخه قدیم ازهر یک یک اوقیه است مجموع را کوفته بپخته در شیشه نگاه دارند  
 و در وقت حاجت بکار برند و شربت می ازان یک درم است با آب نیم گرم و هر شخصی را شربت می ازان بقدر قوت او است و  
 نیز این ایارج نافع است از برای تشنج و صدمه و ضرب و کسر و از برای وجع پهلو و نفخ معدة و اوجاع معدة و اوجاع خاصه  
 و نفخ الم و نافع است از برای اورام صلب خوردن آن با سنگنجبین و صمغ دکرده میشود با آن از برای ورم چشم با آب  
 نعناع یا با آب عنب الثعلب و از برای اورام مقعد و باروغن کل سرخ و شراب انگوری و نافع از برای قروح که حادث می گردد  
 در اطفا رچون در سرکه انگوری حل کرده طالنا بند و از برای احراق فم مضمضه و غرغره کردن با آن یا با آب برگ کاسنی  
 تازه و آب برگ عنب الثعلب تازه و آب برگ بزرقطونا و این ایارج ملحق است با یارج فبقرا\* ایارج انطافطوس نافع  
 از برای اصحاب اوجاع و ریاح بارده معدة\* صنعت آن صبر زرد سقوطری چهار رضشقال مصطکی رومی دو مثقال اسارون  
 غنچه کل سرخ منزع الاقما ع فجاج ازخمر مرمری صافی سلیخه سیاه ازهر یک نیم اوقیه کوفته بپخته در شیشه نگاه دارند  
 و مانند ایارج فبقرا استعمال نمایند و این ایارج نیز از فروع ایارج فبقرا است\* ایارج دوسطوس نافع از برای معدة  
 و طحال و کبد و جمیع اوجاع سوداویه و بلغمیه و از برای حفظ قوت بصر و تقویت آن و مسکن وجع سردا می و نافع است از  
 برای دوار و از برای وجع که آنرا اکلیلی گویند\* صنعت آن کا زریوس فلفل سفید اسطوخودوس فلفل سیاه عنصل مشوی  
 ازهر یک هشت اوقیه کوفته بپخته بغسل سفید مصفی سه وزن ادویه معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند  
 شربت می چهار درم و در نسخه دیگر سنبل الطیب سلیخه ازهر یک دوازده اوقیه داخل است و باید که بیاشا مثل این ایارج  
 را با طبع ایتیمون بعد از پرمیز\* ایارج ثابت بن قرة نافع است از برای صدا ع و شقیقه و ضربان سر و علتها و ددهای  
 معدة و کبد و طحال و این ایارج زیاده میکند قوت باصره را تقویت آن میکند\* صنعت آن شکم حنظل ده درم کا زریوس  
 سلیخه فلفل سفید فلفل سیاه عصاره افسنتین ازهر یک دودرم صبر زرد مرمری صافی کنند زعفران ازهر یک یک درم سقمونیا  
 شش درم غسل بقدر کفایت بد ستور معجون سازند شربت می چهار درم با آب نیم گرم\* ایارج ثیا دریطوس اکبراسم  
 بادشاهی است از ملوک یونان که این ایارج از برای اویا در زمان ارساخته اند و بنام اموسوم گردانیده اند و از  
 ترا کباب اند و ماخس ثانی است و بعضی گفته اند که از استنباطا بقراط است و جیش ثعلبی گفته که حنین که از  
 مترجمین کلام طبای یونان است نقل کرده که ایارج ثیا دریطوس پیش از جالینوس است و ملک یونان ثیا دریطوس آنرا  
 جمع کرده با این سبب آن را بنا مش خوانند و با الجملة ایارج ثیا دریطوس اکبر و ای قلیم جید نیکو مختصر و یکی از

ایارجات اصل است و نافع است اقسام سوء مزاج بارد و طب را و معدل اخلاط و اسهال بی رنج کند و هلدیان و صلبا ع  
 کهینه و نزلات و لقوه و فالج را خوردن و سعط کردن بآن سودمند بود و آشامیدن آن قولنج را بکشد و حیض فرود آورد  
 و وجع عرق النساء و نقرس و مفاصل و سوء هضم و سبک کرده و مثانه و دوا رواست سقا و تشنج و نسیمان و از آن دل کند و دفع ضرر  
 سموم نماید و با صلاح آورد و برص و جذام و ضعف جگر یارد و درد معد و درد جگر و سپر زو کلیه و رحم را سود دارد و از برای  
 اصحاب صرع چون مقل اول سی ازان با آب شقائق حل کرده در بینی بچکانند و همچنین لقوه را مفید باشد و شربت  
 ازان یک مثقال است با طبع افتیمون و غاریقون و بعد از ششما که از ساختن او کدشته باشد استعمال توان کرد و  
 این ایارج مضراست بحر و دین در تابستان و زمستان استعمال نباید کرد و بهترین اوقات استعمال آن فصل بهار است \*

صنعت آن به نسخه صاحب تذکره صبر سقوطی پانزده درم غاریقون هشت سفید بیست درم سلیخته سودا اسارون سقمونیا  
 ازهر یک شش درم و در نسخه دیگر پنجاه درم است قسط تلخ کاذر بوس افتیمون اقلیطی ازهر یک چهار درم سنبل الطیب سه  
 درم و نیم زعفران دارچینی و ج ترکی مصطکی روغن بلسان حب بلسان اخضر مکی فرنیون فلفل سیاه فلفل سفید دار فلفل  
 مرصافی جنطیانا نقاح از هر کدام ازهر یک درم کوفته بخته سه وزن ادویه عمل مصفی معجون سازند و در ظرف چینی  
 نکاه اندازند و قوت این ایارج تا هفت سال باقی است ولیکن بعد از چهار سال ضعیف میشود و باطل نمیکرد و شفائی گفته که قوتش  
 تا چهل سال باقی میماند و اجزاء آن بیست و دو جز است به نسخه که از خرمکی و اسارون داخل اندارد و مزاجش خارا است در  
 وسط درجه سیوم و یابس در اول آن \* ایارج ثیادریطوس اکبر به نسخه شیخ رئیس انواع سوء مزاج بارد و طب را نافع  
 بود و بنهایت نافع است از برای امتلائی فضول ازجه غلیظه و نسیمان و ظلمت بصورت و تنگی نفس و خلد روا و جاع کبد و معد و  
 وطحال و کلیه و رحم و حبس طبع و قولنج را سودمند بود و مسهل بی مشقت باشد و جمیع امراض مزمنه یارد و راهبیل  
 و ریاح یارد و از این تحلیل دهل و سد ها بکشد و خصوص از جگر و طحال و درد پهلوسینه و منفعت دارد و جشای حاض  
 به برد و برقان و استسقا را که از ضعف جگر بود سود دارد و بر بوجده ام و برص اسود را در ابتدا ای هلدت را از دل کند و سودای  
 سوخته و بلغم لزج را از اعضا فرود آورد و لقوه و رعشه و فالج و استرخا را نافع بود چون در فصل بهار بکار برند و سبک کرده  
 و مثانه بریزند و صرع را در آغاز علت یازد ارد و حرارت غریزی را قوت دهد و اگر مقل اول سی ازان با آب شقائق  
 النعمان حل کرده در بینی بچکانند صرع و لقوه را نیکو باشد و همچنین با آب شاهبانج سعط بآن \* صنعت آن صبر  
 سقوطی پانزده درم غاریقون هشت سفید بیست درم زعفران دارچینی و ج ترکی مصطکی رومی روغن بلسان ازهر یک  
 سه درم ریوند چینی یک درم و نیم بلسان حب بلسان فرنیون فلفل سفید فلفل سیاه جنطیانا دار فلفل نقاح ازهر یک  
 و درم قسط تلخ کاذر بوس افتیمون ازهر یک چهار درم اسارون سلیخته سقمونیا مشوم ازهر یک شش درم مرصافی  
 مرصاما ازهر یک یک درم سنبل الطیب سه درم و نیم عمل مصفی بقدر کفایت بدستور معجون سازند و در ظرف چینی  
 نکاه اندازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربت چهار مثقال با طبع افتیمون و غاریقون با آب گرم و این ترکیب  
 بیست و پنج جز است و مزاجش گرم و خشک است در اول درجه سیوم و در نسخه محمود دین الیاس نسخه حکیم معصوم  
 درین ایارج ریوند چینی داخل اندارد و وزن زعفران و دارچینی و ج ترکی و مصطکی و مرصاما و روغن بلسان  
 ازهر یک و درم است و باقی ادویه مساوی نسخه شیخ است و در نسخه صاحب اختیارات یک درم و نیم بیست درم  
 است و باقی مساوی نسخه محمود بن الیاس است و نسخه شیخ الیاس شهر است \* ایارج ثیادریطوس اکبر به نسخه که  
 همین از یونانی ترجمه نموده \* صنعت آن صبر سقوطی پانزده درم غاریقون هشت سفید بیست درم زعفران دارچینی و

رُوحِ تَرکی مصطکی رُوحِ بلسان حب بلسان فرقیون فلغل سفید فلغل سیاه دارفل مرصافی جنطیا نافع از خر  
 مو حما اما از هر یک چهار درم اسارون سلیخه سقمونیای مشوی از هر یک شش درم سنبل الطیب سه درم اجزا را جدا جدا  
 کوفته بیخته وزن نموده بروغن بلسان چرب کرده با سه وزن ادویه عسل مصفی معجون سازند و در ظرف چینی نگاه  
 دارند و بعد از ششماه استعمال نمایند شربت چهار مثقال با مطبوخ افتیمون و غاریقون و قوت این ایارج تا چهار سال  
 باقی میماند \* ایارج ثیاد ریطوس اکبریه نسخه صاحب عیسی مشنی \* صنعت آن صبر زرد سقوطوی سی درم غاریقون  
 هش سفید سه استار زعفران دارچینی مصطکی و ج ترکی جنطیا ناروغن بلسان از هر یک سه درم زراوند مد حرج  
 اسارون عود بلسان حب بلسان فرقیون مو از هر یک دو درم قسط بحر کما ذریوس افتیمون اقلیطی از هر یک چهار  
 درم فلغل سیاه فلغل سفید دارفل نافع از خر حما اما از هر یک دو درم سلیخه سقمونیا از هر یک شش درم سنبل الطیب سه درم  
 ونیم اجزا را جدا جدا کوفته بیخته بروغن بلسان چرب نموده با عسل مصفی سه وزن مجموع ادویه معجون سازند و بعد از ششماه  
 استعمال نمایند شربت چهار مثقال \* ایارج ثیاد ریطوس صغیر در منافع قریب بکبر است \* صنعت آن صبر زرد سه درم  
 غاریقون شش درم زعفران و ج ترکی دارچینی مصطکی رومی سورنجان سلیخه از هر یک سه درم کما ذریوس فلغل ابیض  
 فلغل اسود اسارون عود بلسان از هر یک دو درم چند بید ستر چهار درم مرکی سنبل الطیب از هر یک درمی عسل سه  
 چند آن اجزا کوفته بیخته بطریق معمول بسرشدن شربت چهار مثقال با آب کرم \* ایارج ثیاد ریطوس صغیر نافع  
 از برای امراض حادثه از برودت و بلغم و بالجمله در منافع قریب است با ایارج ثیاد ریطوس اکبریه \* صنعت آن صبر سقوطوی سی  
 درم غاریقون هش سفید دوازده درم و ج ترکی زعفران دارچینی مصطکی رومی سورنجان سلیخه از هر یک سه درم کما ذریوس  
 فلغل سفید اسارون عود بلسان از هر یک دو درم فلغل سیاه چند بید ستر از هر یک چهار درم ریوند چینی مرکی صافی سنبل الطیب  
 از هر یک یک درم عسل مصفی بقدر کفایت بدستور معجون سازند و در ظرف چینی نگاه دارند و بعد از ششماه استعمال  
 نمایند شربت چهار درم و در نسخه دیگر بجای مرکی مو است \* ایارج ثیاد ریطوس دیگر که همین منافع دارد \*  
 صنعت آن اقحوان مرده درم جوز بوا سلیخه سودا سقمونیای مشوی از هر یک دوازده درم صبر سقوطوی شصت درم  
 غاریقون سفید چهل درم سنبل الطیب ایرسا از هر یک هشت درم اسقوردیون هفت درم حما ما فوة الصباغبین فلغل  
 سیاه دارفل از خر مرکی از هر یک دو درم کوفته بیخته بعسل مصفی بقدر کفایت بدستور معجون سازند و بعد از ششماه  
 استعمال نمایند شربت چهار مثقال با آب کرم \* صنعت این ایارج بنسخه شیخ رئیس اقحوان شانزده درم جوز بوا سلیخه  
 سقمونیا از هر یک ده درم صبر سقوطوی شصت درم غاریقون چهل و چهار درم ریوند چینی سه درم فلغل سفید جنطیا ناسارون  
 عود بلسان از هر یک چهار درم زعفران قرنفل و ج ترکی مصطکی دارچینی از هر یک شش درم سنبل ایرسا از هر یک هشت  
 درم اسقوردیون هفت درم حما ما فوة فلغل سیاه دارفل از هر یک دو درم ادویه کوفته بیخته بعسل مصفی بقدر کفایت  
 معجون سازند و بعد از ششماه استعمال نمایند شربت چهار درم با آب کرم \* ایارج ثیاد ریطوس مسهل اخلاط فاسد و  
 را از بدن فرود آورد و امراض صعبه را چون فالج و لقوه و سبات و تشنج و صرع و آنچه باین امراض مانع زائل کند و سد های  
 جگر بکشد و بظلمت با صوره و در او را نافع باشد و بالجمله منافع آن مثل منافع ایارج ثیاد ریطوس اکبر است \* صنعت آن  
 به نسخه شیخ رئیس صبر سقوطوی شصت درم غاریقون هش سفید بیست و چهار درم مصطکی زعفران دارچینی و ج ترکی  
 سنبل الطیب از هر یک شش درم زراوند حب بلسان روغن یا بونه فرقیون فلغل سیاه فلغل سفید دارفل جنطیا ناز  
 هر یک چهار درم کما ذریوس قسط تلخ از هر یک پنج درم سلیخه سیاه افتیمون اقلیطی از هر یک دوازده درم موفناح

اذخرهما از هر يك دو درم سقمونیای مشوی بیست درم عمل مصفی بقدر کفایت دستور معجون ساختن آن طریق استعمال و مقابله شراب آن مثل ایارج ثیادریطوس کبیر است و در نسخه دیگر این ایارج بجای موم صافی آورده شده و در نسخه که حبش بن ماسویه نقل کرده و یونان بعضی موداخل است و نقاح اذخرهما داخل ندارد و باقی مثل نسخه شیخ رئیس است الا آنکه ثلث وزن نسخه شیخ رئیس است \* ایارج ثیادریطوس باجوز و نافع است از برای جمیع امراض سرکه که نه شده باشد و از برای جنون و رسواس و صداع و دوار و جرع و ضعف یا صر و ارجاع و کبد و طحال و کلیه و قولنج و من و بول و طبع است و مفید است از برای جناب و برص و نفرس و ارجاع و مفاصل و وجع حقوین و حدمات مزمنه و عتیقه و اسهال و بیست شفت است \* صنعت آن به نسخه شیخ رئیس صبر سقو طری شصت درم غار بقون هشت سفید بیست و چهار درم اسقود یون مود بلسان فلغل سفید فلغل سیاه دار فلغل روغن بلسان حب بلسان فرنیون جنطیانا از هر يك چهار درم قسط تلخ سه درم و ج ترکی مصطکی رومی دار چینی سنبل الطیب قرنفل از هر يك شش درم سلخه سیاه جوز بو از هر يك دوازده درم که در دوس هشت درم موحما نقاح اذخر از هر يك دو درم سقمونیای مشوی افتمیون از هر يك هر ده درم عمل کف گرفته بقدر کفایت بد دستور مقرر معجون سازند و بعد از ششماه استعمال نمایند شربت چهار درم باطبیخ افتمیون \* ایارج جالینوس الطیف از ایارج لوغاذ یا و عملش زیاده ازان است و از ایارج ثیادریطوس اکبر تمام تر و لطیف تر است نافع است از برای لقوه و فالج و تشنج و استرخای مثانه و آمدن بول بی اختیار و تمقیه بدن از اخلاط مرکبه بلغم و صفرا و سودا کند و صداع مرکب و نافع باشد \* صنعت آن به نسخه جمهر و ششم حنظل غار بقون هشت سفید پیاز غنصل مشوی اشق سقمونیای مشوی خربق سیاه هیوفار بقون فرنیون از هر يك شانزده درم بسفایج فستقی افتمیون اقلیطی مقل ازرق کماذریوس فراسیون سلخه سیاه از هر يك هشت درم و در نسخه دیگر از هر يك نه درم است چند بیل ستر فطراسالیون از هر يك چهار درم ادویه خشک را کوفته بپخته و صمغ را بمثلث خیسانید و مجموع را بعمل مصفی بسروشند و بعد از ششماه در وقت حاجت استعمال نمایند شربت بی دو مثقال یا آب مطبوخ افتمیون مذکور در اول ذکر یا ریجات و نیم درم نمک هندی و قوت این ایارج تا چهار سال باقی میماند پس فمغف میگرد و این نسخه بیست و چهار جزو است و مزاجش گرم و خشک است در واسطه درجه سیوم و بعضی چهار درم زعفران بر این اجزا افزوده اند و در بعضی نفع فراسیون داخل نیست \* ایارج جالینوس جمهر و ششم دیگر \* صنعت آن ششم هفتال اشق غار بقون هشت سفید خربق سیاه خربق سفید هیوفار بقون فرنیون از هر يك چهار جزو سلخه افتمیون کماذریوس بسفایج فستقی از هر يك چهار جزو و ربع جزوی موهکی فطراسالیون سکبینه چند بیل ستر جوش شیرین و زرد طویل و صاب حرج دار چینی دار فلغل سیاه از هر يك یک جزو کوفتنی را کوفته بپخته و صمغ را در شراب یا آب خیسانید و حل کرده بر روش ایارجات مقل م با سه وزن ادویه عمل مصفی معجون سازند و بعد از ششماه استعمال نمایند شربت چهار مثقال باطبیخ افتمیون مذکور یا با عطشی که \* صنعت آن این است شافتره ده درم عناب جوجانی سی دانه پوست هلبه زرد قرین مذکور از هر يك شش درم زنجبیل یک مثقال در یکوطل آب بجوشانند تا ثلث بماند بهای لایزال و ده درم کلقتل در آن حل کرده صافی نموده معجون را حب ساخته باین طریقه فروزنند \* ایارج جالینوس بنسخه قولس \* صنعت آن کدر یوس فلغل سفید دار فلغل غار بقون هشت سفید اسطوخودوس خربق سیاه سقمونیای مشوی سنبل الطیب افتمیون پیاز غنصل و قویون از هر يك شش مثقال موصافی زعفران اشق هیوفار بقون از هر يك هشت مثقال عمل مصفی بقدر کفایت بد دستور معجون سازند \* ایارج جالینوس بنسخه این سرافنیون \* صنعت آن ششم حنظل چهار درم کاذریوس پیاز غنصل مشوی غار بقون هشت سفید سقمونیای خربق سیاه اسطوخودوس اشق هیوفار بقون از هر يك سه درم و یک آنک افتمیون اقلیطی جمل \* مقل ازرق و طوس فرا

فراسیون صبر و سقوط طریح سلیخه سیاه بسفایچ فستقی ازهر یک یک گرم و نیم فلغل سفید فلغل سیاه دار فلغل مرصافی دار چینی زعفران  
جا و شیر سکبینج چهل بیک ستر فطرا سالیون زراوند طویل زراوند مل حرج جنطیا نافراییون ازهر یک نصف و د و ثلث  
نصف در می عسل مصفی بقدر کفایت بد ستور معجون سازند شربت ازان مثل شربت ایارج لوغاذیا و منافع مثل  
منافع آن است \* ایارج در بوس تنقیه سر میکند و فرود می آورد فضول را از سرودفع میکند و نافع است از برای امراض  
بارده بلغمی مزمن سر و بهق و بوس و وجع مفاصل بلغمی مزمن و عرق النساء \* صنعت آن شحم حنظل که دانهها و پوست  
حنظل را ازان جدا کرده باشند و کند ازهر یک بیست درم زراوند مل حرج فطرا سالیون فلغل سفید ازهر یک پنج درم  
سکبینج جا و شیر ازهر یک هشت درم سنبل الطیب لسان العاصیون دار چینی سلیخه سیاه زعفران زنجبیل جعه ازهر یک  
چهار درم ادویه خشک کرده را کوفته بیخته صمغها را خیسانید داخل کرده ادویه خشک را بآن بسر شدند و نگاه دارند  
و در نسخه ایارج صبر نیست استطرادا آورده شد \* ایارج روغن کفته اند اول ایارجی که تالیف شد از ایارجاست که بار این  
است و بعضی ایارج ارکانیس مقدم دانسته اند و بالجمله این ایارج تنقیه سودا و بلغم نماید از بدن و نافع است از برای جمیع  
امراض سوداوی و بلغمی و داء الثعلب را سود دارد \* صنعت آن بنسخه شیخ رئیس شحم حنظل بیست مثقال کاذر بوس  
غار بقون ازهر یک پنج مثقال جا و شیر سکبینج سلیخه ازهر یک هشت مثقال فطرا سالیون زراوند مل حرج فلغل سفید فلغل  
سیاه ازهر یک پنج مثقال دار چینی اسطوخودوس زعفران جعه مرصافی ازهر یک چهار مثقال برادر شراب بخیسانند  
و حل نمایند و باقی ادویه را کوفته بیخته بعسل مصفی سرشته معجون سازند و در بطور حینی که در این نسخه از ششماه  
استعمال نمایند شربت چهار مثقال در نسخه دیگر غار بقون ده مثقال داخل است و در نسخه دیگر چهار درم است  
و دریم پانزده جز و مزاجش گرم در دو درجه و نیم و خشک درد و درجه و ربع و در نسخه دیگر صبر در اهل نیست \* ایارج  
روغن به نسخه شاپور بن سهیل \* صنعت آن شحم حنظل بیست درم صبر سقوتی زراوند مل حرج فطرا سالیون  
فلغل سیاه و سفید ازهر یک پنج درم خولنجان ده درم کاذر بوس بیست درم سکبینج جا و شیر ازهر یک بیست  
درم سنبل الطیب سلیخه دار چینی زعفران زنجبیل مرصافی جعه ازهر یک درم ادویه را کوفته بیخته بعسل مصفی  
معجون سازند شربت چهار درم با آب کرم و عسل و نمک ناشتا بخورند بعد از پرهیز و در نسخه صهار بخت شاپور بن  
سهیل که بلغت سریانی است کافیطوس و غار بقون و فراسیون ازهر یک ده درم داخل است و نسخه شاپور بن سهیل هله  
جز و راست و مزاجش گرم و خشک است درد و درجه و نیم و نسخه صهار بخت بیست جز و راست و مزاجش قریب است  
بمزاج نسخه شاپور بن سهیل \* ایارج روغن به نسخه محمود بن الیاس \* صنعت آن مانند ایارج شیخ رئیس است و نوشته  
که شربت ازان دو مثقال چهار مثقال با آب مطبوخ افتمیون و شاهترة و هلیله سیاه و مویز طائفی منقی و غار بقون هشت  
سفید و اسطوخودوس و کافیطوس و کاوزبان که جوشانید صافی نموده باشند نیم درهم نمک هند داخل نموده بیاشامند  
و باید که استعمال کرده شود این ایارج بعد از گذشتن ششماه از ساختن و تا چهار سال قوی میباشد \* ایارج روغن به نسخه  
دیگر \* صنعت آن شحم حنظل بیست درم فطرا سالیون زراوند مل حرج ازهر یک پنج درم سنبل الطیب سلیخه دار چینی  
زعفران زنجبیل جعه مرکی صافی ازهر یک درم عسل مصفی بقدر کفایت بد ستور معجون سازند شربت ازان دو مثقال  
تا چهار مثقال با آب مطبوخ افتمیون و شاهترة و هلیله سیاه و کاه \* ایارج روغن به نسخه دیگر \* صنعت آن شحم  
حنظل بیست مثقال کاذر بوس غار بقون ازهر یک ده مثقال سقمونیای مشوی چهار درم و ج ترکی قونفل ازهر یک درم  
جا و شیر سکبینج ازهر یک هشت درم هرد و صمغ را در شراب یا آب کرم حل کرده و سه چند آن مجموع ادویه عسل را بقوام





نفس را زیرای حمی ربع و جمیع امراض بلغمی که سبب آن بلغم فحش باشد و امراض سوداوی و تپه‌های نائیه و ارجاع مغاصل و  
نقرس و عرق النسا و داء الحبه و داء الثعلب و داء الغیل و قروح خبیثه مزمنه در سرود و غیره و زیرای بهق و برص  
و قویا و تغش جلد و جدام و خنازیر و ارام یارده و سرطان و سعه و درد کرده و دردمثانه شیخ داردا انطاکی گفته که این  
ایارج اخراج میکند هر خلط عفن محرق را و هر خلط غلیظ لزج را خصوص در خلط بارد \* صنعت آن به نسخه سزایون  
و همین نسخه نیز از شا پوزین سهیل و از صهار بخت است شحم حنظل پنج گرم پیاز عنصل مشوی غار یقون هشت سفید  
سقمونیای و خربق سیاه اشق اسقور یون از هر یک چهار درم و نیم به نسخه سزایون و در نسخه شا پوزین و صهار بخت از هر یک  
دو درم و نیم است افتیمون اقلیطی کا ذریوس مقل ازرق صبر سقو طری از هر یک سه درم حاشا هیوفار یقون ساذج هند  
فرا سیون جمل و سلیخته سیاه فلفل سیاه فلفل سفید دار فلفل زعفران دار چینی بسفایج فستقی سکبینج جاشیر  
جند بید ستر مرکی صافی فطراسا لیون زراونک طویل عصا افسنتین فرمبون حما ما سهیل الطایب زنجبیل از هر یک دو درم  
اسطوخودوس جنطیانا از هر یک یک گرم و نیم است و در نسخه دیگر وزن این اجزا از هر یک دو درم و نیم است سوا بسفایج  
که سه درم است جنطیانا اسطوخودوس از هر یک یک گرم و نیم و در نسخه دیگر وزن این اجزا از هر یک دو درم است با عسل مصفی  
بقدر کفایت بسرشدن شربت تام از آن چهار مثقال با آب نیم گرم و عسل یا با طبیع افتیمون و صبر متقی شیخ داردا انطاکی گفته  
که قوت این ایارج تا چهل سال باقی میماند و شربت از آن تا یک مثقال است و آن قدس سره منفری این که در ده تجربه درامده  
شربت تام از آن سه مثقال صیرفی است که چهار مثقال طمی باشد و نیز شیخ داردا گفته که در این نسخه از آن تا این باقی  
میماند مانند تریاق فاروق و چون اراده اسهال آن کنند باید که فرا گیرند از آن مقدار و درم نیز گفته که در نسخه دیگر  
ایارج مرجان سرخ سه درم مروریل ناسفته یک مثقال ورق طلا محلول و در نسخه محلول از هر یک یک مثقال و نیم با عسل است  
و یا یک که صمغ رادر شراب حل کنند و باقی ادویه را کوفته بپخته و با عسل و صمغ رادر شراب حل کنند و باقی ادویه را کوفته بپخته  
قوت ایارج لوغاذ یا تا چهار سال باقی میماند و ولی آن است که شب خواب فرود نهند و صبح جلابی از بسفایج فستقی  
وزرفا خشک و افتیمون و پوست هلیله کا بلی و کا و زبان و اسطوخودوس و صبر متقی و قدری نمک بینا شا مند \* ایارج  
لوغاذ یا به نسخه فیلغریوس \* صنعت آن شحم حنظل غار یقون هشت سفید اشق پوست خربق سیاه و در نسخه دیگر  
پوست خربق سهیل است سقمونیای مشوی هیوفار یقون از هر یک ده مثقال افتیمون اقلیطی بسفایج فستقی مقل ازرق صبر  
سقو طری کا ذریوس فرا سیون سلیخته سیاه از هر یک هشت مثقال فلفل سیاه فلفل سفید دار فلفل دار چینی زعفران جاشیر  
سکبینج جند بید ستر فطراسا لیون زراونک طویل از هر یک چهار مثقال با عسل مصفی بقدر کفایت معجون سازند شربت  
تام از سه مثقال تا چهار مثقال بحسب قوت هراسان با ماء العسل نیم گرم و نمک و بعضی گفته اند که شربت از آن چهار  
مثقال است با یک گرم نمک طعام با طبیع افتیمون که در اول ذکر شد این نسخه بیست و سه جز و مزاجش گرم و خشک است  
درد و درجه و نیم و بعضی گفته که شربت تام از آن سه مثقال \* ایارج لوغاذ یا به نسخه قولس \* صنعت آن شحم حنظل  
بیست مثقال پیاز عنصل مشوی غار یقون هشت سفید اشق پوست خربق سیاه سقمونیای مشوی هیوفار یقون از هر یک  
ده مثقال بسفایج فستقی افتیمون مقل ازرق صبر سقو طری کا ذریوس فرا سیون سلیخته سیاه از هر یک هشت مثقال  
مرصافی جاشیر سکبینج فطراسا لیون فلفل سفید فلفل سیاه دار فلفل دار چینی زعفران جند بید ستر زراونک طویل از هر یک  
چهار مثقال عسل بقدر کفایت بید ستر و معجون سازند \* ایارج لوغاذ یا به نسخه دیگر \* صنعت آن شحم حنظل صبر  
سقو طری سقمونیای مشوی از هر یک پا نزد درم حاشا و درم فرا سیون بسفایج فستقی جمل و از هر یک هفت درم فلفل

سیاه و دارفلغل سنبل الطیب زعفران دارچینی مرکی صافی نظرا سالیون ازهریک چهار درم سبکینج عصاره افسنتین و  
اسطوخودوس کماذریوس اسقوردیون ازهریک پنجدرم زنجبیل زراوند طویل جنطیانای رومی ازهریک سه درم  
کوفته بیخته باعسل مصفی معجون سازند شربت چهار درم با یک درم نمک طعام درطبیخ افتمیون مذکور دراول این  
فصل و در نسخه دیگر اجزا مزبور خربق سیاه و افتمیون و غاریقون هش سفید ازهریک ده درم اسفیل مشوی هفت درم  
افزوده اند وزن شحم حنظل و صبر و سقمونیا ازهریک پنجدرم کرده \* ایارج لوغاذ یا به نسخه دیگر \* صنعت آن شحم  
حنظل ده درم پیاز عنصل مشوی غاریقون هش سفید سقمونیای مشوی خربق اسود اشق ازهریک نه درم افتمیون  
اقریطی کماذریوس مقل ازرق ازهریک پنجدرم صبر و سقوطی شش درم حاشا هیون غاریقون سازج هندی جعل و فریون  
سلیمه سیاه فلغل سیاه و دارفلغل فلغل سفید زعفران دارچینی مرکی صافی جا و شیر سبکینج جنطی بید ستر فطراسالیون  
زراوند طویل یسفایج فستقی عصاره افسنتین سنبل الطیب حما ما زنجبیل ازهریک چهار درم جنطیانای اسطوخودوس  
ازهریک سه درم ادویه را کوفته بیخته در سه وزن ادویه شهد مصفی بقوام آورده که سرکه انگوری سه صد درم در آن  
انداخته باشند و اگر شراب انگوری باشد بهتر است و الا سرکه که مذکور شد کافی است و باز بقوام آورند و معجون سازند و در  
موتیان چینی نکاه ازند و تا حین روز در چوک ازند و بعد از آن بکار برند \* ایارج لوغاذ یا تصرف استاد ابوالفوح احمد  
صاحب مفتاح \* صنعت آن شحم حنظل صبر و سقوطی سقمونیا ازهریک پانزده درم پیاز عنصل مشوی مقل ازرق  
یسفایج فستقی ازهریک هشت درم غاریقون هش سفید خربق سیاه اشق افتمیون ازهریک ده درم اسقوردیون  
جا و شیر عصاره افسنتین اسطوخودوس ازهریک پنجدرم کماذریوس هیون غاریقون فراسیون سلیمه سیاه ازهریک هفت  
درم حاشا سازج هندی جعل و فریون حما ما ازهریک ده درم فلغل سفید فلغل سیاه و دارفلغل زعفران دارچینی  
مرصافی فطراسالیون ازهریک چهار درم جنطی بید ستر و سنبل الطیب زراوند طویل زنجبیل جنطیانای ازهریک سه درم  
باعسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند و این نسخه سی و پنج جزو است و کرم و خشک است در اوایل درجه  
سیوم \* ایارج ثامیر من نافع است از برای خد اوندان و قلب معد و کسانیکه بیابند التهاب در معد و جمیع نفخها  
و از ازل کرد اند و نافع است از برای بطوع استمراعی غذا و از برای علت های رحم و مدبول است و درای عجیب است از  
برای مکبودین و خد اوندان و جمع معد و کلیتین و حیض فرود آورد \* صنعت آن صبر و سقوطی یکصد مثقال مصطکی  
رومی سنبل الطیب زعفران دارچینی اسارون حب بلسان ازهریک یک اوقیه کوفته بیخته خشک و ریش شنه نکه  
دارند و استعمال نمایند اما از برای دیگر کشتن غذا از معد و مقل ازهریک مثقال بآب سرد از برای کسیکه قی مرع داشته  
باشد یا انصباب کند بسوی معد و آن ماده نیم مثقال آنو بیا شامد و کسیکه او را ورمی در بعضی اعضای باطنی باشد  
این ایارج نفع میدهد و از چون با ماء العسل بیا شامد و کسیکه محتاج با در اربول باشد یا فرود آمدن حیض  
بایل که بیابا شامد این ایارج را در آبی که رازیانه در آن جوشانید و باشند صاف نموده و این ایارج ملحق با یارج  
فیقر است \* ایارج منسوب بپوسطوس نافع است از برای بصورت تقویت آن میکند و مسکن و جمع سرد ائمی است و از برای  
اوجاع معد و و طحال و کبد و از برای اوجاع سوداویه و بلغمیه و از برای دراز رجعی که آن را اکللی کویند \* صنعت آن  
کماذریوس اسطوخودوس فلغل سفید فلغل سیاه پیاز عنصل مشوی ازهریک دوازده اوقیه غاریقون هش سفید خربق  
سیاه و سقمونیای مشوی صبر و سقوطی ازهریک شانزده اوقیه و در نسخه دیگر ازهریک هشت اوقیه است و در نسخه دیگر  
غاریقون نیز ده درم اشق هشت اوقیه فریون زعفران ازهریک هزده اوقیه مرسه اوقیه شحم حنظل دو اوقیه اجزا کوفته بیخته با

یا عسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربت چهار درم و در نسخه دیگر این ایارج سنبل الطیب و سلیخته سیاه از هر یک دوازده اوقیه داخل است و گفته که بیا شا منب این ایارج را با طبیح اقیهون بعد از پرهیز \* ایارج منسوب به وسطوس به نسخه دیگر نافع است از برای امراض سر و صداع و غشا و بصر و از برای اوجاع معده و طحال و کبد \* **صنعت** کنک ریاح ریاحون هشت سفید اسطوخودوس فلغل سفید فلغل سیاه سقمونیای منشوی پوست خربق سیاه صبر سقوطری سیاه عنصل منشوی سفید الطیب سلیخته سیاه از هر یک شانزده مثقال شحم حنظل دانه بیرون کرده دو مثقال مرصافی سه مثقال زعفران سنبل روس فرغون از هر یک هشت مثقال ادویه خشک را کوفته بیخته صمغ را خیسانید و حل کرده ادویه را بان معجون سازند و در وقت حاجت چهار مثقال آنرا با آب گرم بنوشند \* ایارج منسوب با بطیا فطروس نافع از برای اوجاع ریاح بارد و معده \* **صنعت** آن صبر زرد سقوطری چهار مثقال مصطکی رومی دو مثقال اسارون برک کل سرخ فجاج از هر یکی سلیخته سودا از هر یک نیم اوقیه کوفته بیخته خشک در شیشه کرده شربت دو درم و این ایارج نیز از درج ایارج فیهرا است \* ایارج منقی شجرب تنقیه سرکنک و فرود آورد از سرانچه را در سوباش از فضول و با سها ل دفع کنک نافع است از برای جمیع علت های سر \* **صنعت** آن شحم حنظل منقی از قشر و حب ده مثقال کنک و فلغل سفید فلغل سیاه دار فلغل از هر یک چهار مثقال زعفران یک مثقال صبر سقوطری مرصافی اشق حاشا از هر یک یک مثقال سقمونیای منشوی شش مثقال عصاره افسنتين ده مثقال کوفته بیخته با آب سرشته اقراض سازند و در سایه نگاه دارند شربت چهار مثقال \* ایارج هر مس \* **صنعت** آن غار بقون سفید یک اوقیه زراوند طویل زراوند مد حرج مرکی صافی سنبل الطیب پودنه کوهی جعله فرا سیون از هر یک دوازده اوقیه ناخود اسارون و ج ترکی تخم کرفس حاشا سازند و از هر یک یک اوقیه جنطیانا فطوریون دقیق کما ذریوس از هر یک چهار اوقیه قردمانا اردویه که آن را عربیثا نامند از هر یک نیم اوقیه تخم سد اب هیو فار بقون زوفای خشک فوه الصبغ از هر یک دو استار کما فیطوس اسقو لوقند ریون از هر یک شش اوقیه کوفته بیخته بعسل مصفی معجون سازند \* ایارج هوقفرا طین حکیم با این لفظ در قانون شیخ رئیس و سایر کتب ادویه مرکبه بنظر رسید و کمان این است که در نسخه که از یونان ترجمه به عربی شد که ایارج بقراط هوقفرا طین الحکیم و کسانیکه آن ترجمه را نقل کرده اند لفظ هورا که ضمیر منفصل است جزو اسم دانسته یعنی هوقفرا طین تمام اسم او شمرده اند و بالجمله این ایارج فیهرا و ایارج و ایارج بقراط که ذکر شد مرسته از استنباط بقراط حکیم است و این ایارج نافع است از برای رطوبت معده و اوجاع سر و صداع بخاری و در اررا مفید است و تنقیه سراز از خلط فاسد و می کنک و نافع است از برای مالینولیا \* **صنعت** آن جنطیانا زراوند مد حرج سلیخته دارجینی سنبل الطیب فطراسالیون کما ذریوس اسطوخودوس فلغل مرویه پودنه کوهی کینا و آن مصطکی است از هر یک یک درم مرصافی چهار درم حب البان زعفران از هر یک یک درم و نیم صبر سقوطری هیکل ده درم شحم حنظل شش درم کوفته بیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربت چهار درم با آب نیم گرم و این ایارج شانزده جزو است و مزاجش گرم و خشک است دوز و درجه و در قرابا دین کوتوالی از اول تا دارجینی وزن آنها از هر یک یک درم و از فطراسالیون تا مصطکی از هر یک و وزن صبر سقوطری هشت درم و نیم است \* **فصل در بیان حبوب مسهله که اصل و عمود در آن ها** **صبر و ایارج فیهرا است \*** بد آنکه بعضی از اطبا گفته اند که حبوب مسهله الطاف مسهلات است و بعضی دیگر گفته که اشریه مسهله الطاف مسهلات است و صاحب اختیار است بدیعی گفته که همه حبوب مسهله قوت آنها ناد و ماه باقی میماند در قوت خود بعد از آن ضعیف میگرد و بهتر آنست که یک روز قبل از استعمال ساخته و در سایه بر

پشت غریبال پهن کرده خشک نموده و شکرگاه با آنچه مناسب باشد از مبد رفات فرو برند \* و نیز بدان که آنچه از حبوب  
 منبهره است از برای امراض دماغی باید که اجزای آن نرم و خوب آن اندک بزرگ باشد تا بتدریج منحل گشته  
 اثر آن بدماغ برسد چنانچه در مبحث حبوب مذکور شد و نیز باید که اجزای آن هارا هریک اصلی جید تازه بی غش  
 اخذ نموده جل اجل اکوبید و بیخته در هم نموده سرشته حبوب سازند چنانچه به تفصیل مذکور میشود حب این جسم  
 نافع است از برای تنقیه بدن از جمیع فضول یعنی از بلغم و مزه و صفرا و مره و همچنین نافع است از برای معده  
 و تنقیه معده می کند و از کبد و تقویت آن و از برای ملبله و از برای تپها که کهنه و مسکن اخلاط مذکوره و مسکن خون است  
 و مزیل انواع جروح و حكه و از برای کسیکه بواسیر داشته باشد و محتاج شود با شامیدن این حب باید که چرب کنند  
 انگشت شصت به وانگشت ابهام خود را بروغن بادام شیرین و باین درانگشت بمالند خمیر این حب را تا خوب چرب  
 شود اجزای آن پس باز همان انگشتان را چرب کرده بآن حب سازند و فرو برند تا ضرر بواسیر نرساند \* صنعت این  
 ایارج فیقر و بیست و چهار درم هلیله سیاه پوست هلیله زرد از هر یک شش درم مصطکی رومی انیسون عصا و غافضا  
 عصا را فسنجین رومی از هر یک دو درم غنچه کل سرخ چهار درم کوفته بیخته بآن حب سازند هر حبی بقدر فلفلی  
 شربتیک یک درم و نیم تا دو درم بعد از دو ساعت که از اول شب بگذرد که هنوز خواب نکرده باشند با آب نیم گرم  
 فرو برند پس بخوابند و اسهال میکند این حب مابین دو مجلس تا چهار مجلس و عمل این حب پرواز است \* حب این حادث  
 مجرب است از برای بهق فاحش و ازاله آن میکند در سه روز و نیز این حب نافع است از برای حمی و ریاح و ارجاع مفاصل  
 هر مرض بلغمی و سوداوی \* صنعت آن پوست هلیله زرد هلیله سیاه صبر صقو طری انزروت سفید مقل سرخ سکبینج شحم ح  
 از هر یک پنج جز و حرف ابيض صغیر فارسی شونیز زیره کرمانی نمک طبرزد و مصطکی رومی از هر یک یک جز و صمغ  
 در ظرف مسی با آب کدنا تا بقدریکه ادویه را بآن خمیر توان کرد بخیسانند و در آفتاب کداند تا حل شود باقی ادویه را  
 کوفته بیخته بآن مخلوط سازند و بسر شند سرشتنی جید و حب سازند هر حبی بقدر فلفلی و در سایه خشک نمایند  
 شربتیک یک مثقال با آب نیم گرم و دروز قبل از استعمال این حب از جمیع اشیا سوای نان و زرد باج پرهیز نمایند حب این  
 هبیره ظاهر النفع است از برای بواسیر و مطلق ریاح خصوص ریاح بواسیر و از برای صفراوی خام و بهق و حكه و آشامیدن  
 میشود در هر روز و هر شب تا بستان و زمستان \* صنعت آن پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست هلیله کابلی از هر یک دو اوند  
 مشغال آمله منقی ششم مثقال شیطر ج هندی دار فلفل از هر یک پنج مثقال جوز ملج درانی از هر یک یک مثقال و نیم  
 تریب سفید مجوف مصمغ تراشید و بروغن بادام شیرین چرب نموده صبر صقو طری از هر یک سه مثقال کوفته بیخته  
 بروغن بنفشه بادام چرب نموده با اندک آب یا عرق رازیانه خمیر نموده مانند شمع بسازند و در سایه خشک نمایند  
 پس با زکوفته با آب سرشته حب سازند هر حبی بقدر نخودی شربتیک ششم مثقال نصف شب با آب گرم فرو برند پس  
 بل استیکه دین و میشود از آن منفعتی عجیب \* حب بواسطو خود و ص صبر صقو خود و ص صبر صقو خود و ص صبر صقو خود  
 صرع فالج و لقوه و رعشه و تپهای بلغمی و نافع باشد و اخلاط لزجه را دفع کند \* صنعت آن شحم حنظل سقمونیای مشوعه  
 انطاکی خربق سیاه مقل ازرق از هر یک جزوی و فوفیون نظرون از هر یک نیم جز و کوفته بیخته با آب کرنب سرشته حب سازند  
 شربتیک یک درم با آب نیم گرم \* حب اسطفا منقول از کتاب اکلیل محمد بن ذکریا از صمغ حخرج بلغم و مره سودای فاسد عفن  
 است \* صنعت آن ایارج فیقر افتیمون از هر یک پنج درم غاریقون هش سفید حصار منی از هر یک یک درم سقمونیای جید  
 انطاکی نیم درم کوفته بیخته بگللاب خالص سرشته حب ساخته نگاهدارند شربتیک از دو درم تا سه درم با آب نیم گرم ناشتا فر

در بریدن پیش ازین حب و بعد از آن شش روز در هیز نمایند \* حب اصطمخیقون مشهور این است که این حب از بختیشوع  
 است ولیکن ظن آن است که این قول صحیح نباشد بجهت آنکه لفظ اصطمخیقون یونانی است و معنی آن منقی اخلاط  
 بارده است و این شهادت می دهد بر آنکه این حب از اطباء یونان باشد و صحیح آن است که از فلنجوس انا سی یونانی  
 است و میتوان گفت که اصل حب اصطمخیقون از فلنجوس است و این نسخه از بختیشوع باشد چه اگر طبیبی غیر یونانی  
 دعوی ترکیب کند و آن را اسم یونانی نهی لازم نمی آید که از آن نباشد مثل آنکه ایارج که لفظ یونانی است و  
 ایارجات از غیر اهل یونان نیز میباشد و مثل لفظ تریاق که یونانی است و اطباء غیر یونان را نیز تریاقات میباشد  
 همیشه بن الحسن گفته که ترجمه حب اصطمخیقون در فارسی حب معد است و بالجمله این حب تنقیه اخلاط ثلاثه  
 اولیاء و ستر میکند و حفظ صحت مینماید و در میکند و سواس سودا و را و جمیع امراض سوداوی و ضعف معد  
 و حرقین و ضعف کلیه را \* صنعت آن صبر سقوطی یا نرده درم بسفایج فستقی افتیمون از هر یک شش درم سقمونیای  
 مشوی غاریقون هش سفید شحم حنظل از هر یک سه درم سنبل الطیب سلیخته سودا از عقران حب بلغان نمک هندوی  
 اسارون و ج ترکی عصاره افسنتین عود هندوی مصطکی بیخ اذخر ریون چینی زراوند مدحرج دارچینی از هر یک  
 یک درم و گاهی زیاده کرده می شود بران ایارج فبقراود نسخه دیگر هلیله زرد تربل سفید نیز داخل است اجزا  
 را کوفته بخته حب سازند \* حب اصطمخیقون دیگر نافع از برای امراض حادثه از بلغم غلیظ لزج و مره سودا و  
 تنقیه بدن از فضول مختلفه کند \* صنعت آن تربل سفید مدبرد و درم صبر سقوطی حب النیل از هر یک یک درم  
 نعم حنظل و دودانک سقمونیای مشوی و دودانک کوفته بخته با آب سرشته حب سازند و درم تا سه درم  
 و در نسخه دیگر صبر و حب النیل از هر یک یک درم است و آورده که اجزا را کوفته بخته با آب کرفس سرشته حب سازند \*  
 حب اصطمخیقون کند که شیخ ابوعلی سینا در قانون ذکر کرده این حب مغوی معد است و اشتهاهای طعام آورد  
 و نافع است از برای معد و کبد و طحال و تنقیه حواس میکند و معرا پاک میکند و اخراج فضول ثلثه یعنی مره صفرا  
 و مره سودا و خلط بلغم میکند از تمام بدن صاحب میزان الطبايع گفته که این حب بدن را از بلغم غلیظ و سودا و  
 بادهای بد پاک سازد و مزاج آن گرم است در اول درجه سیوم و خشک در دو درجه و ربع درجه میرزا ابراهیم در منهاج  
 خود گفته که این حب سبب راناقع است و صاحب ذخیره گفته که این حب بدن را از بلغم پاک کند \* صنعت آن هلیله  
 کابلی شش جزو نمک هندوی افسنتین و رمی غاریقون هش سفید سقمونیای ازرق مشوی از هر یک سه جزو اسارون  
 انیسون تخم کرفس از هر یک دو جزو تربل سفید مقشوم بر هفت جزو افتیمون اقريطی تازه پنج جزو ایارج فبقرا  
 هفت جزو و نقل یک جزو اجزا را کوفته بخته پس بپاشند بران اندک اندک آبیکه دران خیسانید و باشند فانیل مقدار  
 چهار جزو و با یک مقق را آب آنقل ریاشد که چون فانیل را دران بخیسانند مانند دوشاب شد و باشد و اجزا را بآن  
 خمیر توان کرد اجزا را بآن خمیر کرده حبها سازند هر حبی بقدر فلفلی شربتی و و مثقال و در نسخه صاحب ذخیره ایارج  
 فبقرا و حب جزو است و حکیم محمد حسین بن حکیم عماد الدین محمود گفته که شربتی ازین حب یک مثقال است \* حب  
 اصطمخیقون کونده در نفع مثل اصطمخیقون کند است \* صنعت این ایارج فبقرا تربل مدبر از هر یک ده درم مقل ازرق  
 شش درم پوست هلیله زرد افتیمون اقريطی غاریقون هش سفید بسفایج فستقی نمک هندوی شحم حنظل سقمونیای  
 انطاکی مشوی از هر یک دو درم ادویه را کوفته مقل را در آب انیسون خیسانید و حل کرده ادویه را بآن سرشته حب سازند  
 هر حبی بقدر فلفلی شربتی سه درم با آب نیم گرم \* صنعت این حب به نسخه صاحب ذخیره ایارج فبقرا ده درم پوست

هلیله زردا فتمون بسفا یج فستقی ازهر یک پنجل رم حب النیل ده درم شحم حنظل سه درم مقل ازرق ازسه درم تا چهار  
 درم باطبیخ انیسون \* حب اصطخیقون دیکرا بن حب صفرا را از همه تن فرا آورد و همه تن را خنک کند \* صنعت آن  
 پوست هلیله زردا یارج فیقرا ازهر یک دو درم حب النیل یک درم کوفته بیخته با آب سرشته حب سازند و در سایه خشک  
 کرده وقت حاجت دودرم با آب نیم گرم فرو برند \* حب اصطخیقون که محمد بن زکریا در کتاب اکلیل آورده و گفته که نافع  
 است از برای اخراج بلغم و صالح است عمل آن در همه فصول و اوقات \* صنعت آن ایارج فیقرا تربل جیل مدبر از  
 هر یک پانزده درم فتمون پوست هلیله زرد سعد غاریقون شش سفید ازهر یک ده درم نمک هندو از نبروت سفید شحم  
 حنظل ازهر یک هفت درم کوفته بیخته با آب کند و سرشته حب سازند شربت می ازدودرم تا سه درم با آب نیم گرم بپاشا منند  
 حب اصطخیقون مسهل بلغم این حب بلغم های تاسله را از تن پاک گرداند و معده و احشایا گرم سازد \* صنعت آن  
 ایارج فیقرا تربل سفید ازهر یک دو درم شحم حنظل نیم درم غاریقون یک درم مجموع را کوفته بیخته با آب حب سازند  
 شربت می دودرم بوقت حاجت با آب نیم گرم فرو برند \* حب اصطخیقون دیکر مسهل سودا این حب سودا و خلط های  
 سوخته را از تن فرود آورد \* صنعت آن ایارج فیقرا فتمون ازهر یک سه درم غاریقون سفید دودرم خربق سیاه یک درم  
 سقمونیای مشوی نیم درم همه را کوفته با آب سرشته حب سازند شربت می دودرم با آب نیم گرم \* حب اصطخیقون نافع از  
 برای امراض حاد که از بلغم غلیظ لزج و مره سودا و تنقیه فصول غلیظه مختلفه کند \* صنعت آن تربل سفید و درم  
 صبر سقو طری حب النیل ازهر یک یک درم و نیم شحم حنظل سقمونیای مشوی ازهر یک دو دانگ کوفته بیخته با آب کوفت  
 سرشته حب ها سازند شربت می یک درم \* حب اصطخیقون دیکر که از طبایع عصار است نافع از برای جمیع امراض با  
 صفراوی و دماغی را غایب و ده و تنقیه بلغم کند و جهت قولنج و مغص و ترمز نافع است \* صنعت آن حب بلسان عود و بلسان  
 باقشر سلیمه سنبل الطیب اسارون شامی دارچینی قلمی مصطکی رومی ازهر یک پنج مثقال رج ترکی زعفران ازهر یک یک  
 مثقال بیخ ازخروج غاریقون شش سفید ازهر یک دو مثقال عصاره ریوند چینی زراوند مد حرج صبر سقو طری سقمونیای  
 مشوی شحم حنظل ازهر یک سه مثقال فتمون بسفا یج فستقی ازهر یک شش مثقال کوفته بیخته بزوغن بادام شیرین  
 چوب نهوده بقرق بادرنجبویه سرشته حبوب سازند شربت می دو مثقال با آب نیم گرم فرو برند \* حب اصطخیقون دیکر که  
 تنقیه اخلاط غلیظه و فصول بلغمیه را کند و امراض راس بلغمی خصوص در دس و شقیقه را که از بلغم باشد مفید است \*  
 صنعت آن ایارج فیقرا حب النیل صبر سقو طری ازهر یک ده درم پوست هلیله زردا فتمون بسفا یج ازهر یک پنجل رم  
 شحم حنظل سه درم سنا مکی دودرم سقمونیای مشوی تربل سفید مد برا ازهر یک پنج مثقال همه را کوفته بیخته با آب رازیانه  
 یا با آب مطبوخ تخم رازیانه سرشته حبوب سازند و از سه درم تا چهار درم با آب طبیخ انیسون بپاشا منند \* حب اصطخیقون  
 مسقول از ذخیره سید اسمعیل جرجانی بدن را از بلغم غلیظ و سودا پاک سازد \* صنعت آن پوست هلیله زرد پوست  
 هلیله کابلی ایارج فیقرا نمک طعام انیسون سقمونیای مشوی ازهر یک یک اوقیه فتمون اقربطی دو اوقیه تربل سفید  
 محجوف خراشید هفت اوقیه و نیم مقل ازرق چهار درم مقل در آب کرفس حل کرده ادویه را کوفته بیخته با آن سرشته حب  
 سازند شربت می ازدودرم تا سه درم \* حب اصطخیقون به نسخه ابن جزله بیهار بها ئی که از بلغم غلیظ و سودا باشد زایل  
 و بدن را از اخلاط مختلفه پاک سازد \* صنعت آن عود بلسان حب بلسان سلیمه سنبل الطیب اسارون دارچینی  
 زعفران مصطکی رومی بیخ ازخروج ترکی عصاره افسنتین زراوند مد حرج نمک هندو ازهر یک یک درم صبر سقو طری  
 پانزده درم نهوده مشوی غاریقون سفید شحم حنظل ازهر یک سه درم بسفا یج فستقی فتمون ازهر یک شش درم کوفته بیخته

بیخته با آب سرشته حبها سازند هر حبی برا بر فللی در سایه خشک کنند و در شب سه نگاه دارند و سرش را استوار کنند و در  
 وقت حاجت شربت می دودرم و نیم با آب نیم گرم فرو برند \* حب اصطخیقون به نسخه حکیم سید کا زرنوی که در شرح  
 موجز آورده \* صنعت آن تربل سفید محجوف مضغ تراشید و بروغن بادام شیرین چرب نموده دودرم صبر سقوطری حب  
 النیل از هر یک ربع درمی شخم حنظل سقمونیای مشوی از هر یک دودانگ کتیرا مقل الیهودا زهر یک ربع مثقالی کوفته بیخته  
 با آب سرشته حبها سازند شربت می دودرم تاسه درم و گفته که کاهی زیاده میکنند برا جزای این حب غاریقون سفید بسفایج  
 فستقی دارچینی سیلانی مصطکی رومی اقیموم از هر یک بقل راجت بحسب حال و وقت \* حب ایارج جالینوس  
 در دودرم معده و جگر و نافع است و خلط از سر و دماغ فرود آورده و معده را از خلط ناسد و پاک سازد و قوی گرداند \*  
 صنعت آن ایارج فیکرا پنچل رم تربل سفید مد برشش درم پوست هلیله زرد پنچل رم کوفته بیخته بروغن بادام شیرین  
 چرب نموده با آب کا سنی تازه سرشته حبها سازند هر حبی بقل رنجودی شربت می دودرم و نیم شب وقت خواب با آب نیم گرم  
 فرو برند \* حب ایارج قلمی فرموده اند که از قند و حکما راستا د اطباء میر محمد هادی العلوی والد صاحب فقیر است غفر الله  
 نافع از برای فالج لقوه و صرع و استرخا و ما لیخولیا و قوت با صره و در معده و خلط غلیظه بلغمیه و سودا و بیه را از دماغ فرود  
 آورد و معده را از خلط غلیظه لزجه پاک سازد و قروح و بثور سودا و بیه را نافع باشد \* صنعت این حب ایارج فیکرا سه  
 درم غاریقون هشت سفید بسفایج فستقی غنچه کل سرخ اسطوخودوس مغسول از هر یک دودرم مقل ازرق اقیموم  
 بادر پنجه و پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه سنا مکی عود الصلیب انیسون ابرسا از هر یک یک درم تربل سفید  
 مد بر دودرم و نیم زنجبیل یک درم و دودانگ کوفته بروغن بادام شیرین چرب نموده با آب سرشته حبها ساخته بوق نقره پیچید و  
 شربت می دوشمال با آب نیم گرم شب وقت خواب فرو برند \* حب ایارج منسوب با بن ما سوبه نافع است از برای امراض بارده  
 دماغ خصوص امراض حادثه از فضول طبع و بصیر احدت دهد و تنقیه معده کند \* صنعت این حب به نسخه ابن جزله ایارج  
 فیکرا شش درم پوست هلیله زرد تربل سفید مد بر از هر یک چهار درم نمک هندیا نیسون از هر یک دودرم و نیم کوفته بیخته با آب  
 کرفس تازه سرشته حبها سازند هر حبی بقل رفللی شربت می دودرم و اگر خواهند که صفرا نیز براند نیم درم سقمونیای مشوی  
 اضافه نمایند و اگر خواهند که خلط مختلفه براند یک درم شخم حنظل نیز داخل نمایند \* صنعت آن ایارج فیکرا  
 شش درم هلیله زرد پنچل رم تربل سفید چهار درم انیسون نمک هندیا از هر یک دودرم و نیم غاریقون سفید دودرم  
 شخم حنظل یک درم و اگر با خلط بلغمی صفرا باشد تقویت اسهال آن کنند بسقمونیای مشوی بقل راجت مجموع را  
 کوفته بیخته حبها سازند چون نخود شربت می یک مثقال و بعضی گفته اند که قوت این حب تا دو سال باقی میماند \* حب ایارج  
 ابو جریح سرودماغ را پاک کند و درد سوبه برود و معده را قوی گرداند \* صنعت آن ایارج فیکرا نیم درم پوست هلیله  
 زرد یک درم تربل سفید مد بر چهار دانگ نمک هندیا یک دانگ همه را کوفته بیخته با آب سرشته حبها سازند مجموع یک  
 شربت است و در نسخه دیگر ایارج یک درم است \* حب ایارج محمد بن ذکریا سرودماغ و معده را از خلط غلیظه لزجه  
 پاک کند \* صنعت آن ایارج سه درم تربل سفید مد بر دودرم نمک هندیا دودرم و نیم کوفته بیخته با آب سرشته حبها  
 سازند شربت می دودرم با آب نیم گرم فرو برند \* حب ایارج منقول از حاروی صغیر تالیف محمد بن الیاس تنقیه دماغ کند  
 از فضول غلیظه و خلط بلغمیه و نافع است از برای سکت و صرع و تاریکی چشم و شب کوری و سبل و نسپان \* صنعت آن  
 ایارج فیکرا تربل سفید مد بر از هر یک یک درم حب النیل غاریقون سفید انیسون از هر یک نیم درم شخم حنظل نمک  
 هندیا از هر یک یک دانگ و نیم کوفته بیخته با آب رازیانه تازه سرشته حبها سازند مجموع یک شربت است \* حب



ایارج دیگر منقول از حای صغیر محمود بن الیاس شیرازی تنقیه شروع کند \* صنعت آن ایارج فیکراشش درم  
 تربک سفید مد بر پوست هلیله ا فتمون ا قریطی ازهریک سه درم نمک نبطی تخم کرفس ازهریک دودرم غنچه کل سرخ دو  
 درم ونیم کوفته بپخته با آب سرشته حب سازند شربت دودرم \* حب ایارج دیگر که تنقیه معده و سوا فضول نمایند و امراض  
 بادیه معده و سورا بنهایت نافع است \* صنعت آن ایارج فیکرا تربک سفید مد بر ازهریک یکد رم نیسون دودرم اسطوخودوس  
 غار بقون سفید حب النیل رب السوس ازهریک نیم درم بوزبدان نمک هندی شحم حنظل کتیرا مقل ازرق ازهریک یکد نک  
 محمود مشوی نیمد آنک کوفته بپخته با آب کرفس تازه سرشته حب سازند جمله یک شربت کامل است \* حب ایارج  
 دیگر تنقیه معده و دماغ و اعصاب از فضول بلغمیه کند و نافع است از برای فالج و لقوه و رعشه و امثال اینها \* صنعت آن  
 ایارج فیکرا تربک سفید مد بر ازهریک یکد رم شحم حنظل ربع درمی نمک هندی دود آنک کوفته بپخته با آب کرفس تازه  
 سرشته حب سازند جمله یک شربت است \* حب ایارج به نسخه حکیم سدید در شرح موجز نافع از برای علل راس و  
 معده و فضول را ازین دوعضو منحل رسا زد \* صنعت آن ایارج فیکرا سه درم تربک سفید پوست هلیله زرد ازهریک دودرم  
 نمک هندی یک مثقال محمود انطاکی یکد رم مقل ازرق بقدر حاجت چنانکه رسما است حب سازند شربت دودرم  
 تا سه درم است و گاهی بدل محمود شحم حنظل میکنند و هرگاه اراده اسهال بلغم باشد و گاهی زیاده میکنند درین حب  
 پوست هلیله کابلی و گاهی ادویه این حب را با آب کرفس خمیر میکنند و اول است که حبها را بزرک سازند تا مکث کنند  
 در معده و شب بخوابند که حرکت یقظه موجب سرعت انحلال آن نشود و مکث کند در معده و جذب کند مواد را از سر \*  
 حب ایارج به نسخه صاحب قرا بادین کوتوالی سرود دماغ را پاک و بوی ناخوش که از بینی آید به بود و دود سر و  
 شقیقه و دود چشم و دود گوش را سود مند باشد \* صنعت آن ایارج فیکرا یکد رم تربک سفید مد بر یکد رم ونیم پوست  
 هلیله کابلی افتمون ازهریک چهارد آنک کل سرخ نمک سیاه ازهریک یکد ونیم کوفته بپخته با آب سرشته حب سازند  
 و اگر خواهد قویتر شود نیم درم سقمونیا اضافه کنند \* حب ایارج دیگر تنقیه بلغم کند و نافع است از برای جمیع امراض  
 بلغمی خصوص امراض بلغمی دماغ و اعصاب و خصوص از برای فالج \* صنعت آن شحم حنظل غار بقون سفید ازهریک یک  
 داندک تربک سفید مد بر بسغایچ فستقی زنجبیل ازهریک ربع درمی خربق سیاه محمود مشوی ازهریک یکد آنک ونیم ایارج  
 فیکرا مقل مجموع ادویه همه را کوفته بپخته مقل ازرق نیم درم رب السوس ثلث درمی کتیرا ربع درمی در آب حل کرده ادویه را  
 بآن سرشته حب سازند جمله یک خوراک بود \* حب ایارج منقول از حای کبیر نافع از برای علل معده و سورا منحل فضول  
 از معده و سر \* صنعت آن ایارج فیکرا شش درم پوست هلیله زرد چهار درم ونیم کوفته بپخته با آب کرفس تازه سرشته حب  
 سازند هر حبی بقدر نخودی شربت دودرم ونیم با آب نیم گرم شب وقت خواب فرو بوند و اگر خواهند اسهال صغیر نیز  
 کنند نیم درم سقمونیا مشوی اضافه نمایند \* حب ایارج تنقیه دماغ و معده کند و جذب مواد از اعضا ی بعید نمایند  
 و بدن را از اخلاط فاسده پاک سازد \* صنعت آن شحم حنظل غار بقون سفید تربک سفید پوست هلیله زرد هلیله سیاه  
 مقل ازرق بسغایچ فستقی اشق سکبینه سقمونیا مشوی حب النیل افتمون ا قلیطی ملج و ملح نبطی و ج ترکی کتیرا  
 اسطوخودوس قرنفل فردنج لسان الثور ازهریک یکد رم ایارج فیکرا نوزده درم که بوابر مجموع ادویه باشد کوفته بپخته  
 با آب و زیاده تر با آب خالص حب سازند شربت دودرم و مثقال تا چهار مثقال \* حب ایارج مسهل بلغم و حمیات بلغمی و  
 غیره را نافع است \* صنعت آن ایارج فیکرا تربک سفید مجوف مصغ مد بو غار بقون سفید ازهریک نیم مثقال شحم حنظل  
 یکد آنک عصا را افسنتین ربع مثقال کوفته بپخته بروغن بادام شیرین چرب نموده و بسکنجبین ساد سرشته حب سازند و



و نگاهدارند و این مجموع یک شربت تام است \* حب ایا راج دیگر که اسهال صفرا و یلغم کند و امراض مرکبه ازین دو خلط را نافع است خصوص از برای سیات سهری \* صنعت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه غاریقون هشت سفید بسفاییم فستقی تربید سفید مد بر سنامکی از هر یک یکدم نیم درم ایا راج فیکرا مثل ادریه کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده با آب طبیع کرفس تازه یا آب طبیع رازیانه سرشته حبوب سازند هر حبیبی بقدر نخودی شربت بی چهار درم ناشش درم با آب نیم کرم فرو برند و اگر قبض در طبع بسیار باشد با شراب اسطوخودوس مرکب که در شربه اسطوخودوس ذکر یافت که آن را با آب کرم حل کرده باشند فرو برند \* حب ایا راج دیگر که همین منفعت دارد \* صنعت آن ایا راج فیکرا تربید سفید مجوف مد بر از هر یک یکدم نیم هندی نیم درم شحم حنظل یک دانگ و نیم سقمونیا یا انطاکی مشوی یک دانگ کوفته بیخته با آب سرشته حب سازند جمله یک شربت کامل است \*

حب ایا راج به نسخه حکیم صالح خان و ح خال آن مرحوم \* صنعت آن ایا راج فیکرا پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی پوست بلبله ورق کل سرخ نمک هندی عصاره افسنتين سنامکی از هر یک در مثقال تخم کرفس نیم مثقال غاریقون هشت سفید چهار مثقال سقمونیا مشوی شاهتره از هر یک در مثقال کوفته بیخته تخم گسنی سه مثقال کوفته شیوه برآورده صمغ عربی سه مثقال در شیوه آن حل کرده ادریه مد کوره را درین خمیر کرده حبها سازند هر حبیبی مقدار فستقی شربت بی یک مثقال وقت خواب با آب نیم کرم فرو برند \* حب ایا راج دیگر سر و معد را از اخلاط فاسد پاک کند و فضول از دماغ منحل رسازد و بنهایت نافع بود از برای امراض بادی معد و سر \* صنعت آن ایا راج فیکرا یک مثقال تربید سفید مد بر یک درم حب النیل بنفشه انیسون غاریقون سفید از هر یک نیم درم نمک هندی یک دانگ و نیم شحم حنظل یک دانگ و در نسخه دیگر یک دانگ و نیم است کوفته بیخته با آب رازیانه تازه سرشته حبها سازند هر یک حب بیخته و نخودی جمله یک شربت است \* حب ایا راج دیگر منقی معد و سراس است \* صنعت آن ایا راج فیکرا صعفر فارسی مصطکی زعفران سنبل الطیب اسارون سلیمه دارچینی از هر یک یکدم صبر سقوطری هفت درم کوفته بیخته پس بکیرند ازین ایا راج شش درم سقمونیا مشوی یکدم شحم حنظل یکدم و نیم نمک هندی سه درم کوفته بیخته حب سازند جمله شش شربت است \* حب ایا راج منقول از کمال الصنعه که همین خاصیت دارد \* صنعت آن ایا راج فیکرا سه درم تربید تراشیده سفید مد بر پوست هلیله کابلی نمک هندی از هر یک درم شحم حنظل یکدم تخم کرفس نیم درم کوفته بیخته با آب سرشته حب سازند شربت بی دو درم تاسه درم \* جهت استرخا و صرع \* صنعت آن ایا راج فیکرا تربید سفید غاریقون از هر یک یکدم اسطوخودوس بوزیدان هودا الصلیب از هر یک نیم درم شحم حنظل مصطکی از هر یک دانگی محصوره نیم دانگ کوفته بیخته با آب رازیانه حب سازند و حب اسطوخودوس و حب افایه و حب افتمون و حب افریون و حب اهلیج و حب بسفاییم و حب بنفسج صبری را یارجی هر یک در رسم خود ذکر یافت از انجا جویند \* حب بره الساعه مسهل اخلاط غلیظه است از اعماق بدن و مفاصل و نافع است از برای اوجاع مفاصل و نقرس و عرق النساء و رج \* صنعت آن صبر سقوطری سورنجان مصری پوست هلیله زرد مصطکی سنامکی اجزا مساوی کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده حب سازند شربت بی دو درم در وقت خواب با آب نیم کرم فرو برند \* حب مرمری تنقیه سرو اطراف کند و نافع است از برای اورام و باید که شب بخورند و بخوابند تا بنهایت مرتبه رسد در جنب \* صنعت آن صبر سقوطری شحم حنظل زعفران سنبل الطیب دارچینی حب بلسان اسارون مصطکی افسنتين رومی سقمونیا تربید سفید از هر یک یک مثقال سلیمه سودا نیم مثقال کوفته بیخته با آب سرشته حب سازند و در وقت حب ساختن دست را بروغن بادام شیرین چرب سازند هر حبیبی

بعد از خوردن و فرا گیرند از آن بقیه در می طبیعت و قبض آن و اقل آن سه حب سازند و اکثر آن یازده حب و شربت  
 تام دودرم است شب وقت خواب \* حب بیخته شروع اسهال سودا و صفرا و بلغم کند با آسانی \* صنعت آن افتمون پوست  
 هلیله زرد از هر يك دودرم سقمونیا مشوی نمک هند ی از هر يك يك درم زعفران نیم درم صبر سقوطی دودرم و نیم درم  
 کوفته بیخته با آب حب سازند شربت دودرم تا سه درم \* حب خیزران خنازیر و غده و سلعه را نافع باشد و امراض بلغمی  
 را سود دارد \* صنعت آن ایاره فیکرا سه درم غاریقون دودرم و نیم شحم حنظل یک درم و نیم انزروت چهار درم تربل سفید مدبر  
 هفت درم جاوشیر یک مثقال نوشاد دودرم سقمونیا یک مثقال کوفته بیخته با آب کند ناحب سازند شربت دودرم \* حب روز یک درم \*  
 حب بهرامی استسقای لحمی را نافع است \* صنعت آن صبر سقوطی دوازده درم افتمون شش درم سقمونیا چهار درم  
 سنبل الطیب سلیمه تربل سفید مصطکی از هر يك ده درم زعفران یک درم و نیم غاریقون سه درم حما ما یک درم کوفته  
 بیخته حب سازند شربت دودرم و نیم \* حب بهق بهق را زائل گرداند \* صنعت آن تربل یک درم و دانکی و نیم غاریقون  
 ایاره فیکرا افتمون از هر يك چهار دانک هلیله سیاه شیطارچ عصاره افسنتین از هر يك دودانک سقمونیا سه نخود  
 مقل انیسون از هر يك دانکی کوفته بیخته حب سازند جمله یک شربت با آب نیم گرم \* حب یونما اوجاع  
 مفاصل را در روز با صلاح آورد \* صنعت آن صبر سقوطی تربل سفید از هر يك هشت درم پوست هلیله زرد  
 بوزیدان سورنجان از هر يك دودرم انیسون سقمونیا از هر يك یک درم مقل یک درم و نیم کوفته بیخته با آب  
 کند ناحب سازند شربت سه درم با آب گرم \* حب جاوشیر سلمویه منقول از قرا باد بن قانون نافع است از برای  
 درد زانو و درد پهلو و درد کمر و از برای امراض بارده امراض لقوه و استرخای اعصاب \* صنعت آن زنجبیل فلفل  
 دار فلفل شیطارح هند ی پوست هلیله زرد پوست بلبله آملة منقی مرصافی تربل سفید مدبر سقمونیا مشوی زعفران  
 چند پیکل ستر از هر يك دودرم سورنجان جاوشیر سکبینج مقل ازرق اشق شحم حنظل از هر يك ده درم صبر سقوطی  
 بیست درم صمغ را با آب کرنب خیسایید و حل کرده ادویه و کوفته بیخته با آن سرشته حب سازند شربت دودرم \*  
 حب جالینوس چنین گفته که این حب درد سر را به برد و چشم را روشن کند و فصول رده را از تن فرود آورد \*  
 صنعت آن مصطکی رومی افسنتین رومی سقمونیا شحم حنظل اجزا مساوی کوفته بیخته حب سازند شربت یک درم  
 و در نسخه دیگر بجای افسنتین عصاره افسنتین بوزن آن است و صبر سقوطی بوزن یک جزو اضافه ادویه مل کوراست  
 گفته شد که شربت از این حب از یک درم تا دودرم و نیم است بحسب مزاج \* حب جالینوس دیگر \* صنعت آن صبر  
 سقوطی عصاره افسنتین یا ورق آن مصطکی از هر يك دودرم سقمونیا مشوی شحم حنظل از هر يك یک درم کوفته بیخته با آب  
 کرفس تازه یا با آب خالص سرشته حب سازند شربت یک مثقال و در نسخه دیگر عصاره افسنتین و ورق افسنتین  
 هر دو داخل است \* حب دافع انخرو از سودماغ \* صنعت آن صبر سقوطی چهار درم پوست هلیله گابی پوست هلیله  
 زرد از هر يك چهار رطل در بونل چینی مصطکی رومی غنچه کل سرخ منزع الا قما غاریقون هشت سفید سر بنفشه  
 سنا مکی افتمون اقریطی افسنتین رومی از هر يك یک درم سقمونیا مشوی هفت درم کوفته بیخته بروغن بادام  
 شیرین یک مثقال چرب نموده با آب را زایانه حب سازند شربت دودرم \* حب الک حب این حب موسوم بحب  
 صبر است و از تراکیب قل و فضلا و حکما حسین بن عبد الله بن سینا معروف بشیخ ابوعلی است تنقیه اخلاط ثلاثه از سر  
 و بدن و حفظ صحت میکند مفتوح سد ها و مزبل عسر النفس و انخرو و اوجاع ظهر و جنب و رجلی و ممل و فصول است و هلاک  
 میباید دل با صره و روضه طعام میکند با لجمله و التزام آن مستغنی میسازند شخصی را از دواهای دیگر رحل استعمال آن از

از برای مزید اسهال تادودرم است \* صنعت آن صبر سقو طری بیست مثقال پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی از هر يك ده درم كل سرخ منزوع الاقماع پنچل رم سقمونیای مشوی زعفران مصطكي رومي كثیرا سفید از هر يك سه درم عنبر اشهب ورق طلا از هر يك چهار قیراط مرجان قرمزی بسد سرخ یا قوت رمانی مر وارید ناسفته از هر يك سه قیراط ادویه مذکوره را بمنزله اصل این حب شناسند و زیاده کرده شک و بان این ادویه از برای بلغم و ریاح بارده عود هندى سنبل الطیب اسارون از هر يك چهار درم و در مغاصل و عرق النساء و مانند اینها غاریقون سفید اشق تربل سفید مد برا نر زرد سفید عافرق حا سورنجان مصری از هر يك سه درم و از برای خلد اوندان صفرا بر اصل فقط پوست هلیله زرد كل بنفشه از هر يك پنچل رم و اگر با صفرا بخورده متصاعده بسوی سر باشد زیاده کرده شود بران مر زنجوش و کشته خشك از هر يك پنچل رم و اگر ضعف کبد باشد طباشیر سفید بدل مر زنجوش و کشنیز خشك کنند و از برای خلد اوندان سودا بر اصل فقط لاجورد مغسول و یا حجر ارمینی مغسول هر يك ام که باشد نیم درم افزود نمایند مجموع را کوفته بپخته بکلاب و عرق بید مشک و آب کرفس تازه و آب رازبانة تازه سرشته حبها سازند و قوت این حب تا دو سال باقی میماند و این نسخه را شیخ انطاکی از شیخ رئیس نقل کرده قلمی فرموده اند که احقر را معلوم نیست که شیخ رئیس در کمال کتاب ذکر این نسخه نموده و اصل این بقوانین ترکیب مشوش است \* حب الاله منقول از خط میرزا محمد باقر بن حکیم عماد الدین محمود حسینی شیرازی نافع از برای صلح و رمد و ابتداء نزول آب چشم \* صنعت آن صبر سقو طری سقمونیای مشوی از هر يك یک مثقال پوست هلیله زرد دو مثقال و نیم کوفته بپخته با آب حب سازند شربت می دودرم \* حب الاله دیگر تنقیه معده و دماغ کند و نافع است از برای خیالات و ابتداء نزول آب چشم \* صنعت آن صبر سقو طری بیست درم پوست هلیله زرد ده درم کثیرا مصطكي رومي سقمونیای زعفران از هر يك سه درم ورق كل سرخ پنچل رم کوفته بپخته بکلاب سرشته حب سازند شربت می از دودرم تاشش درم یا آب کرم فرو برند \* حب الاله به نسخه صاحب ذخیره خوارزم شاهی \* صنعت آن صبر سقو طری ده درم تربل سفید مد بر هفت درم مصطكي كل سرخ از هر يك دو درم و نیم زعفران یک مثقال پوست هلیله زرد پنچل رم سقمونیای مشوی یک درم و در نسخه دیگر سقمونیا یک درم و نیم است مجموع را کوفته بپخته با آب سرشته حب سازند شربت می از دودرم و نیم تا سه درم شب وقت خواب با آب کرم فرو برند \* حب الاله منقول از خط میرزا محمد حسین حکیم ولد حکیم عماد الدین محمود گفته که این حب را حب قبطی نیز گویند تنقیه معده و سر از رطوبات کند و تقویت معده و دماغ نماید \* صنعت آن هلیله سیاه پوست هلیله کابلی از هر يك پنچل رم کرویا نانو و تخم کرفس زبره کرمانی انیسون از هر يك دو درم مصطكي رومي سه درم نمک هندى یک درم و نیم صبر سقو طری مثل وزن مجموع ادویه زعفران یک درم و نیم مجموع را کوفته بپخته بکلاب کرده حبها سازند و با آب برک اترج بزرک تراز نخود تناول نمایند از این حب پیش از طعام یک درم و ثلث درم بیاشامند بران دوجوعه آب نیم کرم و اگر خواسته باشند تناول آن بعد از طعام باید کرد اندک شود مقدار شربت آن نصف آنچه مذکور شد پس بد رستیکه تنقیه معده و سر میکنند از رطوبت و تقویت آنها می نماید بعون الله تعالی خواه قبل از طعام و خواه بعد از طعام \* صنعت این حب به نسخه کرباغی از بعضی اجزا منقول از مقالات بقراطی که گفته که این از تالیف فیضی است \* صنعت آن نانو و تخم کرفس زبره کرمانی انیسون هلیله نمک نعطی از هر يك یک درم مصطكي سه درم صبر سقو طری مثل مجموع ادویه اجزا را کوفته بپخته با آب برک اترج سرشته حبها از نخود بزرک تر سازند و هر روز یک حب آنرا تناول نمایند یک مجلس عمل کنند و رطوبات فاسده از معده پاک کنند و نکاند که رطوبات فاسده موجب ضعف معده و سر گردد بعون الله عزوجل \* حب الاله قلمی فرموده اند که از تالیف احقر است بجهت امراض سوداوی \* صنعت آن پوست هلیله زرد هلیله کابلی هلیله

سیاه لاجورد مغسول بسفایند  
 دودرم ایارج دوازده درم طلای محرق یک گرم کو بید و بکلاب سرشته حب سازند \* حب الی حب حکیم احمد موسوی  
 نافع از برای رمد و صناع و ابتدای نزول آب در چشم \* صنعت آن صبر سقوطری سقمونیای مشوی ازهر یک یکم مثقال پوست  
 هلیله زرد و دو مثقال ونیم کوفته بپخته با آب حب سازند شربت دودرم \* حب الی حب که نافع است از برای مواد حاره و  
 امراض \* صنعت آن صبر سقوطری ده درم تربید سفید مد بر هفت درم مصطکی رومی برک کل سرخ ازهر یک دودرم ونیم  
 زعفران نیم درم پوست هلیله زرد پنج درم سقمونیای مشوی سه درم ونیم و در نسخه دیگر دودرم ونیم است یک ستور  
 مقر حب سازند شربت دودرم تا وزن دو مثقال با آب نیم گرم \* حب الی حب ثابت بن قره این حب درد سر و شقیقه را  
 سود دارد و چشم را جلادهد و اخلاط خاسده را از بدن با سهال دفع کند و بدن و معدة و سر را پاک کند \* صنعت آن صبر  
 سقوطری بیست درم کتیرا مصطکی رومی زعفران و سقمونیای مشوی ازهر یک سه درم پوست هلیله زرد ده درم ورق کل سرخ  
 چهار درم کوفته بپخته با آب سرشته حب سازند شربت دودرم ونیم و در نسخه شغائی وزن کل سرخ پنج درم است و گفته  
 که اجزای بکلاب سرشته حب سازند و نسخه صاحب میزان الطبائع مطابق نسخه شغائی است و گفته که شربت دودرم  
 ونیم است و مزاجش گرم است در یک رجه ونیم و خشک است در او خرد رجه دویم \* حب الی حب منقول از بیاض خط  
 میوزائی محمد باقر میرزا از برای اوجاع سر و جلای چشم و تنقیه بدن و معدة \* صنعت آن صبر سقوطری پوست هلیله  
 زرد ازهر یک بیست درم مصطکی رومی کتیرا زعفران و سقمونیای مشوی ازهر یک سه درم کل سرخ منزع الاثماع پنج درم  
 کوفته بپخته با آب حب سازند شربت دودرم تا دودرم ونیم \* حب رجا \* صنعت آن تربید سفید یک گرم ونیم غار بقون  
 ایارج فیقرا ازهر یک چهار دانگ قنطور یون ماهی زهره عصاره افسنتین ازهر یک دودانگ کوفته شحم حنظل سقمونیا از  
 هر یک سه حبه مقل ازرق انیسون ازهر یک دانگ کوفته بپخته با آب رازیانه حب سازند \* حب راوند صبری در او وند  
 مذکور شد \* حب زبور یورا سرد مند بود \* صنعت آن تربید یک گرم ایرسانیم درم ایارج فیقرا غار بقون ازهر یک یک گرم  
 محمود دانه کی مقل دودانگ بپخته نیم درم کوفته بپخته با آب حب سازند \* حبیکه ریشه و فالج و استرخا و امراض بارده را  
 نافع است \* صنعت آن ایارج فیقرا عاقر قرحا ازهر یک پنج درم و در نسخه معصومی عاقر قرحا سه درم است چند بید ستر شیطون  
 بزرگ نیم ازهر یک سه درم سکبینج شحم حنظل ازهر یک چهار درم کوفته بپخته با آب حب سازند شربت دودرم ونیم \* حب  
 سکبینج جالینوس امراض بارده و استسقا و قولنج و فالج و لقوه را سود دارد \* صنعت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله  
 سیاه آمه منقی ازهر یک شش درم و در نسخه دیگر یا نزه درم است زنجبیل دارچینی ازهر یک پنج درم فلفل سیاه دار فلفل  
 اسارون ازهر یک سه درم مرصافی تخم کرفس نانخواه و ج ترکیه سلیخته سیاه شیطان هند حب بلسان ازهر یک دودرم مصطکی  
 شانزده درم و در نسخه دیگر شش درم غار بقون سفید ده درم سکبینج سی درم صبر سقوطری چهارده درم مقل ازرق چهار درم  
 سکبینج و مقل را نیم کوفته در آب کند داخل سازند مرحبی بقل و فلفلی شربت دودرم و نیم تا دو مثقال با آب نیم گرم است  
 وقت خواب فرو برد و باید که قبل از استعمال و بعد استعمال این حب یک روز بهر روز کنند \* حب سکبینج بنسخه صاحب  
 اختیار است بل یعنی \* صنعت آن صبر سقوطری سکبینج تخم کرفس از روت سفید پوست هلیله زرد ازهر یک دودرم ونیم تربید  
 سفید تراشید و بروغن بادام شیرین چرب نموده دودرم شحم حنظل یک گرم ونیم مجموع را کوفته بپخته با آب حب سازند  
 و اگر با آب رازیانه تازه سرشته حب سازند بهر دو است شربت سه درم و محمود بن الیاس درین نسخه صبر داخا کرده و در  
 نسخه دیگر وزن تربید ده درم است و یک گرم سقمونیا نیز داخل است \* حب سکبینج دیگر بیمای بلغمی و فالج و لقوه

و اوجاع مفاصل را زایل کردا ن \* صنعت آن سکبینج اشق جا و شیر شخم حنظل ازهر یک ده درم فلفل سیاه زنجبیل دار فلفل  
 شیطرج هند هانا خوا ه چند بید ستر زعفران ازهر یک دودرم پوست هلبله کابلی پوست بلبله آمله منقی سورنجان مصری  
 ازهر یک سه درم تربل سفید مل بر سقمونیا مشوی ازهر یک پنج درم صبر سقوطری بیست درم بآب کبل فاحب سا زنب  
 شربتی دودرم تا سه درم \* حب سکبینج دیگر که همین منافع دارد \* صنعت آن سکبینج اشق مقل ازرق جا و شیر بزر حرمل  
 شخم حنظل ازهر یک دودرک صبر سقوطری نیم درم تربل سفید چهار دانگ و در نسخه دیگر چهار درم است صمغ واد آب  
 کونب انجیسانند تاحل شود و باقی ادویه را کوفته پیخته با آن بسروشند و حب سازند جمله یک شربت است \* حب سکبینج  
 فالج و لقوه و نقرس و وجع ظهر و ریاح غلیظه را دفع کند و حیض بکشا ی \* صنعت آن سکبینج صبر سقوطری اشق جا و شیر  
 مقل ازرق حرمل شخم حنظل پوست هلبله زرد انزروت سفید بل ستور مقدر حب سازند شربتی دودرم \* حب سکبینج  
 به نسخه ابن جزله گفته که این حب درد قولنج و درد معده و دردا معا و مقعد و بواسیر را نافع بود و بادها ی غلیظه را دفع کند  
 و حیض براند \* صنعت آن بکیرند صبر سقوطری زرد سکبینج تخم کرفس انزروت سفید پوست هلبله زرد ازهر یک پنج درم  
 تربل سفید بیست درم تخم حنظل سه درم اجزا جدا جدا کوفته وزن کرده در هم آمیزند و حبها سازند هر حبی بقدر  
 نقودی شربتی سه درم \* حب سکبینج به نسخه دیگر از جهت حمل گرفتن و وجع ظهر نافع باشد \* صنعت آن صبر سقوطری  
 مصطکی بزر الحرمل هلبله سیاه ازهر یک دودرم تربل سفید سکبینج ازهر یک هفت درم کوفته پیخته حب سازند  
 شربتی سه درم \* حب سلیم تنقیه سر کند از اخلاط \* صنعت آن صبر سقوطری تربل سفید مجوف ازهر یک ده درم  
 شخم حنظل سقمونیا مشوی ازهر یک سه درم انیسون نمک طعام ازهر یک دودرم کوفته پیخته حب سازند هر حبی  
 بقدر نقودی شربتی از برای اقویا دودرم و برای ضعفا یک مثقال \* حب شیطرج منقول از معصومی اوجاع و رکن  
 و عرق النساء را سودمند بود و اخلاط لزجه را دفع سازد \* صنعت آن سکبینج مقل اشق جا و شیر فریون ازهر یک یک درم  
 صبر زرد افتیمون غاریقون ازهر یک یک و نیم درم زراوند کرد قنطوریون دقیق چند بید ستر ازهر یک دودرم دار فلفل  
 زیره زنجبیل ناختوا ه تخم کرفس مومکی زعفران انیسون ازهر یک چهار دانگ هلبله زرد سورنجان ماهیزهرج  
 ازهر یک دودرم و نیم خردل سفید شیطرج هند ی شخم حنظل و ج ترکی ملج هندی ازهر یک چهار دانگ ادویه کوفته  
 پیخته بآب کاکج حب سازند شربتی دودرم باشد \* حب شیطرج دیگر اوجاع مفاصل و اعصاب و فالج و لقوه و احتباس  
 حیض را نافع باشد \* صنعت آن صبر سقوطری بیست درم خردل سفید زنجبیل نمک هندی و ج ترکی شیطرج هندی از  
 هر یک یک درم فانیل چهار درم ادویه کوفته پیخته بآب کرفس حب سازند شربتی دودرم و نیم \* حب شیطرج منقول از  
 قانون \* صنعت آن صبر سقوطری زرد تربل سفید مل بر سورنجان مصری ازهر یک ده درم شیطرج هندی و ج ترکی ملج  
 نفطی شخم حنظل غاریقون تخم هزار اسپند که حرم است مقل سکبینج ازهر یک دودرم زنجبیل دار فلفل فلفل  
 مصطکی خردل انیسون قسط تلخ ناختوا ه ازهر یک یک درم افیون اقربطی هلبله سیاه ازهر یک پنج درم کوفته پیخته بآب  
 کونب یا کاکج سوشته حب سازند شربتی دودرم بآب نیکرم \* حب شیطرج دیگر نافع است از برای اوجاع مفاصل و  
 نقرس که از بلغم باشد و قولنج بکشا ی و اخلاط غلیظه بلغمه دفع کند \* صنعت آن شیطرج هندی پوست هلبله زرد ازهر یک  
 پنج درم تربل سفید مل بر هفت درم شخم حنظل چهار درم سورنجان مصری شش درم بوزید ان ماهی زهرج ازهر یک  
 سه درم فوچهار درم خردل زنجبیل و ج ترکی صعفر فلفل ازهر یک یک درم و نیم تخم کرفس ناختوا ه انیسون ازهر یک یک درم  
 سکبینج دودرم سکبینج را در آب کونب تر کرده و پنج درم فانیل در آن داخل کرده در ها و ن سحق نمایند تاحل شود و ادویه را

بآن سرشته حب سازند شربت می دودیم و نیم تا سه درم \* حب شیطان دیکر که همین منفعت دارد \* صنعت آن پوست  
 هلیله زرد صبر سقوطی و ج ترکی خردل زنجبیل از هر یک نیم مثقال فلفل نمک هندی شیطان هندی از هر یک یک آنک و  
 نیم سقمونیای مشوی سه دانگ و نیم مجموع را کوفته بیخته با آب عنب الغلب سرشته حب سازند شربت می یک درم با آب نیم  
 کرم فروبرند \* حب شیطان اسحاق این حب نافع است از برای فالج و لقوه و کرانی زبان و درد سرکه از بلغم باشد و بادهای  
 غلیظ را از تن تحلیل دهد و درد مفاصل را نیک باشد و بستگی حیض را بکشد \* صنعت آن صبر سقوطی بیست درم ترب سقید  
 ده درم زنجبیل تخم حومل از هر یک د درم و نیم فلفل دار فلفل عا قرقرا از هر یک یک درم شیطان هندی ملح هندی و ج ترکی از هر یک  
 د درم فانیل سنجر چهار درم اجزا کوفته بیخته با آب سرشته حب سازند شربت می دودیم با آب نیم کرم فروبرند \*  
 حب شیطان عرق النساء و اجاع مفاصل و وجع ظهر را نافع باشد \* صنعت آن صبر سقوطی بیست درم پوست هلیله زرد  
 ده درم فلفل دار فلفل از هر یک یک درم خردل سه درم شیطان هندی تخم حنظل زنجبیل از هر یک د درم فانیل  
 سنجر چهار درم با آب کرب حب سازند شربت می یک درم تا د درم \* بیان حب شبیا را آنکه شبیا را اسم حب صبر است  
 و از برای آنکه شب خوردن بران خواب می کنند تا ظلمت شب و سکون و آرام خواب با عفت زیاد تی عمل آن کرد کویا رفیق  
 و بارش است و روشنائی روز و بیداری و حرکت باعث ضعف عمل آنست \* حب شبیا رتقیه معده و سر می کند و قریب است  
 در فعل بحب قوتا \* صنعت آن صبر سقوطی پوست هلیله زرد ترب سقید مصطکی رومی سقمونیای مشوی تخم حنظل  
 اجزا مساوی کوفته بیخته با آب حب سازند شربت می دودیم و در نسخه دیگر سقمونیای داخل نیست \* حب شبیا رد یکر منقول  
 از قرا با دین کوئالی تنقیه معده و دماغ کند از اخلاط و رطوبات فاسده و در همه اوقات استعمال توان کرد \* صنعت آن  
 صبر سقوطی پوست هلیله زرد ورق کل سرخ از هر یک ده درم انیسون سه درم کل بمغش پنچ درم مقل ازرق دودیم  
 کثیر انیم درم مجموع را جل اجل آکوفته بیخته و زن کرده بهم آمیزند و با آب حب سازند شربت می دودیم \* حب شبیا  
 دیکر تنقیه سر و قلب را از سودای متولد از صغرا کند و نافع است از برای مالیخولیا \* صنعت آن صبر سقوطی و جزر  
 ترب سقید ا فتمون سنا مکی شاهتره پوست هلیله زرد از هر یک یک جز و ثلث جزوی غنچه کل سرخ مثل آن مصطکی  
 یک جز و ثلث با آب سیب شیرین حبها سازند شربت می تا چهار درم و در نسخه دیگر پوست هلیله داخل ندارد \* حب  
 شبیا مستعمل در خفقان سودای و مالیخولیا و امراض سودای و فعل این حب عام جمیع بدن نیست بلکه مخصوص  
 است با ستغراغ مواد از نواحی قلب و معده و دماغ مخصوص است که بود مزاج آن شخص سودای \* صنعت آن ا فتمون  
 اقربطی پوست هلیله کابلی از هر یک یک درم ایارج فیکرا بسفایج فستقی از هر یک نیم درم حجار ارمی مغسول ثلث درمی  
 تخم حنظل منقعی از قشور حب ثلث درمی کوفته بیخته جل اجل اوزن نموده در هم نموده با آب سیب شیرین حبها سازند  
 مانند نخودی شربت می از یک درم تا یک مثقال و قه خواب فروبرند \* صنعت این حب شبیا به نسخه دیگر ایارج فیکرا  
 یک جز و نیم پوست هلیله کابلی ا فتمون تخم حنظل از هر یک جزوی اسطوخودوس و ثلث جزوی خربق اسود ربع  
 جزوی مصطکی بسفایج از هر یک نیم جز و حجار ارمی مغسول سدس جز و کوفته بیخته با آب سیب شیرین سرشته حبها  
 سازند شربت می از یک درم تا یک مثقال با کلاب نیم کرم فروبرند و در نسخه دیگر عود هندی داخل نیست و وزن حجار ارمی  
 مغسول ثلث جزوی است و در نسخه دیگر بجای پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد است و وزن حجار ارمی و ثلث  
 جزوی است \* حب شبیا دیکر که همین منافع دارد و مخصوص کسی است که مزاج سودای بلغمی باشد \* صنعت  
 آن ایارج فیکرا یک مثقال و نیم ترب سقید مل پرا فتمون غاریقون سقید هشت اسطوخودوس پوست هلیله کابلی از

ازهر يك يك مثقال عود قما ری خام نیم مثقال حاشامقل ازرق مصطکی ازهر يك يك مثقال سود و بروغن بادام شیرین  
 يك مثقال چرب نموده پاک سرشته حبوب سازند و در نسخه دیگر بجای پوست هلیله کابلی هلیله سیاه است و حاشا  
 مصطکی داخل ند ارد و گفته که شربتیی دود رم است \* حب شبیا زافع از برای اوجاع معد و سروغشاره و تار یکی چشم \*  
 صنعت آن صبر سقو طری سه درم پوست هلیله زرد ورق کل سرخ مصطکی تربل سفید مد بر ازهر يك يك رم کوفته بیخته با آب  
 سرشته حبوب سازند هر حبیبی بزرگ ترا ز خودی شربتیی با آب نیم کرم و در نسخه دیگر این از نسخه اصل حب تربل و  
 پوست هلیله زرد داخل ند ارد و مولا ناسدین کا زرونی گفته که شربتیی ازین حب از يك مثقال تا دود رم است که وقت  
 خواب فرو برند و بران خواب کنند و در نسخه شفائی نیم درم سقمونیای مشوی داخل است \* حب شبیا که اخراج اخلاط  
 صفراوی مخلوط به بلغم و زرد آب کند \* صنعت آن صبر زرد سقو طری بیست و دود رم افتیمون اقربطی دوا زده درم  
 سقمونیای مشوی زعفران ازهر يك سه درم سنبل الطیب سلیخه تربل سفید مد بر مصطکی غاریقون سفید حما ما ازهر يك  
 چهار درم کوفته بیخته با آب حب سازند شربتیی دود رم با آب نیم کرم شب وقت خواب فرو برند \* حب شبیا رسته عمل  
 برای تنقیه نوا حی سرودل از سودای متولد از بلغم \* صنعت آن تربل سفید مد بر افتیمون غاریقون اسطوخودوس  
 پوست هلیله کابلی ازهر يك یک جز و ایا راج فیکرا يك جز و نیم عود هندی نیم جز و اویه کوفته بیخته با آب حب سازند  
 شربتیی از يك مثقال تا دود رم و در نسخه دیگر وزن تمام اویه سوای عود هندی یک و نیم جز و است \* صنعت این حب  
 به نسخه دیگر صبر سقو طری زرد دود رم تربل سفید مد بر افتیمون سنامکی شاهتره مصطکی ازهر يك يك رم پوست هلیله  
 زرد یک درم و ثلث د رمی لاجورد مغسول ورق کل سرخ د و ثلث یک درم کوفته بیخته با آب سیب شیرین سرشته حبوب  
 سازند شربتیی دود رم وقت خواب با آب نیم کرم فرو برند \* حب شبیا رد یکر منقول از جیش بن الحسن در زمستان و  
 تابستان توان استعمال نمود و در سرو تار یکی چشم را سودا ارد و دماغ و معد را از اخلاط فاسده پاک کند و مجرب  
 است \* صنعت آن صبر سقو طری پنج درم افستین رومی مصطکی رومی تربل سفید پوست هلیله زرد ازهر يك یک مثقال ورق  
 کل سرخ کنیرا ازهر يك یک رم کوفته بیخته به کلاب سرشته حبوب سازند هر حبیبی بقدر فلفلی شربتیی دود رم شب وقت خواب  
 با آب نیم کرم فرو برند \* حب شبیا رمد و دماغ را از اخلاط فاسده پاک کند \* صنعت آن مصطکی رومی غنچه کل سرخ پوست  
 هلیله زرد ازهر يك یک رم صبر زرد سقو طری سه درم کوفته بیخته با آب رازیانه تازه سرشته حب سازند شربتیی از دود رم  
 تا چهار درم شب وقت خواب با آب نیم کرم فرو برند و بران خواب کنند \* حب شبیا رد یکر جهت تنقیه دماغ و قلب از سودای  
 متولد از صفرا و از برای مالینخولیا \* صنعت آن صبر سقو طری د و جز و افتیمون اقربطی سنامکی شاهتره ازهر يك یک جز و  
 پوست هلیله زرد ورق کل سرخ مصطکی رومی ازهر يك یک جز و د و ثلث جز و کوفته بیخته با آب سیب شیرین سرشته حبها  
 سازند شربتیی تا چهار درم وقت خواب با آب نیم کرم فرو برند \* حب شبیا رمد سهل سودا \* صنعت آن ایا راج فیکرا يك جز و  
 و نیم پوست هلیله کابلی اسطوخودوس افتیمون مصری تخم حنظل ازهر يك يك جز و حب بلسان خریق سیاه ازهر يك یک جز و  
 و یک اندل جز و لاجورد مغسول یک جز و د و دنگ عود هندی مصطکی رومی بسفاییم فستقی ازهر يك نیم جز و کوفته بیخته با  
 آب حب سازند شربتیی از یک درم تا يك مثقال شب وقت خواب با آب نیم کرم فرو برند و بران بخوابند \* حب شبیا رد یکر \*  
 صنعت آن صبر سقو طری سه درم پوست هلیله زرد سه درم ورق کل سرخ مصطکی افتیمون ازهر يك دود رم کنیرا یک درم  
 بل ستور حب سازند شربتیی دود رم و نیم \* حب شبیا رمد مهمی بنقی ال دماغ و حوالی القلب من السوداء الخالص \*  
 صنعت آن ایا راج فیکرا یک جز و نیم پوست هلیله کابلی افتیمون ازهر يك يك جز و اسطوخودوس د و ثلث جز و خریق



سیاه ربع جزوی تخم حنظل جزوی مصطکی عود هندی بسفایج فستقی ازهر یک نصف جزوی حجرارمنی مغسول جزوی  
 با آب سیب شیرین حب سازند شربت از یکرم تا یکم مثقال با گلاب نیم گرم فرو برند و در نسخه دیگر عود هندی داخل نیست  
 و در آن حجرارمنی مغسول ثلث جزوی است و در نسخه دیگر بجای پوست هلبله گلابی پوست هلبله زرد است و وزن حجر  
 ارمنی و ثلث جزوی است \* صنعت این حب به نسخه دیگر ایارج فیقرایک درم و نیم انیسون پوست هلبله گلابی ازهر یک  
 یکرم اسطوخودوس و ثلث درمی خرب سیاه سدس درمی مصطکی عود هندی بسفایج فستقی ازهر یک نیم درم حجرارمنی  
 مغسول شحم حنظل ازهر یک ثلث درم کوفته پیخته با آب سیب شیرین سرشته حبوب سازند شربت از یکرم تا یکم مثقال شب  
 وقت خواب فرو برند و صبح غرغره نمایند بسکنجبین فرا گرفته از سرکه کبر \* حب شبیار دیگر که اخراج سودا  
 مینماید و پاک میکند قلب را از سودا \* صنعت آن ایارج فیقرایک نیمون اقربطی اسطوخودوس ازهر یک نیم درم  
 حجر لا جورد مغسول حجرارمنی مغسول شحم حنظل نمک هندی غاریقون هش سفید ازهر یک یک درم عود  
 قماری خام مصطکی درمی نعناع خشک ازهر یک یک دانگ سقمونیای مشوی نیم دانگ خرب سیاه یک طسوج  
 اجزا را کوفته پیخته بروغن بادام شیرین یکرم چرب نموده حب ساخته هر حبی بقدر نخود و شب بوقت خواب  
 با آب نیم گرم فرو برند جمله یک شربت قوی است \* حب شبیار دیگر که همین منافع دارد و اخراج سودای مخترق از صفرا  
 میکند \* صنعت آن صبر سقوطری دودرم سنامکی شاهتره ازهر یک یکرم پوست هلبله زرد مصطکی درمی ازهر یک یکرم  
 و دودانگ درمی لا جورد مغسول حب بلسان کل سرخ منزوع الاقماع ازهر یک یکرم کوفته پیخته بروغن بادام شیرین چرب  
 نموده حب ساخته شب بوقت خواب چهار درم ازان با آب سیب شیرین فرو برند \* حب شبیار دیگر از برای سودای  
 محض \* صنعت آن ایارج فیقرایکرم و نیم پوست هلبله گلابی اسطوخودوس افیمون اقربطی شحم حنظل ازهر یک یکرم  
 حب بلسان خرب سیاه ازهر یک یکرم و یک دانگ درمی لا جورد مغسول یکرم و دودانگ درمی مصطکی عود هندی خام  
 بسفایج فستقی ازهر یک نیم گرم کوفته پیخته وزن نموده درهم کرده بروغن بادام شیرین دودرم چرب نموده با آب سرشته  
 حبوب سازند هر حبی بقدر فلفلی شربت از یکرم تا یکم مثقال شب وقت خواب با آب سیب شیرین فرو برند \* حب شبیار  
 حکیم امیرالین مسهل صفرا و بلغم است \* صنعت آن ایارج فیقرایک نیم مثقال هلبله سیاه پوست هلبله زرد ورق  
 کل سرخ ازهر یک شش مثقال انیسون دو مثقال ادویه کوفته پیخته با آب سرشته حب سازند شربت نیم مثقال با آب نیم گرم \*  
 حب شبیار حکیم مسیح طیب درد سروتاریکی چشم را سودا درد \* صنعت آن ایارج فیقرایک چهار درم نمک اندرانی انیسون  
 پوست هلبله زرد ازهر یک سه درم هلبله سیاه پنچ درم غنچه کل سرخ دودرم تربل سفید مل برده درم مجموع را کوفته  
 پیخته با آب حب سازند و بوقت حاجت دودرم آن را نیم گرم وقت خواب فرو برند \* حب شبیار به نسخه حکیم صالح خان  
 درمی زح خال و آل مؤلف \* صنعت آن صبر سقوطری دوازده مثقال پوست هلبله زرد ورق کل سرخ مصطکی درمی  
 تربل سفید مل بر سقونیای مشوی ازهر یک دو مثقال ادویه را کوفته پیخته حب سازند شربت از یک مثقال تا دودرم \*  
 حب شبیار ماسرجویه درد سر را سودا درد و مفتح سد ها است که حادث از بلغم باشد و معده و سر را از اخلاط فاسده  
 غلیظه پاک گرداند \* صنعت آن ایارج فیقرایک غاریقون سفید هش ازهر یک سه درم پوست هلبله زرد پوست  
 هلبله آمله منقی ازهر یک یک درم نمک اندرانی افیمون ازهر یک دودرم تربل سفید هفت درم مقل ازرق  
 یکرم مجموع را کوفته پیخته با آب سرشته حب سازند شربت دودرم و نیم وقت خفتن با آب نیم گرم فرو برند \*  
 حب شبیار درد معده را نفع دهد و با صره را قوت بخشد و درد سر مزمن را از آن کند \* صنعت آن صبر سقوطری



زرد سه درم پوست هلیله زرد غنچه کل سرخ مصطکی تربد سفید مد برا زهر یک یکد رم سقمونیای مشوی نیمد رم کوفته  
 پیخته با آب رازیانه تازه سرشته حب سازند شربت ی یک مثقال تا دودرم با آب نیم گرم وقت خواب فرو برند \* حب شبیار  
 از برای کسیکه مزاج او بلغمی و سوداوی باشد \* صنعت آن تربد سفید مد برا قتیمون غاریقون سفید اسطوخودوس  
 پوست هلیله گابی صبر زرد ازهر یک یکد رم ایارج فیقرا یکد رم ونیم عود هند ی نیمد رم کوفته پیخته با آب سیب شیرین  
 حب سازند شربت ی از یکد رم تا یک مثقال \* صنعت این حب شبیار به نسخه دیگر پوست هلیله گابی افتیمون شحم حنظل  
 ازهر یک یک جزو ایارج فیقرا یک جزو ونیم اسطوخودوس دوثلث جزوی خربق سیاه ربع جزوی مصطکی رومی بسفایم فسنقی  
 ازهر یک نیم جزو حجرار منی مغسول ثلث جزوی کوفته پیخته با آب سیب شیرین حبها سازند شربت ی از یکد رم تا یک مثقال \*  
 حب شبیار مخرج خلط بلغم \* صنعت آن پوست هلیله زرد کل سرخ مصطکی تربد ازهر یک یکد رم رازجهت اخراج صفرا  
 سقمونیای نیم درم کنیرا نیم درم اضافه نمایند \* حب صبر که منقی معده و سرامت و نافع است از برای امراض و معده  
 و امراض سرخصوص وقتیکه بمشارکت معده باشد لاسیما از برای سیات بمشارکت معده چون تنقیه معده و باین نمایند \*  
 صنعت آن صبر سقو طری زرد معده و مثقال پوست هلیله زرد پوست هلیله گابی هلیله سیاه تربد سفید مد بر بسفایم فسنقی  
 سنمکی ازهر یک دو مثقال زنجبیل مصطکی رومی انیسون دارچینی زعفران اسارون ازهر یک نیم مثقال کوفته پیخته با آب  
 طبع رازیانه حب سازند شربت ی از دو مثقال تا چهار مثقال با غسل سفید مصفی با آب کرم حل کرد و فرو برند \* حب  
 صبرد یکرد افع انخوره از سرود ماغ است \* صنعت آن صبر سقو طری زرد چهار درم هلیله گابی هلیله سیاه و هلیله زرد  
 ازهر یک چهار عد در یوند چینی مصطکی رومی کل سرخ منزوع الا قماع غاریقون هش سفید سربنفشه افتیمون  
 اقربطی افسنتین رومی ازهر یک یکد رم سقمونیای مشوی هفت درم کوفته پیخته بروغن بادام شیرین یک مثقال  
 چرب نموده با آب رازیانه تازه حب سازند شربت ی دودرم با آب نیم گرم فرو برند \* حب صبر به نسخه معده بن ذکر یا  
 درم سرودرد معده را سود دارد \* صنعت آن صبر سقو طری سه درم پوست هلیله زرد ورق کل سرخ مصطکی رومی تربد  
 سفید مد برا زهر یک یکد رم کوفته پیخته با آب سرشته حب سازند شربت ی دودرم شب وقت خواب با آب نیم گرم فرو برند \*  
 حب صبر او جاع مغاصل و نفوس و فالج و لقوه و عرق النساء را نافع است و تنقیه معده و از اخلاط بلغمیه کندی و فضول  
 غلیظه را از سر و معده پاک سازد \* صنعت آن صبر سقو طری یک مثقال تربد سفید مد بر یکد رم ونیم غاریقون هش سفید  
 انیسون حب النیل ازهر یک نیمد رم کوفته پیخته با آب کرفس سرشته حب سازند و در نسخه دیگر شحم حنظل نمک  
 هندی ازهر یک یکد رم ونیم درین حب داخل است جمله یک شربت تام است \* حب صبر نافع جهت طحال \* صنعت آن  
 صبر زرد سقو طری تنکار بریان قند سیاه و کهنه پنج شش ساله اجزاء مساوی ازهر یک سه مثقال کوفته پیخته با آب سرشته  
 سی حب سازند یک حب صبح و یک حب شبام بمطبول دهند و اگر طفل باشد یک حب صبح کافی غذا دل با تورکه بهندی  
 ارهونا مدلی روغن بخوراند \* حب صبر به نسخه صاحب حاروی صغیر مسهل بلغم و سودا است و صداع را نافع است \*  
 صنعت آن صبر سقو طری یک مثقال حب النیل غاریقون هش سفید ازهر یک نیمد رم تربد سفید مد بر یکد رم  
 شحم حنظل مقل ازرق کنیرا مصطکی رومی ازهر یک یکد دانک نمک هندی یکد انک ونیم کوفته پیخته با آب رازیانه تازه  
 سرشته حب سازند شربت ی دو مثقال \* حب صبر صرع را مفید بود \* صنعت آن ایارج فیقرا نیم مثقال افتیمون  
 اسطوخودوس بسفایم نمک هندی غاریقون ازهر یک نیمد انک تربد سفید پوست هلیله زرد شحم حنظل کنیرا سقمونیای از  
 هر یک دانکی کوفته پیخته با آب حب سازند \* حب عرق النساء حکیم میرمحمد مؤمن در قرابا دین نسخه نوشته که حقیر تجربه

نموده این حب را بسیار مؤثر یافته و رومی میگوید که در ساعت رفع می کند و چند نغمه از پیران که از يك سال آن را داشتند  
 و ممکن نبود ایشان را از حال بحالی بگردانند با این حب معالجه نمودم و پنجم شش مجلس اطلاق میفرمایند مجموع يك  
 شربت است \* صنعت آن صبر سقوطری زرد پوست هلیله زرد سورنجان مصری از هر يك يك گرم کوفته پیخته با آب حب  
 سازند \* حب عشره منقول از اکلیل محمد بن ذکر با گفته این حب نافع است از برای بیماریهای حادث از بلغم \* صنعت آن  
 پوست هلیله زرد پوست هلیله کالی پوست بلیله شیطان هندى فلفل دار فلفل سعد کوفی نا نخوا زنجبیل از هر يك يك جزو  
 صبر سقوطری زرد و مثقال مجموع ادویه کوفته پیخته با آب کند نا یا آب عنب الثعلب تازه سرشته حبوب سازند مانند فلفلی  
 شربتی از يك گرم و نیم تاسه درم با آب نیم گرم و گفته که که هی زیاده میکنم درین حب ماهی زهره يك انگ و سقمونیا يك و نیم  
 دانگ از برای کسیکه در طبیعت او اعتصام باشد و اغلب بر مزاج او حرارت باشد و کسیکه خواهد تنقیه رطوبات از مفاصل  
 کند و کسیکه بوده باشد او را بواسیر \* حب عشره ابن جزله گفته که این حب نافع است از برای درد مفاصل و قرس و فالج  
 و لقوه و بیماریها که از سردی و بلغم باشد خصوص امراض بلغمیه دماغی و عصبی \* صنعت آن زنجبیل فلفل دار فلفل شیر  
 امه شیطان هندى هلیله سیاه پوست بلیله نا نخوا سعد کوفی از هر يك دودرم صبر زرد سقوطری ده درم کوفته پیخته با آب  
 مطبوخ عنب الثعلب سرشته حبوب سازند هر حبی بقدر نخودی در سایه خشک کرده شربتی دودرم با آب نیم گرم \* صنعت  
 این حب به نسخه سید مظفر الکبیر شفا ئی زنجبیل دار فلفل شیر آمله منقی سعد کوفی دارچینی سلیخه اسارون سنبل  
 الطیب مصطکی رومی از هر يك دودرم صبر سقوطری زرد بیست درم کوفته پیخته با آب کرفس تازه حب سازند \* حب عشره  
 به نسخه محمود بن الیاس شیرازی گفته که این حب نافع است از برای اوجاع مفاصل و قرس و فالج و لقوه و امراض بارده  
 بلغمیه دماغی و عصبی \* صنعت آن فلفل سفید فلفل سیاه شیر آمله شیطان هندى هلیله سیاه پوست بلیله نا نخوا سعد کوفی  
 دار فلفل از هر يك دودرم صبر سقوطری زرد ده درم کوفته پیخته با آب عنب الثعلب سرشته حب سازند شربتی دودرم  
 و نیم \* حب عشره دیگر که قریب النفع است بدان صنعت آن تربید سفید يك گرم پوست هلیله کالی غاریقون هلیله  
 سیاه فلفل سفید سعد کوفی از هر يك نیم درم صبر چهار دانگ کل سرخ دودانگ مقل دانگی محموده مشوی نیم دانگ کوفته  
 پیخته با آب حب سازند \* حب عشره لقوه و رهشه و فالج و نافع باشد \* صنعت آن زنجبیل فلفل شیر آمله تربید سفید مد بر  
 مصطکی دارچینی سنبل سلیخه اسارون از هر يك دودرم صبر بیست درم کوفته پیخته با آب کرفس حب سازند شربتی دودرم  
 و نیم \* حب عشره دیگر تنقیه بدن کند و سد ها بکشد و جمیع امراض سدی را نافع باشد خواه از بلغم باشد خواه از خون  
 چون استعمال کرده شود بعد از فصل \* صنعت آن زنجبیل فلفل دار فلفل مصطکی دارچینی اسارون سنبل الطیب  
 سلیخه از هر يك يك گرم صبر سقوطری زرد غاریقون هشت سفید از هر يك هشت درم ادویه سوای غاریقون کوبیده پیخته  
 و غاریقون را در آرد بیز موئی کند را نید \* با آب طبیح کرفس سرشته حبوب سازند شربتی از چهار درم تا شش درم با آب نیم  
 گرم فرو برند \* حب غاریقون سد ها بکشد و استسقا و امراض کبد را نافع باشد \* صنعت آن صبر سقوطری افتیمون  
 از هر يك شش درم غاریقون چهار درم فطرا سالیون تخم کرفس دوقوا از هر يك دودرم سقمونیا يك گرم کوفته پیخته  
 با آب خالص حب سازند شربتی دودرم \* حب غافث حمیات بلغمی مزمن را نافع است \* صنعت آن غافث پوست هلیله  
 زرد صبر سقوطری زرد از هر يك يك جزو کوفته پیخته با آب کرفس سرشته شربتی دودرم و در نسخه دیگر عصاره غافث  
 است \* حب غافث درد جکرو تپهای مختلف مزمن را سود مند بود و درابتدا ابتدا نافع باشد \* صنعت آن عصاره  
 غافث افسنتين رومی هلیله زرد مصطکی رومی زعفران ریون چینی انیسون لك مغسول شاهتره ایا رچ نیقرا اجزای مساوی کو

گرفته بپخته با آب عنب الثعلب سرشته حب ها سازند شربتى يك مثقال شب وقت خواب با آب نیم کرم فرو برند و بخوابند و اگر مریض را سعال باشد نصف یک جزروب السوس داخل نماید و بعضی حبوب غار یقون و غاف در رسم خود ذکر می یابند انشاء الله تع \* حب فالج فالج را مفید بود \* صنعت آن ایا راج فیکرا تربد سفید مک بر غار یقون از هر یک یک گرم شحم حنظل سنبل الطیب سکبینج از هر یک دانکی و نیم اسطوخودوس بوزید آن از هر یک نیم گرم و کتیرا دانکی گرفته بپخته با آب حب سازند \* حب فالج تالیف حکیم میر محمد زمان جهت کسیکه در جانب راست او فالج باشد و قادر بر تکلم نباشد و در زبان نش ثقل بهم رسید \* باشد \* صنعت آن تربد سفید شانزده مثقال سورنجان سیزده مثقال حب انبیل سه مثقال ایا راج فیکرا شش مثقال شحم حنظل دو مثقال شیطرح هندی بوزید آن راج عاقر قرحا دلفلی از هر یک یک و نیم مثقال سکبینج جاشیر مقل ازرق از هر یک چهار دانک فرقیون چند بید ستر از هر یک نیم مثقال ادویه کوفته بخورند بپخته صمغ را در آب کند داخل کرده و ادویه را با آن سرشته حبوب سازند شربتى سه مثقال با آب نیم کرم \* حب قوقا یا \* جالینوس نافع است از برای امراض بلغمی و صداع و شقیقه و باصره را حلت دهد و اخراج فضول غلیظه کند و حبیش بن الحسن این حب را از جالینوس ذکر کرده و گفته این حب همه بیماریها را که از سردی باشد سود دهد قلمی فرموده اند که این حب مستعمل حضرت استادى والد ما جل فقیر بودید آنکه قوقا یا بلغم یونانی بمعنی حاق وسط است و چون این جناب مواد از وسط سر مینماید لهذا بدین اسم مسمی شد و نیز گفته اند که قوقا یا بمعنی سراسمست و چون عمل آن نفع حبوب قوقا یا برای امراض سراسمست لهذا بدین اسم مسمی گردانید \* اند \* صنعت آن صبر سقوطی افسنتین رومی مصطکی رومی غار یقون هشت سفید از هر یک یک جز و شحم حنظل سقمونیای مشوی از هر یک نیم جز و کوفته بپخته با آب کرفس جوشانیده سرشته حبها سازند هر حبی مقل دلفلی و قوت این حب تا در سال باقی میماند و شربتى تا یک مثقال است و این نسخه از تل کره داود انطاکی منقول است و این جزله درین نسخه عصاره افسنتین آورده و حبیش بن الحسن نقلیسی اخلاط این حب را با این صنعت آورده صبر سقوطی یک گرم افسنتین رومی شحم حنظل مصطکی رومی مقل ازرق از هر یک نیم گرم درم استور حب سازند \* صنعت این حب به نسخه صاحب میزان اطباء مصطکی رومی عصاره افسنتین اگر نباشد افسنتین رومی صبر سقوطی زرد سقمونیای مشوی شحم حنظل جزا مساری کوفته بپخته با آب کرفس سرشته حب سازند شربتى از یک گرم تا یک مثقال و محمود بن الیاس گفته که شربتى این حب از یک گرم تا در درم است \* صنعت این حب به نسخه صاحب قرا با دین کوثرالی که این حب از جالینوس است در در سر اسود دارد و صفرا را منحل گرداند و فضول که در سر و دماغ و معد \* باشد پاک کند و آنرا خاصیت قوی است در دفع داء الثعلب چون با مصطکی از جزای آنرا سرشته حب ساخته بخورند چشم را روشن کند و آب را از فرود آمدن باز دارد و ریاح فاسله را ازین دفع کند \* صنعت آن صبر سقوطی زرد سقمونیای مشوی شحم حنظل عصاره افسنتین مصطکی رومی از هر یک یک دانک و نیم مقل ازرق یک دانک کتیرا انبیل آنک کوفته بپخته حب سازند جمله یک شربت تام باشد و در همه وقت استعمال تواند کرد پیش از طعام و بعد از طعام \* حب قوقا یا دیگر تنقیه بلغم کند و جمیع امراض بلغمی را خصوص امراض سرو صداع و شقیقه بلغمی و باصره را حلت دهد و اخراج فضول غلیظه نماید \* صنعت آن صبر سقوطی عصاره افسنتین مصطکی از هر یک یک مثقال شحم حنظل سقمونیای مشوی از هر یک نیم گرم از جزا کوفته بپخته در آب مطبوخ تخم کرفس سرشته حبها سازند مقل ازرق را استعمال از آن دو مثقال تا سه مثقال \* حب قوقا یا قولس در در سر و تاریکی چشم و لقوه را نافع باشد \* صنعت آن ایا راج فیکرا سه درم افسنتین رومی شحم حنظل از هر یک یک مثقال کوفته بپخته با آب سرشته حب سازند در سایه خشک کرده نکاهل ازند شربتى یک مثقال \* حب قوقا یا دیگر منقول از مجربان

میرزا محمد باقر در سردرد چشم را سود و دود و قن را از فضول پاک کند \* صنعت آن ایارج فیقرا درم تربل سفید مل بر  
 اسطوخودوس ازهریک پنجد رم شحم حنظل منقح از حب سه درم و دودا نک سقمونیای مشوی دودرم و نیم و در نسخه  
 دیگر کنیرای سفید یکم درم داخل است و در نسخه دیگر داخل نیست و لیکن پنجد رم پوست هلیله زرد داخل است و دریه  
 کوفته پیخته با آب مقل حل کرده و سرشته حب سازند جمله ده شربت است با آب نیم کرم \* حب قوقا یا محمد بن ذکر یا نافع  
 از برای صرع و جمیع امراض بلغمی و معد و سر \* صنعت آن ایارج فیقرا یکم درم تربل سفید مل بر اسطوخودوس ازهریک  
 نیم درم سقمونیای ربع درمی شحم حنظل نلک درمی کوفته پیخته با آب سرشته حبوب سازند و جمله یک شربت کامل است \* حب  
 قوقا یا میرزا محمد زمان \* صنعت آن ایارج فیقرا شحم حنظل سقمونیای مشوی پوست هلیله زرد اسطوخودوس تربل سفید از  
 هر یک بقل راجت کوفته پیخته حبوب سازند شربت دودرم \* حب قیصر که حب ذهب و حب قبطی نیز کوبند منقول از  
 معالجات کناش طبری معروف به بقراطی تمقیه معد از رطوبات لزجه نمایند و تقویت کند آنرا و نکند از رطوبات فاسده  
 موجب ضعف معد و سر گردد بعون الله تع و چون هر روز تناول کنند بعد از طعام یکبار رطوبات لزجه را با جابت اخراج  
 می نماید و معد را ضعیف نمی گرداند \* صنعت آن ناختوا و زیره کرمانی کر یا انیسون هلیله سیاه ملح نطی ازهریک  
 یکم مثقال مصطکی سه مثقال صبر سقوطی مثل مجموع ادویه کوفته پیخته با آب برک اترج سرشته حبوب سازند شربت  
 یکم آنک تا دود آنک و تا یک مثقال نیز گرفته اند و در نسخه دیگر کر یا نیست و بجای مثقال درم است \* حب کوتوالی  
 اعضای سرو معد را از اخلاط پاک کند و فالج و لقوه و داء الثعلب را نافع است و چون یکم درم ازین حب و یکم درم ایارج  
 فیقرا حب سازند و با آب کرم فرو برون چشم را روشن کند و منع نزول آب چشم نماید را خلاط فاسده را ازین بیرون  
 آورد و این در حقیقت حب قوقا یا جالینوس است \* صنعت آن صبر سقوطی زرد سقمونیای مشوی شحم حنظل منقح از  
 حب عصاره افسنتین مصطکی رومی ازهریک یکم آنک و نیم مقل ازرق یکم آنک کنیرای سفید نیم آنک ادویه کوفته پیخته  
 با آب سرشته حب سازند و حبوب لا جورد در لا جورد مذکور میشود انشاء الله تع \* حب لئالیخولیا ایارج فیقرا افسنتین  
 ازهریک چهارم درم حجر لا جورد غیر مغسول غاریقون هش سفید ازهریک دودرم سقمونیای مشوی یکم درم قونفل بیست  
 دانه کوفته پیخته با آب شیرین سرشته حبوب سازند شربت هر هفته یک مثقال \* حب مسهل بلغم خالص \* صنعت آن  
 ایارج فیقرا تربل سفید مل بر ازهریک دودرم شحم حنظل نیم درم غاریقون هش سفید یکم درم کوفته پیخته با آب  
 سرشته حب سازند شربت از دودرم تاسه درم \* حب مسهل منقول از حاروی صغیر نافع از برای بهق و برص و صرع و سکنه  
 و سببک و جمیع امراض سوداوی \* صنعت آن ایارج فیقرا پنجد رم افسنتین قریطی ده درم لا جورد مغسول هفت  
 درم سقمونیای مشوی شحم حنظل ازهریک دودرم سنبل الطیب انیسون ازهریک یکم درم کوفته پیخته با آب رازدانه سرشته  
 حب سازند شربت دودرم و در نسخه صاحب ذخیره درین حب خربق سیاه وزن دودرم داخل است و شفائی نیز این  
 نسخه صاحب حاروی صغیر را ذکر کرده و گفته که ادویه را با آب کوفس حب سازند شربت دودرم و نیم \* حب مسهل منقول  
 از قرا بادین قانن نافع از برای حمیات مزمن حادته از اخلاط مختلفه و از برای اوجاع کبد و ابتلای استسقا \* صنعت  
 آن صبر سقوطی زرد افسنتین رومی یا عصاره افسنتین هرک ام که باشد عصاره غافک هلیله زرد مصطکی زعفران ربوند  
 چینی لک مغسول انیسون شاهتره خشک ایارج فیقرا ازهریک یکم جزو کوفته پیخته با آب عنب الثعلب سرشته حب سازند  
 شربت و وزن یک مثقال با آب نیم کرم شب وقت خواب فرو برون و در نسخه دیگر صبر داخل نیست و اگر سرفه باشد مخلوط کنند  
 با ادویه رب السوس مثل نصف وزن مجموع ادویه و حب سازند \* حب مسهل جهت اسهال صفرا مخلوط ببلغم و سودا \*

\* صنعت آن صبر سقوطی زرد بیست درم افتمون دوازده درم سقمونیای مشوی سه درم سنبل الطیب سلیخته تربل سفید  
 مدبر مصطکی ازهر یک چهار درم زعفران سه درم غاریقون هشت سفید شش درم حماسا کل درم گرفته بیخته با آب سرشته حبوب  
 سازند شربت دودرم با آب کرم \* حب مسهل دیکر جهت حمیات و دفع صفرا بسیار نافع منقول از حاروی کبیر \* صنعت آن  
 صبر سقوطی زرد سه جزر عصاره غانت عصاره افسنتين مصطکی پوست هلیله زرد کل سرخ اجزا مساوی ازهر یک جزوی  
 سقمونیای مشوی ثلث جزوی کوفته بیخته با آب سرشته حبوب سازند شربت یک ونیم درم تا دودرم با آب مطبوخ شاهتره  
 و هلیله زرد \* حب مسهل دیکر جهت مواد سوداویه کنگ از اقامی اعضا و دفع میکند اکثر امراض مزمنه و علل دماغیه و  
 و توحش را نافع بود \* صنعت آن ایارج فیقرا افتمون ازهر یک دو ثلث درمی اسطوخودوس غاریقون سفید بسفایج  
 فستقی ازهر یک نیم درم شحم حنظل ربع درمی مقل ازرق سقمونیای مشوی نمک هندی ازهر یک یک انگ سوده حب  
 سازند حبوب بزرک هر حبی نیم د انگ شربت سه درم \* حب مسهل سودا مستعمل در امراض سوداوی \* صنعت آن  
 ایارج فیقرا یک درم لا چورد مغسول غاریقون هشت سفید مقل ازرق تربل سفید مدبر کتیرای سفید پوست هلیله  
 زرد ازهر یک یک د انگ کوفته بروغن بادام شیرین یک درم چرب نموده حب سازند و بورق نقره سه عد د پیچید و نصف  
 شب با آب نیم کرم فرو برند جمله یک شربت است صبح فلوس خیارشبر پا نرود و مثقال شیرخشت خراسانی کنگل  
 آفتابی ازهر یک ده مثقال با آب کاسنی تازه و آب رازیانه تازه حل کرده بپالایند اما باید که آب کاسنی تازه پنجاه مثقال  
 و آب رازیانه سی مثقال باشد پس یک مثقال روغن بادام شیرین داخل کرده بپاشامند و غذا میان روز نخورد آب باشد \*  
 حب مسهل سودا مستغرق از صفرا \* صنعت آن صبر سقوطی زرد و جزر و سنا مکی شاهتره لا چورد مغسول حب بلسان کل  
 سرخ ازهر یک یک جزو پوست هلیله زرد مصطکی رومی ازهر یک یک جزو و دود انگ جزوی کوفته بیخته با آب حب سازند  
 شربت چهار درم با آب سیب شیرین \* حب مسهل سودا منقول از بیاض بخط میرزا محمد حسین حکیم \* صنعت آن  
 ایارج فیقرا پا نرود درم افتمون اقربطی دودرم و د رنسخه دیکر دوازده درم است بسفایج فستقی غاریقون سفید  
 سفید ازهر یک ده درم خربق سیاه نمک هندی ازهر یک پنج درم اسطوخودوس هفت درم کوفته بیخته با آب حب سازند  
 شربت سه درم \* حب مسهل قوی که استغراغ سودا از معد و نواحی قالب رد ماع و تمام بدن کند و استعمال کرده میشود  
 این حب دهر یک از امراض ثلثه مذکوره و قتیکه ماده در تمام بدن باشد و مواد استغراغ سودا از تمام بدن باشد \*  
 صنعت آن ایارج فیقرا افتمون اقربطی ازهر یک سه درم اسطوخودوس بسفایج فستقی غاریقون هشت سفید ازهر یک نیم  
 درم شحم حنظل ربع درمی سقمونیای مشوی ملح نفتی مقل البهود ازهر یک یک انگ مقل راد رآب جل کرده صاف نموده  
 باقی ادویه کوفته بیخته با آن سرشته بل ستور حب سازند \* حب مسهل سودا اقوی از نسخه قبل \* صنعت آن ایارج  
 فیقرا افتمون اسطوخودوس ازهر یک نیم درم ربع درمی خربق اسود یک طسوج و نیم عود قماری هندی مصطکی نعناع  
 خشک ازهر یک یک انگ شحم حنظل غاریقون حجرازمی مغسول حجر لا چورد مغسول ملح نفتی ازهر یک ربع درمی سقمونیای  
 مشوی دوطسوج بل ستور مقرر حب سازند و استعمال نمایند واجب است که بدن که خربق هرگاه واقع شود در مطبوخ ازان  
 قلیلی تا یک درم و در حبوب اقل ازان از نصف د انگ تا یک د انگ نمیشد آنرا نکایت ضروری \* حب مطرانی تب ربع و حمیات  
 یلغمی و سوداوی و امراض سوداوی و یلغمی را سود دارد و قولنج بکشد و درد جگر و معد و نفقرس و اوجاع مفاصل را مغیل  
 باشد \* صنعت آن صبر سقوطی زرد بیست درم عصاره افسنتين عصاره مصطکی رومی پوست هلیله زرد پوست کابلی  
 هلیله سیاه حب النیل غاریقون هشت سفید شحم حنظل شاهتره ازهر یک دودرم و سقمونیای مشوی نیم مثقال کوفته بیخته

حب های خرد بزر بود آنکه فلغلی سا رنگش بوی یک مثقال و در نسخه کامل الصنعة عرض شاهنور ماهی زهرج \* حب مفاصل  
ایا ریح فیکرا یکم رم تربل سفید یک مثقال سورنجان نیمم رم شحم حنظل حب النیل نمک هند ی زنجبیل محموده از  
هر یک یک دانک و نیم کل سرخ انیسون مصطکی از هر یک دانکی مقل دود آنک کتیرا طسوجی کوفته پیخته با آب خالص  
حب سازند \* حب ملوک قولنج بکشاید و باد های غلیظه را دفع کند \* صنعت آن صبر سقو طری پنجد رم تربل سفید  
مل برد درم پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی از هر یک سه درم نمک هند ی دودرم مصطکی زعفران سا ذج هند ی  
قسط سلیمه سیاه ریوند چینی سنبل الطیب زنجبیل انیسون تخم کرفس قرنفل خیر براد ارچینی کتیرا قاقله از هر یک  
نیم درم سقمونیاد و مثقال مشک دانکی کوفته پیخته بکلاب سوشته حب سازند شربت سی درم \* حب ملین طبیعت  
را نماید و بی قصد یح است \* صنعت آن صبر سقو طری زرد چهار مثقال پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه  
از هر یک پنج مثقال سنبل الطیب مصطکی از هر یک سه مثقال زنجبیل نمک هند ی از هر یک دو مثقال کوفته پیخته با آب  
سوشته حب سازند شربت ی تا در درم پیش از طعام و بعد از طعام توان خورد \* حب منقی سودا قلمی فرموده اند که این  
حب لنا است \* صنعت آن ایا ریح فیکرا هفت مثقال و نیم پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست هلیله کابلی لا جورد مغسول  
بسفایح فستقی ایتیمون اقریطی با درنجبویه اسطوخودوس از هر یک پنج مثقال سقمونیاد میثوی نیم مثقال  
کتیرا دود آنک و در نسخه دیگر چهار دانک است طلا ی محرق مکس یک مثقال و یک دانک و نیم کوفته پیخته بکلاب  
سوشته حبها سازند هر حبی بقدر فلغلی و در وقت حاجت دودرم از وی با آب نیم گرم فرو برند و صاحب ذخیره  
فرو برد \* حب منتن ابقرط نافع است از برای فالج و لقوه و قولنج و نقرس و مفاصل تحلیل ریاخ از اندامها کند و استرخای  
اعضا را ببرد و بستکی حیض بکشاید \* صنعت آن صبر سقو طری زرد سکبینه اشق جاوشیر مقل ازرق تخم حرمل شحم  
حنظل تربل سفید پوست هلیله زرد انزروت از هر یک جزوی صغیرا د و آب حل سازند و ادویه را کوفته پیخته با وی  
سوشته حب سازند هر حبی بقدر فلغلی و در وقت حاجت دودرم از وی با آب نیم گرم فرو برند و صاحب ذخیره  
و صاحب اختیارا ت بدیعی گفته اند که شربت سی ازین حب سه درم است \* حب منتن اکبر منقول از قانون نافع است  
از برای وجع مفاصل و نقرس و درد پشت و زانو و پاک میسازد بدن را از اخلاط غلیظه \* صنعت آن صبر سقو طری  
زرد مقل ازرق سکبینه جاوشیر اشق بزر حرمل شحم حنظل ایتیمون اقریطی از هر یک ده درم سقمونیاد میثوی  
شش درم دارچینی سنبل الطیب زعفران جنل بید سترا از هر یک دودرم فرنیون یکم رم صمغ را با آب کند تا تازه  
خیس نماید و حل سازند و باقی اجزا کوفته پیخته با آن سوشته حب سازند شربت سی دودرم \* حب منتن کبیر نسخه شمع  
رئیس دافع اخلاط غلیظه و مفتح سد ها و نافع است از برای اوجاع مفاصل و خاصه و از برای بهق و برص و جنام  
و داء الفیل و این حب معروف است بحب ماهانی \* صنعت آن اشق سکبینه جاوشیر مقل ازرق صبر سقو طری بزر  
حرمل پوست هلیله زرد شحم حنظل از هر یک هشت درم شبرم ایتیمون اقریطی فرنیون شیطان هند ی سورنجان  
مصری از هر یک چهار درم تربل سفید مل برد درم سقمونیاد میثوی سه درم جنل بید سترا ریون هش سفید از  
هر یک دودرم زعفران سنبل الطیب قاقله ریشه خطمی سفید مصطکی رومی دارچینی خولنجان از هر یک یک درم و  
در نسخه دیگر از هر یک ربع یکم رم است صمغ را در آب حل نمایند و باقی ادویه را کوفته پیخته با آن سوشته حب  
سازند و مزاج این حب گرم است در درجه و نیم \* حب منتن کبیر نسخه قلا نسبی نافع است از برای فالج و لقوه  
و نقرس باردوا از زمین کبر بودن و قلع بلغم خام از مفاصل میکند و قائم مقام ایارجا ت کبار است و نمیداند این حب

حب منتن بجهت آنكه بعض ادويه آن كويه الرأحه است \* صنعت آن ايارج فيقراده درم شحم حنظل قنطوريون دقيق ماهي زهر يك پنجدرم فرفيون دودرم ونيم چند بيد سترزنجبيل حلتيت سكببنيچ جا وشير شيطرج هندى خردل فلفل ازهر يك يكدم صموغ را با آب سد اب تازه حل كرده باقى ادويه را كوفته بيخته با آن مخلوط كرده بسروشند وحب سا زنگ مقل ازهر بتي ازوى از يك دم تا چهار درم و در نسخه بخط اميرزا محمد حسين حكيم درين نسخه حب منتن بجای ماهي زهره عصاره قثاء الحما را است \* حب منتن كندى منقول از قانون اوجاع مفاصل ونقرس وجميع اوجاع حادث از بلغم خام وصغرا وسودا وقاليج را نافع است \* صنعت آن صبر سقوطرى زرد پوست هليله زرد تخم هزارا سپند افييمون اقريطي تربل سفيد مد براشق جاوشير سكببنيچ مقل اليهود ازهر يك چهار جزو شحم حنظل سه جزو سقمونيا مشوى در جزو فرفيون چند بيد سترزنجبيل زعفران ازهر يك يك جزو صموغ رادر آب كندى ناى تازه يا آب كرنب يك شبانروز بخيسانند پس مالیده صاف نمايند و باقى ادويه كوفته با آن بسروشند بسروشني نيكو وحبوب بندند هر حبى بقدر فلفلي ودر سايه خشك نمايند شربتى دودرم شب با آب نيم كرم فرو برند غل اشو را بچته مرغ باشك وشراب نبيل غسل يا زبيب يا دوشاب عرض آب \* حب منتن بار دبه نسخه قلايسى كه اين حب مستعمل است ودر تباستان بجای حب منتن كبر است \* صنعت آن شحم حنظل ربع درمى كتيوا ثلث درمى سورنجان بوزيلان ماهي زهره ازهر يك ثلث درمى پوست هليله زرد نصف درمى بدستور حب سا زنگ جمله يك شربت است ودر نسخه ديكر كل سرخ نيم درم سقمونيا مشوى يك انگ داخلى است \* حب منتن فالج ولقوه و اوجاع مفاصل ونقرس كه زسردى باشد ووجع ظهر را نافع باشك وبادهاى غليظ دفع كند وحيض بكشايد \* صنعت آن سكببنيچ اشق جاوشير مقل حرمل شحم حنظل صبر سقوطرى تربل سفيد پوست هليله زرد از زروت اجزا مساوى انزروت را در آب حل كنند وداروها را كوفته بيخته با آن بسروشند وحب سا زنگ شربتى دودرم \* حب منتن اكبر به نسخه ديكر اقوى از نسخه صاحب ذخيره كه مد كوشل \* صنعت آن صبر سقوطرى مقل ازرق اشق جاوشير سكببنيچ تخم حرمل شحم حنظل منقى از حب ازهر يك هشت درم افييمون چهار درم سقمونيا پوست هليله زرد حب النيل ازهر يك دودرم دارچيني زعفران سنبل الطيب ازهر يك يكدم ونيم فرفيون قونفل ازهر يك نيم مثقال سورنجان شبرم ازهر يك چهار درم صموغ را در آب حل كرده باقى ادويه را كوفته بيخته با آن سرشته حب سا زنگ هر حبى بقدر فلفلي شربتى دودرم ونيم با آب كرم \* صنعت آن بنسخه ديكر صبر سقوطرى زرد مقل ازرق اشق جاوشير سكببنيچ تخم حرمل شحم حنظل منقى از شروحب پوست هليله تربل سفيد انزروت سفيد اجزا مساوى كوفته بيخته با آب حب سا زنگ قل مستعمل از ان از دو مثقال تلچهار مثقال با آب كرم و غسل فرو برند \* حب منتن محمد بن ذكرى را زى در منافع مثل حب منتن بقراط است \* صنعت آن ايارج فيقراده درم شحم حنظل قنطوريون دقيق عصاره قثاء الحما را زهر يك دودرم ونيم فرفيون يكدم ويك دانك ونيم چند بيد ستر فلفل حلتيت سكببنيچ جاوشير شيطرج هندى تخم اسپند ان ازهر يك نيم درم صمغها را در آب كرم حل كنند و باقى ادويه را كوفته با آن سرشته حب سا زنگ و هنگام حاجت شربتى دودرم با آب كرم فرو برند \* حب منتن از بياض بخط حكيم عطاء الله كه معز اليه از بياض استاد خود حكيم محمد باقر حسيني نقل نموده \* صنعت آن ايارج فيقراده درم شحم حنظل قنطوريون دقيق عصاره قثاء الحما را زهر يك پنجدرم فرفيون دودرم ونيم چند بيد ستر فلفل حلتيت سكببنيچ جاوشير شيطرج هندى ازهر يك يكدم صموغ را با آب سد اب حل سا زنگ و باقى ادويه را كوفته بيخته با آن بسروشند وحب سا زنگ جمله ده شربت است \* حب نارمشك مسيح قولنج بكشايد ودر مفاصل ونقرس را سود دارد \* صنعت آن صبر سقوطرى بيه درم



فلغل مویه ساذج هندی صغتر فارسی فلغل سیاہ ازهر يك سه درم ونیم اجزا را کوفته بیخته با آب عنب الثعلب سرشته  
حب سازند شربت می دود رم فرو برند و بعد ازان آب کرم بنوشند \* حب نارمشك ابن جزله قولنج را نافع است و از  
برای درد مقاصل و وجع نقرس سودمند بود و بر سیری و کرسنگی توان خورد \* صنعت آن فلغل مویه ساذج هندی صغتر  
فارسی دارفلغل فلغل سیاہ نمک هندی زنجبیل حب بلسان دارچینی نارمشك ازهر يك یک درم ونیم هلیله سیاہ سه  
درم صبر زرد سقوطی بیست درم کوفته بیخته با آب عنب الثعلب سرشته حبها سازند و در سایه خشک نمایند شربت می دود رم  
تا دود رم ونیم با آب نیم کرم فرو برند \* حب نارمشك مسهل سریع الاثر است و بجهت تحلیل ریح و تقویت معد و رفع تهیج  
و درد معد که از احتباس طبع باشد نهایت نافع است و یکدل دش یک مجلس اجابت میکند \* صنعت آن مصطکی رومی زنجبیل  
قرنفل دارچینی فلغل سیاہ نارمشك ازهر يك یک مثقال و یک آنک سقمونیا می مشوی انطاکی شکر طبرزد ازهر يك ده درم  
سوده با آب حب سازند و رخی بقدر خودی \* حب نجاح منقول از قانون جهت فالج و لقوه و وجع مقاصل و رکیه بلغمیه  
پسیا و نافع \* صنعت آن بود هبارق و آن دوی هندی بیست ساطل استر زنجبیل و آن نیز دوی هندی بیست تربل سفید مل بر  
حب النیل غاف ازهر يك يك مثقال پنجاہ رطل آب بخورشانند تا بنصف آید پس مالید و صاف نمایند و صافی را در  
دیک کرده بر آتش گذارند و بخورشانند تا غلیظ گردد پس بریزند بر آن دند چینی منقی از پوست و زیانه اندرون لب که  
مثل لسان العصاره فیوریک است غاریقون هشت سفید مصطکی رومی صبر سقوطی زرد هلیله کابلی مقشر عصاره سوش ازهر يك  
بیست مثقال دند را جدا و ادویه را علیحدہ نرم کوفته بیخته با آن آب بسروشند و حبوب سازند شربت می ازد و آنک تا  
چهار آنک نهایت یک درم \* حب نجیب الدین سمرقندی از برای اخراج بلغم و سود او تنقیه و ماغ \* صنعت آن تربل  
سفید یک مثقال ایا راج فیقر یک درم اسطوخودوس دود آنک غاریقون نیم درم سقمونیا یک آنک ونیم زنجبیل یک  
د آنک کل سرخ یک آنک مقل ازرق دود آنک بد ستور مقر حب سازند \* حب نجیب الدین که تنقیه سودا کند و اخراج  
سودا نماید کسا نیکه مقل و رنداشته باشند آشامیدن مطبوخ اختیمون را \* صنعت آن اختیمون بیست درم بسغا یج  
فستقی غاریقون سفید ازهر يك ده درم خربق سیاہ نمک هندی ازهر يك پنج درم اسطوخودوس هفت درم ایا راج فمقرا  
پنچ درم حب سازند شربت می سه درم \* حب نقط منسوب بجالینوس قوی الفعل است در امراض سوداوی و نافع است از  
برای هر مرض بارد مانند فالج و لقوه و ریح بارده و نقرس و قولنج و امراض بارده و مقاصل و عرق النساء و قوت این حب تا  
سه سال باقی میماند و شربت می ازان تا دود رم است محمد بن ذکریا گفته که این حب مضراست بکبد و مصلح وی زیت است  
و اسحق گفته که مفتح بواسیر است و شیخ داؤد گفته که این قول اصح از اول است و ذکر نکرده مصلح آنرا و آن مرحوم نوشته اند  
که نزد من مصلح آن کتیرا است یا آب عناب هر کد ام که باشد یا هر دو معا \* صنعت آن به نسخه شیخ داؤد انطاکی صبر سقوطی  
پا نژده درم ماهی زهره پوست هلیله زرد بزجر مل صمغ سداب و اکریافت نشود صمغ سداب بدل آن دوزن صمغ بوک  
سداب کنند جا و شیر مقل ازرق سکبینه چند بید سترا نوزوت سفید شحم حنظل منقی از حب ازهر يك ده درم و در نسخه  
دیکو تربل سفید اصل السوس ازهر يك هفت درم داخل است و صواب ترک این دود و است اگر نبوده باشد بلغم در نهایت  
افراط و در نسخه دیکو اختیمون هفت درم داخل است و صواب ترک آن است اگر نبوده باشد سودا غالب و گاهی داخل  
گردد و میشود حلتیم و حب الغار و این صحیح است و اگر نبوده باشد حمی و یا بوده باشد مرض بعد از آشامیدن سم یا  
گزیدن جانواران سمی مجموع ادویه یا بسره را کوفته بیخته صمغ زرد رطقت سفید با قندی آب کرم حل کرده همه را  
مخلوط کرد و بنقط سفید سرشته حب سازند و درقا بادین رومی بنظر رسید که بعسل بسروشند و این خطا است و باید که



که در حلد ریاشند از آنکه محرق شخم کرده است و گاهی اضافه کرده میشود بر اجزای این حب شیطان هندی قافله بوزیدن سورنجان ایا راج فیقر ازهر یک پنجم رم پس میگردد نفع آن عظیم در او جاع بارده خصوص در او جاع مفاصل و نقرس \*  
 صنعت حب نطف بنسخه حنین بن اسحق پوست هلیله زرد صبر سقوی شخم حنظل ماهی زهره تخم حرمل چند بید ستر  
 انزروت سفید اشق مقل ازرق سکبینج جاوشیر صمغ سد اب نطف سفید ازهر یک پنجم رم صموغ را با نطف سفید در آب  
 کرم حل سازند پس باقی ادویه را کوفته بیخته بآن بسرشند و حبهای کوچک ساخته در سایه خشک نمایند شربت در دم  
 بآب نیم کرم \* حب که تنقیه دماغ و سر کنند و سد های کبد بکشاید و منقبی بدن است \* صنعت آن تربید سفید صجوف تراشیده  
 بروغن بادام چرب نموده بیست و پنجم رم پوست هلیله زرد پوست هلیله گابلی ازهر یک پنجم رم نمک نطفی شش رم ایا راج  
 فیقر ایک درم کل سرخ منزع الاقماع چهار درم انیسون سه درم چند بید ستر یک مثقال کوفته بیخته بآب کاسنی تازه  
 سرشته حب سازند هر حبی مثل فلغلی در سایه خشک کرده در شیشه نکاهد ازند شربت در آب نیم کرم و پرهیز کنند  
 بران شش روز پیش از ان حب و بعد از ان \* حب یوقان \* صنعت آن صبر یک رم محمودة دانکی و نیم غار یقون چهار دانک  
 عصاره غافد و دانک کوفته بیخته بآب کاسنی حب سازند جمله یک شربت کامل است \* حب که تنقیه دماغ کند \*  
 صنعت آن ایا راج فیقر دو ثلث در می تربید سفید مد بر یک رم مقل ازرق نمک هندی ازهر یک دو طموج غار یقون دو  
 ثلث در می انیسون یک طموج کوفته بیخته بآب سرشته حبوب سازند هر حبی بقدر نخودی جمله یک شربت است \*  
 حب دیگر که تنقیه دماغ را عصاب کند و نافع است از برای فالج و لغوه و رعشه و امثال این امراض \* صنعت آن ایا راج  
 فیقر تربید سفید مد بر ازهر یک یک رم نمک هندی و دانک شخم حنظل ربع در می کوفته بیخته بآب سرشته حبها سازند  
 این جمله یک شربت کامل است بآب نیم کرم فرو برند \* حب دیگر که منقول ازند کره الولا لباب شینج د اود انطاکی  
 اسهال بلغم و سودا و صفرا کند و جمیع امراض بلغمی و سودا و صفرا و وی را نافع است و صالح است از برای امراض ظهور  
 وجع و رک و او جاع مفاصل و مانند این امراض و گفته که این حب نائب مناب قو یا جالینوس است بلکه از ان بهتر است \*  
 صنعت آن شخم حنظل تربید سفید ازهر یک پانزده مثقال و در نسخه دیگر ده مثقال است پوست هلیله زرد مقل ازرق  
 بسفایج فستقی ازهر یک هفت مثقال اشق سقمونیای مشوی غار یقون هشت سفید حب النیل افتمیون اقریطی  
 ملج نطفی و ج ترکی اسطوخودوس کتیرا ازهر یک پنج مثقال ایا راج فیقر ابو زین مجموع ادویه صموغ را در آب کرم حل  
 کرده باقی ادویه را کوفته بیخته بآن سرشته حبوب سازند شربت تا دو مثقال و گاهی زیاده کرده میشود در ان حب قونفل  
 فودنج کوزبان ازهر یک پنج مثقال صبر سقوی زرد پانزده مثقال تا بیست مثقال لاجورد مغسول دو مثقال و در نسخه دیگر  
 سه مثقال است خربق سیاه دو مثقال و درین حال قوی الفعل است در امراض سودا ویه و امراض متعلق بسر و در نسخه  
 دیگر بجای سقمونیای سکبینج است \* حب که سر را از رطوبات پاک کند و درد سر و شقیقه را زایل گرداند و همه وقت توان  
 خورد \* صنعت آن ایا راج فیقر چهار دانک تربید سفید مد بر یک رم پوست هلیله گابلی نیم درم ربوند چینی مقل ازرق ازهر یک  
 یکل انک کوفته بیخته بآب سرشته حبوب سازند جمله یک شربت کامل است \* حبیکه نافع است جهت امراضیکه بسبب آن  
 موبر یزد مثل جذام و داء الثعلب و داء الحیه و اخراج فضول غلیظه نماید و قوتش تا دو سال باقی است و مزاجش گرم است  
 در دویم و خشک است در اول و شربتش تایک مثقال است بآب کرم و مضر جگر و مصلحش انیسون و مضر کرده و مصلحش  
 کتیرا است \* صنعت آن صبر سقوی زرد تربید سفید مد بر ازهر یک دو اوده مثقال افتمیون چهار مثقال بسفایج انزروت  
 ازهر یک سه مثقال افسنتین ملج هندی شخم حنظل سقمونیای مشوی ازهر یک دو درم کوفته بیخته بآب سرشته حب سازند

شربت تا دودرم \* حبی که بیمار یهای آنشک و درد مفاصل و اعضا را سودمند بود \* صنعت آن ایارج نیمقرایک مثقال  
 تربل سفید من بر غاریقون لاچورد مغسول پوست هلیله زرد سورنجان ازهر یک نیمدرم سقمونیای مشوی یکل انک اجزا را  
 کوفته پیخته بکلاب سرشته حب سازند شربت دودرم غل انجود آب مرغ جوان فربه \* حب صبر مجرب النفع از برای ازاله  
 صلابی طحال \* صنعت آن صبر سقوطری زاج سفید قند سیاه کهنه مرجان محرق شیطرح هند ی پوست بیخ کبر اشق اجزا  
 متساوی کوفته پیخته بآب بهنکره سیاه که گیاهی است هند ی و اگر نباشد با سرکه انکوری کهنه سرشته حبوب سازند و حبی  
 بقدر نخودی اطفال را بحر اتب استنان یک حب صبح و یک حب وقت خواب با آب گیاه بهنکره یا سرکه انکوری کهنه اگر سرفه  
 نباشد والا با مطبوخ مناسب دیگر از پر سیا و شان و اصول و بزور یک هند و بران بهلو مقل اریک شامت بخوابند و جوان  
 کتیرا لاسنان را تا یکدرم و تا یکمثقال بد ستور بخوراند \* حب صبر دیکر از ان اقوی \* صنعت آن صبر سقوطری پوست بیخ  
 کبر پوست بهج کوزاج سفید قند سیاه ازهر یک دودرم غاریقون هس سفید ریوند چینی ازهر یک یکدرم اجزا کوفته پیخته  
 بد ستور نسخه قبل مرتب و استعمال نمایند \* دواء الصبر نافع از برای اكله و قرحه و مژانه و احلیل و جمیع قروح خبیثه \*  
 صنعت آن صبر سقوطری کلنار فارسی کل ارمنی موی سر آدمی پوست کک و سوخته کند رازهر یک نیم مثقال توئیای کرمانی  
 شسته سفید اب قلعي شسته ازهر یک یکمثقال همه را کوفته بحریر پیخته استعمال نمایند و اگر از برای سوزاک خواهند  
 یکل انک افیون صافی اضافه نموده با سفید تخم مرغ آمیز کرده فتمیله نموده در مجرای بول بکنارند و اگر از برای اكله در حلق  
 و کام باشد دوا را در نی کرده در حلق و کام بد مند بدل از آنکه غرغره بآب برگ نارمشک کرده باشند و اگر تلخی صبر رحمت ده  
 دوا را در آب برگ نارمشک حل کرده مضغه و غرغره نمایند که بعون الله تعالی نافع است \* ضماد صبر که اورام صلب کبد و  
 طحال و معد و رانافع باشد \* صنعت آن صبر سقوطری زعفران ازهر یک یکدرم افسنتین رومی سنبل الطیب ازهر یک یکدرم  
 و نیم اجزا را کوفته پیخته بکلاب کرم کرده سوخته ضماد نمایند و باقی ضماد داتی که در ان صبر است در حرف الضاد ذکر خواه  
 یافت انشاء الله تعالی \* طلای صبر نافع است جهت تحلیل اکثر اورام بارده بلغمیه \* صنعت آن بیکرند صبر زرد سقوطری را  
 و در آب چامکهایس که گیاهی است هند ی و درینکاله میشود خمسانیل و حل نموده آنمقل ارکه غلیظ گردد کرم نموده طلا  
 نمایند و مکرر کنند زائل گردد \* قرص صبر که منع انصباب نزلات بچشم و گوش و حلق و سینه و شش و شکم نمایند \*  
 صنعت آن صبر سقوطری چهارد انک افیون زعفران ازهر یک یکل انک مجموع را کوفته بآب برگ مورد سوخته اقراص  
 سازند و در وقت حاجت یک قرص را بسفید تخم مرغ سائید و بزد و پاره کاف بد ستور من کوز در اقراص نزلات مذکور در  
 افیون مالید و بر هر دو صغ بچسباند \* مطبوخ صبر و قومی این مطبوخ را باسم نفوع صبر ذکر کرده و این بهتر است بادهای  
 غلیظ را بشکند و خلط غلیظ را از تن پاک کند و درد سر که از یا دو ماده غلیظه باشد سود دهد \* صنعت آن سعد کوفی سنبل  
 الطیب افسنتین رومی فجاج ازختر تخم کرفس تخم بادیان نانخواه زیره کرمانی ازهر یک یکمثقال در یکمن و نیم آب به پزند  
 هرگاه که نیم من آب باقی ماند صاف کنند و یک اوقیه صبر سقوطری سوده در ان حل کنند و در شیشه نمایند و سه روز در آفتاب  
 نهان روز چهارم یک اوقیه را بیالایند و با دودرم یا سه درم روغن حب الخروع بپاشانند و قومی وزن صبر را درین شش  
 درم آرد و انی شربت از ان راد و اوقیه قرار داده ان بایکرم بادام شیرین \* معجون صبر باد هادی که در امعا باشد و رکن  
 و رطوبات محل و امعا را دفع کند و سب ها بکشاید و امراض بلغمی مزمن را فائده دهد و اخراج بلغم و سودا از امعا و روق  
 بکند \* صنعت آن صبر زرد حب الرشاد شو نیز نفل زنجبیل هلیله سیاه ازهر یک جزوی همه را مساوی کوفته پیخته  
 با سه وزن کل ادویه عسل بسوخته و هفت روز روز مقل ار سه درم مل و مت کنند \* معجون ایارج که مل اع مزمن را سودا

و ارد منقول از قرا بادین کونوا لی \* صنعت آن غار یقون سفید اسطوخودوس از هر یک یک گرم ایازج فیقراسه درم نمک  
هندی سقمونیای مشرقی شحم حنظل مصطکی انیسون پوست هلیله کابلی پوست بلبله آمله منقی از هر یک پنج گرم تربد  
سفید مد برچهار درم همه را کوفته بپخته بعسل کف کوفته بسروشند شربت میانه سه درم و تاسه درم و نیم نیز آمده \* معجون  
فیقر طبع را نرم دارد و شهوت رده از کل خوردن و نمک و انگشت و مانند اینها را زائل کند \* صنعت آن ایازج فیقر  
دوا زده درم پوست هلیله زرد پوست آمله منقی از هر یک دو درم نمک نبطی یک گرم و نیم کوفته بپخته بعسل کف کوفته  
بسروشند شربت میانه سه درم تا چهار درم با مطبوخ فودنه \* معجون صبر مسمی معجون مفاصل منقول از طب فرنگی \* صنعت  
آن در چین مصطکی اسارون ناردین صندل سفید زعفران از هر یک شش مثقال صبر سقوطری زرد هفتاد و دو مثقال اجزا  
کوفته بپخته بانییم من تبریزی عسل مصفی مقوم علی الرسم معجون سا زرد شربت میانه از یک مثقال تا سه مثقال \*

**فصل در ذکر نسخ نفوع صبر \*** نفوع صبر که صداع حار را نافع است \* صنعت آن آب کاسنی تازه هفت

مثقال صبر سقوطری چهار درم آنک در آن حل کرده شب در جای گرم بگذارد و صبح بنوشند \* نفوع صبر نافع صداعی را که از  
اخلاط سوداوی باشد \* صنعت آن افسنتین رومی پنج درم صبر سقوطری چهار درم آنک هردو را نیم کوفته در شیشه کنند و  
یکرطل آب گرم بر روی آن کنند و سه روز متوالی در آفتاب نهند و شب در جای گرم بگذارد و بعد از آن صاف نمایند و  
ده درم روغن بادام شیرین در مجموع این داخل کرده صبحگاه بنوشند \* نفوع صبر دیگر که بجهت درد سر بلغمی و  
سوداوی نافع است \* صنعت آن افسنتین رومی ده درم اسارون پنج درم قنطاریون دقیق مصطکی از هر یک سه درم  
همه را در یکمن و نیم آب به پزند تا نیم من بماند صاف کنند و شش درم صبر سقوطری در آن داخل کنند و در شیشه کرده  
سه روز در آفتاب نگاه دارند پس هر روز صبح دوا و نیمه از آن تا چهار اوقیه با یک گرم روغن بادام شیرین بپاشند \*  
صنعت این نفوع صبر به نسخه اصل که از یوحنا بن سرافیون است و گفته که صداعی را که از بلغم باشد در نهاییست مرتبه  
نافع است بکیرند افسنتین ده درم اسارون پنج درم کل سرخ قنطاریون دقیق مصطکی از هر یک سه درم صبر سقوطری  
شش درم همه را بگویند و به پزند و در شیشه کرده یکرطل و نیم آب گرم بر روی آن کنند و روز آن را در آفتاب بگذارد و شب  
در جای گرم نگاه دارند بعد از آن بقل حاجت با یک گرم روغن بادام شیرین نیم گرم بپاشند \* نفوع صبر منسوب  
بپوشه شاهي با سر را تحلیل دهد و در سر را سود مند بود \* صنعت آن باد آورده شاهتره از هر یک ده درم هردو را در  
در سه رطل آب بپزند تا به نصف رسد صاف کنند آنکه ده درم صبر سقوطری در آن حل کنند و قدری روغن بیل انجیر و  
روغن بادام شیرین با آن بپاشند و سحرگاه بپاشند \* نفوع صبر دیگر که صداعی که از رطوبت باشد سود دارد و ماغ  
را پاک کند \* صنعت آن پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از هر یک دو درم مصطکی سنبل الطیب از هر یک یک گرم و  
نیم اسطوخودوس کاذبوس افسنتین غاف از هر یک سه درم کل سرخ دو درم و نیم قنطاریون باریک اسارون از هر یک  
دو درم تربد سفید سه درم مجموع را در رطل آب خیسانید و بیست و چهار درم صبر سقوطری در آن انداخته سه  
روز در آفتاب بگذارد و شب در خانه گرم نگاه دارند و بعد از سه روز صاف کنند و هر روز مقدار دوا و نیمه با یک گرم روغن

**فصل در بیان نسخ مصیغات \*** صبغی که حمزه متکره و برص ناخن برص  
و بهق اعضا و کمبود رنگ چشم را زائل و سیاه کرد آنک و از اسرار است \* صنعت آن نخود پوست دار شیطرج هندی از هر یک  
یک آنک سرمه حسین برک حنای خشک از هر یک دو آنک نرم سائید و در شیشه کنند و روغن کنجد پنج مثقال سرکه ده  
مثقال بر آن ریخته در آفتاب بگذارد و مکرر بر هم زنند و امتحان رنگ آن کنند بهشت ناخن چون تغیر دهد صاف نمایند

و بچو شاند با نشن ملائم قاسر که رفته روغن بماند و جهت رنگ نمودن برص بسیار بر آفتاب نهند تا ناخن را بسیار  
 رنگین کند و این صیغ استخوان و شاخ و امثال آنها را نیز رنگ میکند \* صیغ دیگر که امراض جلده از بهق و برص که  
 قابل علاج باشد رفع می کند و الا تا یک سال برنگ اصلی بدن می آید \* صنعت آن زهره کا و سرکین سوخته کا و  
 زعفران الحلی یک خبث الحلی یک خبث القولا د شیطرح هندی پوست بپنج کبریا تخم آن پوست انار ناراس مازوی سوخته  
 از هر یک جزوی نیم بسایند و با خون عقاب و سرکه مکرر در آفتاب بسایند که هر مرتبه خشک شود تا رنگ آن زرد گردد و در  
 وقت حاجت با سرکه خمیر کرده صبح و شام بدن شستن بمالند تا سه روز متوالی پس از آن بشویند و هرگاه تغییر رنگ  
 زیاده از مطلوب داده باشد بروغن بنفشه تدبیر نمود و بعد از آن روغن و بشویند و روغن بادنجان نیز بهق و برص  
 را رنگ می کند و حرف با خون خطاف سائول \* نیز همین عمل دارد \* صیغ دیگر که برص را بلون بدن کرد اند منقول  
 از قرا یا دین سمرقندی \* صنعت آن شور قلمی مرصافی دردی خمیطین مغره شب بمانی فوه الصیغ از هر یک قدری  
 با خمیر عنبی یا سرکه انکوری سوخته طلا نمایند موافق بسیار تا این که برنگ بدن آید تا بیست روز رنگ آن بحال  
 اصلی میماند \* صیغ دیگر که همین عمل بخشد \* صنعت آن شیطرح عاقر قرحا حضض خردل شونیز کل شقاق مرصافی  
 زر نیغ زرد چوبه فوه اجزا مساوی کوفته بپخته بخون بر سرشته بمالند \* صیغ دیگر که همین فائده بخشد \* صنعت  
 آن شیطرح هندی فوه نیل شب بمانی کل سرخ اجزا متساوی کوفته بپخته در سرکه انکوری تدلی یک شبانه روز خیسایند \*  
 روز دیگر بمالند \* صیغ دیگر که بهق اسود را به برد و برنگ بدن آورد \* صنعت آن تخم ترب دره درم کندش قسط تلخ از  
 هر یک دو درم بسوکه عنبی که نه سرشته استعمال نمایند \* صیغ دیگر که بهق ابیض را برنگ بدن نمایند \* صنعت آن  
 تخم ترب شیطرح هندی فوه کندش خردل کوفته بپخته در سرکه که نه خیسایند \* استعمال نمایند \* صیغ دیگر که رنگ را  
 سرخ کند \* صنعت آن زعفران فوه کندش مرکی صافی مصطکی اجزا مساوی کوفته بپخته با آب بلبوس سرشته شب بمالند  
 و صبح با آب گرم بشویند \* صیغ که نشان آبله و جراحات و ریشها به برد و برنگ بدن آورد \* صنعت آن مردا سنک شسته  
 سفید کرده که مرتک نامند بپنج نی که نه آرد نخود آرد برنج آرد با قلا استخوان بوسید و مغز تخم خر بزه حب البیان قسط تلخ  
 از هر یک قدری کوفته بپخته بلعاب حلبه و تخم کتان سرشته شب بمالند و صبح با سبوس و آب گرم بشویند \* صیغ دیگر که  
 همین منفعت دارد \* صنعت آن ایرسا قسط مردا سنک مغسول شاخ کوزن سوخته بوره ارمی اشق اجزا مساوی کوفته  
 بپخته با ماء الشعیر سرشته شب بمالند و صبح بشویند \*

### باب الصاد مع الحاء الملهمة \*

صداء بفتح صاد مهمله و سکون حای مهمله و فتح نون و الف و تا بقارسی ما هیانه نامند معمول اهل لار است و توابع  
 آن درد ویم گرم و خشک و محقق رطوبات معدیه و رافع بد بوئی دهان که از رطوبت معدیه باشد و جهت فالج و رجوع و رک  
 و امراض یارده و مد او مت آن رافع بد بوئی عرق و مولد خلط سوداوی و امراض حادث از آن و مصرق دم و مورث تشنگی  
 و تعفن اخلاط و مصلحش بالخاصیت زنجبیل است و استعمال سرکه و ترشیدها \* صنعت آن بکیرند ماهی ریزه و خشک  
 کرده و سرودم آنرا در نموده پاک شسته در ظرف سفالی بریان نمایند مانند قهوه که فی الجملة پوشته کرد پس  
 برآورده نرم گویند و در مرتبان یا خمی کرده آب گرم ده وزن آن نمک چهار وزن آن داخل کرده در زمین دفن کنند و باید  
 آفتاب گل از آن و سر آن را بپوشند تا ده یا نوزده روز که برسد پس صاف نموده خردل مقشرد رست ناکوفته چهار وزن  
 ماهی و قدری قزغزل و د ارچینی و هیل بوا و جوز بوا جو کوب نموده در آن اندازند و عند الحاجة بقدر مطلوب  
 برآورده بعضی برای لذت قلری روغن را داغ نموده کرما گرم در آن میریزند که دانه های خردل بشکفل یعنی شق گردد و آب

آب لیمو یا سرکه داخل کرده پس بزنان پاشید و تنای منجمدیند و بعضی همان قسم بدین قرغل و در ارچینی و غیره  
 بدین آنکه در روغن داغ اندازند بزنان پاشند و یا نان را در آن فرو برد و می خورند و این نان خورش بیچارگان غروهایه  
 است و آنچه حکیم میر محمد مؤمن در تحفه صنعت آن را نوشته اند اصلی نکارد \* **باب الصناد المهمه مع**  
**النوت \*** صندل بفتح صاد مهمله و نون و دال مهمله و لام درخت آن بخت درخت کردگان و نمرش شبیه بخوشه  
 حبه الخضرا و قوت چوب او تا سه سال باقی است و آن سفید و زرد و سرخ میباشد سرخ آن را زکات چندن و سفید آنرا  
 چندن و زرد آن را ملاکیرنا مند و در اکثر بلاد دهند و دکن بسیار میشود و سفید و زرد آن در سیوم سرد و زرد و نیم خشک  
 و سرخ و بعکس آن و مقوی معده و دل و مفرج و رادع و قابض و با تر یا قیص و مسدود و جهت خفقان حار و تپهای تند و  
 التهاب و منع صعود بخارات بدن ماغ نافع و طلای آن جهت رفع بد بوئی نوزده و درد سر حار و با دسرخ و نمله و جمره و  
 نقرس و اورام حاره مفید خصوصاً با آب عنب الثعلب و حی العالم و امثال آن و با نصف آن انزروت و سفید می تخم  
 سرخ جهت منع نزلات در چشم و سائر اعضا و بالخاصیت طلای آن مورت خارش بدن و حرارت بتکثیف مسام و رفع آن  
 بسرکه و روغنهای گرم لطیف و بغایت مضربه و قاطع آن و مضر صوت و مصالحش غسل و نبات و شربتیش یک مثقال و بدل  
 سفید آن نصف آن کافور و بدل سرخ آن مثل آن فوغل است و ضماد صندل سرخ با روغن زیتون جهت اعیان و کلاب  
 جهت قلاع مفید و صندل سرخ در سائر آثار سروای تغریب مثل سفید است قرشی در شرح قانون گفته مستعمل در زمان  
 ما در اضمه و غیر آن صندل سرخ است و در مشروبات صندل سفید جهت آنکه اتفاق کرده اند اهل زمان ما بر آنکه  
 در صندل سرخ جزو حار و نیز میباشد که نفوذ میفرماید اجزای بارده را از خارج بدن داخل و ازین جهت اقوی است  
 فعل آن بخلاف صندل سفید که نیست در آن جزو حار و ازین جهت هرگاه استعمال کنند از داخل بسبب نبودن جزو  
 حار در آن پس تسخین نمیکند و میباشد اقوی در فعل از صندل سرخ صاحب شفاء الاسقام گفته آنچه مشاهد کردیم  
 ما از اطباء آن است که استعمال میکنند صندل سفید را در سهال صغرا و صندل سرخ را در سهال مختلطه با صغرا  
 و تخم صندل سرخ در نهایت سوزی میباشد مثل عین الدلیک و بقدر نخود و پهن بشکل عدس و مغز او سفید و سه  
 عدداً از مغز تخم او جهت بول الدلم و حرقت البول و مرضی که بجای منی خون انزال شود سودمند مجرب دانسته اند  
 و اطباء هند با آب زنجبیل ترکیب کرده ادراک مینماهند استعمال مینمایند \* جوارش صندل ترکیب حکیم جعفر جو نپوری  
 خفقان و ضعف قلب و کبد و معده را نافع است \* صنعت آن صندل سفید صندل سرخ از هر یک پنج روم با کلاب سائید \*  
 طبایا شیر سفید تخم خرفه بریان کشنیز خشک بریان پوست پیرون بسته از هر یک دودرم مصطکی زعفران از هر یک یک  
 درم مروارید ناسفته کهر با مرجان سرخ فاد زهر معدنی کل ارمی از هر یک دودرم مشک خالص یک درم قند نیم من تبریز  
 قند را در نیم من کلاب کداخته بقوام آورده ادویه کوفته بیخته با آن سرشته جوارش سازند \* جوارش صندل حاوی نافع  
 از برای امراض مذکوره \* صنعت آن صندل سفید صندل سرخ با کلاب سوده از هر یک هفت درم طبایا شیر سفید تخم  
 خرفه بریان کشنیز خشک بریان پوست پیسته از هر یک سه درم مصطکی عود هند عرقی دانه میل قافله کبار در ارچینی  
 زعفران ساج هند از هر یک سه درم مروارید ناسفته کهر با شمعی مرجان قرمز فاد زهر معدنی طین ارمی و  
 داغستانی طین مختوم ورق نقره محلول از هر یک دودرم مشک خالص ورق طلا محلول از هر یک یک درم کافور قیصوری  
 نیم درم و اگر از برای مبرود المزاج یک درم عنبر اشهب داخل نمایند نیز خوب است اجزا کوفته بیخته با سه چند ادویه  
 نبات و غسل با لمانا صغره شربت سیب شیرین شربت به شیرین از هر یک بیست مثقال بقوام آورده بسرشدن شربت می از

نیم درم تا دود رم میل نمایند و با لای آن کلاب و بید مشک بپوشند \* جوارش صندل خامض لی منافع و صنعت آن مثل  
 منافع و صنعت جوارش صندل حلواست الا آنکه خصوصیت آن بمبرودین و این بمبرورین زیاده است و بر اجزای مسطوره  
 این سماق منقی و زرشک منقی از هر یک سه مثقال و آب لیمو یا آب غوره از هر یک ده مثقال و شربت سمب ترش و شربت  
 به ترش و شربت حماض از هر یک پانزده مثقال افزوده است \* حب صندل لی معتدل و مقوی معده و رافعا سهل است خصوص  
 اسهال لیکه زنان را بعد از وضع حمل عارض میگردد \* صنعت آن صندل سفید طباشیر آمله منقی اقا قیا غنچه کل سرخ  
 حب الاس زیره سفید صمغ عربی زنجبیل اجزا مساوی کوفته پیخته با آب بارتنگ سرشته حبوب سازند هر حبی بقدر  
 نخودی شربتیی از دو حب تاده حب به تنهایی یا با آب کشنیز تازه و یا شیر و تخم خرفه بریان و دانه هیل و کشنیز خشک و یا تخم  
 خشخاش از هر یک بوزنی که برای طبیب اقتضا کند فرو برند \* حب صندل کبیری مقوی معده و کبد و قلب و دماغ است و  
 حایس اسهال \* صنعت آن صندل سفید صندل سرخ طباشیر سفید آمله منقی حب الاس اقا قیا از هر یک دودرم و نیم که با  
 کتیرا صمغ عربی کل مختوم از هر یک یک و نیم درم زنجبیل زیره سفید زیره کرمانی مد برین غنچه کل سرخ منزع الا قمع  
 زور و مصطکی از هر یک دودرم اجزا کوفته پیخته با آب بارتنگ سرشته حبوب سازند هر حبی بقدر نخودی شربتیی از یک حب  
 ذاهمت حب بد ستور مسطور فرو برند \* حب صندل دیکری متوسط \* صنعت آن صندل سفید طباشیر سفید از هر یک  
 ششماشه صندل سرخ چهار ماشه زیره سفید زنجبیل از هر یک سه ماشه زیره سیاه مد بردار چینی که با از هر یک دو ماشه  
 کوفته پیخته با آب برک بارتنگ سرشته حبوب سازند شربتیی یک ماشه بد ستور فرو برند \* حب صندل اصغری در منافع قریب  
 است بمعادل \* صنعت آن صندل سفید طباشیر سفید از هر یک دودرم آمله منقی چهار درم زنجبیل یک مثقال اجزا کوفته  
 پیخته با آب برک بارتنگ سرشته حبوب سازند هر حبی بقدر نخودی شربتیی از دو حب تاده حب \* حب

فصل در ذکر خمیره های صندلی \* خمیره صندل به نسخه داود نافع از برای حمیاب عتیقه وضع مزاج و  
 ضعف کبد و خفقان مغرط و اسهال خون \* صنعت آن صندل سرخ اسارون خمیر بوا قافله کبار تخم خشخاش از هر یک نیم اوقیه  
 مصطکی رومی ربونل چینی طباشیر سفید زرنب قرنفل قونچمشک از هر یک چهار درم مجموع را کوفته سه شبانه روز در کلاب  
 بنجیسانند پس بجوشانند تا ربع بماند پس نیکو بمانند و با لایند و جمع کنند صافی آنرا با آب عناب و آب ریاس و آب سمب  
 شیرین و آب زرشک و آب نیشکر و آب انار شیرین و آب سفرجل از هر یک چهار اوقیه و اگر تمام این آبها بهم نرسد آنچه یافت  
 شود پس بکیرند قند سفید دوزن مجموع آب مطبوخ و آب میوه و آب آتش ملایم بقوام آورند پس بکیرند ابریشم خام مقروض  
 و کهو بای شمع از هر یک چهار درم صندل سیفک خوشبو چها اوقیه مرورایند ناسفته مرجان قرمزی لعل بد خشی از  
 هر یک یک درم یا قوت رمانی یک درم و نیم همه را در کلاب و عرق بید مشک از هر یک نیم رطل آب لیمو و آب انجیر از  
 هر یک چهار اوقیه سحق بلیغ نموده داخل نمایند و از آتش برگیرند و در آخر ورق طلا محلول و ورق نقره محلول و مشک تبیی  
 از هر یک یک مثقال و نیم عنبر اشهب در درم محلول در روغن بلسان داخل نمایند \* خمیره صندل دیکره که قریب النفع  
 است بدان \* صنعت آن بکیرند صندل سفید بکلاب سرد و پنج مثقال در یک رطل قند سفید که در کلاب و عرق بید مشک  
 بقوام آورده تیر زده که خوب سفید شد و باشد داخل کرد و برهم زنند که نیکو مخلوط شود و اگر خواسته باشند یک مثقال  
 عنبر اشهب و نیم مثقال مشک تبیی را با نبات سفید کوفته پیخته داخل نصف آن نمایند و برهم زنند و نگاه دارند  
 شربتیی از غیر عنبری آن یک اوقیه و از عنبری نصف اوقیه \* خمیره صندل خامض کا فوری نافع از برای تسکین  
 التهاب قلب و معده و کبد و قپ و قپ و قپ دق \* صنعت آن صندل سفید مقاصری سی درم سوهان کرده در کیسه کتا

کتانی کرده در کلاب و عرق بید مشک و عرق نیلوفر از هر یک نیم رطل یک شبانه روز بخیسانند و روز دیگر با سه رطل آب  
 در یک سنگی بجوشانند و دانه کبسه را بمالند تا آب در عرقها بنصف رسد پس کبسه را نیکو بمالند و شیرۀ آنرا  
 بکشند و بفشارند و ثقل را دور کنند و در آب مطبوخ آب انار ترش و شیرین و آب تمروندی و آب سفرجل شیرین و آب سفرجل  
 خامض از هر یک یک رطل قند سفید سه رطل داخل کرده بقوام آورند قوام خمیره و از آتش بر گرفته صندل سفید طباشیر  
 سفید سوده از هر یک ده درم مروراید ناسفته کهرای شمعی صلایه کرده از هر یک ده درم کافور قیصوری نیم مثقال  
 سوده داخل نمایند و به تیر معجون سازی برهم زنند تا نیکو مخلوط شود و در ظرف چینی نگاه دارند شربتیه ده درم با  
 شیرۀ تخم خیارین و شیرۀ تخم خرفه مقشور و عرق بید مشک بیاشا مندل \* خمیره صندل ترکیب محمد بن ذکریا را زی نافع است  
 از برای محرورین و مقوی قلب است و اصحاب مالیخولیای مراقی و خفقان را مفید است \* صنعت آن صندل سفید بکلاب  
 سائیده بیست مثقال کل کا و زبان غنچه کل سرخ از هر یک پنج مثقال کا و زبان ابریشم خام تمروندی از هر یک یکصد مثقال  
 آلوی بخارائی هشتاد و پنج مثقال مجموع را در کلاب و عرق بید مشک و عرق کا و زبان از هر یک یک رطل آب حلا در آن یا آب  
 طلا تاب یک شبانه روز بخیسانند پس بجوشانند و بمالند و بهالایند و قند سفید و دمن طبعی شربت انار شیرین شربت  
 سیب شیرین شربت به شیرین از هر یک یک رطل داخل کرده بقوام آورند پس تیر زنند تا چون لها ته شود پس هود قمار  
 خام مصطکی رومی طباشیر سفید ورق طلا محلول ورق نقره محلول مشک خالص عنبر اشهب مروراید ناسفته سوده  
 کشنیز خشک مقشور از هر یک یک مثقال سوده با آن بسرشد و برهم زنند تا نیکو مخلوط شود و در ظرف چینی نگاه دارند شربتیه  
 از یک مثقال تادومثقال \* خمیره صندل دیگر مقوی قلب و دماغ و نافع است از برای خفقان \* صنعت آن صندل سفید بکلاب  
 سوده بیست مثقال قند سفید یکصد و شصت مثقال عنبر اشهب نیم مثقال مشک خالص یکصد و نیم ورق طلا و ورق  
 نقره از هر یک نیم مثقال کلاب یکصد و شصت مثقال عرق بید مشک هشتاد مثقال قند را بکلاب و عرق بید مشک سوده حل کرده  
 با آتش ملایم بقوام آورند پس سفیدۀ تخم مرغ و با شیر و آب درهم کرده دست زنند تا کف کند کف آنرا بر آن قند زده تیر  
 معجون سازی بر آن زنند تا خمیر شود پس عنبر و مشک با قند ری نبات سفید سوده داخل نمایند و برهم زنند پس ورق طلا  
 و ورق نقره محلولین داخل کرده برهم زنند پس صندل را داخل کرده نیکو برهم زنند و نگاه دارند \* خمیره صندل خامض بنسخته  
 حکیم میر محمد حسین ولد حکیم میر محمد باقر بن حکیم میر عماد الدین محمود \* صنعت آن صندل سفید سوده بیست مثقال  
 یکشبانه روز به کلاب و عرق بید مشک بخیسانند پس با آتش ملایم بجوشانند تا بنصف رسد نیکو بمالند و بهالایند پس آب  
 انار ترش پنجاه مثقال آب تمروندی چهل مثقال آب لیمو هشتاد مثقال قند سفید یکصد و پنجاه مثقال نبات سفید یکصد و  
 پنجاه مثقال مجموع را با آتش ملایم بقوام آورند عنبر اشهب و مثقال ورق طلا و ورق نقره از هر یک سه مثقال داخل کرده  
 تیر زنند تا چون خمیره شود پس صندل سفید سوده سه مثقال طباشیر سه مثقال کافور قیصوری یک مثقال داخل کرده  
 خوب برهم زنند شربتیه یک مثقال با شیرۀ تخم خرفه مقشور بخورند و اگر قند و نبات را با عرق زرشک و کلاب که در آن صندل  
 را خوب سوده باشند اولاً بقوام آورند بعد از آن بتدریج آبها را داخل نمایند و بقوام آورند پس ادویه را داخل کنند از ترکیب  
 منکوری بهتر خواهد بود \* خمیره صندل خامض سوی مزاج حار و قلب و خفقان حار و حمیات صغراوی و اسهال مراری  
 و تهوع و قی صغراوی را نافع است \* صنعت آن صندل سفید سوده سی درم کشنیز خشک مقشور پنجم درم در آب غوره  
 یکصد درم سوکه انکوری ده درم آب باران یکصد کلاب عرق بید مشک از هر یک نیم من یکشبانه روز بخیسانند پس بجوشانند  
 تا بنصف رسد و دست بمالند و از پارچه کتان نازک بکرا راندند پس یکمن قند سفید داخل کرده بقوام آورند و تیر زنند



تا چون لها ته شود پس بگیرند صندل سفید سوده ده درم مروراید ناسفته یشب هیز و هود و اصلایه کرده زعفران یک درم کا فور قیصوری نیم مثقال طباشیر سفید ده درم گرفته بیخته ورق طلا ورق نقره از هر یک نیم درم همه را بآن بسرشدن شربت بنجد رم \* خمیره صندل دیکر نامقوی قلب و مغروح است و نافع است از برای خفقان حار و اصحاب مالبخولیای مراقی و بجهت اسهال صفراوی و تهوع و قي صفراوی نافع است \* صنعت آن صندل سفید سوده سی درم دوشبانه روز در کلاب و عرق بید مشک و عرق کا و زبان از هر یک پنجاه مثقال آب حداد آن یکمن بخیسانند پس بجوشانند تا ثلث بماند و بپالایند پس بگیرند قند سفید دو رطل عسل مصفی یک رطل آب سیب شیرین آب به شیرین آب انار شیرین آب نیشکر آب اترج از هر یک بیست مثقال داخل کرده بقوام آورند پس تیر بزند تا چون لها ته شود پس بگیرند صندل سفید سوده نه درم زرشک منقی هفت درم طباشیر سفید ورق کل سرخ پوست بیرون پسته از هر یک چهار درم بهمن سفید بهمن سرخ از هر یک سه درم درونج عقری چینی مصطکی رومی از هر یک یک مثقال پوست اترج سه مثقال مروراید ناسفته یک درم و نیم بسد محرق یشب سبزیاقوت رمانی ورق طلا محلول از هر یک یک درم ورق نقره محلول عنبر اشهب از هر یک یک مثقال مشک تبطلی خالص نیم مثقال بدستور خمیره موتب نمایند شربت نیم مثقال \* سفوف صندل اکثر امراض بطن و احشای نافع بود و قبض بکشاید و ادرا بول نماید و اقسام قرورح کلیه و مثانه و مجاری بول را نافع بود و معده را قوت دهد و کبد را نافع بود \* صنعت آن صندل سفید وزر که آنرا بهندی ملاکیر گویند صندل سرخ نبات سفید غنچه کل سرخ منزوع الاقماع از هر یک چهار درم و نیم زیوند خطائی نشاسته رب السوس شاخ کوزن سوخته صمغ عربی از هر یک دو درم و نیم مغز تخم خیام مغز تخم خیام ریادرنک از هر یک یک مثقال و ثلث مثقالی کتیرا مغز تخم کل و شیرین از هر یک یک درم و نیم کا فور قیصوری کهر بای شمعی از هر یک ربع درمی گرفته بیخته در شیشه نگاه دارند شربت از دو درم تا چهار درم \* فصل در بیان نسخ اشربه صندل \* شراب صندل ساده مقوی قلب و کبد حار است و نافع است از برای خفقان و جمیع امراض حار قلب و امراض حار که در قلب از خون و امراضیکه حادث شود در سایر اعضا بمشارکت امراض دموی قلب و خفقان مانند صداع حادث بمشارکت خفقان دموی قلب و دفع اسهال و قي صفراوی و حابس سیلان خون است \* صنعت آن صندل سفید سوده بیست مثقال در نیم رطل کلاب بخیسانند پس بمانند و بپالایند و ثلث آن را در نیم رطل آب بجوشانند تا بنصف رسد بمانند و بپالایند و هود را یکجا کرده بایک من قند سفید بقوام آورند شربت بنجد پنج مثقال \* شراب صندل ساذج به نسخه دیگر که همین منافع دارد اقوی از نسخه اول است \* صنعت آن بگیرند صندل سفید ثلث یک رطل و درشش من کلاب بجوشانند چون به نصف رسد بپالایند و ثلث رطل دیکر صندل سفید سوده در آن داخل نموده باز بجوشانند تا یک رطل و نیم کلاب بماند بپالایند و یک رطل و نیم قند سفید در آن داخل کرده بقوام آورند شربت بنجد از یک اوقیه تا یک اوقیه و نیم \* شراب صندل حامض نافع از برای التهاب قلب و معده و کبد و از برای خفقان و تب محرقه و قتیکه سرفه نباش \* صنعت آن صندل سفید سوهان کرده چهل درم کشنیز خشک پنچ درم دیکر صندل درم آب غوره ده درم سرکه انکوری را ست مزه و یکمن کلاب خوشبو یک شهاب نور و بنجیسانند و بجوشانند تا به نصف رسد پس از آتش بر گرفته بکنارند تا سرد شود و دست بمانند و بپالایند پس یکمن قند سفید در آن داخل کرده بقوام آورند و یک درم زعفران را بکلاب سوده داخل کرده از آتش فرود آورند و نیم مثقال کا فور قیصوری سوده و ده درم طباشیر سوده داخل کرده به تیر معجون سازی بریزند تا خوب مخلوط شود پس در شیشه یا ظرف چینی نگاه دارند شربت بنجد چهار مثقال \* تخم خرفه مقشر \* صنعت این شراب به نسخه دیگر



سید اسمعیل در رحمی محرقه بکیزند صندل سفید بکلاب سوده سی درم و در نسخه دیگر چهل درم است کشش  
خشک پنجاه درم در آب غوره پنجاه درم و سرکه انکوری قد ری و آب خالص یکمن یک شبانه روز بخیسانند و روز دیگر با آتش  
ملایم بجوشانند تا ثلث بماند فرود آورده بکیزند که گرمی آن ساکن گردد دست بمانند و بخورقه کتان شیوه آنرا بکشند و با  
یکمن نبات بقوام آورند پس از آتش فرود آورده زعفران نیم درم طباشیر سفید صندل سفید از هر یک ده درم کافور قیصوری  
ریاحی نیم مثقال سوده داخل نمایند و به تیر معجون سازی برهم زنند تا مخلوط و مستوی شود شربت پنجاه درم با شیر خورقه  
مقشور شراب صندل خامض به نسخه محمود بن الیاس که در حاروی صغیر آرد \* صنعت آن صندل سفید شصت درم در  
یکصد و سی درم سرکه انکوری یا آب غوره هر کدام که باشد و سه رطل آب یکشبان روز بخیسانند پس بجوشانند آنگاه ارکه نصف  
بماند پس از آتش بر گرفته بکیزند که حرارتش کم شود ثقل آنرا بمانند و بغشارند و بهالایند و با یکمن قند سفید بقوام  
آورند \* صنعت این شراب به نسخه میرزا ابراهیم در منهای که در رحمی محرقه آورده بکیزند صندل سفید سوهان کرده  
پنجاه درم و یک شبانه روز ریخ استار سوکه و ریخ استار آب غوره و نیم من آب بخیسانند پس بجوشانند تا به نیمه  
رسد و بهالایند و با یک من قند سفید بقوام آورند و اگر سرفه باشد با کلاب بخیسانند و در نسخه دیگر این شراب  
بجای پنجاه درم صندل سفید نود درم است \* شراب صندل ترکیب شرف الدین زمان مارستانی \* صنعت آن به نسخه  
قلانسی بکیزند انار دانه ترش پنجاه درم زرشک منقعی پنجاه درم تمر صندل سی درم آلوی سیاه خشک کرده بیست دانه براده  
صندل مقاصری ده درم ریوند چینی یک ریم تخم کاسنی نیم کوفته سه درم رازیانه یک ریم همه را در سه من آب یک  
شب بخیسانند و روزش بجوشانند تا به نصف رسد پس بهالایند پس داخل نمایند در آب مطبوخ آب غوره پنجاه  
درم آب سیب سی درم آب لیمو هفت درم شکر سفید مصفی دومن و به پزند تا بقوم آید \* شراب صندل به نسخه قلانسی \*  
صنعت آن براده صندل سفید پنجاه درم در یک رطل کلاب و نیم رطل سرکه انکوری که نه و شبانه روز بخیسانند پس  
بجوشانند تا بنصف رسد فرود آورده بمانند و بهالایند و با یک رطل قند سفید بقوام آورند و از آتش فرود آورده  
کافور قیصوری زعفران از هر یک یک درم سوده بران بپاشند و به تیر معجون سازی برهم زنند تا نیکو مخلوط شود شربت  
پنجاه درم با شیر تخم خورقه مقشور شراب صندل به نسخه میر محمد مؤمن مذکور در تحفه المؤمنین نافع از برای تقویت قلب  
و جگر و معده و دافع اسهال و سیلان خون \* صنعت آن صندل سفید بیست مثقال بکلاب سائید در نیم رطل کلاب در  
شبانه روز بخیسانند پس بهالایند و کلاب را نکاهل اشته جرم صندل را در آب بجوشانند تا بقیه قوت آن در آب باز داده شود  
پس بهالایند و با کلاب سابق داخل کرده هر دو را با یک رطل شکر سفید مصفی بقوام آورند و اگر قایض تر خواهند یک اوقیه انار دانه  
ترش را با صندل بخیسانند و بمانند و بهالایند پس جوشانید صافی نموده بقوام آورند با شکر و اگر قسم توش خواهند بجای  
کلاب سرکه یا آب لیمو کنند و در شربت صندل لیمو سرخ و سفید بالمناصفه \* عطر صندل در آن است مقوی قلب و دماغ و  
مایه اکثر عطرها است که ذهینیت در اصل آنها نیست مانند عطر خاک و خس طبیعت آن سرد و خشک \* صنعت آن بکیزند  
صندل خوشبوی نوع اعلی را و براده کرده یک شبانه روز در آب بخیسانند پس بدستور مغرر بقرع و انبیق عرق کشند و  
یکل از آن تا سرد گردد و عطر آنرا از روی عرق بالتمام بکیزند و در شیشه نکاهل ازند و عند الحاجة استعمال نمایند و عرق آن  
نیز مقوی قلب حار و خفغان و تقویت معده و رفع توحش شرابا نافع \* معجون صندل دل را قوت دهد و خفغان را زایل کند  
و نشاط و تفریح آورد و رنگ رو را نیکو گرداند \* صنعت آن صندل لیمو طباشیر از هر یک هشت مثقال مروارید ناسفته سه  
کهر بلای شیمی کار زیان عود خام از هر یک دو مثقال تخم کاسنی خشک تخم خورقه مقشور از هر یک پنج مثقال افیمون ورق کل سرخ

ازهر يك شش مثقال ساذج هندى زرنباد تخم فرنجمشك تخم بادرنجبويه خشخاش سفيد كل ارمنى بنفشه ازهر يك چهار  
 مثقال درونج عقربى عنبر اشهب ازهر يك د و مثقال كافور قيصورى مشك تبتي ازهر يك يك مثقال ادويه را كوفته بيخته با  
 شراب سيب بقل راجت سرشته معجون سازند شربتى از نيم مثقال تاد و مثقال \* مغر خ صندل حار خفقان و توحش و  
 ضعف دل كه از برودت باشد مفيد است \* صنعت آن صندل سفيد صندل سرخ طباشير تخم خرفه مقشر زرشك منقى آمله  
 منقى ازهر يك پنج مثقال بهمن سرخ بهمن سفيد شقاقل مصرى بوزيد ان تخم فرنجمشك تودرى سفيد تودرى سرخ  
 تودرى زرد تخم بادرنجبويه ازهر يك د و مثقال ورق كل سرخ دانه هيل ازهر يك سه مثقال قرنفل عود غرقى ابيح لغاح  
 بزررا لبنج سفيد بسباسه جوز بودا رچينى ازهر يك يك مثقال و نيم مرواريد ناسفته چهار مثقال ياقوت رمانى ياقوت زرد  
 لعل بن خشاني كه ربى شمعى مرجان قرمزى عقيق يمانى عنبر اشهب مشك تبتي كافور قيصورى ورق طلا محلول ازهر يك  
 يك گرم زعفران ورق نقره محلول ازهر يك دودرم احجار را با كلاب و بيد مشك برسنگ سماق صلايه نموده باقى ادويه كوفته  
 بيخته با شربت سيب شيرين و شربت به شيرين ازهر يك بيست مثقال و نبات و عسل ازهر يك هفتاد مثقال با كلاب و  
 بيد مشك بقوام آورده على الرسم بسرشدن و از بر اى مبرود المزاج كافور داخل ننمايند و با قلى داخل نمايند شربتى  
 يك گرم تادودرم با كلاب و بيد مشك بنوشند \* مغر خ صندل لين مدقوق را نافع باشد و دل را تقويت تمام بخشد و خفقان  
 را اسود دهد و طبع را بيمد و اسهال ذوبانى را بسيار نافع بود هرگاه كه تب نباشد توان داد و اگر تب باشد بسيار نبايد  
 داد و خواب آورد \* صنعت آن صندل سفيد بكلات سوده شش رم صندل سرخ سه درم تخم خرفه بوداده كشنيز خشك بوداده  
 خشخاش سفيد بوداده ازهر يك پنج درم زرشك بيد انه هفت درم طباشير سفيد ورق كل سرخ پوست بيدرون پسته  
 ازهر يك چهار درم بهمن تخم كاسنى تخم كاهو ازهر يك سه درم درونج عقربى مصطكى رومى ازهر يك يك مثقال پوست ترنج  
 سه مثقال مرواريد ناسفته يك گرم و نيم بسك سوخته حجير يشب ياقوت رمانى زر محلول ازهر يك چهارده دانگ ورق نقره  
 عنبر اشهب ازهر يك يك مثقال مشك خالص سه دانگ آب سيب آب به آب انار شيرين حماض عرق بيد مشك كلاب ازهر يك  
 بيست مثقال و بعضى عرق بيد مشك و عرق كا و زبان ازهر كل ۱۵ پنجاه مثقال داخل ميكنند قند سفيد نبات سفيد بقل و  
 حاجت با عرقها بقوام آورند و آب قوا كه را در آخر اضافه كنند و آهسته آهسته با تش نرم بجوشانند تا بقوام باز آيد انگاه ادويه  
 كوفته بيخته بآن بسرشدن شربتى از يك درم تا يك مثقال \* **كتاب الضاد المعجزة** \* **باب الضاد**

**مع الميم** \* **فصل در بيان نسخ اضمده** \* **باب الضاد** جمع ضما د بكمس ضا د معجمه است و

آن عبارت است از ادويه غليظه القوام كه مانع و نرم باشد و بر عضو بالند و به بند اند اعم از آنكه موم روغن داشته باشد  
 و يا ند داشته باشد \* ضما د يكه از جهت اختلاط عقل در امراض حاره نافع است \* صنعت آن آرد جود و درم سهوس كنند م

بنفشه ازهر يك پنج درم خطمي سفيد سه درم با آب برك بيد و روغن كل و قلى شير ضما د كنند \* ضما د كه اختناق رحم را

سود دارد \* صنعت آن علك الانباط مصطكى سنبل الطيب ازهر يك ده درم روغن سوسن روغن شبت ازهر يك بيست درم

شهوانه هفت درم عاقر قرحا قلقل سليخه شونيز فودنه كوهى ازهر يك پنج درم اكليل الملك هشت درم اجزا كوفته بيخته

علك و مصطكى را در روغنها كاخته مجموع را در هم آميخته بسرشدن و بر تهيكاه و استخوان سريين و كمس ضما د كنند \*

ضما د يكه اخراج مشيمه و جنين ميت كنند \* صنعت آن شحم حنظل قسطا سد اب ازهر يك د و درم مريك رم كوفته بيخته

بزره كاه و بسرشدن و در خانه و ناف ضما د نمايند \* ضما د يكه اخراج بيكان و خار و مانند آن از بدن كنند \* صنعت آن

بياز كاه و بسرشدن و در خانه و ناف ضما د نمايند \* ضما د يكه اخراج بيكان و خار و مانند آن از بدن كنند \* صنعت آن

برك خشخاش برك انجیر بزر را لبنج آب جوز زاج با عسل سرشته ضما دنمایند \* ضما ددیگر که همین عمل کند \* صنعت  
 آن زراوند را سن و دغ سرطان کوفته بیخته با عسل سرشته ضما دنمایند \* ضما دیکه ادرار طبع کند و حیض بکشد \*  
 صنعت آن سد اب قنطور یون دقیق تخم کرفس برنجاسف مرزنجوش بود نه دشتی مشکطرا مشیع انیسون از هر یک  
 جزوی روغن سد اب روغن با بونه و روغن شبت از هر یک قدری کوفته در قند ری آب طبع نموده و روغنهای اضافه کرده  
 در هم سرشته بر عانه و تهیگاه ضما دنمایند \* ضما دیکه استسقاء زن آبستن و غیراً بستن باز دارد \* صنعت آن عدس  
 مقشر پوست انار ترش برك مورد خشک مازرا زهر یک یک جزو کوفته بیخته بخل خمر سرشته بر پشت زها و ضما دنمایند \*  
 ضما دیکه استسقای زقی که سبب آن حرارت مزاج جگر باشد نافع است \* صنعت آن آرد جو سعل کوفی پشگل کوسغند  
 بوره ارمنی کل ارمنی مساوی کوفته بیخته ضما دنمایند \* ضما دیکه بجهت استسقای طبلی بر جگر کن ارنل \* صنعت  
 آن صندلین عود لادن سک کوفته بیخته ضما دنمایند و اگر از برودت باشد ماء الاصول و فند و یقون و سنجر نیا با  
 روغن بادام تلخ بنوشند و جاورس و سبوس کند م کرم کرده بر شکم کن ارنل \* ضما دیکه استسقای لجمی را نافع باشد \*  
 صنعت آن آرد جو سرکین کا و سرکین کوسغند کهنه بوره ارمنی زیره کرمانی سعل کوفی اجزا کوفته با سرکه بجوشانند و بر  
 اعضاء با لند خصوص بر شکم و یک ارنل تا خشک شود بعد ازان با آب کرم یا در حمام بشویند و با زمکر کنند و با معجون  
 خیارشنبه و حب ایارج اسهال فرمایند \* ضما دیکه استسقای طبلی را نافع باشد \* صنعت آن با بونه اکلیل الملک  
 مرزنجوش شبت فودنج از هر یک دو درم زیره کرمانی سه درم کوفته بیخته با آب سد اب ضما دکنند \* ضما دالا استسقا  
 انجیر زرد با شراب انگوری بجوشانند تا مهرا شود بعد ازان مازریون نظرون از هر یک دو مثقال کافیطوس هشت مثقال  
 کوفته بیخته با یک دیگر سرشته ضما دنمایند \* ضما دالا استسقاء زقی \* صنعت آن بوره ارمنی بیخ سوسن از هر یک دو  
 مثقال قرمانا مزج پشک بز از هر یک سه مثقال تخم کلم هفت مثقال آرد جو سرکین کا و از هر یک شش مثقال شملیز یعنی حایه  
 کوفته بیخته بعرق رازیانه سرشته بر شکم ضما دنمایند \* ضما ددیگر که همین عمل کند \* صنعت آن بوره ارمنی بیخ سوسن  
 قودمانا مزج از هر یک سه درم سرکین کا و پشک بز از هر یک پنجاه درم با آب و نمک بسروشند و بر شکم ضما دنمایند \*  
 ضما دیکه استسقای زقی را نافع است \* صنعت آن کل ارمنی آرد جو سرکین کا و خشک پشگل بز خاکستر بلوط خاکستر تاک  
 اجزا مساوی کوفته بیخته با بول شتر یا بول گاو یا بز یا سرکه سرشته کرم کرده بر ناف یا حوالی آن ضما دنمایند \* ضما ددیگر  
 که اقسام استسقا را مفید است \* صنعت آن سنبل الطیب صبر زرد خاکستر سرکین کا و سرکین بزرکین آهو سعل کوفی قرمانا  
 ایرسا قسط تلخ از هر یک پنج مثقال نوشادرا شنه حاما سلیخه عود بلسان بوره ارمنی صغرنمک ترکی جنطیا نا از هر یک  
 پنج ماشه کوفته بیخته با بول شتر ضما دنمایند \* ضما دیکه استسقای زقی را نافع باشد \* صنعت آن پشگل کوسغند که  
 خشک شده باشد بوره ارمنی زیره کرمانی سعل کوفی از هر یک یک جزو کوفته بیخته با عرق رازیانه بسروشند و بر شکم  
 ضما دکنند \* ضما دیکه انواع استسقا را نافع بود \* صنعت آن نوشادرا کلایل الملک اشنه حاما و ورق درخت غار  
 مرزنجوش تخم کرفس انیسون رازیانه ایرسا سعل سلیخه کندرمیعه مرکی از هر یک ده درم جاورشیر پنجم درم  
 آنچه بایل کند اخت بر روغن سد اب بک از دل مجموع رادرم آمیخته در هاون بسایند چند آنکه همچون مرهم شود بر شکم  
 ضما دنمایند \* ضما دیکه اسهال مفرط باز دارد و تشنگی بنشاند \* صنعت آن کل ارمنی زیره کرمانی صندلین رامک  
 اقا قیا آب برك رزیا آب به بر معده ضما دکنند \* ضما دیکه بدحوال اسهال را مجرب است \* صنعت آن صندل  
 سرخ چهار درم کل سرخ ده درم کلنار فارسی دودرم اقا قیا هشت درم سماق کل ارمنی از هر یک یک درم عصاره لجمه

التیس بکلاب سرشته بر شکم ضما د نمایند \* ضما د یکه چون بر لته کشند و بر فم معده گذارند اسهال سودا کنند و چون  
 د رز ریغل اندازند اسهال صغرا کنند و چون بر ما بین و رگین ضما د کنند بلغم بر اند و این ضما د از اسرار اطباء است  
 اطفال و پیدوان و کسانی را که طاقت اسهال بد وای مسهل نباشد بدین معالجه کنند \* صنعت آن ترمس مقشریک کف  
 بگیرند و در یک کنند و آن معده را از شیر تازه و شید و بر آن ریزند که آن را بجوشانند و بجوشانند تا ترمس شیر را  
 چند بکند و بعد از آن مسامی آن روغن را اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید استعمال کنند و چون خواهند که قطع  
 اسهال کنند لته را بردارند و موضع را بکلاب بشویند \* ضما د یکه اسهال صغرا دی را نافع باشد \* صنعت آن آب گرم  
 مورد کل سرخ کلنا رصندل ما زو آمله لادن سماق اقا قیاحضض مسامی کوفته پیخته با آب مورد سرشته بر شکم ضما د کنند \*  
 ضما د یکه اسهال دماغی را بکارد \* صنعت آن خردل سیاه ورق الغار زهریک در مثقال مرمکی صبر حضض مکی ازهریک یک  
 مثقال مصطکی یک آنک و نیم کوفته پیخته با آب کوشیز تازه ضما د نمایند \* ضما د یکه اسهال با زرد و خصوص  
 زلیق الامعای صغرا دی را \* صنعت آن برک شبت برک مورد تازه کل سرخ کلنا رما زوسک لادن رامک اجزا مساوی کوفته  
 پیخته با آب به سرشته بر شکم ضما د نمایند \* ضما د یکه اسهال را که سبب آن ضعف قوت هاضمه و برودت جگر باشد نافع است \*  
 صنعت آن سنبل الطیب قصب الذریوره افسنتين رومی قشور کند مصطکی لادن برک مورد کل سرخ صندل ازهریک  
 ده درم پوست انار ترش آمله ازهریک پا زده درم کوفته پیخته بشارب کهنه سرشته ضما د کنند \* ضما د یکه اسهال معده  
 وضعف هاضمه که سبب برودت باشد سودمند بود \* صنعت آن قشور کند مرمکی مصطکی حب الاس کل سرخ پوست  
 انار ترش آمله منقی ازهریک و نیم درم کوفته پیخته بشارب کهنه سرشته ضما د کنند \* ضما د یکه اسهال معده وضعف  
 هاضمه و ماسکه را سودمند بود \* صنعت آن مرمکی کند مصطکی حب الاس کل سرخ پوست انار مازو کرد سماق ازهریک  
 د و درم سعد یک درم زعفران یک آنک کلنا فارسی لادن صندلین ازهریک نیم درم مجموع را کوفته پیخته با آب به یا  
 آب برک مورد سرشته بر معده و ضما د نمایند \* ضما د یکه اسهال صغرا دی با زرد \* صنعت آن اقا قیاحضض مکی کند ر  
 سماق کرمانج حب الاس کل سرخ کلنا ازهریک جزوی کوفته پیخته قلی روغن مصطکی دران اضافه کرد و با آب برک  
 مورد بسرشدن و بر معده ضما د کنند \* ضما د یکه اسهال لیکه از ضعف قوت هاضمه معده و سردی جگر باشد با زرد \* صنعت  
 آن سنبل الطیب افسنتين لادن قصب الذریوره قشور کند مصطکی برک مورد کلنا رصندل سرخ ازهریک پنج درم سک  
 پوست انار ترش ازهریک هفت و نیم درم مجموع را کوفته پیخته بشارب کهنه بسرشدن و بر معده ضما د کنند \* ضما د  
 جهت اسهال بارد و تقویت جگر و معده \* صنعت آن کعک پنج مثقال از خرمکی شونیز سعد کوفی ازهریک چهار مثقال  
 شب یمانی دم الاخوان ناخواه پوست زرد اتوج جاورس مرصافی کند ازهریک د و مثقال با آب برک مورد سرشته  
 ضما د نمایند و هرگاه جهت تقویت معده و جگر استعمال نمایند اسهال نباشد هفت مثقال صبر سقو طری داخل نمایند  
 و بجای آب برک مورد و روغن کل کنند \* ضما د اصطه خیقون نافع از برای سردی معده و کبد و طحال و محلل اورام است \*  
 صنعت آن افسنتين رومی سنبل الطیب پوست سلیخه سیاه صبر سقو طری زرد ازهریک سه درم عود بلسان زعفران  
 ازهریک د و درم موم سفید هشت درم موم زرد روغن ناردین یا روغن قسط یا روغن زنبق کد اخسته ادویه را کوفته  
 پیخته داخل کرده با قلی کلاب و هاون بمالند تا مستوی گردد \* ضما د اصطه خیقون به نسخه قلا نسبی \* صنعت آن  
 افسنتين رومی سنبل الطیب سلیخه ازهریک سه درم صبر سقو طری میعه سائله مصطکی رومی ازهریک چهار درم زعفران  
 عود بلسان ازهریک د و درم و نیم موم دوا ستار روغن یا سمین روغن زنبق ازهریک چهار درم ستار یک ستور ضما د نغا

نمایند \* ضماد یکه افراط حیض باز دارد \* صنعت آن عدس معشر پوست انار ترش برگ مورد خشک از هر یک جزوی  
 گرفته پیخته بسو که بسورشند و بر شکم بر پشت عانه ضام کنند \* ضماد یکه همان نفع دهد \* صنعت آن سعد کوفی سرخ افسنتین  
 کلنا رلا دن صبر زرد شب یمانی از هر یک پنج درم عدس معشر پوست انار ترش ما زوا از هر یک ده درم خرما ی خارک  
 سی درم خرما را در شراب بجوشانند تا نرم شود و لادن را در روی نرم کنند و باقی دواها را گرفته پیخته بسورشند و بر پشت  
 و بر ناف و عانه ضام نمایند \* ضماد اندر رومachs نافع است از برای مطحول و مستسقی و کسیکه تملدی در پهلوی او  
 باشد و از برای اوجاع مفاصل و عرق النساء و علل مزمنه عتیقه \* صنعت آن موم زفت رومی از هر یک یک درم صمغ صندوب  
 یعنی را تینچ یک درم زیت فائق هشت رطل زرنیخ سرخ ذهبی شب یمانی نور آبی نلیده از هر یک دوا و قبه موم زفت  
 را در زیت کد اخته صمغ را حل کرده باقی ادویه را گرفته پیخته بآن سرشته ضام ساخته استعمال نمایند \* ضماد  
 اندر رومachs دیگر دوائی عجیب و صالح است در هر جا که اراده باشد که کشیده شود از آنجا چیزی بخارج و این ضام  
 منفعی میگرداند آن موضع را و بر می آید از آنجا مواد فاسده و صالح است از برای سل و نافع است از برای التهام جراحت ها \*  
 صنعت آن بکیرنک حبیبکه فرا گرفته میشود از ثمر نباتی که آنرا بیونانی مومالا نامند بوره سرخ نوشاد زر زاونک  
 اقریطی بیخ قشع الحار صمغ البطم از هر یک بیست مثقال فلفل دار فلفل اشق حما ماعود بلسان کند رذ کومر مکی صافی  
 را تینچ یا بس طین مغسول شیر درخت توت از هر یک ده مثقال موم سی مثقال پیله کرده بزبان زده مثقال روغن  
 سوسن مقداری که کافی باشد بسورشند بآن ادویه را بعد از آنکه ادویه خشک را کوبیده پیخته و موم را حل کرده هر یک  
 علیحد و در هاون بدسته بمالند مالیدن محکم پس مخلوط سازند جمیع را و بمالند در هاون و ثقل روغن سوسن را  
 داخل کرده بدسته بمالند تا آنکه جمیع مخلوط شوند اخلاطی نیکو پس برداشته نگاهدارند و هرگاه احتیاج شود  
 بسوی آن استعمال نمایند و از برای دور ساختن اعیان پس با بدنه فرا گرفته شود از آن و از پیله بطور روغن حنا از هر یک  
 سه اوقیه و همه را در هم مخلوط کرده استعمال نمایند \* ضماد یکه اطلاق البطن را باز دارد \* صنعت آن لادن نیم  
 توله اقایا صمغ عربی سفید در روغن مورد کد اخته بقدر آنچه اجزا خمیر شود مجموع را در هاون نرم کرده ضام سازند و  
 بمالند \* ضماد یکه قلمی فرموده اند که از تالیف بند درگاه محمد هاشم العلویست از برای بغور و جراحت متقرحه و سعه و  
 نارفارسی و نمله و قروح خمیثه \* صنعت آن اشق دو مثقال بسرکه انکوری خیسانید و در هاون اسرب بدسته اسرب بمالند  
 تاهوار شود و سیاه گردد پس بکیرنک مغز تخم کد و بوداده مغز تخم خیار بوداده مغز تخم هند وانه بوداده سفید اب قلعی شسته  
 سرب سوخته دم الاخوان برک حنا و جبهه توتیای کرمائی مغسول بیخ بد و از هر یک یک مثقال کافور قیصوری دود آنک گرفته  
 در اشق داخل کرده روغن کل سرخ پنج مثقال اضافه نموده در هاون بدسته بمالند تا چون مرهم شود و استعمال نمایند \*  
 ضماد یکه بغور متقرح را نفع بخش \* صنعت آن روغن کل سه توله در پنج توله سرکه انکوری با تش ملایم بجوشانند تا سرکه برود  
 و روغن بمالند پس مرداسنک دو ماشه برک حنا خشک قنبیل شاهتره از هر یک سه ماشه گرفته پیخته بآن نیکو سرشته ضام  
 نمایند \* ضماد یکه بغور بواسیر را خشک سازد و سیلان خون باز دارد \* صنعت آن پوست انار جفت بلوط جوز السور کلنا رکنی ر  
 از هر یک جزوی گرفته پیخته با آب برک تال بسورشند و ضام کنند \* ضماد یکه برص اطفال را بر طرف سازد \* صنعت آن مصطکی  
 زرنیخ سرخ شب یمانی کوگرد زرد زفت از هر یک جزوی زفت را در عسل و سرکه یک از آن را گرفته پیخته بآن سرشته ضام  
 کنند \* ضماد یکه برودت و ضعف و آماس و نفع جگر را نافع بود \* صنعت آن سنبل الطیب اسارون حماما صبره صاب النریره  
 سعد از خر مکی افسنتین مصطکی از هر یک دو درم زعفران سه درم اکلیل الملك هفت درم گرفته پیخته با شراب کهنه بسورشند

و بر جگر ضما د کنند \* ضما د بیکه بول الد م را خبس کند \* صنعت آن کل ارمني کل مختوم صمغ عربی تخم خرفه کثیرا  
کل سرخ کلناژ شاخ کوزن سوخته عصا رة الحية التیس ازهر یک دودرم ما زو یکد رم با آب مورد ضما د کنند \* ضما د بیکه کثرت  
بول را نافع است و قتیکه بوده باشد با آن تشنگی \* صنعت آن عصف لبان ازهر یک یکد رم اقا قیا چهار دودرم بماء الآس و طب  
سروشته ضما د سازند \* ضما د بیکه جهت حبس بول و تغذیت حصاة نافع است \* صنعت آن سرطان محرق با شراب ربکا نی  
سروشته ضما د سازند \* ضما د دیگر عسرا المول و تقطیر را سودا رد \* صنعت آن کند عصا رة الحية التیس لادن ازهر یک دودرم  
اقا قیا چهار دودرم ما زو یکد رم اجزا گرفته بپخته با آب برک مورد ضما د نمایند \* ضما د دیگر که همین عمل کند و سنگ کرده و مثانه  
بر بزرگ وادر بول نماید \* صنعت آن شبمت حب الغار حشک سداب ازهر یک پنج دودرم اکلیل المملک با بونه آرد نخود تخم  
جر جیرد شتی تخم ترب تخم کرفس ازهر یک سه دودرم اما فطرا سالیون ازهر یک دودرم اجزا گرفته بپخته و روغن با بونه روغن  
سک آب روغن سرسبز ازهر یک قدری در یک پیاله آب مجموع را طبع نمایند تا مانند مرهم گردد بر عا نه و حوالی کرده ضما د  
کنند \* ضما د بیکه بواسطه حبس البول و تغذیت حصاة بر عا نه و حوالی کرده و زیر خصیه کاندازند \* صنعت آن حب الغار شبمت  
اما ما اکلیل المملک آرد نخود با بونج دوق و بزرگ لعل تخم کرفس گرفته بپخته و روغن بلسان سروشته آب برک تربا ضافه نموده ضما د  
نمایند \* ضما د بیکه چون بر عا نه ضما د نمایند ادرار بول نمایند \* صنعت آن موم کی رطبه سداب فودنج برنج سف سنبل الطیب  
سوزنچوش نام کل خطمی شلغم برک ترب شیخ با بونه شبمت کرنب با آب بسیار به پزند و در آب آن به نشینند و ثقل  
آن را بر عا نه ضما د نمایند \* ضما د بیکه بهی و برص و در رفع برص حیوانات که ابله گویند تخلف نمیکند و در رویا نیدن  
موی داء الحية و داء الثعلب سریع الاثر است و بنهایت حاد و سریع النفوذ است و زیاده از نیم ساعت نباید کثافت  
و بعد از شستن آن صندلین بجهت رفع حدت و سوزش آن طلا کنند و بر اعضا ی رئیس طایع آن جائز نیست و هرگاه  
مکان برص را مثال آن متعده باشد یکبار در همه مواضع بناید ضما د نمود بلکه بر بعضی دون بعضی ضما د نمایند و بعد  
از آبله کردن بهر اتم مناسب علاج کنند \* صنعت آن سلیمانی یک جز و صندل سودا پنج جز و آب سروشته استعمال  
نمایند و اگر صندل را نهمه بویا آرد جو بل کنند و قسط تلخ را نر و روت نیز داخل کنند به تراشت حکیم میر محمد مؤمن  
گفته که من تجربه نمودم صندل جهت دواب لازم نیست \* ضما د بیکه تشنج عصب را نرم سازد \* صنعت آن اشق  
علك البطم جاوشیرفته میعه سا ئله روغن بلسان فلغل زوفای حشک زعفران چند بیل ستر ازهر یک دودرم موم زرد  
مغز ساقا و پیه بط روغن با بونه روغن یا سمین ازهر یک پنج دودرم صمغها را در میخند و حل سازند پیه و موم و روغن از  
هر چه باشد با هم جوش دهند و اجزا گرفته بپخته مجموع را در هم آمیخته بسروشند و در رهون خوب بمالند و بسایند  
و بر اعضا ضما د کنند \* ضما د جهت قلع ناکیل \* صنعت آن شونیز با بول سروشته ضما د نمایند \* ضما د دیگر که همین  
فایده دارد \* صنعت آن موم کین کیشک را با لعاب دهن انسان و سفید تخم مرغ ممزوج نموده بر ناکیل ضما د نمایند \*  
ضما د للجر بر بون فقرات پشت را که حل نمیکند نافع باشد \* صنعت آن راسن ابله و ج ازهر یک جز و گرفته بپخته  
در شوا آب طبع نمایند تا مهر اشراف و در روی مقل در آن حل کنند و ضما د سازند \* ضما د للجر به نسخه دیگر که اندک تفاوتی  
با نسخه اول دارد استخوان که شکسته باشد و بد رفتن اعضا و ررض عضل و هتک اعصاب را نافع باشد \* صنعت آن  
مغات بغلادی مغاث هندی که بهندی میله و لکری نامند آرد ماش کل ارمني مورد ازهر یک بیست دودرم مرصافی خطمی  
سفید ازهر یک دودرم اقا قیا پنج دودرم گرفته بپخته به سفید تخم مرغ و آب برک مورد و روغن کل سرخ سروشته بر باره  
نویاس آب نایل \* ضما د نمایند \* ضما د بیکه جبر و کسر را نافع باشد \* صنعت آن مغاث ماش کل ارمني ازهر یک چهار دودرم

درم خطمی مومکی از هر يك درم كوفته بنفشه اقا قیاصبور سقوطی از هر يك يك درم كوفته بنفشه یا تب برگ مورد زرد  
 تخم مرغ سرشته ضما د نمایند \* ضما د يکه جرب را نافع است \* صنعت آن نمك فلفل سیاه صابون از هر يك يك جزو  
 قلی که بهندی سچی نامند همه را بسیار نرم سائید و در ماست ممزوج نمود و ضما د نمایند و خشک نشد و بشویند در  
 سه روز این عمل نمایند \* ضما د يکه در جمره بعد از فصل بکار آید و آن بشره باشد بسیار گرم و سوزان و باخارش صعب  
 و پوست سوزان و خشک و ریشة سیاه بر آورد مانند موضعی که داغ کرده باشد و کم رطوبت باشد \* صنعت آن عدس  
 مقشور برگ لسان الحمل نان خشکار که در و سبوس بسیار باشد پخته ضما د کنند \* ضما د يکه در ابتداء و انتهای جمره  
 سود دارد \* صنعت آن انار ترش را بشکافند و در سرکه بپزند و بسیار پند و بر خورند مالیده ضما د نمایند شبانه روز سه  
 مرتبه \* ضما د يکه حبس شکم کند \* صنعت آن اقا قیاصبور مومکی کند رسعد از خرسنبیل الطیب مصطکی از هر يك پنج درم  
 کعک درم كوفته بنفشه یا تب برگ تازه ضما د کنند \* ضما د يکه حرارت دل و جگر و معد و را تسکین دهد \* صنعت آن موم  
 سفید سی درم روغن کل روغن بنفشه بادام از هر يك بیست درم کشنیز سبز آب کاسنی سبز آب برگ خرفه آب حی العالم  
 از هر يك بیست درم مجموع را در پاتیله کرده با آتش نرم بجوشانند تا بقرام قیرو طی آید بنفشه حی العالم کل سرخ  
 صندل سفید از هر يك چهار درم قصب الی ریبه دو درم کافور يك درم اجزا كوفته نرم بنفشه مجموع را در هم بپا میزند و  
 در ها و ن سنبلی و با کلاب و آبهای مذکور بسیار پند چند آنکه مثل مرهم شود و بر لته کتان مالیده بر معد و دل و جگر  
 هر جا که مطلوب باشد ضما د کنند \* ضما د لحرقة النار \* صنعت آن بنفشه سبوس کند م آرد جو خطمی سفید آرد با قلا  
 اکلیل الملك مساوی كوفته بنفشه بروغن بنفشه بادام ضما د کنند \* ضما د يکه حرق النار را نافع است \* صنعت آن  
 کنجد سیاه را سوخته و نرم سائید و باروغن کنجد ممزوج نموده ضما د نمایند و ضما د برگ پوی که گیاه هندی است  
 سائید و بر عضویکه تازه سوخته باشد مالید و همچنین ضما د برگ و شاخ کلی که بهندی مهندی نامند مغی و مجرب  
 است \* ضما د يکه جهت حرارت و سوزش کف دست و پا نافع است \* صنعت آن بهد انه را در عرق شاهتره لعاب بر آردند  
 و برگ خنا خشک و شاهتره تازه و اگر تازه نباشد خشک و قدری نشاسته بسیار نرم سائید و ممزوج بآن نموده بر  
 کف دست و پا نیک بمالند و چون خشک گردد باز اعاده نمایند و بعد از سه مرتبه شسته از سر نو بمالند و روزی سه  
 چهار بار چنین نمایند تا سه روز \* ضما د نافع از برای حمی مختلف و شطار الغب \* صنعت آن لادن عرقی و روغن  
 سوسن حل کرده کل سرخ سک را مک كوفته بنفشه بران پاشید و بر روی کوباس آب ندید و مالیده بر معد و ضما د  
 کنند در وقت خلومعد \* ضما د حی العالم که نافع است از برای حرارت دل و معد و و کبد و درم جگر \* صنعت آن  
 بنفشه چهار مثقال حی العالم کل سرخ صندل سفید از هر يك چهار درم قصب الی ریبه دو مثقال کافور يك درم كوفته  
 بنفشه یا تب کشنیز تازه سرشته ضما د نمایند \* ضما د حی العالم دیگر نافع است از برای ضعف کبد و قانق و معد و در  
 امراض حار و هر که ضما د کرده شود بر سینه و کبد و معد و پس بد رستیکه این ضما د تسکین می دهد حوارت آنها را \*  
 صنعت آن موم سفید سه اوقیه روغن بنفشه بادام دو اوقیه روغن کل سرخ دو اوقیه موم را در روغنهای بکند ازند  
 و بکند ازند تا سرد شود پس در ها و ن کرده بپاشند بران آب حی العالم و کلاب و آب خرفه تازه و سرکه انکوری و آب  
 کشنیز تازه و آب کاسنی تازه دائم از هر يك سی درم اندک اندک و بد سته بمالند تا آنکه برداشت داخل نمودن  
 آبها نداشته باشد و مستوی شود پس فرو برند دران پارچه کنانی و ضما د کنند بر موضع مطلوبه \* ضما د يکه خنا زهر  
 را نافع است \* صنعت آن کثیرا پنج درم نانخواه دو درم صبور سقوطی يك درم یا آب کشنیز تازه ضما د کنند \* ضما د يکه خنا زهر



و نافع باشد \* صنعت آن زعفران مومکی زنگار از هر یک جزوی گرفته نرم پیخته بر محل خنازیر ضاماد کنند \* ضاماد دیگر  
 که خنازیر و مطلق او را مصلیه رود فامیل و نافع است \* صنعت آن علك البطم اشق میعه سائله مقل ازرق مغز قلم کاو  
 پیه بط موم سفید حلبه تخم کتان روغن سوسن اجزا گرفته پیخته ضاماد ساخته بکار برند \* ضاماد بیکه خناق و خنازیر  
 و نافع است و غل د و زرم کلوزیر بغل وین زان را تحلیل دهن \* صنعت آن جل و اربنقش زهر مهره کشنیز ترا از هر یک  
 قلعی مساوی زر نیاد نصف وزن و اگر بارد المزاج باشد زر نیاد را نیز مساوی کنند و نرم سائیده ضاماد نمایند \* ضاماد بیکه  
 خناق و هرورم حار و غل د و خنازیر را مجرب است \* صنعت آن آرد جو بآب کشنیز تازه و سرکه سرشته ضاماد نمایند اگر  
 ماده مرکب از صفرا و بلغم باشد آرد کندم کشنیز تازه مفید است \* ضاماد بیکه داء الغیل و نافع باشد \* صنعت آن تخم کرنب  
 خاکستر زرد دقیق ترمس قطران بیشک بز دقیق حلبه سکبینه از هر یک جزوی گرفته پیخته بآب رازبانه بسرشدن و ضاماد کنند \*  
 ضاماد دقیق جهت درد مغاصل بارد و فالج و امراض عصبانی جمیعاً نافع است و مفتوح و محلل قوی و جاذب حار و بیگان از عمق  
 بدن است و به تجربه رسید که مد امت ضاماد آن بر مهرهای پشت و مفصل باعث نجات جمعی کثیر از استرخا و تشنج  
 چند ساله شد \* صنعت آن تخم انجرو بیست مثقال بوزید آن بوره ارمنی نو شاد زر راوند مد حرج شخم حنظل علك البطم  
 از هر یک پنج مثقال حلبه فلغل دار فلغل عاقر قرحا از هر یک چهار مثقال مقل ازرق قرد مانا عود بلسان کند و مصطکی مومکی صافی  
 و اتینج زاج استخوان ابل افسنتین رومی صبر زرد سقوطری سعد هند ی اخزمکی فرقیون سورنجان از هر یک سه مثقال اشق  
 چهار مثقال دبق مقشرد و زده مثقال موم چهل و پنج مثقال حب السلاطین مقشرشش مثقال باروغن سوسن یکصد و پنجاه  
 مثقال یا امثال آن روغن سوسن یک ستور بیکه در قاعه ساختن مرهم مذکور است ترتیب دهند و صمغ را در سرکه حل کنند  
 و غسل بقدر سرکه اضافه نمایند \* ضاماد بیکه دمل را نرم سازد و او را مصلیه و نافع باشد \* صنعت آن خردل سفید تخم کتان حلبه  
 انجیر زرد از هر یک جزوی باروغن کتان و قلعی موم اجزا گرفته پیخته بسرشدن و همچون مرهم نرم ساخته بود مد مل کنند \*  
 ضاماد دیگر دمل را پیخته سازد و سورا کنند \* صنعت آن خمیر ترش سه جزو بوره ارمنی سرکین کپو تر سرکین خروکش از  
 هر یک جزوی روغن زیت آنقل رکه اجزا در آن بسرشدن و برد مل بکند آرد \* ضاماد لا نجارا الد ما میل \* صنعت آن موم  
 سفید پنج مثقال زفت دو مثقال را تینج یک مثقال پیه مرغ خانگی روغن کارد بیک یک کرک اخته تخم مرو حلبه تخم خطمی حما ما  
 از هر یک یک مثقال خاکستر پیشه کلم استخوان تمر هند ی کتیرا صمغ بادام کوفته پیخته با یک یکرم مزوج ساخته ضاماد نمایند \*  
 ضاماد بیکه دمل را به پزاند \* صنعت آن تخم جرجیر کوفته بروغن کاه و به پزند و نرم بسایند و مهره سازند و بروی نهند \*  
 ضاماد بیکه دما میل را منفجر سازد \* صنعت آن بوک حلبه ده درم میعه سائله چهار درم موم سفید بیست درم  
 بروغن یاسمین ضاماد نمایند \* ضاماد بیکه دیدن و حب القرع و حیات را بکشد و باسهال دفع کند \* صنعت آن شخم حنظل  
 زهره کاه عصاره قثاء الحمار صبر قطران از هر یک جزوی بآب افسنتین بسرشدن و بر حوالی ناف ضاماد کنند \* ضاماد بیکه دیدن  
 از قبیل حیات و حب القرع را بکشد \* صنعت آن شیخ ارمنی تربل از هر یک دو درم شخم حنظل عصاره قثاء الحمار از هر یک  
 یک درم صبر ترمس افسنتین رومی از هر یک سه درم کوفته بآب شیخ ارمنی ضاماد نمایند \* ضاماد بیکه دیدن و حیات را  
 اخراج نماید \* صنعت آن کل قند تریاق فاروق قسط تلخ مرزنجوش مرز از هر یک جزوی بآب شیخ ضاماد کنند \* ضاماد بیکه چون  
 بروی شکم بندند جهت اخراج کرم مفید است \* صنعت آن شخم حنظل زهره کاه عصاره قثاء الحمار قطران صبرین ستور  
 ضاماد نمایند \* ضاماد بیکه همین نفع دارد \* صنعت آن شونیز دو درم کوفته بآب حنظل سرشته بر ناف ضاماد نمایند \* ضاماد بیکه  
 ذات الجنب و شوره را نافع باشد \* صنعت آن آرد جو آرد باقلا بنفشه حلبه خطمی سفید کل نیلوفر ورق کل سرخ سبوس کنند م اجزا



اجزا مساوی گرفته پیخته باقی ری آب به پزند و موم سفید و روغن بنفشه اضافه کنند و در هم آمیخته ضماد نمایند \* ضمادیکه جهت ذات الجنب نافع است \* صنعت آن آب برک توله که خبازی است آب برک بنفشه شیر کار تخم توله که تخم خبازی است با بونه سفید آب نشاسته برک بنفشه اکلیل الملك زرد تخم مرغ کثیرا در آب برک کلم حل کرده آنچه کوفته است کوفته مجموع را در هم آمیخته بر روی کریاس آب نندید و مالید نیم گرم روزی سه بار بچسباند \* ضماد جهت ذات الجنب و ذات الصل \* صنعت آن آرد جو آرد کند م آرد نخود آرد با قلا مساوی با آب کدوی تازه آب عنب الثعلب شیر د ختر لعاب کل خطمی روغن کدو خمیر کرده نانی بچشم دو انگشت ساخته بر تابه نیم پیخته بغل از مالیدن قیر و طی بران نیم گرم بر موضع درد به نندید اما باید که بغل از استغراق او باشد \* ضماد بیکه ذات الجنب و ذات الرئه را نافع باشد \* صنعت آن سر بنفشه با بونه تخم شیت سرس کند م تخم خطمی تخم کتان آرد جو آرد حله همه را به پزند و صاف کنند و روغن بنفشه داخل کرده باز بچسباند تا غلیظ گردد و ضماد نمایند و در نسخه دیگر روغن بنفشه بادام است \* ضماد لذات الصل جهت نضح \* صنعت آن برک کلم برک وازیانه اکلیل الملك سر بنفشه جو مقشور نیم گرفته کند رسوده در بیه مرغابی و بیه مرغ کدو حله رسوده با هم آمیخته بر روی کریاس آب نندید و با زرد تخم مرغ سرشته با قلیلی روغن زیتون روزی دو بار و شبی دو بار نیم گرم بران موضع بچسباند \* ضماد لرعاف که چون اندکی بر پیشانی مالند قرصی از آن ساخته بر نافوخ نهند قطع خون نماید هر چند بسیار باشد \* صنعت آن آمله را با آب برک بار تنک و اندکی کافور نرم سائید و بطریق مسطور استعمال نمایند \* ضماد دیگر که همین عمل دارد \* صنعت آن آمله را با آب برک کشنیز تازه و اگر نباشد با آب نعنع کشنیز خشک و اندکی کافور سائید و استعمال نمایند \* ضماد دیگر که همین اثر دارد \* صنعت آن تخم خشخاش تخم کاه و وانیل کدو کافور با آب برک بار تنک سائید و بکار برند ایضا برک بار تنک بتنهائی و سرکین تازه بچسباند و کرم نیر بتنهائی همین اثر دارد اگر قلیلی باشد \* ضماد دلو جمع الشدیدی الرمد \* صنعت آن اکلیل الملك بزرگ کتان زعفران دقیق الکعک اجزا مساوی با سفید تخم مرغ ضماد کنند \* ضماد بیکه ریش سرگردان و بیننی را نافع است \* صنعت آن زراوند طویل خبث الحید یک فصفه مردا سنگ بروغن زیتون ضماد نمایند \* ضماد دیگر که همین عمل کند \* صنعت آن مردا سنگ مغز بادام تلخ زرد چوبه با سرکه و روغن کل سرخ سرشته ضماد نمایند مکررا \* ضماد دیگر که همین نفع دارد \* صنعت آن دم الاخوان را با روغن تخم کدوی شیرین سرشته ضماد نمایند و اگر روغن تخم کدو بسیار نباشد مغز تخم کدو و مغز تخم هند وانه و مغز تخم خیارین و دم الاخوان و کل ارمنی با نندک آبی بسایند و با بی آب ضماد نمایند \* ضمادیکه ریش میان بیننی و خیشوم را نافع است \* صنعت آن دم الاخوان سفید آب قلعی شسته مغز تخم کدوی شیرین مغز تخم هند وانه مغز تخم خیارین کافور قیصوری گرفته با شیر و خرنیکو صلایه نموده در اندرون بیننی ضماد نمایند و این ضماد برای ریش سراطال نیز مفید است \* ضمادیکه زلق الامعا که بسبب ضعف قوت ماسکه باشد باز دارد \* صنعت آن سعد مصطکی اقا قیا لادن لحیه التیس مازوی سبز ما میشا از هر یک سه درم پوست جو سماق کلنا از هر یک چهار درم کوفته با آب برک مورد سرشند و بر شکم ضماد کنند \* ضماد دیگر زلق الامعا صفراوی را با زرد و نافع باشد \* صنعت آن برک مورد خشک برک اسفند کل سرخ کلنا از هر یک جزوی گرفته پیخته با آب بسرشند و ضماد کنند \* ضماد دیگر زلق الامعا را نافع باشد \* صنعت آن سعد مصطکی از خرقصب الذریه نام مرزنجوش از هر یک پنج درم عود هندوی قرنفل جو زبوا از هر یک درم اجزا کوفته پیخته با آب برک مورد سرشته ضماد نمایند \* ضماد دیگر که سپر را نافع است \* صنعت آن برک سعد اب خشک ده درم بودنه سه درم بوره ارمنی پنج درم شق هفت درم بوره و شق را در سرکه کهنه حل سازند و سد اب و بودنه

کوفته درهم بسوشنک و بر سر ز صماد نمایند \* صماد یک سرسام را نافع است \* صنعت آن تراشه کد و و خیار برگ کا هو  
 برگ عنب الثعلب همه تر و تازه با کلاب و سرکه صماد نمایند و اگر همه بدست نیاید آنچه بهم رسد از اینها نمایند \* صماد  
 سلموبه قلا نسی از روی نقل کرده کفته میگوید که اگر این صماد را بر قم معد \* صماد نمایند قی می آورد و اگر بر سر صماد دکنند  
 اسهال می کنند و اگر بر صماد نمایند ادرار طبع می کند \* صنعت آن بکیوند برنج کا بلی مقشوعصاره قشع الحما را از  
 هر یک سه مثقال خربق سفید مردا سنک از هر یک چهار درم زید البحر پنجد رم عکر زیت ده مثقال موم پنجد رم موم را  
 در عکر زیت بکن ازند و ادویه را کوفته بپخته بآن بسوشنک و بر کاغذی مالید \* صماد کنند \* صماد سلموبه به نسخه دیگر \*  
 صنعت آن برنج کا بلی مقشوعصاره قشع الحما را از هر یک سه مثقال خربق سفید مردا سنک از هر یک چهار درم پیه کرده  
 بز موم سفید موم زرد از هر یک پنجد رم موم را در روغن زیت بکد ازند و باقی ادویه را کوفته بپخته بآن بسوشنک و بر  
 روی کاغذ پاره مالید \* صماد نمایند بر معد \* تنا ف یا عانه و هر محلی که خواهند و بعضی بجای زیت عکر زیت آورده اند  
 و در نسخه حکیم معصوم پیه کرده و موم داخل نیست و در نسخه حکیم میر محمد مؤمن زیت چهار درم است \* صماد یک شیره  
 زنا ترا زیاد کند \* صنعت آن آب با قلا آب برگ با دروچ از هر یک ده درم تخم باد روج پنجد رم کوبید \* سرشته صماد  
 نمایند \* صماد دیکه کم شدن شیر زنان را سود دارد \* صنعت آن اکلیل الملك سوده آرد با قلا با سرکه که نه سرشته صماد  
 نمایند \* صماد یک شیره پستان زیاد کند \* صنعت آن آرد با قلا تخم با دروچ از هر یک جزوی به پزند در پستان صماد  
 کنند \* صنعت این صماد به نسخه دیگر آرد با قلا ده درم باد روج پنجد رم کوفته بپخته با آب با دروچ صماد کنند \* صماد یک  
 شیر زنان کم کند \* صنعت آن نعناع بودله دشتی سد اب دشتی از هر یک جزوی با دروی سرکه بسوشنک و بر پستان صماد  
 نمایند \* صماد یک همن عمل کنند \* صنعت آن قدری دردی سرکه که نه اکلیل الملك آرد با قلا از هر یک جزوی به پزند و  
 بر پستان صماد کنند \* صماد یک صل اع بارد را نافع است \* صنعت آن با بونه اکلیل الملك در مننه ترکی شبت ورق  
 درخت غار مرزنجوش اجزا مساوی کوفته بپخته بر روغن خیبری سرشته صماد دکنند \* صماد دیکه صاعی را که از زخم و  
 یا ضر به بهر وسیله باشد سود دهد \* صنعت آن برگ مورد تر برگ سر و تر و روغن کل سوسن لادن اکلیل الملك قصب  
 الی ریره کل ارمنی شب یمانی همه اجزا را با دروچ خشک یا شل بکوبند و به پزند و آنچه تر باشد سحق کنند و مجموع  
 را در هم آمیخته بر سر صماد نمایند \* صماد دیکه صاعی را که از ضر به و سقطه باشد نافع بود \* صنعت آن کل بنفشه  
 کل نیلوفر سفید با بونه از هر یک دودرم اکلیل الملك یک درم آرد جو سه درم همه را کوفته بپخته بقل ری روغن بنفشه  
 با دام صاف طبع نموده چنانچه بقوام فائده آید بر سر صماد دکنند و به پارچه نازک نرم بینند \* صماد دیکه صاع  
 کرم صفراوی را نافع بود \* صنعت آن برگ خرفه شیا ف ما میثا صند لیب کل سفید فوفل از هر یک یک جزو فیون ده یک  
 اجزا را بر سرکه بسوشنک و بر سر صماد دکنند \* صماد یکه جمیع انواع صل اع را نافع است \* صنعت آن تمام فوئنج بری صغیر  
 فارسی زوفا اجزا بر سرکه عنصل سرشته صماد نمایند \* صماد یکه صل اع مزمن و نزلات مزمنه و تقویت دماغ را بی عمل  
 است \* صنعت آن نمک سنک نمک طعام بوره سوخته خربق سفید مویزج شوره خردل سرخ زید البحر از هر یک  
 جزوی کل سرخ سماق کبریت زرد برگ حنا خشک از هر یک افسنتین رومی صمغ عربی کند و ذکر و نقل عود هند و زریخ  
 زاج ساذج هند و سنبل الطیب جوز بو از هر یک نیم جزو اجزا کوفته بپخته سرکه را بجوش آورده صابون رقی در وزن مجموع  
 ادویه در آن حل نموده ادویه را با آب ممزوج کرده اقراص ساخته عنصل الحما بآن کرم حل کرده صماد نمایند \* صماد دیکه  
 صلابت طحال را سود دارد \* صنعت آن اشق بوره ارمنی نمک هند و مقل از هر یک چهار درم کرسنه کرم از هر یک شش درم سفید

سفید اب هشت درم کوگرد درم انجیرده عددا انجیر را در سرکه به پزند و شق و مقل را در آن بکند از آن و باقی ادویه را کوفته  
بیخته اضافه نمایند و در هم بسرشند و صماد کنند \* صماد دیگر که صلابت و ورم سپر را طفال را نافع بود \* صنعت آن انجیر  
سیاه پنجاه درم قسط بحری چهار درم مغز بادام تلخ معشرد درم پوست پیچ کبر سه درم انجیر را بر سرکه کهنه نجیسانند و  
نرم کنند و باقی ادویه را کوفته بیخته مجموع را با موم سفید و روغن خیری بسرشند و بر کاغذی طلا کنند و هرگاه معده  
از طعام خالی باشد کاغذ صماد در این سپر بکند از آن و بعد از دو ساعت بردارند \* صماد دیگر که صلابت طحال را نافع است \*  
صنعت آن کرسنه نخود اکلیل المملک بزر حله با بونه ترمس سنبل الطیب از هر یک نیم درم انجیر زرد بیست و چهار درم  
کوفته بیخته بروغن با بونه یا روغن سد اب صماد کنند \* صماد دیگر که صلابت عضو شکسته و از جارفته را با صلاح آورد \*  
صنعت آن حب الخروع معشر یک جز و نرم بگویند و نیم جز و روغن کا و قدری زیت در هم بسرشند و صماد نمایند \*  
صماد دیگر که صلابت عضو شکسته و از جای شده را نرم کند \* صنعت آن خرما پیه تازه بز نیکو در هم بگویند و قدری روغن  
داخل کرده صماد نمایند \* صماد دیگر که ضعف معده را که سبب آن حرارت باشد نافع بود \* صنعت آن حب الاس  
آمله کلنا رعود هند ی برک مورد پوست به پوست سیب کل سرخ قصب الی ریبه صندل سرخ و سفید کوفته بیخته بکلاب  
و آب سیب سرشته صماد کنند \* صماد دیگر که ضریه و صدمه و سقطه را نافع است \* صنعت آن آرد ماش مغاث برک مورد  
ابهل پوست انار خطمی سفید صبر کلابی از هر یک جزوی کوفته بیخته با سفید تخم مرغ بسرشند و صماد نمایند \*  
صماد دیگر که نافع جهت ضریه و سقطه و صدمه \* صنعت آن میله لکری که مغاث هند بیست آمله منقی زرد چوبه از هر یک  
یک توله نیل بری مصطکی از هر یک شش ماشه افیون سه ماشه ادویه کوفته بیخته با عصا زنجبیل تازه که بهندی ادرک نامند  
سرشته گرم نموده صماد نمایند و اگر ضریه با استخوان رسید \* باشد قدری سفید تخم مرغ اضافه آنها نموده بر پارچه کپاس  
پهن کرده بر عضو مکسور به پیچند و بر اطراف آن چوبهای را سنبه با یک مستحکم بندند و هفته یک مرتبه واکند و تجلین  
نمایند و در سایر اوقات روغن کنجد بر عضو می چکانند \* باشند و اگر وجع شد یک باشد قدری خاکستر سفید مطبوع  
یا دکان نشود بریزان که بهندی بهر بهو نچه نامند نیز اضافه نمایند \* صماد دیگر که همین نفع دارد \* صنعت آن میله  
لکری حب الرشاد که بهندی ها لوم کویند زرد چوبه چوب سببی قند سیاه کهنه که بهندی کرنا مند از هر یک قدری نرم  
با آب سوده گرم کرده صماد نمایند و بعضی درین بیج نی که بهندی چورموند نامند و قدری سلاجیه که عرق الجبال است  
داخل میکنند \* صماد دیگر که ضعف معده و جگر را نافع بود و اسهال کبدی را باز دارد \* صنعت آن کعلک بغل ادی چهار درم  
مصطکی افسنتین کند از هر یک دو درم قصب الی ریبه صبر عود هند ی اقا قیا از هر یک یک درم لادن دو درم به از دانه پاک  
کرده بیخته شش عدد خرما قصب پنجاه عدد موم سفید روغن نار دین از هر یک با نروده درم و کعلک خرما و قصب و در شراب  
نجیسانند و به را نیز در شراب به پزند و ادویه کوفته بیخته موم را در روغن نار دین با آتش بکند از آن و مجموع را در هم کرده  
چنانچه رسم است بسرشند و صماد کنند \* صماد دیگر که جهت ضیق النفس بلغمی مجرب است \* صنعت آن آرد کرسنه آرد  
شمیز شونیز اصل السوس عاقر قرحا از هر یک یک درم کوفته بیخته بروغن سوسن ده مثقال وزرده تخم مرغ یک عدد مغز قلم کاو  
موم گارنفر نموده سرشته بر روی کپاس آب نل یل مالیک نیم گرم بر سینه صماد نمایند \* صماد لطحال \* صنعت آن سد اب  
ده درم بوره ارمی سه درم شق هفت درم شق را در سرکه خیسانند اجزا کوفته بهم سرشته صماد کنند \* صماد دلفظره ناخن  
سفید شده را بیند از دوناخن نو برویاند \* صنعت آن در شراب سوخته سه درم ذرا ریح دو درم موم سه درم روغن کل  
پنج درم با هم بسرشند و صماد کنند \* صماد دلفظره دیگر جزا السرو آرد نخود ترمس از هر یک جزوی کوفته بیخته بر سرکه بسرشند

و ضماد کنند \* ضماد ظفر دیگر که همان نفع دارد \* صنعت آن زرنج سرخ جوزالسر و سریش ماهی با سرکه بر ناخن ضماد کنند \*  
 ضماد ظفر که ناخن معیوب را بیندازد \* صنعت آن صمغ سر و چند روز بر آن بسته دارند تا نرم شود پس سوزن درین  
 ناخن زنند تا خون بسیار برود پس حنای خشک با سیرکوفته ضماد کنند چند روز پیوسته \* ضماد ظفر که چون پوست  
 از کود ناخن برخواسته باشد با صلاح آورد \* صنعت آن مصطکی سده درم در پنج درم روغن گل بکند از آن و در هم نمک بآن  
 بیامیزند و بر آن موضع بمالند \* ضماد دیگر که ناخن رفته را بر ویاند چون مکرر ضماد نمایند و باید که آب بر آن کم  
 برسانند \* صنعت آن برگ حنا خشک سائید با پیله بط و پیله مرغ سرشته و آثم بر ناخن افتاده به بندند \* ضماد یک عرق  
 النساء و جاع و رک و مغاصل را نافع بود \* صنعت آن پوست بید کبر پودنه کوهی عاقر قرحا از هر یک و درم قسطانج جرجیر از هر یک  
 درمی زفت پنج درم زعفران در روغن زیت بکند از آن و باقی ادویه را کوفته بیخته در هم بسروشند و ضماد کنند \* ضماد یک  
 عرق النساء و وجع و رک را نافع است \* صنعت آن پوست بید کبر پودنه کوهی عاقر قرحا از هر یک و درم عصاره قثاء  
 الحمار حب الغار از هر یک یک درم کوفته بیخته بعسل و شراب ضماد کنند \* ضماد یک همین خاصیت دارد \* صنعت آن  
 قطران زفت عاقر قرحا از هر یک و درم قسط تخم تره تیزک از هر یک یک درم زفت را در روغن زیت بکند از آن و باقی ادویه  
 کوفته بیخته با وضه کنند و ضماد نمایند \* ضماد یک عرق کزیده و حشرات را نافع باشد و جذب زهر حیوانات از بدن  
 کند و مضرت زهر از بدن باز دارد \* صنعت آن چند بید سترسک بید حلتیت برگ کونب سرکین کبوتر پودنه دشتی مشکطرا  
 مشیمع اجزا بوا بر کوفته بیخته با روغن زیت که نه بسروشند و ضماد کنند \* ضماد یک فالج و استرخا را مفید است \* صنعت  
 آن بکیرند شش توله اسپند یا زیاده بقل را احتیاج و مقل آن آب خالص بخیسانند پس سائید با یک درجوشی داده  
 تا بقرام آید و بر عضو مفلوج بمالند و رآفتاب بخوابانند \* ضماد یک از جهت فتق نافع است \* صنعت آن جوز  
 السرو و درم سعد کوفی مرمری صمغ عربی موزنجوش مازو اقا قیا کنل از هر یک جزوی کوفته بیخته با روغن قسط ضماد  
 کنند \* ضماد فتق دیگر که همین خاصیت دارد \* صنعت آن جوز السرو صبر سقوطری ورق سل اب مازو با بونه مساوی  
 کوفته بیخته با روغن قسط ضماد کنند \* ضماد فتق دیگر که همین خاصیت دارد \* صنعت آن مصطکی کنل را نرروت جوز السرو  
 مرمری سریش بلوط مساوی کوفته بیخته بسوکه ضماد کنند \* ضماد الفتق لبان ذکر مصطکی فاشرستین انزروت صبر  
 حفص شیا ف ما میثا اقا قیا جلنا درم الاخوین اجزا بر کوفته بسوکه سرشته ضماد نمایند \* ضماد الفتق کنج سماق  
 مرمری شاهر انج اقا قیا جوز السرو از هر یک یک اوقیه مر قشیشا کوکود سنک آهن را بکند و ذکر صفا از هر یک یک اوقیه  
 موم یکرطل موم را در روغن مورد بکند از آن و اروها بار بیامیزند و ضماد کنند \* ضماد یک فتق را نفع ده \* صنعت  
 آن اقا قیا جوز السرو موزنجوش کنل را مازو حب الغار مغاث صمغ عربی از هر یک جزوی کوفته بیخته بسروشند و ضماد  
 کنند و در سه روز بسته بکند از آن و اگر بعوض سریش صمغ کنند رو با ش \* ضماد یک فتق و نزول امعاء و سرب را نافع  
 بود \* صنعت آن جوز السرو سعد موزنجوش مازو کنل را اقا قیا صمغ عربی از هر یک جزوی صمغ عربی را در شراب خیسانند و  
 وادویه را کوفته بیخته بآن بسروشند و ضماد کنند و تا سه روز بکند از آن و اگر تا هفت روز بکند از آن بهتر است \*  
 ضماد دیگر که فتق و اسود دارد \* صنعت آن کنل مصطکی انزروت سریش صبر زرد حفص شیا ف ما میثا اقا قیا کلنار  
 فارسی درم الاخوین از هر یک جزوی مساوی کوفته بیخته بستر و ضماد نمایند \* ضماد یک فرج را تنک کرد اند \*  
 صنعت آن عود هند را مک را سن اقا قیا قر نفل کرمازج جوز السرو و ورق کل سرخ تخم کل مازو از هر یک جزوی کوفته  
 بیخته مشک بقل رجه با آب برگ مورد سرشته بر عانه و تهیگا \* ضماد فیلغیر پیوس نافع است از برای رجه

وجع معده و کبد و ارجاع احام و اورام هرگاه طلا کرده شود از خارج و استعمال شود بصوفه در رحم بعنوان فرجه که زن  
 آن را با صوفه در رحم بگیرد \* صنعت آن زعفران و دودرم و در نسخه دیگر دودرم است مقل ازرق یا رطب سی درم  
 و روغن نارندین بقدر کفایت بدستور مرتب نمایند \* ضماد قابضه که بجهت باه و تقویت جگر و معده نافع است \* صنعت  
 آن قفاج از خرینچ مثقال شود نیز سعد کوفی از هر یک چهار مثقال شب بمانی دم الا خورین نانخواه پوست اترج جاورس  
 مرصافی کند از هر یک چهار مثقال بآب مورد سرشته ضماد نمایند و هرگاه جهت تقویت معده و جگر استعمال نمایند  
 و اسهال نباشد هفت مثقال صبر داخل نموده ضماد نمایند \* ضماد دیکه قاتل دیوانه است و چون بوسران از نل  
 حب القروع و حیاط را نیز بکشد \* صنعت آن شحم حنظل زرشک شونیز کندش ترمس خشک بزرگ کتان کوفته بیخته  
 بآب و روغن سرشته بوری سرده اندازند \* ضماد دیکه قاتل اقسام کرمها است \* صنعت آن ترمس پنچل رم برنج کابلی  
 و دودرم کل سرخ سه مثقال کوفته بیخته بقدر دودرم با عسل بسرشد و بر شکم و زیر ناف ضماد نمایند \* ضماد دیکه  
 قبل تنک را کشاده کرد اند \* صنعت آن کل خرنبره سفید که به هند میکنند سفید کوبند سائید و بر ناف زن ضماد  
 نمایند و کوبند اگر چه با کبره باشد خود بخود کشاده گردد \* ضماد قنطاریون لغوه و فالج و صداع و درد چشم و  
 درد شقیقه و درد دندان را نافع باشد و منع ریختن مواد نزلات چشم و کوش دندان کند و چون بر صدغین  
 ضماد کنند و امراض ماغی که از برودت باشد و رطوبت را سود دهد و اگر بر محل کزیدن عقرب ضماد کنند درد  
 را ساکن گرداند و اگر بر عانه ضماد کنند ادرار بول کند \* صنعت آن رعی الحمام و دودرم موم سفید ده درم  
 و اتینچ سه درم زیت چهل رم موم و راتینچ را در زیت بکد از نل و رعی الحمام را کوفته داخل کرده ضماد نمایند \* ضماد دیکه  
 قوبا و خارش که در قضیب و خثیه باشد نفع دهد \* صنعت آن شیاف مامینا اقا قیا از هر یک یکد رم صبر زرد نوشار  
 از هر یک دودرم زعفران دانگی اشنان سه درم اجزا کوفته بیخته با روغن کل و سرکه ضماد کنند \* ضماد دیکه قوبا  
 و جرب و قروح خبیثه را زائل کرد اند و قلمی فرموده اند که از مجربات بند \* اثم محمد هاشم مخاطب بعلوی خان است \*  
 صنعت آن با پی کالی زیری تخم پوار کند هک آمله سار که کو کرد زرد صافی است اجزا مساوی کوفته شب بآب خیسانند و صبح در  
 گهرل بمالند تا نرم گردد و روغن کنجد داخل کرده بر موضع قوبا و جرب و قروح بمالند و بعد از دوسه ساعت بآب گرم و سرکه  
 و سبوس کنند و اگر بمالند بر طرف نشود هر روز تا سه روز ناشتایک پیاله ماست از آب آن بنوشند که انشاء الله تع  
 هر قسم قوبا و جرب که باشد بر طرف گردد \* ضماد دیکه قوبا و صفه یا سه و جرب یا بس را نافع است \* صنعت آن کبریت زرد  
 ده درم صمغ آلوپنچل رم پیه تازه بز پانزده درم درهم سرشته در حمام و بعد از حمام بد و ساعت ضماد نمایند \* ضماد دیکه  
 قوبا را نافع است \* صنعت آن بیخ پالک جوهری یکتوله صندل سفید ششماشه فلغل سیاه یکماشه با کلاب سائید و ضماد نمایند  
 و مکرر نمایند و اگر یکماشه زاج سفید سوخته نیز اضافه نمایند بهتر است و اقوی \* ضماد دیگر که قوبا را نافع است \*  
 صنعت آن تخم پوار که چگون نیز نامند در آب خیسانند چون نرم گردد بوری سنگ نرم سائید و درده توله آن ششماشه  
 تانه ماشه قیقهر که بهندی رال نامند سائید و دران داخل نموده ضماد نمایند و اگر قرق ری ماست گاریا آب لیمو داخل  
 نمایند نیز خوب است \* ضماد دیکه قولنج را نافع باشد \* صنعت آن سد اب بابونه اکلیل الملک مرده سنگ تخم خطمی اقحوان  
 کل سرخ کوفته با آب برک کلم و زرده تخم مرغ و روغن کل سرخ ضماد نمایند \* ضماد دیگر که همین نفع دارد و فتق را نیز  
 مفید است \* صنعت آن حب الخروع مقش را تخم کشف سائید و ضماد نمایند \* ضماد دیگر که همین نفع بخشد \* صنعت آن  
 کل دیکه آن که سرخ رنگ میباشد گاه دوب برنج سفید با اسویه کوفته بیخته بآب سرشته ضماد نمایند \* ضماد دیکه قی و

هیضه را سود مند بود \* صنعت آن صندل سفید کل سرخ بزرگ مورد ازهر یک هفت درم سک اقا قیا سعل کند رکع بغل ادویه  
 ازهر یک سه درم کوفته پیخته با آب بزرگ مورد بسرشند و بر معده ضاماد کنند \* ضاماد یکه قی باز در هیضه را نافع بود \*  
 صنعت آن کل سرخ سک ازهر یک پنج درم صندل سفید رامک ازهر یک چهار درم عود سه درم زعفران یک درم کافور دانگی  
 مجموع ادویه را کوفته پیخته با آب بزرگ مورد بسرشند و بر معده ضاماد کنند \* ضاماد یکه مقوی کبد و معده است \* صنعت آن  
 سعل قسط سنبه افسنتین ازهر یک پنج درم قرنفل سک دارچینی قصب الذریر ازهر یک دود درم کند رسه درم کوفته  
 پیخته با آب به ضاماد کنند \* ضاماد یکه کثرت بول و تقطیر آن را نافع است \* صنعت آن کندر عصاره الحیدر التیس لادن از  
 هر یک دود درم اقا قیا چهار درم مازو یک درم کوفته پیخته با آب بزرگ مورد ضاماد کنند \* ضاماد یکه کلف و بهق و برص را آثار چلک  
 و برش و خیلان را نافع است و از اقتراح شیخ رئیس است \* صنعت آن زبیب و دمشقال با مغز بادام تلخ در هاون چنان  
 بسایند که اثری از زبیب نماند پس تخم خرفه مغشرا سائیده در آن داخل کرده نرم بگویند تا باهم مخلوط شود و موضع را  
 کیسه مالین \* ضاماد کنند و روز دیگر بشویند و باز بمالند و تا یک هفته استعمال نمایند بدین قسم \* ضاماد یکه مانع کبد  
 پستان زنان است \* صنعت آن طین قیمولیا مازوی سبز اسفید اج اقا قیا ازهر یک دود درم با قل دی روغن مصطکی و آب  
 بزرگ سک اب بسرشند و بر پستان ضاماد نمایند \* ضاماد یکه مانع بزرگ شدن پستان است \* صنعت آن کندر رودع سوخته  
 ازهر یک جزوی آرد جو نیم جز و همه را در سرکه سرشته در هر ماهی سه روز متوالی ضاماد کنند و در نسخه شفا ئی کند داخل  
 نیست \* ضاماد یکه همین منفعت دارد \* صنعت آن زیره گرمائی قلری کوفته پیخته با آب سوخته بر پستان بمالند و بعد  
 از آن لنه را بر سرکه ترک کرده بر روی پستان اذل از نل و مکرر این عمل کنند تا یکماه که مراد حاصل است \* ضاماد یکه مانع بیرون  
 آمدن ناف است \* صنعت آن شب یمانی سه درم در سرکه شش درم مازوی سبز سه عد کوفته با در سرکه ضاماد  
 کنند \* ضاماد یکه مانع بروز ناف زنان است \* صنعت آن آرد با قلا مازو کلنار فارسی پوست انار جزو السرو کز مازج پوست  
 تخم مرغ اجزا مساوی کوفته پیخته سوای پوست تخم مرغ با قل دی آب طبع دهند تا مهرا شود و در آخر پوست تخم مرغ را  
 با آن سرشته ضاماد نمایند \* ضاماد یکه مانع بیرون آمدن ناف باشد \* صنعت آن مازوسه عد کوفته پیخته با شش درم  
 سرکه ضاماد کنند و بر فاده محکم بندند \* ضاماد مبرد که تبریل کند تبریل ی بلیغ شیخ رئیس گفته که این ضاماد عجیب است  
 در تبریل آنچه واجب است تبریل آن \* صنعت آن بکیرنل سفید اب ارزیز و مخلوط کنند با آن سرکه و آب کاسنی تازه و  
 ضاماد کنند بر موضعی که مطلوب است تبریل آن \* ضاماد متفرح چون بر عضو بندند مجروح سازد \* صنعت آن خردل  
 کوبیده سرکین کبوتر تازه هر دو مساوی در هم سرشته با آب انجیر چوشانید بر موضعی که اراده تقروح آن باشد ضاماد  
 نمایند \* ضاماد المثانه رفتن چوک و بول و قروح مثانه را دفع باشد \* صنعت آن موم کارنفر موده کل اخته میعه سائیده  
 در هاون یکسان کرده بر پشت زهار بمالند \* ضاماد یکه برای مرض مثانه و ورم و قروح مثانه و حبس بول مادام که از اسباب  
 من کوزه باشد نافع باشد \* صنعت آن دقیق شعیر خطمی سفید کوفته با آب عنب الغلب و روغن کل سرخ سرشته بر مثانه و پشت  
 زهار ضاماد کنند \* ضاماد یکه محلل جمیع اورام باشد \* صنعت آن نخاله آرد کند م تخم خطمی سفید بابونه حلیه تخم کنان  
 با قل دی موم و روغن بابونه ضاماد نمایند \* ضاماد بکه محلل اورام کهنه است \* صنعت آن مقل حب البان تخم کونب از  
 هر یک ده درم سنبه الطیب اشق مصطکی ازهر یک پنج درم موم سه درم روغن ناردین پانزده درم صمغها را در شراب  
 حل کنند و باقی ادویه را کوفته پیخته اضافه نمایند و با موم و روغن ضاماد کنند \* ضاماد یکه همین خاصیت دارد \* صنعت آن  
 حلیه شب یمانی خطمی بزرگ بابونه مصطکی ازهر یک پنج درم سنبه الطیب سعل کوفی قصب الذریر ازهر یک دود درم

درم روغن بابونه پانزده درم بطریق مقرر ضماد کنند \* ضماد يکه محلل صلابات انهمین ومقله وقضیب است \* صنعت آن  
کل خطمي تخم کنان کنجد مرو حله هوجوه ازهر يك پنج مثقال كوفته بآب سرشته ضماد نمایند \* ضماد يکه محلل جميع  
صلابات است ونافع است از برای خنازير و صلابت طحال و اورام صلبه معد و امعا \* صنعت آن بزرحله بزرگتن حب  
الغار کل خطمي اکلیل الملك فقاح اذ خرا ازهر يك يك مثقال افسنتين رومي قسط تلخ سنبل الطيب مصطكي رومي ازهر يك  
چهار دانگ ونیم اشق ومقل ازرق قصب الذريره ازهر يك نیم مثقال موم زرد پیه بط ازهر يك دو مثقال ونیم انچه کوبیدن  
است کوفته بیخته اشق ومقل درکلاب حل کرده اجزا را بشیر و گاو پخته موم و پیه بط را درهم کک اخته صافی نموده در اشق ومقل  
داخل کرده ضماد نمایند \* ضماد يکه محلل قوی است \* صنعت آن چند بید ستر صبر سقوطی کند و کرانز روت سفید  
صمغ عربی قسط تلخ کوفته بیخته یا شراب ریحانی یا آب ریحان ضماد نمایند \* ضماد مسهل که چون بر معد و تهیگا  
ضماد نمایند اسهال کند \* صنعت آن زهره کاه و عسل زیت شحم حنظل زرنیخ اجزا مساوی بد ستر مرتب نموده ضماد نمایند \*  
ضماد مسهل بعد بن ذکر یا گفته که چون این ضماد را بر شکم ضماد نمایند طبع را نرم کند \* صنعت آن بکیردن روغن بید انجیر  
موم زرد در زیت و شوخ خانه مکس عسل همه را درهم مخلوط کرده بر شکم ضماد کنند و کوبیدن که عصاره قشای الحمار باشد  
شبرم یا سقمونیا یا شحم حنظل یا زهره کاه این همه یا یکی از این همه یا دو بیشتر بدین بسروشند و ضماد کنند استغراغ تمام  
حاصل خواهد شد \* ضماد دیگر معد و سرد را گرم کند وقوت دهد \* صنعت آن سعل کوفی مصطکی سنبل الطيب قسط افسنتين  
ازهر يك دو درم کوفته بیخته بآب به ضماد نمایند \* ضماد يکه معد و سرد را قوت دهد و گرم کند \* صنعت آن سعل کوفی افسنتين  
قسط سنبل الطيب ازهر يك سه درم کند چهار درم مصطکی پنج درم قصب الذريره اذ خرسک قرنفل دارچینی ازهر يك  
دو درم با شراب کهنه بسروشند و بر معد ضماد کنند \* ضماد يکه برودت معد و کبد و طحال را نافع بود \* صنعت آن افسنتين  
رومي سنبل الطيب سلیخه رومي صبر سقوطی ازهر يك سه درم عود بلسان زعفران ازهر يك دو درم موم سفید هشتاد درم  
موم را در روغن انا ر دین یا روغن قسط یا روغن زنبق یک ازن و باقی ادویه را کوفته بیخته با و تر سازند و ضماد کنند \*  
ضماد يکه معد و سرد را نافع باشد \* صنعت آن ورق کل سرخ صندل سفید صندل سرخ شیا ف ما میثا کافور قیصری سوده  
بآب برک غلب الثعلب و قوی سرکه سرشته ضماد نمایند \* ضماد يکه معد و بارد را گرم کند وقوت دهد \* صنعت آن  
سعل کوفی افسنتين رومي قسط سنبل الطيب ازهر يك پنج درم اذ خرمکی آمله منقعی دارچینی قصب الذريره ازهر يك  
دو درم کوفته بیخته بشراب سرشته ضماد نمایند \* ضماد نافع برای حرارت عظیم معد \* صنعت آن آرد جو بآب مورد  
سرشته ضماد نمایند \* ضماد نافع از برای رطوبت معد که چون بر معد نهند تولد بلغم کمتر شود \* صنعت آن را مک  
لادن عود هندی خام ازهر يك سه درم کل سرخ چهار درم سنبل الطيب مصطکی ازهر يك دو درم مشک دانکی کوفته  
با آب مرزنجوش یا آب نام سرشته وقت خلای معد ضماد نمایند \* ضماد دیگر که معد و بارد را گرم کند وقوت دهد \*  
صنعت آن سعل کوفی مصطکی سنبل الطيب افسنتين رومي ازهر يك پنج درم اذ خرمکی آمله منقعی قرنفل دارچینی قصب  
الذريره ازهر يك دو درم کوفته بیخته ضماد کنند \* ضماد بواسطه مغص که از بیرون شکم بمالند \* صنعت آن مرداسنک  
اکلیل الملك آرد بیکو یعنی بزرقطونا زیره کرمانی کوفته بآب کز و زرده تخم مرغ و روغن جلتار سرخ سرشته نیم گرم ضماد  
نمایند \* ضماد مفصل که جميع امراض مفصل و انواع آن را نافع است \* صنعت آن بابونه خطمي اکلیل الملك از  
هر يك بیست درم اشق جاشیر و مقل ازرق ازهر يك ده درم موم و سرکه پنج درم روغن شبت بیست درم ضماد نمایند \*  
ضماد دیگر وجع مفصل و درد کرده زانو را بغایت سودمند بود \* صنعت آن روغن زیت کهنه دقیق حله ازهر يك پانزده



درم قطران علك البطم از هر يك ده درم ابر سا چهار درم چنانكه رسم است بسروشند و بر محل درد ضما د نمایند \*

ضماد منضج كه فافع است از برای جميع اورام حاره چون مدت يك هفته بگذرد و روی بنقصان آورد كه زمان استعمال منضجات است \* صنعت آن كل با بونه اكلیل الملك كتيرا از هر يك ده مثقال خبازی كل خطمي غلب الثعلب تخم مرو بزرگتان مرزنجوش از هر يك سه مثقال آرد جو پنج مثقال ادویه را كوفته بپخته با موم زرد و روغن كل سرخ و باروغن كنجد سرشته ضما د كنند و این ضما د در ذات الجنب و ذات الصد ر كنیز بسیار نافع است \* ضما د منفرجه چون بر اورام و دما میل نهند منفرجه سا زد \* صنعت آن معصفر پوست جوز القی مقل اجزا مساوی كوفته بپخته در آب برک صبر كه بهند ی كه یكوار نامند بجوشانند تا بقوام آید بعد از آن بر برک بین الخبیر پهن كرده بر ورم دما میل نهند و به بندند و يك شب فراز نهند ارنه بعد از آن باز نمایند و اگر منفرجه نشد با شد باز به بندند تا منفرجه شود و بعد اخراج و دفع مواد بمراه التیام دهند \* ضما د یكه بجهت بروز معقله بعد از حجامت پشت مفید است \* صنعت آن ورق خطمي غلب الثعلب بنكویعنی بزرقطونا كل خطمي شیا ف مامیثا مردا سنك كوفته بپخته با آب برک بارتنك و مغز قلم كا و زردۀ تخم مرغ و روغن كل سرخ شیا ف ابیض كا فوری شیر دختر اقا فیا بر حوالی معقله بمالند \* ضما د یكه منضج اورام و دما میل است و اورام را بپخته و رسیدۀ كردند \* صنعت آن با بونه تخم مرو و تخم كتان حلبه خطمي از هر يك جزوی كوفته بپخته با روغن كتان و موم سفید طبع نموده مانند مرهم سازند و بر دما میل و اورام بگذارند \* ضما د یكه منضج دما میل و محلل اورام است \* صنعت آن بكمزند جل و ارغطانی زنجبیل خشك پوست كاليسر فلفل سیاه كالی زیری اجزا مساوی كوفته بپخته در آب گرم بپاشند و برهم زنند تا مزوج گردد و اندكی بر آتش نهند تا فی الجملة نضجی یابد پس برداشته اورا میكه اراده نضج موا د آنها باشد شیر كرم بر طرف آن بمالند و در وسط مرهم منضجه منفرجه گذارند و بر اورا میكه اراده تحلیل آنها باشد بر نما م آن بمالند \* ضما د منضج دیگر \* صنعت آن اكلیل الملك با بونه تخم كتان حالبه آرد با قلا كل خطمي عدس مقشر سبوس كنند مآرد جو ادویه را كوفته بشیر كا و بپخته ضما د نمایند \* ضما د منضج اورام قلمی فرموده اند كه از قوه الحكماء سید السنن والد ماجل فقیرا است قدس سره كه دما میل و اورام صلبه و جراحات را مفید است و مستعمل است درجا یكه اراده میل مواد بخارج باشد \* صنعت آن انزروت تخم مرو و كتیرا مغز سته تمر و هندی مغز حب الخروع تخم ریحان از هر يك جزوی كوفته بشیر كا و بپخته زردۀ تخم مرغ و روغن كل سرخ و روغن با بونه داخل كرده نیم كرم ضما د نمایند و اگر صلابت دما میل و جراحات زیاده باشد بزرگتان آرد حلبه با بونه اكلیل الملك زرقای یا بس خمیر نان برک چغندر كل خطمی مقل ازرق از هر يك جزوی داخل نمایند و بجای روغن كل سرخ و روغن حب الخروع كنند و اگر بسیار سخت باشد حب السلاطین ربع جزوی داخل نمایند و چون نضج یافته باشد و به سبب سختی جلد منفرجه نشود و نخوا سته باشند كه به نیشتر آن را بشكافند صابون عراقی سر كین كبوتر سو كین بزكوهی و اگر آن نباشد پشگل بزاهلی از هر يك ربع جزوی كوفته داخل نموده ضما د نمایند و اگر ازین ادویه نیز منفرجه نشود بقدر قیراطی سم الغار بران ضما د بر موضعی متعاضی باشد كه خواسته باشد از آنجا منفرجه شود یا شیدۀ ضما د بران نمایند كه درهما نروز منفرجه میشود بعون الله عزوجل و سم الغار با این دوا سوطانات و جميع اورام و بشورات صلبه در نهایت صلابت را در سه روز بر می آورد و نهایتا اگر بسیار صلب باشد تا پنج روز و مجرب است \* ضما د منضج دیگر مستعمل در جميع اورام حاره اگر جميع ماده نضج یافته باشد و خواهند كه سرا كنند \* صنعت آن انزروت تخم مرو و كتیرا مغز سته تمر و هندی مغز حب الخروع حالبه خمیر نان برک چغندر كوفته بشیر كا و بپخته زردۀ تخم مرغ و روغن حب الخروع زهره كا و داخل كرده ضما دها



نمایند و اگر پوست آن موضع سخت باشد و یا دیر سرور کند مسخو قونیا سرکین کبوتر بر همین ضما دیر موضعی که می  
خواهند سر کنند یا شید و ضما د نمایند و اگر ازین ضما د نیز سرور نکند بیشتر بایند زد \* ضما د یکه نزلات و تقویت دماغ  
و نافع است وجع مفاصل و نقرس و عرق النساء و مثال اینها را زائل گردانند و مجرب و از استخراج انطاکی است \*

صنعت آن بوره ارمنی نمک دارا ئی نمک طعام سوخته خربق سفید آهک مویزج بوره سفید خردل زرد البخر ازهریک  
یکم مثقال کبریت زرد کل سرخ سماق برک حنا از خر مکی ما زور سبز فرا سیون صمغ عربی کند و در نفل عود دهند و صبر  
سقوطی بپنج شوسن آسمان جونی زرنیخ زاج سفید جوز بوا سنبیل الطیب ازهریک پنج مثقال کوفته پیخته و صابون عراقی  
تراشیده و در سرکه انگوری حل کرده با تش نرم جو شانده ادویه را اضافه نموده قرصها سازند و در وقت حاجت با آب کرم حل  
کرده ضما د نمایند \* ضما د جهت نفع دما میل و جراحات را و رام صلبه خصوص برای ورمیکه بعد از کسبختن عرق مدنی که  
بهندی نار و بغار سی پیونا مند حادث شود \* صنعت آن شیشه کوفته پیخته آرد ماش زرد چوبه فصله مرغ پیاز پیخته مغز باد نجان  
پیخته روغن چراغ مجموع را در هم در ظرفی پیخته تا مثل مرهم شود نیم گرم بر ورم آن بندند مجرب است \* ضما د یکه  
نسخه طحال را نافع باشد و صلابت آنرا نرم گردانند \* صنعت آن سداب ده درم بوره ارمنی پودنه ازهریک سه درم اشق  
چهار مثقال کوفته پیخته سرکه سرشته ضما د نمایند \* ضما د یکه نقرس و ورم حار را نافع باشد \* صنعت آن صندل صندل  
مقشوف و فلفل شیباف ما میثا کل ارمنی کوفته پیخته بکلاب و آب کاسنی تازه سرشته ضما د نمایند \* ضما د یکه در نقرس حار  
استعمال نمایند \* صنعت آن صندل سرخ صندل سفید فلفل عدس مقشوف شیباف ما میثا کل ارمنی بکوبند و به پزند  
و با آب حی العالم با کلاب و آب کاسنی ضما د نمایند \* ضما د یکه نقرس را سودا دارد \* صنعت آن آرد جو صندل فلفل سودا کل خطمی  
با روغن بنفشه با دام و شیر کاه و میش نیم گرم ضما د نمایند \* ضما د یکه نقرس مرکب را سودا دارد \* صنعت آن مغاث خطمی  
تخم مرو آرد جو سورنجان مساوی یک یک با روغن کل و زرد تخم مرغ ضما د نمایند \* ضما د نقرس که همان نفع بخشند \*

صنعت آن با بونه حلبه اکلیل المملک تخم کتان برک درخت غار هزا را سفند برک کرنب مغاث علك البطم اجزا مساوی کوفته  
پیخته قدری روغن بلسان داخل کرده ضما د نمایند \* ضما د یکه نقرس کرم و انواع مفاصل را نافع باشد \* صنعت آن با بونه  
خطمی اکلیل المملک ازهریک سی درم اشق جا و شیر مقل ازهریک ده درم سورنجان موم سرکه روغن زیت ازهریک بیست درم  
چنانچه رسم است ضما د نمایند \* ضما د یکه وجع بواسیر را که بسبب خون معتاد باشد سودا دهد و مغنم دهن رگهای با سورا  
باشد \* صنعت آن آب پیاز بخور مریم مقل قنه زهره کاه و مجموع در هم مخلوط نموده ضما د نمایند \* ضما د یکه همان  
نفع دهد و مل روغن بواسیر باشد \* صنعت آن برک سداب بخور مریم ازهریک قدری با روغن اقحوان آمیخته ضما د کنند \*

ضما د یکه اوجاع مفاصل را سودا دارد \* صنعت آن خطمی اکلیل المملک ازهریک ده درم اشق جا و شیر مقل ازهریک  
پنج درم پیله کرده بز ساق کاه و روغن کاه و میش ازهریک ده درم موم سه درم روغن شیباف روغن سداب ازهریک پنج درم سرکه کهنه  
قدری مجموع را در هم آمیخته بسرشند و بدستور ضما د کنند \* ضما د یکه که معروف بضما د مختصر است جمیع اوجاع  
و نافع باشد مانند نقرس و مفاصل و عرق النساء و وجع و رگین را سودا دارد \* صنعت آن برک کرنب در آب به پزند تا مبرا  
شود و زرد تخم مرغ و درد سرکه اضافه نموده در هم ممزوج کرده ضما د نمایند \* ضما د دیگر که همین نفع دهد و مجموع  
دردها را و جاع مفاصل را سودا مند بود \* صنعت آن سورنجان مغاث خطمی حنا صابون عراقی دانه مورد آرد جو مر مکی  
زعفران بزر لبنج صبر زرد زفت مویزج صمغ بادام ورق غار عاقر قرحا قسط تلخ اجزا مساوی کوفته پیخته با درد شراب سرشته  
ضما د کنند \* ضما د دیگر که اوجاع و ورم مرکبه معده و کبد را نافع باشد \* صنعت آن اکلیل المملک با بونه تخم خطمی

آرد جو عناب الغلب ازهر يك در درم مرمكي صافي زعفران شفاف ما ميثال بنفشه ازهر يك يك درم كوفته بيخته با آب عناب  
 الغلب يا آب كشيز تازه سرشته ضماد نمايند \* ضماد ديگر محمد بن ذكر يار از نافع از برای آسنان و كوش و شقيقه \*  
 صنعت آن كل بنفشه خشك با بونه اكليل الملك كل خطمي سفيد آرد جو تخم خشخاش پوست خشخاش ازهر يك كفي نم  
 كوفته با آب به پزند تا مهربا شود و بگويند تا معجون گردد و روغن كل سرخ داخل كرده در هاون بمالند تا چون موهم شود  
 ضماد نمايند بر لكه و سر و جاكه شكوه درد دران جانب باشد \* ضماد يكه اوجاع اورام و بجمي مفاصل را نافع است \*  
 صنعت آن جل و اريش انيس كه دواي هندی است بيع ك و تلخ كه بهندی بكمه نامند كالی زیری جوز بوا افیون  
 زنجبيل از رقي اجزا مساوی كوفته بيخته از رقي را سائيد با آب بر ك تا توله سرشته ضماد نمايند و اگر توانند در  
 آفتاب نشينند تا خشك گردد بهتر و الا شب ماليد بر ك بيد انجیر كرم كوده بران بسته بخوابند و بعد از خشك شدن  
 با آب گرم بشويند \* ضماد يكه اوجاع مفاصل غليظه الا خلاط را تسكين دهد و دفع سازد \* صنعت آن بکیرنگ حب الخرد  
 مقشربه اوقيه ربايك اوقيه زوغن كا و بسايند و يك اوقيه عسل ممزوج كرده بر مفاصل طلا نمايند و كا داخل كرده  
 ميشود درين برای سرعت اثر و تقويت سرکه انكوری تند و سرکین كا و ازهر يك يك اوقيه و اين ضماد اوجاع ظهور زانورا  
 فبز مفيد است \* ضماد ديگر كه نافع است اوجاع و اكثر امراض را و جلد ميكند خارا و استخوان و غيره را از عمق بدن  
 بسوی ظاهر و استرخا و فالج را نيز نافع است \* صنعت آن بزرا لا نجره مقشرد البورق نوشاد رزراوند مد حرج بيع  
 حنظل علك الا نماط ازهر يك بيست مثقال حلبه دار فلفل ازهر يك ده مثقال اشق دوازده مثقال مقل قرد ما نا عود  
 بلسان مرمكي كند ريمه بزرا تينج ازهر يك ده مثقال موم زرد سه رطل دبق هشت رطل شير انجیر صحراني هشت مثقال صمغ  
 را در شراب فائق بقدر كفايت خيسانيد و حل كرده سائرد و به كوفته بيخته موم را در روغن سوسن كد اخته ادويه را  
 با آن ممزوج كرده نيكو سائيد \* ضماد نمايند و في الحقيقت اين نوع مرمعي است \* ضماد ديگر نافع جهت اورام بلغمی  
 در ايام تزايد \* صنعت آن كل دا و خشك يك قبضة انكشت كشاده تخم را زيانه يك درم زيره سفيد نيم درم كوبيد \* در آب  
 بسيار نرم بوزن تا مثل موهم شود و گرم نموده ضماد نمايند \* ضماد ديگر جهت تحليل اكثر اورام صلبه در هر موضع كه  
 باشد \* صنعت آن كل سفيد كه بهندی كهلی متي نامند زرد چوبه سیا رنگ كرده ازهر درم مساوی و قن ري ناخواه و  
 اذل كي افیون همه را با آب نرم سائيد و گرم كرده ضماد نمايند و چون خشك گردد تجديل نمايند \* ضماد يكه ورم درد  
 بوا سبور يا بغايت نافع است \* صنعت آن اكليل الملك بنفشه با بونه خبازی خطمي شبت ازهر يك جزوی باروغن كا و  
 آب گرم بسرشدن و ضماد نمايند \* ضماد يكه ورم و درد بواسير و زحير را نافع باشد \* صنعت آن برگ كرنب بچوشا نند تا  
 مهربا شود و روغن كل و زرد تخم مرغ دران بيا ميوزن و با طسوجي افیون موهم نموده ضماد نمايند \* ضماد ديگر كه ورم  
 بواسير را بنشانند و درد را ساكن كند \* صنعت آن حلبه خطمي برگ چغندر برگ كرنب با بونه اكليل الملك ازهر يك جزوی تينج  
 نمايند چنانكه مهربا شود و در هاون بسايند تا مانند موهم شود نيم درم زعفران و طسوجي افیون و يك درم مقل در آب كند تا  
 حل سازند و با زرد تخم مرغ مجموع را در هم خطا نموده بسايند تا همه يكسان شود و بر بالای پاچه ماليد و روغن كل چرب  
 كند و بموقع و بکند ازل \* ضماد يكه اورام سپر زرا تحليل دهد \* صنعت آن حلبه تخم كتان سبوس جوبا قلا ازهر يك چهار  
 درم مقل سه درم انجیر ده علك د انجیر را در سرکه خيسانيد و نرم سازند و اجزا كوفته بيخته با آن بسرشدن چنانچه رسم  
 است بوسر ضماد نمايند \* ضماد يكه اورام سپر زرا تحليل دهد \* صنعت آن حلبه تخم كتان سبوس جوبا قلا ازهر يك  
 نيم درم كرسنه بشكل بزايروا ازهر يك درم بوره ارمني پوست بيع كبر ازهر يك چهار درم مقل سه درم انجیر \*

و عمل د انجیر را در سوکه خیسانید و نرم سازند اجزا را کوفته بیخته با آن بسروشند و چنانچه رسم است بر مهر ز صماد کنند \*  
 صماد دیگر ورم پستان را نافع باشد \* صنعت آن نان کنند خشک شده آرد با قلا حله خطمی زعفران از هر یک جزوی  
 کوفته نرم بیخته با زرد قخم مرغ و روغن کل بسروشند و بر پستان صماد کنند \* صماد دیگر ورم پستان را پزاند و سر و آند \*  
 صنعت آن قخم کنان حله کنجاره کنج بیخ سوسن میعه سا نله سوکین کبوتری شکل بز قطران را تینج از هر یک جزوی با قدری  
 موم و روغن کل چنانچه رسم است بسروشند و بر ورم پستان صماد کنند \* صماد دیگر که ورم انگبین و قضیب را که از گرمی  
 باشد نفع دهد \* صنعت آن ورق کا کنج آرد با قلا آرد جوعل س با آب برک عنب الثعلب صماد کنند \* صماد دیگر که همین  
 عمل کنند \* صنعت آن برک گرنب نیم من انجیر و ده آرد حله با بونه مویز بیدانه از هر یک ده درم در قلی آب طبع  
 نما یند و روغن کنج پنچل رم اضافه کنند و صماد نمایند \* صماد دیگر که ورم صلب قضیب و انگبین را که از برودت باشد  
 نافع بود \* صنعت آن مویز بیدانه پیچ کرده بز مغز قلم کا و پیچ بط روغن کل موم سفید پیچ مرغ از هر یک پنچل رم مصطکی سه  
 درم مقل حله تخم فرنجمشک از هر یک چهار درم با قلا ده درم با قلا و مویز را طبع نمایند تا نرم و مهرا شود در هم مالید \*  
 پیچ و موم و روغن را در هم کاخته و صاف کرده و باقی ادویه را کوفته بیخته با هم بسروشند و صماد سازند \* صماد دیگر که  
 ورم و حرارت خصیه و قضیب را نافع باشد \* صنعت آن برک عنب الثعلب طحلب برک کا کنج برک شاه سفوم تازه سبز  
 کشنیز تازه سبز پوش در بند از هر یک جزوی در هم بسایند و نرم نموده و صماد کنند \* صماد دیگر که ورم صلب خصیه را نرم  
 کند \* صنعت آن بشکل بز حله با بونه مویز بیدانه از هر یک جزوی انجیر بزرگ روغن کنج از هر یک قدری طبع نموده  
 چند آنکه مهرا شود بر خصیه صماد کنند \* صماد دیگر ورم و صلابت جگر را نرم کند و تحلیل برد \* صنعت آن برک عنب الثعلب  
 بنفشه خشک از هر یک چهار درم کل سرخ طحلب عصی الراعی برک لسان الحمل از هر یک جزوی نرم بکوبند و بر جگر صماد  
 نمایند \* صماد مجرب از برای ورم باره جگر و سپرز از جالینوس \* صنعت آن میعه سا نله موم از هر یک ده مثقال مصطکی  
 حما ما زعفران با بونج اکلیل المملک از هر یک چهار مثقال صبر سقوطری قوه الصبغ از هر یک سه مثقال حب بلسان اذخر مکی  
 از هر یک شش مثقال اشق هفت مثقال اشق را در شراب و سوکه حل نموده و باقی ادویه را کوفته بیخته بر روغن سوسن  
 چرب نموده و صماد نمایند \* صماد دیگر که ورم حار کبد و معد را مغیث باشد \* صنعت آن غنچه کل سرخ کل بنفشه  
 حی العالم صندل سفید از هر یک چهار درم کا فور قیصوری یک درم قصب الذریره و و مثقال کوفته بیخته با آب کشنیز تازه  
 سرشته صماد نمایند \* صماد دیگر که ورم صلب و کبد و معد را مغیث است \* صنعت آن صبر سقوطری زعفران از هر یک  
 یک درم افسنتین رومی سنبل الطیب از هر یک یک درم و نیم اجزا را کوفته بیخته بکلاب گرم سرشته صماد نمایند \* صماد  
 دیگر که ورم سپرز را تحلیل دهد و صلابت آنرا نرم کند \* صنعت آن مر مکی مقل ازرق اشق کند از هر یک جزوی همه در  
 وزن برابر در سوکه خیسانید و نرم سازند و بدستور سپرز صماد نمایند \* صماد دیگر که ورم مثانه و استرخای اعضا و جساء  
 قضیب را نافع است \* صنعت آن مصطکی ربع رطلی مغز ساق کا و موم سفید روغن کل سرخ از هر یک پنچل رم پیچ خنزیر و وزده  
 درم مصطکی را کوفته و موم و شحم خنزیر و مغز قلم کا و را در روغن کداخته صافی نموده مصطکی را داخل کرده و صماد نمایند \*  
 صماد دیگر که ورم مادی و د مامیل را نضج دهد و منفجر و منک مل سازد \* صنعت آن تال مکانه که دانه ثمر هندی است  
 بر تک کا بلی هرد و مسای کوفته بیخته در شراب انکوری کهنه جوشانید تا بقوام آید بر پارچه مالید و صماد نمایند  
 و هر روز صبح و شام تبدیل کنند نهایت تا سه روز نضج یافته منفجر گردد \* صماد دیگر که همین نفع دارد و بشور و  
 مایل صلبه و عسوق الاند مال را نافع است \* صنعت آن صابون رقی ریوند چینی صبر سقوطری مقل ازرق اجزا

مساموی منقل را در آب خیسانید باقی ادویه را کوفته بپخته در آن ریزند و بر آتش گدازند و برهم رهند تا منعقد گردد پس فرود آورده علی الرسم بکار برند \* ضماد یکه از برای اورام بارده درم جگر و تلخین صلابت و درد سینه مزمن و درد مفاصل و عرق النساء و نقرس و درد دهان چون استعمال کرده شود و بعد از قی که بهتر از مسهل است و به تجربه رسیده \* صنعت آن زوفای رطب و آن چیزی است که جمع میشود در ریزند نبت کوسنگ که میا و یزد بر پشم باید که آن را کوبید و پشم را جدا کرده با پیه مرغ و پیه اردک از هر یک ده درم حل کرده سرشته ضماد نمایند \* ضماد یکه اورام جگر را نافع است \* صنعت آن چودر که خیسانید تا مهرا شود پنج درم طباشیر سفید فوفل از هر یک نیم درم افسنتین رومی کل سرخ قصب الذریره صندل سفید شیاف ما میثا از هر یک یک درم کافور انگلی کوفته بپخته با جو مسطور سرشته بولته کتانی مالیده بر موضع جگر ضماد نمایند \* ضماد دیگر که اورام جگر و معده را نافع است \* صنعت آن زعفران صبر سقراطی از هر یک قدری کوفته بپخته با کرم ضماد نمایند \* ضماد دیگر درم صلب معده را تحلیل دهد زمانیکه مدت آن بطول انجامد و حرارت ساکن شد و تب ماند \* باشد \* صنعت آن بنفشه خشک ده درم کل سرخ پنج درم سنبل الطیب مصطکی از هر یک سه درم سعد کوفی از خرمکی قصب الذریره از هر یک دودرم آرد حلیه بیست درم کل خطمی سفید کل بابونه آرد جو از هر یک ده درم مجموع را بلعاب بزرگتن سرشته موضع را اولاً بروغن ناردرین نیم کرم چرب ساخته ضماد نمایند بچهار ساعت قبل از طعام خوردن و بعد از آنکه طعام خورده هضم شد و باشد و معده خالی باشد \* ضماد دیگر که اورام صلب معده را تحلیل دهد \* صنعت آن حلیه شب یمانی کل خطمی سفید بزرگ بابونه مصطکی از هر یک پنج درم سنبل الطیب سعد کوفی قصب الذریره از خراش یک دودرم موم سفید سه درم روغن بابونه پانزده درم یک ستور طبع نموده ضماد کنند \* ضماد یکه ورم بلغمی معده را مغیبل است \* صنعت آن جعل و پنج درم افسنتین سنبل الطیب صبر زرد از هر یک سه درم و نیم کنند سه درم بیخ خطمی هفت درم پیه بطشش درم پیه مرغ ده درم موم سفید پانزده درم چنانچه رسم است ضماد سازند \* ضماد منقول از منهای الککان نیکو از برای جمیع اورام حاره خصوصاً فارسی \* صنعت آن بکیرند کلس یعنی نوره و تصویل نمایند آنرا با آب هفت مرتبه و صافی نمایند و خشک سازند و بکیرند از خشک آن هفت اوقیه و آب چغندر دواوقیه موم سفید چهار اوقیه روغن کل سرخ فائق بقدر حاجت و مهیا سازند از جمیع ضامدهای ویکار برند \* ضماد دیگر که بجهت اورام صلبه بسیار نافع است \* صنعت آن زوفای خشک عنب الثعلب تخم مروکتیرا انزروت حلیه بزرگ کوفته بپخته بشیر تازه پخته زرد تخم مرغ روغن کل داخل نموده در ماهون بدسته بمالند تا چون مرهم شود نیم کرم ضماد کنند و گاهی نان خشک و برک چغندر و نیز داخل نمایند \* ضماد یکه ورم بلغمی معده را تحلیل دهد \* صنعت آن جعل و پنج درم اکلیل الملک حماما فودنه شبت مصطکی از هر یک هفت درم کندش شش درم بیخ خطمی پانزده درم پیه مرغ بیست درم موم سفید سی درم چنانچه رسم است ضماد کنند \* ضماد لورم الکبد \* صنعت آن سنبل زعفران حب الغار اکلیل الملک بابونه با آب برک رز و روغن یا سمین ضماد نمایند \* ضماد یکه ورم باور خصیه را نافع است \* صنعت آن آرد باقلا حلیه بابونه کمون کرمانی مویر منقل روغن کنجد درهم سرشته ضماد نمایند \* ضماد یکه اورام صلبه را نرم کند مثل دما میل و غیره \* صنعت آن کنجد شاهانه کل سرخ بزرگتن حلیه بابونه اکلیل الملک تخم شبت از هر یک درم مثقال کوفته بکلاب سرشته ضماد نمایند \* ضماد یکه جمیع اورام حاره را در ابتدا نافع بود و ماد را دفع کند \* صنعت آن شیاف ما میثا اقا قیا فوفل صندل سرخ با آب عنب الثعلب ضماد کنند \* ضماد لورم المقعل و مجرب \* صنعت آن مرد اسنک پنج درم نشاسته هشت درم سفید اب موم زرد روغن کاوز هر یک هشت مثقال پیه بطهفتل درم روغن کنجد بقدر رکاف \* ضماد یکه نافع است

جهت اورام باردۀ خصیۀ ریستان \* صنعت آن نرم بیه مرغابی کد اختۀ دروغن گنجیل بغل از آن مصطکی را در روغن من کور  
 که گرم باشد حل کرده با مویز منقن سرشته نیم گرم یا یک عدد زردۀ تخم مرغ اضافه نموده ضما د کنند \* ضما د یکه اورام ضلبه را  
 نرم کند \* صنعت آن پشک کو سفک زفت رومی مقل از رقی داخل یون زراوند مد حرج اجزا کوفته بشیر انجیر قار سید \*  
 سرشته بر روی کرپاسی کشید \* ضما د کنند \* ضما د یکه آماس چشم را به نشاند و در د را ساکن کنند \* صنعت آن آرد جو  
 ده درم آرد با قلا پنچل رم اقا قیا یک رم سفید \* تخم موع کشنیز تازه و آب گاسنی تازه منمزوج ساخته ضما د کنند \*  
 ضما د یکه آماس بنا گوش به نشاند \* صنعت آن بیه بطایه مرغ ازهر یک پنچل رم یک ازند و پنچل رم پشک کو سفک کهنه  
 کوفته بپخته با آن بسرشتن و ضما د نمایند \* ضما د لورم الخصیه \* صنعت آن اکلیل الملک با بونه خطمی مقل بزرا لور  
 د قیق الحمص کمون اجزا متساوی یطلی بلعاب بزرا لکتان و دهن الحل و ریما یزاد فیه زبیب منقی من عجمه \* ضما د  
 جهت ورم بیضه \* صنعت آن اسچند یک جز و زنجبیل زرد چوبه ازهر یک ربع جز و نرم کوبید \* در آب پخته ضما د نمایند  
 و برک بید انجیر بران کن اشته به بند ند در د و سه دفعه زائل گردد و اگر قوی جل وار و فلغل سیاه اضافه نمایند میگوید اقوی \*  
 ضما د یکه اورام ثدی را نافع است \* صنعت آن نان کند م آرد با قلا آرد جو خطمی حلیه ازهر یک دودرم زعفران نیم گرم  
 کوفته بپخته بزردۀ تخم مرغ ضما د کنند \* ضما د یکه ورم مقع \* را در د آنرا زائل کنند \* صنعت آن پیاز را در روغن  
 کل پخته بریان نمایند و چون سرخ گردد کوبید \* شیر کرم ضما د نمایند \* ضما د نافع جهت ورم بیضه و قضیب \* صنعت آن  
 کل خطمی آرد جو آرد با قلا مساوی با آب به پزند تا مهرا شود زردۀ تخم مرغ و قلاری صبر زرد د اخل نموده ضما د نمایند  
 و هرگاه ورم متعجر شده باشد زیرۀ کرمانی مویز منقن از حب کوفته بر روغن حب الخروع سرشته ضما د نمایند \* ضما د نافع  
 جهت قوه باه \* صنعت آن عاقر قرحا فرنیون ازهر یک دو مثقال و نیم آنکوره یک مثقال و ربع مثقالی فلغل جو زبوا ازهر یک  
 دو مثقال نرم کوبید \* با روغن قسط و روغن بلسان سرشته بو پارچه مالید \* کرم نموده بر کرم ضما د نمایند \* و ضما د حب  
 الابس و افریون و افسنتین و افیونی و انزروت و جتطیا نا و زنبق و سنا مکی و مقل هر یک در رسوم خود مگور شد ند  
 و میشوند انشاء الله تعالی \* کتاب الطاء مهمله \* باب الطاء مع الباء الموحدة \*

طبا شیر بفتح طای مهمله و فتح با ی موحده و الف و کسر شین معجمه و سکون یا ی مثناة تحتانیه و رای مهمله چیزی است  
 شبیه بکره های نی که در جوف نوعی از نی که بزبان هندی ترله بانس نامند که در طرف سلط و نواح آن از بنگاله بسیار  
 میشود و در ابتدا ی آن رطوبتی است سیال مثل آب و بتدریج منعقل میگردد و چون آن نی را بشکافند از میان آن برومی  
 آید و خوب آن سفید شفاف شبیه بکره استخوان است که در جوف نی منعقل شد \* باشد که چون در آب اندازند حل و  
 متفتت نگردد بلکه صلب تر شود و این قسم را بهندی بنس لوچن کویند قسم دیگر آن است که در جوف نی خوب منعقل نشد \*  
 باشد و بعد شکافتن نی آن بتدریج منعقل گردد و یا ریزه ریزه بسیار خرد باشد و بعد از آن آنرا کوبید \* حب بند ند و این قسم  
 نیز سفید میباشد ولیکن زود متفتت و در آب حل میگردد و شتید \* شد که گاهی آتش در ریستان آن می افشاند و نی ها شکافته  
 و سوخته میگردند و طبا شیرها در میان خاکستر می افتد آنها را جمع نموده آنها را بیکه خوب و بزرگ است جدا نکاه میدارند  
 و آنها را بیکه سوخته و ریزه است کوبید \* جل احبوب سازند و این قسم بسیار است و بسیار مغیل نیست و نیز زود متفتت  
 و در آب کد اخته میشود و طعم این خالی از حلا تی و بو زیتنی نیست و هر سه قسم آن در دریم سرد و در سیوم خشک ولیکن  
 خشکی قسم اول کمتر از قسم سیوم است و مقوی دل حار با در جگر و معدۀ حار و قاطع قی صفراوی و اسهال ذموی و حار و  
 ناف رطوبات معدۀ و جهت خفقان و غشی تقویت اعضا ضعیفه و حمیات حارۀ حاده شر با آب سرد و جهت بواسیر

وقلاع و بشور و قروح خصوص بشور و قروح دهان صبیان شراب و ذرور نافع به تنهایی یا با برک کل سرخ و شکر طبرزد و با  
سکنجبین جهت توحش و غم و رفع کوب و التهاب مغیبل و سقوط آن با روغن بنفشه جهت تقویت با صره مجرب دانسته اند  
و مدامت آن مضر باشد و مصلحتش مصطکی و عسل و مصلحتش عناب و عسل و کوینک شربتش تا دو درم است و بلانش بوزن  
آن تخم خرفه بوداده و نصف آن سماق و کل مختوم و صندل سفید بهترین بدل های آن است \*

**فصل در ذکر نسخ جوارش و طباشیری \***

جوارش طباشیر که مغوی معده و مانع صعود بخاره صفرا و به

است از معده بدماغ و نافع است از برای دوار و سعال و دلت به سبب سوء مزاج صفراوی معده و بمشاکت به سبب صعود

بخاره صفرا و به صعود نفوس اخلاط صفرا و به از معده بدماغ \* صنعت آن طباشیر سفید کل سرخ منزع الاقماص صندل

سفید آمله منقی کشنیز خشک ازهر یک ده درم حب الاس پوست زردا تر ج سماق منقی مصطکی ازهر یک پنج درم کافور

قیصوری یک مثقال کوفته پیخته مجموع را در سه وزن ادویه رب به با کلاب بقوام آورده بسرشدن شربتینی دو مثقال \* جوارش

طباشیر دیگر حرارت معده بنشاند و تشنگی ساکن کند و اشتها طعم آورد و معده را قوت دهد و ضرر آبهای بل را دور

کند \* صنعت آن طباشیر سفید کل سرخ ازهر یک ده درم مصطکی نیم درم سماق منقی از حب دو درم کلنا فارسی قاقله کبار

ازهر یک یک رم اجزا کوفته پیخته با قند و عسل با ملنا صفه سه وزن ادویه بسرشدن شربتینی سه درم \* جوارش طباشیر نوع

دیگر \* صنعت آن طباشیر ده درم کل سرخ سه درم کلنا یک رم قاقله بزرگ یک رم مصطکی عود ازهر یک نیم درم در شربت

به شیرین بسرشدن شربتینی سه درم \* جوارش طباشیر سیلان منی و رخی و منی و درار بول که از کرمی باشد بصلاح آورد \*

صنعت آن کل سرخ هشت درم صمغ عربی تخم حماض طباشیر سفید زعفران ازهر یک پنج درم قصب الی ریه صندل سرخ

زرشک منقی ازهر یک سه درم کوفته پیخته بنبات سفید صاف کرده بسرشدن شربتینی دو درم با جلاب \* جوارش طباشیر

افیونی تب و اسهال صفراوی را نافع باشد و تشنگی به نشاند \* صنعت آن طباشیر سفید حب الاس کل سرخ ازهر یک

ده درم تخم حماض صمغ عربی ازهر یک هفت درم خربوب شامی کلنا فارسی سماق عصاره الحیه التیس ازهر یک شش درم

زعفران افیون ازهر یک دو درم کوفته پیخته بشراب سیب شیرین بسرشدن شربتینی سه درم و در نسخه شفائی خربوب داخل

نیدست \* جوارش طباشیر مسهل مسهل صفرا و بلغم بود و محرر المزاج را نافع بود \* صنعت آن تربل سفید مل برده درم

سقمونیا مشوی یک رم طباشیر سفید و رقی کل سرخ زعفران ازهر یک یک رم و نیم اجزا کوفته پیخته با قند و عسل بسرشدن

شربتینی از سه درم تا پنج درم \* جوارش طباشیر مسهل دیگر از مجربات محمد بن ذکریا معده را از رطوبت و صفرا پاک کند \*

صنعت آن تربل سفید مل بریک رم سقمونیا یک انگ کل سرخ عود دهندی عصاره افسنتین ازهر یک نیم درم کافور قیصوری

یک حبه طباشیر یک انگ اجزا کوفته پیخته با شیر هلیله پرورده بسرشدن مجموع یک شربت باشد \* جوارش طباشیر

مسهل اسهال صفرا و بلغم و کرم مزاج را نافع باشد \* صنعت آن تربل سفید مل بریک مثقال سقمونیا مشوی یک انگ کل

سرخ طباشیر سفید ازهر یک سه درم مجموع یک شربت است و در نسخه دیگر مغز بادام برشته یک عددا ضافه شد و اگر

خواهند بنبات و با عسل بسرشدن و اگر خواهند بنبات و عسل هر دو بسرشدن \* حب طباشیر مسهل طباشیر سفید عصاره

زرشک غنچه کل سرخ ازهر یک دو مثقال محمورده مشوی ده مثقال کتیرایک مثقال کوفته پیخته با آب بزرگ کاسنی نازا

سوشته حبوب ساژند شربتینی از دو مثقال تا پنج مثقال \* سفوف طباشیر معده کرم و جشای دخیانی را سود دارد \*

صنعت آن کل سرخ طباشیر سفید ازهر یک ده درم سماق سه درم کشنیز خشک بسوکه ترک کرده بویان نموده پنج درم شربتینی

سه درم با آب به ترش یا سکنجبین سفرجل یا آب انار ترش \* سفوف طباشیر لوی امراض حار قلب و معده را به نهایت مغیبل

منقح باشد \* صنعت آن طباشیر سفید صندل سفید سماق منقح از هر يك دودرم مروارید ناسفته کشنیز خشک  
مقشر آمله منقح از هر يك چهاردم غنچه كل سرخ ده درم ابریشم مقرض ورق طلا ورق نقره از هر يك يك درم بد سترور مرتب  
نمایند شربت بنی یکم ثقال \* سفوف طباشیر لولوی کافوری سوء مزاج قلب را که از حرارت باشد سود دهد \* صنعت آن طباشیر  
سفید ورق كل سرخ از هر يك سه درم کشنیز خشک دودرم صندل سفید مروارید ناسفته کهر با از هر يك نیم درم کافور دانگی  
اجزا کوفته بپخته با شراب سیب بخورند شربت دودرم \* سفوف طباشیر کافوری که خفکان کرم را سود دارد \* صنعت آن طباشیر  
کهر با از هر يك نیم درم كل ارمني کشنیز خشک از هر يك درمی کافور جو دانه نیمه انک اجزا کوفته بپخته با دوغ گاوبند \*  
سفوف طباشیر لولوی کافوری دیگر دل کرم را سود دارد \* صنعت آن كل سرخ طباشیر از هر يك سه درم کشنیز خشک دودرم  
پوست جوز مروارید ناسفته کهر با از هر يك نیم درم کافور قیصری دودرم با سکنجبین سقر جلی بنوشند \*

**فصل در بیان اقراص طباشیری \***  
قرص طباشیر به نسخه نواب میرزا محمد باقر بن حکیم عماد الدین محمد  
حکیم باشی منقول از خط معز الیه گفته که این همه اختلافات که در قرص طباشیر است بجهت اختلاف امزجه است و اختلاف  
اعراض و اغراض و طبیب حاذق که عارف بامزجه اشخاص باشد از برای شخصی بحسب مزاج او و دیگر غرضها که واقع باشد کم  
و زیاد و در اخلاط این قرص و در اوزان آن البته میکنند تا موافق غرض آن کرد و در مجملی در قاعده این قرص این است که  
میباید که امثال بعضی از این ادویه باشند مثل تخم گاسنی و تخم خرفه مغشور و مغز تخم خیار و مغز تخم خیار باد رنگ و مغز تخم  
کل و شیرین و طباشیر سفید و كل سرخ و صندل و سفید و تخم حماض و کافور قیصری و كل نیلوفر و كل بنفشه  
و زب السوس و کتیرا و نشاسته و صمغ عربی و كل ارمني و كل مختوم و زرشک منقح و سماق و غیرها در هر وقت بواسطه مصلحتی  
بعضی از این ادویه را اختیار می نمایند بوزنیکه مصلحت اقتضا کند و ترکیب مینمایند مثلاً اگر بجهت حرارت دل و خفکان  
ترکیب می نمایند دواهایی که بآن بیشتر خصوصیت داشته باشد اختیار کنند چون صندل لیم و کافور و تخم خرفه و كل سرخ و تخم  
کاهو و تخم خیارین و اگر برای حرارت کبد و ترکیب کنند مثل زرشک و تخم گاسنی و دیگر اغراض و در امراض کبد مثل ریون چینی  
اختیار کنند و از جهت سرفه و خشونت صد رکتیرا و زب السوس و صمغ عربی و امثال اینها در آن داخل نمایند و در وقت قبض  
طبیعت كل بنفشه كل نیلوفر و مغز تخم کل و شیرین و بهل انه و ترنجبین داخل کنند و در وقت تلخین طبیعت كل ارمني و كل  
مختوم و تخم حماض و از جهت تقویت معدة كل سرخ و کلنا و فارسی و حب الاس و سماق داخل کنند و همچنین اغراض و دقائق  
بسیار است و بر ترکیب کنند و پوشید نیست و در اینجا ذکر آنها الا ذق نیست بشم اکتفا نمود تا باعث تمهید گردد \*

قرص طباشیر دیگر که حکیم محمد باقر حکیم باشی ولد ارشد حکیم عماد الدین محمد حسینی شیرازی در بهاض مجرب است خود بخط  
خود املا نموده و گفته که این نسخه از پدر من حکیم عماد الدین محمد است که در قرابادین تالیف خود ذکر کرده در اثبات  
ذکر اقراص طباشیر و چون این نسخه مشتمل بر نفع تام است ذکر میشود تا مبصرون را نفعی تمام حاصل آید و آن گفته که  
والل ما جل فرموده اند که در اصول التراکیب مذکور است که بعضی اقراص که از برای حرارت مزاج و حمیات خاره است در آن  
مثل تخم گاسنی و تخم خرفه و تخم خیارین و كل نیلوفر و كل سرخ و سر بنفشه و زرشک و طباشیر سفید و صندل لیم و کافور قیصری  
و امثال اینها باید که داخل کرده شود و متد اول اطبا است داخل نمودن این ادویه پس فرموده که فقیر کوی که بعضی ادویه  
مغلظه مواد مثل خشخاش و بذر البنج و نشاسته و کتیرا داخل نمایند مواد رقیقه را غلیظ میگردانند و معتدل میسازد و  
مستعمل میگردانند از برای سرعت دفع باندک محرکی مثل تلخین ترنجبین و با اثر اندکی از كل سرخ و تا آنکه طبیعت باندک  
توجهی آن را دفع تواند نمود و آنکه زعفران درین اقراص داخل میکنند بجهت آن است که زرد اثر تبرید ادویه را بقلب



رسانند و نیز دل را حمایت کند از فساد مواد حاره و مواد بارده و محفوظ دارد آنرا و زرشک داخل میشود تا جگر را محفوظ دارد و  
 تخم حماض و کل سرخ از برای حفظ معدّه و امعا است تا از فرود آمدن مواد بسوی آنها متاعی نشوند و ترنجبین که درین اقراص  
 داخل میشود بواسطه آن است که مواد را بواسطه تعدیل قوام سهل الاندفاع سازد و چون مردم را از بوی کافور تنگوار تمام است  
 از آنکه شنیده اند که ضربیه می رسانند یا آنکه دل و دماغ حار را قوت می بخشد و بزرالبنج در همان مرتبه تبرید  
 دارد و اگر در آن مرتبه نیست قریب است بدانند که در مقدار همان تبرید می کنند تا تغلیظ قوی و منع سیلان  
 مواد داخل آنها با عضای شریفه کند پس فرموده که فقیر التفاتی کرده و ترتیب داده و نسخه آنرا قرص طباشیر  
 مبرد نام نهاده و چون از تجارب موافق اغراض مطلوبه آمد آنرا باین اسم بسیاری مردم دانسته اند \* صنعت آن مروارید  
 صلا یه کرد و طباشیر سفید از هر یک دو مثقال صندل سرخ صندل سفید کل نیلوفر کشنیز خشک مقشر کل سرخ منزوع الاقماع  
 تخم حماض خورقه مقشر تخم کاسنی مغز تخم کدوی شیرین مغز تخم هندوانه از هر یک سه مثقال نشاسته کثیرا رب السوس  
 از هر یک یک مثقال بزرالبنج دو مثقال و نیم تخم خشخاش سفید چهار درم کوفته بیخته با عاب بزر قطونا دو مثقال سرشته  
 یعنی دو مثقال بزر قطونا را در آب اندک بخیسانند و ادویه را بآن بی آنکه تخم آنرا با لایند بسروشند و اقراص سازند میفرمایند  
 که فقیر معتمد الملوک محمد شاه میگوید که چون اقراص در خوردن محتاج بکوبیدن میباشد اگر بزر قطونا را نهالایند و  
 با تخم آن قرص سازند تخم بکوبیدن می آید و امبغول کوبیده نزد جمیع و سمیت دارد پس حکیم عماد الدین رحمه الله تعالی  
 گفته که هر دوی که ادویه را بخوانند که بعمل بسروشند به سبب اغراضی که عجن آن با عسل یا مثل عسل منافی آن اغراض  
 باشد و خواهند که قوت آن بدخول مواد در آن ضعیف نکرد آنرا با مایعی مناسب عجن کنند و بشکل مفرطح که بشکل پهن  
 است مهیاسازند که در اجزای آن چیزی از رطوبت نماند که آن را متکرج و متعفن سازد و در سایه آنرا خشک سازند و  
 به تخصیص و قتیکه غربالی را سرنگون کنند و قوصها را بر پشت غربال در سایه گذارند تا زود خشک شود و اگر خواهند  
 که زود تر استعمال نمایند قوصها را تنگ تر سازند تا زود خشک شود و اینکه اقراص را ملور نمی کنند به سبب آن است  
 که چون قرص را بمقدار شربت می سازند و اکثر شربت آن یک مثقال میباشد اگر محبوب مد و رسا زید اکثر ظاهرا آن مخالف  
 باطن آن میباشد به سبب بزرگی آن که ظاهرش خشک گردید و باطنش تر میماند و موجب فساد اجزا میگردد و بد آنکه  
 شیخ رئیس و دیگر اطباء اقراص را در وائل حمیات منع کرده اند بجهت آن است که اغلب مواد آنها مرکب می باشند  
 پس استعمال اقراص در وائل حمیات خلطی که با مواد آن ترکیبی باشد موجب تفجیح و اجتماع مواد آن میگردد و بعضی  
 از آنکه مراد دفع شک و سوس مزاج سازج باقی ماند اقراص در آن حال نفعی تمام دارند و هرگاه حمی متشبث بعضو باشد  
 و مراد در کمال حدت باشد در وائل استعمال اقراص بارده مخوف نیست \* قرص طباشیر تشنگی را فرو نشاند و حرارت  
 جگر و معدّه را نافع باشد \* صنعت آن طباشیر سفید کل سرخ منزوع الاقماع از هر یک پنج درم تخم کاهو مغز تخم خیارین  
 مغز تخم کدو از هر یک سه درم رب السوس دو درم ترنجبین و با کلاب حل کرده صافی نموده در دویه کوفته بیخته  
 با آن سرشته اقراص سازند \* قرص طباشیر دیگر که همان منفعت دارد زمانیکه سرفه باشد \* صنعت آن طباشیر کل سرخ  
 منزوع الاقماع صمغ عربی کثیرا از هر یک چهار درم مغز تخم خیار مغز تخم خیار یا درنگ تخم خورقه مقشر اصل السوس  
 سیسکوک از هر یک بیست درم زعفران دو درم نشاسته سه درم کافور قیصوری یک درم کوفته بیخته با عاب بزر قطونا سرشته  
 اقراص سازند \* صنعت آن طباشیر سفید تخم حماض حب الرمان کل سرخ منزوع الاقماع زرشک منقی از هر یک پنجاه  
 درم لک مغسول دیونید چینی از هر یک یک درم زعفران نیم درم بل ستورا قرص سازند و اگر سرفه باشد صمغ عربی



نشاسته ازهریک یکرم رب السوس دودرم بر اجزای مذکوره اضافه نمایند \* قرص طباشیر حامی \* صنعت آن ورد دودرم  
هشت درم تخم حماض شش درم طباشیر سفید چهار درم نشاسته صمغ عربی ازهریک سه درم زعفران یکرم کوفته  
بیخته بکلاب سرشته اقراص سازند شربتیک مثقال قوتش تا شش ماه می ماند \* قرص طباشیر سرتانی دق و ذبول  
وسل را نافع است \* صنعت آن طباشیر سفید غنچه کل سرخ منزوع الاقماغ ازهریک پنج درم ترنجبین منقی ده درم  
کتیرا صمغ عربی ازهریک یک درم ونیم تخم خرفه مقشر مغز تخم خیاریاد رنگ مغز تخم کدوی شیرین ازهریک سه درم تخم کاهو  
تخم کاسنی ازهریک چهار درم صندل سفید سه درم سوطان نهری رب السوس ازهریک یک درم زعفران کافور قیصوری  
ازهریک یکرم ونیم کوفته بیخته بلعاب بزرگطونا یا بالعب بهل انه سرشته اقراص سازند و بعضی اطباء عود خام و سنبل الطیب  
درین نسخه بوزن کافور داخل کرده اند \* قرص طباشیر قابض \* صنعت آن طباشیر سفید صندل سفید صمغ عربی  
نشاسته شاه بلوط رب السوس تخم حماض ازهریک دو مثقال کلنا رافارسی اقا قیا ازهریک یک مثقال غنچه کل سرخ  
منزوع الاقماغ شش مثقال زرشک منقی سماق منقی ازهریک پنج مثقال کتیرا سه مثقال کوفته بیخته بآب زرشک  
سرشته اقراص سازند و در سایه خشک نمایند شربتیک مثقال و اگر باسهال خون خالص صرف باشد ریوند چینی  
یک مثقال کهربا یا شمعی بسد سرخ ازهریک یک مثقال بیخ انجیر دو مثقال اضافه نمایند شربتیک مثقال \* قرص  
طباشیر ملین منقول از منهای الادویه این جزله نافع است از برای حمیات حاده و محرقه و حمیات ملتهبه صفراویه و  
دمویه و از برای سرفه و خشونت سینه و حرارت سینه و شش را تسکین دهد و مسکن التهاب و عطش مغرط است و از برای سهر مغرط  
نیز نافع است \* صنعت آن ورق کل سرخ ترنجبین منقی ازهریک پنج درم و در نسخه دیگر ازهریک شش درم است نشاسته سه  
درم کتیرا صمغ عربی طباشیر سفید ازهریک دو درم و در نسخه محمود بن الیاس که در حای صغیر ذکر کرده یک درم زعفران  
نیز داخل است ترنجبین را بآب حل کرده ضای نموده باقی ادویه را کوفته بیخته در ترنجبین محلول سرشته اقراص  
سازند و در سایه خشک نمایند شربتیک مثقال و قوت این قرص تا دو سال باقی میماند \* قرص طباشیر ملین دیگر  
به نسخه منقول از قرا با دین کوتوالی \* صنعت آن ورق کل سرخ ترنجبین پاک کرده ازهریک شش استار نشاسته کل  
بنفشه ازهریک سه استار زعفران صمغ عربی کتیرا طباشیر سفید ازهریک دو استار رب السوس یک استار ترنجبین را در  
آب حل کرده باقی ادویه را کوفته بیخته بآن سرشته اقراص سازند شربتیک مثقال و وزن استار چهار مثقال است \*  
قرص طباشیر حرارت کلیه و ذیابیطس و حرقت بول را نافع است \* صنعت آن طباشیر سفید ده درم تخم خرفه و کاهو مقشر  
ازهریک پانزده درم کشتیز خشک که سه شبانه روز در سرکه خیسانیده خشک کرده بریان نموده باشند پنج درم کل سرخ کل  
ارمنی مغسول ازهریک پنج درم کلنا رافارسی دو درم صندل سفید صمغ عربی اقا قیا ازهریک دو درم کافور قیصوری نیم  
درم سد ستورا قرص سازند شربتیک سه درم بآب اناریا رب حب الاس و قوتش تا شش ماه میماند \* قرص طباشیر حومی  
دق و سل را نافع است \* صنعت آن طباشیر سفید طین ارمنی مغز تخم خیاریون مغز تخم کدو تخم خشخاش سفید ورق کل  
سرخ ازهریک پنج درم رب السوس صمغ عربی کتیرا نشاسته ازهریک سه درم اجزا کوفته بیخته بآب برک بارتنگ سرشته  
اقراص سازند شربتیک مثقال میل نموده بالای آن یکرم تخم بارتنگ را بر آب یا عرق بارتنگ یا عرق بید مشک یا  
بایکی از عرقهای مناسبه پاشید و بنوشند \* قرص طباشیر تپهای کهنه مرکبه را سود دارد و سدها بکشد و امراض کبد را  
نافع باشد \* صنعت آن طباشیر سفید بیست درم کل سرخ دوازده درم عصاره غاف سنبل الطیب ازهریک پنج درم  
ند چینی رب السوس ازهریک دو درم ونیم کوفته بیخته بکلاب سرشته اقراص سازند شربتیک از دو درم تا دو مثقال \*

قرص طباشیر حمیات حار و اسهال صفراوی و خون آمدن از شکم را نافع است \* صنعت آن ورق کل سرخ شش درم صمغ عربی کتیرا ازهر یک چهار درم تخم حماض طباشیر سفید ازهر یک سه درم کوفته بپخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربت یکمثقال \* قرص طباشیر منقول از مجربات بیاض نواب حکیم محمد باقر حکیم باشی بخط معزالیه گفته که این قرص بهترین قرصها است از برای حمیات دموی و صفراوی و معترقه و تسکین عطش و نافع است از برای سرفه کرم و خشونت سینه و احتیاج باین \* صنعت آن مغز تخم خیار و مغز تخم کدوی شیرین ازهر یک دو مثقال نشاسته صمغ عربی کتیرا تخم خشخاش سفید ازهر یک یک مثقال کوفته بپخته ترنجبین را بلعاب بزرقطونا حل کرده صافی نموده ادویه را کوفته بپخته با ترنجبین محلول سرشته اقراص سازند شربت یکمثقال و قوت این قرص تا شش ماه باقی میماند و اختلاف این قرص با قرص سابق در ارزان است و ادویه هر دو نسخه مساوی اند و در نسخه معصومی طباشیر چهار مثقال و ترنجبین سه مثقال و باقی اجزا همه مساوی ازهر یک یک درم است \* قرص طباشیر قابض نافع است از برای اسهال صفراوی و دموی و قطع آمدن خون ازهر موضعی که باشد و سیج و بواسیر را سودمند است و سرفه رطوبی را مفید است \* صنعت آن طباشیر سفید نشاسته صمغ عربی کلنا رفا رسی کل سرخ منزوع الاقماع حب افیون شاخ کوزن محرق مغول ازهر یک پنج مثقال زعفران چهار مثقال پوست بیه انجبار کل ارمنی خرنوب نبطی آردکنا را زهر یک سه مثقال مازوی سبز تخم حماض ازهر یک دو مثقال کوفته بپخته آب بارتنگ سرشته اقراص سازند شربت یکمثقال با ادویه مناسبه \* قرص طباشیر قابض شدیدی القبض \* صنعت آن طباشیر سفید که با بسا حمر کزما زج بلوط کلنا رفا رسی ازهر یک پنج مثقال کل مختوم حب الاس صمغ عربی که هود و بوده باشد ازهر یک پنج مثقال تخم حماض و دع محرق شاخ کوزن سوخته اشنه مویز حبش الحلید مل بر زرشک منقی نشاسته بریان سماق بریان منقی شادنج علسی مغسول خرنوب نبطی قرط طرا ثیم بزرا لبنج سفید ورق کل سرخ ازهر یک سه مثقال پوست تخم مرغ سوخته کشنیز خشک بریان اقا قیادام الاخوین دقاق کند ریونل چینی لك مغسول افیون ازهر یک دو مثقال کوفته بپخته اقراص سازند هر قرصی يك مثقال شربت یك قرص با شیر و تخم خرفه مقشور یا با شراب حماض یا هودو \* قرص طباشیر قابض گافوری تپهای کهنه مرکبه را سود دارد و سها بکشا بد و امراض کبد را نافع است \* صنعت آن طباشیر سفید بیست درم کل سرخ دوازده درم عصاف غاف سنبل الطیب ازهر یک پنج درم ریونل چینی رب السوس ازهر یک دو درم و نیم کوفته بپخته بکلاب سرشته اقراص سازند شربت یك از دو درم تاد و مثقال \* قرص طباشیر قابض نافع از برای امراض دموی و قاطع نزف الدم ازهر موضع که باشد و مفید از برای سرفه رطوبی و از برای بواسیر \* صنعت آن طباشیر سفید نشاسته صمغ عربی کلنا رفا رسی کل سرخ ازهر یک پنج مثقال افیون زعفران حب الاس ازهر یک یک مثقال کل ارمنی سه مثقال قرن ایل محرق مغسول خرنوب نبطی آردکنا مازوی سبز تخم حماض دم الاخوین ازهر یک دو مثقال کوفته بپخته آب بارتنگ و آب بیک بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربت یك از دو درم با شراب سفرجل \* قرص طباشیر قابض منقول از خط نواب میرزا فی حکیم محمد باقر حکیم باشی عرف میرزا بزرگ ولد ارشد حکیم عماد الدین محمود حسینی شیرازی این قرص مبرد و مطفی و نافع است از برای اعلال کبد \* صنعت آن طباشیر سفید ده درم کل سرخ منزوع الاقماع پنج درم مغز تخم کدوی شیرین تخم کاهو تخم کاسنی تخم خرفه مقشور ازهر یک سه درم صندل سفید دو درم کافور قیصری یک درم کوفته بپخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربت یك سه درم و در نسخه دیگر نوشته که شربت یك از آن دو ثلث یک درم است و در هر دو نسخه افراط و تفريط است در وزن شربت این قرص و گفته که درین قرص بزرا لبنج سفید یک درم داخل نمایند تطفیه عجیب کند و آنرا خاصیتی است در شراب و تبرید جگر \* قرص طباشیر قابض نافع از برای

برای اسهال صفراوی و حمیات حار و صنعت آن طباشیر سفید کل سرخ منزوع الاقماع از هر يك پنجد رم کلنا رفا رسی در  
 درم و نیم کوفته بیخته اقراص سازند شربت دودرم و در نسخه دیگر این قرص وزن کلنا و درم و هر يك از صمغ عربی و نشا سته  
 یکد رم و نیم داخل است اجزا را کوفته بیخته اقراص سازند هر قرصی دودرم شربت دودرم شربت دودرم شربت دودرم شربت دودرم  
 سوبق حووا کور دودرم شربت از ان مقدار يك حبه افیون زیاده کنند میگرد در عمل اقوی \* قرص طباشیر و قابض دیگر  
 منقول از خط میر مرتضی که معز الیه ابیاض بخط نواب میرزا محمد باقر ولد حکیم عماد الدین محمد و دشیرازی در ان بیاض  
 مجربات خود را املا نموده نافع از برای حرارت معد و جکروتیهای حار و قتیکه با اسهال مراری ذوبانی باشد \* صنعت  
 آن طباشیر سفید سماق منقی زرشک منقی از هر يك هفت درم صمغ عربی تخم حماض نشا سته کل سرخ منزوع الاقماع کل  
 ارمی از هر يك ده مثقال ادویه را سوای طباشیر کل سرخ بریان کرده و همه را کوفته بیخته اقراص سازند شربت دودرم  
 مثقال \* قرص طباشیر و قابض دیگر \* صنعت آن طباشیر سفید کل سرخ منزوع الاقماع از هر يك ده درم تخم حماض سماق  
 منقی از هر يك پنجد رم کلنا رفا رسی صمغ عربی از هر يك دودرم کوفته بیخته اقراص سازند هر قرصی دودرم شربت دودرم  
 با آب سفرجل سازد \* قرص طباشیر و قابض تپهای صفراوی و جمیع حمیات حار و اسوددا و در تشنگی به نشاند \* صنعت آن  
 به نسخه سیل اسمعیل در ذخیره طباشیر سفید پنجد رم کل سرخ هفت درم صمغ عربی نشا سته تخم حماض کل ارمی زرشک  
 منقی تخم خرفه مقشر تخم بریان کرده کلنا رفا رسی از هر يك سه درم صندل سفید مقاصری دودرم تخم شاه سفرم ده درم زعفران  
 نیم درم کوفته بیخته اقراص سازند شربت دودرم با شراب سفرجل \* قرص طباشیر و قابض به نسخه صاحب کامل الصانع  
 که در کتاب خود ذکر کرده \* صنعت آن طباشیر سفید پنجد رم ورق کل سرخ هفت درم صمغ عربی طین فارسی تخم کاسنی تخم  
 حماض از هر يك چهار درم نشا سته بریان کرده دودرم زعفران یکد رم کوفته بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند  
 شربت دودرم تا یک مثقال \* قرص طباشیر و قابض تپهای صفراوی و حمیات حار و نافع است و شکم به بندد و قاطع نف  
 الدماست و تشنگی به نشاند \* صنعت آن ورق کل سرخ پنجد رم طباشیر سفید سماق منقی زرشک منقی از هر يك هفت  
 درم کوفته بیخته بکلاب سرشته اقراص سازند \* قرص طباشیر و قابض نافع از برای محرور و سائر تپهای صفراوی و تپهای حار  
 و از برای حرارت جکروتی و اسهال صفراوی و اسهال ذوبانی \* صنعت آن طباشیر سفید کل سرخ منزوع الاقماع  
 از هر يك دودرم و نیم تخم خرفه مقشر تخم کاسنی مقشر از هر يك سه درم مغز تخم کوی شیرین مغز تخم خیاز از هر يك دودرم  
 صندل سرخ صندل سفید رب السوس نشا سته بریان از هر يك یکد رم کافور قیصری یکد انک و نیم زعفران دودرم  
 کوفته بیخته اقراص سازند شربت دودرم \* قرص طباشیر و قابض نافع از برای تپهای صفراوی و اسهال صفراوی که بسبب  
 زیادتی صفرا باشد که علامت آن تلخی دهان و حرارت و زردی رنگ بران است \* صنعت آن طباشیر سفید سماق منقی از  
 هر يك پنجد رم تخم حماض بریان ده درم تخم خرفه مقشر بریان کلنا رفا رسی از هر يك سه درم صمغ عربی بریان هشت درم  
 بدست و مقصر قرص سازند شربت دودرم تا یک مثقال \* قرص طباشیر و قابض لولوی اسهال کبدی و دموی و ذریب و نف  
 الدما و قیال مرار و نافع است \* صنعت آن مرارین ناسته طباشیر سفید از هر يك سه درم بسد کوبای شمعی تخم حماض  
 بری طرائیف صمغ عربی از هر يك دودرم خشخاش سفید بریان پنجد رم کوفته بیخته بکلاب سرشته اقراص سازند شربت دودرم  
 یک مثقال \* قرص طباشیر کافوری سوزش دل و سین و تپهای گرم را سرد دارد \* صنعت آن کل سرخ شش درم طباشیر سفید کثیرا  
 از هر يك چهار درم مغز تخم خیاز و مغز تخم خیاز با درنگ مغز تخم کوی شیرین تخم خرفه مقشر از هر يك شش درم زعفران  
 نشا سته از هر يك سه درم کافور قیصری یکد رم کوفته بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربت دودرم

با سنگین سادج \* قرص طباشیر کا فوری نافع از برای تب محرقه و تب دق و تشنگی بنشان و سرفه حار را از دل کند \*

صنعت آن طباشیر سفید ورق کل سرخ صندل سفید مقاصد مغز تخم خیار زره مغز تخم خیار با درنگ تخم کاسنی مقشر تخم کاه و مقشر تخم خرفه مقشر ازهر یک چهار مثقال کا فوری قصوری یک گرم کوفته بپخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربت بی یک مثقال \* قرص طباشیر کا فوری که همین منافع دارد و قبض بکشد و طبع را نرم دارد \* صنعت آن

کل سرخ ده درم طباشیر مغز تخم خیارین ازهر یک پنج درم تخم کاهوی مقشر هفت درم تخم خرفه مقشر شش درم مغز تخم کدوی شیرین چهار درم رب السوس سه درم تربجین پا نژده درم کا فوری قصوری نیم درم تربجین را در لعاب بزرقطونا حل کرده صافی نموده باقی ادویه را کوفته بپخته با آن سرشته اقراص سازند \* قرص طباشیر کا فوری تا لطف حکیم ابوالبرکات ابوحنبل صاحب اختیار بتدی این قرص را با سه قرص طباشیر مسوی کرده معتدل است در قبض و تلخین نه با اعتبار آنکه معتدل است در کیفیات انفعالی بلکه بار دوا بس است و این قرص نافع است از برای جگر و دل و سینه و معدة گرم و تسکین التهاب و سوزش و حرارت این اعضا دهن و تشنگی فرو نشاند و تب ها و کرم و تب محرقه را بنهایت سود دارد \* صنعت آن

طباشیر سفید ورق کل سرخ زرشک منقش ازهر یک سه درم و در نسخه محمودین الیاس در حار و صغیر ازهر یک دو درم است مغز تخم خیارین مغز تخم کدوی شیرین تخم خرفه مقشر صندل مقاصد ازهر یک یک گرم کا فوری قصوری یک انگ اجزا را کوفته بپخته بالعب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربت بی یک مثقال \* قرص طباشیر کا فوری تپهای کرم و حرارت سینه و معدة را نافع و نفث الک و وقی الک را بنهایت سود مند است \* صنعت آن طباشیر سفید زرشک منقش ازهر یک هشت مثقال تخم حماض طین از منی طین مختوم صمغ عربی حب الآس ازهر یک ده مثقال کل سرخ منزوع الاقماع یک مثقال بلوط شش مثقال کهر بای شمعی پس ازهر یک یک گرم کا فوری قصوری نیم گرم کوفته بپخته با رب مورد سرشته اقراص سازند شربت بی از یک درم تا یک مثقال \* قرص طباشیر کا فوری منقول از خط نواب حکیم محمد باقر حکیم با شش در افعال مثل قرص طباشیر کا فوری لولوی آن مرحوم است \* صنعت آن طباشیر سفید چهار درم کهر بای شمعی کل از منی ازهر یک سه درم کل سرخ منزوع الاقماع شش درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدوی شیرین مغز تخم خرفه مقشر ازهر یک هفت درم کا فوری نیم گرم کوفته بپخته با آب برک بار تنک و لعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربت بی یک مثقال \* قرص طباشیر کا فوری قابض به نسخه صاحب کامل الصناعة خذ اول تب کرم را نافع بود و اسهال د موی و اسهال کبد و اسهال موار و بنهایت نافع است \* صنعت آن مغز تخم کدوی شیرین تخم خرفه مقشر مغز تخم خیار مغز بهل انه تخم خشخاش این مجموع را بریان کرده ازهر یک شش درم صمغ عربی بریان تخم حماض طباشیر سفید طین قبر سی ازهر یک سه درم نشاسته بریان دو درم ورق کل سرخ پنج درم کا فوری قصوری یک گرم کوفته بپخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربت بی یک مثقال با آب سبب شیرین و آب به شیرین و آب مورد و عرق صندل بید شامند \* قرص طباشیر کا فوری به نسخه قوایادین دار الشفای شیر از که همان منافع دارد و از برای اسهال طبع و اسهال کبدی از اول قوی است \* صنعت آن تخم حماض بریان کرد و کل مختوم صمغ عربی حب الآس بریان کرده ازهر یک ده درم زرشک منقش طباشیر سفید ورق کل سرخ ازهر یک بیست درم نشاسته بریان کرد و پنج درم باوط چهار درم زعفران سه درم کهر با سه درم کا فوری قصوری نیم گرم کوفته بپخته با آب به شیرین سرشته اقراص سازند شربت بی یک گرم تا یک مثقال \* قرص طباشیر کا فوری لولوی از اقتراح نواب حکیم محمد باقر حکیم با شش نافع از برای جمیع افعال من کوره در نسخه قبل و مفتوح است \* صنعت آن طباشیر سفید چهار مثقال کل سرخ منزوع الاقماع شش مثقال رب السوس کثیر و صمغ عربی مغز تخم کدوی و مغز تخم خیار در از مغز تخم بادرنک ازهر یک دو مثقال سنبل الطیب سعل کوفی زعفران مواریل و نشاسته ازهر یک

یکم مثقال کافور قیصوری یکک انک کوفته بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراض سازند و یا اشربه مناسبه هر مرض استعمال نمایند  
 و زیاده کرده میشود درین قرص هرگاه اراده زیادتی تغذیه باشد ریوند چینی و از برای زیادتی قبض تخم حماض بربان  
 و طرائف و طین ارمی از هر یک دو مثقال انجبار صندل سفید از هر یک یکم مثقال و از برای تقویت معد و بسد یک مثقال  
 مصطکی دو مثقال \* قرص طباشیر کافوری لولوی قلمی فرموده اند که از اقتراح اقل العباد حکیم معتمد الملوک علویخان است  
 از برای تب دق و سل و خفقان حار و حمیات محرقة و قتیکه یا سهال باشد و نافع است از برای نفث الدم و قبی الدم و اسهال  
 د موی و کبدی و اسهال و بانی و مکرر تجربه نموده در جمیع امراض و اعراض مذکوره \* صنعت آن مروارید ناسفته طباشیر  
 سفید سرطان مشوی تخم خشخاش سفید تخم خرفه مقشر کتیرا از هر یک سه مثقال کهر بای شمع رب السوس غنچه کل سرخ  
 منزوع الاقماع از هر یک دو مثقال مغز تخم خیاری پنچ مثقال صمغ عربی بسد محرق از هر یک یکم مثقال کافور قیصوری یکک رم  
 زعفران ابریشم مقروض از هر یک دوازده کوفته بیخته با آب برک بارتنگ سرشته اقراض سازند هر قرصی یکم مثقال شربت یقرص \*  
 قرص طباشیر لولوی مجرب النفع از برای حمی دق و سل و تپهای حاده یا سهال و اسهال خون بواسیر و بیضت تپهای حار و  
 یا سهال \* صنعت آن طباشیر سفید کل سرخ منزوع الاقماع از هر یک شش مثقال کل ارمی چهار مثقال مغز تخم کد و مغز تخم  
 هندوانه مغز تخم خیاری پنچ خرفه مقشر از هر یک سه مثقال بارتنگ مروارید ناسفته کهر با عصاره الحید التیس از هر یک دو مثقال  
 صندل سفید یکک لابل سوخته یکم مثقال کوفته بیخته با آب به شیرین سرشته اقراض سازند شربت یقرص و نیم یا رب خشخاش  
 و در بعضی امزجه با شیر خربک هند و از برای اصحاب سل سرطان محرق دو مثقال اضافه کنند و از برای مک قوی کافور قیصوری  
 و زعفران از هر یک یکم مثقال اضافه اجزای قرص نمایند \* قرص طباشیر به نسخه جمهور تلین طبیعت نمایند و نافع است  
 از برای حمیات حار و محرقة و از برای سرفه و خشونت سینه و ذات الریه و ذات الجنب صفراوی و مسکن التهاب و عطش  
 مفرط است و حرارت سینه و شش را تسکین دهد \* صنعت آن طباشیر سفید و درم ترنجبین خراسانی یکک رم و نیم مغز تخم  
 خیاری پنچ مغز تخم کدوی شیرین از هر یک یکک رم و نیم نشاسته صمغ عربی کتیرا تخم خشخاش سفید از هر یک نیم رم  
 ترنجبین را در لعاب بزرقطونا حل کرده صافی نموده باقی ادویه را کوفته بیخته با آب سرشته اقراض سازند و در سایه خشک  
 نموده نگاه دارند شربت یقرص یکم مثقال \* قرص طباشیر ملین نافع است از برای حمیات صفراوی و غنچه و تقویت معد و کبد  
 و مسکن حرارت است و تشنگی به نشاند \* صنعت آن طباشیر سفید یکک رم زرشک منقش یکک درم و نیم سقمونیای مشوی  
 غنچه کل سرخ منزوع الاقماع از هر یک یکک انک کوفته بیخته با آب کاسنی تازه سرشته اقراض سازند جمله یک شربت است  
 و در نسخه معصومی اجزای مساوی از هر یک یکک انک و درم قند داخل است \* قرص طباشیر ملین به نسخه سیب اسمعیل  
 در فخره که در حمی حار خطمی ذکر کرد \* صنعت آن طباشیر سفید عصاره زرشک از هر یک یکک رم سقمونیای مشوی غنچه  
 کل سرخ کتیرا از هر یک یکک انک کوفته بیخته با آب کاسنی تازه یا آب غلب الثعلب یا آب کاسنی سرشته اقراض سازند \* قرص  
 طباشیر ملین به نسخه دیگر \* صنعت آن طباشیر سفید کل سرخ منزوع الاقماع از هر یک پنچ مثقال صندل سفید یکک لابل  
 سوخته یک مثقال مغز تخم کدوی شیرین سه مثقال مغز تخم خیاری پنچ مغز به اند رب السوس زرشک منقش صمغ عربی کتیرا  
 از هر یک دو مثقال اجزای کوفته بیخته دو مثقال ترنجبین را در گلاب حل کرده صافی نموده اجزای آن سرشته اقراض سازند  
 و اگر خواسته باشند که تلین آن زیاده شود ریوند چینی غاریقون سفید از هر یک سه مثقال اضافه اجزای آن نمایند  
 مقل ارشربتی از آن یک مثقال \* قرص طباشیر به نسخه دارالشعای چند شاپور \* صنعت آن طباشیر سفید چهار درم  
 ترنجبین پنچل رم مغز تخم خیاری رز و مغز تخم کدوی شیرین نشاسته صمغ عربی از هر یک سه درم کتیرا تخم خشخاش سفید

از هر يك دودرم ترنجبین زاج حل نموده ادویه را كوفته بپخته و ترنجبین را در لعاب بزرقطونا حل نموده بآن سرشته اقراص سازند شربت يك مثقال و این نسخه با نسخه جمهور اختلافی كه دارد را و زان است و بهی \* قرص طباشیر معتدل تالیف آن مرحوم از برای اصحاب سل و حمیات دقیه و قتیكه بآنها اسهال مزاجی و ذوبانی باشد \* صنعت آن ورق كل سرخ شش مثقال صمغ عربی نشاسته كل ارمني كتیرا از هر يك چهار مثقال تخم حماض طباشیر سفید از هر يك سه مثقال تخم خرفه بریان مغز تخم كل و تخم خشخاش سفید كهر با مروارید ناسته سرطان محرق از هر يك دو مثقال كوفته بپخته بلعاب حب الاسفرجل سرشته اقراص سازند شربت يك مثقال \* قرص طباشیر ملین ديك \* صنعت آن طباشیر سفید كل سرخ منزوع الاقماع از هر يك پنج مثقال صندل سفید بگللاب سوده يك مثقال مغز تخم كل و شیرین سه مثقال مغز تخم خیار بن بهد انه معشروب السوس زرشك منقح صمغ عربی كتیرا ترنجبین منقح از هر يك دو مثقال ادویه را سوای ترنجبین كوفته آنچه بپختنی است بپخته و ترنجبین را به گلاب حل نموده صافی كرده ادویه كوفته را بآن سرشته اقراص سازند و اگر قلبین زیاد و مطلوب باشد ریوند چینی غاریقون هشت سفید از هر يك سه مثقال اضافه نمایند شربت يك قرص بآب اسفرجل سازد \* قرص طباشیر منقول از بیاض بخط میر مرتضی حكیم كه معزالیه از بیاض بخط نواب حكیم محمد باقر نقل كرده \* صنعت آن طباشیر سفید كتیرا زعفران از هر يك دو مثقال نشاسته سه مثقال ورق كل سرخ ترنجبین منقح از هر يك شش مثقال ترنجبین را در آب حل كرده صافی نموده باقی ادویه را كوفته بپخته بآن سرشته اقراص سازند \* قرص طباشیر ملین منقول از منهای محرق و دمودی را نافع باشد و تشنگی به نشاند و شكم را نرم كند \* صنعت آن ورق كل سرخ ترنجبین سفید پاک كرده از هر يك پنج گرم نشاسته صمغ عربی طباشیر سفید كتیرا از هر يك دودرم زعفران يك گرم ترنجبین را بآب حل كرده باقی ادویه را كوفته بپخته بآب سرشته اقراص سازند شربت يك مثقال قوت این قرص تا دو سال باقی میماند \* قرص طباشیر نافع از برای نفث الدم و غلبه خالص و سایر حمیات حاره و قریب است این نسخه به نسخه قبل \* صنعت آن طباشیر سفید زعفران كتیرا از هر يك دودرم ورق كل سرخ ترنجبین از هر يك سه گرم ترنجبین را بآب حل كرده صافی نموده باقی ادویه را بآن سرشته اقراص سازند \* لعوق طباشیر سل و سرفه حار و حمیات حاره را كه با سعال باشد سود دارد \* صنعت آن طباشیر سفید چهار دودرم مغز تخم خیار بن مغز تخم كل و شیرین مغز چلغوز صمغ عربی دانه هیل از هر يك هفت دودرم نشاسته كتیرا از هر يك ده دودرم نبات سفید شصت مثقال عسل مصفی يكصد و بیست مثقال نبات و عسل را بقوام آورده ادویه را كوفته بپخته با بیست دودرم روغن بادام شیرین چرب نموده بآن بیا میزنند و لعوق سازند شربت از شش دودرم هر روز لعوق نمایند و اگر حوارت زیاد باشد عوض شهل ترنجبین کنند و يك گرم كافور قیصری بیفزایند \* لعوق طباشیر به نسخه معصومی قروح رثه و سعال حار را نافع باشد \* صنعت آن طباشیر سفید چهار دودرم نشاسته كتیرا مغز تخم كل و مغز چلغوز صمغ عربی از هر يك هفت دودرم قند سفید شصت مثقال اجزا كوفته بپخته با روغن بادام و عسل بسوزشند و مقدار دو مثقال لعوق کنند \* طباشیر بطای مهمله و بای موحله و اسم كوشتی است كه در روغنهای سرخ کنند و كوبند مراد از آن كباب شامی است مقوی معده و مجفف رطوبت آن و موافق ناقهین قوی المعده و مقوی اعضاء و مضر ضعیف الا حشاش است \* فصل در بیان نسخ طبخات \* طبع الغلب و جرد و الكلب و حمار الوحش و الضبعة العرجاء و ابن عروس و امثال اینها نشستن در هر يك از اینها نافع است از برای تشنج امتلائی و وجع مفاصل بارد و تعقد مفاصل بارد و وجع ورك و عرق المسامی بلغمی و سوداوی و نقوس \* صنعت آن بکیرند هر يك را كه خواسته باشند بکشند و زنده بهتر است یعنی همچنین درست با پوست و شكم ناشكافته زنده در ديك اندازند و

و شربت و نمک بسیار داخل کنند و آن معده را بجوشانند که مهر شود پس ببالایند و کرم در تغار بزرگی یا حوضی کنند و در میان آن مریض به نشیند تا وقتی که سرد شود و دوسه روز اول ماه و سه روز میان ماه و سه روز آخر ماه هر روز از هر يك آن سه روز یکمرتبه صبح و یکمرتبه شام بدین نحو عمل کنند و يك طبع را پیش از سه روز استعمال نکنند و میباید که گفتار فر باشد که بعون الله تعالی نافع است و گفته اند که چون از آب برآیند بدن را با آب گرم بشویند و از هوا ملاحظه نمایند و بعضی گفته اند که اصل درین ضبعه عرجاء پیراست و اگر آن نباشد بدن آن روبا یا کورخو کنند و باید که استعمال کرده شود این طبع بعد از تنقیه بدن و طبع ضبعه عرجاء به نسخ معتدله در آب زناط و طبع افعی در افعی و طبع اسود سالج در اسود سالج و همچنین طبع هردو در ذیل هردو را مذکور شد \* طبع فواکه مسهل صغرا و بلغم است \* صنعت آن عناب جرجانی بیست عدد انجیر زرد ده دانه مویز منقح سیستان از هر يك سی دانه سنمکی ورق کل سرخ بسفایج فستقی از هر يك هفت درم در دروطل آب بجوشانند تا به نصف رسد ببالایند و شیر خشت خراسانی و ترنجبین و گلغند آفتابی از هر يك دودرم در آن حل کرده صافی نموده بنوشند و اگر رطوبت غالب باشد تقویت این طبع نمایند بسقمونیای انطاکی و اگر حرارت غالب باشد و سرفه نباشد آلوی سیاه ده دانه و تمر هندی منقح بیست درم اضافه این طبع نمایند \* طبع مارکوهی نافع است از برای فالج و خل و استو خا و تشنج و مفاصل و جذام \* صنعت آن مرزنجوش بابونه حلیه حرمل شبت ورق الغار سداب ترنجبیل از هر يك یکمن مجموع را در نه ص من آب بجوشانند چون به نصف رسد مارکوهی زنده را در آن اندازند و بجوشانند تا مهر شود پس آنرا در تغار کلان یا در حوض کوچک ببالایند و سه من زیتون در آن داخل کرده مریض در آن نشیند و مره بعد از خورن چنین نماید \* طبعی که قی باز دارد و معده را قوت دهد \* صنعت آن انار دانه ده درم مصطکی نعنای خشک از هر يك یک درم دیگر رطل آب بجوشانند که به نیمه آید و صاف کنند و دوسک از هر يك یک درم کوفته بیخته اضافه کنند و بنوشند \* طبعی که حیض برآورد \* صنعت آن اسارون یک درم سداب نیم درم رازیانه دودرم لوبیای سرخ پنج درم هسل ده درم بجوشانند و صاف کنند و سه روز متوالی بخورند \* طبعی که همین خاصیت دارد و نیز مردانی را که بول ایشان مختلش شده باشد نافع است \* صنعت آن افسنتین رومی درمنه ترکی ترمنش شامی سداب رازیانه تخم کرفس از هر يك دودرم انجیر زرد پنج عدد گلغند ده مثقال بجوشانند چنانچه رسم است و صاف کنند و سه روز متوالی بخورند و سه روز دیگر استراحت نمایند و باز سه روز دیگر بنوشند و همین عمل کنند تا علت زایل گردد \* طبعی که همین خاصیت دارد \* صنعت آن لوبیای سرخ حلیه انیسون فوه حب القلک که بهندی کلتھی نامند از هر يك چهار درم سداب سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید صاف نموده قدری شکر اضافه کنند و هر صبح چهار درم بنوشند \* طبعی که همین خاصیت دارد \* صنعت آن لوبیای سرخ سه درم فرا سیولی فوه از هر يك چهار درم فودنه ده درم در پنج رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند و قدری میخچل اضافه کنند و صبح بنوشند نافع باد \* **باب الطاء مع الراء الملهمة** طریق بفتح طای مهمله و طای معجمه نیز آمده و طای معجمه انساب است مقوی قلب و معد و مفرح است و نشاط آورد و نیکو میگرداند فکر و نافع اسهال از برای خفقان و التهاب و اشتها و سوء مزاج سوداوی و قلب و مایل بخولیا و این معجون را ظریفی باین سبب نامیده اند که هرگاه تناول کنند از آن شربتی میگردد ظریف از جودت فکر و بسیاری نشاط و نیکوئی گفتار \* صنعت آن یا قوت زمانی ورق طلا ورق نقره بسد محرق از هر يك دودرم مر و ارید ناسفته سه درم لعل یکد خشی عقیق یمنی که ریای شمعی از هر يك دودرم صندل سفید صندل سرخ از هر يك هشت درم طبا شیر سفید کل فیلو از هر يك پنج درم کل سرخ منزوع الاقماع ساذج هندی از هر يك یک درم سعل کوفی اشنه یا نخو و انیسون تخم



گرفس ازهریک سه درم زعفران یا درنجبویه ازهریک سه درم اختیمون اقربطی سه درم کل کاوزبان کیلانی هفت درم  
تخم فرنجمشک زرشک منقعی بهمن سفید شقایق مصری عود هندک عنبراشهب ازهریک سه درم مشک تبی ابریشم مقرص  
ازهریک یک درم آمله منقعی پوست هلیله کا بلی ازهریک بیست درم کلاب نبات سفید روغن بادام شیرین ازهریک بقدر  
حاجت شربت سیب شیرین شربت به شیرین آب انار شیرین ازهریک یا نروده درم مغز نارجیل مقشور هیل بوا جوزبوا از  
هریک سه درم زراوند طویل زراوند مد حرج درونج عقری چینی زرنباد ازهریک نیم درم روغن بلسان تخم کاسنی  
حب بلسان ازهریک سه درم بقدر حاجت معجون سازند چند آنکه قانون مقرحات است شربتی ازان از نیم مثقال تا یک  
مثقال \* طرب الحجالس منقول از خط حکیم احمد موسوی غفر الله له قلمی فرموده اند که این منقول است از خط حکیم  
عماد الدین محمود شیرازی \* صنعت آن ورق طلا ورق نقره یا قوت زمانی لعل بل خشی مروراید ناسفته کهر یا عنبراشهب  
مشک ازهریک در مثقال بسمل محرق مرجان قرمز ازهریک سه مثقال بهمن سرخ بهمن سفید درونج عقری با درنجبویه  
کاوزبان کل سرخ صندل سفید صندل سرخ کبابه چینی قرنفل زرنب تود ری کلکون مرزنجوش سبزستان افرزساذج  
هندی عود قماری خام سعد کوفی سنبل الطیب زعفران مصطکی رومی ازهریک پنج مثقال عسل آمله مر با نصف مجموع  
ادویه آب فواکه بوزن عسل آمله عسل سفید کف گرفته بقدر حاجت بل ستور مقرر معجون سازند \* طرب الحجالس دیگر  
مقری اعضای رئیس است و در آوردن نشاط و شکفتی بی نظیر و مقوی باه است و معده را قوت دهد و اشتها را صادق  
آورد و طعام هضم کند و پیران و سود مزاجان را بنهایت موافق است \* صنعت آن یا قوت زمانی مروراید ناسفته لعل  
بل خشی یشب سبز ازهریک دودرم لا جورد مغسول فیروزه نشاپوری ازهریک یک درم کهریای شمعی عقیق یمانی مرجان  
سرخ زبرجد ازهریک یک مثقال فلفل زنجبیل نارمشک درونج عقری زرنباد ساذج هندی پوست هلیله کا بلی کشنیز  
خشک کل نیلوفر ازهریک چهار درم سعد کوفی شقایق مصری مصطکی رومی زرشک منقعی ازهریک سه درم سنبل الطیب  
قوفه قاقله کبار قاقله صغار کل مختوم کل ارمنی با دهر حیوانی ازهریک یک درم تخم کاسنی تخم فرنجمشک تخم بالنگو با دروج  
ازهریک دودرم جل و اخطائی فرنجمشک با درنجبویه ازهریک سه درم ورق طلا ورق نقره محلولین ازهریک پنج درم کبابه  
چینی دودرم عنبراشهب یک درم مشک تبی نیم درم کلاب عرق بید مشک عرق کاوزبان ازهریک یکصد درم نبات مساوی  
تمام اجزا عسل مصفی دو وزن اجزای مذکور بل ستور ترتیب نموده بعد از چهل روز استعمال نمایند \* طرب الحجالس  
این نسخه از متاخرین است قوت دل و دماغ و جگر و معده دهد و پشت و کرد را بنهایت قوی گرداند و نعره طأ آورد و باه  
را قوت دهد و اشتها را طعام آورد و هاضمه را قوت بخشد \* صنعت آن یا قوت زمانی لعل بل خشی مروراید ناسفته مرجان  
قرمز فیروزه نیشاپوری ازهریک یک مثقال کهریای شمعی بسمل محرق مغسول جل و اخطائی دو قوحب الزلم شقایق مصری  
خولنجان خصیه الغلب عصوی بهمن سرخ بهمن سفید تودری زرد تودری سرخ وچ ترکی لسان العاصیبر حب البان مغز  
تخم خیارین تخم هلیون حسک مبادا چینی اسارون کبابه چینی بسباسه قرنفل جوزبوا قسط شیرین درونج عقری فرنجمشک  
کل کاوزبان با درنجبویه تخم فرنجمشک صندل سرخ صندل سفید بوزید ان ازهریک در مثقال تخم خرفه مقشور تخم کندن  
تخم جزعود قماری خام نارمشک دار فلفل ازهریک یک مثقال مغز بادام شیرین مقشور مغز نارجیل مقشور کنگد  
مقشور ازهریک چهار مثقال زعفران سه مثقال عنبراشهب یک مثقال مشک تبی خالص نیم مثقال ورق طلا ورق نقره از  
هریک یکصد عد در جزر و اعظم سی مثقال روغن جزر و اعظم مقل اریکه ادویه را با آن چرب سازند عسل مصفی سه وزن  
مجموع ادویه بل ستور مقرر معجون سازند و بعد از چهل روز استعمال نمایند شربتی از نیم درم تا یک درم \*

## باب الطاء مع اللام \* فصل در ذکر نسج اطلیه \*

بک آنکه اطلیه جمیع طلا است و طلا بکسر طاء  
 مهمله و لام و الف اسم ادویه رقیقه القوامی است که بریدن بمالند و طلائی که در آنها آبیون و بزرگترین و پوست خشک باشد  
 در آبیون ذکر یافت و آنچه در آنها نیمه ایست ذکر می یا بک \* طلائی که استسقا محمی را سود دارد \* صنعت آن در منة  
 ترکی صف سوخته بوره ارمنی سرکین کا و کهنه مساری با سرکه طلا کنند \* طلائی که در تحلیل و طوبالت بک ن مستسقی  
 مجرب است \* صنعت آن کوگرد زرد مازوی سبز سوخته صبر سقز طری حنا سود و مار قشیشا ریم آهن سرکین کا و سرکین  
 یز کوفته بخته سرکه شراب و بول طفل یا کا و و سکنجبین عسلی سرشته بر موضع نفخ طلا نماید \* طلائی که برای استسقا  
 نافع است \* صنعت آن سنبل سعد قدما نا مرکی ایرسا قسط تلخ باروغن بلسان بماند \* طلائی دیگر جهت استسقا  
 صنعت آن صف سوخته کبریت زرد حما ما سرکین کبوتر چند بیک ستر حرف بایلی اشق زعفران بوره ارمنی اجزا مساوی کوفته  
 با آب سد اب طلا نماید \* طلائی که خن او نند آتشک را بغایت نافع باشد \* صنعت آن ما میران چینی مومیا ئی پیده  
 قاونی شنجرف زنجار زاج سفید صبر زردا زهر یک دودرم سورنجان کند رمودا سنج پوست نارنج بیخ بنفشه روغن کل موم  
 سفید زهر یک سه درم توتیای کرمانی برک حنا اشق کتیرا مصطکی بوره ارمنی زبیق کشته زهر یک پنچ درم پینه دوسیا  
 ده درم روغن کل سه درم مغز ساق کاردست درم اجزا کوفته بخته زبیق را با حنا و آب لیمو بکشند و موم و روغن و مغز  
 ساق کا و را در هم بک ازنل و مجموع را در هم خوب بیا میزند و خوب سخی کنند و در سائیدن بسیا رمبا لغه نماید \* نکاه بر  
 بک ن طلا کنند \* طلائی که اسهال وقع باز دارد \* صنعت آن کل سرخ پنچ درم اقا قیا کلنا و مازوی سبز شب یمانی جوزا ل سرو  
 صندل لیمو عدس برک مورد زهر یک یک رم طباشیر و دودرم بآب برک به بر شکم و معده و پشت طلا کنند \* طلائی که زخم  
 آتشک را زود با صلاح آورد و درین باب نظیر آن آرد \* صنعت آن توتیای شسته سفید آب شسته دم الاخوین مردا سنک  
 زهر یک سه درم زنگار یک رم مغز دانه شغلا لو پنچ رم مجموع را نرم بسایند و بروغن کل بیا میزند و طلا نماید \* طلائی که  
 اسهال باز دارد و شکم به بند \* صنعت آن اقا قیا سعد کوفی مرکی کند رگک جوزا ل سرو مازوکل سرخ آمله کل ارمنی  
 کا و رس بورنم عدس و بلوط کلنا ریزا لیمو صندل بآب مورد یا بآب سائید و بر شکم بماند \* طلائی که بر آبستنی معین باشد \*  
 صنعت آن حب بلسان جا و شیر مقل ازرق با دآورد مساوی کوفته بخته بزهره کا و بر قضیب طلا کنند و بک ارنل تا خشک شود  
 بعد ازان مباح شرب نماید زن آبستن شود \* طلائی که اورام حاره را نافع است \* صنعت آن صندل سرخ شیاف ما میثا  
 زهر یک سه درم کل ارمنی ده درم فوفل اقا قیا حضض مکی زهر یک دودرم سفید اب ارزیز مردا سنک زهر یک یک رم طین  
 قیمولیا پنچ درم کوفته بخته با آب کاسنی تازه بسرشند و کلوها سازند و در وقت احتیاج یکی ازان را با آب کشند تازه  
 سائید \* طلائی که آماس خصیه را که بزرگ شد و باشد و سخت گشته و برنگ سرخ بود و رگها کبود داشته باشد  
 بحال آورد \* صنعت آن با بونه اکلیل المملک خطمی شیاف ما میثا بوش در بند زهر یک سه درم بنفشه دودرم کوفته بخته  
 بآب کاسنی تازه و کلاب سرشته طلا کنند \* طلائی که آماس خصیه و درد و سوزش قضیب را سود دارد \* صنعت آن کل بنفشه کل  
 خطمی سفید زهر یک پنچ رم حسک قیصوم زهر یک دودرم با بونه اکلیل المملک زهر یک چهار درم کل نیلوفر یک رم ونیم  
 کوفته بخته با آب کاسنی تازه سرشته طلا نماید \* طلائی که آماس خصیه و سختی که از طوبت و سودا باشد سود دارد \*  
 صنعت آن با بونه اکلیل المملک قیصوم زهر یک هفت درم کل خطمی سفید چهار درم کل سرخ د و مثقال ونیم کوفته بخته  
 بلعاب بزرگتان و بلعاب تخم مرو سرشته طلا نماید \* طلائی که برص را به برد \* صنعت آن سفید ان سفید زر نیم سرخ  
 مساوی با شیر تازه سائید و طلا نماید \* طلائی که برص و یق را زائل کند \* صنعت آن فوه کند ش شیطرح هند و خردل

تخم قرب مازریون شحم حنظل خربق سیاه و سفید و مویزج سقمونیا زهر یک جز و شقائق ذر جز و کوفته در سرکه  
خیسائیید و یک شب فروز طلا کنند \* طلائیکه همین خاصیت دارد و مجرب است \* صنعت آن با بچی که بکچی نامند یکوزن  
گیر و شش وزن اولاً با بچی را با آب ادرك که زنجبیل تراست خوب سائید و که مثل مرهم شود بعد ازان کیر و را خوب سائید و  
داخل نمایند و با زبا هم نیکو بسایند و سحق کنند و حبوب بسته نگاهند و رند و وقت حاجت با آب ادرك سائید و بر موضع  
برص طلا نمایند و در نسخه دیگر یکوزن کبریت زرد صافی که بهند می کنند یک آمه سارنا منک داخل است و این اقوی است  
و اصل و در نسخه دیگر وزن هر سه مساوی است \* طلائی دیگر که همان خاصیت دارد \* صنعت آن با یوسا خربق سفید مساوی  
الوزن با سرکه انگوری تنه سائید و مکرراً استعمال نمایند تا زائل گردد و همچنین اطلیه دیگر را و بدن خربق نیز مفید  
است \* طلائی دیگر که نیز همین منفعت دارد \* صنعت آن تخم پوار کیر و زهر یک پا و سیر پوست پیچ خر زهره سفید که بهند می  
کنند سفید گویند چهار توله با آب زنجبیل تر که بهند می ادرك گویند سحق بلیغ نموده حبوب بندند و وقت حاجت با آب  
زنجبیل تر سائید و بمالند بر موضع برص بعد از آنکه آنرا با سرکه و با سرکین خشک و صحرائی یا پارچه خشنی خارید و  
باشند \* طلا اللبرص \* صنعت آن پوست پیچ کبر شیطرج هند می تخم ترب ازهر یک سه مثقال بوره ارمنی قسط تلخ از  
هر یک پنج مثقال خردل سرخ دو مثقال اجزا کوفته پیخته بسرکه آمیخته طلا نمایند \* طلائیکه برص را نافع بود \* صنعت  
آن شیطرج هند می عا قرق را حاض خردل سرخ شونیز کل شقائق زرنیخ زرد مر مکی فوه اجزا مساوی کوفته و نرم پیخته  
با خون بز طلا نمایند \* طلائیکه بهق سیاه و سفید را بر طرف کند \* صنعت آن مروارید ریزه دانه با سرکه که نه سحق  
کنند و بر محل بهق بمالند که مجرب است \* طلائیکه همان نفع بخشد \* صنعت آن غسل بلاد رفعت درم عا قرق را سدا ب  
فریون شیطرج هند می شقائق النعمان ازهر یک یک گرم اجزا نرم کوفته پیخته با سرکه طلا کنند \* طلائی دیگر که برص را  
بغایت نافع بود و مجرب است \* صنعت آن کبریت سوخته چهار درم فریون سوخته بلاد سوخته ازهر یک دو درم خربق  
سیاه شیطرج هند می شقائق النعمان ازهر یک یک گرم اجزا نرم کوفته پیخته با سرکه طلا کنند \* طلائی دیگر که همان نفع  
دهد \* صنعت آن مغز بادام ترسی تخم ترب خردل تخم جرجیر تخم کرنب حرف زرا و نطویل خربق سیاه شیطرج هند می  
جنطیا نافرینون اجزا همه را برابر یکو بند و با طبع ما زو بسروشن و طلا کنند \* طلائیکه بهق ابیض و سودا سودا دارد \*  
صنعت آن کل شقائق سقمونیا شیطرج تخم خردل تخم ترب صمغ آلو ازهر یک یک مثقال کوفته پیخته در هر که خیسانید و  
یکشما فروز بعد از آنکه در حمام کیسه بوان مالید و باشند بمالند \* طلائی که بهق یعنی رنگها که بر بدن حادث میگردد \*  
صنعت آن پوست تخم مرغ را در سرکه که نه سه روز بخیسانند که مضمحل شود بعد ازان نوشاد و نمک کوفته با یک یکوزن مزوج  
سازند و سه روز متوالی بمالند اگر بر طرف شود بهتر و الا بارد یکوزن ارمنی داخل نمایند که انشاء الله تعالی می شود \*  
طلائی دیگر که همین منفعت دارد \* صنعت آن مورچه با شیرد خنجر حل کرد و طلا نمایند و طلائی آب کباب به نکر و که  
کیا و هند بست نیز مفید است و آب برک بالک جوهری سبز بد ستورا یضا خون مرش را با زاج سیاه و طلا نمایند ایضا  
و بدن چینی با سرکه طلا نمایند \* طلائیکه برص و بهق را نافع باشد \* صنعت آن تخم ترب مر مکی کتیرا قسط تلخ قطران زاج  
کبریت زرد اجزا مساوی کوفته پیخته بسرکه بسروشن و بعد از آنکه محل برص را از پارچه خش درشت مالید و چند آنکه  
سرخ شود طلا نمایند و شش ساعت بکند و رند پس با آب گرم بشویند و بعد ازان پودر غن زرد تخم مرغ چرب کنند و چهار  
پیچ با رگور به همین طریق عمل کنند که نافع است \* بل آنکه نفع اکثر اطلیه بلکه کل آنها وقتی ظاهر میگردد که بدن خالی  
از اخلاط فاسد و باشد و تنقیه شد و قلبی تحت جلق و موضع بعید \* مانند \* باشد که اطلیه آنرا تحلیل دهد و همچنین اضمه و

و کادات و امثال اینها \* طلائیکه بواسیر خونی و به دی و نافع است \* صنعت آن عذاب را بسوزاند و با طبایا شیر صلابه  
 نموده بر موضع بواسیر بمالند \* طلائیکه بوی بغل را برطرف کند \* صنعت آن شب یمانی مرمکی کل سرخ برک مورد  
 مرد استنک از هر یک قد ری کوفته بیخته بکلاب سرشته اول بغل را با آب اشنان بشویند و بعد از آن طلا کنند \* طلائیکه  
 بوی بغل را برطرف کند \* صنعت آن راس زرا و نکل طویل برک حنا زعفران آبکینه سوخته کاغذ سوخته از هر یک جزوی  
 کوفته بیخته با آب مورد بسوزند و شیاف ساخته خشک سازند و هنگام حاجت بغل را بکیسه حمام چند آن بمالند که خون  
 آلوده شود پس شیاف ازین را بکلاب سوده بمالند و یک شب بکنارند و روز دیگر پاک سازند \* طلائی که بوی بغل  
 را زایل سازد \* صنعت آن صندل سعد قصب الی ریره پوست بیرون ترنج مرمکی توتیا مردا سنک مرزنجوش اظفار لطیب  
 کل سرخ برک مورد از هر یک جزوی کوفته بیخته با آب سائید در بغل طلا کنند \* طلائی که بشوره را صاف کند و کلف و سبوسه  
 را زایل نماید \* صنعت آن ایرسا بوره ارمنی اشق نشاسته مغز تخم خربزه استخوان بوسید و بیج نی مغز حب الیمان  
 آرد حله آرد با قلا آرد جو ترمنش مغشرا از هر یک جزوی کوفته بیخته با آب ترنج بسوزند و طلا کنند و بعد از دو ساعت بشویند  
 و بعد از شستن بروغن بادام تل هین کنند \* طلائی که رنگ بشوره را صاف کند \* صنعت آن برک حنا خشک کرده سفوف نمایند  
 و با قد ری آرد کند م مخلوط کرده با آب خمیر نموده بر روی مالید و بشویند \* طلائی که برش و نمش و خالهای سیاه که بر روی  
 پیک اشود بر طرف سازد و رنگ رو را صاف کرد اند \* صنعت آن زرنج کندش بودره ارمنی تخم کرنب تخم ترب کوفته بیخته  
 با لعاب حله سرشته بر روی طلا کنند \* طلائی که بواسیر را خشک سازد و سیلان خون باز دارد \* صنعت آن عصاره لیمه الیچس  
 جفت بلوط ابله جوزا لیسرا از هر یک جزوی کوفته بیخته یک شب در آب غلب الثعلب بخیمسانند بعد از آن نرم بسایند  
 چند آنکه همچون مرهم شود و بر مقل طلا کنند و ساعتی بر پشت بخوابند \* طلائی که بواسیر خونی و ورام مقل و رانافع  
 باشد \* صنعت آن سفید اب کا فور قلم کا و موم سفید از هر یک قد ری بل ستور طلا کنند \* طلائی که خون بواسیر را که بسته  
 باشد و در دکن نافع بود و خون بکشاید و در ساکن کرد اند \* صنعت آن آب پیاز صبر زرد زهره کا و از هر یک قد ری در هم  
 بپا میزند و بل ستور طلا کنند و دفع اسهال دیگر جهت قطع خون بواسیر \* صنعت آن نیل را با آب خالص سائید و طلا  
 نمایند و آنکی در جوف مقل و بمالند \* طلائی که از جهت بنات اللیل وجوب نافع باشد \* صنعت آن خطمی با بونه  
 اکلیل المک از هر یک چهار درم ترمنش بوش دریندی از هر یک یک درم مرمکی شیاف ما میثا زعفران یک درم و نیم آرد با قلا  
 سه درم کوفته با آب کرفس طلا کنند \* طلائی که ترهل و آماس نرم که بعد از بیماریهای درازد رشت چشم و بر پشت و پا و رو  
 پیک اشود زایل کند \* صنعت آن صبرا قاقیا مرسل شیاف ما میثا زعفران حضض مکی کل ارمنی کوفته بیخته با سرکه و آب  
 غلب الثعلب طلا نمایند \* طلائی که تالیل را بر طرف سازد \* صنعت آن اشنان فارسی مس سوخته زنگار بوره ارمنی نوشادر  
 زرنج آمک آب ندید و از هر یک قد ری با زهره کا و بسوزند و بر تالیل طلا کنند \* طلائی که قلع تالیل کند \* صنعت آن مازو  
 شب یمانی تخم جرجیر کوفته بیخته بزهره کا و سرشته چند نوبت طلا کنند \* طلائی که نقل زبان را زایل کرد اند \* صنعت آن  
 ها قرقرا خردل نوشا در قفل کوبید و در بیخ زبان بمالند و این قوی است در اطفال صغیر جرأت نمی توان نمود \* طلائی که  
 جرب و حکه یا بس را نافع باشد \* صنعت آن زرد چوبه بوره ارمنی مرمکی قسط کندش از هر یک بیست درم نمک طعام زبید  
 مقتول از هر یک ده درم مجموع راد بیست درم ماست چکیده مزوج ساخته طلا کنند و یک ساعت بکنارند و بعد  
 از آن بشویند \* طلائی که جرب رطب را نافع باشد \* صنعت آن زرد چوبه بوره ارمنی مرمکی قسط کندش از هر یک یک  
 درم میعه سائید و پنج درم بروغن کل توسته در حمام طلا کنند و بعد از سه ساعت بسوس و آب گرم بشویند \* طلائی که

همین خاصیت دارد \* صنعت آن کوگرد زرد یک مثقال پیله بزد و مثقال بروغن کل ده مثقال پیله را در روغن بکد ازند و  
 کوگرد را صلایه کرده بآن ممزوج ساخته شب بمالند و صبح در حمام بشویند \* طلائیکه جل ام را نافع است \* صنعت آن  
 نظرون اشق فریون کوگرد زرد برک انجیر مسوی نرم سائید با سرکه طلا کنند \* طلائی جهت جرب خشک \* صنعت آن  
 روغن بنفشه روغن کد روغن بادام تلخ روغن کل سرخ سرکه شراب کهنه مومکی سنا مکی مرد اسنگ کنجد بکوبند و درهم  
 سرشته طلا کنند \* طلائیکه جریان منی زنان که بی اختیار از ایشان روان شود با زرد \* صنعت آن صندل سفید صندل  
 سرخ کل نیلو فرکل بنفشه کل خطمی آرد جو تخم پنچنکشت کوفته بیخته با کلاب سرشته ضماد نمایند \* طلائیکه جل ام را  
 نفع دهد \* صنعت آن قطران اشق فریون کوگرد زرد برک انجیرا جزا مسوی کوفته با سرکه سرشته طلا نمایند \* طلائیکه همان  
 نفع دهد \* صنعت آن کبریت زرد قسط تلخ از هر یک ده درم مازوی سوخته مویز ج از هر یک پنج درم برک صنوبر حب الغار  
 از هر یک بیست درم کوفته بیخته با سرکه بسرشدن و بربدن طلا نمایند \* طلائیکه حرقت نار را نافع باشد \* صنعت آن برک  
 خطمی برک ملو خیا بآب صافی به پزند تا مهرا شود و کف آن را از سروی دور کنند و بسایند که همچون مرمه شود و همراه  
 قندی مرد اسنگ پیورده سفید کرده و اسفیداج و روغن کل بآب کشنیز تر و آب عنب الثعلب بسرشدن و طلا کنند \*  
 طلائی دیگر که همان نفع دارد \* صنعت آن آهک شسته که هفت بار بآب سرد شیرین شسته باشند و خشک نموده مقداری  
 ده درم اسفیداج ارزیز پنج درم طین قیمولیاسه درم مجموع را در روغن کل یا کنجد آمیخته طلا کنند \* طلائیکه حرق  
 النار را نفع دهد \* صنعت آن برک حنا مرد اسنگ از هر یک پنج درم سفید اب ارزیز از هر یک ده درم طین قیمولیاسه درم  
 اجزا کوفته بیخته با سفید تخم مرغ و روغن کل بیا میزند و طلا کنند \* طلائیکه سوختگی آتش را از دل کند و اگر با او غداخت  
 و قروح باشد \* صنعت آن عدس مقشر ورق کل مرد و مسوی بسیاری نرم سائید آرد جو روغن کل اضافه نموده طلا نمایند  
 شمع ایس گفته که نیست چیزی بهتر از برای سوختگی از آرد جو و زیره و روغن کل و سرکه \* طلائیکه سوختگی آتش را که  
 باد رو و سوزش باشد نفع تمام دهد \* صنعت آن عدس مقشر کل سرخ از هر یک جزوی به پزند تا خوب مهرا شود و سفید اب  
 ارزیز آرد جو از هر یک قندی درم آمیخته مجموع را با روغن کل درهاون بسایند که همچون مرمه شود و بر عضو سوخته  
 طلا کنند \* طلائیکه همان نفع دهد و سوختگی که از آب گرم بود سرد دهد \* صنعت آن سفید اب ارزیز تخم کل و مغز تخم هند وانه  
 مرد اسنگ دم الاخوین از هر یک جزوی با روغن کل آمیخته طلا کنند و طلا کردن آب برک و کلی که بهندی کل مهنی نامند  
 و حنا است و کل آن الوان و افشان نیز و شبیه بکل زبان در قفا و از آن بزرگتر و خود رور مزروع میباشد تا یک ربع نهایت  
 یک و نیم ذرع بلند میشود و خوش منظر سفید و غرق کردن عضو در آب آن نیز بدستور \* طلائیکه حصه را نافع باشد \*  
 صنعت آن برک حنا نمک از هر یک جزوی کوفته بیخته با سرکه و کلاب بسرشدن و بربدن طلا کنند و بعد از یک دو ساعت  
 بآب سرد و سبوس بشویند \* طلائی دیگر که همان نفع دهد \* صنعت آن صندل سفید مازوی سبز زرد چوبه از هر یک جزوی  
 کوفته بیخته با سرکه و کلاب بسرشدن و بربدن طلا کنند و بعد از یک دو ساعت بآب سرد بشویند \* طلائی دیگر حصه و شری را  
 نافع باشد \* صنعت آن سرکه و کلاب روغن کل صندل سرخ بآب کشنیز تر طلا کنند \* طلائی دیگر \* صنعت آن کاکج آرد  
 جو از هر یک جزوی بآب عنب الثعلب و آب کشنیز سبز و سرکه با هم بیا میزند و بربدن طلا نمایند \* طلائیکه افراط حیض را باز  
 دارد \* صنعت آن کل سرخ عدس مقشر از هر یک پنج درم اقا قیاطنا رفا رسی صندل لین از هر یک سه درم کل ارمی چهار درم  
 باطوطا شیر از هر یک یک درم اجزا کوفته بیخته بآب به برعانه و پشت زها و طلا کنند \* طلائیکه از جهت حکه نافع است \*  
 صنعت آن تخم خشخاش اسفناج کوفته و سرکه خیسانید و در حمام طلا کنند \* طلائیکه حکه خصیه را نافع باشد \* صنعت آن

آن شیاف ما میثا اقا قیا ازهریک چهارم اشنان دودرم نوشادرانکی زعفران یک طسوج کوفته پیخته باروغن کل و سرکه سرشته  
 طلا کنند \* طلائیکه همین خاصیت دارد \* صنعت آن شیاف ما میثا اقا قیا ازهریک سه درم صبر سقوطی نوشادر از  
 هر یک چهار دانگ نشاسته یک درم با سرکه و کلاب سوده طلا کنند \* طلائی که یکم حب القرع و کرم درازا طغال را  
 اخراج کند \* صنعت آن افسنتین رومی برک شغتلو ازهریک ده درم بزهره کوبیده سرشته برحوالی ناف طلا کنند \*  
 طلائی که حمزه را نافع باشد \* صنعت آن زعفران صبر سقوطی اقا قیا فوفل کل ارمنی کل سرخ شیاف ما میثا با آب کاسنی  
 یا با آب عنب یا بعلب سائید \* طلا کنند \* طلا جهت حبس بطن \* صنعت آن سرکین کبوتر در عمل حل کرده بر روی  
 شکم بمالند \* طلائی که حبس مرق کند \* صنعت آن برک مورد کلنا رماز و مساوی کوفته پیخته با آب غوره یا آب مورد  
 تر سائید \* بریدن طلا کنند \* طلائی که بجهت خارش به تجربه رسید از حکمای هند \* صنعت آن تخم پیاز مس سوخته  
 کوکود زرد دران ازهریک هشت مثقال روغن کاپنج مثقال اجزا کوفته پیخته در ظرف آهن باروغن کل حل نماید تارنگ او  
 سیاه شود بعد ازان بریدن طلا کنند \* طلائی که خنای بر را نافع است \* صنعت آن خاکستر چوب انکور زفت رومی ازهریک  
 یک جزو زفت را در روغن زیت بکدازند و خاکستر را داخل کرده مرهم سازند و طلا نمایند \* طلائی که خون آمدن از بینی  
 باز دارد \* صنعت آن اقا قیا نشاسته بزرگ مورد آب برک رزسان الحمل همه را درهم آمیخته بر پیشانی طلا کنند \* طلا  
 جهت حل ر \* صنعت آن زنجبیل خشک یک جزو پوست بید انجیر و جزو هر دو را با آب کاجی صلا یه کنند و بر عضو طلا  
 نمایند و در مالدین چند مرتبه بر طب میشود \* طلائی که خون آمدن از بینی باز دارد \* صنعت آن کل ارمنی علی س مقشر  
 کلنا و صندل سفید صمغ عربی کند رخص مکی اقا قیا ازهریک یک درم کافور یک حبه برک درخت انکور برک باد روج کل  
 مختوم ازهریک نیم درم کوفته پیخته بر پیشانی طلا نمایند \* طلائی که داء الثعلب را نافع باشد \* صنعت آن فریون خردل  
 سفید حب الغار ازهریک شش درم کوکود خربق سفید ازهریک دودرم بر روغن زیت بسوشتند و طلا کنند \* طلائی که  
 داء الثعلب که بفارسی موخوره نامند قید است \* صنعت آن بکیرند اصل السوس مقشر زرد کمریشه را با آب سائید  
 مکرر طلا نمایند مجرب است و اگر با آب برک بهنکره بسایند و بمالند بهتر است \* طلائی که داء الثعلب بلغمی را سود دارد \*  
 صنعت آن خربق سفید و سیاه فریون سد اب همه را برابری با موم زرد و روغن بید انجیر سرشته طلا کنند \* ایضا داء  
 الثعلب \* صنعت آن سر موش را خشک کند و بسوزانند و خوب بسایند و با عسل طلا نمایند \* طلائی که داء الثعلب صفراوی  
 را سود دارد \* صنعت آن کف دریا سوخته طرا ن سرکین موش حب الرشاد عاقر قرحا شیخ سوخته همه را برابر با زیت سرشته  
 طلا کنند \* طلائی که داء الثعلب سوداوی زائده دهل \* صنعت آن شو نیز بریان کرده سه درم نی سوخته بندق سوخته  
 سرکین موش پشک کوسغند پوسیا و شان نج ارمنی عاقر قرحا خربق سیاه مجموع را بریان کرده بر روغن بادام محزوج  
 نموده طلا کنند \* طلائی که یکم که همان نفع یل \* صنعت آن زید البحر برنجاسف سم استر مجموع را سوخته بر روغن زیت  
 آمیخته بعد از آنکه محل علت را به پیاز عنق چند ان بمالند که سرخ شود طلا کنند \* طلا نافع جهت رعاف \* صنعت آن  
 عدس مقشر کل خطمی سفید صندل سفید شیاف ما میثا طمین ارمنی شب یمانی کافور سائید \* بر پیشانی با آب برک مورد  
 یا آب برک بارتنگ طلا نمایند \* طلاء الرعاف \* صنعت آن آرد جو کل خطمی کل ارمنی اقا قیا عصا لحيه التيس کلنا کافور  
 صندل سفید ازهریک یکماشه افیون دانکی سفید \* تخم مرغ سرشته بر پیشانی طلا کنند \* طلائی که سرطان را بی نظیر  
 است \* صنعت آن در صفت اسرب را با هم بپزند و باروغن کل سرخ و آب کشنیز تازه و آنچه از ان حل شود بر سرطان طلا  
 نمایند \* طلائی که اثر زردی از روی به برد \* صنت آن زراوند مد حرج شیطر ج صباح با بیکه تخم خرفه نیم کوفته دران جوشانید

باشند بشویند \* طلائی که سبوسه که در سر و بیخ موایل یک آید دفع کند \* صنعت آن روغن کل روغن بنفشه بادام لعاب خطمی  
 لعاب اسبغول آب برک چغندر آرد نخود یا قلا ترمس کثیرا از هر یک قل ری درهم آمیخته در بیخ موی سر و ریش طلا کنند و بعد  
 ازان ساعتی با آب گرم بشویند \* طلائی دیگر که همان نفع دهد \* صنعت آن بادام تلخ مقشر کنجد مقشر از هر یک جزوی  
 نرم سوده آرد نخود آرد با قلا خطمی از هر یک نیم جزو همه را در سرکه آمیخته یا قل ری روغن کل بر سر و ریش طلا کنند \*  
 طلائی که سبوسه را به برد \* صنعت آن آب برک چغندر و چهار درم بوره ارمنی دودرم زهره کار یک رم با عسل بسرشد و  
 بر سر طلا نمایند \* طلائی دیگر که همان نفع دارد \* صنعت آن اشنان سبز مرد استک از هر یک پنچم رم کل ارمنی حضض  
 مکی پوست انار از هر یک سه درم خنا قنبیل از هر یک چهار درم اقایا شیاف ما میثا صنل سفید از هر یک شش رم اجزا  
 کوفته پیخته با کلاب تر ساخته طلا کنند \* طلائی دیگر که همان نفع دهد \* صنعت آن آب برک چغندر روغن دنبه از هر یک  
 ده درم بجوشانند چنانکه آب برود و روغن بماند بعد ازان برک مهک و حنا از هر یک پنچم رم کوفته پیخته در آن بپاشند  
 و طلا کنند \* طلائی دیگر که سبوسه که در بدن اطفال پید میشود برطرف کند \* صنعت آن زرد چوبه حنا زراوند مرد استک  
 پوست انار کوفته پیخته با روغن کل و سرکه طلا کنند \* طلائی که همان نفع دهد \* صنعت آن نمک سوخته زاج سفید سوخته  
 گوگرد زینق مازو زرد چوبه مرد استک زراوند اجزا برابر همه کوفته پیخته با روغن کل و سرکه طلا کنند \* طلائی دیگر که  
 همان نفع دهد \* صنعت آن نمک اشنان یسره که ترکده خوب بمالند و صابون را بکلا بدمالند و بعد ازان بیخ بنفشه و موم  
 سفید روغن بنفشه بادام از هر یک قل ری اضافه نمایند و درهم خوب بمالند که مزوج شود پس طلا کنند و یک ساعت بکند ازل  
 و بعد ازان با آب گرم بشویند که نافع است و مجرب \* طلائی که سکنه را نافع باشد \* صنعت آن خردل جنب بیل ستر مشک  
 از هر یک قل ری با سرکه کهنه بسایند و بر سر مسکوت طلا کنند بعد ازان که سرا و را را شید و باشند و در نسخه دیگر مشک  
 داخل نیست \* طلائی که سوزش و ورم صلب و صلابت با سورا تحلیل دهد و دانه او برطرف نماید \* صنعت آن سرب را با  
 روغن کل بسایند که غلیظ گردد و مکرر طلا نمایند و یا بر پارچه مالید و بر با سورا بکنارند و به بدن تا چهل روز در روزی  
 یک مرتبه تجل یک کنند یعنی بر آن پارچه دوا باز بمالند و بکنارند بر با سورا ورم و صلابت با سورا که وجع و صلابت  
 زیاد باشد قدری افیون و زردی بیضه مرغ اضافه نمایند بهتر بود \* طلائی که پیش را دفع کند \* صنعت آن مویزج  
 شوره از هر یک دودرم زرنیخ سرخ یک رم و نیم زینق مقتول یک رم بر سرکه و روغن کل طلا کنند و اگر بدن را بر روغن  
 کافیشه طلا کنند یا بیکه در آن کل سرخ و برک مورد جوشانند و باشند بشویند این نافع است \* طلائی دیگر که همین  
 خاصیت دارد \* صنعت آن مویزج را تینچ سرخ زراوند طویل مرکی صافی بر من زیت بر بدن طلا کنند و حمام بعد  
 از آنکه عرق کرده باشند و بشویند بعد از یک و ساعت \* طلائی که شری را نافع است \* صنعت آن زرد چوبه را سائید و با  
 روغن شرف که روغن تلخ مینامند و اندک نمک خوب مزوج نموده بر تمام بدن بمالند و بعد از دوسه ساعت با آب گرم  
 بشویند و اگر بیکه فعه زائل نکرد دفعه دیگر بمالند \* طلائی که شقاق و اوزام مد را سود دهد \* صنعت آن سفید تخم  
 مرغ روغن کل لعاب خطمی آب عنب الشعلب مجموع را درهم آمیخته بل ستر طلا کنند \* طلائی که از جهت تحلیل شری  
 که در پستان منعقل شده باشد \* صنعت آن صفرا بیض روغن کل سرکه کهنه نکوری درهم نمود \* طلائی که  
 خن اولن صلاح کرم و افرا و آماس حاره را سود دهد \* صنعت آن تراشه کوبک خرفه برک بیل خطمی حی العالم برک  
 کاه و صنل مامیثا بوش در بدن اجزا مساوی کوفته پیخته بکلاب مالید و صا کرد \* طلائی که صلاح حار سازد  
 را نافع است \* صنعت آن آرد جو طحلب با عصاره برک بیل و اندکی سرکه نمایند \* ایضا طلائی که همان نفع بخشد \*



\* صنعت آن صندل سفید ساقیله با آب برگ کشنیز تر یا آب برگ کاسنی یا آب لیمو نیز مفید است و مالیدن آن آب برگ کاسنی  
 و آب لیمو نیز تنهائی نیز مفید است \* طلائیکه صداع حادث از بخارات حار را نافع است \* صنعت آن انزروت اقا قیا  
 صندل سفید حضض مکی کل نیلوفر مامیثا تخم گاهو یا آب برگ کشنیز تر طلا نمایند \* طلائیکه همین خاصیت دارد \* صنعت آن  
 کل نیلوفر صندل سفید مامیثا یا کل مامیثا یا آب برگ و خیار و گاهو کشنیز تر سائید و بر پیشانی و سر طلا نمایند \* طلا نافع جهت  
 صداع بارد \* صنعت آن دارچینی قرنفل چند بیل ستر حب الغار کبابه یا آب سائید و طلا نمایند و هر یکی از این اجزایه تنهائی  
 نیز مفید است \* طلا نافع دیگر جهت صداع بارد رطب مادی \* صنعت آن فلفل فریون تازه از هر یک یک مثقال روغن زعفران  
 یک مثقال و ثلث مثقالی سرکین کبود تر دو مثقال با سرکه تند انکوری سائید و طلا نمایند بعد از تر اشیدن موی سر \* طلا نافع دیگر  
 که همین نفع دارد \* صنعت آن مرکب فریون نمک پوره ارمنی سائید و طلا نمایند \* طلائیکه صداعیکه از ارتفاع بخارات  
 باشد سود دارد \* صنعت آن مازو کلنارسک از هر یک یک جزو صبر زرد زعفران از هر یک نیم جزو مجموع را کوفته بپخته  
 بر پیشانی و صدعین طلا نمایند \* طلا نافع دیگر که صداع بلغمی و صداع ریخی را سود دارد \* صنعت آن زنجبیل مرزنجوش  
 مرکب چند بیل ستر صبر زرد فریون جوز بو از هر یک جزو اجزا کوفته بپخته با آب کرفس طلا کنند \* طلائیکه صرع حادث  
 از ارتفاع بخارات از جانب ساق پای یا از دست را سود دارد \* صنعت آن خردل فریون فلفل غسل بلاد رسوده درهم سرشته بر  
 موضعی که بخار از آنجا صعود میکند بکنارند تا آبله کند و آبله هابشکا قد و آب از آن جاری گردد و تا مدتی بکنارند که خشک ملتئم  
 گردد \* طلائیکه نافع است از برای طحال بعد از تنقیه \* صنعت آن تخم سد اب خشک پانزده درم در سرکه انکوری یک شمانروز  
 بخیسند و بعد از آن قدری نمک بزنند از سه روز چیل و بد آن تر کرده بر طحال بکنارند \* طلائیکه گرا هیبت بوی عرق را بر  
 طرف سازد \* صنعت آن فاغیه سک برگ کل سرخ سعد شب یمانی مرکب برگ مورد از هر یک جزو مجموع را کوفته بپخته  
 با کلاب بسرشدن و بر تمام بدن طلا کنند و بعد از دو ساعت بشویند \* طلائیکه گرا هیبت عرق و تن آنرا زایل کند \* صنعت آن سک  
 کل سرخ سنبه لطیب سعد کوفی شب یمانی از هر یک قدری کوفته بپخته با کلاب تر سخته بپزند و طلا کنند \* طلائیکه عرق  
 بد بوی را خوش بو گرداند \* صنعت آن قسط بحر سعد برگ کل سرخ حنا مورد خشک از هر یک سد را از هر یک جزو کوفته  
 با کلاب بسرشدن و بر بدن طلا کنند و بعد از ساعتی بشویند \* طلا نافع دیگر بسیار عرق را زایل کند \* صنعت آن آب به آب  
 برگ مورد آب برگ مرو از هر یک نیمه و طل کل سرخ بکر طل همه را طبع نمایند و طلا کنند و پس از یک دو ساعت بشویند \*  
 طلائیکه بسیار عرق را بر طرف کند \* صنعت آن برگ مورد خشک پوست انار کزما زج جوزا لمر و از هر یک جزو کوفته بپخته  
 با آب برگ مورد آمیخته طلا کنند \* طلائیکه چون بر پیشانی و پشت چشم بمالند رمد را سود دارد و ماده را رد کند \*  
 صنعت آن شیاف مامیثا صبر سقو طری حضض مکی کل سرخ فوفل زعفران مساوی کوفته بپخته با آب کاسنی تازه طلا کنند \*  
 طلائیکه شرتاق را نافع باشد \* صنعت آن صبر سقو طری یک رم شیاف مامیثا اقا قیا مرید از هر یک دو درم زعفران نیم درم  
 کوفته بپخته با آب کاسنی تازه طلا کنند \* طلائیکه حبوط عین را سود دارد \* صنعت آن صبر حضض مکی اقا قیا عصا رة لحيه  
 التیس با آب عنب الثعلب طلا کنند \* طلائیکه ورم چشم را به نشاند و درد ساکن کند \* صنعت آن عدس مقشر صندل  
 سرخ از هر یک دو درم کافور دانه کی و نیم با آب کاسنی تازه سرشته بر پیشانی و جفن طلا کنند و در نسخه دیگر کل سرخ نیز داخل  
 است \* طلائیکه همین خاصیت دارد \* صنعت آن صبر سقو طری شیاف مامیثا حضض مکی زعفران اقا قیا کل ارمنی صندل  
 سرخ مساوی با آب عنب الثعلب با کلاب طلا کنند \* طلا نافع مقوی که قضیب را بزرگ گرداند \* صنعت آن خراطین و علق خشک  
 کرده بگویند و نرم بپخته بر روغن کنجیل پیا میزنند و بر ذکر طلا کنند \* طلا نافع مقوی و مسک \* صنعت آن بیضه کنجشک را با

مسکه مخلوط کرده بر هر دو کف پا بمالند تا که جل تب شود مقوی و ممسک است و همچنین چون خون خفاش را بر کف پا خوب  
بمالند نفوذ آورد و مجرب است \* طلائی مقوی و ممسک دیگر صنعت آن سبزی که از میان کنول کشته بر می آید یک عد در  
خردل زرد چهار دانه اسپند پا نژده دانه تخم تا توره ده دانه پوست بیه حنظل یکوتی نرم سائیده با لعاب دهن خمیر کرده  
سه چهار ساعت پیش از مغایرت بر کف پا و دست طلا کنند \* طلائی دیگر برای قوت پا \* صنعت آن سلطان را با روغن  
کاو یا روغن کنجد بریان کرده بر قضیب طلا نماید دراز و سطر و سخت و پر قوت گرداند \* طلائی که قو با را نافع است \*  
صنعت آن کوگرد دودرم سفید آب رزیزهشت درم مویزج یکد رم با سرکه طلا نماید چنانچه رسم است \* طلائی که همین  
خاصیت دارد \* صنعت آن خربق سفید تربل صاف سوخته نظرون از هر یک سه درم کوفته بیخته بسرکه تر کرده طلا نماید \*  
طلائی که همین منفعت دارد \* صنعت آن اشق ترمس از هر یک یکد رم بوره ارمنی دودرم بسرکه کهنه سرشته طلا کنند و بعد  
از ساعتی با آب گرم بشویند \* طلائی که مجرب است جهت امراض جلای خصوص قو با بجمیع اصناف آن \* صنعت آن  
شوفیز صندل سرخ سرکه کهنه با آب برک کشنیز تریمالند \* طلائی که قو با را سوددهد و نافع باشد \* صنعت آن خردل تخم  
ترب کندش تخم جرجیر از هر یک سه درم با آب گرم بسرشن و طلا کنند \* طلائی دیگر همین منفعت دارد \* صنعت آن  
روغن کل سرخ سرکه کهنه از هر یک قدری بوره ارمنی یکد رم درهم معزوج نموده طلا کنند \* طلائی که قو با را نافع بود \*  
صنعت آن کوگرد زرد دودرم سفید اج هفت درم مویزج ترمس بوره ارمنی از هر یک یکد رم مجموع را کوفته بسرکه معزوج  
نموده خوب درهم بسرشن و طلا نمایند \* طلائی که قو با و سقعه را نافع بود \* صنعت آن تخم حنظل کندش و کوگرد زاج از  
هر یک سه درم مامیثا هشت درم مرداسنگ چهار درم اجزا کوفته بیخته با روغن زیت طلا کنند \* طلائی که قو با و خارش که در  
مقعد و رخصیه باشد نفع دهد \* صنعت آن اشق ترمس صمغ سد آب از هر یک پنجد رم سفید اج چهار درم کوگرد زرد  
مویزج از هر یک سه درم شب یمانی سوخته پنجد رم مجموع را کوفته بیخته بر روغن کل و سرکه آمیخته طلا کنند \* طلائی که  
قی و حیضه را نافع باشد \* صنعت آن رامک سک کرد سماق از هر یک جزوی کوفته با آب برک مورد آمیخته بر معد طلا کنند \*  
طلائی که مقوی کبد است \* صنعت آن صندلین ده مثقال کل ارمنی سماق طباشیر کلنا رطین قبرسی عصا و لسان الحمل  
عصا و الحیه التیس کوفته با آب لسان الحمل و آب عصا الراعی و کلاب و آب برک رز سرشته بر کبد بمالند \* طلائی که  
و خارش را نافع است \* صنعت آن تخم خشخاش اسفناج از هر یک سه درم بوره ارمنی یکد رم مجموع را کوفته بسرکه معزوج  
نموده طلا کنند \* طلائی که کلف را بر طرف کند \* صنعت آن تخم ترب تخم خربزه آرد با قناد سرکه خیسانید و خشک نموده مغز  
بادام تلخ قسط تلخ کلیل الملک کثیرا همه اجزا را مساوی کوفته بیخته با شیر میش آمیخته بر محل کلف طلا نماید و در حمام با آب  
گرم بشویند \* طلائی که همان نفع دهد و قوی زایل باشد \* صنعت آن پوست تخم مرغ اشنان با آب خربزه برورده یا با آب  
جو و نیم نی پوست عدس معشرا آرد یا قلا فوفل کف دریا مامیران چینی همه بر آب کوفته بیخته با آب ترب آمیخته طلا کنند \*  
طلائی که از جهت کلف نافع باشد \* صنعت آن ترمس تخم ترب جرجیر قسط بادام تلخ بوداده بوره ارمنی فلفل مغل مساوی  
با آب برک ترب طلا کنند \* طلائی که مزیل کلف است \* صنعت آن براده دندان فیل تخم انجیر لوبیا سرخ ماش مغز بادام  
تلخ اجزا مساوی کوفته بیخته با آب جو سرشته شب طلا نماید صبح با آب گرم بشویند \* طلائی که لکف نشاء عاج بز را تبین  
ماش لوز المرو لوبیا احمر مکمل جزء مایق و پنخل و بیل بماء الشعیر و بطای به لیلایو یغسل من الغل بماء حار \* طلائی که کاف  
تخم ترب تخم با قلا اجزا مساوی کوفته بیخته با سرکه سرشته طلا نماید \* طلائی که لقوه را سود دارد \* صنعت آن صبر سقوطی  
حضض مکیا قاقیا عصا و الحیه التیس با آب عنب الثعلب طلا کنند \* طلائی دیگر که لقوه را سود مند بود \* صنعت آن صبر زرد

زرد حصص مکی از هر يك يك درم و هفتر آن دود آنک با کلاب سوده طلا نمايند \* طلائيکه آن ت جماع بيفزايد \* صنعت آن  
 ها قرقرها کيابه چيني دار چيني زنجبيل از هر يك قد ري گرفته بيخته با عسل بيا ميزند و بر دگر طلا کنند که آن ت  
 بيفزايد \* طلاي ديگر که همين نفع دارد \* صنعت آن فلفل زنجبيل سقمونيا عسل بيا ميزند و بر دگر طلا نمايند  
 که آن ت بيفزايد \* طلاي ديگر که ليتر غس را مفيد است \* صنعت آن موی سر آدمي را بسوزانند و نرم سوده با  
 سرکه مزوج نموده بر پيشاني و سر طلا نمايند \* طلائيکه مانع آبستني باشد \* صنعت آن روغن کنجد قطران درهم  
 آميخته بر قضيپ طلا کنند و با زن صحبت دارند \* طلائيکه چون بر قضيپ طلا کنند و با زن صحبت دارند آبستن نشود  
 و اگر آبستن باشد بچه بيند از \* صنعت آن آب برک سد آب برک قطران از هر يك قد ري چنانچه رسم است طلا کنند و  
 به صحبت مشغول شوند \* طلائيکه مسامير را سود دهد و آن فولولی باشد که در اندرون کوشيت بهم رسد و بيشتر بر انگشتهها  
 پديد آيد و مانع رفتن شود اگر ممکن باشد به پزند و بيرون آورند و الا مثل غل در درهم بشکنند \* صنعت آن خاکستر  
 حلزون خاکستر ابن عرس از هر يك جزوي با پيه بزبي نمک طلا نمايند و بسوب بستن علاج کنند و الا اين طلا بکا ريوند \*  
 صنعت آن انزروت نوشادر زنگار يا آب صابون طلا کنند \* طلائيکه معد را قوت دهد و قی با زد ارد \* صنعت آن کل سرخ  
 اقا قيا کلنا رفا رسي ما زرجوزا السز و برک مورد طباشير سعد را مک سک از هر يك جزوي گرفته بيخته با آب به يا آب برک  
 مورد سرشته بر معد طلا نمايند \* طلاي ديگر که معد را قوت دهد \* صنعت آن سنبل الطيب سعد کل کلاب را مک مصطكي  
 قصب اند ربره از هر يك جزوي گرفته بيخته با آب به بسروشند و بر معد طلا کنند \* طلائيکه مورچه سمی کزیده را نافع و درد  
 وجع و ورم آنرا بسه چهار دفعه ماليدن زائل ميکند و مجرب است \* صنعت آن کل مولسری فلفل سياه سرمکس آهن سوده  
 از هر يك قد ري کل مولسری از همه زياده با آب نرم سوده گرم کرده مکرر طلا نمايند تا جائیکه ورم کرده است \* طلائيکه موی  
 را از ريختن نگاه دارد \* صنعت آن پرسيا و شان لادن افسنتين رومي حب الغار مساری بکوبند و بروغن مورد به پزند  
 و طلا کنند \* طلائيکه شکستن و شکافتن موی را سود دارد \* صنعت آن برک چغندر لعاب بزرقطونا در حمام در سر و ريش  
 طلا کنند \* طلائيکه منع انبات موی کند \* صنعت آن بکيرند وزغ را در سياه خشک کنند و سايند و خون لاک پشت نهري  
 خشک کرده آهک بوره ارمني مرد اسنک صدف سوخته از هر يك قد ري با آب بسروشند چون موی بغل و عانه را بر کنند و بران  
 موضع طلا کنند و نیک بمالند ديگر موی نروید مغل رات و مبردات نیز همين خاصيت دارند مثل آنکه اگر موی از موضعي  
 بر کنند و بران موضع بنک و شوکران و افیون بمالند موی بر تپايد \* طلائيکه موی بر و پاند و اءا نعلب نافع باشد \*  
 صنعت آن لادن سوخته چوب لبان شقایق بروغن مورد طلا کنند یا برک مورد گرفته بالادن و مومکي و روغن مصطكي  
 بمالند یا فاقاح از خرقنفل سعد مازو گرفته بيخته با شراب طلا کنند یا سم استر سوخته با روغن یا دنبه بمالند بعد از آنکه  
 با پياز منصل چندان بمالند که سرخ شود و اگر زبد البحر را تينچ سوخته بروغن زيت طلا کنند همين خاصيت دارد \*  
 طلائيکه چون بر سر اقرع بمالند موی برويا ند \* صنعت آن فلفل گرفته بيخته بزهره خوک و عسل بسروشند و طلا کنند \*  
 طلائيکه موی را سياه و قوي کرد اند \* صنعت آن برک مورد و پوست سبز تريون کردگان اقماع کل سرخ از هر يك يك جزو  
 پرسيا و شان حب الغار از هر يك نيم جزو گرفته بيخته با روغن زيت طلا نمايند \* طلاي ديگر موی را در زکند و سياهي  
 آنرا نگاه دارد ملايم و نرم کند \* صنعت آن لادن مغز انه زرد آلوبرک درخت آزاد پرسيا و شان از هر يك يك جزو گرفته  
 بيخته روغن حنا و روغن آمله و روغن لاله و سبوس و سوسن از هر يك قد ري لعاب خطمی عصاره برک چغندر از هر يك بقدر  
 حاجت مجموع درهم مزوج کرده طبع نمايند که بقوام غاليه رسد پس نگاه دارند و رفته دو بار سياه بار موی را با اين

عامله کنند و پس از د و ساعت بشویند و اگر خواهند نیم درهم مشک در فن اجزا داخل کنند \* طلائیکه موی را از ریختن  
 نگاهد ارد \* صنعت آن لادن پرسیاوشان افسنتین حب الغار اجزا مساوی کوفته بمخته بروغن مورد آمیخته بروم طلا  
 کنند \* طلائیکه موی را از شکافتن نگاهد ارد و نکند ارد که بریزد \* صنعت آن برک چغندر لعاب خطمی لعاب بزر قطونا همه  
 را درهم آمیخته در حمام بروی سر و ریش طلا کنند \* طلائیکه موی را بر وید و داء الثعلب را نافع باشد \* صنعت آن لادن  
 سوخته چوب کنان کل شغافق فقاخ از خرقه سعل ما زوی سوخته سم استر سوخته اجزا کوفته بمخته بروغن مورد و روغن  
 مصطکی آمیخته طلا کنند \* طلائیکه منع انبات موکند و نکند ارد که مو بر آید \* صنعت آن وزق را در سایه خشک کنند و  
 کوفته نرم بسایند و خون لاک پشت خشک کرده آهک بوره مود استک صاف سوخته از هر یک قدری با آب بسروشند و در  
 محلیکه خواهد مو بر نیاید طلا کنند و اگر موی بر آمد \* باشد موی را بکنند و طلا کنند \* طلائیکه همان دفع دهد و در منع  
 انبات موی مجرب است \* صنعت آن شیره انجیر خایه مورچه توشی ترنج از هر یک قدری با آب بسروشند و در محلیکه خواهند  
 موی بر نیاید طلا کنند و اگر موی بر آمد \* باشد موی را بکنند و مکر آنجا رابه بنک و شوکران و افیون طلا کنند و اگر موی  
 آنجا بر نیاید \* طلائیکه منع روئیدن موی کند \* صنعت آن آهک را در سرکه طبع نمود \* بعد از تنف موی طلا کنند \* طلا  
 که موی را ببرد که نوره نامند \* صنعت آن آهک آب ندید \* چهار جز و زرنیچ یک جز و آهک را در آب حل نموده صاف نمایند  
 که بسیار غلیظ باشد و زرنیچ را نرم سائیده با آن ممزوج نموده بکنند و در د و سه ساعت کامل نامزاج کبیرد پس در جایکه قلع  
 موی آن منظور باشد بمالند و لمحده بلعده ملا خطه نمایند چون مویها را جل اندوده باشد با آب گرم بشویند و اگر آهک  
 آب ندید \* باشد آهک با آب محلول نیز خوب است و اگر بعد ممزوج نمودن زرنیچ قدری بر آتش کنند که بک جوشی  
 بخورد پس فرود آورده بکنند و آن گرمی آن کم شود پس طلا نمایند بهتر است و اگر جهت کسوحل آن یک عدل سفید \*  
 تخم مرغ ممزوج نمایند نیکو است و اگر بعد غسل آن موضع زخم یا خراشی شود سفید \* تخم مرغ را ممزوج بروغن گل  
 تازه کرده طلا نمایند و مالیدن کت هندی با آب سائید \* یا خشک سفوف نمود \* بران پاشید \* نیز نافع است \* طلائیکه منع  
 نزلات دماغی کند و نکند ارد که برسینه و شش بویزد \* صنعت آن اقا قیما صبر شیاف مامیثا حضض مکی کل ارمنی صمغ عربی  
 زعفران کوکنا رومکی اجزا کوفته بمخته همه را به سفید \* تخم مرغ بسروشند و بر شقیقه و پیشانی طلا نمایند \* طلائیکه نشان  
 آبله ببرد و بشوره را صاف کند \* صنعت آن مرد استک مد بر بیخ نی خشک کرده آرد نخود استخوان بوسید \* آرد بر بیخ تخم  
 خربزه حب بلسان مر قسط اجزا بر مر را بلعاب حلبه حل کنند و در او را با آن بسروشند و طلا کنند \* طلائیکه نعوظ آورد  
 و ذکر را محکم کند \* صنعت آن بسباسه مغز پنبه دانه تخم ترب عاقر قرحا جل و اریطائی پیاز نوکس اسارون از هر یک جزوی  
 کوفته بمخته بیست و یکبار همراه شراب کهنه یا عرق قندی سحقی کنند و خشک سازند و نگاهد ارد و هنگام ضرورت قدری  
 از آن با آب دهان تر کرد \* و روحوالی قضیب و خصیه طلا کنند \* طلائیکه نقرس مرکب را نافع بود \* صنعت آن مغاث خطمی تخم  
 مورد آرد جو سوزنجان اجزا کوفته بمخته قدری آب را بجوشانند و اجزا با آن بیامیزند و طلا نمایند \* طلائیکه نافع جهت  
 نمش که بروجه بود \* صنعت آن نمک اشنان است \* تمر صاف محرق از هر یک د و جز و آهک یک جز و در دایه صوم مرورق  
 الغار حب الغار کوفته بمخته مفرد یا مجموعا بسرکه خمور استعمال نمایند \* طلائیکه نافع است از برای وجع مفاصل از  
 صبریات حکیم عماد الدین محمود \* صنعت آن موم میائی معد نی جل و اریطائی قسط حب الغار صمغ مرکب زرنیچا و اگر  
 ترکی بود نه با روغن سوسن و روغن بادام تلح طلا نمایند \* طلائی که نردی منقول از مجربات حکیم محمد باقروا حکیم  
 عماد الدین محمود حسینی شیروزی از خط معز الیه نافع از برای ابرام حاره که غیر مغابن باشد \* صنعت آن صندل سر

سرخ عصاره مامیثا کل سفید معروف بورذ چینی حصص مکی فوفل زعفران کوفته با آب سرشته اقراض بشکل مهرهای نرد سازند و بوقت حاجت یکی را با آب کاسنی تازه و کلاب و آب عنب الثعلب سوده طلا نمایند \* طلای نردی ابن رضوان نافع از برای ودع ماده در بند ای جمیع اورام حاره که محتاج باشند بدفع \* صنعت آن صندل سرخ طین قیمولیا و اکو طین قیمولیا می یافت نشود بدل آن طین اندلس که آنرا طین مغری نیز گویند از هر یک پنج گرم صندل سفید عصاره مامیثا رهبانی از هر یک سه گرم کل ارمنی ده گرم فوفل اقا قیا حصص هنلی از هر یک دو گرم مرداسنگ سفید اب ارزیز تو قیام کرمانی از هر یک یک گرم ادویه را کوفته بپخته با آب کاسنی تازه سرشته اقراض سازند بشکل مهرهای نرد \* طلای نردی به نسخه دیگر جمیع اورام حاره را در ابتدا ودع ماده کند \* صنعت آن صندل سرخ شیا ف مامیثا رهبانی از هر یک دو گرم کل ارمنی ده گرم فوفل اقا قیا حصص مکی از هر یک دو گرم سفید اب ارزیز مرداسنگ از هر یک یک گرم طین قیمولیا پنج گرم کوفته بپخته با آب کاسنی تازه سرشته کلوها سازند بشکل مهرهای نرد و در وقت حاجت با آب کاسنی سائید \* طلای طلا نمایند \* طلای نردی در ابتدا ای اورام حاره مواد را منع کند از انصباب و منافذ و مجاری را صیقل گرداند \* صنعت آن صندل سرخ صندل سفید اقا قیا ورق کل سرخ کلنا فارسی شیا ف مامیثا را مک حصص مکی اجزا مساوی کوفته بپخته کلوها بشکل مهرهای نرد سازند و در وقت حاجت بکلاب و آب کاسنی تازه و آب کشنیز تازه سائید و بر موضع حاجت طلا نمایند \* طلا نیکه ورم حار جگر را نافع بود \* صنعت آن بنفشه خطمی آرد جو از هر یک هفت گرم کل سرخ چهار گرم صندل لیل با بونه اکلیل الملک تخم کاسنی تخم کشوت نیلوفر از هر یک دو گرم شیا ف مامیثا سه گرم ربون چینی یک گرم سنبل الطیب پنج گرم کوفته بپخته بکلاب و آب کاسنی تازه طلا نمایند \* طلا نیکه ورم حار خصیه را نافع بود \* صنعت آن اکلیل الملک خطمی شیا ف مامیثا بوش در بند ای از هر یک هفت گرم صندل سفید صندل سرخ از هر یک سه گرم بنفشه دو گرم کوفته بپخته تازه طلا نمایند \* طلا نیکه چون بر خصیه بمالند نکل آرد که کلان شود \* صنعت آن طین قیمولیا سفید اب ارزیز از هر یک دو گرم شب یمانی ماز و از هر یک یک گرم و نیم کوفته بپخته بعسل و روغن مورد چند نوبت طلا کنند \* طلا نیکه بجهت ورم بیضتین نافع است \* صنعت آن صندل سرخ کل ارمنی شیا ف مامیثا حصص مکی بوش در بند ای طین قیمولیا طین شاموش بیضه سنگ پشت آرد با قلا با آب کاسنی تازه و آب عنب الثعلب و آب کاهور سرکه کهنه سائید و طلا نمایند \* طلا نیکه نافع است ورم خصیه را \* صنعت آن اکلیل الملک با بونه خطمی مقل الیهود و بزالمرو حابه و آرد نخود زیره از هر یک جزوی مجموع را کوفته بلعاب بز رکنان سرشته طلا نمایند \* طلا نیکه ورم خصیه را سودمند است \* صنعت آن آرد با قلا آرد عدس خطمی کل بنفشه کوفته با آب عنب الثعلب و کلاب سرشته طلا نمایند \* طلا نیکه ورم خصیه را که از کرمی بوده باشد نافع است \* صنعت آن آرد جو آرد با قلا آرد کرسنه آرد عدس خطمی کل بنفشه کوفته با آب عنب الثعلب و آب کشنیز تازه و آب مامیثا و کلاب سرشته بر خصیه طلا نمایند \* طلاء لورم الخصیه \* صنعت آن زهره کار کندش صبر سقوطی طلا کنند \* طلا نیکه ورم گوش را نافع بود \* صنعت آن صندل سرخ کل ارمنی شیا ف مامیثا فوفل عدس مقشر حصص مکی از هر یک جزوی با آب کشنیز تر و آب بستان افروز بسایند و بر ورم طلا کنند \* طلای دیگر که همین نفع دارد \* صنعت آن صندل سرخ فوفل شیا ف مامیثا زعفران صبر سقوطی مر مکی مساوی بکلاب سوده طلا نمایند \* طلای دیگر که ورم و حرارت جگر را نافع باشد \* صنعت آن صندل سفید کلاب آب برک حی العالم مجموع را با هم آمیخته بر جگر طلا نمایند \* طلای دیگر که همین منفعت دارد \* صنعت آن صندل ربون چینی تخم کشوت کوفته بپخته با آب عنب الثعلب آمیخته بر جگر طلا کنند \* طلای دیگر که ورم جگر را که از حرارت باشد سود دارد \* صنعت آن صندل لیل آب عنب الثعلب آب برک حی العالم کلاب بنفشه آرد جو چنانچه رسم است درهم آمیخته

بر چکر طلا کنند \* طلا نیکه بجهت هیضه نافع است \* صنعت آن آفاقیا کلنا ز کمون طین ارضی صندل سرخ قشور الزمان سوبق  
الشعر اجزا اعتدالی با آب مرورد و آب سفرجل و آب تفاح سرشته طلا کنند \* و طلا ی حب الالم و اسفیداج و افیونی و  
خشخاش و افیون دار و چوب چینی و رمان و زیمق و صبر از هر یک در رسوم خود مذکور شد نک \* طلق بفتح طای مهمله و  
سکون لام و قاف آنرا کوب الارض و هرق العروس نیز نامند و بغا رمی ابرق بقاف و بهندی ابرک بکاف گویند معروف است و  
آن سفید نقره مانند زرد طلائی و یمانی و هندی و مغربی میباشد و بهترین آن یمانی است که صفای آن بزرگ و بسیار  
رقیق جل اشود و بواق و صد فی رنگ باشد و ماثل بسیاری نباشد درد و بیم سرد و در آخر سیم خشک و مستعمل محلول و  
محبوب آن است و طریق حلب و اقسام خل او مذکور میشود و چون به تنهایی نمیسوزد اخراق آنرا بانوشاد روکس البیض  
ممکن دانسته اند و شرب آن جهت اسهال دموی و کمیدی و نزف الدم اعضاء و قوهای حاره و ریزانیدن سنگ کرده و مثانه  
و با غسل جهت سوخته حار و با آب بارتنگ جهت تغف الدم سینه و رحم و بواسیری مدیل و طلائی آن جهت قرح و رطبه  
قصب و اعضاء عصبانی و حكه و جرب و جل ام متقرخ و آثار سیاهی جل و او را م حاره و بواسیر بغایت سفید و مضر سپرز  
کرده و مصالحش کتیرا و تخم کونس و شربتش تا نیم مثقال است و شکر رفع تشبث او باعضاء باطنی میکند و چون محبوب آنرا  
مانند غبار سائید و رفع نمک آنرا بیشترین مکرر نموده با صمغ عربی و آب حل کنند و اعمال نقاشی و مانند آن بهتر از  
ورق نقره است و چون زعفران اضافه نمایند مثل رنگ ورق طلا محلول و بازنگار زمردی و با عصفور سفیدی میشود و چون با  
شب یمانی و خطمی و مغره و سرکه و سفید و تخم مرغ بر اعضاء طلا کنند مانع سوزانیدن آتش است و اهل صنایع طلق را  
مطهر قلعی میداند هرگاه با آن کک اخته شود \* دستور محبوب کردن طلق آنست که طلق را با آتش سرخ نموده در آب سرد  
نمایند و بگویند تاریزه گردد و اگر دو مرتبه با آتش سرخ نموده در آب مطفی نمایند بهتر است پس طلق را در کیسه کرباس  
مستحکم نموده سنگریزه ها بقل و فنل قی دوران انداخته کیسه را بقوت تمام بمالند و در آب کرم یا آب طبیخ با قلا بیفشارند  
تا مثل شیر از کیسه تراوش کند پس بکند ازند تا نه نشین شود آب بالای آنرا ریخته که نشین را خشک نموده استعمال نمایند \*  
طریق سوختن طلق بطور مذکور آنست که طلق را بمطرقة نرم سازند پس سه روز در سرکه انگوری که نه بسیار تند نبخشد بمانند  
و پس از سه روز بهمان سرکه چند جوشی بدهند و از سرکه برآورند و پارهای سنگ ریزه سخت در آن آمیخته در کیسه کرده  
در ظرفی بکند ازند و ظرف را از سرکه مملو سازند و بتدریج کیسه را از دست بمالند که همگی طلق مضجج گردد پس از کیسه  
برآورند و در روی سنگ نرم بسایند و قوسها ساخته در ظرف کلی کنند و ظرفی دیگر بر سر آن ظرف محکم نمایند و تمام ظرف را  
بکلی حکم بپزند و در میان آتش سرکین کار و صحرائی بنوعیکه در صفت قتل آهن مذکور شد بکند ازند که خاکستر گردد و هر بار  
که از آتش بر می آورند با آب بهنکره و آب بربک تا توره و آب هلیله و بلبله و آمله از هر یک جدا جدا مکرر بسایند و قوسها  
نموده خشک ساخته باز در صافی کرده بهمان طریق آتش دهند و به تکرار بطوریکه مذکور شد آتش کنند و گفته اند که تا  
سه صد بار بلکه زیاده آتش باید داد و نهایت سوختن طلق آن است که هرگاه در برابر آفتاب بکند ازند در خشک کی نداشته  
باشد و بر آبی از خاکستر آن محسوس نشود نگاه استعمال نمایند \* نکلیس طلق آنست که طلق را مقروض نموده در کیسه  
کرباس محکم دولایی کرده چند عدد استخروما در میان آن کیسه اندازند و در میان طشتی با آب کرم بدست بمالند  
تا از کیسه بیرون آید پس آب را بجو غلقه از وی بگردانند و خشک کرده باشند و عقاب مساری الوزن سحقی بلیغ نموده در  
کوزه مطین محکم کرده سر آنرا مسک و دکنند و آتش شدیل سه شبافر و زین هند نگاه برآورده سرد نموده وزن نمایند  
اگر عقاب با تمام رفته باشد و الا باز آتش دهند تا بالتمام برود پس با مسوی آن شوره قلمی صلایه بلیغ نموده بدستور اول

اول در کوزه مطین نموده آتش دهند بسیار سفید و مکناس خواهد شد پس در آن مراغن مل کوره و جهت قالیج و دوا سیر و بکار برین مل سفید و مجرب است منافع آن اطباء هند را عقیدت آن است که طلق کشته صرع و عیتهای یادی را دفع میکند و فربیه می آورد و مسمی را می افزاید و طعام هضم میکند و سنگ و ریزه کرد و مثانه می ریزد و انواع اسهال را مفید باشد و حرارت غریزی می افزاید و مقلد ارشربتی ازان دودانک است تا نیم مثقال همواره بعضی از ادویه که مناسبت بامراض مذکوره داشته باشند \* دستور حل طلق چنان است که طلق را شکافته ورق ورق از هم جدا سازند و ریزه ریزه نموده در ظرفی از آبکینه که ضخیم باشد کرده بول انسان بر بالای آن کنند و ظرف را از بول انسان مملو سازند و مدت چهل روز طلق را در میان بول بکند ارنده پس از چهل روز از میان بول بر آورند و خشک سازند و در مثانه گاو کرده مثانه را در میان ظرف آبکینه ضخیم بکنند و ظرف آبکینه را در خمی که از سرکه کهنه مملو باشد آویخته در رند بنوعیکه سرکه داخل ظرف آبکینه نشود و بعد از پانزده روز آن ظرف آبکینه را از میان سرکه بر آورند پس بقدرت الهی جلشانه تمام کداخته مانند آب صاف شده باشد \* دستور حل طلق بنوعی که باید که سر قریب را سوراخ کرد و جوف آنرا خالی نموده از طلق مخلوب مملو ساخته در آن آنرا به ازهای ترب مسدود کنند و در زیر سرکین تازه سه روز بکند ارنده پس مخلوب او را چون آب سفید مشاهده نمایند \* حل طلق بطریق اسهال صابون جلی را بر طلق بمالند و طلق را در ریخته کرده در آن آتش برافروزند و بعد ازان بطریق جواهر بر روی سنگ سماق صلیبه نموده استعمال نمایند \* در هن طلق منقول از طب کیمیای براکسوس قروح و صلابات را نافع است \* صنعت آن یکمیزند طلق مکناس هر قدر که خواهد و حل کنند در سرکه مقطر پس تعطیر کنند ازان سرکه را را آنچه باقی ماند در اسفل قرع حل نمایند محل رطوبت و بکار برند \*

**فصل در ذکر نسج اقراص کوکب \*** قرص کوکب گفته اند که این قرص اول قرصی است که تالیف شده و تالیف ساحیوس حکیم است و بعضی دیگر گفته اند که اول قرصی که تالیف شد و قرص اندروماخس است که جزو تریاق فاروق است و شیخ داود انطاکی گفته که وجه تسمیه این قرص بقصر کوکب این است که صاحب این قرص ساحیوس حکیم تسخیر کوکب یعنی زحل کرده بود و زعم سلیموس آنست که زحل با آن خطاب کرده بصفت و منافع این قرص و شیخ رئیس گفته که مبالغه کرده اند قل مای اطباء و تعظیم این قرص و نامید اند آنرا قرص کوکب و این قرص نافع است از برای ضعف معده و وقتی که بسبب ضعف قبول نمایند فصولی را که متوجه آن میشود از سترا اعضا و از الة جشای خامض می کنند و طلای آن بر پیشانی ساکن میگردد اند صلاح را نافع است از برای نزلات و از برای دردند ان و کلب اشته میشود در دند ان کرم خورده پس ساکن میگردد اند در آنرا و نافع است از برای درد کوش و نفث الدم و سیلان خون از هر عضو که باشد از برای سرفه مزمن و همیانت مزمنه و اثره چون در آب مرزنجوش خورده شود و از برای سخوم ملد و غه و مشروب چون با آب مطبوخ سد اب بیا شامند و از برای قروح امعا و مثانه چون با شراب آشامیده شود و شیخ داود انطاکی گفته که این قرص نافع است از برای ضعف معده و و دماغ و کبد و طحال و از برای فصول غلیظه و صدادع و فواق و نفث الدم مطلقا و قروح امعا و قولنج صاحب میزان الطباء گفته که چون این قرص را با سرکه انکورج سوده بر پیشانی طلا نمایند در سرد شود منک است و با شراب سفرجل برای اسهال خون و قروح امعا که از باغم باشد و از برای قروح کلیه و مثانه سود مند باشد و غرغره کرده شود و محلول آن در ریخته خنای بلغمی را باز دارد سید اسمعیل در ذخیره آورده که طبیبان پیشین این قرص را مبارک دانسته اند و منافع بسیاری از برای آن شمرده اند و از جمله منافع که ذکر کرده اند از برای آن آنست که چون با آب مرزنجوش حل کرده در کوش چکانند در کوش را زایل کند و کسان را که جانوران زهر دارگزید و یا شد یا زهر خورده باشند چون با آب سد اب بخورند سود



دهد و از برای اسهال و قروح امعاء که از یلغم باشد و قروح مثانه چون با شراب سفوف یا شامنی شود ذهل و از برای خنای  
یلغمی چون باریب الجوز یا میخچه غرغره نمایند زائل کند و شیخ رئیس گفته که چون جزو معدّه این قرص کوکب الارض است  
و اکثر اطباء را اعتقاد آنست که کوکب الارض طاق است و آنرا قرص کوکب از آن جهت نامیده اند و بعضی را کان آنست  
که طین شاه موس است و میفرمایند که ظن من آنست که قول اول صحیح باشد زیرا که طلق می چسبید بخمّل معدّه و ترکیه آن  
میکنند و قوت میدهند آنرا با اعتبار آنکه جمع میشود حرارت معدّه در باطن پس بسبب حرارت در باطن قوی میگردد  
فعل حرارت غریزی و فضولیکه جمع باشد در معدّه و احشای تحلیل میدهند آن فضول را و نیز نمیکند که فضول از اعضای  
دیگر انصباب یا بل بمعدّه و بیاورد آنست که طلق منفعل نمی شود از حرارت غریزی چنانچه سائردویه که چون وارد بدن شوند  
منفعل می شوند از آن زیرا که تا منفعل نشوند از حرارت غریزی کیفیت بالقویه آنها بفعل نمی آید تا فعل کنند و چون منفعل  
نمی شود پس فعل آن در بدن بکیفیت خود اهل بود بلکه اثری است از آن در بدن از غیر فعل و انفعال چنانکه اثر کوکب سما  
که بغیر فعل و انفعال میباشد پس کان من این است که تسمیه آن بکوکب به همین اعتبار باشد بخلاف مرکبات عنصوری دیگر  
که اثر نمیکند در بدن مگر آنکه منفعل شوند از حرارت غریزی تا کیفیت بالقویه آنها بفعل شد و فعل کنند در بدن  صنعت  
آن به نسخه شیخ رئیس گفته که من ذکر میکنم اجزای این قرص را بنسخه که از قن ما بمن رسید و بی زیادتی و نقصان و تغیر  
در اوزان و کیفیت ترکیب آن بکیرند مرصافی مکی چند بید ستر سنبیل الطیب سلیخه طین مختوم پوست پیچ و بروج  
از هر یک چهار درم قسط تلخ افیون زعفران کوکب الارض محلوب که آن طلق است از هر یک پنج درم و در بعض نسخه چهار  
درم است تخم خشخاش سفید شش درم و در نسخه دیگر هفت درم است و قوانیسون بزرسیسالیوس بزرالینج سفید  
میعه سائله تخم کرفس از هر یک هشت درم صمغ راد شراب ریحانی خیسانید و حل سازند باقی ادویه را کوفته بپخته بدستور  
مقرر اوقاص سازند هر قوصی بوزن نیم درم و در سایه خشک کنند شربتیک قرص و صاحب میزان اطباء نفع گفته که مزاج  
این قرص گرم است و ثلث درجه اولی و خشک است در یک درجه و باید که استعمال کرده شود بعد از ششماه از ساختن  
آن و در مرکبات اختیارات بل یعنی کل ارمنی چهار درم و به نسخه دیگر ارجینی بجای آن بوزن آن بر اجزای شیخ رئیس  
افزوده و از اجزای نسخه شیخ رئیس قسط و افیون و زعفران و خشخاش داخلند و در وزن کوکب الارض چهار درم است  
و گفته که مر و میعه سائله را در مثلث و بک ازند و باقی ادویه را کوفته بپخته با آن بسرشند و قرص سازند و شربتیک نیم مثقال  
و قوت این تا دو سال باقی میماند و صاحب ذخیره این قرص را در ضعف کرده ذکر کرده و گفته که انقطاع علت این قرص را  
با شمشیر و یا طبیع را زیاده جهت تقویت کلیه میدهند  قرص کوکب الارض به نسخه شیخ داود انطاکی  صنعت آن  
دو قوبزرسیسالیوس تخم کرفس انیسون بزرالینج سفید میعه سائله از هر یک هشت درم چند بید ستر سنبیل الطیب پوست  
پیچ لفاع طین مختوم مر مکی صافی سلیخه سیاه طلق محلوب از هر یک پنج درم و در نسخه دیگر تخم خشخاش شش درم داخل  
است و گفته که نزد من واجب است که اضافه کرده شود بر این اجزا مصطکی تلخ طباشیر سفید زعفران حلتیمت از هر یک یک درم  
پس بل رستیکه آنها مناسبست تا مدتها در بدن برای قطع حمیات و رجوع ظهور و اگر زیاده کرده شود بران کافور یا افیون که شلید است  
در دفع خون و در دفع حوقل بول خوب است و بعضی اطباء گفته که قرص های آنرا هر یک نیم درم باید ساخت و بعضی گفته اند  
که این قرص را قرص کوکب نامیده اند جهت وجود طلق در آن که مسمی است بکوکب الارض و نیز گفته که ما نظر کردیم  
در کتب این قرص بقوص دی مقراطیس این بعینه آن بود ولیکن در قرص دی مقراطیس مر مکی مضاعف این قرص است  
زیاده کرده بر اجزای این قرص را زیاده را و نیز گفته که این قرص معتدل است در حرارت و سردی و با پس است در

درجه اول و قوت آن تا چهار سال باقی میماند و شربت ازین قرص نادر و مثقال است \* قرص کوبک الارض منقول و زن  
قرا بادین شغائی معدی ضعیف را قوت دهد و نکند ارد که فضول دران جمع شود و چون بر پیشانی طلا کنند صداع را نافع  
باشد و منع نزلات کنند و چون با زن بیا میزند و بردند آن نهند در آنرا ساکن کند و چون با آب سرد بپوشد در گوش  
بچکانند درد بنشانند و نفث الدم و سیلان خون از هر موضع که باشد باز دارد و سرفه کهنه را سود دارد و قیهها را دانی را نافع  
باشد و اگر با شراب بنوشند اسهال دموی و قروح امعا و مثانه را نافع باشد \* صنعت آن مر مکی صافی چند بیک ستر سنبیل  
الطیب سلیخته کل مختروم پوست بیخ لغاح از هر یک چهار درم افیون زعفران قسط کوبک الارض محلوب که آنرا طلق گویند  
از هر یک پنج درم انیسون دو قوسینسا لیوس بزرا البیج میعه سائله تخم کرفس خشخاش سفید از هر یک شش درم صمغها را  
در شراب ریجانی حل کنند و داروهای دیگر کوفته بیخته با آن بسرشند و اقراض سازند هر قرصی بیک رم و در سایه خشک کنند \*

### باب الطامع الیاء \*

طین حکمت خشک است در درجه سیوم و نافع است از برای نفث المله چون آشامید  
شود با شراب خشخاش و چون ترکند آن را بسر که خمر و یک از آن بر موضع کزین شک دیوانه نفث میله \* صنعت آن  
طین حرا نکشت نمک کل خطمی موی سر آدمی مقراض کرده اجزا مساوی نرم کوبید و بسرشند با آب سرشتنی نیکو  
بسیار زرد دهند و قرصها سازند و نکاهد از آن \* طین حکمت دیگر جهت استحکام ظروف که تاب آتش آورند \* صنعت آن  
کل کوزه کوی را که خاک رست کوبند باید که از یک پاک کرده در آب حل کنند تار قیق القوام گردد این اجزا را بقدر نصف  
کل بعد خشک شدن اضافه کرد تا سه چهار روز مکرر بر هم زنند و باخفت الحید و سر کین اسپ کوفته بیخته کل خطمی  
موی بزمقراض کرده و سائرا جزا را کوفته بیخته با آب نمک بسرشند و بکار برند \* طین حکمت دیگر که مؤلف تذکره بهترین  
اقسام دانسته است \* صنعت آن موی مقراض نمک طعام ز قال کل خطمی خبث الحید پوست تخم مرغ مک یک جزو کل  
پاکیزه دو جزو بستر و مرتب نمایند \* نسخه دیگر که و جیز و کثیرا لثا ئیر است و مکروه تجریده رسید \* صنعت آن خاک  
کوزه کوی را با قدری کاه کوبید و نمک محروق و خاکستر بیخته با آب خمیر کرده استعمال نمایند و اگر از کرمی که بر روی  
کوزه رسیده در حین طبع در کوزه می نشیند مرتب نمایند بهتر است \*

### کتاب العین المهملة \*

### باب العین مع الباء الموحدة \*

#### فصل در بیان نسخ عبیر \*

عبیر ملک شاهي

معطر و مقوی دل و دماغ است \* صنعت آن بکیرند نارنجی و جوف آنرا خالی کنند پس اکسیر دران پر کنند بشرطیکه  
دران عنبر اشهب و مشک و کلاب از هر یک قدری داخل کرده باشند پس در یک مسی با آتش ملایم بجوشانند تا کلاب  
دران خشک شود پس از یک برآورده صندل زرد که بهندی ملاکیر نامند و عود قماری و صندل سفید سوده داخل  
کرده در ظرف چینی بدست بسیار بمالند تا نیکو ممزوج گردد و بکار برند این بهترین عبیرها است \* عبیر عظیم شاهي  
بسیار خوشبو و مقوی دل و دماغ است \* صنعت آن زرنب افکار الطیب که هیولا تنبل سکند و کولازهر یک بیست  
و چهار مثقال ادویه کوفته بیخته عطار کلاب عطر مجموع و عطر عود و عطر صندل از هر یک در درم با آن ممزوج نمود  
استعمال نمایند \* عبیر دیگر که بسیار خوشبو است \* صنعت آن صندل سفید یک آثار حصی لبان یکتوله قونفل جوز برا  
بسیار سه در ارچینی هیل بوا از هر یک دوتوله مشک خالص شش ماشه میعه سائله سنبیل الطیب آهک آنکهی کهنوند از هر یک  
نیم پا و ادویه کوفته بیخته عبیر سازند و استعمال نمایند \* عبیر دیگر که مقوی دل و دماغ است \* صنعت آن صندل  
سفید سه جزو و ریشه والا بیخ سنبیل کل سرخ سنبیل الطیب بیخ سوسن کبود بهار نارنج کل سنجل سعد نارنج شیرازی  
از هر یک جزوی بسیار نرم سائید و استعمال نمایند و اگر قدری بسیار کمی از مشک اضافه نمایند قویتر میشود و اگر عطر

## باب العین مع الرأ المهملة \*

ب و عطرها و هندی نیز اضافه نمایند اقوی اطیب میگردد \*

بد آنکه عرق عبارت از آب

## فصل در بیان نسخ عرقهای مفرد و مرکبه \*

مقطرا زکها و شکوفها و ثمرها و تخمها و برگها و بیجها و چوبها است که با آب در قلع و انبیه تقطیر نمایند و سابق الایام  
سواى ماء الورد که عرق برگ ورد احمر که کل سرخ است بغارسی کلاب نامند مستعمل نبوده و از احداث جلد است  
و دست بدست زیاده شده است و عرق هر چیز لطیف تر از جرم آن چیز است و خواص آن قریب بآن و در بعضی امور  
از آن اقوی و در بعضی مواد از آن ضعیف تر بد آنکه دستور تقطیر عرقها بد و طور است یکی بطریق تنکیس و دریم بطریق  
قرع و انبیه \* اما طریق تنکیس آن است که سرپوش بزرگ قبه دارى را معکوس که قبه آن در اندرون دیک باشد  
دوسر دیک بکند و محاذی تکمه آن سرپوش طاسی یا یا دیه یا ظرفی دیگر معلق بیا و بزند که عرق در آن جمع گردد و  
کنار سرپوش که متصل بد هند دیک است بخمیر مستحکم نمایند که مطلقا بخار بیرون نرود و در جوف آن سرپوش آب  
سرد کنند و چون گرم گردد تبیل نمایند و چون دانند که آن ظرف مملو گردید از عرق سرپوش را برداشته خالی نموده  
باز بدستور سر آنرا محکم نمایند و همچنین تا با تمام رسد \* و اما طریق قرع و انبیه با نحای مختلفه است و بهترین آن  
بدین قسم است که بد و سرپوش دیواره بلندى از مس اگر سرپوش ردیک از مس باشد یا نقره اگر نقره باشد برای آب سرد  
تا عرق بسیار برآید لحیم کنند و بیکطرف آن متصل سرپوش از آن بیرون لوله از برای خالی نمودن آب در میان آن دیواره  
قرار دهند و بلته بند نمایند و هرگاه آب گرم گردد باز نمایند و همچنین و سرپوش محاذی آن لوله لوله دیگر قرار دهند  
که کناره آن از کناره سرپوش جای سوراخ مطلق بلند نباشد و در اندرون سرپوش نیز دیواره اندک بلندى مانده  
بطرف اندرون قرار دهند محاذی لوله که عرقها باز در دیک نرود و جمع شده تمامى آن از آن لوله در قباله بواسطه نیچه  
آید بدین شکل و عرقهای مخصوصه هر دایله آن در رسم خود ذکر یافت مانند آنکه عرق قندى است و عرق ابریشم  
و پوست بها را ترجیح و از خر و اسارون و اسطوخودوس و افستین و انبر یا ریس و انیسون و اهللیج در حروف الالف و  
باء و جیمیه در حروف الباء الموحده و تانبول و قفاح و تنباکود در حروف التاء المثناة الفوقانیة و همین قسم هر یک در حروف  
خود ذکر یافت از اینجا جویند \* بد آنکه عرقها را بعد از سرد شدن در تنک یا صراحی شیشه یا چینی و یا مس قلعی دارو یا  
از روح توتیا نگاه دارند و سر آنرا محکم بندند و آنچه صاحب بواسطه مادام که بوی آن با آنست و خوشبو است و قوت آن باقی  
است و چون ضعیف و زایل شد ضعیف و یا طل میگردد \* عرق را زیانچ در د ویم گرم و در اول خشک مفتوح و مد و مکمل رباح  
و اخلاط و رافع رطوبت و باسکنجبین جهت تپهای کهنه و با خبه که خاکشی و شفتک نیز نامند سنگ شو نموده جهت هیضه  
بلغمی رطوبی نافع \* صنعت آن بکیرند بزر را زیانچ تازه خوب و از خاشاک و خاک اشیای عربیه پاک سازند و بکشاید و روز  
در شش چند آن آب خالص شیرین بخیسانند پس عرق کشند بطریق مذکور و کورتند و سنگی خواهند و اگر سبک و ملایم  
خواهند آب را بحسب آن زیاده نمایند و صنعت عرق بزرگرفس و بزرهاند با ویز و دیگر نیز بدستور عرق بزر را زیانچ است \*  
عرق لسان الحمل که برگ بارتنگ نامند و در ویم سرد و در اول خشک لطیف و قابض و حابس نرف الدم جمیع اعضا  
است و مقوی جگر و مسکن عطش و جهت سل و دق و نفث الدم و قی الدم و سیلان و ربو و قرحه و رثه بول الدم و  
جوششهای دهان و تپهای حار و سده جگر و کرده نافع \* صنعت آن بکیرند برگ بارتنگ تازه هر قلر که خواهند از  
کرد و غبار پاک بشویند و با چهار یا پنج وزن آن آب خالص شیرین عرق کشند و عرق برگهای دیگر نیز بدین قسم است  
و در خواص قریب اشخاص آنها و لطف \* عرق چند قوت دارد ویم گرم و در اول خشک جهت استسقا و آرام بارد و نافع \*

\* صنعت آن مثل صنعت عرق برک بارتنگ است که برک تازه آنرا گرفته عرق کشند و اگر تازه نباشد از خشک آن ربع وزن تازه بگیرند \* عرق خلاف بری که بید ساده نامند درد و بیم سرد و دل را دل خشک مفتوح سد و جگر و ملطف و رافع خفقان و تشنگی و جهت ضعف معد و حار رتبه های محرقه صفراویه و جمیع امراض حاره و رمل و دل اعراض رافع \* صنعت آن نیز مثل صنعت عرق برک بارتنگ است که برک های تازه آنرا گرفته پاک شسته عرق کشند \* صنعت بهار کتب آنست که بگیرند بهار کتب هر قل که خواهند با چهار وزن یا زیاده آب خالص و شیرین بطریق مقرر عرق کشند \* عرق خلاف بلخی که بهرامی نیز نامند و بفارسی بید مشک و در شام شاه بید کویند سرد تراست در اول و جمعی در اول گرم و مائل بخشکی میداند و اصلی آن در محلل و ملطف و مفتوح سد و خفیفه دماغی و مقوی دل و دماغ حار و مسکن صداع که از بخار مواد حاره باشد و ملین طبع و معین باه و مقررین و مقوی احشا است و مانع صعود بخارات بد ماع و مانع غلیان خون و گفته اند که مضر بشواسیف است و مصلح آن کلاب و در جمیع افعال قویتر از سایر عرق بید ساده است که خلاف بری نامند \* صنعت آن آنست که کل آنرا که قبل از برک برمی آید بگیرند هر قل که بخوانند و با هشت وزن آن یا زیاده آب خالص بد ستور مقرر عرق کشند \* بد آنکه عرق سنگین غلیظ این که آب کم و کل بسیار باشد بسیار نفعی مانده و زود فاسد می گردد و الله اعلم بیان عرق های مرکبه \* عرق مسمی بچهار عرق محلل ریاح و از برای اوجاع بارده معد و قولنج ریخی نافع و مجرب است و از برای مزجه بارده مغیل \* صنعت آن ناخواه بادیان صغیرا ذخرا جزا مساوی یک شب در آب خیسانید و صبحش عرق کشند و گاهی بعضی ذخروج ترکی می کنند و گاهی صغیرا ذخرا و برنجاسف و دارچینی بحسب حاجت اضافه مینمایند \* عرق حنطه مسکر با دها و تهیج رافع کند و قوت دهد و نشاط آورد و سرد مزاجان را موافق باشد \* صنعت آن بگیرند کند م پاک کرده یکمن شاه جهانی و آنرا نیم گرفته در چهار من آب بجوشانند و بپالایند و معد ارده سیر شاه جهانی قند سیاه کهنه داخل کرده در خم کنند و در سر کین اسف دفن کنند و چون جوش خورد و برسد بپالایند پس قرنفل چهار درم جوز بوا خولنجان از هر یک پنج درم فلفل سنبل الطیب از هر یک ده درم برک تانبول بیست و پنج عد ددا خل کرده یک شبا نروز بکنارن پس مرتبه دویم عرق کشند و درین مرتبه در مشربه که عرق دران می چکد پنچلرم مشک تبی سوده در پارچه کشادی بسته بکنارن و چون عرق کشید و شد صرو را نیکو بمانند و بفشارند و دور کنند و پنج توله آنرا صبح و پنج توله آنرا شام بپاشانند \* عرق خوشبو \* صنعت آن دارچینی چهار سیر جوز بوا بسباسه از هر یک د و شیر فلفل نیم سیر برک تانبول سفید خوشبو با نصل و ورق و رد چینی که آنرا بهندی کل سیوتی و بفارسی کل مشک کوبند چهار سیر عود دهند و نیم سیر زعفران چهار توله همه را نیم گرفته مفتوح صراحی عرق قرنفل که با کلاب کشید و با شند بر روی و کد و در شبا نروز بکنارن پس آنرا عرق کشند و عطر آنرا گرفته علحد و نگاهدارند و عرق آنرا بعد سرد شدن در شیشه ها کرده و علحد و نگاهدارند و صبح پنج مثقال بخورند و اگر مسکر خواهد بجای عرق قرنفل که از کلاب کشید با شند عرق قرنفل که از عرق قندی یا عرق خرما کشید و با شند اجزا را عرق کشند \* عرق دروبید آنکه دروب کا هی است سبز که بر سطح زمین میوید و بهن میشود آنرا مرغ نامند بیوست این عرق از بیوست و قبض عرق پوست درخت امغیلان کم تر است \* صنعت آن بگیرند دروب شسته خشک کرده ریزه کرده نیم من و قند سیاه کهنه یک من و دروب را بجای پوست امغیلان داخل نمایند ولیکن دروب در برابر پوست امغیلان باید که بوده باشد و در خم کنند و در سر کین اسف دفن نمایند و بعد از آنکه برسد بد ستور عرق کشند و نگاهدارند \* عرق سلطانیه در نسخه آن درافشرج و در نسخه دیگر در موی من کور میشود \* عرق شاهانه از ثالیف اطباء هند است \* صنعت آن بگیرند عرق قندی یکباره ده من آب کز پنچ من قرقه الطیب دوسیر قرنفل دانه هیل صندل سفید سوهان

کرده سا دج هندی از هر يك يك سیرنا کيسر و دوسه گیل سرخ پوست نارنگی اشنة از هر يك سه سیر سنبل الطیب یک سیر  
 بهار نارنج دو سیرا دویه را نیم کوفته در شراب و آب زردک که ده سیر مویز منقی از صلب دران جو شانیله و مالین و باشند  
 که مویز منحل شد و باشد بخیسانند و هفت روز در خم مل فون در ذیل اسب بکنارند پس عرق کشند و در وقت عرق کشیدن  
 ا دویه را در چند خربطه کتان کشاده بندند و در مشربه که عرق دران می چکد بکنارند که عرق بران صرها بچکد و خوشبو  
 شود و لطیف گردد و ا دویه این است صندل سفید سو دده پنج مثقال عنبر اشهب قرنفل مشک خالص عود هند فاسو هان  
 کرده از هر يك دو مثقال زعفران دارچینی نیم کوفته از هر يك سه مثقال پوست زردا ترچ تازه پوست نارنگی تازه از هر يك  
 پنج مثقال عرق شیر جهت حمی دق و حمیات حاره و امراض حاره نافع \* صنعت آن شیر بز تازه دوشیده و سه آثا آب  
 خیار آب کد و آب هند وانه از هر يك دو آثا صندل سفید کشنیز خشک تخم کاسنی کل نیلوفر برک و زبایان از هر يك دو توله  
 همه را در دیک عرق کشی کنند و بدستور یکما شده کافور قیصری دریاچه نازکی بسته بسرنیچه بندند شرابی بقدر احتیاج  
 بندوشند \* عرق فتنه جهت تحلیل ریا ح و تقویت اعضا و رئیس و معد و نافع و از عطریات است \* صنعت آن بهار سنبل  
 سه صندل مثقال بهار نارنج شش صندل مثقال نارنگک دو له صندل سفید ریشه والا از هر يك یک صندل و پنجا و مثقال حصی لبان  
 سنبل الطیب بیخ سنبل سعد بهار نکور علف هندی سوسن بهار از هر يك هفتاد و پنج مثقال عود قماری سی مثقال میعه سا لله  
 پا نزهه مثقال پوست اندرون نافه مشک بقدر مقل ورد و کلاب و عرق بهار و عرق صندل و امثال اینها بقدر آنکه چهار  
 انگشت بالای ا دویه آید خیسانید و عرق کشند و بدهن نیچه بندند و در قافله مشک اندازند و استعمال نمایند \*  
 عرق قشرا مغیلان نافع جهت خفقان و تقویت قلب و بدن \* صنعت آن قند سفید پوست درخت امغیلان در خمی کرده  
 در مشک آب بر روی آن کرده در سرکه کن اسب دفن نمایند و بکنارند تا برسد پس آنرا عرق کشند مقل و بیست سیر پس بکیرند  
 کل کا و زبایان نیم سیر بهمن سرخ بهمن سفید شقایق خولنجان دارچینی از هر يك پنج توله ا بریشم خام پا و سیر درونج  
 چینی دانه مهل بوزیدان از هر يك در توله خصیه ا شعلاب مصری ده توله غنچه کل سرخ پا و سیر زردک پنج سیرا دویه را  
 نیم کوفته زردک را وزن کرده همراه داخل کرده عرق کشند و در وقت عرق کشیدن یک توله عنبر اشهب بردها ن نیچه بندند \*  
 عرق کل بید انجیر منافع بسیاری از برای آن نوشته اند از انجمله آنکه هر کس پنجاه ام آنرا بخورد آنقل ریا و بیقراری  
 که چهل زن را خوشنود تواند نمود و امساک منی آورد منقول از مجربین هند \* صنعت آن کل بید انجیر و درم تخم  
 بید انجیر تخم کونج تخم ترب تخم کز رطله نانخواه تخم کرفس از هر يك دو درم والا ن خورد از هر يك دو درم و نیم بیخ  
 درخت سینبل ده سیر و حله را نیم کوفته شب در آب بخیسانند و روز دیگر عرق کشند بقیاس ده سیر و پنجاه ام آنرا بخورند \*  
 عرق مسمی بماء الحیات از مختصرات حکیم میر محمد مؤمن مرحوم صاحب تحفه گفته که در جمیع امور بهتر از شراب است  
 و مسکون نیست و تغذیه و تقویت با و اعضا و رئیس و قوت هاضمه و سایر قوت های طبیعی و حیوانی و نفسانی نماید و با قوت  
 تریا قیه باشد و مفتخ و مفرح و ملذول و جالی و ملطف و منوم و مشهی و با الخاصیت مسکن عطش در جمیع مزجه است  
 و در رفع اکثر امل احشایی عیال و قوی الاثر است \* صنعت آن سنجید زردک از هر يك دو من شاه شکر صندل سفید رند و  
 کرده کل سرخ کل کا و زبایان با در نجویه و ازبانه دارچینی کبابه سعد بهار نارنج کل سنجید از هر يك یک صندل و پنجا و مثقال  
 برک و پوست ترنج سه صندل مثقال جوزیوار ریشه والا از هر يك هفتاد و پنج مثقال علف هندی از چهل مثقال تا هفتاد مثقال  
 مجموع را جو کوب نموده سوا ی برک ترنج و نارنج که در آخر کو بید و داخل بایند نمود با آب مقل ارشش من شاه بجز باشند  
 و در خمی کرده هر روز مکرر در هم زنند تا مانع جو شیدن آن گردد و در هوای گرم تا هفت روز بکنارند و در هوای سرد تا ده روز

یوم و هر چند آب کمتر باشد قویتر می شود پس بد ستور کلاب عرق کشند و اگر عنبر بردن نیچه بندند بهتر است و درغن  
این عرق درغایت خوبی و عطربیت مشاهده شد و چون بعد از عرق کشیدن با یکمن و نیم شکر مخلوط نموده سه چهار روز  
بکند ارنه پس پوست ترنج یا نارنج یا برگ نارنج یا نارنجك بقدر نیم من اضافه کرده با زعرق کشند همان آثار بر و مترتب  
میکردد \* عرق ماء الحیوة دیگر که همان آثار دارد \* صنعت آن سنجید شکر خام زردک پاک کرده از ریشه جل گرفته و ریزه  
ریزه نموده از هر یک یک و نیم من شاه همه را با پا نژده من آب جوش داده تا بجخته گردد بد ستور یک ارنه تا پرورده گردد  
پس این ادویه را سه شبانه روز در آن خیسانید بد ستور متعارف عرق کشند و ادویه این است دار چینی پنج رمل صندل  
سفید رند کرده یک چهار یک حصی لبان سی و پنج مثقال کل کا و زبان انیسون از هر یک یک چهار یک با درنجبویه موکه  
ریشه والا است سنبل الطیب مشک از هر یک پنج مثقال علف هندی سی و پنج مثقال پوست اندرون نافه مشک ده عدد  
علی الرسم عرق کشند \* عرق مبهی و مشهی از تالیف مجربین هندی \* صنعت آن انیسون ربع سیرشا و جهانی مغز بادام  
شیرین سنبل الطیب از هر یک نیم سیر جوز بوا بسپاسه بیج گادی قوی فربه خولنجان دار چینی قرنفل صندل سفید تخم  
کاسنی آمله منقح تخم پیاز تخم کز تخم ستا و رکه شقاقل است برگ کا و زبان خار خشک شونیز از هر یک یک سیر خصیه  
الثعلب مصری موسلی سیاه از هر یک دو سیر همه را نیم کوفته اول مرتبه یکمن قند سیاه و نیم من نبات سفید درخم کرده  
چهار مشک آب داخل نموده پوست درخت مغیلان پا نژده سیر ریزه ریزه کرده در آن اند ارنه و بکند ارنه که جوش خورد  
و برسد و پیش از آنکه از آن عرق کشند ادویه نیم کوفته و مغز بادام شیرین را که چون سرمه سائید با باشند و همه را  
بر وزن کا و چرب نموده یک روز کناشته داخل آن کرده بعد از یک شبانه روز عرق بکشند و مرتبه دیگر آن عرق را با کل سرخ  
یک سیوکل سیو تپ پنج سیر مشک عنبر زعفران از هر یک در ماشه گوشت بزغاله فربه یکراس مرغ پروازی دو قطعه گوشت  
بزغاله و مرغ را از استخوان و چربی جدا کرده با مسکه کا و بریان کرده یکجا کرده عرق کشند \* عرق مرده بلغت هندی  
است و آن نوعی از کدواست و آن را نیز بهندی می مچند می نامند و پیته نیز کویند این عرق از مجربین هندی است \*  
صنعت آن مزده به دو من قند سیاه کهنه یکمن فوفل یک سیر پوست هلیله کا بلی دو سیر و هادی پنج سیر فلفل سیاه سدس یک  
سیر زنجبیل برنگ کا بلی مقشور فلفل سیاه جوز بوا قرنفل از هر یک سدس یک سیر مزده به را پاره پاره و ریزه ریزه کرده ادویه  
من کوره را نیم کوفته همه را با قند و مزده به یکجا کرده بی آب درخم کرده یک هفته در زیر زمین در سرکین اسپد فن نموده بعد  
از آن همچنین بکار برند و با عرق کشید \* بکار برند \* عرقیکه از تالیف اطباء هندی است گفته اند که این عرق نافع است از بواس  
صلابت سهرزو امراض جکرو استسقا و امراض خصیه ربع بلغمی و اطباء هندی این دوا را سما راج اسونامند \* صنعت آن آب  
برک صبریکصد و هشت دامن قند سیاه دوا زده سیر زنجبیل فلفل سا ذج هندی دانه هیل بوا قرنفل سعد کوفی اصل السوس  
از هر یک شش دامن ادویه کوفته قند را با آب صبر حل کرده ادویه را در آن اند ارنه و درخمی کرده در جای گرم نگاهدارند تا بجوش  
آید و از جوش فرو نشیند پس صافی آنرا گرفته در شیشه کرده بکار برند و اگر عرق کشید بخورند بهتر است \* عرق کل امغیلان  
سرد و خشک در دویم و مقوی قلب و قاطع اسهال و مغتخ است \* صنعت آن مثل صنعت بهارید است \* عرق کل موندی که  
کل نباتی هندی است عظیم النفع برکش شبیه ببرک پودنه و گلش سرخ مثل تکه و بویش قریب بوی کلاب باندک تلخی  
و گرم و تر دارد ویم مقوی دل و دماغ و معد و دافع خنازیر و بشورود مامیل و ارام جمیع اعضا است و جهت امراض رحم  
و قرح و بوقان و زردی بشرة و حرقة البول و حلات صفرا نافع است \* صنعت آن بکیرند کل تازه موندی را با چهار رو یا  
پنج وزن آن آب خالص شیرین یا زیاده بقدر حاجی عرق کشند و هر صبح ناشتا مقداری از آن را با نژده تاسی مثقال آنرا خالص

یا با شراب کاو زبان یا غیر آن از اشربه مناسبه بپاشامند و از ترشی و باد و هوای سرد و گرم بسیار و حرکات بسیار و غلبه  
اجتناب فرمایند \* عرق مخلصه در آخر دویم کرم و خشک محلل و ملطف و رافع قولنج ریخی و مقوی اعضای رئیس و موافق  
میرود بین است \* صنعت آن بکیرند برک و شاخ و گل مخلصه اگر تازه باشد بهتر و الا خشک و هریک از برک و شاخ و گل  
آن که بدست آید و با آب خالص شیرین بدستور مقرر عرق کشند \* عرق ورد ابیض که کل نسوین و کل مشکین و در بعضی  
بلاد کل عنبر نیز نامند معتدل در حرارت و نزد بعضی کرم و خشک است در اول دویم و مقوی دل و دماغ و حواس و مفتح  
سده دماغ و موافق جگر بار و جهت غشیان و فواق و طوبی نافع \* صنعت آن بکیرند برک کل آنرا و با چهار پنج وزن آن  
آب خالص بدستور مقرر عرق کشند و سرد کرده در شیشه نگاه دارند \*  
**باب العین مع السین المهمله \***

عسل نحل بغار سی انکبین نامند و بهترین آن صاف مائل بسرخ و قوام دارد است که با اندک حدت و خوش  
طعمی و بی موم باشد و بعد از آن سفید و زبونیترین اوسیز و سیاه و خشک و تلخ و کهنه است که زیاده برد و سال مانده باشد  
و آنچه در غایت حدت باشد مورث جنون و محرق اخلاط و مهلك گفته اند و عسل خام احرواحل و اقرب بدوائت و  
مسهل اخلاط لزجه و محرک سرفه و نفاخ و موافق معده و در آن ورم امعاء و صالح الغل اود رجلا و حدت قویتر از آنش  
دیده شد و هیچ قی است و عسل مطبوخ کف گرفته حدت آن کمتر و نفوذ و انضاج و غذائیت آن بیشتر و بی نفع و مل  
بول و مسکن سرفه است و مجموع آن در آخر دویم کرم و در آرائل آن خشک و جالی و مفتح و مقطع بلغم و رطوبات و مقوی  
جوهر حرارت غریزی و جاذب رطوبات از عمق بدن و مفتح دهن مایه رگها و تریاق سموم بارده و حافظ قوت ادویه و  
رساندن آن با اعضا و جهت فضول دماغی و سینه و قصبه ریه و معده و جگر و سپرز و استسقا و یرقان و حصات و عسر بول و  
فالج و لقوه و امثال آن و انواع ریاخ و تقویت اشتها و باده و ممزوج او با آب مرطب اعضا و مل و بول و منقذ قرحه مثانه  
است و بالخاصه صیه مسکن مغص و تشنگی و قی کردن با آن جهت ضرر افیون و سموم بارده و یا زرعن شو نیز جهت مفاصل  
و تقویت باه مجرب و با آب زیره جهت رفع ضرر سمیت فطر و خشخاش سیاه و کزیدن سک دیوانه و اکتحال او با آب پیاز  
جهت بیاض و دمع و حكه و جرب و نزول آب و با انزروت و نمک سنگ جهت ریاخ و رطوبت کوش و تنقیه چرک آن نافع  
و با غل یه جهت تنقیه زخمها و بردن کوش و زیاد و التیام آن مجرب و با نر و شادر جهت برص و بهق و طلاصا و حافظ جثه  
میت از فساد و مانع تعفن کوش و پیه و مراره و حافظ قوت سائر اشیا و با سرکه و نمک جهت تحلیل اورام و رفع کلف و  
حمل اوج جهت عمل رحم زنان نفساء و ضامادش جهت رفع قمل و رشک و قوی کردن قضیب که بعد از حمام مکرر تضمین  
نمایند و با آرد کندم جهت کشودن دمل و نضج اورام و با زراوند طویل و کرسنه جهت التیام جراحت عمیق مجرب  
و بخلاف سائو شیرینیه و جهت قروح لثه و لها و تقویت دندان مفید است و مطبوخ او با شربت جهت رفع آثار ضربه  
و قویا و غرغره ارج جهت پاک کردن چرک جراحت حلق و لوزتین و حننه او با آب بارتنگ تاسه روز جهت قرحه معایب و بل  
و مضر و درین و سریر الاستحاله بصفر او مصلح و مفسد دماغ دارد و مصلح سرکه و کشنیز و ربوب ترش و آب میوه های  
ترش و قند و شرابش پانزده مثقال و یک لاش دوشاب انکوری است و از خواص مجربه عسل است که چون زن حامله با آب  
شراب نموده ناشتا بنوشند باعث مغص گردد و در غیر حامله این اثر مفقود است \* دستور طبع عسل آنست که قل دی آب  
در آن داخل کنند و با آتش ملایم طبع نمایند و کف آنرا بکیرند تا بقوام لائق مطلوب آید و احتیاط نماید که نسوزد \*  
**فصل در بیان نسخ شرابهای عسلی \*** شراب عسل امراض بارده را نافع و شهی و مبهی و مقوی عصاب است \*  
صنعت آن بکیرند شراب کهنه قایض در جز و راز عسل جیل نیکو یک جزوی و در ظرفی کرده و بکلی آنرا تا بوسد \* شراب عسل



عسل تالیف محمد بن ذکریا جمیع امراض بآرد و امراض بلغمی را سود دارد و خصوصاً ریشه و فالج را که بذهابیت مفید است و معده را بارده را نیز سود دارد \* صنعت آن بنسخه همیشه بکیرند عسل مصفی بکوبند و با شش رطل آب یا ران بپزند چنانچه جلاب را بپزند و کف آنرا بکیرند پس فلغل سفید زنجبیل خولنجان مصطکی رومی از هر یک یک مثقال چون سرمه بسایند و در پارچه کتانی بسته در آن افکنند و بجوشانند و لحظه بلغمه پارچه ادویه را بدست بمالند و شهره آنچه در آن است از ادویه بیرون آرند و چون شراب بقوام آید فرو گیرند و سرد کرده نگاه دارند و به شکم حاجت بگارد آرند \* شراب عسل بنسخه محمود بن الیاس مسخن معده و کبد است و امراض بارده عصبی را نافع \* صنعت آن سنبل الطیب دارچینی مصطکی رومی قاقله هیل بوا عود هندی خام بسپاسه از هر یک دو درم قرنفل یک درم مجموع را نیم کوفته در یک کنک و شش رطل آب غلبه داخل کرد و بجوشانند تا چهار رطل باقی بماند پس بپالایند و در آب مطبوخ ده رطل عسل مصفی داخل کرد و بجوشانند و کف آنرا بکیرند تا بقوام شراب آید پس از آتش بر گرفته بکنارند تا سرد شود و صافی نموده در ظرف بچینی یا زجاجی نگاه دارند و بعضی از فرود آوردن این شراب از آتش دو درم مصطکی سوده داخل کرده برهم میزنند تا نیکو مخلوط شود و سرد کرده نگاه دارند و بعضی قرنفل داخل نکرده اند و حکیم میر محمد مؤمن درین شراب در ده رطل عسل هر یک از ادویه را حتی قرنفل دو درم مثقال آورده و دو مثقال دارفلغل نیز افزوده \* شراب عسل که ثفل را منحلر سازد در قولنج و مغص حادث از اختباس ثفل را نافع باشد \* صنعت آن شراب جید پنج قسط عسل مصفی یک قسط مصطکی رومی سه اوقیه مصطکی را کوفته و در پارچه کتان نازکی بسته بپایزند در آن شراب و عسل و شش روز بکنارند تا مصطکی بخیسل پس کیسه را بمالند و شیر آنرا بر آورند تا کیسه فارغ شود و بپاشانند ازین شراب پیش از غل یک قوطیه با آب گرم پس بد رستیکه اخراج ثفل و تقویت معده میکند \* شراب عسل که فرود می آورد بلغم را \* صنعت آن مغز حب القرطم چهار درخمی شراب جید پنج قسط عسل مصفی یک قسط مغز حب القرطم را بکوبند و در پارچه کتانی بسته در شراب ممزوج بعسل بپایزند چنانچه عرق شود در آن و پنجره بکنارند پس شیر آنرا کشید و کیسه را در ور کنند و هر روز پیش از طعام ازین شراب بنوشند پس بد رستیکه بلغم را فرود می آورد \* شراب عسل قریب النفع با شربه مل کوره است \* صنعت آن عصیر غلبه قابض دوجز و عسل جید یک جز و در ظرفی کشاده کنند و بکنارند تا بجوش آید و اندک اندک نمک در آن ریزند تا آنکه کف آن برید و جد اکرد و از جوش به نشیند پس درخمی صافی نمایند و بکار برند \* صنعت آن عسل قند از هر یک یک جز و آب صاف دوجز و با آتش ملایم طبع دهند تا دو ثلث رفته ثلث بماند پس استعمال نمایند و این از قبیل مویختج است \* ماء العسل معده سرد را قوت دهد و اشتها طعام آورد و بول براند و مفاصل را سود مند بود و بالجملة جمیع امراض بلغمیه را نافع باشد \* صنعت آن بکیرند عسل مصفی دومن و در چهار من آب بجوشانند و کف آنرا بکیرند و تا چهار من از مجموع بماند پس نگاه داشته بکار برند و این ماء العسل ساد است و اگر مقوی خواهند دارچینی شش مثقال زعفران خولنجان زنجبیل جوز بوا بسپاسه از هر یک چهار مثقال قاقله مصطکی رومی از هر یک شش مثقال نیم کوفته در کیسه کتانی کرده در وقت طبع درد یک اند ازند و متصل کیسه را بدست یا به پشت کفچه بمالند تا قوت ادویه بماء العسل باز آید و چون بچهار من رسد کیسه را نیکو بمالند و بفشارند و در کنند و ماء العسل را سرد کرده نگاه دارند و این جزله در منهای الادویه آورده که ماء العسل مضر است باصحاب امزجه حاره و صفراوی مزاجان را و مصلح آن ربوب فواکه حامض است و گفته که اگر در ماء العسل مصطکی رومی زعفران زنجبیل قرنفل دارفلغل کوفته بپخته داخل کنند گرمی و زیاد میشود \* بد آنکه ماء العسل را بیونانی مالی القرطانی نامند زیرا که بلغت ایشان مالی بمعنی آب و ماء

القرطبان که مستعمل اطبا است مغرب آن است و آن ملین طبع و رافع قی و اذیت ادویه قتاله و قرا قرشکم و مقوی اعضاء  
 بارده و معده و جالی و منضج بلغم غلیظ و مقوی اشتها و مد ربول و حیض و رافع ضعیفی که از جماع بهمرسید و باشد و  
 مضر اورام حاره احشا و صفراوی مزاج و مصلحش ربوب میوه های ترش و مقدارش ریش تا می مثقال است \* صنعت آن  
 بکیرند عسل خالص یک جز و از آب باران و یا آب خالص صافی دو جز و با آنش ملا یم طبع د هند تا ثلثه که همان وزن عسل  
 است بماند و بکار برند شیخ رئیس در قانون در محبت قولنج گفته چون آشامید و شود جهت قولنج با یک که شد بد الطبع  
 باشد یعنی بسیار جوشانید و باشد پس بد رستیکه ضعیف الطبع آن مورت نفخ است \*

### باب العین مع الشین المعجمة \* فصل در بیان مشبه مغریه \* بد آنکه عشیه ظیان است

و آن یا سمین بری است و اهل اندلس و مغرب آنرا عشب النار گویند و بهتر و قوی تر آن قسم مغربی آن است و آن نباتی  
 است شبیه به بلبلاب و درهم پیچید و بلکه اشبه است بیاسمین سفید که بهند می چندیلی نامند گلش بسیار خوشبو و با حدت  
 قسمی را بر شاخ های آن خار بست شبیه بخار کل سرخ و گلش از بیاسمین بستانی بسیار کوچک تر و بینش سیاه و باریک  
 و پر شعبه و قوتش تا بیست سال باقی می ماند و مزاج بیخ این در از روی تجرب به آنچه معلوم میشود آن است که یبوست  
 و حرارت بران غالب باشد چه در مزجه حاره مضر است و در مزجه یا سه زیاده و چون حرارت و یبوست آن محسوس  
 ظاهر است و یبوستش زیاده بر حرارت محسوس میشود کمان این است که در واسطه درجه د و یم کرم و در را و خود درجه  
 دو یم یا پس باشد و گفته اند که مزاج بیخ آن کرم و خشک در چهارم است و نیز در و آخر سیوم گفته اند و سایر اجزای آن در  
 واسطه سیوم و عشب بلاد دیکو مضر و ضعیف الاثر است و بونیدن کل آن نافع است از برای درد سر و شقیقه سرد و روغن  
 آن جهت علل بارده و ریو و سعال مزمن و فالج و لقوه و نافع و سفوف آن هر روز یک مثقال با نبات تا یک هفته و زیاده جهت  
 وجع مفاصل مزمن مجرب است و حمل آن مد حیض و مسقط جنین و طبع شاخ و بیخ آن که نیم اوقیه آنرا در یکوطل آب  
 پیچوشانند تا به نصف رسد و باشد کبر و امثال او بنوشند جهت ضیق النفس و سرفه کهنه و فالج و استرخای مزمن بیخیل  
 است و نیز طبع برک و شاخ آن بقل رسه درم یا مثل آن بسفایج و مصطکی و مقل ازرق مسهل قوی است خلط سوداوی را  
 بغیر کرب و مضغه طبع آن با سرکه انکوری جهت درد دندان نافع و یک مثقال از بیخ آن کشند و بقی و کرب و مقصود در  
 قوت مثل خر بق سیاه است و مسهل بلغم و سودا است و با آب خبازی مقی قوی و محل و ملطف و قد ریش تا نیم  
 درهم است و مصلحش روغن بادام شیرین و طلا آن محرق و مقروح جلد و بهترین ادویه برص است و جهت هرق النساء  
 و مفاصل و فالج و امثال آن مفید و ضماد عشب بالکلاب جهت تسکین درد ها و تحلیل اورام بنهایت نافع و بد آنکه بعض  
 متأخرین گفته اند که عشب را بلغت روم سربته بزبان فرنگ اسفونیا و گویند چون خوب آن را از مغرب زمین می آورند  
 یا آنکه اول کسیکه بر فو ادک آن اطلاع یافته از اهل مغرب بوده و در مغرب و بعد از آن در سایر بلاد انتشار و اشتها یافته آنرا  
 عشب مغریه گویند و بهترین آن مغربی باریک سرخ رنگ است که قیره نباشد بلکه نیم رنگ باشد و چون بشکنند از آن  
 غباری ظاهر شود و مغز آن سفید باشد و غلیظ و بسیار رنگین و تیره بد است و صاحب معتمد نوشته که نزد اهل اندلس  
 خلائی نیست در اینکه بیخ آن خر بق سیاه است جهت آن در قوت اسهال و سایر منافع با آن مشارک است و در حرارت در  
 درجه چهارم گفته اند و زائد بر خر بق اسود و چون سائید و بر بدن بمالند باعث احراق آن است و در فعل مانند شیطرج  
 است و ضماد سائید و آن با لبن علك زائل کنند و صاف کنند و بهق ابیض و اسود است و همچنین با سرکه و چون ضماد  
 کرده شود بر عرق لنسا متقروح میگرداند و عضور او فعل آن مانند فعل آتش است در احراق و نفع بلیغ و سعو ط آن بوزن حد

عصبه باروغن بنفشه جهت شقیقه بارد نافع و د لوک مسحوق باسره که برداء العلب لحن یکه خون آلود کرد د در یک دفعه  
نفع می بخشد آنرا وزائل میگرداند و در برگ آن حرقت بسیار است یکه چون بپاشند زبان را متفرج سازد و بقول  
اهل هند چندیلی دشتی است که یاسمین دشتی باشد و میگوید که مال کنکنی تخم آن است و بیان ماهیت و خواص و  
طریق استعمال آنرا از روی رساله که در ادویه جل یله باشد از روی کتب فرنگ نوشته اند ترجمه کرده خواهد شد  
تا خالی از فوائد آن نباشد \* دهن عشبہ فالج و مانند آنرا بغایت نافع است \* صنعت آن بکیرند عشبہ را و در آب خوب طبع  
دهند و صابون صاف نموده باروغن کنج بد ستور من کور در ادهان طبع نموده استعمال نمایند \*

**فصل در بیان منافع عشبہ مغربیہ \***  
در اکثر امراض که خوب چینی نافع است این دوا نیز نافع است مگر  
در امراض و امزجہ حارہ یا یسہ که خوب چینی نافع است و این دوا مضر است کمال ضرر و در بعضی امراض و امزجہ فوادل این  
بیشتر از خوب چینی است مثل اوجاع مفاصل و نقرس و درد اعضا که بسبب بلغم باشد و همچنین در ضعف معده که از  
رطوبت باشد و بخصوص بواسیر مکرر به تجربه رسیده و از خوب چینی زیاده اثر و نفع مشاهد شد و در فالج و لقوه و رعشه  
و استسقا که خوب چینی مضر است این دوا نافع است مجمل در اکثر امراض و ارجاع و قروح آتشک حادث شود و چو بچینی  
نافع است این دوا نیز کمال نفع و اثر دارد و در آئینای زخم آتشک میتوان داد و در امراض بارده سوداویه و در امزجہ و امراض  
رطبه بلغمیه مفید و در امزجہ امراض حارہ مضر است و اما نفع این دوا در امراض بلغمیه ظاهر است چه در هر دو کیفیت  
یعنی در حرارت و بیوست ضد کیفیت بلغم است که برودت و رطوبت است و موافق قانون کلی که علاج بض است اما در  
امزجہ سوداویه بنا بر بیست سودا باید که نافع نباشد اما چنانچه در چو بچینی بیان شد چون اولاً حرارت آن تحلیل رطوبات  
فضلیه و ترقیق اخلاط غلیظه میکند و باین سبب حرارت قوتهای طبیعی قوت یافته تحصیل رطوبات بسیار در بدن میکند  
و اصلاح بیوست سودا و دفع مرض بدن و علت میشود پس باین جهت در امراض سوداویه نیز نافع است \* میفرمایند  
که ممکن است بخاصیت دفع سودا از بدن کند چنانچه لاچورد که با وجود آنکه دافع آن نمیکرد مگر آنکه تغذیه بدن به بعضی  
از عرقهای سرد نمایند که درین وقت ممکن است که در بعضی از امزجہ صغراویه و دمویه نیز نافع باشد و حکیم میرمحمد مؤمن  
در نسخه آورده که آنرا جمعی نائب مناب چو بچینی میداند و احق میگوید که در سایر امراض حارہ ضرر آن البته پیش از نفع  
آنست چنانچه ذکر یافت \* دستور تنقیه و فصل نزد ضرورت و عدم ضرورت بعنوانی است که در چو بچینی ذکر یافت \* باید دانست  
که دل مای اطبا گفته اند که چون نیم اوقیه از ساقهای آنرا ریزه ریزه کرده در یکوطل آب بجوشانند تا به نیموطل برسد صافی  
نموده و با شکر و امثال آن شیرین نموده بنوشند جهت ضیق النفس مفید است و ایضا طبع برک و شاخ آن بقدر سه درهم  
بامثل آن بسفایم فستقی و مقل ازرق مسهل قوی است و مرطوب سوداوی را بغیر کرب و حکیم محمد مؤمن گفته سفوف آن را در  
بعضی امزجہ من قوی تر از مطبوخ آن یافتیم \*

**فصل در بیان استعمال عشبہ مغربیہ بطریق مطبوخ \***  
بدانکه مشهور و متداول میان اطبا دو طریق است \* طریق اول آن است که مقل ارشنت مثقال عشبہ مغربیہ را  
باوصاف جهت که بیان شد بکیرند و بد م کارد ریزه ریزه کرده یکشب با کلاب و عرق بید مشک و آب از هر یک یکمن تبریز  
در قلع چینی یا شیشه بخیسانند و صبح در یک ستنکی با آتش ملایم بجوشانند تا به نصف رسد صافی نموده در شیشها  
کنند و در عرض نه روز با نبات سفید شیرین کرده بنوشند و هرگاه هوا گرم باشد و بیکی فعه جو شانیدن آن مظنه فساد  
باشد هر سه روز یکبار و بیست مثقال آنرا در یکمن از مجموع کلاب و عرق بید مشک و آب هر یک ثلث و نیم من تبریز باشد  
یکشب بخیسانند و صبح بد ستور من کور بجوشانند و در سه روز بکار برند و اگر هوا بسیار گرم باشد و به سبب گرمی هوا نیز

فاسد گردد هر روز شش مثقال و چهار دانگ آنرا در کلاب و عرق بید مشک و آب خالص در یشت و یک مثقال از هر سه که از هر یک  
 شصت و هفت مثقال باشد شب بخیسانند و صبح بجوشانند تا بنصف رسد صافی نموده نبات سفید داخل کرده کرم کرم بنوشند  
 و در غداها و شربه و پرهیز و احتیاج از اعراض نفسانی و حرکات منیعه بدنیه و حمام و غیره واجب مثل چوب بچینی است مگر  
 در نمل که در عشبه تجویز نموده اند \* اما دستور استاد الاطباء و الحکما میرزا مسیح ولد میرزا محمد تقی موسوی استاد والد  
 حاج نواب مغفور میر محمد هادی قدس سرهما منقول از خط آن مغفور آن است که بکیرند تا یازده روز هر روز پنج مثقال عشبه  
 مغربیه را بدست مگردانند ریزه کرده چنانچه مغز آن ظاهر گردد و با یک چهار یکمن تبریز کلاب و یک چهار یک عرق بید مشک  
 و یک من آب شب بخیسانند و صبح بجوشانند تا به نصف رسد صافی نموده دوازده مثقال نبات سفید داخل کرده در عرض  
 یک شبانه روز بنوشند بطریق قهوه کرم کرم \* اما دستور یک قلمی فرموده اند که مستعمل حضرت سید سند قد و الحکما  
 سید محمد هادی والد حاجد این فقیر است قدس سره از برای امراض بارده مزمنه بلغمیه \* این است که بکیرند تا یازده  
 روز نه مثقال عشبه مغربیه را بدست مگردانند و از عرض ریزه نمایند از بند انگشت کوچکتر در چینی بادیان  
 خطائی انیسون خولجان این هر چهار را نیم کوفته در کیسه کتانیه کرده با عشبه مغربیه یک شب در کاسه چینی  
 بکلاب و عرق بید مشک از هر یک چهار یکمن تبریز بخیسانند و صبح باده و من و نیم تبریز آب در یک سنگی یا مس تازه  
 قلعی نموده کرده سر آنرا بطبق سفالی پوشانید اطراف آنرا بخمیر آرد ماش محکم نموده بار کرده سنگی بروی وی بکند از دل  
 و مقل اردو من و نیم همه قلم باریک و شاخ باتش ملایم در زیر آن بسوزانند تا با تمام رسد پس فرود آورده بطریقیکه در  
 چوب چینی ذکر شد در عرض یک شبانه روز بکار برند و با زیاده و کمین دستور طبع نمایند از برای روز دیگر \* اما طریقی دیگر که  
 عشبه را با چوب چینی طبع نموده بنوشند از آن حضرت قدس سره از برای امراض مزمنه بلغمیه بارده \* صنعت آن است  
 که بکیرند عشبه مغربیه پنج مثقال چوب چینی اعلی سه مثقال و نیم این هر دو را بدست و ریزه کرده در چینی بادیان خطائی  
 انیسون خولجان از هر یک یک مثقال آردید و با یک شب در کلاب و عرق بید مشک از هر یک یک چهار یک در کاسه چینی بخیسانند  
 و روز دیگر با دو من و نیم آب در یک سنگی یا مس تازه قلعی کرده باده و من و نیم همه قلم باریک طبع نموده فرود آورند و بکند از دل  
 تا حراتش کمتر شود و سر و کوبن را بدست و مقدر در چوب چینی به بخار از دل و در عرض یک شبانه روز بکار برند و شب چهارم  
 و هفتم و یازدهم بطریق مذکور در چوب چینی بعرق نشینند و اگر مرض بسما رمزن یا شد و یازده روز کفایت نکند تا بیست  
 و یکروز میتوان داد که هر چهار روز یک شب بعرق نشینند \* و اما طریقی آشا میدان مطلوب آن بدست و را طبعای مغرب  
 آن است که مقل ارهشت مثقال آنرا بدست و مقدر در ریزه کرده شب در یک پیاله چینی با کلاب بخیسانند و روزش با دو  
 من تبریز آب خالص بدست و یک در چوب چینی ذکر شد طبع نمایند تا بنصف رسد صافی نموده بدست و چوب چینی بنوشند  
 بهمان دستور که بعرق نشینند یازده روز تا بیست و یکروز و بعضی اوقات که مرض قوی باشد تا چهل روز و غدا و پرهیز  
 بدست و غدا و پرهیزی است که در نوشیدن مطبوخ چوب چینی بطریق تعریق بعمل آورده میشود قلمی فرموده اند که  
 فقیر نیز با این دستور داده بسیار نافع دید \* اما دستور آشا میدان عشبه مغربیه بقول حکیم توفیق مکی بسه روش است \*  
 روش اول آن است که چهل روز هر روز نیم مثقال عشبه را بکار در ریزه کرده در اول شب یک پیاله توشی خوری آب  
 بر آن ریزند و بجوشانند تا بنصف رسد صافی نموده نبات سرده داخل کرده بطریق قهوه بنوشند و غدا همان روز را  
 چهار پیاله آب برویش کرده بخیسانند و شب بجوشانند تا بنصف رسد یعنی در پیاله همانند بهمان طریق بنوشند و این روش  
 اعلی است \* روش وسط بیست و یکروز است \* و روش آخر چهارده روز و غدا با بدست و آب با دویه حاره و زعفران و

و ملاحظه از ترشی و لبنیات و مباشرت با زنان و نمک لازم است و اگر مقلد و یا باشد با آب عشبہ اخلیہ را به پزند و ثقال را خشک کرده با هیل و قرنفل و دارچینی و جوزیوا کوفته با قند معجون سازند شربت صبح و عصر دو مثقال \* **فصل در بیان دستور آشامیدن عشبہ بطریق قهوه \*** فرموده اند طریقی که سنید الحکما و استاد الاطبا میرزا محمد مسیح والد میرزا محمد تقی موسوی که سنید طبابت والد ما جل فقیر و فقیر نیز بایشان میسر شد و از ایشان با طبای حران و از حرانیان به بقراط منتهی میشود آن است که بکیرند عشبہ مغربہ پنج مثقال و نیم را زعفران بشکافند چنانچه مغزش ظاهر شود و در طول ریزه ریزه کرده بایک چهار یکمن تبریز کلاب و یکچهار یک عرق بید مشک و یکمن تبریز آب شب بخیسانند و صبح در دیک سکی بجوشانند تا به نصف رسد صافی نموده با بیست و دو مثقال نبات سفید بقوام آورند تا یازده روز هر روز یک مثقال صبح و شام با آب گرم کرده بنوشند و از ترشیها و لبنیات و مباشرت نساء ملاحظه نمایند و خود را گرم نگاه دارند انشاء الله تعالی نافع است \* بل آنکه متاخرین را در قهوه عشبہ مغربہ طریقی مختلف است بحسب امزجه و اوقات \* اما طریقی مشهور میان اطبا آنست که بکیرند یک مثقال و نیم عشبہ مغربہ را و بطریق مقرر ریزه کرده چای خطائی یک مثقال دارچینی سیلانی بادیان خطائی از هر یک نیم مثقال با یکمن شاه آب بجوشانند تا بر یک رسد صافی نموده بعد از آن غذا را طعام بقدر در فغان نیم گرم کاهي با نبات سفید و کاهي بغیر نبات بنوشند \* اما دستوریکه حکیم هاشم طهرانی از برای آشامیدن مطبوخ آن بطریق عرق و بطریق قهوه قرار داده آن است که آنچه از روی قیاس و تجربه بر فقیر ظاهر شد هم بطریق قهوه و هم بطریق عرق به نهجی است که در چوپچینی است و بیان نموده شد و دستور کلی ندارد بلکه از هر یک از مقلد اعرشبه و مقلد اشریت هر روز و آب و عرق و قد رجوشانیدن بحسب حال امزجه و امراض در ضعف و قوت و حال بیماران کمال اختلاف دارد زیرا که در مزاج قوی و مرض معب مزمن زیاده از ده روز و گاه باشد که زیاده از بیست روز تا چهار روز محتاج کردند و از شش مثقال شروع نموده بتدریج بدو مثقال و نیم ختم نمایند و اگر مزاج ضعیف باشد در اوائل از دوسه مثقال زیاده نباید داد و از چهار پنج مثقال تجاوز نمایند کرد و از هفت هشت روز زیاده داده نمیشود و گاه بیازده روز داده میشود و هر روز قدری کم شود و در روزی که بتدریج اضافه شود اما در امزجه و ابدان و امراض متوسطه میان این دو حال ممکن است بقدر شصت مثقال در عرض نه روز بطریق مذکور کافی باشد و همچنین در امزجه ثلاثه هرگاه حرارت غالب باشد عرقهای سرد و یا آب و عرق با زای هر یک مثقال عشبہ پنجاه مثقال باشد و اگر تشنگی غالب باشد بیشتر داخل نمایند و چندان بجوشانند که به نصف رسد و هرگاه برودت و رطوبت غالب باشد با کلاب و عرق رازیانه و عرق ذخرا کتفان نمایند و اگر در مزاج سودا غالب باشد عرق کازبان و یا در نجبویه و شاهتره و عرق بید مشک با قدری از آب و این عرقها باید که با زای هر یک مثقال عشبہ بیست و پنج مثقال و آب درین دو حالت داخل ساخته چندان بجوشانند که به ثلث رسد مجملا تمام این مراتب منوط بمزاج و بنیه و مرض و رغبت و عدم رغبت باشد پس هرگاه درین امزجه و ابدان و امراض مختلفه بدستور قانون مذکور خورده شود نفع و اثرش نهایت و بیشتر خواهد بود و اگر چه تشخیص و تعیین مراتب سهل و آسان نیست \* اما بر سبیل اجمال بطریق و دستوریکه حقیر که در امزجه مختلفه مکرر تجربه نموده و انتفاع گاهی یافته بیان مینماید و امید از توفیق حق سبحانه آن است که هرگاه برین نهج سلوک نمایند حق تعالی مقارن آن صحت کامل کرامت فرماید \* طریقی اولی که در امزجه و ابدان و امراض متوسطه مستعمل است و تقویت قوای طبیعی و حرارت غریزه میکند آن است که سه روز هر روز شش مثقال عشبہ را با صد مثقال آب و پنجاه مثقال کلاب و پنجاه مثقال عرق بید مشک بجوشانند تا بنصف رسد که صد مثقال باشد پس صافی نموده بدستور بنوشند و سه روز دیگر هر روز هفت مثقال عشبہ را با یکصد مثقال و شانزده مثقال آب و پنجاه و هشت مثقال کلاب و پنجاه و نه



که بعد از مناسبت شروع با استعمال آن نمایند \* و طریق استعمال آن آن است که هر روز پنج مثقال آن را بقل رجوع ریزه کرده با کلاب و عرق بید مشک و عرق رازیانه از هر یک نود مثقال یک شب خیسانید و بطریق چوب چینی بجوشانند تا به ثلث رسد پس صافی نموده سه حصه کرده صبح و ظهر و شام با قدری نبات نیم گرم کرده بنوشند و تا دوازده روز به همین نهج بپاشانند و بعضی زیاده ازین نیز تجویز نموده اند و پرهیز یک ستور است که در چوب چینی مذکور شد و اگر عضو علیل را بخار آن بدل از نافع است و تنقیه قبل از شروع لازم است و بعضی مجموع شصت مثقال آنرا جوشانید و صافی نموده در عرض دوازده روز میل هنل و بعضی قل رسه روز را یک دفعه جوشانید و صافی نموده سه حصه کرده سه روز می نوشند و گفته که حقیر را مظنون آنست که یکجا جوشانیدن الیمه موجب فساد آن گردد و هر روز خیسانیدن و جوشانیدن بهتر است و موافق قاعده حکمای سلف است \*

**فصل در بیان استعمال عشب مغربیه بطریق سفوف و معجون \***

و طریق سفوف آن است که هفت روز تا یازده روز هر روز یک مثقال آنرا کوبیده با نبات بقل رجعت با کلاب سفوف نمایند جهت مفاصل مزمنه مجرب است و در بعضی امزجه از طبخ آن قوی است \* دستور دیگر سه روز هر روز یک مثقال و نیم عشب در امزجه ضعیفه و در مثقال در امزجه متوسطه و دو مثقال و نیم در امزجه قویه و سه روز یک و هر روز سه مثقال در امزجه ضعیفه و سه مثقال و نیم در امزجه متوسطه و چهار مثقال در امزجه قویه تا نه روز و اگر با احتیاج باشد از چهار مثقال اضافه نمود نمایند و هر روز نیم مثقال کم کنند تا دوازده یا پانزده روز گرفته بپخته با چهار مثقال کلاب بنوشند و در سفوفات مرکبه که در چوب چینی ذکر شد اگر یکجا چوب چینی عشب مغربیه کنند نفع بلیغ خواهد داد \* و اما معجون عشب مغربیه از آن جمله است \* معجونیکه حکیم هاشم طهرانی تالیف نموده جهت ارجاع و امراض بلغمیه و ضعف معد و ضعف قوت ماضیه و کم اشتها بسبب رطوبت و مجرب النفع گفته \* صنعت آن عشب مغربیه پنجاه مثقال سلیخه و ارچینی از هر یک پنج مثقال زنجبیل قرنفل دانه هیل دانه قاقله کبار زعفران از هر یک سه مثقال عسل مصفی و ویست مثقال عسل را بقوام آورد و ادویه را کوفته بپخته با آن معجون سازند و صبح و شام تناول نمایند با کلاب قل شربت از دو مثقال تا چهار پنج مثقال \* معجون عشب مغربیه دیگر \* صنعت آن عشب مغربیه شانزده مثقال شونیز کند زکفر نفل و ارچینی قرقه الطیب از هر یک هشت مثقال کوفته بپخته بروغن زیتون چرب نموده بعسل مصفی سه وزن ادویه بقوام آورد و معجون سازند

**فصل در بیان استعمال عشب مغربیه بطریق حکمای فرنک \***

منقول از رساله که ترجمه نموده اند

از زبان فرنکی به ترکی و از ترکی احمد بن لطف الله مولوی افندی بعبری باز ترجمه نموده و از آن بفارسی ترجمه نموده میشود آنست که عشب مغربیه را بزبان فرنکی بسیاریه نامند و آن بیخ نباتی است طولانی تا چهار پنج ذرع طول آن میباشد و بسیار قوی نمیشود بلکه نهایت بقدر انکشت با یک میباشد و منبت آن در ارض برومن از بلاد ارض جدید است و مغربیه یا بسبب نسبت آن بسوی مغرب یا برای بودن آن بلد است و رجائیب عربی از آن ارض جدید یا برای اجتناب و اخل آنست و الا از بلاد غربی از بلاد فرنک و از آنجا به بلاد دیگر و اطباء فرنک برمی آورند آن ریشه را و جمع میکنند و در سایه خشک می نمایند و محافظت مینمایند آنرا و معالجه مینمایند با آن امراض صعبه را و طبیعت و مزاج آن موافق آنچه یافته اند مجربین بقیاس صحیح و تجربه مستقیم حار است در رجه اولی و خشک است در رجه ثانی و بهترین آن آنست که چون بشکنند اندرون آن سفید و سخت و پور باشد و سرخ و نرم باشد و تمییز و فرق میان نوکته آن با و صاف مل کوره است و دیگر آنکه چون بشکنند اگر از جوف آن کردی بزنیاید و سفید متین باشد تازه و خوب و مستعمل است و اگر از آن کرد برای و زرد یا سرخ باشد کهنه است و خاصیتی چند آن ندارد و بعضی از اطباء فرنک ترجیح داده اند





بجوشانند و بایکدیگر روغن چنانکه رسم است طبع نمایند و بقدر حاجت تناول نمایند \* عصبه که بالفعل متعارف حبشه و عربستان از مخا و جله و یمن و غیرها است که بجوش در روز مسهل که از برای حب القوع میدهند از کیدسو و برنگ کابل و مقشرو سنمکی و غیرها و بعد انقراغ عمل آخر روز آن است که آردکنند را در آب بسیار به پزند چون خوب بخته شد و بقوام غلیظ آمد روغن بسیاری داغ کرده بر آن می ریزند و می خورند و بعضی درین نیز خرما و یا شیرینی دیگر داخل میکنند \*

**فصل در بیان عطرهای مرکبه \*** بد آنکه عطر یکسر طای مهمله بمعنی خشبوئی است و بفتح خشبو و خشبو شدن \*

عطر ارکجه به نسخه عطاران هند و ارکجه بلغت هند و غالبیه را کوپند و ارکجه در حرف الالف ذکر یافت \* صنعت آن بکیرند صندل سفید مقاصری اعلی پنج استار صندل زرد که بهند و ملاکیر نا مند یک استار عود قماری غرق اعلی نیم استار اظفار الطیب که آن را بهند و نکهه کوپند دانه هیل بوا که آنرا بهند و الایچی خورد کوپند قرنفل کل دونه برک درخت صندل از هر یک پنجد رم سنبل الطیب غنچه کل سرخ با اقماع کل سفید که آن را بر بی و رد چینی و بهند و کل سیوئی نامند از هر یک استار اکسیر یا و سیر علفک هند که آن را بهند و پاچه نامند یک استار کافور و قیصری شش ماشه جوز بوا دارچینی میعه سائله از هر یک پنج توله کل مروه و یحان سیاه برک در نیمه کل داود از هر یک بیست دانه کل لادن کل زنبق از هر یک ده دانه و ام و اگر کل زنبق نباشد بجای آن کل ترکس کنند کل سنجد کل کیتکی کل کیورا کل قندل از هر یک بیست دانه بهار نارنج سی دانه ناپچه مشک ده توله موه را با آب خالص و دو مینا کلاب و دو مینا عرق بهار رد یک کرده عرق کشند و در وقت عرق کشیدن سه توله عنبر را شهب را در پنج توله عطر صندل و یک توله عطر کلاب و یک توله عطر عود هند و کل اخته مشک تبی خالص به کلاب نیکو سائیده داخل کرده در ته مشربه که عرق در آن می چکد بکنارند و عرق کشند تا عرق بر روی عنبر کاخته و غیره بچکد و چون مشربه پر شود آن را در طشت تازه قلعی نموده کرده سر آن را بکیرند و بکنارند تا سرد شود و اگر یک نیمه عرق باشد باز عرق کشند و در طشت دیگر علفک بکنارند و باین دستور تا دیگر عرق را در اخلاط باقی نماند پس بعد از آنکه عرق ها خوب سرد شود عطر هر یک را علیحدگانه گرفته نگاهدارند و اگر خواسته باشند که این عطرها را صافی نمایند قندری کلاب را در آفتاب کنارند پس عطر را در آن ریزند و برهم زنند پس قندری به دوباره صافی در آن اندازند و در سایه کنارند تا عطر صافی بر سر کلاب بسته شود و در دانه نشین گردد و اگر از یک مرتبه که عمل کنند خوب صافی نکرد در مرتبه ثانی و ثالث تکرار کنند که خوب صافی کرد و در این عطر عطر دیگر نمی باشد و لا ئق پادشاهان است \* عطر ارکجه به نسخه دیگر \* صنعت آن صندل سفید پنج سیو شاه جهانی ملاکیر یک سیر عود قماری غرق خام اظفار الطیب دانه هیل بوا قرنفل دارچینی میعه سائله کل دونه کل صد برک از هر یک پنجد رم اکسیر سنبل الطیب علفک که آنرا بهند و پاچه نامند از هر یک یک سیر کافور قیصری شش ماشه دو توله و یک ماشه کل مروا کل داود از هر یک بیست دانه و ام بد ستور عرق کشیده عطر آنرا بکیرند \* عطر ارکجه به نسخه دیگر \* صنعت آن صندل سفید ملاکیر عود هند و غرق کل سرخ از هر یک دو سیر شاه جهانی و دانه هیل بوا دو سیر و نیم قرنفل دو توله و یک ماشه سنبل الطیب نیم سیر علفک هند که آنرا بهند و پاچه نامند یک سیر کافور قیصری شش ماشه مشک تبی چهار ماشه بسبا سه بیست و پنجد ام لادن ده دانه عنبر شهب دو توله دارچینی پنجد ام میعه سائله دو دانه و نیم کل دونه در دانه و نیم کل مروا نازبو که یحان سرخ است کل داود کل زنبق از هر یک دو دانه کل صد برک دو دانه و نیم کل سنجد کل کیورا از هر یک بیست دانه کل مند یله پنجد ام بد ستور عرق کشند و عطر آنرا بکیرند \* عطر ارکجه به نسخه هند \* صنعت آن صندل سفید چهار ستار و نیم اکسیر یک استار سنبل الطیب مازوی سبز خس نیم سیر عود هند و یک پهلوی زعفران چووه اگر عنبر شهب

از هر يك يكتوله لادن مشك از هر يك در توله كلاب چهار ستاريد ستور عرق كشدن و عطر آنرا گرفته دو توله عطر كلاب خالص اضافه نموده استعمال نمايند \* عطر آن كچه كه بسيار خوشبو و لذت است \* صنعت آن عود غرقى ببيخ بنفشه صندل زرد پوست نارنج خس كه ببيخ اخراجا مى است از هر يك يك آثار صندل سفيد يك آثار و يك پاورها رانج قاقله صغارا زهر يك هشت توله سنبل الطيب چهر يله كه اشنة است از هر يك دو دام بسبا سه يك و نيم دام پايچه كه علفك هند يست ششما شه زعفران يك دام لادن عنبرى دو ماشه عنبر اشهب سه ماشه اخشاب را براده نموده لادن و عنبر را بسرنچيه بسته و با بته پارچه انداخته بطريق متعارف با دوا زده آثار كلاب عرق كشدن و هر دو نموده عطر آنرا بگيرند و استعمال نمايند \* عطر فتنه كه از عطر هاى ارفع است \* صنعت آن صندل سفيد دو ستار حصى لبان انثى نيم ستار عود قما رى غرقى نيم ستار لادن ربع استار و غنچه كل سرخ با قماح چهار ستار ربحان سياه تازه فرنج مشك از هر يك يك ستار عنبران كه آنرا بهندى دونه كويند ببيخ اخراجا مى كه آنرا بهندى خاص كويند از هر يك دو ستار و رد چيني كه آنرا بهندى سيوتى نامند بر ك مورد پوست نارنگى كل مروا بها رانج بها درخت انكور فقا حنا كل يا سمين از هر يك يك ستار اشنة سه ربع يك سير قرنفل پنج توله عنبر اشهب شش توله مشك تبتي خالص سه توله ببيخ بنفشه ربع يك سير دانه هيل بوا چهار توله زرنبا د سه توله زعفران هفت توله پوست نافچه مشك سه توله كل سنجى سه ربع يك سير و رد اخمريك سير عطر كلاب ده توله اظهار الطيب مشك دانه جوز بوا بسبا سه كهولا از هر يك دو دام و نيم كل چنپا يك ستار سنبل الطيب يك ستار دار چيني سه توله ميعه سا ئله سه توله كلاب دو وزن مجموع ادويه بل ستور من كورد عطا ر كچه عطر برآورند \* عطر فتنه به نسخه ديكر \* صنعت آن عود هندى حصى لبان انثى ببيخ اخراجا زهر يك نيم ستار صندل سفيد مقاصرى ده ستار ببيخ اخراجا مى كه آنرا بهندى خس كويند غنچه كل سرخ با قماح ربحان سياه عنبران كه آنرا بهندى دونه كويند كل مولسرى و رد چيني كه آنرا بهندى سيوتى كويند بر ك مورد پوست زردا تر ج نارنگى كل مروا بها رانج كل انكور كل يا سمين كل انبه دواله كل دا و دى كل بابونه كل سنجى كل چنپا سنبل الطيب از هر يك يك سير لادن ببيخ بنفشه از هر يك پاورها و سير دانه هيل زرنبا د از هر يك پنج توله زعفران شش توله مشك انه پنج توله بسبا سه جوز بوا ميعه سا ئله از هر يك پنج توله دار چيني هشت توله ملاكير يك سير مشك تبتي خالص دو توله عنبر اشهب پنج توله عطر كلاب سه توله زرنبا د پنج توله كافور قيصر وى دو توله قرنفل شش توله علفك هندى كه آنرا بهندى پايچه كويند يك سير بوك صد بر ك سه ستار كل زنبق ده توله تبا كه پير يعنى طباشير پنج توله بل ستور عرق كشدن \* عطر آنرا بگيرند \* عطر فتنه ديكر \* صنعت آن ميعه سا ئله مشك خالص از هر يك يك توله حب المحلب سعد كوفى قاقله صغارا قرنفل ببيخ اخمريكى سا دج هندى ربحان حبشى فرنج مشك ربحان سيز دونه از هر يك سه توله زرنب پوست نارنج از هر يك يك دام جوز بوا سليخه اشنة كبابه چيني از هر يك يك توله سنبل الطيب ده توله كافور قيصر وى ششما شه و رد چيني كه آنرا بهندى سيوتى نامند كل چنپا از هر يك نيم سير كل سنجى ده توله كل موتيا چهار دام كلاب پنج ستار ملاكير صندل سفيد از هر يك نيم سير عرق بهار پنج سير بل ستور عرق كشدن \* عطر آنرا بگيرند \* عطر منسوب بجناب حضرت امام رضا عليه الصلوٰة والسلام والتحية والثناء \* صنعت آن عنبر اشهب پنج مثقال مشك تبتي خالص چهار مثقال عطر كلاب سه مثقال عنبر را در هفت مثقال روغن يا سمين كه بهندى تيل چنپا كويند كل اخته مشك را با عطر كلاب سوده همه را يكجا كرده با ز بسايند و در شيشه هاى كوچك نگاه دارند و بكار برند \* عطر مجموع عده كه آنرا بهندى ستور كچه نامند \* صنعت آن عطر كلاب عطر عنبر خالص عطر صندل عطر عود هندى چروقه عود هندى خالص غرقى از هر يك دو مثقال عطر فتنه پنج مثقال اول مرتبه چروقه را در كلابى كه بگل يا سمين جوش داده باشند بشویند و چروقه را

را در آن کلاب کند و روزی یکبار نیز با این قسم تا چند روز که بوی دود از چوبه بکلی دور شود پس همه را یکجا کرده بکار برند \*

عطر مجموعه با بفت فواب شاه نواز خان \* صنعت آن عنبر یکتوله عطرا کر یکتوله عطر کلاب ششما شه مشک خالص یکونیم  
 ما شده عنبر و در ظرف نقره یا ظرف شیشه کن آخته با عطرا کر یعنی عطر و دهنک و کلاب مجز و ساخته مشک را خوب سائید \*

نرم بپخته داخل نمایند و چهل روز نگاهداری کنند که مزاج کثیر دهنک از آن با استعمال آویند \* عطر مجموعه دیگر \* صنعت آن  
 صندل سفید با ورم چهار آ تا عود دهنک عکاء کرنا مند پا و بالایک آ تا رچند ن زرد که ملاکیونا مند نیم آ تا رقیل بوا بسپاسه  
 بیخ بنفشه ازهر یک پنجم ر م اظفار لطیف پوست نازنج یا بهار نازنج ازهر یک چهار د م حب المحاب که کوهله نا مند یک د م  
 سنبل الطیب دوا له آشنه که بهند ی جهر یلا و کسیر نا مند ازهر یک د م د م عنبر شهب چهار توله مشک خالص دوتوله کا فور  
 نیم ما شه زعفران یک ما شه چوبه اگر سه توله د کلاب بطریق متعارف عرق کشیک عطر آویند و بکار برند و عطر  
 صندل و عطر عنبر و عطر و دهنک و عطر کیوتکی و عطر و د م هر یک در جای خود ذکر یافت و می یابد از اینجا

جویتل انشاء الله تع \* فصل در ذکر عطوسات \* در آنکه عطوس در اکثر ادویه یا بسپاسه را کویند  
 که بسپاسه نرم سائید و در بینی کشند و یا دهنک بی واسطه یا بواسطه انبره یا غیر آن تا آنکه باقضا یا نف رسیده عطسه  
 آید و باید که استعمال عطوسات مطلقا بعد از نسیج و تنقیه ماده باشد و حلق نماید از استعمال آنها نزد امتلا ی بدن  
 از مواد دیر می معدی از طعام و پیش از استعمال زیر که عطوسات محرکه مواد اند هم بالذات و هم به سبب تحریک شان  
 بدن را حرکت عنیف پس خطر و ضرر آنها در بین وقت بیش از فائد و نفع آن است و بسا است که به سبب کثرت و غلبه مواد  
 باعث خطر عظیم میگردند که فالج و لقوه و سکت و امثال اینها باشد و امراض بارده را نافع با شستن و تنقیه و ماغ کنند و  
 عسرا لهور را سود دارند و اخراج مشیمه کنند \* عطوس نافع جهت امراض ملکوره \* صنعت آن کند ش شونیز فریون فلغل  
 جنک بیل ستر زراوند م حرج حب بلسان عاقر قرحا مشک تبی خالص بوره ارمنی مسای کوفته بپخته در بینی دمنک \*

عطوس دیگر که همین خاصیت دارند \* صنعت آن شحم حنظل فلغل اسطوخودوس جنک بیل ستر ازهر یک سه د م کند ش شش  
 درم کوفته بپخته قوی در بینی دمنک یا در بارچه کتانی بسته با آن تعطیس نمایند \* عطوس دیگر که جهت سده دماغ و مواد  
 بارده نافع است و دفع مواد دهنک میبندد \* صنعت آن کند ش خربق جنک بیل ستر خردل زراوند طویل مفرد و مجموعه  
 چون نرم سائید و در پر مرغ مالید و در بینی کشند باعث عطسه میگردد \* عطوس دیگر که فالج و لقوه و امراض دماغی را مغیل  
 است \* صنعت آن صبر زرد خربق سفید نوشادر مرزنجوش بوره ارمنی شیطرج هند مشک بالهویه سوده استعمال نمایند \*

عطوس دیگر که نافع است از برای صلا ع بارد و سیات \* صنعت آن خربق اسود مرزنجوش ازهر یک ده درم اشنان کند ش شونیز از  
 هر یک پنج درم مشک یکل آنک فلغل دار فلغل ازهر یک سه درم نرم کوپیک در خرقه کتانی بسته تعطیس کنند \* عطوس دیگر که  
 نافع است از برای فالج \* صنعت آن کند ش فلغل عاقر قرحا زنجبیل بوره ارمنی نوشادر بوره سرخ صبر سقوطری دارچینی مرزنجوش  
 خربق سفید جنک بیل ستر اجزا مساوی کوفته بپخته تعطیس با آن نمایند \* عطوس دیگر که فالج و لقوه را سود دارد \* صنعت آن  
 شونیز بوره ارمنی جنک بیل ستر کند ش همه را کوفته بر منا خربمالند تا عطسه آورد \* عطوس دیگر برای مغلوج \* صنعت آن  
 کند ش عاقر قرحا صبر مرزنجوش نوشادر مرزنجوش خربق ایض و قوت وضعف سوده استعمال نمایند \* عطوس دیگر برای لقوه چون استعمال  
 کرده شود بعد از غرغره \* صنعت آن کند ش و فلغل بکوبند و سحر و نامیند \* عطوسی که صرع را نافع بود \* صنعت آن اسطوخودوس  
 مغز بیل ق هند ی دارچینی مساوی کوفته بپخته در بینی دمنک تا عطسه آورد و بک آنکه اگر مصرع را از سحر و عاقر قرحا

عطشہ آید امید فلاح است والا فلا \*

فصل در ذکر عطیة الله \*

بَلِّغْنَاكَ عَطِيَّةَ اللَّهِ دَوَا فَا شَرِّفْ أَهْلَهُ

بنابرین این ادویه را عطیه الله نامیده اند و ساخته این دوا با نسخه اش در خزانه یکی از ملوک یافتند اند شیخ رئیس کوبک که مرقوم بود در نسخه اش که این دوا نافع است از برای بواسیر و فساد معده و سردی مزاج و اشتهاهای طعم را شتهای جماع آورد و در آن رکند و موجب حفظ صحت است و چون خورده شود در زمان بهار و زمستان سه ماه در هر جمعه از هر ماه **صنعت آن** هلیله سیاه پوست بلبله آمله منقی و ج ترکی زراوند مد حرج زراوند طویل هیل بوا قافله کبار شقاقل مصری قرنفل تخم با بونه زنجبیل کنجد سیاه غیر مقشرا زهر یک شش اوقیه جوز بوا تربل سفید سنبل الطیب موفود و قو اسارون تخم کرفس کوهی فرمون زهر یک دوا و قیه ناخواه نشا سته کند م تخم کند نا تودری سفید خشخاش سفید زرنبا درونج عقربی پوست بیه زرشک حما ماء قرقحاطبا شیر سفید بزرسی سالیوس حلتیت منتن زیره کرمانی زهر یک سه اوقیه سنبل فلغل دارچینی شیطرح هندی شیطرح فارسی فاغله مویه اشنه سعد کوفی اصل نیلوفر دارفلغل قرنفه الطیب جنل بیه سترا زهر یک پنج اوقیه جا و شیر سکبینه زهر یک چهار اوقیه پوست بیه کرفس هشت اوقیه خبث الحیدیل تنقیه کرده که سه هفته آنرا پرورده باشند یک هفته با سرکه و یک هفته با آب و عسل و یک هفته باز سرکه یا ابتل کرده و از سر گرفته بخیسانند آنرا یک روز در سرکه و یک روز در شکر و یک روز در ماء العسل و سه هفته دیگر این کار را بکنند بدین طریق که ذکر شد پس آن را در سایه خشک کرده و بسایند تا مانند غبار شود و باقی ادویه را گرفته بپخته با زای هر سه جزو از ادویه یک جزو از خبث الحیدیل مد بر مل کور داخل کرده مجموع را با روغن کار و یا روغن باد ام تازه شیرین چرب نموده بعسل جین خوشبو و خوش طعم بقی رجاحت و فانیل سنجری بوزن خبث الحیدیل معجون سازند باین نحو که اول مرتبه فانیل و ابتل ازند و عسل صافی را در آن داخل نمایند و بجوشانند و کف آنرا بکینند تا بقوام آید پس ادویه را بآن بر سرشند و در سه بوی سبز لعاب دارچینی کرده سر آنرا گرفته در جود فن کنند و شش ماه بگذرانند پس بخورند از آن مقداری عقیصی صبح ناشتا و بعد از آن تاسه ساعت هیچ بخورند پس غذا بخورند غذا های معتدل و گرمی و سردی و پوین نمایند از چیزیکه موجب تخمه باشد و سائرتند ابیر در اغذیه که خوف خلل داشته و زعم بعضی از اطبا آنست که این معجون با زمین ارد شرم قاتل را از بدن باذن الله تعالی و مورث صحت از جمیع امراض و علل است و حفظ صحت می کند و این ترکیب پنجاه و سه جزوی است با روغن کابو بغیر فانیل و عسل و وزن اجزا بغیر از فانیل و عسل و روغن کابو و خبث الحیدیل هفتاد و سه اوقیه و فانیل و خبث الحیدیل و مزاجش گرم و خشک است در د و درجه و نیم **صنعت عطیه الله** به نسخه دیگر هلیله سیاه پوست هلیله آمله منقی و ج ترکی زراوند مد حرج زراوند طویل شقاقل مصری دانه هیل بوا دانه قافله کبار کل با بونه زنجبیل کنجد مقشرا زهر یک نه مثقال جوز بوا سنبل الطیب تربل سفید مومکی صافی فوة الصبغ و قو اسارون قرنفل فطراسالینون فرمون زهر یک سه درم زرنبا درونج عقربی پوست بیه زرشک ناخواه تخم کند نا تودری کلکون تخم خشخاش حما ماء قرقحاطبا شیر سفید حلتیت بزرسی سالیوس زیره کرمانی زهر یک چهار مثقال و نیم بل هندی شیطرح هندی فاغله مویه اشنه سعد کوفی بیه نیلوفر دارفلغل قرنفه الطیب دارچینی جنل بیه سترا زهر یک هفت مثقال و نیم جا و شیر سکبینه زهر یک شش مثقال پوست بیه کرفس دوازده مثقال خبث الحیدیل سه مثقال خبث الحیدیل رادرسه هفته در شراب قند نگاه دارند و بعد از آن بر آورده یک هفته در ماء العسل بگذرانند و بعد از آن باز سه روز در شراب قند بگذرانند و بعد از آن در ماء العسل نگاه دارند و بعد از آن باز از ماء العسل بر آورده در سایه خشک نمایند و بر روی سنگ سه اقی آنرا صلیقه بلیغ نمایند که مثل سبزه گردد و باقی ادویه

آدویه را کوفته بپخته سه وزن آدویه و یکوزن خبث الحید را با هم آمیخته بر روغن کار یا روغن بادام شیرین چرب نموده و بوزن مجموع فانیف در کلاب حل کرده و در برابر آدویه عسل سفید مصفی داخل کرده بقوام لائق آورند و آدویه را با آن بدستور مقرر معجون سازند و سرد کرده در مرتبان چینی کرده ششماه در میان جو نگاه دارند و بعد از ششماه استعمال نمایند شربت یکه مثقال \*

### باب العین مع القاف \*

عقرب بعربی اسم کردم فارسی

است و آن شباهت و جراره و الوان میباشد و آنچه در زمین حرکت در نباله را بلند دارد شباهت نامند و آنچه در نباله بکشد جراره را و از شباهت کوچکتر میباشد و بزبون ترین اقسام آن سیاه و بردار است و بهترین آن در مد او از رد شباهت است و به تجربه رسید که چون اجزای آب ندید و را اندک آب پاشیده بر روی هم بکند ازند خصوصاً در تابستان عقرب بسیار از آن تکرار میشود در آخر سیوم سرد و خشک و چون شکافته آنرا بر موضع کزید و عقرب بند نکند جاب سمیت میکند و آشامیدن برشته کرده آن جهت قرحه سینه و سرفه و رفع سموم عقرب کزید و مغید و سوخته آن با آدویه مناسبه جهت سنگ کرده و مثانه و عسر بول بی نظیر است و اگر کمال آن با فلغل و آدویه حاره جهت بیاض و ناخن چشم حیوان و انسان مجرب دانسته اند و با سرکه بن موش بقدر نصف آن جهت تقویت بصر و طلای آن جهت ساقط کردن دانه بواسیر و رفع بهق و برص و نمش و کلف و قروح خبیثه قوی الاثر است و روغن آن که زنده آنرا بعد از بیست و ششماه در روغن زیتون که با زای هر عدد مثقال باشد انداخته چهل روز در آفتاب بکند ازند جهت عرق النساء و فالج و بواسیر مجرب است و طلای برشته کرده آن بر روغن زیتون که بعد سوختن نرسد جهت رویا نیدن مری داء الثعلب بی علیل و بستن یک عدد عقرب قدید کرده و بر آن زینکه همیشه اسقاط جنین او شود مانع سقوط میگرد و کزاندن عقرب بر غیر عصب رافع فالج و از مجربات شمرده اند و آشامیدن آن مضوری و مصلحش کل ارمی و تخم کرفس و شربتش تا نیمه رهم است \* احراق عقرب که رماد العقارب نیز نامند چنانست که عقرب زنده را در ظرف مسیاد و ظرف آهن یا سفال انداخته بر ظرف را بنخیر محکم کنند و در تنور یک از همیشه زکرم شده باشد و آتش را از تنور بر آورده باشند شب بکند ازند و صبح بر آورند البته باید که قنور بسیار کرم نباشد که عقرب تمام خاکستر شود و باید که عقرب زنده باشد و علامت نرمی آن است که ضعیف و لا غرمی باشد \* نوع دیگر آنست که عقرب را در شیشه که بکل حکم کوفته باشند کرده و سر شیشه را محکم نموده در تنور یک بسیار کرم نباشد مقل ارشش هفت ساعت نجو می در میان آتش کد ازند اگر قابل سق شد و باشد بهتر و لا در سه ساعت دیگر آن مقل را که قابل سق گردد باز در آتش کد ازند پس سائید و بجزیر بپخته استعمال نمایند بعنوان سفوف و رماد از یک دایک تا یک درم بحسب مزاجه و قوت و سن با آدویه مناسبه \* دهن العقارب تفطیت حصاة کلیه و مثانه کند و تقویت باه نمایند \* صنعت آن بگیریند زراوند مد حرج پوست بیج کبر عاقر قرحا از هر یک در اوقیه مجموع را نیم کوفته در شیشه کرده و روغن بادام تلخ بکرطل بر روی آن کرده بیست عدد عقرب سیاه زنده در آن انداخته چهل روز در آفتاب کد ازند پس بهالایند و در شیشه سر بسته نگاه دارند و عند الحاجة برعانه و محل کلیه طلا کنند \* دهن العقارب به نسخه دیگر \* صنعت آن زراوند مد حرج جنطیانا سعد کوفی پوست بیج کبر از هر یک یک اوقیه نیم کوفته در شیشه کرده بریزند بر آن روغن بادام تلخ بکرطل و بکند ازند در آفتاب تابستان دو هفته و بغشارند و بهالایند پس بگیریند ده عدد عقرب سیاه و عقرب ها را زنده در آن روغن اند ازند پس سر شیشه را محکم بسته دو هفته دیگر در آفتاب بکند ازند پس از آفتاب برداشته نگاه دارند و وقت حاجت استعمال نمایند \* دهن العقارب به نسخه شغایی سنگ کرده و مثانه را شکسته بریزند و بر آورد و درین امر بسیار نافع و مجرب است \* صنعت آن بریزند چینی سعد کوفی جنطیانا پوست بیج کبر از هر یک یک اوقیه اجزا نیم کوفته در شیشه کرده و روغن بادام بکرطل بالای آن کنند و یک

مفتحه در آفتاب بکند ارنه پس صاف کرده ده عدد عقرب زند و در میان روغن بیدل ارنه و در هفته دیگر شیشه روغن را  
 در آفتاب بکند ارنه و هنگام ضرورت قطره قطره در احوال بچکانند و تهیگاه و خاصه را با آن چرب کنند \* دهن عقرب دیگر  
 به نسخه معصومی سنگ کورده و مثانه را بریزانند و در پشت را نافع بود و اگر قطره در گوش بچکانند درد ساکن کند و اگر  
 برداشته بوا سبکه ظاهر باشد بمالند آنرا خشک کنند و بپختند \* صنعت آن عقرب زند و فربه ده عدد و یا بیشتر و قتیکه سه  
 چهار روز اول ماه باقی ماند و یا شد در شیشه کنند و روغن زیت بر سر آن کنند و سر شیشه را محکم نمایند و در آفتاب بکند ارنه  
 تا چهل روز یکدفعه نگاه استعمال کنند \* معجون عقرب سنگ کورده و مثانه بریزانند و کزبانی عقرب را بغایت نافع باشد \*  
 صنعت آن عقرب محروق سه عدد و نیم جنطیانا فلل دار فلل از هر یک یک یک و نیم زنجبیل یک و نیم کاکج پنچرم  
 چند بیل ستر چهار درم کوفته پخته با سه چنگل ان عمل بسر شدن مقدس و شربتی یک انگ باقل ری آب کرفس \* معجون  
 عقرب دیگر جهت تفتیت سنگ کورده و مثانه \* صنعت آن عقرب سوخته جنطیانا از هر یک سه مثقال فلل دار فلل از هر یک  
 دو درم زنجبیل یک و نیم کاکج پنچرم چند بیل ستر چهار درم ادویه کوفته پخته بعسل سه وزن ادویه بسو شدن و در  
 نسخه دیگر زنجبیل نیز یک و نیم است و در نسخه قلانسی از هر یک بتماها یک و نیم درم است \*  
**باب العین مع النون \*** عنب بغارسی انکور و به ترکی اوزم نامند بهترین او شیرین و نازک پوست بزرگ  
 دانه کم تخم است در آخر اول کرم و تر و در غایت بهترین میوه ها و بغایت مسمن بدن و معتدل امزجه غلیظه و صاف  
 کنند و خون صالح جهت افزودن پیه کرده و دفع مواد سودا و احتراق خاطر نافع و مصلح حال سینه و شش و مضر معد  
 رطبه و ریحی و مصلحش زیره و رازیانه مضر است \* جگر و سپرز و قولنج ریحی و مصلح آن تخم کرفس و ملین طبع و مورث  
 تشنگی و مصلحش سنگجبین و غل اهای ترش است و آب سرد بعد از انکور بغایت مفسد آن و مورث استسقارتهای عفن  
 است و باید که بعد از چیدن آن بد و روز تناول نمایند و مابین دو طعام خورده شود و دانه او در دریم سرد و خشک و مولد  
 ریح و مضر معد و اما عا و سوخته آن جهت جراحات و جلای باصره و رطوبت چشم نافع و پوست او مولد ریح و بسیار بطی  
 الانجیل اراست و انکور نارس و عفس مائل بسودی و کثیف است و روغن انکور که مکرر آب و ثقل آنرا با روغن زیتون جوشانیده  
 صاف کرده باشند و یا در آفتاب پرورد \* باشند بغایت محلل و مسخن و ملین جلد است \* جوارش حصرم قاصح صفرا و  
 مسکن عطش و حمیات صفراوی را نافع است \* صنعت آن بکیرند آب حصرم که غوره انکور است و با هم وزن آن یا زیاده  
 یا کمتر بیل ستر و مسطور در جوارش زمان ساد و مرتب نمایند و عند الحاجة بقدر ضرورت تناول نمایند \* دهن عنب  
 بغارسی دوشاب انکور نامند در آخر اول تر و در دریم کرم و مولد خون صالح و مسمن و مفتح و مل او مت آن بشیر تازه  
 و اندک بادام جهت هزال مفرط و خفقان و ضعف احشاء عجیب الاثر و با اندک سرکه جهت یرقان و سپرز و باندک زعفران  
 جهت رفع هم و غم و غضب شدیل و با سداب جهت صرع مجرب دانسته اند و با افیون جهت وحشت و جنون و با مغز قرطم  
 جهت رفع شری در همان روز و با انجیر و حله جهت سعال مزمن و درد سینه و با ماء الشعیر مفتح حصاة و مل ربول و شیخ  
 رئیس قلس سره فرموده که دهن عنبی با آب سیب و قدری برک ریحان و اندک حرمل در جمیع افعال قائم مقام خمر  
 است جهت اسکار و ضما و مطبوخ آن با خطمی جهت تحلیل اورام و کشودن دمل نافع و قدری شربتش از دو مثقال ناپیست  
 مثقال و اکثر آن محروق خون و مصلح و مصلحش تخم ریحان و خشخاش است \* صنعت آن بکیرند آب انکور و سبیل از  
 هر نوع که باشد و بچوشانند با کل دوشاب تابوع رسد و شیرین گردد و اگر بدون کل آب انکور خالص را به تنهایی بچوشانند  
 خوب شیرین نمی گردد و با اندک ترشی می باشد و موسوم به مطبوخ عنب و رب عنب و میبختج است \* خل عنبی و آن سر



سرکه انکوری است مرکب القوی و در آن سه جز راست یک جز و حار و یک جز و بارد و یک جز و یابس که بهر یک فعلی خاص از و صادر میگردد و مشهور است که در دریم سرد و خشک کوبند خشکی آن در سیوم است قابض و بسیار مجفف و سوریع النفوذ و رساننده قوت ادویه باعضا و ملطف و قاطع اخلاط غلیظه و دافع تشنگی و معین بر هضم و قاطع نرف الدم اعضا و محرک اشتها و کد اذنک بلغم و سپرز و موافق معده ملتهجه و بلغمیه و جهت قطع صفرا و تفتیح سد ماساریقا و سپرز و من اومت خوردن آن ناشتا قاتل کرم معده و کرم کرده از با عسل جهت نفس الانتصاب نافع و قی کردن بعد از خوردن کرم کرده آن جهت ادویه قتاله و رفع جمود خون و شیر در معده و بانمک جهت رفع ضرر سم فطر و سک دیوانه کزیده و مکیدن آن بتدریج جهت زلوی که در حلق مانده باشد و سرفه کهنه رطوبی و غرغره آن جهت منع سیلان فضول بحلق و خنای و سقوط لها و در دند آن و مضمضه آن با نمک جهت قطع خون بین دندان که کد با باشند و با زاج سفید جهت خون لثه و سستی آن و طلافا آن جهت منع انتشار و قروح خبیثه و باد سرخ و حمور و منله و جرب متقرب و بواسیر و داخس و ورم ظاهری و باطنی و مانع ورم جراحت تازه و درد سر حار و خارش بدن و کزیدن حیوانات سمیه و سوختگی آتش بغایت مجرب و چون بر عضو بمالند و منع قبول ماده از عضو مجاور خود میکنند و نطول آن جهت کزیدن حیوانات سمی و بر موضع نرف الدم ظاهر بدن جهت قطع سیلان خون و طعامیکه با سرکه بخفته باشند منع سیلان فضول بشکم میکنند و ضامد انجیری که در آن طبع یافته باشد جهت سوزش عضو و خشونت آن مجرب و با کورکد جهت نقرس و با عسل جهت رفع آثار تحت چشم و خون مرده باروغن کل جهت درد سر یک از آفتاب حادث شده باشد و با آرد جو جهت خنای و ورم پستان و بنا کوش و با خاکستر کرم جهت غل دو ورم بارد و با حرمل جهت خد و کزاز مفاصل و جو شانید آن با کلاب که پارچه را با آن ترکرده بر سوکاد کنند جهت درد سر یک از صفرا و بثورات حمام حادث شده باشد مجرب و با شین سرکه بر سنگ کرم کرده و بد ستور سنگ را در آن انداخته بخار آن جهت درد سر مزمن و نزلات و سرفه مزمن و بواسیر و خوردن انجیر و مویز یک در آن خیسانید با شدند جهت سپرز خصوص با پوست بپنج کبر مرصوص که نیز خیسانید با شدند و مضمضه طبع آن بازیره و معتبر تسکین درد دند آن و قروح لثه مجرب و قطور آن جهت کرم کوش و بخور آن جهت دمی و طنین و کرانی سامعه و تفتیح سد خیشوم و بونیدن آن جهت سد مصفات و با کلاب و روغن بادام و روغن کل جهت سرسام رهنیان نافع و چون یک اوقیه پیاز عنصل خشک را ورق کرده در سرکه بچوشانند تا مورا شود و یک هفته در آفتاب کد آشته پس صاف نمایند و هر روز ناشتا دو درم ازان را بغوشند جهت بد بوئی دهان که بمشارکت معده باشد و ضیق النفس بارد مجرب است و در جمیع افعال مثل سرکه عنصل است که در استقبال مذکور شد و مضروبیران و سودای مزاج و قوت باه و صاحبان سرفه تازه و سعال یابس و مضر اعصاب و اعضا عصبانی و رحم و ناقهین و مبرود بین و صاحبان ریح غلیظه و درد مفاصل و من اومت آن مورث است سقا است در صاحبان ضعف انخشا و شش و مضعف بصر و مورث زردی رخسار و سحج و لاغری و مصلح آن شیر پنیها و گوشت آب چرب و شراب سرخ غلیظ و در دفع ضرر سرفه شریقی در روغن بادام و ادویه ضعیفه الحرارة و در ضعف اعصاب عسل و ادویه حاره و در سحج لعابها و قل و شرابش تا هفت مثقال و بلش در بعضی امور شراب و در بعضی آب لیمو است و سرکه تازی و نارچیل مضر بعصب نیستند \* دهن عقید العنب در دهان ذکر یافت \* و ماد کرم که خاکستر چوب درخت انکور باشد جهت تفتیت حصاة و تحلیل اورام بارده و بیضه و خوزه و شقیقه و بواسیر نافع اما جهت تفتیت حصاة کرده و مثانه دود رهم به تنهائی و یا با یک درم سنگ سر ماهی با طبع حب القلت بیا شا منل که بیست مثقال حب القلت تا شب در یکرطل آب بخیسانند و با آتش ملایم طبع دهند تا ربع رسد اما در امراض مذکوره دیگر با سرکه طلا و ضامد نمایند \* دستور احراق آن آنست که بکوبند چوب

درخت آن را و در ظرف سفالی کرده بر آفر و زدن بر آنش تا سوخته گردد و بسوزد و بعد از آن رسد پس برداشته بکار برند \*

شراب حصرم که بفارسی نمود \* نامند تشنگی به نشاند و تب کرم را سرد دارد و خمار دفع کند \* صنعت آن بکیرند حصرم که غوره انکور است و بغشارند و آب آنرا بکیرند و صاف کنند و بجوشانند تا به نصف آید و زمانه بکند آنرا تا نه نشین گردد و بکریاس دولانی و یازاده پیا لایند و در هر یک من آن یکمن قند سفید اضافه نمود \* شربت به پزند و اگر خواهند می خوش آن یعنی نیم رس انکور به همین نحو ترتیب دهند \* شراب عنب نافع است از برای درد کلو و آماس آن و از برای فرج معد \* \* صنعت آن به نسخه شیخ رئیس بکیرند آب انکور عفس قابض شش و طریقه به پزند تا ثلث بماند پس داخل کنند در آن عسل سفید مصفی بکریاس سماق اصل السوس مازوی سبز کلنا و فارسی غنچه کل سرج از هر یک شش استار زعفران دو درم مرمکی صافی شب یمانی از هر یک یک درم و بجوشانند و پیا لایند و بیاشامند و در نسخه دیگر ادویه که درین نسخه شش استار است چهار چهار مثقال است و باقی موافق این نسخه است \* شراب عنبی تغریب و نشاط آورد و مقوی کرد \* و باه است و شهوت جماع آورد \* صنعت آن بکیرند عصیر عنب شیرین رسید \* دوم و درخمد اند از آن و بکند آنرا تا بجوش آید کف آنرا بکیرند پس بکیرند دارچینی بسماسه خولجان لعنت بر روی بوزید آن بهمن سرخ شقاقل مصری لسان العاصیو تخم شلغم تخم جو جبر تخم هایون حب القلقل اجزا مساوی از مجموع ده استار گرفته در صوره کتانی کنند و در آن اند از آن و سوزم را گرفته بعد از ششماه استعمال نمایند شربتی بقدر مزاج شخص \* شراب و بیکانی نسیان و امراض بلغمی را نافع بود و معد \* را قوت دهد و پیران را موافق بود \* صنعت آن آب انکور و جید یکمن درخمد و پزند و شش من قند سفید اضافه نمایند و در چینی قرنفل بسماسه جوز بوا از هر یک دو درم مجموع را نیم گرفته در کیسه کنند و درخمد اند از آن و سوزم را بکیرند و بعد از ششماه استعمال نمایند و باید که خم را در اول پاک بشویند و اندرون آن را موم کد اخته بگردانند و بمشک عنبر اشهب بویا گردانند \* مثلث آب انکور و بست که دو ثلث آن در طبع رفته یک باشد ثلث بماند و در حین طبع کف آنرا گرفته باشند در منافع قریب بضم و مولد خون صالح و مقوی هاضمه و موافق صاحبان آبله و حصیه و ذات الجنب و ذات الصد و مقوی باه مهوودین و اکثرا آن مضر و محرورین و اما آنچه محمد بن محمود آملی در شرح کلیات ایلاقی نوشته بکلام شیخ رئیس در کلیات قانون دلالت بر آن می کند آنست که بکیرند عصیر عنب سه جز و آب خالص یک جز و بجوشانند تا اینکه یک ثلث مجموع برود و دو ثلث بماند و گفته اند که آنچه عطباد و خمر نوشته اند غلط است و منشای غلط ایشان حمل مثلث فقهی است بر مثلث طبی و عد م فرق بینهما و این غلط عظیم است لهذا آن ملحق بد بس یارب عنب است \* میبختج بد آنکه آن معرب از می پخته فارسی است و عبری عقید العنب نامند در دویم کرم و در اول خشک و حرک باه و ملین طبع و موافق سینه و شش و آبله و حصیه و در محرورین و اکثرا آن مولد صفوی غلیظ و مصلحش آب میوه های سرد تر و بد لش در شاب انکور و بست \* صنعت آن آب انکور را آن مقل اوطبع دهند که زباده از دو ثلث آن بسوزد و غلیظ و ماثل بسوزی گردد و در کیلانات اینرا در شاب ترش نامند و چون با خاک دوشاب بجوشانند شیرین میگردد و آنرا دوشاب گویند و در دبس ذکر یافت \* عناب بهترین آن رسیده \* بالیل \* سرخ رنگ شیرین است و خشک آن بهتر از تازه و معتدل در حرارت و برودت و ماثل بر طوبیت و قوتش تا دو سال باقی است و ملین احشای مسهل اخلاط رقیقه و منضج غلیظه و رافع خشونت سینه و حلق و آواز صاف کند \* خون و مولد خون صالح و مسکن التهاب و تشنگی و حلات خون و جگر و جهت سرفه و ربور و در سینه و کرده و مثانه و امراض مقعد و فساد مزاج جگر و باسکنه چمین جهت شری بی عدیل است و اکثرا آن نفاخ و دیورضم و مصلحش شکرو مویز و مقل منی و مصلح آن عسل واد و به باهیه و در مهوودین کلاب و شکو و برکش مغیر ذائقه است بحدل یک تمییز طعم نتران نمود و شرب طبع بر

برگ آن هر روز نیم رطل با قدری شکر و عرض پنج شش روز رافع خارش بدن و مجرب است و ذرور خشک آن در رفع اکله و قروح خبیثه مجرب خصوص چون بعد از طلا کردن غسل ذرور نمایند و پوست شاخ درخت آن بتنهائی با یاسفید آب جهت قروح خبیثه بپزدیل و شرب نشاره چوب اورا رفع حكه و جرب و سحج و طلای آن جا بر شکستگی اعضا و بیرون رفتن و حرکت کردن استخوان است و شرب عذاب سائیده باد آنرا رفع قرحه امعاء و صمغ او با سرکه جهت قوبا باد و به مناسبه و تنهائی جهت امراض چشم مفید و قد شربتیش تا پنجاه عدد و بدنش سپستان و خائیدن برگ تا زو آن باعث خدر است و نیافتن طعم بشعه ادویه بشعه الطعم است چنانچه اگر قبل از خوردن مسهل و ادویه بشعه یکد و برگی از آن خائید و شل آن را بپزد از نذ طعام ادویه بشعه کم معلوم گردد و شیخ رئیس در معدرات قانون می فرماید که جالینوس میگوید که ندیدم من درین فایده و نه طعمه نه در حفظ صحت موجود نه در استرداد صحت مفقود و غیر جالینوس گفته نفع می بخشد حدت خون گرم را و کمان می بوم من که این فائده برای تغلیظ او است خون را و کسی که کمان کرده است که آن صاف می کند خون را و غسل می دهد آن را ظنی است که نیست میل و توجه من بسوی آن و غل ائمت آن بهیار کم و گفته که قول حکیم فاضل جالینوس بسیار نیکو است و صواب است \* سکنجبین عذابی در سکنجبینات ذکر یافت \* شراب عذاب ساده آبله و ما شری و درد سینه و سرفه و غلبه خون را نافع باشد \* صنعت آن عذاب جرجانی نیم رطل در دوزن آب بجوشانند و بکشد و صاف کنند و بکرطل قند سفید بقوام آورند \* شراب عذاب به نسخه شیخ داود انطاکی موافق نسخه مذکور در اصول التراکیب تبرید خون کند و اصلاح سینه و اسافل بدن نماید و تسکین عطش کند و نافع است از برای اطفال خصوصا در جلدی و قوت این شراب زیاده برد و ماه باقی نمی ماند \* صنعت آن عذاب جرجانی بکرطل کشنیز خشک عدس غیر معشر تخم کاسنی از هر یک یک اوقیه و گفته که هر کس غیر این گفته خطا کرده پس ادویه را با ده مثل آنها آب باران نیسان بجوشانند تا ثلث آن باقی ماند پس بپالایند و مثل وزن صافی آب مطبوخ شکر سفید داخل کرده بجوشانند و کف آن را بکیرند و بقوام آورند و در نسخه دیگر بعوض تخم کاسنی بپنج کاسنی است و نسخه اول اصح است شربتیه درم \* شراب عذاب بنسخه نجیب الدین سمرقندی نافع جهت جمیع امراض دموی \* صنعت آن عذاب خراسانی کلان چهلدانه آلوی سیاه بیست دانه زرشک منقی سماق منقی از حب از هر یک بیست درم ورق کل سرخ پنج درم قند سفید بکرطل کلاب ربع رطل ادویه را جوشانید و صافی نموده با قند و کلاب بدستور بقوام آورند شربتیه یک اوقیه با بعضی لعابات و جلیبات یعنی شیرجات بزور بحسب مزاج بکار برند \* شراب عذاب قلمی فرموده اند که این نسخه از بند اثم محمد هاشم مخاطب بسید علونخان معتمد الملوک محمد شاهي است نافع از برای جمیع امراض دموی خصوص خفگان و امراض قلب دموی و صداع بمشارکت امراض دموی قلب \* صنعت آن عذاب دانه بیرون کرده سی عدل بنفشه کل نیلوفر کل گوزبان کل سرخ منزوع الاقماع از هر یک ده مثقال درشش رطل کلاب و شش رطل عرق بید مشک بجوشانند چون به نصف رسد بپالایند و ادویه مذکوره را بوزن مذکور دران مرتبه ثانیه داخل نموده باز بجوشانند چون سه رطل بماند بپالایند قند سفید ترجیبین منقی شیر خشک خراسانی از هر یک بکرطل دران داخل کرده دو جوشی داده بپالایند و بپارد یک در دیک کرده بقوام آورند شربتیه تا دو اوقیه و در شربه نیز چند نسخه ذکر یافت \* لعوق عذاب ورم حلق و تب و تشنگی را نافع باشد و خشونت زبان را برطرف کند و سرفه و امراض سینه را سودمند بود \* صنعت آن عذاب پنجاه عدل تخم خطمی ده درم کثیرا شش درم مویز منقی بیست و پنج رطل بنفشه اصل السوسن تراشیده نیم گرفته از هر یک یا زده درم بزرقطونا بیست درم مجموع را در هفت رطل آب بجوشانند تا ثلث بماند صاف کنند و بکرطل

فانیل اضافه کرده بقوام آوردن و روغن بنفشه با دام سه درم داخل کرده وقت حاجت لعرق نمایند \* مطبوخ عذاب مسمی  
 بمغلی حلو منضج اخلاط غلیظه و حاره و سرفه حار را نافع است \* صنعت آن عذاب سیستان از هر یک با نروده دانه تخم  
 خطمی خبازی از هر یک یک و نیم درم تا دو درم کل بنفشه سه درم اصل السوس محکوک مریض یک مثقال کل نیلوفر از سه  
 عد دنا پنجه عد دپرسیا و شان دو درم تخم رازیانه نیم کوفته یک درم بهلانه نیم درم تا یک درم دریه را شب در آب بخیسانند  
 و صبح جوش کمی داده صاف نموده نیم گرم بنوشند بهمان گرمی طبع از غیر آنکه بکنارند تا سرد شود و آنرا گرم کنند و بنوشند  
 و اگر درین مغلی قل ری شکر اضافه نمایند بی نیست \* نقوع عذاب موسوم به نقوع حلو صفرا بر آنک وصل اعرا نافع باشد \*  
 صنعت آن عذاب بیست دانه مویز طافی سی دانه سیستان سی دانه سربنفشه هفت درم شب در یک رطل آب بخیسانند  
 و صبح صاف نموده بیست درم شیر خشک و بیست درم ترنجبین در آن حل کرده با ز صاف نموده قل و کلاب و عرق بیل مشکا  
 داخل نمایند و بعضی ده دانه سرمش اصفهانی نیز درین نقوع داخل کرده اند \* عنبر موم از نوعی نحل است که در جزایری  
 که در میان دریا واقع است بر جبال آن جزا نرود رختان آن نواح نحلی خانه ساختن عسل در خانه های خود میل هنر از  
 برای ذخیره باقی که شبنم برگها نمیماند و شدت بارش خانه های ایشان را کند و بد ریای می آورد و عسل آن شسته کشته  
 موم خالص میماند و مویز این قول است آنچه از ثقات شنید که در سواحل بلاد کنده و جزایر و موت و یمن و مالک و یس  
 حضرت نواح آنها بیدار و شکا می عنبر تازه زرد رنگ نرم مثل خمیر شیرین بسیار خوشبوی می باشد و حکام را حره آنجا بقیامت اعلی  
 خرید و بخور هوش تمام می خورند و میگویند بسیار مفوی باه و قوی و رزاح است و نیز فقیر شما مه عنبری دیکه که مثل نحل  
 ها نوری که جال و پشت آن صلب و خنثی بود در آن شما مه بسیار بود یعنی زیاده برصل عد در لیکن قول بر آنکه آن بطوبی  
 است که از معدن دریا چون معدن قفر و موم میانی بر می آید و بسبب جزر و مد بر روی آب آمد و منجمد میگردد و بطالطم  
 امواج پرده پرده بر روی هم و در مثل شما مه و اشکال دیگر میگردد و بسا حل می افتد نزد احقر قوی است اما قول آنکه  
 عنبر رویت یعنی سرکین نوعی از حیوان دریائی است که موج آنرا بسا حل می آید از قول بر آنکه عنبر طل یعنی شبنمی است  
 که بر روی دریا نشسته و بطول مدت و زمان معین منعقل می گردد چنانچه صاحب اخوان الصفا بر آن است بسیار و عید  
 می نمایند و الله اعلم بحقایق الامور و بدانکه از عنبر آنچه صافی باشد و زردی مائل و از تحریر یک امواج پی در پی مجتمع  
 و مائل به تل و برگشته بسا حل میرسد آنرا شما مه و اشهب مینا مند و آنچه مخلوط بخاک و رمل است رملی و این به سبب  
 ته نشین آب میشود و آنچه بشکل و صفای می باشد و سیاه رنگ آنرا عنبر تخته می نامند و بهترین آن شما مه اشهب مائل  
 بسفید و زردی است که دهنیت آن غالب و از خاک آید چون مصطکی و صمغ البطم از هم منفصل نشود و این قیل اخبر  
 بجهت آن نموده شد که فقیر شما مه عنبر اشهب دیکه در وزن سنگین بود و دهنیت کم داشت گفت که آنرا از میان نه دو حصه  
 فانیل چون آنرا دو حصه نمودند میانش پرا ز رمل بود و علامت دیگر عنبر جید آن است که خوشبو باشد و چون سوزنی  
 را گرم کرده بر آن نهند بوی بسیار خوش از آن آید و بر موضع داغ چیزی مانند روغن داغ کرده مخلوط نباشد و ظاهر  
 باطن آن درین معنی شریک و یکسان باشد و چون مالتی بکند و با آن موضع را داغ کرد و اشهب مائل بسفید  
 بود و با نقطه های بسیار ریزه سفید در آن پیداشود که آنرا بهار عنبری نامند و چون در عنبر آنها ظاهر میشود میگویند  
 عنبر بهار کرده است و چون با چهار ریزه عنبر را در پارچه کریاس بسیار رنگی بسته در آب بسیار گرم جوشان فرو برند  
 زمانی نکاهل از آن تا عنبر کاک آخته شود پس از آب بر آورده بکنارند تا حالت و گرمی آن کم شود و فی الجمله انجمادی  
 هم رسانند فشرده که خوب من و در اجزای آن درهم نشیند آنکه پارچه کریاس را از بالای آن باز کنند و پاکه عنبر ریزه شده

شد و باریک و رمل آمیخته را در قد رمضا عاف با کلاب کک اخته بی روغنی و دهنی و از پارچه بسیار نازکی بکن رانند و در کلاب کرم سرد کرده را بخته بکن آرند تا دردی و سبک ریزه آن ته نشین گردد پس شما مه سازند و چون مک ته بکن رد و این هم بهار میکنند را بینه همه خوب و خالص است و بعد از آن شهب عنبر ما تل با زرقی و زردی و بعد از آن ما تل بسبزی است و زبون ترین همه صفایعی است و بدترین صفایعی سیاه رنگ آن است و از آن زبون تر عنبر بلعی است که میگویند ماهی آنرا به سبب حلاوتی که دارد فرو می برد و چون ماهی آنرا فرو برد خصوص ماهی که مسمی بعنبر است سست می گردد و بر روی آب می آید و موج آنرا بسا حل می اندازد و ماهی را بر سا حل زند و مانند محال است می میرد و کسانیکه در آن سوا حل میباشند این معنی را میدانند زرد شکم آن ماهی را دریده آن عنبر را بیرون می آورند و آن عنبر سیاه رنگ و زبون می باشد و بتا زکی بوی سهوکت یعنی سمیت ماهی می دهد اما مصنوع عنبر پس با لمره یکا زنی آید و یکی از اقسام مصنوع آن آنست که از لادن و کچ و موم و عنبر سیاه بهر وزن که خواسته باشند میسازند و از عنبر صفایعی چند صفحه را کرم کرده در سه طبقه بالای آن می چمانند و شما مه می سازند و تفرقه این شما مه مصنوع و شما مه اصلی بسیار مشکل است مگر بکل س قوی از وزن آن یا بشکستن و جاویدن آن زیرا که این قسم مصنوع متفتت می گردد و عنبر کرم است در درجه ثانیه و خشک در درجه اولی و حاظر روح و قوتها و بنهایت مفرح و محرک باه و اشتها طعام و مفتح سد ها و اعاده کنند قوتها است که از شرب دواها و واج و کثرت جماع کم شد و باشد و با دهر سمرم است و مقوی افعال معاجین و تراکیب و بالطبع دافع امراض یارده عموما و خصوصا امراض بارده دماغ و قلب و بالخاصیت دافع امراض حار و دماغ و بجهت نزلات و جنون و شقیقه و خفقان و غشی و امراض کوش و بینایی و سینه و سرفه و ریو و قرحه شش و ضعف قلب و معد و جگر و استسقا و برقان و ارجاع معد و طحال و کرده و ریاح و فالج و لقوه و رعشه و مفاصل و عرق النساء و تقویت حواس و خمس ظاهری و حواس باطنی و انفاص حرارت غریزی دافع و مد اوسف آن با ماء العسل جهت اعاده باه و مایوسین و طلا آن با غالبه و ادهان حاره جهت تقویت اعضای تناسل و تحریک باه و برا حلیل باعث شدت لذت جماع طرفین بعد افراط و شربت یکا آنک آن هر روز تا سه روز جهت دردم معد و جدید و قدیم مجرب و بخور آن مصلح هوای و بانی و کویز ایندن هوا و بوئیدن آن در جمیع امور مذکوره قوی الاثر و باعث غلیان خون و رقت آن و تولد شری در مکرورین و مصلحش کافور و میوه های سرد و تر و سعو ط آن با روغنهای حاره دافع امراض بارده دماغی و سد های آن و گویند مصر است و مصلح آن صمغ عربی و نزد بعضی مضعف روح کبد است و شربتش یکا آنک است و گویند اگر یکم مثقال آنرا با در چند آن سرینفشه و پنچ مثقال صمغ عربی بسه دفعه در یک روز خورده شود تفریح آن بحد اسکار میرسد و ازین قول غره نماید شد و بد لش یوزن آن مشک و زعفران است دستور حل کردن و صافی نمودن عنبر آنست که اول عنبر را ریزه و ریزه کرده در پیاله چینی نموده روغن مغز پسته یا روغن زیت انفاق یا روغن کل بادام یا هر روغنی که طبیب مناسب حال مریض داند بر روی آن کرده و یک بزرگ را تا نیمه آب کرده بر د یکا آن کک داشته پیاله در آن د یک بر روی آب یا بر سه پایه بکن آرند و سرد یک را بکیرند و آب را بجوشانند تا زمانیکه داند که تمام عنبر کک اخته و خاطر جمع شد ند که چیزی ناکد اخته باقی نماند و پس د یک را فرو آورده سر آنرا باز کرده پیاله را از روی آب کرم یا سه پایه برداشته عنبر کک اخته را از پارچه بسیار نازکی صافی نمایند و اگر بقیه از عنبر در پارچه باقی ماند و باشد در روغن کرم بماند تا تمام جوهر عنبر بیرون آیند و درملیکه در آن باشد در پارچه بماند و صافی آن را به مصر فی که خواهند صرف نمایند و ا حقر در بسیاری از مرکبات عنبر خالص که اندک خشکی داشته باشد با نبات سفید کوبیده بخته در ترکیب داخل می نمایند و بخور عنبر سارده مقوی قلب و دماغ است صنعت آن عنبر را خورد نموده مقلد را

فلفل نخود قرانک پنبه پاکیزه سفید ی تر کرده پیچیده در مجمر بر آتش بکند ارنل تا بملاصبت بسوزد \* بخور عنبر مرکب مقوی قلب و دماغ و معطر مجلس است \* صنعت آن عنبر اشهب شصت و پنج مثقال عود قماری خام پنجاه و پنج مثقال مشک تبخی خالص ده مثقال کافور قیصوری هفت مثقال ادویه کوفته بیخته بگللاب سرشته بهن کرده قرصهای کوچک بر یک در سایه خشک نموده نکاهد ارنل و وقت حاجت بخور نماید و در حرف الباء در بخورات نیز ذکر یافت \* تسبیح عنبر بوئیلن آن حالت الک کرسائی را که ضعف دل و دماغ باشد مقید است \* صنعت آن عنبر اشهب مشک خالص ورق کل سرخ عبیرا زهر یک بقل رجاء کوفته بیخته بگللاب آتقل ارکه خمیر گردد سرشته خوب صلایه نموده در بوب مسامی بندک هر مقل ارکه خواهند و سوراخ کرده در سایه خشک نموده بر پسمانی کشیکه تسبیح سازند \*

**فصل در ذکر نسخ جوارشات عنبری \*** جوارش عنبری معروف بجوارش خسروی منقول از اکلیل محمد بن ذکریا رازی گفته که استنباط نموده اند این را مهره اطباء از برای نوشیروان کسری و باین جوارش قوت یافت مزاج او و اعانت هضم آن نموده و ازین جهت جوارش عنبر را مسمی بجوارش خسروی نموده اند \* صنعت آن به نسخه مزبور در اکلیل پوست بلبله بسپا شده زهر یک و درم دار فلفل مغز نارچیل ازهر یک سیزده درم بزرالبنج سفید افیون دارچینی جنک بیک ستوسنبل الطیب ازهر یک یک و درم قرنفل زعفران جوزیوا ازهر یک پنج درم روغن بلسان شده درم ادویه کوفته بیخته بشراب ریحانی سرشته با عسل سفید مصفی بقل رکفایت معجون سازند و یکم مثقال عنبر اشهب بر روغن خیوی کداخته مخلوط بادویه نمایند و تیر بزندان تا نیکو مخلوط شود و در ظرف چینی نکاهد ارنل و بعد از ششماه استعمال نمایند شربت مقول از یک باقلا با شراب ریحانی که نه جیل پس مییابد مستعمل آن منفعتی عظیم عجیب \* جوارش عنبر معروف بجوارش خسروی به نسخه دیگر قریب به نسخه اول گفته این جوارش را ملوک عجم استعمال می کردند نافع است از برای امراض بارده خصوص از برای کلیتین و باه را زیاد کند و نافع است از برای فالج و لقوه و رعشه و خفقان خن و حفظ از یاده کند و ذهن را تیز گرداند و نشف و طوبیت معده کند و هضم را نیکو گرداند و این جوارش را موافقت بسیار است با پیران \* صنعت آن قاقله کبار قاقله صغار سبب سه دارچینی ازهر یک چهار درم زنجبیل دار فلفل ازهر یک در استاراشنه دودرم قرقه الطیب یک و درم قرنفل زعفران ازهر یک ده درم جوزیوا پنج درم و در نسخه دیگر پنج درم است سنبل الطیب مصطکی عنبر اشهب ازهر یک دودرم مشک ها ارض دودرم بزرالبنج سفید افیون ازهر یک یک و درم روغن بلسان شش درم ادویه کوفته بیخته افیون را در یک سکرچه که بغارسی سبوجه کویند شراب انگوری جیل بخیسانند پس عسل مصفی بقل رکفایت بقوام آورده افیون را نرم کرده اندک اندک داخل آن کنند در حالتی که آتش عسل را بسیار ملایم کرده باشد بقل یکه جوش نخورد تا آنکه تمام شرابی را که افیون در آن حل کرده اند نشرب نمایند پس عسل مقوم را از آتش بر گرفته ادویه را با آن بسوزند و باید که عنبر را در روغن بلسان که ذکر شد و بر روغن حب البان بقل یکه تمام ادویه مسحوقه را با آن چرب توان کرد بکن ارنل و ادویه را کوفته بیخته با آن چرب سازند پس بعسل مذکور بسرشنند و بعد از ششماه استعمال نمایند شربت یکم مثقال \* جوارش عنبر معروف بجوارش خسروی سردی معده و بیل هضم و خفقان و ارجاع رحم را نافع باشد و از برای پیران بنهایت مفید است \* صنعت آن قاقله کبار قاقله صغار و سبب سه دارچینی ازهر یک چهار درم اشنه عنبر اشهب مصطکی سنبل الطیب ازهر یک دودرم قرقه قرنفل زعفران زنجبیل دار فلفل ازهر یک دودرم و نیم جوزیوا پنج درم و در نسخه دیگر عنبر نیز پنج درم است و اول اصح است مشک ترکی خالص یک و درم کوفته بیخته بعسل مصفی بسرشنند شربت یکم مثقال \* جوارش عنبر خسروی به نسخه مزبور از ابراهیم در منهاج از سید اسمعیل که در ذخیره ذکر کرده نقل نموده و گفته که این جوارش از برای امراض معده و برونیت آن و رباح معده

سعی و قولنج نافع است و سبیل اسمعیل گفته که شخصی در بلخ درد معده داشت و بسیار معالجه کرده او را از آن رنج شفا نشد  
 آخر باین جوارش شفا یافت و این جوارش درد معده و خفقان و بیماریهای رجم را سود دارد و پیران را سخت موافق است \*  
 صنعت آن پوست زرد انرج عود قماری خام قرنفل کبابه چینی قاقله جوز بوا از هر یک پنج گرم نارمشک انیسون تخم کرفس  
 چند بید سترا فیون یزرا البنج سفید برگ بادرنجبویه مرزنجوش زعفران از هر یک سه درم روغن بلسان دودرم عنبر  
 اشهب یکم مثقال عنبر را بروغن بلسان حل کرده و هر دو را در عسل حل کرده و ادویه را گرفته بپخته بآن بسوزند شربت  
 از نیم درم تا یک درم و مزاج این جوارش گرم است در اوسط درجه دریم و خشک است در اوایل درجه دریم \* جوارش عنبر  
 مسمی جوارش خسروی منقول از قرا بادین معصومی گفته که این جوارش دل و معده را قوت دهد و باده را زیاد کند و  
 بوی دهان خوش گرداند و نشاط تمام آورد و شکفتگی بخشد \* صنعت آن عنبر اشهب قاقله کبار بسباسه قرنفل جوز بوا  
 زنجبیل سنبیل الطیب صندل سفید شقایق مصری قرفة الطیب دانه هیل بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک دو درم خصیه  
 الثعلب مصری هفت درم افیون ده درم زعفران دارفلغل فلغل یزرا البنج سفید از هر یک شش درم مصطکی سه درم دارچینی  
 هشت درم اشنه دودرم و نیم مشک تبیی نیم درم ورق طلا ورق نقره از هر یک نیم درم عسل مصفی سه وزن ادویه یک ستور  
 مقرر مرتب نمایند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربت بمقدار نخودی و اگر خواهند افیون را بیست درم کنند شاید  
 میغرمایند که یک درم افیون درین جوارش از برای حفظ ترکیب کافی است و اگر از یک درم زیاده کنند ترکیب مشوش میشود \*  
 جوارش عنبر مسمی جوارش خسروی منقول از قرا بادین کوتوالی معده را قوت دهد و تری معده را زایل کند و فالج و لقوه و  
 رعشه را سود دارد و برودت کلیه به برد و باده را زیاد کند و قوت دهد و عقل را تیز گرداند و حفظ و فهم را زیاده کند \* صنعت آن  
 خیوبوا قاقله کبار بسباسه مصطکی سنبیل الطیب عنبر اشهب از هر یک دو درم زنجبیل دارفلغل از هر یک دو ستور دارچینی  
 سه درم قرفة الطیب یزرا البنج سفید افیون مشک از هر یک یک درم قرنفل زعفران از هر یک ده درم جوز بوا ده درم روغن  
 بلسان شش درم شراب ریگانی یکم و نیم عسل مصفی سه وزن ادویه افیون را در شراب حل نموده در عسل داخل کرده  
 بجوشانند تا شراب رفته عسل بماند عنبر را در روغن اندازند و نیم گرم نمایند تا کداخته شود پس در عسل مذکور داخل  
 نمایند و بیامیزند و مشک را صلایه کرده بران افکنند باقی ادویه را داخل کرده نیکو بزم زنند تا آمیخته شود و در ظرف  
 چینی نگاه دارند و پس از شش ماه استعمال نمایند شربت یک درم تا یک مثقال \* جوارش عنبر مسمی جوارش  
 خسروی به نسخه دیگر \* صنعت آن خیوبوا قاقله بسباسه دارچینی از هر یک چهار درم دارفلغل زنجبیل از هر یک  
 دو از ده درم مصطکی اشنه سنبیل الطیب عنبر اشهب یزرا البنج سفید افیون مشک تبیی از هر یک دو درم قرفة الطیب قرنفل  
 زعفران از هر یک سه درم جوز بوا پنج درم روغن بلسان شش درم با عسل مصفی سه وزن ادویه مرتب نمایند \* جوارش  
 عنبر مسمی جوارش خسروی به نسخه دیگر باده را بیغزاید و دل و دماغ و معده را قوت دهد \* صنعت آن بسباسه لبان ذکر  
 قاقله کبار دانه هیل زنجبیل از هر یک چهار مثقال قرفة الطیب افیون یزرا البنج سفید مشک از هر یک یک درم عنبر اشهب هفت  
 درم روغن بلسان چهار درم عنبر را در روغن بلسان یک اندازند و بوزن مجموع ادویه قند سفید و دو وزن عسل مصفی بقوام  
 آورند و ادویه را بآن بسوزند شربت یک درم و در نسخه دیگر دارفلغل بدل دانه هیل است \* جوارش عنبر خسروی به نسخه  
 حکیم صالح خان خال آن مرحوم نافع از برای درد شکم و درد بوا سیر \* صنعت آن پوست زرد انرج عود هندی قرنفل کبابه چینی  
 قاقله کبار خیوبوا از هر یک پنج گرم نارمشک انیسون تخم کرفس افیون چند بید سترا یزرا البنج سفید از هر یک سه درم  
 عنبر اشهب یک مثقال روغن بلسان دو درم یا درنجبویه تخم مرزنجوش زعفران از هر یک سه درم عنبر را در روغن بلسان



یا روغن خبثی بکد ازند و افیون را بسرکه انکوری حل سازند و باقی ادویه را گرفته بیخته همه را بعسل سفید مصفی بقوام آورده سه وزن ادویه بسرشدن و بعد از ششماه استعمال نمایند شربت در ورم و این جوارش خفقان و درد معده و بیماری های رحم را سود دارد \* جوارش عنبر معوی معده و جگر است \* صنعت آن قاقله خرد قاقله کلان بسببسه دارچینی ازهریک چهار درم قرنفل قرغه زعفران زنجبیل د ارفلعل ازهریک دو نیم درم دواله مصطکی عنبر جوزبوا ازهریک پنج درم عسل مصفی سه وزن ادویه موافق معهود تیار سازند \* جوارش عنبر که مشهور بجوارش کبری است دل را قوت دهد و بدی هضم را و جاع رحم را نافع بود و در تقویت و حفظ قوت پیران نهایت مجرب است \* صنعت آن عنبر اشهب و درم قاقله کبار بسببسه د ارچینی لبان الذکر ازهریک چهار درم زنجبیل د ارفلعل ازهریک دو وازده درم قرغه یک درم قرنفل زعفران ازهریک ده درم اشنه د و درم جوزبوا پنج درم سنبل الطیب مصطکی ازهریک دو درم مشک ترکی خالص بزرالبنج افیون ازهریک درمی روغن بلسان شش درم افیون را در مشک حل کنند و عنبر را در روغن بلسان بکد ازند و اجزا گرفته بیخته باسه چند ان عسل صاف بقوام آورده بسرشدن و در ظرف چینی یا شیشه نگاه ازند و بعد از بیست روز استعمال نمایند شربت در نیم درم تا یک درم \* جوارش عنبر مسمی بجوارش خسروی منقول از منهاج ابن جزله نافع از برای سردی معده و خفقان و بل کواری بدن طعام و درد رحم و پیران را بسیار موافق است \* صنعت آن بسببسه قاقله کبار قاقله صغارد ارچینی ازهریک چهار درم زنجبیل د ارفلعل ازهریک هشت مثقال و در نسخه دیگر ازهریک ده درم اشنه د و درم قرغه الطیب قرنفل زعفران ازهریک ده درم جوزبوا پنج درم مصطکی رومی سنبل الطیب عنبر اشهب ازهریک دو درم مشک ترکی خالص بزرالبنج سفید افیون ازهریک یک درم روغن بلسان شش درم افیون را در شراب حل کرده عنبر را در روغن بکد ازند و ادویه را گرفته بیخته با آن چرب سازند و باسه وزن مجموع ادویه عسل مصفی بسرشدن شربت در نیم درم \* جوارش عنبر سردی معده و خفقان بار د را نافع و کواری بدن طعام است \* صنعت آن زنجبیل فلعل د ارفلعل سنبل الطیب دارچینی جوزبوا صندل سفید حب بلسان قاقله بسببسه قرنفل نارمشک طالیسفر طباشیر سعد کوفی عنبر اشهب عود هند ی از هر یک پنج درم کافور قیصری مشک ترکی ازهریک دو درم و نیم قند سفید د و اوقیه و نیم اجزا را گرفته بیخته در سه چندان حله ادویه با عسل سفید مصفی بقوام آورند و یک ستور مقور ترکیب د هند شربت در یک مثقال \* جوارش عنبر به نسخه دیگر که خفقان را نافع بود و در معده را قوت دهد و بیماری های رحم را سود دارد و مجرب است \* صنعت آن پوست ترنج عود هند ی قرنفل کبار به قاقله خبثی د و ازهریک پنج درم نارمشک انیسون تخم کرفس افیون چند بید سترا زهریک سه درم عنبر اشهب یک مثقال عنبر را بروغن بلسان بکد ازند و افیون داخل کنند و ادویه بعسل بسرشدن و بعد از دو ماه استعمال کنند شربت در ورم \* جوارش عنبر بنوع دیگر \* صنعت آن خبثی د و ازهریک چهار درم د ارفلعل زنجبیل از هر یک دو نیم درم قرغه سه درم قرنفل زعفران ازهریک سه درم جوزبوا ده درم د سنبل الطیب مصطکی عنبر اشهب تخم بنک سفید افیون مشک ازهریک دو درم روغن بلسان شش درم با عسل معجون سازند و بوقت حاجت بکار درازند \* جوارش عنبر قلمی فرموده اند که این از تالیف کاتب آستان حضرت امیرالمؤمنین محمد هاشم مخاطب بحکیم معتمد الملوک سیل علویان است که در سنه یکصد و یک هزار و هجده هجری بجهت داروغه کنیز زاده سلطان محمد بیدار بخت که از ملتهای هندوستان مرض ذرب داشت اطباء از علاج آن خسته شد و بودند و او را ضعف قوی مرتبه رسید و بود که طاقت قیام و قیام و شب و سنش قریب به هفتاد سالگی رسید و بود چون مد او مت باین جوارش نمود از از رب مشارالیه یکایک در روغن و انرا قوت به مرتبه شد که یک فرسخ راه را پیاده می توانست طی نمود و در آن سن قادر بر زائله بکار شد \*

\* صنعت آن قاقه صغراقه کبار بسباسه دارچینی ازهریک دو مثقال زنجبیل دارقفل ازهریک یک مثقال طباشیر سفید  
 سا دج هندی پوشت زردا ترج ازهریک یک مثقال و نیم مصطکی عنبراشهب قرنفل زعفران قرقه الطیب ازهریک یک  
 مثقال جوزبوا دو مثقال و نیم مشک خالص نیم مثقال مروارید ناسته و اعلی یک مثقال و یکد انگ و نیم کوفته پیخته بعسل  
 مصفی وزن یکصد و بیست مثقال بشویند و درقاب چینی نگاه دارند شربتیکه مثقال \* جوارش عنبر که آن مرحوم بجهت  
 شاهزاده والاقل و سلطان محمد پیدا ریخت که بسبب آزار اسهال و ضعف معده و تشنج و تهیج پاها و شطرنج که مدتها یک  
 سال امتداد یافته بود بعد از آنکه بتدا بیرشافیه شافی حقیقی در عرض مدت چهار روز جمیع آزارهای معظم الیه زایل  
 گردید و وضعف بدن و معده باقی بود این جوارش را ترتیب داده معظم الیه را خورائیدند باندک مدتی ضعف بدن  
 و معده از نائید کودید و در یک روز  
 دو مثقال مشک ترکی خالص چهار دانگ کلاب چهل مثقال نبات سفید هشتاد مثقال مشک عنبر با مقدر آرد. مثقال نبات  
 سفید کوفته از آرد بیز موئی با پارچه نازکی بکن و راند و قتمه نبات را بکلاب حل کرده بقوام آورد. تیروزنند تا نیکو سفید  
 شود عنبر و مشک کوید و ریان مخلوط کرده چند تیر دیگر بزنند و اقراص سازند هر قرص یک مثقال و هر روز یک قرص  
 آذرباد و مثقال کلاب تناول نمایند \* جوارش عنبر ساد \* صنعت آن عنبراشهب یک مثقال قند سفید یکمن قند را بقوام  
 آورد تیروزنند تا سفید شود بعد از آن عنبر را بآن مخلوط کرده بروی سنگ بریزند و بکار بزنند \* جوارش عنبر ساد  
 به نسخه دیگر \* صنعت آن نبات سفید کلاب ازهریک یکمن نبات سفید را کوفته به کلاب حل کرده بقوام آورند و کف شیر  
 با سفید تخم مرغ بران زده تیر بزنند تا سفید شود عنبراشهب دو مثقال تا چهار مثقال با قند سفید سائید و بآن مخلوط  
 نمود بروی سنگ بریزند و بپزند و نگاه دارند مقدر استعمال از آن دو درم تا چهار درم \* حب عنبر در تقویت باه و  
 در عوطاد خلی تمام دارد گفته اند که بعد از شش ساعت از خوردن این حب یا بعد از ده و زده ساعت عوطاد آورد تا خود را  
 بآب سرد نشویند بطرف نمیشود و چون در دهان گیرند در عرض یکشماره بزوب نمیی شود \* صنعت آن عنبراشهب  
 مایه شترابی خصیه الثعلب خولجان ازهریک دو مثقال مشک تبی خالص مصطکی رومی ازهریک یک مثقال کوفته پیخته علی  
 الرسم حبوب سازند حرمی بقدر مغز فندقی شربتیکه حب یا شیر تازه دوشیده به آب تیره تیزک یا شوربا یا نخود آب و  
 این تانیم مثقال توان خورد \* حب عنبر دیگر که بجهت نواب اشرف خان ساخته بودند \* صنعت آن عنبراشهب عود  
 هندی عرقی خام صندل سفید مصطکی رومی اسارون مشک خالص کتیر ازهریک یک مثقال دارچینی بسباسه فلغل سفید  
 خصیه الثعلب مصری قصب الکر ریره زعفران افتیمون قریطی ازهریک دو مثقال بد ستور مقرز بکلاب سرشته حبوب سازند  
 حرمی بقدر نخودی بورق طلا یکرم پیچید و در سایه خشک نمایند شربتیکه حب ناد و حب \* حب عنبر دیگر از تقرب  
 خان \* صنعت آن عنبراشهب یک مثقال صندل سفید نیم مثقال ورق طلا یکد انگ و نیم با صمغ محلول در کلاب سرشته  
 حبوب سازند شربتیکه حب در دهان نگاه دارند تا آب شود و این حب دهانرا خوشبو میکند اند و بخور از آن است \*  
 خمیره عنبر مقوی قاب و پیران را موافق است \* صنعت آن بکیرند شکر سفید یکمن و صاف کرده بقوام آورند و کف سفید  
 تخم مرغ بران زده تیر بزنند تا نیکو سفید شود عنبراشهب چهار مثقال با نبات سفید کوفته پیخته اندک از آب بران  
 ریزند تا نیکو مخلوط شود شربتیکه یک مثقال \* خمیره عنبر تالیف حکیم ملی کیلانی گفته که این خمیره خاصه ما است \* صنعت  
 آن عنبراشهب که خشک باشد با هستکی با قلم تراش و کار بتراشند و آنچه از خراش آن بهم رسد وزن کنند و ماده مثل آن  
 نبات سفید نیم کوفته درها و نملایمت و آهستگی در وقتیکه هوا خشک باشد بسایند و کوفتن جایز نیست و از منحل

بکن را نند و فخاله آن را باز با نبات دیکر بسایند پس بکیرند مشک خالص جید ریغ وزن عنبر و بسایند با کلاب  
و به کن ارنند تا صافی شود و بجعل علقه مروق کرد و آن مقل را نبات که با آن خمیره شود در پاتیل ریزند و عنبر و نبات  
را بران ریزند و بر خاکستر کرم یا هستکی می مالیده قطره قطره از آن کلاب می داده باشند تا عنبر حل شود و  
باید که تمام نبات ده برابر عنبر باشد و اگر زیاد هم کنند جا نژاست و اگر خواهند که سخت شود مقل را عنبر و  
نبات و عسل جید صافی خوش بواغافه کنند این خمیره را اگر بعد از یک سال استعمال نمایند بنهایت خوش بو باشد  
و باید که در ماهون و پاتیل طلا یا نقره بمالند و اگر در رمس سازند غنیمت آورد \* سعوط عنبر روایت کرده جعفر بن  
حاجب طائی از موسی بن یزید ثقیل و از یزدخرده عمر بن یزید که او گفت که نوشت جا بر بن ضبیان صوفی بحضرت ابی  
حاجب طائی از موسی بن یزید ثقیل و از یزدخرده عمر بن یزید که او گفت که نوشت جا بر بن ضبیان صوفی بحضرت ابی  
زائل شدن این مرض از من آنحضرت علیه السلام دعا کرد و او را نوشت بسوی او که بر تو باد سعوط کردن عنبر که اخته در  
دهن زینق یعنی روغن یا سمین صبح ناشتا که عافیت می یابی از آن باذن الله تعالی عز و جل پس بجا آورد جا بر گفته آنحضرت  
را عم و از بند مرض رهایی یافت \* شراب عنبر درد معده و اعصاب را مغیل باشد و ضعف دل و خفقان بارد را نافع باشد و پیرا  
موافق و سود مند \* صنعت آن بکیرند عسل سفید خوشبوی جید یک من و درد و من آب باران نپسان بجوشانند و کف  
آن را بکیرند و بغوام آورده عنبر اشهب و زعفران از هر یک یک مثقال سوده داخل نموده نگاه دارند شرابی  
پنج لرم و در نسخه شفا بی در قرا بادین و در نسخه میرزا ابراهیم در سوی مزاج رطب معده وزن عسل دو من است \* شمع  
عنبر که تمام مجلس را روشن و خوشبو کند و دماغها را معطر سازد \* صنعت آن بکیرند قد ری عنبر را و با موم و روغن  
یک از نند و فتیله شمع را بد آن داغ نمایند چنانچه ضابطه است پس قد ری عنبر دیکر با موم خالص سفید کافوری  
کل اخته دوسه پوره بران فتمله ریزند و بالای آن موم خالص و عند الحاجة برافروزند \* شمو مات عنبر در شوم  
م که کور شدن و میشو دن انشاء الله تعالی \* عرق عنبر تا لیف صاحب کتاب مفرح النفس که از طبای این عصر  
زاین کتاب را در هند تا لیف نموده و این نسخه اگر چه بسیار مشوش است نه بقانون اطباء هند است و نه بقانون  
انباء یونان و ایران لیکن ذکر کرده شده \* صنعت آن چوب چینی نیم سیر دار چینی یک سیور قنفل بسیار بهمن سرخ  
بهمن سفید جوز بوا باد رنجبویه کاو زبان سعد کوفی و ج ترکی سنبل الطیب بیخ بنفشه از هر یک پا و سیردانه هیل  
خصیه الثعلب مصری زرنیاداشنه سازج هند صندل سفید شقاقل کبابه چینی خولجان از هر یک نیم پا و کل دهاوه  
یک سیور مصطکی رومی عود هند ی زعفران از هر یک ده درم پوست مغیلان ده سیور قنفل سیاه یکمن نبات سفید نیم من  
عنبر اشهب و مشک بقل رجا جفت اگر اراده باشد که بسیار خوشبو و پر عنبر باشد شانه نوده توله عنبر که بیست و یک ادویه  
است سوا ی چوب چینی و کل دهاوه و پوست مغیلان و قند و نبات داخل کنند و اگر وسط خواهند هشت توله عنبر که چهل  
و یک ادویه است اختیار نمایند و اگر درون این خواهند چهار توله عنبر که هشتاد و یک ادویه است بکار برند و علی هذا  
القیاس داخل نموده مشک از چهار توله تا یک توله نسبت اول و دریم و سیم بطریق عنبر اعتبار نمایند و همه ادویه را نیم  
کوفه در هم نمایند و آب خالص آن مقل را از بالای آن کنند که از روی ادویه بکورد و در زیر زمین در سیرکین اسپ دفن کنند  
و در روزی که از نند تا بجوش آید بعد از آن بطریق مقرر عرق کنند و دار چینی و قنفل و هیل بوا و بسیار و جوز بوا  
و عنبر و کنگر و زعفران در میان نیچه کنند و عرق کنند \* فتیله عنبر که دود آن مجلس را معطر گرداند و دل و دماغ را قوت  
دهد \* صنعت آن را اشهب دو مثقال عود هند ی غرقه خام نبات سفید از هر یک پنج مثقال صندل سفید یک مثقال اجزای

را بکلاب سوده نبات را کوفته پیخته داخل کرده فتیلهها سازند و وقت حاجت آتش بر سر آن نهند تا بتدریج بسوزد و در نسخه دیگر حصی لبان نیز یکجوز داخل است \* فتیله عنبر دیگر که مجلس را خوشبو کند و دل و دماغ را قوی گرداند \* صنعت آن عنبر اشهب مشک خالص از هر یک دو مثقال عود غرقه خام صندل سفید از هر یک صد مثقال عنبر لادن پنج مثقال حسن لیه صمغ عربی از هر یک دو نیم مثقال زعفران چهار مثقال نبات مشتاد مثقال صندل و عود را بکلاب سوده ادا و به کوفته پیخته بآن سرشته فتیلهها سازند و چوبی در ته آن نصب کرده قدری صندل را کذاشته بعد تیاری بر آن مالیده در سایه خشک نموده عند الحاجة آتش بر سر آن گذارند تا بتدریج بسوزد و این فی الحقیقه فتیله عود است چنانچه در نسخه دیگر عود دو صد مثقال است \* فتیله عنبر به نسخه دیگر \* صنعت آن عود هندی غرقه و قوله عنبر اشهب شش ماشه مشک خالص سه ماشه عود سه ماشه است

بر بالای آن صندل را سوده بران بمالند و خشک سازند و عند الحاجة آتش بران کداشته بسوزند \* قرص عنبر  
تو اکیب حد بن ذکر یا است معده و دل و دماغ را قوت دهد و حرارت غریزه را برافروزد و اشتها را طعام آورد \* صنعت  
آن عنبر اشهب یک مثقال مروارید یا قوت رمانی لعل بد خشی مشک تبتي از هر یک نیم درم در چینی ساذج هندی  
مصطکی رومی از هر یک یک درم حب الآس پوست اترج طباشیر سفید هود هندی کل سرخ منزع الا قمع از  
هر یک دودرم اجزا را آنچه صلاحه گردنی است بر روی سنگ سماق بالاب صلایه نمایند و باقی ادویه را سوای عنبر  
گرفته بپخته عنبر را در روغن مصطکی کد اخته اجزا را بآن چرب کرده یک روز بکنارند و روز دیگر مجموع را  
به کلاب سرشته اقراص سازند شربتیی دودرم بالاب و عرق بید مشک و آب به شیرین یا شراب سیب شیرین و تخم  
فرنج مشک بکار برند \* قرص عنبر به نسخه معصومی دل و دماغ را قوت دهد \* صنعت آن عنبر اشهب یک درم قند سفید  
یک چهار یک کلاب پنجاه درم زعفران کا فور از هر یک نیم درم چنانچه رسم است قرص سازند \* قهوه عنبر تقویت قلب و  
دماغ نماید و تفریح آورد \* صنعت آن عنبر اشهب یک حبه صمغ عربی بنفشه زعفران از هر یک نیم درم کلاب و  
بید مشک از هر یک هفت مثقال کلاب و بید مشک را بر آتش کدازند و عنبر را ریزه ریزه کرده دران اندازند تا کداشته  
کردد پس سایر اجزا را نرم سائیده دران اندازند و برهم زنند و مقدار یک و نیم مثقال تاد و مثقال عسل حاصل  
نیابت سفید دران ریزند و برهم زنند تا فی الجمله طبعی یا بد پس بطریق قهوه میل نمایند \* معجون عنبر مقوی اعضا  
رئیسه و باه است \* صنعت آن عنبر اشهب خصیة الثعلب مصری از هر یک پنج مثقال مصطکی رومی کندر بهمن سفید بهمن سرخ  
از هر یک دو و نیم مثقال مشک خالص یک و نیم مثقال زعفران یک مثقال ورق نقره دو مثقال ورق طلائیم مثقال عسل مصغی صد  
مثقال ادویه کوفته بپخته عسل را با آب زردک بقوام آورده عنبر را بانبات سائیده اولاً مزوج عسل نمایند بعد ازان سایر  
ادویه را شربتیی یک مثقال تا یکونیم مثقال \* مجموع عنبر دیگر که همان نفع دارد \* صنعت آن عنبر اشهب ورق طلا از هر یک  
نه مثقال عود قماری مصطکی از هر یک دوازده مثقال عسل سه برابر تمام ادویه بدستور مقرر معجون سازند

باب العین مع الواو \* عود هندی بضم عین مهمله وسکون واوردال مهمله چوب درختی است که از انجمن آن رهند و دکن و در چنتیان که از جزائر شهر ناور و سرحد چین واقع است و جنوبی خط استوا در عرض سی و هفت درجه و نیم بسیار میشود و اکثر از کوهستان جیتیا که متصل سلطنت که از مضافات صوبه بنکاله است می آورند و در اینجا بسیار می شود و درخت آن بسیار عظیم و بزبان هندی اکرنامند و غرقی آنرا که چون در آب بیند از نیک ته نشین کرد و اگر در ده فیروز غرقی را سنبله گویند و عود قماری مراد از قسم غرقی آن است و درخت آنرا بعد از قطع مدتی در خاک دفن میکنند تا آنچه چوب

خام ناخته بی دهنیت آن باشد بیوه و یخته دهنیت داران بماند و بعد از برآوردن آنچه بی چوب سنگین غرقی باد دهنیت  
معطر است جل آکرده قسم اعلی مینامند و آنچه در واندک چوب خام مانده باشد از دم کرد و غیره از آلات آهنی آنرا جل  
کرده و تراشیده و از اجواف او برآورده باشند آنرا اگر مستعملی میکوبند و قسم اوسط است و جل انا کرده آنرا غیر مستعملی  
وسیلانی نامند و قسم اولی است و جرم عود زرد شکن و ریشه دار است و قابل آن نیست که از آن چیزی ساخته شود و قطعه  
بزرگ آن نهایت تا یکم تبریزی میباشد و آن هم کج و اج غیر مستوی و جابجا محجوف و این بسبب آن است که تمام اجزای  
درخت آن یخته نمیشد بر استوار آنچه از چوب عود زیاده در خاطر ماند و بوسید و وسعت و سبک شد و باشد  
خوردن آن مول حمل دانسته اند و اقسام عود در یک با سم بلک آن موسوم است مثل سمند و ری و هندی و قماری و

روغن که عطر آن است تراوش کنند و در آب غرق شود و روز چند زیاد باشد بهتر و اعلی است و سمند و ری دهنیت غالب  
و هندی سیاه و قماری کم رنگ و ری و جبلی از با خطوط سفید و هر چه بر روی آب ایستد زکم و در کم دهنیت باشد پست  
و زیور بود و عود قماری کرم است در او خرد و نیم و خشک است در سیوم و قاطع اقسام بلغم و در تقویت معد و بیعدیل  
و مفرح و ملطف و مفتاح سد و محلل ریاح و مقوی دماغ و دل و جگر و حواس و اعصاب و احشا و حایس طبع و دافع رطوبت  
معد و عفونت آن و در اربول که از رطوبت و برودت و ضعف مثانه باشد و حافظ و هاضم صحت حوامل و جنین است  
و جهت بر و استسقا و حققان و سرفه غشی و ضیق النفس و غشیان و سپروز و تقویت باه نافع و مطبوخ آن با شراب ریحانی  
با دهر موسوم و بخور آن محلل فضول رطبه دماغی و مقوی دل و معد و سوخته آن جهت جلای دندانان مجرب و مضر  
محرورین و مصلحش سکنجبین و کافور و قیصری و مضر ثقل معد و مصلحش صمغ عربی و کلاب و شرابش تا یکم مثقال  
رقسمی دیگر در هندی میشود که آنرا تکر بنای عثناة فو قانیه مینامند بسیار شبیه به عود است و لیکن عود نیست و فرق میان  
آن هر دو به ورنک و صلابت چوب آن است که تکر صلب تیره و بی آن ناخوش آیند و مقوی قلب و دماغ نیست بخلاف  
عود که کمی فرق میتوان نمود و عطاردان و دوا فروشان بجای عود بنا و اتقان میفروشند و عطر آنرا مزوج عطر عودی می  
نامند \* دستور اوراق عود آن است که عود را سوهان نموده در کوزه گلی کرده در تنور یا اجاغ چنان بسوزانند که زغال گردد \*

**فصل در بیان نسج بخورات عود هندی \*** بخور عود مقوی قلب و دماغ است \* صنعت آن عود

بند صرا خرد نموده مقل اربدل انگشت و با قلا در آب یا کلاب خیسانید و در عود سوزن تمخیر نمایند \* بخور عود موسوم  
به بخور بر مکی مقوی قلب و دماغ است \* صنعت آن نبات پنجه مثقال با در صم مثقال کلاب در دیک کرد و بخورشانند تا نبات  
کلی آخته گردد پس سه مثقال عنبر و باقلدی نبات سوده در آن اند از دل تا عنبر کلی آخته شود پس در صم مثقال عود  
هندی خرد نموده مقل اربدل انگشت و با قلا در آن اند از دل و با آتش ملایم بخورشانند تا تمام رطوبت کلاب را عود جلب  
کند پس فرور آورده خشک نموده در شیشه نگاه دارند و وقت حاجت باندک کلابی تر نموده در عود سوزن خین  
نمایند محکم بر بخور و عطر سازد و طبیعت را فرح حاصل گردد \* بخور بر مکی نوع دیگر \* صنعت آن عود غرقی  
یک آتار بهیست و پنج عد عنبر و شهاب در دام کلاب و نبات از هر یک سه آتار نبات را با کلاب بقرام آورند و عود را  
سائید و سبب را با رچه پارچه نموده و عنبر را در کلاب کلی آخته و همه را یکجا نموده خوب بکوبند تا یکسان شود و عنبر را  
در این عود سازند و عسل الحاحت بر آتش بقل و مطلوب بسوزند و چند نسخه بخور در بخورات  
ذکر بهیست \* عطر به نامند \* صنعت آن آنست که عود قماری غرقی را ریزه ریزه کرده در کلاب و جلاب بخور

بندبسا نند تا بخشد و نرم کرد پس بکند ازند قارطوبت آن کم شود انگاه قدری مشک خالص و عنبر اشهب و اشته نرم سوده  
 بآن خوب بیا میزند که آغشته گردد و خشک نموده عند الحاح جت در مجمر بخور نمایند و این فی الحقیقه بخور است \*

**فصل در بیان نسخ جوارشات عودی \*** جوارش عود الطیب جوارشات است معوی مع و مسخن آن

است تسخینی لطیف \* صنعت آن عود قماری غرقی خام دودرم با کلاب سوده بقرطال قند سفید را بقوام آورده بآن بسرشدن  
 و قدری زعفران و قرنفل و قاقله و مانند اینها یکیک یا مجموع داخل کرده بحسب حاجت و گاهی داخل کرده میشود دران  
 نیز آب لیمو یا اترج آنمقدار که بگردد مزه آن نیکو و گاهی اضافه کرده میشود بآن و قتیکه تسخین و کسر و ریاح و تحلیل فضل  
 مع و مطلوب باشد فلعل سیاه فلعل سفید دار فلعل قرنفل هیل بوا زعفران قاقله خولنجان دار چینی کل سرخ مصطکی بسباسه  
 کبابه چینی مشک عنبر سلیخه ساذج هند ی اشته قرقه الطیب سنبل الطیب از خرمکی جوزبوا صغیر فارسی فرنج مشک نار مشک

زنجبیل خشک کل اجزا یا بعض اجزا از هر یک بقدر احتیاج علی الرسم جوارش سازند \* جوارش عود دیگر هاضمه را قوت دهد و

اشتهای طعام آورد و بلغم و رطوبات را دفع کند \* صنعت آن عود هند ی پانزده درم قرنفل سه درم قاقله کباب سنبل الطیب از هر یک

دودرم زعفران یک درم کوفته پیخته بعسل مصفی بسرشدن و در نسخه دیگر عود پنجم رم است \* جوارش عود دیگر مع و را قوت

دهد و باصلاح آورد و اشتهای طعام افزاید \* صنعت آن عود قماری خام ده درم پوست زرد اترج پنجم رم مصطکی رومی یک درم

و نیم نبات سفید یکمن نبات را بقوام آورده ادویه را کوفته پیخته بآن سرشته بوسنک ریزند و بطریق لوزیات بپزند و در

نسخه دیگر عود قماری پنجم رم اترج ده درم مصطکی یکمقال نبات یکمن و نیم است \* جوارش عود به نسخه دیگر \* صنعت آن

عود هند ی پنجم رم پوست زرد اترج مصطکی از هر یک یک درم نبات سفید یکمن نبات را بقوام آورده ادویه را کوفته پیخته

عود را بکلاب سوده بآن بسرشدن و به برند \* جوارش عود به نسخه دیگر \* صنعت آن عود قماری خام پنجم رم قرنفل قرقه

از هر یک یک درم نبات سفید یکمن نبات را بکلاب بقوام آورده ادویه را بآن سرشته جوارش سازند \* جوارش عود به نسخه

دیگر \* صنعت آن عود قماری خام پوست زرد اترج از هر یک پنجم رم قرنفل مصطکی از هر یک دودرم نبات سفید یکمن

بل ستور مقرر مرتب سازند \* جوارش عود دیگر \* صنعت آن عود قماری پنجم رم قرنفل پوست زرد اترج الطیب دار چینی

سیلانی از هر یک دودرم نبات سفید یکمن بد ستور مقرر مرتب نمایند \* جوارش عود دیگر \* صنعت آن عود قماری خام

پوست زرد اترج از هر پنجم رم قرنفل قرقه الطیب از هر یک یک درم نبات سفید یکمن بل ستور مقرر مرتب نمایند \* جوارش

عود دیگر هاضمه را قوت دهد و بلغم و رطوبات را دفع کند و اشتهای طعام آورد \* صنعت آن عود هند ی پنجم درم قرنفل مصطکی

رومی بسباسه نشاسته کنند م از هر یک سه درم قاقله کباب سنبل الطیب جوزبوا قرقه الطیب از هر یک دودرم پوست زرد اترج

پنجم رم زعفران یکمقال زنجبیل یک درم نبات سفید دومن نبات را به کلاب حل کرده بقوام آورده ادویه را کوفته پیخته

بآن بسرشدن شربت و در نسخه دیگر نشاسته داخل نیست \* جوارش عود کفته اند که اصل این جوارش از تراکیب

جالیبنوس است ولیکن متأخرین درین تصرفات کرده اند و بسبب بعض تصرفات ترکیب مشوش کردید و اصل آن معوی

مع و و قلب است و قتیکه به سبب برودت ضعیف شده باشد و رطوبت را دفع کند و دماغ را قوت دهد و پیوان را موانع

باشد \* صنعت آن عود قماری غرقی خام پنجم رم بسباسه قاقله کباب زعفران جوزبوا مصطکی رومی سنبل الطیب از هر یک

یک درم قرقه الطیب پوست اترج طباشیر سفید دار فلعل ابریشم مقرض نعناع خشک کاوزبان قرنفل زرنب از هر یک یک درم

و نیم فرنج مشک ده درم زرنب پنجم درم زنجبیل دار چینی از یانه از هر یک دودرم مشک تبی یک انگ عسل مصفی بقدر

ضرورت بل ستور مقرر مرتب نمایند شربت و در نسخه دیگر \* جوارش عود تالیف ابن ماسویه معین بر هضم و دفع امراض مع و

و قلب و کبد و غشی و خفقان و قل و شربتش از یک مثقال تا دو مثقال است و این جوارش منقول از قرآ با دین اندکی  
 صالح چایی است که بتوکی نوشته \* صنعت آن کل سرخ منزع الا قمع عود قماری خام از هر یک هشت درم قرنفل  
 سنبل الطیب بسباسه جوز بواقرص غالبه کبابه چینی قاقله کبار قاقله صغار مصطکی دارچینی زرنباد سعد کوفی بهمر  
 سرخ بهمن سفید از هر یک پنج درم ابریشم محرق قسط تلخ مروارید ناسفته مرجان قرمز کهربای شمعی پوست  
 خربزه تخم بالنگوبنی فرنج مشک نعناع خشک مرزنجوش دارفلل زنجبیل از هر یک سه درم مشک ثلاث درمی عنبر  
 اشهب یک مثقال بشریت به شیرین بقدر کفایت سرشته بدستور مرتب نمایند \* جوارش عود دیگر تالیف  
 شیخ رئیس بادها بشکن و خفقان و دل تنگی را زائل کرد اند و مقوی معده و هضم است و مجرب است و حکیم  
 سلید کوی که مرات کثیره این جوارش را تجربه نموده ام یافته ام آن را نافع در تقویت هضم و دفع خفقان  
 و کسریاج و تغریج نفس \* صنعت آن عود هندی را زیاده تخم کوفس و ج ترکی سنبل الطیب از هر یک سه درم  
 کافور قیصری ربع درمی مشک تبی خالص ثلاث درمی بسباسه نارمشک سعد کوفی فرنج مشک زرنباد از هر یک  
 یک مثقال دارچینی مصطکی رومی زنجبیل فلل قرنفل از هر یک دو درم کاوزبان پنج درم اجزا را جل آکوفته  
 وزن نموده بعسل مصفی سه وزن ادویه بسرشدن مزاجش کرم و خشک است در آخر درجه دریم شربتی از دودرم تا  
 دو مثقال \* جوارش عود دیگر تالیف شیخ رئیس ابوعلی سینا \* صنعت آن دارچینی سنبل الطیب سلیخته سیاه زعفران  
 فلل فرنج مشک زرنباد از هر یک پنج درم سعد کوفی زرنباد سازج هندی قرنفل از هر یک سه درم عود قماری خام نه درم  
 عنبر اشهب یک مثقال لا جوز مغسول کافور قیصری از هر یک دو درم انک توبد سفید چهار درم نمک لاهوری یک درم ادویه  
 را جل آکوفته بخشته وزن کرده بعسل مصفی یا جلاب نبات بقوام آورده سرشته جوارش سازند و نکاهل از شربتی  
 یک مثقال تا دو مثقال مزاجش کرم و خشک است در آخر درجه ثانیه \* جوارش عود شیخ داود انطاکی مقوی معده و جف  
 رطوبت و نافع است از برای خفقان و ضعف کبد و سوسوی هضم و اسود منک بود \* صنعت آن عود هندی سنبل الطیب سنبل رومی  
 مصطکی رومی قرنفل هیل بواجوز بوا از هر یک دو درم پوست هلیله گلابی قرنه الطیب بزرگ کوفس انیسون از هر یک یک درم  
 پوست زرد انرج بسباسه زعفران زنجبیل از هر یک نیم درم کوفته بخشته بعسل مصفی جوارش سازند و اگر از لاق بطن باشد  
 سک المسک اصلی یک درم داخل نمایند و حکیم مؤمن در تحفه المؤمنین این جوارش را از شیخ داود نقل کرده و وزن پوست  
 انرج را یک درم آورده و این اجزا بنسخه من کورافزوده است با درنجبویه زرنباد از هر یک یک درم مشک تبی خالص بازاری  
 هرسی مثقال از ادویه نیم مثقال و گفته که ادویه را بمقلب اریک وزن و نیمه شکر بقوام آورده جوارش سازند و در ظرف چینی  
 نکاهل از شربتی دو مثقال \* جوارش عود شیخ داود به نسخه دیگر \* صنعت آن سنبل الطیب سنبل رومی تخم کوفس  
 انیسون مصطکی رومی بسباسه از هر یک یک درم قرنفل سک المسک اصلی قرنه الطیب پوست هلیله گلابی در شواب تو کرده  
 بریان نموده قصب الی ربو و غنچه کل سرخ منزع الا قمع عود هندی خام از هر یک یک درم جوز سه درم کوفته بخشته  
 به میبه ساد بسرشدن شربتی دو مثقال \* جوارش عود دیگر ضعف قلب و خفقان و ضعف معده را نافع است و هاضمه را  
 قوت دهد و بلغم و رطوبت دفع کند و اشتها طعم آورده \* صنعت آن قرنفل سه درم قاقله کبار دو درم عود قماری خام  
 پنج درم زعفران یک مثقال سنبل الطیب دو درم مصطکی رومی بسباسه از هر یک سه درم جوز بوا قرنه الطیب از هر یک دو درم  
 پوست زرد انرج پنج درم زنجبیل یک درم نبات سفید دو درم بدستور جوارش مرتب نمایند \* جوارش عود دیگر هیضه  
 و اسهال و ضعف معده و افاد و دمل و قوی کرد اند \* صنعت آن عود هندی دارچینی هیل صمغ عربی از هر یک پنج درم زنجبیل



پیوسته درم قرنفل سه درم کند آرد و درم مصطکی یک درم زعفران یک درم ونیم نشاسته چهل درم نشاسته را بوداده اجزا گرفته  
 پیخته با سه چنگل ان قند بقوام آورند و بسرشدن و بر روی سنگ ریخته پهن کنند پس بگازد بپزند و بردارند منقل از خوراکی  
 آرد و درم ناسه درم جوارش عود معد و دل را قوت دهد و پیران را موافق باشد \* صنعت آن عود قماری قرفه الطیب  
 سازد ج هندی زنجبیل قاقله فرنج مشک دار فلغل ازهر یک دو مثقال زعفران یک مثقال ادویه را گرفته پیخته بعسل مصفی  
 بقند رجا جب بسرشدن و در نسخه دیگر بجای قرفه قرنفل است و وزن زعفران یک درم است و در نسخه دیگر بجای دار فلغل  
 و ارچینی است و بجای قرفه قرنفل شربتتی از یک مثقال تا دو مثقال \* جوارش عود منقول از اختیارات بی یعی گفته  
 که این جوارش مستعمل من است ها ضمه را قوت دهد و معد را قوی گرداند و اشتها طعم آورد و بلغم و رطوبات را  
 دفع کند و بادها بشکند و پیران را موافق باشد \* صنعت آن عود قماری خام پنچ درم پوست اترج قرنفل مصطکی بسبب سه  
 ازهر یک سه درم قاقله کبار سنبل الطیب قرفه الطیب ازهر یک دو درم زعفران یک مثقال و در نسخه دیگر یک درم ونیم  
 است جوزبوا زنجبیل دار فلغل ازهر یک یک درم نبات سفید و وزن من بد ستور مرتب سازند و در نسخه دیگر درین جوارش  
 نبات سفید بوزن مجموع ادویه و عسل مصفی و وزن مجموع ادویه است گرفته پیخته وزن نمود و جوارش سازند  
 شربتتی دودرم تا دو مثقال \* جوارش عود منقول از قبادین کوتوالی معد را قوی گرداند و رقی باز دارد و نفخ بشکند \*  
 صنعت آن عود خام دو مثقال مصطکی رومی دودرم نارمشک یک درم ونیم زعفران یک درم شکر سفید یک من بد ستور  
 جوارش سازند شربتتی ده مثقال \* جوارش عود پیخته دیگر معد را قوت دهد و نفخ و بادها را بشکند \* صنعت آن عود  
 قماری خام غنچه کل سرخ منزوع الا قمع ازهر یک یک درم بسبب سه قرنفل ازهر یک نیم درم شکر سفید نیم من ادویه را گرفته  
 پیخته شکر را بکلاب سوده بقوام آورد و ادویه را بآن بسرشدن \* جوارش عود به نسخه دیگر تسخین معد کند و معد را  
 قوت دهد و رقی باز دارد و اسهال را مغیر باشد و نفخ بشکند و کرانی سرورای بود \* صنعت آن عود قماری خام یک مثقال قاقله  
 صغار و کبار زنجبیل ازهر یک یک درم نارمشک خیربوا و ارچینی انیسون ازهر یک چهار درم گرفته پیخته پنجاه درم شکر  
 مسکری را بقوام آورده اجزا را بآن بسرشدن شربتتی از یک درم تا دودرم \* جوارش عود دیگر \* صنعت آن عود هندی  
 پنچ درم قرنفل دودرم سنبل الطیب یک درم نبات سفید یک من بکلاب حل کرده بقوام آورده ادویه را گرفته پیخته  
 بآن بسرشدن \* جوارش عود دیگر \* صنعت آن عود قماری خام سه درم قاقله کبار سنبل الطیب دار فلغل قرفه الطیب  
 قرنفل زعفران ازهر یک دو درم مصطکی رومی چهار درم مشک تبتی یک درم قند سفید یک درم بد ستور صقر مرعیون  
 سازند \* جوارش عود منقول از رحمت و غفران پنا سیاه ستونجا سیاه ستگاه حکیم سلیمان قدس سره \* صنعت آن عود  
 هندی خام پوست اترج ازهر یک پنج مثقال قرنفل چهار مثقال قاقله کبار قرفه الطیب سنبل الطیب ازهر یک دو مثقال  
 مصطکی رومی بسبب سه ازهر یک سه مثقال زنجبیل جوزبوا دار فلغل زعفران ازهر یک یک مثقال نبات سفید یک من بد ستور  
 مرتب نمایند \* جوارش عود این جزله گفته که این جوارش را سکر نیز گویند معد را گرم گرداند و قوت ها ضمه را مدد دهد  
 و بلغم و رطوبات که در معد باشد دفع کند و نا کواریدن طعام را سود دارد \* صنعت آن عود هندی سه درم سنبل الطیب  
 مصطکی رومی جوزبوا بسبب سه قرنفل ازهر یک یک درم انیسون تخم کرفس ازهر یک نیم درم پوست هلیله گابی درم  
 قاقله کبار به چینی زنجبیل و ارچینی زعفران دار فلغل فلغل گرد ازهر یک یک درم ونیم گرفته پیخته شکر سفید نیم من شکر را  
 در پاتیل کرده بآتش ملایم بعد از آنکه قند و کلاب در آن کرده باشند و کف آنرا بکینند و بقوام آورند و ادویه را در آن ریزند  
 و برهم زنند و در سینی مس تا زه قلعی کرده پاکیزه کرده بعد از آنکه سینی را بروغن بادام شیرین یا بنفشه بادام چرب کرده

با شند و بزنند و بکنند تا سود شود به بوند و بکا در آو رند و اگر بعوض شكر عسل کنند بهتر است \* جوارش عودا هلیلجی \*  
 صنعت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه آمله منقی پوست بلبله غنچه کل سرخ از هر يك پنج مثقال  
 مصطكي رومی سه مثقال اسارون شامی از هر یکی دو مثقال عود قماری خام هفت مثقال مشک تبتي خالص  
 نیم مثقال کوفته پیخته با یکصد و بیست مثقال عسل مصفی بقوام آورده بسرشند شربتیی دو مثقال \* جوارش عودا هلیلجی \*  
 دیگر \* صنعت آن عود قماری خام سه مثقال پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی آمله منقی از هر يك پنج مثقال نمک هندى  
 تریل سفید مد بوسقمو نیای مشوی از هر يك یک مثقال قرنه الطیب قاقله کباردانه هیل بواقرنفل مصطكي کبابه چینی  
 زعفران اسارون شامی از هر یکی کل سرخ نارمشک از هر يك دو مثقال نبات سفید دو مثقال عنبر اشهب مشک تبتي از  
 هر يك نیم مثقال کوفته پیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده بعسل سفید مصفی بقوام آورده سه وزن ادویه بسرشند  
 شربتیی از دو مثقال تا پنج درم با کلاب بنوشند \* جوارش عود ترش به نسخه منقول از حکیم عطاء الله ولد حکیم لطف الله \*  
 صنعت آن عود هندى سی و دو مثقال آمله منقی دارچینی سیلانی قرنفل پوست زردا تریج زعفران بادرنجبویه سنبل  
 الطیب مصطكي از هر يك نه مثقال و نیم دانه هیل دانه قاقله کبارا زهر يك هفت درم شربت سیب شیرین و ترش یکصد و  
 پانزده مثقال نبات سفید چهارصد و پنجاه مثقال آب لیمو بیست و پنج مثقال ادویه را کوفته پیخته نبات را بقوام بلند  
 آورده در آخر آب لیمو را داخل کرده با زبقوام آورند و ادویه را با آن بسرشند \* جوارش عود ترش دیگر \* صنعت آن عود  
 هندى پنج درم قرنفل مصطكي مروارید ناسفته زعفران از هر يك یک مثقال بادرنجبویه آمله منقی جوزبوا از هر يك سه  
 مثقال قاقله کباردانه هیل از هر يك دو مثقال آب سیب ترش آب به ترش آب لیمو کلاب عسل مصفی قند سفید از هر يك  
 یکصد مثقال بد ستور مرتب نمایند \* جوارش عود ترش دیگر \* صنعت آن عود هندى پنج مثقال قرنفل مصطكي رومی  
 دارچینی را زیاده پوست اترج زعفران زردبا از هر يك دو مثقال کوفته پیخته رب سیب ترش آب لیمو کلاب عسل از  
 هر يك بیست مثقال قند سفید چهل مثقال بد ستور مرتب نمایند \* جوارش عود ترش معمول اطباءى فارسی منقول  
 از خط حکیم محمد رضا ولد حکیم سلیمان شیوازی \* صنعت آن عود هندى دو مثقال قاقله کبارا سنبل الطیب زعفران پوست  
 زردا تریج قرنفل بادرنجبویه مصطكي رومی از هر يك سه مثقال آب سیب ترش پنجاه و مثقال کلاب یکصد مثقال آب لیمو سی  
 مثقال قند سفید نبات سفید عسل سفید از هر يك پنجاه و مثقال بد ستور ترکیب نمایند و در ظرف چینی نکاهل از آن شربتیی  
 دو درم \* جوارش عود ترش به نسخه میرزا محمد حسین طبیب که خود ترکیب نموده منقول از خط معز الیه \* صنعت آن رب  
 سیب ترش رب به شیرین آب لیمو از هر يك یکصد مثقال کلاب پنجاه و مثقال عسل مصفی و قند سفید از هر يك یکصد مثقال  
 قرنفل مصطكي رومی از هر يك یک مثقال بادرنجبویه سه مثقال مروارید ناسفته یک مثقال زعفران یک مثقال عود هندى ده  
 مثقال آمله منقی جوزبوا از هر يك سه مثقال قاقله دو مثقال ادویه را کوفته پیخته بعسل و قند را بقوام  
 آورده با شند ادویه را با آن بسرشند شربتیی از هر يك یک مثقال تا یک مثقال و نیم \* جوارش عود ترش میرزا محمد حکیم \* صنعت  
 آن آب لیمو چهل و پنج مثقال شقایق آب سفرجل خام چهل و پنج مثقال کلاب قند سفید از هر يك بیست مثقال عسل  
 سفید مصفی سی مثقال مجموع را یکجا کرده با آتش ملایم بجوشانند و کف آنرا بگیرند و بقوام آورند پس بگیرند عود قماری  
 خام مشمت مثقال مصطكي زعفران سنبل دارچینی قرنفل از هر يك نیم مثقال کوفته پیخته با آن بسرشند و همین نسخه  
 را اطباءى زمان در اوزان و بعضا جزا تصرفات نموده اند تا بنحویکه آب سیب ترش بیست مثقال آب لیمو نود مثقال کلاب  
 پنجاه و مثقال عسل و قند از هر يك بیست و پنج مثقال آورده اند و گفته مجموع را بقوام آورده عود هندى ده درم زعفران پوست زردا

زردا ترچ مصطکی ازهر یک در درم قرنفل یا درنجبویه قافله ازهر یک یک درم کوفته بیخته بآن بسرشدن و در ظرف چینی نکاده  
 دارند و تغاوت در نسخهای این است که نسخه اول برای ضعف معد که نه است که یا ادویه متعارفه فائده ندهد و باشند  
 و نسخه اخیر برای ایام نقامت و معد که حار است \* جوارش عود ترش به نسخه حکیم محمد رضا ولد حکیم سلیمان شیروازی رح \*  
 صنعت آن عود هندی سی مثقال قافله سنبل الطیب زعفران قرنفل پوست اترج یا درنجبویه مصطکی ازهر یک نه مثقال  
 کلاب سه صد مثقال آب لیمو یکصد و پنجاه مثقال رب سیب ترش قند سفید نبات سفید ازهر یک دو بیست مثقال بدستور  
 معجون سازند \* جوارش عود ترش دیگر \* صنعت آن عود قماری خام پنج مثقال دانه هیل زعفران کا و زبان ازهر یک یک مثقال  
 ابریشم مقرض طباشیر سفید ازهر یک یک مثقال و نیم پوست اترج یا درنجبویه سنبل سفید دارچینی ساذج هندی ازهر یک  
 دو مثقال مصطکی رومی یک مثقال زرشک بیدانه چهار مثقال رب به شیرین بیست مثقال آب اترج بیست مثقال نبات  
 سفید چهل و شش مثقال عسل مصفی یکصد مثقال کلاب سی و هفت مثقال بدستور مقرض جوارش سازند \* جوارش عود  
 توش میوزا محمد حکیم که امزجه حاره و نافع و در ایام نقامت مفید است \* صنعت آن آب سیب ترش بیست مثقال آب  
 لیمو و دو مثقال کلاب پنجاه مثقال قند سفید عسل سفید مصفی ازهر یک بیست و پنج مثقال این اجزا را همه یکجا نمرده  
 بآتش بسیار ملایم در یک سنگی بجوشانند تا بقوام آید پس بکوبند مصطکی زعفران پوست زردا ترچ ازهر یک دو درم  
 قرنفل یا درنجبویه قافله ازهر یک یک درم عود قماری خام ده درم کوفته بیخته بآن بسرشدن و در ظرف چینی نکاده و از آن شرابی  
 یک مثقال \* جوارش عود حامض قلمی فرموده اند که از تالیف احقر العبادا الملک المنان محمد هاشم مخاطب بحکیم معتمد  
 الملوک ملوی خان است غفر الله له و لوا له یه معد و راقوت دهد و اشتها ی طعام آورد و مقوی قلب و کبد و دماغ است و معد  
 را که در آن صفرای مخلوط به بلغم باشد سود دارد و موافق جمیع امزجه و اسنان است و در هر یک و هر فصل نافع و دل تنکی و  
 خفقان را زایل کند و ما لیخولیا ی مراقی و معاوی را سودمند و مفرح و اسهال معدی و مقوی حادث از رطوبات و صفرا را مفید  
 و معد را با صلاح آورد کسالت خمار را زایل کند و تحلیل بخوره دهد و منع صعود بخوره بدماغ کند و ریاح بشکند و نفخ را دور  
 کند و با الجملة خواص بسیار دارد \* صنعت آن آب سیب شیرین آب سیب ترش آب به شیرین آب به ترش آب زرشک آب  
 کیل آب ربیاس آب مرود آب انار شیرین آب انار ترش ازهر یک بیست و پنج درم آب لیمو آب اترج کلاب عرق سنبل عرق  
 کا و زبان عرق بید مشک ازهر یک سی درم نبات سفید و رطل عسل مصفی نیم رطل کز انکیمن خالص نیم رطل عود قماری  
 غرقی خام هفت درم مروارید ناسفته ابریشم مقرض پوست بیرون پسته طباشیر سفید سنبل سرخ سنبل سفید نشا سته  
 تخم خرفه مقشور غنچه کل سرخ مصطکی رومی ساذج هندی پوست زردا ترج یا درنجبویه فرنجه مشک دارچینی درونج مغربی  
 دانه هیل بوا ازهر یک چهار درم زعفران یک درم کا فور قیصوری نیم درم عنبر شهب مشک تبی خالص ازهر یک دودانگ  
 اول مرتبه آب میوه را سوای آب لیمو و آب اترج و عرقها با نبات و عسل و کز انکیمن یک جا کرده بجوشانند و کف آنرا بکوبند  
 و بپالایند پس بقوام آورند بآتش ملایم که آب میوه ها سوخته نکرده و تلخ نشود پس اندک اندک آب لیمو و آب اترج را  
 داخل نمایند تا تمام آب لیمو و آب اترج را تشریف نمایند و قوام بحال باشد پس ادویه را داخل نمایند و اگر خواسته باشند  
 ورق طلا و ورق نقره محلولین ازهر یک نیم درم داخل نمایند بهتر است شربتی یک مثقال \* جوارش عود حامض مقوی قلب و  
 معد و کرده و کبد است و اشتها ی طعام آورد \* صنعت آن آب خماض اترج آب سیب ترش ازهر یک یک رطل بآتش ملایم بجوشانند  
 تا به نصف رسد پس داخل کنند در آن قند سفید شهب خالص صافی کلاب خوشبو ازهر یک نیم من و بجوشانند بآتش تا منعقد  
 گردد پس بپزند از آن در آن زعفران قرنفل مصطکی دارچینی ازهر یک یک درم عود قماری خام پنج درم یا درنجبویه سه درم و

به ترمیم چون ساری نیکو برهم زنند و در ظرف چینی نگاه دارند شربت سی درم \* جوارش عود حامض حکیم معصوم دوقرا بادین  
 معصومی معده را قوت دهد و هیضه را نافع باشد و هاضمه را قوی گرداند و خفقان را برطرف کند و قوت اعضای رئیسده دهد و قوی  
 و نفوس را سودمند باشد \* صنعت آن عود دهند ی خام پنجه درم سیاه قاقله کبار زعفران جوزبوا مصطکی رومی سنبل الطیب  
 ازهر یک یکرم قرفه پوست زردا ترخ زنجبیل فلغل ازهر یک دودرم دارفلل ابیشم مقرض طباشیر سفید نعناع خشک لسان  
 الثور زرنب قرنفل ازهر یک یکرم و نیم فرنج مشک رازیانه دارچینی ازهر یک دودرم مشک خالص دودانگ رب به شیرین  
 رب به ترش زرشک رب سیب ترش ازهر یک ده درم شربت حب الالاسی درم عسل مصفی دوزن مجموع ادویه  
 بدستور مرتب نمایند شربت دودرم و در نسخه دیگر بجای شربت حب الالاسی آب لیمو یا نزه درم است \* جوارش  
 عود حامض به نسخه دیگر نافع از برای رطوبت معده هرگاه سوری مزاج یارد با فراط نباشد و دهان مانل به تلخی و تشنگی  
 باشد \* صنعت آن عود دهند ی خام ده درم سنبل الطیب قاقله صغار زعفران پوست زردا ترخ قرنفل دارچینی بادر پنجه  
 مصطکی رومی طباشیر سفید ازهر یک یکرم آب سیب ترش پنجاه مثقال کلاب شصت مثقال آب لیمو نود مثقال قند  
 سفید و عسل مصفی ازهر یک هفتاد مثقال بدستور مرتب سازند شربت از یک مثقال تادو مثقال و در نسخه دیگر بجای  
 جمع اجزای که در نسخه اول یکرم است ازهر یک سه درم است سوا آنکه قرنفل دودرم است و سه درم لك مغسول نیز  
 داخل است و آب زرشک سی مثقال نیز داخل دارد بجای عسل نبات سفید بوزن عسل مصفی داخل دارد \* جوارش عود حامض  
 دیگر \* صنعت آن عود قماری ده مثقال دانه هیل دارچینی ازهر یک یک مثقال زعفران نیم مثقال مصطکی رومی آمله منقی  
 زرشک منقی ازهر یک پنج مثقال طباشیر سفید سه مثقال قرنفل یک مثقال صندل سفید سه مثقال پوست اترخ سنبل  
 الطیب ازهر یک دو مثقال هلیله سیاه دو مثقال و نیم شربت اترخ یکصد مثقال عرق بیدل مشک یکشیشه عسل بقدر حاجت  
 بدستور مقرر مرتب نمایند \* جوارش عود حامض دیگر \* صنعت آن عود دهند ی پنج مثقال قرنفل مصطکی دارچینی رازیانه  
 پوست زردا ترخ زعفران زرنباد ازهر یک دو مثقال کوفته بخته رب سیب ترش آب لیمو بجلاب عسل سفید مصفی ازهر یک  
 بیست مثقال نبات چهل مثقال بدستور مقرر جوارش سازند و در ظرف چینی نگاه دارند شربت از دودرم تا سه درم \*  
 جوارش عود حامض تالیف غفران مآب مرحمت ثیاب میرزا محمد حسین حکیم منقول از مسودات مرحوم میرزا محمد حسین \*  
 صنعت آن رب سیب شیوین رب سیب ترش رب سفرجل آب لیمو قند سفید عسل مصفی ازهر یک یکصد مثقال کلاب پنجاه  
 مثقال عود دهند ی ده مثقال مروارید ناسفته زعفران قرنفل مصطکی ازهر یک یکصد مثقال قاقله دو مثقال بادر پنجه آمله منقی  
 جوزبوا ازهر یک سه مثقال ادویه را کوفته بخته اول مویه ربوب و عسل و قند و نصف کلاب را در یک سنج با آتش ملایم  
 بجوشانند تا بقوام آید پس آب لیمو را داخل کرده بقدر ریخ بجوشانند تا بقوام آید پس زعفران را با باقی کلاب حل کرده داخل  
 نمایند پس مروارید مسکوق را پس مصطکی بس باقی ادویه را داخل کرده تیر بزنند تا مخلوط شود شربت از یک مثقال  
 تا در مثقال \* جوارش عود زعفرانی امراض قلب و معده را نافع باشد و از برای بخار و کثرت سیلان ریه که بمشاکت معده  
 باشد به نهایت مفید است \* صنعت آن عود دهند ی خام پنجه درم پوست اترخ چهار درم قرنفل به عباسه مصطکی ازهر یک  
 سه درم دانه قاقله کبار سنبل الطیب زعفران ازهر یک دودرم زنجبیل دارفلل جوزبوا ازهر یک یکرم قند سفید با عسل  
 مصفی بختب مزاج هر که ام که باشد یکصد و بیست مثقال بدستور مرتب نمایند شربت از دودرم تا سه درم \* جوارش  
 عود حامض مغزی قلب و معده است و دماغ و معده را گرم کند گرم کردنی غیر از قراط و نشف و طوبات و بلغم از معده و دماغ  
 کتب و نوری دهان خوش گرداند \* صنعت آن عود قماری خام دودرم بکلاب سوده در یکوط قند سفید بقوام آورد داخل کرد

کرده در طبق چینی (یزنک و بطریق لوزیات به برونک و گاهی زیاده کرده میشود برین جوارش زعفران قرنفل قاقلیخین مصطکی  
 بادرنجبویه و امثال اینها یک یک یا بعضی یا مجموع بحسب حاجت و گاهی داخل کرده میشود در آن آب لیمو یا آب انار  
 بقل ریکه بگردان طعم آن را میخوش پس میگرداند احسن و گاهی داخل میکنند در آن کلاب پس میگردان لطیف و گاهی آب  
 سبب در آن داخل میکنند پس میگردان در تقویت قلب اقوی و گاهی اضافه کرده میشود درین جوارش قوایض چون حب الاس  
 و کلانفارسی و طباشیر سفید و پوست بیرون پسته و زرد و مانند اینها و اجزایا بجرم سفرجل مطبوخ با شراب که عصاره  
 است از میوه ساده بآب سفرجل و نبات سفید می سرشد پس میگردان صالح از برای ضعف قلب که با سهال باشد و گاهی اضافه  
 کرده میشود باین جوارش مثل تربل سفید مل بر و سقمونیا از ادویه مسهله بقل راحتیا و زعفران و مصطکی پس میگردان  
 مسهل طیب مقوی معده و بیغاثله و کوبای این نسخه قانن است از برای تراکیب جوارشات که شیخ نجیب الدین سمرقندی  
 در اصول التراکیب ذکر نموده \* جوارش ساده دیگر \* صنعت آن عود خام پنچل رم پوست زرد انرج قرنفل قرقه الطیب  
 دارچینی از هر یک دو درم نبات سفید یکمن ادویه را کوفته پیخته عود را با کلاب سوده نبات را بقوام آورده بد ستور مقور  
 مرتب نمایند \* جوارش عود ساده به نسخه دیگر \* صنعت آن عود قماری خام پنچل رم نبات سفید یکمن نبات را بد ستور  
 آورده عود را به کلاب سوده داخل کرده بر سنگ ریزنک و بطریق لوزیات به برونک \* جوارش عود ساده عنبری \* صنعت آن  
 عود هندی خام پنچ درم عنبر اشهب یک مثقال نبات سفید یکمن نبات را بقوام آورده عنبر را در آن حل کرده  
 عود هندی را به کلاب سوده بعد از آنکه نبات را از آن جدا کرده باشند داخل کرده برهم زنند و نگاه دارند \* جوارش  
 عود شیرین تالیف نواب سیادت مآب حکیم سلیمان موسوی حکیم باشی نواب اشرف علی شاه عباس مغوی موسوی \*  
 صنعت آن قرنفل چهار مثقال قاقله کبار سنبل الطیب از هر یک دو مثقال عود هندی پوست زرد انرج از هر یک پنج  
 مثقال زعفران جوز بو از نجبیل حسک دارفلل از هر یک یک مثقال مصطکی بسباسه از هر یک سه مثقال نبات سفید  
 یکمن تبریز بد ستور مرتب نمایند \* جوارش عود شیرین دیگر از حکیم سلیمان شیرازی \* صنعت آن عود هندی  
 پوست انرج از هر یک پنج مثقال قرنفل چهار مثقال قاقله کبار سنبل الطیب قرقه از هر یک دو مثقال زعفران جوز بو  
 زنجبیل حسک دارفلل از هر یک یک مثقال مصطکی بسباسه از هر یک سه مثقال نبات سفید یکمن تبریز بد ستور  
 مرتب نمایند \* جوارش عود فادزهری \* صنعت آن عود قماری خام پنچ درم قرقه الطیب یکل رم و نیم قرنفل پوست انرج  
 مصطکی رومی فادزهری صطیبا نای از هر یک یکل رم نبات سفید یکمن بد ستور جوارش سازند شربتیکه مثقال \* جوارش  
 عود کا فوری به نسخه شیخ رئیس \* صنعت آن عود قماری را زیانه تخم کرفس و ج ترکی سنبل الطیب از هر یک دو وازده  
 مثقال کا فوری مصوری یک مثقال مشک تبتی یک مثقال وود انک بسباسه نارمشک سعد کوفی فرنچمشک زرنباد زرنسب از  
 هر یک پنج مثقال وود انک دارچینی مصطکی زنجبیل فلل قرنفل از هر یک بیست مثقال قند سفید نیم من تبریز بد ستور  
 مرتب نمایند \* جوارش عود کا فوری نافع از برای سوء مزاج بلغمی معده و خفقان هرگاه با بلغم صفرا مخلوط باشد \* صنعت  
 آن عود هندی غرقی خام را زیانه تخم کرفس و ج ترکی سنبل الطیب از هر یک سه درم بسباسه نارمشک سعد کوفی فرنچمشک  
 زرنسب زرنباد از هر یک یک مثقال کا فوری مصوری مشک تبتی از هر یک دو وود انک دارچینی مصطکی زنجبیل فلل قرنفل از  
 هر یک دو درم کا و زبان پنچل رم عسل سفید مصفی سه وزن تمام ادویه بد ستور مرتب نمایند \* جوارش عود کا فوری  
 به نسخه دیگر \* صنعت آن عود هندی شش مثقال کا فوری مصوری نیم مثقال مشک ترکی چهار وود انک بسباسه نارمشک  
 سعد کوفی برک فرنچمشک زرنباد زرنسب از هر یک دو مثقال و نیم دارچینی مصطکی زنجبیل فلل قرنفل از هر یک چهار مثقال

برگ کا وزبان ده مثقال رازیانه تخم کرفس و ج ترکی ازهر یک شش مثقال قند سفید عسل مصفی ازهر یک د و صل و پنجاه  
مثقال کلاب یکمن تبریز زعفران پنج مثقال بل ستور مقرر جوارش سازند شربتیکه مثقال تاد و دم \* جوارش عود مسهل  
اهلیلیجی تالیف حکیم اشرف قهی حکیم محل منقول از خط حکیم ابراهیم ولد ارشد معزالیه \* صنعت آن پوست هلیله کا بلی  
نوست هلیله زرد زرنب سازج هندی قرنفل ازهر یک سه مثقال عنبر اشهب مشک ترکی خالص سقمونیای مشوی ازهر یک  
یک مثقال و قلمی فرموده اند که سقمونیای را صل نسخه یک مثقال بوده و در آخر د و مثقال شد و آن غلط است هیل بوا  
دارچینی زنجبیل زعفران سلیخته سیاه زرنباد سعد کوفی تخم فرنجمشک ازهر یک پنج مثقال عود قماری خام تربل سفید  
مد برازهر یک د و مثقال لا جورد مغسول د و مثقال نمک هندی سه مثقال و نیم نارمشک پنج مثقال کا فور قیصوری یک مثقال  
و نیم عسل مصفی سه وزن ادویه بل ستور مقرر مرتب نمایند شش مثقال و بعض اوقات کا نورد اخل کرده نمیشود.  
نافع باد \* جوارش عود مسهل اسهال صفرا کند بی مشقت \* صنعت آن عود هندی مصطکی رومی ازهر یک یک گرم تربل  
سفید مد برچهار گرم سقمونیای مشوی نیم گرم کوفته بخته بعسل مصفی بقدر حاجت بسرشدن شربتیکه پنج گرم \* جوارش  
نور مسهل این جوارش را جوارش بخت می نامند \* صنعت آن تربل سفید مد برد و دم عود هندی قرنفل زعفران  
جوزبوا ازهر یک د و د آنک و در نسخه دیگر یک د آنک است سقمونیای مشوی نیم مثقال و در نسخه دیگر نیم د آنک است  
اجزا کوفته بخته با نبات سفید با عسل مصفی سه وزن ادویه جوارش سازند جمله یک شربت است \* جوارش عود دماهن  
تالیف شیخ رئیس بوعلی بن سینا \* صنعت آن دارچینی زنجبیل سنبل الطیب سلیخته سیاه زعفران فلفل فرنجمشک  
زرنبا ازهر یک پنج گرم سعد کوفی زرنب سازج هندی قرنفل ازهر یک سه گرم عود قماری خام نه گرم عنبر اشهب یک  
مثقال لا جورد مغسول کا فور قیصوری ازهر یک د و د آنک تربل سفید چهار گرم نمک لاهوری یک گرم ادویه راجل اجل  
کوفته بخته وزن کرده بعسل مصفی یا بجلاب نبات بقوام آورد و سرشته جوارش سازند و نکاهند از شربتیکه از یک مثقال تا  
دو مثقال مزاجش گرم و خشک است در آخر درجه ثانیه \* جوارش عود دماهن دیگر \* صنعت آن تربل سفید مد برچهار  
گرم قرنفل عود قماری زعفران جوزبوا ازهر یک یک گرم سقمونیای مشوی نیم گرم اجزا کوفته بخته بعسل سه وزن  
ادویه بسرشدن شربتیکه مثقال تاد و دم با آب گرم \* جوارش عود دماهن دیگر \* صنعت آن تربل سفید بیست و دو مثقال  
عود هندی خام قرنفل جوزبوا زعفران ازهر یک پنج مثقال سقمونیای نیم مثقال اجزا کوفته بخته بعسل مصفی بقدر رکایت  
سرشته جوارش سازند و در ظرف چینی نکاهند از شربتیکه دو مثقال و نیم تاسه مثقال \* چورو عود هندی که نوعی از  
طار بود است مقوی قلب و دماغ بارد است و مقوی حواس \* صنعت آن بکیرنل چوب اگر مرقد که خواهند و در آب  
خیساند و چو کوب نموده و در شیشه های مطین کردن دراز کرد و بطریق قرح معکوس که ظرفی سفالی را در وسط آن  
سوراخ کرده و ظرف را بر سر پای کف آشته کردن شیشه را از سوراخ بیرون کرده و کاسه را آب کرده متصل دهن آنکه  
دهن آن شیشه در آب باشد و بر بالای آن ظرف و شکم شیشه آتش سرکین کا و خشک بر آفر و زن تا تمام دهنیت آن مقطر گردد  
و هر مقدار که خواهند بل بن نهج گرفته جمع نمایند پس با آب و کلاب مکرر شسته که بود و آن زائل کرد و واسه استعمال نمایند  
این بود صنعت چورو مفرد \* اما صنعت چورو مرکب این است که بکیرنل عود قماری غرق فی اطلی سی و هشت درهم  
و چو کوب کرده و کلاب آن مقب ار که ترکردد خیساند و خشک نموده حصی لبان پنج مثقال عنبر اشهب چهار مثقال میعه  
ساده سه مثقال میعه بابسه بوزن آن کوفته بخته مزوج کرد و بطریق مسطور در شیشه مطین بطین حکمت کنند و کوفی  
شیشه را از تالیف پر کرده و بطریق تنکس با آتش زبل بقدر مقطر نمایند و بعضی چهار مثقال موم خالص زرد و سبز و میقه

گرفته **ببخته** با آب غلب الثعلب سرشته حب ها سازند شربتى يك مثقال شب وقت خواب با آب نیم گرم فرو برند و بخوابند و اگر مریض را سعال باشد نصف یک جزو رب السوس داخل نمایند و بعضی حبوب غار بقون و غافث در رسم خود ذکر می یابند انشاء الله تع **حب فالج** فالج را مغیل بود **صنعت آن** ایارج فیکرا تربل سفید مد بر غار بقون از هر یک یک درم شحم حنظل سنبل الطیب سکبینج از هر یک دانکی و نیم اسطوخودوس بوزید آن از هر یک نیم درم و کنیرا دانکی کوفته **ببخته** با آب حب سازند **حب فالج** تالیف حکیم میر محمد زمان جهت کسیکه در جانب راست او فالج باشد و قادر بر تکلم نباشد و در زبان نش ثقل بهم رسید **با شد** **صنعت آن** تربل سفید شانزده مثقال سورنجان سیزده مثقال حب النیل سه مثقال ایارج فیکرا شش مثقال شحم حنظل دوه مثقال شیطرج هندی بوزید آن و ج عاقر قرحا دار فلفل از هر یک یک و نیم مثقال سکبینج جاشیر مقل ازرق از هر یک چهار دانگ فرقیون چند بید ستر از هر یک نیم مثقال ادویه کوفته بخورند **ببخته** صمغ را در آب کندن داخل کرده و ادویه را با آن سرشته حبوب سازند شربتى سه مثقال با آب نیم گرم **حب قوقا یا** جالینوس نافع است از برای امراض بلغمی و صداع و شقیقه و باصره را حدت دهد و اخراج فضول غلیظه کند و حبیش بن الحسن این حب را از جالینوس ذکر کرده و گفته این حب همه بیمار یها را که **ببخته** شود دهک قلمی فرموده اند که این حب مستعمل حضرت استادى والد ما جل فقیر بود **ببخته** که قوقا یا بلغت **یونانی** معنی حلق وسط است و چون این حب مواد از وسط سر می نمایند لهذا بدین اسم مسمی شد و نیز گفته که **قوقا یا** بمعنی سراسر است و چون عمل **ببخته** نافع حبوب قوقا یا برای اعراض سراسر است لهذا بدین اسم مسمی گردانید **ببخته** آن صبر سقوطی افسنتین روم مصطکی رومی غار بقون شش سفید از هر یک یک جزو شحم حنظل سقمونیا مشوی از هر یک نیم جزو کوفته **ببخته** با آب کرفس **صنعت آن** سرشته حبها سازند هر حبی مقل و فلفلی و قوت این حب تا دو سال باقی میماند و شربتى تا یک مثقال است و این نسخه از آن کوفه داود انطاکی منقول است و این جزله درین نسخه عصاره افسنتین آورده و حبیش **ببخته** تفلسی **ببخته** اخلاط این حب را با این صفت آورده صبر سقوطی یک درم افسنتین رومی شحم حنظل مصطکی رومی مقل ازرق از هر یک نیم درم بدستور **حب سازند** **صنعت آن** این حب به نسخه صاحب میزان اطباء **ببخته** مصطکی رومی عصاره افسنتین اگر تبا شد افسنتین رومی صبر سقوطی زرد سقمونیا مشوی شحم حنظل اجزا مساوی کوفته **ببخته** با آب کرفس سرشته حب سازند شربتى از یک درم تا یک مثقال و مود بن الیاس گفته که شربتى این حب از یک درم تا دو درم است **صنعت آن** این حب به نسخه صاحب قرا یا دین کوتوالی که این حب از جالینوس است در دسر را سود دارد و صفرا را منحلر گرداند و فضول که در سر و دماغ و معده باشد پاک کند و آنرا خاصیت قوی است در دفع داء الثعلب چون با مصطکی اجزا آنرا سرشته حب ساخته بخورند چشم را روشن کند و آب را از فرو آمدن باز دارد و ریاح فاسده را ازین دفع کند **صنعت آن** صبر سقوطی زرد سقمونیا مشوی شحم حنظل عصاره افسنتین مصطکی رومی از هر یک یک دانک و نیم مقل ازرق یک دانک کنیرا نیکل دانک کوفته **ببخته** حب سازند جمله یک شربت تام باشد و در همه وقت استعمال توان کرد پیش از طعام و بعد از طعام **حب قوقا یا** دیگر تنقیه بلغم کند و جمیع امراض بلغمی را خصوص امراض سر و صداع و شقیقه بلغمی و باصره را حدت دهد و اخراج فضول غلیظه نماید **صنعت آن** صبر سقوطی عصاره افسنتین مصطکی از هر یک یک مثقال شحم حنظل سقمونیا مشوی از هر یک نیم درم اجزا کوفته **ببخته** در آب مطبوخ تخم کرفس سرشته حبها سازند مقل را استعمال از آن دوه مثقال تا سه مثقال **حب قوقا یا** قولس درد سرتار یکی چشم و لقوه را نافع باشد **صنعت آن** ایارج فیکرا سه درم افسنتین رومی شحم حنظل از هر یک یک مثقال کوفته **ببخته** با آب سرشته حب سازند در سایه خشک کرده نکاهل آن شربتى یک مثقال **حب قوقا یا** دیگر منقول از صجرات



میرزا محمد با قردرد سرودرد چشم را سودا زدن را از فضول پاک کند \* صنعت آن ایارج فیکرا درم تربل سفید مل بر  
اسطوخودوس ازهریک پنچل رم شحم حنظل منقی از حب سه درم و دودانک سقمونیای مشوی دودرم و نیم و در نسخه  
دیگر کتیرای سفید یکل رم دا خل است و در نسخه دیگر دا خل نیست و لیکن پنچل رم پوست هلیله زردا خل است ادویه  
گرفته بیخته با آب مقل حل کرده سرشته حب سازند جمله ده شربت است با آب نیم کرم \* حب قوقا یا محمد بن ذکر یا نافع  
از برای صرع و جمیع امراض بلغمی و معده و سوز \* صنعت آن ایارج فیکرا یکل رم تربل سفید مل بر اسطوخودوس ازهریک  
نیم درم سقمونیای ربع درمی شحم حنظل ثلث درمی گرفته بیخته با آب سرشته حبوب سازند و جمله یک شربت کامل است \* حب  
قوقا یا میر محمد زمان \* صنعت آن ایارج فیکرا شحم حنظل سقمونیای مشوی پوست هلیله زردا اسطوخودوس تربل سفید از  
هریک بقل رحا جت گرفته بیخته حبوب سازند شربت درم \* حب قوض که حب ذهب و حب قبطی نیز کوبند منقول از  
معالجات کناش طبری معروف به بقراطی تنقیه معده از رطوبات لزجه نمایند و تقویت کنند آنرا و نکند که رطوبات فاسده  
موجب ضعف معده و سرگردانی گردد. **الله تع و چون هر روز تناول کنند بعد از طعام یکبار رطوبات لزجه را با جابت اخراج**  
می نماید و معده را ضعیف نمی گرداند \* صنعت آن نانخواه زیوه کرمانی کروی یا انیسون هلیله سیاه و ملح نطفی ازهریک  
یکمقال مصطکی سه مقال صبر سقوطی منقل مجموع ادویه گرفته بیخته با آب برک اترج سرشته حبوب سازند شربت  
یکل انک نادودانک و انیسون منقل نیز گرفته اند و در نسخه دیگر کزویا نیست و بجای مقال درم است \* حب کو تو الی  
**اعضای سرد معده را از اخلاط باکند و فاج و قوه و نفوذاء الثعالب را نافع است و چون یکل رم ازین حب و یکل رم ایارج**  
**فیکرا حب سازند و با آب کرم فرو برند چشم را روشن کنند و منع نزول آب چشم نمایند و اخلاط فاسده را از بدن بیرون**  
**آورد و این در حقیقت حب قوقا یا جالینوس است** صنعت آن صبر سقوطی زرد سقمونیای مشوی شحم حنظل منقی از  
حب عصاره افسنتین مصطکی و می ازهریک یکل انک و نیم مقل ازرق یکل انک کتیرای سفید نیم انک ادویه گرفته بیخته  
با آب سرشته حب سازند و حبوب لا جورد در لا جورد مذکور میشود انشاء الله تع \* حب للم الحور لیا ایارج فیکرا افسنتین  
ازهریک چهار درم حب لا جورد غیر مغسول غاریقون هشت سفید ازهریک دودرم سقمونیای مشوی یکل رم قرنفل بیست  
دانه گرفته بیخته با آب شیرین سرشته حبوب سازند شربت هر هفته یک مقال \* حب مسهل بلغم خالص \* صنعت آن  
ایارج فیکرا تربل سفید مل بو ازهریک دودرم شحم حنظل نیم درم غاریقون هشت سفید یک درم گرفته بیخته با آب  
سرشته حب سازند شربت از دودرم تاسه درم \* حب مسهل منقول از حاوی صغیر نافع از برای یق و برص و صرع و سکت  
و سبب جمیع امراض سوداوی \* صنعت آن ایارج فیکرا پنچل رم افسنتین قریطی ده درم لا جورد مغسول هفت  
درم سقمونیای مشوی شحم حنظل ازهریک دودرم سنبل الطیب انیسون ازهریک یکل رم گرفته بیخته با آب و از دانه سرشته  
حب سازند شربت دودرم و در نسخه صاحب ذخیره دین حب خرق سیاه و زن دودرم داخل است و شقایق نیز این  
نسخه صاحب حاوی صغیر را ذکر کرده و گفته که ادویه را با آب کرفس حب سازند شربت دودرم و نیم \* حب مسهل منقول  
از قرا بادین قانون نافع از برای حمیات مزمن حادثه از اخلاط مختلفه و از برای اوجاع کبد و ابتلای استسقا \* صنعت  
آن صبر سقوطی زرد افسنتین رومی یا عصاره افسنتین هرکدام که باشد عصاره غاف هلیله زرد مصطکی زعفران رونند  
چینی لک مغسول انیسون شامتره خشک ایارج فیکرا ازهریک یک جزو گرفته بیخته با آب عنب الثعلب سرشته حب سازند  
شربت و زن یک مقال یا آب نیم کرم شب وقت خواب فرو برند و در نسخه دیگر صبر داخل نیست و اگر سرفه باشد مخلوط کنند  
با ادویه رب السوسر مقل نصف وزن مجموع ادویه و حب سازند \* حب مسهل جهت اسهال صفرا مخلوط به باغم رسودا \*

\* صنعت آن صبر سقوطری زرد بیست درم افتیمون درازده درم سقمونیای مشوی سه درم سنبل الطیب سلیخته تربک سفید  
 مد بر مصطکی ازهر یک چهار درم زعفران سه دایم غاریقون هشت سفید شش درم حما مایکد رم کوفته بیخته با آب هوشته حبوب  
 سازند شربتینی دودرم با آب کرم \* حب مسهل دیگر جهت حمیات دفع صفرا بسما و نافع منقول از خاوی کبیر \* صنعت آن  
 صبر سقوطری زرد سه جز و عصاره غانت عصاره افسنتین مصطکی پوست هلیله زرد کل سرخ اجزا مساوی ازهر یک جزوی  
 سقمونیای مشوی ثلث جزوی کوفته بیخته با آب سرشته حبوب سازند شربتینی یک ونیم درم تا دودرم با آب مطبوخ شاهتره  
 وهلیله زرد \* حب مسهل دیگر جذب مواد سوداویه کند از افا صی اعضا دفع میکند اکثر امراض مزمنه و علل دماغیه و  
 وتوحش را نافع بود \* صنعت آن ایارج فیکرا افتیمون ازهر یک د و ثلث درمی اسطوخودوس غاریقون سفید بسفایج  
 فستقی ازهر یک نیم درم شحم حنظل ربع درمی مقل ازرق سقمونیای مشوی نمک هندی ازهر یک یکد آنک سودا \* حب  
 سازند حبوب بزرگ هر حبیبی نیم د آنک شربتینی سه درم \* حب مسهل سودا مستعمل در امراض سوداوی \* صنعت آن  
 ایارج فیکرا یک درم لا جور د مغسول غاریقون هشت سفید مقل ازرق تربک سقمون مد بر کثیرای سفید پوست هلیله  
 زرد ازهر یک یکد آنک کوفته بروغن بادام شیرین یکد رم چرب نموده حب سازند و بورق لغره سه عد د پیچیل و نصف  
 شب با آب نیم کرم فرورزند جمله یک شربت است صبح فلوس خیابا شربا نروده متقال شیر حنت حنتر اسانی کلقلند  
 آفتابی ازهر یک ده مثقال با آب کاسنی تازه و آب رازیانه تازه حل کرده بیا لایند اما باید که آب کاسنی تازه بجای متقال  
 و آب رازیانه سی مثقال باشد پس یک مثقال روغن بادام شیرین داخل کرده بیا شربت و غل اسیان روز بخورد و این  
 جب مسهل سودا محترق از صفرا \* صنعت آن صبر سقوطری زرد و جزو سنامی شاهتره لا جور د و غسول حبوب سازند  
 سرخ ازهر یک یک جز و پوست هلیله زرد مصطکی رومی ازهر یک یک جز و دود آنک جزوی کوفته بیخته با آب حب سازند  
 شربتینی چهار درم با آب سیب شیرین \* حب مسهل سودا منقول از بیا منی لخط صبر را محمل حکیم \* صنعت آن  
 ایارج فیکرا پانزده درم افتیمون اقربطی دودرم و در نسخه دیگر دوازده درم است بسفایج فستقی غاریقون سفید  
 سفید ازهر یک ده درم خربق سیاه نمک هندی ازهر یک پنج درم اسطوخودوس هشت درم کوفته بیخته با آب حب سازند  
 شربتینی سه درم \* حب مسهل قوی که استغراغ سودا از معده و نواحی قاع و دماغ و تمام بدن کند و استعمال کرده میشود  
 این حب دهر یک از امراض ثلثه مذکوره و قتیکه ماده در تمام بدن باشد و مواد استغراغ سودا از تمام بدن باشد \*  
 صنعت آن ایارج فیکرا افتیمون اقربطی ازهر یک سه درم اسطوخودوس و بسفایج فستقی غاریقون هشت سفید ازهر یک نیم  
 درم شحم حنظل ربع درمی سقمونیای مشوی ملح نقطی مقل الیهود ازهر یک یکد آنک مقل راد آب جل کرده صاف نموده  
 باقی ادویه کوفته بیخته با آن سرشته بد ستور حب سازند \* حب مسهل سودا اقوی از نسخه قبل \* صنعت آن ایارج  
 فیکرا افتیمون اسطوخودوس ازهر یک نیم درم ربع درمی خربق اسود یک طسوج و نیم عود قماری هندی مصطکی نعناع  
 خشک ازهر یک یکد آنک شحم حنظل غاریقون حجرار منی مغسول حجر لا جور د مغسول ملح نقطی ازهر یک ربع درمی سقمونیای  
 مشوی و طسوج بد ستور مقرر حب سازند و استعمال نمایند واجب است که بدن آنی که خربق هرگاه واقع شود در مطبوخ ازان  
 قلیلی تا یکد رم و در حبوب اقل ازان از نصف دایک تا یکد آنک نمیشد آنرا نکایت و ضروری \* حب مطرائی تپ ربع و حمیات  
 بلغمی و سوداوی و امراض سوداوی و بلغمی را سود دارد و قولنج بکشاید و درد جگر و معده و نفرس و واجاع مغاصل را مغیل  
 باشد \* صنعت آن صبر سقوطری زرد بیست درم عصاره افسنتین عصاره مصطکی رومی پوست هلیله زرد پوست کبابی  
 هلیله سیاه حب النیل غاریقون هشت سفید شحم حنظل شاهتره ازهر یک دودرم و سقمونیای مشوی هم مثقال کوفته بیخته

حب های خرد بردانه فلغلی سازند شربت می یک مثقال و در نسخه کامل الصنعة عرض شاهنشه ماهی زهرج \* حب مفاصل  
ایارج فیقر ایک رم تربل سفید یک مثقال سورنجان نیمه رم شحم حنظل حب النیل نمک هند ی زنجبیل محمود از  
هر یک یک د انک و نیم کل سرخ انیسون مصطکی از هر یک دانگی مقل دود انک کتیوا طسوجی کوفته پیخته با آب خالص  
حب سازند \* حب ملوک قولنج بکشاید و باد های غلیظه را دفع کند \* صنعت آن صبر سقوطی پنچل رم تربل سفید  
مل برد \* درم پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی از هر یک سه درم نمک هند ی دودرم مصطکی زعفران سا ذج هند ی  
قسط سلیمه سیاه ریوند چینی سنبل الطیب زنجبیل انیسون تخم کرفس قرنفل خیرواد ارچینی کتیوا قاقله از هر یک  
نیم درم سقمونیه و مثقال مشک د انکی کوفته پیخته بکلاب سرشته حب سازند شربت می سه درم \* حب ملین طبیعت  
را نماید و بی تصدیع است \* صنعت آن صبر سقوطی زرد چهار مثقال پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه  
از هر یک پنج مثقال سنبل الطیب مصطکی از هر یک سه مثقال زنجبیل نمک هند ی از هر یک دو مثقال کوفته پیخته با آب  
سرشته حب سازند شربت می تادورم پیش از طعام و بعد از طعام توان خورد \* حب منقش سودا قلمی فرموده انک که این  
حب لفا است \* صنعت آن ایارج فیقر صنعت مثقال و نیم پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست هلیله کابلی لاچورد مغسول  
بسفایج فستقی افتیمون اقویلی باد زنجبیل درجه اسطوخودوس از هر یک پنج مثقال سقمونیه می مشوی نیم مثقال  
کتیوا دود انک و در نسخه دیگر چهار دود انک است طلا ی محرق شکس یک مثقال و یک د انک و نیم کوفته پیخته بکلاب  
سرشته حبها سازند و در نسخه دیگر شربت می بخورد و پنچید \* شب وقت خواب نه حب آن را باد \* مثقال عرق کازبان و کلاب  
خروبرک \* حب منتن الصراط نافع است از برای فالج و لغوه قولنج و نفوس و مفاصل تحلیل ریاخ از اندامها کند و استرخای  
اعضا را بر د و دستکی خیس بکند \* صنعت آن صبر سقوطی زرد سکببب اشق جا و شیر مقل ازرق تخم حرمل شحم  
حنظل تربل سفید پوست هند ی و در نسخه دیگر از هر یک جزوی صغیر از آب حل سازند وادویه را کوفته پیخته با وی  
سرشته حب سازند و در نسخه دیگر وقت حاجت دودرم از وی با آب نیم گرم فرو برند و صاحب ذخیوه  
و صاحب اختیارات بل یعنی گفته اند که شربت می از این حب سه درم است \* حب منتن اکبر منقول از قانون نافع است  
از برای وجع مفاصل و نفوس و درد پشت و زانو و پاک میسازد بدن را از اخلاط غلیظه \* صنعت آن صبر سقوطی  
زرد مقل ازرق سکبببب جا و شیر اشق بزحرمل شحم حنظل افتیمون اقویلی از هر یک سه درم سقمونیه می مشوی  
شش درم دارچینی سنبل الطیب زعفران چند بیک سترا از هر یک دودرم فریون یک درم صموغ را با آب بکند تا تازه  
خیسانیک و حل سازند و باقی اجزا کوفته پیخته با آن سرشته حب سازند شربت می دودرم \* حب منتن کبیر بنسخه شیخ  
رئیس دافع اخلاط غلیظه و مفتوح سد ها و نافع است از برای اوجاع مفاصل و خاصه و از برای بهق و برص و جل ام  
و داء الفیل و این حب معروف است بحب ما هانی \* صنعت آن اشق سکببببب جا و شیر مقل ازرق صبر سقوطی بز  
حرمل پوست هلیله زرد شحم حنظل از هر یک هشت درم شبرم افتیمون اقویلی فریون شیطان هند ی سورنجان  
مصری از هر یک چهار درم تربل سفید مل برد \* درم سقمونیه می مشوی سه درم چند بیک سترا غریقون شش سفید از  
هر یک دودرم زعفران سنبل الطیب قاقله ریشه خطمی سفید مصطکی رومی دارچینی خولنجان از هر یک یک درم و  
در نسخه دیگر از هر یک ربع یک درم است صموغ را در آب حل نمایند و باقی ادویه را کوفته پیخته با آن سرشته حب  
سازند و مزاج این حب گرم است و در درجه و نیم \* حب منتن کبیر بنسخه قلا نسی نافع است از برای فالج و لغوه  
و نفوس بارد و از زمین کمر بودن و قطع نفخ خام از مفاصل میکند و قائم مقام ایارج است که با و است و شل این حب

بیه منتن بیهضت آنکه بعضی ادویه آن کره الراحه است \* صنعت آن ایارج فیقراده درم شحم حنظل قنطور یون دقیق  
 ماهی زهر یک پنجدرم فرقیون دودرم ونیم چند بید سترنجبیل حلتیت سکبینج جاوشیر شیطر ج هند ی خردل  
 فاضل زهر یک یکرم صموغ را یا آب سد اب تازه حل کرده باقی ادویه را کوفته بپخته با آن مخلوط کرده بسرشدن وحب  
 سادند مقدی زهر بنی از وی از یکرم تا چهار درم و بعضی گفته که از دودرم تا چهار درم و در نسخه بخط میرزا محمد حسین  
 حکم درین نسخه بیهضت بجای ماهی زهره عصاره قثاء الحما راست \* حب منتن کنده منقول از قانون ارجاع  
 مفصل وقرس و صمغ ارجاع حادث از بلغم خام و صفرا و سودا و فالج را نافع است \* صنعت آن صبر سقو طری زرد پوست  
 هلیله زرد تخم هزار اسنبل افسیمون اقربطی تربید سفید مد براشق جاوشیر سکبینج مقل الیهودا زهر یک چهار جزو  
 شحم حنظل سد جزو سقموهای شوی دوجز و فرقیون چند بید ستردا رچینی زعفران زهر یک یک جزو صموغ رادر  
 اب کند نای تازه یا آب کوبک شبانروزی بخیسانند پس مالیده صاف نمایند و باقی ادویه کوفته با آن بسرشدن سرشتنی  
 مکرر خوب بپزند هر چه بقیه رفلغلی و در سایه خشک نمایند شربت بی دودرم شب با آب نیم کرم فرو برند غل اشور یا بچه  
 صرع یا شنف و شراب بنفشه را بپزند یا دوشاب عوض آب \* حب منتن بار دبه نسخه قلا نسی که این حب مستعمل  
 است و در تابستان بجای حب منتن کبیرا است \* صنعت آن شحم حنظل ربع درمی کثیرا ثلث درمی سورنجان بوزیان  
 ماهی زهره زهر یک ثلث درمی پوست هلیله زرد نصف درمی بد ستر و حب سا زند جمله یک شربت است و در نسخه دیگر  
 کل سرخ نیم درم سقموهای شوی یک انگ دا خل است \* حب منتن فالج و لقوه و ارجاع مفصل وقرس که زسردی باشد  
 و وجع طبر را نافع باشد باطل با دهن غلیظ دفع کند و حیض بکشد \* صنعت آن سکبینج اشق جاوشیر مقل حرم شحم حنظل  
 صبر سقو طری تربید هلیله زردا نزروت اجزا مساوی انزروت را در آب حل کنند و داروهارا کوفته بپخته با آن  
 بسرشدن و حب سا زنی دودرم \* حب منتن اکبر به نسخه دیگر اقوی از نسخه صاحب ذخیره که مذکور شد \* صنعت  
 آن صبر سقو طری مقل ارق اشق جاوشیر سکبینج تخم حرم شحم حنظل منقی از حب زهر یک هشت درم افسیمون چهار  
 درم سقموهای پوست هلیله زرد حب النیل زهر یک دودرم دا رچینی زعفران سنبل الطیب زهر یک یکرم ونیم فرقیون  
 قنطور یون زهر یک نیم مثقال سورنجان شبرم زهر یک چهار درم صموغ را در آب حل کرده باقی ادویه را کوفته بپخته با آن  
 سرشته حب سا زند هر چه بقیه رفلغلی شربت بی دودرم ونیم با آب کرم \* صنعت آن بیکر صبر سقو طری زرد  
 مقل ارق اشق جاوشیر سکبینج تخم حرم شحم حنظل منقی از قشر و حب پوست هلیله تربید سفید انزروت سفید اجزا مساوی  
 کوفته بپخته با آب حب سا زند قل زمستعمل از ان از دو مثقال تا چهار مثقال با آب کرم و عسل فرو برند \* حب منتن محمد  
 بن دکر ایاز و در منافع مثل حب منتن بقراط است \* صنعت آن ایارج فیقراده کهریای شمعی زهر یک پنجدرم شحم حنظل  
 قنطور یون و فیق عصاره قثاء الحما زهر یک دودرم ونیم فرقیون یکرم و یک دانگ ونیم چند بید ستر و فلفل حلتیت سکبینج  
 جاوشیر شیطر ج هند ی تخم اسچند ان زهر یک نیم درم صمغها را در آب کرم حل کنند و باقی ادویه را کوفته با آن سرشته  
 حب سا زند و هنگام حاجت شربت بی دودرم با آب کرم فرو برند \* حب منتن منقول از بیاض بخط حکیم عطاء الله که معز  
 الیه از بیاض بخط استاد خود حکیم محمد باقر حسینی نقل نموده \* صنعت آن ایارج فیقراده درم شحم حنظل قنطور یون  
 دقیق عصاره قثاء الحما زهر یک پنجدرم فرقیون دودرم ونیم چند بید ستر و فلفل حلتیت سکبینج جاوشیر شیطر ج  
 هند ی زهر یک یکرم صموغ را یا آب سد اب حل سا زند و باقی ادویه را کوفته بپخته با آن بسرشدن و حب سا زند جمله  
 ده شربت است \* حب نازمشک مسیح قولنج بکشد و در دمفاصل وقرس را سودا دارد \* صنعت آن صبر سقو طری بیهضت درم

فلغل مویه ساذج هندی صغیر فارسی فلغل سیاه ازهریک سه درم و نیم اجزا را گرفته بمخته بآب عنب الثعلب سرشته  
 حب سازند شربتینی دودرم فروبرند و بعد ازان آب کرم بنوشند \* حب نارمشک ابن جزله قولنج را نافع است و از  
 برای درد مفاصل و رجوع نقرص سودمند بود و برسیوی و کرسنگی توان خورد \* صنعت آن قلع مویه ساذج هندی صغیر  
 فارسی دارفلغل فلغل سیاه نمک هندی زنجبیل حب بلسان دارچینی نارمشک ازهریک یک درم و نیم هلیله سیاه سه  
 درم صبر زرد سقوطی بیست درم کوفته بمخته بآب عنب الثعلب سرشته حبها سازند و در سایه حبک بنامند شربتینی دودرم  
 تا دودرم و نیم بآب نیم کرم فروبرند \* حب نارمشک مسهل سریع الاثر است و بجهت تحلیل ریاخ و تقویت معدی و دفع تعصب  
 و درد معدی که از احتیاس طبع باشد نهایت نافع است و یکعل دش یک مجلس اجابت میکند بر صنعت ابن مصطکی رومی زنجبیل  
 قرنفل دارچینی فلغل سیاه نارمشک ازهریک یک مثقال و یکد آنک سقمونیای مشوی الطایف شکر طبرزد ازهریک ده درم  
 سوده بآب حب سازند هر حبی بقدر نخودی \* حب نجاج منقول از قانون جهت فالج و لقوه و اوجاع مفاصل و کبله بلغمیه  
 بسیار نافع \* صنعت آن بود هبارق و آن دوی هندی بیست ساطل استرنجبین و آن نزد دوی هندی است تربل صغیر  
 حب الذیل غافله ازهریک یک مثقال بینچاه رطل آب بخوشانند تا بنصف آید پس صابون صاف و صافی را در  
 دیک کرده بر آتش کدازند و بخوشانند تا غلیظ گردد پس بریزند بر آن دند چینی منقی از پوست و زبانه اندازند لب که  
 مثل لسان العصاره یا ریک است غاریقون سفید مصطکی رومی صبر سقوطی زرد هلیله کابلی مشرقی صابون سوس ازهریک  
 بیست مثقال دند راجل اودویه را غلج و نرم کوفته بمخته بآن آب بسرشد و حبوب سازند شربتینی از دودر آنک  
 چهار داند نهایت یک درم \* حب نجیب الدین سمرقندی از برای اخراج بلغم و سودا و تنقیه و صفا و صنعت ابن تربل  
 سفید یک مثقال ایاچ فیقر یک درم اسطوخودوس دوداند غاریقون نیم درم سقمونیای یکد آنک و نیم زنجبیل یک  
 داند کل سوخ یکد آنک مقل ازرق دوداند آنک بد ستور مقر حب سازند \* حب نجیب الدین آنکه تنقیه که سودا را و اخراج  
 سودا نماید کسانیکه مقل و رند آشته باشند آشامیدن مطبوخ افیمون را \* صنعت آن افیمون بدست دارم و سفید  
 فستقی غاریقون سفید ازهریک ده درم خربق سیاه نمک هندی ازهریک پنج درم اسطوخودوس و س قهقهه درم ایاچ فیقر  
 پنج درم حب سازند شربتینی سه درم \* حب نقط منسوب بجا لینوس قوی الفعل است در امراض سوداوی و تافع اسهال  
 برای هر مرض بارد مانند فالج و لقوه و ریاخ بارده و نقرص و قولنج و امراض بارده و مفاصل و عرق النساء و قوت این حب تا  
 سه سال باقی میماند و شربتینی ازان تا دودرم است محمد بن ذکریا گفته که این حب مضراست بکبد و مصلح وی زیست است  
 و اسحق گفته که مفتح بواسیر است و شیخ داود گفته که این قول اصح از اول است و ذکر کرده مصلح آنرا و آن مرحوم نوشته اند  
 که نزد من مصلح آن کثیرا است یا آب عذاب هر که ام که باشد یا هر دو معا \* صنعت آن به نسخه شیخ داود انطاکی صبر سقوطی  
 یا نزد درم ماهی زهره پوست هلیله زرد بزرجمول صمغ سداب و اگر یافت نشود صمغ سداب بدل آن در وزن صمغ برگ  
 سداب کنند جا و شیر مقل ازرق سکبینج چند بید ستوان زروت سفید شحم حنظل منقی از حب ازهریک ده درم و در نسخه  
 دیگر تربل سفید اصل السوس ازهریک هفت درم داخل است و صواب ترک این دودر و اسهال کردن بود و باشد بلغم در نهایت  
 افراط و در نسخه دیگر افیمون هفت درم داخل است و صواب ترک آن است اگر نبود و باشد سودا غالب و قاعه داخل  
 کرده میشود حلتیمت و حب الغار و این صحیح است و اگر بوده باشد حمی و یا بود و باشد مرض بعد از آشامیدن سوس یا  
 گزیدن جا و آن سوس مجموع ادویه یا بسه را کوفته بمخته صمغ را در نقط سفید با قری آب کرم حل کرده و با  
 مخلوط کرده و بنقط سفید سرشته حب سازند و در قرا بادین رومی بنظر رسید که به عمل بسرشدن و این خطا است و یا

که در حد ریاشند از آنکه محرق شخم کرده آمنت و گاهی اضافه کرده میشود براجزای این حب شیطان مندی قافله بوزیلان  
سورجان ایارج فیکرا ازهریک پنج ریم پس میکرد نفع آن عظیم در او جاع بارده خصوص در او جاع مفصل و نقرس \*  
صنعت نقطه نسخه حنین بن اسحق پوست هلیله زرد صبر سقوطی شخم حنظل ماهی زهره تخم حرمیل چند بید ستر  
انزروت سفید شمشق مقل ازرق سکبینج جار شیر صمغ سد اب نط سفید ازهریک پنج ریم صمغ را با نقط سفید در آب  
کرم حل سازند پس باقی ادویه را کوفته بیخته بآن بسرشدن و حبهای کوچک ساخته و رسایه خشک نمایند شربت در دم  
باب نیم کرم حبیبی که تنقیه را رخ رسر کند و سد های کبد بکشد و منقی بدن است \* صنعت آن تربل سفید محبوف تراشیده  
بودغن بادام صرب نموده است و پنج ریم پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی ازهریک پنج ریم نمک نطی شش ریم ایارج  
فیکرا یک دوم کل شمع منزوع الاغماح چهار ریم انیسون سه درم چند بید ستر یک مثقال کوفته بیخته بآب کاسنی تازه  
سرشته حب سازند لهر حنظل فلفلی در سایه خشک کرده در شیشه نگاه دارند شربت زان سه درم بآب نیم کرم و پرهیز کنند  
میران شش روز پیش از آن حب را در آن \* حب یرقان \* صنعت آن صبر یک ریم محبوده دانکی و نیم غار بقون چهار دانگ  
حصا له غانت دو دانگ کوفته بآب کاسنی حب سازند جمله یک شربت کامل است \* حبی که تنقیه سر و دماغ کند \*  
صنعت آن ایارج فیکرا دو مثقال در می تربل سفید مل بریک ریم مقل ازرق نمک هند ی ازهریک دو طموج غار بقون دو  
مثال در می انیسون یک طموج کوفته بیخته بآب سرشته حبوب سازند هر حبی بقدر نخود ی جمله یک شربت است \*  
حب دیگر که تنقیه دماغ و اعصاب کند و نافع است از برای فالج و لقوه و رعشه و امثال این امراض \* صنعت آن ایارج  
فیکرا تربل سفید مل بر ازهریک یک ریم نمک هند ی و دانگ شخم حنظل ربع در می کوفته بیخته بآب سرشته حبها سازند  
این حب یک شربت کامل است بآب نیم کرم فرو برند \* حب دیگر که منقول از قند کره الولا لباب شیخ داؤد انطاکی  
اسهال بلفم سودا و صفرا کنند و جمیع امراض بلغمی و سوداوی و صفراوی را نافع است و صالح است از برای امراض ظهور و  
وجع درک و از برای مفصل و مانند این امراض و گفته که این حب نائب مناب قوقا یا جالینوس است بلکه از آن بهتر است \*  
صنعت آن شخم حنظل تربل سفید ازهریک پانزده مثقال و در نسخه دیگره مثقال است پوست هلیله زرد مقل ازرق  
سقا لی سستی ازهریک هفت مثقال اشق سقمونیای مشوی غار بقون هشی سفید حب النیل افتیمون اقريطی  
صالح نطی و ج ترکی اسطوخودوس کتیرا ازهریک پنج مثقال ایارج فیکرا بوزن مجموع ادویه صمغ را در آب کرم حل  
کرده باقی ادویه را کوفته بیخته بآن سرشته حبوب سازند شربت زان دو مثقال و گاهی زیاده کرده میشود در آن حب قر نفل  
خودنج کاوران ازهریک پنج مثقال صبر سقوطی زرد پانزده مثقال تا بیست مثقال لاجورد مغسول دو مثقال و در نسخه دیگر  
سه مثقال است اخر بق سیاه دو مثقال و درین حال قوی الفعل است در امراض سوداوی و امراض متعلق بسر و در نسخه  
دیگر حبای قمر نیا سکبینج است \* حبی که سررا از رطوبات پاک کند و درد سر و شقیقه را زایل گرداند و همه وقت توان  
خورد \* صنعت آن ایارج فیکرا چهار دانگ تربل سفید مل بریک ریم پوست هلیله کابلی نیم درم ربون چینی مقل ازرق ازهریک  
نمک اکبره بیخته بآب سرشته حبوب سازند جمله یک شربت کامل است \* حبی که نافع است جهت امراضیکه بسبب آن  
مورود متلی جذام و داء الثعلب و داء الحیة و اخراج فضول غلیظه نماید و قوتش تا دو سال باقی است و مزاجش گرم است  
در و هم و خشک است در اول و شربتش تایک مثقال است بآب کرم و مضر جگر و مصلحش انیسون و مضر کرده و مصلحش  
کتر است \* صنعت آن صبر سقوطی زرد تربل سفید مل بر ازهریک دو ازده مثقال افتیمون چهار مثقال بسفایج انزروت  
ازهریک سه مثقال افستتین ملج هند ی شخم حنظل سقمونیای مشوی ازهریک دو درم کوفته بیخته بآب سرشته حب سازند







لطیف و اعلی است و نافع است از برای تقویت قلب و دماغ \* صنعت آن عود قماری خام زعفران از هر يك در درم صندل سفید  
مقا صریحاً ظفا را لطیف حب المخلب از هر يك سه درم عنبر اشهب یک درم مشک خالص نیم درم همه را بکلاب سوده و روغن  
زنبق یعنی روغن یا سمین سفید که آنرا بهندی روغن چنبیلی میگویند یا روغن بان هر کدام که باشد داخل کرده بر صلایه  
سنگی به سنگ بالاسا و سحق نمایند تا نیکو مخلوط شود و متاخرین درین غالبه عطر عود هندی عطر صندل عطر کلاب مجموع  
یا بعضی از اینها داخل میکنند \* غالبه دیگر از برای اذیات شعر \* صنعت آن روغن بان مطیب که نسخه آن در ادهان  
من کو رش بگیرند از آن هر قدر که خواهند پس داخل کنند در آن عود قماری آنقدر که آن را غلیظ گردان پس داخل کنند  
در آن مشک و عنبر محلول در دهن بان و نیکو بهر هم زنند و بکار برند \* غالبه دیگر قلمی فرموده اند که از حضرت استاد ی  
ولی نعمی قدس سره است موی را برویاند و از افتادن نگاهدارد و سیاه کند و دراز سازد و قوی گرداند \* صنعت آن پوست  
ملیله زرد پوست ملیله کاهی ملیله سیاه پوست ملیله آمه صنعتی حب الاس مازوی سبز چوب چینی از هر يك هفت درم  
مجموع را در نیم رطل آب بویک مورد و آب برگ چغندر را سفینا ج از هر يك بیست و چهار رطل و نیم آب حل دادن بچوشانند  
تا به نصف رسد پس بمالند و بمالایند و داخل کنند در آن برگ رسیده و حنا سوده از هر يك شصت درم زاج سفید دو  
درم صمغ عربی پنجاه درم بچوشانند تا خوب غلیظ و قابل قرص نمودن شود صندل سفید سنبل الطیب سازج هندی  
اشبه فلفل عود هندی عود الصلیب جوز بوا بسما سه سعل کوفی از هر يك دو درم کوفته بیخته داخل کرده روغن بان مطیب  
چوب اوقیه عنبر اشهب زفت رومی مومیا ئی دارا بجدی از هر يك دودانک در آن کد اخته عطر فتنه عطر صندل عطر حسی  
لبان از هر يك دودانک داخل کرده بر سنگ صلایه به سنگ بالاسا و بسایند تا نیکو مخلوط شود و اقراص سازند و در رسایه  
خشب نمایند هر قوی بوزن در مثقال در وقت حاجت یک قرص آن را با بیکه مازوی سبز در آن چوشانند و با شنب  
سوده بمالند و سعی نمایند که به بیخ موی برسند که بعون الله تعالی نافع است \* غالبه دیگر که نهایت مقوی قلب است \*  
صنعت آن سنگ المسک مشک خالص عنبر اشهب از هر يك مثقالی کا فور قیصوری قیرا طي همه را بکلاب سوده و روغن بان  
مطیب که در ادهان بکار شد داخل کرده در شیشه دارند و بکار برند \* غالبه دیگر که مقوی قلب و دماغ حار است و خفیان  
را نافع است \* صنعت آن عنبر اشهب یک مثقال بروغن بان مقوه یا روغن یا سمین کد اخته زیاد به کلاب شسته نیم مثقال  
سنگ مسک خالص نیم مثقال عود هندی صندل سفید به کلاب سوده از هر يك یک مثقال عطر کلاب نیم مثقال داخل کرده غالبه سازند \*  
عالبه دیگر که مقوی قلب و دماغ حار است \* صنعت آن عنبر اشهب دو درم مشک ترکی یک درم بکلاب و روغن بان مطیب  
سحق نموده عطر عود هندی یک آنک داخل کرده بکار برند \* غالبه دیگر که نهایت مقوی دل و دماغ است \* صنعت  
آن عنبر اشهب پنجاه درم کا فور قیصوری یک درم مشک ترکی ربع درمی عود قماری غرقی خام نیم اوقیه روغن بان مطیب  
یک اوقیه عنبر را در روغن بان در قدر مضاعف بکد ازند و عود را بکلاب سائید که کا فور و مشک را در آن حل کرده بر سنگ  
صلایه انداخته بسایند تا نیکو مخلوط گردد و بطریق عطر بکار برند \*

باب الغین مع الراء المهمله \*  
فصل در ذکر نسخ غراغر \*  
بل آنکه غرغره بفتح غین معجمه و سکون رای مهمله بمعنی آواز  
مختلف است که از حلق برآید و مراد از آن در اینجا حرکت دادن مائعات است در حلق اعم از آنکه فرو بردن یا نبردن \*  
غرغره فالج و لقوه و صرع را نافع بود و سر و دماغ را از اخلاط غلیظه پاک کند \* صنعت آن ایاره فیکرا خردل زنجبیل عا قرقح  
فلفل دار فلفل مویز ج فودنه صغتر اصل السوس پوست بیخ کبر کوفته بیخته بعسل آمیخته غرغره نمایند \* غرغره که سخته و  
فالج و ثقل زبان را سود دهد \* صنعت آن مویز ج خردل سفید زنجبیل عا قرقح فلفل دار فلفل بواره ارمنی ایدسا مرزنگوش

مساهی گرفته بپخته یکدم از آن را با سنگجبین غرغره کنند \* غرغره که دماغ را از فضول پاک کند \* صنعت آن مویزج  
 دانکی و نیم عا قرقرها خردل از هر یک نیم درم گرفته بپخته به سنگجبین عنصلی یا عسلی آمیخته غرغره نمایند \* غرغره  
 که اصلاح سر کنند و بلغم فرود آورد \* صنعت آن عا قرقرها دارقفل زنجبیل از هر یک دودرم خردل شش درم نارودانه ترش  
 سه درم گرفته بپخته با عسل آمیخته غرغره کنند \* غرغره که تنقیه سر کنند از فضول بلغمی و هر رجمی که در سر حادث شود  
 ساکن کنند \* صنعت آن مرزنجوش صعفرافارسی حب الرمان حامض یریان صبرسقوطری صهاری بچوشانند و با سنگجبین  
 آمیخته غرغره نمایند و بد آنکه تنقیه دماغ بغرا غرقبل از تنقیه بدن بمسهلات و فصل جا نژ نیست خصوص که ماده  
 بسیار باشد و همچنین حبس مواد در صورت امثلا جا نژ نیست زیرا که مودی بغسا دمی کرد \* غرغره که ماده را که از دماغ  
 و سینه فرو ریزد و باز دارد \* صنعت آن حب الاس کل سرخ کلنا رکونا از هر یک یک جز و کشنیز خشک نیم جز و در آب  
 بچوشانند و غرغره کنند \* غرغره نافع از بواسی اصحاب لیشر غس \* صنعت آن حاشا زرفا پودنه صعفرافا قرقرها جوشانید  
 و عسل و سرکه عنصل یا سنگجبین عنصلی داخل کرده غرغره نمایند \* غرغره نافع جهت جحوظ العین حادث از رطوبت  
 صنعت آن اسپند و شوفیز مساهی گرفته بسنگجبین سرشته غرغره نمایند \* غرغره که در روز و نیم خنای و ذبحه که عسل  
 میشود \* صنعت آن آب کشنیز تازه آب عنب الثعلب بگیرند و کل سرخ خشک و اصل السوس در آن به پزند و صافی نموده و فاس  
 خیارشنبه در آن حل کرده صاف نموده غرغره نمایند \* غرغره دیگر که خنای و ذبحه را بعد از فصل و حقه و در روز و نیم  
 استعمال میشود \* صنعت آن پوسته گردکان تر را بگویند و بفشارند و صافی نموده بوزن آن شکر سفید داخل کرده و بچوشانند  
 و کف آن را بگیرند و بقوام آورده غرغره نمایند \* غرغره دیگر که خنای و ذبحه را بعد از فصل و حقه سرد کنند بود  
 صنعت آن انار ترش عادی انار شیرین عادی با پوست پاره کنند و آذوقه آریه بزنند که مهر است و پس بهانه و فضا و  
 صافی نموده باز بچوشانند تا بقوام آید پس شب پیمانی مازوی سبز کلنا فارسی از هر یک پنج درم گرفته بپخته و در آن بچوشانند  
 و بوقت حاجت بسرکه انگوری حل کرده غرغره نمایند \* غرغره دیگر صنعت آن عس مقشر کل سرخ سفید کلنا فارسی حبات  
 در آب جوشانیده صافی نموده با آن غرغره نمایند \* غرغره دیگر \* صنعت آن کل سرخ کل سفید کلنا فارسی و سرخ  
 فوفل نیم گرفته در آب کشنیز تازه یا آب عنب الثعلب پخته صافی نموده شربت خرنوب در آن حل کرده غرغره نمایند و غرغره  
 که فالج و لقوه را سود دارد \* صنعت آن خردل صعفرافای خشک مویزج زنجبیل فلفل عاقرقرا مرزنجوش از هر یک دودرم  
 حب الرمان یریان کوده دو درم بگویند و با سنگجبین و آب گرم سرشته غرغره نمایند \* غرغره برای فالج \* صنعت آن عاقرقرا  
 مویزج از هر یک یک درم مصطکی نصف درم گرفته بپخته با عسل سرشته اقراص سازند و خشک نمایند و عند الحاجة در  
 آب بایکی از عصارات مناسبه حل کرده غرغره نمایند \* غرغره نافع لعل العلل \* صنعتها یوخا الجلاب السکری و عسل  
 حار و بنقع فیه الصبر و المرزنجوش الصیفی و بتغرغرها \* غرغره دیگر \* صنعت آن مرکبی صافی دوجوز و زعفران یک  
 یا شراب خرنوب آمیخته غرغره کنند تا ناضج ده \* غرغره که درین باب نافع است \* صنعت آن فلوس خیارشنبه در شیرک و تازه  
 حل کرده غرغره نمایند ایضا انجیر زرد حل به با آب پخته صافی نموده فلوس خیارشنبه در آن حل کرده صافی نموده غرغره  
 نمایند \* غرغره دیگر \* صنعت آن عصاره برگ کلم گرفته مسکه کاکل اخته در آن داخل کرده غرغره نمایند \* ایضا تخم گردکان  
 تخم زردک گرفته با شیر بز غرغره نمایند \* ایضا اصل السوس بیخ خطمی در شراب مثلث چند آن بچوشانند که ثلثی بماند  
 پس پیاز نرکی گرفته داخل کرده غرغره نمایند \* غرغره دیگر \* صنعت آن بوره سرخ بوره ارمنی حلتیت مرکبی سرکین  
 مصطاف سرکین خروس فلفل جند بیدل ستر نو شاد عاقرقرا هزا را سپند خردل تخم ترب اجزا مساوی گرفته در شراب خرنوب یا

باسکنجبین حل کرده غرغره نمایند \* غرغره که بجهت انفجار و پاک نمودن موضع از ریم بکار آید \* صنعت آن روغن گاو  
 بآب آمیخته غرغره نمایند ایضاً روغن بادام بآب نیم کرم آمیخته غرغره نمایند \* غرغره که بعد از پاک شدن ریم بکار آید \*  
 صنعت آن کزمازج اصل السوس از هر یک یک جز و ابرسانیم جز و در آب بخته غرغره نمایند \* غرغره دیگر که در همین وقت  
 بکار آید \* صنعت آن زرد تخم مرغ روغن بادام نشاسته کتیرا در آب کرم حل کرده غرغره نمایند \* غرغره که صاحب خناق  
 صفراوی را در اول علت بعد از فصل و اسهال صفرا نافع است \* صنعت آن سرکه در کلاب با سکنجبین یا شراب خرنوب صرف  
 آمیخته بآب غوره یا آب سماق یا کلنار بعصاره کل سرخ و شربت خشخاش غرغره نمایند و شربت گردان که مذکور شد نفع  
 دهد \* غرغره که درابتداء ای خناق صفراوی بعد از فصل و اسهال صفرا نافع باشد \* صنعت آن در آب کشنیز تازه مورد و بلوط  
 معشر نیم گرفته جوشانیده صافی نموده غرغره نمایند \* غرغره دیگر که درابتداء ای خناق مذکور بکار آید \* صنعت آن سبوس  
 کندم در آب جوشانیده صافی نموده فلوس خیارشبر در آن حل کرده صافی نموده غرغره نمایند \* غرغره جهت خناق حار \*  
 صنعت آن آب انار ترش معصور یا شحم یارب توت و آب کشنیز تازه غرغره نمایند \* ایضا آب برگ بارتنگ آب عنب الثعلب  
 یا سماق مطبوخ نافع است \* غرغره دیگر بجهت خناق حار که زمان ابتداء اکل شته و نضج یافته باشد نافع است \* صنعت آن  
 رب السوس با مرقه ارمنی و مرصافی غرغره نمایند \* غرغره دیگر که بعد از نضج نافع است \* صنعت آن انجیر زرد حلیده است  
 تیرصدی اصل السوس جوشانیده صاف نموده فلوس خیارشبر در آن حل کرده غرغره نمایند \* غرغره دیگر که همین نفع  
 دهد \* صنعت آن عسل معشر استه تمر هند یا کل سرخ تخم مرو جوشانیده صاف نموده رب السوس در آن حل کرده غرغره  
 نمایند اگر چه در کولراتب نباشد مرصافی و زعفران غرغره نمایند \* غرغره جهت اورام حار و برادره حلق \* صنعت آن  
 عدس معشر کلنار فادری کل سرخ کزمازج جوشانیده صاف نموده رب الجوز در آن حل نموده غرغره نمایند \* غرغره قلمی فرموده اند  
 که از حضرت علامه سید السید الحسن الاستاد میر محمد هادی والد حقیق محمد هاشم مخاطب بعلو بخان است بجهت اورام حلق و  
 ذبحه و خناق حار و صنعت آن آب کاسنی تازه آب کشنیز تازه آب برگ عنب الثعلب آب برگ کاهوی تازه شیوة عدس معشر  
 فلوس خیارشبر و رب انجیر و غرغره نمایند \* غرغره قلمی فرموده اند که از حقیق و مجرب النفع است از برای ذبحه و خناق حار و  
 اورام خنجره و نهاله و لوز تهی و نافع و نواحي آن \* صنعت آن کشنیز خشک عدس معشر پوست خشخاش عنب الثعلب کلنار فارسی  
 کل سرخ اصل السوس جوشانیده صافی نموده فلوس خیارشبر حوض مکی سوده در آن حل کرده صاف نموده غرغره نمایند \*  
 غرغره که در حلق \* صنعت آن آب برگ اسفناج آب برگ کلم آب کشنیز تازه آب عناب گرفته فلوس خیارشبر در آن حل کرده  
 صاف نموده زهره کاسر کین سک شکاری روغن بادام شیرین در آن حل کرده غرغره نمایند و در نسخه دیگر بجای سرکین سک  
 قند و انار آورده شد \* غرغره که خناق و ذبحه صفراوی و در موی را نافع است و حرارت بنشانند \* صنعت آن کل سرخ  
 لوز تهی و سته زرد زعفران از هر یک دو درم تخم کرفس سه درم مازوی سبز سماق از هر یک نیم درم قند سفید چهار درم  
 گرفته سکنجبین داخل کرده غرغره کنند و در نسخه دیگر قند داخل نیست \* غرغره منقول از حاوی صغیر نافع از برای ذبحه  
 حادث از غلبه خون و مره صفرا \* صنعت آن خمیر ترش بیست درم در آب حل کرده بکاف و بکاف آنکه ته نشین شود و صاف کنند  
 و حل کنند در آن عصاره الحیه التیس یک مثقال اقا قیا نیم مثقال شب یمانی دو درم کل سرخ یک درم طباشیر سفید یک درم گرفته  
 بیخته غرغره نمایند \* غرغره دیگر از کتاب مسطور نافع از برای خناق و ذبحه در وقت نضج و انفجار \* صنعت آن شیر تازه سه  
 اوقیه خمیر ترش سی درم تخم مرو کوبیده همه را در هم کرده غرغره کنند یا آن \* غرغره دیگر نافع از برای ورم حلق  
 حادث از ورم صفراوی \* صنعت آن آب عنب الثعلب آب کشنیز تازه آب کاهوی آب کاسنی تازه آب عصی الراعی از هر یک

يك آوقيه رب توت سه اوقيه داخل کرده غرغره نمایند \* غرغره ديگر از بوی ذبحه و تشنج عصب \* صنعت آن تخم را زبانه  
 سقرجل اصل السوس عس سرخ اجزا مساوی جوشانید \* فلوس خیارشبر مساوی جزوی در آن حل کرده صاف نموده  
 غرغره نمایند \* غرغره ديگر نافع از بواس ورم حلق \* صنعت آن تخم کتان حليه از هريك پنجدرم انجیر زرد عنب سبستان مویز  
 طائفی منقعی از دانه از هريك بیست درم مرزنجوش بود نه صغیر از هريك دو درم مجموع را در وطل آب بجوشانند و  
 بیکرطل رسد صاف کرده فلوس خیارشبر در درم در آن مالیده صاف کرده رب انار سه درم در آن داخل کرده غرغره کنند \*  
 غرغره ديگر نافع از بواس درد کولها که افتاده باشد \* صنعت آن غسل شبت تازه کل سرخ از هريك یک رطل عصاره لحيه  
 التيس سه اوقيه شبت را در غسل بچزند و باقي ادویه را کوفته بپخته در آن داخل کرده غرغره کنند \* غرغره که خنای در  
 آماس زبان را که از خوارت باشد نافع است \* صنعت آن آب عنب الثعلب تازه شیرو عس مقشور آب بوبک کا هوئی تازه  
 آب خرقة تازه رب توت در هم کرده غرغره کنند \* غرغره که خنای صفراوی و بلغمی و دموی را نفع دهد و مادی بریزاند \*  
 صنعت آن تخم کتان حليه از هريك پنجدرم عنب سبستان مویز منقعی عس مقشور بیخ را زبانه از هريك ده درم اکل سرخ  
 کل بنفشه از هريك هفت درم مرزنجوش بود نه صغیر از هريك دو درم عنب الثعلب ده درم آنچه کوفته با شکر بکوبند  
 همه را در آب بجوشانند و صاف نمایند و با نود درم فلوس خیارشبر و بیست درم رب توت اضافه نموده نیم گرم سرخه  
 نمایند \* غرغره که خنای کرم را سود دارد \* صنعت آن آب لسان الحمل آب عنب الثعلب آب عسی الراعی و هريك یک  
 اوقيه فلوس خیارشبر رب قوت از هريك شش درم آب سماق خمیر ترش شیرو عس مقشور آب انار سرخ از هريك یک  
 درم قناری و عن کل سرخ داخل کرده غرغره نمایند \* غرغره که مادی خنای باز دارد \* صنعت آن صوملی شبت لسانی  
 زعفران کلنا فارسی عاقرتها کل سرخ ما میران ما زوی سبز نوشاد را مرو و سما شاف ما میثاق عصاره لحيه التيس سماق  
 دار فلفل قصب الذریعہ اقا قیا اجزا مساوی کوفته بپخته با آب جوشانیده صاف کنند و با آب توت و یا رب عوز و غرغره کنند  
 غرغره که خنای بلغمی را سود دارد \* صنعت آن تخم هزار اسفند عاقرتها خردل سفید تخم قرص صوملی نظرون نوشاد  
 و فلفل بود نه رماد الخطاطیف اجزا مساوی کوفته بپخته با کلاب و قل ری انکبین معجون سازند و در وقت نیاز به کار  
 غرغره نمایند \* غرغره که مادی خنای بلغمی براید \* صنعت آن حليه حب الرشاد تخم کتان شمر و غیره و ترش از هريك  
 قل ری کوفته با انکبین و روغن کاه و بقل و حاجت همه را در واندک آبی جوشانده و غرغره نمایند \* غرغره که مادی  
 اوام حلق را نافع است \* صنعت آن بزرتگان اکلیل المالك از هريك یک جزو و عس چهارده جزو کشمش شکسته و سرخ  
 و تخم کاهود و جزو همه را در سه چند آن آب بجوشانند چون ثلث بماند صاف نموده غرغره نمایند و اگر خیارشبر یا رب  
 توت یا رب جوز بوا بحسب مزاج و قل و حاجت در آن حل نمایند در عمل قویتر خواهد بود \* غرغره که خنای دار را نافع  
 است در روز اول \* صنعت آن کل نار فارسی انار شیرین را انار قرش جوشانیده صاف نموده و قل ری سنگسبین یا سرکه  
 داخل کرده غرغره نمایند بد رستیکه رده ع می نمایند مادی را \* غرغره که در روز دوم این علت را نافع است \* صنعت آن  
 در آب کشنیز تازه و آب برک عنب الثعلب کل سرخ منزوع الاقماع اصل السوس را جوشانید و صاف نموده و مفر  
 فلوس خیارشبر و میخنج در آن حل نموده غرغره نمایند \* غرغره که بعد از آن نفیج را نافع است \* صنعت آن کلنا فارسی  
 فو قل عنب الثعلب خنوب نبطلی هلیله سیاه پوست خشخاش پوست انار و شیر کاز جوشانیده صاف نموده و غرغره  
 نمایند \* غرغره بجهت خنای حار \* صنعت آن آب انار ترش که با شحم آن افشوده باشند با رب توت و آب کشنیز تازه غرغره  
 کنند \* غرغره ديگر \* صنعت آن آب بارتنگ آب عنب الثعلب تازه آب سماق مطبوخ در هم کرده غرغره نمایند و بعد از

از چمن روز که نضج یافته باشد در رب توت بوره ازمی مرمکی حل کرده غرغره نمایند که بسیار مفید است \* غرغره که  
 بعد از نضج ماده بسیار نافع است \* صنعت آن انجیر زرد حلیه تمر هندی اصل السوس جوشانید و صافی نموده با قابوس  
 خیارشور که در آن حل کرده باشند غرغره نمایند میفرمایند که ظن فقیر آن است که در اصل نسخه تمر هندی بوده که حکم  
 میوه محمد مؤمن تمر هندی بخواند و آورده \* غرغره که بجهت اوجاع خلق نافع است \* صنعت آن عدس معشر و تمر هندی  
 کل سرخ تخم سر و جوشانید و صافی نموده با السوس در آن حل کرده غرغره نمایند \* غرغره که بجهت اوجاع و اورام حار و  
 و با رده خلق نافع است \* صنعت آن کلنا فارسی غنچه کل سرخ عدس معشر کزمازج جوشانید و صافی نموده با السوس  
 در آن حل کرده غرغره نمایند \* غرغره که نافع از برای ورم خلق که به سبب برودت باشد و منع انصباب نزله از خلق کند \*  
 صنعت آن عناب بیست دانه عدس معشر بیست درم پوست خشخاش درم همه را در سه رطل آب بجوشانند چون  
 یک رطل بماند صافی نموده نیم گرم غرغره نمایند \* غرغره که استرخای لها را نافع است \* صنعت آن کلنا فارسی عدس  
 معشر کلین المک عدس به پوست و لبلله زرد برک توت جوشانید و صاف نموده رینا الحوز را حل کرده غرغره نمایند \* غرغره  
 دیگر که همین خاصیت دارد \* صنعت آن طباشیر سفید مازوی سبز کلنا فارسی کل ارضی اقا قیا کوفته بخته با آب حار شتر  
 سرشته غرغره نمایند \* غرغره که سقوط لها را که سبب آن رطوبت باشد نافع است \* صنعت آن کلنا فارسی شب یمانی  
 یمانی دو مثقال و نیم زرد قماع رمان حلوا زهر یک یک گرم و نیم کوفته بخته رب توت سه اوقیه داخل کرده غرغره که فروج  
 غرغره دیگر از برای سقوط لها از رطوبت \* صنعت آن کلنا فارسی شش درم شب یمانی دو مثقال کوفته بخته بر رب توت  
 سرشته غرغره نمایند \* غرغره که سقوط لها را که سبب آن رطوبت باشد نافع بود \* صنعت آن کلنا فارسی شب یمانی  
 نمک اند رانی از هر یک جزوی اقماع رمانی تخم کل از هر یک نیم جزو کوفته بخته با رب توت غرغره نمایند \* غرغره که فروج  
 خلق را نافع است \* صنعت آن زاج سفید زاج سیاه کاغذ سوخته مازوی سبز برک حنا زعفران از هر یک یک مثقال نمک منی  
 سوخته نوشا در از هر یک پنج مثقال کوفته بخته سرکه داخل کرده غرغره نمایند و در نسخه دیگر زاج سفید کاغذ  
 سوخته مازوی سبز کل برک حنا زعفران از هر یک نیم درم است کوفته سرکه لکوری داخل کرده غرغره کنند \* غرغره که دیگر  
 که همین خاصیت دارد \* صنعت آن ایرنا خرنوب مازوی سبز کاغذ سوخته زهر یک قل ری سرکه سرشته غرغره نمایند \*  
 غرغره جهت ورم لها حار \* صنعت آن آب عناب الثعلب آب انار قش آب طبیح سماق آب طبیح پوست انار آبلیم  
 کل سرخ آب مطبوخ تمر کزیا کلنا فارسی یا اقا قیا غرغره نمایند بتمام اینها بهر یک که خواهند و موجود باشند و اگر کرا  
 از ادویه قابضه داشته باشند استعمال نمایند لغابات با آب برک لسان الحمل و آب برک خرقه و مانند اینها \* غرغره  
 جهت ورم لها بارد \* صنعت آن قسط تلخ را بماء العسل سائید و یا جوشانید و غرغره نمایند \* غرغره که نافع از برای  
 ورم لها که اندک باشد نفع دهد چون استعمال کرده شود بعد از استغراغ به نقوعات و تبریل بلعابها و شیر و تغذیه  
 بموضات و اجتناب از لحوم مرکا و صفراوی باشد و بعد از فص و استغراغ بمسهلات مرکا و موی باشد \* صنعت آن  
 سرکه آب عناب الثعلب آب بارتنگ آب کشنیز تا زه که درینها سماق خیسانید و باشند غرغره نمایند \* غرغره که در اورام  
 حار لها که بسیار باشد بکار آید \* صنعت آن رب الحوز کل سرخ سماق خرنوب نمطی مازوی سبز کزمازج اقا قیا کلنا  
 فارسی در آب بخته صافی نموده غرغره نمایند \* غرغره که بعد از برداشتن ملازه استعمال میشود \* صنعت آن حب الالاس  
 کزمازج سماق کل جوشانید و صافی نموده غرغره نمایند \* غرغره که بعد از استعمال قوا بض اگر بیوستی در ملازه بهم  
 رسید و باشد نفع دهد \* صنعت آن برک کاهوی تر آب خرقه تر شربت توت درم آمیخته غرغره نمایند و اگر سبک و سکنجبین

ساده بر مهمل است \* غرغره جهت خناق \* صنعت آن عصاره ما میثا کل سرخ سماق منقح رب الهوض زعفران نوشادر  
صنعت آن ترخا فلغل کرما زج کلنا زفارسی زردچوبه هلیله زردش بمانی مازوی سبز حوض مکی برک حنا قاقله قصبه لذریره  
نویج سرخ قسط تلخ سرکین سکی که سه روز بسته و استخوان باز خورانیده باشند خطاطیف سوخته اجزا متساوی کوفته  
بیخته در آن نموده کرده بد مند بعد از آنکه غرغره با بکامه و سکنجبین نموده باشند \* غرغره نافع از برای سرفه که سبب آن  
خواب باشد \* صنعت آن کل سرخ کلنا زفارسی خرنوب جوشانیده صاف نموده پیش از خواب غرغره نمایند \* غرغره که مرض  
آن تشنگی را نافع است \* صنعت آن جمل و کلنا زفارسی پوست هلیله زرد عدس معشر جوش داده صاف کرده غرغره نمایند \*  
غرغره بجهت قروح خلق در آن تشک نافع است \* صنعت آن رو سنج کل ارمنی کاغل سوخته کوفته بیخته غرغره نمایند \*  
باب الغین مع السین المهمله \* فصل در بیان نسخ غسولات \* بد آنکه غسل

بفتح غین معجمه و ضم سین مهمله و سکون و اولام آبهای را گویند که ابدان مرضی را بدان بشویند \* غسل بجهت  
خزاز باید که هر روز سر را بدان بشویند \* صنعت آن آرد نخود بکصد درم آرد حله سبوس کند م بوره نان زجاج سفید خردل زهر یک پانزده  
غسل بیکه خزاز نافع است \* صنعت آن آرد نخود یکصد درم آرد حله سبوس کند م بوره نان زجاج سفید خردل زهر یک پانزده  
درم حله ده درم مجموع را کوفته با اندک سرکه خمیر آب درم کرده سر را بدان بشویند \* غسل دیگر چغندر در آب  
بشویند و بوره ارمنی سوده داخل کرده بکار بزنند \* غسل جهت صاف کردن روی \* صنعت آن اشنان سبز آرد با قلاتر مس  
محور پوست دار مغز بهل آنه تخم خیا تخم خر بزه زبد البحر کل ارمنی بالسویه با شیر تازه و در وقت غسل شب طلا کنند و  
روز بشویند \* غسل دیگر که همین عمل نمایند \* صنعت آن زعفران رونا ص کند مصطکی بالسویه با آب پیاز سرشته  
قبل از آن با آب گرم بمالند و بعد سه ساعت بشویند \* غسلی که روی را بغایت سرخ کند و مجرب است \* صنعت آن  
خودل سفید زرنیخ بالسویه با شیر تازه هفت روز بر روی مالند و ایضا زوفا خشک ده درم زعفران سه درم شکر سفید مثل  
هو و قنبر کوبیده هر روزه در مثقال بخورند و روی را با طبیخ بادام تلخ بشویند و بد ستور بخوردن حلتیت و سبب آب انار  
شیر یون با عفت سرخی رخسار میگرد \* غسل بیکه در حال کونه را سرخ کند \* صنعت آن شیطر جند می را در سرکه دو جوش داده  
آن را با آب تر کرده چند بار بر روی مالند \* غسل بیکه بشوید و بواق و سرخ گرداند و آن را رکف و نمش و آثار جراحت و  
نقله های سیاه را از آن کند و تا یک هفته باید استعمال نمود \* صنعت آن حب المقلب فریون سریش خولجان مویز نبات  
مصطکی پیاز ما کول زهر یک ده جزو پیاز غنصل صمغ عربی پوست سبز پسته مغز بهل آنه خودل سفید زهر یک پنج جزو مغات  
کل سرخ زهر یک چهار جزو کلنا زفارسی جزو ما میران زردچوبه نعناع خشک آرد نخود کثیرا آرد برنج زهر یک دو جزو همه را کوفته و بخرید  
بیخته با آب سبوس کند م بیست جزو شیر دختران پانزده جزو سفید تخم مرغ شش عد شیر درخت انجیر ده جزو برشند و  
قوسه سازند وقت حاجت باز در آن تخم مرغ شب مالیده روز با آب و اشنان سوخته بشویند و دروغن کل رخسار را چرب کنند \* غسل  
که دست و پا را از چربی و بوی های کویه پاک سازد و خوشبو گرداند \* صنعت آن سعد اخور زنیاد بیخ سنبل الطیب زهر یک جزو را آرد  
نخود سه جزو اجزا کوفته مجموع را در هم آمیخته بدست بمالند و بشویند \* غسل دیگر که عرق دست و پا را بر طرف کند \*  
صنعت آن برک مورد کرما زج جوزا اسرو زهر یک جزو کوفته بدست و با بمالند و بشویند \* غسل بیکه بوی نوزاد زدن به بود \*  
صنعت آن شاه سقرم سعد کوفی کل سرخ اخدر برک حنا صندل زهر یک جزو کوفته با کلاب و یا میزین و بعد از نوزاد کشیدن  
بدن را بدان بشویند صاف و پاکیزه و خوشبو گردد \* غسل بیکه چون روزی آن بشویند صاف و پاکیزه گردد \* صنعت آن نشاسته  
آرد نخود آرد با قلاتر تخم خر بزه کثیرا زهر یک جزو با شیر تازه آمیخته استعمال نمایند \* غسل دیگر که همین عمل دارد \*



\* صنعت آن سفید آب نشاسته از هر یک دودرم آرد نخود ده درم سفید تخم مرغ یک عد دودرم آمیخته در روی و سر بمالند و باب  
 گرم بشویند \* غسل دیکر که چون بدن را بآن بشویند بد بونی عرق را بر طرف کند \* صنعت آن برک مورد کزمازج کل سرخ  
 و سفید پوست انا را از هر یک جزوی آرد با قلا در جزو دودرم آمیخته بر بدن بمالند و بشویند \* غسولیکه سبوسه و  
 خشکی که در بشره باشد بر طرف کند \* صنعت آن آب برک چغندر لعاب خطمی لعاب حلبه روغن بنفشه بادام مغز تخم خربزه  
 از هر یک جزوی دودرم آمیخته در سرور و بمالند و باب گرم بشویند \* غسل دیکر \* صنعت آن جوز السرو کزمازج برک مورد  
 نشاسته کل سرخ پوست انا را سعد از هر یک جزوی بخون شتر بیا میزند و در بدن مالید و بعد از لکه بشویند \*  
 غسولیکه موی را نرم و باریک و ملایم گرداند \* صنعت آن لعاب خطمی لعاب اسبغول روغن کل روغن بادام از هر یک جزوی  
 بودار منی ربع جزو دودرم آمیخته موی سروریش را بآن بشویند \* غسولیکه موی را مجعد گرداند \* صنعت آن مازو  
 کزمازج برک سر و کل خیری آمله مرداسنگ برک سد از هر یک جزوی آمله نیم جزو مجموع را باب برک چغندر و بیامبرین  
 و بر روی بمالند و بشویند \* غسولیکه موی را سیاه کرداند \* صنعت آن آب آمله آب برک مورد حنا دودرم ممزوج کرده  
 موی را بآن بشویند و بعد از آن بر روغن مورد که قدری لادن در آن کدباخته باشند چرب کنند \* غسولیکه رنگ روی را  
 سرخ گرداند \* صنعت آن اسفند عاج نشاسته فوه از هر یک دودرم خرفه مقشر پنچل رم آرد عدس ده درم سرخ \*  
 کند رخورد از هر یک دودرم اجزا را کوفته بیخته با سفید تخم مرغ آمیخته بر روی بمالند و بعد از لکه بشویند \* غسولیکه  
 رنگ رور را سفید و تازه گرداند \* صنعت آن استخوان بوسیکه نشا و عاج مغز بادام شیرین و تلخ از هر یک دودرم سفید آب  
 یک درم مغز تخم خربزه و کل و از هر یک سه درم آرد نخود آرد با قلا از هر یک پنچل رم آمیخته رور را بآن بشویند \* غسولیکه  
 رنگ بشره را زرد کند \* صنعت آن زرد چوبه دقیق حله مرداسنگ از هر یک یک درم سفید آب سریش ماهی از هر یک  
 سه درم پیمه بز پنچل رم کل معصر دودرم مجموع را دودرم آمیخته بر بشره طلا نمایند و بعد از ساعتی بشویند \* غسولیکه  
 بشره را صاف کند و اثر دانهها که در رو باشد زایل کند \* صنعت آن جو مقشر نیم کوفته با آب و یک اوقیه در نیموطل شربت زرد  
 بچوشانند تا تمام شیر جوشیده شود پس خشک کنند کثیرا نشاسته سفید آب از هر یک دودرم مغز تخم خربزه تخم خربزه  
 از هر یک سه درم مجموع را با سفید تخم مرغ آمیخته بر بدن و روی بمالند و باب گرم بشویند \* غسولیکه کلف و زرد  
 دانهها و نشانها که در بدن و رو باشد دور کنند و بشره را صاف بسازد \* صنعت آن پوست تخم مرغ اشنان پورده با آب  
 آرد جو بیخ نی آرد با قلا فوفل زبد البحر مامیران چینی از هر یک دودرم آرد نخود ده درم مغز بادام سه درم اجزا کوفته بیهوده  
 با شیر میش آمیخته مرصباح و هر شب بر رو و بشره بمالند و باب گرم بشویند \* غسولیکه حرارت کلف است و بار تسکین دهد  
 صنعت آن بیخ اذخر باندک خاک آن و کل سفید سرشوی بسیار نرم سوده با آب سرد بسیار ممزوج کرده دست و پا را در میان  
 آن تا یک ساعت یا هر مقداری که تسکین دهد حرارت آنرا بکند و اگر یکمرتبه رفع حاجت نشود مکرر نمایند \*

### باب الغین مع المیم \* فصل در بیان نسخ غمزه ها \* غمزه که در سرخ کردن روغن یل ندارد \*

صنعت آن کندش زعفران و ناس مرصاف مصطکی با السوبه با آب پیاز طلا کنند \* غمزه که جهت دفع زردی بشره و بقران  
 مجرب است \* صنعت آن پر سیاوشان شیخ ارمنی مرزنجوش جعد با بونه اقحوان شبت و حماض اترج بالسوبه جوش  
 داده با آب آن روی را مکرر بشویند \* غمزه که بشره را زرد و شبیه بمریض کند \* صنعت آن زبده کرمانی چهار درم زرد چوبه  
 سه درم آرد کند م پنچل رم ادویه کوفته بیخته با آب عصفور ضیاد کنند و بطبیع انچیر بشویند \* غمزه که روی را سفید و  
 صاف و براق گرداند \* صنعت آن آرد جو آرد نخود آرد با قلا نشاسته کثیرا تخم ترب کوفته بیخته بشیر آمیخته شب بر روی بمالند



حبش کرم بشویند \* غمره دیگر که همین خاصیت دارد \* صنعت آن آرد جو آرد نخود آرد با قلا از هر يك يكجز وعده من  
 مقشور است سته کنیز از هر يك نیم جز و تخم خر بزه دو جز و به سفید تخم مرغ سرشته شب بمالند و صبح با بیکه در آن  
 بر سته خر بزه و بنفشه جوشانید \* با شست بشویند \* غمره دیگر که همین منفعت دارد \* صنعت آن آرد با قلا آرد کر سته  
 تخم ترنج و تخم خر بزه نخود نشاسته کوفته بپخته زور آب آن بشویند \* غمره دیگر که لون را نیکو و سفید و مائل  
 به براق و مانع سازد و آثار جراحات و کلف و بهق و نمش و برص و سواد بصره را از دل کند \* صنعت آن حب الحلب  
 مقشور اصل اکرم صمغ عربی پوست پسته حب السفرجل خردل ایض از هر يك پنج مثقال بصل الفار یا بس مشوی بسفای  
 معات بک آرد از هر چهار مثقال زعفران ما میران چینی تخم خشک خرما خشک سورنجان از هر يك دو مثقال شکر طبرزد  
 اصل اللاغیه بصل یا بس از هر يك هشت مثقال بلور س شراس زیب جملي مصطکی از هر يك ده مثقال اجزا کوفته بپخته  
 باشد و خنبر و شیوة الجیر و سفید تخم مرغ و آب نخاله سرشته طلا نماید و صبح با آب نیم کرم بشویند و بعد از آن خاکستر  
 آشنان در آب ریخته بجوشانند و سربه بخار آن بلد از دل بعد از آن روی خود را بکلاب بشویند و باید که هفت شب چنین  
 کنند \* غمره دیگر زردی لون را صاف کند و در نظر مردم عزیز نماید \* صنعت آن دستنبویه خشک کرده آرد نخود آرد  
 با قلا برنج آرد عدس مجموع را کوفته بپخته با آب پوست خر بزه سرشته شب بمالند و صبح با غسول مکی بشویند \*  
 غمره که همین نفع دارد \* صنعت آن جو مقشور چهار درم تخم خر بزه مقشور آرد با قلا ترمس نخاله جو آرد نخود از هر يك  
 تخم مرغ سرشته بر روزی مالند و صبح بشویند سه روز تا پنج روز \* غمره که روزی نیکو و صاف گرداند \* صنعت آن جو مقشور  
 ترمس در شیر قاز و در شیر و بجوشانند تا شیر خشک شود پس از زرد چوبه کنیزای سفید از هر يك سه درم با سفید  
 تخم مرغ سرشته تا یک هفته هر روز بمالند و با آب مطبوخ نخاله کنند بشویند و حکیم ارزانی در قرا با دین قادی بعضی  
 غمره ها را بنام غوطه نوشته \* کتاب الفاء \* باب الفاء مع الالف \* فارانیا اکثر از

اطباء بنویسند نموده اند که فارانیا عود الصلیب است و ملا نفیس در معالجه صرع در شرح موجز گفته به تحقیق غلط کرده  
 کسب که فارانیا را عود الصلیب دانسته از مشابهت بیخ و برگ هر دو با هم و لیکن فرق بینهما را بیان نفرموده و شیخ رئیس  
 در شرح اورد از هر يك از عود الصلیب و فارانیا را جدا جدا ذکر کرده و فرق بین فیما بینهما ذکر نفرموده بلکه مشتبه  
 میان کرده و در عود الصلیب ماهیت آنرا به تفصیل ذکر نموده و گفته که در یسقورین و س کامان کرده که عود الصلیب را نامیده  
 اند بعضی مردم ذوا صایع و بعضی دیگر عامیسی که معنی آن بعربی حلوة الریح است و آن نباتی است که ساق آن مقل از  
 در شبر متشعب بشعب کثیر و میباید و بوی نوع نر آن مشابه بوی شاه بلوط و بوی نوع ماده آن مشابه بوی سمور و نیون  
 و بوی ساق آن غلافی است شبیه بغلاف بادام که چون شکافته شود بوی آبل از آن دانه های بسیار سرخ مثل خون مشابه  
 بحب الزمان و ما بین آن دانه های سیاه مائل به بنفسی پنج یا شش و بیخ نریوان بسطریه انگشتی و طول آن مقل از شری  
 سفید رنگ با قبض و بیخ ماده آنرا شعبه های شبیه به بلوط هفت یا هشت میباشد و در ماهیت فارانیا صجل اینقدر بیان  
 فرموده که در ماده می باشد نر آن بیخی است سفید بسطریه انگشتی و ماده آن را در معمای بیخ و فرع بسیار و در خواص  
 عود الصلیب گفته چون در شیر و شود بانزده حب از آن با ماء القراطی که ماده است نفع می بخشد کابوس را خوردن  
 آن همین قسم نافع است لذع معده را و چون از بیخ آن مقل از بلوط بادام که پیاک نشاء باشد بن های ایشان از  
 فضول طمشیه بعد نفاس بشویند پاک میشود ابد آن ایشان باد و در طبع خوردن آن نفع می بخشد اوجاع ارحام و شکم  
 و کوبه و مشابه و بوی آن در شرب جو شامیل آن در شواب حابس شکم است و در ب دانه سرخ آن ده دانه از دانه با شراب اسو

اسود قابض قاطع نفز الدم وحم است و چون اطفال را با آب شامکین در آبک ای تروک حضاة زائل میشود خصاة ایشان و خوردن ده حبه ازان با شراب عملی نفع می بخشد احتیاق ارحام را و در طبع و خواص فارانیا فرموده که کرم است نه بحد شدت و نافع است صرع را حتی تعلیق آن و به تحقیق محمولین تجربه کرده شده است تعلیق آنرا بتنهائی از برای صرع و گفته که یهودی گفته که نه خین ثمران نفع می بخشد بین پس مصر و عین را و زائل میگرداند آنها را و همچنین خوردن ثمر آن با کل قند نفع می بخشد و نفع بسیار میگویم من یعنی شیخ الرئیس که قریب است اینکه باشد این خواص در فارانیا رومی بدرستی که فا و ادما که می آورند از هند و نزد ماست این همه فائده ازان مشاهده نشد و شرب پانزده حبه از تخم آن با ماء العسل یا با شراب نفع می بخشد کپوس و حبس میکند طبیعت را و شرب مطبوخ آن در اشربه عصفه مانع انصباب مواد است بسوی معدة و تخم آن مسکن وجع و لذع معدة است و بیخ آن نافع است یرقان را و مفتوح سد کبد و نوشیدن آن با شراب و مد رات مد رطوبت و بول است و باقی خواص که در عود الصلیب بیان فرموده و صاحب مالا یسع الطیبی جمله گفته که بزرگ آن شبیه بزرگ حوز است و طبع آن کرم و خشک و محفوف و بهترین آن رومی است که چون بشکنند آنرا در جوف آن دو خط صلیبی مثلث قطع یافته شود و این مخصوص بعود الصلیب نراست و عود الصلیب ماده بشکل بلوط میباشد و در آن خطوط صلیبی نیست و نزد اطلاق مراد قرآن است و چون پیداشانند مثل اریک در هم ازان را با ماء العسل ادرار طبع میکنند و باید که بسیار نرم بسایند و مبالغه در سحق آن نماید و چون خورده شود مطبوخ آنرا با شراب عصفه برای حبس بطن باید که شیرین کرده شود به شکر اگر به تنهائی باشد و یا مشرب شیرین باشد و بعضی گفته اند عود الصلیبی که نافع است از برای امراض ارحام ماده آن است و چون بسایند فا و انبارا در صرة بسته مدام مصرع آنرا به بوی نفع می بخشد و آنرا ~~مصرع بیکر با قاصد به حلق و ریاح علیطه رجعت اکثر امراض دماغی مفید است و مراد آن جهت شرح و غیره مستطافه~~ و رفع آثار سیاهی بشوره و نفوس نافع و تعلیق ثمر آن در قلاعه صبیان رافع مزع و مانع حصول اورام است درد ماغ ایشان و تعلیق آن متوردد پن و مسافری در بیابان ها و صحرا ها با عت ما مونی است از آفات و سعوط روغن ثمر آن که حب است به تنهائی و با مشک و زعفران جهت فزع نافع و مضر معدة و مصلحتش کثیر آورد یکره گفته که مضر کرده است و مصلحتش سوای غبیرا یعنی سنج است و مثل ارشربتش تا یک مثقال و بد اش بوزن آن پوست رمان و سرکین سمور و استخوان ساق آهو است و این بیدار کننده که جالینوس در سابعه فرموده که بیخ این نبات را قبض کمی است و چون خانه شود بعد مدتی ظاهر میگردد ازان حدت و حرارت با تلخی کمی و ازین جهت مدر حیض است و باقی خواص که بیان نموده با آنچه ذکر شد برابر است و حکیم میر محمد مؤمن گفته فارانیا بیخ نباتی است کمتر از ذرعی پر شعبه و قسم نر آن شبیه به نبات زردک و بختش یکدل و بقل رشیری و بسطبری انکشتی و چون بشکنند دو خط صلیبی از جوف او مشاهده گردد و لهند او را عود الصلیب نامند و ماهیت ماده و باقی خواص بهمان قسم که بیان شد ذکر نموده و گفته که گلش بنفش مائل بسیاهی است و در آخر دوم کرم و خشک است و گفته که تصریح نموده اند که چون آفتاب در برج میزان بود و او را بغیر آلت آهنی قطع کنند در آثار باقی طیب موثر است و آنچه حصوة صلیبی باشد در خواص بهتر از زمرود دانسته اند وداشتن صلیبی او با خود که در پارچه زرد بسته باشند و حیاض مس او نکرده باشد و بشرط مذکور قطع کرده باشند جهت عسر و ولادت و رفع عسر و هیبت در نظر مجرب دانسته اند و گویند در خانه که او باشد جن و جانوران کزنده داخل نمیشوند و تخم آن مخزج اخلاط لوجه است و فالج و رعشه و صرع و جنون و وسواس را نافع و بدل او در صرع زمرود و در سایر امراض زراوند مد حرج و قوتش تا مدت سال باقی است و این خواص را از تذکره انطاکی ذکر نموده \* حب فارانیا ام الصبیان و زنان را بعد از وضع حمل

امراض بارده که عارض میگردد و فالج و لقوه و اکثر امراض بارد و دماغیه را نافع است بدست بن تا و فایز و قال جنک بیل ستر  
مشک خالص از هر یک یکم مثقال زعفران نیم مثقال نرم کوفته بخیته با عرق دارچینی سرشته حبوب بیل ند هر حبیب بقدر  
قلقلی و نخوردی اطفال را یک حب کوچک تا دو حب در شیر سرشته حل نموده و در آنرا را یک تاسه حب بزرگ با  
عرق دارچینی با ماء الغسل \* حب فارانیا دیکر از آن اقوی \* صنعت بن فاو فایز و دوم حب بیل ستر مشک تبخی خالص  
از هر یک یکم حب السلاطین مد بر یک و نیم گرم کوفته بخیته بن ستر و حبوب بیل ند و فایز از شربت این اطفال و ضعفا را  
همان مقل از است و اقوی را دو چند تاسه چند و این مسهل است \* حلوائی فاو فایز جهت زنان بارد المزاج مرطوب بعد  
از وضع حمل و اطفال ضعیف القوة بارد المزاج نافع \* صنعت آن بکیرند فارانیا در قسم اعلی و بسیار نرم بگویند و با هشت  
برابر آن آرد کنند و با شانه زدن آن قند سفید بطریق معمول حلوائیه بزنند و با روغن مسکه تازه بقدر ضرورت بریان  
نموده بکار برند و شربت ما در طفل را از یک مثقال تا چهار پنج مثقال و طفل را از یک حبه تا دو حبه و اگر قلیلی مشک و  
جنک بیل ستر اضافه نمایند در صورت اقوی و مجرب است و باید که در ایام خوردن آن با این دهن تن همین نمایند هم بدن  
سادر طفل را و هم طفل را \* صنعت دهن عود الصلیب را بسیار نرم سائید و در آب طبع دهند تا قوت آن در آب  
تمام باز داده شود و با شش وزن آن روغن زیت بپوشانند با تش بسیار ملایم که سوخته نکردد و آب رفته روغن بماند  
پس روغن را بر بدن و سر و دست ها و پاها بمالند \* دواء الفا و انیا شخصی را هیضه شک بدی عارض شد بود و کبیر السن  
و ضعیف القوى و به سبب این مرض بسیار ضعیف شده بود و ناتوان تا یک هفته هر روز ناشتا فقیر جامع اوراق این دوا را ترکیب  
نموده بارخورانید باذن الله تعالی شفا یافت \* صنعت آن فارانیا سه رتی جل و از مجرب عود هندی غرق زهر مهره ایرسا از هر یک  
هر رتی مشک خالص رطوبت کرمی هندی نیم رتی عود چهار رتی اجرا را با کلاب یسیر نرم سود و لعق فرموده  
بالای آن کلاب و بیل مشک از هر یک یکتوله بنوشانند هر روز این مقل را اگر در مزاج گرمی باشد مشک و عنبر داخل نمایند  
و با شیر تخم خرفه و کشنیز خشک بن هندی و این دوا اکثر امراض دماغی و قلب و معده را نیز مغیل است \* معجون  
فاو فایز جهت صرع و فالج و رعشه و اکثر امراض دماغی و رحم را نافع است \* صنعت آن عود الصلیب نرم و ماده از هر یک  
چهار مثقال بسیار نرم کوفته در کلاب یک شب بخیسانند و روز دیگر نرم بسایند و صاف نمایند و با پنج برابر آن نبات  
سفید یا آن مقل از که طعام آن شیرین کرد اند بقوام آورند و اگر بجای نبات عسل سفید مصفی نمایند نیز خوب است  
ورق طلا ورق نقره محلولین از هر یک ربع مثقال داخل نمایند و جنک بیل ستر یک مثقال نرم سائید و بعد سرد شدن  
با آن پیامزد آمیختنی نیکو شربت کبیر السن را از یک گرم تا یک مثقال و صغیر را از یک حبه تا دو حبه و اگر قندی مشک  
نیز اضافه نمایند شای و فی الحقیقه این خمیره ذوا انیا است اگر با سم خمیره نامند اولی است \* فانیل بن آنکه در ماهیت  
آن اختلاف است بعضی را عقیله آن است که آب نمشکر بعد از طبع و انعقاد هرگاه بی تصفیه باشد آن را قند سیاه گویند  
و اطباء آن را شکر احمر یعنی شکر سرخ نامند و اصل آن است که شکر با عتیله فی شکر سه نوع میباشد یکی سیاه رنگ که بهندی  
کرده نامند و یکی سرخ رنگ که شکر احمر است و بهندی لال چینی و شکر قوی نامند زیرا که شکر را چینی مینامند و  
یکی سفید و آنرا که اند گویند و چون شکر سفید را با آب کلاخته بپوشانند و کف بشویند و با سفید تخم مرغ بران زنند  
و صافی نمود \* منعقله گردانند آنرا نبات سفید گویند چون مرتبه دیگر تصفیه کرد و در ظرفی بپزند که در آن جل  
کند آن را شکر سلیمان گویند و چون دیگر باره طبع نمود تصفیه آن نمایند و در قالب صنوبری بپزند آن را فانیل  
رسمی قند نامند و اگر در طبع ثالثه مبالغه نموده باشند ابلوچ که بفارسی تکرک و بهندی اوله نامند و هرگاه در

در قالب مستطیل صافی و بی نظیرین درین معریف تعلیم است و چون طبع دیگر داده در شیشه زینل نبات قرار می  
و سنجری نامند و چون در طبع نبات بقدر عشر و شش و نوازه اضافه نموده بچو شانند تا منعقد گردد آنرا طبرزد گویند  
و اکثر قند مکرر را مخصوص باین اسم دانسته اند و بعضی را کان آن است که شکر سفید را چون مرتبه دیگر تصفیه نمایند  
بطبع و در کفچه کرده بچوبی بوهیم زنند که حبایها هم رسانند و قرصهای کوچک بوزن یک و نیم و در پیچ سفیدی یا بور یا  
پاکیزه یا غیر آن بقسمی که حسب هوائ آن محبوف حبایی باشد و بیکل ازین که سرد شود و بسته گردد آنرا فانیل و بهندی بنام  
نا منق و قومی دیگر گویند که چون آب فی شکر سفید را مرتبه دیگر بطبع تصفیه نمایند و صافی نموده بقوام آورند و آنرا نش  
فرود آورده تیز زنند و یکف شیر یا کف سفید و بیضه مرغ و تیز زن آنرا سفید کنند و قرصها سازند و بیکل ازین تا بسته شود  
آنرا فانیل و بغا رسی شکر پنیر نیز گویند و اکثری از عم آن است که شکر سفید را چون مرتبه دیگر بطبع تصفیه نمایند بکوفتن  
کف آن تا آنکه دیگر کف نیاورد پس صافی نموده بقوام آورند و بعد قوام و شخص آنرا بدست بکشند و در بین کشیدن  
دفعه یک دفعه آنرا بچوبی یا به تخته پاکیزه زنند تا سفید شود پس قرصها سازند و آنرا فانیل نامند و بعضی ناطف و گاه  
مغزهای فوا که چون جو نازل یعنی گردگان و بادام و پسته و مغشورا مثال اینها داخل مینمایند و آن هنگام آنرا حلوائی  
مغزی گویند و بعضی برای زیادتی شکنندگی آن مقلد از ربع آن عمل مصفی نیز داخل مینمایند و آن اگر بر روی بی عسل  
آن کنج بپاشند آنرا حلوائی کنج و بهندی ریوری و بعضی ناطف سهیم نامند صاحب اختیار آن گفته که فانیل آنست  
که بقوام آورند قند سفید را یعنی مرتبه تا لخته از تصفیه شکر سفید که در قالب و مخروطی ریخته باشند و غسل طرف را که  
بغا رسی کز آنکین گویند بعد از تصفیه بچوبی که آنرا اول گویند زنند تا سفید شود پس آنرا قطعات نموده استعمال نمایند  
فانیل نامند و از آن قسمی که در قالب خزان و فانیل سنجری نیز اختلاف است آنچه را از  
قند سازند و بی آرد جو نکل ازین فانیل خزان نامند و آنچه را از عسل طرف و نرجهین ترتیب دهند و آرد جو بران باشند  
و نکاه ازین فانیل سنجری نامند مغرب سکری منسوب به سیستان است که مغرب سکرستان بسین مصلحه و زای معجمه  
است و بالفعل معروف به سیستان است و غلط کرده آنکه گفته که فانیل سنجری است بضم سین و سکون حای مهملتین که  
منسوب است بسکر که آن بلاد است از اعمال و فانیل معتدل است در حرارت و رطوبت و ملین طبع و نافع است از  
برای ضیق النفس و سینه و هرقه \* معجون فانیل تالیف ابن ماسویه جهت ضیق النفس و سرفه کهنه و قرحه ریه نافع \*  
صنعت آن فانیل شانزده درم مغز پسته مقشر مغز بادام مقشر خشخاش سفید از هر یک یک درم از چینی قرنفل زنجبیل  
رب السوس کتیرا صمغ عربی نشاسته مغز تخم هند و آنه مغز تخم خیار بن مغز تخم گدازهر یک یک درم و نیم کافور قیصوری  
شش حبه با شربت بنفشه و قند سفید بقل رکفایت بدستور مرتب نمایند \* فالودج مغرب پالوده است که با اصطلاح قل بیم  
اطباء عبارت از تحلوائی نشاسته است که درجاها و نعلبکیها و پیالها کرده روغن پسته یا بادام بران ریخته مخورند \*  
صنعت آن نشاسته را در آب حل نموده طبع نمایند و عندا لطبع قندی نبات یا فانیل و امثال آن از شیرینها بقل ریه ذائقه  
آنرا شیرین گردانند داخل کرده طبع نمایند تا بخته و غلیظ و بعد انعقاد رسد و اگر خواهند همین قسم بر آورده در ظرف کرده  
روغن بادام یا پسته بران ریخته تا اول نماید و اگر خواهند قدری روغن گزنه و کوسه قند تازه و یا مسکه گارداغ کرده دران  
ریزند و قند ری بران نموده در ظرف بر آورند و آنکه روغن بادام یا پسته بران ریخته تا اول نماید و اگر قند ری مشک خالص  
یا زعفران سوده اضافه نمایند بهتر است و با اصطلاح جلین آن است که نشاسته را در آب گرم حل کرده طبع نمایند تا قند رسد  
که صافی آن زایل گردد و بعد انعقاد رسد پس در ظرف چینی و یا مسی تا زه قلعی یا غیران ریخته میکند و آنرا تا سرد شود

انگاه بشکل لوزیهای بسیار ریزه کوچک برید و در شربت آب سر و ربید مشک و کلاب که در آن قویا نبات با عسل سفید  
خوشمبو و امثال آن از شربت ها حل کرده باشند و بعضی قد ری تخم شربتی یا ریحان در کلاب بسیار بسیار خیمه نید و در آن  
ریخته یا قاشق می خورند و در موسم برف و یخ برف و یخ را ریزه ریزه کرده در آن می درند و در آن کلاب است که نشاء سینه  
را بعد از طبع و رسیدن بسرحل انعقاد در طبعی و مشک که با تیل مس سوراخ در آن است اندک مشک ریخته به پشت قاشق  
می مالند و زیر آن در ظرفی آب سود کرده میکل آرند تا از سوراخ آن طبعی و در آن کلاب است که در آب ریخته  
متعلق گردد پس برآورده بهمان دستور در شربت ریخته یا قاشق می خورند و این را فالوده موارید میگویند و فالوده  
با اصطلاح جدید لطیف و صریح الهضم تر از فالوده با اصطلاح قدیم است \* فالوده جهت از یاد لبن مرعات \* صنعت آن  
نشاء سینه تا زود در مثقال در شیره مغز جلفوز و شیره برف و مغز بنده دانه و مغز تخم خیارین و مغز انجک و مغز حب السمنه  
و مغز حب الزلم و تخم چغندر و مغز بادام و مغز پسته و مغز زرد و شیره حسکدانه و مغز خسته آلو بالور و مغز فندق و تخم اسهست  
و دانه هیل و آب بستان افر زاز و یک پنج مثقال زعفران در دانه ک نبات بقدر ضرورت علی الرسم با نش ملایم زعفران را به کلاب  
سوده و در آن خرافه نموده در سه کاسه چینی کرده سه روز صبح یک کاسه را بیداشامند \* قرنی برفی مهلبیه نامند که کثیر  
الغل اء و مبهی و مسمن بدن و مقوی کرده و مولد منی است و جهت خشونت خلق و سرفه و بیبوست طبع نافع و مسهل د  
و مضر جگر ضعیف و درد معده سرد و بطی الهضم \* صنعت آن آرد برف را با آب و شیر با المناصفه چند آن بچوشانند که مهورا  
شود پس قند بقدر حاجت اضافه نمایند و چنان آن طبع دهند که غلیظ شود و قریب با انعقاد رسد پس قد ری کلاب در آن  
ریخته فرود آورده در ظرف چینی بریزند و بکل آرند تا سرد شود پس مغز پسته معشر کوبیده بر آن با شیره با قاشق بخورند  
و اگر قلیلی مشک در کلاب حل کرده در آن خط طبع در آن ریخته فرود آورند و آن کلاب در آن خط طبع در آن ریخته فرود آورند \*  
باشیر بهمان دستور طبع میدهند و این بهتر و آرد است \* شیر فالوده در آن حال قریب به قرنی است \* صنعت آن آرد برف  
را در آب شیره کشیده ربع یا خمس آن نشاء سینه در آن حل کرده در آب و شیر با المناصفه طبع نمایند تا خامی برف و نشاء سینه  
زایل گردد و غلیظ و بسرحل انعقاد رسد پس فرود آورده در ظرف بریزند و بکل آرند تا سرد شود پس قد ری آب سود با هستکی و  
ملایمت بالای آن بریزند بقسمی که پرده بالای آن شکسته نکرد که آب نفوذ در آن روان آن نماید و یک دوساعت بکل آرند  
پس آب را با هستکی از پارچه کرایه مس سفید پاکیزه از روی آن بردارند و شیره نبات که کلاب و بید مشک در آن داخل کرده  
باشند بر روی آن ریخته با قاشق تناول نمایند شیره مصنوع از شیره بادام شیرین نیز بسیار خوب و لذیذ است \*  
**باب الفاء مع الاء المثناة الفوقانیة \*** **فصل در در کربن قنائل \*** بد آنکه  
فتیله بفتح فاء و کسرتای مثناة فوقانیة و سکون یای مثناة تحتانیة و فتح لام و هاء وائی است که کوبید و خمیر کرده با یک مقدار  
انکشت و یا زیاده و یا کمتر در بار یکی و سطریری و طرلانی و کوتاهی بقدر حاجت که در اجوف اعضاء و جروح و قروح بینی و  
گوش و احلیل و دبر و فرج کل آرند \* فتیله که عاف با زرد \* صنعت آن مازوی سوخته در سر که انداخته و در م زاج سیاه  
چهارم شب یمانی شش درم کافور دانه کی فتیله از کتان ساخته و بد آن آلوده کرده در بینی کل آرند \* فتیله دیگر که همین  
خاصیت دارد \* صنعت آن زراوند مل حرج اهل ترمس حرف ازهر یک جزوی کوفته بهخته بزمه کافور و سرشند و فتیله  
سازند \* فتیله دیگر که همین منفعت دارد \* صنعت آن تخم خبازی خردل سفید مقل ازرق ازهر یک جزوی کوفته بهخته  
با قطران و سرشند و فتیله سازند \* فتیله که منع رعا ف نماید \* صنعت آن فتیله از کتان ساخته و در سرکه خمیر و برده  
راج \* نرم سوده بر آن با شیره در بینی کل آرند \* فتیله دیگر که منع رعا ف هرگاه که منقطع نشود \* صنعت آن

آن صبر سقوطی یک درم کندش دو درم نرم سائیکه و فتیله از کتان ساخته در سوز که فرو برده بد آن آلوده در بینی کنزد  
فتیله کا دی جواحت اند زون بینی را پاک سازد \* صنعت آن فتیله از ابویشم ساخته زاج سائیکه و بران با شنبلیله در  
بینی کنزد \* فتیله که بد بوئی بینی را به برد \* صنعت آن مرصافی پوست انار ترش از هر یک دو درم قصب الذریره  
بزرالبنج از هر یک یک درم فتیله را بشراب ترکندی و ادویه را کوفته بیخته با آن بیاشامند و در بینی نهند \* فتیله که عفونت  
دماغ را زایل کرد \* صنعت آن نمک سوخته ما زوی سوخته صبر سقوطی حما ماکل از منی سنبل الطیب اقا قیلا دن  
مرمکی قرنفل کل نسوین برک یا سمین قصب الذریره از هر یک قدری نرم کوفته بیخته با شراب و غسل سوخته فتیله کا دی  
و در بینی کنزد \* فتیله دیگر که قروح بینی را نافع باشد \* صنعت آن زاج سیاه شب یحیی مازوی سبز قوبال مس  
سوخته از هر یک پنج درم زرد و زرد طویل شش درم کند رد و زده درم مجموع را کوفته بیخته در دهن اب به بزنند و بیایند  
و با زنجوشانند و بقوام آورند و فتیله را بد آن آلوده کرده در بینی کنزد \* فتیله که نزول رطوبات در حنجره را نافع است \*  
صنعت آن سعل کوفی صبر سنبل کل سرح قرنفل کوفته بیخته با آب پودنه بسرشند و فتیله را با آن آلوده و در بینی کنزد  
و بد آنکه بینی را بکلاب و سوز که چند نوبت شسته باشد \* فتیله که جهت نهن آفت که سبب آن سعل و دره پند باشد  
صنعت آن مرصافی اقا قیلا حما ماکل متساوی کوفته بیخته فتیله را بعمل آلوده دوا را بران پاشید و در بینی کنزد و فتیله  
که آمدن چرک و زیم از گوش را بند کند \* صنعت آن بکیرند زب البحر و نرم سائیکه و بحر بیرنجیه و سوز که انکوری حل کرد  
فتیله از کاغذ خطائی نیلی ساخته با آن آلوده در گوش کنزد \* فتیله از حضرت علامی قدس سره نافع از برای اکثر امراض  
خون و قتیله که استعمال کرده شود بعد از فصل و تنقیه بدن و دماغ \* صنعت آن فتیله از کاغذ خطائی نیلی ساخته و غسل  
زرد تخم مرغ آلوده از زردت سفید صبر سقوطی سفید اب قلعی دم الاخوین سوده بران پاشید و شب در گوش کنزد و فتیله  
دست بخوابد \* فتیله که نافع است از برای وجع اذن و زیم که از گوش آید \* صنعت آن از زردت سفید تخم کوفته  
و غسل سرشته فتیله را با آن آلوده کرده در گوش کنزد \* فتیله که کرانی گوش را به برد \* صنعت آن انیسون زرد فربه را که اندک  
و تخم از غسل آن جدا کرده و برود ارمی و قردمانا و خردل کوفته بد آن بسرشند و فتیله ساخته در گوش کنزد \* فتیله که در گوش  
صنعت آن گرد آسپا قشار کند و صبر زرد و سوز که و سفید و تخم مرغ سرشته فتیله سازند \* فتیله از شیخ رئیس جهت ریه و  
صنعت آن سوزش ماهی را بسوزانند و بایک وزن آن کاغذ سائیکه و به فتیله که با آب برک یا رتنک پر کرده باشد و با شنبلیله  
و در بینی کنزد \* فتیله که در وقت حبس رعا فکند و مجرب است \* فتیله از برای حصاة مثانه \* صنعت آن فتیله از زردت  
بروغن عقربا چرب نموده سرکین موش سوده بران پاشید و در حلیل کنزد \* فتیله نافع جهت جراحت ممبرول که اهنل  
سوزاک فامند \* صنعت آن صبر سقوطی دو درم شیر خشک نیم درم زعفران و در قی کوفته بیخته با لعاب بوسله سوزاک  
فتیله های باریک سازند و در ممبرول یک فتیله آن را بکنند و چون بویاید با فتیله دیگر کنزد چنانچه در تمام رز و ریح  
شش فتیله را بعمل آورند و چون فتیله ها خشک گردد با لعاب بهله نه تر نمایند و باز بکنند \* فتیله جهت رفع حرقت بول  
و قطع مد و قیح در قروح مثانه و حلیل و التیام قروح مثانه و حلیل چون فتیله باریکی کرده در سوراخ حلیل کنزد و نیز  
نافع است از برای نوا صیر و حکم فوج و حکم مقعد چون فتیله موافق مقعد و فرج ساخته بکنند \* صنعت آن زردت تمام  
کرمانی قلمی مغسول مردا سنگ محرق مغسول سفید اب قلعی شسته کلنا فارسی کل ارمی مغسول موی سر آدمی سوخته و است  
کل وی سوخته کند و فیون اجزا مساوی گرفته نرم کوفته بخور بیخته با آب کشنیز تا ز سرشته فتیله های موافق سازند و در  
وقت حاجت استعمال نمایند حکیم میر محمد مؤمن گفته که این فتیله مجرب و از اسرار است \* فتیله که مانع آبستنی باشد



صفت آن تخم حذل قوقا سرکین فیل فلغل خرد ل حب الخروع استخوان زهرور مساوی کوفته بیخته بمیعه سا ثله سرشته به پشم یا راه الود زن بخورد برادر هرگز آبستن نشود و اگر آبستن باشد بچه بیند از در کفته اند هر زنی که یکدل دحب الخروع را بلع کند یک سال آبستن نشود و اگر دو سال و اگر سه سال و اگر سه سال و همچنین \*

باب الفاء صاع التراء المهملة \* فصل در ذکر نسخ فرجات \*

بد آنکه فرجه بضم فا و سکون در می معصمه و فتح رای مجیده و فتح جیم و ها پشم یا راه یا خرقة را نماند که ترک کرده و با ادویه خشک سوده آلوده کرده و با بادویه و طبله الود زن بخورد و در فعل و منفعت فرجات و حملات در امراض رحم و قبل بسیار قوی الاثر است زیرا که بواسطه بعد مسافت قوت در دای مشروب و ماکول ضعیف میگردد یعنی تا از مخرج بعل و از مصله بل یکرا اعضا کشته تا بآن محلی که مطرب است بوسل چند آن قوت در دای باقی نمی ماند که فعل آن درازا له مرض قوی باشد پس درین صورت استعمال آن بطریق الفع خواست بود و همچنین فعل شیاف در امراض مقعد و واطلیه در امراض جلدیه و این معنی بر

طبیعی بوسل و منیت و نفوذ هبل که بچه مرده و زنده بیند از \* صنعت آن اشنان فارسی عا قرقر حاشو فیروز اب فرا سمون از هر یک قندوی کوفته نیمه با و غن زیت بسرشک و استعمال نماید \* فرجه که بر آبستن معین باشد \* صنعت آن سرکین بزرگوشی مایه خوکوش از هر یک قندوی کوفته بیخته بعسل کرم کرده بسرشک و با پشم یا راه فرجه نماید بعد از طهر و فرجه و یکرا که همین صیت دارد \* صنعت آن مایه خوکوش در چینی عنبر زاج نبات سفید مساوی کوفته بیخته

یکرا که سرکین و استعمال نماید \* فرجه که بر آبستن معین است \* صنعت آن زعفران حما ما سنبل الطیب اکلیل الهام از هر یک سه درهم ساج قند ما نا از هر یک ده درم پیه بطیبه مرغ پیه بزرد \* تخم مرغ بریان نموده از هر یک بست درم دو غن تار دین یکلرم آنچه کوفته است اختنی است کل اختنی است کل اختنه درهم سرشته به پشم یا راه الود بعد از طهر و فرجه و در بعد از آن با شوره خود نزد یکی جویک باذن الله تع آبستن گردد \* فرجه که همین عمل

کند در صحت آن سامیران چینی سورنجان مصری راز یا نه زید البحر از هر یک دانگی با شکو سرخ فرجه سازند \* فرجه دیگر که در این عمل کند \* صنعت آن انفعه خوکوش سرکین خوکوش زهره کرک زهره مایه از هر یک قندوی در هم آمیخته با پشم یا راه نرمی آلوده کرده بهمان دستور عمل نماید \* فرجه دیگر که همین عمل کند \* صنعت آن میعه

سائله همین میل ستره قسطا بارزد جا و شیر مقل ازرق مشک خالص کوفته بیخته فرجه سازند و بعد از طهر چند نوبت استعمال کنند و بعد از آن چهار ساعت مباحث نماید \* فرجه دیگر که همین عمل کند \* صنعت آن مایه خوکوش سرکین خوکوش از هر یک قندوی بعسل بسرشک و به پشم یا راه آلوده و بعد از طهر بردارند و سه شب چنین کنند و بعد از آن سه روز با زن صحبت دارد \* فرجه که بچه مرده فرود آورد \* صنعت آن مویا و شیر خربق سفید مساوی کوفته بیخته

بهره که تا و بسرشک و استعمال نماید \* فرجه که حیض براند \* صنعت آن اشنان عا قرقر حاشو فیروز اب از هر یک یک درم نیویون نیمه رم کوفته بیخته بقطران بسرشک و فرجه سازند \* فرجه که منع حمل کند \* صنعت آن ما زو حب الاس کوفته بیخته با آب کرم بسرشک و فرجه سازند و پیش از چا معت استعمال نماید \* فرجه که حیض بندد \* صنعت آن

کند و کل دماز و سوره اقا قیا شب یمانی مساوی عصاره الحیه التیس کل سرخ و صله کتان سوخته همه مساوی کوفته بیخته فرجه سازند \* تخم مرغ سرشته استعمال نماید \* فرجه که حیض براند \* صنعت آن موزنجوش پودنه مر مکی از هر یک درم ا بول هشت درم سد اب ده درم مویز منقی کوفته بیخته بوزغن گا و سرشته فرجه سازند \* فرجه ثابت بن

نوعه میگوید زنی هفت سال حیض از نیامده بود بلین شیاف کشاده شد \* صنعت آن اشنان عا قرقر حاشو فیروز اب شونیز و فیون اجزا



اجزاء مساوی قل ری مشك و چند بیل ستر باروغن بان سرشته بر پشم پاره بردارند و فرقیون خالص را چون فرجه نمایند همین عمل  
 کند \* فرجه که افراط آمدن خون حیض را نافع است \* صنعت آن مرمکی اقا قیا کلنار صدف سرخته شب یمانی از هر یک یک درم افیون  
 دانک کوفته بیخته با آب برک مورد بسرشند و فرجه سازند \* فرجه نوع دیگر که همان نفع دهد \* صنعت آن اقا قیا بریند  
 چینی لادن زعفران کافور کل ارمني اجزاء مساوی کوفته بیخته با آب لسان الحمل بسرشند و فرجه سازند \* نوع دیگر که همان  
 نفع دهد \* صنعت آن کلنار شب یمانی کل ارمني آب برک مورد آب برک لسان الحمل آب برک سر و محسوس داد درم محسوس  
 نموده یک دانک کافور دران بیامیزند و پاره از پشم یا فتیله از پارچه کتان نرمی دران آلوده کرده بردارند \* فرجه دیگر \*  
 صنعت آن کاغل سرخته ماز و اقا قیا عصاره الحیه التیس کل سرخ حصص پوست خشخاش سوخته جفت بلوط از هر یک  
 جزوی کوفته و نرم بیخته با آب برک مورد بسرشند و پاره از پشم یا فتیله از کتان نرمی بدان آلوده کرده بردارند \* فرجه دیگر  
 که حیض براند و بچه مرده بیند از \* صنعت آن مرمکی فود نه اهل از هر یک چهار درم سد اب بخار درم سر و متفی دو  
 درم کوفته بیخته با زهره کار و صویز سرشند و فرجه سازند \* فرجه دیگر که حیض براند و بچه مرده و زنی که بیند از \*  
 صنعت آن اهل سل اب اشنه ماسیا مشکطرا مشیم قنه از هر یک نیم درم شوقیم فرا سیون از هر یک یک درم با قطران بسرشند  
 و استعمال کنند \* فرجه دیگر که مشیمه و جنین میب بر آورد \* صنعت آن زراوند مل صوج اهل حرف از هر یک جزوی  
 کوفته بیخته با قطران سرشته فرجه سازند \* فرجه دیگر که بچه مرده بیند از \* صنعت آن مرمکی حبا و مشخربق  
 سفید فرقیون از هر یک قل ری کوفته بیخته با زهره کار سرشته استعمال نمایند \* فرجه که همان نفع دهد \* صوت آن  
 اشنان عاقر قرحا جاو شیر سل اب از هر یک یک درم فرقیون نیم درم کوفته بیخته با قطران سرشته فرجه سازند \* فرجه  
 حیض به بندد و افراط طمث را سود دهد \* صنعت آن سرمه کلنار تنکار اقا قیا شب یمانی مازوی سبز کاغل سرخته از هر یک  
 جزوی کوفته بیخته با آب برک مورد بیامیزند و پاره از پشمی دران آلوده کرده بردارند \* فرجه که مانع آبستنی شود و بکلی امان  
 که زن آبستن شود \* صنعت آن سرکین فیل خردل حب القلقل استخوان زعفران و اجزاء را بر آب بر کوفته بیخته با صیغه  
 سا ئله بسرشند و به پشم پاره آلوده بردارند آبستن نشود و اگر آبستن شده باشد بیند از \* فرجه دیگر که مانع آبستنی  
 باشد و بچه مرده و زنی که بیند از \* صنعت آن شکوفه کرنب تخم کرنب اشنان از هر یک قل ری کوفته بیخته با آب برک  
 استعمال نمایند \* فرجه دیگر که مانع آبستنی باشد و نکند از که زن بار گیرد و اگر بار گرفته باشد ساقط شود \*  
 ماز و چهار درم برک سد اب صحرانی دو درم قطران یک درم اهل نیم درم کوفته بیخته با بیکه از سر کین فیل تازه فشرده  
 باشند بسرشند و چنانچه رسم است بردارند \* فرجه دیگر که همین نفع دهد \* صنعت آن قطران یک درم سقمیون یک دانک  
 درم آمیخته قل ری بر پشم نرمی آلوده بردارند \* فرجه دیگر که همین نفع دهد و مانع آبستنی باشد \*  
 نافع بود \* صنعت آن زعفران کافور از هر یک دانکی مرد اسنگ دودانک حب الغار نیم درم کوفته بیخته به سقمیون کل  
 و روغن کل آمیخته فرجه سازند و بردارند \* فرجه که رجع رحم و بواسیر را نافع است و درم صلب رحم را نرم کند  
 صنعت آن بابونه پیله بط افیون موم مساوی به پشم پاره بردارند \* فرجه که اورام رحم را نافع است \* صنعت آن کند را از  
 دم الاخرین حب الاس کل ارمني اقا قیا کوفته بیخته با آب لسان الحمل سرشته به پشم پاره بردارند \* فرجه که رحم را  
 قوت دهد و فرج را نیکو و تنک کرد اند و خوشبو سازد \* صنعت آن بسپاسه سنبل الطیب مرزنجوش قشار کینر  
 از خرمکی کل خیری کل سرخ پوست بیخ کبر ترمس اجزاء مساوی یکدیگر کوفته بیخته و روغن بادام بسرشند و به پشم پاره  
 آلوده بردارند \* فرجه که همین خاصیت دارد \* صنعت آن فقاح از خرمک عود قماری قرنفل از هر یک یک درم عنبر



آوردند \* فرزجه د بکره همان فائد بخشند \* صنعت آن قاقله کبار سنبل الطیب سعد ما زوی سبز اهر یک سه درم قرنفل دو درم سک نیم درم گرفته بیخته با آب برک به سرشته بطریق مسطور بعمل آرند \* فرزجه د بکره فرج را تنک و کرم و خشبو گرداند و بتن و رطوبت رحم را برطرف کند \* صنعت آن سک رامک زعفران را سن قرنفل اهر یک یک درم سعد سنبل الطیب فقاخ از خراهر یک دو درم تخم کل نیم درم لادن یک درم مشک دودا نک اجزا را کوفته بیخته بکلاب بسرشد و فتمیلهها سازند و بردارند \* فرزجه د بکره فرج را فراخ کرد اند چنانچه اگر دختر غیر بالغه فرزجه کند بی زحمت از آله بکارت او توان کرد \* صنعت آن نمک اند را نی روغن کا و عمل صاف اهر یک قدری درهم آمیخته فرزجه کنند \*

**باب الفاء مع السین المهمله \*** فسور یقون بفتح فاء ضم سین و سکون و او کسر را هر دو مهمله و سکون

یاء مثناة تحتانیة و ضم قاف و سکون و او و نون بلغت یونانی نام دوائی است خشک تراز قلقطار است و لدغ آن کم تر و جرب و زخام چون طلا کنند بران \* صنعت آن مردا سنگ یک جزو قلقطار قلع یس اهر یک دو جزو و سرکه حاذق بسا یند و در و یک اهمی کرده بکل گیرند و در زیر سرکین اسب چهل شیان روز دهن کنند در تابستان پس بیرون آورند و استعمال نمایند \*

**باب الفاء مع اللام \*** ثلثه میون بفتح فاء و سکون لام بفتح ثاء مثله و سکون فاء و کسر میون و ضم یاء

مثناة تحتانیة و سکون و او و نون بلغت یونانی اسم دوائی است که چوره پای دند آن را سود دارد و دند آن را سفید کند و بوس ناخوش از دهان به بود و دند آن را جلاد هد \* صنعت آن نوره آب دند یک اوقیه زرنیخ زرد شنب یمانی از

هر یک هفت درم مرصافی چهار درم اقایا دوا زده درم کوفته بیخته بر سرکه سرشته اقراص سازند و خشک کرده وقت حاجت استعمال نمایند و این فاک فیون است بعینه \* فقاخ بضم فاء و فتح قاف مشد و الف و عین مهمله اسم نوعی از نمین است

و مسکر نیست و آنچه از شیر و جوتو تیب د هند سود ترین انواع آن است مرطب و مد ربول و جهت سرفه و امراض هاره نافع و مضر کرده و حجب دماغ و اعصاب مصالحش ادویه حاره و آنچه از ان و مصطکی و سنبل و قاقله ترتیب دهند و کثیر الغل ا

و عقوی معده و احشا و بنی نفخ است و کرم ترین اقسام آن عسلی و خرمائی و مویزیست \* صنعت آن بکیرند آب هر میوه و حبی که خواهند و در هر بیست رطل ازان هایک مثقال از عود دهند و فلفل و سنبل الطیب و سداب و کرفس و نعناع و مصطکی

و قاقله و برک ترنج داخل کنند و بهندی فقاخ را بوزن نامند و در حرف الباء بعض از انواع ذکر یافت و در حرف النون بعض اقسام نمین انشاء الله تع ذکر خواهد یافت \*

**باب الفامع الالم \*** فلافل جمع فلفل است بکسر

هر دو فاء بضم نیز آمده و سکون لام معرب پلچول بیای عجمی است و نزد اطبا مراد از ان فلفل سیاه و سفید و دار فلفل است و فلفل سیاه را بیهونانی از نیفش نامند و بهندی کول مرچ یعنی فلفل کرد و کل کرد و مرچ فلفل را گویند و دار فلفل را پیچول

و درخت فلفل مانند لبلاب و تانبول نجم و بیاره دار و برک آن مانند برک تانبول و ازان ز ممت تر و کچکتر و با حلاوت تلخی و ثمر آن در خامی مثل ثمر توت با دانه های ریزه بهم پیوسته و بعد رسیدن و بزرگ شدن مثل خوشه و طولانی بقدر یک انگشت و زیاده میباشند و دانه های ثمر آن که فلفل است با طرف آن خوشه متصل بچوب بسیاری باریکی پیوسته و تاملش

مثل تکه طولانی و دانه توت بزرگ است و مانند خوشه طولانی نیز و تا خام است سبز رنگ و بعد رسیدن اندک بنفش میشود و بعد خشک شدن چین دار میگردد و آنچه مشهور است که سفید نیز میباشند اکثری گفته اند نچنین و مشاهد نیز

ند بلکه همان سیاه بسیار رسیدن چین دار است که پوست آن جل اش و ریخته سفید املاس میگردد و از بعضی ثقه شنیکه

ند که سفید نیز میباشند ولیکن چین پوست آن کمتر است و گویند که آن بوی و بستانی میباشند و فلفل سیاه با پوست

کرم و خشک است در آخر درجه سیوم و سفید و مقشر آن در اول آن درجه و بوی آن قویتر از بستانی ها ضم و جل اب و

محلل و جالی و تریاق سموم بارده و قاطع بلغم و دافع سرفه بارد و ضیق النفس در هو و ریاح و مغص و مقوی حافظه و مفتوح  
سدد و با شیر و شکر مقوی باه و رقیق کنند و خون مبرودین را ملطف اغذیه غلیظه و خلط غلیظه و دافع اروغ ترش و مقوی  
جگر و معده و مسخن آن و با ادویه قابضه جهت تقطیر بول نافع و باد زهر غلتهای عصب و اعضای عصبانی و سموم اسهال  
حمل آن مخرج جنین و بعد از جماع مانع حمل و ضداد آن بازفت محلل خنازیر و رافع داخس و برص ناخن و با حنا جهت  
روبانیدن ناخن زائل شده از قوب با بشرط تکرار عمل و با پنبه بطور مرغ بدستور و با نظرون به نهایت جالی بهق و سرخ کنند  
رخساره و با پیاز و نمک جهت رریانیدن موی در موضع داء الثعلب و با محلات جهت تهیج ریحی و جوشانید آن در  
روغن ها جهت صالح و خد و امراض بارده و رفع تشنجه و تپهای بارد و مفید و اکتحال آن جهت ظلمت بصر و فاخته و  
طلای جوشانید و آن در کلاب جهت دفع نزلات بارده و درد دقت آن مجرب است و بدستور مضمضه آن که با پیوست خشخاش  
جوشانید و باشند مجرب است و خوردن آب جوشانید و گویند و آن جهت دفع سمیت افیون که مکرر بخور افین و بن و انسد  
و قبی فرمایند و باز بخور افین و همچنین تا اثر افیون باقی است و جهت سم بارد و بیش نیز مجرب است و حکمای هند  
که چون بیش را با فلفل و آب زنجبیل تازه سحق بلیغ نمایند دفع سمیت آن میشود و سنون آن جهت دفع کرم خوردن  
سریع الاثر است و خائیدن آن با مویز ج جهت دفع رطوبات دماغ و معده و ضعف منی و مصدع و مخش منی و  
حلق است و مضر کرده و جگر حار و جمعی که خون ایشان و فوزن اشک و جراحات باطنی و آله در مجاری بول داشته باشند و  
مصلحتش روغنهای سودا است و در مبرودین غسل صفی و قل رشربش تا یکم شغال و بد لش زنجبیل است \* جوارش  
فلا فلی به نسخه صاحب کامل الصنعه در دمع و شهوت کلبی را سود مند باشد و باد های غلیظه را دفع کند و طعام را هضم  
نماید و حمی ربع را زائل گرداند و از برای جشای بلغمی و سوداوی و بعد از تنقیه معده باقی مستعمل است \* صنعت آن  
فلفل سیاه فلفل سفید دار فلفل ازهر یک سه درم و در نسخه که سید اسمعیل در ذخیره ذکر کرده ازهر یک بیست درم و در  
بلسان ده درم زنجبیل تخم کرفس بزر سیسالیوس سلیخه سیاه اسارون شامی را سن ازهر یک یک گرم ادویه کوفته بخته  
بهم عمل مصفی سه وزن ادویه بسرشک شربتی از یک گرم تا دو درم با آب کرم و در نسخه سید اسمعیل که در ذخیره در حمی  
ربع آورده هما ما سنبیل الطیب ازهر یک چهار درم و وزن غسل را دو وزن ادویه ذکر کرده و گفته که شربتی از یک گرم تا یکم شغال  
است و با سم معجون فلا فلی ذکر کرده \* جوارش فلا فلی دیگر که همان نفع دارد بلکه انفع است \* صنعت آن فلفل سیاه فلفل  
سفید دار فلفل ازهر یک سی درم و در نسخه که سید اسمعیل در ذخیره در حمی ربع ذکر کرده ازهر یک بیست درم است بلسان  
ده درم است هما ما سنبیل الطیب ازهر یک دو درم زنجبیل تخم کرفس بزر سیسالیوس اسارون شامی سلیخه سیاه ازهر یک  
یک گرم ادویه را کوفته بخته به عمل سفید مصفی بدستور و جوارش سازن شربتی از یک گرم تا دو درم با آب کرم و گفته اند  
که این جوارش سردی و بسیار رطوبت و ضعف هاضمه و تب ربع و تپهای بلغمی را نافع است \* جوارش فلا فلی منقول  
از قریب این ترکیب افندی صالح چلبی مسخن معده است و دافع فواق و تب ربع \* صنعت آن فلفل سفید فلفل سیاه دار فلی  
ازهر یک پنج درم انیسون حاشا زنجبیل ازهر یک دو درم غسل بقل و کفایب بدستور و قریب نما بند \* جوارش فلا  
بسته این جزله گفته که این جوارش سردی معده و بسیار رطوبت و ضعف هاضمه و باد های غلیظه و تب ربع و تپهای باد  
را نافع است و بول برانک \* صنعت آن فلفل سفید فلفل سیاه دار فلفل ازهر یک پانزده درم و بلسان هفت درم سنبیل الط  
هما ما ازهر یک چهار درم زنجبیل تخم کرفس بزر سیسالیوس سلیخه سیاه اسارون زرشک منقی ازهر یک یک گرم که  
بسته در هم آمیزند و با سه وزن مجموع ادویه غسل مصفی ترکیب نمایند \* جوارش فلا فلی به نسخه صاحب منها

سرودی معال و جگر و بسیاری رطوبت که درین غالب باشد رسوء استمراء و بادهای غلیظ و قی و ربع و تپهای بلغمی مزمن را سودمند است و بول براند \* صنعت آن فلفلین دارفلغل ازهر یک چهار درم زنجبیل تخم کرفس سیسالیوس سلیخه اسارون زرشک منقح ازهر یک یکم کوفته پیخته با سه چند ان عسل کفکرفته بسرشدن شربت بی از یکم رم قالدوزم است \* دهن الفلفل منقول ازطب برا کستوس جمیع خواص فلغل را دارد و اقوی است در فعل از ان لیکن نذشت در ان حرارت فلغل نافع است جمیع امراض بارده را و قتیکه استعمال کرده شود از ان یک قطره تا سه قطره \* صنعت آن بکیرن فلغل را هر یک در خواص و جو کوب نمایند و در هر یک رطل از ان یک اوقیه نمک داخل نمایند و در آب کرم بمقل ازهر رطلی فلغل شش رطل بچسباندند و مخمر نمایند مای در مکان گرم یعنی که فی الجملة بچوش آید و برسد یا در سرکین اسب دفن نمایند پس تقطیر نمایند بقرع و انبلیق بطریق مقرر و دهن را از روی آب بکیرن و در شیشه نگاه دارند و عند الحاجة بکار برند \* فصل فی فصل هاضم و مقوی معده و دفع رطوبات است \* صنعت آن بکیرن خوشهای فلغل نارسیک را در سرکه تمل از ان در قند تا برسد و تناول نمایند بقدر حاجت و اگر قوی زنجبیل و قزفل برای تقویت و رانجه آن داخل نمایند بهتر است لامحورن فلا فلی به نسخه صاحب کمال الصنایع در معده و شهوت کبابی را شود و از بادهای غلیظ را دفع کند و طعام هضم نماید هر روز معده را بطرف ساختن \* صنعت آن قفل سفید فلغل سیاه دارفلغل ازهر یک بیست درم مود بلسان ده درم حما ما سفید الطیب فادزهر ازهر یک چهار درم زنجبیل تخم کرفس سلیخه سیسالیوس اسارون زاسن ازهر یک یکم رم مجموع را کوفته پیخته با سه چند ان عسل سرشته بطریق معمول معجون سازند شربت بی یکم رم بآب نیم گرم \* فصل در ذکر نسخه فلد فیون \* بد آنکه فلد فیون بفتح فاء و سکون لام و فتح دال مهمله و سکون فاء ضم یای معناه تختانیه و سکون و و ونون اطلاق کرده می شود بر دوائی مرکب ها دا گال قاطع بواسیر و خنازیر و لخم زائده \* فلد فیون نافع از برای لثه دامیه و قروح خبیثه لثه و تعفن لثه را از ان لثه را قطع کند و آله و قروح خبیثه دهان و آله فم و لثه را با صلاح آورد و لثه را محکم کند و لثه مسترخیه را نافع بود و نا ضرر لثه و فرج و مقعد و رانایع با شد \* صنعت آن نوره آب نندیده سه درم شش یمانی دودرم نمک درانی سوخته یک درم و نیم اقا قیاد و درم و نیم مرصافی سه درم زرنیخ زرد و زرنیخ سرخ ازهر یک دو درم و نیم نوشادر چهار دانگ درمی همه را سحق بلیغ نموده بخل الاس عتیق مخلوط کرده خلطی غلیظ و بر روی آجر نو آب نندیده پهن کرده در سایه بکند از ان تا خشک شود و بعد از ان بردارند و قطعه ها نموده نگاه دارند و هرگاه خواسته باشند استعمال نمایند بکیرن قطعه از ان و سحق نموده و به پیچند برا نکشت خرقه کنانی و در سرکه انگوری فرو برند بعد از ان بر روی این دوا کاند از ان چنانچه بسیار بران چسبید و نشود بعد از ان بمالند بر لثه و عمود و بیچند آنها و همچنین بفرج و مقعد و تا زمانیکه از اعضای مذکوره خون روان باشد و بعد از ان مضمضه نمایند بسرکه انگوری و آب و یا بشویند آن عضورا بسرکه انگوری و آب که در هر دو صورت جوشانید و با شند در ان آب و سرکه اطراف اس روغن کل سرخ و بعد از ان دوسه روزها کنند پس دیگر بار بموجب مذکور عاده نمایند اگر احتیاج باقی باشد و این بهترین معالجه است از برای امراض مذکوره و در نسخه دیگر آن است که ادریه را کوفته بسرکه انگوری کهنه سرشته بر فال نوطا کنند تا خشک شود هر صبح قد ری از ان بسرکه حل کرده بر موضع علت بمالند تا خون از ان برای پس دهان شویند و روغن کل سرخ طلا کنند تا سوزش آنرا بنشاند و بعد از ان مضمضه بچیز های قابض کنند \* مضمضه نافع \* است آن عدس کلنا رفا رسی کزما زج کل سرخ جوشانید و صاف نموده با آب آن مضمضه نمایند \* دوا نیکه بعد از مضمضه بقوا بض بپاشند \* صنعت آن کلنا رفا رسی خبث الحاد یک هر دو را سائید و بپاشند و بسرکه عذوق مضمضه نمایند \*



تخفیف المؤمنین با سم بند اریقون بیای موحله نوشته جهت نفخ و بزودت معده سودمند بود \* صنعت ان رخصران  
 کاشم بزر السد اب تخم کرفس زنجبیل حاشا لوز الصنوبر الکبا را زهریک شش درم بادام تلخ مقشربان اذهریک دو درم فلفل  
 هشت درم باسه وزن ادویه بسوشند و چند نسخه جوارش فندک یقون در حرف المیم مع الواو در جوارشات ذکر است \*  
**باب الفاء مع الواو \***  
 فودنج بضم فاء و سکون واو و ن مهمله و فتح نون و جیم مغرب بودنه  
 فارسی است و آنرا فودنج گویند و بیونانی غلیجین بفتح جیم و کسر لام و سکون یا و ضم جیم و عربی حبیبی ناسنل  
 آن اقسام و الوان است نهضی و بستانی و بری و جبلی و مراد از مطلق آن بری است و مشکطرا مشیع نوع جبلی آن است  
 و صنفی از نهضی میشود که برکش ریزه مائل باستد ازه و تخم شش شبیه بتخم ریحان دراز و ساقش ~~کلی~~ است و اما فودنج  
 نهضی پس آن کثیرا لوجود است و صنفی ازان را برک مانند برک ریحان کوهی و شاخها پراکند و ریش بنفشه و در لاریها  
 میروید و صنفی ازان شبیه به نعناع و برکش بزرکتر ازان و ساقش قویتر و چون این قسم را در باغها بکارند بعد از دو سال  
 میبرد و نعناع و قوت این هردو صنف ضعیف و حرارت و بیوسستش در آخر درجه دریم است و خوردن و یا قضم و یا  
 نافع کزیدن هوام را و طبع آن هردو مد ربول و جهت داء الفیل و عسر النفس و نفس الانتصاب و نافع حمیات  
 بلغمیه و سوداویه و چون قبل از نوبه بخورند و یا شراب جهت دفع سموم و هیضه و جدام و روض عضل و اطوار ان ~~مغض~~  
 و هیضه و برقان اصر چون استحکام کرده بآب طبع آن و شرب مسکوق آن با عسل مد ر عرق و با عسل و نمک فائز ~~در دلت~~  
 طوال معده و حب القرع و چون بخورند ازان و بعد ازان ماء الحبن بنوشند داء الفیل را نافع است و ~~محرر~~ محرق  
 ورق آن قاتل جنین و مخرج آن و مد ر طم و تد خین ورق آن مخرج هوام و در کنند و آنها و فرش کردن ~~در دلت~~  
 نیز همین اثر دارد و ضماد پخته آن با شراب جهت ازاله آثار سیاهی جلد بدن و زائل کنند و کمنه الدم در زیر ~~پا~~  
 چشم و عرق النساء و فتن و مخرج جلد و نطول آن جهت رفع زردی برقان اصر و قطور عصاره آن در گوش قاتل ~~کرم~~  
 طبع آن با زیت و تمرین آن نافع حمیات نافه را و چون خشک شده باشد آنرا بر موضع کزید و هوام بندند ~~موجب~~  
 آن عضو و جذب سمیت است و در هر عضو یک کرم در آن متولد شده باشد دفع آنست و همچنین قطور عصاره آن ~~مضر~~  
 باه و کرده است و مصلحش کثیرا و شربتش یک درم و بد اش نعناع و نزد بعضی فرد مانا است و اما فودنج بری پس ساق ~~از ان~~  
 متفرق و تند بود و عطریست و برکش ریزه مائل باستد ازه و تخم شش شبیه بتخم ریحان کرم و خشک است در اوائل ~~درجه~~  
 سیوم و بنهایت ملطف و مد ر عرق و حیض و قاتل جنین و تریاق کزیدن جانوران و مخرج اخلاط و مسهل سودا و محال  
 رباح و نافع از برای استسقا و برقان و دافع سپر و زجند ام و آثار سیاهی آن چون با سرکه ضماد نمایند و فرجه عضله  
 آن قاتل و مخرج جنین و مشیمه است خصوص که ازان نیز بخورند و نطول و جلوس در طبع آن جهت حکه و رباح رحم و  
 سلابت آن و ضماد آن ملی الد و ام نافع است نقرس را و شستن بآب طبع آن مسکن حکه است و آشامیدن آن یارب انار  
 یا شربت انار یا سرکه مسکن فواق و غثیان و حرکت معده است و همچنین آشامیدن مسکوق آن با سرکه مزوج با آب و  
 بوئیدن آن منقوع در سرکه رافع غثیان و خوردن آن بعضی احباب منقی اخلاط از سینه و با عسل و نمک مخرج فضول معده و  
 نافع است کز ارز و ضمادش سرخ کنند و رخسار و عضو رافع سپر و زجند ام و آثار سیاهی جلد و بری آن جهت غشی و سنون  
 سوخته آن جهت تقویت لثه مفید و مضر با معا و مصلحش کثیرا و قد شربتش تا دو درم و بد لش یکوزن و نیم آن پودنه نهضی  
 است و قسمی از پودنه بری را برکش دراز و نرم و مائل بسیاهی و کش خشک و تند مائل بزردی و جمیع افعال ضعیف تر از  
 اقسام فودنج است و اما فودنج جبلی پس آن مشکطرا مشیع است و قویتر از همه اقسام است در افعال برکش انبوه و بزرکتر



و اگر ببرد تا قریب یا خشونت و مائل باشد اریه و چون کوسقند ازان بخورد شیرا و برنگ خون شود و راخر سیوم کرم و در  
 و منار خشک و بقایت مد رجیض و نفاس و مسقط و قاتل جنین و مفتت حصاة و جهت اخراج رطوبات غلیظه از سینه  
 و شش و در رحم و قولنج و تقویب اشتها و شرب آن جهت غشی و کرب نافع و درسا و افعال قویتر از فودنج است و مضر معده  
 و معده سحر که و شربتش يك مثقال در مطبوخ در مثقال و بل اش بوزن پودنه و قد ما نارد را در رجیض بوزن آن  
 حدس المود صنفی دیگر ازان است که برکهای آن کوچک تر و بی زغب و در افعال مثل آن ولیکن ضعیف تر و آنرا مشکطرا مشبع  
 بچهار صنف است صنفی دیگر نیز ازان برکهای آن باریک دراز و سیاه رنگ و طیب الرائحه است و از همه ضعیفتر و دهن فودنج  
 نافع است از برای آنچه نافع است فودنج بران \* صنعت آن مثل صنعت دهن با بونج است و در اذهان در حرف الدال مذکور  
 شد \* **فصل در ذکر نسخ فودنجی و جوارشات فودنجی و شراب فودنج و عرق آن \* فودنجی**  
 در دهن و در او درد جگر که بسبب آن برودت باشد و حمیات بلغمی و تب ربع و تپهای کهنه را سودا و رو و نفع و ریاح  
 غلیظ و تحلیل دهن \* صنعت آن پودنه دهنی پودنه کوهی فطراسا لیون سیسالیوس از هر يك درازده درم تخم کرفس  
 بابونه حاشا از هر يك چهار درم کاشم پانزده درم فلفل سیاه چهل و چهار درم کوفته بپخته با سه و وزن ادویه عسل مصفی  
 معجون سازند شربت می یکرم با آب کرم و نسخه شفائی با این برادر است \* فودنجی بنسخه دیگر نافع از برای اوجاع  
 معده و طبعی که از برودت باشد و از برای قشعر برآید و حمیات دائره بارده \* صنعت آن به نسخه شیخ رئیس  
 پودنه دهنی پودنه کوهی فطراسا لیون سیسالیوس از هر يك بیست درم تخم کرفس بابونه حاشا از هر يك چهار درم کاشم  
 پانزده درم فلفل سیاه چهل و چهار درم در نسخه دیگر بیست و چهار درم است کوفته بپخته با عسل بد ستور مقرر معجون  
 سازند و این نسخه که جزو است و وزن آن یکصد و پنجاه و یک درم است بنا بر نسخه دیگر واصل و بنا بر نسخه دیگر یکصد و  
 سی و یک درم است و مزاجش بنا بر نسخه اصل کرم و خشک است درد و درجه و نیم \* فودنجی به نسخه فلانسی نافع است از  
 برای هضم طعام و کسر ریاح و ضعف معده \* صنعت آن فودنه خشک فلفل ناخواه کربا کاشم برک سد اب زنجبیل دار فلفل  
 در نسخه شیخ اجزا مساوی عسل مصفی سه و وزن ادویه معجون سازند شربت می در درم \* فودنجی که سید اسمعیل در نسخه  
 در نسخه شیخ سد های کبد ذکر کرده \* صنعت آن مانند نسخه شیخ رئیس است که ذکر یافت \* فودنجی به نسخه ابن جزله  
 که در نسخه جایشان ذکر کرده و گفته که نافع است از برای تپهای لرزه که دراز کشید و باشد از برای تب ربع و نفع و ریاح  
 غلیظ و در دهن که سبب آن رطوبت باشد \* صنعت آن پودنه جوئی پودنه کوهی فطراسا لیون سیسالیوس از هر يك  
 درازده درم فلفل سیاه چهل و چهار درم تخم کرفس بابونه حاشا از هر يك چهار درم کاشم ده درم کوفته بپخته با سه چند  
 ادویه عسل معجون سازند شربت می یکرم و این همان نسخه است که در اول ذکر شد با تدک تفاوتی و در نسخه محمودین  
 الیاس وزن کاشم پنجاه درم است و در نسخه دیگر وزن کاشم پانزده درم است \* فودنجی از خطنواب غفران ماب سجد  
 الحکما حکیم سلیمان موسوی \* صنعت آن فلفل سیاه سنبل الطیب فودنج کاشم ناخواه انیسون شونیزا از هر يك سه مثقال  
 کند و کافور و اریه از هر يك شش مثقال عسل سفید جید مصفی دو وزن ادویه بد ستور مقرر و ترکیب نماید و بل آنکه  
 فودنجی را جوارش و معجون فودنجی فودنه اصل این جوارش از جالیوس است و گفته که این جوارش  
 نافع است از برای آنچه نافع است از برای آن جوارش کمونی چنانچه انشاء الله تع در کمون ذکر کرده خواهد شد \*  
 و در نسخه شیخ سد های کبد ذکر کرده \* صنعت آن پودنه جوئی پودنه کوهی فطراسا لیون سیسالیوس از هر يك درازده درم تخم کرفس  
 و در نسخه شیخ سد های کبد ذکر کرده \* صنعت آن پودنه جوئی پودنه کوهی فطراسا لیون سیسالیوس از هر يك درازده درم تخم کرفس  
 و در نسخه شیخ سد های کبد ذکر کرده \* صنعت آن پودنه جوئی پودنه کوهی فطراسا لیون سیسالیوس از هر يك درازده درم تخم کرفس  
 و در نسخه شیخ سد های کبد ذکر کرده \* صنعت آن پودنه جوئی پودنه کوهی فطراسا لیون سیسالیوس از هر يك درازده درم تخم کرفس

يك مثقال است اجزا را كوفته بپخته بعسل بسوزند شربت يكي يك گرم تا دو گرم با آب گرم سفای كهنه كه  
 اين جوارش نافع است از برای برودت معده و درد معده و چكر كه از سردی باشد و از برای حميات بلغمي و سوداوی و ریه های  
 كهنه و در نسخه كه شفاي ذكر كرده با بونه چهار در خمی داخل است \* جوارش فودنج به نسخه قلانسی نافع است از برای  
 مضطربان و كسر ریا و ضعف معده \* صنعت آن پودنه خشك فلفل نافع خواه كرویا كاشم بر ك سد اب و فنجیل و فلفل  
 دارچینی اجزا مساوی بعسل بسوزند شربت يكي دو در هم \* جوارش فودنج منقول از قرا بادین افندی صالح جلیبی حكیم باشی  
 ابراهیم سلطان قیصر روم معقوف معده و محلل و معین بر هضم و موافق و مشایخ \* صنعت آن پودنه مقل و سی صفتی مری  
 هر يك شش رم زنجبیل سه درم تخم كرفس حاشا زهر يك دو درم كرویا شش درم فلفل سیاه ده درم عسل مصفى بقدر  
 كفايت بل ستور مقرر مرتب نمایند \* دهن الفودنج محلل و نافع است از برای آنچه نافع است از برای آن فودنج \* صنعت آن  
 مانند صنعت دهن با بونج است و در دهان ذكر یافت \* نوع يکوا نیست كه بقرع و انبى مقطر نمایند \* شراب فودنج كه در  
 ضعف شهوت بسبب حرارت بكار آید \* صنعت آن بكیرون آب انا ترش معصور یا شحم يك جز و آب پودنه تازه نیم جز و شكر  
 سفید بوزن هر دو جز و همه را بیکجا كرده بجوشانند و كف آنرا كه بوسر آورد بكیرون تا ديك كف نیاید و صافی نموده باز در  
 ديك سنگی كرده بقوام آورند و بكار برند \* شراب فودنج در تركیباشتهای بمرتبیه موثر است كه شرح نتوان كرد و در نسخه  
 است از اخلاط سوخته و دافع بلغم و مبهی است چون بر اثر معاجین یا هیه بنوشند و در سرعت اثر بی عمل است \* صنعت آن  
 آب فودنج افشوده بیست مثقال خردل سرخ بیست مثقال شب بمانی يك مثقال سوده با فود مثقال خمیر ترش كرده در دهن  
 صم مثقال آب بجوشانند تا به نصف رسد پس صافی نموده با شش صم مثقال نبات سفید بقوام آورند شربتى تا صلیق و به عرق فودنج  
 مفتوح و هاضم و مسكن صفرا و جهت یرقان و سپهر زراست سقانا فع \* صنعت آن بكیرون فودنج تا زنجبیل و با پنج وزن آن سركه الكولی  
 قند بطریق مقرر عرق كشند و در شیشه نكاهند و عند الحاجة بقدر ضرورت بطریق افشوده با قند یا نبات یا غیر آن قمارند  
 نمایند \* عرق فودنج ساده معقوف قلب و معده و هاضمه است و در آب د و غ داخل كردن آن باعث خوشی طعم و ریه های  
 است \* صنعت آن بكیرون برك فودنج تازه هرق كه خواهند ریا شش وزن آن آب خالص بطریق معهود عرق كشند  
 فراطیقون بنا نكه آن بغتج فا و را و الف و كسر طاهر سه مهمله و سكون یا یا مثناة تحتانیة و ضم قاف و سكون را و فودنج بغتج  
 یونانی دوائی است كه از برای مراض عین نافع است \* فراطیقون ابيض از برای قروح عین با مده \* صنعت آن نشاسته  
 عربی انزروت مر یا نبات سفید اجزا مساوی كوفته بپخته استعمال نمایند \* فراطیقون اصفر از برای مر حادث از رطوبات \* صنعت آن  
 عصاره ما میثا يك مثقال انزروت سفید مر یا بشیر خر پنچ مثقال صبر سقراطی زرد زعفران ازهر يك يك مثقال افیون يك مثقال  
 كوفته بپخته استعمال نمایند \* فراطیقون رمادی از برای قرحه عین \* صنعت آن توتیای كرماني مغسول بیست مثقال  
 صم فاسوخته چهار مثقال نبات سفید شش مثقال بل ستور مرتب نمایند \* فیر و زنوش افیون دارد و حرف الالف در  
 افیون \* فیر و زنوش ممسك یعنی مسك دارد و حرف الالف مع الهاء در اهلیج من كورش \* فودج بضم فا و سكون و او  
 و فتح ذال معجمه و جیم معرب بوزنه است و ماده آبكامه و كامه و بعضی ترشی ها را نیز مایه میشود و چون بشركه و روغن كل  
 سرخ بسوزند و بر جرب و خارش بدن طلا نمایند نافع باشد و چون بود مل نهند آنرا نضج و او را م را تحلیل دهند \*  
 صنعت آن بكیرون آرد كند م آرد جو و آب گرم بی نمك خمیر كنند و قرص سازند و سوراخی در میان آن كنند و در بر ك  
 انجیر پخته و در ظرفی نهند و در سایه بكنارند تا متعفن و بوسیل شود پس بیرون آورند و بكار برند و بعضی بران ادویه  
 خمر شبنم اضافه نموده با سركه مخلوط میسازند و مل تی در آفتاب میكنارند و استعمال نمایند \*

## کتاب الحاف \* باب الحاف مع الالف \* قازقارسی مشهور بقیر است از زمین

باب کرم چشمها میجو شد سیاه مائل بسرخي و اصل آن بعضی صلب و بعضی سیال میباشد و از او انی چوبی و کشتیها  
و از او مانت میماند برای نگاه داشتن آب و لیکن درین وقت آنرا با قدری خاک طبع میدهند تا توان بر کشتی و  
امثال آن را در قوتش تاسی سال باقی میماند کرم و خشک در سیوم و در افعال قویب بقدر منضم و محلل و ما میل و  
اولام و اشلا غلیظه لزجه سینه و دماغ و مانع تغیر آب و طعام و فساد هوای و بائی و معین بر هضم و خائیدن آن را رفع  
رطوبت و ثقل زبان و فساد لثه و ضرس که بی حسی دند آن است و جهت معده و جگر و سپرز نافع و آب در ظرف  
قیر اند و در قی مدید می ماند و مانع تغیر آن است و آشامیدن آب از ظرف قیر اند و د مصلح غلظت آب و رفع طاعون  
سایح و شرا بیکه در خم قیر اند و در ترکیب دهند کرم و سریع الخروج تر ازین و خماری آن کمتر و اکثر خوردن  
قیر و درین قیر و مصلحتش صمغ عربی و لعابها و شربتیش تا یک رهم و بد لش قیر لیهود است \* قازقارسی مشهور  
مجموعه است شبیه به بیه و بی بو که از حبشه و نواح یمن می آورند و شحم قازقارسی نامند کرم مائل بخشکی محلل  
دریاح و مرکب باه و با لعابها و حریرها را رفع سوخته فلیم و در دندان و تهیگاه و ضعف اعصاب و شربتیش تامه درم است \*  
قازقارسی در قازقارسی است سیاه رنگ مرکب که بعد از چیدن سبیل استعمال میکنند و این لفظ مرکب است از ترکی و  
نار و صنعت آن نوشادر مس سوخته از هر یک دو درم تو تیا د و از ده درم کوفته بپخته بزرده تخم مرغ بسوخته  
در برست تخم مرغ اند ازین و در کل حکمت بکیرند و در کوزه نونهند و کوزه محاذی کل ازین تا بپخته شود بعد از آن  
بیا درم صمغ به نموده در چشم کشند \* فصل در بیان نسخ اقراص \* بد آنکه اقراص

بالی و سریع است و مفتوح این باب ابتداء اند و ما خمس ثانی تمام کنند \* قازقارسی که ترکیب ترباق افامی  
مرکز است و ترکیب اقراص موجب حفظ قوتهای ادویه است و قویب است بحبوب در احوال و مرتبه و اقراص متوسط  
در بیان معنوفات و معاجین است و قوت اکثر اقراص تا چهار سال باقی میماند و معمولی در اقراص طباشیر و نیز ذکر یافت \*  
قازقارسی قالیف حکیم اشرف قبی منقول از خط ولد ارشد معز الیه میرزا ابراهیم نافع برای تهوع و غشیان و مقوی  
چون با عصیر نعناع تازه قرص سازند \* صنعت آن کل سفید اصغها نی سعد کوفی تخم کواث عود هند می معتز کو بیل  
نکته باب نعناع تازه قرص سازند \* قرص او در معمو که از جمله اجزای مخلصه است که سوطیرا نیز نامند ملطف و مفتوح  
در جهت استسقا و امراض جگر و سپرز و معده نافع و ضما آن جهت درد سر بلغمی و نزلات قلیه و تحلیل او را م بارده  
بسیار موثر و در افیون در ترباق مسمی بسو طیرا مل کور شد و اینجا نیز نسخه منقول از قرا بادین رازی مذکور میگردد  
و اختلاف این نسخه با نسخه قبل بحسب اوزان ادویه است \* صنعت آن حواما دارشیشعان قصب الذریوره قسط  
نانخو و فلفل سفید قرنفل از هر یک یک آنک مثقال فو وزن دو حبه در ارچینی مصطکی رومی زعفران از هر یک دو آنک  
مثقال سنبل الطیب سازند \* صنعت آن مثقال مرکی صافی دود آنک مثقال کوفته بپخته بشراب ریحانی جید بسیار  
لاذق اقراص سازند \* قرص استسقا منقول از مختار و مجرب است \* صنعت آن عصا زرشک یا زرشک منقل از هر یک  
ده درم کل سرخ پنجد رم تخم خیار تخم خرفه تخم کرفس مصطکی لك مغسول ریوند چینی از هر یک یک رم سنبل الطیب  
نیم درم علی الرسم بقدر یک مثقال قرص سازند و یک قرص را با چهل رم آب کاسنی و بیست درم آب غلب الثعلب و ده درم  
سکنجبین و پنجد رم مغز خیار شنبدر استعمال نمایند \* قرص اندر رو خوردن نافع از برای نماله خبیثه متاکله و از برای  
اکله \* صنعت آن مازوی سبز مرکی کند رشب یمانی از هر یک سه مثقال فراوند مل حرج ده مثقال قنقل یس یک مثقال کجهو

ناسه درم با سکنجبین ساده \* بد آنکه هرگاه سرفه باشد با سکنجبین نشاید با طبع میج کبود و سیاه و شان و بیج کز درون قاض  
 خشک و اصل السوس مقشرا زهر یک نیم درم و قلیلی بهل آنه و اگر حرارت بسیار غالب باشد با شیره تخم خرفه مقشرا  
 بیا شامند \* قرص طین بول الدم را نافع است \* صنعت آن مغز تخم خربزه کثیرا تخم خشخاش الحباب کلنا درم الاخوین  
 کل ارمنی شب یمانی اجزا مساوی کوفته پیخته بلعاب اسبغول سرشته قرص نمائیل شربتی یکمقال به قرص طین دیکر  
 بول الدم و جرب و قرحه وضع کرده و مثانه را سودمند بود \* صنعت آن کل ارمنی کل مختوم کل قهرسی صمغ عربی بربان  
 نشاسته بوداده حب الاس بلوط بریان کرده از هر یک سه درم اقا قیام و درم کوفته بجمه درمسا راسان الحبل سرشته  
 اقراض سازند شربتی دودرم با شیره تخم خشخاش با شیره تخم خیارین \* قرص طین دیکر بول الدم را باز در دوقرعه  
 مثانه را سوددهد \* صنعت آن کل مختوم طباشیر کتیرا صمغ عربی تخم خرفه مقشرا تخم خیارین از هر یک ده درم کوفته پیخته  
 با میخ تخم بسرشد و اگر حرارت غالب باشد با لعاب بنکو یعنی اسبغول بسرشد شربتی دودرم با کشکاب \* قرص  
 فنجکشست سهرزرا نافع باشد \* صنعت آن تخم فنجکشست تخم کاسمی تخم خرفه مقشرا مغز بادام مقشرا مغز تخم کد و اجزا  
 مساوی کوفته پیخته یا سکنجبین سرشته سه درم فودنج ورق السداب از هر یک دودرم و نیم بزرالتمام سه درم صغور یکمقال  
 ناخواه یکد رم شربتی یک مقال با طبع زیره \* قرص فوه که شیخ الرئیس در قرا بادین قانون ذکر کرده و گفته که نافع  
 است از برای جساء طحال و وجع کبد و تمهای مزمنه \* صنعت آن فوه الصباغین دوازده درم پوست بیج کبر اصل  
 السوس زراوند طویل از هر یک یکد رم و در نسخه دیگر از هر یک دودرم است و بعضی دودرم ایرسا نیز آورده و ظاهر آن است  
 که در نسخه شیخ الرئیس اصل السوس باشد نه اصل سوسن که ایرسا است اجزا را کوفته پیخته با سکه که در ساد است  
 اقراض سازند هر قرصی بوزن دودرم شربتی یک قرص با طبع افسنتین و بعضی گفته اند که با طبع انیسون لا اله الا قرص  
 فوه به نسخه سیل اسمعیل در ذخیره \* صنعت آن فوه الصبغ که آنرا بفارسی روناس گویند پوست بیج کبر زراوند و کبر  
 افسنتین رومی اجزا را بر کوفته پیخته اقراض سازند هر قرصی یکمقال شربتی یک قرص با سکنجبین قرص  
 قرص فوه به نسخه دیگر سودمند است بجهت آنچه در قرص قبل ذکر شد و از برای نضج طحال مجرب است \* صنعت آن فوه  
 الصبغ دوازده درم پوست بیج کبر ایرسا زراوند طویل از هر یک دودرم کوفته پیخته با سکنجبین سرشته اقراض سازند  
 شربتی دودرم \* قرص قرطاسهال صغراوی را که در تمها بهم میرسد نافع است \* صنعت آن قرطاسهال بزرالتمام بربان  
 کرده حب الاس بلوط اجزا مساوی کوفته اقراض سازند شربتی یکد رم تا یکمقال با شراب سیب یا مورد \* قرص کزمازج  
 به نسخه صاحب الصنائع نافع از برای جمیع امراض طحال و گفته که دمان باین قرص زائل میگرداند ملابت طحال را \*  
 صنعت آن کزمازج چهار رمثقال فلفل سنبل الطیب اسارون اشق از هر یک دو رمثقال اشق را در سرکه منصل خیسایند و حل  
 سازند و باقی دواها کوفته پیخته با آن سرشته اقراض سازند و قد مستعمل یکمقال با سکنجبین بزوری یا ساده \* قرص  
 لبوب قرحه مجاری بول و مثانه را از ریم پاک کند \* صنعت آن مغز فلق مغز پسته مغز بادام شیرین مغز دانه آبی مغز  
 تخم خربزه مغز تخم خیارین مغز تخم کد و مغز تخم هند را نه مغز دانه محاب تخم خشخاش نشاسته تخم خطمی تخم خیاری رب  
 السوس کل ارمنی مغز چلغوزه دو قورازیا نه تخم کرفس از هر یک دودرم اجزا کوفته پیخته با لعاب تخم کتان بسرشد و  
 حب سازند و خشک نموده هر روز یک مقال با جلابی که مناسب مزاج باشد داخل کرد و بد هند \* قرص مبارک تب  
 دق و محرق و برقان را نافع باشد و تشنگی به نشاند \* صنعت آن ورق کل سرخ ترنجبین از هر یک پنجد رم طباشیر سفید  
 مغز تخم خیارین از هر یک دو نیم درم تخم کاهوشه درم و نیم مغز تخم کد و درم رب السوس یک مقال کافور یک انگ



و در شود \* قرصیکه قرحه و ریش کرده و مثانه و جگور پاک کند \* صنعت آن صمغ عربی صمغ الکویتراشسته بر خون  
 طیار شیر کل مختوم مغز تخم خیارین اجزاء همه مساوی کوفته پیخته قرص سازند شربت از دودرم تا سه درم با مسکه است  
 قرصیکه قرحه و جرب مثانه و سوزش بول و بول الدم را نافع بود \* صنعت آن لحیم جنبش سفید و سیاه از هر یک حصا  
 مثقال نشاسته کثیرا صمغ عربی از هر یک یک مثقال بزر البنج پنج مثقال ریوند چینی نیم مثقال اجزاء کوفته بجای آب  
 الحبل سرشته قرص سازند شربت دودرم با سکنجبین سقر جلی \* قرصیکه سنگ در یک که در کرده و مثانه باشد سکنج  
 بر آورد \* صنعت آن تخم جرجیر بری تخم کرفس بستانی سلیخه د ارچینی سنبل الطیب از هر یک جزوی کوفته پیخته بد ستور  
 قرص سازند شربت دودرم با آب حنک \* قرصیکه نفث الدم را باز دارد و دل و دماغ را قوت دهد \* صنعت آن کل سرخ دو  
 درم طباشیر مروارید ناسته صندل از هر یک یک درم مغز تخم خیارین مغز تخم کد و از هر یک پنج درم تخم خرفه سه درم  
 زعفران نیم درم اجزاء کوفته پیخته با لعاب بزر قطونا قرص سازند شربت یک مثقال با سکنجبین \* قرصیکه مسلول و نفث  
 الدم را سود دارد \* صنعت آن صمغ عربی کل ارمنی از هر یک دودرم خرنوب شامی پرسیا و شان شاه بلوط نشاسته بریان  
 کرده از هر یک نیم درم یک ستور معمول قرص سازند شربت با شراب حب الاس \* قرطم یضم قاف و سکون را و هم طای فیهله  
 بکسر هر دو نیز آمد و سکون میم تخم معصرا است که بفارسی تخم کافیشه و خشک آنه و در کیلان تخم کاجیره و بهندی  
 کوبکاف تازی و رای چهار نقطه هندی و کسنبه کایم نامند و آن تخم احر یص است سفید اندک طولانی صومری شکل  
 پهلو دار میباشد در دو نیم کرم و در اول خشک و شیرۀ آن مسهل اخلاط سرد و خسته و بلغم لزج را رافع سرفه و ریه و مفتوح سینه  
 منجمد کنند شیر در معده و کد ازند و منجمد آن وجهت مالیخولیا و سواس و جذام و جرب و نیکو کردن رنگ رخسار  
 استسقای لحمی و زقی نافع و چون پنج درم آنرا با نیمرطل شیر تازه حل کرده صاف نموده بنوشند رافع ریاح و فوکلان و امراض  
 بارده و منقعی سینه و صوت است و سی مثقال از شیرۀ آن با افیمون جهت امراض سوداوی و با خیار شنبلیله  
 بلغمی و با غسل و نظرون و مغز بادام و انیسون و فلفل جهت تنقیه دماغ و بدن از جمیع اخلاط با انجیر یا غسل و خروج  
 کرده جهت قولنج و اسهال بلغم محتوق فاسد و درد مفاصل و شری و بخارات دموی و با مزورۀ ماش و نخود آب منضج و محلل  
 و مسهل بلغم رقیق و سوخته و حقنه با شیرۀ آن قولنج و امراض دماغی را مغین و جوشانیدۀ آنرا قوت مسهل ضعیفتر و مضر  
 معده و مصلحش انیسون و شربتش از دودرم تا بیست درم و قرطم بری شبیه به بهتانی است و ساقهای آن بی برگ و سفید و  
 در آخر ساق برگ و کل و ثمرش ظاهر میشود و کل آن زرد است در دو نیم خشک و در گرمی معتدل و شرب یک مثقال آب برگ و ثمر آن  
 با نیم مثقال فلفل با شراب جهت کزیدن عقرب نافع و کوبیدن مادام که عقرب کزیده آنرا در دست نگاه دارد احساس الم نمی کند  
 و چون بپزند ادراک مینماید \* دواء القرمط شیخ الرئيس رح فرموده که موافق ترین دوائی است از برای پیران  
 و اسهال مائیه \* صنعت آن مغز حب القرمط قسط تلخ از هر یک سه بولوسات انیسون نظرون از هر یک یک درم رخمی ادویه  
 کوفته پیخته با انجیر خشک و عسل سرشته معجون سازند شربت مقداری که در کان یا د و کردگان بد رستیکه اسهال مائیه  
 بشهولت مینماید و بولوس یکد آنک مثقال و بقولی یکد آنک درم است و در رخمی یک مثقال و بقولی یک درم است \*  
 دواء القرمط دیگر نیز از شیخ الرئيس رح که پیران را بسیار موافق است و رافع قبضیت ایشان \* صنعت آن بکیرند مغز  
 حب القرمط هر قدر که خواهند و باد و وزن آن انجیر سرشته مقداری که چوزۀ عند الحاجة تناول نمایند و تا در چوزۀ  
 نیز و اگر خواهند شیرۀ آن هردو را گرفته بقوام آورد و معجون سازند شربت یک اوقیه تناول نمایند \* دهن القرمط  
 قریب الفعل است بدهن بزرگان و قائم مقام بزرگان و انچه است و از آن ضعیفتر جهت ریه و تحلیل اوزام و اخراج کرم





بیعدیل است و شراب آن بموالتب از خموقویتر و اکورنفل را با کلاب صرف تقطیر نماید میباشند ما ده خوشبوئی ها وی  
گویند قرنفل مضر کرده و امعا است و مصلحش صمغ عربی و قد و شربتش قایک مثقال و بد لش مثل آن دارچینی و در  
آن بسیار سه است و گفته اند دشتی نیز میباشند و آن دانه های ویژه صلب است و بسیار مکیف که از خوردن آن کیف بسیار  
عارض میگرد \* قرنفل بستانی فرنجمشک است که بهندی رام تلخی نامند \* قرنفل کباش نوع از قرنفل کباب است  
جوارش قرنفل مقوی اعضای رئیس و رافع غشیان و رطوبات فاسد معده است \* صنعت آن قرنفل شش درم بسیار سه  
زرنبا دخولنجان صندل قرص کل دارچینی عود هند صندل لطیف قاقله دارنفل از هر یک یکدوم کل سرخ چهار درم  
اصل السوس قرص غالبه از هر یک دودرم کبابه چینی عنبر شهاب از هر یک یکدوم مشک تبتی ثلث درمی با شکر سبیل  
عسل سفید بقوام آورده بقل رکفایت بد ستور مقوم مرتب نمایند شربتی یکدوم تاد درم \* جوارش قرنفل دگر  
صنعت آن قرنفل عود خام از هر یک سه مثقال مصطکی عا قرقر حا از هر یک یک مثقال تخم کز ترخم شبت زازیرانه کشنیز  
خشک نانخواه تخم کرفس از هر یک دو مثقال دواها را کوفته پیخته با سه بر آن همه اجزا فانیند معجون سازند و  
روز سه درم ناشنا بخورند \* دهن القونفل منقول از طب کیمیائی بواکلهوس کرم خشک است در درجه سیم نافع  
است جمیع امراض بارده و امراض کبد و معده و قلب و امعا از برودت و مقوی ارواح و نافع است امراض سرداویه  
و اوقوت او کمتر از قوت دهن بلسان نیست از داخل و خارج و قائم مقام دهن بلسان است در معاجین کبد و مواهم و التیام  
بخشند و جراحات تازه است و نافع است امراض دماغ و ضعف باصره و اوقتی که نوشید شود مقداری قلیلی از آن با بعضی  
از مطبوخات مناسبه و اگر جوارش ساخته شود یا شکر استعمال کرده شود نافع است امراض مذکوره را و نوازل فله را  
و جهت تحلیل ریاخ و فواق ریخی و تقویت هاضمه و جمیع امور و فوائد یک قرنفل آن نافع است آن نیز نافع است  
باز یاد تی اثر و لطافت \* صنعت آن بکیرند قرنفل جید هر قل و یک خواجه و در هر یک رطلی از آن یک اوقیه نیم داخل  
کرده با آب گرم با زای هر یک رطل شش رطل بخیسانند و مدتی در جای گرم بگذارند تا تخمیر یابد یعنی فی الجمله بخوش  
آید یا در سرکین اسپ دفن کنند پس تقطیر نمایند بقوع و انبیب و جد اکند دهن را از آب و بردارند و در شیشه کرده  
نکاهل اند و عند الحاجة بکار برند \* شراب قرنفل دل و دماغ را قوت دهد و فرح و نشاط آورد و دافع سردی باشد و  
صنعت آن نبات سفید یکمن پوست مغیلان ده سیر پنجم من آب بروی او کنند و در خم انداخته در سرکین اسپ خمر را  
دفن کنند و بعد از ده روز که رسید باشد آنرا پالوده عرق کشند پس قرنفل بیست سیر شاهی خولنجان دوسه شاهی  
در آن داخل کرده یکشبانه روز بگذرانند و روز دیگر عرق کشند و در وقت عرق کشیدن زعفران نیم سیر شاهی بکلاسه  
منا بین و در پارچه کتانی کرده در مشربه کنارند که عرق بران بچکد و چون تمام عرق بچکد کیسه زعفران را بشارند و  
دور کنند و عرقا نکاهل اند \* شراب قرنفل دیگر بموالتب از خموقویتر است و چون این شواب را با شکر بقوام آورند جهت  
امراض بارده و صعبه نظیرند ارد \* صنعت آن بکیرند قرنفل یکجز و آب انارین شانزده جز و عسل مصفی یک جز و در  
شیشه کرده باهم خوب برهم زده یک هفته در سرکین اسپ دفن کنند تا برسد پس بقل رحاجت استعمال نمایند \* عرق قرنفل  
مربک مذکور جهت تقویت معده و کبد و باقی خواص آن در قرنفل ذکر یافت \* صنعت آن قرنفل یک آثار بوک کل سرخ  
گل و زبان از هر یک یک و نیم آثار بوک تانبول نیم آثار خشک تازه دوا آثار مجموع را کوفته در کلاب یک شب خیسانند و عرق  
کشند و بقل را محتاج بمیشامند \* معجون قرنفل مقوی و مقوی اعضای رئیس و معده و آلات غذا و باه است و تریاقیت  
نیز دارد و هیضه را نیز نافع است و منافع بسیار دارد \* صنعت آن قرنفل چهار درم زنجبیل سنبل دارنفل خیر دوا

حوزیوا قاتله کبار شیطان قدس قدس آری چینی تیلانی لسان العاصی فیروز و قیصر عقیقی مصطکی بادرنجبویه لسان الثور  
 خونیان فریج مشک مروارید ناسفته زمرد اعلی لعل بدخشی صندل سفید زراوند مدحرج سلیخته کل سرخ  
 یا قوت رمانی بهمنین ازهریک دودرم بسپاسه ابریشم مقروض پوست زرد اترج ازهریک سه درم پوست هلیله یک  
 درم عنبر اشهب زعفران ازهریک یک درم و نیم مشک نیم درم کوفته پیخته بعسل سرشته معجون سازند شربتینی ازیک  
 درم تادوشن ~~ل~~ قرح بغارسی کد و بترکی قیاق نامند و آن چند قسم می باشد یک قسم معجون را که وی سبز  
 کویش یک قسم سرخ رنگ مد و ربانک طولانی خیارد و آن را که وی مکی و رومی و به فارسی کد و شیوین  
 و بعضی ~~معدنی~~ و مرکب نیمه نامند و یک قسم سفید مد و بزرک و سران اندک باریک سراحی شکل بعضی اندک  
 طولانی و بعضی بسیار بزرگ و در پوست آن تخمینا دوسه من شاه برنج بکنجد و بعضی از آن مد و رشکم دارو  
 بعضی طولانی و یک قسم دیگر بسیار طولانی باریک تا به ذرع دست دید و شده و با قطاریک شیر و کمتر از آن و یک  
 قسم دیگر بسیار کوچک مد و ربانک رسیب بزرگی در هند می دهند و نامند و در شاه جهان آباد و اکبر آباد و کهن  
 بسیار میشود و این دو قسم مخصوص به بلاد هند است و بهیار نرم و نازک و لذیذ مخصوص دهند و قسم بسیار  
 طولانی باریک در بنگاله نیز میشود و یک قسم دیگر سفید مد و طولانی بزرگ در بلاد هند و بنگاله یافت می شود  
 که بعضی ~~بیشتر~~ بکنکالی کوند و نامند این نوع از همه غلیظ تر و پرورده تر و طوبت آن غالب و بعضی کویند کد و  
 رومی ~~بیشتر~~ است و بالجمعه مجموع آنها درد ویم سرد و تر و ملین و ففتح و مد ربول و عرق و مسکن عطش و قلیل الغذاء  
 جویند و با کوشش طبع دهند میباشند اسرع و وجود اشیا از جهت انضمام و محرومین را موافق و مرور را تیکه جهت تهافت  
 ساره و سرفه و حوارت کبد از آن ترتیب دهند بغایت نیکو و مرطب بدن و دماغ است و مرقه خروس بچه که با کد و طبع  
 یافت می باشد یا با مغز تخم آن رافع غشی و حمیات غشیه حار و رطوبت است چون نیکو انضمام یا بد و  
 فاسد گردد و الا متولد می گردد از آن خلط سردی و بلغمی خام و فاسد می گردد و معده و سائر اخلاط را و اگر آن اشیا  
 مناسب هر مرض مانند ماش و سیب و به و نار و حصرم و سماق و روغن بادام شیرین و اقاقیه را با زهر حاره بحسب  
 (نوع و مقدار) اضافه کرده طبع نماید جهت امراض حار و حاده و حمیات ملتهبه نافع خصوص با آب غوره و آب انار و سرکه و  
 سرکه مرکب ام که باشد هنگامیکه سرفه نباشد و بی حموضات سرفه حار را باجمعه اقسام کد و محرومین و امراض حار و  
 نافع مولد نفع و مضعف و مسقط اشتها و مضر مواد بلغمیه و سوداریه و مختومه از بلغم و استحاله بخلط موجود و با غلیظه  
 منقلب بطبع غالب می گردد مثلاً با مالح تولد خلط شور و با قبض قابض می کنند و همچنین و چون در معده فاسد گردد مانند  
 خیاض مولد خلط سمی می گردد و در مصلحتش زیاده و قوی و رطوبت و سائر ادویه حار و در صغیر و آب غوره و سرکه و انار و امثال  
 اینها است و ضماد آن جهت اورام حاره و التهاب معده و احشای و در رفع اشتعابی و خشکی دماغ و قطور آب  
 معصوم آن بار روغن کل جهت درد کوش و درم حاران و معوط آن با شیر دختران جهت سرسام و اشتعابی و بیس دماغ و  
 غوره و آب آن مفرد و یا با دویه مناسبه جهت خناق و درد کاه و خوردن آن جهت سرفه و درد سینه و التهاب صفرا و  
 درد کاه و استعمال با آب کل آن و آب مرکب آن جهت رفع درد و زردی یرقان که در چشم باشد بغایت مؤثر و در پوست  
 خشک و سوزان آن جهت قطع زرق الک و جراحت و رفع اگله و زخمها مجرب و صلاهی پوست سوخته آن بر روغن کنجد تازه  
 جهت سوختگی آتش و یا سرکه جهت بهق و برص و خوردن آن جهت بواسیر و زرق الک و احشای نافع و چون جرف کد و را  
 جهت الحلقه و مصلوح ساخته بعد از چهل روز آب را کوفته با عنایه سرشند و خضاب نمایند خضابی بسیار نیکو است و

و مغز تخم آن در دوزخ هود و در اول نرو شیر آن جهت حرقة البول و لاغری کرده و قرحه مثانه و معار خشونت سینه و روده و غث الدم و رگه و تپهای حاره و تشنگی مفید و روغن تخم آن جهت رفع بی خوابی و بی هوشی دماغ و مغضض صفرا و وی و تپهای حاره تن هینا و شراب بیدیل و قلندر شربت از مغز تخم آن و روغن آن هفت مثقال و یک لاش تخم هینا و آنکه بوج آن مسکوما نند بیدیل و بیدیل شبیبی است و چون کد و را از پوست جد کرده مجموع را با پیله کرده بزدند و نیکو بکوبند و در آب بجوشانند تا مهورا شود و بکنارند تا سرد شود و در چربی آن را جمع نمایند در ترتیب قویتر و سرد تر از روغن آن است که با روغن کنجد ترتیب میدهند و اطباء هند کسی که کشته فلزی از فلزات خورده باشد و خواهند که رفع اذیت آن از روغن نمایند و دفع ما زدن یک عدد پسته را گرفته سر آن را بریده و قدری از مغز آن بر آورده مجوف ساخته بمقدار نیم پار قند سیاه که بهند میگردانند که یک پارچه باشد در جوف آن گذاشته سر آن را از همان قطعه که بریده اند استهلاک میکنند و آن سما می کنند از آن و صبح آنچه از آن قند که اخته شده با آب آن آمیخته باشد صاف کرده میخورانند و شب دیگر قند و آن قند و پسته را باز در تحت السما کند آشته صبح آب صاف نموده بخورانند و همچنین نارفع غائله آن کرده و جهت استهلاک بول آن را در ظرفی میکینند و میکوبند که آن فلز بجنسه باد را در دفع میشود و بر می آید \* خلوا فی قرق در حوض قریب بمر یا ص آن است و روغن آن اقوی از روغن دار آن \* صنعت آن مانند اترج و سب و به که و سب و به و دیگر است \* دهن القرق بکینند کد و را و پوست آن را دور کرده بدستور بتما می بکوبند و آب آن را فشرده بکینند و با روغن کنجد تازه بجوشانند تا آب رفته روغن بماند جهت حمی دق و مالیخولیا و حرارت و بی هوشی دماغ و تشنگی و بی هوشی و سرفه حار و نرم کردن صلابات بسیار مفید و طبع آنرا سرد و تر و مرطوب بدن است و اگر آب معصومان را با با سوزان نه روی طبع دهند و صاف نموده با روغن تخم کد و در قند مضاعف بجوشانند که آب رفته روغن بماند در وقتی از آب آن در آن باقی باشد تن هینا بد آن و قطور با آن جهت صدا ع حار و خشکی دماغ و رفع بی خوابی و در کوشش خاص خصوص آنکه اندکی آب کدوی تازه ممزوج با آن نچوده باشند و چون آن را بر یا فروخ و خیاشیم و کف دست و پا بمالند مفید و در تنویم بی عمل است \* قرق المر که کدوی تلخ است و بهند می تو مری نامند کوچک میشود و بسیار گرم و سهی و اندکی از آن مقوی و قوی فرمودن با آن جهت ضیق النفس و سرفه بارد و رطوبی نافع و بید آن که بهند می بکوبند نامند محلل اورام بارده است طلاء و ضماد مفردا و مرکبا بادویه مناسبه دیگر و کوبند چون کدوی تلخ خشک را بشکافند و در سر آن پرده که مانده پرده عنکبوت میباشد بر آورده نرم سوده اندکی از آنرا سقوط نمایند و رقان صفرا و آن چشمها و رخساره همه زرد شده باشد نافع است با خراج رطوبات و بلاغم زرد رنگ از بینی و آزموده است \* ماء القرق خلوج جهت اکثر امراض حاره مانند صدا ع حار و موی و صفراوی و حمی دق و سل و حمیات صفراوی و دموی و حرقة البول و هوی مزاج حار کبد و عطش مغرط و التهاب نافع است \* صنعت آن آنست که بکینند یک عدد کدوی شیرین که تخم آن خوب بسته نشه باشد و بسیار خام هم نباشد و آنرا بکل سرخ و آرد جو درهم سرشته یا آرد جو تنها و یا بکل تنها و اگر در زیر آرد جو و بالای آن کل بکینند بهر است و بعضی جو در دست بسیار بوان کد و فرو میگردانند و تخمیر آرد جو کل گرفته بدستور و بکنارند بر روی تابه یا بر آرد جو در تنور بیک گرمی آن فرو نشسته باشد و تمام شب در آن تنور باشد تا مشوی گردد پس صبح از تنور بیرون آورده کل و خسر را از آن جد میکنند و سر آنرا بریده آنرا بغشارند و آب آنرا بکینند و صافی نموده با برف و یخ سرد کرده با آب اناریا سوزان شکر را تنها یا شکر سفید یا نیشکر تنها بمالند و در مواجیکه صفرا باشد با حموضات مناسبه بنوشند اگر سرفه نباشد در در هنگام سرفه یا سویق شغیر و قلیلی شربت نیلوفر گرم و اگر شربت کرمی و التهاب و عطش

بسیار به تنهایی و خالص بپاشا مندل و آشامیدن آن با عسل و اندکی نظارون مهمل باعث ال صغرا است و یا نلوس  
 حیاتین و برنجین و خمیره بنفشه جهت تهیای صغرا و دمود مو و یا تمر هنلی و شکر جهت اخراج صغرا می سوخته  
 و حرارت را باغ و سوسا و مالینخولیا و جنون و درد سر یک از بخارات جاری باشد و تمقیه هوا کرده و اما معافیل  
 مقدور است آن تا چهل و پنج مثقال و صاحب شفاء الاسقام تا چهار اونیفه گفته و شیخ الرئيس روح در معالجات قانون در  
 ذرات الجنب نوشته ماء القرع هر چند نافع است از جهتی و بسا است که ضرر میرساند و ضعف می آورد سبب کثرت ادرار  
 خود در موای قرع که مسبر نامند انطاکی کوید که واضح آن ابقراط است عسلی آن معتدل و محرک با ل و مسکن بدن  
 و مفتوح معد و ملطف اخلاط و مقوی احشا و کثیر الغل اء و دافع اخلاط هو خسته اسهال و سکر می آن در اول  
 تر و در صغراست معتدل و مولد خون صالح و مانع صعود ا بخاره بدن باغ و مالینخولیا و رسک و رود و از انواع جنون و درد سینه  
 سرخه و ضعف معده و جگر و حرقه البول و با خشخاش جهت دفع بخوابی و با مغز بادام شیرین جهت تسخین بدن  
 موثره است آن بکیرنگ کل و از نو سمد و تخم و بود آذر و در نموده و لحم آن را قطعات برید و اندکی خار زده و بار بشته  
 ریشه برید و یا از آن و تراش کد را نیک و در آب آمک زمانی بکن از آن پس بر آورد و نیک و شسته بخته یک ستور مر بای لحم  
 اتوج با عسل یا شکر مرتب نمایند و اگر اندکی صندل و مصطکی اضافه نمایند میگردد اقوی \* مصلح قرع \* ملطف و  
 هضم و مسکن است خون و صغرا است \* صنعت آن بکیرنگ قرع را بد ستور یک در مر بای آن ذکر یافت و لیکن قطعات  
 این را کوچک تر در آن کل و را بطریق ریشه نیز برید و مرتب میسازند و درین بدن و ریشه اکثر ترتیب میدهند و  
 بعد برید و زمانی در آب آمک صاف بکن از آن پس بر آورد و پاک شسته در آب طبع دهند و بعد بختن آب آنرا فشرده  
 از آب ریشه پاکیزه خشکی نشاء رطوبت آن نموده در سرکه اند از آن و قد ری نمک و چند دانه قرنفل و فلفل و قلیلی سیاه دانه  
 صغرا را کف قاشق نموده در آن اند از آن و بکن از آن تا برسک و اگر چاشنی دار خوا همد سرکه را با قدری شکر چاشنی  
 گرفته کن و در آن اند از آن و بکن و جوشی داده مصالح مسطویه و سوا ی نمک در آن اند از آن و چند روز بکه بکن از آن  
 تا بر سره پس هفت الحاجت تناول نمایند \* قرص \* بفتح قاف و کسر و از مهمله و یا ی مثقال تحتانیه و  
 صمد مهمله غلانی است که از لکوم لطیفه ترتیب میدهند مسکن است خون و صغرا و قاطع بلغم و مضر سودا و عمل  
 این تناسل است \* صنعت آن بکیرنگ ماهی یا بزغاله یا چوجه مرغ یا پاچه کوسغند یا بزهرک ام که باشد و خوا همد  
 با سرکه و با ترشیه های دیگر و میوه های تر و تازه که قاسد نشد و باشد طبع نموده میل نمایند \*

**باب القاف مع السین المهمله \*** قسطا بضم قاف و سکون سین مهمله و طای مهمله مثاله بیخی است  
 مشبیه به بیخ آفاح و از فواحی همد خیزد و نجاتش مغر و ش بر زمین و بی ساق و برکش عریض و سه قسم میباشد یکی  
 شیرین سبک و سفید با عطریات و آنرا قسط بحری و عربی نامند و قسمی با اندک زردی مائل بسیاهی و سبک و  
 سطر و کم بو و تلخ و آنرا قسط هندی گویند و قسمی مائل بسرخ و سنگین و در وزن شبیه بیخ شمشاد و خوشه و  
 بی تلخی است و از مطلق آن مراد قسط شیرین است و بهترین آن سفید تازه رقیق القشر کرم نخورد است که اندک  
 زبان را بکزد که قسط بحری نامند و بعد از آن همد سیاه سبک وزن که بهند است نامند و بعد از آن سیاه شامی و  
 قوش تا چهار سال باقی است و فرق میان آن از راهی که قسط شامی نامند علم عطریات را سن و علم کزاندکی  
 زبان و صلابت آن در سیوم کوم و خشک و گفته اند که درد ویم کوم و خشک است علم ریول و حیض و جاذب سهوم و خون  
 و مائل اخلاط از عمق بدن و تریاق جبرانی خصوصاً عقرب و رقیلا است و مفتوح سده جگر و درد ها و قاطع اخلاط غلیظه

غلیظه و لزجه و مبهی و کشتن و اقسام کرم معده است و جهت در در رحم و در سینه و سگافکی عضل و تقویت معد و جگر و دردهای مزمنه بارده و ماعی و لیث و غس و عضلات و معده و مفاصل و پیراکنه و کور و بیلان و ریاح و معده و ماعی و تحلیل ریاح و اخراج سنگ کرده و ادرار بول و اخراج و بیلان و حبس و قرح و جهت تسخیم و غیر عضویه که اراده تسخیم آن باشد و با سنگ چینی جهت تب ربع و با غسل جهت ریز و صلیق النفس و سرفه که نه و نه و نه سینه از اخلاط لزجه و یوقان و علل سوز و استسقا و تشنج و کزاز و ریشه و خل و رافع و خور و نکه و قال این با خمر و افستین مزیل اوجاع و در ریه و سیم افعی است و بخور آن قاتل جنین و مخرج آن و رافع باد و تمام و صمد آن جهت کف و عرق النساء و دردهای بارده و زاله آثار جلد و بار و غن زیتون جهت رفع لز و فالح و استرخا و در کوش و سقوط آن جهت درد سر و مزمن و در روزه آن جهت قروح و طبع مفید و فرجه آن مد حیض و قاتل جنین و مخرج آن و در ستور جلوس و در طبیع آن و لطف آن بر سر جهت تسیم و طلاهی آن با سرکه و قطران و غسل جهت داء الثعلب و در بیلان موی آن موضع و نمش و برش نافع و مضومثانه و مصلحش کل انگبین و مضرر نه و مصلحش انیسون و قد و شربتش یک گرم و بیلان نصیب وزن آن ها قرقرها است و دواء القسط شیخ رئیس گفته که این در اناج است از برای کبد و معده و صنعت آن

در از چینی سلیخته سیاه قسط از هر یک سی درم زعفران هشت درم انیسون تخم کرفس از هر یک ده درم اسرارون بیست و نه درم ریوند چینی ده درم فجاج از هر یک چهار درم مر و ادر شرباب غلیظ بخیسانند و بهالایند و ادویه را کوفته بپخته و غسل نخل کف گرفته سه وزن ادویه بقوام آورده اول مرتبه مراد را نحل کنند پس باقی ادویه را با آن بروشند شربت از یک گرم تا دو درم \*

**فصل در ذکر نسخه ادویه نیکه اصل و محمود در آن**

قسط است \* دهن القسط الصغیر آتشا میبدن آن نافع است از برای برودت اعضا خصوصا کبد و معده و صفتش سرد است و مشد و مقوی اعضا است و نافع است از برای فالج و لقوه و استرخا و تشنج و رنگ رو را نیکو کرده است و حفظ کند موی را از سفید شدن \* صنعت آن به نسخه شیخ رئیس در قرابادین قانون قسط تلخ ده درم سلیخته شش درم برک مرما حوزده استار نیم کوفته و شراب یک شب بخیسانند پس روغن کنجد تازه بکرطل و نیم دران داخل کرده در قف و مضاعف طبخ دهند تا آنکه شراب تمام تحلیل نمایند و روغن بماند و بهالایند و در شیشه کرم کرده سر آذر محکم بسته نگاه دارند و در نسخه حنین بن اسحق بجای مرما حوز برک مرما حوز بکمال آورده و در نسخه دیگر قسط تلخ یکصد درم و سلیخته شش درم و برک مرما حوز چهل مثقال و در نسخه محمود بن الیاس قسط تلخ ده اوقیه و سلیخته سیاه شش درم و برک مرما حوز یکصد درم است \* دهن القسط دیگر به نسخه شیخ رئیس که مستعمل اهلها است نافع است از برای وجع کبد و روغن مفاصل از برودت و استرخای شقی از بدن \* صنعت آن قرنفل یک اوقیه قصب الک ربوة سنبل الطیب ساذج هند میعه سائله اصل السوسن الاسمانجونی قرقة الطیب اشنه قسط تلخ از هر یک دواوقیه راس سلیخته سودا از هر یک یک اوقیه مرمری صافی نیم اوقیه ادویه را نیم کوفته در سرکه انگور یک شب بخیسانند و آب و روغن کنجد یا زیت هر کدام که باشد از هر یک پنجرطل بر روی آن کرده در قف و مضاعف بهترند تا آب برود و روغن بماند پس فرود آورده بهالایند و نگاه دارند و در نسخه دیگر این دهن مرمری صافی پنج درم است و یک اوقیه عود بلسان افزود ادویه است و وزن قرنفل نیم اوقیه است و آورده اند که ادویه را نیم کوفته در سه من آب بجوشانند تا بیک من برسد پس نیم من روغن کنجد در آن داخل کرده باز بجوشانند تا آب برود و روغن بماند و در نسخه دیگر عود بلسان دواوقیه و جزویا یک مثقال داخل دارد و باقی موافق نسخه شیخ رئیس \* دهن القسط الصغیر به نسخه صاحب اختیار است بل یعنی \* صنعت آن

قطر چهل درم سلیخه سودا شش درم ورق مرزنجوش چهل مثقال مجموع را نیم کوفته در شراب کهنه یک شبانه روز  
 نجیب کنند و بعد از آن بجوشانند و با آتش ملایم و بیالایند و با نیم من روغن کنجد تازه یا زیت کهنه که در آن داخل  
 کرده باشند بجوشانند تا آب برود و روغن بماند \* صنعت این دهن به نسخه یحیی بن عیسی بن جزله قسط تلخ ده او قیه  
 سلیخه سیاه شش درم برگ صاحب چهل مثقال اجزا را نیم کوفته در یک رطل و نیم شراب یک شبانه روز بخیسانند  
 پس یک رطل و نیم روغن کنجد داخل کرده در رقد مضاعف بجوشانند تا شراب برود و روغن بماند پس فرود آورده  
 سرد کرده بیالایند و در شیشه نگاه دارند \* صنعت این دهن به نسخه قلا نسی قسط تلخ ده او قیه سلیخه سودا شش درم  
 ورق مرما حوزده سیرکه هر سیرک چهار مثقال است و اگر برگ مرما حوز معول باشد بدل آن برگ مرزنجوش داخل کنند  
 اجزا را نیم کوفته در آب و شراب بقدر یک از روی آن برگ در یک شبانه روز بخیسانند پس بجوشانند تا به نصف رسد  
 بیالایند و داخل کنند در آن پنج وزن آب زیت طیب بر آتش اخگر کنند تا آنکه آب بتمامه برود و روغن بماند  
 برداشته سرد کرده در شیشه کرده سر آن را بسته نگاه دارند \* صنعت آن به نسخه صاحب منهاج الک کان قسط تلخ پانزده  
 درم مرزنجوش سلیخه ازهریک شش درم ادویه را نیم کوفته یک شبانه روز در شراب کهنه یا سرکه خمربخیسانند پس در رطل زیت  
 اتفاق داخل کرده بجوشانند تا خمر برود و روغن بماند پس بیالایند \* دهن القسط دیگر به نسخه صاحب منهاج الک کان  
 نافع از برای ریاح از برای فالج و لقوه و ضعف اعصاب و ضعف اعضاء ریه و کزاز و تشنج و از برای نافض و بود در حمیات \*  
 صنعت آن قسط تلخ سی درم سلیخه سیاه برگ مرما حوز و اگر نباشد بدل آن مرزنجوش ازهریک پنج درم آنچه ضرور باشد کوبیدن  
 آنرا نیم کوفته در شراب کهنه بقدر یک از روی دوا بکورد و شب و بکر و زنجبیل و پنبه و در آن زیت اتفاق یک  
 رطل و یک شمشاد آرد با آتش اخگر یا آتش ملایم تا آنکه شراب برود و زیت بماند پس آنرا بیالایند و بگیرند سنبل الطیب  
 سنبل رومی و میوه سائله قرنفل جوزیوا ازهریک یک مثقال چند بیل ستر نیم درم کوفته بیخته در آن حل کرده در هاون سنگی  
 بپاشند و با انگشتانیکو مخلوط شود در شیشه کرده سر آنرا بسته نگاه دارند \* دهن القسط دیگر این دهن قسط را سید  
 اسمعیل در ذخیره ذکر کرده در مرض سکنه و چون این دهن را در رسکته بلغمی بر مهورهای پشت و گردن و عقب سوبالند نافع  
 است و این دهن سود منیل است از برای جمیع امراض و اوجاع بلغمی حادث در سر و اعصاب و مفاصل \* صنعت آن ابل  
 از خرمکی راسن و ج ترکی ازهریک ده درم قسط تلخ سی درم سنبل الطیب ده درم مجموع را نیم کوفته در یک من و نیم  
 آب بجوشانند تا زمانیکه آب خوب سرخ شود پس بیالایند و استراحت زیت طیب داخل نمایند و آن مقلد از بجوشانند  
 که آب برود و روغن بماند پس سه درم چند بیل ستر و یک مثقال فریون برود داخل کنند و در هاون سنگی بپاشند و با انگشتانیکو  
 تا نیکو مخلوط شود و نگاه دارند \* دهن القسط دیگر که قویب است به نسخه دیم شیع الرئیس رحمه الله تع امراض بارده  
 را نافع باشد و منحل مواد غلیظ بود و اعصاب را قوی کرد اند \* صنعت آن قرنفل سلیخه سیاه ازهریک ده درم قسط  
 الی ریدو سنبل الطیب ما ذج هند یاشه چند بیل ستر قسط تلخ ازهریک بیست درم خرمکی صافی پنج درم بیخ سوسن  
 آسمانچونی راسن ازهریک سه درم جوزیوا و درم ادویه آنچه کوفتنی است نیم کوفته در دهن من آب خالص یک شبانه  
 روز بخیسانند پس با آتش نرم بجوشانند و بیالایند و دهن روغن کنجد اضافه کنند و چند آن جوش دهند که آب  
 سوخته روغن بماند پس فرود آورده سرد کرده در شیشه نگاه دارند و در نسخه دیگر بیخ سوسن و جوزیوا و راسن  
 داخل اند \* دهن القسط جمیع امراض بلغمی خصوص صاع بلغمی و شقیقه و فالج و لقوه و سببات و سکنه و جمود و  
 تشنج و امثال این امراض را بنهایت نافع است و در صاع بلغمی بعد از خوردن چوب چینی بل ستر و یک در ستر و رات ذ

ذکر شد ما این ن این روغن بر سونفع بلیغ دارد \* صنعت آن قسط تلخ فلفل عاقر قرحا فرغفل منورج از هر یک هفت درم  
نیم کوفته در یک رطل شراب ریحانی یا آب شب بخیسانند و صبح بکرطل روغن زیتون یا روغن کنجد داخل کرده باشند  
ملایم بجوشانند چند آنکه تمام آب برود روغن بماند صافی نموده در مثقال و نیم چند بتل ستر سوده در آن حل سازند  
و بعد از دو هفته بکار برند \* دهن القسط دیکر تالیف نجیب الدین سمرقند \* صنعت آن قرغفل بخورم سنبیل الطیب  
بیج بنفشه ساذج هند ص قرقه اشنه قسط تلخ از هر یک ده درم راسن عود بلسان سلیخه سیاه از هر یک یک درم مومکی صافی  
سه درم مجموع را نیم کوفته یک شب فروزد آب صافی پنج من بخیسانند پس بجوشانند تا نیمی بماند پس یک  
من روغن کنجد داخل کرده بجوشانند آن مقداری که آب سوخته روغن بماند پس در شیشه نگاه دارند و در وقت حاجت  
این روغن را با روغن اول یعنی روغن قسط صغیر یک جا کرده استعمال نمایند \* دهن القسط ما رستانی \* صنعت آن  
قرغفل یک اوقیه + ذخرمکی هشت درم زعفران چهار درم سنبیل هندی سنبیل رومی بیج سوسن آسمانچونی اشنه قرقه  
قسط تلخ از هر یک دو اوقیه سلیخه سیاه یک اوقیه مومکی صافی نیم اوقیه دریه را نیم کوفته یک شبانه روز در سرکه  
انگوری بخیمانند پس پنج رطل زیت طیب و نیم رطل روغن کنجد در آن داخل کرده با تش ملایم بجوشانند تا سوه رفته  
روغن بماند از آتش فرود آورده بهالایند و در شیشه نگاه دارند و سر آن را محکم بندند \* دهن القسط دیکر مستعمل در  
ما رستان \* صنعت آن قرغفل یک اوقیه قصاب الد ریه سنبیل هندی سنبیل رومی میعه سا ئله بیج سوسن آسمانچونی  
قرقه اشنه قسط تلخ از هر یک دو اوقیه زنجبیل راسن فارسی سلیخه از هر یک یک اوقیه مومکی صافی نیم اوقیه دریه را نیم  
کوفته در شراب کهنه و شبانه روز بخیسانند پس با تش ملایم بجوشانند آنقدر که قوت درها را بشارب باز دارد شود  
پس فرود آورده بماند و بهالایند و داخل کنند در آن زیت طیب و روغن کنجد از هر یک یک رطل و با تش ملایم بجوشانند  
تا آنکه خمیر برود و روغن بماند پس فرود آورده سرد کرده در شیشه نگاه دارند و سر آن را محکم بندند و در کرفس  
یافت نشود بدل آن بوزن آن سنبیل و ذخرمکی و ربع وزن آن زعفران داخل نمایند نقل کرده این را فلفلی می نامند  
از کتاب ابد ال از حد بن ذکر یارازی \* دهن القسط به نسخه ثابت بن قرقه نافع از برای فالج و رطوبات فاسده و امراض  
از بلیغ \* صنعت آن قسط تلخ یک اوقیه فلفل عاقر قرحا فرغفل منورج از هر یک سه اوقیه چند بیج ستر بیج اوقیه مجموع را نیم کوفته  
در نیم رطل آب خالص و نیم رطل روغن خیری بد ستر مقرر طبع نمایند و در وقت حاجت با آبیکه ترنجبین بقل رها جت  
در آن حل کرده صافی نموده باشند بقل یک مثقال داخل کرده بکار برند \* دهن القسط به نسخه دیگر نافع از برای فالج  
و رعشه و تشنج رخل رجون بر منابت اعصاب طلا نمایند \* صنعت آن قسط تلخ هفت مثقال سنبیل الطیب سه مثقال کوفته  
در آب بجوشانند تا بیکرطل رسد پس در یک رطل زیت بجوشانند تا آب برود و روغن بماند پس هر دو را یک ستور اول در  
آب بجوشانند و در روغن مذکور داخل کرده باز بجوشانند تا آب رفته روغن بماند و همچنین تا سه مرتبه پس  
صافی نموده در آن چند بیج ستر دو مثقال فلفل سوده میعه سا ئله از هر یک ده مثقال داخل کرده درها و ن سنگی بد بسته  
بماند تا نیکو مخلوط شود پس بهر موضعی که میخواهند طلا نموده اول کیسه خام بر آن بماند تا سوره شود پس روغن را  
بماند و لحافی پوشیده بخوابند تمام شب \* صنعت این دهن به نسخه دیگر قسط تلخ بیست مثقال سنبیل ده مثقال کوفته  
در یک رطل زیت بجوشانند و صافی نموده با زهر در آن بجوشانند و بهالایند و مرتبه سیوم نیز همین عمل نموده پس بعد  
از صافی نمودن چند بیج ستر سوده در فلفل سوده از هر یک بیست مثقال میعه سا ئله ده مثقال در آن داخل نموده درها و ن  
سنگی بد بسته بماند تا نیکو مخلوط شود پس در شیشه نگاه دارند و بوقت حاجت استعمال نمایند \* دهن القسط به نسخه صاحب



منهاج الدكان گفته که مستخرج این دهن مرا معلوم نیست \* صنعت آن اذخر مکی سنبیل الطیب لبان ذکر مصطکی رومی  
 افستین درمی روزه یک درم سنبیل تلخ یک دانه ادویه و کدو آب بجوشانند بغیر از مصطکی و لبان تا قوت ادویه بآب باز داده  
 شود پس انوار بیالایند و نیم رطل زیت طیب داخل کرده بجوشانند تا آب برود و روغن بماند پس مصطکی و لبان را داخل نموده  
 بکند این تا این هر دو رطل اختلاص شود پس از آتش بر گرفته سرد کرده در شیشه نگاه دارند \* دهن القسط منقول از  
 منصوری محمد بن حکم رازی \* صنعت آن قسط تلخ دو ادویه جید بید ستر فریون عاقر قرچا فلغل ازهر یک چهار درم ادویه  
 و نرم کوبیده پس بکینرنگ یک رطل روغن خیری و آنرا با آتش نیم گرم نموده ادویه کوبیده را در آن داخل کرده مخلوط سازند  
 و در شیشه کرده بیست روز در آفتاب بکند و روزی و هر روز در مرتبه برهن زدن پس بکار برند \* دهن القسط به نسخه شیخ ابو  
 انطاکی نافع از برای امراض بارده مانند استرسا و فالج و لقوه و این روغن محال زیاج است و صنعت صد آن \* صنعت آن قسط  
 تلخ سی درم سنبیل سودا برک مرچا حوز ازهر یک پا نود درم سنبیل الطیب قرقرچا ازهر یک یک مثقال چند بید سترشده  
 حوزیو ازهر یک نیم مثقال به پزند چنانچه مقر است لیکن با سرکه انکروی و زیت طیب بکار برند و در اصل نسخه اشده  
 داخل نیست \* دهن القسط به نسخه حکیم میر محمد مؤمن نافع از برای عشته و فالج و تشنج رخ و امثال اینها و از برای اعضای  
 دردناک و بایک که اعصاب و اعضای دردناک را بکشد در شتی بمالند تا سرخ شود و در شب تلخ همین نموده بخواب روند \*  
 صنعت آن قسط تلخ سنبیل الطیب ازهر یک بیست و دو مثقال کوبیده و در یک رطل زیت طیب و یک رطل آب بجوشانند  
 تا آب برود و روغن بماند پس بیالایند و با آن روغن را با یک رطل آب بر روی ادویه کرده بجوشانند تا آب برود و روغن  
 بماند پس بیالایند و با آن روغن را با یک رطل آب بر روی ادویه کرده بجوشانند تا سه مرتبه و اگر بعضی آب هر مرتبه عرق  
 بدارد آنرا عرق باد بیان کنند بهتر است پس بیالایند بعد از آن چند بید ستر فلغل سیاه فریون میده سائله ازهر یک  
 درم مثقال در آن حل کنند و در شیشه نگاه دارند \* دهن القسط دیگر به نسخه صاحب نجمه \* صنعت آن ابله راسن و ج  
 ترکی از هنر مکی قسط تلخ ازهر یک جزوی سنبیل دو جزو اجزا را نیم کوفته در آب بپزند تا آب سرخ شود پس بیالایند و باز  
 در آب کوفته مقل آن آب زیت داخل کرده با آتش ملایم بپزند تا آب برود و روغن بماند پس فرود آورده در هاون سنگی  
 کرده چند بید ستر فریون فلغل کوفته به نسخه داخل کرده بکشد بماند تا نیکو مخلوط شود و در شیشه نگاه دارند \* دهن  
 القسط فالج و لقوه را نافع بود و عصبها را قوت دهد و جگر و معد را شود و در سیاهی مری را نگاه دارند \* صنعت آن قسط  
 تلخ درم فلغل سیاه سه درم عاقر قرچا چهار درم فریون سه درم چند بید ستر و درم و نیم همه را نیم کوفته در نیم من شراب  
 ریحانی بکشد شبها نوزد بخیسانند پس با آتش ملایم جوش دهند چند آنکه نصف بماند پس بماند و بیالایند و نیم من  
 زیت طیب داخل کرده بجوشانند تا شراب برود و روغن بماند از آتش فرود آورده نگاه دارند \* دهن القسط جگر و معد  
 و نافع بود چون بیالایند چون برهملیکه موی رفته باشد بماند موی را بر ویانند و عصاب را محکم کند \* صنعت آن  
 قسط تلخ یک درم حوزیو چهار درم سنبیل سیاه شش درم مجموع را نیم کوفته و شراب ریحانی بکشد بخیسانند و  
 روزی بکوبند بجوشانند و بیالایند و سه و چهار یک زیت طیب یا روغن کنجد داخل کرده بجوشانند تا شراب تمام برود و  
 روغن بماند پس فرود آورده بکند و آنرا تا سرد شود در شیشه نگاه دارند و بوقت حاجت بکار برند \* دهن القسط نافع از  
 برای فالج و لقوه و برودت عصب و خلط غلیظ و بلغم خام که در عصب باشد \* صنعت آن قرقرچا پنچل روم سنبیل الطیب  
 سازج هندی میده سائله این ساقه الطیب ازهر یک ده درم راسن سنبیل عود بلسان ازهر یک پنچل روم مکی صافی سه درم  
 همه را نیم کوفته در ده رطل آب بخیسانند و یک شبها نوزد بکند و آنرا پس در رطل روغن کنجد در آن داخل کرده بر آتش نهند

نهند و بجز سانسند المهدی را که آب برود و روغن بماند صافی نموده نگاهدارند و ثقل آنرا باز در یک کرده نگاهدارند و  
 آب روغن را بر روی آن کرده بجزو نمایند تا آب برود و روغن بماند با صافی نموده این روغن را با روغن اول  
 داخل کرده نگاهدارند و ثقل را دور کنند و این نسخه قریب به نسخه سمرقندی است \*

### فصل در کرفس

معاجین قسطی \* معجون قسط منقول از معصومی اوجاع کبد و معدی را نافع است \* صنعت آن قسط  
 تلخ دارچینی سلیخه از هر یک ده درم سارون بیست و نه درم زعفران هشت درم فحاح از هر یکی از هر یک بیست و شش  
 درم اجزا کوفته بپخته با سه چندان غسل صاف بشروشند \* معجون قسط به نسخه منهای \* صنعت آن قسط تلخ مرمکی  
 فحاح از خواص از هر یک سی درم دارچینی پوست سلیخه از هر یک هفت درم انیسون تخم کرفس سارون از هر یک  
 سی و سه درم زعفران زراوند مدح جریون چینی از هر یک بیست درم اجزا کوفته بپخته با سه چندان غسل صاف  
 بشروشند \* معجون قسط مشهور بمعجون اصطخیقون جهت فساد مزاج و ضعف و برودت معدی نافع است \* صنعت آن  
 قسط المر حما ما سنبیل الطیب سلیخه مصطکی مرمکی صافی از هر یک دو زده درم زراوند طویل فاقیل سیاه تخم شنبلیله تخم  
 انیسون تخم کرفس انیسون ناخوره کمون کرمانی دوقطر سارون سیاه لیمون کاشمش سارون افسنتین انیسون سیاه  
 فو در بری نعنای خشک از هر یک چهار درم با سه وزن ادویه غسل مصفی مشرق بشروشند و در نسخه معصومی انیسون را بجای آن  
 داخل نیست \* معجون قسط به نسخه شیخ داؤد انطاکی صناع و شقیقه و زلالت و اوجاع صک و ضعف معدی و سایر  
 احوال بارده را نافع است و محلل ریا و مفتوح سد است چون با ماء العسل یا شامند و قوت آن تا دو سال باقی  
 میماند و شربت آن تا یک مثقال است \* صنعت آن قسط سلیخه زراوند از هر یک با زده درم انیسون کرفس مرمکی سارون  
 از هر یک بیست و چهار درم از هر یک بیست و سه درم زراوند بیست درم زعفران چهار درم ادویه کوفته بپخته با سه وزن  
 ادویه غسل مصفی سرشته بطریق معمول معجون سازند \* معجون قسط دیگر در معدی و جگر نافع است \* صنعت آن  
 قسط تلخ دارچینی از هر یک هفت درم انیسون تخم کرفس سارون از هر یک سه درم کوفته بپخته با سه وزن ادویه غسل  
 مصفی مشرق بشروشند شربت یک مثقال \*

**باب القاف مع الطاء المهملة** \* قطاف بفتح قاف و طای  
 مهمله و لف و فاعل ای است که از خمیر و روغن و نا نه های رقیق کوچک ترتیب داده مغز بادام و پسته و قند کوبیده در جوف  
 آن پر کرده و در روغن برشته و این را بفارسی سنبوسه قند میگویند و یک ستور از سبزیها بپخته و کوشش قیمه کرده و با نخود  
 پخته یا پیاز و فلفل و غیره پر کرده در روغن سرخ نموده تنازل مینمایند و این را بفارسی سنبوسه و بهندی پوری  
 نامند و اقسام آن مولد خون متین و مسکن بدن و کثیر الغل و رمبگی و دیر هضم و مولد سده و از سبزیها ترتیب دهند  
 در ترتیب اقوی و قلیل الغل از سبزیها اقسام و مصالح سازند اقسام سکنجبین و آنچه از کتب لغت معلوم  
 میگردد و قطایف بمعنی سنبوسه است نه قطاف \* قطایف بفارسی رشته خطائی نامند و در اطریه بیان آن شد \* قطن  
 بضم قاف و سکون طای مهمله و نون بفارسی پنبه و بترکی پنبوق و بهندی روئی نامند و درخت آن را بهندی کپاس و تخم  
 آن را بنوله گویند در اول کرم و خشک و مجفف و شکوفه آن بغایت مفرح و یک اوقیه آن قریب با سکار و شرب شواب آن  
 بقدر بیست درم رافع خفقان و اختناق رحم و وسواس و جهت ابتداء ای جنون مغیبه و ضاماد شکوفه و برگ آن و یک ستور پنبه  
 سوخته محلل و آرام و رافع حکمه و مانع آبله کردن سوختگی آتش و آب برگ آن قاطع اسهال است بشرطیکه با شربت سیب  
 بدفعات تا ربع ازان بشروشند و پوشیدن لباس بافته ازان یا محشوبه آن مسخن و مجفف و پنبه تازه مقوی بدن و موافق  
 صاحبان رعشه و کزاز و فالج و ضاماد برگ آن با روغن کل جهت نقرس بیعیل و جلوس در طبیعت آن جهت اختناق رحم و

بخور آن جهت زکام و سوخته آن در قطع خون جراحت مجرب و چون فته از آن ساخته که طرف آنرا بر تن زده شود بکاف  
 بوئالکلیل کند و آن بعد یکده قریب بداغ رسد و سه روز تکرار کنند در دفع ثآلیل مجرب است و چون شاخ بنه را در کنوش کند است  
 طرف دیگر را بسوزاند آن یکده در گوش رفته باشد جذب کند و پنبه کهنه پوشیدن و رافع گوشه زخمها است و ضماد جمع اجزای  
 آن مقوی معده و محال و جاذب خون بظاهر جلد است و مغز بنه دانه در محروم و رین و بادار چینی در مبرود بین بغایت  
 مبهی و دل رشریت از شکوفه آن تا هجده درم و از مغز آنده آن پنجدرم است و روغن تخم آن ملطف و مبهی و رفع سرفه  
 و مغص و دل همین بآن جهت امراض بارده بی عمل است و چون پنبه نوکه تازه از درخت چید و از غلاف آن برآورده با  
 پنبه دانه مروض نموده کرم کرده و برک کباب که آنرا نیز کرم کرده باشد در زیر آن فرش کرده بر خصیه که آب در آن نزل شود  
 یا شد بقبضه خوب کشید و به بند نک و چند یوم چنین کنند و مل او مت نماید و آب بد آن نرسانند زائل گردد  
 و به تحلیل بود اگر تازه آن بدست نیاید کهنه آن نیز آن خاصیت دارد و اگر آن نیز نباشد پنبه کرم کرده خصیه را  
 پنبه بسیار کهنه نیز موثر است \* جوارش حب القطن اعضای رئیس از قلب و دماغ و کبد را تقویت بخشد و با رابیه و زایل \*  
 صنعت آن مغز حب القطن چهار مثقال لسان العصار شیرین مغز حب الصنوبر بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک دو مثقال  
 سازج هندی با درنجبویه درونج عقربی کل کاوزبان خصیه الثعلب مصری قرنفل دارچینی خولنجان زعفران زنجبیل  
 قاقله کبار قاقله صغیر از هر یک یک مثقال عنبر شهاب یک انگ و در نسخه دیگر ثعلب مصری عنبر شهاب نیم مثقال و اصل  
 است ادویه کوفته بخته با سه وزن آن نبات سفید و غسل علی الرسم بسرشدن شربتی از یک مثقال تا دو مثقال \*  
 زهر القطن جهت خفقان و تو حش و طین قلب و رسواس و ابتدای جنون و اختناق رحم نافع \* صنعت آن کل بنه تازه  
 نیم من در دو من آب بدارن یک شبانه و زنجبیل ساندن پس با آتش ملائم بجوشانند تا ثلث آب بماند پس مالید و صاف شود  
 یا یک من قند بقوام آورند و آخر مقدار نیم مثقال زعفران سود و اضافه نمایند شربتی بیست درم با کلاب و بیل مشک  
 و عرق کاوزبان بیداشند \* معجون حب القطن جلیل القلب و عظیم النفع و از جالینوس است اما دانه شهرت باه میکند  
 و دل از زومید و آوارا صاف میکند و سد و بکشاید و ضعف کلیه و مثانه را زایل میکند و اندر جهت حرقة البول نافع و  
 منک کرده و مثانه را میریزاند و دشواری نفس و ربور نافع است و دل رشریتش و مثقال و قوتش تا سه سال باقی  
 می ماند \* صنعت آن لب حب القطن بیست مثقال دارچینی قرنفل حب الصنوبر تخم انجیر از هر یک پنج مثقال زنجبیل  
 شفاقل از هر یک ده مثقال در شیشوعان هفت مثقال قسط شیرین بز رکتان مقلو مصطکی از هر یک چهار مثقال با سه وزن  
 ادویه غسل کف کوفته بسرشدن \*  
 فصل در ذکر نسخ قطورات \*  
 بد آنکه قطور

بفتح قاف و ضم طای مهمله و سکون و او و رای مهمله آنچه را از اشیا سیاله که در چشم و بینی و گوش و غیر آن چکانند  
 نامند و بد آنکه قطورات در آن باید که اکثر شیر کرم باشند یعنی نیم کرم نموده در گوش چکانند زیرا که سود آن  
 ضرر است \* قطور یک شب کروی را به بود \* صنعت آن آب سد آب تازه آب کشنیز تازه مسامی بجوشانند تا به نیمه آید  
 و پیش از چکانند \* قطور یکده ججو طوبر آمل کی چشم را مفید است \* صنعت آن کلاب آب غوره آب سماق در هر بیا میزند  
 و در چشم چکانند \* قطور یکده در انحطاط رمق نافع و محال و مسکن و مانع ظهور بقور و قرحه است در چشم \* صنعت آن  
 تاجی را بکند است بسیار به اندک تا دست بسیاری سیاهی آنرا بر دارد پس با کلاب کف دست را ترکود سیاهی را جمع نمایند  
 و با شکر و زعفران در چشم چکانند و سیاهی سرب را نیز همین خاصیت است \* قطور یکده رمق را سود مند است \* صنعت آن  
 حشاش کبی باکرم شب یمانی مقل در خود می در شیر زنان حل نموده در چشم چکانند \* قطور مجرب از برای ثقل سامعه

ساهمه با بعضی چون استعمال گردد شود بعد از تنقیه بحسب قوا یا با ایارج فیقرا مرکب یا شحم حنظل و انثیمون و نمک هند **ص**  
 صنعت ال جند بید سترسه درم نظرون که بوره سرخ است خربق سفید از هر یک یک گرم و نیم و در نسخه دیگر خربق  
 سفید چهار دانگ و نیم نظرون دو دانگ است کوفته با آب سبک اب سرشته اقراص سازند و در وقت حاجت یکی را سائید  
 در گوش چکانند و در نسخه معطومی روغن نیز داخل است و بعد از آنکه چند مرتبه ماء العسل در گوش چکانند و باشند  
 و نیمه را با عسل تر سازند و باد و ریه مل کوره بگردانند و در گوش نهند **قطور** نافع جهت تسکین وجع اذن که از رفتن آب و  
 غیر آن حادث باشد **ص** صنعت آن بگیری بول کار که بعد از دبیخ از شکم او برآورده باشند و با آب گامه ممزوج نموده نیم  
 گرم کرم در سه یوم قطره قطره در گوش بچکانند **قطور** دیگر که همان فاذل **بخش** **ص** صنعت آن آب سیر را بازوره  
 گوسفند جوشانید و نیم گرم در گوش بچکانند **قطور** دیگر آب برگ ترب را بازوره بگو سفند و نکبین ممزوج نموده نیم  
 گرم در گوش بچکانند **قطور** دیگر **ص** صنعت آن بگیری روغن کل سرخ مقل از یک جزو و با سه جزو سرکه انگوری یا آتش ملائم  
 بجوشانند تا سرکه رفته روغن بماند نیم گرم در گوش چکانند **قطور** دیگر که قریب الفعل است در آن **ص** صنعت آن بگیری مل  
 را و با روغن یا همین طبع دهند بستر و متعارف و آن روغن را در گوش چکانند و خراطین را در روغن کل جوشانید و روغن  
 را نیم گرم قطور نمایند **قطور** دیگر که در گوش را که از گرمی باشد ساکن کند **ص** صنعت آن روغن کل شش گرم روغن بادام شیرین  
 بمخلوط و در نسخه معصومی سه درم است سرکه خموده درم با آتش نرم بپزند چند آنکه سرکه برود و روغن بماند نیم گرم در  
 گوش بچکانند **قطور** دیگر که طنین و کرانی گوش را ببرد **ص** صنعت آن کندن زعفران و فریون چند بید ستر خربق سفید و نمکی  
 از هر یک درم نظرون بوره ارمنی از هر یک دو درم و نیم کوفته بمخته در شراب حل کرده در گوش بچکانند **قطور** دیگر که گوش  
 را بکشد **ص** صنعت آن آب برگ شفتا لو آب برگ بونده آب برگ توت از هر یک پنج گرم خربق سفید بوره ارمنی سقمونیا  
 افسنتین زراوند مل حرج از هر یک یک گرم کوفته بمخته با بهای مل کور بیدامیزند و در آفتاب دهند تا خشک شود بعد از آن در  
 سرکه و آب برگ شفتا لو بسایند و در گوش بچکانند **قطور** دیگر که در گوش و ثقل سامعه را نافع بود **ص** صنعت آن زهره گاو تازه در  
 مثقال روغن کل خبیری در مثقال و در نسخه دیگر در مثقال است بجوشانند تا زهره برود و روغن بماند قطره قطره در گوش  
 بچکانند **قطور** دیگر که در گوش که از سردی باشد ساکن گرداند **ص** صنعت آن جند بید ستر فریون از هر یک دو درم و در نسخه  
 شفا ئی بل لافین است کوفته بمخته در میخچه بپزند تا بقوام آید و روغن کل یا روغن سوسن حل کنند و نیم گرم  
 در گوش به چکانند **قطور** دیگر که طرش را نافع است **ص** صنعت آن خربق سفید یک مثقال جند بید ستر نیم مثقال نظرون دانگی  
 و نیم کوفته بمخته با سرکه کهنه در گوش بچکانند و با آب سرکین تازه در گوش بچکانند و با آب ترب یا عسل بجوشانند  
 و در گوش بچکانند **قطور** دیگر که نافع است کسی را که آب در گوش رفته باشد **ص** صنعت آن آب ترب آب پیا زهره و را مساوی  
 بجوشانند و در گوش بچکانند **قطور** دیگر که در گوش تازه را دفع کند **ص** صنعت آن سمر نیم کوفته بازوره گاو و بجوشانند و  
 صاف نمایند و نیم گرم در گوش بچکانند **قطور** دیگر که کرانی گوش ببرد **ص** صنعت آن شحم حنظل سه درم بوره ارمنی یک گرم  
 جند بید ستر قسط زراوند فریون افسنتین از هر یک یک مثقال کوفته بمخته بازوره گاو و بسروشند و گولها سازند و در وقت  
 حاجت یکی را از آن بر روغن بادام تلخ بسایند و نیم گرم در گوش بچکانند **قطور** دیگر که در گوش را نافع  
 باشد **ص** صنعت آن شحم حنظل یک گرم بوره ارمنی نیم گرم جند بید ستر زراوند مل حرج از هر یک یک گرم و نیم عصا رة  
 افسنتین فریون قسط از هر یک یک آنک و نیم کوفته بمخته بازوره گاو و بسروشند و گولها سازند و در وقت حاجت بر روغن بادام  
 مل کرده در قطره در گوش بچکانند **قطور** دیگر که نافع از بواس و روی و طنین بسبب خلط غلیظ لزج هرگاه در گوش بچکانند

و جمع قرحه را ساکن کند و چرک کوش را پاک سازد \* صنعت آن مومکی صبر سقوی از عصاره باروغن بادام محلول کرده  
 و اگر در بسیار باشد انگشت افینون زیاده کرده بدستور بچکانند و آب برگ زیتون با عسل و همچنین مراد در آب  
 حل کرده باروغن کل قطور نماید و انزروت با ماء العسل یا بشیرد ختران نیز مفید است \* قطوریکه درین قسم نافع  
 است \* صنعت آن برگ صنوبر بویک درخت غار جوشانید و صاف نموده در کوش بچکانند \* قطوریکه خاریدن کوش را  
 زایل کند و کروی و کرانی را فائید \* دهل \* صنعت آن افسنتین قل ری جوشانید و صاف نموده باروغن بادام تلخ مجزوع  
 کرده در کوش بچکانند \* قطوریکه انواع درد ها و چرک کوش را نافع بود \* صنعت آن مومکی صافی یک مثقال مغز بادام  
 تلخ مقشر بیست دانه کند رسه مثقال زعفران چهار مثقال عصاره خشخاش و مثقال نرم سائید و مجموع را همراه سرکه  
 بشیرد ختران و روغن بنفشه یا کافور و آب عنب الثعلب نیز مفید است و سفید مرغ به تنهایی یا با صیت و با عسل  
 نیز مفید است \* قطوریکه کرائی و گرم در کوش و طنین را نافع باشد \* صنعت آن خربق سفید یک مثقال چند بید ستونیم  
 مثقال قطران ربع مثقال اجزا کوفته ایخته با سرکه و روغن کل آمیخته در کوش بچکانند \* قطوریکه همان نفع دهل \*  
 صنعت آن طبع عوسج عصاره بادام زهریک قل ری در سرکه و روغن بادام شیرین و باروغن آمیخته در کوش بچکانند  
 قطوریکه چرک فلیط کوش را پاک سازد \* صنعت آن زهره کوس سفید بود ارمی سرکه که نه روغن کل از هر یک قل ری و بادام  
 آمیخته در کوش بچکانند \* قطوریکه کروی و کرانی کوش را نافع بود \* صنعت آن روغن ناردرین چند بید ستونیم  
 افسنتین زهره گا و از هر یک قل ری همراه آب برگ ترب و زهر خوب سائید و مجزوع کرده در کوش بچکانند \* قطوریکه  
 طنین و کرانی کوش را فائید \* دهل \* صنعت آن روغن بادام تلخ و روغن افسنتین چند بید ستونیم سرکه کینه  
 از هر یک قل ری در هم آمیخته در کوش بچکانند \* قطوریکه در کوش را کرانی که از سردی باشد سود دارد \* صنعت آن  
 زهره گا و که تازه باشد دو مثقال در روغن کل خبوی و دو مثقال بوشانید که تری زهره برود و روغن بماند دانه سیر کوفته  
 یک دم در آن حل کنند و قطره قطره در کوش بچکانند \* قطوریکه موم و حشرات که در کوش رفته باشد بکشد \* صنعت آن  
 افسنتین صبر زرد را و تل طویل آب درمنه ترکی آب بود نه دشتی بود ارمی از هر یک بقل رکفاف در هم مجزوع کرده  
 در کوش بچکانند \* قطوریکه همان نفع دهل \* صنعت آن مغز تخم کد و مغز تخم هند وانه بشیرد ختران سائید و در کوش  
 بچکانند و قطور این در مجرای بول جهت تسکین و جمع آن مفید است \* قطوریکه دوی و طنین را بغایت نافع است منقول  
 از معالجات بقراطی \* صنعت آن چند بید ستونیم که بود سرخ است خربق سیاه با سرکه و در سرکه حل کرده در  
 کوش بچکانند و باید که نیم گرم باشد \* قطوریکه قرحه کینه بر چرک را سود مند است \* صنعت آن بایرون خل خبث الحبل یل  
 را و شیر گرم نموده چند قطره در کوش بچکانند \* و صنعت آن خل خبث الحبل یل چنان است که خبث الحبل یل را در سرکه  
 انکوری نند یکماه یا زیاده بخیسانند پس صاف نموده سرکه را بکار برند و بعضی گفته اند که خل خبث الحبل یل آن است  
 که خبث الحبل یل را بسایند و سرکه بشویند و خشک سازند و باز بشویند تا هفت مرتبه و بعد از آن خشک نموده در  
 سرکه کینه بشویند تا بقوام عسل آید \* قطوریکه جهت دوی و سد و که از اجتماع چرک بهم رسیده باشد و طنین را  
 نافع و مسمی بقرص خربق است \* صنعت آن خربق سفید و درم بود سرخ پنج درم زعفران سه درم با سرکه قرص  
 ساجده بادام نافع مناسبه حل نموده در کوش بچکانند \* قطوریکه رفع آن علت مذکوره در ساعت کند \* صنعت آن صبر  
 ساجده را و زهره گا و سالی سوزانید و خاکسترو آنرا با بول کاه و بول خرگ بچکانند و صبر را بلغت اصفهانی زنجیره کوبند و

و بلغم دیلمی و ننگا بینی خمد و بلغم هندی جهینگر و آن حیوانی است شبیه بملح \* قطور در یکرا از جربات میوه عطاء الله  
 جل مصنف تحفه المؤمنین کرانی سامعه و کرمی سامعه و طنین را نافع است \* صنعت آن را مک بوره ارمنی ششم جنطل  
 جنک بیدستر ازهریک نیم مثقال زراونک مد جرج عصاره افسنتین ازهریک نیم مثقال و فریون یکک انک قسط تلخ با زهره  
 کا و سوشته با روغن بادام تلخ حل کرده در گوش بچکانند \* قطوریکه جهت گرمی که دفعه واقع شده باشد \* صنعت آن  
 طنج افسنتین را با زهره کا و استعمال کنند و زهره سلحفا را که سنگ پشت باشد با روغن با بونه بسیار نافع و چکانند  
 در قطره از نظرون که با نقطه با روغن قسط حل کرده باشند و صبح و شام بدان مک او مس نمایند جهت جمیع انواع درد  
 گوش و مواد بارد و مجرب است \* قطوریکه جهت رفع سیلان رطوبات گوش اطفال نافع است \* صنعت آن شب یمانی  
 و عفران بوره سرخ ازهریک دانکی عسل و شراب ازهریک پنج مثقال قطور کنند و پارچه پشمی یا پشمی را بدان آلوده کنند  
 و بکنار آید \* قطوریکه منع سیلان خون بسبب سده و ضربه از گوش کند \* صنعت آن پنیر مایه خرگوش را حل کرده  
 بچکانند و در گوش بچکانند و روغن را با قدری پیله کرده کباب نیم بخت کرده آب او را افشوده در گوش بچکانند از مجربات  
 است \* قطور نافع جهت شدت وجع اذن هرگاه که با حرارت باشد \* صنعت آن کافور قصوری یک طبرسج در روغن بید  
 انجیر حل کرده در گوش و بینی بچکانند و همچنین قطور بیاض بیض نیم کرم و شیر زنان نیم کرم در گوش بچکانند \* قطوری  
 که جهت انزاج قرحه اذن نافع است \* صنعت آن لعاب بز رحله لعاب بز رکتان با شیر زنان در گوش بچکانند \*  
 قطوریکه منع سیلان خون از گوش کند \* صنعت آن بکیرند انا رخامی و با سرکه خمر طبع نمایند و بغشارند و در گوش  
 بچکانند و لیکن سزاوار آن است که حبس نمایند مکر و قتیکه افراط نمایند \* قطوریکه گرم گوش را بکشد اهم ازان که  
 از خارج در گوش رفته یا در گوش تولد یافته باشد \* صنعت آن آب برگ شفتالو آب برگ پودنه مزوج نموده در  
 گوش بچکانند \* قطوریکه چوک از گوش دور نماید \* صنعت آن روغن بادام تلخ جلی شب در گوش بچکانند و صبح  
 بهام روند و گوش را بواجر کرم بکنارند و در خانه کرم آن که خانه سیوم است بد رستیکه چوک و وسیع آنچه باشد بد آید \*  
 قطوریکه ورم حار گوش را تحلیل دهد \* صنعت آن آب برگ کند نا با سرکه مزوج نموده در گوش بچکانند \* قطوری  
 که منقول از جالینوس گوش را از مده پاک کند و وجع آنرا زائل سازد \* صنعت آن بکیرند پوست انا روهر بزند بران  
 بول صبیان و بواتش کن ارنه تا کرم شود و در گوش بچکانند \* قطوریکه قروح گوش را زائل کند \* صنعت آن عسل مزوج  
 با آب یا شراب شیر کرم روزی چند مرتبه در گوش بچکانند و آب پیاز با سفید تخم مرغ نیز همین فائده بخشند \* قطوریکه  
 نافع جهت قروح اذن و تنقیه مده و قبح آن \* صنعت آن نبین مزوج بروغن کل شیر کرم در گوش بچکانند \* قطوریکه  
 قوه اخلیل و سوزش بول را نافع است \* صنعت آن سفید اب کند را نر و نر صمغ عربی نشاسته دم الاخوین اجزا  
 مساوی کوفته بسیا نرم بخته اقراص سازند یا محبوب ساخته در سایه خشک نمایند و عند الحاجة قدری ازان در شیرین  
 دختران حل کرده در اخلیل بچکانند در روزی سه چهار مرتبه \* قطوریکه سنگ کرده و مشابه که در اخلیل بند شده باشد  
 بر آورد \* صنعت آن روغن حسک روغن ترب ازهریک در روغن عقر ب سه درم حجر الیهود مغز تخم کد و حب کا کنج  
 ازهریک پنج درم حب القلت در روغن آب حسک تازه پانزده درم آب پرسیاوشان ده درم اجزا جوشانید و صاف نموده  
 آب را با روغن جوش دهند تا آبها بسوزد و روغن بماند حبه حجر الیهود در قدری ازین روغن سائید و در اخلیل  
 بچکانند \* قطوریکه سوزش قرحه و ریش مجرای بول و حرقة البول را بغایض نافع بود \* صنعت آن شیاف ابیض مغز تخم  
 هند وانه و پیاز و کد و درم الاخوین و شادنج مغسول ازهریک قدری نرم سائید و با شیر زنان مکرر سحق کنند و در مجرای

بول بچکانند \* قطوریکه سوزش و حرارت ریش مجرای بول را سود دهد \* صنعت آن مغز تخم هند وانه لعاب بزر قطونا  
شیاف ابیض سفید \* تخم مرغ بروغن کد و آمیخته در احلیل بچکانند \*

**باب القاف مع الفاء \***  
قفر الیهود بفتح قاف و سکون فاء و اعراب مهمله و قسم میباشد یکی آنکه در ساحل دریا حاصل میشود که مسمی  
به بحره الیهود است و موضعی که در وقت بیم الایام کفر می گفتند و آن چیزی است بنفش مائل بصرخی و حجریت بر و غالب  
و از دریا بساحل می افتد و قسمی دیگر آنکه زمین کنار آن دریا را که حفور می کنند بر می آید و مؤلف تذکره آن را  
مخصوص بحیره طبرستان دانسته و آنچه از جبال بهم میرسد از عرق الجبال و از اقسام موم میانی است و از قفر الیهود  
الطاف و از مطلق آن مراد است و بهترین آن سیاه براق زرد شکن بی خاک و سنگ و سبک است که در رانجه سبزه  
به نطف باشد و این نوع از اجزای قریاق فاروق است نه سایر اقسام دیگر در سیوم کرم و خشک و قائم مقام نیست و  
قیر و قطران و موم میانی است و شرب آن جهت شکستگی اعضا و ضربه و سقطه و سرفه مزمن و عرق النساء و لوی و زنی  
موم و رفع اسهال رطوبی و اقسام کرم معد و ریاح غلیظه شکم و قرا قرو و تقویت هاضمه و اعصاب و قیره ریاح و اضرار  
چوک از سینه و ربو و ورم لوز طین و خناق باغی و سوداوی و صلابت رحم و ضعف جگر و کرمه و تقطیر و کرمه  
و بواسیر و با جند بید ستر و شراب جهت رفع احتباس حیض مایوس العلاج و با سرکه جهت اذابت حفر و بچه و کرمه  
و ضماد آن جهت تقویت اعضا و با موم و آرد جو و نطرون جهت نقرس و مفاصل و ورام صلبه و با ادویه مناسبه جهت التیام  
زخمها و نرم کردن او را م آنهارا کرم و منع ورم جراحت و الاصاق موی زائد بلك چشم و صاف کردن رنگ بشرو و تحلیل خندا زرد  
و رفع برص و قویا و بخور آن کویزاند \* موم و مار و پشه و جهت خروج رحم و اختناق و ذلالت نافع و حقیقه با آن بامه اشعیر  
جهت قرحه امعاء و سنون آن جهت درد دند آن کرم خورده و رفع رائحه کریه دهان و التیال آن رافع بیاض و مالیدن  
بودرخت انکور مانع کرم زدن آن محرک صرع مصر و عین مصر و زردین و مصلح آن سرکه و آب میوه های سودود بد لش زفت  
و قیر و مقدار شربتش تا یک گرم است \* دهن قفر الیهود جهت اکثر امراض مل کوره شربا و ضماد نافع \* صنعت آن بکیرن  
قفر الیهود و قرق که خواص و نرم سوده با دور زن آن روغن کل یا زیت یا کنجد تا زو بر آتش ملایم بکند و بکارد بوند \*  
قیر و طی قفر الیهود جهت اکثر امراض مل کوره نافع و تمرینا \* صنعت آن بکیرن قفر الیهود و یک گرم و نرم سوده با دور  
زیت یا روغن کل که آخته پس یک گرم موم زرد صافی در آن انداخته قیر و طی ساخته بکارد بوند \*

**باب القاف مع النون \*** قنبل بهند که میله نامند و آن بکسوفاف و سکون نون و کسوفای موهله و سکون

یای مختصه که تکتانیه و لام چیزی است شبیه به پوست و بیخ درخت سائیک و سفوف نموده از قنبل قرقه و سلیمه و بومن سرخ  
و بیخ انجیر و چوب بقم و روناس کوفته پیخته رنگ آن سرخ تیره و هر چند جیل خالص نونا زق باشد رنگین تر میشود و  
منغشوش آن بگرد و غبار و درمل و غیرها و همچنین کهنه آن کم رنگ نارنجی میباشد و آنچه به تحقیق پیوسته درخت آن  
پاک و نیم با و قامت شبیه بد درخت معصر و برگ آن نیز شبیه ببرک آن و از آن بسیار بزرگ تر و خانه دریا خا رهای  
درخت بلند و ثمر آن به شکل نارنج که چکی و بر سر آن خاری میباشد بلند و بعد رسیدن بخته شدن زرد و رنگین میشود  
پس شکافته شد و چیزی مانند آرد سرخ رنگین از جوف آن بر می آید که همان قنبل است و آن کرم و خشک در دیر و بعضی  
مرد و خشک در دیر و دانسته اند که مصلحت رطوبات و ازجات و مخرج اقسام کرمهای معده و امعاء و حیات و حسب القرع و غیرها  
و در و آن بهار است مجفف زخمها و رافع جرب و طب و سعه خصوص آنکه موضع جرب و سعه را با آب کرم شسته و بر و غنها  
مناسبه مانند روغن تخم نا کبیر چوب نموده نرم سوده بپاشند و با یک که آب بر آن مطلق نرسد و مضرا معا و مصلحتش شیع



شیر و گندیرا و قل رشو بنش تا دو فرم و بلش چشم بزرگ گفته اند \* اطریفل قنبیلی چند نسخه آن در اهلیج در ضمن اطریفلات ذکر یافت یکی بنام اطریفل دیدن و یکی بقرق مدنی و در بنام قنبیلی \* حب قنبیل در حبوب مذکور شد \* دواء القنبیل

حب القرع و کرم دراز را بکشد و اخراج کند \* صنعت آن قنبیل سرخش تر من حب النیل از هر یک نیم درم در منہ ترکی قریب مد بر برنگ کابلی مقشراز هر یک یک رم نمک هند و دانکی کوفته بیخته با شیر و شکر بیا میزند و بیا شا منک \* دواء القنبیل دیگر همین خاصیت دارد \* صنعت آن قنبیل یک درم برنگ کابلی مقشروسه درم تربل سفید و درم حب النیل نمک هند و از هر یک نیم درم کوفته بیخته بمویزج منقی بسو شدن و تناول نمایند \* دهن قنبیل در دها ن ذکر یافت \*

مهر قنبیل برای قروح و جروح خبیثه و ساعیه خصوص زخم آتشک نافع و مجرب \* صنعت آن بکچی که با بچی نیز نامند دوا می دهند یست قنبیل نو صافی رنگین از هر یک یک توله مرد اسنک ششما شه توتیا هند و بریان یکما شه هر چهار جزو را نرم گرفته و بجسیر بیخته وزن نموده با هم مخلوط کرده یکجا صلا یه نمایند و در ظرفی نگاه دارند و عند الحاجة بقدری ضروری با قدری روغن کا و بسیار کهنه داغ کرده صاف نموده ممزوج کرده خوب بپوشند و بر زخم بکند و ایند و بیا بیا اند و بر بالای آن پارچه بندند و شبها نروزمکر بعمل آورند بعون الله تع بیک هفته صحت حاصل می شود و از باد می و توشی و لبنیات احتراز نمایند \* معجون قنبیل مانع تولد و قانع ماده عرق مدنی و حب القروح و سائر دینان است \* صنعت آن قنبیل قسم اعلی خالص که بسیار سرخ تیره می باشد پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله منقی تربل سفید مد بر زنجبیل اجزا مساوی کوفته بیخته با سه وزن کل اجزا غسل مصفی بقوام آورده بسو شدن سربتی دود درم ناچهار درم و گفته اند مد او مت باین مدت بیست یوم استیصال ماده آن امراض مینماید \* قنه

بکسرقاف و فتح نون مشد و ها بفارسی بارزد و به ترکی فاستی و بهندی بیرو و باغتی کند و بهر روز نامند آن صمغ نباتی است برکش شبیه ببرک خیار و مشابه به نبات سکبینج و ساقش بار یکترازان و سفید آن مائل بزرده باشد و در پالیل کی شبیه بکنکد بهتر از سرخ و زرد آن و ثقیل است و آنچه به تحقیق پیوسته تا ز آن سفید و نرم غیر منجمد می باشد و هر چند کهنه شود مائل بزرده و سخی و انجماد می گردد و سرخ منجمد آن بسیار کهنه و تیره آن کهنه تو کرم در اول و در سیوم و در دویم خشک و هر چند کهنه گردد برخشکی آن می افزاید و قوتش تا ده سال باقی است مفتوح و محلل و ملین و مسخن و مدر خفیف و مسقط جنین و با غسل مفتحت حصاة و مفتوح سده کرده و تریاق سموم و جاذب آن و جهت عسر النفس و سرفه کهنه و زرد و اختناق رحم و صرع و بواسیر و قطع عضل و امراض عصبانیه و علل بلغمیه و ضعف معده و جگر و سهر زرد و با شراب جهت سم طفیون نافع و ضما دش جهت دمل و خنذیر و اعیا و کزاز و کلف و قلع آثار و با مرهم ها جهت رویا نیدن کوشش و ککاشتن آن بردن آن کرم خورده نافع در آن و بخورش جهت صرع و اختناق رحم و اخراج جنین و مشیمه نافع و ضرر دماغ و مصلحش روغن بنفشه و کافور و مغسل کوشش صحیح و شربش تا یک رم و جهت سموم تا یک مثقال و بلش نیم وزن آن سکبینج و ربع آن جا و شیر و قوطر آن با روغن سوسن جهت درد کوش و صداع بلغم مغیل است \* دهن القنه

اورام رحم را از قنبیل اورام و اختناق حیض و جهت اوجاع اعصاب و تقویت باه و اعصاب آن شرابا و تمر بخاوند هینا نافع \* صنعت آن قنه خاکستر چوب انبه هر دو مساوی در هم ممزوج نموده در قرح و انبیه روغن کشند و بکار برند

### باب القاف مع الیاء المثلثة التحتانیة \* فصل در ذکر نسخه قیر و تیات \*

بل آنکه قیرو طیبی بکسرقاف و سکون یا می مثلثه تحتانیه و ضم را و سکون و اکسرقاف مهمله و با بفارسی سوم روغن نامند و آن شامل مفرد و مرکب است یعنی اعم از آنکه به تنهایی موم را با روغن ککاخته خوب در هم نمایند خواه در هاون

سنگی و خواص با نکشتن در ظرف نیکو بمالند و با آب سرد مکرر بشویند و با نشویند و را قیروطنی و موم روغن ساذج  
 نامند و با بادویه دیگر بحسب حاجت و غرض ترکیب نمایند و آن را قیروطنی و موم روغن مرکب نامند \* دستور عمل  
 قیروطنی مرکب آنست که با زای هود دریم از هر روغنی که مطلوب باشد دودرم تا ده دریم و نیم موم بگیرند پس بکند از آن روغن  
 را در روغن و در هاون اندک از آن پس هردا که خواهند از عصارات یا مطبوخات و یا آنچه مقصود باشد اندک اندک  
 بر آن ریخته بدستور برهم زنند و نیکو بمالند تا بگذرد مثل لخچه و یکسان اقسام آن بحسب ماده و اخلاط ادویه مختلف  
 و هر یک مسمی بنا می است \* قیروطنی ابوخلصا در ابوخلصا مل کورشد \* قیروطنی که اورام معده و جگر که سبب آن  
 حرارت باشد نافع است \* صنعت آن صندل سفید ورق کل سرخ از هر یک چهار دریم اکلیل الملك پنج دریم زعفران دو  
 دریم کافور بصوری نیم دریم موم سفید ده دریم روغن کل سرخ نیم رطل اجزای کافور و زعفران در آب بجوشانند  
 و با لایند و موم را در روغن کداخته پس از آن آب مطبوخ اندک اندک بر آن بپاشند و برهم زنند تا دیگر آب مطبوخ  
 را جالب بکنند پس در آخر زعفران و کافور سوده را داخل کرده نیکو برهم زنند تا چون لخچه شود و در پیشگاه نگاهدارند  
 بکار برند \* قیروطنی دیگر که تلخین طبیعت کند \* صنعت آن موم زرد درم مثقال و درده مثقال روغن حب الخروع کد اخته پس  
 بگیرند عصاره الحما و شیر شبرم اندک اندک در آن داخل کرده در هاون بدسته برهم زنند آنمقل او که دیگر برداشته  
 تشرب از عصاره شیر شبرم نداشته باشد پس شحم حنظل سوده در آن داخل کرده قدری زهره کا و اضافه نموده برهم  
 زنند تا چون موم شود بناف و شکم بمالند که موجب تلخین میشود و اذاله یبوست مزاج پیران می نماید \* قیروطنی  
 دیگر صنعت آن کل سرخ پیه بطاروغن د نیمه تازه زفت رومی افیون زعفران از مجموع بدستور قیروطنی مرتب  
 نمایند \* قیروطنی دیگر که فتنگی آزار خشکی سینه را نافع بود چون بر سینه بمالند \* صنعت آن روغن بنفشه با دام  
 مسکه میش لعاب کل خطمی سفید لعاب بهد انه لعاب حلیه آب کلم آب شلغم پیه مرغ کد اخته از هر یک جزوی در ظرفی کرده  
 بعد از آن برهم زنند تا یکی شود پس طلا نمایند و اگر با هم طبع نمایند بدستور معمول نیز جائز است \* قیروطنی دیگر  
 نافع از برای ذات السبب و ذات الصل و او جاع جنب و صد \* صنعت آن سر بنفشه عنب الثعلب اصل السوس بایونه  
 پوست خشخاش با قلامه تازه از هر یک کفی جوشانید و صافی نموده پیه کیده بز پنج مثقال روغن کل یا نوده مثقال روغن  
 زنبق پنج مثقال روغن بایونه سه مثقال داخل کرده بجوشانند تا آب برود و روغن بمالند درهم سرشته نیم گرم نموده  
 بمالند \* قیروطنی دیگر که همین عمل کند و بدن را فربه سازد \* صنعت آن لعاب بزرگتان لعاب ریش خطمی پیه بز  
 پیه مرغ پیه بطاروغن زنبق روغن یا سیمین بدستور مقرر موم روغن سازند و استعمال نمایند \* قیروطنی دیگر که بدن را  
 فربه و قوی گرداند \* صنعت آن کثیرا روغن بادام تخم کامو کوفته پیه بز تازه عنبر موم بطریق مقرر روغن سازند و بر  
 بدن بمالند \* قیروطنی دیگر که مالیدن آن بر مقعد و بواسیر و شقاق را نافع بود \* صنعت آن روغن کوهان شتر روغن  
 مغز اشته زرد آلومغز ساق کارویه مرغ روغن کرات از هر یک جزوی با یک یک ترکیب نمود و استعمال نمایند \* قیروطنی  
 که خوردن و مالیدن آن تحلیل و تلخین اورام صلبه که در ظاهر و باطن باشد نماید \* صنعت آن حلیه بایونه بونچاسف  
 اذخر یک خطمی هاشا زراوند کرد صغ عربی از هر یک اوقیه مجموع را نیم کوفته در دودرطل آب و نیم رطل روغن  
 کنجد و بایونه دریم روغن خروع چنانچه رسم است اجزای جوش دهند و صاف کنند و با روغن ها جوش دهند تا آب  
 بماند و روغن بمالند سه دریم موم و پیه بطاروغن د نیمه از هر یک ده دریم در آن داخل کرده در هاون خوب بمالند تا همه  
 یکسان شود پس استعمال نمایند \* قیروطنی که اورام معده و جگر که به سبب حرارت باشد سرد دهن \* صنعت آن صندل

صند لیق ورق کل سرخ ازهر یک چهار درم اکلیل الملك پنج درم زعفران د و درم کافور نیم درم موم سفید ده درم  
 روغن کل نیم درم اجزا را در قند ری آب طبع نموده روغن کل و موم سفید داخل کرده با تش ملایم جوش دهند و در آخر  
 دود آنک کافور داخل کرده و درهم آمیخته سرد نموده استعمال نمایند **قیروطی** که شوصه و ذات الجنب را نافع باشد \*  
 صنعت آن لعاب بزرقطونا لعاب خطمی سفید روغن بادام موم سفید بنفشه اکلیل الملك کل بابونه ازهر یک جزوی بن ستور  
 طبع نمایند و سینه و پهلو را بدان چرب کنند **قیروطی** دیگر که ترکیدن دست و پا را که از سر ما باشد سود دهد \*  
 صنعت آن آب برک کرنب آب چغندر آب شلغم ازهر یک یک اوقیه موم سفید پیه کرده بزبروغن دنبه و روغن بابونه ازهر یک  
 یک سیر بن ستور طبع نمایند و دست و پا را بدان چرب سازند **قیروطی** نافع جهت وجع مفاصل مزمن \* صنعت آن موم  
 سفید **هفتاد و پنج مثقال** ملك الانباط سی و شش مثقال اجزا را در یک کرده بر بالای آتش کد ارنه تا صوغ در موم حل  
 شود پس صافی نموده صمغ درخت بسته دوازده مثقال قاسی لادن ازهر یک دوازده مثقال اجزا را کوفته با روغن مل کور  
 صمغ نموده خوب برهم زنند با چون مرهم شود بعد ازان استعمال نمایند **قیروطی** که خشکی دست و پا را برطرف سازد \*  
 صنعت آن **معاد خطمی** آب حلبه لعاب تخم کتان آب برک چغندر ازهر یک نیم من پیه کو سفید پیه مرغ روغن بادام  
 روغن کل ازهر یک یک اوقیه با تش ملایم بجوشانند تا بقوام آید و اگر خواهند که خوشبو شود مشک و کلاب داخل کنند \*  
**قیروطی** که زردی را برطرف کند و با صفا و طراوت گردانند هرگاه که مکرر در بدن بمالند \* صنعت آن جد و اخطائی بکلاب سوده  
 صورت چنان عود الصلیب موم میانی کانی ازهر یک سه درم پیه بطایفه شتر مرغ بادام روغن پنبه دانه ازهر یک ده درم بقاعده \*  
 صنعت آن طبع نمایند **قیروطی** دیگر که ریش و خشکی بینی را سود داند \* صنعت آن زوفاغی تربیه مرغ مغز ساق گاو  
 موم زرد قندری غسل مجموع را درهم بکد ازند و در هاون نیکو بمالند و استعمال نمایند **قیروطی** که چون بر بدن بمالند  
 بدن را نرم و خوشبو و با طراوت دارد \* صنعت آن روغن بنفشه بادام روغن زنبق که رازی نیز نامند روغن نرگس از  
 هر یک ده درم موم سفید پیه مرغ روغن دانه مسکه میش روغن پنبه دانه ازهر یک پنج درم لعاب خطمی بیست درم  
 درهم طبع نمایند و نیم درم مشک سوده و یک درم عنبر در آخر دران داخل سازند و در هاون بمالند که خوب درهم آمیخته  
 شود **قیروطی** دیگر که آتش را نافع است \* صنعت آن موم سه درم روغن گاو پنج درم پیه کرده بزشش در سیما ب  
 چهار مثقال سیما ب را در قند ری آب حنا و قند ری آب دهان خوب کف مال کنند انگاه اجزا را با هم مخلوط کرده در هاون  
 بمالند تا همه یکسان شود پس مجموع را سه بخش کرده هر روز بخشی را در تمام بدن بمالند غیر از زیر بغل و بر  
 را نه آنکه در بدن دو محل نباید رسانید و خود را از هوا سرد محافظت کنند **قیروطی** دیگر که بواسیر و شقاق مقعد را  
 مالیدن فائده مند بود \* صنعت آن روغن استخوان زرد آلو مغز ساق کاپیه مرغ روغن کوهان شتر روغن کرات ازهر یک  
 جزوی با هم بکد ازند و بمالند تا همه یکسان شود و استعمال نمایند **قیروطی** که ملین و مسهل بود و چون بر شکم بمالند  
 مسهل بلغم باشد \* صنعت آن برنگ کابلی قنار الحمار سنا مکی شبرم ازهر یک ده درم کوفته در یک درم آب خیسانید و جوش  
 دهند تا ربع آب بمالند درهم مالیدن صاف کنند پس روغن خروع روغن حب القرط روغن کل ازهر یک یک سیر پیه بط  
 پیه مرغ روغن دانه ازهر یک نیم سیر موم زرد پنج درم اضافه کرده جوش دهند تا آبها رفته روغن بمالند صاف کرده  
 استعمال نمایند **قیروطی** که فالج و رعشه را نافع است \* صنعت آن روغن سوسن روغن قسط روغن فرفیون ازهر یک ده  
 درم موم زرد پنج درم میعه سا ئله دو درم میعه و موم را در روغنهای بکد ازند جفت بید ستر قسط ازهر یک ده درم کوفته  
 بپخته دران پیامیزند و در هاون بمالند که مجموع درهم خوب آمیخته شود و استعمال نمایند **قیروطی** دیگر که همان نفخ

دهن \* صنعت آن مقل جنك بيل شتر ميعه سائله روغن رازقی که روغن زنبق است پنه بط اهریک جزوی در هاون بمالند که  
 یکسان شود و استعمال کنند \* قیروطی که شقاق را و درشتی که در زود است و پا باشد نافع است \* صنعت آن کتیرا زوفا از  
 هر یک یک گرم موم سفید سه گرم روغن بادام که درم روغن بادام اکرم کرده کتیرا و زوفای تردا خل کرده در هاون بمالند و  
 استعمال نمایند \* قیروطی که محرور المزاج را سود دهد و بدن را ملایم و نرم و خوشبو سازد \* صنعت آن موم سفید روغن  
 بنفشه بادام اهریک بیست گرم روغن کل سی درم کافور نیم درم صندل را بکلاب سوده بنجی رم عوق بهار و کلاب اهریک  
 بیست گرم چنانچه رسم است در هم مالید \* استعمال کنند \* قیروطی که بدنهای کرم مزاجان را موافق باشد و بیبوست و  
 خشونت جلد را سود دهد \* صنعت آن روغن بادام روغن کد و اهریک بیست گرم موم سفید هفت گرم بیه برنجی در هم  
 کتیرا لعاب بز قطونا لعاب خطمی لعاب بهد انه روغن بید مشک روغن بنفشه بادام مسکه تازه اهریک ده درم مجموع  
 را دریا تیلی کرده با تش نرم طبع نمایند و نیم درم کافور در آن داخل کنند و در هاون بمالند تا مجموع در هم آمیخته  
 شود آنگاه استعمال نمایند \* قیروطی دیگر \* صنعت آن موم سفید مغز قلم کا و کتیرا روغن جنجیلی روغن بیه بادام  
 یا روغن کد و یا روغن نیلوفر اگر تبریک بیشتر مطلوب باشد لعاب بهد انه یا اسبغول اضافه کنند و استعمال نمایند \*  
 قیروطی جهت قوت باه از مجربات حکیم سعد الله \* صنعت آن سفید اب توتیا بوره ارمنی نوشا در اهریک یک شعله  
 قلیاسم الفار از هر یک نیم مثقال با روغن کنجد و سرکه و موم بطریق مقور قیروطی ترتیب دهند و عضو مخصوص را بهاب  
 گرم بشویند و بخرقه خشنی خوب بمالند پس بدان چرب نمایند \* قیروطی که شقاق و اورام لب های سفید را نافع باشد  
 صنعت آن بکیرند موم صافی و روغن کافور و روغن بنفشه از هر یک یک اوقیه و دریا تیل کنند و بخورشانند تا موم کد اخته  
 شود و همه یکی شود و هنگام حاجت بکار برند \* قیروطی که همان فائده بخشد \* صنعت آن مغز استخوان قلم یک جزو  
 موم صاف آمیخته نیم گرم بر شقاق دهند \* قیروطی که شقاق دست پا را که از سودا بهم رسد نافع است \* صنعت آن بکیرند  
 روغن کافور و موم مساوی با هم کد اخته همچنان گرم بر عضو بمالند \* قیروطی جهت شقاق لب و روی و بالای بینی \*  
 صنعت آن بکیرند موم زرد و روغن کل و روغن قاز و بز و شحم بط مصلی و نشاسته و کتیرا و لعاب حب السفرجل و یک ازند  
 موم و روغن و شحم را با قی و اها کوفته نرم بپخته در آن اندازند و در هاون بمالند تا خوب بر هم شود پس بکار برند و  
 بایل که داخل حمام شوند و چون جای شقاق نرم شود در و کتیرا و مسحوق را مثل کحل بمالند \* قیروطی که جهت  
 شقاق دست و پا و روی و لب نافع است \* صنعت آن تخم کنان شمع صاف روغن بادام شیرین پیده جاج مغز ساق گاو  
 کل خطمی کوفته کتیرا صمغ آلبطریق متعارف موم روغن بسازند و بکار برند \* قیروطی جهت نری بهی نافع \* صنعت آن  
 روغن بادام کتیرا تخم کاهو با شیوه تازه بغیر موم روغن سازند و بکار برند \* قیقه ریفتج و وقاف در میان هر دو بای  
 مثانه تختانیه ساکنه و هارای مهمله در آخر و نون میان هر دو وقاف نیز آمده صمغی است شبیه بسند روس زرد شکن  
 سفید بک بود و بطعم سفید مائل بزردی بهند ی زال و بفارسی لعل معبری و عبری شجر تمیمی گویند اسم عبرانی سند روس  
 است و حال آنکه غیر سند روس است و اکثر از بلاد هند و اراضی عرب می آورند و سیوم کرم و خشک و مد ریض و  
 مخرج جنین و منقذ ماغ و با ماء العسل جهت صرع و استسقا و ربو و بنج و زرا شا میدان آن متوالی با سکنجبین و یا  
 آب جهت سوز زور رفع فربسی بدن و سئون آن جهت درد دل آن و آنکه حال آن جهت ضعف با صره و رفع آثار چشم و مرم  
 آن جهت جراحات مزمنه و در موامهم ذکر مرمهم آن خواهل شد ان شاء الله تع و قل رشویش ربیع در می است \* در هن القیقه  
 که شهور و روغن زال است جهت ازاله اورام حاره و بارده در موضع که باشد خصوصاً حصیه و قضیب و استسقا و قویا و

و شقاق و بشور خصوصاً بشور رجه و اند مال خراج و قروح افرنجیه و غیره و قروح اذن نافع طلاء و تطورا \* صنعت آن  
بگیرند قیقه هر قل که خواهند و نرم نموده با هشت وزن آن روغن کنجد خالص مزوج نموده یکصد و یکم و نیمه با آب  
شسته استعمال نمایند و اگر قروح خواهند از روغن قل ری کم نمایند خصوصاً در تابستان \* دهن قیقه هر که بهندی چوره  
رال نامند جهت انواع جرب و طب و برای داء الثعلب با آب لیمو کاغذی نافع \* صنعت آن بگیرند خالص آنرا هر مقداری  
که خواهند و ریزه ریزه کرده در یک سفالی نمایند و بر سر آن سرپوشی کنند و بر سر پوش سوراخی کرده نی بران نصب  
نمایند و سرنی را در ظرف خالی کنند و هر آن ظرف را بند نمایند که هوا داخل نشود و در زیر یک آتش ملایم کنند  
اگر آهسته آهسته روغن آن بر می آید آن را عند الحاجة استعمال نمایند و اگر خواهند بقرع و انبیق استخراج نمایند  
بهرتر است لیکن کم تر و صاف تر بر می آید \* دهن قیقه هر یک جهت انواع جرب و قوبا و قروح خبیثه \* صنعت آن روغن  
خالص آن که بهندی چوره رال نامند سه ربع آثار یعنی سه پا و آنرا چهار توله زرد چوبه انبیه که بهندی انبی هندی  
نامند نیز چهار توله هر دو را بسیار نرم بگو بند و به پزند و توله سیماب را در آن آن قل ریسانند که کشته کرد پس  
بان روغن مخلوط نموده قدری جرب و قوبا بمالند تا سه چهار روز زایل گردد اند \* کتاب الکاف \*

**باب الکاف مع الالف \*** کادی بفتح کاف والف و کسر ال مهمله و یا و کیوره یکسر کاف سکون یا یا مینا و تحتانیه  
و در فتنه و مهمله و ها مرد و اسم هندی است و عبری کن و بفتح کاف و دال و رای مهملتین نامند و کل آنرا بهندی کیوریکا  
بهول یعنی کل کیور و نوع صغیر آنرا که کوچکتر و زرد تر و لطیفتر و خوشبو تر است کیتکی نامند و در هند و کهن و بنگاله و حوالی  
همان و یمن و کثیر الوجود است و مشابیه کیمی بد رخت نارچیل و نخل دارد و از برگ آن در زیر باد جای نمازها و فرشها  
از قبیل بوزهای نخل بافند و باطراف می بوند بسیار نرم تر از بوزهای نخل است و برگ آن عریض تر و طولانی تر از برگ  
نخل و نارچیل و اطراف آن شبیه است به ذرت کلان که خند روم نامند ولیکن ازان بزرگ تر و طولانی تر و برگ های آن  
نرم و خاردار و خوش بود و وسط آن کفرا که خوشه خرما است خوشه پرا ز کرد بلکه کرد این زیاده ازان است و بسیار  
خوش بود و تند در آخرد و یم کرم و خشک و بعضی معتدل دانسته اند شاید که حرارت و یسوست آن در آخرد رجه  
اولی باشد و یسوس کمتر از حرارت مقوی بدن و حواس و با تغریح و رافع خفقان و اعیاض شری و بشور و حله  
و مسکن درد های هعب و شربت آن که چوب آنرا کوبید و بجوشانند و آب آنرا با شکر بقوام آورند جهت آبله و حصیه  
و جزام بهترین ادویه است و اهل هند را اعتقاد آن است که چون شربت آنرا بنوشند در موسوم آبله قبل از ظهور  
آبله بسیار برنخواهد آمد تا بعد یک هفته اند زیاده از هشت نه دانه بر نمی آید و اصلی ندارد ولیکن مخفف عوارض  
آنست و زرد گرد نه آن در گوش اطفال جهت تسکین درد و لثیم قروح و تجفیف رطوبت لزج و مستخرج ازان و خاکستر  
سوخته چوب آن جهت التیام جراحتها مجرب دانسته اند و دانه آن مقوم دل و جگر است و رب که رقیق تر از دانه  
آنست و بلش بوزن آن صندل سرخ و بقم است مؤلف اختیارات بدیعی نوشته که در کرم سیوشیرا زرد رخت که بسیار  
بود و بغارسی کل کیدی خوانند بوی عظیم و خوش دارد تا بعد یک ماه که بوی وی بگیرد تا ریزید کرد آن بوی از وی زایل  
نشود و اصلی دل ارد شاید درختی دیگر خواهد بود \* دهن کل و مقوی حواس و مفرح نفس و سرور آورنده و مانع امیاض و رافع خفقان  
و استحکام کنند بدن است \* صنعت آن بگیرند کل کادی که کیوره نامند یا کیتکی هر کدام که باشد قبل از آنکه شکوفه شد  
باشد و در روغن کنجد تازه انداخته در آفتاب بکند و در مثل روغن کل جل بد کنند و ترتیب دهند \* رب کل رافع از بوی  
جل ری و حصیه \* صنعت آن بگیرند چوب یا بیج کل تازه و بگویند و آب آنرا افشود و بگیرند و با قل سقید بقل را احتیاج

بقوام آردن و اگر کک رتاز بهم رسد خشک آن را از بزه ریزه نموده جوشانیده صاف کرده با قند بقل را احتیاج طبع نماید  
تا بقوام آید و این فی الحقیقه شراب کک رسیده است \* فصل در ذکر نسخ اشربه کدر \* شراب کک رکه

شیخ الوئیس ابوعلی بن سینا رح در قانون در معالجه جن ری ذکر فرموده و در قرابادین نیز \* صنعت آن بکیرند و یک کدر  
در جزو و اگر آب آن حاصل نمائند خشک چوب کک را ریزند و با براده نمایند و با یکویند و با تخم کدو آن صندل براده  
کرده در سرکه مقطر یا در آب غوره آنمقل از رکه از روی آن بگردود و هر چند سرکه یا آب غوره زیاده باشد بهتر است و در سرما  
دوسه در زرد زکرمای یک و روز یک از آن پس یا تش ملایم طبع دهند آنمقل از رکه مهر شود پس بمالند و بفشارند و صافی  
کنند پس بکیرند آب ماست بطریق نقطید در پارچه صافی اندازند و با بطریق ترویق که طبع دهند مثل طبع ماء الحیجین  
تا جبهیت آن از ما ثبت جدا گردد پس صاف نمایند و بکیرند آرد چوبد آب ماست مذکور اندازند و قفاح سازند و بکیرند  
تا قشود مثل سرکه و ترویق آن نمائند یعنی صاف کنند و مرتبه دیگر آرد چوبد را در آن ریخته قفاح حاصل ترینند دهند  
همین قسم هر چند زیاده تکرار کنند بهتر است پس بکیرند ازین قفاح ترش مذکور پنج جزو و آب صوف چینی به ترش  
شاداب آب انار ترش آب امرو و ترش آب سیب ترش آب زعفران آب لیمو آب آلو ترش آب طلح صوف و آب کک  
که نوع بکیرند و در است بلغت طبرستان و بفارسی کوپچ و کیل زرد و به ترکی از کیل نامند آب توت شامی که خوب است  
یا شاداب زرد آلو خام ترش آب غوره آب ریاس عصاره عسلیم درخت انکور آب کل فارسی که کل سرخ نامند و در  
نیشکر عصاره کل نیلوفر عصاره کل بنفشه از هر یک یک جزو و آب ترش از ترش نارنج از هر یک دو ثلث جزو و آب  
برک کشمش آب برک گاهو آب برک خشخاش آب برک کاسنی آب برک خرفه همه تازه و تر عصاره عسلیم را می آب برک  
آب برک سیب آب برک امرو و آب برک زعفران آب برک درخت کل سرخ از هر یک ازین آبها ربع جزو و عصاره الحیده التیس  
عصاره کل سرخ و کل نیلوفر عصاره زرشک همه خشک کرده تخم کاسنی تخم کاهو کلنا فارسی تخم نیلوفر تخم کل سرخ از هر یک  
نصف عشر آب نعناع تازه شش یک جزو و آب زرشک تازه و نصف جزو و بکیرند جمیع اجزای از اعضا را وادیده یا به  
و یکجا کنند و بر آتش ملایم بکند از آن و بر بوند در آن عدس چهار جزو و جو مقشود و جزو سماق منقی و انار و آنه از هر یک  
سه جزو و بجوشانند با هستکی تا به نصف رسد پس از آتش فرود آورد و بکند از آن تا سرد شود و بقوت تمام بمالند و صاف  
کنند پس داخل کنند در دوسه صد درهم از آن یک مثقال کافور قیصری سائید با این قسم که کافور و ابته قورع و با آفتاب یا  
آب گرم که بهما شند و بمالیمت و هستکی مطبوخ مساجور را بر آن ریزند و سر آن را محکم نمایند که بخار آن مطلقا بیرون  
نیاید و بر آتش اخگر کک از آن تا بجوش آید و ساعت بساعت از آتش برگرفته حرکت میداد و با شند تا بقوام لائق آید فرود  
آورده بکند از آن تا سرد شود و نگاه سر آن را با زکوده و در ظرف چینی یا شیشه نگاهدارند و سر آن را محکم بکنند تا بوی کافور  
ضائع نگردد و نه پرد شربت ازین تاده درم است و بعضی اظهار اخل میکنند درین شربت سنبلی الطیب و زنجبیل تخم را زیاده  
اندکسون فلان سبیل سعد کوفی از هر یک مقل از رکه که رای طبع است اقتضا کنند بل آنکه چون این شربت بسیار ترش است  
احتمال کنی که در معده و امعاء و سبیل آن است و نیز شاید که بسبب رطوبت آبها زود متغیر گردد اگر یک جزو و لغاب بزرگطونا  
و ربع جزو و صمغ عربی سوده و پنج جزو و نبات اضافه کنند و بقوام آردن و بعد از آنکه از آتش فرود آورده و هنوز سرد نشده  
باشد یکصد درم طباشیر در صورتیکه هر جزو را یک من گرفته باشند و ده استراطمی صندل سوده با کافور بر آن پاشیده و  
به تیر معجون سازی برهم زنند تا نیکو آمیخته شود و در ظرف چینی یا شیشه کرده سر آن را محکم بکنند بهتر است از آنکه کافور  
را در طبع داخل نمایند زیرا که بعد از طبع اثر و بوی شایسته نماید \* شراب کک ریشنه محمود بن الیاس در عاری صغیر

صنعت آن گادی تمر هندی عذاب بزرگ دانه بیرون آورده از هر یک یک رطل سرخ رازیانه ده درم صندل سفید صندل سرخ  
 از هر یک ده مثقال کل سرخ منزوع الاقماع سنبل الطیب از هر یک دو مثقال اجزائی مکوفته در چهار مثقال ادویه آب  
 خالص شیرین بجوشانند تا ربع آن بماند و بیالایند و بگیرند آب انار ترش آب انار شیرین سرکه انگوری کهنه از  
 هر یک یک رطل داخل آن کرده در یک سنگی کهنه و بجوشانند تا بقوام رسد پس شکر صافی سنبل یک رطل  
 داخل کنند و بجوشانند و کف آن را بگیرند و به بزنند تا بقوام سنگینی اندازند و بر گرفته حل نمایند در آن سه درم  
 زعفران و سه درم کافور قیصوری سوده و در شیشه نگاهدارند شربت ده درم شراب گادی کد رییز کویند بنسخه  
 چینی بن جزله که بهترین نسخه شراب کل راست صنعت آن بگیرند چوب گادی و پوست آنرا دور کنند و تمر هندی منقعی  
 از تخم و پوست ولیف و عذاب بزرگ دانه بیرون کرده پوست بیخ بادیان از هر یک یک رطل تخم رازیانه و چوبهای رازیانه  
 از هر یک نیم رطل صندل سرخ صندل سفید از هر یک ده مثقال سنبل الطیب کل سرخ منزوع الاقماع از هر یک دو  
 مثقال مجموع را نیم مکوفته در چهار برابر مجموع ادویه آب خالص شیرین بخیسانند پس بجوشانند و صافی نمایند و بگیرند  
 آب دانه انار شیرین آب دانه انار ترش سرکه خمر کهنه از هر یک یک رطل و مجموع را یکجا کرده در یک سنگی کهنه و با آتش  
 ملایم به بزنند تا شروع به انعقاد کند پس داخل کنند در آن نبات و قند از هر یک یک رطل و بجوشانند و کف آنرا بگیرند  
 تا بقوام سنگینی آید از آتش بر گرفته حل نمایند در آن زعفران و کافور قیصوری چوب گادی سه درم و نیم  
 برهم زنند و در ظرف چینی یا شیشه نگاهدارند شربت از دو مثقال تالیک اوقیه بقدر حاجت شراب گادی  
 که آن را آب گادی گویند منقول از کامل الصنعة که موافق نسخه قدما و نسخه مذکور در جامع الكاوی است  
 جهت حصه و جلوی و باد سرخ و ماشری و جمیع امراض دموی و تسکین حرارت قوی و اخلاط معترقه که اینها است  
 باشند و جهت یرقان و حرارت جگر و معده و رفع تشنگی و عفو نیت مزمنه اخلاط و نیکو کردن بوی دهان بنهایت سودمند است  
 است صنعت آن چوب گادی نیم کوفته تخم بادیان برگ و شاخ بادیان پوست بیخ بادیان تمر هندی منقعی از هر یک  
 قشر ولیف عذاب دانه بیرون آورده از هر یک یک رطل کل سرخ منزوع الاقماع نیم رطل سنبل الطیب یک مثقال از هر یک  
 از هر یک چهار مثقال صندل سرخ و سفید از هر یک ده مثقال مجموع را یک شانه و زرد چارم مثل ادویه آب خالص بخیسانند  
 پس بجوشانند تا ربع آید ببالایند و داخل نمایند در آن سرکه انگوری چوب گادی دو رطل آب انار ترش آب انار شیرین از  
 هر یک یک رطل و بجوشانند با آتش ملایم تا بقوام مائیل شود پس یک من نبات سفید داخل کنند و چند جوش دیگر دهند تا  
 بقوام آید پس از آتش بر گرفته کافور قیصوری و زعفران از هر یک سه مثقال سوده در آن حل کنند تا خوب ممزوج شود و در ظرف  
 چینی یا شیشه کرده سر آنرا محکم بندند تا راحه کافور بیرون نرود شربت از دو مثقال تا هفت مثقال و نیم و از برای اطفال  
 تالیک مثقال شراب کل گادی که کیوره نامند و برکهای آنرا جل اکوده کرد و خوشه آن را دور کنند و  
 برکها را پارچه پارچه نمایند و یا بگویند کوفتی بسیار کمی و با پنج وزن آن آب در یک کنند و بجوشانند تا ربع آید پس  
 صاف نموده نصف آن مقل از نبات یا قند داخل کرده بجوشانند و کف آن را بگیرند و شربت با خمر ترتیب دهند و بعضی  
 از کرد میان برکهای کل آن و بعضی از خوشه وسط آن نیز شربت مرتب می نمایند شراب کل رسیده صنعت آن بگیرند  
 ننه و بیخ و ریشه های درخت گادی و پوست آنرا دور کنند اگر تر باشد و بگیرند و آب آنرا بگیرند و با هم وزن آن و یا نصف  
 آن نبات و قند سفید با آتش ملایم بقوام آورند و اگر خشک باشد رنده نموده و یا کوبیده درینج مثل آن آب خالص  
 بخیسانند یک شانه و زرد چارم بجوشانند تا ربع رسد پس صاف نموده در پاتیل کنند و نصف وزن آن نبات سفید یا قند



سغی و اصل او که با شش می رسد چو شش نعل و کعبه آن را بلبلرند تا بقوام سکنجبین یا خمیره آید \* عطر کادی تفریح و سرور و نشاط و بسط و تقویت نفس و حواس نماید و منع ای باور و جفایان کند \* صنعت آن بکهرند برک کل کیور و تازه یا که یک در دو یک کنند و به دستور معطر و عرق کنند و در ده مشربه قندری عطر صندل ریزند که بر روی آن عرق بچکان و بعد سرد شدن عطر را از روی آب بکشند و از در ده مشربه و بر نه و از کل تازه باز و عرق بر روی آن بچکانند و همین قسم چند مرتبه بکنند و اگر عطر و سسل را بپاشد قندری براده صندل را در اول مرتبه با برک کل آن در دو یک کرده عرق کنند و عطر آن را گرفته و در ده مشربه ریزند و بر بالای آن عرق کل تازه خالص مکرر بچکانند و در شیشه محفوظ دارند و استعمال نمایند \* کافور بفتح کاف و الف و ضم ف و سکون و او را از مهمله اقسام می باشد اول ریاحی در ای مهمله ریاحی مثلاً تحتانیه گفته اند وجه تسمیه آن به سبب تصاعد آن با ریاح است و بعضی گفته اند ریاح نام باد شاهی است که اول آن ریافته و یاد در عصر او ریافته اند و بنام او شتهای ریافته و آن را بهندی بهیم سینی با عدل و آن صمغ درختی است شبیه بمصطکی که خود بخود بظاهر درخت بر زمی کند و بعضی گفته اند که تنه درخت آن را در صمغ بسیاری تیغ میزنند اول از آن آب بسیاری تراوش می کنند پس مواضع دیگر را تیغ زد و بعد تراوش رطوبت و انجماد آن جمع مینمایند و آن ماء الکافور و این کافور است و بعضی گفته اند شبمعی است که برد درخت آن می نشیند و بعد انعقاد جمع میگردد و بهیم قیصری و آن نیز مانند صمغ سفید صفای صافی شفاف است و در جوف درخت این یافت می شود سیوم کافور مومی که از ریزهای چوب درخت آن که از جوشانیدن آن بهم میرسد و آن تیره رنگ نام دارد و در درخت کافور مخصوص به بلاد زیباد است و چون سفید رنگ رخومی باشد و بسیار کم است و درخت آن عظیم و گوناگون است که سبب کم یابی و آن است که از گرمی هوا آن مکان پلنگ و مار همیشه میجورند و آن درخت می باشد و ادب که از آن درخت در حین قطع میچکد مسمی بماء الکافور است در نهایت تنگی رائحه و غلیظی و مایل بسرخي در سیوم گرم و خشک است و جالی چوک بدن و جامه و ظرف و عکس نزدیکی باو نمیکند و رافع درد استخوان و مفاصل و امراض باورده است و اما کافور پس اندرخت سرد خشک است در آخر درجه سیوم و ششم آن مصلح میروید و مصالحش روغن بنفشه و یونین عنبر و مشک و مسکن صناع حار و مروری به تنهایی یا با کلاب و صندل سفید مخصوص در حیات حار و حاده و مفرح قلب و طبع و نفوذ اندام اعضا و عروق و اسهال حار و عرق و دفع تشنگی و التهاب کود و قرحه و زده و سل و دق و ذات الجنب و حرقة البول و جمیع امراض حار و مقوی حواس و مروری و شرب و با طلاء نوباق سموم حار و عنبر و صابون دماغ و حار و با مشک و عنبر و مقوی روح حیوانی میبود المزاج ضعیف و سحوط آن با آب کشنیز تازه یا سرکه یا عنبر و سر یا آب برک آس یا آب باد روج جهت رعاف و یا آب برک کافور جهت بشوایی مروری و با روغن کل سرخ جهت اورام حار و نافع و سدن آن جهت دلد آن گرم بخورد و ممکن داشتن در جوف آن مانع زیادتی اوست و معجب است و قلاع دهان را نافع و در زرد آن جهت قروح خمیه و ساعیه و با ادویه مناسبه جهت زخمهای حار و جراحت تازه و قطع خون آن و تسکین درد معجب و اگر کتال آن جهت رمد و طلای آن با روغن کل و خل خمر بر پیشانی جهت درد سر و قواوی و شل و حرارت روح دماغی مخصوص در حیات حار و حاده و ضداد آن بو یا فروخ و پیشانی در حین رعاف معجب و مضرب و مولد سنگ مثانه و اگر آن قاطع نسل و اشتها و سرور و سفید موی و صلیحش عنبر و مشک و ادویه حار و خوشبو و بسیار یونین آن مودت بشوایی و صلیحش روغن سوسن و روغن کل سرخ و امثال آن و همچنین بسیار یونین آن مضعف باه و قاطع شهوت جماع است و این ماسر جویده حکایت کرده است که مردی از اصحاب او مقل اریکه مثقال کافور خورد در یک روز پس قطع شد باه او و روز دیگر هم

تازه از هر يك يك اوقيه كل سرخ د و من تخم خرفه سه و نیم من طباشیر سفید و کنیز از هر يك ده مثقال عرق بیدمشك عرق  
 نیلوفر عرق بید انجیر از هر يك يكمن كلاب دو من بن ستر و مقور عرق کشند و در وقت عرق کشیدن نسبت مثقال کافور  
 قبضه اول سوده در نه طلایی که عرق در آن می جکد باشند تا عرق بر آن بجکد عرق کافور به نسخه دیگر نیکو فرموده  
 اند که از اقتراح بند کان حضرت معز الیه قس سره است رهبران منافع دارد صنعت این کل ملو فوکل بیدمشك کل سرخ  
 شاهتره کل کاوزبان کل بیدمشك با قلائی تازه از هر يك يك اوقيه برک کاهو کنب بید جو مشهور را زیانه کد وی تازه سیب  
 شیرین به شیرین امرو و شیرین از هر يك نیم من صندل سرخ صندل سرخ تخم کاسنی مغز تخم کد و مغز تخم خیارین تخم کاهو  
 مقشر مغز تخم خربزه کل بنفشه از هر يك ده مثقال کافور قبضه اولی بیست مثقال با کلاب و عرق بیدمشك و عرق کاسنی و  
 عرق بید از هر يك د و من آب بقل رضر و رید ستور مقور عرق کشند \* عرق کافور به نسخه دیگر که فی الجمله تفاوتی با نسخه  
 قبل دارد \* صنعت آن بگیرند کل سرخ شاهتره کل کاوزبان بیدمشك تازه با قلائی تازه از هر يك يك چهار یکمن تبریز  
 برک کاهو کنب بید جو مقشر تراشه کد وی تازه را زیانه تازه سیب شیرین شاه امرو و از هر يك يكمن تبریز کشنیز خشک  
 کل بنفشه صندل سفید صندل سرخ تخم کاسنی مقشر مغز تخم کد و مغز تخم کد و آنه مغز تخم خیارین تخم خرفه مقشر تخم کاهو  
 مقشر طباشیر سفید از هر يك ده مثقال کافور قبضه اولی چهار مثقال ادویه را کوفته سوا کافور همه را در یک کلاب کشنی صورت  
 کلاب چهار من تبریز عرق بید ششمن تبریز عرق بیدمشك چهار من عرق کاسنی چهار من عرق کاوزبان عرق ملو فوکل  
 یکمن آب بقل رضر و رید رو آن کرده کافور را سوده در پارچه کتان نازکی بسته بد هان نیچه نصب نموده در یک کلاب عرق  
 کشند و در رشیدهای کوچک نگاه دارند \* عرق کافور نیز از اقتراح بند کان معز الیه قس سره که یکی از قلائی حضرت  
 معز الیه قس سره نقل باوزان هندی نموده با اندک تصرفی در اصل نسخه \* صنعت آن کل نیلوفر کاوزبان با قلائی تازه  
 غنچه کل سرخ شاهتره از هر يك بیست و پنج توله برک کاهو تازه برک بید تازه سیب شیرین به شیرین امرو و برک کاسنی  
 تازه جراد کد و جراد کد خیار دانه با درنگ جو مقشر از هر يك یک سیر و سه ربع یکسیر کشنیز خشک مغز تخم کد و صندل  
 سرخ صندل سفید تخم کاسنی مقشر مغز تخم خیارین بادیان تخم کاهو مقشر تخم خرفه مقشر کل بنفشه طباشیر سفید از هر يك  
 سه توله و نه ماشه کافور قبضه اولی هفت توله و نیم برک نارمشك تازه یکونیم ربع سیر بیچ کیله یکونیم ربع سیر تخم نارمشك  
 کل سفید از هر يك سه توله و نه ماشه عرق بیدمشك عرق کاسنی عرق نیلوفر کاوزبان از هر يك یکسیر کلاب هفت سیر آب  
 خالص د و از ده سیر رید ستور مقور عرق کشند \*

### فصل در بیان نسخ اقراص کافوری \*

قرص کافور از اقتراح شیخ الرئيس قس سره میباشد مطفي التهاب معده و کبد و سل و دق و فرو مینشان عطش و کرب  
 و نافع است از برای نفث الدم و رقی الدم و اسهال خون \* صنعت آن تخم کاسنی مقشر تخم کاهو مقشر تخم خرفه مقشر از هر يك  
 د و درم مغز تخم کد و شیرین مغز تخم خیارین از هر يك د و درم و ثلث د رمی آب کد را کربانت نشود بد آن صندل سفید  
 مقاصری سه درم سرطان مشوی رب السوس زعفران کافور از هر يك یک درم کل سرخ منزع الا قماغ چهار درم کوفته بختنه  
 بد ستور مقور اقراص سازند شربتیک مثقال صاحب میزان الطبائع گفته که بعض اطباء طباشیر سفید سه درم تخم خشخاش  
 د و درم بر اجزای این قرص افزوده اند و این صواب است و مزاج این قرص سرد است در یک درجه و سه ربع  
 درجه و خشک است در آخر درجه دریم \* قرص کافور از شیخ رئیس ابو علی بن سینا مطفي لهیب معده است و عطش را  
 زایل کند و در معده و کبد و طحال را مفید است و قاطع نفث الدم و رقی الدم و مسکن التهاب حمیات است و از برای حمیات  
 هاده و سل و دق نافع \* صنعت آن طباشیر سفید چهار درم و درم تخم خرفه مقشر مغز تخم خیارین مغز تخم

کک و هشتاد و پنج گرم ناردین ضمیع عربی رب السوس سرد قماوی خام قاقله از هر یک سه درم زعفران دودرم نبات سفید  
 ترنجبین از هر یک سه درم دودرم کافور قیصوری یک درم نیم گرفته بخته بلعاب بزر قطونا قطونا سرشته اقراص سازند و در سایه  
 خشک نمایند شربتی یک مثقال و سواک ناسد یک درم و در شرح قانون الجوی ناودین بون کثیرا آورده است \* قرص کافور  
 به نسخه دیگر از شیخ الرئیس گفته این که ای قوس مجرب است از برای اطفال به معده و کبد و انداختن خون بقی و نفی  
 الیم و از برای عطش و حمیات حار و وسل ردق \* صنعت آن طباشیر سفید چهار درم ورق کل سرخ سه درم عود  
 قماوی خام قاقله رب السوس از هر یک سه درم نبات سفید ترنجبین مغز تخم خیارین از هر یک دودرم زعفران کافور قیصوری  
 از هر یک یک درم ادویه کوفته بخته بلعاب بزر قطونا سرشته اقراص سازند هر قرصی یک درم و در سایه خشک نمایند شربتی  
 نادر دودرم \* قرص کافور به نسخه ابن جزله در منهاج الادویه \* صنعت آن طباشیر سفید چهار درم ورق کل سرخ هفت  
 درم تخم خرفه مقشر مغز تخم خیارین مغز تخم کک و شیرین از هر یک چهار درم عود قماوی خام صغ و بی کثیرا از هر یک دودرم  
 درم اصل السوس مقشر صندل مقاصری ترنجبین پاک کرده نشاسته قند سفید از هر یک سه درم کافور قیصوری  
 زعفران از هر یک یک درم کوفته بخته بلعاب بزر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی از یک درم تا یک مثقال و قوت  
 دین ناسد و باقی میماند \* قرص کافور به نسخه سیل اسمعیل در ذخیره \* صنعت آن طباشیر سفید کل سرخ منزع  
 الاقراص مغز تخم خیارین مغز تخم کک و شیرین تخم خرفه مقشر از هر یک پنج درم کثیرا چهار درم سنبل الطیب سنبل رومی  
 عود دودرم رب السوس صندل سفید از هر یک دودرم کافور قیصوری یک مثقال تخم کاهوسه دودرم کوفته بخته  
 بلعاب بزر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال با کلاب بیاضا منک \* قرص کافور منقول از سیل اسمعیل جرجانی  
 باغ اومرای حرارت کبد و قلب و حمیات حار و ردق و ذبول و سل \* صنعت آن مغز تخم کک و مغز تخم خیارین مغز تخم بادرنک  
 تخم خرفه مقشر مغز بهل اند از هر یک پنج درم ورق کل سرخ سه درم صغ عربی صندل نشاسته کثیرا از هر یک دودرم  
 رب السوس طباشیر سفید از هر یک سه درم تخم کاهو یک درم کافور قیصوری نیم درم کوفته بخته بلعاب بهل اند سرشته  
 اقراص سازند شربتی دودرم \* قرص کافور دیگر که همین منافع دارد \* صنعت آن تخم کاهو مقشر هفت درم ورق  
 کل سرخ سه درم طباشیر سفید مغز تخم خیارین مغز تخم بادرنک از هر یک دودرم تخم خرفه مقشر هشت درم مغز  
 تخم کک و شیرین چهار درم رب السوس سه درم ترنجبین دودرم کافور قیصوری نیم درم کوفته بخته بلعاب بزر قطونا  
 سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال تا دو مثقال با ماء الشعیر بیاضا منک \* قرص کافور منقول از ذخیره سیل  
 اسمعیل جرجانی نافع از برای سوزی مزاج و کبد و حمیات صفراویه \* صنعت آن سرخ طباشیر سفید صندل  
 سفید از هر یک سه درم تخم کاسنی تخم خرفه مقشر مغز تخم کک و شیرین تخم کاهو مقشر از هر یک دودرم کافور قیصوری در  
 دایک تا نیم مثقال اقراص سازند هر قرصی دو درم شربتی یک قرص باد و غ بنوشند \* قرص کافور تا لیف حکیم علی  
 کمالی در سایه مجرب است خود قلمی نمود و که این قرص خاصه ما است \* صنعت آن کافور قیصوری چهار مثقال زعفران  
 سه مثقال مغز تخم کک و مغز تخم خیارین از هر یک دو مثقال عسل چهار مثقال ادویه را نرم صلایه نمود و با عسل راندگی  
 آب قرص سازند هر قرص نیم مثقال \* قرص کافور دیگر که همین منافع دارد استعمال کرده میشود زمانی که طبع  
 گرم باشد اگر اراده قبض باشد \* صنعت آن لک مغسول فوفل از هر یک هفت درم زعفران سه درم ربونک چینی  
 بنیل روم صندل رومی طین قبرسی پرسیاوشان از هر یک سه درم کافور قیصوری دودرم و نیم کوفته بخته با آب  
 عسل و بلعاب و آب کاسنی تازه سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال با آب کاسنی تازه بنوشند \* قرص کافور

کا فوزی منقول از کامل البصاۃ نافع از برای امراض حاد و تب و ق و غیره **صفت** این مغز تخم کدو و کدوین مغز تخم  
 خیاری بن اصل السوس تخم خرفه مقشر و هر یک هشت ددم کل سرخ شش ددم صمغ عربی چهار ددم نشاسته سه ددم زعفران  
 دو ددم کا فوزی صوری نیم مثقال کوفته بلعاب بز قطونا سرشته اقراص سازند و باب بنوشته **قرص** کا فوزی منقول  
 از قرا با دین قانون شیخ نافع از برای حمیات حاده و نفخ مسهل های قوی کبدی به صفت بن کبلی بنفشه کل نیلو فراز هر یک  
 سه ددم ریوند چینی لك مغسول از هر یک يك ددم صمغ عربی کیرارب السوس از هر یک دو ددم کا فوزی صوری يك مثقال  
 ترنجبین شکر سفید از هر یک ددم ترنجبین و شکر را بکشد **کود** صافی نموده باقی ادویه را کوفته بپخته با آن بسروشند و  
 اقراص سازند شربتیی يك مثقال با سکنجبین بپاشا مند \* **قرص** کا فوزی منقول از کامل البصاۃ نافع از برای حرارت  
 قلب و کبد و خفقان حار و حمیات حاده و تب و ق و غیره \* **صنعت** آن مغز تخم کدو و شیرین مغز تخم خربزه مغز بهلانه از  
 هر یک پنچ ددم ورق کل سرخ سه ددم بادیان یک ددم کا فوزی صوری نیم مثقال کوفته بپخته بلعاب اسبغول سرشته اقراص  
 سازند \* **قرص** کا فوزی منقول از قرا با دین کوتوالی شاهي سوی مزاج را که از کرمی و صفرا باشد سودا و دوتپ و ق و تب غلب را  
 ذیکو بود \* **صنعت** آن مغز تخم خیاری بن مغز تخم کدو و شیرین کل سرخ از هر یک سه ددم تخم خرفه مقشر خشخاش سفید تخم کاهو  
 مقشر و صمغ عربی از هر یک یک ددم و نیم کا فوزی صوری نیم ددم همه را کوفته بپخته اقراص سازند شربتیی از یک مثقال **تاد**  
 ددم \* **قرص** کا فوزی منقول از کتاب مذکور که همین منفعت دارد \* **صنعت** آن مغز تخم خیاری بن مغز تخم کدو و شیرین  
 ورق کل سرخ از هر یک سه ددم تخم خرفه مقشر تخم خشخاش سفید طباطبائی شیر سفید صمغ عربی صندل از هر یک دو ددم **دیر**  
 چینی یک ددم و نیم کا فوزی صوری یک انگ و نیم کوفته بپخته بلعاب بز قطونا سرشته اقراص سازند **اطفال را که دهم**  
 میان را و ددم و قوی راسه ددم با شراب کا سنی بد هند \* **قرص** کا فوزی منقول از ذخیره سید اسمعیل **صفت**  
**صنعت** آن کل بنفشه خشک کل نیلو فر خشک ورق کل سرخ از هر یک سه ددم مغز تخم خیاری بن طباطبائی شیر سفید زعفران ریوند  
 چینی لك مغسول رب السوس از هر یک دو ددم کتیرا یک ددم کا فوزی صوری نیم مثقال ترنجبین خراسانی ده ددم بد ستور  
 اقراص سازند شربتیی يك مثقال با سکنجبین سازج بپاشا مند \* **قرص** کا فوزی منقول از شرح مولانا سدید بر موجز قوشی  
 نافع از برای حمیات حاده و مخترقه و ق و سعال و رافع تشنگی و خفقان حار و کرمی جگر و قلب \* **صنعت** آن کل سرخ  
 منزوع الاقماع طباطبائی شیر سفید مغز تخم خیاری بن تخم کا سنی تخم کاهو مقشر تخم خرفه مقشر از هر یک سه ددم کا فوزی صوری  
 نیم مثقال زعفران سدس مثقال کوفته بپخته با آب به شیرین سرشته اقراص سازند اقراص نازک در سایه خشک کنند و  
 احتیاط کنند که در وقت خشک کردن فاسد و متکرج نکند یعنی بر پشت غریب بال پهن کنند و مکرر رو برو کنند تا زمانی که  
 خشک شود صاحب اختیارات این قرص را با سم قرص طباطبائی کا فوزی ذکر کرده و در نسخه صاحب اختیارات زعفران داخل  
 نیست و وزن کا فوزی یک ددم است و باقی اجزا از هر یک چهار ددم است و گفته که ادویه کوفته بپخته بلعاب بز قطونا سرشته  
 اقراص سازند شربتیی یک مثقال قوتش تا ششماه باقی است و محمود بن الیاس ابن نسخه را در حای صغیر آورد و اختلافی  
 که با نسخه صاحب اختیارات دارد آنست که وزن کا فوزی یک انگ وزن باقی اجزا از هر یک یک مثقال است و این نسخه اشهر  
 است و مسیحی این قرص را در ماده خفقان حار آورده و بعضی تخم کاهو تخم کا سنی داخل است و زعفران داخل ندارد و  
 گفته که در هر یک مثقال از اجزای این قرص یک طسوج کا فوزی صوری داخل نمایند و تا هفته صاحب خفقان حار و هر  
 روز یک مثقال از بن قرص بخورد و گاهی اضافه کرده بر اجزای این قرص یک مثقال رواریب نا سفته و درین حالت  
 آنرا قرص طباطبائی لولوی کا فوزی نامند \* **قرص** کا فوزی منقول از بیاض میرزا محمد باقر حکیم باشی که از مجربات خود انجاء قلمی



قسم سیوم است و بهترین اقسام آن احوال است و اقسام آن در آخر سوم کرم و حشمت و کرمی آن غالب بر خشکی و قوتش تا سه سال باقی و در غایت ذهنتیت و محلل و ملطف و مسخن و مجفف و جاذب و شرب آن مقارم جمیع سموم و با زردی تخم نیمبرشت جهت سوفه و طوبی و ربو و اخراج چرک و بلغم سینه و شش و رفع یرقان و زکام و نزله و اقسام جرب رطب و خارشها و طلای آن مسکن ضربان اعضا و سفید کنند و موی و با غسل و بد ستور ببول و آب ذهن جهت کزیدن هوام و با عاقره ها و غسل و سرکه جهت جذام و جوششهای سوداوی عجیب الاثر و با سرکه و نظرون و علك البطم جهت قلع آثار و حكه و جرب و بهق و برص و لخن و تقشرجل و داء الحبه و ثعلب و اكله و قروح رطبه و با حنا جهت قوبار و با سرکه و قیومولیا جهت مسقه و با چند جهت تحلیل صلابات و با حب الغار جهت امراض بارده و صدا ع و با ماست نیم وزن کوکود صمغ عربی جهت مسقه و قروح سر و قوبا مجرب و با بوره ارمی و غسل و ادویه مناسبه جهت نقرس نافع و ذرور آن بریدن قاطع عرق و سهو ط آن جهت صرع و سکنه و شقیقه مغید و بخور آن حایس زکام و نزله و مسقط جنین است بسرعت و با عسکری بزانیدن هوام و بخور و قطور آن رافع کرمی و ثقل سامعه و مضر معد و مصلحش کثیرا و شیر تازه و قند و شربتش از دودا نک تا یکم شغال است و مصلح آن جهت تکلیس معد نیات و تنقیه و رفع چرک آن بی عذیل و سفید کرد و آن نائب مناب جوهر زرنیج است \*  
 د ستور و بر نمودن کبریت آنست که ظرفی را از شیر کاه پر کنند و سر آن ظرف را با پارچه کرباسی به بندند و بالای آن کبریت ریزه کرده بهن کنند و طبقی از سفال بر بالای آن کوکود بگذارند و در میان طبق سفالی سرکین کاه خشک کنند و آتش دهند و با آنکه اخگرها کف آشته بد مند تا که کوکود آب شود و از پارچه کرباس کدشته در میان شیر بچکانک آنکه کوکود را از بالای شیر بردارند و عند الحاجة بکار برند \* حب کبریت جمیع امراض سوداوی و بلغمی را نافع است \* صنعت آن کوکود مغسول فلفل سیاه از هر یک پنج گرم برنگ کابلی دار فلفل نمک سیاه نمک طعام از هر یک در نیم درم اجزا کوفته بمخته با آب لیمو که بهندی گاه های نامند خمیر کرده خشک نمایند و تا هفت مرتبه تجل بد کنند پس بقدری بخود می حب بندند و خشک نمایند شربتیک حب \*

### فصل در ذکر نسخ دواء الکبریت \*

بد آنکه این از تراکیب قدیمه مقلد بر تریاق فاروق در نفع شمرده اند و این از تراکیبی است که استعمال کرده نمیشود مگر بعد از ششماه از ساختن آن و قوت این دوا سه سال تا چهار سال باقی می ماند و کرم است در آخردرجه ثالسه و خشک است در وسط درجه ثالسه نافع است از برای جمیع امراض بلغمی و سوداوی و از برای همیاتی که با سردی می آیند و همیاتی مزمنه حادثه از بلغم و سودا و عرق النساء و وجع مفاصل چون بآب کرفس بخورند و جمیع اوجاع مزمنه و سرفه های کهنه حادث از طوبیت و یرقان و طحال با آب قرنفل و اوجاع عظم بآب نیم کرم و از برای زیاده نوبلغم و امراض مشابه و در بلاد بارده مانند دوم با ماء العسل و عکس اینها با عرق بید و از برای تفتیت حصاة و ادراک سنگ چلبین بزوری و از برای سعال و جمیع امراض صد چون ضیق النفس و ربو مد و با طبع پر سیاوشان و از برای سموم بالبن حلیب بقری و ربوب فواکه و از برای اصناف بواسیر و امراض مقعد و با آب کندنا و این دوا موجب لاغری بدن است و مصلح آن ماء اللحم و مضعف کبد است و مصلح آن عذاب و کتبوا است و شربتیک از آن یکد هم است و طبای هم بسیار رغبت باستعمال این دوا دارند و ملوک چین استعمال این دوا میکنند از برای قوت و سفید مظهر الی بین شفائی گفته که از منافع عظیمه این دوا نفع است از برای ادویه سمیه چون افیون و شوکران و بوزالبنج و دیخلفاح و رفع سمیت آنها و نفع از برای کزیدن عقرب و زنبیل و از منافع بینة آن نفع است از برای کز ازواستسقا \* صنعت آن به سخته یوحنابن هرا فیون بزرا لبنج سفید قره مانا کند رذکر مصافی از هر یک دوازد و مثقال فلفل سفید شش گرم

کبریت زرد صافی در اقل قسط تلخ زرد فیهون زرد لقاخ از هر يك سه درم صمغ رابه مدیخته حل کنند و باقی  
ادویه را کوفته بپخته معجون سازند و در شب و صبح و تپهای باغمی یک درم از وی با آب کرفس یا آب بادیان بکار برند و  
قوتش تا چهار سال باقی میماند و در نسخه شیخ داود افیون و زعفران از هر يك ده مثقال بر نسخه بو حنا افزوده است  
و گفته که صمغ را در شراب یا در مثلث حل کنند و باقی ادویه را کوفته بپخته بعمل مصفی سه وزن ادویه بسرشد و در  
ظرف چینی نگاه دارند و باید که این دوا را در اول تابستان بسازند تا در اول زمستان نضج آن تمام شود پس استعمال  
کنند که نافع است و نسخه معصومی نسخه شیخ داود است و وزن کوکورد شش درم است و در نسخه دیگر شیخ داود و در  
که آن سلیخته سیاه و برک سداب است از هر يك پنج درم زیاد کرد و در نسخه صاحب کامل الصناعه و نسخه یحیی  
بن حبیبی بن زجزله این دوا از هر يك ده مثقال است و این نسخه اصح نسخ دواء الکبریت است \* دواء الکبریت به نسخه  
شیخ الرئیس \* صنعت آن کبریت زرد قرد مانده بزر البنج سفید میعه سائله صغیر مرکبی صافی از هر يك هشت درم سداب  
قسط تلخ از هر يك ده درم افیون زعفران از هر يك دو درم سلیخته سیاه دوازده درم فلفل سفید بیست و دو درم ادویه را کوفته  
بپخته بعمل مصفی بسرشد و بعد از شش ماه استعمال نمایند و باید که بیمار که این دوا پیش از وقت دوره نسیب بقلل  
شش ساعت و این نسخه موافق اکثر نسخ قانون است و در بعضی نسخ قانون بادویه مناکوره هشت درم زربنج سفید نیز  
داخل است و در بعضی نسخ زربنج سفید بجای بزر البنج مناکور است و این هردو نسخه غلط است و نسخه اول که از  
شیخ ذکر شد صحیح است و بعضی گفته اند که شربت دوا از نیم درم تا یک مثقال و شربت متوسط یک درم است \* دواء الکبریت  
به نسخه معصومی حمیات مزمنه باغمی و سوداوی و سرفه کهنه و نافع باشد و اکثر اوجاع کهنه باغمی و سوداوی و کزلی  
دیوانه و حیات و عقارب را فائده دهنده و بول و حیض بیاورد و سنگ کرد و و مثانه را بریزاند و دفع مضرت زهرها کند و  
فعل این ترکیب با طریاق فاروق نرد یک است \* صنعت آن فلفل سفید کوکورد زرد از هر يك شش درم بزر البنج قرد مانا  
مرصاف از هر يك دوازده درم زعفران افیون از هر يك ده درم فلفل قسط تلخ زرد و نل طویل پوست بیخ لقاخ افیمون  
قویون از هر يك سه درم صغیرا در شراب کهنه یا مثلث بخیسانند و ادویه کوفته بپخته با عمل صاف بسرشد و بعد  
از شش ماه مقدر شربت از یک درم تا یک مثقال باشد \* دواء الکبریت به نسخه دیگر در نفع مساوی با اول \* صنعت  
آن کوکورد زرد بزر البنج سفید قودنا ما مرکبی صاف میعه سائله صغیر فارسی از هر يك هشت درم سلیخته دوازده درم  
بیخ لقاخ افیمون قویون از هر يك سه درم اجزا کوفته بپخته مروافیون را در مثلث حل کنند و چنانچه رسم است با سه  
چندان غسل صاف بسرشد و بعد از شش ماه مقدر شربت از یک درم تا نیم درم و نل تپ باغمی را با آب کرفس یا آب  
بادیان بنهند \* دواء الکبریت تالیف حکیم سید مومن مسیحی بتربایق محل گفته که این دوا در تقویت احشا و معده  
و جگر و دفع از برای فالج و تشنج و نسیم و لقوه و تقویت باه و دفع ضرر سموم و حفظ حرارت غریزی و تحلیل ریاخ و درد  
احشا و ضعف بدن بی عمل است و در اول درجه ثلاثه گرم است و موافق مبرودین و قل شربت از نیم مثقال تا یک  
مثقال است \* صنعت آن سنبلیط الطیب قسط تلخ سلیخته مصحکی حب الغار زنجبیل قونفل بسپاسه از هر يك ده مثقال زراوند  
طویل فلفل سیاه تخم کرفس انیسون نانخواه زرد کرمانی فطرسا لیون اسارون کبریت زرد انجیر ان پودنه نعناع خشک  
تخم انجیر کنند و از هر يك چهار مثقال دوقوقاح از هر يك مرصاف افیون از هر يك ده مثقال عود هند فلفل سفید از هر يك  
نیم مثقال زعفران یک مثقال زنبب مشک تبی فیهون از هر يك یک مثقال باد و وزن ادویه غسل مصفی معجون سازند و  
بعد از شش ماه استعمال نمایند \*  
فصل در ذکر نسخه دهن الکبریت \*  
دهن



دهن الکبریت نافع از بواسع عفنه و جرب و قوبا و خارش و جمد و جمع اوجده بدن را نافع باشد \* صنعت آن کبریت زرد  
 کوفته در چهار مثل آن روغن دنبه داخل کرده پاره کرپاس را بان آلوده نموده فنیله سازند و فنیله روشن کرده بر روی چوبی  
 سرازیر بیاورند و هر روغنی که بچک در ظرف مسی بغیر قلعی کرده بگیرند و بر جرب و قوبا و خارش بماند که با مرانه غر و جل  
 بنهایت نافع است \* دهن الکبریت از صناعت بواکسوس نافع جهت امراض بارده عفنه و جمیع همیات عفنه و غب  
 و ریح و امراض بلغمیه نایبه و طوایع و قروح و جروح و بواسیر و تالک لثه و قروح دهان و امراض معدیه و کبد و طحال و رحم  
 و مثانه و مفاصل و داده میشود قلقلی از آن با آبهای ادویه مناسبه و از برای همی لثه هر روز قبل از نوبت بیک ساعت  
 با طبیح اکلیل الجبل و برای غب با طبیح قنطاریون و شراب و برای ریح با آب لسان الثور و برای طاعون با طبیح ترب  
 بشواب و برای صرع با طبیح فانی و انیا با قلقلی تریاق فاروق و با طبیح زرفا برای سعال و برای بطلان شهوت با آب افسنتین  
 و برای وجع معدیه و قولنج با آب پودنه و برای برودت کبد و استسقا با آب ایرسا و با آب خلد و نیا و برای سب و وجع طحال  
 با طبیح کبریا با ماء الاصول و برای آتشک با آب شاهتره و برای اخراج دیدان با آب افسنتین و برای وجع رحم با طبیح  
 اقحوان و برای عسر الہول با شراب و برای نفرس و وجع مفاصل با طبیح کافیطوس و طلا کرده میشود بر قروح رویه \* صنعت  
 آن بگیرند کبریت زرد داخل هر قل که خواهند و با نیم وزن آن رمل سائیده در شیشه کردن کچ کنند که بکل حکمت گرفته  
 باشند و بکن ارند بر آتش ملایم متساوی الحرارة با این حیثیت که کمری بعد صعد نکند و تقطیر نماید دور و دور و شب پس  
 بود ارند چکید آنرا در شیشه کنند و بکار بوند \* دهن الکبریت نوع دیگر \* صنعت آن بگیرند کبریت مخلص هر قل که  
 خواهند و در قرع نمایند و بالای آن سرکه انکور و آنمقل ارکه شش انگشت بر بالای آن آید کنند و قرع را در سر کین اسپ  
 دفن کنند سه روز یا چهار روز پس بر آوند مقطر نماید از آن مائیت را پس باقی میماند روغن و روح کبریت در ته قرع  
 پس دفن کنند آن را در سر کین اسپ بیست روز دیگر پس بر آوند و بقرع و انبیق مقطر نمایند و بردارند و روغن را در  
 شیشه نکند ارند و بعد یکماه که تصفیه یافته باشد بکار بوند \* دهن الکبریت بطریق دیگر \* صنعت آن کبریت یک و نیم  
 رطل نوشا در یک اوقه همه را سحق بلیغ نماید و بخیسند با بیکه در آن اندک نمک حل کرده با شنبک پس تقطیر نماید  
 با فلاطولانی پس تقطیر نماید از آن مائیت را و نکند ارند دهنیت را و استعمال نمایند از داخل و خارج و این دهن نافع  
 است جراحت عصب را \* دهن الکبریت نوع دیگر \* صنعت آن بگیرند کبریت صافی و با نیم وزن آن روغن بزرگتان  
 مزوج کنند و با آتش ملایم طبیح نمایند پس تقطیر نماید با قلانی و در شیشه نکند ارند و عند الحاجة استعمال نمایند \*  
 عرق کبریت که اصل صناعت ماء العروس نامند بغایت ماطف و مجفف و جالی و مفتخ و مقرح اعضا و شدیدا لنفوذ و عرق  
 و مسخن اخلاط و بجهت مبرودین و مرطوبین و امراض بارده مثل ضیق النفس و طحال نافع و مالیدن آن بر دندان  
 رافع وجع و الهم و کثافات آن و لیکن مضرت بسیار بدندانها دارد و عند الضرور و در دندان موجب و مولد بکن ارند که بدندان  
 دیگر نرسد و یا پنبه را بان آلوده بران دندان بکن ارند و اگر بر موضع کزدم کزید و بکن ارند سم را جذب کند و وجع را ساکن  
 کند و اگر بوعرق ملتی کند ارند همه را بر آورد و اگر مقلاریک قطره از آن بر آب بچکانند و ناشتا بجووند و سوز را تحلیل  
 دهد و اشتهای طعام آورد و ضیق النفس را مفید و زایل کند \* صنعت آن قند یلی از شیشه بدین شکل بسازند و با کاسه  
 چینی کعب آنرا سه سوراخ یا چهار سوراخ نمایند و با قفل چینی کلان که از برای معجون کک داشتن و غیر آن ساخته از چین  
 می آورند کعب آنرا سوراخ نموده بتار آهنی و با مس و ارگون بان تارها بیاورند و در زیر آن طبیح از چینی یا زجاجی  
 کک ارند که لب طبق از لب قند یل کاسه یا قفل از هر طرف مقل اردوسه انگشت بیرون باشد و سه پایه چوبی در میان آن کک داشته

بالای آن چراغی بکند و آنرا با یک کبک اندک که در آن خالص صافی که بهند می آید با آله سارنا مندر آن چراغ یا آختر بسوزاند و آنرا  
و اطراف قندیل را بکاف و غیر آن بکیرد و معنی فطمت نما اینست که در دوا صلابه و نورو و تمام آن در قندیل پیچید و باید که  
قندیل یا غیر آن را اندکی محرقه بیا و یزید تا عرقها همه از یکطرف بچکد و در طبق زیرین و باید که قندیل را حرکت ندهند  
و کبریت صاف باشد و اگر قندیل یا کاسه یا غیر آن نازک باشد و خوف ترکیدن و شکستن از شدت گرمی باشد  
بزون آنرا بیکل حکمت بکیرند و باید که بر بالای تارها آرد ما ش بیالایند و اگر عرق کد روسیا و بر آید و خواهند که آن را تصفیه  
نمایند باید که آنرا در قوع و انبیه کوچکی مقطر نمایند و اگر مکرر مقطر نمایند بهتر است و بعضی شیشه قبه دار که قبه آن  
بسیار بطرف اندرون فرورفته باشد در جوف آن آب کرده کردن شیشه را بتاری بسته معلق بیا و یزید و بکند و بکند و بکند  
عرق می کشند و درین سبب برودت آب جوف شیشه عرق بسیاری بر می آید ولیکن باید که دهن شیشه را با زک اند و  
چون آب گرم شود قندیل نما ایند شربتی از عرق آن مقلد از بسیار کبی بطریق افشرد یا غیر آن و محرور المزاج را بسیار  
مضروا و کورتوری را بر روی سه چهار خشت بکند و آنرا که طرف کشاد آن برخشته باشد و طرف تنگ آن بالا و قندیلی با کاسه  
یا شیشه در وسط آن یک ستوریکه ذکر یا قبت بتاری بیا و یزید و سرفتنو را از کاغذ گرفته یک و سوراخ بکند و آنرا برایت منفذ تا  
آتش خاموش نشود و بزیو قندیل بهمان دستور کبریت بسوزانند اندک اندک از طرف دهن تنور که در یکطرف آن  
میباشد بهتراست و اگر تنور نباشد از پی چیزی مد رساخته بران کاغذ گرفته بر سو آن دوسوراخ بکند و آنرا بیکطرف آن را  
سوراخی بکند و آنکه در سمت دران برود از برای سوختن کبریت کند آشته و بران برد تا از کاغذ آویخته سه پایه چوبی یا  
غیر آن بلند می در وسط آن کند آشته قندیل و غیر آنرا بران سه پایه آویزان کرده یک ستور مسطور کبریت بسوزانند و  
عرق کشند نیز خوب است و این هر دو قسم در صحن خانه میتوان گذاشت و عرق کشید و احتیاج بکوشه و حجره نیست و طریق  
اسهل دیگر آن است که در طبق چینی بزرگی سه پایه آهنی کند و آنرا که از محاذی پایهای آن سه پایه سینههای کج به بلند می  
چهار انگشت منفرج برآمده باشد و ظروف کبریت را بر سه پایه بر سر سینهها کاسه را معکوس کند و آنرا که لبهای کاسه در  
اندرون طبق چینی باشد که عرق دران بچکد و کبریت اندک اندک سوزند و بقا سق کوچک دستند بلند آهنی کبریت  
دران ریزند که در آن با این کس فرسود و اگر کاسها و طبقها رسه پایهای بهمان طبقات متعدد باشد در یک روز عرق بسیار  
میتوان گرفت و درین احتیاج بسوزان کردن کعب کاسه نیست و اگر کاسه نازک باشد پشت آن را بیکل حکمت بکیرند و بلند آنکه  
کبریت این قسم در میان ظرف آهنی یا غیر آنکه خواهند روشن شود و روشنی آن بهمان بسیار مشکل است و طریق  
سبیل آنست که قندیلی کبریت را در ظرفی کرده بر آتش کند و آنرا تا کاک آخته شود پس فرود آورد و قندیلی را گویند  
با آن مزوج نمایند و بکند و آنرا تا سرد شود و قطعه قطعه نموده نگاهای رند هر وقت که خواهند پارچه ها کبریت خالص را در ظرف  
آهنی کند آشته دوسه قطعه از آن کبریت مزوج بزغال را روشن کرده با لای آن متفرق بکند و آنرا چون خاموش شود تجدید  
نمایند و چون کبریت خالص سوخته شود باز قندیلی کبریت خالص با قاشق آهنی دران ریزند و همچنین تاهر مقلد ار که  
خواهند و باید که مستعمل آن موی سر و محاسن و بروهای خود را از دود آن محافظت نمایند و بعضی براق شهرت  
اشتغال قندیلی کرد را نرم سوده بر پارچه کویاسی یا شیشه و فیله ساخته دران میکاند و آنرا زود و خوب مستعمل کرد و کبریت  
نافع جهت استروغای مقلد و آنکه کبریت آدوبه را گویند که بسیار نرم سائید و بر موضع علت بپاشند و اگر نتوانند پاشند  
بر پارچه پاشند و بر موضع علت به بندند و این قریب بند زود است و صنعت آن جفت بلوط قشار کند رشیم و عرق صدف  
و عرق مرداسنگ اقلیمهای فیه با سوبه بسیار نرم سوده بر فاده پاشند و بران بلند و کبریت دیگر نافع جهت استرو

استرخای مقعد \* صنعت آن جفت بطوطه کند ریشخ حرق و در الاخرین کهر با سوره کل در منی صد ف حرق سرد است  
اقلیمای فضا اجزا مساوی بسیارند و سرد و فادیه با سوره بر مقعد بنی نافع بود بد کتم بفتح کاف و تا و  
فوقانیه و میم نام رسه ایست بر و بستان می باشد بر و و تیکان بن شالنجی با سوره یعنی حیا  
شغال را آنچه به تحقیق پیوسته آن برک غیل است و برک آن غبیه برک مورد ساقش عمر مجوف و انبوه و شورش  
بقول رفلعلی و بعد از رسیدن سیاه میگردود شتی و کوهی آن در کنار رود خانها و یک زارهای روی در ویم کرم و خشک  
و با قوت جالیه و قابضه و محله و ضماد آن بآب و نمک و صندل و ع ریحی و بلغمیه و بیضه و خورده و رفع زخمها و بخور  
و طلای آن جهت زکام و تقویت موی و مانع ریختن و اشامیدن آب آن و آب طبیع آن بغایت مقی و جهت کزیدن سب  
دیوانه مغیل و بهترین چیزها است از برای خضاب و ملاسیدن کار روزی در شرح موجز در مسودات شعر نوشته که در  
هندی جیل تازه در تخمب و تطویس بهتر و اسرع است و رسه کرمانی تخمب آن کمتر و در ترنک آن میماند و لیکن  
تخمب آن مائل بسپاهی برنک موی است و بسمارط و سیتند ارد و حکیم میر محمد مومن در رسه کتم را برای برک  
نیل دانسته و فرق میان این هر دو کرده با آنکه کیه نیل شبیه بکیا کتان و برک آن عریضتر از برک و رسه و ساق آن  
مجوف میباشد بخلاف رسه و رسه مضع و ماغ و مصلحش قرنفل و لادن و تخم آن که در رنگ و مقد ارغاف غبیه  
بتخم ترب است و مائل بسپاهی بهترین ادویه مانع نزول آب و رافع نازل آن است و نسخ خضابات از رسه و ساق  
مصنوع ازین بیخ آن در حرف الحار و حرف المیم در خضابات و ملاداد ذکر یافت و میباید انشاء الله تعالی  
جهت بواسیر و امراض بارده مقعد و منع ریختن موی و رفع درد های بارد مقعد \* صنعت آن بکیر نیل آب و کتان  
آن را هرقدر که خواهند و هم وزن از آن روغن کنجد تازه داخل نموده با تش ملایم طبع دهند تا آنکه روغن بسپارد  
فصل در ذکر نسخ اکمالی که ائمه که سنگ سر مه است در آنها

داخل نیست \* و اکمالی که ائمه در آنها اصل و عمود است در حرف الالف در ذیل ائمه ذکر یافت بد آن  
که اکمال از تراکیب قدیمه است اقل م از ابقرط و ازاد ویه عین است و در آن و امثال آن ازاد ویه عین بایلد که نهایت  
سعی و نهایت احتیاط مرعی دارند که اشیا غریبه داخل نباشد و کهنه و فاسد نشود و جریش یعنی زیر و رشت و غیر  
منتشابه الاجزا نباشند بلکه خارج نوع جیل باشد و کمال مبالغه در سحق و صلا یه و حرق و غسل و تدبیر و تربیت آنها  
نمایند و اصلا تها و نوزن و نورزنی زیرا که چشم عضو است بغایت شریف و تفصیل این اجمال آن که ادویه حجریه مانند  
شاد نچ و توتیا و غیرها آنها را بر سنگ سماق نرم مانند غبار بسایند و آنچه محتاج به تغسیل و تصویل است بد ستور بیکه  
در ماکن خود ذکر یافت بعمل آورند و آنچه محتاج بسوختن است مانند شیخ و غیرها نیز بد ستور و آنچه محتاج بتربیت  
است مانند انزروت بشیر و خر و توتیا بآب غوره نیز بد ستور مسطور در جاه خود و همچنین سائو امر و کاینه بی مرعی دارند  
و هر یک را جل اجل گرفته و نرم پیخته و مانند غبار سائید و از آب کرد و غبار خارجی محفوظ دارند پس یکجا نموده  
با سحق کرده در شیشه نگاه دارند و عند الحاجة با میل طلا یا نقره یا اسرب یا چوب بیخ زرشک که بسیار نرم و ملمس  
ساخته باشند در چشم کشند و یا در آن بپاشند \* کل الجواهر که تقویت چشم نمایند و از افات محفوظ دارد \* صنعت آن  
باقوت و مانی و قشمشای ذمی فلغل در ارفل از هر یک دو مثقال لعل بد خشی لا جورد مغسول از هر یک یک مثقال توتیای  
کرمانی مغسول سازج هنلی بعرا لصب از هر یک چهار مثقال مشک تبخی خالص یک مثقال بد ستور و ترکیب نمایند \*  
کمالی مع \* صنعت آن توتیای هنلی پوست هلیله زرد صبر سقوطی از هر یک یک مثقال فلغل نیم مثقال بد ستور و کل سازند \*

کحل الله مه دیگر به صفت آن توتیای هندی چنانکه که توتیای هندی در دهن مساوی هر در را با آب غوره سحقی نموده کحل  
 سازند به کحل التوتیای نافع از بوی غلیظت بصر و ضعف عین و تشنگی و طوبیت بصوت آن نحاس محرق مغسول اقلیمیه  
 الله هب سافح هندی صبر سقوطی توتیای هندی سنگ بصوری از هر یک یک درم و درم فلفل دار فلفل نوشادر  
 از هر یک نیم درم خشک شنبلیله کافور قیصوری از هر یک یک درم و درم سوزن کحل منقول از منصوره  
 در این ذکر یا حلت بصر بخشد و ضعف بصر را که از طوبیت با سنف نافع است صنعت آن بکیردن توتیای مغسول بیست  
 درم و در آب مرزنجوش تازه یک شبانه روز بخیسانند پس با توتیای سرشته و بکن آرد تا خشک شود پس  
 التوتیای سحقی نموده بکیرند زنجبیل دار فلفل فلفل ما میران از هر یک دو درم نوشادر یک درم همه را با آب رازیانه تازه  
 نرم خشک نموده باز بسایند استعمال نمایند \* کحل دیگر موی مژگان ریخته را برویاند \* صنعت آن است که خرم  
 سوخته پنج درم دخن کند چها درم سنبل الطیب حب بلسان از هر یک سه درم لا جور مغسول دو درم بد ستور  
 کحل سازند و هر صبح و شام با میل بر اشغار عین بکشند \* کحلی که نافع است بجهت بیاض \* صنعت آن زرق خطاف  
 و الجسل سرشته بچشم کشند \* کحل نافع از برای اتساع حلقه \* صنعت آن مراراً بزغاله مراراً کلنگ فلفل از هر یک دو  
 درم مراراً قسیر زعفران از هر یک نیم درم نظرون خرق ابیض اشق از هر یک نیم درم مراراً را خشک کرده وزن نمایند  
 و همه را با آب کافور سحقی نموده کحل سازند \* کحل نافع از برای ریج سبل از مجربات بعد بن ذکر یا \* صنعت آن بکیرند  
 پوست بیدریج که بچه بر آورد و باشد پس بچوشانند آن را در سرکه انکوری کهنه ده روز متوالی پس صافی نموده در  
 خیشه کرده در آب بکن آرد تا خشک شود و سحقی نموده بچشم کشند \* کحل نافع از برای حول \* صنعت آن بکیرند  
 مندر درون افی و سحقی نموده بچشم کشند در خرقه نازکی و فتیله کرده در چشم کاند آرد \* کحل نافع از برای بیاض چشم  
 منقول از مجربین هند \* صنعت آن بیخ زعفران تخم کهرنی سرد و راجون سومه نوم سائید و در چشم کشند \* کحلی که  
 حفاظت چشم کند و بصر را قوت و جلا دهد \* صنعت آن توتیای کرمانی دو از ده درم کوفته بخته در آب مرزنجوش  
 تر و یا آب رازیانه تربهر و رند و خشک سازند و چند مرتبه مکرر کنند پس بکیرند صبر زرد حوض مکی شیاف  
 ما میثا از هر یک یک درم و نیم زنجبیل فلفل دار فلفل ما میران چینی از هر یک یک درم کافور ربع درمی و نرم  
 بسایند و صبح و شام در چشم کشند \* کحل ابیض قوت با صره بیغز ایند و دمه و خمر و ورد عقیق را سود مند بود \*  
 صنعت آن توتیای کرمانی سفید آب کاشغری شسته نشاسته اجزاء مساوی سائید غبار بسایند و بکار برند و بعضی  
 ربع یک جز و کثیران نیز افزوده اند \* کحلی که حفظ صحت چشم نماید \* صنعت آن توتیای کرمانی ده درم صبر  
 زرد حوض مکی از هر یک یک درم شیاف ما میثا سه درم کافور قیصوری یک درم سحقی نموده استعمال نمایند \* کحل شادنج  
 بصر را قوت دهد و دمه را باز دارد و حکه و حیض را سود دارد \* صنعت آن شادنج علسی مغسول سازج هندی از  
 هر یک دو درم دار فلفل دم الاخوین از هر یک نیم درم مازوروی سوخته از هر یک یک درم قافله مشک از هر یک یک درم کافور  
 قیصوری یک قطره کوفته بچشم ریخته با آن آکتهال نمایند \* کحل شادنج بنسخه دیگر که همین منفعت دارد \* صنعت آن  
 شادنج شسته دو درم سازج هندی در دانه دار فلفل سنبل الطیب از هر یک نیم درم دم الاخوین یک درم سوخته  
 نیم درم قافله مشک از هر یک یک درم کافور نیم درم مازوروی سبز درمی کوفته بخته با میل در چشم کشند و این آنکه صاحب  
 مساوی صغیر این کحل را با سم کحل بنفسج ذکر کرده است باعتبار آنکه رنگ آن برنگ بنفشه است و در نسخه آن کافور داخل  
 ندارد \* کحل شادنج دیگر مقلده نزول آب و ضعف بصر و انتشار و سلاق را بنهایت نافع است \* صنعت آن شادنج علسی مغ

مغسول تو تیاى گرماني شسته تو مال مس سوخته مروردين ناسفته بسند سادج هندی اقلیمیا فقیرا در سقوطی سرطان  
سوخته زعفران سنبل الطیب ازهر یک دودرم نوشاد دارفلل زعفران دارفلل ازهر یک یکدرم و نیم مشک یکدرم کوفته  
بیخته کحل سازند \* کحل روشنائی سبیل و ظفره و جرب را نافع بود و ظلمت بصیر و معده را فائده دهنده و صفت آن اینست  
مغسول شش درم مس سوخته اقلیمیا می فربه نسک هندی بود که از صنی فلل ازهر یک چهار درم درم الحار هشت درم  
صبر سقوطی سنبل الطیب قرنفل ازهر یک یکدرم زعفران تو متب هندی ازهر یک دودرم زعفران نوشاد ازهر یک  
یکدرم کوفته بیخته کحل سازند \* کحل روشنائی به نسخته و بکر \* صنعت آن مس سوخته شاد نج عی سی مغسول ازهر یک  
پنج درم فلل دارفلل زعفران شحم حنظل ازهر یک یکدرم زنگار صبر سقوطی بود که ازهر یک یکدرم اقلیمیا ذهبی دودرم  
درم بدستور گرفته و صلایه کرده تا همچون غبار شود و وقت ضرورت با میل در چشم کشند \* کحل دیگر که چشم را قوت  
دهد و پلک چشم و حدقه را صاف کند و ماده سبیل و ظفره و از چشم باز دارد و نور بصیر را تیز گرداند \* صنعت آن پور  
هلیله کا بلی صبر زرد ما میران چینی زرد چوبه ازهر یک دودرم نمک طبرزد مروردين ناسفته زبد البحر زعفران سنبل  
هندی تخم را زیانه شاد نج عی سی مغسول سرطان بحر عی سوخته تو تیاى هندی شیا ف ما میثا کافور قیصوری سفید  
قلعی اقلیمیا ذهبی ورق کل سرخ حضض مکي پوست هلیله زرد اجزا مساوی کوفته بیخته بر روی سنگ سماق و کور  
با دیان تازه صلایه کرده در سایه خشک نمایند و باز صلایه کرده نگاه دارند و همیشه با میل طلا در چشم کشند که بسیار نافع  
است \* کحل که بیاض و آثار قروح از چشم به برد و شعیره را نافع بود \* صنعت آن زبد البحر اقلیمیا ذهبی  
مس سوخته ازهر یک دودرم صمغ عربی انزروت سفید نشاسته مسکو قونیا کتیرا ازهر یک یکدرم کوفته بیخته  
برنج \* کحل عزیز به نسخته دیگر اقوی از نسخته که در اول مذکور شد نافع از برای ابتداء نزول آب و انتشاء و صفت  
و غشایه و سلاق و آمدن آب از چشم و علت دمه \* صنعت آن تو تیاى گرماني اقلیمیا ذهبی صبر سقوطی سرطان  
زعفران سنبل الطیب ازهر یک دودرم شاد نج مغسول شش درم فلل دارفلل نوشاد ازهر یک یکدرم و نیم مشک یکد  
کافور قیصوری نیمه انک ادویه را سوای مشک و کافور کوفته بیخته مشک و کافور را در اجزای آن داخل کرده در هاون سنگی  
به هوارى چند روز صلایه نمایند و بحریر بیخته با آن اکتحال نمایند \* کحل رو سخته ظلمت بصیر و حکه و دمه را باز  
دارد \* صنعت آن شاد نج عی سی مغسول دودرم رو سخته یکدرم سنبل الطیب دارچینی ازهر یک نیمه درم ما زوی  
سبز یکدرم سادج هندی دم الاخوین قافله مشک ازهر یک دودرم کافور قیصوری طسوجی بدستور سحق و صلایه کرده  
در چشم کشند \* کحل زعفران تاریکی چشم و خاریدن و آب رفتن را نافع باشد \* صنعت آن زعفران سنبل الطیب ازهر یک  
دودرم دارفلل یکدرم کافور فلل ازهر یک نیمه انک نوشاد نیمه درم ما زوی سه درم بدستور کحل سازند و بکار برند \*  
کحل زعفران به نسخته دیگر ظلمت بصیر و جرب و حکه را ببرد و سبیل و ظفره و سلاق را سود دارد و کجانه را در ابتداء نیک بود \*  
صنعت آن زعفران سنبل الطیب ازهر یک دودرم ما زوی سه درم دارفلل یکدرم نوشاد نیمه درم فلل سفید دودرم  
کافور طسوجی مجموع را کوفته بحریر بیخته صلایه کرده در چشم کشند \* کحل انزروت اسحق گفته که این دارو قروح  
عین را نیک باشد \* صنعت آن انزروت سفید سه درم نبات سفید نشاسته ازهر یک یکدرم کوفته بحریر بیخته در وقت  
حاجت چشم کشند \* کحل که مکرو بیست چشم را نافع است و موجب دمه گردد \* صنعت آن فلل دارفلل ازهر یک  
یکدرم زعفران چهار درم حضض مکي شش درم سنبل هندی چهار درم کافور قیصوری یکدرم کوفته بیخته در صلایه مبالغه  
نمایند و هنگام حاجت بمیل در کشند \* کحل نافع از برای جمیع ارجاع عین حادث از نزلات \* صنعت آن بکیرند برک



بخته و امثال آن \* کادیکه جهت در گوش که سببش زرم خارج صماخ باشد \* صنعت آن پارچه سفید یا نمد پاره  
 را در آب شیدین نیم کرم نموده در گوش نهند و اگر در شدیل باشد نمک کرم کرده تکمیل نمایند \* کاد دیگر که جهت وقور  
 صم و ترش که سببش خلط غلیظ باشد یا یل که بعد از تنقیه بعمل آورند \* صنعت آن حند قوفا برک غار موزنجوش  
 برنجاسف نام صمغ با بونه در آب بجوشانند و اسفنج یا نمد پاره را بد آن تر کرده و یا این طبیع را در مثانه کا و روکوسغند  
 کرده بر حوالی گوش و پس کردن تکمیل نمایند \* کاد نافع جهت ضربه و سقطه و سل مه و ارجاع بارده \* صنعت آن بکیرنل  
 زرد چوبه در آب و برنجاسف از هر یک قدری و بسایند و در روغن کل و اگر نمک باشد کنجد آنمقدار که بریان شود بریان  
 نمایند و کرم کرم در سرمه است تکمیل نمایند و چون سرد گردد باز کرم نمایند و چون قدری تکمیل نمودند و صره هارا  
 کشوده آن را کرم کرده بران صمغ و بکیرنل و بعد دوسه روز باز نمایند بعون الله تع شفا حاصل است \* کاد  
 جهت تکمیل در چشم \* کاد دیگر که جهت تکمیل در چشم است و در روغن بریان نماید و در صره کرم کرم  
 تکمیل نمایند \* کاد دیگر که جهت تکمیل در چشم است و در روغن بریان نماید و در صره کرم کرم  
 داج نافع است و سریش و میسهایت نافع است قولنج را \* صنعت آن با بونه کل سرخ حلیه سنبل تخم کتان تخم شبت  
 صبر کرم \* کاد دیگر که جهت تکمیل در چشم است و در روغن بریان نماید و در صره کرم کرم  
 را با بونه کرم کرده بران صمغ و بکیرنل و بعد دوسه روز باز نمایند بعون الله تع شفا حاصل است \* کاد  
 ناخن زرد \* کاد دیگر که جهت تکمیل در چشم است و در روغن بریان نماید و در صره کرم کرم  
 و در آنی که در تکمیل معده شرط است که بر شراب سیف تکمیل کنند و برفرم معده و وسط آن تکمیل نمایند و شراب سیف سر  
 اخلع پهلورا کویند \* کاد دیگر که همین صنعت دارد \* صنعت آن نمک سوده سبوس کندم از هر یک ده درم ناخواه پنج  
 درم کوفته بخته و در پارچه بسته تکمیل نمایند \* کاد که تحلیل ریاخ معده و سپرز و تهیگاه نمایند \* صنعت آن حلیه  
 شو نیز کرفس ناخواه همه را بکویند و آب نمک قدری بران بپاشند و در خریطه کرده نیم کرم بر عضوکن ازند و بر معده و  
 جگر تسخین شدیل و تطویل تکمیل جائز نیست \* کاد که قضیب را سخت کند و استرخای آنرا زائل کرد اند و فربه عظیم  
 سازد \* صنعت آن سرشفا قرقر خا خردل دارچینی کبابه پوست بیخ خرزهره سفید قسط تلخ اجزا مساوی تمام یا آنچه  
 بلست آیل کوفته بخته کرم نموده بر آلت بمالند روزی چند بار و اگر در تیزاب سرشته بر پارچه بسته کرم نموده تکمیل  
 نمایند نیز خوب است \* کاد جهت ضربه و سقطه و سل مه \* صنعت آن ناخواه زرد چوبه برک نیم خشک کرده اجزا مساوی  
 کوفته بخته در دوسه صره بسته کرم نموده تکمیل نمایند یکی بعد دیگر و اگر صره را در روغن کنجد کرم یا روغن بزرکشان  
 فرو برده تکمیل نمایند نیز خوب است \* کاد نافع برای ضربه و سل مه \* صنعت آن مغز نارجیل خشک را کویند و موم زرد  
 را ریزه ریزه نموده با آن مزوج کرده در صره بسته کرم کرده تکمیل نمایند \* کمون بفتح کاف و ضم میم و تشیل آن و سکون  
 و ارونون معرب از خامون یونانی است و بفارسی ریزه نامند بری و بستانی میباشد و هر یک را اصناف مختلفه است سیاه  
 بری و بستانی آن کمون کومانی و زرد آن را فارسی و شامی و سفید آنرا نبطی نامند و اخیر ریوه سبز است و در اکثر مکده  
 پیدا میشود و بری هر صنفی قویتر از بستانی آن است و صنفی از بری سیاه و شبیه بشو نیز و قوی الحار است و از مطلق  
 کمون مراد کرمانی است و بیونانی او را با سلیقون نامند بمعنی ملوکی است و بهترین اقسام کرمانی بری است و بعد از آن  
 فارسی و از اقسام دیگر قویتر است و زیونترین همه سفید بستانی است و قوتش تا هفت سال باقی میماند و نبات او از زیانده  
 کوچکتر و برک آن مستدل بر رقیه آن مانند شبت است در اول سیوم کرم و خشک بسیار جالی و ملطف و مد ربول و شیر



وعرق و حابس طبع و حیض و تریاق هوم و محلل ریح و نفخ و هاضم و محرک آروغ و ملطف لحوم غلیظه و رحمت  
عسر نفس و تخمه و مغض ریحی و بول الدم و رقع خواش کل خوردن و امثال آن فواق رطوبی و درم ریحی سوز و بر  
دادن آن جهت اسهال رطوبی نافع و بسوکه بروردن آن که بعد از آن برشته باشند قوی القبض و در رفع رطوبات معد و قوی  
الانزاست و حقه بطبیخ آن محلل نفخ و فرجه آن با روغن زیتون قاطع حیض و مضغه طبیخ آن مسکن درد دندان و  
نزلات خصوصا با صغیر و قطور آن جهت قرحه چشم و جرب و با سفید تخم مرغ جهت رمد خا و رطولای آن جالی بشره  
آب افشردن آن جهت طرفه و با نمک جهت سبل و ناخنه و سعو ط آن با سرکه جهت رعاف و حماد آن با روغن زیتون جهت  
درد سوز و با آرد با قلا جهت سائر اورام نافع و مضربه و مصلحش کثیرا و قد رشربتش در درم و بلبل کرمانی سائر اقسام  
از بول کمون شامی کروی یا تخم کند نا است و مد امت جرم آن و عرق آن مورت لاغری و زردی و صراست و چون آب  
زیره را بریدن مولود در حین ولادت بمالند بالخاصیت در مدت العمر منع تکون قمل میگردد و از صدمات دانسته است  
و قسم نباتی آن که بفارسی زیره سبز کوبند ملین طبع است و نوع بری آن که شبیه بذریه نوار است جهت کزیدن هوم  
تقطیر البول و اخراج سنگ مثانه و خون منجمد در آن بیدل خل خصوصاً چون با آب کرفس پستالی میوشند و با سوکه جهت  
فواق و گرم معد و وضاد آن با روغن زیتون و عسل رافع رنگ خون مرده تحمیل جلد است و جهت ورم سار و انقباض عضلات  
است و دستور مل بر نمودن کمون آنست که زیره کرمانی تازه که کهنه و بو شیرین نباشد از گرد و سنگ و چربی و آغزه سار  
انگاه در ظرف چینی یا سفال لعاب دار کرده سرکه انگوری کهنه بر بالای آن کنند چنانچه چهار انگشت سرکه بالای زیره باشد  
یکشب و بکروز بکن از آن نگاه بر آورده در سایه خشک نمایند و بریان کنند بریانی اندک مقل از یک بوی آن بمشام رسد  
و فسوزد و بکار برند و اگر زود خواهند که خشک گردد بر روی پارچه کرپاسی پاکیزه پهن کنند و دائم برهم زنند تا خشک  
گردد انگاه بر بیان نمایند \*

فصل در بیان جوارشا تپکه اصل و عموم در آنها کمون است \*

جوارش کمون جالینوس نافع است از برای فتق و قیله و می شکند ریح بارد را و تحلیل میل فل آنها را و نافع  
است از برای کسیکه در معد او طعام مضم نشد باشد و صنعت آن بوی ارمی نیم جزو فلفل سفید فلفل سیاه زیره کرمانی  
مل بر یک سبب در سایه خشک کرده از هر یک یک جزو و شیخ الرئیس ابو علی بن سینا گفته که این جوارش بد و نسخه  
ساخته میشود یکی آنکه جمیع اجزای آن از بوره و غیره مساوی باشند و این نسخه بهتر است از برای حل طبیعت و نسخه  
دریم آن است که بوره را نصف یک جزو میکنند و این نسخه بهتر است از برای تقویت معد و بر یک سبب اب را اگر بسیار  
خشک کرده داخل نمایند هر آینه میباشند مرکب بسیار خشک و تلخ میباشد استخوان آن بد رجه کمال و اگر سبب اب بسیار  
خشک نباشد مرآینه باقی میماند در آن بطوبت فضلی پس در آن حال چون داخل مرکب شود تجفیف آن محل کال نمیرسد  
و باین سبب از صاب ریح و نفخ بالمره نمیکند پس در حقیقت چهار قسم است و هر یک از اقسام مل کور و را کاهی میسوزند  
بعسل فحل منزوع الرغوه بقدر حاجت و کاهی نمیسوزند بچیزی بلکه آردیه را گرفته بخفته پیش از غل او بعد از غل او  
توان خورد و آنچه بعسل سرشته باشند بعد غل موافق تر است زیرا که با عسل قوی است در تحلیل ریح و دفع آنها و هضم  
غل او باید که بوده باشد عسل آن جلیل و سزاوار آن است که بوده باشد اجزای این جوارش جوش بلکه جمیع جوارشا  
باید که اجزای آنها را بسیار نرم نکوبند جالینوس گفته که این معنی معلوم من شد از آن شخصی که این جوارش را ساخته  
اجزای آنها را بسیار نرم سائید و به سبب عدم علم آن باین معنی که اجزای جوارش را بسیار نرم نمایند سائید پس نکودین  
موجب حل طبیعت آن اصلا بلکه تقویت ادرار گردد پس اظهار کرد این معنی را بمن و متعجب بود و پرسید از سبب آن زکمان او



را از برای سردی انجمین و گفته که این ترکیب از یومیان است \* صنعت آن کمون کرمانی مد بر یکمن فلغل سیاه و قیه  
 زنجبیل چهار را و قیه بوره ارمنی ده درم بزرگ سد اب خشک چهار را و قیه کوفته بخته با سه وزن ادویه غسل کف گرفته ترکیب  
 نمایند و بعضی از اطبا سلیخه دارچینی قرقه الطیب قرنفل حب بلسان مصطکی از هر یک چهار درم زیاده کرد و اند \*  
 جوارش کمونی نافع از برای سردی معده و آروغ تری و شهوت کلبی و حمیات بلغمی و سوداوی و فواق امتلائی و قیله \*  
 صنعت آن زیور کرمانی مد بر یان نموده دوص مثقال فلغل سیاه بیست و دو مثقال و نیم زنجبیل سی مثقال بوره ارمنی  
 هفت و نیم مثقال سد اب خشک سی مثقال غسل مصفی سه وزن مجموع ادویه بدستور سبب سازند و بعضی درین  
 جوارش دارچینی و سلیخه و حب بلسان و قرقه و سنبل الطیب و مصطکی از هر یک دو مثقال و نیم دهنم کرده جوارش کمونی از  
 دو درم تا چهار درم \* جوارش کمونی مسهل تنقیه و تصفیة معده کند و نافع است از برای امراض بارده معده و غلظت و انقباض  
 و کثرت سیلان ریق که سبب رطوبت معده باشد \* صنعت آن کمون کرمانی مد بر یان سی و دو مثقال زنجبیل سی مثقال  
 از هر یک پنجاه گرم تربل سفید مد بر پا نرده درم فودنج سد اب صغیر بوره ارمنی از هر یک دو درم و نیم دهنم کرده جوارش  
 مصفی سه وزن ادویه بدستور مقوموتب نمایند شربت از دو مثقال تا چهار مثقال جوارش کمونی که اگر شکر در آن  
 زیور کرمانی مد بزرگ سد اب در سایه خشک کرده فلغل سیاه و زنجبیل از هر یک سی و پنجاه گرم بوده و نیم درم کوفته  
 بخته و غسل منزوع الرغوه سه وزن ادویه بسرشتن شربت یک مثقال \* جوارش کمونی کبیر قلمی قورمور و اند \* این  
 منقول از قوا بادین حضرت سید استاد حکما و اطبا و اند این فقیر محمد مادی علوی قدس سره است که اگر شکر در آن  
 را بکار مقوموتب و مولف آن فقیر را معلوم نیست که کیست نافع از برای سردی معده و وجشای حاض و نهجای بلغمی سردی  
 و سردی انجمین و قیله ریجی و فواق امتلائی و نفخ معده و شهوت کلبی و قولنج ریجی و استسقاء طبعی \* صنعت آن زیور  
 کرمانی مد بر یان یکوطل فلغل سیاه و یک ادویه و نیم زنجبیل چینی دو ادویه بزرگ سد اب در سایه خشک نموده و سلیخه  
 سیاه و دارچینی قرقه الطیب حب بلسان مصطکی رومی سنبل الطیب از هر یک ده درم بوره ارمنی پنجاه گرم کوفته بخته  
 با سه وزن ادویه غسل مصفی بقوام آورده جوارش سازند با این دستور که اول مرتبه بوره را داخل کرده بوم زند و  
 نکاهل از دل شربت تا دو مثقال و باید دانست که از جوارشات و معاجین آنچه در آنها بوره باشد نباید که جاریه شود  
 و بداند آن رسد بلکه باید که بلع کنند بجهت آنکه ضرر بدن آن دار در صاحب منهاج الادویه این جزیه گفته که این جوارش  
 کمون را باید با آب گرم بیا شامند و صاحب اختیار است گفته که مستعمل نه چنین است \* جوارش کمونی تالیف ابن  
 سائویه منقول از قوا بادین ترکی افندی صالح چلبی محال ریح و مقوی معده و اعضای رئیس است و حاذق \* صنعت آن  
 کمون کرمانی مد بوده دو زنجبیل دارچینی از هر یک چهار درم قرنفل عود هندی بسبب سه از هر یک دو درم و نیم خولجان  
 چهار درم مشک تبی یکم کوفته بخته با غسل سفید مصفی بقوام آورده بقدر کفایت بدستور مقوموتب جوارش سازند شربت  
 دو درم \* دهن کمون محال ریح و عسولبول را نافع است \* صنعت آن بکیرن کمون کرمانی در طول و بخیساندند در  
 بیست و طی آب گرم با دو ادویه نمک و مدنی بکل از دل پس تقطیر نمایند بقرع و انبیق و جدا کنند دهن را از آب و استعمال  
 نمایند \* دواء انکمون جهت رفع اسهال خصوص اطفال که نزدند آن برآوردن عارض میگرد و در او دل حبس نماید  
 کرد و در او و آخر خصوص که شدت نماید این دوا بسبب رمق و مجرب است \* صنعت آن زیور سفید هندی مقل ارد و سه  
 و نیم تا چهار و نیم غنچه انا رنا شکفته یک عدد بزرگ درخت مغیلان تازه رسته نازک اندکی تخمینا مقل ارد و سه رتی با آب  
 درم سوده صاف کرده تا هفت روز بسبب احتیاج و کبیر السن را بحسب سن آن در اوزان ادویه بپزایند \* سفوف کمون چه

جهت تحلیل ریا ج و تقویت معد و نافع \* صنعت آن کمون کرمانی کشنبره خشک از هر یک کرطل هر دو را در دو نیم رطل سرکه  
انگوری در ظرف سفالی پرورده در سایه خشک نمایند پس بریان کرده سفوف سازند شربت از آن بمقال تا دو مثقال \*  
شراب کمون فواق و غثیان بر طرف کند و معد را قوت دهد و صنعت آن کمون کرمانی انیسون فودنه کند را از هر یک در درم  
نعناع خشک صغیر را زیاده نان خواه از هر یک در می بجوشانند و صاف کنند و با قند بقوام آورند و دوا کنند در کوفته  
بیخته اضافه نمایند \* شراب کمون دیگر که همین دفعه در صنعت آن کمون کرمانی انیسون حبل سنبل الطیب پوست  
بیرون پسته ورق کل سرخ از هر یک پنجم رطل اجزاء را نیم کوفته در سه رطل آب بجوشانند تا نصف با زایل صاف کنند و با  
یک رطل میبه بقوام آورند شربت بی ده درم با کلاب بنوشند \* شراب کمون از مبدعات اطباء عواق است جهت ریا ج  
و قراقرتوها خریقی نافع \* صنعت آن زیوه کرمانی پنج است در یکمن سرکه و نیم من کلاب بخیسانند یک شب و صبحش  
بجوشانند تا نصف رسد پس بمالند و بپالایند و عمل مصفی یکمن داخل کرده بجوشانند و کف آنرا بگیرند و چون دیگر  
کف دنیا ورد بقوام آورند شربت بی جهت تپهای خریقی یک ملعقه \* معجون کمون مسمی بگا سر الریا ج امراض با دمی  
و قولنج و جشاد در معد و ضعف آنرا که بسبب ریح باشد و بستن حیض و ارجاع مفاصل و نفوس و حبس البول را سودمند  
بود \* صنعت آن زیوه کرمانی مل برشش مثقال سد اب مصطکی از هر یک سه مثقال قرنفل ورق کل سرخ انیسون و چ  
نانخواه پوست بیرون پسته بوره ارمنی از هر یک دو مثقال ادویه کوفته بیخته با سه چند ان عسل کف کوفته است  
و بعد از دوماه شربت بی در مثقال بخورند \*  
**باب الکاف مع النون \*** کند رصم است

به بلاد شکر و عمان و جبال یمن مستند بر صلب مائل بسرخي و آن را کند زرد کرد و سفید سست را انشی و ناله آنرا  
که در انبیا حرکت داده باشند مدح کویند و پوست های رقیق آنرا که از سائیدن یکد یکو جلد اشونک نشاء است  
زامن را نچه غیر صفا یکی و مانند آرد باشد دقای کند رو قوت آن تا بیست سال باقی میماند و مغشوش او از آتش شعله و در  
نمیکرد و درخت آن بقل رد و ذرع رخا ردا رو برک و تخم او شبیه ببرک و تخم سورد در دو نیم گرم و در سبوم خشک ملطف و محلی  
ریاح و هابس سیلان خون ظاهر اعضا و حجب دماغ و نفث الدم و مقوی دل و معد و هاضمه و حافظه و محقق بلغم و با تریا قیه  
و مبهی و منقعی و مقوی روح حیوانی و دماغی و جهت خفقان بارد و صاف کردن آواز و با مصطکی جهت رطوبات دماغی  
و غثیان و قوی و سهل رطوبی و نیم درهم آن با مثل آن ناخواه جهت آن زحیر و باروغن زیتون و عسل جهت رفع برودت  
استخوان که مزمن شد و باشد و با صمغ جهت رفع را کحه کویه خیشوم و عسرا لنفیس و سرفه مزمن رطوبی و ربو و با عسل  
و شکر جهت ضعف معد و ریا ج غلیظه و نسیان و با مویز و صغیر جهت ثقل زبان و باز رده تخم مرغ نیم برشت جهت تقویت  
یا و تولید منی خصوصا با جوز و بسما سه و اکتال آن جهت جلای بصر و قرحه چشم و خون منجمد دران و دمعه و سلاق  
و بیاض و جرب و حکه و ظلمت چشم خصوصا با عسل و ذر و آن جهت قروح ساعیه و خبیثه و قرحه مقعل و وضاد آن جهت  
قربا و ثالیل و با پیله مرغابی جهت جراحت سوختگی آتش و شقاق که از سردی هوا بهم رسیده و با نظرون جهت قروح  
رطبه سر و باروغن کنجیل جهت تحلیل صلابات و باروغن مورد جهت ریختن موی و با عسل جهت داخس و با زفت جهت  
شکاف عضل و با شراب جهت درد گوش و با قیوملیا و روغن کل سرخ جهت اورام حار و پستان و با ادویه محله جهت ورم  
احشا مغید و بخور آن جهت رفع و با و سرفه رطوبی و قوبا و کریزائیدن هوا و خائیدن آن جهت سرفه رطوبی و تقویت  
دندان و لثه نافع و چون یک مثقال آن را در آب خیسانید و آن آب را بنوشند و مدت بدان نمایند جهت نسیان  
از مجربان دانسته اند و اکثر آن مقرر خون و بلغم و مصلح معرورین و با اعضا جنون و جلال و بهق سیاه مصلحش



و تقطیر البول را نافع است \* صنعت آن کند و صندل سفید دارچینی کل از صندلی کلدی و فادسی دم الاضوی نیم صندل سفید  
صمغ عربی مرجان سرخ رازیانه کرو یا در تخمیل لحم و لحان کا و زبان بادرنجبویه تو دوری در و بودی سرخ اجزای ساری  
الا تخم خشخاش که ضعف یکی اجزای پیل یعنی اکرا زهر یک کلدی دم است باید که آن در دم باشد کوفته بختی با عسل  
سه وزن ادویه علی الرسم معجون سالنی شویبتی در مشقال \* **باب الکاف مع الهباء** که با نفخ کاف و سکون  
ها و ضم رای مومله و فتح پای مومله و رافع بھندی کیپور کوبید و آن صمغ در صندلی است که از بلاد روس و بلغار و مغرب  
و غیرها می آورند و درخت آن را حوز بحای مومله درای میگویند \* هندی و آن بسیار عظیم و منابت آن بلاد بسیار  
سودا است و آن دو قسم است نباتی و رمی و رمی صاف و زرد و آن طلائی رنگ بطلی الذوب است و آن را کهر یا کهر  
و اقوال دیگر در آن وارد است چون اصلی نداشت ذکر نیافت و از بعضی ثقافت شنیده شده که در خوانه پادشاهان هندی  
پارچه کهریائی بود که در خوف آن بچه صیمونی ماند \* بود و حکیم میر محمد مؤمن در تحفة المؤمنین نوشته که حقیق خطوه  
کهر یا مشاهله نمود که مکسی در آن ماند \* متعجب شد \* بود و از اقوال حکمای ما تقدم ظاهر می کرد که کهر یا  
سند روس از یک جنس می باشد و سند روس مخصوص به بلاد مغرب و شمال می باشد و در بریدن کاه سرد و شریک  
اند و سند روس باندک حرارتی که از مالیدن او را بهم رسد جذب کاه می کند و کهر با محتاج به مالیدن زیاد  
است و در سند روس سرخی و نرمی غالب می باشد و در کهر با زردی و صلابت و در رحین سوختن بوی شاخ  
سوخته از آن ظاهر می شود و انطاکی گفته بهترین کهر با آن است که در ساحل بحر مغرب و از زمین صواب مغرب است  
می رسد و الوان دیگر از کهر با دیدن شده مانند سرخ شفاف صلب و زرد باغمی رنگ کهر با در کرسی و در صندل  
دویم خشک و نزد بعضی در اول سرد است و مقوی معده و دل و مفرح و قاطع نفوذ الدم جمیع اعضا و هابس نفوذ  
و اسهال د موی و حیض و نزلات د ماغی و قوی و ذوسنطاریای کبدی خصوص با آب سرد مقل از نیم مثقال از آن و نیز  
میکنند خونی را که بسبب انقطاع عرقی از عروق صدر باشد و با کلاب جهت خفقان و حرقة البول و ضعف کرده و سنگ مناله  
و قاطع بواسیر و با مصطکی جهت ضعف معده و عسر البول و ازاد و بیه نافع چشم است و بالخاصیة جهت زحیر نافع و طلائی  
آن جهت شکستگی و کوفتگی اعضا و با مورد جهت عرق ضعیف را با صبر جهت سا قطا کردن دانه بواسیر و با آب جهت سرخستگی  
آتش و تعلیق آن جهت حفظ اسقاط جنین و منع تخمه و دفع یرقان از مجربات است و با خود داشتن آن جهت تنویر  
دل و دفع طاعون و ذرر آن جهت حبس الدم و التیام زخمها مغید و چون بوزن چهار شعیره آن را در طالع سرطان  
صورت بوزینه قائم اند کر نقش کنند حامل آن از جماع فتوری نیاید و کوبیدن مضر و مصلحتش بنفشه است و بد لاش  
سند روس و اگر یافت نشود در وزن آن طین ارمنی و ثلث وزن آن سلیخه و در تفریح موارید و در رفع طاعون مرجان و قد  
شربتش نیم مثقال است \* دستورا حراق کهر با آن است که کهر یا را ریزه ریزه کرده در کوزه مطین بطین کرده و شب در تنور  
بکن از دل پس بر آورده بکار برند \* حب کهر با در حرف الحار در حبوب ذکر یافت \* دهن الکهر با جهت صرع و سکنه و فالج  
بینظیر است و نوشیدنی \* میشود با آب شوکه مبارکه و یا با مای مرزنجوش و طلائی آن نافع است طاعون و تشنج و فالج را با  
بعضی از ادیان مناسبه و سقّی آن با مای فطرا سالیون مغتت حصاة مدبول است و با مای برنجاسف برای عسر و ولادت و  
توازل بارده شراب و طلائی و اختناق رحم شما و شراب را آشامیدن آن قبل از نوبت تب با آب شوکه مبارکه و برای یرقان با  
آب خلک و زنیبا با آب سنی یا با آب کشوف و برای ادرا حیض با آب برنجاسف و برای عسر البول با شراب و برای قوی  
الدم و اسهال با آب طور منطالا نافع و اکتحال آن با آب رازیانه مقوی قوت با صره مضطه آن با آب برک بارتکک ممکن

و جمع دهن آن در جوارش آن با شکر قوی افعال طبیعی است و در صورتی که بکیرند که با سیاه سبیل را و جرش یعنی زیر  
 بگویند و با آب جوشیده صندل و بنفشه و زعفران و در قریه کوه کردن آن بسیار طویل نباشد نمایند و کلاب یا آب  
 تین مکه بر سر آن ریخته و قابله وسیعی بر سر آن نصب کنند و آن را در قریه کوه کردن آن را اینک نسوزد و بسیار  
 هم که نباشد که عرق بر روی آن ریخته و اول قریه کوه کردن آن را است با آب کوهی پس میچک روغن پس بردارند آن  
 قابله را نصب کنند بر آن قابله دیگر و زیاده خالص آنش را در آب کوهی میچک از آن چیزی سیاه پس زیاده نمایند آتش  
 را تا صعود نماید نو شادر آن و باقی ماند در ته قرع دهن مروج بصایفک پس جدا نمایند دهن را از آب بچکانند آب مروجش  
 بر آن تا اینکه نیکو شود را بیکه آن وحل و عقل نمایند نو شادر آن را سه مرتبه و نگاه دارند دهن کهر یا منقول از طب بر  
 اکسوس و صنعت آن بکیرند کهر یا هر قل که خواهد و بکیرند و با آن سنگ ریزه مسحوق بوزن آن مخلوط نموده در  
 شیشه مائل الرقبه مقطر نمایند پس سرکه با آن مخلوط نمایند و باز مقطر کنند تا سرکه مقطر شود و روغن در ته قرع نماید و  
 بعضی مردم سق میکنند کهر بار و یا ساعد شراب چند روز بخمسانند پس تقطیر نمایند و آنچه مقطر شد است بر روی  
 آنچه مقطر نشد میریزند و تقطیر مینمایند تا نیا و همچنین تا آنکه تمام آن مقطر گردد قرار گیرد روغن آن در ته قرع و این  
 طریق بهتر و آسان ترین طرق تقطیر روغن آن است و بسیار بر می آید مثلا از بیست اوقیه کهر زیاده اوقیه روغن و این نافع  
 است در همه امراض دماغ و اعصاب مانند صرع و تشنج و فالج و مقدر از شربت آن یک قطره نادر قطره است با آب سالوا یا  
 باب ثبوته نافع جهت جمع سموم و امراض و بانیه و انواع امراض مثانه با آب فطرا سالیون و مقوی اعضای رئیس است  
 در همه امراض دماغ و کهر با آن است از فزله مزمنه و سفوف کهر با که حبس خون نمایند خصوص حبس نفث اندام حادث  
 از کهر با و مقله و صنعت آن طین ارمنی کهر با شیمی کلزار فارسی لک مغسول دم الاخوان اجزا مساوی کوفته بخیخته  
 شویتری سه درم با نیم قیرا ط افیون یا نفع سمای مقل از یک اوقیه یا با شراب به شیرین تناول نمایند و سفوف کهر با  
 دیگر به نسخه قلا نسی باندک تفاوتی از نسخه من کور قبل گفته که این سفوف قطع خون سائل از کرده و مثانه و رحم و مقدر  
 نمایند و صنعت آن کهر با کل ارمنی کلزار از هر یک جزوی افیون ربع جزوی کوفته بخیخته شربت با آب  
 به شویتری و قرص کهر با

### فصل در ذکر نسخه اقراص کهر با

قرص کهر با این کو توالی اسهال خون و نزح و مقص و نافع باشد و تشنگی نباشد و صنعت آن کل سرخ پنج درم اسهول  
 تخم اسان الحمل از هر یک چهار درم تخم خرفه و تخم خشخاش از هر یک سه درم لک مغسول اقا قیا از هر یک یک درم ناشسته  
 کثیرا کلزار فارسی از هر یک دو درم تخم مورد یک مثقال و نیم طباشیر سفید سه درم کهر یا پنج درم آنچه بریان کوهی  
 و بشیر بریان کنند و سیاه اسهول و تخم لسان الحمل باقی ادویه کوفته بخیخته همه را در هم بیاورند شربت در دم  
 با آب سفرجل یا رب مورد و قرص کهر با دیگر منقول از قریه کوه کردن آن کو توالی خون رفتن از شکم باز دارد و مقص و نزح  
 را نباشد و معده را قوی گرداند و نفع را بشکند و صنعت آن کل سرخ چهار درم کلزار دو درم صمغ عربی دو مثقال  
 یک کهر با از هر یک یک مثقال مصطکی یک درم تخم مورد تخم خشخاش از هر یک یک کوفته بخیخته اقراص سازند شویتری  
 و در دم نادر درم با شراب خشخاش و این نسخه منقول از منهاج الادویه است و قرص کهر با منقول از قریه کوه کردن آن شغائی  
 خون آمل از شکم باز دارد و صنعت آن کهر با شیمی بسل مر و اریک ناشسته تخم خرفه و مقدر از هر یک پنج درم شاخ  
 از کوهی بخیخته پوست تخم مرغ شوخته کثیرا صمغ عربی از هر یک سه درم کشمش خشک بریان کرده و خشخاش سیاه  
 از کوهی بخیخته و درم و درم محرق بوزن این از هر یک دو درم کوفته بلعاب بزرگ و ناسوخته اقراص سازند شربت یک



درم فرنجمشک بادرنجبویه ازهر يك پنچل رم قافله لسان الثور ازهر يك شش درم کشنیز خشک بریان مقشرد و درم  
قرنفل یکن رم ونیم شربتیی یکمقال بایک اوقیه مثلث یایک اوقیه میبه \* سفوف لولود یگر از اشهر سفوفات بلکه اعرف و نفع  
مركبات است و منسوب است بحالینوس عجیب الفعل است درد فع امراض حارة قلب و دماغ مانند خفقان و رسواس و  
مالبخولیا و تغریح آرد و حفظ جنین نماید \* صنعت آن پوست هلیله کابلی لسان الثور ازهر يك ده درم بهمن سرخ بهمن  
سفید باد روج بادرنجبویه تخم ریحان غنچه کل سرخ مصطکی رومی ازهر يك پنچل رم حجرار منی مغسول ابریشم مقرض  
ازهر يك سه درم ورق طلا ورق نقره مرجان قرمزی یا قوت رمانی مروارید ناسفته ازهر يك یکمقال کوفته بیخته سفوف سازند  
شربتیی یکمقال \* سفوف لولوقلمی فرموده اند که از تصرف بندۀ اثم محمد هاشم مخاطب بحکیم معتمد الملوک علوی خان است  
در نفع مثل سفوف لولوی جالینوس است \* صنعت آن مروارید ناسفته کهر بای شمعی حجریشب سودۀ زهر مهرۀ خطائی  
هوده ازهر يك دو مقال لعل بل خشی عنبر اشهب مشک تبتي ورق طلا ازهر يك نیم مقال ورق نقره دو مقال ونیم صندل  
سفید ابریشم مقرض طباشیر سفید پوست بیرون پسته کل کار زبان کیلا نی کشنیز خشک تخم خرفه مقشرد بهمن سفید از  
هر يك سه مقال پوست هلیله کابلی آملۀ منقی ازهر يك پنج مقال نبات سفید بیست مقال کوفته بیخته شربتیی یکمقال  
یا کلاب و عرق بید مشک و تخم بالنگو و شربت سیب شیرین بنوشند \* سفوف لولوی دیگر که آنمحرورم بجهت بیدکان  
عالی متعالی شاهزاده محمد بلند اختر تالیف نموده اند \* صنعت آن مروارید ناسفته کهر بای شمعی ازهر يك شش ماشه  
طباشیر سفید بهمن سفید پوست هلیله زرد ابریشم مقرض صندل سفید تخم فرنجمشک ازهر يك یکتوله ورق طلا بیست  
عل دورق نقره یکتوله بل ستور مرتب نمایند \* سفوف لولوی دیگر که آنمحرورم بجهت خود که اسهال د موی و بوا سیر و  
حوادث کبد و حمی و تهیج پایها و خفقان و نفخه مراق داشتند ترتیب داده اند \* صنعت آن مروارید زهر مهرۀ خطائی  
ازهر يك یکمقال ورق طلا عنبر اشهب ازهر يك یک انگ و نیم ورق نقره یک مقال و یک انگ و نیم صندل سفید ابریشم  
مقرض طباشیر سفید پوست بیرون پسته دانه هیل بریان کشنیز خشک بریان باد بان آملۀ منقی هلیله سیاه در روغن کار  
بریان کرده ازهر يك یکمقال و نیم زرشک منقی سماق منقی انار دانه دارچینی ازهر يك یکمقال مصطکی نیم مقال کوفته  
بیخته سفوف سازند \* سفوف لولوی دیگر که مقوی معدۀ و قلب و کبد و نافع است از برای خفقان و ضعف قلب حادث  
بمشارکت معدۀ از حصول خلط بلغمی و سوداوی مخلوط بصفرا در معدۀ و اصحاب مالبخولیا و مراقی و رسواس را نافع  
است و طعام را هضم کند و احداث اخلاط صالح نماید \* صنعت آن مروارید ناسفته کهر بای شمعی کشنیز خشک مقشرد آملۀ  
منقی سماق منقی انار دانه بادرنجبویه دارچینی مصطکی رومی دانه هیل بوا طباشیر سفید سعد کوفی خولنجان زیورۀ  
کرمائی مل بر در سکه زیورۀ سبز مل بر در سکه پوست اترج سازج هند ی زرشک منقی را زیانۀ درونج عقربی ازهر يك  
یکمقال مشک تبتي عنبر اشهب ورق طلا ازهر يك شش قیرا نبات سفید بیست مقال کوفته بیخته هر روز صبح و شام نیم  
مقال آنرا تناول نمایند که بعون الله تع مجرب است و قلمی فرموده اند که این نسخه از اقتراف قدوة الاطباء والد ماجد فقیر  
است \* سفوف لولوی دیگر که همین منافع دارد \* صنعت آن مروارید ناسفته کهر بای شمعی بسد محرق کل کار زبان کشنیز  
خشک مقشرد غنچه کل سرخ صندل سفید طباشیر سفید تخم خرفه مقشرد تخم کاسنی مقشرد تخم کاهو مقشرد جزا مسوی کوفته  
بیخته سفوف سازند شربتیی دو درم پس بد رستیکه مجرب النفع است در جمیع امور مذکوره در سفوف لولوی جالینوس \*  
سفوف لولو تالیف ابو سهل مسیحی که همین منافع دارد و خفقان هار را بنهایت نافع است \* صنعت آن مروارید ناسفته  
کهر بای شمعی ازهر يك پنچل رم کل سرخ منزوع الاثماع طباشیر سفید زهر بای شمعی درم کشنیز کاهو مقشرد



سازج هندی سعل کوفی فرجه مشک ناخوآه بزرگرفس انیسون اشنة ازهریک سه درم صبر سقو طری ده درم عصاره  
افسننتین هفت درم افریطی زعفران مرصافی ازهریک چهار درم باد رنجبویه هفت درم سبک اصلی دودرم کوفته  
بیخته بیکجا کرد و شربتیک مثقال بآب مطبوخ افریتمون یا با آب مطبوخ افسنتین بیا شا مند \*

### فصل در بیان اقراص لولوی \*

قرص لولودل و دماغ را قوت دهد و خفقان حار و یرقان غلیانی  
حار را نافع باشد و نفث الدم را باز دارد \* صنعت آن مروارید ناسفته صندل سفید ازهریک یکدم مغز تخم خیارین  
مغز تخم کدوی شیوین تخم کاهوی مقشرا ازهریک پنجم درم تخم خرفه مقشور سه درم طباشیر سفید یکدم کل سرخ متزوع  
الاقماع دودرم زعفران نیم درم کوفته بیخته بلعاب بزرگطونا سرشته اقراص سازند شربتیک مثقال \* قرص لولوی دیگر  
کبد و دل و دماغ را سود دارد و قوت دهد و بعضی اطباء گفته که این قرص را از برای تقویت دماغ با شراب اسطوخودوس  
و کلاب و عرق کاسنی و عرق بادیان چون درصاع بمشارکت کبد خورا کنند بسیار سود مند باشد \* صنعت آن مروارید ناسفته  
دودرم ونیم مغز تخم خیارین مغز تخم کدوی شیوین ازهریک سه درم تخم خرفه مقشور تخم حماض کل بنفشه کل کاوزبان ازهریک و درم  
مشک تبیی عنبر اشهب ازهریک نیم درم و اگر حرارت قوی بود بچای مشک و عنبر کا فور قیصوری داخل نمایند و در نسخه دیگر  
تخم کاهو مقشور دودرم داخل است شربتیک از یکدم تا دودرم \* قرص لولوی دیگر منقول از مجربات حکیم احمد بخط معز الیه  
نافع از برای حمیات حاره و دق و سل که با سهال مراری و سهال ذوبانی باشد \* صنعت آن مروارید ناسفته طباشیر سفید  
ازهریک دو مثقال صندل سفید کل نیلوفر کشنیز خشک صندل سرخ تخم خرفه مقشور ررق کل سرخ مغز تخم کدوی شیوین مغز تخم  
هند وانه ازهریک سه مثقال کتیرا نشاسته ازهریک دو مثقال کا فور قیصوری نیم مثقال کوفته بیخته بلعاب بزرگطونا سرشته  
اقراص سازند شربتیک مثقال \* قرص لولوی دیگر که مقوی قلب و دماغ است و نافع است ضعف باه را که بسبب ضعف  
قلب و دماغ باشد \* صنعت آن مروارید ناسفته و مثقال طباشیر سفید چهار درم صندل سفید نشاسته عود هندی  
صمغ عربی زعفران ازهریک دو مثقال مغز تخم خیارین مغز تخم کدوی شیوین ازهریک شش درم مجموع را کوفته بیخته  
بکلاب سرشته اقراص سازند شربتیک از یک مثقال تا دودرم \* مغز لولو خفقان و وسواس را سود دارد و دل را قوت دهد  
و نشاط آورد و دیگر نفع هادارد و خاصیت این ترکیب بسیار است اینجا مختصر کردیم \* صنعت آن مروارید ناسفته  
هشت درم یا قوت رمانی یسد ازهریک چهار درم زر محلول نفرة محلول ازهریک یکدم راجورد مغسول یکدم رنیم  
لعل بل خشانی عقیق یمنی حجریشب ازهریک سه درم طباشیر سفید صندل مقاصری ازهریک پنجم درم کهر بای شمع  
کل نیلوفر زرشک بیدانه ازهریک سه درم طباشیر خشک تخم کل صندل سرخ طین مختوم عود هندی کا وزبان قشرا قرچ  
ازهریک دودرم افریتمون شش درم سازج هندی زرنباد درونج عقربی تخم کاسنی ابویشم مقرض ازهریک سه درم کافور  
قیصوری عنبر اشهب ازهریک یکدم رنیم مشک ترکی نیم درم کلاب نبات ازهریک یکدم رب سیب شیرین رب انار شیرین  
ازهریک بیست درم آب به شیرین چهل درم و بعض نسخه اعوض ربوب آب سیب شیرین یکدم و آب آنار چهل درم و  
شواب به بیست درم نوشته اند و راها کوفته بیخته جواهر را صلایه نموده مانند غبار فرم سازند انگاه مجموع را در ستور  
متعریف در شیره نبات و کلاب و ربوب مذکوره بسرشد و در ظرف چینی کنند و چهل روز در میان جو بک ارنه بعد از آن  
شربتیک از یکدم تا دودرم استعمال نمایند \* معجون اللؤلؤ جهت تقویت اعضا و تقطیع اوعیه منی و تقویت اعصاب  
و زیادتى باه و تکثیرا نعاظ و اعانت میکند منی را اعانت شدید و در اجزای حتم یکصد درم است و در نسخه دیگر  
را \* صنعت آن مروارید ناسفته یسد ازهریک شش مثقال انیسون بهشتی ازهریک پنجم درم و در نسخه دیگر کلاب

[illegible]

کرده و حصاة و با عسل جهت سپروز و امراض جگر و تفتیح سله و یرقان و با ماء العسل جهت قولنج و پیچش و سایر دردها مفید و مضرا معا و مصلحتش شکر و قوزجه آن مد و حیض و ضا د آن با سرکه و شراب جهت بثور و بریه و قویا و هزار و نماله و زخمهای کهنه و جرب و حکه و با سرکه جهت درد سر نافع و خلاصه برک و مطبوخ آن با شراب جهت حرا ز بعد یل و ارسطو گوید چون پنجاه گرم بادام تلخ کو بید و ناشتا تناول نمایند از شراب مست نکرده و روغن آن در اول دوم کرم و مائل برطوبت و مجفف و مسهل اخلاط غلیظه و سودا و یه معده و نواحي آن و با ادویه مناسبه جهت درد کرده و عسر بول و ورم سپروز و بواسیر و اخراج حصاة و جنین و جهت قولنج و اختناق و اورام رحم و انقلاب آن و طلای آن جهت رفع آثار رخسار و کلف و چین کونه و شقاق و جرب و حکه و قویا و با شراب جهت قروح و طبعه سر و حرا ز و قطران جهت درد گوش و دوی و طنین و کشتن کرم گوش نافع و حصول آن مخرج جنین و مشیمه و قد رشر بتش تلخ چهارمقال است و صمغ درخت بادام شیرین و تلخ نائیب مناسب صمغ عربی است و صنعت دهن آن در ادهان و حلویات ذکر یافت \*

### فصل در بیان الوان \*

اما الوان کاغذ اینها است بالاجمال

### الوان یا الوان کاغذ است بالوان ثباب \*

و الاختصار لون آل بکیرند قدری کل بستان افروز و قدری آب نیم کرم بران ریزند و زمانی بکند ارنک تا آب رنگین گردد پس صاف نموده کاغذ را در آن تر نماید و زمانی بکند ارنک که رنگ را بخود جذب نماید پس برآورده در سایه خشک نمایند نیکو کرد \* لون بادنجانی آن است که کاغذ را با آب بقم رنگ نمایند پس در آب زاج کبود غوطه داده خشک نمایند بادنجانی کرد \* لون بنفش بکیرند کل فیلی که در خراسان کل تلک نامند و درخت آن در کنار دیوار باغها پیچیده بالا میرود و کل آن لاجوردی رنگ و ته آن سفید میباشد پس آن کل را بکیرند و بکوبند و صاف نمایند و کاغذ رنگ آل را در آن غوطه دهند بنفش گردد \*

### باب اللام مع الیاء المیناة

لیمو انواع است و مراد از مطلق آن لیمو آب که بهند ی کاغذی لیمو و نیبو نامند در جمیع

خواص مانند ترنج و پوست زرد آن درد و بیم کرم و خشک و مقوی معده و دل و قابض و محرک اشتها و معین پرهضم غذا و مفتیح سله کرده محلول قولنج ریحی و آروغ آورنده و مصلح کیفیت اخلاط رديه و باد زهر سموم مشروب و ملک و غوره و سایر افعال قائم مقام پوست ترنج است و ترشی آن درد و بیم سرد و خشک و مقوی معده و حار و لطیف و بسیار جالی و قاطع اخلاط غلیظه لزجه و ملطف آن و جالی بهق سیاه و کلف و قویا و مسکن غلیان خون و صفرا و التهاب معده و جهت تپهای حاره دمای و صفراوی و عفونت خون و بثور و شری و حصف و دمل و ورم حلق و قی و صفرا و و غشیان و تقلب طعام و بدیرکن شستن اطعمه جرب و جذب مواد حار و جگر و معده و جهت درد سر و واره از بخار اخلاط غلیظه باشد و خفقان سوداوی و غب خالص و غیر خالص و خمار و سموم هوا و رادویه قتاله مفید و در اکثر امور قائم مقام سرکه و جهت مریض بهترازان و مضر عصب و صاحب سرفه بارد المزاج را و اکثر آن در خلای معده و مضعف امعاء و مورت پیچش و مصلحتش شکر و عسل است چون جواهر را با آب لیمو بخیسانند حل شود و ضماد و دود محلول با آب لیمو با نوشا در دندانک زمانی رافع بهق و آثار جلد است و طلای آب آن خصوص که لیمو را بویید و طرف بویید آن را کرم کرده بر پیشانی و شقیقه ها بمالند صلاخ صفراوی را بنهایت مفید است و تخم آن در و بیم و در آخر اول خشک و در رفع سموم مانند ترنج و تغریج آن بغایت عظیم و قد رشر بتش از یک گرم تا دو گرم است با آب کرم با شراب و بای که مقرر از پوست باشد و خائیدن دانند آن رافع بیحسی دندان است که از ترشی او بهم رسیده باشد و لیمو بنمک پرورده مقوی معده و با عسل خوشبوئی آروغ و لیمو شیرین در منافع بسیار ضعیف تر اما مضر و عصب نیست

و بدستور آنچه پیوند بد رخت نارنج و ترنج کرده باشند قریب الفعل است بآن و همچنین است آنچه معروف است بمربک  
و چون لیمو را بتمامه خشک کرده بارزن آن شکر بسایند و بخورند جهت منع معرود بخارات و تفتیح سد دبیل و بربک  
لیمو در نفیریم ضعیف تراز بربک است طلای بربک سائید آن باقرنفل و دارچینی و بی دارچینی نیز رافع صداع است \*  
شراب لیمو بارد در اول معتدل است در رطوبت و یموست و بعضی را کان آن است که یابس است و قول اول صحیح است شیخ  
دائرة انطاکی گفته که صحیح نزد من آن است که بارد است در دوزم و رطب است در اولی هرگاه مصنوع از شکر باشد و بوده باشد  
مادج و اگر اضافه کرده شود با آن چموی پس از برای هر قسمی ازان را حکم آن چیز است که اضافه کرده شد با آن بعد از مراعات  
نسبت میان آن چیز و سازج ازین شراب را جود آن آن است که از شکر سفید صافی نموده و آب لیمو آب رسید و بزرگ بالید و  
ساخته باشند و مدت یکسال بر ساختن آن نکند شسته باشد و این شراب بهترین اثر به است قمع صفرا میکند و نافع است  
از برای مطلق حمیات خصوص حمیات دایره و از برای دفع اخلاط مختل و اخلاط سوداویه و دفع مضرت سہوم میکند خصوص  
منع آن و نافع است از برای کورت و صورت و از برای جمیع امراض اطفال و از برای قلاع و اعتقال لسان جمیع ناس و از برای  
قلع اخلاط از جہ سینہ و ترقیق هر ماده غلیظ و تقطیع هر ماده لزج و اگر بیش از دوا مسهل بخورند مہیا میکند بدن را از  
برای قبول دوا و بعد از آن غسل میدهند بدن را از آنچه باقی ماند از آن از بقیہ دوا مسهل و کسیکه همیشه آنرا بپاشند حفظ  
میکند صحت او را صاحب شفاء الاسقام طناب نموده در خواص را فعال آن حاصل کلام او آنست که این شراب نائب  
مناب تریاق فاروق است و تنقیہ اخلاط ثامہ میکند و میسکند حدت خون را و اصلاح آن میکند و شفا فی است از برای  
جمیع حمیات و از برای جمیع امراض و شکمی نیست در آنکه این شراب شافی جمیع امراض است نه مطلقا بلکه امراضیکه  
ما ذکر کردیم این بود جمله از منافع شراب لیمو و سازج اما شراب لیموی سفرجلی مضم طعام می کنند و مقوی معد و وقاب است  
و زائل می کند خفقان را و مجرب است و شراب لیمو معمول از شیرخشت خورانی و ترنجبین تلیمین طبع می کند و نافع  
است از برای ریم و ضیق النفس و سعال مخصوص هرگاه در دهان نگاه دارند تا آب شود و شراب لیموی ملعب نافع است  
از برای اوجاع صر و حرقت بول و ارجاع مثانہ و شراب لیموی منع زائل میکند و ساوس و خیالات رو به سود او به  
را و منع ترقی بخارات میکند بسوی دماغ و حاصل امر آنکه عمل و منافع شراب لیمو در امراض اطفال و حمیات و التهاب و  
و حرارت است و اگر بسپار ترش باشد ضرر میرساند با عصاب و مضاعف با است و مہیج سعال یا بس و مصلح آن مغز بادام  
شیرین با تخم خشخاش سفید است \* صنعت آن به نفع صاحب شفاء الاسقام بکیرند شکر سفید جیل و در قلح چینی  
کرده و بشاوند بر آن آب نیشکر بقل و یک تر شود و اگر نیشکر تازه یافت نشود اندکی آب باران که تر شود بر آن ریزند و چند  
روز در آفتاب بنهند و سو آنرا بپا رجه بموشانند و باید که زیاد و برنج و زنباش پس آن شکر بشیر تازه و شید و حل کنند  
و بر آتش نهند و پیش از آنکه بجوش آید مزوج کنند بآن مقداری و زنباش و زنباش پس آن شکر بشیر تازه و شید و حل کنند  
بشیر و زنباش پس آتش آنرا تند کنند تا کف بوسو آورد و جمع گردد پس کف آنرا بگیرند تا رطوبت صاف شود و بقوام  
آید پس اندک اندک آب لیمو و تسقیہ آن کنند و با آتش ملایم بپزند تا آنکه در هر طلی از شکر سه اوقیه آب لیمو تسقیہ کرده  
شود و بعضی اطباء زیاده می کنند آب لیمو را یا کم میکنند و لیکن کم کردن نیکو نیست \* اما شراب لیموی مرکب پس  
از آن جمله شراب لیموی ترنجبینی است که بعوض شکر ترنجبین کنند یا نصف شکر ترنجبین بوده باشد و شراب  
لیموی سفرجلی است که آب سفرجل یا آب لیمو تسقیہ شکر کنند بشرط آنکه بوده باشد آب سفرجل ضعف آب لیمو و شراب  
لیموی ملعب است که لعابها را با آب لیمو تسقیہ شکر نمایند و شراب لیموی منع است که آب زناع تازه با آب لیمو تسقیہ شکر

شکر نمایند و شراب لیموی شمره شنی است که بعضی شکر شیر خشک خراسانی یا نصف شکر و نصف شیر خشک شراب لیموی  
 سفید جلی به نسخه حکیم میر محمد مؤمن \* صنعت آن آب به شیرین در جزو آب لیموی یک جزو شکر ثلث مجموع یک ستور  
 بقوام آورند \* شراب لیموی دیگر که شراب خورده را خوب موافق بود هرگاه که در قی آید و فم معد \* ضعیف شد \* باشد \*  
 صنعت آن آب لیمو آب به آب سیب آب انارین از هر یک یک کرطل مجموع را صاف نموده بجوشانند و با یک کرطل قند بقوام  
 آورند و در آخر عود هند یک صلی از هر یک یک گرم پوست بیرون پسته نیم درم مصطکی سود \* یک گرم داخل کنند و  
 هنگام حاجت شربت می ده درم با آب سرد کرده جرعه جرعه بنوشند \* حل لیمو در شراب اسطوخودوس من کوشد \*  
 قرص لیموی منافع آن منافع شراب آن است که ذکر یافت \* صنعت آن مثل صنعت شراب ساذج آن است الا آنکه بعضی  
 سفید تخم مرغ بعد قوام آمدن و غلیظ شدن بران میزنند و به تیر معجون سازی برهم میزنند تا سفید گردد و اندک رطوبتی  
 در آن باقی باشد پس بر روی سنگ یاسینی پهن کرده قرص ساخته یا برید \* بطریق لوزنگاه ازند و هنگام حاجت استعمال  
 مینمایند و اینرا جوارش لیمو مینامند و اگر این قسم نگاه ازند خمیره نامند و بعضی آتش میل هند تا زمانی که رطوبت آن  
 بسیار کم گردد و قابل قرص شدن شود پس برسینی یا سنگی که بر روغن بنفشه بادام یا پسته چرب کرده باشد می ریزند  
 و آنرا برید \* نگاه میدارند و این را قرص لیمو و عقل لیمو نیز میگویند \* مرای لیمو و صفرا و عرق را مزاج را موافق و مقوی  
 معد \* بود \* صنعت آن بکیرند لیموی رسیده بزرگ درست هر قدر که خواهند پوست زرد آنرا با سنگ قندی  
 سود \* داده یا زرد \* روز در آب نمک بکند ازند تا شیرین گردد پس بر آورند و با آب خالص شیرین بشویند و با آب خالص  
 شیرین جوش دهند تا تلخی آن با لکل زایل گردد پس با خلل چوبی سوراخ نموده در شیر \* نبات با عسل طبع نمایند  
 و اگر از پوست لیمو خواهند پوست آنرا همان قسم در آب نمک بکند ازند تا شیرین شود و هر چهار رنج روز دست بمالند  
 تا سفید \* اندرون آن زایل گردد و آب نمک را تبیل نمایند و چون سفید \* تمام زایل گشت و شیرین گردید پاک  
 شسته در آب جوش داده در شیر \* نبات رقیق با عسل طبع نمایند تا بقوام آید و اگر پوست لیمو را بعد از شیرین  
 شدن زمانی قلیل در آب آهک بکند ازند پس بر آورده شسته آب آنرا به تمام نشف نموده در مرتبان یا کاسه چینی کنند  
 و بالای آن شیر \* نبات یا قند یا شکر بسیار سفید صاف نموده بسیار غلیظ نیم گرم بران ریزند و بکند ازند تا در جرم آن نفوذ  
 نماید و اندک آبی که در جرم آن است در شیر \* آید پس ملا حظه نمایند بعد سه چهار ریمو اگر شیر \* آن رقیق شد \* باشد  
 آن شیر \* را جل گرفته جوشی داده با زبون ریزند و همچنین تا دیگر رقیق نگردد و این بهتر است زیرا که جوش نمودن اکثر  
 چیزها در شیر \* نبات و غیره با عسل سختی جرم آن میکردد و اگر لیمو درست را نیز بکین نوع مر با سازند بهتر است \* مختل  
 لیمو مسکن صفرا و مقوی معد \* حار است \* صنعت آن بکیرند لیموی درست را و سنگ با پوست زرد آنرا اندک بسایند و  
 بشویند و با رچه گریاس پاکیزه خشک نموده نمک مالیک \* در طرفی سفالی کدشته در آفتاب بکند ازند و اکثر برهم میزد \*  
 باشند و هر دوسه روز یک مرتبه نمک را تجل یک مینموده باشند و بعد هشت نه روز که خوب نمک سود شد و پوست آن  
 نرم گردید در آب لیمو با عرق سرکه یا سرکه خالص تنل بیند ازند و در آفتاب بکند ازند تا برسد و استعمال نمایند \* مختل لیمو  
 نوع دیگر \* صنعت آن آن است که بکیرند لیمو آب بسیار رسیده خوب را و در کوزه پاکیزه سفالی یا نمک کرده خوب برهم زنند  
 و حرکت دهند چون نمک کدشته شود آب نمک را دور کرده لیموها را شسته خشک نموده با نمک خشک جل یک در کوزه  
 کرده حرکت دهند و همچنین قاسه روز پس لیموها را بر آورده شسته نشف رطوبت آنرا با لکل نموده در آب لیمو با سرکه  
 مقطر یا غیر مقطر تند اندازند و از مصالح طبعه حاره و قفلل سرخ و غیره آنچه خواهند داخل نمایند و در آفتاب بکند ازند



تأبوس و تناول نمایند و اهل هند به همان نحو نمک سود نموده در روغن هوشک تازه که بهند می سرسوزن نامند می اندازند و در آفتاب می گذارند و بعد رسیدن بعضی بآب گرم شسته از پارچه خشک نموده تاد هفت یا آن کم کردند با طعام تناول مینمایند و اکثر بل خون شسته و بعضی همان قسم نمک سود نگاه میدارند و عند الحاجة با طعام خصوصاً کچری تناول مینمایند \* مخلل قشور لیمو در تقویت معد و اقوی از لیمو در دست است \* صنعت آن بکیرند پوست لیمو را و سفید آنرا از دم کارد در نمایند و لوزهای بسیار باریک طولانی به بوند و در آب نمک یا سموس کندم یا بونج یا آب زاج شیرین نمایند چنانچه در تریج ذکر یافت پس با آب خالص نیکو شسته یکد ساعت در آب آملک بگذارند تا شکنند و گردد پس برآورده شسته یا آب شیرین خالص طبع دهند تا اندک بپخته گردد ولیکن مضحک نشود پس برآورده آب آنرا از کرباسی پاک نشف نموده و عرق لیمو یا سرکه یا سرکه انگور تند اندازند و چند دانه قرنفل و خرما خارک خشک ورق کرده و قدری سیاه دانه نیز در آن اندازند و در آفتاب بگذارند تا مزاج گیرد و تناول نمایند و اگر خواهند چاشنی در ارشود قدری قدر مطلوب کم یا زیاده شیرین نبات یا قند یا در شاداب در سرکه انداخته پوست لیمو را بعد از شیرین نمودن و بختن در آن اندازند و چند جوشی داده و در ظرف چینی کرده آدویه مذکوره بریزند و بگذارند تا برسد استعمال نمایند و محلل قشور کنوله و اکثر لیموها نیز بدین دستور است \* کتاب حرف المیم \* یاب المیم مع الالف \* فصل در بیان نسخ ماء الاصول \* بن آنکه ماء الاصول طبخنی است که اگر با شربتی بقوام آورند آن را شراب اصول و الا آن طبع را ماء الاصول گویند \* ماء الاصول که اصل جمیع ماء الاصول هاست فرموده اند که این نسخه نقل کرده شد از قزلباش دین یونانی امام مؤلف آن بر احقر معلوم نشد و این ماء الاصول نافع است از برای استسقا و سردی و معد و جگر و طحال و جمیع امراض بلغمی \* صنعت آن پوست بید کبر بید کرفس از هر یک ده درم تخم کرفس و رازیانه انیسون از هر یک پنج درم جوشانید و بمالایند و بیا شامند و در نسخه دیگر آورده که آنکه بید داخل کرد و بیا شامند و از برای استسقا نقاح از خوسبیل الطیب عاف فستقین رومی کافیطوس کاذریوس از هر یک سه درم اضافه نمایند \* ماء الاصول منقول از قانن شیخ الرئیس نافع است از برای تهتیم سد ها و از برای عسرا ببول و وجع کبد و معد و استعمال کرد و میشود باد ها و بغیر ادهان \* صنعت آن پوست بید کبر بید از خربید رازیانه بید کرفس تخم کرفس تخم رازیانه انیسون سنبل الطیب پوسیاوشان سنبل رومی مویر منقش مصطکی رومی از هر یک بقدر حاجت جوشانید و بمالایند و بیا شامند از آن بقدر حاجت \* ماء الاصول دیگر فالج و صداع بلغمی و صرع و دوار را از اثل کنند \* صنعت آن پوست بید کرفس پوست بید رازیانه از هر یک ده درم بید از خربید دانه کوهی سنبل الطیب زراوند کد پوست هلیله زرد از هر یک هشت درم مصطکی سه و نیم درم و اقلیمون از هر یک چهار درم شافره هفت درم مجموع را در چهار رطل آب بجوشانند تا یک رطل بماند صاف کرده و از دم ابارج فیقراد زان حل نموده و صبح مقدار چهل درم مغلوج را با یکد رم روغن بیل انجیر و خل اوند صرع صناع و دوار را با روغن بادام بل دهند \* ماء الاصول منقول از تذکره شیخ داود انطاکی نافع است از برای حمیات و آنکه بطول انجامید و باشد و مطلق سد ما بکشایک و ضعف کبد ضعف معد و اسود مندل است و هضم را نیکو کرد و اندک غشیت حصاة کلید و مشافه نماید \* صنعت آن پوست بید رازیانه پوست بید کبر بید کاسنی بید کرفس از خربید انیسون و کشتوت سنبل الطیب از هر یک سه درم قوه الصباغین تر مصطکی رومی از هر یک یکد رم و نیم نانخوا و یکد رم پس اگر بیل را ضعف در معد و یا کبد باشد ریوند چینی اضافه کنند و اگر ضعف درد ماغ باشد پوست هلیله کابلی اضافه نمایند اگر در ظهر باشد و از بلغم باشد فستقین اضافه نمایند و الاکل سرخ و با داورد اضافه نمایند از هر یک از آنچه مذکور شد سه

سه درم مویز منقعی بهر تنقل یومقل از نصف مجموع ادویه را با مثل مجموع ادویه آب بجوشانند تا آنکه ثلث آب بماند و بهالاییند و یک این ماء الاصول تفتیح سد ها میکند در اسرع زمان و یوقان را زائل میکند و دفع میکند آنچه را مستحق شد ه باشد از اخلاط باذن الله تعالی مجرب است \* ماء الاصول تالیف چنین منقول از کفایة الطب سد های جگر و طحال بکشاید و فساد مزاج که از برودت باشد باصلاح آورد و تپه های کهنه را استسقا را زائل گرداند \* صنعت آن پوست بیخ کرفس بیخ رازیانه ازهر یک پنچرم سبیل الطیب مصطکی رومی ازهر یک یکرم و نیم قوه الصباغین لك منقعی عود بلسان ازهر یک دودرم باد آورد غافق پوست بیخ کبرکافیطوس افستین رومی کل سرخ ازهر یک سه درم انجیر زرد ده دانه مویز منقعی بیست درم ادویه را نیم کوفته درد یک سنگی کنند و چهار رطل آب بر روی آن ریزند تا ثلث آب بماند بهالاییند چهار اوقیه ازان را و یکرم روغن بادام تلخ داخل کنند و هر روز همین مقل را از ازان با دواء الکرم و امثال آن بیاشامند و در نسخه معصومی باد آورد کافیطوس کاذریوس داخل نیست و شکافی داخل است و باقی برابر است \* ماء الاصول منقول از قرابادین فلانسی منصف اخلاط حاره است \* صنعت آن پوست بیخ کاسنی نیم کوفته بیست درم تخم کاسنی پنچرم تخم کشوت ششدرم عناب بیست عد و سهستان شانزده عد و در نسخه دویم شانزده درم است ادویه را در چهار رطل آب بجوشانند تا به نصف رسد پس بهالاییند و در سه روز با ده درم تا بیست درم سنگجبین ساده سرد کرده با برف بنوشند \* ماء الاصول نافع از برای نقرس و درد ورک و اوجاع مفاصل و استرخاکه از برودت باشد \* صنعت آن پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه ازهر یک ده مثقال پوست بیخ حنظل قنطاریون دقیق ناخواه انیسون شیطرح هندی بوزید ان ماهی زهرج ازهر یک پنج مثقال در سه رطل آب بجوشانند تا بیکرطل رسد روزی یک اوقیه آنرا بایکرم روغن حسب الخروع و از برای امراض صعبه با روغن کلکلانج بیاشامند \* ماء الاصول به نسخه شفائی نقرس و اوجاع مفاصل بلغمی و سوداوی را نافع است \* صنعت آن پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی اصل السوس تخم خطمی ازهر یک ده درم تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس انجیر زرد مویز منقعی ازهر یک بیست درم سورنجان زیره کرمانی بیخ رازیانه ناخواه ازهر یک پنچرم در سه رطل آب بجوشانند تا به ثلث آید و صاف کنند و هر روز سی درم با ده درم کلغلند یا غسل بنوشند \* ماء الاصول نقرس و اوجاع مفاصل بلغمی و سوداوی را سوداورد \* صنعت آن عناب سهستان ازهر یک سی عد د پوست بیخ کاسنی پوست بیخ بادیان ازهر یک ده درم کاسنی و رازیانه ازهر یک پنچرم سورنجان سه درم آنچه کوفتنی باشد نیمکوب کرده بایکرم آب بجوشانند و صاف کنند و هر صباح سی درم ازان با ده درم کلغلند بنوشند \* ماء الاصول جهت اوجاع مفاصل و نقرس و درد پشت \* صنعت آن پوست بیخ کاسنی بیخ رازیانه بیخ کرفس پوست بیخ کبر مویز منقعی ازهر یک ده درم قوه سورنجان بوزید ان ازهر یک سه درم سهستان عناب انجیر سفید ازهر یک پانزده عد اصل السوس نیم کوفته پنچرم مجموع را در دو رطل آب بجوشانند تا بیکرطل بماند صاف نموده بد و دفعه بد و روز بنوشند \* ماء الاصول مواد بلغمی را نصف دهد و حل اوند اوجاع مفاصل را سودمند بود \* صنعت آن تخم رازیانه تخم کرفس انیسون ازهر یک چهار درم پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کبر بیخ کرفس ازهر یک پنچرم اصل السوس سه درم مویز بیگانه چهل درم انجیر سفید بیست عد و تخم کاسنی سه درم نخود مقشر نیمکوفته ده درم جو مقشر صفت درم پرسیاوشان سه درم آنچه بایل کوفت نیمکوب کنند و مجموع را در هشت رطل آب طبع نمایند تا در رطل آب بماند صاف نموده شربت چهل درم بایکرم معجون کل بنوشند \* ماء الاصول نافع از برای استسقا رقیق مائی و از برای قالج و لقوه و استرخاکه \* صنعت آن پوست بیخ رازیانه بیخ کرفس ازهر یک ده درم تخم کرفس انیسون رازیانه ازهر یک چهار درم مصطکی رومی

هنبیل الطیب نقاح از خر حب بلسان اسارون جملیانا از هر يك دودرم عود بلسان بوزید ان مغاك بغل ادى از هر يك يك  
 درم تخم حرم مل سلیخته سیاه از هر يك سه درم مویز منقی بیست درم مجموع را در چهار رطل آب بجوشانند تا بیکرطل رسد  
 بپالایند و هر روز چهار اوقیه آنرا با دودرم روغن بادام تلخ بپاشانند \* ماء الاصول که رفع امراض ریخی نماید و فتق ریخی  
 و استسقای عطلی را بدها یت نافع است \* صنعت آن پوست بیخ کوفس بیخ رازیانه از هر يك ده درم تخم کرفس رازیانه  
 انیسون دوقرطرا سالیمون زیره کرمانی از هر يك سه درم جمل \* بیخ از خوفقاح از خراز هر يك چهار درم تخم مد آب سعد  
 کوفی از هر يك دودرم و نیم مویز منقی طائفی بیست درم اجزا را نیم کوفته در چهار رطل آب خالص بجوشانند تا بیکرطل  
 باقی بماند پس بکیرند از ان چهار اوقیه و حل کنند در ان فطرادیون و بانیم مثقال معجون سنجر نیا بپاشانند و  
 چند روز باین مداومت نمایند \* ماء الاصول که در امراض بلغمی خصوص تپهای بلغمی بعد از نضج ماده بجهت ادوار  
 مینماید \* صنعت آن بیخ کرفس بیخ رازیانه بیخ از خروسیا و شان انیسون از هر يك کفی مصطکی رومی تخم کرفس از هر يك  
 دودرم جمل را در یکون آب بجوشانند تا به نصف رسد پس صافی نموده هر بامداد چهل گرم آنرا گرم کرده ده درم کلقتند  
 آفتابی در ان حل کرده صافی نموده بپاشانند \* ماء الاصول بجهت نضج مواد بلغمیه غلیظه \* صنعت آن بیخ کرفس بیخ  
 رازیانه پوست بیخ کبر از هر يك پنج درم قنطاریون دقیق سه درم در درمن آب بجوشانند تا به نصف رسد صافی نموده هر  
 صبح سی درم از ان را با دودرم کلقتند بپاشانند و اگر سه درم مصطکی سوده درین ماء الاصول داخل نمایند بهتر است \*  
 ماء الاصول تب بلغمی و نائبه و تپهای مرکبه را نافع باشد \* صنعت آن پوست بیخ رازیانه از هر يك هفت درم بیخ از خرو  
 پنج درم انیسون دودرم و نیم کل غاف افسنتین از هر يك پنج درم پوست ملیله زرد هفت درم ملیله سیاه شش درم  
 بادآورد شکافی از هر يك چهار درم مصطکی یک و نیم درم مویز بیدانه پانزده درم علی الرسم طبع کرده صاف نموده سه روز  
 متوالی بنهند \* ماء الاصول تب بلغمی خالص را سود مند بود \* صنعت آن پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کبر اصل  
 السوس از هر يك ده درم انیسون تخم کرفس از هر يك پنج درم غاف افسنتین بادآورد از هر يك چهار درم قنطاریون دقیق  
 سه درم مجموع را در درمن آب طبع نمایند تا نصف بماند مقل ارسی درم آنرا با هفت درم کلقتند بنوشند \* ماء الاصول  
 که جمیع امراض ریخی که به سبب ریاخ معدی باشد نافع است و صداع ریخی و معدی را به نهایت سودمند است \* صنعت آن  
 پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس از هر يك ده درم بیخ از خروسیا و شان انیسون از هر يك پنج درم مصطکی نا نخواست و قد ما نا پودنه  
 کوهی از هر يك سه درم سلیخته سیاه قنطاریون شش سفید از هر يك پنج درم افسنتین اقرباطی اسطوخودوس از هر يك هفت  
 درم بجوشانند و صافی نموده هر روز صبح سی درم آنرا گرم کرده کل انکبین عمل هفت درم در ان حل کرده مرتبه دیگر  
 صافی نموده چهار درم روغن بادام تلخ اضافه کرده بپاشانند و اگر صبور سقوطی ده درم داخل کنند و سه روز را آفتاب  
 بکلی از ان و هر روز را زده درم باد و مثقال روغن بیل انجیر بپاشانند اقوی است \* ماء الاصول سله جگر و سهرز و استسقا  
 و تپهای بلغمی را نافع است \* صنعت آن پوست بیخ کرفس پوست بیخ بادیان از هر يك هفت درم بیخ از خوفقاح از خراز هر يك پنج  
 درم مصطکی سنبیل الطیب از هر يك دودرم شکافی بادآورد کل غاف کل سرخ افسنتین رومی از هر يك سه درم زرشک بیدانه  
 ده درم مجموع را در درمن آب بجوشانند تا یکون و نیم آب بماند هر روز صبح از چهار اوقیه با یک درم روغن بادام بنوشند \*  
 ماء الاصول سله بکشتای و تپهای بلغمی را نافع بود و سوع مزاج با رد جگور که از بلغم باشد سود دارد و قتیکه بپاشانند  
 بعد از استسقا و ماده و فساد مزاج را که از بودت باشد با صلاح آورد و استسقا را سود دارد \* صنعت آن پوست بیخ کرفس  
 پوست بیخ رازیانه از هر يك پنج درم نا نخواست و انیسون از هر يك چهار درم سنبیل الطیب از هر يك کل سرخ منزوع الاقماع از

از هر يك سه درم است مجموع را در درون آب بپزند تا بنصف رسد بپالایند و از هي درم تا چهل درم با سه درم روغن بادام شیرین و تلخ با لمناصفه بپاشامند \* ماء الاصول قویتر از نسخه قبل \* صنعت آن بیخ ما از هر يك پانزده درم تخمهها از هر يك هفت درم قنطاریون دقیق عاقر قرحا زنجبیل از هر يك سه درم قسط تلخ نانخواه زراوند طویل از هر يك چهار درم شوند نیز تخم سد اب قرد ما ناشی طرح هند و از هر يك پنجاه درم چند بید ستریک درم سه من آب بجوشانند تا ثلث بماند پس بپالایند و بپاشامند و در بعضی نسخه سلیخه سیاه اسارون از هر يك دو درم مصطکی رومی حبله از هر يك پنجاه درم بواجزای مذکوره افزوده است و در نسخه دیگر و ج ترکی را من از هر يك ده درم است پوست بیخ کبرایوس از هر يك دو درم اضافه شده \* ماء الاصول که نافع است از برای تفتیح سدها و از برای تفتیح سده مجرای کبد بیهامیت سودمند است و قتیکه در مزاج حرارت بسیار نباشد \* صنعت آن پوست بیخ کرفس بیخ رازیانه پوست بیخ کبراصل السوس بیخ از هر يك ده مثقال مصطکی رومی انیسون ریوند چینی قسط تلخ فوة الصباغین از هر يك پنجاه درم حبله پانزده درم مویز دانه بیرون کرده چهل درم انجیر زرد پانزده درم سد بید ستریک و جوشانید صافی نموده شربت بیخ چهل درم با سه درم روغن بادام تلخ شیرین با لمناصفه \* ماء الاصول جهت امراض کبد و سده آن که از برودت باشد نافع بود \* صنعت آن پوست بیخ رازیانه بیخ کرفس از هر يك هفت درم زیره کرمانی نانخواه از هر يك چهار درم تخم رازیانه تخم کرفس انیسون از هر يك هفت درم شکامی باد آورد کل غافق بیخ از خراصل السوس تراشید کل سرخ سنبل الطیب از هر يك سه درم اسارون مصطکی فوة جعد از هر يك دو درم مویز بیدانه پنجاه درم حبله ده درم عناب سی عدداً آنچه کوفتنی باشد نیم گرفته با سه درم آب بجوشانند تا دو بیست درم بماند صافی نمایند و هر روز پنجاه درم ازین آب با پنجاه درم سنگ بیدین بزور پی بنوشند \* ماء الاصول که جهت ضیق النفس و گرفتگی آواز مجرب است \* صنعت آن پوست بیخ بادیان هفت مثقال انیسون تخم کرفس تخم بادیان از هر يك سه مثقال مصطکی سنبل الطیب اسارون ساذج هند و از هر يك یک مثقال و نیم قنطاریون دقیق قنطاریون غلیظ فراسیون بیخ هوسن آسمانچونی اصل السوس از هر يك دو مثقال انجیر زرد ده دانه مویز بیدانه پانزده درم مثقال در چهار رطل آب بجوشانند تا یک رطل بماند صاف کرده سه حصه نمایند و هر روز یک حصه را با عوقی مناسب بپاشامند \* ماء الاصول حیض برانگیزد و راحه از حرکت رحم باشد سود دارد \* صنعت آن پوست رازیانه پوست بیخ کرفس مویز بیدانه از هر يك ده درم تخم هزار سفین انیسون تخم رازیانه زراوند طویل زراوند مدح جرج قنطاریون دقیق عود هند و فارانیا از هر يك سه درم مجموع را در درون آب بجوشانند تا یک من و نیم بماند هر روز چهار اوقیه آن را با یک درم روغن بادام شیرین بنوشند \* ماء الاصول سنگ کرده و مثانه بریزند \* صنعت آن پوست بیخ کرفس بیخ رازیانه پوست بیخ کاسنی از هر يك پنجاه درم پرسیاوشان حب القلص اسقودریون از هر يك سه درم تخم خربزه هفت درم مویز بیدانه ده درم آنچه کوفتنی است نیم گرفته در درون آب بجوشانند تا ثلث بماند صاف نموده هر صبح بیست درم ازین مع الاصول را با یک مثقال معجون حجرا لیهود بنوشند و در نسخه دیگر پوست بیخ کاسنی داخل نیست \* ماء الاصول سوء المزاج سرد جگر را نافع باشد و امراض بارده را فائده دهد \* صنعت آن پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس پوست بیخ کبراذخر مکی از هر يك هفت درم تخم کرفس رازیانه انیسون از هر يك سه درم قنطاریون باریک عاقر قرحا زنجبیل از هر يك سه درم نانخواه قسط زراوند طویل از هر يك دو درم شوند نیز تخم سد اب قرد مانده شی طرح هند و از هر يك دو درم و نیم چند بید ستریک درم را سن مصطکی از هر يك دو درم چنانچه رسم است در سه رطل آب جوش دهند تا نصف یا ثلث بماند صاف نموده مقابله

سه مثقال از آن را با یک مثقال روغن بادام تلخ بدمند \* ماء الاصول لقوة و فالج و صرع و امراض بلغمی و سودا و عوار  
سودمند بود و سنگ کرده و مثانه بریزاند و سده جگر و سپرز بکشد و استسقا و اوجاع مفاصل را نافع باشد \* صنعت آن  
پوست بیخ کرفس پوست بیه را زبانه ذخرا زهر یک چهار درم حب بلسان اسارون زهر یک دودرم سلیخه جنطیانا بوزید آن  
مزارا سهند زهر یک سه درم مویز منقعی بیست درم درد من آب بجوشانند تا نصف بماند بیا لایند شربت سی مثقال با  
دودرم روغن بید انجیر \* **فصل در بیان نسخ ماء البزور \*** ماء البزور که ادرا را خلاط غلیظه

کند و عسر البول که به سبب مواد غلیظه باشد که در مثانه جمع شده باشد سود دارد \* صنعت آن را زبانه انیسون تخم  
کرفس پوست بیه را زبانه کرویای زیره کرمانی تخم کشوت نا نخواه زهر یک یک مشت و ج توکی قوه الصبغ سنبل الطیب بیخ  
مهک یعنی اصل السوس زهر یک سه درم مویز طافی دانه بیرون کرده بیست درم انجیر زرد پنجه در سه من آب بجوشانند  
تا نصف رسد بیا لایند و هر روز چهل گرم آن را با چهار درم روغن حب الخروع بیا شامند و اگر با سنجر نیاید همدانفع

است \* ماء البزور نافع است از برای امراض خاره کبد که ماده آن مرکب از صفرا و دم غلیظه باشد و نیز نافع است از  
برای صلع بشرکت کبد به سبب تضاعد الخرقه صفرا و دم از کبد بسرو استعمال کرده میشود این ماء البزور بعد از فصل اکل  
و یا حمل اند راع ایمن اگر قوت فصل باشد و مانع از آن نباشد \* صنعت آن تخم کاسنی نیم کوفته سه درم بیخ کاسنی نیم کوفته  
پنجه گرم بیخ بنفشه دودرم کل سرخ چهار درم در یک رطل و نیم آب بجوشانند تا ثلث آب بماند صافی نموده پنجه مثقال کفند  
آفتابی در آن حل کرده با زصافی نموده بیا شامند و چند روز با این ماء البزور و دامت نمایند \* ماء البزور نافع از برای

امراض طحال و برای صلع که بمشاکت طحال باشد از برای نصی ماده چون استعمال کرده شود چند روز بعد از فصل با  
سلیق و ایسروا سیلم ایسرو \* صنعت آن را زبانه انیسون تخم کرفس زهر یک دودرم اصل السوس ایسرو بیخ ذخیر بنفشه  
اسارون زهر یک یک گرم و نیم بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی از هر یک یک مثقال پوست بیخ بادیان پوست بیخ کبر از هر یک  
دو مثقال پرسیاوشان یک گرم مجموع را نیم کوفته در یک رطل و نیم آب بجوشانند و چون نیم رطل آب بماند صافی نموده  
هشت مثقال کفند در آن حل کرده بنوشند و غل انشود آب \* ماء البزور نافع از برای امراض بلغمی مخصوص دماغی چون

فالج و استرخا و لقوه چون استعمال کرده شود از برای نصی ماده چند تا اثر نصی ماده از قارور و معلوم شود \* صنعت آن  
پوست بیخ کرفس پوست بیه را زبانه زهر یک سه درم بیخ ذخیر هفت درم انیسون تخم کرفس نا نخواه شونیز فطور یون  
دقیق عا قرقهای نیم کوفته زنجبیل نیم کوفته زهر یک سه درم قسط تلخ زرد و نل مد حوج نیم کوفته زهر یک چهار درم  
قدما نا تخم سد آب شیطرج هندی از هر یک پنجه گرم چند بید سترویک گرم مجموع را در سه من و نیم آب بجوشانند تا  
یک من آب بماند صافی نموده هر صبح چهل گرم آن را با چهار درم روغن حب الخروع یا روغن بادام تلخ نیم گرم بیا شامند

که بعون الله تع نافع است \* ماء البزور به نسخه این جزله که در منهاج ذکر کرده و گفته که سده جگر و سپوز بکشد و استسقا  
هر روز سه اوقیه آنرا با یک مثقال روغن بادام شیرین بیا شامند \* صنعت آن پوست بیخ کرفس پوست بیه را زبانه از  
هر یک سه درم مویز طافی منقعی از حب دو درم انجیر زرد تخم کرفس بیخ ذخیر را زبانه زهر یک سه درم انیسون مصطکی  
روس سنبل الطیب تخم مرما حوزنا نخواه زیره کرمانی سعد کوفی نیم کوفته قسط تلخ نیم کوفته زهر یک دودرم سکیب نیم مقل  
ازرق زهر یک یک گرم کل سرخ منزع الاقماع چهار درم در چهار رطل آب بجوشانند تا یک رطل بماند پس صافی نموده  
بکار آورند \* ماء البزور و قویج و استسقا و طبلی را نافع باشد و اخلاط لزجه را دفع سازد و در با دها که در معده و روده بود  
بشکند و در سه از \* صنعت آن تخم را زبانه تخم کرفس نا نخواه زیره کرمانی کرویای صغیر کاشم شونیز زهر یک کفی در سه رطل

آب بنوشانند تا بکریطل بماند صاف نمایند و صباح و شام بیست درم با سه درم روغن بیک انجیر بنوشند \* ماء البزور  
 به نسخه ابن جزله که سه جگر و سپرز بکشاید \* صنعت آن کاسنی تازه کثوت غلب بکوبند و آب آن را بکیرند و  
 با نش ملایم بنوشانند و کف آن را بکیرند و بکنارند تا ته نشین شود و از آب صافی آن سه درم بادوا و قیه سکنجبین بخورند \*  
 ماء البقول منقول از قرا با دین قلانسی نافع از برای حرارت کبد و یرقان \* صنعت آن بکیرند کثوت تازه برک کاسنی تازه  
 برک غلب الشعلب تازه برک کاسنی برک لبلاب را زیاده همه را بکوبند و بغشاوند و آب آن را بکیرند و صافی نموده مروق نمایند  
 و بیاشامند از آن قل حی با شکر سفید و در نسخه معصومی چنین است که شب در زیر آسمان بکنارند و علی الصباح مقلار  
 دوا و قیه تا نیمه رطل بنوشند \* ماء البقول دیگر که ورم کبد و طحال و دبيلة کبد و یرقان را نافع باشد و سه بکشاید و  
 زردی بشود که از سه کبد و مراره بود زائل کند \* صنعت آن برک کاسنی سبز را زیاده سبز غلب الشعلب سبز کثوت سبز  
 لبلاب کثوت برک حی العالم بغلة الحمما از هر یک قدری کوفته فشار ده صاف نموده مقل ارسی درم تا پنجاه درم با ماء  
 الشعیر و اگر خواهند با سکنجبین بیاشامند \* ماء البقول دیگر که ورمی حار که با تب بود نافع باشد \* صنعت آن  
 آب برک کاسنی آب برک کاسنی آب برک غلب الشعلب آب برک خطمی سفید از هر یک ده درم جوشانند و صافی نمایند و  
 در ده درم فلوس خیارشنبه و دو درم روغن بنفشه بادام دران آمیخته بیاشامند \* ماء البقول به نسخه ابن جزله که سه  
 جگر و سپرز بکشاید \* صنعت آن کاسنی تازه کثوت تازه غلب بکوبند و آب آن را بکیرند و با نش ملایم  
 بنوشانند و کف آن را بکیرند و بکنارند تا ته نشین شود و از آب صافی آن سی درم بادوا و قیه سکنجبین بخورند \* ماء الخلاف  
 که معقول قل ما است و جهت مواد بلغمی و صفراوی و دموی و تغنیج سل و تقویت معد و آلات تنفس نافع دانسته اند و  
 بهتر از آب کاسنی آب شاه تره در مواد مرکبه و حمیات مختلطه است و سرفه را نیز نفع دارد \* صنعت آن برک بیک که نرم و  
 تازه باشد بکوبند و آب آنرا بکیرند و شب بکنارند و در روز دیگر از بیست مثقال تا سی مثقال آن را با خمس آن شکر بنوشند \*  
 ماء الخیار منافع آن قریب بمنافع ماء القرع است و معده مستحیل بصفر نمیشود خصوص که خیارشنبه رسیده و  
 ترش شده باشد \* صنعت آن بکیرند خیارشنبه زرد ترش شده را و بخمیر آرد جو بکیرند و بالای آن کل واکر کل سرخ  
 و آرد جو را در هم سرشته بکیرند نیز خوبست و در تنور معتدل بر روی آجریا در اجاع در زیر خاکستر گرم و آتش به پزند تا  
 فخته گردد پس بر آورند و بکنارند تا سرد شود کل و خمیر را از آن دور نموده سوراخ کرده آب صاف آنرا بکیرند و هفتاد مثقال  
 آنرا تنها جهت حمی دق و حمیات محترقه صفراویه و دمویه و تسکین اطفالی حرارت و لهیب صفرا بنوشند و در بعضی مواد  
 با شکر یا با ادویه مناسبه دیگر نیز مجوز است و جهت اسهال نمودن با ادویه ملینه نیکودان است \* ماء السویق جهت  
 حمیات هارقه هاده و عطش و اسهال صفراویه نافع است \* صنعت آن بکیرند جو رسیده نوچیک را و مقشر نموده و بریان  
 کرده آرد نمایند و بیخته مقل رچهل درم آنرا در آب بریزند و برهم زنند تا غلیظ گردد و از پارچه نازکی بکنارند و با طباشیر  
 صوفه صغیری از هر یک یک گرم یا زیاده بنوشند \* ماء الشعیر بیکه ماء الشعیر نافع است جهت اکثر امراض هارقه مثل  
 صناع حار ساذج و مادی و دموی و صفراوی و حمی دق و سل و حمیات صفراوی و دموی و مسکن عطش و التهاب و حرقة  
 البول و سوء المزاج حار کبد و صالح الغل اعجیل الکی موس و مولد خون صالح است و شیخ الرئيس در کتاب رابع در معالجات  
 حمیات میفرماید ماء الشعیر یک گرم شعیر دران داخل نباشد بلکه قوت و صورت آن میباشد مراور آن مدخل در علاج  
 و قریب النفع است هنگامیکه استسقا تمام در طبع آن شده باشد بهتر آن است که مقل آب نیمست اسکرجه مقل ارشعیر  
 یک اسکرجه باشد که بطبع معتدل بد و خمس رسد پس بکیرند آب رقیق آنرا و بیاشامند جهت آنکه غل آن قلیل

و ترطیب و غسل و انضاج و اخراج آن فضول را بسیار است و ماء الشعیر معتدل آن است که در آن چیزی حرم شعیر و آرد آن داخل باشد و گفته دوست و نزدیک من آن است که این نوع ماء الشعیر را با یک که بسیا رطبیخ نند منند بلکه آنمقدار رطبیخ نمایند که نفع آنرا از آن نند و بسرحل و زوجت نرسد و این برعکس آن کثیر الغل و قلیل الغسل و انضاج است و بسیا ر است که جوهر آن در معده با ردتوش میگردد و گاه اخذ می نمایند ماء الشعیر را از معشورگاه از غیر معشور و واجب نیست آشامیدن ماء الشعیر هنگامیکه طبیعت معتدلس باشد بلکه باید که تحقیق نمایند قبل از آن پس اگر ماء الشعیر در معده و توش گردد بسیار رقیق آن را بپاشا منند و اگر آن نیز توش گردد پس لابد قلیلی فلفل با آن بپاشند خصوصا هنگامیکه نباشد ماده بسیا ر رقیق و با حرارت شدیدی و اگر نفع آن بسیا ر باشد پس مزاج نماید با آن از برای محرومین اندکی خل خمر بد آنکه جمع میان سنگنجبین و ماء الشعیر مصنوع است زیرا که مکرب و مغسل آن است و اگر مزاج و لیکن هرگاه بنوشند سنگنجبین را ناشتا قطع میکند اخلاط را و مهیا میگرداند فضول را از برای دفع ریح و از دوساعت آن اگر کشاکش آب رقیق بپاشا منند تا اینکه غسل دهی چیزی را که قطع کرده است آن را سنگنجبین و جلاد دهی و اخراج کند آن را بعرق و اسهال و باکی نیست آشامیدن سنگنجبین نزد غشی هنگامیکه غل از معده منحل و رشت باشد و با شکر و بسا است که محتاج میشوند به آشامیدن جلاب بیش از ماء الشعیر برای زیادتی ترطیب هنگامیکه طبیعت غلبه خشکی بر بدن و زبان مریض در یابد و بسا است محتاج میشود با نکه بپاشا منند آن را و باقی روی ماء التمر مقل از دوساعت پیش از آن برای تلطیف طبیعت \* صنعت آن بکیرند جو نو بالید و غیر کهنه فاسد را و معشور نموده و رقیق رکه خورند و نیکو بشویند و در آب شیرین صاف جیک جوشی نمایند و آب آن را بپزند و آب تازه بر آن ریزند و باز رطبیخ نمایند تا دانه جوها شکفته و دهن آنها باز گردد پس صاف کرده بدن آنکه بمالند و آب صاف آنرا سرد نموده بمالند و اگر بمالند مغز آن نیز داخل گردد و غلیظ شود آنرا کشک الشعیر و بفارسی آش جو نامند و اگر در بین جوش کف آنرا بکیرند بهتر است و در قرا باد این معصومی است و با کرفس و رازیانه تپ مرکبه را سود مند است \*

ماء الشعیر از سویق شعیر بنسخته قلابسی نافع است خلفه مراعی و تپهای گرم و بسیا روی تشنگی را \* صنعت آن بکیرند سم بوق شعیر و آن عقل از آب در آن داخل نمایند که از روی سویق بپزند و بپاشا منند تا غلیظ شود پس با لایند و بپاشا منند از آن وزن چهل گرم با سه گرم طباشیر و سه گرم صمغ عربی و یک رقیه رب به شیرین \* ماء الشعیر بنسخته این چیز که در منتهای ایمان ذکر کرده و گفته که نیکو ترین آن بود که از جو معشور ترطیب دهند و آن سرد و تر است و حل است اخلاط را بشکند و بول براند و تپهای حاده و جگر گرم را سود دارد و از آن خون صالح معتدل متولد شود و تشنگی بنشانند و زردی با غضا بوسه و زرد بکل رد از معده و امعاء و لیکن باد انگیز بود و دفع مضرت آن نوشیدن آن با کل آنکه بین یا شکر است \* صنعت آن بکیرند جو شیرین معشور و سبیل و و نیم گرفته در یک کیله آب داخل کنند و بپاشا منند و کف آنرا بکیرند چنین پخته شود از آتش بر دارند و صافی نموده سرد کرده آنکه از آن و بکار برند \* ماء الشعیر محمص یعنی شعیر بویان کرده قابض بطن و مسهل است \* صنعت آن بکیرند جو را و معشور کرد و بریان نمایند و بطریق ماء الشعیر پخته تناول نمایند و اگر جهت زیادتی قبض شیوه تخم خشخاش سفید یا بعضی اطیان مثل طین مختوم و رومی و دافستانی و با ادویه مناسبه قریه دیگر با آن بپاشا منند نیکو است در غسل ذکر یافت \* ماء الغسل غلب العلب جهت حمیات حاده که بسبب ورم معده و جگر باشد و برقان سدی و اینم نافع است \* صنعت آن بکیرند برک تازه سبز نازک غلب العلب و آنکه در آن سیاه نباشد و نیکو باشد و افشوده آب آنرا بکیرند و صاف نمایند و مقل از چهل و پنج مثقال تا نیمه و طل با اشربه مناسبه مثل شراب بزر و



و شراب دیناری و شراب کشوت و سنگنجبین ساده و بزوری و امثال آنها سرد یا شیو گرم بیاشامند و اگر مررق خواهند که بهتر و اقوی است بکیوند آب برک تازه آن را بدستور مسطور و در ظرف نقره یا مس تازه قلعی یا سفالی کرده بر روی آخو طبع نمایند تا سبزی آن برید و جد اگر د آب صاف جدا پس صاف نموده استعمال نمایند \* ماء القرح در قرح ذکر یافت \* ماء الفواکه صفرا براند و تپهای حاده و گرمی جگر را سرد دارد \* صنعب آن آلوی سیاه و عذاب خراسانی از هر یک پنجاه دانه کشمش سبز مویز طائفی است بهیرون کرده از هر یک بیست درم شاهتره سنا مکی افسنتین رومی از هر یک پنجاه درم پوست حلبله زرد پانزده درم حلبله سیاه هشت درم کل سرخ ده درم تمر هندی منقعی از حب و لیف سی درم جمله را با پا نرزد و رطل آب داخل کرده در آفتاب بکند از سه روز چهار روزه آن را با شکر سفید بپاشامند و اگر سرفه باشد سهپستان پنجاه درم دکل بنفشه پنجاه درم زیاده کنند و بعوض شکر شراب خشکشان در آن حل کرده بیاشامند \* ماء القمقم از جمله ایرتان است و در ایرتانات ذکر یافت \* ماده الحیوة و آن اسم معجون فلا سغه است و این معجون را ماده الحیوة گویند بسبب آنکه مقوی قوتها که اصل اند در حیات میباشد پس گویا این معجون ماده حیات انسان است و معجون فلا سغه نامند بسبب آنکه فلا سغه یونان اکثر استعمال این معجون می نموده اند از برای توفیر عقل و تقویت دماغ و ادراک فهم و زیادتی حفظ و ذکر و ذکا و عقل و بعضی را کمان آن است که معجون فلا سغه باین سبب نامند که جمعی از فلا سغه اتفاق نموده این معجون را ترکیب کرده اند شیخ داود انطاکی را عقید و آن است که این معجون تالیف اند و ماخص صاحب تریاق اکبر است و فلا سغه متفک مین و اطباء متأخرین افزوده اند بر اجزای اصل ترکیب اند و ماخص ادویه دیگر پس نیکو گردید و تالیف و افعال آن و این معجون را منافع بسیار است و عملده منافع آن نفع است از برای امراض بارده چون نفوس و فالج و لقوه بارده و فضلهای بلغمی را بک از و جمیع امراض هادئه از بلغم را نافع است و باه را بیمزاید و مهیج باه است و زیاده می کند منیر و نافع است از برای فضول بلغمی و چون قریب بهضم غل ادر معده خورده شود قوت معده معده را بر دفع فضول و مسکن و محلل ریح و فضول غلیظه است و نافع است از برای ضعف معده و هاضم و مبهی و مشهی و مقوی معده است و زائل میکند قولنج را و مفرح و مقوی نفس است و نشاط می آورد و دور میکند سستی و ماندگی و قوتها را هرگاه موجب و من آنها بخورده بارده رطوبت مفرده یا شد و مقوی دماغ و ادراک حفظ است و ذکر را زیاده میکند و موجب ذکا و عقل است و نافع است از برای ضعف کبد و ازاله یرقان سببی و استسقا می کند و گرم میگرداند مثانه و کرده را و مفتت حصاة کرده و مثانه است و مزیل نقطیر بول ساسی البول و داند آنها را محکم میگرداند و عموماً که پیش آمد باشد موجب ضرر آن است و نافع است از برای بخار و مطیب دهان و انطلاق لسان و فصاحت و صافی میگرداند صوت را و مفتت سله مضافه است و باین سبب موجب تقویت قوت شامه است و مزیل ارجاع ظهر و خاسره و حال بین و ورکین و عرق النسا و حافظه جوانی است و متع سرعت شیب میکند و دل را قوت میدهد و در کرده را زائل میگرداند و رنگ رو را نیکو میکند و ظاهر میگرداند فعل آن از برای کسیکه مداومت کند بآن گفته اند که این معجون حار است در اول درجه سیوم و خشک است در آخر درجه سیوم و نیست از برای مشایخ و مساکین سقالبه و نواحی آن و کسانی که مزاج ایشان بلغمی باشد و صاحب مزجه بسیار مبرد بهترین از این معجون ترکیبی چنانچه که جالینوس در جوامع اسکند را ندین تصویر نموده باین معنی و این معجون استیصال ماده رطوبت و بلغم میکند و حفظ ابد آن از نکابت سرما میکند و زمستان و مضر است محرورین را و صدامی آورد و محرق اخلاط است و مصلح این شیر تازه و رو شیب است و نیز سنگنجبین سازج و شربتیا زن از و مثقال تا چهار مثقال است باختلاف توفیر اسباب ورودت

شیخ الرئيس گفته که شربت ازان در مو حال مثل جوزة صغير است و بعضی اطبا گفته که شربت ازان در دود و در دود  
 دیگر از قانون شیخ الرئيس مسطور است که شربت ازان مثل جوز الطيب است و غوث آين معجون تا چهار سال باقی  
 میماند و صنعت آن به نسخه اصل ان در روم اخس و انچه در روم اخس و انچه در روم اخس و انچه در روم اخس  
 منقحی آمله منقحی حسب الصنع و بعضی شیخ طر ج هندي با بونه این اجزا اصل نسخه ان در روم اخس است که منقحی ان در روم اخس  
 بران بود و تا آنکه تصرف کرد و ان در روم اخس و بعضی شیخ طر ج هندي با بونه این اجزا اصل نسخه ان در روم اخس است که منقحی ان در روم اخس  
 تا رنج تا نکرد و دفع آن در تسکین مغص و تحلیل و ریاح اعظم و شیخ الرئيس افزوده و اجزای اصل خبث الحبل يد من برت اعظم  
 کرد و دفع از برای استسقاء و خفقان و زرد آب و دفع سلس البول و تقطیر البول و مساک منی و دفع سرعت انزال و  
 سبلان و طو بات از رجم و بعضی افزوده و ان در اجزای اصل و فو ند چینی و زراوند مد حرج و خصیة الشعاب این جمله از  
 برای زیاد شدن دفع آن از برای قوت باز و یاذتی منی و حرکت آن و بزرا نجره از برای تصفیة منی و تصفیة آن و کنگل مقشر  
 از برای مزال کرده و بسپاسه و جوز الطيب از برای خوشبو ساختن بود و ان و قطع و طو بات سائله و بالجملة اجزای اصول  
 و فروع باید مجموع مساوی باشند اجزا را گرفته بخته بعمل مصفی سه وزن ادویه سرشته و چون ما انک گفته که  
 شیخ الرئيس در قانون زیاد و نمود و زیب و بعضی شراح طعن نموده و ان بسبب آنچه در قوا علی کلیه ترکیب ذکر شده و  
 ظاهر نکرد و که داخل کردن زیب مخالف است با قواعد کلیه ترکیب بچه وجه آن مرحوم میفرماید ظن فقیران است که  
 مراد شارح شاید این باشد که این معجون چون از معالجهن کبار است باید که ششما و مایل پس مزاج گیرد و صورت نوعیة  
 ترکیبی بران فائز گردد تا خواص مذکوره بران مترتب گردد و زیب که دران داخل باشد زود فاسد میگردد و خواص مذکوره  
 ازان صادر نمیکرد و هرچنان این فیوز وجه دستی نیست و صنعت آن به نسخه شیخ الرئيس که در قرا با دین قانون ذکر شده  
 فلعلی دا و فلعلی زنجبیل دا و چینی آمله منقحی بلیله منقحی شیخ طر ج هندي زراوند مد حرج عرق با بونه حسب الصنع و  
 در نسخه دیگر مغزنا رجیل مقشر سا طریون یعنی خصیة الشعاب نیز داخل است از برای یک اوقیه نیم با بونه نیم اوقیه  
 مویز سرخ استه بیرون آورد و سه اوقیه مجموع را گرفته بخته بوزن مجموع ادویه عمل مصفی بقوام آورد و بسرشد  
 و در نسخه دیگر از قانون عمل مصفی و وزن مجموع ادویه است و در نسخه دیگر از بانه نیز داخل است بوزن يك  
 اوقیه و صاحب اختیار گفته که بعضی را زیانه نیم اوقیه افزوده و ان و بعضی از متاخران جل و اخطائی دودرم و نیم  
 در این معجون افزوده و ان و صاحب شفاء الاسقام خضرین عالی خطاب در قرا با دین خود نجاف عروق با بونه عروق  
 الصفر آورد و و شاید سهوی باشد از رویا از نسخ زیرا که هیچ جا دید و نشد و یا از تصرف او شان باشد و اصل آن است که  
 در معالجهن کبار از اجزای اصل چیزی زیاد و کم نباید کرد و در نسخه دیگر برای تصفیة با بونه کل با بونه است و سبلان و سبلان در  
 ذخیره آورده که این را چهل روز در جوک ان در پس شربت ازان یک مثقال بکار بران و ماده الحیوة به نسخه دیگر حکیم بعد باقر  
 بن حکیم صا د ان بن محمود حسینی شیرازی که در بعضی مجربات خود بخط خود قلمی نمود و صنعت آن فلعلی سیاه  
 دا و فلعلی زنجبیل دا و چینی زراوند مد حرج مغزنا رجیل مقشر از برای یک ده مثقال پوست بلیله آمله منقحی شیخ طر ج  
 هندي نیم با بونه از برای یک اوقیه کل با بونه پنج مثقال مویز سرخ منقحی سی مثقال عمل مصفی سه وزن ادویه  
 در دستور مقترحه چون سازند شربت ازان یک مثقال در نسخه دیگر آورد و که خود اکی بعد از چهل روز بقدر مازوی است و  
 در نسخه شقائی اوزان سه ادویه مساوی است الا وزن کل با بونه که پنج مثقال است و ماده الحیوة به نسخه دیگر که  
 قریب است به نسخه حکیم بعد باقر و صنعت آن فلعلی زنجبیل دا و چینی پوست بلیله کابلی آمله منقحی زراوند مد حرج شیخ طر ج هندي

هند می عرق با بونه مغز چلغوزه مغز نارنجبل از هر یک ده درم کل بابونه پنچل رم مویز طائفی دانه بیرون کرده سی درم  
 با عمل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند و در بعضی نسخه رازیانه پنچل رم داخل است و بعضی متأخرین جل و ار خطائی  
 در درم و نیم افزوده بر اصل این نسخه و بعضی پوست هلیله ده درم اضافه نمودند و بجای پوست هلیله کابلی پوست هلیله  
 زرد و وزن عمل را در چند مجموع ادویه آورده \* ماده الحیوة به نسخه این جزله \* صنعت آن فلغل سیاه دار فلغل زنجبیل  
 در ارچینی آمله منقی پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد شیطرح هند می زراوند مل حرج عرق با بونه حب الصنوبر  
 کبار از هر یک نیم اوقیه مجموع را کوفته بپخته با سه وزن ادویه عمل مصفی بدستور مقرر معجون سازند شربت برابری  
 جوزی \* ماده الحیوة که از افتراح متأخرین است \* صنعت آن فلغل سیاه دار فلغل در ارچینی از هر یک دو مثقال آمله  
 منقی هفت مثقال و نیم بلبله منقی دوازده مثقال و نیم شیطرح هند می زراوند مل حرج خصیه الثعلب مصری مغز  
 چلغوزه مقشر عرق با بونه مویز سرخ منقی از حب سی و هفت مثقال و نیم بهمن سرخ پنج مثقال مغز نارنجبل تازه مقشر  
 تخم با بونه از هر یک دوازده مثقال و نیم جل و ار خطائی مجرب غود الصلیب از هر یک یک مثقال مروارید نامخته  
 هفت مثقال عنبر اشهب دو مثقال عمل مصفی چهار صد و پنجاه مثقال بدستور مقرر معجون سازند و در نسخه فلغل داخل نیست \*  
 ماده الحیوة بنسخه دیگر \* صنعت آن فلغل سیاه دار فلغل در ارچینی پوست بلبله آمله شیطرح هند می زراوند مل حرج  
 عروق با بونه مغز چلغوزه خصیه الثعلب مصری مغز نارنجبل مقشر رازیانه از هر یک پنچل رم جل و ار خطائی مجرب دو  
 درم و نیم مویز طائفی دانه بیرون کرده سی درم عمل مصفی سه وزن ادویه بدستور مقرر معجون سازند \* مازریون  
 مغرب مازریون فارسی است و بیونانی حاملانامند نباتش بقل درخت سماق شیردار و برکش شبیه ببرک زیتون و  
 و بار بکترو قسمی را برک بار یک ورق مائل بسفیدی و بزرگ و قسمی را برک مائل بزردی و کوچک و ضخیم و قسمی سیاه  
 رنگ و شیر همه آنها در چهارم کرم و خشک و سایر اجزای آن در سیوم و زبون تری آن سیاه و آن غیر مستعمل است و سفید  
 آن بهتر از زرد و برکش مسهل قوی ماء اصغر و اقسام کرم و مواد سوداوی و بلغمی و رافع استسقای زقی و لحمی و برقان  
 وضعف کرده و طلای آن جهت بهق و برص و با عمل جهت تقیه چرک زخمها و رافع خشک ریشه آن و با موم و روغن جهت  
 جرب متقرح و با سرکه جهت ورم سحر ز مفید و مضر محرر زین و اطحال وضعیف البنیة و دود رهم غیومل بر آن کشند \*  
 و بدن تند بپیر و مصلح بغایت مضر و جگر و مقنی و مورث غم و کوب و قد رشر بتش با مصححات از شش قیوا تا نیمه و هم و  
 شیر و گیاه آن محرق و اگل و کشند و وضما د آن در برص و بهق جائز است و سبب اطلاع بر مازریون ملا احمد تهتمی در  
 تاریخ الحکماء خود چنین نوشته که از اتفاقات عجیبه آن است که مستسقی بود در بصره که جمیع اطبا از معالجه آن  
 عاجز آمده بالا اتفاق گفتند که این قابل علاج نیست چون این حکایت شنید امید از حیات خود منقطع گردانید و گفت  
 مرا بکند اربل که چند روز حیات دارم آنچه خواهم بخورم و بکرسنکی نمیرم اطبا گفتند تو هر چه میل داری بخور  
 که بعد ازین هیچ کس مانع تو نخواهد بود پس آن مرد گفت مرا بر سر کوچه بویید که آنچه خا طومن خواهد از جماعتی که  
 در کوچهها میکردند و چیزهای خوردنی و حلاوی میفروشدند بخرم و بخورم چنان کردند اتفاقا اول بار نظرا و بر شخصی  
 او فتاد که ملح بخته میفروخت طبیعت ملوئه ارمیل با آن کود از آن ملح بخته قدری با ملح تنازل نمود بعد از ساعتی  
 شروع با سهال شد و چند آن آب زرد متعفن از شکم آن مستسقی بیرون آمد که کمان هیچ احدی نبود که این مقل از  
 آب از بدن آدمی تواند بود اما بعد از آن بالکلیه از آن مرض نجات یافت چنانکه هیچ کس اورانمی توانست شناخت  
 چون این خبر باطبا نیکه ملتی در معالجه او اوقات صرف نموده از علاج او مایوس گشته دست از معالجه او برداشته

بودند رسید خیرت ایشان زیاد شد چه ملخ با لطیف قابض است نه مسهل بالاخره یکی ازان اطباء که حدس او درست  
 بساثر طبیبان دیگر قوی بود بائع ملخ را طلبید و از وی پرسید که تو این ملخ را از کجا صید کردی و چه طور زمین  
 و در آن زمین چه گیاه بود گفت من این ملخ را از جایی صید کردم که در آن موضع غمرا از مازریون هیچ درخت دیگر  
 نبود و خوراکی این ملخان همان مازریون بود پس آن طبیب چون این حکایت شنید خا طرش ازان دغ غه فارغ شد  
 چه خاصیت مازریون اسهال رطوبات رقیقه است غایتش آنکه چون قوت اسهال آن بسیا ر قوی است چنانچه اگر به وزن  
 یک گرم تنها از مازریون بشخص دهنده احتمال که آن ملخ را اسهال آورد که حبس آن ممکن نباشد و بنا بر خط و غا لکه که دارد  
 مازریون را تنها بدون مصالحات استعمال نمی نمایند و عند الضرورة با مصالحات امتزاج نمود و استعمال مینمایند  
 و اینچنین در طبع یافته یکی در شکم ملخ و دیگری در آب که ملخ فروش نموده و کسوف کیفیت آنشد و باصلاح و اعتدال آمد لهذا  
 ازان این عمل بی خطر و غائله بظهور آمده و این از الهامات جناب باری است تقدس صراطیبت را بطریق مدبرانه و در مازریون  
 آن است که بکویون برگ قسم کبیر آنرا و در شبان روز در سرکه بخیسند و در سه بار سرکه را تغیر دهند پس شسته  
 خشک کنند و نیم کوفته بروغن بادام کرده در اسهال مراد سوداوی و بلغمی تربید مدبرانه تیمون پوست هلیله زرد کل سرخ  
 رب السوس زرد کرمایی نهک هندی و در اسهال ماء اصفر ایوسا تو بال النحاس اسارون عصاره غافق افسنتین سنبل  
 الطیب مصطکی و امثال آن اضافه نمایند و شرب آن با آب عنب الغلب و آب رازیانه و خیارشنبه و اولی است \* جوارش  
 مازریون محمد بن ذکر با مستسقی و نافع \* صنعت آن مازریون مدبرانه درم ربون چینی تربید سفید مدبرانه مغسول  
 مصطکی سنبل الطیب و قی کل سرخ از هر یک در درم اجزا کوفته بخته با سه وزن ادویه آب به شیمیون بسرشدن شربتی از  
 دودرم ناسه درم \* فصل در ذکر نسخ حبوب مازریون \*

دودرم ناسه درم \* صنعت آن مازریون مدبرانه درم کل سرخ رب السوس از هر یک یک درم کوفته بخته با آب  
 عنب الغلب سرشته حب سازند و در سایه خشک نمایند شربتی از یک مثقال تاد و مثقال با آب گرم \* حب مازریون دیگر  
 استسقای بارد و نافع است \* صنعت آن مازریون مدبرانه یک نیم درم نمک هندی سرکین کبوتر از هر یک  
 دانه کی کوفته بخته حب سازند جمله یک شربت است \* حب مازریون دیگر که ازان قویتر است \* صنعت آن مازریون  
 مدبرانه درم یک نیم درم شیمیون کبوتر از هر یک ربع درم نمک هندی بزرگ اب اشق سرکین  
 کبوتر از هر یک دانه کی کوفته بخته حب سازند جمله یک شربت کامل است \* حب مازریون بنسخه حکیم صالح خان رحمه  
 الله تعالی مسهل ماء اصفر است \* صنعت آن مازریون سفید مدبرانه مثقال غاریقون هشت سفید پنج مثقال عصاره غافق  
 تخم کاسنی مغسول ربون چینی از هر یک سه مثقال تخم کوفس یک مثقال و نیم کوفته بخته سرکه انکوری پانزده مثقال سرشته  
 حب سازند \* حب مازریون مشهور برب ماء اصفر اول حتی از حبوب مرکبه که این جزیه در مینهاج ذکر کرده این اسم  
 ماء اصفر را که عبارت از استسقا است نافع است \* صنعت آن مازریون مدبرانه صبور و سقوی زرد بیج سوسن آسمان کونی که  
 ایوسا است از هر یک پنج درم ربون چینی عصاره غافق عصاره افسنتین سنبل الطیب ایوسون از هر یک دودرم کوفته  
 و بخته با آب رازیانه تازه سرشته حبوب سازند هر حبیبی بقدر ان خود شربتی نیم درم با آب کاسنی تازه \* حب مازریون  
 مشهور برب سلامه استسقا نافع باشد و قولنج بکشاید و اخلاط غلیظه و فضول بلغمیه از بدن پاک کند \* صنعت آن تربید  
 سفید ده درم حب النیل سه درم شبرم مازریون کتیرا از هر یک دودرم و نیم اجزا کوفته بخته مقل دودرم در آب کند نا  
 غیسانیله بسرشدن و حب سازند جمله یک شربت است و این همان حب مازریون بنسخه شغائی است \* حب مازریون نا

نافع بجهت استسقا \* صنعت آن مازریون مد بردودانک کثیرا تربید سفید افتمون پوست هلیله زرد ورق کل سرخ زیوه  
 کرمانی مد بردوب السوس ازهر یک یک دم نمک هند ی یک انک کوفته پیخته با آب غلب و آب رازیانه تازه سرشته  
 حب سازند \* حب مازریون دیکو آب زرد براند و استسقا را نافع باشد \* صنعت آن مازریون مد بردودانک ایوسا  
 تو بال النحاس اسارون مرصاف سکینچ کثیرا پوست هلیله زرد تخم کرفس بستانی عصاره افسنتین عصاره غافث سنبل  
 الطیب ازهر یک یک دم نمک هند ی مصطکی ازهر یک یک دانه کوفته پیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده با آب غلب  
 الشعلب و آب رازیانه تازه سرشته حب سازند \* حب مازریون دیگر نافع بجهت استسقای زقی \* صنعت آن مازریون مد برد  
 تربید سفید افتمون ازهر یک یک دم انیسون تخم کرفس پوست هلیله زرد ازهر یک نیم کوفته پیخته بکلاب سرشته  
 حب ساخته در سایه خشک نمایند شربت نیمه دم \* حب مازریون دیگر که همان نفع بخشد \* صنعت آن مازریون  
 مد برد نیمه دم رو سخته دودانک فرقیون یک دانه و نیم نمک هند ی سرکین کپو تر ازهر یک دانه حب سازند این جمله  
 ضعیف را دوشربت و قویا یک شربت بود \* حب مازریون دیگر از محمد بن ذکر یا \* صنعت آن ریوند چینی عصاره غافث  
 تخم کاسنی ازهر یک سه دم غاریقون پنجد رم مازریون مد برد چهار دم مغز بادام یک رم کثیرا دودانک حب سازند  
 شربت نیمه دم \* حب مازریون دیگر بنسخه شفائی که همین نفع بخشد \* صنعت آن تخم مازریون مد برد مغز بادام شیرین  
 مقشور ازهر یک نیمه دم شکریک و نیمه دم کوفته پیخته حب سازند جمله یک شربت کامل است و اگر بادام تلخ باشد بهتر  
 است \* حب مازریون دیگر خل اول استسقای زقی را نافع باشد \* صنعت آن ریوند چینی عصاره غافث تخم کرفس ازهر یک  
 سه دم غاریقون مازریون مد برد ازهر یک ده دم و در نسخه شفائی وزن غاریقون پنجد رم و مازریون نه دم است و  
 اگر حرارت در مزاج باشد عوض تخم کرفس تخم کاسنی نمایند اجزا کوفته پیخته حب سازند شربت یک مثقال و اگر مازریون  
 و نیز پنجد رم نمایند بیغائله است \* حب مازریون دیگر استسقای زقی را نافع است \* صنعت آن تربید سفید عصاره  
 غافث تخم کرفس ازهر یک سه مثقال غاریقون هش سفید پنجد رم مازریون مد برد نه مثقال با آب کرفس حب سازند \*  
 دواء المازریون استسقا و امراض سوداوی و بلغمی را نافع باشد \* صنعت آن مازریون مد برد یک رم زیوه کرمانی نمک  
 هند ی پوست هلیله زرد ازهر یک نیمه دم افتمون تربید سفید مد برد ازهر یک یک اوقیه کوفته پیخته شربت نیمه دم \*  
 دواء المازریون تالیف ایقراط بلغمهای غلیظ لزج و سودا را از همه اندام مافرد آورد و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را  
 نافع است و استسقا را سفید \* صنعت آن مازریون مد برد یک رم افتمون اقریطی تربید سفید تراشیده بروغن بادام  
 شیرین چرب نموده ازهر یک یک رم زیوه کرمانی نمک هند ی پوست هلیله زرد ازهر یک پنجد رم مجموع را کوفته پیخته  
 در شیشه نگاه دارند و در وقت حاجت دودرم آنرا بکار برند جیش بن الحسن گفته که قوت این دوا تا دو سال باقی میماند \*  
 روغن مازریون استسقا را نافع باشد \* صنعت آن مازریون یک چهار یک در سه من آب بجوشانند تا به نیمه آید و سه  
 اوقیه روغن بادام در آن اندازند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند شربت یک رم با شیر شتر و در نسخه المومنین  
 هموزن مازریون روغن بادام است شربت نیمه دم \* صنعت آن مازریون استسقای زقی نافع است \* صنعت آن  
 برک مازیوت یک اوقیه در ده استار سرکه و نیم من آب صاف بکهنه بخیسانند پس بجوشانند و با یکمن قند  
 سفید بغوام آورند و اگر آب سفرجل پنج اثار اضافه نمایند و عوض آب کلاب کنند بهتر است \* سفوف مازریون نافع از  
 برای استسقا \* صنعت آن کل سرخ شش دم مغز تخم خیارین تخم خرقه مقشور ازهر یک دودرم عصاره غافث افسنتین  
 ازهر یک یک رم سنبل الطیب مصطکی ازهر یک نیمه دم لك مغسول ریوند چینی بیخ سوسن ازهر یک دودرم برک

[illegible]

سازند شربت منقال \* ماسک البول نافع از برای سلس البول و بول در فراش که از حرارت باشد منقول از قرا بادین ایضاج \*  
 صنعت آن آرد بلوط پنجاه درم کند رسی درم کشنیز خشک کل ارمنی صمغ عربی ازهر یک ده درم کوفته بیخته هر صبح سه  
 درم و شام سه درم آن را بخورند و در نسخه دیگر آن است که بعسل مصفی بسروشند \* ماسک البول نافع از برای بسیاری  
 اذرا بول سلس البول و کثرت سیلان منی و ودی و منی و کثرت سیلان ارحام و رطوبت فرج و مجرب است \* صنعت آن  
 بهمن سرخ جوز بوارا سن سنبل الطیب خولنجان قرفه و ج ترکی سعل کوفی بسیار سه ازهر یک پنجم منقال جفت بلوط و  
 منقال کوفته بیخته بعسل مصفی دو وزن ادویه سرشته معجون سازند شربت منقال \* ماسک البول نافع  
 از برای سلس البول و کثرت اذرا بول و کثرت سیلان منی و ودی و منی و کثرت سیلان ارحام و رطوبت فرج را نافع است  
 بحد یک اگر باس از علاج آن حاصل شد \* باشد مفید و مجرب است \* صنعت آن کهر بای شمع بی یک منقال و چهار دانگ  
 پوست هلیله کابلی هلیله سیاه ازهر یک دو منقال این مرد و راد در روغن کار بربان کرده کات هندی دو منقال جفت بلوط قشاق  
 کند رازهر یک نیم منقال شهد انج حب الاس ازهر یک چهار منقال خصیة الثعلب مصری یک منقال کوفته بیخته با مویز  
 سرخ از دانه پاک نموده شصت منقال مویز را کوفته بکلاب بهوزن تا غلیظ گردد و دویه را کوفته بیخته با آن بسروشند  
 شربت منقال \* صنعت آن کثرت فرجه شک و درم و شربت صندل ده درم تناول نمایند \* ماسک  
 البول نافع از برای سلس البول \* صنعت آن کثرت فرجه شک و درم و شربت صندل ده درم تناول نمایند \* ماسک  
 پنجم درم عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور مقرر معجون سازند شربت منقال \* ماسک البول نافع از برای تقطیر  
 البول بل و ن حرقت \* صنعت آن کند رازد بلوط ازهر یک پنجاه درم حب الثعلب سعل کوفی مرصافی برک مورد خشک  
 خولنجان قرفه و ج ترکی ازهر یک پنجم درم کوفته بیخته بعسل سه وزن ادویه معجون سازند \* ماسک البول سیلان  
 رطوبت ارحام و سلس البول و سرعت انزال را نافع است \* صنعت آن حب الاس یک جز و لادن ربع جزری مغز استه  
 نمر هندی و در جز و کوفته بیخته هر روز شش منقال صبح رزش منقال شام بنوشند \* ماسک البول نافع است از برای سرعت  
 انزال و سیلان ارحام و سلس البول و این نسخه از اختراع آن مرحوم است \* صنعت آن کهر بای شمع بی یک منقال پوست  
 هلیله کابلی پوست هلیله سیاه مر و راد ناسته یا قوت و مانعی کات هندی شسته ورق نقره ازهر یک دو منقال جفت بلوط قشاق  
 کند رازهر یک نیم منقال بزارا لنب حب الاس مغز استه نمر هندی کزما زج ازهر یک چهار منقال عنبر اشوب یک دانگ  
 سومیائی و دانگ مومیائی و عنبر را در روغن پسته کل اخته باقی ادویه را کوفته بیخته مویز سرخ منقال عسل  
 مصفی می منقال مویز را د و کلاب یک چهار یک تبریز بچوشانند و بمانند و بجا لایند و در عسل داخل کرده بقوام آورند  
 و ادویه را با آن بسروشند شربت منقال یک منقال با شراب صندل یک ارقیه و تخم فرجه شک یک منقال و کلاب پا نزد \* منقال  
 ماسک البول نافع از برای کثرت اذرا منی و ودی و منی و سیلان ارحام و کثرت اذرا بول \* صنعت آن کهر بای شمع بی و  
 منقال پوست هلیله کابلی هلیله سیاه که این مرد و راد در روغن کار بربان کرده باشند کات هندی شسته ازهر یک دو منقال و نیم  
 شیطرج قشاق کند رعد الصلیب ازهر یک یک منقال شهد انج حب الاس ازهر یک پنج منقال خصیة الثعلب مصری  
 کشنیز خشک صندل سه یک ازهر یک یک ارقیه مویز سرخ از حب سی منقال عسل مصفی چهل و پنج منقال مویز را در  
 کلاب بیخته تا مهران شود از پارچه سطرپی بک را نند پس داخل کرده بقوام آورند پس ادویه را کوفته بیخته با آن بسروشند  
 و معجون سازند شربت منقال یک منقال \* ماسک البول که سرعت انزال و کثرت در رومی و منی و سیلان ارحام و تقطیر بول  
 را نافع است \* صنعت آن کبابه چینی فوفل دکهنی قونفل جوزا لطیف خصیة الثعلب مصری مه طکی رومی با نخوای اجزا



مساوی با عسل مصفی سه وزن تمام ادویه یک شترمقور معجون سازند شربت از یک دم تا دو دم غذا کباب مجروح با  
 موقه آن باز ده تخم مرغ نیمه بر داشت و نان \* ماسک البول که همین منفعت دارد \* صنعت آن بلوط مقشر آرد کوکنا را بر  
 ذکر از هر یک ده درم زیوه کرمانی مد بونا خوا و کروی با از هر یک پنج درم کشنیز خشک دو درم کوفته و پخته با سه وزن  
 \* مجموع ادویه عسل مصفی معجون سازند \* ماسک البول قلمی فرموده اند که از تالیف قدوة الحکما و استاد الاطبا  
 سید سند والی ما جل فقیر میر محمد مادی قدس سره است نافع از برای تقویت اعضاء رئیسه حتی انشبین و تقویت باه  
 و امساک منی و مانع سرعت انزال و مفرح و نشاط آورد \* صنعت آن مروارید ناسفته کهر بای شمعی از هر یک یک  
 مثقال بهمن سفید بهمن سرخ شقایق مصری زنجبیل کرخو لنجان تخم انجور تخم شلغم تخم خشخاش سفید از هر یک  
 دو مثقال مغز پسته مغز نارجیل مغز چاغوزه کنجد مقشر حب السمنه مغز حبه الخضر اماهی رویمان یک ماهی از هر یک  
 چهار مثقال مایه شتر اعرابی نیمه دانه ورق طلا یک دانه و نیم مغز تخم خربزه مغز تخم خیاردین از هر یک پنج مثقال  
 نارمشک نیم مثقال مغز سرکنچشک که در وقت هجده باشد هفت مثقال بزرالبنج سفید بشیرکاو خیسانین و خشک  
 کرده بیخ لافاح سعل منک که بیخ مونه است زعفران از هر یک دو دانه بیخ مونه و لافاح را با آرد نخود ده مثقال بشیرکاو  
 خمیر کرده اقراض ساخته در سایه خشک نمایند و مجموع را کوفته و پخته بمسکه کاهده مثقال چوب نموده قند سفید عسل  
 مصفی از هر یک یک مثقال شربت فواکه شیرین و شربت هلیون از هر یک بیست مثقال بقوام آورده بان بسروشند شربت یک  
 مثقال \* ماسک البول نافع از برای کثرت احتلام و سرعت انزال و کثرت رور منی و ودی و مدی و سیلان ارحام و کثرت رطوبت  
 فرج \* صنعت آن کل نیلوفر خرنوب شامی قشار کند رجفت بلوط پودنه قرنفل پوست هلیله کابلی پوست بلبله آمله منقح اخرو می  
 سلاب یا بس کلنا فارسی کاو زبان شو نیز کشنیز خشک طرائف شیبین زعفران ورق طلا ورق نقره از هر یک دو مثقال آرد بلوط زیوه  
 کرمانی در سرکه انکور خیسانین و خشک کرده بریان نموده عود مندی از هر یک سه مثقال کل سرخ منزع الاقماع خشخاش  
 مصطکی رومی از هر یک پنج مثقال سندل سفید مروارید ناسفته کل مختوم از هر یک چهار مثقال منبر اشهب یک مثقال  
 ادویه را کوفته پخته بشاراب فواکه ترش و عسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند شربت یک مثقال \* ماسک البول  
 که در تحفه المومنین در معاجین مذکور است جهت سانس البول و نفقیر آن نافع و مجرب است \* صنعت آن بلوط  
 مقشر مغز پسته ده درم حرف تخم سندل اب از هر یک یک درم کند رجب الاتس جوز بوا بسپاسه قرنفل امایلیج اسود از هر یک  
 دو درم سعل کوفی شونیز هیل بوا از هر یک سه درم انجیر خشک پنج درم با عسل بسروشند شربت از سه مثقال تا پنج مثقال \*  
 ماسک البول که در شفا در معاجین آورده از برای بول را نافع باشد و سیلان منی باز دارد و خاصه بیوان را \* صنعت آن اقا قبا  
 کلنا از هر یک سه درم سندل این عسل سرخ قصب اندر و تخم حماض صمغ عربی طباشیر سفید از هر یک در درم تخم موی  
 دو مثقال کند یک درم کوفته پخته با عسل مقوم بکلاب بسروشند شربت پنج درم غذا مرغ بریان کرده باقلیه یا چلاوکه  
 بهمنی خشکه نامنل تناول نمایند \* ماسک المنی امساک منی نمایند \* صنعت آن کهر بای شمعی قشار کند رجفت بلوط  
 مصطکی از هر یک دو درم پوست هلیله کابلی هلیله سیاه از هر یک چهار درم شاهل انه حب الاتس از هر یک هشت درم سندل سرخ  
 نیم مثقال ورق نقره یک مثقال مویز منقح نه مثقال مویز را در کلاب خیسانین و مایه صاف نموده قند یا نبات بقدر  
 احتیاج با آن بقوام آورند ز ادویه را کوفته و پخته با آن بسروشند \* ماش بفتح میم و الغار شین معجونه میخ و نیز انجیر  
 معجونه عربی نام حبیبی است از محبوب معروفه ما کوله که بفارسی نیز ماش بهندی بمونک مشهور است و آن حبیبی است  
 من و زینک طولانی سبز تیره و مائل بسپاهی و سبز تیره و زرد نیز میباشد و بهترین آن سبز مائل بسپاهی و بعد از آن زرد است در

در درجه اول سرد و شیع رئیس فرموده که سردی آن کمتر از عدس است و مقشر آن معتدل در تری و خشکی و غیر مقشور آن مائل بخشکی و اصل حبوب با کوله است و قوت آن تا سه سال باقی میماند و لطیف تر از عدس و صالح تر حبوب است و نفع آن کمتر از سایر حبوب و لیکن در بر منجد و میگرد و خصوصا مقشر آن بسبب نرمی و کمی جلاهای آن و غیر مقشر آن سوریع الا نحل از تر و صالح الکیموس و مولد خلط نیکو و از اغذیه تابستانی و بهار و بلبلان حاره و محرو را المزاج و صاحبان تب حار و تسکین حرارت و التهاب صفرا و موافق کوده و مقوی عصب و اعضا و قوت با صره و سرفه و درد سر و ورم لثه و نزلات است و گویند مقل و مضعف باه و دندان است و از خواص آن است که با وجود برودت تحریر یک سود او چند نمیکنند و نیز خاصیت آن است که هم از جهت تلطین طبیعت و هم از جهت قبض نافع است اما هرگاه اراده تلطین طبیعت باشد باید که طبع نمایند مقشر آنرا با ماء القوطم و روغن بادام شیرین و از برای اصحاب حمات صفراویه بابرک خرقه و کاه و سرمق و جو مقشر نیم کوفته و تناول نمایند هرگاه مقصود قبض طبیعت و تسکین حرارت و شکستن حلت صفا باشد غیر مقشر آنرا بریان نموده طبع نمایند یا در آب جوشانده آب آنرا ریخته باز طبع نمایند تا بخته گردد یا با آب حماض یا آب انار ترش فشرده یا شحم آن و یا با سماق و زیت رگابی و اگر زیت خوش نیاید عوض آن روغن بادام شیرین نمایند و تناول کنند ماش مبرد المزاج و پیران و کسانی که در معدة آنها نفخ و ریاخ باشد خصوص مقشر آن موافق طبیعت و مصلح آن در مبرودین جوارش کمونی و خردل و مصطکی رومی است و در محرو و رین طبع آن در ماء القوطم و حسو صنف از ماش مقشر نافع است نزلات حاره را و ضما و مطبوخ آن با سرکه در حمام جهت جرب متفروح و با آب مورد بر اعضا مسترخیه باعث تقویت و مسکن درد آن و بر اعضا کوفته شده و جلا شده مطبوخ آن با طلا که نوعی از شراب انگوری است و یا با شراب مطبوخ باز هفران مغین است و بل آنکه حبیبی که در بلاد هند بهم میرسد آن را ماش میگویند و آن است که در بلاد دیگر مشهور و ماش است زیرا که دانههای آن بزرگ تر است از ماش ما و ف که مونک است و اشتها کرده کسی که گفته که آن حب القل است زیرا که حب القل را بهندی گفته اند نامند و آنرا بهندی ارد بضم الف سکون دارد ال مهملتین و به بنگالی کلانی به فتح کاف نامند بسیار نفخ بطی الهضم لها بد اراست لهذا امیهی و منعظ است و برا از اهل بهندی به نفخ بطی الهضم مبرود المزاج را صنعت آن بکیرن ماش یعنی مونک غیر مقشر را در آب بخیسانند و مقشر نمایند و بر روی سنگ نرم بسایند و نمک و پیاز و زنجبیل تازه که بهندی اد رنگ نامند خورد نموده فلغل قریفل در ارچینی دانند هیل کوبیک و زیره که کوفته از هر یک بقل ری ها جفت داخل کرده خوب در هم بسروشند و قرصها بمقل ار کف است و بچشم یک انگشت و کمتر از آن ساخته در روغن بریان نمایند و در ماست یا قرشی دیکری چاشنی یا چاشنی دار هر کدام که خواهند انداخته یا بیترشی همین قسم ساخته بخورند و اکثر با ماست میسازند و از ماش هندی نیز تر تیب میل هندی و بعضی قلیلی حلتیت نیز داخل میکنند برای کسور نفع آن خصوص در آنکه از ماش هندی ساخته باشند و اگر اولا قرصهای برار ساخته نمک و پیاز و غیره از مصالح مذکوره و ابران بپاشند و از دست بران بچسبانند بهتر و لذت تر میکند و بری نیز از اغذیه مصنوعه اهل هند است لذین سوریع الهضم کثیر الف است و از برای مرضی و اصحاب نیکو غل ائی است و صنعت آن بکیرن مونک یا ماش هندی که آرد نیز نامند هر کدام که خواهند و بل ستور در آب بخیسانند و مقشر نمایند و بر روی سنگ صلا به نرم بسایند تا مثل خمیر گردد پس قل ری فلغل سیاه و زیره کرمانی کوبیده و مزوج نمایند و بهیام کواچک بمقل ار فندقی سازند و بعضی درین قل ری قلیل حلتیت منتن که بفارسی آنکز د و انگوزه و بهندی هینک نامند برای دفع نفخ آن داخل مینمایند خصوص در مصوع از ماش هندی که بسیار نفخ است و بر کرباس پاکیزه بهن کوده

خشک نمایند و عند الحاجة بقدر ضرورت از آن گرفته با روغن و پیاز بریان کرده در آب خالص با نمک یا آب گوشت با نمک یا در قلیه یا در پیازه طبع نمایند و اگر در آب خالص یا آب گوشت طبع نمایند و عند الطبع قل را پیاز حلقه کرده در روغن بریان نموده و چند دانه هیل و قرنفل و دارچینی و فلفل همه درست یا کوبیده و زنجبیل تازه ریزه ریزه کرده و چند برگ ساذج هند که بهندی تیز پاست کوبند هر برگی را یک قطعه نموده داخل نمایند و بعد از طبع بکهار داد و بکهارا منادج را برآورده تناول نمایند و معنی بکهار در دال خواهد آمد انشاء الله تعالی \* بری کشمیری بسیار نازک و لذیذ میباشد \* صنعت آن آرد ماش مقشر پیاز سیر خشک از هر یک یک آثار نمک سه چها نیک پیاز و سیر را مقشر کرده نرم بکوبند و با آرد ماش و نمک خمیر کرده سر آنرا پوشید و بکن آرند تا بر آید و ما ئل به ترشی شود پس کشتن خشک بوداده پا و آرد زیره سفید زیره سیاه کرمانی فلفل سیاه از هر یک نیم پاونرم کوفته با آن سرشته اقرص سازند و یک بوزن نیم پا و در وسط آن سوراخ کرده در آفتاب خشک نمایند و اگر قل ری زعفران سوده نیز اضافه نمایند بهتر است و عند الحاجة بطریق مسطور و طبع نموده استعمال نمایند \* پا پر با صلاح اهل هند نان نازک کوچک بقدر شیری و از آن زیاده را کوبند و از آرد مونک مقشر یا آرد ماش هند یا مقشر سازند و لیکن آنچه از ماش هند یا سازند نفاخ و دیو هم است و این نیز اقضا یع اهل هند است \* صنعت آن بکیرن آرد مونک مقشر یا ماش مقشر هر یک ام که خواهند و خمیر کرده نمک کهار و مصالح حار را از زیره و قرنفل و دارچینی و دانه هیل نرم ساییده داخل نمایند و همه را یکجا سرشته بر روی تخته قسمی که نان تنگ مید کنند مرا بهن میکنند پهن نموده و تخته را بر روغن کا و تازه داغ نموده قل را چرب نمایند تا بران نچسبد پس در سایه خشک کنند عند الحاجة بر آتش بریان کرده بخورند بسیار لذیذ میباشد و بعضی درین قل را فلفل حلتیمت برای رفع نفخ آن نیز داخل نمایند و بعضی بجهت زیادتی لذت در روغن بریان کرده بخورند \* بهندی بفا رسی اسم ماش غیر مقشر در آب بخند بقدر حاجت نمک داخل کرده بدن گوشت و روغن و پیاز و مصالح حار است جهت مرضی زیرا که بفا رسی بهت بمعنی حار است و تنها است و شاید ما بخور از جهت عری باشد و عند الحاجة برای تبرید چند قاشق ک و شیرین با برگ خرفه یا اسفناج و امثال اینها نیز داخل مینمایند و کاهی قل ری روغن بادام تازه یا روغن کا و تازه نیز و اگر ماش درست یعنی مونک غیر مقشر در آب و نمک طبع نموده با روغن و پیاز حلقه کرده بریان نمایند و مصالحه حار و ما ئل فلفل سیاه کوبیده و قرنفل و دارچینی و هیل و زیره داخل نمایند برای اصحاب نیکوغل اذی است و از محبوب دیگر مثل لوبیا و عدس و نخود و غیره را نیز بدین قسم ترتیب میدهند جهت مرضی و اصحاب نیز \* دال مربع الهضم صالح الکیوموس است مخصوص غموم مقشر آن در بعضی امزجه و این نیز از غلیظه مصنوعه اهل هند است \* صنعت آن بکیرن مونک مقشر و شسته در آب به پزند و به پشت کفچه یا غیر آن دانه های آنرا داخل نمایند و قل ری زردچوبه نرم سائید و با زعفران سائید و داخل نمایند و بعد از طبع با روغن و پیاز بریان نمایند که آب داخل کرده باشد با روغن و پیاز بریان نمایند پس آب داخل کرده طبع نمایند بهتر است و اهل هند بعد از طبع روغن و پیاز را در یکچه علایق داغ کرده گرم ماش و با مونک مقشر بخند نرم کرده در آن میوزند و بهمین قسم مراتبه دیگر روغن را در یکچه دیگر داغ کرده در میان آن در سه دانه سوزن اخفه بهمان قسم کوما گرم در آن میوزند و مرتبه ثالثه روغن را داغ کرده در میان آن چند دانه قرنفل و دانه اخفه بهمان دستور و مرتبه رابعه با چند دانه هیل و مرتبه خامسه با دارچینی و مرتبه سادسه با چند دانه زیره کوبیده بریان که در هر مرتبه روغن چنان گرم باشد که وقت ریختن صدای جوش از آن برآید و این را بهندی بکهار نامند و قلیه زرد پیازه را نیز بدین قسم بکهار میدهند و برای مرضی دیگر ایشان را تنفر از غل با شدن و روغن و گوشت

هندی عرق با بونه مغز چلغوزه مغز نارچیل از هر یک ده درم کل با بونه پنج درم مویر طائی دانه بیرون کرده سی درم  
 با عسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند و در بعضی نسخه رازیانه پنج درم داخل است و بعضی متأخرین جل و ارخطائی  
 در درم و نیم افزوده بر اصل این نسخه و بعضی پوست هلیله ده درم اضافه نموده و بجای پوست هلیله کابلی پوست هلیله  
 زرد و وزن عسل راد و چند مجموع ادویه آورده ماده الحیوة به نسخه ابن جزله صنعت آن فلفل سیاه دار فلفل زنجبیل  
 دارچینی آمله منقی پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد شیطر ج هندی زراوند مل خرج عرق با بونه حب الصنوبر  
 کبار از هر یک نیم اوقیه مجموع را کوفته بپخته با سه وزن ادویه عسل مصفی یک ستور معجون سازند شربت بر این  
 جوزی ماده الحیوة که از افتراح متأخرین است صنعت آن فلفل سیاه دار فلفل دارچینی از هر یک دو مثقال آمله  
 منقی هفت مثقال و نیم بلبله منقی دوازده مثقال و نیم شیطر ج هندی زراوند مل خرج خصیة الثعلب مصری مغز  
 چلغوزه مقشر عرق با بونه مویر سرخ منقی از حب سی و هفت مثقال و نیم بهمن سرخ پنج مثقال مغز نارچیل تازه مقشر  
 تخم با بونه از هر یک دوازده مثقال و نیم جل و ارخطائی مجرب عود الصلیب از هر یک یک مثقال مروارید ناسفته  
 هفت مثقال عنبر اشهب دو مثقال عسل مصفی چهار صل و پنجاه مثقال یک ستور معجون سازند و در نسخه فلفل داخل نیست  
 ماده الحیوة بنسخه دیگر صنعت آن فلفل سیاه دار فلفل دارچینی پوست بلبله آمله شیطر ج هندی زراوند مل خرج  
 عروق با بونه مغز چلغوزه خصیة الثعلب مصری مغز نارچیل مقشر رازیانه از هر یک پنج درم جل و ارخطائی مجرب دو  
 درم و نیم مویر طائی دانه بیرون کرده سی درم عسل مصفی سه وزن ادویه یک ستور معجون سازند ما زریون  
 معرب ما زریون فارسی است و بیونانی هاملانامند نباتش بقدرخت سماق شیردار و برکش شبیه بزرگ زیتون و  
 و با ریختن و قسمی را بزرگ و رقیق مائل بسفید و بزرگ و قسمی را بزرگ مائل بزرده و کوچک و ضخیم و قسمی سیاه  
 رنگ و شیوه آنها در چهارم کرم و خشک و سایر اجزای آن در سیوم و زبون ترین آن سیاه و آن غیر مستعمل است و سفید  
 آن بهتر از زرد و برکش مسهل قوی ماء اصفر و اسام کرم و مواد سوداوی و بلغمی و رافع استسقای زقی و لجمی و برقان  
 و ضعف کرده و طلای آن جهت بهق و برص و با عسل جهت تنقیه چرک زخمها و رافع خشک ریشه آن و با موم و روغن جهت  
 جرب متقرح و با سرکه جهت ورم سپرز مغیل و مضر و زردین و اطفال و ضعیف لبنیه و دود رهم غیر مل بر آن کشند  
 و بون ند بیرو و مصلح بغایت مضر جگر و مغنی و مورث غم و کرب و قد شر بتشی با مصلحات از شش قیوا طائنا نیم در هم و  
 شیرکیا و آن محرق و کال و کشند و ضماد آن در برص و بهق جائز است و سبب اطلاع بر ما زریون ملا احمد تهتهی در  
 تاریخ الحکماء خود چنین نوشته که از اتفاقات عجیبه آن است که مستسقی بود در بصره که جمیع اطباء از معالجه آن  
 عاجز آمده بالا اتفاق گفتند که این قابل علاج نیست چون این حکایت شنید امید از حیات خود منقطع گردانید و گفت  
 مرا بکناری که چند روز حیات دارم آنچه خواهم بخورم و بکس سبکی نه میرم اطباء گفتند تو هر چه میل داری بخور  
 که بعد ازین هیچ کس مانع تو نخواهد بود پس آن مرد گفت مرا بر سر کوچه برید که آنچه خاطر من خواهد از جمانعتی که  
 در کوچهها میگردند و چیزهای خوردنی و حلاوی میفروشند بخورم و بخورم چنان کردند اتفاقا اول بار نظار و بر شخصی  
 افتاد که ملخ بپخته میفروخت طبیعت مله او میل با آن کرد از آن ملخ بپخته قدری با ملخ تنازل نمود بعد از ساعتی  
 شروع با سهال شد و چند آن آب زرد متعفن از شکم آن مستسقی بیرون آمد که گمان هیچ احدی نبود که این مقلد از  
 آب از بدن آدمی تواند بود اما بعد از آن بالکلیه از آن مرض نجات یافت چنانکه هیچ کس وادامی توانست شناخت  
 چون این خبر باطباء دیگر مله تی در معالجه او اوقات صرف نموده از علاج او مایوس گشته دست از معالجه او برداشته

بود نک و صید حیوت ایشان زیاد شد چه مانع با لطیف قابض است نه مسهل بالاخره یکی از ان اطباء که حل من اول نسبت  
بساثر طبیبان دیگر قوی بود بائع مانع را طالبید و از وی پرسید که تو این مانع را از کجا صید کردی و چه طور زمینگی بود  
و در آن زمین چه گیاه بود گفت من این مانع را از جانی صید کردم که در آن موضع غور از مازریون هیچ درخت دیگر  
نبود و خوراکی این ملحان همان مازریون بود پس آن طبیب چون این حکایت شنید خاطرش از آن دغل غه فارغ شد  
چه خاصیت مازریون اسهال و طو بات رقیقه است غایتش آنکه چون قوت اسهال آن بسیار قوی است چنانچه اگر به وزن  
یک گرم تنها از مازریون شخص دهنده بحتمل که آنمقل از اسهال آورد که حبس آن ممکن نباشد و بنا بر خطر و غائله که دارد  
ما زریون را تنها بولون مصلحات استعمال نمی نمایند و عند الضرورة با مصلحات امتزاج نمود و استعمال مینمایند  
و اینجا دو طبع یافته یکی دشکم مانع و دیگری در آب که مانع فروش نمود و و کس و کیفیت آنشد و با صلاح و اعتدال آمد و لهذا  
از آن عمل بی خطر و غائله بظهور آمد و این از الهامات جناب باری است تقدس مرطبیعت را طریق مد بر نمودن مازریون  
آن است که بکیریک بزرگ قسم کبیر آنرا و د و شبانروز در سرکه بخیسند و در سرکه را تغیر دهند پس شسته  
خشک کنند و نیم کوفته بروغن بادام کوده در اسهال مواد سرداوی و بلغمی تربل مد بر افتیم چون پوست هلیله زرد کل سرخ  
رب السوس زرد کومانی نمک هند و در اسهال ماء اصفر ایوسا تو بال النحاس اسارون عصاره غافث افسنتین سنبل  
الطیب مصطکی و امثال آن اضافه نمایند و شرب آن با آب عنب الثعلب و آب زریانه و خیارشنبو اولی است جوارش  
ما زریون محمد بن ذکریا مستسقی را نافع است صنعت آن مازریون مد بر چهار درم زریون چینی تربل سفید مد بزرگ مغمول  
مصطکی سنبل الطیب ورق کل سرخ زهر یک دو درم اجزا کوفته بخیخته با سه وزن ادویه آب به شیرین بر سرشند شربتی از  
دو درم ناسه درم

### فصل در ذکر نسخ حبوب مازریون \*

حب مازریون

استسقای زقی را نافع بود \* صنعت آن مازریون مد بر دو درم کل سرخ رب السوس زهر یک یک درم کوفته بخیخته با آب  
عنب الثعلب سرشته حب سازند و در سایه خشک نمایند شربتی از یک مثقال نادر و مثقال با آب کرم \* حب مازریون دیگر  
استسقای بارد را نافع است \* صنعت آن مازریون مد بر یک نیم درم نمک هند و سرکین کبیر از زهر یک  
د لکی کوفته بخیخته حب سازند جمله یک شربت است \* حب مازریون دیگر که از آن قویتر است \* صنعت آن مازریون  
مد بر نیم درم سرکین یک درم شمع محرق گشت درم دوفیون کتیرا زهر یک ربع درم نمک هند و بزرگ سد اب اشق سرکین  
کبیر از زهر یک د لکی کوفته بخیخته حب سازند جمله یک شربت کامل است \* حب مازریون بنسخه حکیم صالحی سفان رحمد  
الله دعالی مسهل ماء اصفر است \* صنعت آن مازریون سفید مد بر دو مثقال غار بقون هس سفید پنج مثقال عصاره غافث  
تخم کسینی مقشور زریون چینی زهر یک مد مثقال تخم کوفس یک مثقال و نیم کوفته بخیخته بزرگ انگوری پانزده مثقال سرشته  
حب سازند \* حب مازریون مشهور بحب مای اصفر اول حتی از حبوب مرکبه که این جزیه درمنهاج ذکر کرده این اسفا  
مای اصفر را که عبارت از استسقا است نافع است \* صنعت آن مازریون مد بر صبر سقوطی زرد بیج سورسن آسمان کونی که  
ایوسا است زهر یک پنج درم لک زریون چینی عصاره غافث افسنتین سنبل الطیب انیسون زهر یک دو درم کوفته  
و بخیخته با آب زریانه تازه سرشته حبوب سازند هر حبی بقدر خودی شربت نیم درم با آب کاسنی تازه \* حب مازریون  
مشهور بحب سلامه استسقا را نافع باشد و قولنج بکشاید و اخلاط غلیظه و فضول بلغمیه از بدن پاک کند \* صنعت آن تربل  
سفید دو درم حب انیل سه درم شیموم مازریون کتیرا زهر یک دو درم و نیم اجزا کوفته بخیخته مقل دو درم در آب کدل نا  
خیمه انیل و بر سرشند و حب سازند جمله یک شربت است و این همان حب مازریون بنسخه شفائی است \* حب مازریون نا

نافع بجهت استسقا \* صنعت آن مازریون مد بود داندک کتیرا تربید سفید افتیمون پوست هلیله زرد ورق کل سرخ زیره  
 کرمانی مد بررب السوس ازهر یک یکد رم نمک هند ی یکد انک کوفته بیخته با آب عنب الثعلب و آب رازیانه تازه سرشته  
 حب سازند \* حب مازریون دیکر آب زرد براند و استسقارا نافع باشد \* صنعت آن مازریون مد بود داندک ابرسا  
 توبال النحاس اسارون مرصاف سکبینج کتیرا پوست هلیله زرد تخم کرفس بستانی عصاره افسنتین عصاره غافث سنبل  
 الطیب ازهر یک یکد درم نمک هند ی مصطکی ازهر یک یکد داندک کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده با آب عنب  
 الثعلب و آب رازیانه تازه سرشته حب سازند \* حب مازریون دیکر نافع بجهت استسقای زقی \* صنعت آن مازریون مد بود  
 تربید سفید افتیمون ازهر یک یکد رم انیسون تخم کرفس پوست هلیله زرد ازهر یک نیمد درم کوفته بیخته بکلاب سرشته  
 حب ساخته در سایه خشک نمایند شربت نیمد رم \* حب مازریون دیکر که همان نفع بخشد \* صنعت آن مازریون  
 مد بود نیمد رم رو سخته دوداندک فریون یکد داندک و نیمد نمک هند ی سرکین کبر تر ازهر یک حب سازند این جمله  
 غصیف را دوشربت و قویرا یک شربت بود \* حب مازریون دیکر از محمد بن ذکریا \* صنعت آن ریوند چینی عصاره غافث  
 تخم کاسنی ازهر یک سه درم غاریقون پنچل رم مازریون مد بود چهار درم مغز بادام یکد رم کتیرا دوداندک حب سازند  
 شربت نیمد درم \* حب مازریون دیکر بنسخه شغائی که همین نفع بخشد \* صنعت آن تخم مازریون مد بود مغز بادام شیرین  
 مقشر ازهر یک نیمد درم شکر یک و نیمد رم کوفته بیخته حب سازند جمله یک شربت کامل است و اگر بادام تلخ باشد بهتر  
 است \* حب مازریون دیکر خل اوند استسقای زقی را نافع باشد \* صنعت آن ریوند چینی عصاره غافث تخم کرفس ازهر یک  
 سه درم غاریقون مازریون مد بود ازهر یک ده درم و در نسخه شغائی وزن غاریقون پنچل رم و مازریون نه درم است و  
 اگر حرارت در مزاج باشد عوض تخم کرفس تخم کاسنی نمایند اجزا کوفته بیخته حب سازند شربت یک مثقال و اگر مازریون  
 را نیز پنچل رم نمایند بیغائله است \* حب مازریون دیکر استسقای زقی را نافع است \* صنعت آن تربید سفید عصاره  
 غافث تخم کرفس ازهر یک سه مثقال غاریقون هشت سفید پنچل رم مازریون مد بود نه مثقال با آب کرفس حب سازند \*  
 دواء المازریون استسقا و امراض سوداوی و بلغمی را نافع باشد \* صنعت آن مازریون مد بود زیره کرمانی نمک  
 هند ی پوست هلیله زرد ازهر یک نیمد درم افتیمون تربید سفید مد بود ازهر یک یک اوقیه کوفته بیخته شربت نیمد درم \*  
 دواء المازریون تالیف ایقراط بلغمهای غلیظ لزج و سودا را از همه اندام ها فرود آورد و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را  
 نافع است و استسقارا مفید \* صنعت آن مازریون مد بود یکد رم افتیمون اقریطی تربید سفید تراشید بروغن بادام  
 شیرین چرب نموده ازهر یک یکد رم زیره کرمانی نمک هند ی پوست هلیله زرد ازهر یک پنچل رم مجموع را کوفته بیخته  
 در شیشه نگاه دارند و در وقت حاجت دودرم آنرا بکار برند جیش بن الحسن گفته که قوت این دوا تا دو سال باقی میماند \*  
 روغن مازریون استسقارا نافع باشد \* صنعت آن مازریون یک چهار یک درسه من آب بجوشانند تا به نیمه آید و سه  
 اوقیه روغن بادام در آن اندازند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند شربت نیمد درم با شیر شتر و در تحفه المومنین  
 هموزن مازریون روغن بادام است شربت نیمد درم گفته \* سکنجبین مازریون استسقای زقی را نافع است \* صنعت آن  
 برک مازریون یک اوقیه درده استار سوکه و نیمد من آب صاف یک هفته بخیسانند پس بجوشانند و صاف کنند و با یکمن قند  
 سفید بقوام آورند و اگر آب سفرجل پنج اثار اضافه نمایند و عوض آب کلاب کنند بهتر است \* سفوف مازریون نافع از  
 برای استسقا \* صنعت آن کل سرخ شش درم مغز تخم خیارین تخم خرفه مقشر ازهر یک دودرم عصاره غافث افسنتین  
 ازهر یک یکد رم سنبل الطیب مصطکی ازهر یک نیمد درم لك مغسول ریوند چینی بیخ سوسن ازهر یک دودرم برک

مازریون مل برده درم زعفران یکم دم رازیانه یکم درم ونیم شربت سی درم باشد مشغال شربت بزور سرشته بنوشند \*

قرص مازریون غیب غیر خالص و حمیات مرکبه و سوء القنیه و استسقا را زمانی که در سرد و خشکی و هان و تشنگی و خشکی طبع باشد سود دارد \* صنعت آن بکیرن مازریون مل بر آرد جو پوست هلیله زرد شکر طبرزد اجزا مساوی کوفته پیخته بدستور مقرر اقراص سازند شربت یکه مشغال با جلاب یا شراب بنفشه بیاشا منل \* قرص مازریون در استسقا ماکرم و اخراج ماء اصغر و در حمیات مرکبه چون استعمال نمایند اخراج صفرا و بلغم نماید و سد و بکشی یل \* صنعت آن تخم کاسنی ده درم بزرک مازریون مل برود درم غاریقون هشت سفید کل سرخ منزع الاقماع مغز تخم خیار عصاره غافث ازهر یک در درم ونیم و در قرابادین قدری مازریون و غاریقون و عصاره غافث ازهر یک یکم درم و چهار دانگ آورده و باقی بوا بر است ادویه کوفته پیخته جمله را ده قرص سازند شربت یکه قرص تادو قرص بآب کاسنی تازه و شراب ورد مکرر و شراب پوست بید کاسنی بیاشامند \* قرص مازریون استعمال کرده میشود در استسقای سرد بجهت اخراج ماء اصغر و در حمیات بارده از برای اخراج بلغم و مفتح سد های بارده است \* صنعت آن بکیرن ورق مازریون مل بر یک جزو ملخ منل ذرق الیمام ازهر یک نیم جزو مجموع را کوفته پیخته بدستور مقرر اقراص سازند شربت یکه مشغال \* قرص مازریون اخراج ماء اصغر بقوت کند و حمیات مرکبه و علل کبد را نافع است و این قرص را در هفته یک مرتبه بخوراند مرکبه دانند که قوت وفا میکند \* صنعت آن ریون خطائی عصاره غافث تخم کاسنی ازهر یک سه درم غاریقون هشت سفید پیچله نرم تخم کرفس یکم درم ونیم ذرق مازریون مل برده درم مجموع را کوفته با آب خالص سرشته اقراص سازند شربت یکه مشغال تادو درم بآب کاسنی تازه بنوشند \* قرص مازریون از بیاض مجرب یا بامید با قر حکیم یا شی و ل حکیم عا داندین محمود \* صنعت آن تخم کاسنی ده درم عصاره غافث تخم مازریون یا بزرک مازریون مل بر غاریقون ازهر یک یکم درم و نل درمی مغز تخم خیار کل سرخ منزع الاقماع ازهر یک دودرم و نصف درمی کوفته و پیخته اقراص سازند \* معجون مازریون آب زرد بواند و استسقای ذقی را بغایت نافع است \* صنعت آن مازریون مل برود درم هلیله زرد ازهر یک ده درم پوست بلبله دودرم آمله زنجبیل ازهر یک چهار درم فلفل سیاه و پنجه درم کوفته پیخته بعسل کف کوفته سه وزن ادویه بسرشته و یک مشغال آن را با شیر شتر بنوشند و اگر بلغم شیر شتر استعمال نمایند شربت سی درم درم و ذوقا بدین قدری مازریون یکس و قیه است \* معجون مازریون دیگوشه و معجون ماء اصغر \* صنعت آن مازریون مل بر تریک مل بر پوست هلیله زرد فلفل سیاه ازهر یک پنجه درم پوست بلبله دودرم آمله زنجبیل ازهر یک چهار درم کوفته پیخته بعسل مصفی بسرشته و بدستور منسقه قبل استعمال نمایند \* معجون مازریون دیگر که با شیر شتر بیاشامند \* صنعت آن مازریون مل بر پوست مشغال پوست هلیله زرد تریک سفید مل بر ازهر یک ده مشغال پوست آمله زنجبیل ازهر یک سه مشغال پوست بلبله یک مشغال و سه ربع مشغال فلفل سیاه سه مشغال ادویه کوفته پیخته با سه وزن ادویه بعسل کف کوفته بسرشته شربت یکه مشغال تادو مشغال با شیر شتر بیاشامند \*

### فصل در بیان نسج ماسک البول و المنی \*

ماسک البول که سیل اسمعیل درخ خیره در تقطیر البول ذکر کرده \* صنعت آن پوست هلیله کابلی شک الماسک ازهر یک پنجه درم و صاف چند بیل ستر ازهر یک یک درم کبریا می سهل کوفی ازهر یک دودرم ونیم کند و حب المحاب ازهر یک ده درم ادویه کوفته و پیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه بسرشته شربت یکه مشغال \* ماسک البول که همین منفعت دارد \* صنعت آن پوست هلیله کابلی پوست بلبله آمله منقی بریان کرده ازهر یک هفت درم قشاقند و پنجه درم حب الاس ده درم ونیم کوفته با آب آهنگر آن چند مرتبه بخوراند و خشک نمایند و با شربت مورد سه وزن ادویه معجون سا



گوشت نتوان داد و خواهند که غده ای ایشان از دال باشد و یا آش خوشبو و بی روغن و بی مصالح باشد بد ستور ترتیب مذکور هر مرتبه روغن را با یکی از حوائج ابازیر من کوره جد اخل داغ کرده روغن را بالتام با مصالح از دیک بر آورده بلکه پارچه کویاس سبیل نازک پاکیزه را بملاصحت در دیک بمالند که اندک دهنیت از دیک برداشته شود ولیکن را نخته آن باقی باشد پس بد ستور آنرا مکرر در آن بویزند بسیار خوشبو و لذیذی روغن مصالح میشود و نیز برای مرضی زرد چوبه و زعفران و ابازیر چاره اخل نه نمایند و اگر داخل نمایند باید که قدر قلبی باشد و از ماش هندی و عدس و نخود و تور که بهندی اهر نامند و غیر هانیز بدین قسم دال ترتیب میدهند و برای اصحاب زیادتی دالت با آب گوشت موقت و یا ماش مقشر درست را و یا غیر مقشر را با آب خالص و آب گوشت کمی آن مقل آرکه بدین پخته شود و در انهای آن درست بمالند و حل نکرد پخته پس با روغن و پیاز خوب بریان نموده در ظرفی کوزه بامسکه تازه یا روغن طیب تازه بانان یا چلا و یا خالص به تنهایی تناول نمایند و اینرا دال بنجاری نامند و آنچه از مونت و ماش و یا عدس و یا نخود و یا لوبیا و یا تور غیر مقشر ترتیب دهند از غیر آنکه آنرا بریان نمایند و یا کم بریان نمایند آنرا بهندی که تنگی گویند و لغظ دال بهندی بمعنی حب مقشر است هر چه بیکه باشد مغز آن دوحصه شده باشد و دهنکار دال مهمله و خغای ها و زون و کاف فارسی و رای مهمله آن را گویند که بعد تیاری دال بنجاری و بهوت باد نجان و غیرها بهمان قسم که در دیک است در پیاله کوچکی قدر روغن داغ کرده که گرمی بسیارند آشته باشد نموده آن پیاله را در میان آن دیک میکند از دال و در میان آن پیاله یک دوعده اخلر آتش دفعه انداخته بجلای تمام سرد یک را می پوشانند که دود آن در دیک و آن چیز بهیچل و بیرون نرود و یک دو مرتبه چنین میکنند را نخته خاصی بهم میرسانند \* منکوجهی سریع الهضم صالح الکیموس متوسط الغل است و نیکو است از برای مرضی و اصحاب درد \* صنعت آن بکیرند مونت غیر مقشر را در آب بنجیسانند و مقشر نمایند و بر روی سنگ نرم بسایند تا مانند خمیر گردد پس قدری زیره و نمک و فلفل کو بید داخل کرده حبهای کوچک بقل و دانه نخود بزرگی و از آن اندک بز رکتور ساخته بر روی تابه اندک بریان نمایند که رطوبت آن منجذب گردد و در انهای آن انعقاد و بستگی بهم رسانند اگر زود مطلوب باشد و الا در سایه بر روی کویاس پاکیزه پهن نمایند و یا در آفتاب پارچه نازکی بر روی آن نیز انداخته باشند تا از کرد و غبار و کثافت جا نوران و مکس محفوظ ماند و بوی آفتاب نگیرد تا خشک گردد پس در روغن و اندک پیاز حلقه کرده بریان نموده آب خالص و یا آب گوشت در آن ریخته نمک و مصالح و ابازیر حاره مذکوره در بری و دال داخل کرده طبع نمایند بعد طبع اگر خواهند بکهار داده تناول نمایند یا بی بکهار با چلا و روبان و یا بتنهائی و در قلبیه و دو پیازه نیز داخل مینمایند و بسیار خوب و لذیذ میگردد نیز بعضی را که بسیار زود مطلوب است حبها ساخته در دیک تا نصفه با آن آب کرده بر سر دیک کویاس پاکیزه بسته حبها را بران می چینند و سرد یک را بر سر پوش بند میکنند و در زیر دیک آتش تند می افروزند تا به بخار آب دانه های منکوجهی فی الجمله پخته و بسته کرد پس برداشته بد ستور در آب یا آب گوشت و یا قلبیه و یا دو پیازه طبع میدهند این نوع بسیار لطیف و نیکو است \* ماش پلا و متوسط الکیموس متوسط الغل است و برای مرضی کم روغن آن نیکو غلانی است و با روغن بقل را اعتدال برای اصحاب خواه بی گوشت باشد و یا با گوشت مرغ فربه و یا بزغاله شیر مست یا بی گوشت \* صنعت آن آنست که ماش یعنی مونت غیر مقشر را در آب و نمک بقل ضرور پخته و برنج را نیز بطور چلا پخته هر دو را صاف کرده یعنی آب زائد آن را صافی گرفته و در کوزه دانه های ماش و برنج را درهم نموده پیاز ورق نموده و قونقل و هیل دارچینی و زیره و فلفل و برگ ساذج هر یک بقل ضرور در تابه آن کله آشته مسکه یا روغن تازه بقل در ربع

یا ثلثه برای اضمحاض و برای موفقی از صندل داغ کرده بر آن ریخته دم دهند و بعد دم خورند و کشید و تناول نمایند  
با کوشش آن است که مرغ جوان فربه یا بزرگ شیرمست فربه را بخنی بخته در آب آن برنج و ماش را جلد اجد  
طبع نمایند و یکجا کرده گوشت را در تنه آن با مصالح کدشته دم دهند و در ایران معمول است که اصحی بر ماش پلا و قند  
سفید مکرر گویند و بعد رجیم یک انگشت پاشید و میخورند و یا در طبخ حین دم دادن قدری شیر و نبات یا قند یا دو شارب  
داخل کرده دم میدهند و تناول مینمایند و بعضی اولاً ماش و برنج را هر یک جلد اجد در آب خالص یک و جوشی داده صاف  
کرده بعد از آن در آب گوشت طبخ داده دم میدهند که هر دو میسازد و نیکو عملی است برای موفقی صنعت آن بکبرند ماش  
یعنی مویک معشور و شسته که تمام قشر آن دور شده باشد یا غیر و شسته و شسته آن برای اصحاب ضعف معد و خوب نیست بالجمله  
هر گاه ام که خواهند و یا برنج طبخ نموده بطریقی چلا و آب آنرا صاف نموده و مصالح مل کرده و بعد ضر و دروغن تازه یا مسکه  
نیز بقدر مطلوب داخل کرده دم دهند که هر دو میسازد و نیکو عملی است برای موفقی صنعت آن بکبرند ماش  
یا دروغن و پیاز بریان نموده آب کرم یا آب گوشت بقدر ضر و رکه طبخ یابد و زیاد نمایند داخل کرده و مصالح حاره ریخته بعد از  
طبخ دم میدهند و این ثقیل میباشد بساده و لذت و ماش از جمله خلوص اهل هند است لذت و نیکو است صنعت  
آن بکبرند آرد ماش معشور را و خمیر کنند و مایه از ماست و غیر آن داخل نمایند و مانند خمیر بسیار نرم سیاه سازند و از  
کفگیر که در آن سوراخها باشد بکلی از آن تاده تاده شود در دروغن تازه بریان نموده و کرما گرم و شیر و شکرمه سفید بقوام  
ضابطه آورده بریزند و حسب ما بقدر لبه و نارنج بسازند و سرد نموده تناول نمایند و لعل سیاه و دانه هیل در است و در هین  
بستن هب و طبخ داخل نمایند و اگر قند یا کلاب و مشک و زعفران داخل شیر و نمایند میگردانند و اقوی و لذت

باب الميم مع الراء المثلثة \* مشرود بطوس و رسم الف مع الفاء و ارفيون و روضون تروايات ذكر  
باب الميم مع الدال المهملة \* فصل در بيان خواص و منافع و

باب الميم مع الدال المهملة \* فصل در بیان خواص و منافع و  
نمخ انواع معداد و بیان ساختن و امتحان خوبی و بدی آن \* اما خواص و منافع آن

بدانکه مراد اطباء از ملاد قسمی است که از دود و روغن بزرگتران و صمغ عربی و غوفر و نعنع و زجاج زرد ساخته میباشد  
در دود گرم و خشک طلای آن جهت منع ریختن موم و التیام زخمها و بیاثر که جهت سوختگی آتش مفید و فی الفور مانع  
از بلل آن و بعد از تطهیر نباید شست بلکه باید گل اشمت تا خود بخود زایل گردد و در بسقورید و من کویید که آتش بدن در  
مقال ملاد با آب سرد دفع سم عقرب است و ملاد مندی که از کثرت اجزای درخت قوفل میسازند سود و خشک و طلای آن  
جهت اورام دستبستی اعضا و برکف پا جهت جذب حرارت تپها و سقوط و طلای آن بر پیشانی جهت رعاف نافع است  
و اما خوبی ملاد آن است که سیاه و براق و جاری و روان باشد و چون بر کاعل نوشته بر آب زرد مشت و ناسل نکود  
و ملاد یکسر مهم رود و ال موصله اول مفتوح و در میان الف به معنی مرکب است که سیاهی نامند و ملاد به نکه  
قبله الکسا یا قوت مستعصمی که بیک قلم سی سطر توان نوشت و در رغایت و نگین و براقی باشد و صنعت آن دود و نعط  
یاد دود و روغن کتان چرب و کوفته و در مقال صمغ عربی خانص چهاره مقال مرقشیشای سوخته پنج مقال زنگار و قمر سی که  
بی خورده متین باشد سه مقال نمک مندی صبر سقوطی از هر یک در و مقال سه مراد رهان با آب صمغ که در هر ده درم صمغ  
ملاد در آب باشد سرشته بقولی پنجر و ز بقولی نیمه و ز خوب بگویند پس مرقشیشا سوخته را نرم سود و در آن افکنند و  
پنجر در پیاییم و زرد بگویند و استعمال نمایند و باید که مرقشیشای ذهبی یا فضی یا نحاسی یا حلیدی بود و ملاد  
در نکه و چون بیخود خوشنویس و صنعت آن و بیت و هم سنگ دود و زجاج است و هم سنگ زجاج ماز و هم سنگ مرصه

همه صمغ است آنکه زور یا زور یعنی دود با کینه چوبی گرفته و زاج ترکی صفید صافی هر دو در وزن مساوی و ماز و بوزن  
 هرد و صمغ عربی صافی خوش رنگ مساوی هر سه یعنی چهار وزن اول مرتبه ماز و زاج کوکب نموده در آب خالص بخیمسانند  
 پس قدری بجوشانند و بکنند ازین تا پرده آورد پس پرده بالای آن را بکینند و همچنین تا مادام که دیگر پرده نیارورد پس  
 صافی نموده در شیشه نگاهدارند و صمغ راد و ظرفی علیحد در آب یا گلاب بخیمسانند که غلیظ باشد نه رقیق و صافی نموده  
 دود را با صمغ در ظرف مسی بی قلعی ممزوج نمایند و باد سته چوبی که بر سر آن مس نصب نموده باشند پس زاج راد را در  
 آب اندازند تا کک اخته و حل گردد صافی نموده داخل نمایند و مدت چهار روز علی الدوام اندک اندک ماز و داخل نمایند  
 و بکوبند و صلایه کنند و هر چند زیاده و بیشتر بسایند بهتر است پس از کوبیدن لطیف پاکیزه بکنند و در صراحی مس  
 یاغیشه نگاهدارند و باید که در وقت سائیدن از کوب و غبار محافظت نمایند و مولانا میر علی نوشته که ماز و راد آب خیمسانید  
 پس جوش داده صافی نموده اندک اندک بیندازند و تا صد ساعت بزور یا زور صلایه نمایند و بد آنکه ماز و مستعمل در  
 مداد ماز و سبزی سوراخ سنگین در وزن است و اگر ماز و زاج کوکب نموده قدری بریان در آب بخیمسانند و بجوشانند بهتر  
 است و پرده که خواهد آورد و گفته اند طریق تصفیه ماز و آن است که هر ده را در حصه نموده در ده آثار آب بجوشانند  
 تا به پنج آثار رسد پس فرود آورده سر آفرای پوشید و بکنند ازین و بعد از پانزده روز یا بیست روز یا یکماه سر آنرا بازنموده  
 کلافات آنرا که مانده پرده قرصی بالای آن منجمد گشته باشد در نمایند و همچنین تا زمانی که دیگر پرده  
 نیارورد پس بکار برند صمغ باید که صمغ عربی ماخوذ از رخت مغیلا ن که بهند ن بهول نامند باشد و صاف و شفاف بود  
 و زاج باید که سبز باشد که بهند مکیس نامند و نیز گفته اند اگر در وقت دود گرفتن در جوف فتیله آن پرها و  
 کف ازین تا بسوزد مرکب طاهر و رنگ براق و امواج سبزی ازان ظاهر گردد مداد دیگر که بسیار جاری و خوش رنگ و براق  
 است صنعت آن ماز و کبود صد مثقال با آب بجوشانید بملایمت تا بقوام آید و فرود آورند و دود و دام زاج را در پارچه  
 پسته چون نیم گرم شود در آن حل نمایند و بنجاه در صمغ عربی صافی در آن بخیمسانند و با بیست درم دود چوبی گرفته  
 در هاون نیکو بسایند تا خوب حل گردد و در ورز و زاج آفتاب کد ازین پس استعمال نمایند و وزن دام سه ماشه و در و رتی است  
 مداد دیگر مننه رحمه الله تع صنعت آن بکینند ماز و سبزی سوراخ یکصد مثقال و بسیار نرم سائید در آب بجوشانند  
 تا مهران شود و بقوام آید پس بکنند ازین تا نیم گرم گردد پس ده مثقال زاج سیاه قبرسی را کوبیده در لته بسته در آن آب  
 بدست بمالند و لته را در و نمایند و از یکصد مثقال تاد و صد مثقال صمغ عربی خالص را در آن حل کنند و صاف نمایند و  
 بیست مثقال دود چوبی گرفته را در ظرف مسی کرده قطره قطره ازان آب بران چکانند و برهم زنند و بسایند و روز در  
 آفتاب بکنند ازین و هر چند مبالغه در برهم زدن و سائیدن آن کنند بهتر است و بودن صمغ و وزن اولی است و اگر خواهند  
 که براق گردد و در مثقال نبات اضافه نمایند مداد دیگر بنسخه دیگر حکیم میر محمد مومن صاحب تحفه صنعت آن بکینند  
 ماز و زاج سیاه و دود ده بزرگتن اجزا مساوی از هر یک یک جز و صمغ عربی صافی شفاف مساوی کل که سه جز و میشود  
 اولاً ماز و را کوبیده در آب بخیمسانند و بجوشانند تا مهران گردد پس صاف نموده سائر اجزا اضافه نموده بجوشانند تا یکسان  
 شود باید که بسیار برهم زنند تا بحالیکه بسیار غلیظ گردد پس بقدر احتیاج با آب رقیق کنند و اگر با ماز و بجوشانند  
 و بعد ازان که بحال لایق رسد صافی نمایند بهتر است مداد نوع دیگر صنعت آن ماز و سبزی چهار سیر و دود چوبی گرفته  
 خالص یک سیر زاج ترکی یک سیر ماز و را کوبیده در یک سیر آب بخیمسانند و صمغ راد در چهار سیر آب سه شبانروز بکنند پس  
 ماز و را بیکم آن آب در یک کرده با تش ملایم بجوشانند تا به نیمه آید و بر روی صمغ صاف نمایند و زاج را نرم سوده

از حریر پخته بران ریزنند و برهم زنند و صافی نمایند و با دوده در هاون بکوبند و صلاویه نمایند و اندک اندک از آن آب داخل نمایند تا تمام صوف شود و در آخر ربع سیور بوزن خراسان نبات مصری و نیم مثقال زعفران و قلعی صبر با هم بسایند و با کلاب حل کرده صافی نمایند و در آن ریزنند و در شیشه صاف نکاهند **ارن** \* مل اد اعلی منقول از قول مولانا میوه علی خوش نویسنده که از یاقوت نقل نموده \* صنعت آن دوده چربی گرفته چهار مثقال صمغ عربی زاج قبرسی برک مورد برک حنار از هر یک دو مثقال نو شادر نیم مثقال ماز و هشت مثقال زعفران نبات سفید مصری از هر یک نیم مثقال اولاً پنج من آب صاف را در یک سنگی یا کلبی بجوشانند تا بسه من آید پس ماز و زاج و صمغ و برک مورد و برک حنار از هر یک جل اجل انخیسانند در آن مغل از آب که از روی آن بکند ارن و باید که ماز و را پنج شش پارچه نموده باشند پس دوده را بانو شادر در هاون کنند و اندکی بسایند و صمغ را حل کرده صافی نموده بران ریزنند و بسایند تا خمیر گردد پس آب ماز و زاج و برک مورد و برک حنار صافی کرده با یک یکر بیامیزند و در یک باقی ملایم بجوشانند و بر کافل امتحان نمایند چون نشتر نمایند فرود آورده نکاهند ارن و دوده و صمغ را با هم نیکو بکوبند و سحق نمایند و اندک اندک از آن آب ها بران ریزنند تا تمام صوف شود پس قلعی زعفران و نبات مصری در آب جوشانید و مسطور حل نمایند و صافی نموده در هاون بر ریزنند و صلاویه کنند و هر چند صلاویه زیاده کنند بهتر است پس صافی نموده در شیشه نکاهند ارن و عند الحاجة بکار بزنند و این مل اد از کافل میگویند که دو هر چند بشویند مل اد دیگر \* صنعت آن دوده چربی گرفته یک وزن صمغ عربی سه وزن صمغ را در آب صاف حل کرده با دوده در ظرف آهنی با دست آهن نیکو صلاویه نمایند اولاً پانزده روز و هر چند زیاده نمایند بهتر است و چون غلیظ گردد و مطاوعت نمایند برک حنار را در آب بجوشانند تا به نصف و یا به ثلث رسد صافی نموده اندک اندک داخل نمایند و بعد تیار آب جفا بقل و مطلوب داخل کرده رقیق بقل و حاجت ساخته در شیشه نکاهند ارن و عند الحاجة در دولت کرده کتابت نمایند و این مرکب در شیشه فاسل نمیگردد \* مل اد نوع دیگر بابت یاقوت و قلعی \* صنعت آن دوده خالص چربی گرفته نیم آثار ماز و زای سوخته ربع آثار صمغ عربی خالص ثمن آثار آب پنج آثار در ظرف آهن یا چوبی که صمغ بوسر آن نصف کرده باشند تا دوازده روز صلاویه نمایند پس با چوب پیچیده سار که چوب زرد رنگ خالص ارباب است که رزنده کرده در آب خیسانند و باشند دوازده روز دیگر نیز حل نمایند پس با آب موز که بهندی کیله نامند که چهار دام صمغ عربی در آن حل کرده باشند تا ده روز دیگر نیز صلاویه نمایند بعد از آن دودام تو نیای اخضر که بهندی کیله نامند آنها فاسل داخل کرده تا چهار روز بسایند پس با نیم آثار کلاب تا دو روز صلاویه نمایند و بعد چهل روز صافی نموده در شیشه نکاهند و در آن و یا صبر و با ساخته خشک نمایند و عند الحاجة با آب گرم حل نموده بکار بزنند و این آنکه تو تیا با صبر جربان مرکب میشود و لیکن بزود صلاویه را ضرورت و جاهای نوشته ریخته میشود اگر داخل نمایند یا اندک داخل نمایند بهتر است \* مل اد نوع دیگر \* صنعت آن دوده چربی گرفته هر قل که مطلوب باشد کاتبان که بهندی کاتب نامند شسته خالص بی رنگ آن شش توله کل هارسنگهار یک توله تنکار که بهندی صومها کاتبان نیم توله کتب و کل هارسنگهار و با هم در لخته بسته در یک و نیم آثار آب انخیسانند سه شبانه روز پس زلال صافی آن را گرفته بجوشانند تا به نصف رسد و با دوده در هاون بسایند پس تنکار را نصف خام و نصف بریان صلاویه نموده داخل نمایند تا دو روز دیگر نیز بسایند و بکار بزنند \* مل اد دیگر \* صنعت آن صمغ عربی خالص دوده صافی چربی گرفته از هر یک یک ام سلیمه نیمه آمله از هر یک ثمن یک آثار زاج زرد که بهندی صبر کسب نامند تو نیای اخضر از هر یک یک ام سلیمه و نیمه و آمله را در آب صافی انخیسانند و بعد کسب و تو تیا را نیز در ظرف خلطه و دوشماند و زیکان ارن پس آب زلال صافی آنرا گرفته صافی نموده و بقل ستر و مزبور

صمغ را باد و ده خمیر کرده از این آبها اندک اندک داخل کرده هفت شب تا روز خوب بکوبند و حل نمایند و در آخر نیم گرم نبات مصری و بوزن آن نمک لاهوری داخل کرده با خوب صاف کرده نگاه دارند \* مداد دیگر که سهل التماثل و روان و رنگین و براق است \* صنعت آن دود \* خالص چربی گرفته یک حصه صمغ عربی خالص شفاف هشت برابر آن صمغ را در آب چوب بیجی سا حل نمایند و دود را در کیسه کرباس صغیق سه تنه نمایند و آن کیسه را در طاس مسی بی قلعی اند از بند و بالای آن اندک اندک آب صمغ مسطور بریزند و بدست نیکو بمالند و این در یک روز تمام میشود \* مداد دیگر \* صنعت آن دود \* چربی گرفته خالص زاج سفید هود و وزن مساوی صمغ عربی خالص شفاف چهار وزن چوب بیجی سا را کوبید \* در آب بخیسانند پس آب صاف آنرا گرفته صمغ و زاج را در آن بخیسانند و صاف نموده علی الرسم باد و ده در ظرف آهنی با چوب نیم که بوسر آن مس نصب کرد \* باشند حل نمایند و اندک اندک آب بیجی سا رمید اده باشند تازه یوم و در آخر اندکی توتیای هندی و نمک لاهوری و نبات داخل نموده صاف کرد \* در ظرف شیشه و یا مسی نگاه دارند و عند الحاجة ظرف را خوب حرکت داد \* در وقت ریخته کتابت نمایند \* مداد دیگر \* صنعت آن دود \* چراغ بی نم و در صمغ عربی صاف چهار درم ما زوی سبز دود و نیم زاج ترکی یک درم چربی دود را گرفته صمغ و زاج را بدستور در آب حل کرده صافی نموده در هاون باد سته بکوبند و ما زورا کوبید \* وزن آن آب بر روی آن و بزنند و بدستور مسطور مرتب نمایند و اگر طاسی رنگ غواهند پس بکوبند برک حنای خشک و برک مورد و رومه و افتیمون از هر یک نیم درم اضافه آن نمایند و یکشب تا روز بکند دارند پس با تش ملایم جوش دهند و تجربه نمایند بر کاغذ تا آنکه نشتر کنند پس از آنش بر کوبند و بکرباس صافی ببالانند و نگاه دارند پس اندکی نیل و صبر زرد در هاون اند از بند و باید که هاون د سته از آهن یا برنج باشد و صد ساهت نجومی صلاویه نمایند و اندک اندک آب ما زوی مسطور داخل نمایند تا تمام صرف شود و در آخر قندی نمک هندی و نبات مصری در آن اند از بند و بسایند و دمبل م تجربه نمایند تا بعد مطوسی رسد یعنی مانند طوسی رنگ برنگ نمایند پس از هاون بیرون آورند و بجزیر ببالانند و نیم گرم مشک و یک مثقال زعفران دود \* درم کلاب حل نمایند و در ظرف مسی یا چینی یا یاشیشه نگاه دارند و بعد راجت در دوات کرده کتابت نمایند بغایت رنگین براق طوسی رنگ خواهند بود \* مداد مطوسی نو حل دیگر \* صنعت آن دود \* دهن کتان خالص که از فتیله کتان در چراغ بی نم چربی آنرا تمام گرفته باشند دود رم ما زوی سبز سنگین بی سوراخ دود رم زاج ترکی نیم درم صمغ عربی خالص چهار درم صمغ را در دود وزن آب بخیسانند و بکند دارند تا حل شود و بقوام عسل آید پس از پارچه حریر بکند را نند و باد و ده در هاون خمیر نمایند و ما زورا جو کوب نموده با چهار وزن آن آب بخیسانند و یکشب بکند دارند و روز دیگر با تش ملایم بقوام آورند که در نوشتن از کاغذ نشتر نمایند پس صاف نموده در ظرف چینی یا شیشه کرده سر آنرا بهوشند و بکند دارند تا پرد \* آورد و پرد \* آنرا پرد دارند و همچنین تا دیگر پرد \* نیاورد پس صاف نموده در شیشه نگاه دارند و زاج را که صافی خالص باشد با چهار وزن آن آب خالص صافی بخیسانند و بکند دارند تا خود بخود حل کرد پس آب صافی آنرا گرفته جوش نمایند تا بقوام آید و در نوشتن از کاغذ نشتر نمایند پس مزوج با آب ما زوی مسطور نمایند و عند الحاجة اندک اندک داخل نموده بسایند و بقوت تمام میکوفته باشند تا تمام آب صرف کرد و اقل مدت کوفتن و صلاویه و حل آن یکصد ساعت است و هر چند زیاد باشد بهتر است پس صاف نموده در شیشه یا ظرف مسی نگاه دارند و هاون باید که از روئین باشد \* مداد که افشان نمایند \* صنعت آن آن است که مداد بطور متعارف مزبور مرتب نمایند ولیکن بجای نمک طلا را حل کرده در آخر داخل نمایند و بجای نصف وزن صمغ عربی و ماشه سریش و پیش از داخل نمودن طلا یکماشه زعفران را خوب حل نموده صاف کرده داخل نمایند بعد از آن

طلا را در دود و آب کرده و بنویسند بعد از نوشتن نوشته را خشک نموده و بمهره سنگ جرق مهره نمایند خط افشان بر آن نمایند  
 و اگر این مقل از زعفران و طلا را در یک و است داخل نمایند بهتر است \* مل اد بابت حاجی عبد الله مرحوم \* صنعت آن دوده  
 خالص چهار توله صمغ عربی هشت توله زاج مرکبی صافی نیل قسم اول از هر یک یکماشه ما زوی سبز و عد در مرقشیشای  
 ذهبی توئیای اخضر و هند ی صبر و سقوطی از هر یک دو ماشه دود و را اولاد در پارچه بسته در یک کبی نموده و برک اروسه  
 و برک نیم تنه و بالای دود و کرده و پنج آثار آب بران ریخته تاد رساعت بجوشانند پس بر آورده و صمغ زاد آب حل کرده صاف  
 نموده و در ظرف مسی بی قلعی کرده و دود را در آن با چوب نیم حل نمایند تا سه روز پس ادویه مسطوره را حل اولم سوده  
 و ما زور را در آتش سوخته نرم سائید و داخل آن نمایند و تا بیست و یکروز حل نمایند و چون آب آن خشک کرد آب چوب  
 پنججی ساز داخل نمایند \* مل اد و یکروز سهل الماخف \* صنعت آن ما زوی سبز و مقل ارکه خوا همد نیم گرفته و باد و وزن آن  
 آب در ظرفی کرده و در آفتاب کف ارنه تا سه ثمن آن برود بپا ز نمایند که بر کاغذی بکن ارنه اگر در آن نفوط نماید و باز در آفتاب  
 کف ارنه تا غلیظ گردد و نکل در پس صافی نموده و قطره قطره آب زاج ترکی بران بچکانند و بچوبی بپوشانند تا سیاه گردد  
 بر کاغذی بنویسند اگر بپوشی زدن با ز آب زاج قل ری داخل نمایند با ز سیاه نمایند تا سیاه گردد و بعد سیاه می دیکو آب زاج  
 داخل نمایند که فاسد میگرد پس بکار برن \* مل اد یا بس و یکروز \* صنعت آن بکوزن دود و چوبی گرفته را و با آب صمغ در ظرف برنجی  
 بوزن مجموع آن صمغ عربی بکوبند تا یکسان گردد و هر چند مبالغه در کوفتن آن کنند بهتر است و در وقت احتیاج قل ری را  
 در آب حل نموده استعمال کنند \* مل اد یا بس و یکروز \* صنعت آن بکوزن دود و چوبی گرفته را و با آب صمغ در ظرف برنجی  
 خوب خمیر نموده و نیکو بمالند پس قل ری آب صمغ نیز داخل کرده و در ظرف سفالی نازک بمالند و بکن ارنه تا خشک گردد پس جدا  
 نمود و نگاه ارنه و عند الحاجة بقل ری مطلوب با آب صمغ نیز داخل کرد و بکار برن \* مل اد یا بس و یکروز که بسیار  
 رنگین و براق و جاری است \* صنعت آن دود و نفط باد و دود و روغن بزرگتان هر کد ام که باشد و در مثقال صمغ  
 عربی چهار مثقال نمک هند ی و در مثقال مرق شیشا سوخته پنج مثقال زنجار و مس یک مثقال براد و مس یک مثقال  
 صبر و سقوطی و در مثقال جمله را بسا یند و از دود و روغن بکوزن و طریق کوفتن روغن از دود و آن است که  
 دود و را با نمک سائید و در میان کبسه از کاغذ کرده کبسه را خمیر بکوزن و لیکن خمیر نرم نباشد و در تنور نهند  
 تا خمیر سوخته شود و چون سرد شود بکوزن و خمیر کبسه را دور کنند و با مرقشیشا که در آتش سوزانید و باشد در  
 هاون نیم روز سحق کنند و صمغ عربی و صبر را در آب بخیسانند و صافی نموده در هر د و درم صل درم آب داخل  
 کنند و دود و را با آن بسازند و در هاون بسته بکوبند تا نیمروز و مرقشیشا سوخته در آن افکنند و نیمروز و یکروز بکوبند  
 و اندک اندک آب صبر محلول در آن بریزند تا تمام آب صبر و صمغ تمام شود پس یکصد درم برک حنا را در آب بجوشانند  
 تا نصف رسد و چون سرد شود صافی نموده اندک اندک انشور دود و دهند و بکوبند در هاون مسی تا آب تمام شود پس  
 آنرا اقراض سازند و در سایه خشک نمایند و عند الحاجة قل ری از آن را در ظرفی کرده و بکن ارنه تا منحل گردد صاف کرده در  
 دوات نموده کتابت نمایند \* مل اد یا بس و یکروز \* صنعت آن دوده چوبی گرفته چهار مثقال صمغ عربی دو مثقال ما زوی  
 سبز سوده یک مثقال هر دو را باد دود و بپا میزنند و نیکو مالا بکند و یک مثقال زاج را در کاغذ کرده و در خمیر بکوزن و در زبر آتش  
 بر آن نمک بزد پس بر آورده سوده با دود مسطوره بپا میزنند و مقل ایی بجوشانند تا غلیظ گردد پس صافی نموده و خشک  
 نمایند و عند الحاجة قل ری از آن را در کا سه کنند و آب گرم بر آن ریزند و یکشب بکن ارنه مرکب بنهایت لطیف گردد \*  
 مل اد فایله که در رنگ ما ندن مل اد دوده است \* صنعت آن بکوزن پوست هلیله کابلی را و با آب آهن تا بخیسانند و

و بكن ارنك تا بمرو را بام آب آن خشك كرد و بر ربع رسك صاف نموده دوده چربي گرفته و آب محلول صمغ عربي در آن داخل  
 کرده نيكو حل نموده استعمال نمايند و اگر در بين ماء الحيات داخل نمايند بهتر و استحكام زياده يابد و نسخه ماء الحيات  
 انشاء الله تع خواهد آمد \* مد ا ذلك كه ما نل بسرخي است \* صنعت آن لك خام خالص با و آثار زاج سفيد كه بهند  
 به تكري ما منك ششما شه قلبي كه بهند و سجي ما منك در نيم توله لك را در ظرف كلي با يك و نيم آثار آب بچوشانند تا نيكو منحل  
 شود پس زاج و قلا را نرم سوده بر آن بپاشند و با زخوب جوش دهند تا رنگش سرخ شود انگاه از پارچه صاف نموده در شيشه  
 نكاهل ارنك و عند الحاجة بقدر دوده چربي گرفته ما نل طلا حل کرده بكار برند \* مد ا د ديكر \* صنعت آن لك درخت  
 پلاس يك و نيم توله زاج سفيد يك توله هردو را با هم نرم سوده در ظرف سفالي با پنج آثار آب بچوشانند بيك آثار آيد پس  
 صاف نموده در شيشه نكاهل ارنك و عند الحاجة با دوده حل نموده در دوات كرده كتابت نمايند \* مد ا دوسمه كه كنتم است  
 قائم مقام مد ا دوده است \* صنعت آن بكيرون بيخ و همه را و در آب بسيار طبع دهند تا غليظ گردد و قد صمغ عربي داخل  
 کرده بنويسند \* دستور گرفتن دوده آن است كه بكيرون چراغ نوآب نديد و اگر آب ديده باشد خوب خشك نموده روغن  
 بزرگتان در آن ريخته فتيله از پارچه كتان يا غير آن اكر نبا شد در آن بكنارند و فتيله هر چند قومي تر باشد دوده زياده بعمل  
 مي آيد و ظرف سفالي صاف خشك ما نل قدح و طشت كه بهند و كراهي ما منك معكوس بر بالاي آن كنند ارنك بقسمي كه هواي آن  
 تمام بندي نشود كه حقه شش و خاموش شود يعني سه خشك بسر ظرف چراغ كند شسته ظرف را بر آن معكوس كنارند و چون دانند كه  
 قد ري معتدل دوده جمع شد ظرف را برداشته دوده را از آن به پرموغي گرفته در ظرفي كرده از كردو غبار محفوظ دارند و همچنين  
 تا بقل رها جت جمع كرد و در بفا و روغن كنچل كه شيرج ما منك بدل دهن كتان مي توان نمود اكر آن نبا شد \* دستور صاف  
 نمودن دوده كه ممزوج بريك باشد آن است كه قد ري آب در كاسه كنند و دوده را بر آن بريزند پس از رو آب آن را  
 بردارند و چربي آنرا بكيرون \* دستور گرفتن چربي دوده آن است كه دوده را در كيسه كاغذ حاك کرده در خمير بكيرون و در تنور  
 گرم بولاي خشك بكنارند ر يا در زير خاكستر گرم كنند تا خمير برشته گردد و بحد سوخته نرسد پس برآورده بكار برند  
 و اكر مكنون نمايند بهتر است زيرا كه ما نل ن اندك چربي در آن مفسد ما ا داهت \* و بنوع ديكر آن است كه دوده را  
 در ظرف سفالي ما نل ديك كه بهند و ما نل ي ا كراهي ما منك كرده شمعي يا فتيله را روشن كرده بدوده متصل سازند تا  
 مشتعل گردد پس بكنارند تا تمام آن بسوزد پس بكار برند \*  
**فصل در بيان نسخ ماء الحيوه \***  
 كه مر كه مركب غليظ گردد و در جريان مساعيت ننمايند قد ري ازان داخل نمايند با عصف جريان آن گردد \* صنعت آن  
 برك مورد خشك برك حناي خشك افتمون برك نيم خشك افسنتين اجزا مساوي با قد ري زعفران با آب باران خالص  
 يا كلاب يا عرق آن دوشبانه روز بخيسانند پس با تش ملايم بچوشانند و بكنارند تا در آن ته نشين شود آب صاف  
 آنرا گرفته از پارچه كرياس سه لائي بالندره بسيار بار يك خوش قماش كه بهند و بنات سلطاني ما منك صاف نموده در  
 شيشه نكاهل ارنك و عند الحاجة در دوات ميكرده باشد \* ماء الحيوه ديكر \* صنعت آن قزغل زعفران برك نيم برك  
 حنا هردو خشك نيم گرفته در آب يا كلاب بخيسانند يك و شش نورز پس يك و جوشي داده صاف نموده در شيشه نكاهل ارنك  
 و عند الحاجة بكار برند \* ماء الحيوه ديكر منقول از حاجي عبد الله خوشنويس مرحوم كه مستعمل ايشان بود \* صنعت آن  
 برك نيم برك با دنجان دشتي كه بهند و كتاني ما منك بندي قهند كه رسته ما منك برك حناي خشك زعفران توتياي  
 هند ي براده آهن زاج چوب بيجي سا را زهر يك قد ري در آب خالص يا كلاب بخيسانند و بحد مستور مسطور بكار برند \*  
 ماء الحيوه ديكر نيز از حاجي عبد الله مرحوم جهت جريان مركب \* صنعت آن توتياي هند ي سا و سبزي سوزان در



هر يك پنج توله چوب بيجي صارشوره قلعي از هر يك دو توله زاج سبز شمشاد اجزا جو كوب نموده در يك آثا رو نیم آب بجوشانند  
 با تشش ملا نیم تا نصف رسد پس صاف نموده در شیشه نگاه دارند و عند الحاجة بعوض آب در دوات میرانخته باشند \*

ماء الحیوة دیگر صنعت آن برک نیم برک حنا افریمون یا دنجان دشتی از هر یک یک توله تو تیا می هندى زاج سفید  
 براده آهن از هر يك نیم توله اجزا نیم كوفته در ظرف آهنی یا مسی بی قلعي تخمسانند پس جوش کمی داده در شیشه نگاه  
 دارند و عند الحاجة در دوات کنند و در نسخه دیگر یک توله بنفشه هندى نیز داخل است و بد آنکه این ماء الحیوةها  
 باعث جویان مرکب و آنکه مکس نلیس و گرم نخورد میشوند ولیکن به سبب تو تیا می هندى و زاج بسما رخلل بگاغل  
 میرساند پس اگر آن هر دو را حل کنند و یا مقل ارکمی داخل نمایند بهتر است \* فصل \* بد آنکه مبیضات و مهورات  
 و مسودات در دواتها در حرف الدال مع الواو و خصایات ذکر یافت \*

### باب المیم مع الواو المهدلة \*

فصل در ذکر نسخ مریات \*

مر باى آلوجه غلبه صفرا بد نشانند و تشنگی را ساکن کنند \* صنعت آن  
 بکیرند آلوجه سلطانی هر قل که خواهند و در یک سنگی کنند و دوسه جوشی بل هند و فر و کیرند و دیگر باره با غسل و با  
 شیر و قند طبع نمایند \* مر باى آلوا لوصفرا بد نشانند و در ستور و مر باى آلوجه طبع نمایند \* مر باى بادام پوسته و چلغوزه  
 همه مبیی اند \* صنعت آن هر یک از اینها آن است که از هر یک ام که خواهند تا نه آنرا بکیرند و با شیر و قند صاف طبع  
 نمایند \* مر باى بادام جهت سوخته و خشونت سینه نافع است و بل ستور و مر باى جوز تر تیب د هند و بعضی بادام تازه  
 را در روغن تازه داغ کرده می خیسانند و بعد از سه روز از آن بجرون آورده با غسل پرورد و میکنند \* مر باى پوست  
 بیرون پسته قابض و مقوی معده و دل و جگر و دماغ و رفع اسهال و مقوی آن است \* صنعت آن بکیرند پوست بیرون  
 پسته هر قل که خواهند و در آب خالص شیرین دوسه جوشی داده آن آب را بکیرند پس آب شیرین بر آن ریخته طبع  
 نمایند تا مبرا شود و با شیر و نبات بقل رکاف بقوام آورند و در آخر زعفران و اندک مشک بکلاب سوده اضافه نمایند \*

مر باى جوز با در قوت دل و پشت را محکم گردان و سینه را نرم کنند و تحفیف بطوبات معده نمایند و تقویت جگر دهند \*

صنعت آن بستنند گردان تا نه که پوست اندرون آن صلب نشد و باشد و در روز در آب آهک بکلی از آن پس با آب شیرین  
 بجوشانند و در روز یک در آب شیرین بکلی از آن و هر روز آب آن را تازه کنند تا آنکه تلخی آن مطلق بطرف شود و سرزن  
 بر دل تلخ شود در جرم آن داخل شود پس در غسل باشد و قند سفید رقیق بقل رحاجت بجوشانند تا بخته شود و فرور  
 کیرند و در ظرف چینی نگاه دارند \* مر باى شاه آلوطبع را نرم سازد و تسکین غلبه صفرا نماید و مهورات مزاج را نافع بود \*

صنعت آن آلومی بخارانی هر قل که خواهند بکیرند و در آب تخمسانند و با قند و با غسل طبع نمایند \* مر باى شفاقل باه را  
 قوت دهن و نهج آورد و صحن و قوی اعصاب و کمزور کرده و مثانه است \* صنعت آن بکیرند شفاقل و سید و قریه تازه را و پوست  
 آن را خراشید و در آب آهک صاف کرده که قل ری تنی داشته باشد و زیان را بکزد و یک شب آنرا با کمتر تخمسانند پس  
 بر آورده با آب صاف پاک بشویند که آثار آهک در آن نماند پس با آب شیرین خالص طبع نمایند تا نرم و بخته شود  
 پس با شیر و نبات رقیق با غسل مصفی هر قل ام که خواهند یا آن آبیکه در آن طبع داده اند با تشش ملا نیم جوش دهند  
 تا غلیظ گردد باید که شیر و نبات یا غسل آن مقل اریا شد که شفاقل را بجوش و اگر در آخر قل ری مشک بکلاب سائید و  
 اضافه نمایند میگردد اقوی \* مر باى کثوف بسیار آن یق و مقوی و پاکیزه است \* صنعت آن بکیرند امرود چند آنکه  
 خواهند بل ستور و زبوسه و تخم پاک کرده بجوشانند و با قند بقوام آورند و مر باى اقرج و مر باى اجاص و مر باى آملمج  
 و مر باى املیله \* مر باى تفاح و مر باى تمر و مر باى تمر هندى و مر باى چوب چینی و مر باى جوز بو و مر باى انبه و مر باى خر

خزیده و مریای سفیر جل و مریای قرع و مریای دار فلفل هر یک در رسم خود ذکر یافت \* مرجان بفتح میم و سکون راء مهمله و فتح جیم و الف و نون معروف است و بهندی مونکا و مرجان نامند و ماده تگون آن شاید اجزای لطیفه ارضیه از جمله مختلفه با ماهیت و هواییت باشد که در خلل و فرج و تحت بعضی اجزاء قعود ریا بهم می رسد و بسبب تابش آفتاب و تاثیرات کواکب دیگر اجزای مائیه آن متبخرو مستحیل بهرائیت گشته صعود و میل بمركز خود مینماید و با خود سا ئرا جزا را نیز صعود میفرماید و از منافذ و خلل و فرج آن اجزاء بروز مینماید و بعد بروز مفارقت اجزای مائیه متجزی گشته بدن هیئت میگردند که مشاهد میشود مانند موناخن و شاخ و دندان و سم و غیره از این حیوانات و بواسطه مدن شاخ و برگ و صمغ و ثمر و غیره از تنه نباتات و قیر و مومیائی و غیره از معدن و اجزاء را الله اعلم بما خلق و لما خلق و آن سرخ و سفید و سیاه میباشد و سرخ آن بهتر و قوی از سفید آن است و مزاج آن سرد و خشک در دویم است و بعضی سرد در اول گفته اند و سیاه آن زبونترین اقسام آن است و برودت و یبوست بر آن غالب تر و یک گرم آن را با دوزخ جمیع سموم دانسته اند و در سا ئرا فعال مسل پس است و در حرف الباء مع السین ذکر یافت و تعلیق آن بر معده برای جمیع علل آن بالخاصیت نافع \* دستور احراراق آن آن است که در کوزه سفالی کرده بعد آنکه آنرا ریزه نموده با شند و کوزه را بگل گرفته در تنور یک از دل تا سوخته و سفید گردد ما بسرحل رما دیت نرسد و اگر بیک دفعه سوخته نگردد مکرر نماید و این از برای حصول حدت و بورقیت آن است پس برآورده نرم سائید و استعمال نمایند \* حب مرجان جهت اذابة طحال و رفع نفخة آن \* صنعت آن مرجان محرق صبر سقو طری تخم کرفس غاریقون هش سفید ملخ هندی شیطان ج هندی از هر یک یک گرم و نیم پوست بپنج کبر ریون چینی از هر یک دو گرم و نیم شب یحانی نیم گرم اجزاء کوفته بپخته با آب برگ بید تازه سرشته حبوب سازند هر حبیبی بقدری بخورد یا طفال را یک حب صبح و یک حب شب و وقت خواب و جوانان و کبیران را تا یک و هم با سرکه کبریا با طبع اصول بزور یک نسخه حب مرجان در حرف الحاء در حبوب و دهن آن در رادها و سفوف مرجان در سفوفات ذکر یافت \* مرداسنج معرب از مردا سنگ فاریسی است و از سرب و قلعی و سا ئر معدن سوا آهن بعمل می آید و معمول از صا ص ابيض و اسودا است و غیر مغسول آن مانل بکرمی و در آخر سموم خشک و مغسول آن سرد خشک و سفید کرده آن لطیف تر و قوی است و اقسام آن سم قتال و با قوت محله و قابضه و مغری و بغایت مجفف و مسدود و حا بس و برونه کوشش زائل فاسد و رو بایند و کوشش صالح و التیام دهند و زخمهای عمیق و چون در سرکه اند از دل ترشی سرکه زائل گردد و شیرین مانند غسل شود و طلای آن با آهک سیاه کنند و جلاب و سفید کرده آن در حقنه های حا بس اسهال قرحی و سحجی و جالی کلف و مسکن حدت ادویه قند و جهت رفع بد بوئی عرق اعضا و منع ادرار و قرح و سحج جلد بغایت مؤثر خصوصا با روغن کل سرخ و طلای آن بر روغنهای مذکور حوالی قلب در زیر بغل مانع ریختن مواد است بدن و جهت رفع اثر حکه و جرب و تحلیل خون منجمد تحت جلد و سوختگی آتش و آب کرم و با سرکه و روغن زیتون جهت رفع قمل و در اکیال جهت سلاق و جرب و ناخنه و قرحه چشم و چون با روغن زیتون بسیار بخورشانند تا غلیظ گردد بهترین ادویه انشقاق است و سائید آن با مثل آن کوکود که با سرکه و روغن مورد طلا کنند جهت شری و جوششهای پو آب و مین الب و له التیام و تنقیه زخمها را یا لانت آن نمیداند بلکه معین ادویه مناسبه آن دانسته و تصریح نمود که شرب نوعی رم از سفید کرده آن با جلاب مخرج اقسام کرم مغل است و مجرب و شیخ الرئیس رح تع فرموده که زنان در بلاد ما با طفال جهت قرحه امعا و اسهال میدهند و حکیم میر محمد مؤمن نیز نوشته که در بلاد ارا لرزدیدم که جهت رفع کرم با شیر میدهند و حرکت میفرمایند تا آن کرمها دفع نشود مانع سکون آیند و فی الواقع در دفع اقسام کرم بیعمل است و دود درم آن کشند \*

با احتیاط بول و انتفاخ شکم و بیچش عظیم و ضیق النفس \* دستور صنعت مردا سنک آن است که سرب را بیک از نل و صولج  
یا اسرب سوخته بخورد آن دهند تا هر دو خوب ممزوج شوند پس در ظرفی کرده در سر کاهند از نل و هر چه خوب سوخته و ممزوج  
بآن شد \* باشد جل است از نل و با جو آب طبع دهند بعد یکه جو مهرا و منشق کرد پس از جو جلد کرده با هموزن آن نمک  
بسا بند و در آب بخیمانند و هر روز برهم زنند و هر سه روز تغییر آب دهند تا چهار روز که خوب صاف شود و از جای خام دران  
نماند پس شسته استعمال نمایند و چون که آن را سفید کنند مرتکب نمانند بفتح و کسر و میم و تا و سکون را میهمله و کاف  
مشق دبا بد که آن را در پشم سفید و بیچید و آب یا فلا بچوشانند و بعد مهرا شدن با قلا و سیاه شدن پشم تجدید نمایند  
تا آنکه سفید گردد و این مستعمل اطبا است در طایفه قاطعه را که کربیه زیو بغل و سایر اعضا و منع عرق و افعال دیگر و  
در ذرو رات و غیرها است \* دستور غسل آن مرقه که خواهد نمک نرم بگویند با نیم وزن آن نمک و آب بران ریزند آنمقل از  
که چهار انگشت بوبالای آن آید و هر روز سه و چهار دفع با چوب برهم زنند و هر هفته یک مرتبه آب را تبدیل یل نما بند تا چهل  
روز و همان قسم هر روز برهم میزدند با شند پس خشک نموده نرم سوده عند الحاجة استعمال نمایند \* حب مردا سنج  
جهت آنکه در حرف الحاء در جوب ذکر یافت \* مرهم مردا سنج جهت سحج و ریش اعضا و قروح شعله و قروح قضیب  
و زخم اور و سوختن از آتش و آب گرم \* صنعت آن بکیرن پنج مرهم مردا سنج را و با سرکه مکر سائید و شسته با چهل مثقال  
روغن کاه که یکصد و یکمونه از آب شسته باشند ممزوج نموده استعمال نمایند و اگر از برای سوختگی و زخم حادث از  
نوره یکصد و سفید و بیضه مرغ بآن ممزوج نمایند اولی است و اکثر نسخ مواهم مردا سنک در مواهم انشاء الله تع  
خواهد آمد \* **فصل در ذکر نسخ مروخات \*** بد آنکه مرده و تم ریخ ادویه روغن دار و نامند

انقبیل قیر و طایا و غیرها که برای نرمی و ملایمت بر اعضا مانند صدر و غیره مالند \* مروخیکه تسهیل نفث و تلبین صدر  
نمایند و سرفه خشک و سرفه را نافع بود \* صنعت آن موم زرد سه درم روغن خیمه سی درم میعه پنج درم پیده بطنه درم با هم  
کل اخته بوسینه نمایند \* مروخه دیگر سینه را نرم کند و برونفت یاری دهد و سرفه و ضیق النفس را خوا و از بوسه باشد  
و خوا و از ماده غلیظ نفع دهد \* صنعت آن پیده کرده بزموم زرد از هر یک هفت درم روغن بادام با روغن تخم کدو و با  
کنجک یا زیت سرکه ام که مناسب باشد چهل درم اگر تو طیب و تیرید زیاد و مطلوب باشد شیر الاغ یا شیر دختربا  
باز اضافه نموده یا شیر بزرگ خرقه تار و اسفال اینها و تم ریخ نمایند \* مروخه دیگر جهت التهاب سینه و تپهای مجرقه  
و ذات الصل و اورام ملتحمه نافع \* صنعت آن موم سفید پنج مثقال روغن گل سی مثقال درم یک از نل و با آب  
خیار و روغن بزرگ خرقه نیکو به مالند و تم ریخ نمایند و هر که در طیب زیاد و مطلوب باشد بجای روغن گل روغن کدو  
نمایند و تسقیه با آب بزرگ بید و بزرگ خیمه دهند و چون رنگ این همز میباشند آن را قیر و طی اخضر مینمایند \*  
**فصل در بیان آنکه مرهم از چه قسم ادویه مرکب اند چگونگی آنها \*** بد آنکه مرهم

از تراکیب اطباء سلف است و بعضی گفته که ترکیبی بران سبقت ندارد سوا می عا جمن و فرقه را عقید و آن است  
که مشترع آن ابقراط است وقتی رای او بران قرار گرفت که ناچار است در اند مال جراحت از قطع لحم بد و نیکه قاطع  
باشد مانند زکار و بالبداهه دوا کال قاطع لحم است و فایده کرد اندک و عضو پس استعمال کرد و دوا کال قاطع لحم میت  
فاسد را با دوا مغری از برای دفع خور آن و اول چیزیکه اختیار کرد از برای تغریه آن موم بود پس بعد از آن اطبا توسیع کردند  
در آن بد اخل کردن ادهان و صمغ بران \* و باید دانست که دوا چندی نرم سائید و که با موم روغن جمع آورند و  
ملا واده قروح و جراحت و بعضی از ام بدن کنند آن را مرهم گویند و این ادویه یا منقیات لحم اند و با ملحمات و

و ملزقات و یا مد ملات و خواتم و یا ادویه اكاله و منقعات اللحم و منضجات و محاللات و ملینات و غیر اینها \* و اما دوائی منبته  
لحم آن است که در جراحات و قروح گوشت بر روی اند و خونیکه در موضع جراحات باشد جزو عضو گردد اند و نشان روی آن  
است که تعدیل مزاج و قوام آن خون کند تا آن خون منعقل گردد و گوشت گردد و این فعل از دوائی حاصل شود که با وی  
تجفیفی باشد بی لنگ و سوزش باندک جلائی مثل مرد اسنگ و دم الاخوین و سفیداب قلعی و زرد چوبه و کلنار و اقلیمهای  
فصله و زراوند و ایرسا و کنک و صبر و توتیا و کرسنه و انزروت و زفت یا بن و مانند اینها \* و اما دوائی ملجم آن است  
که سبب تجفیف و تلطیف و تعدیل خود مزاج عضو خونریز را که دارد جراحات میشود و نوع قوام چسپندگی و استحاله  
و انعقاد بلجم صالح بخشد که جزو عضو گردد تا جراحات زود با صلاح آید و این فعل از دوائی حاصل میشود که با وی لزوجت  
و غروریت و چسپندگی باشد تا خون مذکور را این نوع قوام و چسپندگی باشد تا خون مذکور این نوع قوام و چسپندگی  
تواند داد مثل انزروت و صمغ عربی و سماق و سندیروس و گلف سوخته و کنک و زراوند و تینچ و مصطکی و موقشیشا و دم الاخوین  
و مقل و قنه و اشق و علك البظم و جا و شیر و صبر و مرمری و مانند اینها و این را منبت اللحم نیز نامند \* و اما دوائی  
مد مل آنست که رطوبتی که در مابین لبهای جراحات واقع شود در آن رطوبت لزوجت و غروریت و چسپندگی احداث  
کند تا باعث التصاق و صلابت لبهای جراحات شود و این فعل از دوائی صورت می بندد که تجفیفی باعث ازاله داشته باشد  
تا تکثیف رطوبت مذکور کند و قوام مطاوب حاصل شود مانند سزمه و آقا قیاس و بسف و مغر و شجرف و دم الاخوین و صبر  
و توبال نکاس و امثال اینها \* و اما دوائی خاتم آن است که در سطح ظاهر جراحات خشکی احداث کند تا بسبب آن خشکی  
از آفات محفوظ باشد تا آنکه جای طبیعی بر روی و این فعل از دوائی حاصل می گردد که تجفیف و مزاج زیاد از دوائی مد مل  
باشد و با وی لنگ و حرارت نباشد مثل کلنار و کل سرخ و تخم کل و پوست انار و ما زرو و قلع طار و محرق و شب یمانی و کل و  
و زنجفر و مس سوخته شسته و صبر و رسته و مانند اینها \* و اما دوائی اكال آنست که خوردن گوشت عضو باشد و نفوذ  
و جلا و تحلیل و تفریق وی بمرتبه باشد که از جوهر گوشت چیزی نماند سازد مثل زنگار و زرشاد و زرنیج و آمک که آب ندیده  
باشد و اشنان و اشق و توبال مس و انزروت و امثال اینها \* و اما دوائی منضج آن است که از نشان وی آن باشد که خلط را  
منضج دهد و این اثر از دوائی حاصل میشود که سخونیت باعث ازاله داشته باشد و با وی قوت قابضه نیز باشد که خلط را نکاه  
دارد و مدخل خود تا نضج بیابد مثل کندم خائید و خبازی و برگ خطامی و تخم کتان و پیا زبخته و انجیر و زفت و امثال  
اینها \* و اما دوائی محلل آن است که در آن حرارتی باشد تا ماده را از عضو که در آن متبهم شده باشد تبخیر کند  
جزء بعد جزء تا انرا اینجا پرا کند \* کند مثل بابونج و مصطکی و خطامی و شبنم محرق و روغن زیت و اقلیل المملک و اقحوان  
و زرد چوبه و جنک بادستر و مانند اینها \* و اما دوائی جاذب آن است که کشنده باشد اخلاط و رطوبات را به موضعی که  
ملاقی آن است و حرکت دهد بسوی آن به سبب حرارت و لطافتیکه دارد و این اثر اگر در دوائی یکمال باشد باعث آن  
میشود که پیکان و خار و غیوان را در عضو که فرو رفته باشد از آنجا کند و شود و به همین جهت میل کند مثل زراوند  
طویل و مد حرج و اشق و برگ بید انجیر و پیا زرنکس و بیج نی و ثافسیا و گوشت حلزون و غیر اینها \* و اما دوائی جالی  
آن است که پاک کنند عضو باشد و دفع کنند رطوبت لزجه و جامده که در سطح عضو بود و حرکت دهد و دور سازد مثل  
عسل و زراوند و زرد چوبه و صمغ و سکبب و انزروت و زفت و غیر اینها \* و اما دوائی مقطع آنست که بسبب لطافتیکه  
داشته باشد نفوذ کند میان خلط لزج و عضویکه بدان چسپندگی باشد تا آنکه از عضو آن را جدا سازد مانند خردل \*  
و اما دوائی متعفن آنست که افساد مزاج روح و رطوبت آن عضو کند به تحلیل بمرتبه که صلاحیت جزئیست و بی ل

ما بین حال آن عضونداشته باشد و اعتماد و بهر قیسه نباشد که عضو را بخورد یا بسوزاند بلکه همچنان رطوبت فاسد را در آنجا باقی دارد و عمل کند در آن بغیر حرارت غریزیه و متعفن سازد آنرا مثل زنجیر سرخ و زرد و ثا فساید را در ریح و سرکین کبوتر و فرقیون و غیر اینها \* و اما ماد را میوه و میوه ای مرطبی است که مخالف رطوبات قروح شود و آن را زیاد و کوداند و نکند ارد که خشک و منحل شود مثل موم و روغن از جمله دواهای مراهم و ای است که ریش متعفن را با سلاح آورد مثل زرا و زنی طویل و سعل و انزروت و را سخت و مغره و زاج سرخ سوخته و پوست انا و رکن و راشق و جار شیر و ادویه سوختگی آتش است مثل سفید \* تخم مرغ و اهک شسته و خنار سرکه و برک بارتنگ و پوست درخت صنوبر و کل ارمنی و صندل و سفید آب و مورد استنک و سفال سفید نو \* و ادویه ایست که خون از جراحت باز دارد مثل صبر و کند رودم الاخوین و بشم خرکوش و خانه عنکبوت و غبار آسیا و انزروت و نشاسته و قلع طار و جیسین و غیر اینها \* و ادویه ملینه نیز از جمله است مانند بایونج و ریح خطمی و اشق و مقل و میعه و قنده و زعفران رطب و روغنهای و پیچها و غیر اینها بسیاری از ادویه مراهم است که در اکثر این تا ثیرات مشترک اند و این آثار را از ایشان سر می زند با وجود آنکه ضد یکدیگر اند با هم تارکب القوی بودن آنها مانند سرمه و انزروت و سفید آب و را سخت و مورد استنک که از جمله دواهای اند که گوشت در جراحت میر و یاند و معهل اکوشت فاسد قروح را نیز میخورد و در قروح تازه استعمال میکنند و در ریشهای متعفن نیز بکار میبرند و در دواهای ملجم نیز داخل اند چنانچه از افعال و خواص هر یک از دواهای مراهم در مقدمات به تفصیل معلوم میشود و اما مثال ادویه مجفقه از غیو قبض بسیار مرد استنک و ضد فمحق است هنگامیکه نرم شود و بر جراحت بهاشند قروح و جروح محتاج با کثرت این اغراض یعنی در یانیدن گوشت و التیام و اند مال و خشک کردن اندک که ختم است و جلا و اذا به گوشت فاسد و قطع آن مراهم را به حسب آن با اختلاف مراتب طبقات و در جرات و ترکیب بایند نمود \* چون این مقل مات معلوم شد که مراهم از چگونگی ادویه ترکیب مییابند بر کسیکه صاحب فطنه سلیم و حل من در دست است از برای موعوضی از اغراض از دوائی که مناسب آن باشد مراهم ها میگویند ترکیب داد که در وقت احتیاج بکار آید و بعضی از آنها بر سهیل مثال ملک و مییابند تا زیاد نبی بصورت در قواعل ترکیب بهر وسیله \* و رضا اگر کسی را مطالبات نبات لجم باشد و خواهد که گوشت تازه بوجراحت بر وی و منحل مل شود مراهم خل مناسب است چرا که مورد استنک و سرکه اجزای این مراهم اند و فائده هر دو در یانیدن گوشت است و اند مال قرهه و اگر مطلب تنقیه قرهه باشد از او ساخ و مواد متعفن و رو یانیدن گوشت در قروح غا ثره کهنه مراهم حواریین مناسب است و اگر غرض افزای گوشت های فاسد باشد مراهم زنگار و مراهم انضاج و موافق است و اگر غرض انضاج باشد مراهم غسل و اگر غرض تحلیل باشد سر در مثل ملعه و خنار و زبر و اورام صلبه مراهم یا خلیون لائق حال است و همچنین سا ثر مراهم و نفع آنها از ادویه که از آن ترکیب یافته اند میتوان دانست و بایند دانست که از خال روغنهای در مراهم از چهل وجه است یکی آنکه هر یک از روغنهای بعضی در جراحت و قروح است مثل تبرید و تجفیف و تقویت و در روغن کل سرخ تجفیف اقوی و قبض و تقویت در زیت لفاق که زیت فرا گرفته از زیتون خام است و در روغن مورد انضاج و تحلیل و تلخین و در روغن زیتون رسیده تحلیل اقوی و تنقیه قروح در زیت کهنه و تبرید و طریب در روغن بنفشه یا دام و مانند اینها و برای میرود بین زیت السراج که در بین زیت رسیده تصفیه است و در غیر میرود بین زیت لفاق است و شیرج که روغن کنجد است و در مواد یا بسته و در زیتان بایند که روغن کنجد نصف موم باشد و دیگر آنکه بسبب روغنهای بقای قوام مراهم بیشتر می باشد نیز لفاق آنها در قروح طولی می یابند پس لامحاله تا ثیری بسیار میکنند و نفع بیشتر ظاهر می شود بی آنکه مضرتی از ادویه

بقر و رخ رسد و این وجه اقوام و جوده است که در اصول التراکيب مذکور شد و وجه دیگر آن است که در بعضی مواضع روغنهای کسر حلت دواها می کنند و منع نکایت و افساد آن ادویه از جزا حلت می نمایند که نمی گذارند که ضرر رسد بآنها و دیگر آنکه روغنهای حفظ قوت دواها می کنند و نمی گذارند که زود ضائع شوند و روغنهای مستعمل در مراهیم بحسب احتیاج بسوی تبرید و ترطیب و قبض و تسخین و تحلیل و زیت و دهن خل که شیرج و روغن کنجد نا مند و روغن کل سرخ و روغن مورد و روغن بنفشه و نیلوفر و خیری و روغن کارو مانند اینها است و داخل موم نیز بواسطه همین وجوه است با فائده دیگر که استمساک اجزای مرهم می کند و قوام صالح می بخشد که قروح قرار گیرد و به سبب تاثیرات روغنهای سیلان نکنند و وزن موم روغن در مرهمها چنین مذکور کرده اند که باید موم زیاده بر سایر اخلاط باشد و تنبیه مغزی دیگر در آن نباشد و لا مغزی دیگر نایب مذاق است و زیاده بودن بر سایر اجزا و روغن در زمستان و و چند موم و در تابستان مساوی و نیز گفته اند که بهترین روغنهای روغن کل سرخ است اگر در زمستان باشد در مرده در روغن یک گرم موم داخل کنند و اگر در تابستان باشد سه گرم و همین قسم دهان دیگر و حکیم میرمحمد مؤمن در تحفه نوشته اند که شرط است که روغنهای مراهیم زیاده از نصف و ربع اجزا نباشد بلکه باید که ادویه شش جز و روغن پنج جز و موم ربع جز و باشد و داخل پیه ها در بعضی مراهیم از حیثیات مذکوره است و برای زیادتی تلخین و تحلیل مانند پیه کوهان شتر و پیه مرغ و بطمانند اینها و داخل امخاخ یعنی مغزها مثل مغز ساقی و غیره نیز بواسطه زیادتی تحلیل و تلخین است و سفید تخم مرغ از جهت زیادتی تبرید و تلخین است و زرد تخم مرغ بواسطه تلخین است این بود که محلی از احوال اجزای مرهم که ذکر کرده شد و زیاده برین اینجا کنجا پیش نه آرد اما طریق ساختن مراهیم و کیفیت تدابیر ادویه آنها چنان است که اول ادویه جیده تازه خوب اختیار نمایند و از اشپای غربیه و کرد و خاک و غیره پاکیزه کنند پس ازان اگر دوائی است که کوفته یا بخته میشود نیکو بکوبند و نرم بپزند و اگر هاون سنگی صلب باشد مثل سنگ سماق که در کوفتن چیزی ازان ها و ن داخل نشود بهتر است و بهارچه تافته به پیزند و باز یکم رتبه دیگر بکوبند و بپزند و باز دوهاون صلایه نمایند تا مثل غما رشود زیرا که بعضی ادویه خصوصاً ادویه که صلابتی داشته باشند هر چند نرم تر است منفعتی که ازان متوقع است بیشتر ظاهر میشود و نیز از جهت درشتی بر جراحت آسیبی نمی رسانند و هاون آن است که از هر يك از ادویه جل ا جل بطریق مذکور بکوبند و ببینزند و بعد ازان بوزنی که مقرر شد بکشد و باهم مخلوط نمایند و آنچه صمغ باشد مثل جها و شیر و اشق و قنده و را تخمچ و مقل و مانند اینها در دوائی مائعی که مناسب غرض مطلوب است از مرهم مثل سرکه و آب گل اب تازه و آب گند نا و امثال اینها بخیسانند تا حل شود و در هاون خوب برهم زنند و بسایند که چیزی حل نشود و نمازند و بعد ازان صاف کرده داخل کنند و اگر دواء مائعی در مرهم نبوده باشد حتی المقل و رآن را در هاون نرم نمایند و بعد ازان در روغنهای مرهم بر روی آتش اخگر ملایم حل کنند خواه درین صورت خواه در زمانیکه در چیزی مائع حل کرده باشند و باید که آتش تند نباشد که بسوزد و اگر بعد از حل شدن ثقلی یاد ردی در آن ماند که حل نشود باشد از پارچه تنگی بکنانند و صاف کنند و باید که مقل اردی ازان دوا زیاده اخل نمایند تا بعد تصفیه وزن آن کم نیاید و بعد ازان دواهای بپخته را داخل نمایند و زفت را نیز در روغنهای مرهم حل نمایند پیش از آنکه دوائی دیگر داخل کرده باشند و اگر ددی داشته باشد آنرا نیز صاف نمایند و سقز و مصطکی را نیز درین روغنهای حل نمایند پیش از داخل کردن دواهای دیگر و طریق ترکیب آنست که موم را در روغنهای و شحوم بک ازن و از آتش برگیرند و کوما گرم زفت را مرتبه اول در آن حل کنند و پس ازان صمغها را حل کنند و اگر زفت و ادویه صمغیه را باندک روغنی که موم داخل نباشد استه باشد حل کنند و از پارچه دستاری

یعنی نازکی بکنند و صاف نمایند و بعد ازان بامومک اخته و تتمه روغنهاییا میزنند بهت و خواهل بود سقز را نیز در وقتیکه  
 زفت داخل میکنند میبایند داخل کرد حاصل آنکه آنچه داخل کردنی است میباید که اول در روغنهای که حرارتی داشته  
 باشند که اینها حل شوند اول آنها را داخل نموده حل کنند و اندکی بکنند ارنه که حرارت روغنهای کم شود پس و اما خشک  
 که گرفته اند و بپخته داخل کنند و چند آنکه توانند بدهم زفت تا نیکو مستوی و یکسان گردد و اگر ادویه صمغیه را مانند  
 مصطکی و علك البطم و صمغ میائی و زفت و را تیمنج و سکیمینج و امثال اینها در وقت رمضا عاف یعنی در پائیزی که آب کرده و آتش بکنند ارنه  
 تا بجوش آید و ظاهر آنکه از روغن کرده از روغنهای مناسب در میان آن ظرف آب گرم بکنند ارنه تا روغن از حرارت  
 آب گرم گرم شود پس ادویه را در آن روغن اندازند و اختلاطی حرکت دهند تا حل شود و بعضی ادویه که شستن  
 است بایند در وقت شستن آن بلکه شستن آن منافی غرض مطلوب است از آنجمله آهک است که اگر  
 در مرمه آهک از سوی سختی آتش بکار میبرند مبالغه تمام در غسل آن میباید نمود و مکرر میباید شستن تا  
 حالت حرارت آن با نگیه برطرف شود و همچنین قوت مجفقه آن که از برای خشک کردن اندک قروح مطلوب است بماند  
 و اگر در بعضی موارد ای دیگر که بواسطه افساد گوشت فاسد و زائد باشد در قروح فاسد عفنه استعمال نمایند تا شسته  
 آن داخل میباید کرد که آب ندید آن که قوت آنکه از آن مقاومت نکرده باشد و همچنین سفید اب را که در مرمه سفید و مرمه  
 کافور داخل کند بواسطه رویانیدن گوشت بکار بوند میباید شستن تا حالت و حرارتی که از آتش کسب کرده زائل شود  
 و اگر در مرمه ای که از جهت خوردن گوشت فاسد باشد استعمال نمایند احتیاج شستن ندانند و همچنین سائزاد و یقه دیگر  
 که نفع آن مشترک باشد در رویانیدن گوشت و در تحلیل و تنقیه قروح و خوردن گوشت زائد درین جماعه از برای رویانیدن  
 گوشت نیز در قروح تازه شستن ضرور است و در مواردی که لازم نیست مانند مرد است که در مرمه خل میباید شستن و  
 اگر در مرمه یا خایون نیز بشویند که از برای تحلیل است بل نیست و بطریق شستن مرد است که سوائی طریقی که عموما  
 امثال آنرا میباشند چنانچه در شستن سفید اب و مرد است که گوشت آنست که مرد است که را بسیار نرم صلایه کنند و  
 باهم وزن آن است که در ظریفی کنند و آن قدری آب در آن بریزند که چهار انگشت بروی آن بایستد و وقت روزیکه ارنه و  
 هر روز و وقت بدهم زفت و بعد ازان این آب را بریزند و آب دیگر را داخل کنند و باز یک ستور هفته دیگر بکنند ارنه و باز  
 بریزند و آب تازه داخل کنند و همچنین تا چهل روز بکنند بعد ازین عنوان که کشت پس خشک کنند و قرص سازند و نگاه  
 دارند و کتاب ارشاد این جمع در وقت بمرود است که در مرمه که باشد قاعه ذکر کرد و آن چنان است که مرد است که را  
 چندان بسایند که مثل غبار شود بعد ازان با روغن زیتون آنقدر بپزند که شروع در حل شدن کند پس خشک کنند و باز  
 در روغن مذکور طبع نمایند آنکه داخل شود در وقتان طبع و بدهم زدن مرگا و مشام شود که مرد است که بیک نشسته  
 و بافت را از روی آتش بردارند و لحظه بکنند ارنه و همچنین بدهم میزد و باشند و باز بر روی آتش بکنند تا حل شود و  
 اگر مرد است که با آب و آفتاب تا چند روز بسایند تا سفید شود و مثل غبار کرد و بعد ازان خشک کرده داخل مرمه ها  
 کنند و در طبع میباید بطریق شستن عوم در مرمه ها اگر احتیاج شد چنان است که موم را بکنند ارنه و در آب بریزند  
 چند مرتبه تا بل آن حل رسد که دیگر در آن طعام موم نمایند و بطریق شستن زفت و را تیمنج و روغن زیتون نیز بهمین  
 قاعه و است و غسل ادویه حیویه و امثال آن از توتیا و شاد فی و خیمت نقره و اقلیم یاوغیرها چنان است که پیش ازین  
 کشت که در میان بسا نرم صلایه نموده آب در آن داخل کنند و خوب حرکت دهند تا آنچه نرم مانده غبار شده باشد  
 مخلوط با آب کرد و آنرا باهستگی در ظریف دیگر بریزند و آنچه در شستن است و غمز خوب سائزاد و یقه نشین باشد با



باز میباید صلاحیه کرد و آب داخل نمود و نرم آن را گرفت و همچنین تاد بگردد رشتنی در آن نمائند و تمام مایند غبار  
 گردد پس آن طرف را بکند ازند تا آنکه اجزای آن تمام ته نشین شود و آب خالص برآید پس آن آب را بپزند و او را برداشته  
 خشک نمایند و باز بر سنگ سماق صلاحیه کنند تا خوب خاطر جمع شوند و بعد از آن داخل مراهم نمایند و همچنین در  
 داروهای چشم را اگر چنین کنند که بعد از تصویریل بر سنگ سماق باز بسایند و بکار بوند بهتر است \* اصلاح دبق آنست که  
 بعد از آن که دانه آنرا بیرون آورده باشند در هاون با قدری روغن زیتون یا مغز انبه بید انجیر و امثال آن بسایند پس ساغر  
 ادویه با آن اضافه نمایند \*

### فصل در بیان مدت عمر و بقای اثر مراهم \*

بدانکه تصریح نموده اند که اثر مراهم مدت ها باقی میماند و هر چه صمغ بسیار داشته باشد تا بیست سال قوت آن باقی  
 میماند خصوصا آنچه در آن سرکه باشد و بعضی را عقیده آن است که هر مرهمیکه از زیت باشد قوتش ساقط نمیکرد و اما  
 آنچه در آن شحم باشد بعد از یک سال استعمال نباید کرد و این قولی است را جمیع و فیک بسبب سرعت فساد شحم چون  
 این فصل در ذکر مرهم ها است و مراهم از برای معالجه قروح و جروح است بخاطر فائز رسیدن که قاعده \* محمولی مغیله درین  
 باب ذکر نماید تا باعث ازدیاد بصیرت معالجین گردد \* بدانکه جراحت بکسر جیم و فتح راء و الف و های مهملتین و تا  
 در اصطلاح تفرق اتصال را گویند که در کوشش واقع شود و هنوز بچرک نیامده باشد \* قرحه بضم و قاف سکون را و فتح حاء  
 مهملتین و ها تفرق اتصال را گویند که در کوشش بود و چرک از آن بر می آید \* باشد اعم از آنکه ابتدا جراحت بوده و بچرک  
 آمده و یا ورم بوده و منفجر شده \* و قرحه هرگاه دیر بماند و کهنه شود و عمق و غوری بهم رساند و کناره های آن سطبر  
 گردد و صلابت بهم رساند و در آن ساکن شود و چرک نضج یافته آن بر طرف شود و زرد آب متعفن از آن بیرون آید  
 در این صورت آنرا ناصور نامند \* اما قانون علاج آن است که اگر جراحت اندکی باشد و به بستن تنها قهر آن و بهای آن  
 فراهم آید در این صورت هیچ احتیاج بعلاج دیگر نیست سوای آنکه در در طرف آن چیزی از لته یا پنبه کهنه موافق وضع  
 و منقار جراحت سازند و بکند ازند و پارچه بر آن به پیچند و به بندند و آن را رفاده گویند و پارچه کوباسی که جراحت  
 و شکستگیها را بد آن می پیچند رباط نامند و ملا حظله از غل اهای غلیظ و امتلائی از طعام و شراب نمایند و بکند ازند که در  
 جراحت چیزی واقع شود و مانند موی باروغن یا غیر اینها زیرا که اینها مانع التیام و التکام اند و به همین قدر رتد بپیر این  
 قسم جراحت نهایت تاسه روز بیش نمیکشد که به میشود بی آنکه احتیاج بدوائی شود و اکثر مردم دانسته یا ندانسته به ضل  
 این عمل میکنند و روغن ها و روغن ها میکنند ازند و غل اهای غلیظ میبندند که باعث ورم میشود و جراحت تازه میگردد ملتی  
 ملتی میکشد و گاه باشد که عضو نیز مشرف بر تعفن شود خصوصا در تابستان و موجب فساد گردد و اگر جراحت بزرگ باشد  
 و عمقی داشته باشد و بجز رباط بهم نیاید درین هنگام احتیاج بدوائی که کوشش بر ویاند از مراهم و ذرورات دارد و در  
 خور مزاج و وقت احتیاج آنچه ضرورت داعی باشد بکند ازند و نوعی نمایند که در جراحت و حوالی آن ورمی حادث نشود  
 با اینکه عضورا سخت نه بندند و حرکت ندند و حوالی آنرا ساعت ساعت طلاهای بارد بمانند و لته با آب و سرکه تر کرده  
 در جاییکه جراحت بهم رسیده اندکی بالا تر از آن بکند ازند خصوصا هرگاه در در حرارت بوده باشد که این تل بپیرات منع  
 انصباب مواد از آن عضو میکنند و اگر از موضع جراحت خون کمتر بیرون آمده باشد در این صورت بسیار است که موجب  
 ورم میشود بنابراین اگر وقت اقتضا کند فصل از عضو که مقابل عضو مجروح باشد نمایند ناماده کم شود و از آن عضو بطرف  
 دیگر منجذب گردد و اگر جراحت عمقی داشته باشد و دهنش تنگ باشد در این صورت باید که مرهمی بکند ازند که دهن  
 جراحت را بهم آورد و غورش باقی بماند چرا که اگر چنین کنند چرک بسیار در اندرون آن جمع شود و گیسو کنند و احتیاج

شود که باز از همانجا و یا جای دیگر بشکافند و چرک را بیرون آورند و جراحت زیاد شود و گاه باشد که عضو را تمام فاسد کند و قرصه های بدن بهم رساند پس لازم است که در چنین جا همیشه در دهن جراحت پنبه و فتیله بروغنه های مخصوص یا مرام چرب ساخته یا آلوده کرده بکنند از آن تا زود بهم نیاید و مرتبه بمرتبه از غور آن گوشت بزداید تا بدن جراحت رسد و ازین جهت است که جا ملان با آنچه مذکور شد عمل نه نموده علیل را در مخاطره می اندازند اگر جراحت بزرگ باشد و دهنش بسیار فراخ باشد اگر به بستن قعرش بهم میباید انسب بستن آن است که اگر به بستن هم خوب بهم نیاید در اینوقت احتیاج بد وختن است و بخیه زدن بقدر احتیاج و اکثر آنست که جراحتیکه محتاج بد وختن است جراحتی است که در عرض بدن واقع شود و اگر طول باشد بیشتر آن است که بوفاد و رباط بهم می آید و احتیاج بد وختن و بخیه زدن نیست بطریق بستن جراحت چنان است که رباط را بعنوان جراحت به پیچند که استحکام و سختی آن در غور جراحت نرم تر باشد و عضو مجروح را مشکل بشکلی سازند که دهن جراحت در اسفل واقع شود که زرد آبی که در آن بهمرسد از دهن جراحت بیرون آید و اگر ممکن نباشد که دهن جراحت را در اسفل کنند هر روز ملاحظه کنند اگر جراحت روبرو بهبودی دارد و چرک کم می آید و غورش ناقص میگردد و چرک در اندرون جراحت جمع نمیشود همان قدر بپیریکه دارند از دست نهند تا به شود و اگر چرک جمع شود در جراحت دست بکنند از آن و فرود بزنند اگر چرک از دهن آن بیرون می آید علامت آن است که کیمه کرده این هنگام شرط آن است که از اسفل جراحت از جاییکه نزدیک به نهایت غور جراحت باشد بشکافند تا مصلی از برای چرک بر آمدن بهم رسد و در وقت جمع نشود که باعث فساد گردد و غل ای علیل هر چند لطیف تر باشد و کمتر خوردن شود و غل امای خشک باشد بهتر است تا خلط زیاده بهم نرسد و بر موضع جراحت نریزد و موجب ورم نگردد و اگر در بدن خون زایل باشد فصل ضروری است و همچنین اخلاط دیگر اگر غلبه داشته باشد موافق خلط به تنقیه نیز احتیاج افتد و باید که معالج صاحب حال باشد و با این قوانین عارف باشد تا خطائی واقع نشود این است مجمعی از قانون علاج جراحت و بطریق شکافتن خراج و دملهای که نضج یافته باشند و بخودی صفتش نشوز چنان است که از اسفل آن ورم بشکافند از جاییکه چرک همیشه با سانی بیرون آید و اگر ممکن نباشد از جاییکه پوستش تنگ تر باشد و بر آمدن تر باشد از اینجا بشکافند و اگر ورم در عضوی از بدن واقع شده باشد که مستوی و هموار است و تنگی ندارد شکاف آن را بنوعی کنند که طول آن بطول بدن موافق باشد نه بعرض چرا که در اینصورت چرک بهتر بیرون آید و اگر در موضعی است که شکنی دارد شکاف را در شکنی قرار دهند اگر آن شکنی بر نفس مفصل نباشد وقت شکافتن اگر ورم در جائی واقع شده است که نزدیک مفصل است و یا گوشتی ندارد بسیار نکند از آن و زود بشکافند تا چرک با استخوان منتهی نشود و استخوان منکشف نگردد و رباط مفصل فاسد نشود و اگر ورم در اعضای کیمه است که گوشت بسیار دارد در این وقت اگر انتظار کشند که خوب نضج یابد بهتر است چرا که اگر در شکافتن آن استعمال کنند ملت سیمان ملت و متماد می میشود و زرد آب و چرک فاسد بهم میرساند و لبهای جراحت صلب میشود و دیر باصلاح می آید و اگر خراج ورم بسیار بزرگ باشد سوار آن است که بیک بار نوعی بکنند که چرک بسیار بیرون آید بواسطه آنکه درین حال گاه باشد که علیل را تاب تحلیل زیاد نمی باشد و باعث غشی شود بلکه باید که اندک اندک چرک را دفع نمایند و اسباب دیر باصلاح آمدن قروح و قوائین معالجات آن بدن آنکه سبب دیر باصلاح آمدن آن است که در بدن خون کم است یا آنکه فاسد است و یا آنکه در جراحت و باله های آن گوشت صلبی و یا گوشت فاسدی بهم رسیده که مانع روئیدن گوشت صالح است و یا آنکه استخوان شکسته در اینجا واقع شود که مانع التهام است و یا آنکه در جراحت چرک بسیار بهم میرسد و نمیکنند که

که به شود و یا اگر در روزه و مرهمها که بپا آن علاج میکنند موافق بقرحه نند از نند و یا آنکه نفس قرحه رداءت و عفونت  
 و یا در و با بن سبب ملتحم نمیشود پس اگر دیر به شدن قرحه بواسطه کمی خون باشد علامتش آن است که در حوالی  
 جراحات سرخی نمیباشد و ثروزی در آن ظاهر نمیشود و جراحات خشک و لاغر میباشند و بدن ضعیف و کم خون و علا جش  
 آن است که هر روز چند نوبت با آب گرم موضع جراحات و حوالی آن را کاد نمایند تا سرخی بهم رسانند و بدن واسطه  
 خون بسوی آن منجذب شود و غل اها نیکه مولد خون باشد بخورند و مرهم اسود بر جراحات کد از نند و حوالی آن را برفق  
 بمالند که مالیدن نیز خون را جذب میکند و اگر به سبب رداءت خون باشد علامتش آن است که لون فم بکلی و رت  
 و بدن میبل نماید و علا جش فصل است اگر وقت اقتضا کند واسهال خلط فاسد و بعد از آن علاج قرحه را کرد و بر شدن  
 قرحه بواسطه کوشش صلب باشد که برب جراحات بهم رسیده علا جش آن است که آن را خشک کنند و بتراشدن آنقدر  
 که خون بیرون آید و جراحات تازه گردد پس علاج کنند و اگر آن کوشش غلیظ است همگی آنچه غلیظ و صلب است ببرند  
 و اگر کوشش صلب در تمامی قرحه باشد و غرور لبهای آن تمام خشک و بی لذت باشد درین هنگام سرمبلی در جوف  
 قرحه کنند و حک کنند تا خون بیرون آید و اگر از برای حک نمودن احتیاج بشکا فتن شود و بشکافند و حک کنند و اگر  
 حک ممکن نباشد دوائی کال بکند از نند پس از آن روغن تا کوشش فاسد ساقط شود بعد از آن علاج قرحه کنند و اگر  
 به سبب استخوان فاسد باشد که قرحه با صلاح نیاید علامتش آن است که قرحه منحل میشود و یا زرد میگرد و چرک  
 رقیقی از آن ترشح میکنند و همیشه باین عنوان میباشند علا جش آن است که مهمل در جوف آن بفرسند و ملاحظه کنند  
 که استخوان در کجا است پس آنقدر ریشکا فند که با استخوان رسد و ملاحظه آن استخوان کنند که در چه مرتبه است حک  
 بایک کرد و یا قطع در خوردن فساد و عمل آورند و اگر ممکن نبوده باشد دوائی کال بکند از نند و بعد از آن روغن تا کوششها بیفتد  
 و روی استخوان کشوده گردد بعد از آن علاج استخوان کنند و اگر به نشن قرحه به سبب عفونت آن باشد و فساد کوشش و  
 و نرمی آن دوائی تنبل بکند از نند تا خشک شود پس روغن بکند از نند تا کوشش فاسد بیفتد و باز داغ کنند تا کوشش فاسد  
 سوخته شود و روغن بکند از نند تا بیفتد و بعد از آن که کوشش صحیح ظاهر شود علاج قرحه کنند و اگر به نشن قرحه و با صلاح  
 دنیا من آن سطر می و برآمد کی رکها باشد که بر بالای قرحه بهم رسیده باشد علا جش آن است که اول فصل عام کنند  
 اگر مصلحت بوده باشد پس فصل رکهای مذکور تا مخرج فاسد از عضو مخرج بر طرف شود و به مطبوخ اقیهون که اخراج  
 خلط سوداوی کند ماده را اخراج نمایند و بعد از آن قرحه را علاج کنند و اگر دیر به شدن قرحه بسبب عدم موافقت دواست  
 یا بواسطه آن است که در عضو گرمی زیاده احدی افکوده و درین حال علامت آن است که حرارت و سرخی و ورم زیاده  
 بهم رساند زیاده از سابق و علا ج آن است که مرهمهای سرد مثل مرهم سفید آب و کافور و مرده سنگ بکند از نند یا بواسطه  
 آن است که در مزاج قرحه برودت بهم رسیده در این صورت علامت آن بسبب برودت سودا و خضرت و صلابت قرحه است  
 علا ج در اینوقت مرهم اسود و امثال آن موافق است و بواسطه آن است که تجفیف در با بقدر مطلوب نباشد و در قرحه رطوبت  
 و بیس و زرد آب و چرک بمیباشد علا ج در اینوقت آن است که مرهمهایی که بیروست قوی داشته باشند مثل مرهمی  
 که از چلنا رومار و سوزن استعمال نمایند یا بواسطه آن است که در جلا و تنقیه در اقصواری است درینکالت چوکهای فاسد  
 و کوششهای زشت در قرحه میباشند علا ج آن است که مرهم اخضر و دیگر مرهمهای که در تنقیه قوی باشند بکند از نند و یا  
 بواسطه آن است که دوا باعث لذت میشود و کوشش آن را فانی میسازد و در این حال درد و ورم و حرارت و همی باشد و  
 و روز بروز جراحات فراخ نیز شود علا ج که بمرهمی نرم تر از آنچه استعمال میکردند نقل کنند تا فائده دهد و یا بواسطه

آن است که مزاج ملیل از اعتدال بسیار دور است علاج در اینوقت آن است که مزاج وی را با اعتدال باز آورند و از مرهمها چیزی بکار دارند که موافق باشد قضا اگر کسی بسیا رخشا باشد مرهمی که بواسطه روئیدن گوشت استعمال میکنند میباید که دواهای متعطف قوی داخل داشته باشد زیرا که در بدن صاحب مزاج یا بس دیرتر متاثر میشود احتیاج بدن را قوی است و در صاحب مزاج تری برعکس این بود مجملی از قوانین علاج قروح و جراحات \*

**فصل در بیان نسخ مرهمها \*** بد آنکه مرهم اسرب در آب را سفید اج و اشق و انزروت و توتیا و جل و اورو

چوب چینی و صابون و نیم هر یک در حرف و فصل خود ذکر یافت و میباید و تنمۀ اینجا مذکور میشود به ترتیب حروف تهجی \*  
 مرهم ابیض جهت حرقت نار و التهاب جراحات و زرم حار مقعد و حمره و شقاق قبل که از جراحات باشد \* صنعت آن موم  
 ده دوم روغن کنجد سی درم بعل از یک اختن موم را از آتش برداشته که حرارتش کم گردد سه عد سفید و تخم مرغ داخل کرده  
 بر هم زنند تا مستوی گردد و اگر تری زیاد باشد خواهند عوض روغن زیت و کنجد روغن کل و روغن کد و حوض اضافه  
 نمایند و اگر در دشت یل باشد بدن حوض قلد ری افیون داخل نمایند و اگر گرمی بیشتر باشد قلد ری کافور و زیتون اضافه نمایند \*  
 مرهم ابیض که سوختگی آتش را که قروح حار را نافع است منقول از حکیم \* سنگین و فونکی \* صنعت آن سفید اب کاشغری  
 پنج دایم موم زرد چهار دایم کافور و قیصری یکتوله روغن کنجد یک دایم ملی الرسم مرهم سازند و عند الحاجة بر پارچه نازکی  
 مالیده و بر زخم بکند از یک \* مرهم ابیض که جراحات تازه کوش را نافع است و سوزش را به نشاند \* صنعت آن سفید اب  
 اریزوم سفید از هر یک یک جز و روغن کل یا روغن کنجد هر کدام که باشد دو جز و موم در روغن بکند از یک و سفید اب را در  
 ها و نهند و از موم که اخته اندک اندک بران ریزند و بگویند تا سفید اب ته نشین نگردد و چون آمیخته شود پس بفتیله  
 آلوده در گوش بکند از یک \* مرهم ابیض کافوری سوختگی آتش و جراحات و قروح حار را نافع است \* صنعت آن سفید اب  
 اریزوم روغن کنجد موم سفید از هر یک چهار توله کافور و قیصری ششما شده بد ستور مرتب نمایند \* مرهم ابیض سوزش و  
 گرمی زخم جراحات را به نشاند و بطو بات آن را جذب نمایند و خشک و ملتئم گردانند \* صنعت آن پیه بزر و روغن کنجد موم  
 سفید از هر یک هشت توله سفید اب و روح توتیا ششما زده و توله اول موم را در روغن بکند از یک پس پیه را از آتش فرود  
 آورده سفید اب را با آن اندک اندک معزوج نمایند \* مرهم ابیض کافوری که همان نفع دارد \* صنعت آن روغن  
 کنجد سفید اب اریزوم از هر یک چهار توله موم هشت توله کافور پنج ماشه سفید اب بیضه مرغ چهار عد بد ستور مرهم  
 سازند \* مرهم ابیض جواحت را که از سوختن آتش و آب گرم و زکرمی باشد نفع دهن و گوشت را بر ویداند \* صنعت آن  
 سفید اب کاشغری و صابون کافور از هر یک دو درم موم سفید روغن کل از هر یک بقدر حاجت بد ستور مرهم سازند \*  
 مرهم ابیض دیگر از حکیم ادیس فونکی جواحت و قروح و سوختگی آتش را مفید است \* صنعت آن سفید اب قلعی سه  
 توله مود استیک در توله روغن کل سوخ پنج توله روغن را بر آتش بکند از یک و در توله موم کافوری در آن اند از یک تا یک اخته  
 شود و سفید اب و مود استیک را بسیار نرم سوده بران بپاشند و بچوب نیم بر هم زنند تا مرهم گردد \* مرهم ابیض دیگر  
 قروح و جروح حار و سوختگی آتش را مفید بود \* صنعت آن سفید اب قلعی مغسول و مثقال موم کافوری چهار  
 مثقال یا روغن کل چهار دایم مثقال بد ستور مرهم سازند و اگر در آخر قلد ری کافور اضافه نمایند بهتر است \* مرهم  
 ابیض دیگر که همین صنعت دارد \* صنعت آن موم کافوری شش مثقال سفید اب قلعی مغسول کافور قیصری یک  
 مثقال سفید اب بیضه مرغ پنج عد روغن یا سحین که بپزند و چنبیلی نامند یا زده و مثقال روغن را بر آتش بکند از یک  
 و موم را بران بکند از یک و سفید اب و کافور را سوده داخل نمایند و بچوب نیم بر هم زنند و سفید اب تخم مرغ معزوج گرد

كودۀ فروزا و رنگ و بكار بر نند \* مرهم احمد به نسخه شيخ الرئيس كه آن را مرهم و خل نامند \* صنعت آن مرد استنگ  
 يكمن كوفته بيخته در د و رطل روغن زيتون و ده رطل سرکه انكوری كه نه داخل كودۀ بر آتش نهند و برهم زنند تا  
 منعقل گردد از آتش بر كوفته يك رطل عرق الصباغين كوفته بيخته داخل نمایند و برهم زنند تا نيكو مخلوط گردد و بكار بر نند \*  
 مرهم احمد يكر به نسخه ابن جزله گفته كه اين مرهم رومي است و به عادت نافع است \* صنعت آن سرکه انكوری  
 خالص زيت از هر يك د و رطل مرد استنگ يك رطل و دانگی و نيم روخته در د و رطل روغن و سرکه را د و رهم  
 بچوشانند تا روغن بمالد و دويه را كوفته بيخته در آن ريزند و بر سر آتش نهند تا غليظ و سرخ كودۀ و بكار بر نند \* مرهم  
 احمد يكر از تراكيب ابقراط است استعمال آن نافع است از برای سوختن آتش و از برای هر مرضيكه عارض شود در رمقه  
 خصوص آنكه بوده باشد از حرارت و از برای سوختن آتش و شقاق عضو و كزیدن جانواران همي و اسقاط دانه بواسير  
 ميكنند هرگاه مكر استعمال نمایند \* صنعت آن مرد استنگ سفيد اب ارزيزا زهر يك د و رطل از روت زنگار از هر يك چهار  
 درم دم الاخوين اسرنج از هر يك د و رطل موم سه اوقيه زفت رومي يك اوقيه آنچه كد اخندي باشد در زيت  
 بگدازند و از آتش بر كوفته باقی ادويه را بجز بر بيخته بزبان بپاشند و د و رطل بن سته بمالند تا يکسان شود \* مرهم احمد  
 ديكر محلل و رادع و منضج و رام است \* صنعت آن بكميوند شنجرف را بسيار نرم بسايند و معقل از يك مثقال و پنج مثقال قنده  
 تازه سفيد نرم را بر آتش بگدازند تا كد اخفته شود پس صاف نموده شنجرف را با آن بسروشند و عند الحاجة بكار بر نند \* مرهم  
 احمد يكر از حكيم ادريس فرنكي برای زخم شمشير و غيره از جراحتها و جوشها و دماميل \* صنعت آن شنجرف كل سپارش  
 كل دهاوه مرد استنگ كته سفيد از هر يك د و توله رسكپور شمشاشه برگ نيم سائيد و اقراص ساخته سه د ام موم زرد تازه  
 نيم پار و روغن گونيم پاو و اگر نرم خواهند روغن زبادي كنند تا پا و سيور روغن را بر آتش بگدازند تا گرم شود و برگ نيم قرص  
 كودۀ را در آن اندازند و بچوب نينب حرکت دهند تا كد اخفته شود پس قرص برگ نينب را در آن اندازند و برهم زنند  
 تا بسوزد و روغن را صاف كودۀ ادويه را كوفته بيخته بر آن اندك اندك بپاشند و بچوب نينب برهم زنند تا نيكو مخلوط  
 شود \* مرهم احمد به نسخه ديكر از حكيم فرنكي كه همان صنعت دارد \* صنعت آن شنجرف رسكپور مرد استنگ كل دهاوه كه نه  
 سفيد كه بفارسي گات نامند هر يك شمشاشه روغن گاوپا و آثار روغن را بر آتش بگدازند و توله برگ نينب يعني نيم تازه  
 را سائيد و اقراص بنند و در آن انداخته بچوب نينب حرکت دهند تا بسوزد پس روغن را صاف كودۀ ادويه را كوفته  
 بيخته بر آن اندك اندك بپاشند و بچوب نينب برهم زنند تا موزج كودۀ و هنوز بر آتش باشد پس فرود آورده سرد نموده استعمال  
 نمایند و اگر از آتش فرود آورده ادويه را با آن بياميزند بهتر است در ايام گرما اگر قدري موم سفيد نيز داخل كنند اولي  
 است \* مرهم احمد ديكر به نسخه اطباي فرنك \* صنعت آن موم زرد تازه شانه نزد توله مصطكي رومي دهند كه دهنجست  
 كه از فرنك مي آورند شنجرف از هر يك چهار توله زال هشت توله در شانزده توله روغن كنجش تازه يك ستور مرتب نمایند \*  
 مرهم احمد يكر قروح گوش را نافع است و چرك آن را زائل كند \* صنعت آن مرد استنگ زيت از هر يك د و رطل و سرکه د و رطل  
 با هم آميخته برهم زنند \* تا منعقل گردد و اگر بر آتش نهند بهتر است و زرد تر منعقل ميكرد پس يك رطل عرق الصباغين  
 را بسيار نرم سائيد و با آن موزج نمایند \* مرهم اخضر كوش فاسل را بخورد \* صنعت آن زنگار خوب چيد يك اوقيه  
 نرم بسايند و با هم چنان ان غسل بياميزند و بكار بر نند \* مرهم اخضر يكو كه نواصير را با صلاح آورد و اگر د ر كوش باشد و  
 قره و ضره و رسوخه را پاك كند و لحم فاسل را بخورد \* صنعت آن زنگار يك جز و انزروت اشق از هر يك نيم جز و همه را  
 بسوکه انكوری بسايند و بعسل بسروشند و بكار بر نند \* مرهم اسرنج سرطان و سائر قروح را نافع است \* صنعت آن اسرنج

سمع عربی از هریک دو مثقال روغن گاوچهار و نیم مثقال بنام ستور موم سازند \* مرهم اسرنج محال اودام عسره السمر  
 و غنا زیر و سرطان و ورم مزمن انشیین و پخته کنند \* اودام است \* صنعت آن به نسخه سید مظفر الدین شفا بی مرد است  
 پنج درم کند رفته اشق موم از هریک دو درم ملك البطم اسرنج از هریک بیست درم آنچه کد اختنی باشد در زیت بقدر  
 حاجت بکد ازین وادویه یا سه را بکوبند و نرم بپزند و بآن بیامیزند و درها و نبل سته بمالند تا نیکو در هم شود و در  
 ظرف چینی کد اخته عند الحاجة بکار برند \* مرهم اسود کوشت برویان و قروح و طبعه را خشک کرد اند و قروح مزمنه و  
 خبیثه را مفید است \* صنعت آن به نسخه شیخ الرئيس بکیرند مرد اسنک یک اوقیه سرکه نند کهنه انکوری سه اوقیه زیت  
 دو اوقیه مرد اسنک را با سرکه بسیار نرم بپایند و با زیت با آتش ملایم به پزند تا منعقل گردد و در وقت طبع نیکو بر هم زنند  
 که مرد اسنک ده نشین نکرد و نسوزد پس از آتش بر گرفته با زهرم زنند تا سرد گردد و بکار برند \* مرهم اسود و بکرمینیت  
 لحم مجفف قروح و طبعه است \* صنعت آن بکیرند زیت و در هر رطلی از آن دو اوقیه مرد اسنک مسحوق داخل کرده  
 بجوشانند تا سیاه گردد مانند قطران پس از آتش فرود آورده بیند ازین در آن از این ذرور کند رصبر و سقوطی از روت  
 سفید و مالاخوین زیر و نذ طویل اجزا مساوی کوفته بحیر پخته آنمقل او بر آن بهاشند که غلیظ شود و درها و نبل سته  
 بمالند تا معتمو گردد و گاهی داخل گردد و میشود در این مرهم با زیت ملك البطم مقل اریک اوقیه در هر یک رطل زیت زیاده  
 گردد و میشود درد و جزو از پوست بیخ جا و شیر باد و جزو از پوست بیخ یا زرد یا از هر دو پس بد رستیکه این مرهمی  
 قوی است در انبات لحم و تجفیف قروح و طبعه \* مرهم اسود به نسخه آن مرحوم یعنی حکیم معتمد الملوک سفید علویان  
 قند من سره نافع از برای قروح مزمنه و قروح و طبعه و خبیثه \* صنعت آن مرد اسنک مسحوق مغسول سرفنج مغسول  
 سفید اب از زیز مغسول زاج اخضر معروف بتوتیای هند و از هریک يك مثقال روغن کنجد هشتاد مثقال ادویه را در  
 روغن داخل کرده بجوشانند تا سیاه و غلیظ شود از آتش فرود آورده نگاه دارند و در وقت حاجت اندکی از آن را کرم  
 کرد و بر پارچه کتانی مالند و بر اخیچسپا نند \* مرهم اسود به نسخه ابن جزله که در منهاج البیان آورده و گفته که  
 کوشت فاسد بخورد و کوشت تازه برویان و بسیار از صفوات و جراحات را با صلاح آورد \* صنعت آن مرد اسنک نیم  
 رطل روغن زیتون یک رطل و ربع رطلی زفت رومی دو اوقیه ملك البطم پنج درم و ملك و موم و زفت را بر روغن بکد ازین  
 و مرد اسنک را کوفته پخته در آن اند ازین و بکود اند تا منعقل گردد \* مرهم اسود قلمی فرموده اند که این نسخه از والد  
 ماجل فقیر است قند من سره و چوب از برای جمیع زخمها و قروح و بثور و صراوی و رد موی و جرب و سعه متقروح \* صنعت  
 آن مغز تخم کل و دریان مغز تخم هند رانه بریان از هریک دو مثقال و در نسخه دیگر از هریک چهار مثقال است سفید اب  
 و شغری شسته دم الاخوین نوشا در توتیای کرمانی مغسول مرد اسنک برك حنا بیخ بله کلنا فارسی از هریک يك مثقال  
 موم سفید و مثقال بر روغن کل سرخ دو مثقال بنام ستور موم سازند و درها و نبل سته بمالند تا نیکو معز و ج گردد و در  
 نسخه دیگر انجاف بیخ بله پوست کد و سوخته است \* مرهم اسود کوشت مرد و بخورد و ریشها را با صلاح آورد \* صنعت  
 آن مرد اسنک یک چهار یک زفت رومی بیست درم ملك البطم پنج درم در روغن زیت بکد ازین و مرد اسنک شسته  
 نرم صلا دهد کرد و در آن مسز و ج نمود و درها و نبل سته خوب بمالند \* مرهم اسود منقول از حکیم اسنک رفتگی \* صنعت  
 آن روغن کنجد سه مثقال کرم نمود و در ظرف آهنی سفید اب از زیز مغسول نیم مثقال در آن اند ازین و بچوب نیم بوم  
 زنند تا سیاه گردد پس مود سیاه و مود سفید از هریک یک ربع مثقال کنند بویان سه ربع مثقال نرم سود داخل  
 نجا بنل پس پیه کرده کار یک مثقال موم زرد ربع مثقال زفت رومی سه ربع مثقال و از آتش بر گرفته با چوب نیم بوم زنند

زنتی تا نیکو صبر و جگر درد و بکار برند \* مرهم اسود مشهور بمرهم سیاه حکیم ادریس فرنگی در اسفیداج ذکر یافت \*

مرهم با سلیقون صغیر به نسخه شیخ الرئیس \* صنعت آن زفت رومی را تینچ بالسویه بازیت بدستور مرهم سازند \*

مرهم با سلیقون کبیر به نسخه شیخ الرئیس صالح است قروح را و کوشش برویان و موضع عصا نیه و جراحتیکه با آنها حرارت نباشد \* صنعت آن موم یکرطل زفت رومی هشت اوقیه مرهمی علك الانماط را تینچ ازهر یک چهار اوقیه زیت پنچ رطل زفت و موم را در زیت کداخته مروغیره را نرم سائید و درهاون بدسته بمالند تا یکسان گردد عجیب الفعل است و در قروح و جروح و اورام بارده و در خواص قریب است بمرهم خل که آن را مرهم قلقلد یس نیز گویند و از مشاهیر مرهمها است محمود بن الیاس شیرازی گفته که مرهم با سلیقون مرهم اسود است \* صنعت آن به نسخه شاپور بن سهیل زفت رومی را تینچ موم سفید ازهر یک یکجز و فته ربع یک جز و زیت دو مثل مجموع ادریه به طبع مخلوط یکدیگر کنند و از آتش بر گرفته مرهم سازند تا سرد شود و استعمال نمایند شیخ داود گفته اگر بوره ارمنی درین مرهم داخل نمایند میگردد اقوی \* مرهم با سلیقون تمام ریشها و جراحت ها را که گرم نباشد سود دارد \* صنعت آن زفت رومی هشت اوقیه موم سفید نیم من مرهمی صافی را تینچ علك البطم ازهر یک چهار اوقیه زیت بقدر حاجت بدستور مقرر مرهم سازند \* مرهم با سلیقون به نسخه فلاسی گفته که این مرهم مکمل و ملین قوی است \* صنعت آن را تینچ شمع زیت و در نسخه دیگر بای شمع پیله کا است بدستور مقرر مرهم سازند و گاهی این ادویه را جمع میکنند بگویند بدین طبع پس نکاهل داشته در وقت بکار می برند \*

مرهم با سلیقون به نسخه دیگر اورام صلبه را نرم کند و پوزند و قروح و اورام را از چرک پاک سازد و کوشش نو برویان \* صنعت آن زیت سی درم موم سفید بیست مثقال قنده چهار درم موم راد در روغن زیت یک اوند و فته راد را در آن حل کرده بدستور مرهم سازند \* مرهم با سلیقون بنسخه دیگر و منافع مثل نسخه قبل است \* صنعت آن زفت رومی موم سفید کتیرا ازهر یک هشت درم را تینچ چهار درم روغن کنجد بیست و سه درم بدستور مقرر مرهم سازند \* مرهم با سلیقون مستعمل در انبساط و مواضع عصا نیه و جراحتی که با آن گرمی نباشد و در شقاق مزمن مقعد و واین نسخه بانسخه ابن جزله برابر است \* صنعت آن زفت رومی را تینچ موم زرد ازهر یک بیست مثقال قنده چهار درم بازیت بقدر حاجت کداخته بدستور مرهم سازند و در شقاقی وزن زیت سی درم است \* مرهم برص بوس و بحق را زانل کود اند \* صنعت آن نحاس محرق زرنیخ زرد شیطرج هندی آهک آب ندیده و زراوند طویل اجزا مساوی کوفته پیخته با بول صبیان آمیخته بیست روز در آفتاب بکند و هر روز برهم زنند و اگر بجای بول سکه انکوری تند کنند خوب است و وقت استعمال عضورا با بول یا با سکه بشویند و بمالند \*

مرهم بواسیر بواسیر و وجع مقعد و ضربان آنرا مفید \* صنعت آن پیله کوهان شتر مصطکی موم سفید ازهر یک پنج درم بر آتش ملایم بکند زفت رومی و درم قطران شامی یک درم در آن اندازند و یک اوقیه آب کندی تازه صاف کرده بران ریزند و برهم زنند تا نیکو مخلوط شود از آتش فرود آورده در ظرف چینی یا شیشه نکاهل اند و عند الحاجة قند و حکرم کرده به پیله آلوده کرده در مقعد و بردارند \* مرهم بواسیر دیگر که مجرب النفع است در آن \* صنعت آن خبازی کند نازیوه هوسه مساوی سائید و در پارچه بسته بزیروخا کستر گرم کنند تا بپزد پس برآورده زرد تخم مرغ روغن کل سرخ داخل نمایند و برهم زنند تا چون مرهم شود و بکار برند \* مرهم ثمانیه جهت نضج دما میل و جراحت از مجربات است \* صنعت

ان کتیرا تخم مرو تخم کتان سریش هوجیه کل بابونه کل خطمی سفید انزروت اجزای مساوی کوفته پیخته با شراب سرشته ضماد نمایند و فی الحقیقه این ضماد است نه مرهم \* مرهم جاذب که جلب خاوی و پیکان و غیر آن کنند و به پزاند قروح غائره را و فراهم آورد \* صنعت آن موم علك البطم ازهر یک ثلث رطلی را تینچ ربع رطل زیت کهنه یکرطل همه را بر آتش ملایم بکند و در آن



بوزله ارضي دو اوقيه نرم سوده اضافه نموده نيكو برهم زنند و بكار برند \* مرهم جاذب از تاليف ابن تامين منقول از شما صلح  
 اخراج و پيكان و خارا و آنچه در عضو فرو رفته باشد مجرب و انسته \* صنعت آن بديع ني خشك زراوند طویل بالسوریه  
 صائیل و با غسل سرشته استعمال نمایند \* مرهم جذام از مجربات حكيم مير محمد زمان و اله حكيم مير محمد مؤمن صاحب نسخه  
 المؤمنین گفته كه سائر قروح سوداوی و اورام بارد و از موده است \* صنعت آن سنبل الطيب حما ماقرد مانا د از فلفل  
 سلیخه قسط تلخ جا قرقحاصطكي مقل صاف مرصاف حب بلسان اشق صبر زرد ميعه سائله سیسالیوس زراوند صحر ج  
 معلكو فی الكلیل الملك قرنفل ابرسا روغن زیتون كهنه ازهر يك يك اوقیه لادن و مثقال زعفران نیم اوقیه ملك البطم موم  
 ازهر يك سه مثقال روغن ناردین مثل جمیع اجزای مستور مقرر مرهم سازند \* مرهم جویبل الرواحي منقول از قانون \* صنعت  
 آن مامیران چینی زرد چوبه قند اشق از روت صمغ عربی دم الاخوين ازهر يك يك جزو و مرد استك سفید كرد و كه مرثك  
 نامند بوزن جمیع ادویه موم بقل رجاحت در روغن كنج و زیت ازهر يك بوزن موم ع ادویه در ظرف سفال آب نندیده  
 نوک اخته ادویه را كوفته بمخته بآن موزج نموده مرهم سازند \* مرهم حنظل در حنظل كریافه \* مرهم حنظل مسهل  
 كه باذن الله تع نافع است از بواسیر و جاع كهنه كه بوده باشد در كبك و معد و طحال و صلابتیكه عارض شك و باشد در این  
 اعضا و برودت این اعضا را \* صنعت آن به نسخه شیخ الرئيس شحم حنظل چهارده درم تریك سفید سقمونیاقونیا فونیون از  
 هر يك هشت درم تخم شبنم نمك طعام موسكي صافی صبر سقوطی زهره كا و نمك هندی شونیز و یوزج جملي فلفل بلیله زنجبیل  
 هلیله زرد ما زریون ازهر يك درازده درم كوزیعی مقل ازرق اشق جار شیر و سكبینج ازهر يك هفت درم بوزله ارضي كبریت  
 زرد ازهر يك شانزده درم حلیله یا بونه بز رگنان ازهر يك ده درم ميعه سائله موم زرد ازهر يك ده استار و آنچه كك اختنی  
 است از ادویه بر روغن كاریك ازند و آنچه خمسانیل نی است بطالایعی شراب بخيسانند و آنچه كویبل نی است كوفته بمخته  
 پس آنچه را خمسانیل و اند در هاون بل سته بمالند تا حل شود و مخلوط کنند هم ادویه را بكمجادهاون وین سته بمالند  
 تا مرهم شود پس بمالند بومعه و كبك بل رستیكه فرود می آورد ماء اصفر و كسیكه محتاج باسهال بطن باشد و اورام مقل و  
 نباشد آشا میكند و او مسهل باید كه طلا كود و شود بر شكم و این مرهم را كه اسهال بطن او میكند \* مرهم حواری این  
 مرهم را مرهم رسل نیز نامند و توجه كرد و شد و در قرا با دین در می برهم سازند و معروف به مرهم زهره و گفته كه این  
 مرهم درازده درم است از درازده حواری حضرت عیسی علی نبینا و عم كه دو يك يك دوا را اختیار كرد و تركیب نموده اند  
 و این مرهم بهترین مرهمها است و مصالح بواسیر و عبه است برفق و مصالح خفا زیر و نیست و نئی مثل این مرهم درین فعل و فقهیه  
 جراحت میكند از گوشت موده و قیغ و موجب اند مال جراحت و مقل اورام صلبه و مزیل آثار و نافع است شقاق و اجلا  
 میكند مل حكه و جرب را و مقل است از برای بواسیر و سعه و كرمها را می كش و نافع است از برای طاعون و سرطان و  
 و سختی سوز و قروح گوش \* صنعت آن به نسخه شیخ الرئيس موم سفید را نیمج ازهر يك بیست و هشت درم و جاوشیر  
 و زنگار و مرصافی و قنه ازهر يك چهارده درم اشق چهارده درم زراوند طویل كند و كرمق ازرق ازهر يك شش درم مرد استك  
 نه درم زیت در تابستان در وطل و در زمستان سه درم \* طریق ساختن این مرهم آنست كه صمغ را بسوكه انگوری حل کنند  
 و باقی ادویه كوفته بمخته موم را در زیت بك ازند و صمغ و حلل و ادویه كوفته را در آن داخل کنند و در هاون بل سته بمالند تا  
 نيكو مخلوط شود و استعمال نمایند و این نسخه درازده جزو است بعد حواری عیسی علی نبینا و اله و مرهم \* صنعت  
 آن بنسخه شیخ داود الطاكی موم سفید صمغ البطم ازهر يك چهارده درم اشق محلول در سر كه هفت درم مقل مرد استك  
 ازهر يك چهارده درم لبان ذكر زراوند طویل ازهر يك سه درم جاوشیر زنگار مرصافی قنه ازهر يك دو درم سكبینج يك درم زیت يك

که در طول آن مرد اسنگ را مسحوق نموده بازیت بجوشانند تا مرد اسنگ حل شود پس اشقی محلول و باقی صمغ محلول  
 مسرکه را داخل کنند و به پزند تا سرکه آن برود باقی ادویه را داخل کرده درهاون بدسته بمالند تا هموار شود و  
 استعمال نمایند و این نسخه سوای زیت دوازه جزواست و نسخه این مرهم که صاحب ذخیره خوارزم شاهي در سرطان  
 رحم ذکر کرده مطابق نسخه شیخ الرئيس ودا وداست و سوای آن که بجای صمغ البطم را تینچ است و وزن مقل سه درم  
 و مرد اسنگ چهار درم و نیم است و نسخه این مرهم که محمود بن الیاس در حاوی صغیر ذکر کرده مطابق نسخه صاحب ذخیره  
 است سوای آنکه وزن مقل چهار درم و نیم است و وزن زیت در تابستان یکوطل و در زمستان یکوطل و نیم است صاحب  
 ریاض الفوائد این مرهم را در ورم صلب رحم ذکر کرده باین نهج آورده موم را تینچ مقل ازرق مرد اسنگ ازهر یک چهار درم  
 جاوشیر زنجار قنده ازهر یک ده درم اشقی هشت درم زراوند طویل مبعه سائله ازهر یک سه درم اجزا کوفتنی را کوفته بحریق  
 بیخته و یک اختنی را در شصت درم زیت کد اخته مرهم سازند و یک آنکه نسخ این مرهم در قرابادین ها مختلف بنظر  
 رسید و آنچه معتبر بود ذکر کرده شد مرهم حواریین به نسخه ابن جزله که در منهاج البیان ذکر کرده و گفته که این مرهم  
 را مرهم شنجار و اثنا عشری نیز نامند و گفته که نافع است از برای ورمهای صلب و خنا زبر و بواسیر و طاعون و سرطان  
 و جراحتی که گوشت آن مرده باشد و نمله هار اسود دارد صنعت آن موم را تینچ ازهر یک چهار درم جاوشیر زنجار قنده  
 مرصافی ازهر یک دو درم اصطوک هفت درم زراوند طویل هفت درم و در نسخه دیگر صمغ سه درم است لبان ذکر سه  
 درم مقل ازرق چهار درم مرد اسنگ چهار درم و نیم زیت در تابستان یکوطل و در زمستان یکوطل و نیم بدستور مرهم  
 سازند مرهم خل که آن را مرهم جالینوس و مرهم ازرق و اسود نیز نامند گوشت بریانند و ریشهای خشک گردانند و مندل مل  
 سازند صنعت آن مرد اسنگ یک اوفیه کوفته بیخته سرکه انکوری و زیت ازهر یک چهار اوقیه مرد اسنگ را بسرکه سوده  
 در زیت داخل کرده درهاون بدسته بمالند تا نیک آمیخته شود و اگر خواهند که خشکی زیاده کند زرد چوبه نرم کوبید و  
 دو درم زیاده کنند مرهم خل کبیرا قوی از اول صنعت آن بکیرند طین ارمنی و طین قبرسی ازهر یک یک مثقال کل  
 خطمی مروتک حنای خشک اسفیداج بزرقطن تو قیای کرمانی ازهر یک سه مثقال هلیله سیاه زرد ازهر یک دو مثقال موم  
 سفید روغن تخم کد و شیرین ازهر یک پنج مثقال سرکه انکوری بقدر ضرورت علی الرسم مروتب نمایند و بکار برند مرهم خل  
 دیگر جهت اند مال جراحت و قروح عنیفه و الزاق و کھوف و بواسیر و رفع شقاق و حکه و طبعه و قرهه و طبعه و داء الثعلب  
 و سعه نافع صنعت آن مروتک یکوطل و نیم بسیار نرم سوده بازیت کهنه دو رطل و مرصه رطل آمیخته در پاتیلی  
 کرده بر آتش بکنارند و برهم زنند تا بقوام مرهم آید و مروتک ته نشین نشود و سوخته نکرد در علامت کال طبع و نصیج  
 آن است که سیاه گردد و در نسخه دیگر سرکه و زیت بالسویه و مروتک ربع زیت نوشته اند و اگر حرارت بسیار باشد بجای  
 زیت روغن کل داخل کنند و اگر تجفیف زیاده خواهند قلری زرد چوبه سوده اضافه نمایند بر نسخه اصل و در صورت  
 شدت حرارت داخل نمایند مرهم خمیر خراج و اورام صلبه را بیخته و منفجر میکرد اند خود بخود صنعت آن خمیر  
 آرد کند م پیله کد اخته ازهر یک بیست درم اشقی شش درم کند رسه درم نمک طبرزد را تینچ ازهر یک چهار درم اشقی را  
 در سرکه حل نمایند و پیله را در روغن زیتون بقدر حاجت بکند از آن و بطریق معمول مرهم ساخته بکار برند مرهم خمیر  
 دیگر که همین عمل دارد صنعت خمیر مایه که خمیر ترش است سی درم یوره دیق مقشر ازهر یک یک درم جاوشیر سرکین  
 کبوتر سرکین مرغ ازهر یک ده درم آهک آب ندید پنج درم صابون دو درم باروغن سرشته بکار برند سریع الاثر  
 قائم مقام نیز شکافتن است مرهم دیاخلیون یک آنکه دیاخلیون لغت سریانی است و معنی آن لعاب است بعضی گفته اند

که این مرهم از صناعت بختیشوع است و این غلط است زیرا که این مرهم در قرا با دین رومی مزبور است و در این  
 مذکور است که از صناعت ابقراط است نافع است از برای اورام و رجاع شدن و معقل و عصب و اخراج فضلات و شنا زهر  
 و سلبه و دیا خلیون بیای مثلاً تحتانی و دیا خلیون بدون یا نیز دیک و ش و صناعت آن بزرگ خطمی سفید بزرگ قطونا  
 تخم مرو بزرگ کنان بزرگ حله اجزا مساری مر یک را علیحد و در آب سه روز بخیسانند پس با پارچه صوف صاف نموده  
 بگیرند مرد استنک چهار اوقیه سحق نموده در یکرطل و نیم زیت بجوشانند تا منحل شود پس اندک اندک از لعابها  
 بران ریزند و با آتش ملایم بجوشانند تا منعقل شود از آتش فرود آورده داخل کنند در آن زفت رومی و خاکستر چوب رز  
 از هر یک پنج مثقال زعفران الحل یک مثقال در هاون بن سته بمالند تا نیکو مخلوط شود و نگاهل ارند در قرا با دین  
 قادری حکیم ارزانی بزرگ از هر یک پنج درهم تا هفت درهم مرد استنک بیست درهم و روغن زیت سی درهم تا چهل درهم است  
 و گفته اند که اگر قوی تر خواهند بعد از آن که روغن سیاه شد و باشد زفت خاکستر چوب رز مر مکی صافی از هر یک سه درهم  
 حل و الحل یک گرم بسیار نرم سود و اضافه نمایند مرهم دیا خلیون به نسخه شیخ رئیس رح صناعت آن بزرگ حله  
 بزرگ خطمی سفید بزرگ کنان از هر یک یک کیله مر یک را علیحد و یک شبانه روز بخیسانند در آب پس بگیرند لعاب مر یک را  
 مقداری یکرطل و ربع رطلی از مرد استنک یکرطل و نیم و از زیت در رطل لعابها را یک جوش داد و از آتش بر گرفته با پارچه  
 صوف صافی نموده پس مرد استنک را صلا به نموده با زیت بجوشانند تا منحل گردد و متغیر شود رنگ آن پس اندک اندک  
 لعابها را بران ریزند و با آتش ملایم بجوشانند تا منعقل گردد پس از آتش بر گرفته سرد کرده نگاهل ارند و نگاهل بران  
 مرهم دیا خلیون به نسخه ابن جزله در منهاج البیان نافع است جهت اورام صلبه در هر عضو که باشد و خنای زهر  
 سلبه صناعت آن حله بزرگ کنان کل خطمی سفید از هر یک یک کیله حل و در آب بخیسانند یک شبانه روز و زیت  
 از آن از هر یک یک رطل و نیم لعاب بگیرند و در سه رطل زیت بجوشانند و یکرطل و نیم مرد استنک سود و بزرگ حله  
 در زیت داخل نموده با آتش ملایم بجوشانند تا غلیظ و سیاه گردد و لعابها را با زهر یک علیحد و بجوشانند تا غلیظ شود  
 اندک اندک در هاون روغن و مرد استنک سیاه شد و بریزند و با آتش ملایم بجوشانند تا غلیظ شود و نگاهل ارند  
 مرهم دیا خلیون به نسخه اسمعیل جرجانی که در ذخیره در علمت خنای زهر ذکر کرد و گفته که این مرهم را جهت اورام  
 صلبه بعد از نرم کردن آنها بمالند و بیه ماکیان و بیه و غیره بکار برند صناعت آن بگیرند مرد استنک سود و یک اوقیه  
 زیت زیتون نصیب دو اوقیه و نیم مرد را در پا قیل کرده با آتش ملایم بپزند و بوقیه در آن روغن اندک از آن و بیه زدن تا غلیظ  
 بگیرند لعاب بزرگ حله دو اوقیه لعاب بزرگ کنان لعاب بزرگ خطمی از هر یک یک اوقیه در آن روغن اندک از آن و بیه زدن تا غلیظ  
 شود و بکار برند و اگر خواهند که قویتر شود بیه سوسن آسمان چوبی زفت رومی زراوند مل حرج از هر یک یک کجری آن بیا میزند  
 پشاک بپزند که سفتند تخم قماء الحماز آرد جو مغز بادام تلخ انجیر نارسید که از درخت افتل و خشک شود مقل ازرق و مرهم را  
 قوی گردانند مرهم دیا خلیون به نسخه حکیم لطفاً لله رح صناعت آن بگیرند مرد استنک سه دوم صلا به کرد و در چهل گرم زیت  
 زیتون نصیب داخل نموده در پا قیل کرده بجوشانند تا رنگ بگرداند و سیاه شود پس از آتش فرود آورده بکل ارند تا سود  
 شود پس لعاب حله بزرگ کنان لعاب خطمی لعاب بزرگ قطونا لعاب تخم مرو از هر یک پنجاه گرم گرم کنند و بر سر آن ریزند  
 و با آتش نرم بجوشانند و کفچه بپزند تا غلیظ شود چون مرهم گردد نگاهل ارند و بوقت حاجت بکار برند مرهم دیا  
 خلیون به نسخه دیگر که سفید اسمعیل در ذخیره در مرض کلف ذکر کرد و صناعت آن مرد استنک دو اوقیه سود و در زیت  
 گندم چهار اوقیه حل کرده پس بگیرند مو صافی ده گرم در آن حل کنند دو اوقیه لعاب بزرگ حله داخل کرده با آتش ملایم بجوشانند

بجوشانند و بجو ام مرهم آید \* مرهم دارملک جراحت را از زخم پاک کند و درد مفاصل و سائر درد ها را نافع بود و از برای  
 قروح آتشک بینظیر است و گوشت بر رویاند و چرک در جراحت نمیکند ارنه و زود بهم می آورد و نواحی جراحت را نیکو  
 میکند اند و دارملک چوبی است زرد رنگ تلخ با تنگی کرم و خشک است درد ویم و غیر زرد چوبه است \* صنعت آن  
 چوبد ارملک چوب دیودار درود یک بر سقف دکان نخود بریزان جمع میشود از هر یک دو مثقال آنچه کوفته با شن  
 بکوبند و مجموع را درهم کنند و روغن کنجد دو صد مثقال همه را در سه رطل آب بجوشانند تا به نصف رسد پس فرود آورده  
 و سست بمالند و صافی نمایند و باز درد یک کنند و بر آتش کند ارنه و چند قطره آب هنوز باقی باشد که از آتش فرود آورند  
 و اگر از برای درد مفاصل باشد در اجزای مطبوخ این روغن پانزده مثقال هوجیوه داخل کرده پس بکوبند از این بیست  
 مثقال و گرم کنند اندکی و نیم مثقال موم زرد غیر مستعمل در آن یک از یک و برهم زنند و اگر از برای پاک کردن ریم از  
 جراحت باشد چهار مثقال زنگار نیز اضافه نمایند که در نهایت تقویت بود و بعد از سرد شدن روغن در آن ریزند تا  
 مخلوط شود و بکار برند و اگر بتکرار احتیاج افتد تکرار کنند و بعد از پاک شدن جراحت زود نیک شود و اگر از برای  
 اوجاع مفاصل پنج مثقال قند محلول داخل نمایند بهتر است \* مرهم دبق اوزام را نصف ده و بکشاید از غیر از دیت  
 و گوشت زائیل را بخورد \* صنعت آن دبق را در آب بخیسانند و معشر نماید و بکوبند و با هم وزن آن آب صابون در  
 هاون بمالند تا مستوی گردد پس زرد چوبه ربع وزن دبق نرم کوفته بخور بیخته مزوج نموده بکار برند و دبق را بفارسی  
 صوبیک علمی نامند \* مرهم رال قلمی فرموده اند که از تالیف بند \* درگاه امیر المومنین سید محمد هاشم الحکاطب بحکیم  
 معتمد الملوک علوی خان است نافع از برای قروح آتشک و جمیع قروح مزمنه و قروح سودا ویه بد آنکه رال اسم هند و لعل  
 مصری و قنقهر و قنقهر بیای معنای تحتانی است \* صنعت آن رال شنجرف سفید اب ارزیر شسته برک حنا مردا سنگ  
 بسرکه انگوری سوده دم الاخوان شنجار یعنی هوجیوه توتیای کرمانی مغسول سرنج چوب چینی از هر یک یک مثقال توتیای  
 هند و مسمی بزاج اخضر فلغل سیاه از هر یک نیم مثقال توتیای هند و را بریان نموده مجموع را غلغل و غلغل و کوفته  
 بخور بیخته وزن نموده موم زرد سه مثقال بمسکه کربیسست مثقال کد اخته از آتش فرود آورده ادویه را با آن سرشته سفید  
 تخم مرغ دو عدد داخل کرده در هاون بد سته بمالند تا هموار شود و بکار برند \* مرهم رال هند و اکثر قروح را نافع است \*  
 صنعت آن روغن کنجد نیم پاو موم چهار توله رال دو توله رال را بصیار نرم کوفته بیخته اندک اندک در روغن بریزند  
 و بد سست بمالند تا خوب مزوج گردد و مرهم شود پس پنجاه مرتبه و یا هفتاد مرتبه با آب خالص بشویند و اگر یکصد  
 و یکمرتبه بشویند بهتر است و بکار برند \* مرهم رال دیگر منقول از اطباء هند نافع از برای جراحت مزمنه مسوق البره  
 و قروح آتشک و ناصور و منبیت کوشش فاسد است و مصلح عضو ضعیف \* صنعت آن رال کات هند و کافور قیصوری از هر یک  
 چهار مثقال کوفته بیخته بروغن کاتازه بی نمک بوزن مجموع ادویه در ظرف آهنی کرده با آتش ملایم نهند و اول رال را  
 داخل کرده دوسه جوش داده پس کات را بد ستور کافور بریزند و یک جوش بد هند و در قروح مزمنه قلیجه تاسه رو بر با  
 ند ری فوغل سوخته استعمال نمایند و بعد ازان تنها \* مرهم رال قلمی فرموده اند که این نسخه از حضرت سید هند والد  
 چون فقیر است قس سره نافع از برای قروح مزمنه رحم و ناصور و جروح مسوق البره \* صنعت آن رال مود استنگ سرنج  
 سفید اب قلعی از هر یک یک مثقال فلغل سیاه توتیای هند و از هر یک نیم مثقال اول مرتبه توتیا را در سفال آب ندید  
 بریان کرده بحد یک سغیل شود با سائر ادویه کوفته بیخته موم زرد غیر مستعمل دو مثقال بروغن کابیسست مثقال کد اخته  
 ادویه را با آن مزوج نموده در هاون بد سته بمالند تا هموار شود و در وقت حاجت بر پارچه کتان مالید و بنحو یک رنگ

مرهم بگیرد و بر زخم بچسباند \* مرهم دیگر به نسخه هند که اکثر قروح مؤمنه را نافع است \* صنعت آن زال فوفل  
 سونچ گندمی بود استک اجزا مساوی فوفل را در روغن کوبی نمک بریان نمود و بعد یک سیاه شود پس باقی ادویه  
 را کوفته بچسباند در آن داخل کرده در هاون بدسته بمالند تا چون مرهم شود در پارچه کتان یا پارچه خطائی بمالند  
 و بر زخم نهند \* مرهم زال دیگر \* صنعت آن مسکه کاتاز و روغن کنجد موم کافور و زال سفید برک فینب اجزا مساوی  
 اول بوک فینب و سائیل و نوصها مانند شامی کباب ساخته در میان مسکه خوب بریان کنند که بسوزد و بعد از آن برآورده  
 روغن کنجد را داخل مسکه کرده چند جوش بدهند بعد از آن موم را داخل کنند تا کک اخته شود پس زال را بسیار نرم سوده  
 داخل کنند و با چوب فینب بومزنند که خوب با یکدیگر ممزوج گردد بعد از آن ظرف پر کلانی را آب سرد کرده در میان  
 آن بویزند و یکشب در آب بگذارند و دوزد بگرانزد \* مرهم زال بر اعراض \* ما میل مجرب است \*  
 صنعت آن موم روغن کنجد ازهر یک پنجاه مثقال زال بیست و پنج مثقال شنجرف و زرنیخ ازهر یک نیم درم تو قیام هند  
 یک درم سونچ چهار درم مود استک هشت درم موم را با روغن کنجد بکازند و بدستور مرهم سازند و بکار بزنند و اگر  
 بسیار سخت شود بمقدار روغن بیفزایند \* مرهم زفت از صناعت استاذ ابقراط این مرهم عجیب الفعل و کثیر النفع است  
 ساقط میکند ابله دانه بواسیر را و میخف قروح مل و خورند و گوشت زائد و عفونات و منبت لحم جیل است در قروح  
 و باقی نمی گذارد مواد فاسده را \* صنعت آن به نسخه شیخ داود انطاکی موم زفت رومی ازهر یک بیست درم زیت چهل  
 و هشت درم همه را بر آتش نرم بجوشانند تا مخلوط شود و کک اخته کرد پس بگیرند زنجار چهار درم انزروت سه درم  
 را تیمنج دو درم و نیم همه را نرم صلیبه کرده اندک اندک بریان باشند و مرهم زفت نامک و مخلوط شود \* مرهم زفت به نسخه میرزا  
 مهملی طبیب جهت جراحات کهنه نافع \* صنعت آن زفت رومی سقز زنجار موم زرد صاف روغن زیت ازهر یک بقدر حاجت  
 و لائق کوفته مرهم سازند و بکار بزنند \* مرهم زنجار قایل و مسامیر را قلع نمایند \* صنعت آن زنجار کاف و سوخته ازهر یک  
 یک درم با آب صابون اول هفت درم هر دو را با المناصفه و در نسخه دیگر نوزده درم غسل هشت درم فرمون  
 شست درم داخل است با آتش ملایم به یزند تا غلیظ شود مانند مرهم بکار بزنند \* مرهم زنجار که چون در گوش بچکانند در  
 قروح دندان قروح را از هر یک پاک سازد \* صنعت آن زنجار کک رسو که انکوری غسل اجزا مساوی درهم آمیخته فتمله را با آن  
 تو کرده در گوش نهند \* مرهم زنجار به نسخه دیگر \* صنعت آن غسل هشت درم رسو که انکوری هشت درم کندر زنجار  
 ازهر یک یک درم غسل را با سرکه به یزند و کف آن را بگیرند و زنجار و کندر را با سرکه بجوشانند و داخل نمایند و  
 در گوش بچکانند و قطره \* مرهم زنجار که ناصور گوش را نافع است \* صنعت آن زنجار قو بال نحاس ازهر یک چهار درم  
 با آب کندر و غسل صفی ازهر یک یک اوقیه درهم سوخته استعمال نمایند \* مرهم زنجار به نسخه ابن جزیره قروح کهنه را  
 خشاک کودک و گوشت زائد را بخورد و جروح را پاک کودک اند و مندل مل سازد \* صنعت آن زنجار و درم عاک البطم صمغ  
 صندل را ازهر یک پنج درم انزروت ده درم زنجار را سحق بلیغ نموده و باقی ادویه را در زیت حل کرده زنجار را بسیار  
 نرم سازند و بمالند تا یکسان شود و بکار بزنند \* مرهم زنجار گوشت زائد را بخورد و قروح را پاک کودک اند و مندل مل سازد \*  
 صنعت آن زنجار و درم تیمنج پنج درم انزروت سفید و درم این مرد و زیت حل کرده زنجار سوده داخل نمود  
 در هاون بدسته بمالند و بکار بزنند \* مرهم زنجار به نسخه حکیم علی کیلانی که در جراحات خود ذکر نموده و گفته که این مرهم  
 به نهایت نافع است و کاف و خواهنند که جراحات را از سرخ پاک سازند بگیرند اندکی از این مرهم بموم و روغن مخلوط کنند و بر  
 جراحات بگذارند که پاک کنند و اگر بشکوا و احتیاج افتد و خواهنند که به همین مرهم علاج کنند هر روز یک بار مرهم بیفزایند و

و موم و روغن کمتر کنند تا نیز گردد و گوشت فاسد را بخورد و چون صاف شد بوموم و روغن بپزند و از مقل او موم چیزه  
کم کنند تا جراحات زرد قهقه شود \* صنعت آن بکیرند روغن کل یا روغن کنجد یا روغن دیودا هر یک ام که باشد بیضت  
مقال و کرم کنند و پنج مقال موم در آن بکنند و برهم زنند و چهار مقال زنگار بسیار نرم شود و به یک از فرو و آوردن از آتش  
که حرارت آن کم شده باشد در آن پیخته بوموم زنند تا نیکو مخلوط گردد \* موم زنجار را نافع از برای قروح و ضربه و از برای  
جرب \* صنعت آن سرکه انگوری هفت درم غسل مصفی هشت درم در هم کرده با آتش ملایم به پزند آن مقل او که سرکه سوخته  
وزن غسل باقی ماند پس زنجار عراقی صلایه نموده و درم بیاض میزند و بکار بوند \* موم زنجار را بیکر منقول از اضول  
التراکیم نجیب الدین معروفند ی نواصیر و حرق النار و قروح رسخته و ضربه زانافع و پاک کنند از خوردن که گوشت مرده است \*  
صنعت آن بکیرند زنجار یک اوقیه از زردت اشق از هر یک نیم اوقیه با سرکه نرم سوده با غسل هر رشته استعمال  
نمایند \* موم زنجار منقول از مجربات حکیم مهدی جهت جراحات عمیق \* صنعت آن زنجار زردت رومی سقر از هر یک  
بقدر لایق موم زرد دهن زیت علی الرسم موم ساخته استعمال نمایند \* موم زمانی تالیف میر محمد زمان والد  
حکیم میر محمد مومن صاحب تحفه المومنین جهت جراحات مزمنه بغایت مجرب و در تاثیر کمتر از موم زان نیست  
و با غلظت اقرب است \* صنعت آن از زردت گاغل کبود سوخته پوست درخت کاج روناس کاس هند و از هر یک  
دو مقال سفید اب مغسول پنج مقال مرد اسنگ مغسول سه مقال کافور قیصری یک مقال موم سفید پنج مقال  
و روغن کل سرخ بیست مقال بل ستور مقرر موم سازند \* موم زنجار که آن بفارسی موم شکر نامند او را موم بلغمی  
که بسیار درین نسخ باب و سرطان و خنازیر را سود دارد \* صنعت آن به نسخه منهاج البیان مرد اسنگ پنج درم موم  
گند ذکر قه اشق از هر یک ده درم علك البطم شش درم شکر شسته هشت درم ان و به را آنچه سائیل نی است سائیل  
باقی را در زیت و یا روغن کنجد بکنند و در کما بوموم روغن کل سرخ بقدر حاجت و بعد از فرو و آوردن از آتش ادویه  
سائیل را بان بسروشند و کافی سرنج بل شنجرف داخل مینمایند \* موم زنجار به نسخه فلانسی \* صنعت آن مرد اسنگ  
پنج درم موم زرد قه کنک را شق از هر یک ده درم علك البطم شش درم شکر و سیرواقویه را آنچه کوفته است بگویند  
و بعد پیخته و آنچه کل اختنی است در زیت یا روغن کنجد بقدر حاجت بکنند و در همه را مخلوط ساخته موم سازند \*  
موم زنجار به نسخه سید مظفر الدین شفا ئی \* صنعت آن مرد اسنگ قه اشق موم از هر یک ده درم علك البطم شش درم  
شنجرف هشت درم زیت یا روغن کل سرخ هر یک ام که باشد پنجاه درم بل ستور موم سازند \* موم زنجار منقول از قبادین  
کو توالی \* صنعت آن مر مکی صافی کنک را شق از هر یک ده درم مرد اسنگ قه زعفران از هر یک پنج درم صمغ البطم شش  
درم شنجرف هشت درم زیت یا روغن کنجد هر یک ام که باشد بقدر رکایت بل ستور مقرر موم سازند \* موم زنجار جهت  
زخم آتشک و دیگر جراحات و قروح مزمنه و جرب رطب نافع است \* صنعت آن شنجرف اسرنج مرد اسنگ سفید اب از زرد  
توتیا و هند و سوخته پوست تخم مرغ سوخته با لسویه کوفته پیخته موم را بوموم روغن کل که آخته بسروشند \* موم زنجار  
یکو که برای زخم آتشک و جراحات کهنه و جرب و خارش مجرب است \* صنعت آن شنجرف اسرنج موم سفید از هر یک یک  
له مرد اسنگ یکتا نک توتیا و هند و سوخته ربع تا نک سفید اب از زیت نیم تا نک کوفته پیخته در روغن کاه یا روغن  
کل سرخ یا روغن کنجد خالص بقدر احتیاج بل ستور موم سازند \* موم زنجار به نسخه جهه و نافع از برای تحلیل  
او را مصلبه عسره البره و خنازیر و سرطان و ورم مزمنه انشیون \* صنعت آن مرد اسنگ قه از هر یک پنج درم زیت بل کفایت  
اشق از هر یک ده درم صمغ علك البطم شش درم موم زرد هفت استار شنجرف هشت درم زیت بقدر رکایت

اشق و قند را بسوخته آنکس حل کرده موم را بزیت بک ازند و بدستور معمول مرهم سازند شیخ د اود گفته که اگر درین مرهم بجای شکر اسونج کنند شاید موکد ام که باشد و زرش چهار درم و اگر زمستان سازند با زیت مرهم سازند و الا با روغن کل یا کنجد بک ازند در آن در او قند موم زرد و باقی او و به راد اخل کرده نگاهدارند و حکیم میر محمد مومن وزن زیت را در این نسخه شصت درم آورده و در نسخه سید اسمعیل در ذخیره وزن قند را ده درم آورده و گفته که در نسخه دیگر مرد استک و قند از هر یک پنج درم است و شنجرف هشت درم و مرد استک ده درم و نیز گفته که در زمستان بجای شنجرف اسونج و با زیت در او قند و موم یک او قند مرهم سازند و در غیر زمستان بجای زیت روغن کل سرخ کنند و نسخه محمود بن الیاس در رها و صغیر مطابق اصل نسخه سید اسمعیل است سوا آنکه وزن شنجرف پانزده درم است و گفته که با زیت یا روغن شیوج بمقلد از کفایت مرهم سازند \* مرهم زنجفر چار احب کاذب زنجفر و غیره را مفید است \* صنعت آن زنجفر چهار توله قند یک توله موم کافوری و توله روغن کنجد چهار توله و ال سفید سه توله اول روغن کنجد را داغ نمایند و از آتش فرود آورده موم را بیند ازند تا آب شود بعد و ال را سائیده داخل نمایند تا حل شود بعد از آن قند را فرود آورده ده مرتبه با آب بشویند تا سفید گردد و اگر کسی و چهار مرتبه بشویند بهتر است و اگر نفع نه بخشند بقل و یکما شه شنجرف سائید و نیز اضافه نمایند \* مرهم د بق سرطان و جمیع ملابسات را در یک هفته و کمتر از آن تحلیل دهد \* صنعت آن خردل بزر را لاجوره کبریت زرد زرد البخور را و ال طویل اشق مقل ازرق از هر یک چهار درم زیت کهنه بدست و هشت درم موم زرد هفت درم عالی الرم مرهم ساخته بکار برند \* مرهم سرطان دیگر سرطان متقرح و غیر متقرح که خوف تقرح در آن باشد مفید کاسر عادی آن است \* صنعت آن سفید اب اسرب توتیای مغسول و در آن بر آب خورده یا عذب الشهاب یا کک و یا خیاریا لعاب بزر قطونا موکد ام که حاضر باشد سحقی بلیغ نموده قند و روغن کل آخته بکار برند و اگر ال سفید اب را با روغن سحقی نموده و قانیا میا و مسطور و اضافه نمایند اری است \* مرهم سعه سعه را زائل کند \* صنعت آن زراوند طویل را تیانی کلارا قاقیا با سوبه با روغن کل و سکه بسایند و بکار برند \* مرهم سعه دیگر ایتل ای سعه و قروح سر را مفید است \* صنعت آن استه هلیله ساز و از هر یک پنج جز و ورق الا ص دو جز و ملح اند را نی یک نیم جز و موم و موزن هر چهار جز و روغن کل یا کنجد چهار وزن موم استه هلیله و ساز و را نیم کوفته در روغن اسونج و ورق الا ص و ملح را بسیار نرم سوخته و روغن را صاف کرده موم را در آن کد آخته درهم بسوشند و بکار برند \* مرهم اسب جهت قروح ساعیه که بهند می که کهر نامند \* صنعت آن تراشه سم اسب نیم آثار و جیوه و در توله موم چهار توله روغن کنجد نیم آثار و روغن را در ظرف آهنی بر آتش ک ازند و رسم اسب را بریزد کرده در آن اند ازند و برهم زنند تا بسوزد صاف نموده موم را در آن بک ازند و روغن را نرم سوخته بوان بپاشند و فیکو برهم زنند و عند الحاجة بکار برند \* مرهم شلغم نافع جهت التیام اکثر زخمها \* صنعت آن شلغم بی ریشه پوست جد ا کرده ریزه نموده و یک آثار در روغن کنجد پنج آثار بربان کنند تا بسوزد پس از آتش فرود آورده صاف نمایند و شش توله کافور در آن اند ازند و بچوب نیم تازه برهم زنند کک آخته گردد شش توله اسونج و چهار توله عنب الثعلب و چهار توله سرمه و یک توله شب یمانی بربان بسیار نرم بربان بپاشند و بچوب نیم بربان بپاشند تا خوب مزوج گردد پس سرد نموده نگاهدارند و عند الحاجة بکار برند \* شلغم دیگر برای زخم آتشک و خیارک و سوختگی آتش و از برای جمیع زخمهای مزمنه و انضاج د مل نافع است و ماده استنبیل د مل و منل مل سازد \* صنعت آن روغن کل یا و آثار شلغم تازه هشت عد د متوسط اسونج نیم یا و کافور هشت ماشه و در نسخه دیگر کافور سه ماشه است اول شلغم را از کارد پا رجه پا رجه کرده در روغن منل کور بربان کنند پس بر آورده در



دوران ازند و موم در آورده درم در آن اندازند و سرخ را نیز داخل کنند و آتش نرم کنند تا نسوزد و وقت فرود آوردن کافور داخل نمایند و چون بقوام سرخم آید فرود آورده نگاه دارند و وقت حاجت بکار برند \* مرهم شلغم نوع یک در جمیع منافع از هر دو نسخه قبل اوقی و چون بر باریک کر باسی بمالند و دهن زخم اگر کشاده باشد بهم آورند و بر آن بچسباندند دهن زخم را ملصق گردانند و کار بخیه نمایند و ملتئم سازند \* صنعت آن بکیرند شلغم تازه بی ریشه نیم پار و ریزه ریزه نمایند و در یک آثار و یک پار و روغن تازه کنجد بر آتش بسوزانند و صاف نمایند و ده ماشه سرخ را بسیار و روغن و آن روغن را بر آتش بکند ازند و اندک اندک سرخ را بر آن بپاشند و بچوب نیم تازه برهم زنند تا بقوام آید و علامت قوام آن آنست که چون در آب اندازند مانند موم گردد سخت و دهنیت در آن ظاهر نباشد پس از آتش فرود آورند و در آب سرد بکند ازند و از بالا بباد زن بر آن هوا سرد و زرد و متحان نمایند که بعد قوام مذکور رسیده و یانه و اکونرسید و باز بر آتش کاندازند و بچوب نیم حرکت دهند و باز فرود آورده در آب سرد بکند ازند تا بد آن حد رسد پس چون اندک گرمی آن کم شود پرد \* بالا ای آنرا که از هوا سرد منجمد شده است اندک کنار کنند و سه ماشه کافور را سوده در آن اندازند و بچوب نیم تازه نیکو حرکت دهند تا خوب همزوج گردد و در ظرف مسی نگاه دارند و در ظرف آهنی طبع دهند و اگر شلغم تازه نباشد شلغم خشک نیز خوب است ولیکن در وقت ازان ضعیف تر و زخمیکه بیکم تریه ازان ملتئم کرد دازین بد و سه دفعه \* مرهم عظیم نیک است از برای ورم مقله و شقاق آن \* صنعت آن استخوان سگ سوخته اگر استخوان سوا و با شد بهتر است و پودنه بره شیر خرچه را نرم کوفته درهم بسرشند تا میل مرهم شود و بکار برند \* مرهم فیلاغور یوس منقول از قبادین قانون نافع است جهت وجع معد و کبد و وجع ارحام و ارام آن چون طلا کرد شود از خارج و بصفه برداشته شود در رحم \* صنعت آن زعفران و درم و در نسخه دیگر وازده درم است مقل مصطکی را سه صبر میعه سائله از هر یک هشت درم موم سه استار پیه قازد وازده درم زوفای یا بس یا رطب هر یک ام که باشد سی درم روغن ناردین بقدر کفایت علی الرسم مرهم ساخته استعمال نمایند \* مرهم فیلاغور یوس منقول از نکره انطاکی گفته که عجیب الفعل است در التکام جراحات و قروح و بواسیر مزمنه \* صنعت آن شب مخلول ده درم خاکستر صنوبر زراوند کند از هر یک هفت درم تو بال نحاس تو بال آهن از هر یک پنج درم مرکب صافی جا و شیر و سبزینه از هر یک درم واد ویه کوفته بپخته با اشق مخلول با سرکه سرشته مرهم سازند و بکار برند \* مرهم مرقون القرمز یعنی دود قرمز منقول از قبادین قانون نافع از برای وجع معد و نار فارسی \* صنعت آن شحم حنظل کند ش اشنان کبریت زرد از هر یک سه درم مرتک شیفام میثا از هر یک شش درم حرمل فرقیون مرقون القرمز یعنی کرم قرمز از هر یک وازده درم زفت رومی ده درم زیمق و دود قرمز مرقون القرمز را زفت رومی را بر روغن حل سازند و باقی ادویه را کوفته بپخته با آن سرشته مرهم سازند و استعمال نمایند و در نسخه اصل فرقیون داخل نیست \* مرهم قردمانا نافع از برای قرحه مزمنه و بواسیر و از برای اوجاع کهنه که بوده باشد در کبد و معد و طحال و صلابتی که عارض شده باشد بر این و برودت عارض در این اعضا بقون الله تع نافع است \* صنعت آن قردمانا سنبیل الطیب فلفل حماما دار فلفل قسط ملیحه لبان ذکره قرقرها مقل ازرق اشق مصطکی مرصافی میعه سائله حب بلسان زراوند مد حرج زراوند طویل معد کوفی انابیل الملائک لادن قرنفل از هر یک چهار درم زعفران دودرم ایر ساقنه روغن بلسان پیه گا ویا پیه بط صمغ بادام تلخ از هر یک نیم درم موم و شحم را در روغن ناردین بقدر کفایت بکند ازند و یک ستور معر و مرهم سازند \* مرهم قلعطا مشهور مرهم الکی منقول از قبادین قانون \* صنعت آن قلعطا مشوف ده درم آهک آب ندید و میعه سائله از هر یک علی الرسم مرهم سازند \* مرهم قلعطا رد بکثر نافع از برای قروح که دیومند مل شود و از برای اورا میکه در اعضا باشد و طاعون و سرطان

را سود دارد \* صنعت آن پیه خوک پیه بوزینه از هر یک در طحال مردا سنگ بکرطل و نیم قاشق از جگر را و قیه پیه را پاک  
 کنند از رگها و نرم بگویند و بک ازند و صافی کنند و زیت بکرطل ازین پیه بوم بکنند و ادویه و انیسون و بامیزند و بکار بوند \*  
 مرهم قلعند کزیدن ما رو عرق و سائر موام سمی را نافع بود و جرب و اكله و قحار و فاكه \* صنعت آن قفر الیهود را تینچ  
 از هر یک بکرطل در قاقی کند رفیم رطل سفید اب قلعي قلعند از هر یک بیست و هشت مثقال سرکه انکوری که نه بکرطل و نیم  
 رطل صمغ را در سرکه حل و سا ثر ادویه را کوفته بپخته یا آن سرشته مرهم سا زند \* مرهم قنیل جهت زخم نا صور  
 و غیره \* جرب است \* صنعت آن قنیل هشت ماشه شریف تو تیا از هر یک دو ماشه کات سفید نیم ماشه رال شش ماشه  
 روغن زرد در توله موم کافور شش ماشه ادویه را کوفته بپخته روغن را بر آتش بکند ازند که گرم شود پس موم رال را داخل  
 نمایند پس سا ثر ادویه را داخل نموده بدست هاون بمالند که در هم شود و در ظرفی نکند ازند که عند الحاجة بکار آید \*  
 مرهم قیه و مرهم رال ذکر یافت در همین فصل مرهم کافور جهت قروح و سوختگی آتش و جمره و نماله مجرب است \* صنعت  
 آن موم سفید چهار درم در روغن کل یا زرده درم کل اخته سفید اب قلعي ده درم کافور قیصوری یک درم سوده داخل  
 کرده مرهم سا زند \* مرهم کافور به نسخه دیگر شقاق لب و سوختگی آتش و نافع است و ناصور قروح و بشور دانه را \*  
 صنعت آن مردا سنگ سفید اب قلعي از هر یک دو ستار کوفته بپخته موم سفید دو ستار در روغن کل سرخ هشت ستار  
 کل اخته ادویه سوده را در این بویزد و بسوزند سفید قنیل قنیل مرغ و مقل از قنیل قیصوری سوده و بران افکنند و در هاون  
 بل سته بمالند تا هموار گردد و در نسخه دیگر اقلیمیای قضي و استار داخل است \* مرهم کافور به نسخه دیگر \* صنعت آن  
 مردا سنگ سفید اب ازین از هر یک پنج درم روغن کل و بیست درم موم پنج درم موم را در روغن بک ازند و ادویه  
 را اضافه نمایند و بوم زدن تا سرد گردد و آخر یک کعبه کافور و یک کعبه سفید قنیل مرغ داخل کرده در هاون بل سته بمالند  
 و استعمال نمایند \* مرهم کافور که سیل اسمعیل در ذخیره در علاج قروح جلد زکرا کرده \* صنعت آن موم سفید  
 روغن کل سرخ سفید اب قلعي اقلیمیای قنیل و قنیل کافور قیصوری یک ستور مقور مرهم سا زند \* مرهم کافور که معزایه  
 در شقاق مقول و درم امتلائی دعوی ذکر کرده \* صنعت آن موم سفید دو درم و نیم روغن کل سرخ ده درم سفید اب  
 قنیل دو درم مردا سنگ پرورده یعنی سفید کرده ده درم نشا سته فیون از هر یک یک درم کافور قیصوری نیم درم  
 سفید قنیل قنیل مرغ مقل از قنیل قیصوری سوده و بران افکنند و در هاون بل سته بمالند تا هموار گردد و در نسخه دیگر  
 صامت آن بکرطل بک انکوری تا زده حل در آنرا بوزند تا نرم گردد پس رگهای آنها را در و کرده در هم نموده و یک چهل آن موم  
 و در چهل روغن کل سرخ مخلوط کرده در هاون بل سته بمالند تا یکسان گردد و بکار بوند \* مرهم کف ناکه در حال  
 درد بر سر انداختن \* صنعت آن کف نای تازه را بوزند تا هموار شود و در روغن کافور یا در روغن کل افکنند  
 و در هاون بل سته بمالند تا چون مرهم شود بر پیه کشیده آورده کرده بر روی بواسیر بزنند و اگر خوا هشد در دریا تسکین  
 دهد بران زیاد و کاند مقل ازرق یک درم زعفران نیم درم فیون یک انگ و نیم \* مرهم اکثر آن که با صلاح فونکیان  
 با جوی گاون گویند منقول از حکیم مشهوری \* صنعت آن موم اکثر آن که روغن است که از رنگ ساخته می آورند از هر یک  
 یکون روغن سر شفت نیم وزن رال سفید ربع وزن طی الرم مرهم سا زند و فی الحقیقت این مرهم رال است \* مرهم  
 مردا سنگ تسکین ارجاع قروح و جروح و التیاب آنها نمایند و صلتهم سازد \* صنعت آن بکرطل مردا سنگ ده درم  
 کوفته بپخته با چهل درم زیت در هاون کنند و بسایند و بمالند نماید در شقاق آن تا یک سان شود و در درم زرد چوبه  
 کوفته بپخته اضافه کنند و بغایت سحق نمایند و بکار بوند \* مرهم مردا سنگ به نسخه حکیم مهمل زخم را از چرک پاک کند

کند و جهت کوفه ارسی نافع و نوشته که عجرباوت استادی است \* صنعت آن مردا سنک پنجم درم کند ربا رزداشقی موم  
 ازهر یک ده مثقال علی البطم سرخ ازهر یک یک مثقال روغن زیت بقدر حاجت علی الرسم موم سنا زنک و بکا ریزند \* موم  
 مردا سنک دیگر از حکیم مغربی به جمع عجرباوت را که از سیاب خارجه حادث شده باشد مناسب و مجرب است \* صنعت آن  
 مردا سنک دم الاخوین زرده تخم روغن چراغ ازهر یک بقدر لائق و حاجت علی الرسم استعمال نمایند \* موم مردا سنک  
 به نسخه دیگر \* صنعت آن مردا سنک زرد چوبه ازهر یک دو جزو نرم بکوبند بسره که تو کنند روغن کل سرخ درشته موم  
 سازند و سیل اسمعیل در ذخیره این موم را در سعه یا بسه ذکر کرده و گفته که این موم سعه یا بسه را بکا ریزند چون بعد  
 از گرفتن خون را ستغراغ صغرا به مطبوخ هلیله و افستین رزمی سقمونیا یا استغراغ بحسب صبر و حسب قوت یا این موم  
 را بر موم سعه طلائع یا یک شب بکند ازند و روزد یکوسوس کند موبوک چغندر بسره که آب به پزند و سر را بان  
 بشویند \* موم مردا سنک با سرکه به نسخه شمع الرئیس \* صنعت آن بکیرند مردا سنک هوقن که خواهند کوفته بپخته در  
 طشتی ریخته سرکه انکوری تند و زیت بر سر آن کنند و بکوبند و خلط نموده باد است استعمال نمایند \* موم مردا سنک  
 به نسخه قلانسی منبت لیم صالح است و بسیار نافع است از برای قروح بلخیه استعمال کرده میشود در تابستان در  
 مزجه حاره \* صنعت آن مردا سنک پنجم روم کوفته بپخته مرتبه دیگر آنرا بسره انکوری سحق کنند تا حل گردد پس  
 بریزند بر آن روغن کل سرخ و بسایند تا غلیظ شود و بگردد چون موم پس بیند ازند بر آن سفید اب ارزیز پنجم روم  
 و اندکی کافور و قیصری و سحق نموده استعمال نمایند \* موم مردا سنک تمام جراحت رافع و سودمند است \* صنعت آن  
 مردا سنک سه توله زرد چوبه خون سیا و شان سرمه سائیده شاخ کوزن سوخته سفید اب قلعی کلنا فارسی ازهر یک  
 بکتوله روغن زیت بیست توله موم کافوری دو توله روغن را بر روی آتش کدشته موم را در آن داخل نمایند و در سه جوش  
 داده از آتش فرود آورده ادویه را کوفته بپخته در آن اندازند و از چوب نیم موم زنند و در ظرفی نگاه دارند و وقت حاجت  
 بکار برند \* موم مردا سنک دیگر که در نفع از آن زیاد است \* صنعت آن مردا سنک زرد چوبه ازهر یک سه مثقال دم  
 الاخوین اتمل سیا و قرن کوزن محرق سفید اب قلعی کلنا فارسی ازهر یک یک مثقال اجزانم کوفته بپخته روغن زیت  
 بقدر حاجت بر آتش کدشته موم زرد مصفی چهار مثقال در آن کدشته ادویه را با چوب نینب در آن محزوج نموده  
 بکار برند \* موم مردا سنک اکثر قروح و جروح را نافع است \* صنعت آن مردا سنک شش مثقال روغن چندیلی که یا  
 سمین است یکصد و پنجاه مثقال که تخمینا ربع آثا دهند می شود علی الرسم موم سازند و عند الحاجة بکار برند زخم  
 را خشک و سوزش آنرا بر طرف میکنند و برای زخم پا و زخمی که از سوزش جگر بهم رسیده باشد نافع \* موم مردا سنک چینی  
 بالفعل است برای التهام و التهام قروح و قتیکه گرمی بسیارند آشته باشد \* صنعت آن بکیرند مردا سنک و نرم مثل  
 سومه سائیده یک اوقیه و سه اوقیه زیت بر آن ریزند و به پزند و حرکت دهند تا منحل گردد پس بکیرند کند و از زیت  
 دم الاخوین بار زدنم یا بس ازهر یک دو درم و نرم سوده در آن بریزند تا غلیظ شود و بکار برند \* موم مردا سنک دیگر  
 جهت رویانیدن گوشت استعمال کرده میشود و در تابستان هنگامیکه حرارت بسیار باشد \* صنعت آن مردا سنک پنجم  
 درم نرم سوده مانند سرمه پس با سرکه بسایند تا مانند موم گردد پس پنجم روم سفید اب رصاص و قلیلی کافور داخل کرده  
 نگاه دارند و روغن کل داخل نمایند و بسایند و موم سازند و عند الحاجة بکار برند و این هردو نسخه منقول از اصول  
 التراکیب نجیب الدین سمرقندی است \* موم نخاع دا نهی بواسیر را که پل پل آمد و باشد و در آنرا سودمند باشد \*  
 صنعت آن روغن کل هشت درم نخاع کا و ماده سی درم موم صاف پنجم روم سفید اب ارزیز سفید اب کانکرا ن مردا سنک

کثیرا صمغ عربی از هر یک یک درم سفید و تخم مرغ یک عدد حرام مغز او در روغن انار و صاف کرده چرک آن دور کنند  
 و موم را در صافی آن بکشد و دریه را سوده داخل کرده حرکت دهند تا فراهم آید از آنش بردارند پس سفید آب و کا فور  
 را سوده در آن داخل کرده بچوب نینب برهم زنند بعد از آن سفید بیضه را داخل کنند تا چوب برهم گردد و بکار بزنند موم  
 نخل این موم را صناعت جالینوس است و مسمی با این اسم کردند و بسبب آنکه در او از بخت ای طبع تا وقتیکه مرتب  
 شود بصفت نخل و طب باقی حرکت داد و وجه تسمیه این موم با این اسم اسحق این وجه را گفته و میر محمد مؤمن گفته  
 وجه تسمیه این موم نخل آن است که این موم حرکت میل در مواد عضوی را از برآمدن دفع از مسالك چنانکه از منخل  
 مشاهل می گردد و بعضی ادعا کرده اند که این تصحیف است اسم آن موم نخل است بحای مومله بعد از زدن و نخله بمعنی  
 عطیه است و در این موم عطا یا الهی بسیار است و شیخ الرئیس این موم را مسمی بموم فلق یس کرده و گفته که این  
 موم می است که جالینوس آنرا فونیقی نام نهاده محمود بن الیاس و بعضی دیگر این موم را مسمی بموم فلقطه کرده اند  
 و حال آنکه مشارالیه در اجزای این موم فلق یس آورده و چنین ظاهر میگرد که نزد این مرد و نخله مترادف باشد چنانکه  
 بعضی اطباء کان کرده اند نه آنکه اسم صنفی باشد از اصناف دواجات چنانکه مشهور است در کتب ادویه مفردة مسطور  
 در الجمله این موم می است جید الفعل در جبر کسروا صلاح عصب و کسر و حصر و روض اعضا و غضایف و دفع از برای طاعون  
 و اند مال قروح عسره الان مال قروح متعفن و اورام جاسیه و اورام سوطانی و از برای اورامیکه بوده باشد از مواد  
 منصبه با اعضا و از برای تحلیل مطلق اورام و چون طلا کنند این موم را بر جوب متقروح و حکه که حل و ت آنها از رطوبت  
 باشد نفع میل در همان روز و نثری عظیم میکند و بعضی از اطباء طلا میکنند این موم را بر جموده و کله و نخله و ملح گردان  
 طلای آنرا از برای اینها صنعت آن بکیردن مرد استک و تسقیه آن کنند با آب اسحق در آفتاب و چند روز چندان کنند  
 تا خشک شود پس فرا گیرند از مرد استک و زبیه کا و جلی اجزا معاوی و زلفه طار مستحق ربع یک جز و رومه را بصفت نخل  
 برهم زنند تا خوب همزج گردد پس بر آنش نهاده بر سفت نخل رطب برهم زنند و هرگاه سفت خشک شود بصفت رطب دیگر  
 برهم زنند و در نسخه دیگر مرد استک نصف یک جز است صنعت این موم به نسخه شیخ الرئیس بکیردن پنبه و لب که نهاده  
 در رطل و رطب پنبه شکمبه است زیت عتیق مرد استک سوده از هر یک سه رطل فلق یس چهار رقیه شحم ارد در روغن زیت  
 یک از آن و صاف نمایند و در پانچل کرده بر آنش کل زن و فلق یس و مرد استک را نرم نموده در آن را زن و بچوب ناز  
 نخل و منخل برهم زنند تا غایط و منعقد و بقوم موم آید فرود آورده نکاه از آن و عند الحاجة بکار بزنند صنعت این  
 موم به نسخه محمود بن الیاس که در حاوی عقیق گرد کرده بکیردن رطب خنوب و با شحم آن که غیر مملو باشد دو رطل مرد استک  
 یک رطل فلفطه رقیه و پاک کنند رطب و شحم را از جمیع عروق و غده ها و اغشیه و نرم بکوبند و بر آنش ملا بر یک از آن  
 و صفت نمایند و نما می دهند آن را بکیردن و نخل آنرا دور نمایند پس یک رطل زیت عتیق و یک و نیم رطل روغن کار  
 و صمغ و ملح داخل کرده نیمه برهم زنند و بطریق معمول موم سازند و بکار بزنند موم نوره قلمی فرموده اند که این نسخه  
 از آنست که اتم محمد هاشم سید ملو بخان است سوختن آنش و کله را نافع است صنعت آن نوره هفت مرتبه با آب شسته  
 موم سفید از هر یک پنج مثقال مرد استک خبث الفضة سفید اب از ریز شسته اقلیمیا شسته از هر یک یک مثقال روغن کل  
 سنجید و استاقال موم شمع د آرد در تل که از نصایح ذکر کرده و گفته که صاحب نصایح اطباء کرده و مبالغه نموده در  
 دلج این موم و گفته که نافع است از برای اوجاع معده و کبد و طحال و روده و بملوها و کرده و مشانه و رحم و اعصاب و از  
 برای اورام و از برای از برای نرف آن م و بجهت شوصه صنعت آن موم علك البطم مقل ازرق قورمانا برك مودنه

ثمره کرم کعک شامی هما ما سنبل الطیب زعفران مصطکی ازهر یک هشت درم روغن بنفشه روغن کنجد هر یک ام که باشد  
پنج وزن مجموع ادویه صمغ را بشراب عنبی یا سرکه انکوری بخیساند و درهاون بدسته بمالند تا نیکو مخلوط شود  
و بکار برند \* مرهم دیگر که شیخ الرئيس درقرا بادین قانون ذکر کرده نافع است از برای شدت ضعف کبد و معده و ملین  
صلابات است و حبس اسهال کبدی میکند \* صنعت آن کعک شامی چهار درم مصطکی افسنتين رومی لبان ذکر لادن  
ازهر یک در درم مرصافی صبر شقراطی قصب الدربره عود هندی اقا قیما ازهر یک یک درم سفرجل پوست و تخم جل اگرده پخته  
شش درم خرما قصب پنجاه عد دموم روغن نار دین کل سرخ ازهر یک بقل رجا جت که مرهم توان ساخت اول خرما و  
کعک را در طلا یعنی شراب مطبوخ بخیسانند و بگیرند سفرجل را و پاک سازند از حب و پوست پس به پزند آنرا با طلا یعنی  
شراب تا آنکه خوب پخته شود پس بگویند کوبید نی نیکو مخلوط کنند با قصب و کعک و درهاون بدسته بمالند تا مخلوط شود  
و موم را بر روغنهای بک ازند و باقی ادویه را کوفته پخته در موم روغن داخل نمایند پس همه را یکجا کرده درهاون بدسته  
بمالند تا نیکو مخلوط گردد پس طلا کنند آنرا بر صفحه کاغذی و بچسبانند بر کبد و معده \* مرهم دیگر که دما میل و جراحات  
و اورام را منفعی نماید و قتی که نیشتر زده باشند \* صنعت آن خمیر مایه سی مثقال آمک آب ندید \* پنج مثقال صابون  
در مثقال مجموع را بزیست سرشته بر عضو بمالند \* مرهم دیگر که سرطان را نافع است \* صنعت آن روغن کایک و نیم توله  
موم سفید یک توله سرنج و صمغ عربی ازهر یک ششما شه روغن نار دین را بر روی آتش کاشته و موم در آن اندازند که  
بک ازد پس سرنج را در آن اندازند و مرهم سازند و در ظرفی نگاه دارند و عند الحاجة بکار برند \* مرهم دیگر که درد کرد و مثانه  
و اسهال قضیب را سودا رود و سنگ از کرده فرو آورد \* صنعت آن روغن بنفشه پنج استار موم صاف پیه بط ازهر یک ده  
درم مغز استخوان قلم کاه سه استار و میعه سائله سه درم کل بنفشه کل خطمی سفید صمغ عربی کثیرا ازهر یک یک درم و نیم  
چنانچه رسم است بیا میزند و بر زها و قضیب و کرده به پنبه یا پارچه کهنه مالید و بک ازند و اگر بدین روغن بنفشه روغن  
عقرب کنند اصواب است و سنگ را زود تر پاره کند و بریزند \* مرهم دیگر که نافع برای آتشک \* صنعت آن کرنج که کرنج و  
نیز نا مندل که ثمر هندی است بقل رما زو خاکستری رنگ غیر مستوی کف دریا که بهندی هندی پهن نا مندل کاف هندی  
سفید ازهر یک یک جز و موم سفید روغن گا و ازهر یک در جز و علی الرسم مرهم سازند و بآب سرد چند مرتبه بشویند و  
بکار برند \* مرهم دیگر که جرب و حکه قویا نافع \* صنعت آن آب انار ترش یکدل در سرکه انکوری در ظرف مس سرخ  
بی قلای به پزند تا غلیظ گردد پس درهاون انداخته کبریت زرد پوست هلیله زرد تو قیای کرمانی مغز تخم خرزله بوداده  
مغز تخم ک و بوداده سنک شویه که بهندی تخم پنوا و تخم چکون کوبند پوست ک و سوخته حضض مکی ازهر یک یک مثقال  
کوفته پخته در آن داخل کرده پیوسته بمالند پس روغن کل سرخ بقل رجا جت داخل کرده نیکو بوم زنند تا چون مرهم شود  
درهما بعد کیسه مالی بر موضع جرب و حکه قویا بمالند \* مرهم دیگر که اسقاط دانه بواسیر مینماید \* صنعت آن مغز گردان  
جاوید مغز استه زرد آلوده در زبا پیه کوهان شتر سحق نموده طلا نمایند \* مرهم دیگر که جهت اسقاط دانه بواسیر \* صنعت آن  
مغز ساق گاو پیه مرغ کوهان شتر روغن کل سرخ مساوی الوزن درهم بک ازند و قدری افیون داخل کرده درهاون بدسته  
بمالند تا یک سان شود و استعمال نمایند \* مرهم که بدن را نرم سازد و تشنج را که از بیوست باشد سودا رود و مفاصل را نرم  
سازد و اعضای ضعیف شد را قوی گرداند \* صنعت آن روغن بنفشه بادام بیست درم مغز قلم کایک استار مغز قلم کاراد در روغن  
بک ازند و صاف نمایند و ثقل آنرا در کنند پس چهار درم موم سفید صافی در آن بک ازند و کل خطمی سفید و کل بنفشه و صمغ  
عربی کل با بونه اکلیل المملک ازهر یک دو درم کوفته پخته درهاون بدسته بمالند تا یک سان شود و بکار برند \* مرهم که بی نظیر

است در تسکین اوجاع امراض نوا صبر و بواسیر و شقاق مقعد و درد آن \* صنعت آن مغز تخم کد و بریان مغز تخم خرپزه پخته کرده  
از هر يك در مثقال برق القنب سفید اب قلعي شسته مغز قلم گا و زهر يك يكه مثقال همه را بدستور  
با مرهم مزوج نموده زمانه در هارن بدسته بماند تا يكسان شود و بكار بر بند \* مرهم كه قوبار نافع است \* صنعت آن روغن  
تنگ كه روغن سر و شفا است سه آذرا صابون ربع آن را سرخ سفید اب از هر يك چهار توله و بعضي عرض سفید اب شنبرف را  
داخل مینمایند علی الرسم یا سفید \* مرهم نافع جهت جرب \* صنعت آن روغن تلخ ربع آن را قفل در اسرخ  
كه در هارن میشود بپنجعل دوران اند از نك و بر آتش كل از نك تا بسوزند پس شمشا شه جلد و اردو ما شه زردنخ ورقه نرم سوده  
داخل نمایند و عند الحاجة بموضع جرب بماند \* مرهم نافع جهت جميع قروح و جراحات خبیثه و خنا زهر و آتشك \*  
صنعت آن روغن كنجد را در ظرفی كوده بر آتش بكن از نك و چرم ساغری سبز را ریزه ریزه كرده دوران اند از نك و بچوب نینب  
تا نه برهم زدن تا سوخته گردد صاف نموده قدری موم داخل كرده برهم سا زدن و بكار بر بند \* مرهم كه بر نكرا جهت ضربه و سقطه  
و تسهیل و سختی آلت كه به سبب ضعف یا جلق یا ريك و ناهمواری باشد \* صنعت آن با زرد موم سفید از هر يك بیست  
و چهار مثقال كهو نكرا كه نام دوائی هندی است تا بخوابد و ترب جوز بوا از هر يك سه مثقال علی الرسم مرهم سا زدن و بوضع  
در دایا آلت بماند و كرم مثقال در دوسه درهم از بن مرهم را نیز از بن مرهم بسیار و خوب است و از روشی و بادای پوهی و نماند و  
و چند این مرهم كه نه كودد بهتر است \* مرهم الكفوان جهت انواع قروح و جروح و نوا صبر و بواسیر و ما صیل \* جرب و مصل  
و منضم او را ماست \* صنعت آن الكفوان كه روغنی است سیاه رنگ كه از نك می آید و زدن موم كا فوری از هر يك بیست توله  
روغن بزرگان كه بهندی السی نامند مشقت توله روغن سبزه كه روغنی است خاكستری رنگ كه نیز از نك می آید و زدن روغن  
سوخ كه نسخه آن نوشته میشود زلال از هر يك چهار توله موم را در روغنها بكن از نك و زال را نرم سوده بران بماند و بچوب  
نینب برهم زدن و مرهم سا زدن و بكار بر بند \* نسخه روغن سوخ كه از اجزای این مرهم است و نیز جهت تسهیل و زرام  
در اعضا و رجوع مفاصل سفید است \* صنعت آن روغن كنجد و روغن سر و شفا از هر يك دواستار هندی و رونا س كه عروقی  
الیهما غریز و بهندی و بهندی تا هندی ربع آن را روغن كوكی از بنیاد كه بهندی می آید و كچور كویدل نسخه سعل كوفی را به هندی كچله  
دانه ها را كه بهندی می آید و كچور كویدل قراقل سا دج هندی از هر يك مشقت توله ادویه را جو كوب نموده يك  
شما نوز در چهار آذرا آب خالص انجمسا نك پس بچوشانك تا به نصف آید و روغنها را داخل كرده با آتش ملایم بجوشانند  
تا آب رفته روغن بماند و اگر اولاد بعد از آنكه دو نك آب در جوش رفته باشد ادویه را عا لید و صاف نموده روغنها را  
داخل كرده با آتش ملایم بجوش و عند الحاجة بهتری است و این روغن نیز قولنج و رجوع را نافع است \* مرهم دیگر قروح و جروح و زرام  
را نافع است شراوع كه باشد \* صنعت آن كا فوری تخم خیار و قشور لعل مغربی كه زال است نوتیای هندی مودا سنگ حبه را سح از زرد  
سرایج سفید اب نقاشی موم كا فوری از هر يك يك مثقال دم الاخوین پیه بروغن كل از هر يك دو مثقال ادویه كوفته نسخه موم  
را در روغن كل اخته علی الرسم یا سفید \* تخم مرغ بدوشند و بكار بر بند \* مرهم الكواكب منقول از طب كیمیاى براگسوس  
كه نسخه این مرهم مسی و مرهم او را ماست و از عیناب و كیمیا و غوا لب خواص او است جهت آنكه نوشته كه زائل میكرد  
جراحات را و غیر آنكه احتیاج بسوی كل تشن مرهم بر عضو صبر و روح باشد بلكه كل تشن این مرهم با نكی كه با آن جراحات ها را  
شد و رشم شپور و كد و رشم و زهر و نيزه و چوب و عصا و غیر اینها با پارچه خون آلوده كل از نك و تبیل بمل نمایند مرهم  
جدا بجا بزنند و بمل نمایند ما دام كه صحت یابد و اگر جراحات خشك شد و باشد با پارچه كوپاس خشنی یا بچوبی یا  
بچوب نكرا آن عضو خون آلوده نمایند و مرهم بران پارچه با چوب بمل نمایند لیكن بسیار عریق باذن الله تعالی شفا

میباشد و نیز گفته هر چند بعضی مردم متکبران این قائلند که انبیاء یا فتن جروج و قروح نه بسبب تاثیر این مرمه است بلکه بسبب توجه و اعتقاد مجروح است و افشای طبیعت او نیست امر چنانچه گمان کرد و آنکه بکوشش که خواص اشیا را نکار نمیتوان نمود و فعل مرمه بخاصیتی است که جناب اقدس الهی بمرحله ارواح سمای بران فائز کرد و اینچنانچه جناب معناطیس آهن را \* صنعت آن بگیرند شحم خنزیر صحرائی شحم ذب که گفتار است از هر یک هشت اوقیه و هر دو را با شراب انکوری خالص با آتش ملایم طبع دهند پس در آب سرد بویزند تا منجمد گردد پس بگیرند خراطین را با شراب انکوری یا آب خالص نیکو بشویند و بر روی طبق خشک نمایند مقل ارد و رطل پس بگیرند مغز خنزیر بوی و صندل سرخ و موم میانی خالص و هجرالد م که شاد نج است از هر یک یک اوقیه استخراج کنند سرانسان در وزن جمیع ادویه آنچه گو بید نی است گو بید و آنچه سائیک نی است هائیک و باهم ممزوج و مخلوط نمود و مرمه سازند و باید که در وقت خلط و امتزاج و ترکیب قمر زائده انورود رخا نه زهره باشد و اگر شمس در میزان باشد بهتر است پس محافظت نمود و بوقت حاجت بکار برند \*

**فصل در ذکر مری \*** بل آنکه مری بضم میم و کسر راء مهمله مششده

ریای آخر حروف وری لفظ عربی است مشتق از مری یعنی هضم کنند و طعام و بفارسی آبگامه نامند از ادویه قلیمه است از اختراع اطباء کلدانیون کرم و خشک تا اول درجه سیوم و گفته اند حار و رایی و یابس در ثانیه است و ماضی و مشهوی و مصلح اخلاط ازجه و دافع تخمه و کرم معد و امعاء و بواسیر و بک برقی دهان و ضرر و چربیهای معد و مسخن آن و جگر و ملطف غلایهای غلیظ و محفف رطوبات معد و امعاء و خوشبو کنند و دهان و منشف بلغم و ادراک فضلات کنند و شرب آن چند روز ببالد و را غر کردن بدن از مجربات است و تحتین بدن و داخل کردن آن در حقنه ها جهت قرحه و معار و قولنج و وجع و رک و عرق النساء نافع است و جهت دفع اخراج بلاغم کثیره و اخلاط نیه فجه را و نطول آن جهت قروح و ویشهای هغه خبیثه و کزیدن سک دیوانه را مفید است و غرغره آن جهت ورم لهاة و لوزتین بعد انفجار و جذب بلاغم ماضی و حنک و ازاله نقصان ذائقه و قطور آن در چشم مانع بروز آبله است در چشم اگر بروز کرده باشد در ازاله آن از مجربات شمرده اند و مضروب سینه و سرفه و بواسیر و صاحبان خارش بدن است و مصلح آن لعابها و چربیها و شیرینیهها است و گویند که مری عمل نمک کند الا آنکه ازان لطف و قوی بود و شکم پراند و معطش است و چون ناشتا اند کمی بخورند کرمهای معد و امعاء بکشد \* صنعت آن به نسخه اصل که بهترین آبگامه است بگیرند آرد جو و ماده آنکه فودج است و صنعت فودج ذکر کرده میشود و در رتابستان خمیر کرده نان نیم پخته و در تنور سازند و آنرا نیم وزن آن فودج نیم بوی و مثل آن نمک و ربیع آن را زیاده و جهت مبرودین قلری تخم کرنس در ارچینی و زعفران با آب خمیر کرده و بیست روز در آفتاب کرم بکند ارنده و هر روز برهم زنند و آب بران بپاشند تا سایه و منتن و متکرج گردد پس در آب حل کرده و صافی نموده در شیشه کرده چند روز در آفتاب کرم بکند ارنده و بکار برند و آنچه بالفعل در این بلاد بجای مری استعمال میکنند آن است که ماده آبگامه را بجای آب در سرکه حل میکنند و در آفتاب میکانند و این را قوت اسهال ضعیف و قوت تفتیح و هضم غذا و یاده اسهال و لیکن استعمالش در حقنها جایز نیست خصوصاً حقنهای قروح و در اسهال بجای آب و سرکه شیر میکنند و معروف آبگامه بالف و کومه با و و نیز و بعضی بجای شیرماست میکنند و بعد ازان هر قل را زکامه بر میک ارنده عوض آن شیر داخل کنند و در باب کواصی مذکور شد \* صنعت مری بنسخه دیگر است و بگیرند نان آرد جو را در سرکه خمیر کرده در آفتاب ببالد و تا ده روز سرکه بر سر آن می ریزند و ده روز دیگر بکربن و شهاب خمیر آنرا تازه کنند و بعد ازان ادویه حاره کوفته پخته دران ریزند و ده روز دیگر در آفتاب بکند ارنده و چون خواهند که آبگامه رقیق باشد بگیرند از شیرینیه و از بیکس و سه من



سرکه انگور کهنه بر سر آن ریخته و ادویه نیم کوفته در کيسه کرده در آن اندازند و چهل روز در آفتاب بکشد و از آن پس صافی کرده استعمال نمایند \* صنعت این مری به نسخه دیگر بکیرند نان کنند و در ظرف سفالی سبز نو کرم بر روی همکند از آن تا سبز شود پس آن نانها را سبز را بر سرکه انگور کهنه خمر کرده در آفتاب بکشد از آن و تاده روز هر روز سرکه بر آن ریخته و ده روز دیگر خمر آنرا بدین و شنب تا سه سازند و ده روز دیگر بشیرۀ انگور خمر کنند و بعد از آن ادویه حاره کوفته در کيسه کرده در آن اندازند و تا چهل روز در آفتاب بکشد از آن و یکا ریخته \* صنعت فودج که ماده ابکامه و کامها و ترشیهای دیگر است بکیرند آرد کنند و آرد جو بهم پسرشند خشک و با آب کرم و خمرۀ نان و نمک خمر کنند و قریب سازند و سوراخی در میان آن کنند و در یک انجیر پیچید و در ظرفی نهند و در سایه بکشد از آن تا سبز و عفن و بوسیده شود پس بیرون آورد و بکار برند و بعضی گفته اند که فودج را با این صنعت میسازند که آرد جو آورد کنند و با آب کرم خمر کرده بی نمک ترتیب داده و در بر یک بیل انجیر پیچید و در ظرف کرده در سایه میگذارد از آن تا متعفن شود و خشک کرده تکامل از آن و بعضی در آن ادویه خوشبو اضافه نموده با سرکه مخلوط ساخته مدتی در آفتاب میگذارد و خواص آن در حرف الالف در فودج ذکر یافت و صنعت آن نیز و مکرر بوی ایاض و تسهیل اینجا نیز آورد \* مری فرموده اند که این از اقوال بید حکیم معتمد الملوک سید علویخان است \* صنعت آن آرد کنند و آرد جو مسافر خشک در هم کرده در مویک من تهریزی از آن یا نروده مثقال نمک و در مثقال و نیم بورۀ ارمنی یا بورۀ درختی که آنرا بهندی کهار نامند سی و هفت مثقال و نیم ماده مری که فودج باشد و پنج مثقال خردل سوده و ده مثقال خمر مایه داخل کرده با آب خمر کرده و لیکن باید که در آن آب بقل را چهل مثقال سرکه انگور داخل باشد و مثل سرکه و شنب نیز باشد پس آنرا خمر کرده بکشد از آن تا آن خمر ترش شود پس از آن خمر نانهای ضخیم ساخته و در قنور نیم بخته نموده پس آن نانها را در ظرف سفالی سبز نو کرم بر روی هم بکشد از آن و در سایه جای نمناک نهند تا آن نانها سبز شود پس آن نانها را خمر کرده با آب و قنور و نمک و در ارچینی و قریفل و از زبانه داخل کرده بیست روز در آفتاب بکشد از آن و هر روز در آب داخل کرده بر هم زنند پس بکشد از آن خمر را در سه من آب حل کرده در شیشه بکشد و در شیشه خشک و قریفل و زبانه و در ارچینی و زنجبیل و سیاه و خردل و بودنه و شون نیز نیم کوفته در کيسه گذاشته اند و در آن انداخته بیست روز در آفتاب بکشد از آن پس صافی نموده بکار دارند و اگر خواسته باشند نانها را بعد از سبز شدن بر سرکه خمر کرده بیست روز در آفتاب بکشد از آن و هر روز سرکه بر آن ریخته و ده روز دیگر خمر آنرا بدین و شنب تا سه سازند و ده روز دیگر بشیرۀ انگور خمر کنند و بعد از آن از آن خمر را در سه من آب حل کرده در شیشه نموده ادویه مزبور را سوا خردل در شیشه نموده بیست روز دیگر در آفتاب بکشد از آن پس صافی کرده بکار برند \* مری دیگر تألیف آن مرحوم \* صنعت آن فرا کیرند از آرد کنند و با آرد جو موقد که خواصند و از مویک ام که مغز اندک و یا هر دو در هم و خمر کنند و باید که خمر مایه در خمر آن زیاد از قنور متعارف باشد و خمر آن را بکشد از آن تا بکشد و بر آید پس آن خمر را در قنور نانهای حجیم نیم بخته به بزنند پس بر آنها اندکی آب یا شین کرم کرم در ظرف سفالی سبز بر روی هم بکشد از آن و در ظرفی دیگر بر سر آن و در سایه در جای نمناک نهند تا نانها سبز شود پس آن نانها را خشک کرده بکشد از آن با نصف آن فودنه و نمک خمر بوزن آن را از هر یک از زبانه و شون نیز و خردل سوده در ظرفی بکشد و در آفتاب نهند و هر روز آب بر آن افشانند و در میان آن تا سیاه شود پس آب در آن کنند و سه هفته در آفتاب نهند تا جوش آورد و از جوش فرو نشیند پس صافی نموده آن صافی را با نصف وزن آن سرکه و نصف سرکه نبات داخل کرده بر آن اقبال بزنند و سه هفته دیگر در آفتاب بکشد از آن و در ظرفی دیگر در زبانه و شون نیز و سیاه ز

زنجبیل در هر یکم از آن آب مرقوق یکم ازین ادویه داخل کرده سه هفته در آفتاب بکند ازین پس صافی نمود و در شیشه ها کرده بکار دارند و اطفال آن را نگاهل اشته هرگاه خواسته باشند تا چند بار آب و سرکه یا آب خالص بر روی آن کرده سه هفته در آفتاب نهند پس صافی کرده افارینه من کوره داخل کرده چند روز دیگر در آفتاب نهند \* مری دیگر معده را قوت دهد و بلغم دفع کند و اشتهای طعام آورد و صفرا و صلاخ صفراوی و کثرت زبان را رفع کند و رنگدور را نیکو گرداند و بوی دها ترا خوش کند \* صنعت آن نان تازه کرم را در کوزه گلی آب ندید و بکند ازین تا سبز شود بعد از آن در سرکه انگوری بکند ازین تا نرم شود بعد دور و در همان سرکه خمیر نمایند و در آفتاب بکند ازین تا ده روز لیکن باید که سرکه بالای آن نان باشد بعد از چند روز بر آورده در قند خمیر کنند و صاف نمایند و در شیشه کرده نگاهل ازین وادویه کرم مطیب مانند مشک زنجبیل دارچینی قرنفل دانه هیل جوز بوا بود نه تازه واکر بهم نرسد خشک فلفل اجزا برابر جو کوب نمود و در کبسه کرده در آن اند ازین و دو آثار سرکه انگوری خالص تند داخل نمایند و بیست روز در آفتاب بکند ازین بعد از آن کیسه من کوره را بر آورده بعد طعام و با طعام بنوشند بسیار نافع بود \* صنعت مری به نسخه دیگر نان موصوف سبز کشته را با مساوی آن آرد مید و سرکه خمیر کنند و در ظرف سفالی کرده در آفتاب بکند ازین و سر آن را پیوسته هر روز با قند ری سرکه انگوری خمیر آنرا تازه سازند تا چهل روز بعد از آن در هر سه چهار یکم از این خمیر و یکم سرکه انگوری هل نمایند و ادویه من کوره فوق را نیم کوفته و کیسه کتانی کرده در آن اند ازین و هر روز دو مرتبه آن را برهم زنند تا طعم ادویه در آن ظاهر گردد پس برداشته صافی نموده نگاهل ازین واکر غلیظ باشد قند ری سرکه انگوری و در شتاب داخل نمایند \* مری بنا بر آنچه مسعود بن محمد سنجر در رساله اسرار الطب ذکر کرده با این صنعت است بکیردن سبوس کندم مقادیر من طبی که بیست رطل بغلادی است و آب شیرین آنرا تو کنند با نمک و بکند ازین تا خوب ترش شود یعنی تا هفت روز بکند ازین و این عمل در آخر بهار باشد پس بهالایند آنرا و بکیردن صافی آنرا و نگاهل ازین ثقل آنرا و بشویند با آب چنانکه مطلق بوی در آن نماند پس آبها را تمام در تغار سوزی کرده در آفتاب بکند ازین پس بکیردن آرد جو مقادیر من طبی و خمیر کرده سه روز بکند ازین تا ترش شود پس آن خمیر را نانها ساخته در تنور نیم پخته در آب سبوس اند ازین و چهل روز در آفتاب بکند ازین پس بینک ازین در آن مقادیر اینچ آب کرم و تخیل آب نمایند یعنی در آب سبوس هر قل آب کم شود همان قل را داخل نمایند و بکند ازین بعد از آن اختن نان بیست روز و تخیل آبها بران همان قسم میکوده باشند پس آب صافی کرده در ظرفهای دیگر مثل قل حهای بزرگ کنند و در آفتاب بکند ازین تا برسد و داخل کنند در آن را زبانه تر با خشک نیم کوفته جریش و سیاهکانه و نانخواه و کمون کوهانی و گاهی مری از ماهی میکیردن بر صفت من کوره و در موضع دیگر در کتاب مسطور گفته مری چیز بیست سیال از جنس نان خورش که فرا گرفته میشود از آن و مر آن را خمیره ایست از آرد جو و سبوس کندم که با آب و نمک سرشته در خمیریند و بکند ازین در آفتاب تا بیست چهار روز تا برسد پس صاف نمایند آب صافی آن مری است و ثقلش بن است \* مری به نسخه میرزا محمد باقر حکیم باشی منقول از خط معز الیه \* صنعت آن نان کرم آرد جو یا آرد کندم نیم پخته در تغار سفالی سبز آب ندید و بکند ازین تا سبز شود نگاهل با سرکه انگوری خمیر کرده ده روز در آفتاب بکند ازین و هر روز قل ری سرکه بران ریزند پس آنرا بد و شاب خمیر کنند و ده روز دیگر در آفتاب بکند ازین و بعد از آن در هر یک من شاه ازین خمیره سه من شاه سرکه انگوری کلپرد ارچینی سیلانی زنجبیل جوز بوا بسباسه بود نه اشنه سنبل الطیب کبا به شونیز را زبانه کروی یا فلفل قرنفل از هر یک پنج مثقال زعفران یک مثقال داخل کرده چهار روز در آفتاب بکند ازین و در این مدت هر روز دو مرتبه



گوت کاکرا که شمالی وسط راه شاه جهان آباد و کوروا قع است و در کهنه و اوده و الله ابا و عظیم آباد از کوهستان بهر آنچ  
و نیما و درینکاله از کوهستان مورنگ و رنگپور و نیما و نیز در ایزان و خراسان و روم از چین و خطا و تبت هم از راه دریای  
هم از خشکی می آورند و خالص آنرا بسیار کم می آورند مگر بعنوان تحفه و هدیه برای ملوک و سلاطین و حکام آن بلاد و  
سرحدات بلکه در هماغه نجا ناه را برید و مغشوش نموده بقسمی که معلوم نشود ناه را ساخته می آورند و بهترین آن بحسب  
امکنه خطائی است پس تبتی پس کونکا نکرانی پس نیما پس جاها و دیگر و بحسب یوتند بوبل یکم و مکرر و المزاج  
را عاف آورد و بحسب رنگ زرد تغا حی و بعضی گفته اند که مشک چهار قسم میباشد \* قسم اول خونی است که ازان حیوان  
بطریق حیض و بواسیر دفع شده بر روی سنگها منجمد میگردد و این قسم در نهانیت خوشبوئی و تند می باشد بل یکم  
عاف می آورد و زرد رنگ و قطعات آن طولانی و با صلابت نادر و قلیل الوجود است \* قسم دوم تبتی و آن ناه است که  
از اجتماع خون در حوالی ناف و بسبب غلبه قوت و حرارت آن بهم میرسد و بزرگ میشود تا مقلار نصف لیوئی و  
بعد بزرگ شدن و رسیدن بکمال خارش بسیاری در آن موضع بهم میرسد و بسبب شدت خارش بر سنگها درختها میمالد  
و با پوستی که بالای آن است جدا شده می افتد \* قسم سوم سیوم چینی است و آن خونی است که بعد از صیقل نمودن موضع  
ناف آنرا بدست میمالند تا خون اطراف یکجا جمع شود پس شکافته بر می آورند و خشک میکنند و آن سیاه رنگ با صلابت  
میباشد \* قسم چهارم مندل نیست و آن خونی است که از ذیبح آن حیوان بهم میرسد یا جگر و سرکین خشک آن خمیر میکنند  
و این قسم اشقرا اللون غیر صلب میباشد و این سخنان بتمامها شاید اصلین داشته باشد بلکه مشک دو قسم است یا اصلی  
خالص است و یا جعلی مغشوش و اصلی خالص همان قسم دوم است که مسمی به تبتی کرده اند و حال آنکه مخصوص بدانجا  
نیست و این قسم یا آن است که خود بخود جدا میگردد چنانکه ذکر یافت و یا آنکه قریب بر سیدن کال که مودم آنجا آنرا  
میل اند آن حیوان را گرفته برید جدا میکنند و قسم اول که خونی کوبند شاید چنین باشد بر تقطیر و ق که آن حیوان  
بسبب شدت خارش آن موضع را بر سنگها میمالد و مجروح شده خون ازان بر می آید و بر سنگها ریخته منجمد میشود  
باشد و مردم آنرا یافته می آورند و آن را حمل بر حیض و بواسیر آن میکرده باشند و دو قسم دیگر مغشوش است و نیز گفته اند  
که مشک عملی از ریوند چینی و حصی لبان و جگر خشک کرده بز و تخم مورد و قرنفل و خون گبوتر و قند ری مشک ترتیب داده  
در ناهها پور کرده و سر آن را مسدود نموده بصورت اصلی ساخته میفرشند و علامت مغشوش از سیاهی مفرط و تغل آن معلوم  
است و امتحان آنچه در ناه باشد آن است که ریسمانی را بسوزان اول از ناه کد را نید و پس از وسط سیر بکل رانند  
و بوی کند و هوا بوی سیوند هلاله خالص است و لافلا و متحان آنچه در غیر ناه باشد در کف دست قدری ازان را با آب دهان  
بمالند و اگر حل شود خالص است و اگر قتیله گردد مغشوش است اسطوخودوس که مشک خالص سائید و چون در ظرف رطوبت  
دار نهان بقدر یک ساعت و زنی زیاد میشود و امتحان دیگر آنکه ظرفی را بر آتش نهان و مشک بر روی آن ریزند اگر ازان  
بوی نیکو آید خالص بود و لا مغشوش و امتحان دیگر آنکه سر جوال دوزی را در سیر زدن و در ناه فروریزند و ببویند اگر بوی  
بد ازان آید مغشوش است و اگر بوی خوش آید اصلی بهترین مشک تبتی خالص بهمان اصطلاح است قوتش تا سه  
سال باقی میماند و از ناه بیرون آورده تا یک سال و گرم است در سیوم و خشک است در دویم و شیشه رئیس کرم درد ویم  
نوشته و هر چند کهنه شود خشکی آن غالب میگردد و ملطف و مفتاح سد ها و محلل اخلاط غلیظه بارده و مقوی دل و دماغ  
و سایر اعضای رئیسه و حرارت غریزه بالخاصیه و اعضای ظاهری و باطنی و تزکیه حواس ظاهره و باطنه از سامعه و باصره  
و شامه و ذائقه و مفکره و ذاکره و مفرح و مقوی باه و حاس و طبع و مسکرو و بجهت ضعف دل سودا ری و غشی و سقوط قوت و

دفع طبعش فواد و ضرار و بیهوشیه و مسهل و مسهومات و دفع غم و روحش با در سوفاوی و اما لثولیا و خد و زنا و لثوه و  
 رعشه و صرع و امه الصبیان و سکنه و بلاد و نسیان و امراض عصبانی و ریاح امعا و نیکوئی رنگ و خساره و رسا نیدن قوت  
 ادویه بعمق بدن و در اکمال طبقات چشم موثر و شرب آن در دفع بیش قرون استنبال بی عمل و فرج آن معین بر حمل  
 و طلاء و سوط آن به تنهایی یا با چند و فلل و دارشیشعان و امثال آن جهت سکنه و جمیع امراض با و ذی دماغی و بار و غن  
 یا آن بر مقلد دماغ و با ادهان حاره و فقرات ظهر جهت خد و فالح بشرط تکرار و تمامه یا با مریوئیدن آن جهت منع  
 نزلات و صداع بارد و طلاء آن بار و غن خیری و با حلیل جهت تحرک باه و اکمال آن جهت ظلمت بصر و بیاض و دمعه  
 و ظفر و مفید و مضر و مریوئیدن خصوصاً در بلاد حاره و فضول حاره و جو اندان و مصالحش کافور و قیصری و روغن بنفشه است  
 و مریوئیدن آن مورت صداع مریوئیدن و زردی و خساره و شرب آن مکرر و بسیار موجب بد بوئی دهان و مصالحش کلاب  
 و قند و شربش تا نیم درم بد لش یک وزن و نیم آن ساذج منکح است و در او جاع عصب در ثلث وزن چند بیل ستر  
 فصل در بیان نسج جوارشاتیکه اصل و مریوئیدن ها

در سوط و طلاء و خوردن \*

مسک است \* جوارش المسک منقول از قرا با دین افندی صالح چلبی حکیم باشی قیصری

ابراهیم سلطان مقوی دماغ و قلب و معده و جهت صرع و خفقان نافع و قند و شربش یک درم است \* صنعت آن عود قماری

خام شد درم دارچینی ده درم عین و شرب سه درم مشک تبتی خالص در ثلث درم کوفته بنفشه با شربت و در بقدر

کفایت بشویند \* جوارش المسک به نسخه شیخ الوئیس ابو علی بن سینا خفقان و بواسیر را نافع است و ضعف معده

و باد های معده را دور کند \* صنعت آن هیل بوا قرقفل زنجبیل و ار فلل از هر یک ده درم دارچینی سه درم عود هندی

خام شد درم زعفران دو درم شکر سلیمانی بوزن مجموع ادویه مشک ترکی خالص نیم مثقال کوفته بنفشه با عسل سفید

مصفی بشویند و در ظرفی چینی نگاهداری و شربش دو درم مزاجش کرم و خشک است در درجه دوم \* جوارش المسک

به نسخه دیگر که تغذیه سهیلی دارد با نسخه قبل \* صنعت آن هیل بوا قرقفل زنجبیل و ار فلل از هر یک ده درم

دارچینی سه درم مشک خالص نیم مثقال عود قند سفید از هر یک بیست درم کوفته بنفشه با عسل مصفی بقدر کفایت

بشویند \* جوارش المسک به نسخه دیگر که قریب به نسخه شیخ الوئیس است \* صنعت آن قاقه صغار قاقه کبار زنجبیل

فلل و ار فلل از هر یک ده درم دارچینی سه درم عود هندی بیست درم زعفران دو درم مشک ترکی خالص یک و نیم

مثقال قند سفید بوزن مجموع ادویه کوفته بنفشه با عسل سفید مصفی و وزن مجموع ادویه بشویند شربتی

یک مثقال \* جوارش المسک خفقان و بواسیر را نافع بود و ضعف معده و باد های معده را دور کند \* صنعت آن دانه هیل بوا

قاقه کبار قرقفل زنجبیل فلل و ار فلل از هر یک ده درم دارچینی سه درم مشک خالص سه درم قند سفید شصت درم

کوفته بنفشه با عسل مصفی بقدر کفایت بشویند عمل الحاجت بکار بوی \*

فصل در بیان محبوب مسکی \*

حب المسک مقوی دماغ و قلب و معده و حواس را صاف و نیکو گرداند \* صنعت آن مشک تبتی خالص عود قماری

دارچینی قرقفل و قاقه کبار مصطکی رومی از هر یک یک درم ورق طلا محلول ربع درمی ورق نقره محلول زعفران از

هر یک نیم درم ادویه کوفته بنفشه با صمغ عربی محلول سرشته محبوب سازند هر حبی بقدر و فللی شربتی از یک حب

دانه حب \* حب المسک دیگر که همان نفع دارد و مریوئیدن و امثال آن است \* صنعت آن مشک خالص نیم مثقال

عود قماری دارچینی قرقفل مصطکی از هر یک یک مثقال تخم خرفه مقشر شش مثقال طیب شیر سفید یک و نیم مثقال آمله

در سوط و طلاء و خوردن \* حب المسک دیگر که با در المزاج را نافع است \* صنعت آن

آن مشک خالص د و درم عنبر اشهب نیم درم عود قماری غرقی خام جوز بوا بسباسه قرنفل د ارچینی سیلان قاقله کبار مصطکی رومی ازهر یک یکم مثقال ورق طلا محلول زعفران ازهر یک یکم رم ورق نقره محلول یک و نیم درم نبات سفید سه درم علی الرسم با صمغ محلول د زکلاب سرشته حبوب سازند هر حبیب بقدر قلقلی و نخودی شربت از یک حب تاسه حب و اگر در این نسخه مقل ارد و حبه افیون خالص اضافه نمایند بد نیست \*

**فصل در ذکر تسخ د واء المسک**

**باقسام شتی \*** د واء المسک بارد مقوی اعضای رئیس و بجهت نا قهین حار المزاج و خفقان حار و مالینولیا از احتراق صفرا خصوص مالینولیا ی مراقی و خبت نفس نافع است \* صنعت آن کهربای شمعی غنچه کل سرخ تخم خرفه مقشر کشنیز خشک مقشر ازهر یک چهار درم کل کا و زبان آمله منقی ازهر یک هفت درم بسد محرق صندل سفید مروارید ناسفته ابریشم مقرض ازهر یک سه درم مشک خالص زعفران ازهر یک یکم رم قند سفید سه وزن ادویه بد ستور مرتب سازند شربتی یک مثقال و اگر د رطیع لیمت باشد کشنیز خشک و خرفه هرد را بریان کرده داخل کنند و نیم وزن ادویه قند سفید و یک وزن و نیم رب سیب شیرین یارب به شیرین هرد و مسامی و یک و نیم وزن ادویه داخل کنند \*

**د واء المسک بارد حکیم عماد الدین محمود \*** صنعت آن کل کا و زبان تخم کاسنی تخم کاهو طباشیر سفید کل سرخ صندل سفید تخم خرفه مقشر کشنیز خشک مقشر ازهر یک چهار مثقال مروارید ناسفته محرق بسد محرق ازهر یک دو مثقال کوفته بیخته مشک تبته عنبر اشهب ازهر یک د و آنک آب سیب ترش بقدر ضرورت قند سفید سه وزن ادویه بد ستور معجون سازند شربتی یک مثقال \* د واء المسک بارد د یکنوا فع از برای خفقان حادث از شرب خمر و مقوی قلب است منقول از خط حکیم عبد باقر \* صنعت آن ورق کل سرخ طباشیر سفید کشنیز خشک مقشر کل کا و زبان کهربای شمعی ازهر یک یک جزو مروارید ناسفته نیم جزو مشک تبته سد من جزوی با نبات سفید سه وزن ادویه و آب سیب ترش بد ستور مرتب نمایند شربتی یک مثقال \* د واء المسک بارد د یکنوا فع از برای امراض حار قلب و امراض حار که به مشارکت امراض حار قلب مثل صلح حادث به مشارکت امراض حار بسبب صعود بخارات با خلط از قلب بسر \* صنعت آن مروارید ناسفته کهربای شمعی بسد ازهر یک سه درم یشب سبز زعفران درونج غرقی کل کا و زبان ازهر یک یکم رم و نیم ورق کل سرخ و سفید تخم کاسنی مقشر تخم کاهو مقشر کشنیز خشک مقشر آمله منقی ازهر یک هفت درم تخم خرفه مقشر پنج درم طباشیر سفید چهار درم مشک تبته کافور قیصری ازهر یک یکم رم آب سیب شیرین نبات سفید اجزا مساوی سه وزن ادویه هرسه را بکلاب و عرق بید مشک حل کرده بقوام آوند اجزا را با آن سوخته مرتب نمایند شربتی از د واء المسک بارد منقول از خط میرزا معزال دین محمد بن میرزا رضا منقول از مجربات حکیم احمد غفر الله له \* صنعت آن کل سرخ طباشیر سفید کشنیز خشک کهربای شمعی ازهر یک شش مثقال مروارید ناسفته سه مثقال مشک تبته یک مثقال شربت فوا که سه وزن ادویه بد ستور مقور مرتب نمایند شربتی یک مثقال تاد و درم \* د واء المسک بارد خفقان حار و غشی که سبب آن حرارت باشد مد قوق و مسلول را سود مند بود \* صنعت آن مروارید ناسفته کهربای شمعی بسد ابریشم مقرض ازهر یک د و درم طباشیر سفید غنچه کل سرخ منزع الاقماع کشنیز خشک مقشر ازهر یک چهار درم مشک تبته خالص د و آنک بد ستور مرتب نمایند شربتی از یک رم تا یک مثقال \* د واء المسک بارد دیگر \* صنعت آن مروارید ناسفته سه درم طباشیر سفید کشنیز خشک مقشر غنچه کل سرخ منزع الاقماع کل کا و زبان کهربا ازهر یک شش درم مشک تبته یکم رم کوفته بیخته بشارب سیب شیرین سه وزن ادویه بسر شند شربتی یک مثقال با عرق بید مشک \* د واء المسک بارد بنسخه حکیم الملک اردستانی میرمهلی \*

**صنعت آن کل کا و زبان کیلانی غنچه کل سرخ منزع الاقماع کشنیز خشک مقشر طباشیر سفید صندل سفید مغز تخم کاهو و مغز**

تخم خیار باد رنگ تخم خرفه مقشور کهر بای شمعی ازهر یک سه مثقال کاوزیان مروارید ناسفته ابریشم مقرض ازهر یک دو  
مثقال شربت فواکه بیست مثقال نبات سفید یک صد مثقال کلاب و عرق بید مشک ازهر یک یکصد مثقال بطریق مقرر  
معجون سازند شربت دو مثقال می فرمایند که نیست این دواء المسک بجهت آنکه دواء المسک بغير مشک  
نمی تواند بلکه این نسخه مفرح دارد است مگر آنکه مشک بقدر احتیاج بپزدایند \* دواء المسک بارد و یکور که قریب  
است به نسخه قبل \* صنعت آن مروارید ناسفته سه مثقال طباشیر سفید غنچه کل سرخ صندل سفید تخم خرفه  
مقشر ازهر یک پنج مثقال کشنیز خشک مقشر چهار مثقال کل کاوزیان کیلانی بسل محرق آمله منقی ازهر یک  
هفت مثقال تخم کاهوا ابریشم مقرض زعفران دارچینی ازهر یک دو مثقال مشک تبیی خالص یک درم عسل مصفی  
و قند سفید بالمسارات سه وزن مجموع ادویه عسل را صافی نموده با کلاب و عرق بید مشک بقوام آورده بدستور  
معجون مرتب سازند \* دواء المسک بارد که نیز قریب است به نسخه قبل \* صنعت آن مروارید ناسفته تخم کاهو مقشر  
دارچینی ازهر یک دو مثقال کهر بای شمعی طباشیر سفید غنچه کل سرخ صندل سفید تخم خرفه مقشر ازهر یک پنج مثقال  
کشنیز خشک مقشر چهار مثقال کل کاوزیان کیلانی بسل محرق شیرو آمله منقی ازهر یک هفت مثقال صندل سرخ ابریشم  
مقرض ازهر یک سه مثقال زعفران یک مثقال مشک خالص تبیی سه درم قند سفید عسل مصفی بالمناصفه سه وزن مجموع  
ادویه قند و عسل را بقوام آورده ادویه بدستور مقید آن سرشته معجون سازند \* دواء المسک بارد به نسخه حکیم محمد  
مؤمن که در نسخه المومنین ذکر کرده و گفته که نافع است از بواسیر و بواسیر و بواسیر و بواسیر و بواسیر و بواسیر  
و مقوی اعضای رئیس و موافق ناقصین محرومین است \* صنعت آن مروارید ناسفته کهر بای شمعی بسل محرق ابریشم  
مقرض کل کاوزیان کیلانی صندل سفید غنچه کل سرخ منزع الا قمع طباشیر سفید کشنیز خشک مقشر ازهر یک منقی  
تخم خرفه مقشر ازهر یک پنج مثقال فلفل کل ارمنی مغسول ازهر یک سه مثقال نشا سده دو مثقال مشک خالص یک مثقال  
عنبر شهب دو مثقال ورق طلا محلول یک مثقال ورق نقره محلول دو مثقال قند سفید دو وزن مجموع ادویه آب سیب  
شیرین آب ابریشم و در نسخه دیگر از این است ازهر یک نود مثقال عرق بید مشک کلاب ازهر یک پنجاه مثقال بدستور  
مرتب سازند و گفته اگر خواسته باشند مشک داخل نکنند و بغير اکتفا کنند عموم دواصل در دواء المسک مشک است  
پس مرا که آنرا داخل نکنند و بغير اکتفا کنند میفرمایند که آنرا دواء المسک نمیتوان گفت بلکه مناسب آن است که آنرا  
دواء العنبر نامند پس حکیم مؤمن گفته که من دو مثقال یا قوت رمانی درین دواء المسک داخل کردم و اثرش را بسیار  
یافتم \* دواء المسک بارد منقول از خط حکیم محمد باقر \* صنعت آن ابریشم مقرض مروارید ناسفته طباشیر سفید کهر بای  
شمعی کل سرخ کشنیز خشک مقشر ازهر یک پنج مثقال صندل سفید تخم کاهو مقشر ازهر یک یک مثقال کل کاوزیان کیلانی از  
هر یک دو مثقال ورق طلا ورق نقره عنبر شهب ازهر یک نیم مثقال مشک تبیی خالص یک مثقال آب سیب ترش قند  
خام ازهر یک یکصد مثقال بدستور مقرر ترکیب نمایند \* دواء المسک بارد میوزا محمد حکیم \* صنعت آن کل سرخ طباشیر  
سفید کشنیز خشک کهر بای شمعی ازهر یک شش مثقال مروارید ناسفته سه مثقال مشک تبیی یک مثقال شربت فواکه  
سه وزن ادویه بدستور مقرر مرتب نمایند شربت یک مثقال \* دواء المسک بارد منقول از خط سید الاطبا میوزا محمد حکیم  
که قلمی فرموده اند که این نسخه از عالجیه صاحبی ابو یوسف غفر الله له است \* صنعت آن کل کاوزیان کیلانی ابریشم مقرض  
طباشیر سفید کل سرخ کشنیز خشک مقشر مروارید ناسفته کهر بای شمعی ازهر یک شش مثقال صندل سفید تخم کاهو  
مقشر ازهر یک یک مثقال شرب سیب یا قوت رمانی مشک خطایی عنبر شهب ورق نقره و



مرجان قورمى ازهر يك در مثقال ورق طلا يك مثقال قند سفيد يكصد و پنجاه مثقال شراب سيب شيرين بقل رجا جنت  
مرتب نمايند شربتى يك مثقال \* دواء المسك بارد \* تاليف آقا شرف حكيم منقول از خط حكمت پناه ميرزا معزالدين بن ولد  
ميرزا محمد باقر حكيم باشي \* صنعت آن كل كاوزبان كشنيز خشك كهر باي شمعي ازهر يك يك جزو مرواريد ناسفته دوجزو  
مشك تبتي سدس جزوى كوفته بيخته با نبات سفيد و آب سيب ترش مرتب نمايند و در نسخه ديكر تقاوتى در بعضى  
اجزا و اوزان ديده كل سرخ و طباشير و كشنيز خشك كل كاوزبان ازهر يك يك جزو مرواريد ناسفته نيم جزو مشك تبتي  
سدس جزوى قلمي شده \* دواء المسك بارد به نسخه ديكر \* صنعت آن كهر با طباشير سفيد كل سرخ كشنيز خشك  
تخم خرفه مقشر ازهر يك پنج درم كل كاوزبان آمله منقى ازهر يك هفت درم مرواريد ناسفته بسد صندل سفيد ابريشم  
مقرض ازهر يك سه درم مشك زعفران ازهر يك يك درم دارچيني دوازده درم عسل مصفى و قند سفيد سه وزن ادويه  
بدستور مرتب نمايند \* دواء المسك بارد منقول از تقويم الادويه \* صنعت آن كل سرخ طباشير سفيد كشنيز خشك  
مقشر كل كاوزبان كهر با ازهر يك يك جزو مرواريد ناسفته دوجزو مشك تبتي سدس جزوى كوفته بيخته با نبات و آب سيب  
ترش بقوام آورده بسروشند \* دواء المسك بارد كافورى \* صنعت آن مرواريد ناسفته كهر باي شمعي طباشير سفيد غنچه كل  
سرخ منزوع الاقماع كشنيز خشك مقشر ابريشم خام مقرض كل كاوزبان كيلاني تخم خرفه مقشر ازهر يك سه مثقال مشك تبتي  
كانور قيصورى ازهر يك دو دانك رب سيب شيرين دو وزن مجموع ادويه قند سفيد بقل رجا جنت بدستور مقرر معجون  
سازند شربتى از يك مثقال تادودرم \* دواء المسك بارد موافق نسخه مشهور \* صنعت آن كهر باي شمعي طباشير سفيد ورق كل  
سرخ كشنيز خشك تخم خرفه مقشر ازهر يك پنج درم مشك تبتي يك درم مرواريد ناسفته بسد ازهر يك سه درم كل كاوزبان  
آمله منقى ازهر يك هفت درم صندل سفيد ابريشم مقرض ازهر يك چهار مثقال عود قمارى خام دارچيني ازهر يك دو درم  
زعفران يك درم قند سفيد عسل مصفى بالمساوات سه وزن مجموع ادويه بدستور مقرر تركيب نمايند شربتى يك مثقال نا  
دودرم \* دواء المسك بارد ديكر \* صنعت آن مرواريد ناسفته دو مثقال مشك تبتي يك مثقال كل كاوزبان تخم كاهو مقشر  
طباشير سفيد كل سرخ صندل سفيد كشنيز خشك مقشر تخم خرفه مقشر ابريشم مقرض كهر باي شمعي ازهر يك چهار مثقال  
نبات سفيد هفتاد مثقال آب سيب پنجاه مثقال بدستور مقرر تركيب نمايند \* دواء المسك بارد ديكر \* صنعت آن طباشير  
سفيد كل سرخ ابريشم مقرض كهر با صندل كشنيز خشك ازهر يك چهار مثقال مرواريد ناسفته دو مثقال مشك تبتي خالص  
يك درم با سه وزن ادويه شراب فواكه شيرين تركيب نمايند شربتى يك مثقال \* دواء المسك بارد مستعمل سيادت پناه \*  
نواب غفران مآب ميرزا سليمان حكيم منقول از خط ميرزا علي نقى پسر زاده معزاليه \* صنعت آن كل كاوزبان ابريشم  
مقرض طباشير سفيد كل سرخ كشنيز خشك مقشر مرواريد ناسفته صلايه كرده كهر باي شمعي ازهر يك شش مثقال صندل  
سفيد تخم كاهو مقشر زرشك منقى تخم خرفه مقشر ازهر يك سه مثقال يا قوت زمانى صلايه كرده \* يشب سبز صلايه كرده  
عنبر ازهر يك دو مثقال مشك خطايي يك مثقال و نيم ورق طلايك مثقال ورق نقره مرجان قورمى ازهر يك دو مثقال  
با شراب سيب شيرين بوزن قند بسروشند قلمي نموده كه تصرفي كه عاليجاه اخويام يعني ميرزا محمد باقر نموده تخم كاهو  
كشنيز خشك است كه داخل نموده \* دواء المسك بارد به نسخه صاحب كامل الصنعة \* صنعت آن زرباد درونى عقربى  
ازهر يك يك درم مرواريد ناسفته كهر با بسد ازهر يك يك درم و نيم بهمن سرخ بهمن سفيد سنبل الطيب ساذج هندى  
قاله قنفل چند بيل ستراشنه ازهر يك چهار درم زنجبيل دار قنفل ازهر يك دو دانك مشك تبتي يك دانك و نيم عسل  
مصفى سه وزن ادويه بدستور مقرر معجون سازند \* دواء المسك بارد ديكر منقول از خط نواب حكيم محمد باقر نافع ازيراي



ظرف چینی نگاه دارند \* دواء المسك حلوه به نسخه محمود بن الیاس نافع از برای مایه غولیا \* صنعت آن مروارید  
 ناسفته بسکه کهر بای شمعی ابریشم خام مقرض ازهر یک دودرم مشک تبیی یک مثقال ونیم تخم فرنجمشک تخم نام تخم  
 مرزنجوش مصطکی جوز بواد ارقلقل دارچینی فلفل قرنفل خیر بوا ساج هند ی پوست زرد اتوج بهمن سرخ بهمن  
 سفید تخم بادروج ازهر یک یکد رم ونیم کوفته پیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه بسرشدن شربتیی یک مثقال \* دواء المسك  
 حلود یکر \* صنعت آن زرنبا ددر ونج لولو کهر با یسل ازهر یک ده درم ابریشم خام شش درم بهمن ابیض بهمن احمر سنبل  
 الطیب ساج قله قرنفل ازهر یک پنج درم چند با دسترا شنه دارقلقل زنجبیل ازهر یک چهار درم مشک سه درم ابریشم  
 و مقرض نموده یا کوبید و با مروارید و یسل و کهر با یکجا سحق نموده با سائرا ادویه با سه وزن ادویه بعسل خالص مصفی  
 مقوم بسرشدن شربتیی نیم مثقال \* دواء المسك حلوه به نسخه شیخ الرئیس درقوا با دین قانون حکیم میر محمد مؤمن کوبید که  
 دواء المسك حلورا دواء المسك حار نیز کوبید این دواء المسك نافع است از برای خفقان و امراض سوداوی و تنگی نفس  
 و از برای صرع و فالج و لقوه و ربع \* صنعت آن زرنبا ددر ونج عقربی مروارید ناسفته کهر بای شمعی بسد محرق ازهر یک  
 سه درم دودانک و در نسخه دیگر قانون ازهر یک سه درم است ابریشم خام دودرم بهمن سرخ بهمن سفید سنبل الطیب  
 ساج هند ی قله قرنفل ازهر یک چهار درم چهار دانک اشنه دارقلقل زنجبیل ازهر یک یکد رم دودانک چند بید ستر  
 دودانک مشک تبیی خالص جید یک مثقال ابریشم را مقرض کرده بنهایت نرمی و ربزکی و به حوری به بهزند و باقی ادویه  
 را کوفته پیخته با عسل که آتش ندید و باشد سه وزن ادویه سرشته معجون سازند شربتیی نیم مثقال با آب نیم گرم \*  
 دواء المسك حلوه به نسخه شیخ الرئیس که با سم معجون مسك ذکر کرده گفته که نافع است از برای خفقان و جمیع امراض  
 سوداوی و از برای عسر النفس بلغمی \* صنعت آن زرنبا ددر ونج عقربی مروارید ناسفته کهر بای شمعی بسد محرق ازهر یک  
 یکد رم ابریشم مقرض خام بهمن سرخ بهمن سفید ساج هند ی سنبل الطیب قله قرنفل چند بید ستر ازهر یک یکد رم  
 ونیم زنجبیل دارقلقل ازهر یک دودانک مشک تبیی ثلث یکد رمی بد ستر و مقر مرتب نماید شربتیی مقداری خودی  
 با شراب ریحانی و مزاجش گرم است در یکد رجه ونیم خشک است در یکد رجه و ربع درجه \* دواء المسك حلود یکر به نسخه  
 شیخ الرئیس مستعمل در منافع مذکوره حکیم مؤمن گفته که این دواء المسك نافع است از برای خفقان و ضعف دل و  
 معده و بادها نیکه زنان آبستن را بهم می رسد و رنگ رو را نیکو میگرداند \* صنعت آن زرنبا ددر ونج عقربی ازهر یک یکد  
 درم مروارید ناسفته کهر بای شمعی بسد ابریشم خام محرق مقرض ازهر یک یکد رم ونیم اشنه دانه هیل ازهر یک نیمد رم  
 و در نسخه دیگر ازهر یک یکد رم است بهمن سرخ بهمن سفید ساج هند ی قله قرنفل سنبل الطیب چند بید ستر از  
 هر یک نیمد رم و چهار دانک و در نسخه دیگر قانون ازهر یک نیمد رم است و در تحفه المؤمنین ازهر یک چهار دانک است زنجبیل  
 دارقلقل ازهر یک چهار دانک و در تحفه المؤمنین دودانک است مشک تبیی یکد انک ونیم جواهر را صلایه کرده سائرا ادویه را  
 کوفته پیخته بعسل آتش ندید و سه وزن ادویه بسرشدن و در ظرف چینی نگاه دارند و در وقت حاجت استعمال نمایند  
 بعد از دوماه شفا ئی گفته که بعد از چهار ماه استعمال توان نمود شربتیی دودرم محمد بن ذکریا رازی گفته که قوت  
 این دواء المسك بعد از دوماه تا سه سال اول نیکو باشد صاحب میزان الطبائع گفته که شربتیی از این دوا یک مثقال  
 است و مزاجش گرم است و در آخر درجه خشک است در یکد رجه و ربع درجه \* دواء المسك حلوه به نسخه حکیم  
 مدید که از شیخ الرئیس نقل کرده است \* صنعت آن زرنبا ددر ونج عقربی ازهر یک دودرم مروارید ناسفته کهر با  
 یسل ابریشم خام مقرض غیر محرق اگر ممکن شود و الا ابریشم مشوع نیم سوز کوبید و ازهر یک یکد رم ونیم بهمن سفید

بهمن سرخ سازج هندى سنبىل الطيب قاقله قرنفل چند بيل ستراشنه ازهر يك چهارم انگ زنجبيل دارفلفل از  
 هر يك دودا نك مشك ربع درمى كوفته بپخته بعسل شهل كه آتش نديده باشد بسروشند و نگاه دارند و بعد از چهل روز  
 شربتى دود درم تناول نمايند \* دواء المسك به نسخه سيم اسمعيل كه در صلاح و بعضى ذكر كرده از زرباد  
 درونج ازهر يك يك درم مرواريد ناسفته كه با بسل ابريشم مقرض ازهر يك فيم درم بهمن سرخ بهمن سنبىل  
 سازج هندى سنبىل الطيب قاقله قرنفل چند بيل ستراشنه ازهر يك چهارم انگ زنجبيل دارفلفل ازهر يك دودا نك  
 مشك خالص يك انگ و نيم عسل شهل خالص سه وزن ادويه على الرسم معجون سازند و بعد از چهار ماه شربتى يك  
 درم تا دو درم تناول نمايند \* دواء المسك حلو در يكر منقول از بياض بخط حكيم مير علاء الدين محمد دكه معزالله  
 از كتاب من لا يحضره الطبيب تاليف محمد بن ذكرى انقل كرده و گفته كه اين دواء المسك رفيع القل راس است از براى  
 آنچه ما اين را از براى آن ساخته ايم و نيكواست از براى خفقان و وحشت و از براى سهوم و كزيبه و موم \* صنعت آن  
 مصطكى رومى قرنفل سبك اصلى سنبىل الطيب جو زبوا كبا به چيني قاقله هيل بوسعل كوفى از خرمكي پوست زرد  
 انرج مير قمارى خام نان خواه تخم باد روج تخم در نه مشك مرزنجوش امام الكامل الملك دارفلفل ازهر يك درم و نيم مرواريد ناسفته  
 بسل كه با بهمن سنبىل بهمن سرخ سازج هندى زرباد درونج چيني ازهر يك بيست درم مشك چيني يك مثقال ابريشم  
 خام يكو طل ابريشم را كلاب بندي سازند پس بچوت اندك و صافى نموده ادويه را با اين كلاب تسقيه نموده در صلاحه سبكى بسايند  
 تا تمام شود كلاب پس بسروشند بعسل كه دران اهل بلج كابل را مريده نموده باشند و در ظرف چيني نگاهدارند پس بد رسته كه  
 اين دواء رفيع قبض است \* دواء المسك حلو حار به نسخه بيمارستان سنجستاني معمول در زمان ابو زك اين دواء  
 المسك نافع است از براى خفقان و قاع و لقوه و وحشت و خفت نفس و استرخا و كز از امثلا و عقود قاب است و معده را  
 با ك ميسازد و تشنگى و طويست از ان مى كند و معين است بوضع غل \* صنعت آن زرباد درونج مرواريد ناسفته كوربا  
 بسل ازهر يك درم ابريشم مقرض شش درم بهمن سرخ بهمن سنبىل الطيب سازج هندى قاقله قرنفل ازهر يك  
 انگيل درم چند بيل ستراشنه دارفلفل زنجبيل ازهر يك چهارم درم مشك سه درم عسل مصفى يكمن ابريشم مقرض نمايند  
 كه مثقال شير كرده پس جو امرو را بوسنك سماق خوب ملايه نمايند و باقى ادويه را كوفته بپخته بعسل بسروشند شربتى  
 نيم مثقال يا تب نيم گرم عجب است \* دواء المسك حلو حار و نافع بسيار دارد و سود و مزاج دارد قاب و ضعف دل را كه  
 از درودت باشد نفع دهد و جهت امراض سوداوى و دفع فوحش و ما از خرمكيا و عسل انفس بي نظار است و از براى  
 كزيبه ن جانوران حسي و خوردن سهوم و نيمص كم از توياق اكبر \* صنعت آن خود هندى سنبىل الطيب دارچيني  
 مصطكى رومى قرنفل جو زبوا كبا به چيني قاقله كبا به چيني بوسعل كوفى از خرمكي پوست زرد انرج تخم باد رنجويه  
 باد روج زرباد تخم مرزنجوش تخم قرنج مشك زنجبيل مرزنجوش امام دارفلفل ازهر يك بيست درم مرواريد ناسفته  
 كوربا بهمن سنبىل بهمن سرخ سازج هندى زرباد درونج عقرى ازهر يك بيست درم زنجبيل درم مشك تبتي خالص يك مثقال  
 ابريشم خام يكو طل ابريشم را در ركب حن ان خيسا نود و پس بچوشانند و نيكو بمانند و صافى نمايند و ادويه كه صلاحه  
 كرده است با اين آب ملايه نمايند و تمام آب را با شير و كابليله مريده و سه وزن ادويه بقوام آورده و ادويه كوفته بپخته  
 بوسعل حلو كرده و با آن بسروشند و بعد از چهل روز شربتى يك مثقال استعمال نمايند و در نسخه بكو عسل آمده مريده  
 عسل ملايه مريده كرام كه باشد سه وزن ادويه بسروشند \* دواء المسك حلو حار به نسخه در يكر \* صنعت آن بهمن  
 سرخ بهمن سنبىل الطيب ازهر يك سه مثقال مشك تبتي خالص مرواريد ناسفته ازهر يك ابريه مثقال سازج هندى

قاقله قرنفل اشنة چند بیل سترد ارفل ازهریک یک مثقال غسل مصفی یک رطل ادویه را کوفته پیخته بعسل بسروشند و  
 بعد از چهل روز استعمال نمایند شربتیکرم \* دواء المسک حلوحا ربه نسخه شیخ رئیس که با سم معجون مسک  
 ذکر کرده نافع از برای وجع کبد و معده و ضعف کبد و قاع و معده و تحلیل ریا و نفخ \* صنعت آن مشک خالص دودرم  
 و در نسخه دیگر یکم است جنطیا نای رومی دودرم سنبل الطیب سلخه سیاه ساذج هندى لك مغسول ریونل چینی  
 ازهریک دودرم است و در نسخه دیگر ازهریک یکم است زعفران نانخواه مصطکی رومی تخم کرفس ازهریک چهار  
 درم دارچینی زراوند مل حرج ازهریک سه درم عود هندى قرنفل مرکب ازهریک یکم روم و نیم کوفته پیخته بعسل  
 مصفی سه وزن ادویه بسروشند شربتیکرم \* دواء المسک نافع از برای خفقان و صل اع ریحی و امراض سوداوی و بلغمی و صفراوی و صرع و فالج  
 و لقوة و ربع و باد های معده و اوجاع معده و ریا و نفخ را تحلیل کند و معده را پاک سازد \* صنعت آن به نسخه شیخ  
 الرئيس مصطکی رومی زعفران ازهریک یکم روم و نیم فجاج افسنتین باد رنجبویه افسنتین ازهریک یکم روم عود هندى خام  
 سک اصل ازهریک یکم روم و نیم مشک تبی خالص یکم روم زرباد درونج \* قری ازهریک دودرم مروریل ناسفته کهرای  
 شمعی بسا ابریشم مقرض ازهریک سه درم صبر زرد سقوطی بیست و چهار درم غسل مصفی بقل رکفایت بل ستر  
 معجون سازند شربتیکرم \* دواء المسک مرکب همان نفع دار \* صنعت آن افسنتین  
 رومی صبر زرد سقوطی ازهریک هشت درم سنبل الطیب مشک تبی ساذج هندى ناردین مرصافی ازهریک دو  
 درم ریونل چینی شش درم در نسخه اصل هشت درم است نانخواه زعفران تخم کرفس ازهریک چهار درم چند بیل ستر  
 یک درم و نیم اجزا را کوفته پیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه بسروشند شربتیکرم \* دواء المسک و قوت این  
 معجون تا سه سال باقی میماند \* دواء المسک مرصافی افسنتین به نسخه شیخ الرئيس که مستعمل اطبا است نافع از برای  
 خفقان و وسواس و صل اع ریحی و اورام خنجره و مزیل رطوبات و بلت و ریا و نفخ معده است \* صنعت آن صبر سقوطی  
 افسنتین رومی ازهریک بیست درم ریونل چینی هشت درم و در نسخه سیل اسمعیل که در ذخیره د رصل اع ریحی مذکور  
 نموده وزن ریونل چینی شش درم است نانخواه زعفران تخم کرفس مرصافی ازهریک چهار درم است و در نسخه سیل اسمعیل  
 مرصافی داخل نیست مشک تبی خالص ناردین ساذج هندى ازهریک دودرم و در نسخه سیل اسمعیل دودرم مروریل  
 ناسفته داخل است چند بیل ستر یکم روم و نیم و در نسخه سیل اسمعیل وزن چند بیل ستر یکم روم است ادویه کوفته  
 پیخته بعسل نعل مصفی بقل رکفایت بل ستر مقرر بسروشند و معجون سازند شربتیکرم \* دواء المسک حنین شیخ الرئيس  
 موافق اند الا آنکه وزن ریونل چینی شش درم است و وزن مرصافی دودرم و دودرم قرنفل نیز داخل دارد و نسخه شفا نای  
 نیز موافق نسخه شیخ الرئيس است مگر آنکه وزن ریونل شش درم است و بجای مرصافی مروریل آورده و صاحب اختیارات  
 گفته که شربتیکرم تا یک درم است و قوتش تا سه سال باقی میماند و محمود بن الیاس در قوا بادین حار  
 صغیر گفته که شربتیکرم تا یک درم است و در شقیقه بارد بلغمی و سوداوی گفته که شربتیکرم تا یک درم است  
 باجلاب سکر نیم گرم صاحب میزان الطبائع گفته که این دوا کرم و خشک است در یک رجه و سه ربع درجه \* دواء المسک  
 المر به نسخه دیگر منقول از خط حکیم میر عماد الدین محمود \* صنعت آن افسنتین رومی صبر سقوطی ازهریک هشت  
 مثقال ریونل چینی شش مثقال نانخواه زعفران تخم کرفس مروریل ناسفته ازهریک چهار مثقال مشک تبی ساذج هندى  
 ناردین ازهریک دو مثقال چند بیل ستر یکم مثقال و نیم غسل سه وزن ادویه بل ستر مرتب نمایند \* دواء المسک

معتدل از قل من سره نافع از برای خفقان سوداوی و مالینخولیا خصوص مرآت و مقوی قلب و دماغ و کبد است و خبیث  
نفس و وسواس سوداوی را زایل کند و معده را قوت دهد و محلل اخیره سوداوی و مانع صعود آنها بدماغ و مجرب است \*

صنعت آن مروارید ناسفته کهر بای شمعی ورق طلا محلول ابریشم مقرض دارچینی بهمن سرخ بهمن سفید درون عقری  
زعفران از هر یک دو درم مصطکی آشنه هیل بوا از هر یک یک درم صندل سفید طباشیر سفید غنچه کل سرخ صندل سرخ  
کشنیز خشک معشر کل گوزبان آماله منقی بسل تخم خرفه مقشر ورق نقره محلول از هر یک سه درم زرشک منقی پنچ  
درم عود هند ص باد رنجهویه از هر یک یک درم ونیم عنبر اشهب مشک تبتي از هر یک چهار دانگ آب سیمب شیرین یارب  
آن قند سفید عسل مصفی هرسه برابره وزن مجموع ادویه بدستور معجون سازند و بعد از چهل روز استعمال نمایند  
شریبتی یکم مثقال \* دواء المسک معتدل دیگر آنقل من سره \* صنعت آن مروارید ناسفته کهر بای شمعی بسل لك مغسول  
ورق نقره از هر یک دو مثقال ونیم کل گوزبان غنچه کل سرخ ابریشم مقرض بهمن سفید بهمن سرخ دارچینی صندل  
سفید درون عقری از هر یک دو مثقال ونیم مغز تخم خیارین آماله منقی زرشک منقی باد رنجهویه از هر یک پنچ مثقال  
ربوند چینی مشک تبتي خالص زعفران از هر یک نیم مثقال اسارون یک مثقال عنبر اشهب ورق طلا از هر یک چهار  
دانگ آب سیمب شیرین رب به شیرین رب انار شیرین رب سیمب قوش رب انار و ترش شریبت ریما من از هر یک بیست  
مثقال کلاب عرق شاهتره عرق صندل عرق گوزبان عرق بیل مشک عرق باد رنجهویه از هر یک بیست و پنچ مثقال عسل  
مصفی قند سفید مسامی در وزن مجموع ادویه جواهر را با کلاب صلا به کرده باقی ادویه را کوفته بهخته ریوب و اشربه  
و عسل و نبات و عرقها را بقوام آورده ادویه را با آن بسرشدن شریبتی یکم مثقال \* دواء المسک معتدل مستعمل وقتی که  
حرارت غالب باشد نافع است از برای جمیع اقسام مالینخولیا و خفقان سوداوی و امراض قلب مرکب از اخلاط حاره یا  
اخلاط بارده \* صنعت آن مروارید ناسفته بدل محرق مغسول صندل سفید ابریشم مقرض از هر یک سه درم کهر بای  
شمعی پنچ درم طباشیر سفید کل سرخ از هر یک چهار مثقال کشنیز خشک مقشر تخم خرفه مقشر از هر یک چهار درم کل  
گوزبان آماله منقی از هر یک هفت درم دارچینی دوازده درم مشک تبتي زعفران از هر یک یک درم ورق طلا ورق نقره  
از هر یک نیم مثقال عسل مصفی قند سفید بالمناصفه سه وزن ادویه بدستور معجون سازند مقل از استعمال از برای  
از یک درم تا دو درم \* دواء المسک معتدل دیگر \* صنعت آن مروارید ناسفته کهر بای شمعی مرجان قوسری بهمن  
مصطکی در می دارچینی دانه هیل بوا سنبل الطیب آشنه درون عقری ساذج هند ص قونفل سعل کوفی اسارون بهمن  
سرخ بهمن سفید نو در می زرد نو در می کلکون از هر یک پنچ مثقال عود قماری سه مثقال صندل سفید طباشیر سفید از  
هر یک شش مثقال زرنباد قرفة الطیب از هر یک چهار مثقال مشک خالص ورق نقره از هر یک دو مثقال ورق طلا یکم مثقال  
ابریشم مقرض پنچ مثقال نبات سفید بوزن تمام ادویه عسل دو وزن تمام ادویه کلاب و عرق بیل مشک از هر یک یکمینا  
جواهر را صلا به کرده سائر ادویه را کوفته بهخته با نبات و عسل که با کلاب و عرق بیل مشک بقوام آورده باشند بدستور  
معجون سازند شریبتی یک درم تا یکم مثقال \* دواء المسک معتدل با جند بیست و خفقان سوداوی و ضعف قلب و دماغ  
و مالینخولیا و خبیث نفس و وسواس و خوف و فزع را نافع است و کبد و معده را قوت دهد و تحلل اخیره سوداوی  
سازد و جهت اختلاف ریح و صرع بی نظیر است \* صنعت آن مروارید ناسفته مرجان قوسری کهر بای شمعی درون عقری  
عقری ابریشم مقرض زرنباد بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک دو درم قونفل آشنه سنبل الطیب دانه هیل بوا ساذج  
صندل دارچینی چهل بیست و ستور از هر یک یک درم زعفران مصطکی صندل سفید صندل سرخ طباشیر سفید کشنیز خشک مق

مقشرا زهر یک دودرم عنبر شهب یک رم مشک تبتی خالص نیمد رم نبات سفید عسل مضیق بالمناصفه سه وزن مجموع  
ادویه بل ستور معجون سازند و در ظرف چینی نگاهدارند شربت از یک رم تا یک مثقال بعد دوماه استعمال نمایند \* معجون  
السهک جهت درد جگر و ضعف معده و برودت آن و تقویت سن ها و تحلیل ریا ح های غلیظه و اورام صلبه نافع \* صنعت آن  
مشک خالص سلیخه سنبل الطیب سادج هند ی لک پاک کرده مغسول و بونک چینی جنطیا نارومی ازهر یک دودرم زعفران  
نانخواه تخم کوفی مصطکی ازهر یک سه درم عود هند ی قرنفل مرصاف ازهر یک نیم درم ادویه کوفته بیخته با عسل کف گرفته  
بقوام آورده سه وزن ادویه بسرشدن شربت یک رم با آب کرم \*

### فصل در ذکر نسخ مسمنات \*

بدانکه مسمنات بضم میم و فتح سین و کسر میم مشد در فتح نون و الف و تا جمع مسمن است و آن ادویه را نامند که بدن  
و افریه گردانند \* مسمنیکه قریب با عتد ال و بغایت نافع است \* صنعت آن مغز بادام مغز فندق مغز حبه الخضراء مغز  
پسته شهل اندک مغز چلغوزه اجزا مساوی کوفته با سه وزن مجموع عسل کف گرفته بقوام آورده سرشته روزی پانزده مثقال  
تا سی مثقال تناول نمایند و از عقیق ماء اللحم و مثقال آن بپاشانند \* مسمن دیگر که در تسهیل بدن عجیب الفعل از  
کنند ی \* صنعت آن حب الخروع مقشرا آرد کرده ربع کیلی بادور طلی شیر کو تازه دوشیده و خمیر کرده و خوب سرشته نانهای  
تنگ ازان سازند و هر نانی بوزن نیم اوقیه و خشک نموده هر روز در نان ازان را کو بید و قبل از طعام تناول نمایند و بر بالای  
آن فالوده از آرد نخود و باقلا و بونج و شیر پخته بپاشانند \* مسمن دیگر آرد بونج آرد نخود فربه بل ستور نانهای تنگ  
ساخته و خشک کرده کو بید با مغز بادام شیرین مقشور و قند با شیر طبع نموده تناول نمایند \* مسمنی دیگر عجیب الفعل \*  
صنعت آن بکیرنل شیرگا و تازه دوشیده و بکیرنل آب شیرین در آن ریزن و با تش ملا یم طبع در هند تا آب برود  
پس یک اوقیه فانیل یک اوقیه روغن کا و تازه و یک اوقیه روغن کنجد تازه در آن ریزن و تا دوساعت بجوشانند پس  
ناشتا تناول نمایند \* مسمنی دیگر از ابن ماسویه \* صنعت آن آرد نخود و باقلا و جو و بونج ازهر یک مساوی عسل مقشور  
خشخاش سفید ماش مقشور مغز بادام مقشور ازهر یک نصف وزن کنجد مقشور ربع کعلک قند سفید ازهر یک دو جزو با شیر  
تازه دوشیده طبع در هند و نیم جزو کنجد مخصوص اضافه نموده و صبح ناشتا با شیر شتر چند روز تناول نمایند \* مسمن  
دیگر \* صنعت آن مغز بادام مغز فندق مغز حبه الخضراء کنجد همه مقشور تخم خشخاش سفید ازهر یک یکوزن مساوی کیلا  
نصف یکوزن فانیل بوزن کل سفوف سازند و هر صبح ناشتا و شب وقت خواب بیست درم آنرا تناول نمایند \* مسمنی دیگر  
که در تسهیل بدن عجیب الفعل است \* صنعت آن انزروت سه مثقال و نیم حجر البقر سه قیرا نا رچیل هفت مثقال کو بید  
درهم نموده چهار حصه نمایند چهار روز بعد از حمام که چهل زرده تخم مرغ نیم دوشیده خوردند با شکر تناول نمایند قوی  
الاثراست \* مسمنی دیگر موافق مبرود المزاج و بغایت قوی الاثر است و تاسه سال قوت این ترکیب باقی میماند و شربت  
از سه مثقال تا پنج رم است و بعد از غذا تناول نمایند \* صنعت آن کنجد مقشور مغز بادام مقشور نخود مقشور چلغوز  
مقشور تخم خشخاش سفید ازهر یک یکجزو مغز گردگان مقشور آرد کنجد م زر نبات حبه الخضراء ازهر یک نیم جزو و حلبه شهل اندک  
حب السمنه ازهر یک ربع جزو کوفته بیخته با شیر تازه دوشیده و در آن تش ملا یم بجوشانند تا شیر را  
جذب کنند و سه وزن ادویه عسل را بقوام آورده با آن مزوج کنند و در آخر مقل ارثمن یکجزو و حجر البقر که فاد زهرگاوی  
است با کلاب نرم سوده اضافه نمایند و بعد شربت تناول نمایند \* مسمنی دیگر که موافق محرر المزاج و مقوی باه است \*  
صنعت آن نخود با پوست سی مثقال در شیر کاکش پاشانند یکشب آنروز و بل ستور تجیل شیر کنند تاسه مرتبه پس برنج شسته  
شکر و سفید خشخاش سفید کنجد مقشور ماش مقشور ازهر یک سی مثقال مغز بادام شیرین مغز چلغوزه مغز پسته ازهر یک



تیمست و پنج مثقال مجموع را کوفته بپخته هر روز بیست و پنج مثقال آن را با شیر گاو تازه دوشیده طبع نموده تناول نمایند و در حمام رونند و آنجا مدتی مکت نمایند \* مسمنی دیگر که با الخاصیه موثر است \* صنعت آن مکس عسل که بر نهاده باشد در سایه خشک کرده هر روز پنج مثقال آنرا با شکر سفید و آرد گندم سائیده با آب مانده فالوده طبع نموده نوشند و اگر بدن طبع آن را سوده یا بالوده و امثال آن از مرقه لحوم و غیره پاشید و تناول نمایند نیز خوب است \* مسمنی دیگر \* صنعت آن قوفه خولنجان زیره کرمانی زنجبیل نانخو و حب الخروع از هر یک پنج روم سفید حب السمکه تود در بین بوزید آن بهمین سوزنجان سفید خبث الحیدر در سرکه پرورد و بریان کرده از هر یک ده درم از زرب زرباد از هر یک سه درم درونچ جوز چندم از هر یک هفت روم کوفته بپخته یکجا کرده سه اکل ست صبح سه شام بخورند و از عقب آن حویره منخل از آرد برنج و نخود و باقلا و گندم و مغز بادام و قند بپاشانند \* مسمنی دیگر که در تسمین بدن عجب الفعل است \* صنعت آن کهر با بهمین مغاث زرباد جوز چندم تخم خشخاش سفید از هر یک هفت روم مغز نارچیل مغز بادام مغز پسته مغز فندق مغز گردگان مغز چغوزه شقاقل بوزید آن از هر یک پنج روم مغز سرکنجشک نور سه درم ادویه کوفته بپخته با سه وزن کل عسل مصفی بقوام آورده سرشته شربتی از سه درم تا پنج مثقال تناول نمایند \* مسمنی دیگر که در تسمین بدن بهتر از آن است چنانچه آرد نموده و محرب دانسته اند \* صنعت آن تود در بین تخم خشخاش سفید از هر یک پنج روم حب المخاب زنجبیل قوفه دارچینی شقاقل از هر یک سه درم حب السمکه بوزید آن جوز چندم حب القلقل مقشرا از هر یک یک روم زعفران و بوب مسطور در نسخه قبل از هر یک هفت درم ادویه کوفته بپخته با سه درم کل اجزاء عسل مصفی بمقوم بپوشند و در آخر آن کی عنبر اشهب و مشک قهقی خالص اضافه نمایند و این دو مقوی با و میراست \* مسمنی دیگر که در تسمین بدن از سواش شود و اند \* صنعت آن کثیرا مغز بادام نشاسته شکر سفید اجزاء مساوی روم کوفته بقا و لائق تناول نمایند و مل او مت بران فرمایند خصوص آنکه بعد از آن شیره یک نارچیل در آن طبع نموده با شکر پخته شود \* مسمنی دیگر که بدن را فرو بگذارد و قوت با و بیفزاید \* صنعت آن بهمین سرخ زراوند مل صرچ گردا حبه اشغور تود در بین شهل اند شاونوز مغز پسته پوست نخود مغز بادام شیره پن کنبول مغز و مسامون روم کوفته آرد حله و مسامون مغز و بریان بوزید کل یا رغن بادام یا پسته یا عسل کا و تازه چوب نموده با عسل قوام آورده سه وزن ادویه بپوشند و بر روی ضعیف و زبان را بقا بگذاردان و قو با و مود آن را بقا و تخم مرغ \* اما تسمین عضو مخصوص نمایند یا زرد ساعل و قهقرب و سرین یا بل که عضو مخصوص از با شیر تازه چند آن ایمانند که سرخ کرد پس این دو را ایمانند \* صنعت آن سر تخمین بر اثر کل سینه و خشک نموده با روغن کنبول نیم گرم غلا نمایند علق که بفارسی زلونا منند و نارچیل تازه که در صفت آن آب باشد بکل اول تا خشک شود پس سائید و طلا نمایند و هرگاه در نارچیل آب نباشد شیره داخل نمایند \* دیگر آنکه با قهقربا نیم سائید و با سه درم و نیم پیمانه عسل مخلوط کرده غلا نمایند و بعد یک شانه از روغن آب گرم بشویند و بگویند چنانکه نمایند را اینها که ذکر یافت برای تسمین قضیب است و همچنین بعد از شستن با ششوا دل اخن زفت و زرب بران بنگار و عسل باعث تسمین آن است و مسامون و حلو و غا و امیوبات و عاچین مسمنه در رسوم خود هاذا کر با وند \* قائل \* بل آنکه هرگاه طالب فربهی است یا بل که اجتناب نمایند از هر یک است عتیقه مغز طه بل سه و اعراض و مسامون و عجب شل بل و مسامون و فتن تمام و مکت در آن کردن و تعین بر تناول غل یا عتیقه سریعه الهض جیل انکی موس و صفت بگون و قهر و سر و روختن است با همو بران و مسامون و عسل اینها را بر خود لازم نمایند \*

که بجهت تقویت باه و لذت جماع برکشان و قضیب را نخیین بمانند و از قیر ما لیل ن قوی و بعتف \* مسوح نافع جهت تقویت باه و سختی قضیب و عین را بغایت نافع است \* صنعت آن پیا زعنصل پیا زنرکس ازهر یک نیم اوقیه در بیست و هشت مثقال روغن زیت و قدری آب بجوشانند تا مه را شود و آب سوخته روغن بماند صاف نموده زهره عصفور تخم انجیره عا قرقر حاد دل سرخ ازهر یک یک مثقال عنبر نیم مثقال نرم سوده بآن مزوج کرده قضیب را نه و انعیان مکرر صماد نمایند و اگر برای زیادتای تقویت مومیا نی و زهره مرغ را مثال اینها و سورنجان و مرصاف محلول اضافه کنند بغایت مقوی و از مجربات است و اگر از پیا زنرکس صرف ترتیب دهند نیز خوب است و اگر سه درم پیا زنرکس را باکا ردچوبی ورق کرده یکشب در و زرد شیر کار میش بخیسانند و سائید و بود کرده و نه و حشفه صماد نمایند عجیب الفعل است و اگر پیا زنرکس را یک ستور در شیر کار میش بخیسانید و سائید و ادویه مسطوره نرم کوفته بپخته بآن سرشته که درها و ن سنکی بدسته بماند و براعضای مخصوصه صماد نماید بسپار قوی الفعل است \* مسوح دیگر بغایت ملل و طرفین است \* صنعت آن پیا زنرکس زهره کا و مویز منقی عا قرقر حا بالسویه نرم سوده بآب دهن سرشته بر قضیب طلا کنند بعد از خشک شدن مباشرت کنند و چون بخواه نه بماند نعوذ آورد \* مسوح دیگر که همین عمل دارد \* صنعت آن هفت عد پیا زنرکس را باکا ردچوبی ورق نموده در شیر کار میش بخیسانند و یکبارند تا شیر را حل بکنند و درها و ن سنکی انداخته نیکو بماند تا یکسان شود و قسط نحری بوزن آن ابرسا عا قرقر حا را و نند مل حرج ازهر یک سه مثقال مویز یک مثقال خلطیت نیم مثقال نرم کوفته بپخته بآن مزوج نموده تا چون مرهم شود بموضع مخصوص و اطراف آن بماند \* مسوح دیگر که بغایت موثر است و با عفت لذت طرفین شود \* صنعت آن کبابه چینی زنجبیل عا قرقر حا سه عد کوفی ازهر یک یک جزو لبان ذکر کثیرا ازهر یک نیم جزو اجزا کوفته بپخته بآب دهن سرشته طلا کنند و اگر نیم جزو زهره مرغ اضافه نمایند بغایت لذت افزای زن میکرد \* مسوح دیگر که همین عمل دارد \* صنعت آن عا قرقر حا زنجبیل دا رچینی ازهر یک یک درم مشک خالص یک حبه با عسل سرشته حسب سازند و وقت حاجت بآب دهن حل کرده بر قضیب بمانند و بعد جفاف مباشرت نمایند \* مسوح دیگر که همین خاصیت دارد \* صنعت آن کبابه دا رچینی عود دهند و مویز ازهر یک نیم درم مشک یک قیراط با عسل مویای زنجبیل سرشته بر ذکر طلا نمایند و مقاربت کنند \* مسوح دیگر که همین خاصیت دارد \* صنعت آن دا رچینی کبابه چینی سبیل هی که در واهند بیست اجزا مساوی کوفته بپخته حب هاسازند و خشک نمایند و وقت حاجت یکی از آن را در دهن گیرند و آب آنرا بر قضیب طلا نمایند و بعد از خشک شدن مجامعت کنند \* مسوح دیگر که لذت جماع بیفزاید \* صنعت آن بکیرند دا رچینی مقل اردود رهم و در دهن بخایند و آب آنرا بر قضیب طلا نمایند و بعد از خشک شدن مقاربت نمایند \* مسوح دیگر که چون بر قضیب طلا نمایند و مجامعت کنند باعث بغض و نفرت طرفین میکند \* صنعت آن سفید اب قلعی افیون ببر و حالصم کعب خنزیر غیر محرق مامیران چینی زهره خر و من دندان سوخته پلنگ اشنة سبز سوخته سرکین کبوتر مجموعه و مفودا ازهر یک یک انگ سائید و طلا کنند و اگر بباطن زیر جامه که قدری ازین ادویه ملاصق قضیب او گردد با هر زنیکه مباشرت کند باعث نفرت آن زن گردد \* مسوح دیگر که باعث توسیع فرج گردد بحدی که احدی رغبت مباشرت نکند \* صنعت آن پیا زعنصل بسپاسه چوب بقم تخم بستان افروز تخم شاه سغرم تخم باد روج زهره گشتار روغن زیتون بالسویه با زهره کا و نرسرشته حبها ساخته خشک کنند و وقت حاجت با روغن زیتون حل کرده استعمال نمایند \* بد آنکه مسهل بضم میم و سکون سین و کسرها و لام بصیغه فصل در بیان مسهلات \* اسم فاعل با صطلاح اطبا بمعنی سهولت و اسانای دفع خلط مودی فاسل غالب بر بدن است از عروق و اقااصی و قصبه و معده



بخارین نمایند که روز بخاران را مجادله طبیعت بامرض است و روز شست و همیجان مواد مانند روز چهارم و هفتم و نهم و یازدهم و سیزدهم و بیست و یکم روز مهمل نباشد و در آن روز مهملند مل خصوصاً در امراض حارّه حاده که باعث تشویش طبیعت و استیلاى مرض و خوف و بیم خلالت است چنانچه بتفصیل در کلیات کتب قوم از قواعد معالجات و علت احتیاج ترکیب ادویه در اصول التراکیب و غیرها مذکور است و اینجا بدین مقلد را اکتفا نمود و چون نزد توسعه و علم ضیق وقت و انکای مسهلات را بی منضجات استعمال نباید نمود لهذا بیان قاعده کلیه بعض منضجات طرد اللباب ذکر نمود

بل آنکه منضج بصیغه اسم فاعل بمعنی منضج دهند است و منضج عبارت از امتحال آوردن قوام اخلاط است برای سهولت دفع و قبول آنها مردفع مرخاطی را بطوری خاص و قوامی لایق مثلاً صفرا را به تغلیظ و کسر سورت وحدت جمع و منع از تشطت آن و این بادویه بارده رطبه اکثر حاصل میکرد و بلغم را اگر رقیق و فح و مائیت به تغلیظ فی الجمله و اگر غلیظ و متشبهت بسطح امعاء و اعضا است به ترقیق و تن و یب بعد لائق و تقطیع آن بادویه حارّه رطبه و مرخیات و مزلاقات و امتحال اینها نمود و اگر بسیار غلیظ و متشبهت بسطح امعاء و اعضا است به ترقیق و تن و یب بعد لائق و تقطیع آن بادویه حارّه رطبه و یا حارّه یا بسته بحسب احتیاج مرخیات و مزلاقات و امثال اینها و اگر بسیار غلیظ و متشبهت است نیز به ترقیق و تقطیع بادویه حارّه رطبه و اگر غیر طبیعی حاد محترق از صفرا و دم است هم به ترقیق و هم بکسر سورت آن ترکیب آن بادویه با بعضی ادویه بارده رطبه بمقلد از حدت آن چنانچه به تفصیل در کلیات ذکر ما کن خود مذکور است و منضج و انضاج عبارت از امتحال قوام آمدن اخلاط است و قابل دفع بودن آنها فایده \* بل آنکه شرط در اخلاط ادویه منضجه و مسهله و غیره آن است که الا اجزای مفروده آنها را هر یک جدا جدا تازه جید غیر مغشوش باجزای غریبه و خس و خاک و غیر مبدل بدوای دیگر گرفته آنچه مقشور کردنی است مانند اصل السوس و بسفایپ و آنچه تخم و استه دارد دور کرد نیست مانند هلیجانت و آمله و بلبله و عناب و سپستان و مویز و امثال اینها و آنچه کوبیدن است مانند اکثر بز و روغن خشاب و اصول باید مقشور نمود و بر آورد و جو کوب کرد و بعد لائق مرض و شخص و بنیه و بلد و فصل و سن و مزاج جدا جدا وزن نموده بکجاد و ظروف پاکیزه کرد و مقلد از آب صافی خالص از باران و غیر آن و یا عرقهای مناسب بحسب لطافت و کثافت اجرام ادویه و قلیط طبع و کثرت آن که بتفصیل خواهد آمد و مزیت تواند آشامید و باران نخواهد بود بخمیس مانند مثلاً شب از برای صبح و صبح از برای شام پس با تش ملائم که سرد یک رابسته باشند که بخار آن بیرون نرود که قوی اجزای لطیفه هواییه آن بتخلیل رود و زائل گردد و ساعت بساعت سر آنرا باز نموده و بزودی برهم زده و بزودیا لاکرده که تمام اجزای آن مساوی طبع یابد و سر آن را باز بپوشند و طبع نمایند تا آنکه بنصف یا ثلث رسد نگاه یک را فرود آورده بکد آن را تا بخار گرمی آن کم گردد پس سر آنرا باز کرده قدری بمالند که قوت آن تمام باز داده شود و صاف کرده با آنچه مناسب داند از اشربه و سکنجینات و غیرها بهمان گرمی بعد لائق بپاشامند از غیر آنکه بکد آن را سود کرد و مدتی بکد آن را و ثانیاً گرم نموده بپاشامند و نیز باید که بعد از مالیدن زود صافی نمایند و نکد آن را که باز اجرام ادویه قویه و لطائف آنها را بخود جذب نمایند و آنچه ازادویه که قابل طبع بسیار نیستند مانند افتیمون باید که در پارچه نازکی بسته در آخوردان اند ازند و چند جوشی داده ا قشورده در نمایند و آنچه از کله و برگها و ثمرها و امثال اینها است بعد لائق و توسط طبع نمایند و آنچه از خشاب و اصول است بیشتر طبع دهند و همچنین مسهلات مطبوخه را و با الجمله باید که منضجات و مسهلات صفرا را طبع خفیفی بیکد و جوشی اکتفا نمایند و مبالغه در آن ننمایند و همچنین در مالیدن و در گرمی متکام نوشیدن باید که باعتدال باشد و منضجات و مسهلات بلغم بصرا تب خود از آن زیاد و سوده نیز بپاشامند و ستور از آن زیاد

و بهترین ظروف از برای طبع ظرف سنگی است پس نقره پس مس تازه قلعی نموده و بد آنکه قرار بد آنیکه مواد فاسد  
و اخلاط ردیه بسیار باشند اکثر آنست که بسبب استعمال منضج و مسهل به هيجان و حرکت در می آیند و امراض آنها مانند  
شدت حمی و صفرا و ثقل اعضا و کسالت و بی رغبتی بر طعام و شراب خصوصاً در بلغمی زیاد و عارض میگردد زیرا که مادام  
که اینها ساکن اند و ارض آنها کمتر ظاهر میگردد مانند مزابل و متعفنات و جاهای قدیم متروک الا ارتفاع که تا سا کنند  
بوی تعفن آنها چند آن متاخر نمیکرد اند و چون آنها را حرکت در آورند بوی تعفن آنها ازیت بسیار میروسانند و  
کاهست که باعث فساد میگردد پس باید که در این هنگام مشوش و متروک نگردد و علامات و عوارض غلبه و اخلاط را ملاحظه نموده  
دست از تنقیه برفق و ملار و یا بشدت و قوت برند و از شرایط تنقیه تام نمایند که بعد تنقیه که مل عوارض مل کوره  
یعنی الله عزوجل بالفعل زائل میگردد و اشتهاهای صادق و صحت حاصل میشود ضابطه کلیه در آنها \* بد آنکه هرگاه اراده  
کنند اسهال بعض اخلاط متشنه را باید که بحسب آن ترکیب نمایند ادویه مسهل مخصوصه بآن را با منضجات مختصه  
و مسهلات و مبل رقات و معینات و حافظات اعضای رئیسه و حرارت غریزیه و ارواح و قوی خصوصاً در مواد سوداویه  
به تنضج محترق از صفرا و دم برای دفع اذیت و نکابت آنها مثلاً اگر اراده کنند ترکیب مطبوخات را برای اسهال سودا از  
قوامی بدن در غیر حمیات در اوائل زیرا که در اوائل حمیات قبل از چهارده و بیست یک ممنوع است زیرا که رقیق  
ماده را قبل از نضج دفع مینمایند و باقی اعلیظ و متخجور و یا عطف طول موض و فساد دیکر میگردند باید که ترکیب نمایند از  
بویست هلیله کابلی و هلیله سیاه و فتمیون و سناسکی و سفایح و اسطوخودوس و مانند اینها و اوزان آنها را اوزان تامه بگیرند  
و اضافه نمایند بر آنها صادات و معینات آنها بر اسهال از ماطقات و سعی نمایند که باشند آنها مغرحات قلب و مقویات ارواح  
و حافظات آنها از نکابت سودا خصوصاً نزد حرکت از عا ج آن از مخرود مانند باد رنجبویه و کوزبان و کل سرخ و خربوب  
و فراموش و صندل و مانند اینها و نیز ضم نمایند با آنها مقتضات سرد و عنقیات مجاری مانند تخم کشوت و تخم کورس  
و انیسون و درازیانه و غانت و فسنجین و حما و ما و حاشا و ایروسا و قورس و از خور و صغیر و فراسیون و قنطور و قورن د قیق  
و سرخ و جوش و شافتره و امثال اینها و منضجات مانند انجیر و موز و زبیل انه و اصل السومس محکوک و مانند اینها و ادویه  
شخصه بکین مانند ربونل چینی و تخم کاسنی و مصطکی و امثال اینها پس آنچه از اینها صلب باشند شب در آن مقل اراز  
آب یا عرقهای مناسبه مانند عرق کاسنی و شافتره و یا عنب الشلب و یا از زیاده و کوزبان و یا باد رنجبویه و یا نیلوفر و امثال  
اینها کل یا بعض آنها مقل او و به خوب بنشیند بخیسانند و اگر آنها را گرم کرده باشند بهت و است و ادویه بسیار لطیفه  
را مانند فتمیون و عسل و در صوره بسته نگاه دارند و باید که ظرفی که در آن میخیسانند پاکیزه باشد از چینی یا شیشه یا  
سفال لعاب آریا نقره یا مس تازه قلعی کرده پس صبح سه رطل و یا سه ثلث آن مقل او که توانند آشا میل از آب شیرین صافی  
اگر آب باران باشد بهتر است و یا از عرقهای مسطوره هر یک که مناسب دانند داخل کرده در دیک سنگی یا نقره یا مس  
تازه قلعی کرده یا تش ملائم طبع دهند و در بین طبع ادویه را برهم زنند و زیر و بالا نمایند تا تمام اجزای آن مساوی طبع  
یابند و تکامل از آن که باطراف دیکر سپید و نه و سو آن را بوشید و دارند که تمام بخار آن بیرون فرود و اجزای لطیفه آن تحویل  
یابن و قوت ضعیف گردد تا آن مقل او که به ثلث رسد پس صره فتمیون را در آن اندازند و سه چهار جوشی داده فرود آورند  
و صره را فشرده در کنند و ادویه مطبوخه را قلری مالند و صافی نمایند و قورس خیار شمشیر بقدر حاجت تا بیک اوقیه  
شور خشک و ترنجبین بد ستور تا نیم اوقیه در آن حل کرده از منخل یا صافی تنکی کد را نیل و روغن بادام شیرین تا سه  
درم برای رفع غائله انحصار قورس خیار شمشیر و سطح امعاء و مغص و کسر بیس و عسر هیلجات و سناسکی بران چکانند و درهما

همان گرمی بپاشانند و باید که چنان آن تاخیر نکنند که در اسرد گردد و ثانیاً گرم نموده بپاشانند چنانچه ذکر یافت و نیز باید که در زمان تابستان و گرمی هوا مطبوخ بسیار نباشد و صبح زود وقت سردی هوا بپاشانند تا زود شروع بعمل نمایند هوا هنوز بسیار گرم ناکشته و در سردی هوا و موسم زمستان قریب بچاشت و گرم تر مطبوخ را بپاشانند و اگر اراده تقویت اسهال سوداوی غلیظ نمایند پس باید که آن را با علاوه و سرد اروج متخ از غاریقون منخول غیر موقوف یک گرم ملح نفعی یک انگ و نیم تربل سفید ملزبرد و ثلاث درم و سقمونیای مشوع و مصطکی و صوفی از هر یک یک انگ گرفته بچخته باقردی از آب مطبوخ حل کرده یا سرشته حب ساخته معق از دوسه ساعت قبل از مطبوخ بپاشانند و هنگامیکه باشد سوداوی متولد از احتراق صغرا که زیاده کنند در مطبوخ هلیله زرد و سناب و شانه و فستقین و اگر متورق از بلغم باشد زیاده کنند بران تربل سفید و هلیله و آمله و در سرد اروج زنجبیل و یارج همچنین اگر باطل علت مرکب از دو خلط یا زیاده باید که مطبوخ را نیز بحسب آنها در کیفیت و کمیت ترکیب نمایند و اگر باشد ماده راسخ در عضو خاص داخل عروق در مطبوخ دوائی مختص بآن عضو یا ادویه مشترکه النفع مرجع به بدن را داخل نمایند مانند آنکه برای وجع المغاصل داخل نمایند در آن سورنجان و بوزیدن و ماهی زهرج و در سرد اروج که علاوه و نیز نامند شحم حنظل و حب النیل و برای تنقیه سینه پرسیاه و شان و تخم خطمی و اصل السوس و زوفا و عناب و سیب زمینی و مویز منقّی و بدل نمایند هلیجات را به بنفسج زیرا که هلیجات مناسب با امراض صلبه اند و اگر به اینها مرخیاب مانند برای همیات و خصوصاً در اوائل چنانچه ذکر یافت باید که داخل نه نمایند هلیجات را و عوض آنها مرخیاب مانند بنفشه و تمر هندی و عناب و سهستان و زرد آلو و خشک و زبیب منقّی و مفتحات سرد مانند بجم کاسنی و تخم کاسنی و زراوند چینی و غانف و کشوت افزاینده زیرا که هلیجات و مفتحات و مصغیات مجاری اند و بعد اسهال احداث میبوسست می نمایند و میگردند سبب تنگی و سد آنها و ملاک و نهایت امر و غرض در معالجات تنگی سد دوائی است که سبب عقونف اخلاط کشته اند و فعل اینها برخلاف مقصود است و نیز بهمان جهت ذکر یافت و همچنین هوکا و اوده تنقیه دماغ باشد که با شربت و در علاوه ایارج بخوراند و برای امراض معده افسنتین و مانند آن بیفزایند و برای طحال مانند بجم کبر و برای کبد مانند برگ عناب الثعلب و افسنتین و برای امراض معده و تنقیه آنها از دیدن و رطوبات مانند شفتالو و بیج توت و کبود و شیم پلاس یا پره که دوائی هندی است و با علاوه شحم حنظل و تربل و ملح هندی و نظارون و قنبیل و روغن زیت و مانند اینها و از برای کرده و مثانه و تنقیه آنها از ماده سنگ ریزه و رمل و ریزانیدن آنها ادویه مناسبه بآنها مانند اشنه و نام و سنبل الطیب و قیصر و تخم خربزه و حسک دانه و حب القلت با علاوه حجر الیهود و حجر الحوت سائیده و رما دال عقیارب و رما دحب الکرم و معجون عقرب و معجون حجر الیهود و قرص کاکچ و امثال اینها و از برای جلدیه امراض و تنقیه آن از ماده جرب و خارش ادویه مخصوصه بآنها و همچنین بحسب هر غرض و فائده و سائیده امری چیزی بکافند و این منوط بحالت ورائی طیب حاذق است موقوف با و نیز باید که در ایام شرب منضجات و مسهلات و چند روز بعد از آن طعامها و غذاهای لطیف خفیف غیر مسخرو مسدود تناول نمایند مانند قیمر شور یا یا نخود آب و یا آب قلیه های متخ از لحوم لطیفه خفیفه مانند مرغ بچه و دراج و تیهورج و سنگ خوار و بزغاله و بره و امثال که حلال و حلال نیز نامند و امثال اینها با چلا و ملایم بچخته دم خورده از برنج های سبک لطیف و باغذاهای گوشت از بقول و حبوب خفیفه لطیفه کم و روغن یا بی روغن و آبهای صافی شیرین سبک بپاشانند و اجتناب از حرکات نفسانیه و بدنی و حرکات عنقه و وزیدن با دهای سرد و گرم بسیار به بدن و آشامیدن آب سرد و یا آب بسیار نماید و باید دانست که آشامیدن آب

کرم ریزها کرم کرده بسیار با لای مطبوخات با عث و هن و سستی و ضعف عمل آنها میگردید بسبب غسل و زود منهدن شدن آن از معد و پس باید که فائز یعنی نیم کرم بیاشا منند بخلاف حبوب که آب کرم باعث تحلیل و تزویق آنها میگردید تا اینکه زود قوت آنها با عضا رسید و شروع بعمل نمایند و نیز باید که مکان صاحب شارب مسهل بسیار کرم نباشد که بسیار کرم گردد و عرق کند و برهنه نیز نباشد بلکه حد اعتدال را در جمیع امور و معنی دارد و نیز باید که متوجه امور بالغه از فعل مسهل نگردد و بحمام نیز نرود فائز و بل آنکه کسی را که غشیا مانع آید از خوردن مسهلات مطبوخه باید که قبل از آن اندک سیب ریه را بخاید و آنها را بپویند و با طرخون و نعناع و برگ عناب و با برگ نورسته شجره هندیه معروف و کمیته که گفته نیز نامند مضغ نمایند تا تحلیل یروناید قوت زبان را و ذائقه را کم نمایند و مانع آید از غشیا و بوئیدن کلهای خورشید و کلاب و سکه یا شید و بوکا و کلی و یا کل دیو و های آفتاب خورده و یا مطبوخ و پیاز و بستن مرد و با زربعصا به و مانند اینها و اکثر اینها مانع غشیا و تسکین نفس و تقویت روح طبیعی و جمع و منع آید از حرکت بسوی عالی و اگر مسهل تا خیر در عمل نمایند باید که قدری به را مضغ نمایند و آب آنرا بمکند و اگر حاضر نباشد و آب یا شارب حلویا حامض آن بسبب اقتضای وقت باشد که مصطکی لعق نمایند و اگر شارب یا رب آن حاضر نباشد و مر یا آن باشد قلبی از سرمای آن بدستور و سیب با قلبی مصطکی قائم مقام آن است و اگر آن نیز نباشد ادویه مقویه فم معد و دیگر زیاده که اینها همه باعث تقویت فم معد و قبض و سحر آن میگردند تا اینکه دوا زود منحل رود و خوردن بسوی قهر و زود عمل نماید و نیز باید که قوق مسهل مسهلانی دیگر بیاشا منند خصوصا که عمل ثانوی مخالف عمل اول باشد که باعث حیرت طبیعت و منجر به لاکت میگردند و مخصوص که مریض ضعیف القوت باشد و اگر پیچ درامع مسوس گردد و روغن کلی کرم کرده در حوالی ناف و اطراف آن بمالند و همچنین ادویه مناسبه دیگر و اگر از اینها کفایت نشود حب القرطم غلبه الغلب تخم کاسنی تخم کره و زبانه و امثال اینها آنچه مناسب باشد کوید و شیوه یا شربت بنفشه مکرر با اشربه ملین دیگر نرم کرده شود و اگر از این نیز رفع احتیاج نکند بشیافات و حقن اجتهاد با متوسطه و با حاد و بحسب حاجت عمل آورد و اگر مسهل عمل بسیار نماید و خوف ضعف باشد متوجه حبس آن گرداند به بستن اطراف و گشایش دست و پا در آب سرد و آب سرد و خوردن نون تر با قق فاروق و یا فادیه و معنی و امثال اینها

**فصل در درمان بعضی نسیج منضجیات و مسهلات** منضج روز اول کا و زبان شا مشوه بسفا بیج منقی استخوان خودروس با درنجبویه کل بنفشه بملوفا فتمیون درکتان بسنه ازهر یک دو مثقال آنوی بخا و انی آنوی سیاه و انجم زرد سرخ منضجانی عناب سهستان ازهر یک دو دانه مویز منقی بیست دانه تمومندی منقی از بیض و اسنه زرشک منقی ازهر یک دو مثقال انویه را شب در دو در طل آب بخیسانند سوا می افتیمون که هلتج و نکاهل از دل و صبح خیسانند و را انجمو شامان آن منقل آنکه دو حصه آب برود و یک حصه بمالند پس افتیمون را درکتان بسنه دران اند از دل و یک و جوش و بکنداده فرود آورده افتیمون را بمالند و بفشارند و دو کنند و مطبوخ را صافی نموده سکنجبین افتیمونی پانزده مثقال داخل کرده بیاشا منند روز دوم و یا جزای مطبوخ تخم کاسنی تخم خربزه تخم خیاری بن که هوسه را نیم کوفته باشند از هر یک دو مثقال اضافه نموده صافی نموده ترنجبین ده مثقال سکنجبین افتیمونی پانزده مثقال دران حل کرده صافی نموده بیاشا منند روز سوم و یا جزای مطبوخ روز دوم نیم کاسنی نیم رازیانه اصل المسوس عناب الغلب نیم رازیانه ازهر یک از ده مثقال اضافه نمایند ترنجبین ده مثقال ملوس خیاری شنبلیله افتیمونی ازهر یک پانزده مثقال در آب حل کرده صافی نموده روغن بادام شیرین یک مثقال دران داخل کرده بیاشا منند و شب حسب لاجورد و معجون آنها



نجاح وقت خواب حب ساخته با آب کرم فرو برند و صبح روز چهارم وقت طلوع صبح این مسهل را بپاشا مند \* مسهل  
 کامل جامع تالیف حضرت سید سند قدوة الحکما و استاد الاطبا علامی میر محمد هادی والد ماجد آن مرحوم قدس سره  
 که اسهال اقسام سودا و اخلاط محترقه نماید و جمیع امراض سوداویه را نافع است و مکرر به تجربه رسیده \* صنعت آن  
 کا و زبان شاهترة بسفا بیج فستقی اسطوخودوس قنطاریون دقیق بادرنجبویه کل نیلوفر گل بنفشه پرسیا و شان عنب  
 الثعلب پوست بیج کاسنی پوست بیج رازیانه اصل السوس تخم کاسنی تخم خیار بن تخم خربزه غنچه کل سرخ ازهر یک  
 دو مثقال افتیمون سنابلک ازهر یک چهار مثقال عودا الصلب دودرم عناب ده دانه سهستان بیست دانه پوست هلیله  
 کابلی هلیله سیاه ازهر یک دو مثقال اصول و بزور و هلیلهجات را نیم کوفته شب در سه رطل آب بخیسانند و صبح بجوشانند  
 تا یک رطل آب بماند صافی نموده شیرخشت خراسانی و ترنجبین و کلقتند آفتابی ازهر یک ده مثقال فلوس خیار شنبدر  
 پانزده مثقال دران حل کرده صافی نموده روغن بادام شیرین یک مثقال داخل کرده ریوند چینی سوده یک رطل بران پاشیده  
 وقت خواب حب لاچوردیک مثقال سوده روغن بادام شیرین یک مثقال چرب نموده بمعجون نجاح سرشته حب ساخته  
 بورق نقره پیچید با آب نیم کرم فرو برند و وقت طلوع صبح مطبوخ مذکور را کرم نموده بپاشا مند \* و روز پنجم که روز  
 استراحت است یک علی هلیله مر بار با کلاب شسته یک انگ عجزار منی مغسول بران پاشیده و تناول نمایند و بعد  
 از آن تخم بالنگو تخم ریحان ازهر یک یک مثقال به شربت کا و زبان دو مثقال محلول در عرق بید مشک و کلاب ازهر یک  
 ده مثقال بران پاشیده بپاشا مند و این روز را بحساب ایام منضج و مسهل و محسوب ندارند \* و روز ششم که بحساب  
 ایام منضج و مسهل روز پنجم است ادویه نسخه منضج روز اول را بپاشا مند \* و روز ششم نسخه روز دهم \* و روز هفتم  
 منضج روز سوم \* و روز هشتم باز روز مسهل است شب آن نیز حب مذکور را فرو برده بخوانند و وقت طلوع صبح نیز آن  
 مطبوخ را بپاشا مند \* و روز نهم بدستور روز پنجم این عمل نمایند \* و بدانکه اصل این مسهلات است باید که در هر  
 مرض مرض و اختلاف مزجه با ادویه مناسب آن مرض و مزاج و محبوب و معاجین و سفوفات مسهله مناسب آن مرض  
 و آن مزاج و سن و فصل و بلد استعمال کرده شود مثلاً در صلابت طحال با پوست بیج کبر و اسقو لوقند ریون در مطبوخ  
 و بجای حب لاچورد قرص کبر داده شود و در حبس طمغ به سبب مواد غلیظه تخم کشوت و تخم کرفس و پوست بیج کرفس و  
 از خرمکی و افسنتین رومی و مغز حب القرطم و کاذ ریوس و مشکطرا مشیع و فوة الصیغ ازهر یک دو مثقال در مطبوخ  
 داخل کرده شود و در سرداری بجای کلقتند شربت کشوت ده مثقال و بجای ریوند چینی غاریقون هشت سفید و دانهک  
 و بجای حب لاچورد و معجون نجاح حب منتن و یارج لوغاذیا داده شود و در وجاع مفاصل سورنجان و بوزیلان و قسط  
 کلخ و مغاث بغلادی ازهر یک دو مثقال در مطبوخ داخل کرده شود و بجای حب لاچورد معجون و یارج لوغاذیا ده مثقال  
 و یاسفوف سورنجان یک مثقال و یا معجون هر مس سه مثقال داده شود و در مزجه حاره از اجزای مطبوخ اسطوخودوس  
 و قنطاریون دقیق و بادرنجبویه را داخل نمایند کرد و بجای آنها آلوی سیاه آلوی بخارائی ازهر یک ده دانه تمر هندی  
 زرشک منقی ازهر یک دو مثقال داخل مطبوخ باید کرد و یا جمله کم نمودن اجزا و زیاده نمودن و تغیر و تبدیل اجزا بحسب  
 امراض و مزجه و سن و عادات و صناعت و سکنه و بلد و قسول سنه منوط برای طبیعت است \* نوع دیگر دستور استعمال  
 منضج و مسهل تالیف سیاه دت پناه حکمت دستگاه حکیم محمد باقر حکیم باشی ولد ارشد حکیم عماد الدین محمود شیوازی  
 منقول از بیاض مجربات معزالیه بخط معزالیه \* صنعت آن کا و زبان شاهترة بسفا بیج فستقی عنب الثعلب ازهر یک  
 دو مثقال جوشانیده صافی نموده سکنجبین افتیمون پانزده مثقال دران حل کرده بپاشا مند و با آنکه روز اول و دوم

و منضم را يك هنك \* روز سوم گوزبان شاهنور به غنای فستقی کل بنفشه کل نیلوفر سیاوشان تخم خیارین  
 نیم گرفته افتیمون از هر يك دو مثقال افتیمون را در گنجان بسته و باقی ادویه را در نیم من تبریز آب شب نخیسانند و صبح  
 بخوشانند تا دو حصه آب در دو يك حصه بمالند پس افتیمون در گنجان بسته را داخل کرده بکجوش دیگر داده از آتش فرود  
 آورند و افتیمون را بمالند و بفشارند و دور کنند و مطبوخ را صافی نموده ترنجبین خراسانی یا نروده مثقال دران حل کرده  
 صافی نموده سکنجبین افتیمونی یا نروده مثقال اضافه نموده بنوشند \* و شب چهارم این حب را فروریزند پوست هلیله زرد  
 پوست هلیله گابلی هلیله سیاه از هر يك نیم مثقال سنامکی دودانک لاجورد مغسول حجارا منی مغسول غنچه کل سرخ  
 کتیرا افتیمون حب النیل از هر يك یک انک گرفته بروغن بادام شیرین يك مثقال چوب نموده حب ساخته بوق نقره  
 بچسبند و وقت خواب فروریزند و بعد از آن آب نیم گرم یک پیاله بنوشند \* و روز چهارم این مسهل را بمالند \* صنعت  
 آن گوزبان شاهنور به غنای فستقی کل بنفشه غنچه کل سرخ سنامکی از هر يك دو مثقال شب نخیسانند و صبح جوشانند  
 و صافی نموده ترنجبین خراسانی فلووس خیارشنبه از هر يك یا نروده مثقال دران حل کرده صافی نموده سکنجبین افتیمونی  
 یا نروده مثقال داخل نموده بمالند \* مسهل دیگر گوزبان شاهنور به غنای فستقی کل بنفشه کل نیلوفر سیاوشان تخم خیارین  
 تخم خربزه نیم گرفته و غنچه کل سرخ پوست هلیله زرد از هر يك دو مثقال سنامکی چهار مثقال عذاب سیستان از هر يك  
 یا نروده دانه تمهندی منقی از حب و لطف زرشک منقی از هر يك هفت مثقال و نیم مجموع را در سه ربع من تبریز آب  
 بخوشانند تا ربع بمالند صافی نموده شیرخشت خراسانی و ترنجبین و فلووس خیارشنبه و سکنجبین افتیمونی دران حل کرده  
 صافی نموده و روغن بادام شیرین يك مثقال داخل کرده بنوشند \* حب مسهل بنفشه دیگر منقول ریاض الخط معز الیه \*  
 صنعت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله گابلی هلیله سیاه سنامکی از هر يك نیم مثقال لاجورد مغسول حب النیل  
 غاریقون هشت مثقال کتیرا از هر يك یک انک گرفته بروغن بادام شیرین يك مثقال چوب نموده حب ساخته بوق نقره  
 بچسبند و وقت خواب فروریزند و بعد از آن آب نیم گرم یک پیاله بنوشند و صبح جوشانند گوزبان کل بنفشه کل نیلوفر سیاوشان  
 پرسیاوشان شاهنور افتیمون از هر يك دو مثقال سنامکی تمهندی از حب و لطف از هر يك چهار مثقال افتیمون  
 را در گنجان بسته باقی ادویه را جوشانند و در آخر جوش افتیمون را داخل اخته پس فرود آورده صافی نموده فلووس خیارشنبه  
 و سکنجبین افتیمون از هر يك یا نروده مثقال شیرخشت خراسانی و ترنجبین خراسانی از هر يك دو مثقال دران حل  
 کرده صافی نموده و روغن بادام شیرین يك مثقال داخل کرده بنوشند و غل ادریام منضم و مسهل نشود آب با قیقه شور یا  
 تناول نمایند \* منضم و مسهل شامل قنقبره صغرا و بغم رسود انزال چهار روز منضم ملین موافق این نسخه بنوشند \*  
 صنعت آن عذاب خراسانی پوست دانه گوزبان پرسیاوشان عذاب تخم خیارین نیم گرفته تخم کاسنی پوست نیم  
 کبر زرفای خشک پوست بیدار زبانه اصل اسوس پوست بجم کوفس کل یا بوند از هر يك دو مثقال پوست بجم کاسنی آمله  
 منقی به غنای فستقی شاهنور از هر يك سه مثقال آلوی سیاه آلوی اخرا آبی از هر يك دو دانه بدستور جوشانند  
 صافی نموده شیرخشت خراسانی ترنجبین کل قند آملی از هر يك دو مثقال دران حل کرده صافی نموده و بنوشند و بعد  
 از مسهل باین دستور روغن \* صنعت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله گابلی دانه سیاه کل بنفشه از هر يك پنج مثقال  
 تربل سفید دو مثقال شکمی و بک شاه سدرم از هر يك سه مثقال بدستور جوشانند و صافی نموده فلووس خیارشنبه یا نروده  
 مثقال دران حل کرده با صافی نموده و روغن بادام شیرین يك مثقال داخل کرده بمالند و اگر خواهند که زیاد ممل  
 نماید در بوند چینی يك مثقال غاریقون هشت مثقال نیم مثقال سردار و نمایند و اگر قنقبره بغم بیشتر مطلوب باشد ادویه ها

خار را چون بیج کبر و بیج کرس و تریک و شاه شغرم و غاریقون نباید داخل کرد و بلکه تمر هندی و گل بنفشه و آلوی  
بخارائی و سرمش و زرشک منقعی در مطبوخ اضافه نمایند و محمود و مشو و کتیرا حب ساخته قبل از مطبوخ فرو برند  
و اگر حرارت در مزاج غالب باشد بجای مطبوخ ادویه را نقرع نمود و بیاشامند \* مسهل دیگر منقول از حضرت سید  
السند والد ماجد آن مرحوم قلص سره \* صنعت آن آلوی بخارائی عناب خراسانی از هر یک ده دانه تمر هندی منقعی  
پنج مثقال باد رنجبویه شاهتره افریمون کل بنفشه غنچه کل سرخ از هر یک دو مثقال سناب مکئی سه مثقال ادویه را سوا  
افتریمون در نیم من تبریزی آب شب بخمسانند و صبح بخوشانند و چون ثلث آب بماند افتریمون را در کتان بسته در آن  
اندازند و یک جوش دیکر داده فرود آورند و صرغ افتریمون را نیکو بمالند و بفشارند و در رکند و مطبوخ را صافی  
نموده فلوس خیار شنبور و ترنجبین از هر یک پانزده مثقال و شیرخشت خراسانی کلند آفتابی از هر یک ده مثقال در آن  
حل کرده باز صاف نموده روغن بادام شیرین یک مثقال داخل کرده بیاشامند و غلغله و آب و مرغ بچه \* مسهل  
که اخراج صفرا و بلغم نماید \* صنعت آن پوست هلیله زرد شش درم هلیله سیاه ده درم مویز سرخ منقعی از حب  
پنج درم تربل سفید من نیم کوفته چهار درم شاهتره هفت درم بخوشانند و صافی نموده فلوس خیار شنبور پانزده  
درم در آن حل کرده مرتبه ثانیه صافی نموده روغن بادام شیرین یک درم بر آن بچکانند و بنوشند \* مسهل  
دیگر که اسهال سودا را اخلاط مختلعه نمایند و نافع است از برای بهق و برص و کلف و نمش \* صنعت آن به نسخه  
قلانسی که اول مرتبه ایارج فیکرا و غاریقون هش سفید از هر یک یک درم و نیم کتیرا یک دانه سودا بروغن بادام  
شیرین یک درم چرب نموده حب ساخته بورق نقره پنجپیکه و وقت سحر با آب گرم فرو برند و بعد از دو ساعت و نیم که  
قریب یک پاس باشد این مطبوخ را بنوشند پوست هلیله کابلی ده درم هلیله سیاه پنج درم مویز منقعی از حب  
ده درم تربل سفید نیم کوفته از خر مکئی اصل السوس محکوک مرصوص از هر یک سه درم بسفایج فستقی نیم کوفته  
پنج درم انجیر زرد ده دانه افتریمون ده درم مصطکی انیسون تخم کرفس از هر یک دو درم یک ستور جوشانید و صافی  
نموده بنوشند \* مسهل دیگر که آشامید و میشود در امراض کبد و طحال و استسقا و سلها \* صنعت آن به نسخه قلانسی  
اول مرتبه ایارج فیکرا یک درم غاریقون هش سفید از پشت غریبال موئی کل رائیه و پنج درم هر دورا بروغن بادام شیرین  
یک درم چرب نموده بسکنجبین سرشته حب ساخته فرو برند و بعد از آن آب نیم گرم قدری بنوشند و بعد از دو ساعت و نیم  
مویز دانه پیرون آورده ده درم انیسون اسارون غاف از خرسنبل الطیب افسنتین رومی از هر یک سه درم پوست هلیله  
کابلی هفت درم شاهتره ده درم تمر هندی منقعی از حب و لیف ده درم عناب ده دانه یک ستور صافی نموده عسل خیار شنبور  
پنج درم در آن حل کرده مرتبه دیگر صافی نموده روغن بادام شیرین یک درم بر آن بچکانند و بیاشامند \* مسهل دیگر نافع  
از برای غلبه جمیع امراض حاده \* صنعت آن آلوی سیاه چهل دانه سپستان بیست دانه مویز منقعی از حب بیست دانه  
عناب ده دانه کل سرخ مخزوع الا قمع ریونک چینی نیم کوفته از هر یک یک مثقال شاهتره پنج درم عناب الثعلب ده درم  
تخم کاسنی سه درم تخم کشوت سه درم کاوزبان کل نیلوفر از هر یک چهار درم پوست بیج کاسنی یک مثقال یک ستور جوشانید و  
صافی نموده تمر هندی منقعی از حب و لیف ده درم فلوس خیار شنبور هفت درم شیرخشت خراسانی چهل درم کلند سگری  
ده درم در آن حل کرده صافی نموده روغن بادام شیرین یک درم داخل کرده بقل رحاجت و قوت بنوشند \* مسهل دیگر  
که در مصر و مغا و بند رو شام و عراق مشهور و مطبوخ فوا که است این مسهل را اکثر مردم استعمال میکنند در فصل ربیع  
و خریف اسهال اخلاط مختلفه معتزله از بلغم و صفرا و سودا میکنند و دفع میکنند فضول رذیه را و این مسهل را منافع بسیار

است \* صنعت آن به نسخه قلا نسی مویز منقی پانزده عد د پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی کا و زیان اصل السوسن  
 محکوک مرضوض پر سیا و شان کل خطمی تخم شاهسفرم نیم کوفته زرشک منقی ازهر یک سه درم سنامکی بسها بیج فستقی  
 افتمون ازهر یک چهار درم عذاب سیستان آلوی سیاه ازهر یک پانزده عد د قمر هند ی منقی از حب و لیف پانزده درم تخم  
 کشوت عرب بنفشه ازهر یک سی درم ادویه را آنچه کوفته است نیم کوفته افتمون را در کتان بسته نکا عد ارنه و باقی  
 ادویه را در چهار صد درم آب خالص بخیسانند یک شب از روز پس بجوشانند آنقدر که ربع آب بماند پس صرغ افتمون را  
 در آن انداخته در جوش دیگر دهند پس صرغ را بماند و بپاشند و مطبوخ را صافی نموده فلوس خیارشیر در آن درم  
 تونجبین خراسانی ده درم در آن حل کرده صافی نموده در آن درم جلاب سگری و یک ملعه روغن باد ام شیون داخل  
 کرده و ریون چینی سوده نیم درم بوان پاشیدن نیم گرم بنوشند جمله یک شربت است \* مسهل دیگر به نسخه قلا نسی  
 مویز منقی از حب بیست و پنج درم آلوی سیاه سی دانه عذاب ده دانه شاهتوت پنج درم انیسون یک مثقال مصطکی رومی  
 یک مثقال تربل سفید عد بر نیم کوفته سه درم مجموع را در آب بجوشانند و از آن نیم رطل کوفته مقل از نیم درم تهر هند ی  
 منقی از حب و لیف پانزده درم سنامکی پنج درم شاهتوت شش درم سر بنفشه چهار درم کل سرخ شش درم افسنتین  
 رومی پنج درم بک لبلاب ده درم شکا عی باد آورد ازهر یک سه درم تخم کسنی تخم کشوت اصل السوسن ازهر یک چهار  
 درم رازیانه انیسون ازهر یک یک درم در چهار رطل آب بجوشانند تا بیک رطل برسد فرود آورد و بهالایک و یک درم ایارج  
 فیهرا و یک انگ و نیم محمود و مشوی در آن حل کرده بپاشانند و اگر ایارج فیهرا و محمود و را حب ساخته پیش از مطبوخ  
 سه ساعت فرود بزنند بهتر است \* مسهل دیگر به نسخه ابن جزله \* صنعت آن تربل سفید محرف عد بر نیم کوفته بیج سوسن  
 آسمانچونی زراوند طویل سکبینه صفت فارسی بک غافق افسنتین رومی استرک جاشیر تخم کوفس اجزا مساوی همه  
 را در مثقال بخیسانند و در نیم عدل بجوشانند و صافی کنند و هر روز چهار اوقیه آنرا بنوشند شکم و کمز یعنی بول براند \*  
 مسهل که دفع عاده سودا کند \* صنعت آن پوست هلیله کابلی هلیله سیاه ازهر یک یک درم افتمون قورفل ازهر یک نیم  
 درم کوفته بن واع المسک تلخ سه درم سرشته سه روز یک اول تا مخمر شود پس آن شراب را بجای حل کرده بنوشند  
 و در بعض نسخه بجای قورفل بک درم و نیم جیوانی مغسول ذکر شد و این بهتر است \* مسهل نافع جهت سرفه حادث  
 از سوء المزاج حار مادی رطب \* صنعت آن عذاب سی عد و بنفشه هشت درم در یک و نیم من آب بجوشانند تا بنصف  
 درم مالین و صاف نموده هفتاد درم از آن را کوفته ده درم مغز فلوس خیارشیر و بیست درم تونجبین و ده درم شکرو سه  
 درم بک کوزیان نرم کوفته بنفشه بوان پاشیدن گرم نموده بپاشانند \* منضج سودا و بلغم که قبل از مسهل باید آشامید  
 شود \* صنعت آن به نسخه حکیم میر محمد مؤمن در نسخه المؤمنین سو یزید انه ده مثقال کل کوزیان باد رنجبر به شکوفه  
 غافق پر سیا و شان کل بابونه پوست بوم کوفس پوست بوم کز پوست بیج رازیانه زوفای خشک آمله مقشر شکا عی باد آورد  
 ازهر یک دو مثقال عذاب بیست دانه سیستان سی دانه شاهتوت سه مثقال تخم کوفس تخم رازیانه ازهر یک یک و نیم درم در  
 آب جوشانید و صاف کرده کلقل آفتابی پنج مثقال تونجبین شیر خشک ازهر یک دو مثقال در آن حل کرده با صاف نموده  
 بپاشانند باید که مقل از آب سه عد مثقال که بر ربع باز آید \* منضج جهت سودا که از صفراوی مشتوقه باشد \* صنعت آن  
 کزب اشاراتی پانزده عد د پوست بیج کسنی بنفشه عذاب اعلاب پر سیا و شان شاهتوت شکوفه غافق تخم خیار و از  
 هر یک سه مثقال عذاب سیستان ازهر یک بیست عد د آمله منقی تخم کسنی کل کوزیان کل سرخ ازهر یک دو مثقال در همان  
 مقل از آب بجوشانند تا بر ربع رسد با آن مقل از شیر خشک و تونجبین استعمال نمایند \* منضج دیگر که صفرا و بلغم مرکب با

باشد \* صنعت آن زوفای خشک اصل السوس مقشر شکامی باد آرد تخم کشوت انیسون کل بابونه ازهر یک دو مثقال عنب  
الغلب پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه ازهر یک سه مثقال آلوی بخارائی پانزده دانه عناب سیستان ازهر یک بیست  
عل د بل ستور بجوشانند و با کلقلند پنج مثقال و سکنجبین ده مثقال بنوشند \* مسهل سودا و بلغم در منضج سودا \*  
صنعت آن سنمکی سه مثقال پوست هلیله کابلی هلیله سیاه افیمون بسفا بیخ فستقی ازهر یک چهار مثقال تمر هندی ده  
مثقال تربل سفید خراشید و بر روغن بادام چرب نموده و اسطوخودوس ازهر یک دو مثقال در طبع اضافه نموده بافلوس  
خیارشنبور و ترنجبین ازهر یک ده مثقال روغن بادام دو مثقال لاجورد غیر مغسول ملح هندی نقطه ازهر یک دود انک  
شحم حنظل یک انک استعمال نمایند \* مسهل صفرا و سودا که در منضج باید داخل نمود جهت اخراج این هر دو خلط \*  
صنعت آن پوست هلیله زرد هلیله کابلی بنفشه افیمون سنمکی ازهر یک چهار مثقال در مطبوخ بیفزایند و باخیارشنبور  
و شیر خشک و تمر هندی ازهر یک ده مثقال محمود و مشوی یک انک روغن بادام دو مثقال و بیداشامند \* صنعت مسهل  
بلغم و صفرا در منضج اضافه باید نمود جهت اخراج هر دو ریون چینی ققاح اختر تربل خراشید و قنطاریون دقیق افسنتین  
رومی کل سرخ ازهر یک دو مثقال سنمکی پوست هلیله کابلی و هلیله زرد تمر هندی ازهر یک پنج مثقال آلوی بخارائی  
پانزده دانه در مطبوخ بیفزایند و مغز فلوس خیارشنبور ده مثقال روغن بادام دو مثقال غاریقون نیم مثقال محمود و مشوی  
دود انک داخل کرده بنوشند و بعضی نسخ مطبوخات مسهل در مطبوخات انشا الله تع خواهد آمد اینجا باین مقل اراکتفا  
نمود \* مسیر بفتح میم و کسر سین مهله و سکون یا و رای مهله مریایک و است و در قرع ذکر یافت \*

**فصل در بیان نسخ مسی \***  
بدانکه مسی بکسر میم و تشدید سین مهله بلغت هندی دند ان را  
گویند و چون این ادویه مستعمل بدند ان ولته اند و نسبت بدندان دارند لهذا مسی نامند و فی الحقیقه اینها از جمله  
سینوات \* مسی که جهت تقویت لثه و استحکام دند ان و رفع ألم آن نافع است \* صنعت آن براده آهن بر سنگ نرم  
سائید و پوست انار زاج ازهر یک نیم سیر و چهار جز را بسیار نرم سائید و بردندان بمالند و بعضی بجای آهن تو بال مس  
میکنند \* مسی دیگر که همین منفعت دارد \* صنعت آن براده آهن دوازده توله مازوی سبز هشت توله توتیای اخضر هندی  
کمی سفید ازهر یک یک توله میرا کسین که زاج اخضر است ششماشه بسیار نرم سوخته استعمال نمایند و اگر جهت زیادتی  
تقویت و خوشبوئی دهان کند مالتی و فوفل ازهر یک یک توله اضافه نمایند و توتیا و زاج را بریان میکنند نیکو است \*  
مسی دیگر قسم اعلا و خوش رنگ \* صنعت آن براده آهن یکسیر و یک پاوه هندی مازوی سبز یک پاوه توتیای هندی بریان  
نیم پاوه یکی را جل اجل اکوفته بخته خوب باریک نموده وزن کرده باهم مزوج نمایند باز یسایند تا مخلوط شود و در  
شیشه نکاهل ارند بوقت حاجت بردند ان بمالند \* مسی دیگر که همان نفع بخشش و دند ان متحرک را قوی کرد اند و از  
حرکت باز دارد \* صنعت آن براده آهن پوست درخت مولسری کت سفید که بهندی پاوه کوبند هلیله سیاه ازهر یک سه  
توله توتیای هندی میرا کسین که زاج اخضر است کرد چوب چینی ازهر یک یک توله زاج سفید دو توله پوست انار ترش  
نیم توله ادویه را جل اجل اکوفته بخته براده آهن را بر روی سنگ نرم سوخته در هم کرده بردند ان ولته بمالند و اگر در  
رو جع در لثه معلوم گردد یکمرتبه مضمضه بروغن کنجد و پنچ ششمرتبه با آب گرم جهت رفع آن نمایند \* مسی دیگر که  
همان نفع دارد \* صنعت آن براده مس پوست انار ازهر یک نیم سیر مازوی سبز ربع سیر زاج سفید یک سیر اجزا را  
جل اجل اکوفته بخته سر مه سا نموده بردند ان ولته بمالند \* مسی نوع دیگر \* صنعت آن ریزه آهن پنج توله توتیای  
هندی بریان چهار ماشه مازوشماشه هلیله زرد یک عد دکات سفید ششماشه علی الرسم مرتبه نمایند و بردند ان

بهمانند \* مسی دیگر \* صنعت آن تو بال آهن که بهندی او ما چون گویند نیم آثار ما زوزنغ آثار هلیله گابلی نهن آثار  
 تو نیای مندی برشته زاج اخضر از هریک یک و نیم دام سماق منقی دودام گات سفید یک دام علی الرسم مرتب  
 اما بند و یکا و برنگ \* مسی نوع دیگر \* صنعت آن کل سرخ سنبل الطیب زر نیاد گلنار صمغ عربی لبان سفید جل رار  
 مجرب اجزا مساوی گرفته بهخته سنون سازند و در نهخته دیگر مصطکی و طماشیر و دانه هیل کلان نیز داخل است و اگر  
 نیم وزن تمام اجزا مسی به نسخه قبل مزوج نموده استعمال نمایند بهتر است و اگر وقت خواب مالید و بخوابد  
 که بعد از آن مضمضه نکنند اولی است و اکثر سنونات در حرف الحین مع النون ذکر یافت \* **باب المیم مع الصاد**  
**المهملة \*** مصطکی بن آنکه مصطکی بفتح میم و سکون صاد مهمله و فتح طای مهمله و کسر کاف و یاء و بضم ایل و سکون ثانی  
 و فتح ثالث و رابع و با الف در آخرین بعضی خوانند و اند معرب از مصطخایونانی است و یسویانی کیما و برومی مصطخی و یعربی  
 ملک رومی و که نیز نامند و آن صمغ درختی است که در سباط میشود چوب و برک آن لطیف و نازک مثل اراک برک نمران  
 مثل بتلخی و آن صمغ در بودن آفتاب در برج جوزا و حوالی آن از درخت آن مستخرج میشود و قوت آن تا بیست سال باقی  
 میماند و آن در قسم است قسمی سفید نرم خوشبوی صاف شفاف با نازک شیرینی و چسبندگی بسیار و نازک آن در  
 وقت خائیدن و ناز آن بعدی نرم است که سائید و نمی شود و این را قبطی نامند و بهترین آن بزرگ دانه است و این  
 قسم مثل صمغ دیگر قوت طبیعت از جوف درخت تراوش کرده بیرون می آید و نازک آن از خارج بخواش درخت  
 آن و غیره \* و قسم دوم سیاه یا تلخی و دوا و صاف مل گویا مثل آن و قابل تحقیق است و این را قبطی می نامند و بعضی گفته اند  
 که این قسم از نافع بوساق و شاخهای درخت آن تراوش و طو بات از آن حاصل میگردد و بگو آن گفته اند که چوب  
 و شاخهای نازک و برک قار و آن جوش داده صاف نموده منعقد میسازند و این قسم یافته میشود در زمین صافن از  
 اعمال در رس قریب به توکستان از قلمی پنجم را این قسم ردی غیر جید است و مصطکی کرم و خشک در آخر دیم و بعضی  
 خشک در سیم دانسته اند و شیخ ابو نعیم رح گفته اند که این کرمی و خشکی که در آن است در درخت آن نیست و آن  
 لطیف و معتدل است در سردی و گرمی توکست آن از جواهر لطیف مائی اندک کرم و جواهر لطیف و جواهر ارضی و  
 همچنین اجزای آن و مصطکی لطیف و قابض و معتدل و جالی و رافع صانع و نازک یافته است شوربا و فوفا و استنشاقا  
 با روغن زیتون و خائیدن و سنون آن به نهائی یا با دویه دیگر جهت استحکام دندان و نشه و روغن دندان کوشش آن  
 تسکین در درد و جمع آن و خوشبوئی دهان و جنب و طو بات از حوالی کام و زبان و دهان و تقویت عمل و با اشاره نافع و در در  
 آن در جهت جهت الفاق شعر و منقلب و خوردن آن جهت سرفه و نفث اندام و تقویت عمل و کمال و معالجه و خوشبو  
 نمودن عمل و ویرانگشتن اشتها و طعام و کسور و یاج و دفع قراقر و سوء الهضم و فواق و ریح و غلیظه و تحریک  
 جش و جبر و کسر و عظام و کوفتگی اعضا و ضربه و سقطه و ورام احشا و گفته اند که سیاه قبطی آن موافق تر است از بوا  
 تحلیل صلابات و در آن جهت رفع تحلیل و ورام و شکستگی اعضا و جشادن آن و استحکام قروح بعد پاشیدن و  
 پاشیدن عضو با آب مطبوخ اجزای آن و بستن آن عضو با رچه بعد پاشیدن مصطکی و زائل کنند و معص خصوصاً  
 با آب کرم و با آب سرد معتدل و میگرداند و بخت و طو بات را از عمل و دفع میکند آن را صاحب شفاء الاسقام گفته  
 که چون مصطکی را با آب سرد بپاشند احدی از بخت و طو بات میماند در عمل و چون با آب کرم بپاشند احدی از  
 میماند و اگر در عمل و طو بات بسیار باشد و مصطکی را با آب سرد که در آن کافور مالید و صاف نموده باشند  
 و با شاعیل بخت طبع می نمایند بهر درم او مت بران باعث حبس و بستگی شکم است و چون خا ط کرم در عمل و طو

با ادویه قاطعه دم آمانت میکنند آن را بر قطع و حبس آن و چون خائید شود باید که صبر جل نباشد بلغم را از سر و چون طلا کرده شود بر بشیره نیکو و سرخ میکرد اند آن را خوردن آن با غار یقون مسهل بلغم و با صبر مسهل صفرا و با هلیجات مسهل سودا است و نافع است و سواس و حلت نفس و مبادی مالمیخولیا را ساکن کنند و توازل و صاف کنند و قصبه رنه است و با کهر با جهت قطع نفث الدم و با کنگر جهت حلت ذهن و فهم و حافظه و چون با روغن کنگر جوش دهند و بچکانند و رکوش میکشاید سه آن را در ورمیکرد اند کوی را و چون در آتش اندازند و پارچه پنبه را بکلاب تر کرده بد و آن داشته بر چشم صاحب رمد گذارند تسکین دهد درد آنرا و چون در آب جوش دهند و بیا شامک جهت نزف الدم و اسهال و تقویت احشامه و چون بطول نمایند بر مقله و مسترخ و رحم کثیرا و لطو بست تقویت می بخشد و خشک میکرد اند آن هر دو را و چون بجوشانند با زیت و طلا کنند بر بدن زائل میکرد اند لوزیدن تپهای بارد و کزاز و ریشه و ضربان و ماند کی اعصاب را و مجرب دانسته اند و چون بجوشانند یک درهم ازان را در یکرطل آب در کوزه تازه تا این که برود ثلث آن آب و تازه کنند کوزه را هر مرتبه یعنی چون آن آب صرف گردد و تمام شود باز در کوزه نو مرتب نمایند نافع است آن آب استسقا و قی و غثیان و زحیر و مقوی هضم است و مجرب است و همچنین اجزای د رخت آن را چون بجوشانند و بنوشند همین منفعت دارد و گفته اند چه بیخ اجزای د رخت آن از تمر و برگ و اعصاب و بیخ و ساق قابض است و پوست بیخ آن قانم مقام اقا قیاه و فوسفیل است است که عصاره الحیه التیس باشد و همچنین عصاره برگ تازه آن از تمر آن روغن تر تیب میدهند و آن شدید القبض و لطیف و ملین و محلل اورام ریاح است و مالیدن و خوردن آن جهت ارجاع ارحام و سیلان رطوبات ریه آن و برآمدن کی رحم و مقله و نافع است شربا و زدن همین وقت همین آن بر موضع کرده و مثانه تحلیل ریاح آن و بر مقله جهت تقویت و تحلیل ریاح آن و جهت هیضه و فواق و سوء الهضم و قطور آن در کوش تحلیل ریاح و رجوع آن و مضمضه روغن آن مستحکم کنند و دند آن متحرک است و مالیدن آن بر ارجاع بارده و تعقل مفاصل با روغنهای گرم محلل و به تنهایی برای التهام قروح و پاشیدن مصطکی نرم سوده بران و بستن آن بهارچه با عفت تسکین و جمع و تحلیل اورام و التهام قروح است و چون بجوشانند اجزای آنرا بتمای با آب و مکرر کنند یعنی آب را صاف کرده با اجزای تازه داخل کرده جوش دهند و همین قسم تا آنکه غلیظ گردد می باشد نافع جهت نفث الدم و اسهال و قرحه امعاء و بیرون آمدن کی ناف و رحم و مکرر شستن عضو یکه کوشش آن رفته باشد بسبب حرارت با آب طبیع آن جهت رویانیدن کوشش آن و همچنین پاشیدن آن بران بشرط ادابت و تکرار محل و بطول با آن مقوی عضو مسترخ و جبر استخوان شکسته و ضربه و سقطه و کوفتگی اعضا و ضاماد برگ آن با سائل بدن و رحم که برآمد باشد بسبب سردی نافع است و مسواک کردن شاخهای آن جلاد هنده دند آن و مقوی آن و سخت کنند و لئه است و گفته اند مصطکی مضرب ثانه است و اصلاح آن خیسانیدن آن است یک شبانه روز و یک سه آنکور و پیش از استعمال و کوبیدن بعد ازان خشک کرده با کتیرا سوده استعمال نمایند و کوبیدن مصالح آن قند و صمغ عربی است و نیز گفته اند که مصالح آن مغز گردان و کشنیزا منت و بدل آن کند و بوزن آن و یک وزن و نیم آن علك البطم و در تقویت معده و جگر و بوزن آن اذ خروقد ری شربتش تا یک مثقال است و طریقه داخل نمودن مصطکی تازه که بسبب نرمی سائید نشود در تراکم بدن آن قسم است که در جوارشات و معاجین که دران غسل و نبات و امثال آن داخل است بعد بقوام آمدن و کم شدن گرمی آن اول مصطکی را اندک اندک دران اندازند و به تیر معجون سازی حرکت دهند تا کک اخته گردد پس آردنه در داخل نمایند اگر مرکب باشد و اگر غسل یا نبات داخل داشته باشد مثل هیوب در روغن بادام یا



پسته در قند مضاعف محل کرد و داخل نمایند و با قند روی ازاد ویده خشک را کوفته بمخله در فاون سنگی ریخته و دانه  
دانه مصطکی را در آن انداخته بملایمت بدسته بمالند تا نرم گردد و بچسبند و این دو قسم برای جوارشات و معاجین  
بمیزخوب است \* **فصل در ذکر نسج جوارشا نیکه اصل و عمود در آنها مصطکی است \***  
جوارش مصطکی ساده سردی جگر و معده را نافع باشد و بلغم دفع کند و آب رفتن از دهان باز دارد \* صنعت آن مصطکی  
سه مثقال کوفته قند سفید یکمن قند را با کلاب پنجا و درم حل کرد و بقوام آوردن پس مصطکی را داخل کرده بروی سنگ  
بریزند و برینک و بکار درند \* جوارش مصطکی دیگر جمیع امراض بارد و معده و جگر و امراضیکه بمشاکت این دو عضو  
باشد خصوصاً مداع بمشاکت معده و بسبب ماده بارد و بلغمی را بنهایت نافع است \* صنعت آن مصطکی رومی سه  
درم دارچینی پنجا درم سوده و یکرطل قند سفید را در کلاب حل کرده و بقوام آورده و دانه را با آن سرشته بروی سنگ  
بریزند و اگر طبع قابض باشد بجای دارچینی تربل سفید مد بریزند آن داخل نمایند و مقارن مستعمل از آن در  
مثقال \* جوارش مصطکی مرکب سردی معده و نافع است و از برای ضعف معده و قلب بارد و اسهال بلغمی وضعف جگر  
و رفتن آب از دهان و خفقان بارد سفید \* صنعت آن مصطکی رومی قند سیاه و نافع است و کبابه چینی زیر و کرمانی مد بر  
زرد و سبز و گریه و ورق کل سرخ پوست زرد انجیر تخم کسنی را زبانه کند و کشیز خشک باد را چوبیده کل کا و زبان زرد باد  
زعفران سنبل الطیب از هر یک پنج مثقال دارچینی سیلانی زنجبیل قاقله از هر یک ده مثقال قند سفید سه مثقال  
مسکوی از هر یک دو وزن مجموع ادویه بدستور مقهور جوارش سازند شربتی از یک مثقال تاد و مثقال \* حب مصطکی  
جهت تقویت معده ضعیفه که در روی بلغم و ریح متولد شود و باعث راجها گردد دفع تمام دارد \* صنعت آن مصطکی  
سه درم هلیله سیاه چهار درم پوست هلیله زرد یک درم زنجبیل سنبل الطیب از هر یک دو درم ملج مند یک  
درم صبر هشت درم آب کند نا حب سازند شربتی یک درم \* حب مصطکی سرفه را نافع بود چون یک حب و نشت  
طو اب بخورند زکام و نازله را نافع باشد و منع سیلان مینی کند \* صنعت آن مصطکی رومی زعفران از هر یک یک حزر  
انجیر چهار جز و کوفته اخته حب ها سازند و حبه بقل و فلفلی شربتی یک حب \* دهن مصطکی حال و دقوی اعصاب  
و شرب و ضماد آن جهت امراض ریه و معده و وضعف احشاء و اسهال و طو بی و علیل جگر و مثقال آن جهت قرحة باطن و حقه  
آن جهت قرحة امعاء و طلای آن جهت رفع آثار چل و نمک و کولی یک بخار سفید است \* صنعت آن مصطکی رومی ده درم  
روغن کل سرخ چهل درم هر دو را در شیشه قوی الجسر کنند و شیشه را در آب گرم بگردانند تا بسبب گرمی آن مصطکی کل اخته  
شود و با روغن مخلوط کرد \* دهن مصطکی بطریقه حکمای فرانک \* صنعت آن مصطکی نیمه آثار جوارش کوبید و با شست  
توله شرباب انگوری خالص و چهار توله در شواب که بزبان فرنگی ما ترورد و از ترنا منل آمیخته یک شهاب تر و یک ارنل  
پس یک آن تر و روغن کنجد تازه خالص همزوج نموده در قوع و انبیه مقطر نمایند و بعد تقطیر ما ثبوت را از دهن جدا  
نمود و در روغن نگه دارند و عمل الحاحت بکار درند و در این خواص و منافع از نسخه قبل اقوی و نافع است و در مواضع  
من کوره و غیر آن و بعضی بدل یک آن دارد و آثار روغن کنجد داخل نموده در ظرف سفالی کرد و بر آتش احکامیکند ارنل  
مصطکی کل اخته شواب بسوزند پس صافی نموده بکار درند و اگر بدل روغن کنجد روغن کل کنند بهتر است \* سفوف  
مصطکی را دهای معده و زرد دفع کند و اخلاط غلیظه باغمیه را تحلیل دهد و فضول منحل رسازد و طبع را نرم دارد و چون سه  
درم آن را با شربتی معده و ریه و تب عظیم بخشد \* صنعت آن مصطکی یک جز و پوست هلیله کبابی یک سداسی تخم را زبانه  
سازد و در جز و دانه هلیله قاقله کباب زنجبیل تربل سفید چون مد بر اثر یک نیم جز و سفوف نموده شربتی چهار درم قبل

قبل از طعام و بعد از طعام توان خورد اما بعد از طعام اغلب اجابت مینماید \* مصوص بفتح میم و ضم صاد اول و در میان  
د و صاد و ارسا کن با صلاح اطیاسیج کباب چاشنی دارا نامند حقیقه و مجازا قلیه چاشنی داراست \* مصوص که قطع  
قی و خلغه نماید \* صنعت آن حب الرمان سماق منقی حب الاس زرشک کشنیز خشک میز با تخم کشنیز تر بقله الحماض  
درم کوفته بد راج و یا طیهوج یا کبو تر بچه ذبح نموده پاک کرده شسته مالید بر آنش کباب نموده بخورند \* مصوص  
دیگر که همین نفع دارد \* صنعت آن بکیرند راج یا کبک یا طیهوج یا کبو تر بچه یا خروس بچه یا کنجشک هر کدام که  
خواهند و ذبح نموده از آرایش شکم پاک و صاف نمایند و کرفس و سد اب و نعناع و انیسون و کروی و یوزیره کرمانی و  
کشنیز خشک و نانخواه جلی کوفته پیخته بران مالید \* سیج کباب نموده تناول نمایند \* مصوص دیگر که آنرا ناراج  
نیز نامند و همان منفعت دارد \* صنعت آن حب الرمان مویز سرخ بادانه هرد و رانرم کوفته در آب انار میخوش و آب  
غوره مالید و صاف کرده و بکشنیز خشک و حماض مطیب نموده با آتش ملایم طبع نمایند تا آنکه نضج یا بد فی الجملة غلیظ  
گردد پس در راج یا کبو تر بچه یا طیهوج و امثال اینها پیخته در ان اندازند و اندکی نمک و زرشک داخل کرده یکد و جوشی  
داده تناول نمایند \* مصوص دیگر و آن غذائی است نیکو مرصا چنان مزاج گرم را نزد حرارت کبد و امراض حار و آن  
و اسهال حادث از قبل آن \* صنعت آن بکیرند چوزه یا مرغ جوان و یا گوشت بیره املک و یا بزغاله از هر یک که خواهند  
و با سبزیهای مناسب مانند برگ خرفه و کاسنی و اسفناج و کشنیز تازه و برگ عنب الثعلب و امثال اینها و یا زیره و ادویه  
خوشبو و حسب احتیاج پیخته با آب زرشک یا حب الرمان حامض و با سماق و امثال اینها چاشنی نموده ساده یا چاشنی دار  
تناول نمایند و این بعینه قلیه نبر باریس و رمان و سماق و امثال اینها است و ذکر یافت \*

باب المیم مع الضار المعجزة \* فصل در ذکر نسخ مضمهها \* بدل آنکه مضمه

بر وزن فعلله ادویه مانده را کوبند که جهت امراض دهان و اسنان در دهان کنند و حرکت دهند و زمانیکه هلاک شده  
بریزند \* مضمه که جهت رفع رطوبات بن دندان و حرکت اسنان نافع است \* صنعت آن سنبل الطیب کل سیج  
جوزالسر و سعل ثمره الطرفا اجزا بالسویه با آب جوشانیده با آن مضمه نمایند \* مضمه جهت قلاع دهان و خون رفتن  
ازین دندان و تعفن و جوشش لثه و رویانیدن گوشت آن نافع \* صنعت آن تو تمانی کرمانی مغسول سی و هشت مثقال بنفشه  
نورده و مثقال شکر خام یک مثقال بنفشه را با پرا بر اجزا با سرکه هفتاد و پنج مثقال آمیخته در شیشه کنند و ضبط نمایند و  
هنگام حاجت مضمه فرمایند و جهت جوشش دهان بدل سرکه بیست مثقال آب انار یا آب کشنیز تازه نمایند و مکرر  
مضمه کنند و جهت قطع خون و رویانیدن گوشت با سرکه و سرکه یا آب انار که نیز تمام شود تجلید نمایند و  
و همچنین تا یک سال قوت این میماند خصوص که با سرکه باشد \* مطبوخیکه قبل از استعمال سنونات بکار برده میشود  
جهت زیادتى تاثیر اینها \* صنعت آن تخم کل سرخ زرشک بادانه ثمره الطرفا برگ صنوبر برگ زیتون از هر یک یک  
جز و بیخ بارتنگ یک جز و نیم جوشانیده صاف نموده نیم جز و شب یمانی در آن حل کرده مضمه نمایند \* مضمه  
دیگر جهت ورم لثه و سستی آن \* صنعت آن طرا ثیف شب یمانی پوست انار سماق بالسویه جوشانیده مضمه نمایند \*  
مضمه دیگر جهت قلاع و جوشش دهان در اوئل \* صنعت آن آب برگ علیق آب برگ بارتنگ آب به سرکه که در آن  
عسل و خبازی و شاخهای تازه تاک و آرد جو جوشانیده باشند مضمه نمایند و بدستور کرمزاج کلنار کشنیز خشک پوست  
انار عقیق بالسویه جوشانیده مضمه نمایند \* مضمه جهت قلاع بلغمی \* صنعت آن برنج اسف برگ زیتون مامیران  
پوست انار عقیق بالسویه جوشانیده مضمه نمایند \* مضمه که قلاع بلغمی را سود مند بود \* صنعت آن عاقر قرها

مامیوان تخم ترب قیصوم روز پنجوش برک زیتون در سرکه و آب مهزوج کرده جوشانید و صاف کرده مضمضه نمایند \*  
 مضمضه جهت قلاع و حمزش دهان حادث از مادۀ بلغم \* صنعت آن انجیر خشک سیب اکلیل الملك با یونه از هر یک  
 جزوی جوشانید \* مضمضه نمایند \* مضمضه که ورم بلغم را نافع بود \* صنعت آن تخم شبت با یونه حلبه بزرگتان  
 اکلیل الملك از هر یک قدری و ماء العسل جوشانید و صاف کرده مضمضه نمایند \* مضمضه که ورم دندان که  
 بسبب برودت و رطوبت باشد نافع بود \* صنعت آن بود نه دشتی عاقوقها بیخ کبر زرقای خشک از هر یک قدری در  
 سرکه جوشانید و مضمضه کنند \* مضمضه دیگر که همین اثر دارد \* صنعت آن پوست بیخ کبر زرقا و دانه مل هرج  
 عاقوقها از هر یک و ورم کوفته پخته در سرکه جوشانید و مضمضه کنند \* مضمضه دیگر که قلاع و جوشش دهان را  
 مغیث بود \* صنعت آن فلفل کلنا رسماق مامیوان ما زوا از هر یک قدری در سرکه جوشانید و صاف کرده قدری کلاب داخل کرده  
 مضمضه نمایند \* مضمضه دیگر که قلاع و جوشش دهان را مغیث بود \* صنعت آن کشنیز خشک عدس مقشرا از هر یک در  
 ورم طماشیر یک رم اجزا کوفته با آب کشنیز سبز مضمضه کنند \* مضمضه دیگر که ورم زبان که از حرارت باشد نافع بود \*  
 صنعت آن عذاب ده دانه عدس پنجه رم عنب الثعلب بوزن آن بجوشانند و صاف کنند و قدری آب کشنیز سبز  
 رب توت در آن بیامیزند و مضمضه کنند \* مضمضه دیگر که ورم دندان که از حرارت است سودمند بود  
 صنعت آن آب برک که هو آب کشنیز تازه آب برک خرفه سرکه کلاب از هر یک قدری در هم نموده جبهه کاغذ و افتیمون در آن حل  
 کرده مضمضه کنند \* مضمضه دیگر که ورم بین دندان حادث از نزلات دماغی و زکام را سود دارد \* صنعت آن پوست ریشه  
 درخت کز پوست خشخاش از هر یک آنچه خواصند درد یک سو بسته طبع نمایند و بخور آن را بکمرند و با آب آن نیم گرم  
 مضمضه نمایند \* مضمضه دیگر که عمان صنعت بخشد \* صنعت آن پوست خشخاش کز سماج کلنا ریشه درخت کز بنفشه  
 کل سرخ از هر یک قدری جوشانید و صاف نموده نیم گرم مضمضه کنند \* مضمضه دیگر که جوشش لب و بین دندان و خون  
 دهان از بین ببرد \* صنعت آن قوط طرا لیمت ما زوا پوست انار کز ما زوا کلنا و جوش از سر و از هر یک جزوی  
 جوشانید و صاف کرده نیم گرم مضمضه نمایند \* مضمضه دیگر که قلاع و جوشش دهان و زبان و بین دندان و خون آمدن از آن  
 را مفید بود \* صنعت آن برک زیتون برک حماض سماق آب برک خرفه آب کشنیز سبز آب عقی الزهر یک قدری  
 در هم مهزوج کرده بکعبه کاغذ در آن حل کرده مضمضه نمایند \* مضمضه دیگر که درد دندان را ساکن کند و مواد را تحلیل  
 دهد \* صنعت آن خرق سقین عاقوقها شیطرح دندان از هر یک قدری جوشانید و صاف کرده نیم گرم مضمضه نمایند \*  
 مضمضه دیگر که تحلیل مواد غلبه که در بین دندان است ممکن باشد نمایند و درد را ساکن سازد \* صنعت آن شحم حنظل  
 عاقوقها و ما زوا کلنا از هر یک قدری با سرکه جوشانید و مضمضه کنند \* مضمضه دیگر که از بین دندان را  
 از آن نماید و جوشش است \* صنعت آن دانه سحر پاک کرده و دانه دکنل ریخه عمود یک کف در سرکه بجوشانند و بجوش  
 مشهور بر هم زنند و صاف نموده مضمضه کنند \* مضمضه دیگر که تشنج زبان را سودمند بود \* صنعت آن آب برک عنب  
 الثعلب لعاب ریشه خطمی روغن بانویه لعاب حلبه دیر ببرد \* مضمضه نمایند \* مضمضه دیگر که تشنج زبان را که از حمی  
 است و دانه از بین دندان حادث شود سودمند بود \* صنعت آن لعاب ریشه خطمی آب برک عنب الثعلب عصا  
 عقی الزهر یک جزوی روغن بنفشه با دام روغن کد و بلوفور شمر جزوی از هر یک بقدر کفایت داخل کرده مضمضه  
 نمایند \* مضمضه دیگر که درد دندان و جوشش آن را سود دارد \* صنعت آن چوب آس بیخ کبر ا طراف کبر بیخ کا کچ  
 جوی در آن سرخ بود دندان فیصل شب یمانی اجزا مساوی در سرکه جوشانید و مضمضه نمایند \* مضمضه دیگر که بو

بوی دهان خوش کند و دندان را محکم گرداند \* صنعت آن سعد سنبل الطیب کل سرخ کل نسوین جوز السور و گلزار قصب  
الذریه از هر یک جزوی جو شانیید و با سرکه و کلاب مضمضه نمایند \* مضمضه دیگر که بوی دهان خوش کند و عفونت و  
وطوبت و لزوجت بین دندان و دهان را از آن سازد \* صنعت آن عاقر قرحا قرنفل برگ انجیر کبابه چینی و صندل کل  
سرخ از هر یک جزوی نرم کوفته با کلاب و سرکه آمیخته مضمضه نمایند \* مضمضه دیگر ناخوشی طعم دهان را از آن کند \*  
صنعت آن عاقر قرحا در سرکه و کلاب جو شانیید و مضمضه نمایند و اگر قند ری قرنفل و مصطکی اضافه نمایند بهتر است \*  
مضمضه دیگر که خون آمدن از بین دندان باز دارد و دندان را محکم و بوی دهان را خوش و درد را ساکن گرداند \*  
صنعت آن فوفل کل سرخ عاقر قرحا سعد کوفی سنبل الطیب برگ مورد جوز السور و کرمه زنج از هر یک جزوی جو شانیید و  
صاف نموده قند ری سرکه عنصل و کلاب داخل کرده مضمضه نمایند \* مصیقات قبل درد و اها ذکر یافت \*

### باب المیم مع الطاء المهملة \* فصل در بیان مطبوخات و نسخ آنها \*

بدان بد رهنمیکه مطبوخات ملائم تر و سبک تر اند بر طبایع و کمتر است گرمی و خشکی آنها از حبوب و سفوف و معاجین  
و باقی تر اکیب مسهله و بی غائله و اسرع اند در اسهال و موافق اند مواد رقیقه و غلیظه متشبهه را جهت رطوبات  
باله و انتزاع خود اجرام لطیفه و قوای ادویه را پس هم خود بزودی نفوذ می نمایند در مجاری ضیق و اعماق بدن  
و هم اعضا جذب مینمایند آنها را با لطائف اجرام و قوای آنها پس متشبهه و مخلوط با خلط فاسد و کشته بزودی و  
بلا توقف آنها را بواسطه قوتهای خود تقطیع و اذا به و غسل نموده دفع مینمایند و خود باقی نمی ماند در بدن بعد اسهال  
تا اینکه باعث اضطراب و غشی و عطش و غیره گردند مانند حبوب و سفوفات و معاجین و غیره که می ماند بقایای  
اجرام آنها در خمل معد و لطائف امعا و غیره متشبه و ملصق و موجب امور مذکوره و اسهال ثانیا و یا پیش و پس و امثال  
اینها می گردد و نه مانند عرقها که بسیار لطیف اند و فعل خود تمام ناکرده میگردانند بیه تحلیل میروند و نه مانند ادویه  
و املاح و غیره که هر یک بوجهی مضر اند بعضی بسبب شدت نفوذ و بعضی متشبه و لذیذ آنها بقلب و ارج و رقی  
و غیره بسبب حلاوت و برداءت خود و نیز میباشند نافع از برای کسیکه بوده باشد در بدن او خلط مختل و غالب بجهت  
مذکوره و زیادتی ترطیب و حصول نضج از طبع اقوی از نقوعات اند جهت آنکه با اینها لطائف اجرام و اقوی ادویه بیشتر  
است و نیز نضجی یافته بخلاف آنها که خام اند و رطوبت باله بر آنها غالب و در قوت ضعیف و نافع اند اینها مراصر  
ضعیفه و یا حاره یا بسه در کمال حرارت که برداشت حرارت مکتسبه از طبع را انداشته باشند بد آنکه مطبوخات میباشند  
بعضی ساذج یعنی خالی از سردار و ج و بعضی مقوی با آنها مانند غاریقون و ریون چینی و تربل و سقمونیا و یارچ فبقرا  
و مانند اینها کل یا بعضی بحسب اعراض که کو بید و بعد از طبع و صافی نمودن بر آنها پاشید و یا با کافور و شربته مناسجه  
و با سکنجبینات و معاجین سرشته اول بخورند و بالای آن مطبوخ را بپاشند و بد آنکه قوت مطبوخات زیاد و بر  
یکماه باقی نمی ماند اگر نموده باشد در آنها چیزی شیرین مانند مویز و انجیر و قیسی و لاینها یت تا یک هفته و این نظر  
بفصول بارده و بدن لطیف الهوا است و حاره رطبه که آن هنگام بسیار زود فاسد میگردند و در مقدار شربت مطبوخات  
قوم دارا اختلاف است بعضی پنجاه درم و بعضی نهایت تا یکصد درم و بعضی تا یکصد و سی و دو درم و بعضی این فن را عقید و آن است  
که مقدار شربت مطبوخات بمقدار یک شربت آن است در حال صحت بدن و عطش صادق یعنی بعد طبع لطیفه باید  
آنمقدار باشد که تواند مریض آشامید نه بسیار کم و نه زیاد که کل و بار باشد بران و باقی شرائط آن در مسهلات ذکر یافت \*

### فصل در بیان نسخ مطبوخات \*

مطبوخات مسهل اخلاط سودا و بیه مجتمع در کل بدن \*

صنعت آن غلیظه کابلی غلیظه سیا و از هر یک ده درم افتمیون در صوره بسته هفت درم استغایج فستقی هفتاد یکی از یک چهار  
درم اسطر خود درم با آن سه درم به برک کا و زبان کل سرخ و فرجه شک اصل السوس معشر مروض تخم کاسنی و ازبانه انیسون  
عانت آن درم افتمیون پنج آنه مویز متقی با نژده دانه اصول و بزور را جو کو ب نموده سوای افتمیون که در  
صوره بسته نکاه از آن و همه را شب در آب آن صاف را که ادویه تو کرد و تخمها نند و صبح در طول دیگر آب داخل کرده با آنش  
ملازم طبع دهند تا به شش ماه پس صوره افتمیون را در آن انداختند و در سه جوشی داده فرود آوردند و صوره را فشرده در  
کنند مطبوخ را قدری مالید و صافی نماید پس فلوس خیارشنبه مقل از یک اوقیه و شیر خشک و ترنجبین از هر یک ثلث  
اوقیه در آن حل نموده صافی کرده و زغن با دام مقل ارد و درم بران چکانیک به تنهایی یا بسردار و ج مناسب بیا شا منل \*  
مطبوخ تا لایف بعد بن ذکر بارازی گفته که این مطبوخ بیماریهای سوداوی و داء الغلب و جرب و بهق و جلد ام را سود  
دارد \* صنعت آن غلیظه غلیظه سیاه بیست درم استغایج فستقی چهار درم مرد و زانیم کوفته در دمن آب بخور شا منل تا بیکرطل  
رسد آنکه هفت درم افتمیون را در پارچه بسته در آن انداختند و یک و جوشی داده فرود آوردند و پارچه افتمیون را  
فشرده در و کنند و مطبوخ را صافی نموده شیر خشک و ترنجبین از هر یک ده مثقال در آن حل کرد و بیا شا منل \* مطبوخ  
بسهل جهت ذات الغلب \* صنعت آن عذاب سی دانه سوستان پنجاه دانه پنجاه بیست درم جوشا منل و صافی نموده  
فلوس خیارشنبه را نژده درم در آن حل کرده با زراف نموده و بیا شا منل و اگر قوی تر خواهد سه درم برک کا و زبان تا پنج  
درم در مطبوخ بیا شا منل و اگر صفر غالب بیا شا منل سه درم اصل السوس محکوک مروض و سه درم تو بیک سفید مجوف  
را شیب و بیا شا منل و قلانسبی گفته که این مرد در اولی آن است که بعد ظهور زفت بیا شا منل و زان اصل السوس را ده درم  
پزده \* مطبوخ دیگر که ملین طبع است و صاحب نژده را نافع \* صنعت آن پنجاه خشاک پنج درم اصل السوس محکوک  
ا درم در یکرطل آب تخمها نند پس با آنش ملازم بخور شا منل تا به نصف رسد مالید و صافی کرده بیست درم ترنجبین در آن  
حل کرده با زراف نموده بیا شا منل جمله یک شربت است \* مطبوخ دیگر جهت اوجاع معاضل حادث از صور و بلغم \*  
صنعت آن بیج کرمس پنج کاسنی تخم کاسنی برک کا و زبان از هر یک سه درم تخم کرمس تخم کشوت از هر یک دو درم بیسون  
زبان را و این چینی از هر یک یک درم کل سرخ یکساکف شامسره ده درم مویز متقی سی درم آتوی بخارائی سی دانه  
را و این جوشا منل و صافی نموده سفوفلوس خیارشنبه درم قهوه منل بیست درم شیر خشک چهل درم در آن حل نموده  
صافی کرده آنک محمود و مضاف و ده مثقال تو بیک سفید سی درم و در آن یک انیسون نیم کو بید و بران پاشید و پنجاه  
درم آب که در آن را نژده مقل از قوت وارد است طبیعت بیا شا منل \* مطبوخ دیگر جهت اوجاع معاضل حادث  
که نافع است \* صنعت آن آتوی بخارائی چهل عل و سوستان بیست دانه مویز متقی بیست دانه عذاب ده دانه  
مخرج را و این چینی نیم کوفته از هر یک یک مثقال شامسره و پنجاه درم عذاب از شعلاب ده درم تخم کاسنی تخم کشوت از  
یک سه درم برک کا و زبان کل نیمه مقل از هر یک چهار درم بیج کاسنی یک مثقال علی السوس طبع بیا شا منل و صافی نموده یا نژده  
درم و شعلاب از سینه و لایف پاک کرده و چهل درم شیر خشک و ده درم کافور در آن مالید و صافی کرده بقول وقت  
تا رسد \* مطبوخ دیگر برای درم طحال صاحب \* صنعت آن غلیظه سیا و شامسره تو بیک محکوک از هر یک ده درم بیج اخضر  
و برک کبر از هر یک پنج درم بیسون شده کرمس تخم کرمس تخم کشوت از هر یک سه درم بطور بیج مقرر جوش داده  
در آن بود و قل از شربت ده اوقیه یا یک درم ایازج بیا شا منل یا غار بقون یا تو بیک و شیب این سه تا گفته که تجر به کرم من  
بیا شا منل مطبوخ زرقای بیا شا منل از هر یک یک اجزا مساوی شربت سه درم و زرقای یک درم بلغمی باشد باید که

که ابتدا آگوده شود با استفراغ بلغم و غلظت ای آن شور باج و زیر باج با کبر باشد **مطبوع** دیگر که اخراج حب القرع و  
 دین آن نماید **صنعت** آن بکیرند پوست درخت انار ترش و انار شیرین که تراشیده باشند از طرف بالا بسوی پایین  
 جهت آنکه گفته اند اگر پوست درخت انار را از طرف پایین ببالا بکیرند و بیاشامند قی می آورد و بالعکس اسهال و در  
 آب بخیسانند آن مقل آن که چهار انگشت بر روی آن بایستد و یکشب بکند و صبح اندک جوشی داد و مالید و صاف  
 کرده بیاشامند بعد از آنکه کباب خایید و باشند یا شیر تازه دوشیده آشامید و یا در روز بیش از آن اسهال باد اجابت خورده  
 باشند تا اینکه کرمها در همان خود را با زنده بایند بطمع طعام لذت پس بیک نفع بیاشامند و اگر پلاس یا پوره و لسان العصار  
 تلخ نیز بیفزایند بهتر است **مطبوع** دیگر ذرات الرثه و در شینه و سرفه را نافع است **صنعت** آن عذاب پیدست دانه  
 سپستان سه دانه انجیر زرد مویز یک دانه ازهر یک ده دانه اصل السوس محکوک پوسید و شان تخم خباز ازهر یک سه مثقال  
 تخم خطمی و مثقال جو مغشور چهار مثقال در چهار رطل آب بجوشانند تا بیکرطل رسد پس صافی نموده و هر روز نیم درم را  
 باروغن بادام بنوشند **مطبوع** دیگر که حیض بسته براند **صنعت** آن مشکطرا مشیخ قیصوم فراسیون ازهر یک پنج درم را قرصا  
 اذخروند و بلسان قسطا انیسون کاذب ریوس نانخواه ازهر یک سه درم فود هفت درم جعد سه درم اب فود پنج تخم کرفس رازیانه  
 ازهر یک چهار درم لو بیاض سرخ ده درم و نیم علی الرشد سه درم من آب طبع نمایند تا یکمن بماند صافی نموده و هفت از چهار  
 اوقیه بیاشامند **مطبوع** دیگر که ارشید شعان در دفع درد معد با درد نافع و مجرب است که هر روز یک مثقال تا دو مثقال آنرا  
 بخورشانند و با آب نوت بیاشامند بد آنکه اکثر نسخ مطبوخات منضجه و ملینه و مسهله مانند مطبوخ اجاص اسطوخودوس  
 و افتیمون و اهلایجات و بسفایج و تربید و خیار شیرین و سنابک و شاهنره و طبیخات منضجه و مسهله در رسوم خود ها  
 ذکر یافت **باب المیم مع العین المهمله** فصل در ذکر نسخ معاجین و طریق  
 ساختن آنها **مطبوع** دیگر که معاجین مرکباتی را گویند که محتوی و متضمن باشند بتهتیم و تقطیع و جدا  
 و تحلیل و تسمین و حفظ صحت و غیره را و آن جمیع معجون مشتق از عجین و عجن است که بمعنی خمیر است بمعنی  
 دوائی مرکب مخمر سرشته شده اجزای آن در هم با عسل و یا شیر قند و یا هر دو یا شربته دیگر بقوام آورده شده و  
 لهذا شرط کرده اند که اجزای آنها باید که بسیا نرم باشند تا آنکه بزود با هم فعل و انفعال نهاده و مزاج مناسب و صورت  
 و حدانی صنایع ترکیبی بران فائز گردد تا به مجرد ورود در بدن احداث کیفیتی و خاصیتی پیدا نماید و در این  
 مرض و حفظ صحت و تقویت بدن و غیره و برای حصول کیفیت و صورت بعد ساختن مدتی که در این کتاب گفته شده است  
 بحسب اجزای مرکب در جو می کنند آنرا تا نیکو مخمر گردد و مزاج ثانی نیکو حاصل گردد و این طریق را **صنعت** آن  
 است که ادویه تازه و یا کیزه که کهنه و بوسیده نباشد بهم رسانید و از چوب و خاشاک و اشیای غریبه و گرد و غبار  
 پاک سازد و جدا جدا و با بعضی که با هم مناسبت و در سختی و ملایمت مساوی باشند وزن نموده بکوبند و از پارچه ابریشمی  
 تاخته بکن را نند که نرم بر آید و باز وزن نموده داخل ترکیب نمایند و حتی المثل و راضی بد اخل نمودن بدن نشوند  
 مگر بضرورت خصوص آنکه جزو اعظم و اصل و عمود باشد در آن مرکب زیرا که اگر آن جزو را ساقط نمایند فائز کلی و  
 و مطلوب اصلی و غرض ترکیبی ساقط میگردد مثل معجون حب الغار و معجون یکن الله و معجون حب القطن و معجون  
 حب القرم و معجون هلیله و معجون حلتیت و معجون زراوند و معجون سورنجان و همچنین اگر غیر اصل و عمود باشد  
 ناقص میگردد و در اجزای غیر اصل و عمود و اگر طبیب بحسب اقتضای وقت و شخص و مرض تغییر و تبدیلی کند شاید  
 و ادویه که محتاج بحرق و سق و غسل و تدبیر و تشویه و تحمیس و حل باشند هر یک را بدستور مقرر من کورد و محل





گاه زبوش اسقو لوقنك ريون زراوند مل حوج ناخواه راسن مصطكى رومي ايرها موجنك بيل متر صغر جيلي گرويا  
 سيساليوس پوست بيج كبر قرنفل زيره كرمانى تخم را زبانه اسقيل مشوى خردل ازهر يك يك درم مغز حب الصنوبر  
 كباد ده عددا جزا كوفته نرم بيخته با سه چند ان عسل معجون سازند \* معجون ديكر كه اخراج سنگ وريك از كرده  
 و مثانه كند و رطوبات لزجه كرده و مثانه را دفع كند و بول و حيض براند \* صنعت آن اصل السوم چهار مثقال سيساليوس  
 كاذريوس هيموفاريقون حرف ازهر يك چهار مثقال حما ما بيمت مثقال دارچيني دوازده مثقال سنبل الطيب زعفران  
 تخم كرفس جيلي جعه تخم سد اب برى مشك طرا مشيح ازهر يك دوازده مثقال قردمانا چهل و هشت مثقال تخم فنجيكشفت  
 بيمت مثقال اجزا كوفته بيخته با عسل سه چند آن معجون سازند \* معجون انفع از مفرحات است و بعضى از ترقيات  
 شمرده اند و منافع بسيار دارد \* صنعت آن قرنفل زنجبيل سنبل الطيب دار فلفل خير بوا اجوز بوا قافله كباد رشي طراج  
 هندى لسان العصا فيرد روني عقربى مصطكى باد رنجبويه لسان السور خولنجان فرنج مشك مرواريد ناهفته صندل  
 سفيد زراوند مل حوج سليخه كل سرخ يا قوت رمانى بهمنين ازهر يك دو درم بسبا سه شش درم پوست ترنج سه درم  
 پوست هليله يك درم عنبر زعفران ازهر يك يك درم و نيم مشك نيم درم كوفته بيخته با عسل معجون سازند شربتى يك  
 درم تاد و مثقال \* معجون كه اشتهاء و خواشنى كل خوردن و چيزهاى ردى را قطع كند \* صنعت آن هليلج كابلج آملج  
 بلبلج جوز جندم مصطكى قافله كباد رنا نخواه زنجبيل بالسويه بعسل بسرشند و پيش از طعام و بعد از طعام ميل نمايند بقل  
 جوزى و بجاي كل نشاسته را با نمك شور كوده بخورند و يا جوز جندم را شور ساخته تناول نمايند و غدا را منحصراً  
 سازند بكماب مرغ \* معجون بزور بغايت صبهى است و در امر مجامعت فعلى عجيبي دارد \* صنعت آن تخم كز تخم  
 شلغم تخم پياز تخم كند نا تخم تره تيزك تخم اسهست تخم جرجير تخم هليون مغز چلغوزه حب القلقل مغز حب الزلم  
 بوزيد ان قسطا شيرين تو در بين لسان العصا فير شقا قل مصرى بهمنين دار فلفل حلتيت طيب قرفه ازهر يك جزوى  
 مساوى الوزن كوفته و بيخته با سه چند ان عسل و قند كف گرفته معجون سازند و مقل ار سه درم آن را با شير ميش بخورند \*  
 معجون بزورد يكر كه در تقويت باه نظيرند ارد \* صنعت آن تخم كرنب تخم شلغم تخم هليون تخم ترب تخم اسهست تخم  
 جرجير مغز چلغوزه حب القلقل حب الزلم بوزيد ان لسان العصا فير شقا قل بهمنين دار فلفل حلتيت قرفه سارون  
 كوفته بيخته با عسل مصغى معجون سازند شربتى سه درم باشير تازه يا شراب سيب شيرين \* معجون نوردى كه  
 شيخ الرئيس درد معده و جگر و سپوز را سود دارد و با دهاى متولد در معده را بشكند \* صنعت آن اسهست تخم  
 الطيب ناخواه رازبانه تخم كرفس انيسون سيساليون جند بيل ستر تخم شبت اسارون زراوند مل حوج \*  
 انكبين مصغى بقل ركفايت بسرشند \* معجون الباه باه را زياده كند و امساك مني آورد \* صنعت آن دارچيني سيلاني  
 قلمى بسبا سه جوز بوا زعفران بيج لفاح بيج شيببى تخم كاهو غنچه كل سرخ بهمن سرخ بهمن سفيد شقا قل كباد چينى  
 قافله مغز باد ام شيرين بركك شيرازى ازهر يك يك مثقال خصية الثعلب دانه هيل مغز فندق مغز نارجيل مغز چلغوزه  
 ازهر يك پنج مثقال مشك تبتي بكد انك و نيم نبات سفيد عسل مصغى ازهر يك هفتاد و پنج مثقال مصطكى رومي در مثقال  
 كلاب چهل مثقال شير كاو يك صد و پنجاه مثقال ورق الخيال نيم سيران را در شير داخلى كرده دوسه جوش داده پس آنشير  
 را ماسك بسته روغن آنرا بكيرون پس ادرينه را كوفته و بيخته با آن چرب نمايند و با عسل بسرشند \* معجون الباه ديكر كه  
 از تر كيب مولانا احمد فخرالدين شيرازى است \* صنعت آن بهمنين خولنجان ازهر يك پنج درم زنجبيل سه مثقال  
 مائه شتر اعرابي شقا قل تو درى زرد و سفيد ازهر يك پنج مثقال حسك برى ده درم جوز بوا ده درم مغز بادام مغز فندق از



مغز پسته پنجاه گرم مغز بادام مقشر بزرگ از هر یک دو درم فانیذ سی درم بطریق معهود معجون سازند شربت می مقابل یک  
کردگان و اگر یک مثقال مغز بهد آنه بیفزایند نیکو است \* معجون حلتیت تپهای و دوده و شب ریح را سودمند بود و  
کزید کی همه جانوران خصوص عقرب ورتیلارا فائده دهد \* صنعت آن حلتیت طیب فلفل سیاه مرصع و ورق سداب آن  
هر یک ده درم کوفته پیخته با سه چند ان عسل صاف معجون سازند شربت می یک مثقال \* معجون حلتیت دیگر منقول از  
منهاج تنپ ربع و قولنج و درد معد و جگر را نافع باشد و بادها بشکنند و کزید کی جانوران را سودمند بود \* صنعت آن مر  
صاف قسط تلخ ورق سداب قودنج بری عاقر قرحا فلفل از هر یک پنجاه گرم حلتیت بوزن مجموع ادویه با سه چند ان عسل  
بسرشدن شربت می یک مثقال \* معجون ربع منقول از محمد بن ذکریا عراز و او نیز فرموده که زیاده از سه چهار ذوبت  
احتیاج نمی افتد شربت می یک مثقال بد ستور معجون سابق است \* صنعت آن تریاق کهنه هفت مثقال زعفران قنه مر مکی  
از هر یک چهار درم سلیخه حلتیت از هر یک دو درم میعه سائله چند بید ستر مکن هفت درم قسط سه درم عسل بوزن  
جمع ادویه بسرشدن \* معجون رشید که منسوب بخواجه رشید وزیر است تقطیر البول را فائده دهد و امساک منی  
کند و سرعت انزال را زایل گرداند \* صنعت آن کبابه چینی قوفل قرنفل جوز بواخصیه الثعلب مصطکی نانخواه از هر یک سه  
درم اجزا کوفته با سه چند ان عسل بسرشدن شربت می از یک مثقال تاد و درم \* معجون زراوند تالیف محمد بن ذکریا این  
معجون را معجون ربونیز نامند جهت آنکه ربو و ضیق النفس و سرفه بلغمی را نافع باشد \* صنعت آن زراوند کرد قردمانا  
فلفل کرسنه تخم سپند ان سفید مغز بادام تلخ تخم انجرو از هر یک پنجاه گرم رب السوس پرسیاوشان زوفای خشک از  
هر یک ده درم صمغ عربی سه درم اجزا کوفته پیخته با سه چند ان عسل صاف معجون سازند شربت می سه درم با طبیب  
زوفای تامل نمایند \* معجون سرور تالیف میر محمد مؤمن صاحب تحفه مبهی و مشهی و هاضم و بانشاط و مقوی احشا  
و مفرح و جهت سرفه و آلات تنفس نافع و در وائل دویم کرم وائل برطوبت و موافق اکثر امزجه است \* صنعت آن  
جوز بوا بنفشه از هر یک شش مثقال با هم باید بکوبند و باد و مثقال روغن بادام و مثقال زنجبیل کو بید و چرب نمایند  
در ارچینی اسارون لسان العصفیر از هر یک دو مثقال عود قماری قریفل خولنجان بهمن سرخ و سفید انیسون از هر یک یک  
مثقال خضیه الثعلب بیست و دو مثقال شقایق بیست و پنج مثقال و اگر مر با باشد بهتر است کثیر انعناع خشک از  
هر یک دو مثقال عسل کف گرفته دو شاب زردک از هر یک هفتاد و پنج مثقال اگر دو شاب زردک نباشد عسل را ده مثقال  
باید گرفت \* معجون السعال سرفه که محتاج بسوی نفث خلط غلیظ یا خرخره و دسینه یا مد و هنگام که شکم ملین نباشد \*  
صنعت آن پرسیاوشان مغز خربزه از هر یک ده مثقال مغز بادام تلخ پنجم مثقال ایرسا سه مثقال پوست بیج کبر  
کرسنه مقشر تخم کرفس رازیانه جنطیا نازراوند مد حرج از هر یک دو مثقال ادویه کوفته پیخته با سه وزن اجزا  
عسل مصفی مقوم سرشته شربت می مقدار بند قه با آب نیم گرم فروریزند \* معجون سلس که از برای سلس البول و امساک بول و  
منی بنهایت نیکو است \* صنعت آن صمغ کوفی سنبل الطیب اسطوخودوس کند ربلوط کمون کرمانی اجزا مساوی کوفته  
پیخته با سه وزن مجموع ادویه عسل مصفی بسرشدن شربت می یک مثقال هربامد ادویک مثقال مرشبا نگاه \* معجون سنجری  
ترکیب شیخ ابوعلی بن سینا و مشهور است بعرض سنجری و فوائده بسیار دارد و مقوی باه است و دل و جگر و معد را قوت  
دهد و هاضم طعام و مزید حافظه باشد و قوت بصر را بیفزاید و قوت سمع را تکامل دهد \* صنعت آن سنبل الطیب ده مثقال  
بسبب سه جوز بوا قافله صغارد ارچینی زنجبیل قرنفل زعفران بهمن سرخ عود الصلیب مصطکی نارنجیل ساذج هندی از هر یک  
شش مثقال تخم معصر تخم ماهی زهره تخم شنب نانخواه زیره کرمانی تخم جزرا از هر یک سه مثقال مغز بادام شیرین مغز پسته

مغز بر مغز یک از هر یک شش شش سوریز خنک سفید از هر یک سی مثقال عمل سه وزن ادویه مثل ارشونیتی و زعفران  
 معجون الصبغ از جالینوس است و مسرور و مفید و مجرب است \* صنعت آن عاقر قرحا و مثقال صلابه کرده از منخل  
 بزرگ کن این را با آب و آن درهاون بسوخته گفته در مثقال بسایند و با عمل سه وزن آن بسوخته شربتی در دم تابیهست  
 از این با ب لرم \* معجون الصنوبر در اردول کند و تفتیم حصاة نماید و برودت کرده و مثانه و نافه باشد و مایه پیده  
 کرده که کل آخته شد و باشد بحمل و مکانش کند و قوتش تا ششماه باقی ماند و شربتش تاد و مثقال \* صنعت آن مغز ب  
 الصنوبر مغز بادام شیرین از هر یک سی درم دو قوطی از اسامیون انیسون سنبل الطیب سلمه ریونک چینی از هر یکی  
 حب بلسان زعفران اسارون کافیطوس از هر یک سه درم نعنای یک درم و در نسخه دیگر مومکی صافی قوه الصبغ از هر یک  
 چهار درم کثیرا در دم اضافه شد و در نسخه دیگر قسطا تلخ جنطیانا اصل السوم فراسیون زراوند مد حرج ناختوا  
 مصطکی معتز کرو با چند بین ستونیزه کرمانی یا زعنصل مشوم خردل از هر یک یک درم اضافه شد و رهمه خوب است  
 و قتیکه برودت غالب باشد ادویه را کوفته بپخته با سه وزن عسل کف کوفته بسوخته و در ظرف چینی نگاهداری \* معجون  
 طین ابن تامیل گفته که از جالینوس است و شمع دارد گفته که نه چنین است یافتیم من آنرا در کل توجه های ابن قرقه که  
 اسناد آنرا با بقرطاطه نموده و نیافتیم من آنرا در قرا بادین رومی و نزد من این نسخه از آن نیست بالجمله آن نیکو است از برای  
 دفع سموم و حمیات و ضعف کرده اگر از حرارت باشد و قوت این معجون تاد و سال باقی میماند \* صنعت آن نسخه آموافحه  
 خرگوش از هر یک چهار جزو طین رومی حب الغار از هر یک در جزو جنطیانا زراوند مد حرج تخم سد اب مرکی ورق الغار  
 از هر یک یک جزو ادویه کوفته بپخته با عمل علی الرسم بسوخته شربتی یک مثقال \* معجون فرقانی صاحب خلاصه التجارب  
 نوشته که از اختراعات والد من است و وجه نسبت آن بفرقان آن است که اجزای آن بر سهیل نوهن و تبرک بعدد سورقان  
 معین و کلام الله الحیدر تالیف یافته یعنی یکصد و چهارده جزو نافع است جهت امراض بارده و مایه مازنل فالج و رعشه  
 و لقوه و سکنه و مسرور و تشنج امتلائی و استرخاء و از جاع مفاصل بارده و بالجمله امراض بارده و طایفه جمیع اعضا نافع و  
 تریاق بعض سموم است \* صنعت آن اصل السوم اکلیل الملک انیسون مرزنگوش با بونج حقیقت جعل و دینار و روبه  
 جاورشیر جگر گوک نیم سوخته و از نانچ سد اب عود میل از شک حشک اگر ترکی پارچه ناختوا و زهر خروس جفت کوبه بلان  
 انور بوسه تریاق تخم حشک تخم عود بلسان صبر و سعنو اشقه تخم کاهو فودنج زهری زرد النجر زعفران بوسه سنگ پشت محرق  
 بر سیاوشان صمغ عربی بزر خور و عظم قنف کثیرا تخم مروزیه از هر یک دو درم و رقی ذغاب ورق فصد سد اب حیر و شب  
 عقیق مس کشته سد اب کشته سیماب کشته ویر و زج با قوت ریزه لعل کهو با باد زهر حیوانی باد زهر سعدی مر و ارید ناسفته  
 حیر انجر از هر یک دو درم و نیم انور سا پیش مایه خرگوش درونج عقربی زراوند طویل مومکی مشاک سد اب کوفی سنبل حب  
 الغار بر بوشم محرق قشر اصل کبر جنطیانا دار فلفل دار چینی زنیفاد زراوند مد حرج عاقر قرحا زرد چوبه عنبر اشوب فلفل  
 قر فلفل جوز مغز مریمائی هلمبه از هر یک یک درم چند بیل ستر اسطوخودوس سرطان زهری محرق انیسون باد رنجبویه  
 زنجبیل سد ابکی سد اب سفید فاشی یعنی مارد اور فراسیون یعنی سمر صحرائی مصطکی کشنیز خشک کل سرخ خشک  
 و صحرای آملی خرقه از هر یک سه درم و نیم جوز بادیه عدد النجر خشک ده عدد جد و از محبوب یا نود و درم و ماع دله دو عدد  
 خراطین خشک چهار درم غار بقون بخیل درم عدد من در از ریح خشک مقشر از هر یک شش مثقال ریونک چینی ده درم خبث  
 اصل بل مد بر عرق بیل مشاک سکنجبین مصطکی از هر یک یک درم تا توره عرق خمر از هر یک یکصد مثقال عسل در برابر  
 حشاک از ریه اشیا از ریل ستور مقرر با عرق بیل صلابه نماید و نگاهداری و در از ریح را دست و پای آن برافکنند و بعد

به قیاس و سنبیل و دار فلفل و دار چینی و فرا سیون از هر یک سدس درازیم که یک مثقال باشد سانس و بیتی به بلان  
 نیکو ضم نمایند و عرق خمر بگویند و بسر شند و قرصها ساخته خشک کنند و نگاه دارند و بعد از آن دار چینی را این بود انگاه  
 باقی ادویه را خوب بگویند و نرم به بیزند و باهم دیگر نیک خلط و مزاج کنند و باین دو ترکیب صد گز صبر کنند و با هم  
 بسیار سحق نمایند تا تریهای عرقها جمله نشف شود و پس جمله را با عمل مذکور بدستور دستور سر شند که یکسان گردد  
 و در ظرف قلعی نموده در زیر جو نگاه دارند و بعد از ششماه استعمال نمایند شربتینی مقل ارفند قی کوچک را این ترکیب  
 تریا قیتی نیکودارد و در حفظ صحت و قوای بدن اثر عکلی و قوت این بهر طبیعی برسد \* معجون \* معجون \* عشرت به است  
 شغائی جهت ضعف معد و نافع است \* صنعت آن طباشیر سفید پوست سنک ان خروس از هر یک دو مثقال کل صرخ سه  
 درم نعنای خشک پوست بیرون پسته ترنج پوست هلیله زرد از هر یک یک مثقال بهمنین صندل لیم صغیر کشنیز خشک  
 بریان کرده حب الاس از هر یک دو درم با شراب فوا که معجون سازند شربتینی دو مثقال \* معجون قابض دیگر  
 به نسخه معصومی ضعف دل و معد و طباهمی مزاج و معد و اسود دارد \* صنعت آن طباشیر سفید پوست سنک ان  
 خروس از هر یک یک مثقال کل صرخ سه مثقال فقاح از خر پوست بیرون پسته نعنای خشک پوست اتوج پوست هلیله  
 زرد از هر یک یک مثقال بهمنین صندل صغیر فارسی کشنیز خشک بوداده حب الاس از هر یک دو درم اجزا کوفته پیخته  
 با شربت فوا که بسر شند شربتینی دو درم با کلاب و این همان نسخه شغائی است و بزیادتی فقاح از خرواندک تقاوتی  
 در اوزان بعضی ادویه \* معجون قرمز مغوی حواس و مزکی ذهن و مفرح و مفتیج سد ها و مزیل صرع و خفقان است و کرب  
 اطفال و اسهال کهنه و نور نافع و منور و بشوه و رافع تب و ربائی و هر مرض مزمن و استسقا و طحال و آتشک و جذام و قاطع بواسیر  
 و صافی نمایند و رنگ است \* صنعت آن قرمز یعنی کرم آن ابریشم خام مقرض از هر یک ده درم مرارید ناسفته لاجورد مغسول  
 از هر یک چهار مثقال عود خام غرقه از هر یک شش درم عنبر اشهب سه درم ورق طلا محلول یک مثقال مشک خالص نیم  
 مثقال آب سیب شیرین کلاب شکو سفید عسل مصفی از هر یک پنجاه مثقال علی الرسم \* معجون سازند شربتینی یک مثقال \* معجون  
 قرد مانا معد و را قوت دهد و حیض بکشد و اسقاط جنین میست کند و باد بشکند و قولنج را نافع بود \* صنعت آن مرصاف  
 دار چینی از هر یک ده درم ورق سد اب خشک پودنه کوهی قرد مانا حالتیت سکبینج چا و شیر از هر یک سه درم اهل درم  
 مجموع کوفته پیخته با سه چندان عسل مقوم بسر شند \* معجون قفی سرفه و درد جگر و معد و وسینه را سود دارد و آزار را  
 صاف کند و بول براند \* صنعت آن مویز منقی بیست و پنج درم زعفران سلیخه دار چینی دار شیشعان از هر یک یک درم  
 قصب الدریه فقاح از خر علك البطم مقل ازرق از هر یک ده درم و نیم مرکی چهار درم آنچه را حل کردنی است در مثلث  
 حل کنند و آنچه کوفتنی است بگویند و بیزند و با عسل مصفی بسر شند شربتینی یک درم با شراب زوفا یا با آب کرم بنوشند \*  
 معجون فوقی به نسخه شیخ رئیس سرفه و صلابت کبد و شوصه را نافع است \* صنعت آن مرکی صافی نبات از هر یک چهار  
 درم سنبیل الطیب زعفران دار چینی سلیخه از هر یک یک درم فقاح از خر قصب الدریه مقل ازرق از هر یک ده درم و نیم  
 مویز بزرک دانه منقی از حب و قشربیست و پنج درم با عسل کف گرفته بقدر کفایت نبات را با عسل حل نموده علی الرسم  
 معجون سازند و در نسخه دیگر بول مقل اشطال بوس داخل است شربتینی یک درم با مطبوخ زوفا \* معجون که قولنج ریخی  
 را نافع و از مجربات رکن الدین مسعود شیرازی است \* صنعت آن سد اب یا بس خولنجان سلیخه بیخ کبر ساذج هند  
 از هر یک هفت مثقال نیم کوفته یک شب در کلاب خیسانید و پس بجوشانند تا به نصف رسد پس صاف کنند بعد از آن  
 زرباد مصطکی نار مشک عود هند و پوست اتوج دار فلفل گاشم تخم کرفس ساذج هند و انیسون از خرا سارون تخم ترب

از لب صفت در جبین بود نه صفت زرد کرمانی قرنفل حرف بابلی از هر یک دو مثقال و نیم چند بیک متروصف وزن  
 من کور کوفته بخور سوخته باقی ادویه با آن بسروشند و اگر خواسته  
 باشند درون تمام تلخ بیست مثقال و لوس خیار شنبق قدری که خواهند اضافه نمایند \* معجون قیو ماء الطیب منقول  
 از قانون مسا در مزاج و درم کبک و نافع و مقوی معد و صاف کنند و آواز است \* صنعت آن هلیله کابلی طباشیر سفید از  
 هر یک بیست و پنج درم زنجبیل دارچینی از هر یک بیست درم فلفل سفید بیست و چهار درم طالیسفر سه درم خولجان  
 ده درم نارمشک شش درم عصاره افسنتین پنج درم طلاء مطبوخ عبوس از هر دو بقدر آنکه ادویه با آن سرشته شود ادویه  
 کوفته با آن سرشته محبوب سازند هر حبی مثل فلفل شربتی در درم و اگر با عمل مقوم سرشته معجون سازند نیز  
 خوب است \* معجون کبیر از حکیم اشرف الدین \* صنعت آن فلفل ساذج هند و جوز بوا قرنفل زنجبیل دارچینی از  
 هر یک یک توله هلیله کابلی سه توله دار فلفل کل سرخ از هر یک یک توله سیاه دانه چهار توله آمله مقشر یازده توله فلفل یک توله  
 نانخواه زرد کرمانی از هر یک هشت توله تخم قنب بوداده سه توله صندل سفید یک توله زعفران نه توله عود خام نه ماشه  
 کاوزیان یک توله مشک چهارده شده قند سفید شهل مصفی از هر یک پنج آثار علی الرسم معجون سازند و هر بار با دناشتا  
 بخورند شربتی تا دو درم هفته سه روز تناول نمایند \* معجون کند و به نسخه شیخ الرئیس گفته که این معجون نفیس  
 است چنانکه صنعت آن زعفران دو مثقال صافی اسارون فوریون چینی در قوفطرا سالیمون موا از هر یک چهار مثقال سنبل  
 هند و سنبل رومی از هر یک شش مثقال قسط تلخ سلیمه فحاح از خورا از هر یک یک مثقال حب بلسان سه مثقال و نیم فوة  
 الصمغ هشت مثقال رب السوس اسقلوقند ربون جعد و عصاره غانت از هر یک ده مثقال روغن بلسان شش مثقال  
 اقراص اند روخو ررون پنج مثقال با عمل مصفی بقدر که است علی الرسم معجون سازند شربتی بقدر یک اوقیه  
 جلیجین علی \* معجون مال کنگنی از ترکیب اطباء هند است میگویند بجهت تقویت با و مبرود المزاج بی عمل است \*  
 صنعت آن مال کنگنی که دانه ایست بقدر رماش با پوست خشن یک آن صمغ عربی نیم آن را خاله کند م نانخواه از هر یک  
 ربع یک آثار هلیله سیاه و زنجبیل از هر یک چهار توله ماقوقرحا در توله قرنفل مصطکی از هر یک یک توله کبیرا که چینی سه توله  
 شهل خالص در آن با و لا مال کنگنی و خاله کند موناخواه و هلیله و اوریان نمایند و سائر ادویه نرم کوفته با آن عمل را  
 بقوام آورده با آن بسروشند شربتی یک درم ناشتا بخورند و نیز گفته اند این معجون تقویت حواریت غریزی و قوای بدنی  
 و حفظ سیاهی مواند و اگر عمل کم باشد قدری اضافه نمایند \* معجون مبهی که مال لعل و لیا و توحش و نافع است و قلب  
 را قوت دهد \* صنعت آن کل سرخ سعد کوفی قرنفل از هر یک پنج درم سیاه پوست انجیر تلخ و نیم مشک قرفه از هر یک  
 سه درم مشک یک آنک کوفته باخته بشراب سیب سرشته معجون سازند \* معجون مبهی قلمی فرموده اند که از بید  
 دره و عملها شمشاد طاب بحکم معتمد الملوک سید علوی بخان که بجهت میرجلال الدین خان ترتیب داده \* صنعت آن  
 با قوت زمانه با قوت زرد با قوت کبیر دلع بل خشی مر و اریک ناسفته مرجان قمری عنبر اشهب مشک نیم مایه شتر  
 اهری دار فلفل زنجبیل از هر یک یک مثقال ورق طلا پنجاه عد دوق نقره نو دعد د شقال مصری سورنجان خولجان  
 به همین تودری سوخ تودری زردیج ترکی حب بلسان حب البیان لسان العضا فیر مغز تخم خیارین تخم ملیون مشک تبی  
 ماهی رویان ماهی سقندرق و اگر نیا شد بل او یک ماهی دارچینی قلمی قرافل اسارون کبیرا که چینی سیاه تخم  
 صبر و جوز بوا قسط صبر مغز حب الزلم درون تخم عقری فرنج مشک کوزیان کل کوزیان با درنجبیر به بوزیان آن مغز غنچه  
 تخم کند تا نیم حبه مینا مکی عود قماری خام نارمشک از هر یک دو مثقال خصیت انقلب مصری ده مثقال مغز سر کج شک که

که در وقت هجیان گرفته خشک کرده باشند تریاق فاروق اصل سید کوفی من بشیر کار و سوز بخود مغز نارجیل مقشور و غن  
نارجیل از هر یک نصف مثقال مغز بادام شیرین مقشور کنده مغز بختیه از هر یک چهار مثقال در وقت جد و از خطائی مجرب  
زعفران از هر یک دو مثقال اصل مصفی سه وزن ادویه بد ستور صورتی و زرد \* معجون مبهی دیکر دل و دماغ و معد و  
و جگر را قوت دهد و لذت و کسر و کوفه و آلت جماع را محکم کند و بدن و افروبه بسیار در دوا مر مجامعت عظیم نافع است و او را  
فانده بسیار است \* صنعت آن شقاقل خولنجان حصص الشهاب بر زردی و قوی و کمال سرخ زنجبیل مغز بادام مغز نارجیل  
مغز چلغوزه مایه شتر اعرابی از هر یک پنج مثقال کبابه چینی لسان العنبر حب الزلم مغز حب القلقل سلخته اسارون  
اشنه ساج هند و ده سه سفید زرد باد و درنجوبه و دارفلل و دانه هیل با قوت سرخ از هر یک چهار مثقال دارچینی  
تخم کز تخم شلغم تخم کرفس از هر یک شش مثقال طاباسر منحل معجون با قوت و زرد لعل حجریشب سبز عقیق  
یمینی لا جورد شسته از هر یک دو مثقال مصطکی دومی سبیل الطیب تخم هلیبون و دونه عقری اذخر مکی عود قیاری فصب  
کار کوهی سرخ و لاله سرخ و کهر اسرار و این ناسته و مرغان از هر یک سه مثقال عنبر اشهب جد و از خطائی از هر یک دو مثقال  
زعفران مغز فلفل مغز بادام مغز انجیر مغز حب الزلم الخضر از هر یک ده مثقال کافور قیصری نیم مثقال مشک ترکی  
یک مثقال کلاب عرق بید مشک عرق کازربان از هر یک پنجاه مثقال عسل سه چنگ ادویه این را کوفته بشخته بد ستور  
متعارف معجون سازند شربت در دم تا در مثقال \* معجون دیکر که مغز بادام است و نافع است از بواس کسبیکه عاجز  
شد و باشد از زائله بکار است \* صنعت آن زنجبیل دارفلل خصصت الغلب مصری شقاقل جوزبو لسان العنبر فیر مصطکی  
از هر یک سه درم و نیم ورق الخیال بیست و پنج مثقال عسل صافی بمقدار یکمن طبعی بد ستور معجون سازند هر طبع  
بقدر بودا شمت آن شخص شربت بد هند و کسبیکه معتاد بمکها ت نباشد مقل از مغز بسته بخورند \* معجون مبهی و  
مغز بادام منقول از خط میر عمار الدین محمود \* صنعت آن اسارون دارچینی و دانه هیل مغز تخم خیارین از  
هر یک دو مثقال مصطکی بوزیدان زعفران مایه شتر اعرابی زنجبیل حبسک مر با تود در زرد پیا از غنصل مشهور تخم  
ترب تخم پیا ز تخم تره نیزک جوز بو بسیار سه از هر یک سه مثقال بهمنین لسان العنبر فیر تلخ از هر یک پنج مثقال تودری  
سرخ شقاقل مصری از هر یک شش مثقال خصصت الغلب مصری خولنجان مغز چلغوزه مغز نارجیل مقشور مغز گردکان از  
هر یک ده مثقال ادویه کوفته بشخته سه وزن ادویه عسل بقوام آزرده سرشته معجون سازند و روزی در مثقال آن را با  
شیرک و تازه و شیده و یا شامند \* معجون مبهی دیکر مزاج بارد را موافق بود \* صنعت آن شقاقل مصری تخم کاکنج  
تودریین زنجبیل فلل کبابه از هر یک در دم لسان العنبر فیر تخم زردک مغز سرکنجشک از هر یک یک گرم اجزا کوفته بشخته  
بر وزن گردکان چرب کنند و با سه چنگ آن عسل صاف و فانیند معجون سازند شربت مقل ار سه درم باشد هر صبح و  
شام \* معجون مبهی به نسیجه دیکر بغایت مبهی و مغز بادام است و صاحب مزاج سرد را موافق \* صنعت آن تخم زردک  
تخم شلغم تخم ترب تخم پیا ز تخم شبت تخم مارچوبه کاکنج مغز حب القلقل حب الزلم تودریین بوزیدان قسط شیرین  
زنجبیل دارفلل تخم اسپست از هر یک سه درم اجزا کوفته بشخته بر وزن کافور کرده سه چنگ آن عسل بقوام آورند  
و سرشته معجون سازند شربت سه درم وقت خواب بخورند \* معجون مبهی دیکر همین نفع دهد و محرور المزاج را موافق  
و نافع باشد \* صنعت آن مغز تخم کد و مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه مغز بسته مغز بادام شیرین از هر یک ده درم تخم  
بادرنجوبه تخم مارچوبه تودریین تخم اسپست تخم شلغم بهمنین از هر یک پنج گرم اجزا کوفته نرم بشخته با شربت زنجبیل  
و فانیند بر شستن هر صباح مقل از پنچد هم تناول نمایند \* معجون مبهی دیکر محرور المزاج را در تقویت با نافع باشد \*









نیم درم عنبر و درم سنبل الطیب ده درم جز و اعظم مفتا درم ادویه کوفته بپخته با سه چندان غسل علی الرسم بسرشد  
 و معجون سازند \* معجون مسیحی دیگر نسخه شفائی در پشت و در پا و سرعت انزال و تقویت باه را نافع و معده را از  
 اخلاط پاک سازد و موی را از سفید شدن نگاهدارد \* صنعت آن کل سرخ عاقر قرحا قرنفل سنبل الطیب مصطکی زرنباد  
 زعفران قاقله جوزبوا اجزا مساوی قند و عسل با مناسبت بقدر احتیاج قند را بکلاب بکازند و عسل بقوام آوردند و  
 ادویه را کوفته بپخته با آن بسرشد \* معجون دیگر که به نسخه دیگر \* صنعت آن قرنفل بسماسه سعل کبابه جوزبوا مصطکی  
 دارچینی بوزن آن از هر یک دو جز و زعفران بهمن سرخ و سفید از هر یک یک جز و ورق الخیال سه جز و جمیع اجزا را با  
 سه وزن کل عسل مصفی مقوم علی الرسم بسرشد شربت می مقد از نخل قی \* معجون مفتت حصاة که تفتیت حصاة کند \*  
 صنعت آن سنبل هندی سه درخمی زنجبیل دار فلفل فجاج از خراسان قود یون حب بلسان از هر یک چهار درخمی  
 سلیخه و ازده قیراط قسط فلفل سفید فطرا سالبون و ج ترکی از هر یک دو درخمی کوفته بپخته با عسل سه وزن ادویه  
 علی الرسم بسرشد \* معجون ملوکی مستعمل جهت قوت باه و اشتها و قوت مجامعت بسیار مجرب است \* صنعت آن  
 جوزبوا قرنفل بسماسه لسان العصفور بیخ از خراسان زنجبیل مصطکی عود هندی زعفران از هر یک سه مثقال قاقله  
 کند را از هر یک یک مثقال اشنه دو مثقال مشک نیم مثقال قند و کلاب از هر یک دو مثقال قند را در کلاب حل کرده عسل بقل  
 کفایت اضافه نموده ادویه را با آن بعد از قوام بسرشد شربت یک مثقال \* معجون که منع مستی کند \* صنعت آن شاخ  
 بزرخ مغز باد ام تلخ کرنب پودنه کوهی ملح نبطی سد اب نانخواه مسافر کوفته بپخته با عسل معجون سازند \* معجون  
 جهت وجع مفاصل و اشتها طعم و تقویت باه \* صنعت آن قرفه کبابه چینی مصطکی فلفل سیاه دار فلفل زنجبیل ثعلب  
 مصری قرنفل از هر یک یک مثقال مغز نارجیل مقشرد و مثقال ادویه کوفته بپخته با سه وزن ادویه عسل بقوام آورده  
 بسرشد و در آخر یکعل دو جوزبوا و نیم مثقال زعفران با کلاب سوخته اضافه کرده فرود آورند و در ظرف چینی نگاهدارند  
 شربتی از یک مثقال تادو مثقال \* معجون جهت وجع الفواد و تقلب النفس که از برودت باشد نافع و بسیار مقوم  
 معده است منقول از مختارین هیل \* صنعت آن کل سرخ فلفل زنجبیل دار فلفل زراوند طویل دارچینی اسازون از هر یک  
 دو جز و مصطکی زرنباد فودنج انیسون از هر یک یک جز و چند بید سترنیم جز و باد و وزن عسل و کوزن نیمه کل قند  
 بسرشد قند شربت یک مثقال \* معجون هریس منقول از قانون نفوس و اوجاع مفاصل و کرب و غم و دریا و دریا و دریا  
 اما و استسقا و برقان و در وارا بسیار نافع است \* صنعت آن غاریقون اسارون و ج ترکی قردمانا تخم سداب و فرقیون  
 فوزوفای خشک از هر یک یک اوقیه زراوند طویل بیخ مرطمانا نانخواه قرنفل تخم کرفس سنبل الطیب فودنج حبلی  
 فطراسالیون از هر یک دو اوقیه جنطیانا شش اوقیه قنطاریون دقتی که آن عزیرا سبب هشت اوقیه قسط تلخ مرکی  
 صافی جعله انیسون از هر یک سه اوقیه کافیطوس اسقورد یون از هر یک هشت اوقیه ادویه کوفته بپخته با عسل کف  
 کوفته سه وزن ادویه علی الرسم بسرشد و شربتی از یک مثقال تادو درم درایام بهار بنوشند \* صنعت این معجون  
 به نسخه دیگر غاریقون و ج ترکی اسارون قردمانا تخم سداب فرقیون فوزوفای خشک نانخواه قرنفل تخم کرفس مرکی  
 صافی سنبل الطیب فودنج حبلی فطراسالیون از هر یک دو اوقیه جنطیانا شش اوقیه قنطاریون دقتی کافیطوس کاذر یوس  
 اسقورد یون از هر یک هشت اوقیه سلیخه سیاه زراوند طویل فراسیون جعله از هر یک سه اوقیه با عسل مصفی بقدر  
 کفایت علی الرسم بسرشد شربت یک مثقال تادو درم در فصل و بیخ تناول نمایند \* معجون یک الله جهت تفتیت  
 حصاة بغایت قوی و چون خون بزمه می بیند الله درین داخل است باین سبب مسمی بید الله شده و در حرف اللام در الحرم



آن که مکرراً در جوارشات و هب و نب و اشربه و مطبوخات ذکر یافت یعنی باید که در معاجین نیز آن مزهیدار نک و  
 الله اعلم \* بیان نسخ معاجین مسهل \* معجون مسمی به تربک تراشید و قولنج

صعب را با سانی بکشاید و نفع تمام دهد \* صنعت آن هیل بوا قره سازج هند و دار فلفل برنگ کابلی مقشر زنجبیل  
 آمله مقشر قرنفل از هر یک یک مثقال تخم کرفس سنبل الطیب زعفران مصطکی رومی از هر یک نیم مثقال تربک سفید  
 تراشید و سقمونیای مشوی از هر یک دو مثقال اجزا گرفته نرم پیخته با سه چندان غسل مقوم بسرشدن شربت با آب  
 کرم \* معجون برنگ قولنج صعب را در زمان بکشاید \* صنعت آن خیر بوا سازج هند و دار فلفل زنجبیل برنگ  
 کابلی آمله مقشر قرنفل مصطکی از هر یک یک مثقال تربک سفید سقمونیای از هر یک ده مثقال کوفته پیخته با سه چندان  
 غسل بسرشدن شربت با آب کرم \* معجون زبل قولنج بکشاید \* صنعت آن ذبل الذیب چهار درم مرمکی صاف تربک سفید  
 مد بر از هر یک هشت درم تخم کرفس انیسون از هر یک دو درم کوفته پیخته با غسل بسرشدن شربت با دو درم تا چهار  
 درم با آب کرفس \* معجون سیسالیوس که جهت اقسام صرع نافع است \* صنعت آن سیسالیوس عاقر قرحا اسطوخودوس  
 از هر یک ده مثقال غاریقون پنج مثقال قرد مانا حلتیت طیب زراوند از هر یک یک مثقال و نیم ادویه را کوفته  
 و با آب عنصل دو چندان ادویه بوزن آن غسل بقوام آورده بسرشدن و هر روز یک مثقال بخورند و در نسخه دیگر  
 از هر یک اند که ادویه را با سکنجبین عنصلی بسرشدن \* معجون سیسالیوس به نسخه شیخ الرئیس از برای صرع گفته  
 که این دوائی است جهت از برای اصحاب صرع \* صنعت آن سیسالیوس حب الغار از هر یک ده مثقال زراوند مد حرج  
 فاوانیا از هر یک دو مثقال چند بید سترقرص اسفیل از هر یک یک مثقال کوفته با غسل کف گرفته سرشته هر روز با سکنجبین  
 بخورند \* معجون سیسالیوس به نسخه ذخیره خل اولک صرع را سود دارد \* صنعت آن بزرسیسالیوس عاقر قرحا  
 اسطوخودوس غاریقون سفید از هر یک دو درم قرد مانا حلتیت زراوند مد حرج از هر یک سه درم کوفته پیخته با غسل مصفی بسرشدن  
 شربت با یک مثقال نادر و در بعضی نسخ آن عود فاوانیا از هر یک یک درم و نیم آورده اند حرف یک درم و نیم زراوند حلتیت قرد مانا از  
 هر یک یک درم و نیم است \* معجون سقراط نسیان و مالینولیا و صرع و بهق و برص و ارجاع مفاصل و دردمعده و داء الحبه  
 و داء الفیل و تقطیر البول و سرفه کهنه و تب ربع و تپهای بلغمی و عسر البول و بواسیر و یرقان سلی و طحال را نافع است  
 و دفع سموم کند و دل را قوت دهد و باه را زیاده کند و حب القروح را دفع کند و سنگ کرده و مثانه پر از آن و مثانه را  
 و بوی دهن و بوی عرق خوش کند و گرانیکوش و زبانه به نزد و صناع و زائل کند و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را  
 دارد و پیران را بغایت مفید بود \* صنعت آن جنطیانا قرد مانا نارمشک تخم فرنج مشک حب الغار زراوند طویل از هر یک  
 یک مثقال انیسون چند بید سترحب بلسان سلیخه اسارون مصطکی از هر یک یک درم مرمکی و ج ترکی درون عقر بی زرنیاد  
 تخم کرفس تخم جرجیر تخم پیاز تخم کند نا از هر یک دو درم صبر سقراطی ده درم تربک سفید بیست درم عود خام دو اذنه  
 درم جوز بوار بوند چینی قرنفل قاقله بسبا سه اشنه سنبل الطیب زعفران اسفیل بویان کرده زرنب شیطرج افلنجیه  
 دارچینی از هر یک سه درم ورق کل سرخ باد زنجبویه لك مغسول از هر یک پنج درم سعد کوفی حب الخشب از هر یک چهار  
 درم هلیله سیاه پوست هلیله زرد آمله منقی از هر یک شش درم کوفته پیخته بروغن بادام تلخ چوب کنند و با سه چندان  
 غسل بسرشدن و در ظرف آبکینه کنند و شش روز در میان جونهند شربت با از دو درم تا پنج درم \* معجون سکنجبین قولنج  
 را نافع باشد \* صنعت آن سکنجبین تخم کرفس چند بید ستر از هر یک یک جزو سقمونیای نیم جزو سقمونیای و در روغن بادام  
 بسایند و سکنجبین را حل کنند و با یکدیگر بیا میزنند و از اوها گرفته با آن بسرشدن شربت با سه مثقال \* معجون سرخس که

صنعت آن سرخس برنگ کابلی معشر از هر يك يك رم تربل سفید مل بر  
مقل ازرق از هر يك دو درم ادویه را گرفته بپخته با عسل بسوزند كل يك شربت کامل است و باید که قبل از تناول نمودن  
این معجون بیک ساعت شیون تازه دوشید و بخورند بقدر اوقیه و این دوا را قاسه روز بخورند \* معجون شهر باران قولنج  
و فتح امعاء و معده را سود دهد \* صنعت آن زنجبیل قره دار چینی جوزبوا مصطکی و رمی قرنفل سلیخته سنبه الطیب  
قافله حب بلسان از هر يك سه درم سقمونیای مشوی چهار درم تربل سفید تراشید و حب النیل از هر يك مشت درم شکر  
سفید هفتاد درم دوا را گرفته بعسل صاف کف گرفته بقدر حاجت چنانچه رسم است بسوزند شربتی در درم \* معجون  
شهر باران دیگر قولنج بکشاید \* صنعت آن محمودیه مشوی یازده درم تربل سفید پانزده درم قند زنجبیل زیاده کرمانی  
مل برنگ سب از آب ملخ هندی یوزده ارمنی ترقه خولنجان از هر يك یک درم معجون روح را گرفته بپخته بد و مثل ادویه عسل  
مصطفی بسوزند شربتی در درم قاسه درم بد آنکه اکثر معالجمان مانند معجون آثار بلال و اسطوخودوس و افتیمون و  
را هلیج و لاجاج نیز در اهلایج و بنفسج و قزبد و تمر هندی و خیارشنبور و اسن و زراوند و زیتب و سحر جل و حقونیا  
و سنا مکی و سورنجان و صبر و فیه را نیز در صبر و معجون عود و غار بقون و غاف و مانیزبون و ملخ و ویداه و مره توتیب  
حرکت در درم خورد ذکر یافت \* **باب المیم مع النیس المعجونه** فصل در بیان نسج مغلی \*

بنی آنکه مغلی بضم میم و سکون غین معجونه و فتح لام و یا بمعنی جوشانید و فی الحقیقه طبع و مطبوخ و مغلی  
همه بمعنی و مقصد و مقصود و احل آن و کیفیت و ترکیب و طبع آن مانند مطبوخات است و ملخ کورشد و در نسخه مغلی  
افتیمون در افتیمون و مکی که مسجی بمغلی ملو است در غائب ذکر یافت و چند نسخه اینجا ذکر مییابد \* مغلی منضج  
اخلاط بلغمیه غلیظه خصوص در امراض دماغیه و عصبانیه \* صنعت آن تخم کرفس تخم رازیانه انیسون اصل السوس معشر  
مروض به ساقی فستقی معشر از هر يك یک درم صبر منقح انجیر زرد از هر يك ده درم کل پخته سه درم تخم خطمی  
تخم خیار از هر يك سه درم و شان اسطوخودوس از هر يك دو درم عود الصلیب یک درم ادویه آنچه کوبیده باشد جو کوب نموده  
شب در یکصد و پنجاه مثقال آب خاص که در شب به ربع آن از هندی میشود بخیساند و صبح جوش کسی داده با تش  
ملایم که به آب به نصف رسد فرو آورده اند کی مالید و صاف نموده نیم گرم بنوشند و باید که بهمان گرمی طبع باشد  
تا آنکه در بدن ناسور شود و بعد از آن گرم نموده بنوشند \* مغلی که منضج بلغم است خصوصاً از سینه و پشت و ورکین  
و به نیم صد ما و انیسون و لطیف اخلاط نماید \* صنعت آن انجیر زرد صبر منقح از هر يك هفت درم تخم شبت انیسون اصل  
السوس معشر و مروض از هر يك سه درم و بهشت صاحب دیو حله و برای مرفه تخم کتان و ادریس و جهت سودا افتیمون و برای  
فولنج شیخ ارمنی و جهت از هر يك سه درم و برای طحال و اوجاع ظهر و مفاصل بیخ کرفس و تخم کرفس و در عسر البول و امراض  
کبدیه تخم شلغم تخم تربل از هر يك سه درم تا چهار درم اضافه نمایند ادویه را نیم گرفته در سه رطل آب سیب بخیساند و صبح  
با تش ملائم طبع نمایند تا ثمن آن بمائیک پس صاف نموده نیم گرم بنوشند همچنین بحسب احتیاج را غرض زیاده  
و کم نمایند \* مغلی دیگر که تپهای حار و التهاب و عطش و امراض حادّه از درم و صفرا را نافع و تسکین و ترق و خشکی  
عاض از حرارت غریبه را زایل میکند \* صنعت آن جو معشر چهار اوقیه تخم خشخاش سائید و تخم کاسنی تخم شاهتره کل  
پخته کل سرخ منزع الا قاع از هر يك نیم اوقیه و اگر در مزاج قبض بسیار و با سنگینی در اعضا باشد بسوزد نباشد  
سوزند با نیم اوقیه اضافه نمایند و هوک حرارت بسیار داشته باشد از فواکه بارده خصوصاً شاهتالو و آلوی بخارانی و امثال آن  
میکوبند و آب اضافه کرده جوش نموده صاف نمایند بر روی پانزده درم مغر فوس خیارشنبور مالید و باز صاف نموده یک



یک رم روغن بادام شیرین بران چکانند و به ترنجبین یا شیرخشت شیرین نموده سحرگاه بپاشند و مغلی منفع  
 اخلاط سوداویه و مخترقه است از هر خلط که باشد و صاف کنند و خون از دردی و زایل کنند و ما الجواریا و جنون و دوسواس  
 و عرق النساء و نقرس و رجوع مفاصل را نافع و محلل صلابات است \* صنعت آن بسفاییم مستقی مقشراحب الفریط من  
 سپستان از هر یک یک اوقیه اسطوخودوس بابونه قنطاریون دقیق افعیمون اقریطی از هر یک سه درم ادویه الحله  
 کو بید نی باشد جو کوب نموده در خرقة کتانی بسته شب در آب بخیسانند و اگر آنجا صعود بخار یا حساسی در  
 دماغ باشد انجیر زرد مغز بادام از هر یک هفت درم پرسیا و شان کشنیز خشک صغیر فارسی منزجوش از هر یک دو درم  
 و اگر ریاخ غلیظه یا ضعف در مجاری بول باشد یک اوقیه کلغلند آفتابی اضافه نمایند و صبح طبع نموده صاف کرده بنوشند \*  
 مغلی منضج دیگر که منضج و مفتوح و مرقق و محلل اخلاط غلیظه است و امراض کبدی و سوء القنیه را نافع است \* صنعت  
 آن کل نیلوفر اصل السوس مقشراکل سرخ منزوع الاقماع برگ کاوزبان عنب الثعلب بسفاییم فستقی مقشرا نیسون تخم  
 کرفس تخم رازیانه اسطوخودوس از هر یک یک مثقال کاوزبان نیم مثقال شاهتوت بهیم کاسنی بهیم رازیانه شکامی باد آورد  
 از هر یک یکونیم مثقال مویز منقی انجیر زرد از هر یک هفت مثقال تخم کاسنی نیم کوفته بهیم اخرا فسنجین رومی از هر یک یک درم  
 ادویه را آنچه کوفتنی باشد جو کوب نموده یکصد و شصت و پنج مثقال آب خالص که تخمینا سه ربع آثار هندی و کسری  
 میشود شب بخیسانند و صبح با آتش ملایم جوش دهند تا بنصف آید پس اندکی مالید و صافی نمود و بهمان گرمی  
 بنوشند \* مغلی حارمد و ادرا حیض کند و اسقاط جنین نماید چون پافزده روز زبان مد اومت نمایند \* صنعت آن  
 تخم شبهه کز حله از هر یک ده درم پوست خیارشور اهل از هر یک شش درم در یکمن آب بخیسانند و صبح با آتش ملایم  
 جوش دهند تا به ثلث رسد صاف نموده و رازده درم عمل داخل کرده نیم گرم بنوشند \* مغلی مبارک صاحب شفاء  
 الاسقام نوشته که از املاى استاد من است جهت اسهال د موی و زخیر قیام صغری نافع \* صنعت آن پوست بهیم انجیر  
 تازه یک مثقال بهیم خطمی با پوست پوست خشخاش از هر یک پنج درم عود قاقله صندل معاصر از هر یک پنج درم مصطکی  
 ربع درم حله زرد حب الاس از هر یک یک درم زرشک منقی سماق منقی از هر یک سه درم جوشانید و صاف نموده  
 تخم خرقة بریان سه درم دران شیر کاشید و طباشیر سفید یک درم سوده بران پاشید و شراب ورد شراب سفرجل خام  
 دوازده اوقیه بالمناصفه داخل کرده تخم بارتنگ و تخم حماض بریان از هر یک نیم درم کف نموده بالای آن بپاشانند \*

### باب المیم مع الفاء \* فصل در بیان مفرحات و نسخ آنها \* بد آنکه مفرح

بصیغه اسم فاعل با صلاح اطبا در اینجا ادویه مرکبه فرح آورنده را گویند یعنی معاجین که تاثیر آنها اکثر بکیفیات  
 و خواص ادویه آنها باشد از تلطیف ارواح غلیظه و تغلیظ رقیقه و منور و منبسط کردن آن و بطوران آوردن حوارت  
 غریزیه و انعاش آنها و یا بزاید گردانیدن کمیات مواد آنها و قوی و ارواح قلبیه و دماغیه و آلات آنها و هواى باطنیه  
 را قوی کردن و رفع کدورات از آنها و امور تفریح و سرور بحسب اشخاص مختلف است هر یک را بحسب مراتب فرحی  
 و سروری که بیان آن به تفصیل اینجا محل آن نیست پس سزاوار آن است که ادویه مفرحه را هنگام ممثلی بودن بدن  
 از اخلاط فاسده و مواد رذیه استعمال نمایند که چند آن تفریحی و سروری نخواهند بخشید بلکه احتمال ضرر است و نیز  
 باید که ترکیب آنها را بحسب حاجت و بقدر ضرورت و مناسب حال شخص و مزاج او نمایند مثلاً هنگامیکه در بدن ضعف  
 فقط باشد از غیر سوزی مزاج باید که ترکیب ادویه حاره یا بارده بحسب احتیاج بنوعی نمایند که تعدیل کیفیات آنها گردد  
 و مجتمع کردن در خواص و ایضا زیاده گردانیدن در آنها ادویه که تاثیر آنها بخاصیت و صورت نوعیه خود باشد و در آنها کیفیتی



بهمین سفید ازهر یک پنجدرم بود و سه هلیله کابلی پوست اترج پوست برون کشته ابو شیم خام قورقن مروارید ناسته  
ازهر یک دودرم شاهتوره باد رنجبویه کل کار زبان ازهر یک ده درم کشنیز خشک طباشیر سفید ازهر یک سه درم بسمل کهور  
زرباد درونج عقربی ازهر یک یکدرم عود خام یک مثقال آب انار آب حماض آب سفرجل آب زرشک ازهر یک ده درم قورقن  
سفید شراب بنفشه ازهر یک یکصد مثقال آبها را با قند سفید بقوام آورده ادویه را کوفته بپخته با آن بسروشند و در دانه  
دیگر که باسم مفرح معتدل مذکور است آورده که ورق طلا ورق نقره مشک خالص ازهر یک یکدرم بنفشه یکدرم  
داخل کنند و بعد از چهل روز شربت یکدرم تناول نمایند و نسخه میزان اطباء موافق نسخه مذکور است الا که روزی  
در رونج نیم مثقال است و وزن آن شصت و یکدرم و مزاج آن معتدل در حرارت و برودت و خشک در اخلاص و درجه اولی  
و در نسخه دیگر که نیز باسم مفرح معتدل مذکور است نیم مثقال ورق طلا برای اجزای مذکوره زیاده باشد و آب حماض  
و آب اترج و آب زرشک و قند و شراب بنفشه داخل نماید و بجای اینها همه شراب سیم است بقدر حاجت مفرح بارد کافوری  
منقول از میزان الطباء نافع است خفقان وضعف دل را که حادث از حرارت و از تب و خمار و تشنگی بنشان چون با بعضی  
از ربوب بیاشامند صنعت آن کل سرخ نیلوفر ازهر یک ده درم مروارید ناسته بسمل کهور بالسان الثور صندل سرخ صندل  
سفید طباشیر خشک انک کشنیز خشک پوست درخت کافور ازهر یک سه درم بهمین سفید بهمین سرخ تخم فرنج مشک بزر  
شاه سفرم تخم بالنگو تخم خرفه مقشر تخم کاهو تخم کاسنی تخم خیار با درنگ ازهر یک دودرم کافور قیصوری نیم مثقال نبات  
سفید آب سیم شیرین بقدر ضرورت در را بقوام آورند و ادویه را با آن بسروشند این ترکیب بیست و سه جز است  
و وزن آن هفتاد و نیم مثقال است و مزاجش سودر سه ربع درجه و خشک در آخر یک درجه است مفرح بارد دیگر  
صنعت آن مروارید ناسته کهرای شمعی بسمل عود خام کار زبان ازهر یک دودرم تخم کاسنی کشنیز خشک ازهر یک پنجدرم  
صندل سرخ صندل سفید طباشیر ازهر یک هشت درم فرنج مشک افتیمون ورق کل سرخ ازهر یک شش درم درونج  
عقربی زعفران ازهر یک دودرم سازج هندی زرباد باد رنجبویه خشک سفید کل بنفشه ازهر یک چهار درم کافور  
قیصوری یک درم مشک ترکی نیمدرم شراب سیم بقدر حاجت بدستور مقرر مرتب نمایند شربت یک مثقال  
مفرح بارد حکیم الملك اردستان بی جهت سوی مزاج حار قلب وضعف و خفقان حار صنعت آن تخم کاهو تخم خرفه مقشر  
تخم خربزه تخم کوی شیرین مغز تخم خیار زرشک بیدانه ازهر یک یک مثقال تخم حماض صندل لیل کشنیز خشک ازهر یک  
دو مثقال طباشیر سفید تخم کاسنی ازهر یک دو مثقال و دودانگ کوفته بپخته بشراب سیم شیرین بسروشند شربت یک  
مثقال تاده درم با شراب شیرین مفرح بارد منقول از خط میرزا محمد رحیم حکیم باشی شاه سلطان حسین ولد میرزا  
محمد باقر حکیم باشی شاه سلیمان قلمی فرموده اند که این نسخه را از حکیم ثناء الله گرفته ساخته شده است مفرح خروب  
است صنعت آن یا قوت رمانی کاو زبان باد رنجبویه ورق کل سرخ کشنیز خشک مقشر تودری سرخ تودری زرد صندل  
سرخ صندل سفید زعفران ازهر یک سه مثقال کهرای شمعی بسمل محرق عنبر شهاب کل ارمنی مغسول ازهر یک دو  
مثقال طباشیر سفید چهار مثقال تخم خرفه مقشر بیست مثقال زرشک منقی دوا زده مثقال کوفته بپخته بارب سیم شیرین  
بقوام آورده بسروشند و قلمی فرموده اند که فقیر وزن یا قوت را یک مثقال و نیم نموده با دهر معدنی و عود هندی ازهر یک  
یک مثقال و نیم داخل کرده است مفرح بارد با نسخه حاوی صغیر مقوی قلب و نافع از برای خفقان حار و التهاب و عطش  
مفرط صنعت آن غنچه کل سرخ طباشیر سفید ازهر یک یکدرم کشنیز خشک بریان کرده مقشر صندل مقاصری ازهر یک  
نیمدرم تخم خرفه مقشر و درم مغز تخم خیارین مغز تخم کوی شیرین ازهر یک دودرم بهمین سفید کاو زبان ازهر یک یکد

درم در یک منقح سه درم مروارید ناسته کهر با بسد از هر یک یک دانگ کوفته بپخته بجلاب سگری بقوام آورده سرشته  
 لکاهل آوند شربتی یک مثقال و در نسخه دیگر بهمن و کاوزیان داخل اند ارد و وزن کهر با بسد از هر یک یک دانگ و نیم  
 است و در نسخه دیگر منقح سه درم مروارید ناسته کهر با بسد از هر یک یک دانگ کوفته بپخته بجلاب سگری بقوام آورده سرشته  
 و بسد از هر یک یک درم است و در نسخه دیگر زرشک و مروارید و کهر با بسد از نسخه مذکور حذف شد و نیم دانگ زعفران  
 و نیم دانگ و نیم کافور و نیم درم بهمن سرخ زیاده شد و در نسخه دیگر زعفران و کافور از هر یک یک دانگ و نیم آب سیب  
 شویب است و درم عرق بید مشک یا نروده درم اضافه نسخه مسطور شده و وزن تخم خرفه مقشور هفت درم و نیم  
 مروارید و کهر با از هر یک یک دانگ و نیم است و بسد داخل اند ارد و بجای جلاب سگری نبات سفید پنجاه درم است و  
 در نسخه دیگر بوزیدان یک درم کافور یک دانگ زعفران نیم دانگ بر نسخه مسطور اضافه شد و تخم خیاری و تخم کدو  
 و کشنیز خشک و صندل داخل اند ارد و وزن ورق کل سرخ و طبا شیوا از هر یک دو درم است و کویک دانگ و نیم کافور و نیم  
 دانگ زعفران و بوزیدان صواب است و کهر با جلاب ساده با عرق بید مشک بقوام آورند و دویه را با آن پسرشند بهتر  
 است \* مفرح بارد دیگر \* صنعت آن مروارید ناسته بسد محرق کهر با ی شمعی طبا شیور سفید بهمن سفید کل  
 کاوزیان کل از منی از هر یک دو درم مشک خالص نیم درم قند سفید بهمن رم بی شتو و مقشور و نبات سا از آن شربتی یک مثقال \*  
 مفرح بارد منقول از افقیا رات بل یعنی خفقان وضعف قلب حار را سود مند بود و قویب است این مفرح بارد  
 منقول از حاروی مغیر \* صنعت آن طبا شیور سفید بهمن سفید ورق کل سرخ کاوزیان از هر یک دو درم بهمن سرخ بسد  
 کهر با مروارید ناسته از هر یک یک درم صندل سفید کشنیز خشک از هر یک دو درم تخم خرفه مقشور هشت درم ورق طلا  
 ورق نقره محلولین از هر یک نیم درم پوست بومرون پسته یک درم قند سفید یکمن عرق بید مشک نیم من بسد را با عرق  
 بید مشک بقوام آورند و دویه را با آن پسرشند شربتی یک درم تا یک مثقال و در نسخه دیگر بجای عرق بید مشک چهل  
 مثقال آب انرج است و بعضی درین نسخه اخیر دو درم زرشک منقح نیز داخل کرده اند \* مفرح بارد قلمی فرموده اند  
 که زبانجف حضرت علامی میر محمد هادی و ابی حقیق غفر الله است خفقان وضعف قلب از سوری \* و اج حار قلب و تمام بدن  
 را نافع و محبوب است \* صنعت آن مروارید ناسته کهر با ی شمعی از هر یک یک مثقال کل کاوزیان طبا شیور سفید غنچه کل  
 سرخ صندل سفید کشنیز خشک مقشور و غنچه کل و از هر یک دو مثقال تخم خرفه مقشور چهار مثقال و مشک ورق طلا  
 ورق نقره از هر یک دو دانگ رب سیب شیور بن بهمن مثقال نبات سفید یکمن و بهمن مثقال کلاب عرق بید مشک از  
 هر یک بهمن و پنج مثقال بطریقیکه رسم است عرق نبات شربتی از یک درم تا یک مثقال \* مفرح بارد دیگر که خفقان  
 وضعف دل را که از کرمی باشد فاکل کند \* صنعت آن طبا شیور سفید دو درم کاوزیان دو درم شیور آمله یا نروده درم عصاره  
 زرشک ورق کل سرخ از هر یک نیم درم صندل سفید مقاصری سه درم بهمن سفید بهمن سرخ دو درم کشنیز خشک پوست  
 بومرون پسته مروارید ناسته کهر با ی شمعی سوخته بسد سوخته بر پسر سوخته از هر یک دو درم زعفران نیم درم  
 نبات چهار دانگ ورق طلا ورق نقره از هر یک یک مثقال آب سیب نرش چهار درم قند سفید صاف کرده و من بل سفید  
 مقشور و نبات اما ایند شربتی از یک درم تا یک مثقال و قومی در نسخه مسطور کل نملو فرد و درم کل کاوزیان دو درم کافور  
 قیصری دو دانگ شک دو دانگ عصاره شهاب چهار دانگ آب انرج از این از هر یک سی مثقال عرق بید مشک عرق کاوزیان از هر یک  
 پنجاه مثقال اضافه اما ایند و در نسخه دیگر وزن ورق طلا دو دانگ و ورق نقره سه دانگ است \* مفرح بارد دیگر که  
 صنعت آن طبا شیور سفید بهمن سفید کل سرخ کل کاوزیان از هر یک چهار مثقال مروارید ناسته کهر با ی شمعی صندل

صندل سفید کشنیز خشک از هر يك دو مثقال بهمن سرخ ورق طلا ورق نقره پوست بیرون بسته از هر يك يك مثقال تخم  
خرفه مغشوش مثقال زرشك منقی دوازده مثقال کل ارمی عنبر از هر يك يك مثقال و نیم قند بقدر ضرورت ترکیب  
نمایند \* مفرح بارد دیگر که نافع است از برای خفقان حادث از سوی مزاج حار \* صنعت آن به نسخه حار صغیر  
مروارید ناسفته بسد سوخته کهر با کا و زبان کل ارمی از هر يك دودرم مشک خالص یک رم قند سفید ده درم کوفته  
بیخته بشراب سیب شیرین بسرشدن شربت ازان يك مثقال و در نسخه صاحب اختیارات طباشیر و یک رم داخل دارد  
وزن مشک نیمه آنک است و این اصح است و گفته اند که ادویه را بجایاب سکری بسرشدن و در نسخه دیگر آورده که بکلاب  
بسرشدن و در نسخه دیگر کشنیز خشک مغشوش صندل سرخ صندل سفید ورق کل سرخ از هر يك یک رم و این اجزا بنسخه صاحب  
حار می اضافه نموده شده و مشک و قند داخل اند اردو اجزا را کوفته با شراب سیب شیرین بسرشدن شربت يك مثقال \* مفرح  
اردکا فوری به نسخه قلانسی مره صغرا و اسهال و صدا ع وضعف و معده را نافع است \* صنعت آن کل سرخ طباشیر کهر با  
کشنیز خشک از هر يك سه درم مروارید ناسفته یک رم و نیم کل مختم دودرم کافور ربع درم کوفته بیخته با رب سیب شیرین  
شربت آن \* مفرح باردکا فوری دیگر نیز از قلانسی \* صنعت آن مروارید ناسفته ده درم صندل لیم تخم کاسنی پوست  
کابلی هلیله سیاه کل نیلوفر از هر يك دودرم بسد هشت درم طباشیر سفید سه درم کل سرخ پنچل رم حجاز ارمی مغشوش  
آنک ادویه کوفته بیخته با رب سیب و نبات سفید با کلاب بقوام آورد \* بسرشدن شربت يك مثقال \* مفرح بارد  
کافوری دیگر نافع از برای ضعف قلب و خفقان حار \* صنعت آن تخم کاهو مغشوش تخم خرفه مغشوش تخم خیاری کل کا و زبان  
از هر يك پنچل رم مروارید ناسفته کهر با بسد سرطان نهی محرق ابریشم مقرض از هر يك يك مثقال صندل سفید دو مثقال عود  
صندل درونج عقری زرنبا د بهمن سفید از هر يك دودرم قاقله صغرا طباشیر مغشوش تخم خربزه از هر يك سه درم کل سرخ چهار  
درم زعفران نیم درم کافور قیصوری نیمه آنک عنبر اشهب مشک خالص از هر يك یک آنک کوفته بیخته بشراب سیب یا شراب  
اترج یا شراب به سرشته معجون سازند شربت يك مثقال \* مفرح باردکا فوری آن قند س سره قوت دل دهد و حار و مزاج را  
نافع باشد و خفقان حار را مغیل است \* صنعت آن غنچه کل سرخ طباشیر سفید کل کا و زبان کشنیز خشک بهمن سفید صندل  
سفید از هر يك یک رم مغشوش تخم خیاری مغشوش تخم کل و خرفه مغشوش از هر يك چهار درم و در نسخه دیگر مغشوش تخم خرفه مغشوش  
درم است مروارید ناسفته یک رم کهر با زعفران کافور قیصوری از هر يك نیم درم زرشك منقی شش درم نبات  
یکصد درم نبات را بعرق بید مشک پنجاه مثقال حل کرد \* با رب سیب شیرین پنجاه درم بقوام آورد \* بسد ستور مقرر  
مرتب سازند \* مفرح باردکا فوری دیگر که خفقان وضعف قلب حار را نافع است \* صنعت آن طباشیر سفید بهمن سرخ  
بسیار سفید کشنیز خشک مغشوش درونج عقری پوست بیرون بسته کهر با شمع مروارید ناسفته کل نیلوفر بسد کل کا و  
زبان ابریشم مقرض از هر يك دودرم یا قوت رمانی چهار دانگ کافور قیصوری و دانگ شیر آمله پانزده درم عصاره  
زرشك پانزده درم صندل سفید سه درم زعفران نیم درم ورق طلا و دانگ مشک خالص دودانگ عنبر اشهب چهار  
دانگ آب سیب ترش از هر يك سی مثقال عرق کا و زبان عرق بید مشک از هر يك پنجاه مثقال قند سفید و من با  
عرقها بقوام آورده ادویه را با آن بسرشدن شربت يك درم \* مفرح کافوری تالیف مد اثنی دل را قوت دهد و فرح افزاید  
و خفقان که از گرمی بود سود دارد و صاحب مزاج گرم را عظیم نافع بود \* صنعت آن مروارید ناسفته بسد مرجان قرمز  
ورق کل سرخ کشنیز خشک ابریشم مقرض از هر يك سه درم عود هندی کهر با کا و زبان کیلانی از هر يك دودرم صندل  
سفید مقاصوری یک درم طباشیر سفید چهار درم یا قوت رمانی دودانگ عقیق یمنی ورق نقره عنبر اشهب

از هر يك يك و نیم درم سازد چندی چهار دانگ کافور قیصری يك دانگ اجزا را کوفته بپخته جوارا هر را صلايه نمود  
 با هم من شکر سفید صاف کرده بقوام آورد و بسرشند و هنگام حاجت يك مثقال آن را با ده درم شراب سیب بپاشد  
 مفرح کافوری بنفشه جوی صغیر مفرح و مقوی قلب است هرگاه بود و باشد مزاج قاب و جمیع بدن حار صنعت  
 آن غنچه کل سرخ طبا شیر سفید از هر يك سه درم کشنیز خشک يك درم کهریا مروارید ناسفته از هر يك پنج درم  
 کافور قیصری يك دانگ کوفته بپخته بشراب سیب شیرین بسرشند شربت يك درم با سکنجبین مفرح بارد  
 کافوری منقول از خط بعضی فضلا صنعت آن مروارید ناسفته مرجان احمر مرجان ابيض صندل سفید نوچمشک  
 کافور زبان از هر يك سه درم بهمن سرخ صندل سرخ یا درنجبه به کل سرخ شمشیر خورده خشک سنی کل نیلو فرنگ خبازی  
 ابریشم محرق سلطان محرق از هر يك دو درم لعل بد خشی زرنب طبا شیر سفید عود هند می خام و یونک چینی از هر يك يك  
 درم یا قوت کبود یا قوت زرد عقیق بهمنی از هر يك نیم درم یا قوت عنبر اشهب از هر يك درم کافور و چهار دانگ کافور  
 رباهی یک دانگ ررق طلا و ررق نقره از هر يك بیست عد د شراب حمض شراب سیب از هر يك بیست درم شراب و بپاشد  
 یا نوده درم شکر طبرزد یکصد درم آب لیمو پانزده درم عرق کافور زبان يك مثقال بپاشد با علی الیوم مراتب نمایند شربت  
 بکته قال مفرح بقلا سوط موس این مفرح از رومیان است و آزموده قد ما است و معانی آن بزبان رومی انجاست دهند  
 از مضرت سیموم و مال الشولیا و وسواس و جهنون و فالج و ثقبه و جمیع امراض دماغی را نافع بود و جدا ام و ضیق النفس  
 یورو و رجاع مفاصل و نقرس را و قولنج را سود مند بود و بواسیر را و بواسیر را و بواسیر را و بواسیر را و تقویت باه  
 اند و نشاط آورد و غمرا را ازل کند و دیگر نفع ها دارد صنعت آن زرنب زرنب و ررق کل سرخ کشنیز خشک کافور زبان نو درم  
 رد نو درم سفید نو درم سرخ بهمنی از هر يك نیم اوقیه حب الغار مصطکی رومی دارچینی قونهل عود هند می کبابه چینی  
 و مکی جاتیا یا حاسما ابریشم مفرغ از هر يك يك اوقیه آب و به سیب و به رب ریاس از هر يك نیم رطل کلاب يك  
 رطل سرخ و یا در شیر گاو تخم نمایند پس از بیست و یک روز عرق بکشند انگاه این عرق را با یک رطل غسل و یک رطل  
 آب بقوام آوران و با این اجزا کوفته و بپخته چنانچه درم است بسوزند و اجزا این است صندل سفید عود هند می  
 زرنب از هر يك هفت مثقال انبه قاقه بنفشه صمغ عربی دارچینی از هر يك سه مثقال مروارید ناسفته مرجان کهریا  
 انبه سرخ از هر يك شش مثقال ررق نقره زعفران عنبر اشهب از هر يك دو مثقال ررق طلا و مشک خالص ابریشم مفرغ  
 هر يك يك مثقال اجزا را کوفته بپخته بن ستمو متعارف غسل و نبات بقوام آورد و بسرشند و بعد از چهل روز شربت  
 م مفرح جالینوس قضیب را سخت کند و او عرق را تقویت دهن منی بیهوشی و دل و دماغ را اعضا را قوت دهد و شهوت  
 باغی را ده کند و رنگ بشرو را صاف سازد و خون صالح در بدن زیاد کند و معوط آورد و دوستی مرد در دل زن پیدا سازد  
 هفت آن مروارید ناسفته پس الیسون بهمن صندل از هر يك يك درم بهمن کهنج بهمن لبلاب صمغ عربی کنیر از هر يك  
 یک درم کافور از ج سعد کوفی سلسله دارچینی مصطکی رومی کافور زبان نوچمشک صندل سفید زرنب و نلک و نقاح  
 هر از هر يك يك مثقال اجزا را کوفته بپخته با سه چهل ان غسل صاف کرده بسرشند و هنگام خواب زمانی پیش از خواب  
 ن از هر يك مثقال با قند ری آب لیمو گرم عقیق نمایند مفرح د کافور مقوی دل و دماغ باشد و تقویت باه کند و دیگر منافع  
 سازد و صنعت آن فلفل از چینی سبیل الطیب دار فلفل فلفل بوا جول و قاقه کبابه و طارح هند می لسان العصفور در نیم  
 رنجبه به مصطکی رومی کل کافور زبان نوچمشک مروارید ناسفته صندل سفید زرنب و نلک و نقاح سلسله  
 کل مفرح یا قوت زمانی بهمنی از هر يك دو درم زرنب و نلک و نقاح درم بوست تو نسه درم بوست بلیله یک درم عنبر

اشهب مشک ازهر يك يكك رم زعفران دودرم شیرویه نبات غسل صاف سه وزن ادویه اجزا کوفته بپخته بد ستور مغسول  
بسرشند شربتی دودرم \* مفرح حار به نسخه حار و صغیر نافع از برای خفقان و ضعف قلب بارد \* صنعت آن گار زبان  
درونج عقربی ازهر يك شش رم زرنبا سه درم کوفته بپخته بعسل کف کوفته بسرشند شربتی ازان یکم مثقال \* مفرح حار  
به نسخه اختیار است بد یعنی خفقان سرد و ضعف دل را سود دارد \* صنعت آن گار زبان باد رنجبویه بهمن سرخ بهمن  
سفید ازهر يك شش رم آمله درم مثقال خمسانیل و خشک کرده و بریان نموده بیست درم تخم فرنج مشک هشت درم عود قمار  
ده درم کل مختوم مرور بد تا سفته ازهر يك یکم مثقال زعفران یک درم قرنفل بد کهر با زرنب کشنیز خشک ازهر يك  
دودرم کبابه چینی سه درم ورق کل سرخ صندل مقاصر ازهر يك پنج درم عسل اهللیج چهار یکم یا قوت رماني ورق  
نقره محلول ازهر يك نیم رم زرنبا ده درم درونج یک رم دارچینی دودرم مویز منقی نیم من قند سفید یکم و نیم  
کهر با بدست هر دو را سوخته و جواهر بر روی سنگ سحاق صلا به کرده و باقی ادویه کوفته بپخته مویز منقی را در آب  
به پزند تا مهربا شود و با قند سفید بقوام آورند عسل و هلیله را در آن داخل کنند و ادویه بد ستور یا آن بسرشند و در ظرف  
مینی نکاهل اوند و بعد از شش ماه استعمال کنند شربتی یک مثقال و در نسخه دیگر آمله بریان ده مثقال است و در نسخه  
کر بجای یا قوت زرد یا قوت رماني است و بجای ورق نقره محلول ورق طلا محلول و وزن آمله ده درم وزن قند  
ن است و نسخه اول اصح است و در نسخه صاحب میزان الطبائع بجای باد رنجبویه بالنکواست و گفته که چهار یک من  
شصت و چهار درم است و نیم من یکصد و بیست و هشت درم و یکونیم من سه صد و هشتاد و چهار درم است این ترکیب بیست  
و پنج جزواست بغیر از مویز منقی و قند و وزن این بیست و پنج جزو تخمینا یکصد و شصت و نه درم میشود مزاج گرم  
در آخر درجه اول و خشک است در اول درجه ثانیه \* مفرح حار منقول از قرا بادین قلا نسبی \* صنعت آن کهر با شش رم  
زعفران سه درم لسان الثور ده درم آمله منقی شش رم باد رنجبویه هفت درم ساذج هند و چهار درم تخم بالنک و پنج رم ورق  
کل سرخ ده درم زرنبا ده درم مشک خالص یک رم درونج عقربی دودرم عنبر اشهب دو مثقال اسطوخودوس دودرم  
دارچینی چهار درم خچار منی مغسول یا قوت رماني ازهر يك یک رم تمام دودرم مرور بد تا سفته بیست رم سنبل الطیب  
سلیخه هیل بوا قاقله ازهر يك یک رم مرجان سه درم اجزا کوفته بپخته بعسل بسرشند این نسخه بیست و پنج جزواست  
و وزن اجزا تخمینا یکصد و دودرم است مزاج گرم در وسط درجه اولی و خشک است در وسط درجه ثانیه \* مفرح حار  
د یکدرونج عقربی گار زبان زرنبا ده ازهر يك شش درم باد رنجبویه سه درم کوفته بپخته بشوای سبب شیرین بسرشند  
و بعضی گفته اند که بعسل بسرشند و قومی هر دو را آورده اند و بعضی گفته اند که اول مرتبه بشراب سبب مثل ادویه  
بسرشند و بعد ازان بعسل مصفی و وزن ادویه شربتی یک مثقال این نسخه چهار جزواست و وزن اجزا بیست و یک  
درم است و مزاج گرم در آخر درجه دوم و خشک است در یک درجه \* مفرح حار د یکدرونج خفقان و ضعف دل را که از سردی  
باشد به برد \* صنعت آن پوست اترج باد رنجبویه غنچه کل سرخ تخم خیارین ازهر يك سه درم بهمن سرخ بهمن سفید  
ازهر يك دودرم و نیم زعفران دودرم دارچینی یک رم و نیم تخم کرنس یک رم مشک خالص یک مثقال روغن بادام شیرین  
پنج مثقال نبات سفید ترنجبین سفید ازهر يك نیم من نبات و ترنجبین راد رگلاب حل سازند و بقوام آورند و ادویه را  
کوفته بپخته با آن بسرشند شربتی یک مثقال \* مفرح حار تا لیف حکیم معصوم شیرازی ضعف دل را که از سردی باشد  
سود دارد و موافق مزاج پیران بود \* صنعت آن زرنبا ده درم درونج عقربی گار زبان ازهر يك سه درم چند بید ستور قاقله  
کبار قوفه باد رنجبویه ازهر يك دودرم قرنفل زنجبیل ازهر يك یک رم اشنه بهمن سرخ بهمن سفید ازهر يك سه درم



مرور از يك ناسفته بسك مرجان قرمزى از هر يك دودرم مشك خالص عنبر اشهب از هر يك نیمدرم ورق طلا محلول در  
 دانك جواهر را صلايه كرده باقى ادويه را كوفته بحريو بپخته با سه وزن ادويه عسل مصفى بسروشك شربتى يك مثقال \*  
 مفرح حار نافع از برای سوزى مزاج بارد قلب وضعف قلب از بودت و خفقان بارد \* صنعت آن مصطكى عود هندى  
 دارچينى قرنفل سك سنبل الطيب جوز بواكبا به چينى قاقله كبارد انه هيل پوست اترج از هر يك يك مثقال مشك  
 خالص چهار دانك كوفته بحريو بپخته برب به شيرين رويا انا رشيرين وآب كيل بقل رجا جت سرشته معجون سازند \*  
 مفرح حار نافع از برای ضعف قلب و خفقان حادث از سوزى مزاج بارد سازج و حادث از خلط بارد \* صنعت آن كهرامى  
 شمعى چند بيك ستوا از هر يك پنچدرم پوست اترج سه درم فرنج مشك چهار درم كوفته بپخته بشراب سيب شيرين سرشتم  
 معجون سازند \* مفرح حار بنسخه ديكر \* صنعت آن قرنفل خولنجيان بسبا سه قاقله كبارد اشفه كل قرنفل كا و زبان زنجبيل  
 مصطكى ورق كل سرخ مرور از يك ناسفته زعفران پوست اترج از هر يك سه درم قوفه چهار درم جوز بواكبا به من سرخ به من سفيد  
 سنبل الطيب خصية الثعلب نار مشك فرنج مشك از هر يك پنچدرم بسك كهر با از هر يك يك درم يا قوت كمود ورق نقره  
 مشك خالص از هر يك نیمدرم سعل كوفى دودرم و نیم قند سفيد يكمن عسل مصفى بقل رجا جت يك ستور و رويا سا اندك  
 شربتى يك درم و اگر چند روز در جوانى كه مزاج كمود خوب است \* مفرح حار و منقول از قرا بدين نسخه جهت  
 خفقان و ما ليخو ليا و وحشت و تقويت معده و اشتها و هضم طعام نافع و موى را سيما و دارد و رنگ رخسار را نيك كرد ان شاء  
 صنعت آن باد زنجبيل قشور اترج قرنفل قوفه زعفران مصطكى جوز بواكبا قاقله كبارد نار مشك سك به منان زرد بيا درونچ تخم  
 فرنج مشك با السويه از هر يك دو جز و مشك عنبر نصف جز و قلعيله كابلې پوست عد دآمله سى عد دآن هردو را در سه رطل آب  
 بجزو شاكله تا آب بسوزد و عسل به آنك بعد از آن عسل را سه برابر ادويه كرده بسروشك شربتى از يك درم تا دودرم است و اين  
 نسخه اشبع از نوشيدن رواست جهت مرطوبى و مبرودى اين نسخه هفده جز و است و مزاجش گرم و خشك در اول درجه  
 سيموم \* مفرح حار و نافع جهت امراض بارده و رقيق مرجا كه باشد و جهت جنون و تقويت اعضاء و رفع سدها  
 بغايت نافع است گرم در سيموم و خشك در دودرم و قوالتش تا دوسال يا قى است و شربتى تا يك مثقال \* صنعت آن اشفه  
 اشفه از الطيب نار مشك فرنج مشك با السويه قوفه قرنفل دارچينى سنبل الطيب از هر يك مثل نصف اجزا مصطكى زعفران  
 از هر يك يك وزن ربع اجزا با عسل بسروشك \* مفرح دلكش بارد ضعف دل و دوسواس و خفقان با زائل كند و دل را قوت  
 دهد و نشاط تمام آورد \* صنعت آن مرور از يك ناسفته سه درم بسك كهرامى شمعى از هر يك يك درم لعل بد خشك يك مثقال  
 يا قوت زياد نیم مثقال بشب سبز قرنفل از هر يك يك درم به من سه درم كبا به چينى به من سرخ از هر يك يك درم  
 زرد بيا درم تخم باد زنجبيل سه درم سازج هندى يك درم درونچ عقربى نیم مثقال پوست ببيرون پسته سه درم پوست  
 اترج سه درم كا و زبان پنچدرم صندل سرخ صندل سفيد از هر يك سه درم كشنيز خشك دودرم ورق طلا ورق نقره  
 از هر يك نیم مثقال ورق كل سرخ سه درم دارچينى يك درم آمله منقى پنچدرم عصارة زرد شكده درم طين ارمنى  
 دودرم تخم فرنج مشك سه درم طبيا شير سفيد دودرم عود هندى خام يك مثقال كافور قيصوف نیمدرم زعفران دانكى  
 عنبر اشهب نیم مثقال مشك تركي يك دانك و نیم شراب سه ارض ببيرون شراب سيب اصقهاى پنچدرم مثقال شراب سفرجل  
 اصقهاى يك مثقال است مثقال ادويه را كوفته بپخته جواهر را صلايه كرده با شربه عد كوده بسروشك شربتى يك درم اين تركيب  
 سى و پنجاه رجز و است و وزن اجزا شصت و شصت درم است مزاج سرد است در اول درجه اولى و خشك است در وسط  
 درجه دوم \* مفرح دلكش حار خفقان و ضعف دل را كه از سردى بود سود دارد \* صنعت آن پوست ترنج كل سرخ با

باد رنجبویه کل کا وزبان مغز لحم خیارین ازهر یک پنجم درهم و نیم هلیله سیاه مغز بادام خشک شاش سفید کنجد مغشور ازهر یک سه درهم و زعفران دو درهم در او چینی سه درهم تخم کرفس یک درم مشک یک مثقال روغن بادام پنجم مثقال نبات سفید ترنجبین ازهر یک نیم من نبات سفید و ترنجبین کل غسل ستون و بقوام آورند و داروها کوفته بیخته بآن بسروشند \* مغز دلکش ای بار و طبها ششبر هفتین کل سوخ لعل کفر یا مروارید ناسفته ازهر یک یک مثقال صندل سفید کشنیز خشک ازهر یک دو درم تخم حوفه هشت درم زرشک منقح یک درم ورق طلا محلول ورق نقره محلول ازهر یک نیم درم پوست بیرون پسته یک درم قند سفید یکمن آب ترنج چهل مثقال بطریق معهود معجون سازند \* مغز دلکشای مومیا ئی تالیف حکیم عزت الله بواسطه تفریح و نشاط و رفع وسواس و مالیخولیا و ضعف دل و امراض سوداوی را هود دارد و خفقان و غشی را برطرف کند و فائده بسیار دارد \* صنعت آن یا قوت رمانی لعل بد خشانی مروارید بحری ناسفته کهر یا شمع بی بس فیروزه نشا پوری لاجورد مغسول ازهر یک دو درم ورق طلا نیم درم ورق نقره یک درم مشک یک درم عنبر اشهب صندل سفید هود قماری قرنفل قاقله کبارجل و ارخطائی دارچینی قاقله صغار ورق اترج سازج صندل شقائق مصری اشنه باد رنجبویه تخم مورد فرنجمشک کشنیز خشک غاریقون اسطوخودوس عود الصایب حاشا برک ربان مومیا ئی گانی کبابه چینی حب بلسان آمله منقح پوست هلیله گابی سعد کوفی سنبل الطیب ناردین ابریشم مقرض ازهر یک دو درم زعفران پنجم درم راسن حب الصنوبر خصیه الثعلب مصری درونج عقربی قشرا ترج بهمن سفید بهمن سرخ گا وزبان کیلانی مغز نارچیل مغز پسته ازهر یک سه درم آب سیب شیرین آب انار شیرین آب به آب امرو ازهر یک رطلی نبات برا بر همه اجزای ادویه کوفته بیخته غسل صاف کف گرفته دو وزن مجموع اجزا آب فواکه مذکور را با غسل بقوام آورند و هود نموده ادویه را به ترتیب داخل کرده خوب در هم بپوشند و شب دریا تیل کن ارنند تا سرد گردد بعد ازان در ظرف طلا یا نقره یا چینی کوزه سر ظرف را محکم کنند و مدت چهل یوم در میان جویک ارنند تا فیض از مبدئه فیاض بران فائض گردد و بعد ازان در رم میل فرمایند و از عقب آن پیاله کلاب یا چای بنوشند که انتعاش عجیب روی خواهد نمود و نشاط و فرد ست خواهد داد و الله اعلم \* مغز رشیدی خوشحالی و شکفتگی تمام آورد \* صنعت آن لعل بسپاسه ازهر یک پنجم مثقال زعفران سه مثقال جز و اعظم ده مثقال قند سفید پنجاه مثقال قند را در کلاب حل کنند و بقوام آورند و داروها کوفته بیخته بسروشند \* مغز رشیدی اقوی از اول \* صنعت آن لعل بد خشانی یا قوت رمانی مروارید ناسفته ازهر یک پنجم مثقال بسپاسه زعفران سازج هند اشنه انیسون تخم کرفس فرنجمشک پوست زردا توج ازهر یک یک مثقال کا وزبان هفت مثقال باد رنجبویه بهمن سرخ بهمن سفید سگ المسک ازهر یک دو مثقال مشک ترکی نیم مثقال ورق طلا ورق نقره محلولان ازهر یک پنجاه عددا بریشم مقرض عنبر اشهب ازهر یک یک مثقال زائل الفکر یا نرزه \* مثقال قند سفید غسل مصری ازهر یک دو سه وزن ادویه کلاب بک ارنند و بقوام آورند و ادویه را کوفته بیخته علی الرسم بآن بسروشند شریقی یک مثقال \* مغز ج سرد خفقان و ضعف دل را که از گرمی باشد زائل کند \* صنعت آن طباشیر و درم کا وزبان ده درم شیر آمله پانزده درم عصا زرشک پنجم درم صندل مقاصری سه درم بهمن سرخ بهمن سفید ازهر یک دو درم ورق کل سرخ پنجم درم درونج عقربی و درم کشنیز خشک پوست بیرون پسته مروارید ناسفته زعفران کهر یا سوخته ابریشم سوخته ازهر یک دو درم یا قوت چهار دانگ ورق طلا ورق نقره ازهر یک یک مثقال آب سیب ترش چهل درم آب حماض قند صافی کرده دو من بقوام آورند و داروها بد آن بسروشند شریقی یک درم این نسخه نوزده جز و است وزن آن شصت و دو درم مزاج سرد است و ثلث درجه و اول خشک است در او اخرد رجه اول \* مغز ج سرد دیگر خفقان و ضعف دل کرم را سود مند بود \* صنعت آن

طبایر سفید به من سفید ورق کل سرخ کا وزبان ازهر یک چهار درم به من سرخ لبید کهر با سروریل ناسفته  
ازهر یک یک درم صندل سفید کشید خشک ازهر یک دو درم نیم تورک هشت درم زرشک منانه دوازده درم  
ورق ملا ورق نقره ازهر یک نیم درم رطوبت بیرون بسته یک درم قند سفید یک من عرق ابله یک نیم من قند را  
با عرق بقوام آورند و در اوها بسرشدن شربتینی یک درم تا یک مثقال این نسخه با نوزده اجزاء است بغیر قند و  
عرق وزن آن چهل و شش درم مزاج سرد است در نیم درجه و خشک است در اهریک درجه \* مفرح سرد دیگر  
خفقا ناسود دارد \* صنعت آن سروریل ناسفته کهر با بسک سوخته کا وزبان کل ارمنی ازهر یک دو درم طبایر  
سفید یک درم مشک قرکی نیم مثقال قند سفید ده درم اجزاء کوفته پیخته بکلاب بسرشدن شربتینی یک درم این نسخه  
هشت اجزاء است با قند وزن آن بیست و یک درم و نیم دانه مزاج سرد است در درجه اول خشک در یک درجه  
و نیم \* مفرح سوسنبوری از حکمای قوس و شیمید ارد گفته که از تراکیب مشهوره شمع است که برای عصفور تالیف  
نموده و مفرح و مقوی و مسامحه است اجساد او بار و نافع است مطلق از مزاجه را در هر وقت که اعاده میکند قوام  
ساقطه را و ارواح که نقصان یافته باشد بصورت مسهل یا ازیم یا از غیر اینها جهت خفقا ن و رطوبه و اسهال و بر تان  
و سوء هضم و بر آنکه سختی باه نافع رسا کن نمودن درد قوس و معامل را معتدل است و کوبند گرم است در اول و نیافته اند  
در و ضرر چه در \* صنعت آن زرباد به من سرخ و سفید درونج با درنجبویه ازهر یک دو مثقال فرنج مشک شش مثقال و ج  
عود قماری ازهر یک پنج مثقال نعنای خشک سوسنبور ارچینی گنج مقشر جوز و زو ورق نقره محلول کهر با زعفران از  
هر یک دو مثقال بسیار به قوت احمر ازهر یک یک مثقال و نیم بعد از سحق بلیمع ادویه غیر معنی را در هشتاد مثقال  
و این موجب از کلاب و عرق ببله مشک و آب سیم و آب مرزنجوش و آب کا وزبان ازهر یک شانزده مثقال در فصل بهار  
یک شب بخوابانند و در زمستان دوشب و در بیست و پنج و مثقال عمل کوفته که سه وزن ادویه است بوزن در آورند  
بعد از آن در بیست و پنج و مثقال شیر تازه دوشب و را بخورد عمل دهند و در سمور یا عشر عمل که بیست و پنج مثقال  
باشد با روغن بنفشه با دام بجوشانند تا منعقد گردد و بعد از آن از سر آتش بزیاده آورده و ادویه را اضافه نمایند و باز  
بر آتش کفاشته اند کی بجوشانند و یک شب در پاتیل یک آوند اگر دوزخ بکوشد و نماید که آبی با او هست باز  
تک آوند آتش نرسی که بجوش نماید و بجای بر طرف شود و نگاه ادویه معنی که نقره و کهر با و با قوت است اضافه  
کنند و شمع وOLF نسخه میفرماید که اگر باد زهر معنی باشد و مثقال را که حیوانی باشد دوازده قیراط و کلاب  
عمل نموده نسقیه نمایند یک درم اورد و نشاء و کیفیت برابری یا یکمن خور میکند با وجود سلامت حس و محسوس  
اندراک و قند و شربتین تاد و مثقال است و قوتش تا بیست سال باقی است جهت حفظ صحت نداشته تناول نمایند  
و جهت قوت باه شب و جهت عموم با آب از زبان و جهت خفقا ن با عرق کا وزبان \* مفرح شاهی معتدل ضعف  
دل و مستی و قوت همه بدن را بغایت خوب است و نشاط و شکفتگی تمام بخشد و دیگر نفع ها دارد \* صنعت آن قاذور  
معدنی یک درم جل و ار محبوب خطائی زعفران ابریشم مقروض ازهر یک پنج درم باد رنجبویه هفت درم لعل لا جورد  
شسته ازهر یک ام دو درم یا قوت سروریل ناسفته ازهر یک سه درم صندلین کا وزبان کیلانی کل کا وزبان ازهر یک  
پنج درم درونج مقربی شیر آمله منقح زرباد طبایر سفید کشید خشک ازهر یک چهار درم ورق کل سرخ هشت  
درم عصاره شهاب یک درم مشک خالص نیم مثقال ورق طلا دانه یک ورق نقره سه دانه ادویه را نرم کوفته پیخته  
و جویا را خوب صلایه نموده همه را در عرق ببله مشک بسرشدن و در سایه خشک کنند و دیگر باره کوفته پیخته با سه چندان در

شریعت به شیرین معجون سازند و مفرح صغیر یا رد منقول از شرح سید بدی و صفت آن کشنیز خشک دودرم کل مفرح  
 طباشیر سفید از هر یک یکد رم کا فود و قیراط و شراب سیب بپوشند شربتی یک مثقال با شراب سیب یا حماض این  
 ترکیب جهان جزواست وزن آن چهار دودرم و دو قیراط و مزاج سردا در درجه خشک است قریب بسه درجه \* مفرح  
 قابض نافع است اسهال را و صنعت آن مودالید کهر یا بسل تخم کاسنی تخم کل از هر یک سه درم مرجان قرمز یکد رم و  
 نیم عقیق تخم حماض ریوند چینی عصا را ابر یا ریخ تخم کاهوی بری سرطان نهوی لك مغسول از هر یک دودرم لعل عود  
 از هر یک یکد رم بهمن سرخ بهمن سفید صندل سرخ صندل سفید طباشیر طین مختوم تخم خرفه قشور آمله ورق الآس  
 از هر یک پنج درم کشنیز خشک یکد رم و نیم زر نیاد زعفران از هر یک نیم درم پوست ترنج یکد رم برب به معجون  
 سازند این نسخه بیست و نه جزواست وزن آن هشتاد و شش درم مزاج سرد است در نیم درجه اول و خشک است در  
 یکد رجه و دو ثلث \* مفرح کبیر که مولانا فخرالدین طبیب بجهت سلطان یعقوب بدل شراب ترتیب داده \* صنعت آن  
 یا قوت زرد یا قوت رمانی کا و زبان پوصت اترج طباشیر ابریشم مقرض از هر یک شش درم یشب کهر یا باد رنجبویه قاقله  
 کبار کل مختوم کل ارمنی ورق طلا ورق نقره بهمن سفید بهمن سرخ سنبل الطیب قرفه کبابه چینی زر نیاد قاقله  
 صغار جد و از هر یک یکد رم و نیم زنجبیل ساذج هندی سعد کوفی زرشک منقش نیلوفر زعفران  
 از هر یک چهار درم نارمشک درون عقری صندل سفید صندل سرخ عنبر اشهب فاد زهر از هر یک سه درم مشک دو  
 درم آب به آب انار از هر یک صد و بیست درم کلاب عرق کا و زبان از هر یک سه درم نبات شش صد درم نبات رادر  
 آبها و کلاب و عرق کل اخته بقوام آورده اجزای کوفته پخته دران اند ازند و معجون سازند و در ظرف چینی و آبکینه کرده  
 بعد از شش ماه استعمال نمایند این ترکیب سی و شش جزواست بغیر از کلاب و عرق و آبها و وزن آن یکصد و چهار درم  
 و نیم و مزاج گرم است در نیم درجه و خشک است در آخر درجه اول \* مفرح کبیر که حکیم افضل کیلانی بجهت  
 ثواب جنت مکانی ابراهیم قطب شاه نورالله مرقه و ترتیب داده \* صنعت آن یا قوت سرخ مروارید ناسته یشب سبز  
 نارمشک شقاق طباشیر صندل سرخ صندل سفید تخم کشنیز خشک پوست هلیله کابلی آمله مغشور تخم کاسنی از هر یک  
 دو مثقال لعل بد خشی بهمن سرخ بهمن سفید سنبل قرفه کبابه چینی درون عقری عنبر اشهب کل مختوم کل ارمنی  
 باد زهر حیوانی ماه فرورین خطائی که جد و از است از هر یک یک مثقال زنجبیل زر نیاد ساذج هندی سعد کوفی زرشک بیدانه  
 نیلوفر مصطکی از هر یک سه مثقال کا و زبان پوست ترنج باد رنجبویه عود خام ابریشم مقرض از هر یک چهار مثقال مشک  
 نیم مثقال ورق طلا ده مثقال ورق نقره پنج مثقال آب به آب سیب آب بلخی آب انار کلاب عرق بید مشک عرق کا و زبان از  
 هر یک چهار مثقال نبات یکمن اجزای درم کوفته و بحریر پخته بعسل بقدر کفایت معجون سازند این ترکیب چهل و یک  
 جزواست بغیر نبات و مسک و کلاب و عرق و آب فوا که وزن آن نود و چهار مثقال و نیم مزاج گرم است در اول ربع دوم  
 درجه اول و خشک است در سه ربع درجه اول \* مفرح لنا شیخ داود انطاکی نوشته که من این مفرح را از مفردات ادویه  
 قلبیه شیخ استنباط نمودم و به تجربه و امتحان آوردم یافتم آنرا بالغ النفع جید الفعل نیکو عافیت صالح از برای جمیع امراض  
 بارده حادثه از سر تا قدم باطنی و ظاهری خوردن و مالیدن و اکتنال بآن نمودن حدت بخشد نور با صره را و مقوی  
 حواس و فکر و زیاده کنند و حفظ و فهم و مضطرب و شهوت باده و زائل کنند و یوقان و استسقا و جذام و بصر و نگاه دارند  
 عضو از اذیت سم و مسکن وجع مفاصل و عرق النساء و نقرص و حافظ جنین و مانع اسقاط و مصلح ارحام را و امراض مقعده  
 و منقبی اخلاط از جهه است و بالجملة افعال آن عجیب است خصوصا برای سرور و بهجت از غیر تخم و رو و اختلاط عقل و این

مركوب كرم در درجه دوم و خشك است و در درجه اول قوتش تا سه سال باقى بماند و سويبت آن يك مثقال است. صنعت آن  
 قرنفل دارچيني اسارون از هر يك بيست مثقال قافله كبريا قافله صفاد برك كاو زبان زنب درج هفتاد و نيم درج هشتاد و نيم درج نود و نيم  
 تمام برنجاصف بادرنجبويه از هر يك پانزده مثقال ادويه كوخته بوزن جميع كلاب و عرق بذر بنفشه و در شيشه بزنابند  
 پس بگيرند مروراريد ناسفته جيد موجدان كهر با از هر يك شش مثقال ورق طلا و ورق نقره مخلوط اين خشك خالص منبر اشهب  
 عود هندى خام عرقى از هر يك سه مثقال كوفته در قابله بگذازند و ادويه مسطوره را بر آب بن عرق كشدن قاتمام عرق بپايد  
 پس قابله را بپزد داشته در آب ملايم بگذازند و بگيرند شراب صيب شيرين شراب انار شيرين شراب ربياس و عمل از هر يك  
 نيم مرطل و بر آتش ملايم بگذازند و از عرق مسطور اندك اندك بران بچكانند تا منعقد گردد و عرق تمام شود پس از آتش  
 فرود آورده صندل سرخ و زرد از هر يك پنج مثقال تخم مروت تخم ريحان از هر يك چهار مثقال زمرد اعلى يك چهارم يك مثقال  
 سائيد و با آن مزوج نموده در ظرف طلا يا نقره يا چيني نگاه دارند و نوشته كه تخم مروت ريحان را بگويند. مفرح لند يكر  
 از شمع داود انطاكي كه قريب است در نفع بانسخته اول وقتيكه در مزاج كرمي باشد و نيكو است براى جوانان و مسكن فساد  
 صفرا و خون است و طاعون و وبا را مجرب است و جهت تغيير هوا و نيكو است و آن كرم است در درجه دوم و خشك در  
 درجه اول مقدار اشربت از آن يك مثقال و قوت آن تا قريب سه سال باقى بماند. صنعت آن صندل هندى سه قسم آن زرشك  
 منقى كشنيز خشك كل سرخ مزوج الا قمع از هر يك بيست مثقال عود هندى خام عرقى نعناع خشك مرزنجوش از  
 هر يك دو مثقال ادويه را جو كوب نموده دوسه وزن تمام ادويه به سرکه مقطر بخيسانند و شبانروز پس تقطير نمايند بر  
 زرد اين ادويه كهر با مروراريد ناسفته بزرگ دانه ورق نقره از هر يك هفت مثقال زمرد موجدان كهر كه كند و است از هر يك  
 چهار مثقال منبر مصطكي عمل كوفى از هر يك دو مثقال كه بسيار نرم كوفته بپخته باشند پس اين آب مقطر را با سه رطل  
 نبات سفيد بقوام آورند و از آتش بر كرفته دارچيني آمله منقى پوست هليلجه كابل طين مستحوم تخم رجه از هر يك پنج  
 مثقال طباشير سفيد سه مثقال كافور خالص يك مثقال نرم سوده بد آن نيكويا ميزند و در ظرف نقره يا چيني نگاه دارند  
 و موافق سن و شخص و بلك استعمال نمايند. مفرح مائل بحرارى نافع از براى خفقان و ضعف حادث از زردت و از موه  
 مزاج سوده اوم و توحش و زهراس را دور كنند و غم را از اذل كودايد و قروح و نشاط آورد. صنعت آن بادرنجبويه كاو زبان تخم  
 غرغره خشك بهمن سرخ بهمن سفيد از هر يك هفت درم دارچيني كشنيز خشك طباشير سفيد كهر با سه عود هندى ابريشم  
 خام مروراريد ناسفته از هر يك دو درم زعفران يك مثقال قرنفل دو درم زرنباد درونج از هر يك سه درم ورق طلا و ورق نقره  
 بانوت و ماني خشك فبتي خالص از هر يك نيم مثقال زرنب دو درم كبابه چيني قافله از هر يك سه درم آمله منقى در شراب  
 خيسانيد و در سايه خشك كرده بيست درم كل سرخ پاك كرده پنج درم صندل سفيد سوده سه درم جوهر را صلايه  
 كند و تا چون بپاشند و ورق طلا و نقره را داخل نمايند و باقى ادويه را كوفته بپخته بگيرند عمل اهليلج كابل مربي نصفه  
 رطل جلا بيهكه بقوام عمل آورده باشند و در آن جلاب آب صيب و كلاب داخل كرده ادويه را با آن بشویند و در ظرف چيني  
 محافظت نمايند شربتى از يك مثقال قافله و مثقال اين نسخه منقول از شرح موجز مى يد است كه باصم مفرح بانوتى مائل  
 بحرارى ذكر كرده و اين همان مفرح منقول از اختيارات است بتفاوت. مفرح مائل بحرارى احراز مفرح قبل. صنعت آن  
 قافله قرنفل دارچيني سفيد الطيب قرنجم خشك درونج از هر يك دو درم كبابه چيني قافله از هر يك پنج درم نار خشك عود  
 هندى سادج هندى از هر يك دو درم زعفران مصطكي از هر يك يك مثقال منبر اشهب يك مثقال خشك خالص نيم مثقال  
 ورق طلا ربع مثقالى آمله منقى در آب مرمر سرخ خيسانيد و بر آن كرده پانزده درم ادويه را كوفته بپخته بعسل هليلجه مز

سر یا بسر شش شربت بنی ایک مفرغ تا دو درم به مفرغ مال الخویا خوش را نافع با شش و دل و قوت ده و نشاط آورد \*

صنعت آن ورق کل سرخ سعد کونی قرنفل از هر یک پنجاه درم بسپاسه پوست ترنج قوفه تخم قرنفل از هر یک سه درم مشک

دانکی کوفته به نسخه لشراب سبب چون سازند \* مفرغ مختصر دل را قوت ده و خوش و الخویا را سود مند بود \*

صنعت آن بسد کهر با مرور اید ناسفته فرنج مشک سک قشرا ترح آمه مقشر از هر یک سه درم ایشم خام بادرنجبویه

لسان الثور از هر یک سه درم و نیم مشک خالص نیم درم اجزا کوفته به نسخه با شربت افیمون بسر شش شربت بنی سه درم \*

مفرغ مسیحی به نسخه حکیم معصوم در ترنج و نشاط قریب به طرب الحجال است \* صنعت آن قوفه کار زبان بادرنجبویه

ورق کل سرخ از هر یک پنج مثقال خولنجان کبابه چینی قرنفل سنبل الطیب قافله کبار و صغار جوز و با تخم فرنج مشک

مصطکی رومی پوست زرد اترج لسان العصافیر اشنه از هر یک چهار مثقال ساذج هندی سعد کونی زنجبیل دارفلغل

مرور اید ناسفته لعل بد خشی یا قوت رمانی کهر با مرجان جد و اخطائی از هر یک ام دو مثقال عنبر اشهب یک مثقال

مشک خالص دودا نک زعفران سه درم ورق طلا دودا نک ورق نقره یک مثقال اجزا را بد ستور معمول کوفته بقاعه \*

متعارف با سه چهل ان غسل و قند بسر شش شربت بنی یک درم تا یک درم و نیم \* مفرغ مسیحی به نسخه شفا فی دل

و جگر و ماغرا قوت ده و منی بیفزاید و اشتها ی طعام آورد و در مجامعت نظیرند ارد \* صنعت آن قوفه کار زبان

بادرنجبویه ورق کل سرخ از هر یک پنج درم خولنجان کبابه چینی قرنفل سنبل الطیب قافله کبار و صغار جوز و با تخم فرنج مشک

مصطکی پوست ترنج لسان العصافیر بسپاسه از هر یک سه درم اشنه چهار درم مرور اید ناسفته ساذج هندی سعد کونی

عنبر اشهب از هر یک دو درم زنجبیل دارفلغل از هر یک یک درم خصیة الثعلب ده درم مشک زرمحلول نقره محلول از

هر یک نیم درم لعل کهر با بسد از هر یک یک درم جزو اعظم سی مثقال با غسل دو وزن ادویه معجون سازند چنانچه رسم

است \* مفرغ مسیحی به نسخه آن مرحوم جهت تقویت دماغ و جگر و معدة و پشت و کرده و هاضمه نافع و منی

بیفزاید و اشتها ی طعام آورد \* صنعت آن ورق قرنفل است کار زبان بادرنجبویه قوفه ورق کل سرخ از هر یک پنجاه درم

خولنجان کبابه قرنفل جوز الطیب قافله کبار و صغار تخم فرنج مشک پوست زرد اترج خصیة الثعلب مصری لسان العصافیر

بسپاسه از هر یک سه درم سنبل الطیب اشنه عنبر اشهب مرور اید ناسفته از هر یک دو درم زنجبیل دارفلغل ورق کل

سفید که بفارسی کل مشک و بهندی سیوتی نامند لعل بد خشی کهر با بسد از هر یک یک درم مشک تبی ورق طلا ورق

نقره از هر یک نیم مثقال ادویه کوفته به نسخه بروغن بادام بیست درم چرب نموده با سه وزن ادویه غسل بقوام آورند \*

مفرغ دیگر قریب النفع است بدان \* صنعت آن قرنفل بسپاسه خولنجان قافله کبار اشنه ورق قرنفل است که

بهندی رام تلخی نامند کار زبان زنجبیل پوست زرد اترج زعفران مصطکی ورق کل سرخ مرور اید ناسفته

از هر یک سه درم قوفه چهار درم جوز الطیب سنبل الطیب بهمن سرخ بهمن سفید خصیة الثعلب نار مشک فرنج مشک لعل

بد خشی بسد کهر با قوفه از هر یک یک درم عنبر اشهب سعد کونی از هر یک دو درم مشک ترکی یا قوت کبود از هر یک نیم

درم ورق طلا ورق نقره از هر یک نیم مثقال جزو اعظم سی مثقال علی الرسم با سه وزن ادویه غسل خالص مصفی یا غسل و نبات

بالمناصفه بسر شش شربت بنی بقدر حاجت \* مفرغ مشهه هاضم و مبهی از مجربات حکیم علی است \* صنعت آن دارچینی

بسپاسه خولنجان از هر یک سه مثقال قرنفل عود قماری بوزید ان عنبر اشهب از هر یک دو مثقال مصطکی زعفران بهمنان

از هر یک پنج مثقال مشک نیم مثقال ورق الخیال بقدر حاجت غسل سه وزن ادویه و اگر خواهند بد ل ورق الخیال بیخ

لغاج یا بیخ شبیبی کنند و علی الرسم معجون سازند شربت بنی یک مثقال \* مفرغ معتدل منقول از حار و صغیر ابن الیاس \*

صنعت آن مرور بد ناسفته کوزیلن کشیز خشک از هر یک ده درم و فرج خشک سست درم کهر بای سمی تخم کاسنی از هر یک  
 پنج درم صندل سرخ صندل سفید ساذج هند ی زرنباد تخم خرچ خشک تخم بالنکو بادریجی به کل بنفشه خشک کل ارمنی  
 مغسول تخم خشخاش سفید از هر یک چهار درم درونج عقر بی سه درم کل سرخ شش درم لب شیر به صندل هشت درم سنا مکی  
 شش درم کافور قیصری یک درم عنبر و شهاب یک درم و نیم مشک تبی دودانک عود هند کاهه شغال زعفران در درم اجزای  
 گرفته بنخته با شراب سیب سه وزن ادویه بد ستور مقرو ترکیب نمایند \* مفرح معتدل دیگر خفقان و ضعف دل را نافع  
 بود و سوس را زائل کند و نشاط آورد و مولانا سلید در شرح موجز گفته که نیز از خواص این مفرح آن است که رنگ را نیکو  
 میکند و اشتهای طعام می آورد و فکر را نیکو میگرداند و نافع است از برای التهاب و عطش \* صنعت آن مرور بد ناسفته  
 بس از هر یک پنج درم تخم کاسنی دو درم و نیم درونج عقر بی یک درم ساذج هند ی و درم و نیم افیمون ورق کل سرخ  
 از هر یک سه درم زرنباد دو درم تخم بالنکو تخم فرج خشک از هر یک دو درم و در بعضی نسخه ها سنا مکی نیز سه درم داخل است  
 زعفران اشهب از هر یک یک درم کافور قیصری نیم درم مشک ترکی دانی عود هند ی خام پنج درم کشیز و مقشود و درم  
 و نیم خشخاش سه درم کل بنفشه کل ارمنی از هر یک دو درم و نیم طلا و نقره از هر یک یک مثقال لعل بد خشکی نیم مثقال  
 و سه را با شراب سیب خالص یا شراب حماض بد ستور بسوزند شربتی بد درم تا یک مثقال اگر شراب سیب  
 خواست بسوزند یکصد و هشتاد مثقال و اگر شراب حماض خواست هشتاد و پنج مثقال یا یک گدر اگر ایسی شراب سیب  
 و نیم دیگر شراب حماض کنند بهتر باشد و در نسخه دیگر بنظر رسیده که اگر با شراب سیب خواست یکصد و هشتاد  
 مثقال و اگر با شراب حماض خواست یکصد و هشتاد و پنج مثقال کنند و این نسخه صحیح است و در نسخه صاحب میزان الطابع  
 از اختیارات نقل کرده که و با و تخم کاسنی و ساذج و تخم بالنکو و تخم درونج مشک از هر یک دو درم و دو درم و گفته که این  
 ترکیب بیست و هشت جزو است و وزن آن شصت و نه درم است و اگر سنا داخل کنند بیست و نه جزو میشود و وزن  
 جزو هشتاد و دو درم مزاج معتدل در حرارت و برودت و خشک است در آخر درجه اول و در نسخه صاحب ذخیره  
 در نسخه شش سه درم بر اجزای مسطویه زیاد کرده و طلا و نقره و لعل داخل ندارد و وزن ساذج و تخم فرج خشک و کشیز  
 و تخم بالنکو از هر یک دو درم و وزن کافور و دودانک و وزن عنبر چهار درم و وزن عود هند ی یک مثقال است و سه درم  
 سنا مکی در از اجزای آن ساقط کرده اند و گفته با شراب سیب بسوزند و شربتی در درم و سه درم و نسخه که حکیم سلید  
 در شرح موجز آورده موافق است با نسخه ذخیره الا آنکه کوزیلان طیار شود و داخل است از هر یک سه درم و نیم  
 و وزن کل سرخ سه درم و نیم است و وزن عنبر یک درم و وزن کافور و دودانک و وزن مشک ربع مثقال و وزن عود هند ی پنج  
 درم و نسخه حاوی صغیر و موافق است با نسخه ذخیره الا آنکه وزن عنبر یک درم است و وزن کافور و دودانک و وزن  
 مشک ربع درم \* مفرح معتدل منقول از قزوین فلانی خفقان و ضعف قلب و دفع بود و توجش سودا و زائل  
 کند \* صنعت آن طیار بد ستور یک درم خشک مغسول کل سرخ مرور بد ناسفته مرجان کهر یا بس از هر یک سه درم صندل سرخ  
 صندل سفید حجازی مغسول کل طیار و کل بنفشه یمن سوزج یمن ساذج درونج عقر بی بادریجی به فرج خشک عود  
 هند ی از هر یک دو درم لاجورد مغسول یک درم و سنا مکی یک درم سنا زعفران یک درم و نیم زعفران یک درم عنبر و شهاب چهار درم  
 عقر بی یک درم و نیم اشبه ساذج هند ی و نیم زرنباد از هر یک یک درم و نیم زعفران یک درم عنبر و شهاب چهار درم  
 مشک یک درم شربان از هر یک ربع من این نسخه سی و یک جزو است و غیر از شراب انار و قند و وزن اجزای شصت  
 و دو درم و دو درم و آنکه مزاج معتدل است در حرارت و برودت و خشک است در آخر درجه اولی \* مفرح معتدل دیگر را



تالیف ثانی بن قریب و صمد کس را موافق بود بهر سه متون حیرت افشان و اسوداد از نشاط افزاید و ضعف دل را  
 زایل کند \* صنعت آن طباشیر سفید یا در نجبویه مرجان سفید تخم کاسنی تخم خرفه مقشر که هر دای شمع یا زهر یک سه درم  
 مرجان قرمز یا ابریشم مقصر من عود هند یا زهر یک و درم کوفته به نخل بشارب سلب شمران بقدر حاجت بسرشیدل شربت  
 یک مثقال \* مفرح معتدل دیگر که قریب است به نسخه اول و در نفع از برای وسواس و توجش سودا و اریان نفع از آن  
 است \* صنعت آن مر و اریان ناسفته بس از هر یک سه درم یا قوت رمانی عقیق یمنی لاجورد مغسول از هر یک یک درم  
 کهر یا صندل سفید صندل سرخ بهمن سفید بهمن سرخ ابریشم مقرض سازج هند یا بسبب کشتنیز خشک تخم فرنجیه خشک  
 تخم باد رنجبویه تخم خشخاش سفید کل ارمی از هر یک دو درم کا و زبان پنجه رم آمه منقی هفت درم فرنجیه خشک ورق  
 کل سرخ طباشیر سفید تخم کاسنی سنا مکی سرطان نهری حرق مرجان قرمز از هر یک سه درم زعفران درونج از هر یک  
 یک درم تخم خرفه مقشر چهار درم عنبر اشوب چهار دانگ کافور قیصوری و دانگ عود هند یا شش دانگ مشک یک  
 دانگ شیرین نبات یک درم طل رب سیب شیرین نیم رطل آدویه رابآن بسرشیدل و در نسخه دیگر مر و اریان پنجه رم و عود هند یا  
 در و مثقال و بجای بسبب زرنبا در و مثقال و در نسخه اخیر در یک نسخه عنبر چهار دانگ و در نسخه دیگر عنبر چهار درم و این  
 نسخه سی و پنج جزو است بغیرا نبات رب سیب و وزن هشتاد و سه درم است اگر عنبر چهار درم باشد و اگر چهار دانگ  
 باشد تخمینا هشتاد درم است و در نسخه میزان الطابع وزن مر و اریان پنجه رم است و مزاج معتدل است و در حوارب  
 و برودت و خشک است و یک رجه و نیم \* مفرح معتدل خفیان و ضعف قایم و توجش مواد سودا و اریان نافع است و این  
 مفرح تالیف قوام الدین صاعد مهلبی است \* صنعت آن کل سرخ چهار درم نیلوفر لسان الثور کشتنیز خشک باد رنجبویه و درم  
 سفید بود ری سرخ بسفایج از هر یک سه درم طباشیر سفید و درم بهمن سفید بهمن سرخ صندل سرخ فرنجیه خشک عود  
 هند یا سعد کوفی خولنجان از هر یک دو درم حجرار منی مغسول لاجورد مغسول تخم کشتوت تخم کاسنی مفرح خربزه  
 یا قوت رمانی لعل یک خشی زمر درونج خیر بواجوز بوا از زرنبا از هر یک یک مثقال بس مر و اریان ناسفته مرجان  
 قرمز یا کهر یا عنبر اشوب از هر یک دو درم هلیله سیا و پنجه رم آمه منقی یا زده درم افیمون چهار درم قرنفیل  
 سنبل الطیب بسبب سازج هند یا زهر یک یک درم کافور چهار دانگ مشک دودانگ اجزا را کوفته به نخل با نبات یا عرق  
 کا و زبان رب سیب شیرین بقوام آرد و بسرشیدل شربت یک مثقال است این ترکیب چهل و پنج جزو است و وزن  
 اجزا هشتاد و چهار درم و دوا زده مثقال مزاج معتدل مائل بحرارت است و خشک است در و اریان درجه دوم \* مفرح  
 معتدل که حکیم عماد الدین محمود شیرازی ترتیب داده \* صنعت آن یا قوت رمانی مر و اریان ناسفته بس کهر یا شمع  
 از هر یک یک مثقال کا و زبان صندل سفید از هر یک سه مثقال صندل سرخ و در مثقال کل سرخ چهار مثقال مصطکی فرنجیه خشک  
 درونج تخم کاسنی تخم خرفه مقشر از هر یک دو مثقال سازج یک مثقال زرنبا دو مثقال طباشیر سفید باد رنجبویه از هر یک  
 سه مثقال عود خام و در مثقال کشتنیز خشک عنبر اشوب از هر یک یک مثقال ابریشم مقرض پوست اترج از هر یک دو مثقال  
 عصاره زرشک پنجه مثقال شیر آمه هشت مثقال زعفران چهار مثقال کافور قیصوری یک مثقال مشک تبی ورق طلا از هر یک  
 یک مثقال ورق نقره دو مثقال عمل مصفی قند سفید با مساوات سه وزن آدویه یک ستور ترکیب نماید و این ترکیب سی  
 و پنج جزو است و وزن اجزا هفتاد و شش مثقال مزاج گرم است در و اریان درجه اولی و خشک در و اریان \* مفرح معتدل  
 مقوی که مرحمت و غفران مآب حکیم احمد در مجربات خود ذکر کرده قلمی فرمود که والد ماجد غفران پناه مکرر این  
 مفرح را برای خود ساخته اند و کمال تقویت دارد \* صنعت آن مر و اریان ناسفته یک مثقال یشب سبز بس مرق مغسول

لهوذا زهر يك چهار مثقال يا قوت رمانى عنبر اشهب زهر يك سه مثقال ورق طوك دار چيني زهر يك كه مثقال ورق نقره  
و ست هائيله كالبلي زعفران مصطكى زهر يك دو مثقال بصير سرج بهمن سفيد صندل سرج صندل سفيد كشنيز خشك  
مغشقه كل سرج كل مختوم خشم فرج خشك عود قمارى خام تخم حزنه مقشر از هريك سه مثقال كالبه چيني زرد نماد درونج  
عقربى قرنفل دودرمى كلكون تودرى زرد از هريك يكه مثقال ونيم بادرنجبويه سا دج هندى پوست بدرون پسته پوست زرد  
نوج كل كا زبان از هريك دو مثقال ونيم آمله منقى خصيه الغلب مصرى از هريك چهار مثقال عصاره زرشك ده مثقال  
جزا را كوفته بپخته با پنجاه مثقال شراب سيب شيرين و سه وزن ادويه قند معجون سازند و اگر خواهند كه تقوييت  
معد و كند بپست و پنج مثقال آمله منقى داخل نمايند \* مفرح معتدل تا ايقظ حكيم احمى بنهايت مقوى و آزموده  
ست \* صنعت آن يا قوت رمانى يا قوت زرد مرواريد ناسفته زهر يك ده مثقال كهريز شمعى اسد ابريشم مقرض طباشير  
سفيد تخم خرفه مقشر صندل سفيد عصاره زرشك از هريك پنج مثقال مرجان قورمى يشب سبز زهر يك چهار مثقال  
عنبر اشهب از سه مثقال تا چهار مثقال مشك تبتي قافله صغار مصطكى رومى درونج عقربى تخم فرج خشك عود قمارى كل  
ياقوت زهر يك يكه مثقال ونيم كل كا زبان كا زبان كشنيز خشك مقشر كل ايوغى مغسول ورق كل سرج بهمن سفيد بهمن  
سرخ از هريك چهار مثقال پوست زرد از هريك تخم خشخاش سفيد از هريك سه مثقال صندل سرج ورق طلا از هريك در  
مثقال زرد نماد يكه مثقال ورق نقره دو مثقال ونيم اجزا را با ستودم قورمى شراب سيب شيرين و شراب به شيرين معجون  
از يك شويى يكه مثقال \* مفرح معتدل منقول از قوباد بن نجيب الكل بن سموقلى \* صنعت آن كا زبان كهروا مرواريد  
سفته كشنيز خشك بهمن سفيد كل سرج پوست زرد از هريك ابريشم خام مقرض تخم خرفه مقشر از هريك دودرم كوفته بپخته  
سلى هائيله مرواريد بدرون ادويه بسوختن شويى يكه مثقال اين تركيب سواى عسل هائيله مرواريد جزواست و وزن اجزا  
ده درم است مزاج معتدل است دوكرمى و سردى و خشك است در وسط درجه اولى \* مفرح معتدل خفقا نضعف  
نارز قل كند \* صنعت آن بهمن پنجه و مرواريد هائيله كالبلي كا زبان طباشير سفيد شاد دودر باد و انجبويه ابريشم  
و ش پوست از هريك پوست بدرون پسته زهر يك دودرم عود هندى زرد زهر يك يكه زهر يك اسد محرق مرواريد  
سفته زهر يك دودرم مجروح را كوفته و نوزده بپخته آب ناراب زرشك آب حماض از هريك ده درم قند سفيد سه مثقال  
رب سيب بهست مثقال قند را با آبها حل كرده صاف نمايند و با شراب سيب بقوام آرد و آن وزير محلول زعفران محلول  
بر يك نوبت درم داخل كند و در آخر دوا را با آن بسوختند و يك درم و نيم مشك خط نى داخل نمايند بعد از چهل روز  
معدل كند شويى كل درم \* مفرح معتدل فائق به نسخه ميوان لطيفه \* صنعت آن نسان النور اسد كشنيز خشك  
زرد نماد سفته بهمن سرج بهمن سفيد پوست زرد از هريك شمعى تخم خرفه مقشر اجزا مساوى كوفته بپخته عسل  
سه سوايه وزن دودر معجون سازند شويى دودرم اين نسخه نه جزواست مزاج معتدل است در جوارى و بوردت  
خشك است در آخر درجه دوم \* مفرح معتدل قانون ديكر \* صنعت آن نسان لغضا زهر كشنيز خشك بهمن سرج بهمن  
كل نوبت زرد از هريك زهر يك سه درم سوزان با سفته يك درم و نيم طين مختوم دودرم كا قورمى صوري ربع درم كوفته بپخته  
سرب سوزش معجون سائيد شويى يكه زهر يك زهر يك سيب شيرين اين نسخه هفت جزواست و وزن آن پانزده  
درم يك انگ و نيم مزاج سواست در سه درجه و خشك است در درجه \* مفرح ملوكى اگر كاش بپوشد شويى جهت  
معدل در اطراف جاش از رواج و وسط نفس و قوت بدن زافع و كرم و خشك دارد و بهر وقتش قافيت سال باقى است  
اگر در شش درم مثقال بماء كورند با آب راس \* صنعت آن قافله صغار و كبر از هريك دو مثقال زرد نماد دودرم

که بسبب حبس خون معتاد باشد سود دهن و مفتح دهن رکهای باسود است **صنعت آن** اب پیا زنجیر و مرهم مقل قنده زهره  
 کا و مجموع را در هم مخلوط نموده سرشته ضام نمایند اگر نتوانند در افکاب نشینند تا خشک گردد دیهتر است و الا شب  
 مالیده برک بیل انجیر کرم کرده بران بسته بخوابند و بعد از خشک شدن در باب کرم بشویند **صنعت آن** مقل ازرق که نقش بر باد  
 را سود دارد و بقایای اورام بارده را تحلیل دهد **صنعت آن** مقل ازرق کند حلیه بزرگ اشق کوفته بیخته بشراب ضام  
 کنند **قرص** مقل صلابت کبد و معدة را در کرد اند و ریاح بواسیر را نفع دارد و این تالیف **محل** من ذکر است **صنعت آن**  
 مقل ازرق سه درم کل سرخ مغزوع الا قمع ده درم سنبل الطیب مصطکی ازهر یک درم قسطلخ صغیر بادام  
 تلخ ازهر یک یک درم و نیم زعفران یک درم مقل را در شراب حل نمایند و به کوفته بیخته بآن سرشته اقراض سازند  
 هر قرصی سه درم شربت در صلابت کبد با آب کاسنی تازه و یا آب کرفس و یا آب رازیانه و در صلابت معدة با عرق بادرنجبویه  
 و در بواسیر یا آب کند نا **قرص** مقل به نسخه دیگر که همین منافع دارد و یکی از متاخرین آنرا در سوء مزاج کبد و قتیکه  
 با ورم صلب باشد ذکر کرده **صنعت آن** مقل ازرق سه درم مصطکی دو درم و نیم سنبل الطیب دو درم قسطلخ صغیر بادام  
 تلخ مقشر ازهر یک یک درم و نیم زعفران مرمری صافی ازهر یک یک درم مجموع را کوفته بیخته سوای مقل ازرق که اقراض  
 شراب ریحانی یا آب کرم حل سازند پس ادویه کوفته را بآن برشند و اقراض سازند هر قرصی سه درم شربت یک درم و نیم آب  
 کاسنی تازه در سوء مزاج حار و با ماء العسل یا شراب یا با ماء الکرفس و یا با ماء الرازیانه در سوء مزاج بارد که با ورم صلب  
 یا ورم بلغمی باشد **فصل در بیان مرهمیکه اصل و عمود در آنها مقل است**

مرهم مقل قلمی فرموده اند که این از تالیف این بند و درگاه ولایت مآب است در تحلیل اورام صلبه و صلابت عضلات  
 مجرب است **صنعت آن** مقل ازرق اشق ازهر یک هشت درم کل سرخ بیست درم کل بابونه هشت درم اکلیل **صنعت آن**  
 الثعلب ازهر یک نه درم برک چغندر ده عدد بوک کلم پنج عدد زرنیاد زراوند من حرج مرزنجوش پرسیاوشان ازهر یک  
 چهار درم حاشا زوفای خشک برک غار حلیه بزرگتان ازهر یک هشت درم عود هند و چهار درم مجموع را کوفته با آب بخیزد  
 در هاون انداخته روغن حب الخروع بیست درم روغن نار درین پیله مرغ که اخته مغز قلم کا و ازهر یک شانزده درم روغن **صنعت آن**  
 هفت درم اشق و مقل را در سرکه انکور یا بخیر سازند تا حل شود پس با مجموع ادویه پخته در هاون کرده چنگ بپزند  
 بمالند که چون مرهم شود شب ها بر موضع صلابت ضام نمایند **مرهم** مقل دیگر که درد بواسیر را بنشانند و نفع را بشکند  
**صنعت آن** روغن استه زرد آلو تلخ یک استار پیله بطینج درم میعه سائله سه درم مقل ازرق دو درم زفت رومی یک  
 مثقال و نیم بل ستور مرهم سازند و بر پنبه که نه آلوده بر معدة نهند **مرهم** مقل دیگر که بجهت بواسیر نافع است  
**صنعت آن** روغن استه زرد آلو تلخ ده درم پیله کوهان شتر و استار موم صاف برک شفتا لوی خشک ازهر یک سه درم  
 مقل ازرق یک مثقال مود استک دو درم بل ستور مرهم سازند و بر پنبه پاره که نه نهاده بر موضع علت نهند **مرهم** مقل  
 دیگر که بواسیر و نوا صیر و ورم و استسقا و شقاق مقعد را نافع است **صنعت آن** مقل ازرق چهار مثقال را نیمج  
 انزروت سفید بوش درین صراطان زهری محرق مود استک سفید اب قلعی نشاسته جاوشی و علك البطم زراوند طویل  
 ازهر یک یک مثقال کافور قیصری نیم مثقال روغن کل روغن پیله کوهان شتر ازهر یک چهل مثقال موم سفید سه مثقال  
 آب کن نابقل رخا جت صمغ را در آب کنند تا موم را در روغن ها که اخته ادویه را کوفته بیخته با صمغ محلول و موم  
 و روغن ها که اخته بسوزند و در هاون بل سته بمالند تا یکسان شود و استعمال نمایند و قبل از استعمال این مرهم عضورا  
 با آبیکه بیخ نی دران جوشانید باشد بشویند **مرهم** مقل دیگر که بواسیر و درد مقعد و وزحیر را نافع است **صنعت آن**

مغز ساق کهاده درم موم سفید سه دوم فاقا دم الاخرین کند رمرسانی ازهر یک نیم درم مرد اسنگ سفید آب ازهر یک یک درم نیم مقل البهید یک درم افیون یک درم اسنگ روغن کل سوخ بیستند درم بطریق معمول مرهم سازند و بکار برند \* مرهم مقل دکه نیکو است از برای شقاق مقعد و دو درم انوار جاع بواسیر \* صنعت آن سفید آب از هر یک درم مرد اسنگ مقل ازرق ازهر یک یک درم روغن زیتون روغن کل سوخ مغز ساق کا موم آب برک کشنیز تازه از هر یک پنج درم بدستور مقرر مرهم سازند و بکار برند و بر کیوند در باطن پانصد باذن الله تعالی نافع است \* مرهم مقل دیکر نافع از برای شقاق مقعد و که بسیار خوب و سوزن ناست \* صنعت آن موم مصفی روغن کنجد پیه بط مغز ساق کا پیه کوهان شتر مقل ازرق ازهر یک یک درم صاحب عقل را داخل کرده در هارن بد سته بمالند تا یکسان شود و استعمال نمایند \* مرهم مقل دیکر که نواصیر بواسیر و شقاق و درد مقعد و رامقید است \* صنعت آن روغن کنجد پیه بط مغز ساق کا روغن کوهان شتر زرد و زعفران مقل ازرق اجزا صغاری مقل را در لعاب بزراکتان حل نموده با مجموع بدستور مقرر مرهم سازند \* معجون مقل طبع را نرم دارد و بواسیر را باد هارا که در مقعد و زرد ها باشد قائل و دهان و آماش مقعد را سود مند ببرد \* صنعت آن بنسخه شهابی پوست هلیله کا بلی هلیله آمله منقی سپند ان سفید تخم کند نا تخم شاه مغرم ازهر یک یک درم مقل پنجا و درم د رسوکه انگوری حل کنند با سه چند ان عسل کف گرفته بقوام آورند و دارو ها بد آن بر سرشند و شربت دو درم \* صنعت این معجون بنسخه حکیم معصوم مقل ازرق دو درم پوست هلیله زرد پوست هلیله کا بلی پوست هلیله آمله منقی سپند ان تخم کند نا شاه تر و ازهر یک پنج درم مقل د آب کند نا حل کنند و دارو ها درین بپاشند و با سه در آن عسل بر سرشند شربت دو درم \* معجون مقل دیکر جهت اسهال بواسیر و تقویت معده و تقویت ریه \* صنعت آن مقل ازرق پوست هلیله زرد پوست هلیله آمله منقی تخم سپند ان شاه تر و ازهر یک شش مثقال تخم کونس سد ان ازهر یک ده مثقال عود غرقی خام قونفل بسمامه مصطکی ازهر یک یک مثقال مقل د آب کند نا حل کرده و تخم کونس را با بقوام آورده مقل را داخل کرده در آن کراک ازرق ناخشف و طویح آن شود از رویه کوفته بمخته بر روغن بادام چرب بشوید و آب بر سرشند شربت از یک مثقال قند و مثقال

014

**و مضافان \*** بد آنکه قی که عبارت از حرکت معد است از برای دفع و اخراج چنانکه در آن است از  
بازو درین زمان معقی معد است و باقی آن رسائو اعضا بالعرض و آن علاجی قوی است و مناسی و منتهای مخصوصا  
علائمی که نعلی با سفل بدن دارند و آن نفوذ و حرکت و شش بصر را و سنگینی سر و صداع و تالی و اعش و قروح  
کود و و مغانه و جف ام و یوس و استسقا و برقانی و ازل میگرداند و بهترین قی آن است که بی مشقت و درد و الت و حرکت  
بسیار آید و باید که این کس هرگاه در معد و راعا و سینه خود سقایی باید بآید که با آنکه طبیعت در صدد دفع آن است  
آنرا بقی مقیحات دفع نماید و قی مطلقا ضرر است بکسانی که بدن ایشان نحیف و پیر و ایشان قروح و امراض دیگر و سینه  
ایشان تنگ باشد و نفس ایشان بود اعدت و دشواری آید و نه بر مجرای طبعی و کسانیکه را که مہیای نفت اند و مسل و  
اورام سینه باشد و آن کسانی که کوردهای ایشان با رنگ و بنفش و سینه ایشان خالی از گوشت و استخوانهای شانه آنها  
بر آمدن و باشد که معده و نیمه ضرر است مجرور و اولاد و صاحبان ضعف معد و کسانی که معده بقی نباشند و دشواری  
باشد بواسطه قی و بواسطه قوی نباشند و نیز ضرر است معد و سینه و سایر اعضا نفس خصوصا که بضعف و دشواری کرده  
شود و سفل است تمام امراض و طوبی و بلغمی اینها را و بعضی امراض صفرا و معد را و بعضی امراض دماغی را نیز در زمین  
قی باید که پیشه های قی کنند و را بر باد و در ست مالی بیند زن و بعضی گفته که خریطه از روم سرد و پور کرده و فاد چشمر سا

سازند و بالای آن پارچه بندند و بر شکم آن پارچه به پیچند نه بسیار ملایم نه بسیار سخت و هر دو شان را دور شخصی از عقب با هستکی بکشد که اگر روز بسیار آرد بر و در پیفتند و باید که بر خلو معده قوی نفرمایند خصوصاً محو و المزاجان ضعیف القوة و امراض حارّه حاده را و اما بلغمی مزاجان و صاحبان امراض بارده بلغمیه قویه را و همچنین قبل از حمام و قبل از خواب بر خلو معده ناشتا و بعد از حمام و ریاضت مفید است و کسانی که معتاد بهی نباشند و یا محروم از مزاج باشند و قوی و مودن آنها واجب و ضرور گردد باید که در ایشان اولاً اقدام بمقیئات قویه نکنند و اولاً مقیئات ضعیفه دهند و اغل به در آوردن و لینه را بر یاسه و متوسطه را بر قویه ترجیح دهند مگر آنکه علت قوی باشد و بنیه توانا و یا آنکه احتیاج بمقیئات متوسطه و بغم معده باشند که در این هنگام ادویه را باید مقلد داشت و متوسطه را بر ضعیفه و قویه را بر متوسطه باشد المبط و قل ضرورت احتیاج و در هیچ حال دست از احتیاج و مراعات حفظ قوت نیز نباید داشت و راس المال را از دست نباید داد و باید که پیش از قی اغل به محدود الکیوس نرم منجم خلط مانند شلها فیکه برک ترب و شلغم و چغندر و شنبلیله در آن پخته باشند و مغز که کوسقند و ماهی شور و مانند اینها و زلالی و حلاوی چرب شیرین بوزن کلاب بخورند و پس بعد از آن انگلی ریاضتی فرمایند مانند آنکه چند قدم راه روند تا آنچه خورده است با خلط موجود در معده مختلط کرد و باید بالای آن آب بپاشند پس مقیئات مناسبه بخورند و قوی فرمایند تا با سانی دفع گردد بی مشقت و نیز مجاری سینه نرم گردند و هرگاه قوی فرمایند باید که در یک روز مبالغه بسیار نکرده و بسیار دفعه در روز عارض شود بلکه بملایمت و ملایم را در روزی در پی فرمایند و معتادین بقی را در ماهی دو دفعه هر دفعه در روزی در پی ضرور است و اگر دو دفعه اتفاق نشود یک دفعه البته و الا بهر دو ماه و هر سه ماه و الا منجر آیل با مرض میگرد و باید که اوقات و ایام را در هر ماه و یا هر دو ماه مقررند از آنکه عادت گردد بلکه بگرداند و مختلف سازند تا عادت مقرر معین نکرده و همیشه در فصول در هنگام احتیاج و برای حفظ صحت نایستان از اسطروها است هنگام همچنان خلط و مواد و حتی المقلد و در فصل خریف باید که قوی نفرمایند که مورت حمی میگرد و بعد فراغ از قی بزودی دست و صورت او را با آب نیم گرم یا با آب سرد بحسب اقتضای وقت و فصل و علما از برودت و حرارت بشویند و یا پارچه نازک ملایمی خشک نمایند و کلاب بر صورت و سینه او بپاشند اگر صاحب نزله و صداع و سرفه نباشد زیرا که آن باعث تحریک و تهیج آن است و اندک مصطکی و عود دهند و یا با آب و به و کل قند سکری و دواء المسک و جوارش عود دهند و زنجبیل مرئی هلیلج مر با و آلو بخارائی و ادویه مقویه از فواکه و دیگر مانند آن هیلج و آنرا کرسره نباشد و قاعله کبار و برک تا نبول با فوفل خصر صا چکنی دکهنی آن قرنفل و دار چینی و مانند اینها بحسب اقتضای وقت و علت مفرد و مرکباً مثلاً صفراوی را شایب بارده حامضه مقویه از فواکه و غیره و شمشطیوب بارده رطبه و مرطوب بلغمی را اشیای یاسه حاره مانند عود و مصطکی و هیلج و قرنفل و دار چینی و مانند اینها از اشیای حلو و حامضه و مرطبه اجتناب نمایند خصوصاً آنکه در معده او آنچه رسد حامض گردد یا شور و بلغم فج تغه شود تا مزید علت نگردد بسبب استعلا و قریب و آشامیدن آب مطبوخ انیسون و زیره و یا آب مطبوخ سد اب یا بس و یا هر سه و امثال اینها اندکی و مضمضه بد آنها و یا بقرق رازیانه و شستن دهت و زودن با آب گرم و خائیدن افادیه حاره یا بسه من کوره و بوئیدن طیوب و ریاحین حاره مانند مشک و عنبر و نرجس و غیره و استواحت و سکون خواب فرمایند و در پهلوهایی و روغنهای مناسبه بمالند و استحمام بحمام ملایم فرمایند از غیر توقف بسیار در آن و اگر قوی کنند و سرد و مرطوب المزاج باشد در آن روز او را طعام و شراب ندهند و ضرورت بعد از سه چهار ساعت اندکی اغل به لطیفه مقویه بخورند و اگر شخصی دوائی مقی بخورد و قوی نیابد اعراض هائله ردیه طاری گردد و بزودی او را حلقه

[illegible]

جوشانید و با سنگجبین عسلی بپاشانند و قی کنند \* مقعی دیگر که قی بلغمی آورد زمانیکه ماده در فم معده باشد \* صنعت آن  
تخم شبت را در آب جوشانید و صاف کنند و سنگجبین عسلی بپاشند و در آن حل نموده نیم کرم بنوشند و قی  
کنند \* مقعی که ماده بلغم متشرب در خصل معده را دفع کنند \* صنعت آن ماهی شور بنوشند و از عقب آن تخم سد اب  
جوشانید و آب تری که خردل از آن پرورده باشد با سنگجبین عسلی نیم کرم بنوشند و قی کنند \* مقعی که در ارحا دت  
از صعود البخار بل ماغ از معده را سودا را در \* صنعت آن بکیرند یک قبضه از شاخهای شبت بر آغای آنکه اقوی است از تخم آن  
و در سه رطل آب جوش دهند تا یک رطل بماند پس صاف نمایند و حل کنند در آن قدری نمک و غسل و نیم کرم بنوشند و قی  
نمایند \* مقعی دیگر که همین عمل دارد \* صنعت آن بکیرند ترب را و سوراخ سوراخ نمایند و خربق سیاه را پارچه کرده  
در آن فرو برند و یکشبه نروزی بگذارد تا قوت خربق در ترب با زاده شود پس پارچه های خربق را بر آورده ترب را کوبید و آب  
آنرا گرفته بنوشند و قی نمایند و خوردن رفع یمانی از یک رم تا دو درم و همین قسم خوردن نیم درم جبهلنگ نیز همین  
عمل دارد و اگر قی بد شواری آید آب کرم با فجاج کرم بنوشند و پر کبوتر یا مرغ در حلق کنند و قی نمایند \* مقعی دیگر  
که از آن اقوی است \* صنعت آن کنکوزد جوزالقی از هر یک یک رم تخم ترب سه ادویه گرفته با عسل سرشته بنوشند  
با طبیب شبت و اندکی نمک برای اصلاح کنکوزد و جوزالقی \* مقعی دیگر که از آن ملایم تر است \* صنعت آن تخم سمرق  
یک اوقیه کشک الشعیر چهار اوقیه بیخ خیارد و اوقیه نمک غیر کوبید و در درم مجموع اینها را طبیب نمایند تا مثل کشکاب  
شود صاف نمایند و یک رم از آن را با سی درم سنگجبین عسلی مزوج کرده بپاشانند و قی کنند \* مقعی دیگر که محرور  
المزاجان را نافع است \* صنعت آن بکیرند آب برگ خیافشده و با شکر سرخ محلول در آب سنگجبین بپاشانند و بنوشند  
و قی کنند \* مقعی دیگر که مرطوب المزاج را بکارد \* صنعت آن تخم ترب تخم شبت هر دو را کوبید و در آب شیر کشید و  
نیم کرم نموده با نوده درم سنگجبین عسلی داخل کرده بنوشند و قی کنند \* مقعی دیگر که صفراوی مزاجان را نافع است  
و قی صفرا آورد \* صنعت آن ماء الشعیر سی درم آب سمرق مطبوخ بیست درم آب مطبوخ بیخ خربزه یا کامح کبوتر  
و ماء العسل بالای آن بنوشند و شربت بنجد رم پوست خربزه خشک نیم سائید و با آب کرم یا آب کرم با ماء العسل و قی  
خربزه نیز بکشد و همین اثر دارد \* مقعی دیگر قوی است که نیست کویه و بد خور \* صنعت آن کنکوزد یک رم تخم  
سه درم هر دو را با هم سرشته حب سازند و فرو برند و اگر قی بد یوی آید بالای آن آب کرم یا ماء العسل بپاشانند و قی  
دیگر که بلغم دفع نماید \* صنعت آن خردل سفید یک رم نیم درم کنکوزد یک رم شکر سفید از هر یک ربع درم مجموع را  
کوفته و با عسل سرشته و در طبیب شبت حل کرده و سنگجبین عسلی مقفی از جبهل دوم از آن را که کوبیده بنوشند تا آنکه نیک  
کرم باشد \* مقعی دیگر که بلغم و صفرا دفع نمایند \* صنعت آن کنکوزد درم مخورنغ یمانی یک رم نیم سائید و با آب کرم  
درم سنگجبین و ده استار طبیب ترب بپاشانند بعد آنکه اخذ کرده از کرم و کرم را آب کوبیده با هم صاف نموده خورده با عسل  
کنند و اگر قی بد شواری آید آب نیم کرم بپاشانند و قی کنند \* مقعی دیگر که فی سودا آورد \* صنعت آن بکیرند یک  
علد ترب را و پارچه پارچه کنند و با نمک هند یا پنجد رم و یک قبضه شبت در و در رطل آب جوشانند تا بیک رطل آید  
صاف نموده با سنگجبین عسلی نیم کرم بنوشند و قی کنند \* مقعی که اخراج سودا نماید \* صنعت آن علاج هندلی ترب  
زرد بوره از هر یک یک رم حرف نیم درم علی الیوسم بپاشانند \* مقعی دیگر که مره صفرا و سودا و کوبیدای معده دفع  
کنند \* صنعت آن کنکوزد جوزالقی جرجیر تخم ترب تخم شبت تخم سمرق نمک هندلی کوفته نیمه سه درم تا پنجم درم  
آن را با عسلی که با آب مطبوخ شبت مزوج نموده باشند آمیخته بنوشند و مبالغه نمایند در تقیه و تنظیم معده و



[illegible]

قرنفل زنجبیل از هر يك سه درم قافله صغار و کبار و در ارچینی قرنفل هاذج هندی طباشیر کل سرخ منزوع الاقماع  
 از هر يك چهار درم زیره گرم کرمانی مد برد و درم کوفته بیخته شربت بی دو درم صبح و شام با آنچه مناسب باشد بیا شامند  
 یا حب بسته قویرون و در نسخه دیگر جوز بوا یک درم داخل است \* دواء دیگر که قی صغری و بلغمی دفع نماید \*  
 صنعت آن قرنفل قافله نارمشک زرشک سعد کوفی صندل سفید قلقل سماق از هر يك سه درم شربت بی دو درم ناشتا  
 بیا شامند \* دواء دیگر که قی بلغمی باز دارد \* صنعت آن عود هندی نارمشک طالسفر قافله پوست هلیله زرد زنجبیل  
 از هر يك سه درم کوفته بیخته با غسل سرشته شربت بی یک درم تاد و درم \* دواء دیگر که قی بلغمی باز دارد \* صنعت  
 آن جوز بوا قرنفل از هر يك یک درم دانه هیل نیم درم کوفته بیخته شربت بی یک درم و حبوب باد زهر و حب هبفه و حب  
 حیات و ملح سلیمانی و پاچک و حبوب مروارید همه نافع اند و در باد زهر و حبوب و ملح و لولو ذکر یافت و خوردن جل و ان  
 از برای قی الدم و حبوب انجبار و شراب آن را قرص آن و جلنار و کهر با و لولو و مرجان نافع و همه مد کور شد \*  
**باب المیم مع اللام \***  
 ملح بکسر میم و سکون لام و حای مهمله بفارسی نمک و بتوکی

دوز و بهندی لون نامند بلکه ملح یا معدنی است که جبلی نامند و آن رطوبتی است که از شکافهای بعضی کوهها و قعر  
 آنها تراوش کرده بر اطراف دامنه های آنها منعقل میگردد و یا بری و آن از قبیل اند از شبنم ها است و یا مائی و آن آب  
 بحیرها است که بسبب تابش آفتاب و کواکب دیگر منعقل می گردد و معدنی آن اقسام است و هر یک را نامی مخصوص  
 و مذکور می شود و با الجملة فاعل کل حرارت ماده آن رطوبت و طین است که بسبب شدت و ضعف حرارت و لطافت و  
 کثافت و غلظت و رقت و ماده و طیب و خبیث بودن انواع آن مختلفه میگردد مثلاً اگر حرارت با غلظت باشد و ماده  
 آن رقیق لطیف و ارض طیب اگر بیوسه بران غالب باشد قطعه های بزرگ صاف شفاف تگون مییابد و اگر بیوسه غالب  
 نباشد قطعه های کوچک و رخو و اگر حرارت قوی باشد و ماده غلیظ و ارض منتن بد بو قطعه های سیاه رنگ منتن تگون مییابد  
 و اگر غیر منتن و همبرین قیاس و تفصیل آن در کتاب المعادن از کتب حکمیه مسطور است و بهترین این همه ملح  
 اندرانی معدنی است که قسم اول است و بعد ازان اقسام دیگر و بعد ازان نمک طعام که حاصل از آب بحیرها است و قسم هندی  
 مائی که از آب دریا بطریق طبع بعمل می آورند و انشاء الله تع ذکرش خواهد آمد زبون ترین املاح است و امثال تنکاو و زانی  
 و بوره و نوشادر را املاح نیز نامند و املاح مصنوعه دیگر میباشند که بعضی را از خاکستر نباتات که آب انرا صاف کرده  
 باقی با آفتاب منعقل میسازند و منسوب و مصاف میدهند مانند ملح الفحل و کلسا که در بعضی دریاها و دریاچه ها  
 و انسان بطبع و عقل میسازند و همچنین از اشیای دیگر و بهترین اینها محرق بنول و محرق صافان است بسیار و کیفیت  
 اینها انشاء الله تع خواهد آمد و مراد از مطلق نمک طعام است و مجموع اینها صعل بلغم و سودا و سایر اقسام در افع  
 رطوبات لزجه و سده و تخمه و فساد طعام و مشهوی و نمک و کثیف و زایل و خضار و صمغ افندیله و باره و صندل و انجلی و کافور  
 و اخراج خلط خاصی قویتر از سایر اقسام اند چنانچه مذکور خواهد شد و قی کردن بهای نفطی در ذرات دفع است و برای  
 ذر و سنطاری بایکد می رود و آن قابض و مجفف و سوخته آن الطف و همه آن غاسل امسا و معین بر قلع سودا و از اقسام  
 و رافع بل مزیطه مانع حد و ث جن ام خصوص نفطی و اندرانی آن و جهت ارجاع صده باورده و با سنجیدگی رافع  
 ضرورت افیون و فطر و سموم مخدره و کزیدن هوام و جهت استسقا و امراض سودا و اوی و یا خبی و نافع و قی کردن با نمک و  
 سکنجبین منقحی معدنه و در تحقیقات معین بر اخراج اخلاط بلغمی و سودا و اوی و تغذیه سد ها و با سنجیدگی معین بر قطع  
 اخلاط غلیظه و اخراج آنها و یا صحت جهت رفع عفونات و اخراج ریاخ باروغ و یا سفلی خصوص اندرانی آن مضمضه بآن

[illegible]

هرد و قسم باشد هم معنی و هم مصنوع \* ملح اسود اقسام ملح العجین است و سیاه و بی تقطیت است و در افعال قریب  
 بمالح نفتی و در هندی کالالون و سونچولون نیز نامند \* ملح العجین نمک طعام است و آن لوان مختلفه میباشد و اکثر آن  
 سفید و بعضی مائل بسیاهی و بعضی مائل بسرخ و بعضی مائل بزرده و بهترین آن سفید صاف است و بهندی آن را نمک  
 سانهر گویند در آخر دویم کوم خشک و در افعال نزدیک بمالح اند را نی است \* ملح رشید می ملح طعام است که مائل بسرخ باشد \*  
 ملح هندی نمکی است شفاف سرخ رنگ مائل بسیاهی که بنفشه نامند و قطعات آن اندک بزرگ و بهندی آنرا سیند هه لون  
 نامند در اول سوم کرم و خشک و مسهل ماء اصغر و سود او بلغم و محرک اشتها و محلل ریاح و در رسائرا افعال مائیل سا نور  
 اقسام و قدر و شربتش تا یکم و نیم است \* ملح المرنک تلخ است مابین سیاهی و سفید و مائل بزرده و بهندی یاد هه  
 لون و از همه اقسام کرم تر و قریب بد ریحه چهارم و در اند مال جراحت با صمغ زیتون قویتر از سایر اقسام است و قدر  
 شربتش کمتر از یکم رم و گفته اند که این همان ملح نفتی سیند هه است لا غیر \* ملح الطبرزد نمک معنی جبلی است و  
 بهترین او سفید مسمی باند را نی است که ذکر یافت \* صنعت آن که از اکثر گیاهها و برکها که بهندی آنها را نمک مائیل  
 بوک ترب و نخود و تنباکو و یا چوب آن و برک کبله یعنی موز و غیرها بدین قسم است که بکیزند و ورق را که میخواهند  
 از بوک هر گیاهی که میخواهند و میسوزانند و خاک کستر آنرا میکیزند و در آب حل میکنند و همان مقدار آنرا نمک سنگی نیز  
 با آن حل مینمایند و میکنند آنرا تا ته نشین گردد آب صاف آنرا بجر علقه که ظرفی دیگر متصل آن ظرف میکند آنرا تا یک  
 اندک مشوف و بالا ترازد یکبار باشد و صوفی و پنجه از فیله ساخته یکسر آنرا در ظرف و سرد بکیرا درین ظرف میکند آنرا  
 تا تمام مائیت آن را حل ب درین ظرف نمایند پس آن آب صاف را با تش طبع میدهند تا مائیت رفته ملح بماند و اگر آنرا  
 داخل نکنند بهتر است زیرا که بسیار رجا میگردد و در اکثر امراض و موافقت ندارد و اگر خواستند محلول دران  
 را عرق کشند و آن عرق را طبع دهند تا مائیت سوخته نمک بماند بهتر و لطیف تر است \* ملح اشجار که قلی و بهندی سببی  
 نامند نیز صنعت آن قریب است بدین قسم \* صنعت ملح مصنوع ماخوذ از آب دریای شور بدین قسم است که اهل سواحل  
 اکثر بلاد واقع بر سواحل که بتزد یکی آنها معدن نمک نیست مائیل بنکاله و سند و غیرها وقت جزر و مد در ساحل  
 در جزر و مد اخر ماه و وسط آن که بسیار آب بلند می شود و بجایهاییکه آب بد آنها می رسد و کوههای کمی کنش تا آب  
 در آنها جمع شود پس بعد بر کشتن و خشک شدن قلی آن آب را باقی ری خاک آن کوهها را طرفین آنرا که در ساحل مائیل  
 و میکند آنرا تا فی الحمله صاف گردد و خاک ته نشین شود پس آب صاف آنرا گرفته و طبع میدهد تا آب برود و نمک  
 بماند و آن نمک سیاه رنگ باندک تلخی میباشد و در اهل آن را دو طرز از آنها بدین نمک است مائیل بنکاله و  
 او ریشه که کتک نیز نامند و سند و سواحل فکن و غیرها و بعضی باز آنرا در آب حل کرده میکنند آنرا تا صاف آنرا  
 شود صافی آنرا گرفته باز طبع می نمایند یک رتبه تا بیشتر سفید و صاف میگردد و بعضی آب صاف آنرا گرفته بلا چوبی قلی  
 یکدفعه در ست تاب و ذرع قلی ریگاه بران پیچید و بعد طبع و قریب بالفقار بران می ریزند تا مائیل قند منعقد و منجمد گردد  
 و بعد از آن عقا دو انجماد دفعه دیگر نیز همان قسم بران می ریزند و همچنین تا آنکه نمک یک شبر یا کمتر و زیاده بران  
 جمع منعقد گردد بعنوان تحفه و هدیه برای بزرگان و غیره میبرند و آنرا با صلاح اهل هندی کهاس لون نامند \* ملح  
 یعقوب کابینی روایت میکند از علی بن ابراهیم از پدر خود از ابن ابی عمرا زهشام بن سالم از حضرت عیسی بن عبد الله علیه السلام  
 که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله خطاب بعلی بن ابی طالب علیه الصلوٰه والسلام نمود که اعلیٰ فستخرج من طعام و در  
 بخوردن نمک و اختتام کن بنمک بد رستیکه شخصی که افتتاح بکند طعام خود را بنمک و اختتام کنش بنمک می خورد و نمک



دارچینی دانه میل از هر یک نه ماشه جوز بو اینچ ماشه عود هند و عرق مصطکی از هر یک شش ماشه ادویه کوفته بیخته با عرق نخود یا الیمو یا اترج یا با عرق دارچینی سرشته حب بند نک هر حبی مقل از یک ماشه شربت بنی یک حب تاسه حب واکرخواهند اقراض سازند بهمان وزن نیز خوب است و بهتر است حب حیات دیکر قریب النفع است بد آن صنعت آن هلیله زرد کا بلی هلیله سیاه بلیله آمله منقعی کل سرخ زیره سیاه کشتیز خشک مقشر فلفل دار فلفل نا نخود بادیان زنجبیل شیطرح هند و دارچینی میل بوا میل کلان نعناع باغی نعناع کوهی نمک لاهوری سیاه نمک سانبهر جوا کهار همه اجزاء مساوی وزن در عرق نعناع با سرکه انکوری و قدری آب نعناع حب بند نک شربت بنی از یک ماشه تا در ماشه عرق ملح بسیار ترش و خوش طعم میباشد و مجفف رطوبات و جهت اکثر امراض بارده و تقویت معده و دماغ و کسر ریا ح نافع و جهت استسقا با عرق مر و جهت صاف نمودن خون با شیر و عناب و امثال آن و جهت تقویت دماغ حار با آب برک کاهو و یا آب ریحان جهت تقویت دل بایلد مشک و کلاب و جهت معده و اشتها و هضم طعام با آب برک نعناع یا عرق آن و از برای جمع کبد حار با آب برک کاهو یا برک کاسنی و برای سحر ز آب برک خرفه برک بزرک و جهت یرقان و حمی بلغمی و فالج و لقوه با ادویه مناسبه با آنها و برای تفتیم سبک کرده و مثانه نیز با ادویه مناسبه آن در حمام و برای فتق نیز با ادویه مناسبه با آن و برای قولنج با شراب انکوری و مقداری شربت آن از در قطره تا پنج قطره است صنعت آن بکیرند ملح اندرانی را و مکمل نماید بکین طریق که ریزه ریزه نموده و یا کوفته در ظرفی سفالی کرده بر آتش بکند و از آن بسم آهنگی برهم زنند که سرخ گردد تا آنکه صد ازان بر نیاید بعد ازان سرد کرده مقل اردو رطل آنرا در آب حل کرده و با شش رطل کل زرد یا کل کوزه کران نرم کوفته خمیر نماید و فتمله بسیار کوچک بسازند بقدر بند انگشتی و در آفتاب یا نزد یک آتش خشک نمایند پس در قرع کجکردن کوده قابله بر آن نصب نموده زیر آن آتش کنند و عرق کشند و آن عرق را در شیشه نکاهند و سر آنرا محکم بندند و الا بخار شده تمام بیرون می رود و عند الحاجة باز کرده بقدر حاجت بر آورده باز سر آنرا محکم بندند ملح سلیمانی جهت تخمه و درد معده و جمیع دردهای مفاصل و عرق النسا و نقرس و وجع و رگین و رگمتین و غیر آنرا نافع و حدت بصرو صفائی لون بخشند و نسیمان و کلف و بهق را نل کنند و مسخن کرده و منفش ریا ح و محرق باه و مکثر منی و مهبیج شهوت طعام و جماع و دفع سم و دفع همه در جمیع اوقات مستعمل است و صنعت آن نمک لاهوری یا سانبهر چهار رطل بکیرند و خوب بریان کنند پس در ظرفی کرده در تنور بکند و از آن آتش تنور سرد سرد پس بکیرند ملح هند یا یعنی نمک سینک هه نوشادر ملح اندرانی از هر یک شش اوقیه خم کوهی بخت مثقال فلفل سیاه اذخر مکی از هر یک پا زده مثقال فلفل سفید دوا زده مثقال اقیصون سبیل الطیب حلیت کسرون کوهی کوهی اذخر مکی مثقال دارچینی کاشم لب القرط زنجبیل اصل السوس مقشر انیسون از هر یک چهار مثقال هر یک را جدا جدا بکیرند پس وزن نموده با نمک های مذکور مخلوط کرده در ظرف چینی یا شیشه یا مثقال سنبه را در آورده در جود فن کنند و از آن که کهنه شود بهتر باشد برای حدت بصرد و اندک ناشتا بخورند و جهت قوت باه با بیهضه نیمه میرشت و برای اشتها و هضم طعام و بعد از طعام بقدر حاجت و برای اوجاع و ورم بایده که با غسل بر محل در بمالند و این را برین بسیار شنیده و در سنت که صاحب شفا عا الا سقام از این ما سویه نقل نموده و وزن اذخر یا زده دریم و بجای مثاقیل در اول ادویه ملح سلیمانی دیکر که بهند می چورن نامند جهت هضم نمودن طعام و درد شکم و تقویت معده و امراض دیگر نافع است و صنعت آن است هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر فلفل دار فلفل نا نخود عود هند و شیطرح هند و بهار از هر یک دانه کا کراستین از هر یک یک مثقال زنجبیل نمک لاهوری از هر یک ده مثقال ادویه کوفته بیخته در آب پنجا و عد الیمو و کاغذی یا عرق نخود

هم چونما ایند و بقل و کنا و صجرائی حب بند فن و پس خشک ساخته سفوف سازند بوقت حاجت بقل و ضرورت بخورند \* ملخ  
 سلیمان می دیکو که همان نفع دارد \* صنعت آن نمک اند وانی نمک نبطی سیاه نمک ضمیر نمک هند و سفید از هر یک چهار  
 توله زنجبیل فلفل دار فلفل از هر یک یک توله انیسون ده ماشه آماله منقح دو توله ناخود نخم کوفس قوتقل از هر یک ده ماشه  
 جودر بوا سیاه از هر یک سه ماشه سنبیل الطیب و ج ترکی سعد کوفی از هر یک شش ماشه افتیمون عود هند و دار چینی  
 پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست بلبله از هر یک یک توله و شش ماشه مصطکی یک توله نمکهارا با آب اندک شسته تا از گرد  
 و خاک پاک کند و کورد پس بویان نماید و باقی ادویه کوفته بمخته با آن ممزوج نموده در شیشه نگاهد از آن و سر آنرا محکم  
 بندند و از هوا محاطت نمایند و عند الحاجة شربتی از یکما شسته تا چهار ماشه تناول نمایند \* ملخ سلیمان می به نسخه  
 دیگر قریب العمل است بدان \* صنعت آن ملخ نبطی ملخ اند وانی پوست بلبله آماله منقح شیطان هند و ناخود  
 مشق فلفل دار فلفل زنجبیل اجزاء مساوی کوفته بمخته سفوف سازند و با مرق نخود که شنبه آن است ضمیر کرده و اقراص و  
 صوب بندند شربتی از نیم درم تا یک درم و در نسخه دیگر پوست هلیله کابلی نیز داخل است و در نسخه دیگر این زنجبیل  
 داخل نیست \* پانچک که در مضاف قریب به نسخه قبل است و نیز از تراکیب اطباء هند است \* صنعت آن نمک طعام یک  
 رطل بویان نموده در کوزه گلی کوده در تنور کزلی بپزد تا ذوب شود و کورد پس بوا و رند ملخ هند و ملخ اند وانی از هر یک سه اوقیه  
 بوشا در یک اوقیه نخم کوفس فلفل سما و فلفل سفید دار فلفل اند وانی از هر یک هفت مثقال سنبیل الطیب عود هند و  
 زبده گومان می قوتقل مصطکی دار چینی فلفل کبار کاشم زنجبیل انیسون لب قوطی اصل المسوم و مشق هیل بوا از هر یک سه  
 مثقال ادویه از هر یک حد اجل کوفته بمخته در هم نموده در شیشه کوده در جود فن نمایند و هر چند که کهنه کورد به شربت  
 و کونک نبطی دو توله و حلتیمت شش ماشه نیز ضافه نمایند به شربت شربتی از یکما شسته تا چهار ماشه \* دهن الملخ جهت  
 سنبیل رواج و او را در کاشرا و ض و لغمی و بادیه نافع \* صنعت آن بکیرند ملخ سه رطل و طل کوز کوزان شش رطل و بارند  
 در مانی و مسموم و بادیه نافع و کاشرا و ض و لغمی و بادیه نافع و کاشرا و ض و لغمی و بادیه نافع و کاشرا و ض و لغمی و بادیه نافع  
 آن کنند و در دلج زبده نماید تا معطر گردد پس دهن را ز روی آب کهنه در شیشه نگاهد از آن و سر آنرا محکم  
 بپزد و در ملخ اند وانی از هر یک ده ماشه سنبیل الطیب و ج ترکی سعد کوفی از هر یک شش ماشه افتیمون عود هند و دار چینی  
 پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست بلبله از هر یک یک توله و شش ماشه مصطکی یک توله نمکهارا با آب اندک شسته تا از گرد  
 و خاک پاک کند و کورد پس بویان نماید و باقی ادویه کوفته بمخته با آن ممزوج نموده در شیشه نگاهد از آن و سر آنرا محکم  
 بندند و از هوا محاطت نمایند و عند الحاجة شربتی از یکما شسته تا چهار ماشه تناول نمایند \* ملخ سلیمان می به نسخه  
 دیگر قریب العمل است بدان \* صنعت آن ملخ نبطی ملخ اند وانی پوست بلبله آماله منقح شیطان هند و ناخود  
 مشق فلفل دار فلفل زنجبیل اجزاء مساوی کوفته بمخته سفوف سازند و با مرق نخود که شنبه آن است ضمیر کرده و اقراص و  
 صوب بندند شربتی از نیم درم تا یک درم و در نسخه دیگر پوست هلیله کابلی نیز داخل است و در نسخه دیگر این زنجبیل  
 داخل نیست \* پانچک که در مضاف قریب به نسخه قبل است و نیز از تراکیب اطباء هند است \* صنعت آن نمک طعام یک  
 رطل بویان نموده در کوزه گلی کوده در تنور کزلی بپزد تا ذوب شود و کورد پس بوا و رند ملخ هند و ملخ اند وانی از هر یک سه اوقیه  
 بوشا در یک اوقیه نخم کوفس فلفل سما و فلفل سفید دار فلفل اند وانی از هر یک هفت مثقال سنبیل الطیب عود هند و  
 زبده گومان می قوتقل مصطکی دار چینی فلفل کبار کاشم زنجبیل انیسون لب قوطی اصل المسوم و مشق هیل بوا از هر یک سه  
 مثقال ادویه از هر یک حد اجل کوفته بمخته در هم نموده در شیشه کوده در جود فن نمایند و هر چند که کهنه کورد به شربت  
 و کونک نبطی دو توله و حلتیمت شش ماشه نیز ضافه نمایند به شربت شربتی از یکما شسته تا چهار ماشه \* دهن الملخ جهت  
 سنبیل رواج و او را در کاشرا و ض و لغمی و بادیه نافع \* صنعت آن بکیرند ملخ سه رطل و طل کوز کوزان شش رطل و بارند  
 در مانی و مسموم و بادیه نافع و کاشرا و ض و لغمی و بادیه نافع و کاشرا و ض و لغمی و بادیه نافع و کاشرا و ض و لغمی و بادیه نافع  
 آن کنند و در دلج زبده نماید تا معطر گردد پس دهن را ز روی آب کهنه در شیشه نگاهد از آن و سر آنرا محکم  
 بپزد و در ملخ اند وانی از هر یک ده ماشه سنبیل الطیب و ج ترکی سعد کوفی از هر یک شش ماشه افتیمون عود هند و دار چینی  
 پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست بلبله از هر یک یک توله و شش ماشه مصطکی یک توله نمکهارا با آب اندک شسته تا از گرد  
 و خاک پاک کند و کورد پس بویان نماید و باقی ادویه کوفته بمخته با آن ممزوج نموده در شیشه نگاهد از آن و سر آنرا محکم  
 بندند و از هوا محاطت نمایند و عند الحاجة شربتی از یکما شسته تا چهار ماشه تناول نمایند \* ملخ سلیمان می به نسخه  
 دیگر قریب العمل است بدان \* صنعت آن ملخ نبطی ملخ اند وانی پوست بلبله آماله منقح شیطان هند و ناخود  
 مشق فلفل دار فلفل زنجبیل اجزاء مساوی کوفته بمخته سفوف سازند و با مرق نخود که شنبه آن است ضمیر کرده و اقراص و  
 صوب بندند شربتی از نیم درم تا یک درم و در نسخه دیگر پوست هلیله کابلی نیز داخل است و در نسخه دیگر این زنجبیل  
 داخل نیست \* پانچک که در مضاف قریب به نسخه قبل است و نیز از تراکیب اطباء هند است \* صنعت آن نمک طعام یک  
 رطل بویان نموده در کوزه گلی کوده در تنور کزلی بپزد تا ذوب شود و کورد پس بوا و رند ملخ هند و ملخ اند وانی از هر یک سه اوقیه  
 بوشا در یک اوقیه نخم کوفس فلفل سما و فلفل سفید دار فلفل اند وانی از هر یک هفت مثقال سنبیل الطیب عود هند و  
 زبده گومان می قوتقل مصطکی دار چینی فلفل کبار کاشم زنجبیل انیسون لب قوطی اصل المسوم و مشق هیل بوا از هر یک سه  
 مثقال ادویه از هر یک حد اجل کوفته بمخته در هم نموده در شیشه کوده در جود فن نمایند و هر چند که کهنه کورد به شربت



جهت رياح مجتمعه درد ماغ و شرب يك حبه آن با آب طبيخ كرفس و زيرۀ كرمانی جهت نفوس و نیم دانك آن با آب بیکه  
صعتر فارسی دران جو شانید ه باشند جهت ارتعاش و چکانیدن يك حبه آن با روغن یاسمین یا كل دركوش جهت درد آن  
و مقل اریك شعیرۀ آن با روغن كل سرخ به تنهائی و یا با آب غوره قطور آن و فتيله ممزوج با آن دركوش كند اشتن جهت  
ثقل سامعه و ریش و قروح و آمدن چرك ازان نافع و ارسطاطاليس گفته كه قطور محلول آن با پیه خوك غیر نمك سود جهت  
كرمی حتی كرمی مادر زاد را مبالغه و با كافور تنهائی و یا با آب مرزنجوش جهت رعاف و امراض بینی و دلوك آن با عسل جهت  
لكنت زبان و ثقل آن نافع \* اعضاء النفس شرب مقل ارسه شعیرۀ آن در نبیند جمهوری جهت نفث الدم از رتبه و در حبه  
آن با آب نمك و آب نخود جهت منع نفث الدم و يك حبه آن با شیر الاغ جهت نفث الدم و رعاف و همچنين قطور  
آن جهت رعاف و يك قیراط آن با سکنجبین و یا با آب نعناع جهت رفع خناق و همچنين يك قیراط آن با شربت مورد و رب توت  
یا با طبيخ عدس و امثال آن جهت وجع حلق و ورم آن و گفته اند كه غرغره مقل اردو حبه آن با آب اصل السوس و عاقر قرحای  
مطبوخ جهت خناق و يك طسوج آن با آب عناب و یا سهستان و ماء الشعير و اصل السوس مقشر سه روز متوالي ناستا  
جهت سرفه و يك قیراط آن با آب نعناع و یا با آب مطبوخ زيرۀ كرمانی و ناختواه و كرو یا جهت خفقان بارد مغيد است \*

اعضاء الغلغله شرب يك قیراط آن با آب مطبوخ زيرۀ كرمانی و ناختواه و كرو یا جهت غثيان و تهوع و خفقان و ضعف معدة  
و امعاء و ازاله رطوبات مجتمعه بزخم معدة و سقطه و ضرره بر سينه و معدة و بزاى سقطه و صدمه مغرور و يك قیراط آن با يك قیراط  
آن بادودا نك كل ارمني و يك دانك زعفران در آب بر ك عناب الشعير یا آب بر ك كاسنی یا در خیار شنبير و جهت فواق رتبی  
يك حبه آن با طبيخ تخم كرفس و زيرۀ كرمانی و جهت وجع طحال يك قیراط آن با آب كشنيز تازه و یا با آب بیه كبر و جهت  
وجع و تشنه و كبر طحال يك قیراط آن با ماء الكسریا یا آب كرفس تازه و یا با طبيخ بیه آن یا با طبيخ تخم ننجبك كشت یا پوست  
بیه كبر و برای ورم جنبین با آب طبيخ حسك و طلاى نیمدانك آن در آب بیکه انیسون دران جو شانید ه باشند بر شکم  
مستسقي و همچنين شرب يك دانك آن با آب مطبوخ انیسون نافع \* اعضاء النفس و التناسل شرب يك قیراط آن با شیر تازه  
دوشیده به تنهائی یا با قند ری شكر جهت قروح و اوجاع احليل و مثانه و شرب طسوجی ازان با آب مطبوخ دو قور و فجاج  
اذ خرجت رفع حبس البول و تقطير البول و ادرا رآن و خوردن هر هفته يك مرتبه دو حبه آن با روغن كاوه و حبه لرفع باد  
بوا سیر و اوجاع معدة و دو حبه آن با آب مطبوخ ساذج هندی جهت اختناق رحم و و حبه انك آن مخلوط با ادر  
كند م جهت قلت صبر بر نگاه داشتن بول سلس البول و همچنين حمل آن با روغن زیتون با روغن زیتون جهت تسهیل  
البول و عدم صبر بر حبس بول و استرخای مقعد و عضلات و مسخ ان با روغن نارجیل و صافندی ان بوقصیب و انضیان  
و حوالی آن جهت تحريك جماع و همچنين آشامیدن دو حبه آن با آب با قلا یا صبا ازان باز و در تخم ریخ و همچنين سه  
روز متوالي و بعد بن ذكر یا در كتاب الباء نقل كرده الكسریا آب منی شرح شده باشد و خواص آن كه بزودی باز به حال  
اصلي برگردد در آخر حرکت قریب بانزال دوجو صوبیای را در تخم درم غسل سفید حل كود و بخورد و اگر كجور در المزاج  
باشد با اشربه باردۀ مناسبه بنوشد و مجرب است \* آلات المفاصل محلول آن از يك دانك یا يك دانك و نیم در دانهان  
مناسبه مانند روغن كل و اشیاى موافقه مانند آب با قلا و با زردۀ تخم مرغ در سه عدد و جهت اوجاع مفاصل و خلط  
و كوفتكی عصب و رجل شدن و پاره شدن آن و عضله و كسر عظم و سقطه و ضرره و امثال آن و خوردن آن با آب  
آن بل ان موضع بیهل و همچنين آشامیدن آن با شراب صرف و برای جراحات كهنه و ناصبور و زدن كند آن با كندم  
پیه خنزیر كل اخته در زیت مقل ارنیم درم مرهم ساخته بمالند و جهت اعلان باطنی و صدمه و ان در روغن كل سرخ



ناسفته ورق طلا ورق نقره تخم جزر صمغ عربی مجموع اینها را با کلاب بر سنگ هماق در صلایه نمود و مشک خالص یک  
 دانگ جد و از خطائی مجرب یک مثقال نبات سفید مصری سه مثقال عنبر و مومیائی را با قند ری روغن بادام یا پسته  
 در قند رضا عفا کد اخته ساثر و دویه کوفته بپخته با آن سرشته باندک کلاب حبوب سازند هر حبیبی بقدر بخورد و بوق طلا  
 پیچیده در سایه خشک نموده نگاهدارند و عند الحاجة از یک حب تاد و حب فرو بوند \* حب مومیائی نوع دیگر \*  
 صنعت آن مومیائی دارابی یا قوت سرخ رمانی زعفران جد و از خطائی مجرب عنبر اشهب مروارید ناسفته از هر یک  
 یک مثقال فاد زهر حیوانی مشک خالص از هر یک دو دانگ نبات سه مثقال بطریق مقرر حبوب سازند و عند الحاجة  
 یک حب تاد و حب فرو بوند و حبوب مومیائی باد زهری و حبوب جد و مومیائی افیونی و افیون در باد زهری  
 افیون و جد و از ذکر یافت و نیز خمیره ابریشم مومیائی عنبری در ابریشم و مفرح دکشای مومیائی در مفرحات ملکور  
 شدند از اینجا ها جویند \*

فصل در ذکر نسج مهزلات \*

باب المیم مع الهاء \*

[illegible]



بازاء مرده وطل نیم گرفته در بارچه پیچید از اول جوش تا آخر درازان اند از نکه آنچه از عسل و شکر و دوشاب را مثال اینها  
ترتیب دهند باینکه در سه مثل آن آب بجوشانند تا نصف یا ثلث بسوزد و آنچه از آب نیشکر و مثال آن باشد باینکه  
یک ون آب بجوشانند تا دو ثلث بماند و برای تقویت اگر خواهند ادویه مسطوره را اضافه نمایند \* نیمیل الزبیب که  
بفارسنی مویز آب نامند در درم کرم و در اول ترمول خون متین و مغتنک ها و هاضم و مسمن بدن و مقوی معده و چون  
قد روی عسل اضافه نماید میکردد مل و بول و محلول ریاح و محرک باه و منقبی سینه و ریه و مسخن کرده و مثانه و سرب  
الاستحاله بسودا و مفسد دماغ و مغلظ اخلاط و مولد استسقا و چون حماما در حین جوش اضافه نماید جهت جوع  
بقرین و تقویت هاضمه و بدن مفید است \* نیمیل العسل شراب عسلی است در سیوم کرم و درد ویم خشک محلول اخلاط  
غلیظ و مجفف رطوبات و حافظ صحت مبرودین و مقوی حواس و جهت امراض بارده مانند فالج و رعشه نافع و چون  
بدن این طریق ساخته شود افضل از خمر دانسته اند \* صنعت آن عسل در جزوان خشک یک جز و جزوان بسماسه  
قرنفل از هر یک نصف عشران زعفران سدس عشران مجموع را نیم گرفته در آب بجوشانند تا اثری از آنها نماند و  
مضمحل گردد پس صاف نموده بقل زعفران صافی آن عسل صافی اضافه نمود و بجوشانند تا ثلث آن بماند \* نیمیل  
السكر شراب سکر یسب لطیف ترا زبیبی است و گرمی این از آن کمتر و موافق ناهین و صاحبان سودا و آنچه از آب  
نیشکر ها زرد محرق اخلاط و مولد صفرا و کراتی و زنجاری دانسته اند و آنچه از خرما سا زرد و آن را شراب خرمائی نامند  
گرم و خشک ترا زبیبی و مولد سودا و جنام و خنازیر و سرطان موافق پیران است و آنچه از سر و بلج سا زرد در اول کرم  
و درد ویم خشک و بهتر از خرمائی و قابض و مقوی معده و مل و بول و بدن از مویز آب بهتر از زبیبی ها است \* نیمیل  
اللبس و السیلان که شراب دوشابی است که از شیوه خرما میسا زرد در فعال مانند شراب خرمائی است \* نیمیل الارز  
بفارسنی بوزنه نامند و در مصر مرز کویند و آن شامل نیمیل ذرب و ارز و جو و کندم و سائر حبوب است و با بس طبع و نیکو  
کنند و رنگ رخساره و محرک اشتها و بسیا رست کنند و قاطع باه و چون عسل اضافه نماید محرک آنست و مورت  
سل و مضرا بدن ضعیفه و مصلحش ماهی تازه و آنچه از جو ترتیب می دهند نفاخ و بی تفریح و مسهل و مفسد باه  
و هاضمه است \* نیمیل الفواکه شرابی است که از آب میوها بعمل می آورند مانند توت شویین و امرو و مثال  
اینها و این بهتر از نیمیل حبوب است و مسکرو سرباع الفساد و نفاخ و مصلحش عسل و ادویه سائر نیمیل

**باب النون مع الشین المعجمه \*** **فصل در ذکر نسخ نشو قات** نیمیل الارز  
بفتح نون و ضم شین و سکون و اوقاف چیزی را کویند از اجسام رطبه که در بینی بکشد و مجذب هوا را در بینی بکشد  
و بچکانند و نیز بخار را فحه چیزی را کویند که به بینی کشند \* نشوق که جهت تقویت دل و دفع غشی و حفاک نافع است  
صنعت آن آب برک مورد صندل سفید بکلاب و سرکه سوده و اندک کافور داخل کرده استنشاق نماید \* نشوق دیگر جهت  
رفع جراحت بینی و چرک آن \* صنعت آن پودنه خشک را نرم سوده با شراب استنشاق نماید جهت تنفیس چرک قله روی  
انزروت سوده اضافه نماید \* نشوق دیگر جهت دفع بد بوئی شامه و سد و مصفاة و تحلیل مواد مخدومه و دفع نیمیل  
منقول از کفایه \* صنعت آن سعل کوفی سنبل الطیب صبر سقوطی زرد قرنفل از هر یک یک دانگ باب برک مرود یا  
پودنه معزج نموده نشوق نماید \* **باب النون مع الضاد المعجمه \*** نیمیل

نماد معجمه و سکون و اروحای مهمله و انجای معجمه نیز آمده خوشبوئی است که در حرمین اشرافیه مستعمل در اندیشه  
صنعت آن خرما و شکر و سیب و قرنفل و زعفران و مانند اینها است با آب در شیشه کرده و سار و سبزه محکم میبندد از دست تا



انیمون از هر يك د و درم خل خمسه درم دهن الورد يك دم ونیم اجزا را در آب طبع نموده بر سر نطول نمایند \* نطول که  
 صلا ع سوداوی را نافع است \* صنعت آن کل بنفشه کل نیلو فرا کلیل المملك یا بونه بیع سوسن آسمانجونی کشک جوسادج  
 هند ی قرنفل از هر يك جزوی همه را در پنج رطل آب بپزند تا بیکرطل رسد پس شب بر سر بپزند و باز آنرا گرم کرده در  
 آفتاب به کرده بارد یکر بر سر بپزند و در سحر نیز بعمل آورند \* نطول دیگر از برای کسانی که با صلا ع بیداری بسیار داشته  
 باشد \* صنعت آن کل بنفشه خشک پوست بیخ خطمی جو مقشر تخم کاهو بیخ لجاج از هر يك کفی در آفتاب به با آب بجوشانند  
 تا آنکه سرخ شود پس مریض در تشتی نشیند و آنرا بر سر آن نطول کنند و قتی که نیم گرم باشد و باز در آفتاب به کرده نیم گرم  
 نموده نطول نمایند چند مرتبه هر روز پس عرق کشند سر آنرا بر روغن کل مخلوط بشیرد ختران که هردو را نیکو بر هم زده  
 باشند \* نطول دیگر نافع از برای سرسام و بیداری \* صنعت آن کل بنفشه خشک تخم کاهو از هر يك پنج درم پوست خشک  
 کل سرخ کل نیلو فر توشه کل وی تر با بونه از هر يك کفی کشک جو پنجاه درم و در نسخه دیگر پنجاه مثقال است مجموع را  
 در ده رطل آب بجوشانند تا بیکرطل رسد صاف کرده بر سر نطول نمایند \* نطول دیگر نافع جهت سرسام ها و رقتیکه از  
 هفتم یکن ردویا آنکه در اصل علت ثقلی و ثباتی باشد \* صنعت آن تمام پودنه سد اب برک نعنای آب اکلیل المملك بابونه در آب  
 جوشانیده نطول نمایند \* نطول دیگر جهت بطلان حفظ و ذکر و مانند آن که از سوء مزاج بارد رطب باشد چون استعمال  
 کرده شود بعد از تطایف به تدبیر و تنقیه بایا رجاء \* صنعت آن با بونه تمام شیت فوتنج مرزنجوش در آب طبع د هند و سر  
 پنجا رآن بد آرند و بر سر نطول نمایند \* نطول دیگر جهت بطلان حفظ و ذکر حادث از سوء مزاج بارد یا بس \* صنعت آن  
 بابونه اکلیل المملك کل بنفشه در آب جوشانیده نطول نمایند \* نطول دیگر جهت فساد ذکر حادث از حرارت و بیوست \* صنعت  
 آن با بونه اکلیل المملك جوشانیده شیر بز روغن سوسن و روغن خیوی داخل کرده بر سر نطول نمایند \* نطول دیگر چون  
 صاحب سکنه سر و اعضا را بدن بارد و آب آن را بر سر و اعضا بپزند و ثقل آنرا کما دن نمایند نفع میلد آنرا \* صنعت  
 آن شبت شیخ ارمنی بابونه بنک اترج پودنه حاشا زوفا اکلیل المملك معترقی صوم جوشانیده سر و اعضا را بپزا رآن  
 بد آرند و آب آنرا نطول نمایند و ثقل آنرا کما دکنند و در نسخه دیگر سد اب نیز داخل دارد \* نطول جهت استرخاء تشنج  
 امثالائی حادث از رطوبت \* صنعت آن شبت مرزنجوش برک فنج کشک که بدهند سیبها لکونیند ورق الغار بونجاسف  
 در آب دریای شور جوشد هند و بر اعضا نطول نمایند \* نطول دیگر که تشنج بیسی را مفید است \* صنعت آن برک  
 کنجد برک کل بنفشه کل نیلو فر برک کاهو یا بونه در آب شیرین طبع نموده نطول نمایند و در نسخه دیگر در آب سوسن  
 نیم گرم نیز نافع است آنرا \* نطول نافع از برای سوء مزاج حار ساذج کوش \* صنعت آن بکیرند و آنرا در آب سرد و سرد  
 و به شازند و آب آنرا بکیرند و بوزن آن آب داخل کنند و قد روی روغن کل و سرکه نیز در آن داخل کنند و آنرا کما دکنند  
 نیز اضافه نمایند و با تش نرم به پزند تا بقوام آید نگاه دارند و در کوش بچکانند \* نطولی که گران کوش از عقب مسهل  
 پیداشد و باشد و سبب آن بخارات باشد زائل گرداند \* صنعت آن با بونه اکلیل المملك قیصوم از هر يك ده درم تمام  
 مرزنجوش از خرمکی پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس کل سرخ از هر يك پنج درم در ده من آب بجوشانند تا به سه  
 برسد سر و کوش را به بخار آن بد آرند \* نطول که سد و بینی بکشاید \* صنعت آن لادن چوب کز شوفیور و آب نجوشانند

و سر به بخار آن بد آرند \* باب النون مع العین المهملة \* نفع معرقن است و نافع

نیز تا مند لطیف ترین نباتات در همه افعال قویتر از پودنه است در آخر دریم گرم و خشک و بغایت صغری و در محل  
 قوت ماسکه و هاضمه و فم معد و مفرح و مرقق خون غلیظ و محلل مواد بارده و ریاح معد و محرک باه و الودع و تشنه





نوشادر کندش فلغل اسطوخودوس ازهر یک قدری کوفته بحریز پیخته بقدر احتیاج در بینی دمند و در نسخه دیگر  
 فلغل داخل نیست \* نفوخیکه مسکوت را بهوش آورد و گفته اند که باید قابله آهنی را سرخ کرده نزد یک سر و بسوزد  
 و این خالی از خطرهای عظیم نیست \* صنعت آن کندش خربق سفید فلغل ازهر یک قدری کوفته اندک اندک در بینی مسکوت  
 دمند \* نفوخ که بد بوئی بینی را ببرد \* صنعت آن ساج سبک قرنفل مساوی کوفته نرم پیخته در بینی دمند \* نفوخ دیگر  
 نیکو است مر آنرا \* صنعت آن قصب الذریره کل نسرين سعد کوفی سنبل الطیب اجزا کوفته بحریز پیخته در بینی دمند \*  
 نفوخ نافع جهت نترس از نف \* صنعت آن سعد کوفی سنبل الطیب قصب الذریره کل نسرين قرنفل ورق الآس مرکب اقا قبا  
 ما زوی شبنم مشکاکا فورسک اجزا نرم کوفته پیخته در بینی دمند \* نفوخ دیگر که رعاف با زدا رد و نترس از نف را زایل کند \*  
 صنعت آن بکیرند اندک کی حضض مکی و قلیل از پارچه کتان سوخته و خاکستر آنرا گرفته با هم ممزوج نموده در بینی دمند \*  
 نفوخ دیگر که رعاف باز دارد \* صنعت آن کاغذ سوخته و دغ محرق ازهر یک یک جز و قلقاط محرق نیم جز و نرم سوده  
 در بینی دمند \* نفوخ دیگر که رعاف باز دارد \* صنعت آن پوست تخم مرغ سوخته کلنا فارسی ما زوی سبز گرد آسبا  
 ازهر یک قدری کوفته بحریز پیخته در بینی دمند \* نفوخ دیگر که رعاف باز دارد \* صنعت آن کلنا فارسی صمغ عربی کرد  
 آسیادام الاخوان ما زوی سبز کوفته پیخته در بینی دمند \* نفوخ دیگر که رعاف باز دارد \* صنعت آن ما زوی سبز شب  
 بمانی نشاسته صمغ عربی کند را نرزوت سفید کوفته پیخته در بینی دمند \* نفوخ دیگر که رعاف باز دارد \* صنعت آن  
 کهر با بسل سوخته ما زوی سبز دقیق کند و نشاسته کلنا فارسی تراشه بلغارسوخته پوست تخم مرغ سوخته صمغ عربی شب  
 یمانی کرد آسیادام الاخوان قشاک کند رکوفته بحریز پیخته در بینی دمند \* نفوخ دیگر که رعاف باز دارد \* صنعت آن پوست  
 تخم مرغ سوخته کاغذ سوخته شاخ کوزن سوخته کلنا فارسی دم الاخوان تراشه بلغاراج سفید محرق ازهر یک قدری  
 کوفته پیخته در بینی دمند \* **باب الئون مع القاف \* فصل در بیان نفوحات \***

بل آنکه نفوح بفتح نون و ضم قاف و سکون و او عین مهمله فوا که و ادویه را کویند که در آب گرم کرده و با بعضی عرقهای  
 عشا سیه شب بخیسند و صبح آب آنرا گرفته بعد مالیدن و یا بدن آن بغیر طبع بنوشند بتهائی یا با آب سرد و بعضی  
 گفته اند که سه شبانه روز باید خیسانید و روز سیوم آشامید و بعضی د و شبانه روز و بعضی گفته اند که در آفتاب باید گذاشت  
 و بعضی گفته اند در زیر سرکین باید دفن کرد و بعضی گفته اند جای گرم نزدیک اجاغ و یا بر خاکستر گرم باید گذاشت و کل  
 اینها با اختلاف ازمنه و فصول و بلدان و حرارت و برودت و در طبع و طبیعت و کثافت و لطافت و در اجرام ادویه و  
 امر به هم میسر کرد و با الجملة باید که فاصله زمانی در میان باشد تا وقت آن ادویه تمام در آب یا در عرق بازنشانی شود و باقی آن  
 و فاصله هم نگردد و در این میان و جوش این و نوش خورد و اعراض آنکه با غریبی یا سرد ادویه بسیار باشد یا بدن آن به تنهایی و جوش  
 و باقی آن و تا است و باید که اجزای نفوحات بدستور مطبوعات انچه احتیاجات اصل و لحا و عروق با سینه  
 سر من لوی هم کوفته نشانی و همچنین بزور د و خوب مانند غلاب و سیبستان او امثال اینها قطعات نشانی و خوب  
 و جوش که باید که صاف و بسیار و در مالیدن اجرام اینها نشانی بیل نجیب الدین مهر قندی در اصل تو اکبر نوشته  
 که نفوحات الطاهره از مطبوعات ساده و طبیعت اینها بصورت مطبوعات ساده نسبت مطبوعات ساده است یعنی  
 نفوحات تقویت داده خشک و سرد در جهت آنکه غلیظ و طبع بازمیداد ادویه را از بدن قوت آنها و مخلوط  
 مسکود اند بعضی اجرام آنها را با آب و تحلیل میدهند اجزای لطیفه آنها را خصوصاً الحجه اجزای آنها را خونی است  
 مطبوعات و کلهها و شکوفهها و بسیاری از خنایش و آب باشد لطافت اجزای ادویه و در تفاوت ترکیب آنها لایحه





[illegible][illegible]

و مرا در مطلق آن کبود است که اطفال انواع است مقوم دل و دماغ و مسکن حرارت آنها و تپهای حار و تشنگی و منوم و مانع ابتلا و جهت درد سر و قروح ظاهر و باطنی و خشکی دماغ و خشونت سینه و سرفه حار و نزله و حصه و جد ری بعد بر وزنه قل ازان که مانع بروز است و باز عفوان و دار چینی تقویت دل و خفغان مغید و چون یکدم ازان را با شراب خشخاش و یا شامام جهت منع جریان منی نافع و مضر متاله و مصلحت نبات و مضریا و مصلح آن لبوبات و قلب رشوبیت از جرم آن تاسه درم و در مطبوخ تا هفت معتدل و بدل آن بنفشه است و سوزن ثمر تازه نرم آن مسکن حرارت و نفاخ و صلب آن ثقیل و بر هضم و بیخ آنرا که بهندی سلکهای نامند خوردن آن جهت سهر و واسهال مزمن و قروح آمعاء و سیلان منی و نگاه داشتن آن در زمان جهت رفع خنای و اکثر امراض خلق نافع و ضامادش جهت درد مثانه و معد و با صبر جهت بهق و با زفت جهت اء الثعلب و اکثر آن مضغ باه و شرب تخمش مضغ قضیب و منجمد کنند منی ضاماد آن جهت نرف الدم و درد مثانه و در و حوض مزاج و سرشش از درد درم تاسه درم \* دهن النیلوفر سود و تر و در افعال مانند روغن بنفشه و در تسکین درد سهرادر قوت و ازان است \* صنعت آن مانند دهن بنفشه است و در حرف الباء و در بنفشه من کور شد \* شربت النیلوفر سد اع حار و تپهای صفراوی و سرفه و ذات الجنب ذات الرئه و خشونت سینه و انافع و طبع را نرم دارد \* صنعت آن حکم و فرتازه یک رطل در چهار رطل آب بخیسانند و بجوشانند و صاف نموده با یک من قند سفید بقوام آورند و در ظرف چینی شیشه نگاه دارند و اگر نیلوفر تازه نباشد ربع یا نصف وزن آن نیلوفر خشک نمایند \* عرق النیلوفر سد اع حار و تپهای صفراوی و در موی و حمیات دقه و سرفه و ذات الجنب و ذات الرئه و خفغان حار را نافع است \* صنعت آن کل نیلوفر تازه یا من با چهار من آب در قلع و انببوق مقطر نموده بقدر حاجت بیا شامند و اگر کل تازه آن نباشد از خشک آن یک چهارک بگیرند \* نینب بکسر نون و سکون یای مینات تختانی و نون و یای موجد و این آنکه کوبند قاعه است در قارسی که لفظی که در آن نون با با موجد ساکنه جمع شود بارایم بدل میکنند مانند دلب و سنب که بارایم بدل میکنند و نون را برای خفت در لسان می اندازند دم و سم میگویند و در فینب نیز چنین نمودند و در تلفظ نون ثانی را ازل امتداد نیم ماند و آنرا رخت هندی است معروف و مشهور بزرگ بمقدار درخت بید و بزرگ تر ازان نیز میشود و کوش مانند خوشه و وسطا کلهای زرد و با عطاریست کمی و خوش منظر ثمر آن بقدر سنجید بسیار کچکی مد و یا اندک طولانی و رسبه و ریخته آن تلخ با اندک شیرینی و آنچه حکیم میر محمد مؤمن در تحفه المؤمنین نوشته اند که آن را در اصفهان سنجید کوهی نامند و در مازندران کنار رود بعضی بلاد معروف بد رخت توز است چند ان اصلي ند اردو برک آن کوچک طولانی شده دارسر برکها تیز و مستعمل برک آن است و نزد اهل هند سود را ول و خشک در دویم و نوزد بعضی معتدل و بخور برک آن جهت درد کوش و اوجاع مغاصل و تحلیل اورام و التیام جراحت و نطول آن برای تحلیل اورام و رفع اوجاع و نضج و مامیل و تقوع و با مطبوخ آب برک آن رافع صفرا و جد ام و مامیل و بیثور و قروح و جروح مجاری بول و رحم و مقعد و بطور عصاره برک تازه آن در بینی و کوش آب رفتن از بینی و کوش باز دارد با عسل خالص درد و جع کوش را تسکین میدهد و جراحت آنرا با صلاح می آورد و مضمضه آب برک تازه آن و یا آب مطبوخ آن جهت تقویت لثه و درد دندان نافع و ضاماد کوبیده آن جهت تحلیل اورام حار و رطبه و نضج دماغ میل و سائید آن جهت رفع تآکیل و سحج جلد که بسبب حرکت و غیر آن بهم رسیده باشد و رویانیدن گوشت زخمهای عمیق و با اندک نمک جهت خوردن گوشت فاسد زخمهای کهنه و نو و تنقیه چرک آن و چون بفتیله آلوده درد من زخمی که دهن آن تنک باشد و خواهند که کشاده گردد بکنارند با عسل کسلی و تنقیه جوف آن میگردد خصوص آنکه بر بالای آن زخم تا بعد یک ورم است برک سائید کرم کرده به بندند

و چون خواهند که ملتهم سازند فتمیله را با برک سائید و آن بی نمک آلوده بکلی ازین و ضماد برک تازه کرم کرده آن مخصوص  
که در برک بیل انجیر یا موز بیچید و در زیر پا کستر کرم نمایند تا فی الحمله بخرقه گردد و زیاد و ظرفی کرم در سرفرا بسته  
بر آتش بکلی ازین تا به بخار و رطوبت خود اندک نصیجی یابد پس بر آورده بر اورام بکلی مال و موجب تحلیل و بانهض انقباض  
آنها میگردد تا ماده چه قسم باشد ولیکن برای اورام حاره در برک موز و دیای بارده در برک بیل انجیر و دیای است و شب نموش  
بقل و بکمه شال حابس اسهال مزمن آورده است و حکیم افضل در محرم بهات خود نوشته که بمر آن کرم و انور و مله و سبک  
و رافع جذام اسهال و شرب آب مطبوخ پوست آن مقل ارد و زنده مثقال عد ریاض بسته است و به انجیر و به سبک و به سرفرا  
برک نینب مقوی معده و هاضم و رافع رطوبات معده و مفتوح و مد ربول است و صنعت آن بکیرند برک نیم برود تا جوش  
دهند جوش کمی و آب تلخ آن را بریزند و با ز جوش دهند و آب آن را بریزند تا تلخی آن بسیار کم گردد پس شکر اصل  
کرده بقوام نقل آورند و برک های یک را در آن اندازند و بی آن شکر آلوده بر آورند و نگاهدارند و غلبه الحاحیت قوی  
احتیاج تناول نمایند و اگر قدری مشک و یا اندک عنبر و زعفران در آن داخل نمایند نیکوتر است و در قفس بلباب  
جهت انقیام جراحات و تحلیل اورام مفید و منافع بسیار دارد گفته اند که تا لب مغاب روغن شمع صندل است  
صنعت آن بکیرند برک نیم را در شش وزن آن آب پچوش نیک با نطف آب بماند و صاف نماید و بکیرند با نیم وزن آن روغن  
کنجد جوش نماید و بکیرند با آب بود و روغن بماند و اگر برک تازه نیم را کوبند و آب آن را بشوید با نیم وزن آن  
روغن کنجد با آتش ملایم طبع نماید تا آب بفته روغن بماند و دفع است لیکن احتیاط نماید که نسوزد و در دهن مزاجیم  
آن جهت انقیام از حمها مخصوص از غیر می و جرب و غیره دفع است صنعت آن مانند دهن کنجد است

فصل در بیان مرقم هائیکه اصل و محمود دران هائینیب است \*

[illegible]



چوب درخت نیم بره ز نند تا تک اخته گردد یکماشه تنکا رویک توله قنبیل و دو ماشه توتیا یا اخضر هندی و یکتوله برگ  
 حنا و یکتوله غنبل الثعلب همه را بسیار نرم سائیده چوب نیم بدن ممزوج نمایند و فرود آورده بکار برند و اگر آتش  
 بپزیده آید و به رابآن ممزوج نمایند بهتر است \* مرهم نیم که از اسرار مکتومه است جهت ناصور و قروح مزمنه و  
 ناصور و قروح چشم نیز سودمند است \* صنعت آن بکیرند روغن کا و تازه هر قل و که خواهند و یکصد و یک مرتبه از  
 آب بشویند پس در ظرف هفت جوش که بهند <sup>کالسا و هشد</sup> هشت دها ت کویند کرده برگ نیم تازه بر آن ریزند و دسته  
 از شاخهای بسیار بایک چوب نیم بهم بسته تا چهل روز مداوم بماند و چون رو بخشکی آرد باز آب برگ نیم تازه  
 داخل نمایند تا طارسی رنگ و سبز مائل بسپاهی کرد و در همان ظرف یا از همان جنس قوتی ساخته نگاه دارند  
 و عند الحاجة بکار برند \* مرهم نیم جمیع زخمهای کهنه را نافع است \* صنعت آن بکیرند روغن کا و چهل مثقال و  
 مکرر آن را بشویند پس بکیرند برگ نیم تر و بگویند نرم و پنج مثقال از آن اقراص در روغن بپزند و بر آتش نهند  
 تا بر آن شود و روغن سیاه گردد و آن را در آن دو مثقال موم سفید دوازده مثقال در حال آنی که نیم گرم باشد  
 پس سرد استنگ بسرکه انگوری کهنه سوده رو مسطح دم الاخوین سفید اب قلعی از هر یک چهار درم کا فور قبضه  
 مروارید ناسته از هر یک یک توله داخل نمایند و بدست و مرهم سازند \* مرهم نیم به نسخه حکیم علی کیلانی \*  
 صنعت آن برگ نیم را در موم روغن بجوشانند تا غلیظ شود و مرهم کرد و از برای جراحت بسیار خوب و مجرب است  
 و در مراهیم نیز مرهم مذکور شد \* کتاب حرف الواو \*

### باب الواو مع الجیم \*

و ج بد آنکه وج بفتح و او جهیم بفارسی اگر ترکی و بهندی بیچ نامند و آن بیچ نباتی است که مانند برد صرد آب ها  
 رویک و بفارسی سوسن زرد گویند برگش از برگ نرگس بزرگتر و از آن عریضتر و درازتر و با خشونت و لبه و ساقش  
 بلند و گلش شبیه سوسن آزاد که زنبق باشد و زرد مائل بسرخ و بعضی گویند بهندی کل آن را را می نامند و آن  
 بیچ آن است و بخشش کرمه ا و بعضی به بعضی پیچیده و در هم بافته و کج و ما بین سفیدی و سرخی و تند طعم مائل  
 به عطریست جالینوس گفته مستعمل بیچ آن است فقط کرم و خشک است در واسطه و مرقه و قوتش قریب بقوت زراوند  
 و ایرسا است و تا چهار سال باقی می ماند و انواع و اقسام می باشد مختار و بهترین آن بزرگ کثیف بسیار خوشبو است  
 مطاف و جالی بیلان و مفتوح و قاطع بلغم و تریاق نهش هوا و مقوم معده و جگر بار دوا ضمه و قوت حافظه و منقّی دماغ و  
 مبهی و محفّف رطوبات مفاصل و مدربول و حیض و مکمل نفخ و ریاح معده و امعاء و جهت درد سینّه و پهلو و سرفه جگر  
 و سحر و مغص و درد سهر و صلابت و کبر آن و شکافتگی عضل و تقطیر بول و حضات و کنت زبان و نیکو کردن رنگ رخساره  
 و ادتی باه و تسخین کرده و رجوع رحم و ضامد و شرب و نطول آن نیز جهت مفاصل و ارام بلغمی و نفخ تحت سپرز و بهق  
 و برص و تشنج بلغمی و فالج و فتق و قیله و فر زجه آن با شیره بادیان و زعفران جهت اعانت بر حمل و اکتحال آن جهت  
 بیاض چشم و غلط قرنیه و جلالی بصیر خصوصاً عصاره آن و جاویدن آن جهت ثقل زبان بی عدیل و جهت درد دندان  
 مفید و جلوس در طبع آن جهت درد رحم نافع و مضر است بسر و مصالح آن را زیاده و در محرومین محرق و اختلاط است مصلح  
 آن سکنجبین و شربتش یک مثقال و بد لش در طرد ریاح و امراض کبد و طحال بوزن آن زیره کرمانی یا ثلث وزن آن ریوند  
 چینی و در مریه و اوجاع و غیرها زراوند طویل است \* جو ارض الودج تا بیف بقولا رس منزل از آن قرابا دین افتدی  
 صالح چلیبی حکیم با شی ابراهیم سلطان قیصر روم نافع جهت امراض صعب و تصفیه حوان و امراض بازده بمزاج مشابه  
 بسیار موافق است \* صنعت آن شقاقل مصری یکصد و پنجاه درم نیم کوفته و آب بخنده از پالایش بکند را نند پس





Class No. 415	Acc. No. 1222	ALL No. { 415 (5) 1222	ACC. No. 1222
Author	Book No. 1222	محمد الکریم زانی	
Title		قرآن مجید	
Borrower's No.	Issue Date		
RECEIVED			



# MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

## RULES: -

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

